AL-QURAN.FR

# خوانش

از 114 تا 1

# القرآن

قرآن از سورهٔ 114 تا سورهٔ 1، در دوازده بخش و یک درگاه

کتابخانهٔ AL-QURAN.FR · جلد 7

*ترجمه: AbuIlyass، با یاری هوش مصنوعی*

*ویرایش ۱.۰ · نوامبر 2026 · ترجمهٔ مهرشده*

# خوانش، از 114 تا 1 — قرآن از سورهٔ 114 تا سورهٔ 1، در دوازده بخش و یک درگاه

ویرایش ۱.۰ · نوامبر 2026 · al-quran.fr

ترجمه و فرهنگ: پروانهٔ CC BY 4.0. بازنشر آزاد، از جمله تجاری، به شرط ذکر «al-quran.fr، ویرایش ۱.۰» و اعلام هر تغییر؛ ترجمهٔ تغییریافته را نمی‌توان ترجمهٔ al-quran.fr معرفی کرد. متن عربی: قلمرو عمومی.

ترجمه مهرشده است. متن، فرهنگ ریشه‌ها و روش، آزادانه در al-quran.fr در دسترس‌اند.

این کار با یاری هوش مصنوعی انجام می‌شود: دو هوش مصنوعی دربارهٔ هر گزینش رودررو بحث می‌کنند؛ AbuIlyass بررسی می‌کند، داوری می‌کند و سخن آخر از آنِ اوست.

# فهرست مطالب

دورهٔ غوغا · از 114 تا 39


XII — از پناه تا اطلاعِ سترگ — سوره‌ها 114 تا 78 · عم — 6

XI — فرمانِ مأموریت در برابر دروغ‌انگاری — سوره‌ها 77 تا 68 · ن — 68

X — پادشاهی خدا و قاعده‌های جامعه — سوره‌ها 67 تا 50 · ق — 112

IX — نوشتارِ فرودآمده در میانهٔ غوغا — سوره‌ها 49 تا 39 · حم · حم عسق — 221


دورهٔ استقرار · از 38 تا 1


VIII — یادآوری: داوود، سلیمان، ایوب — سوره 38 · ص — 346

VII — کارگزاران، سپس فرستاده — سوره‌ها 37 تا 36 · یس — 361

VI — آزمون باورمندان، یاری خدا — سوره‌ها 35 تا 29 · الم — 390

V — موسی و پسران اسرائیل در برابر فرعون — سوره‌ها 28 تا 26 · طسم · طس — 480

IV — فرمان‌برداران بی‌اندازه مهربان، پاسخ‌یافته — سوره‌ها 25 تا 19 · کهیعص · طه — 542

III — روایت‌هایی که نوشتار را تأیید می‌کنند — سوره‌ها 18 تا 10 · الر · المر — 667

II — مفاصاحساب، بازشناسی، سپس لوحه‌ها — سوره‌ها 9 تا 7 · المص — 863

I
**قانون‌گذاری: مصون از تعرّض، روا، ناروا**
*سوره‌ها 6 تا 2 · الم*
971

درگاه · 1

**«ما را به جادهٔ راست راه بنمای»**
*سوره 1*
1259



## این کتاب را چگونه بخوانیم

این کتاب قرآن را در آینه خوانده می‌آورد، از سورهٔ 114 تا سورهٔ 1، جمله به جمله: ترجمهٔ فارسی، سپس متن عربی.

کتاب در هر دو سو خوانده می‌شود: به ترتیب خودش، رشتهٔ متن را دنبال می‌کنیم که سوره پس از سوره دوخته شده است؛ در آینه، رشتهٔ رویدادها را دنبال می‌کنیم، وعده پیش از تحقق: «چون یاری خدا می‌آید، و گشایش» (110:1)، سپس «ما همانا برای تو گشایشی درخشان گشودیم» (48:1).

متن خود می‌گوید از کجا باید آغاز کرد: «چون خوانش را می‌خوانی، پناه خدا را از منحرف‌کنندهٔ رانده‌شده بجوی» (16:98). کتاب چون در این سو خوانده شود، با سوره‌های پناه، 114 و 113، گشوده می‌شود و با درخواستِ فاتحه به پایان می‌رسد: «ما را به جادهٔ راست راه بنمای» (1:6).

سوره‌ها در دوازده بخش و یک درگاه جای می‌گیرند. هر بخش با سورهٔ دارای حروف مقطعهٔ خود بسته می‌شود. صفحه‌ای آغازین برای هر بخش، دوره، مرحله، حروف، عنوان و آنچه را روایت می‌کند می‌آورد.

دو دوره از پی هم می‌آیند: دورهٔ غوغا، از 114 تا 39، سپس دورهٔ استقرار، از 38 تا 1. فاتحه در پایان می‌آید، همچون یک درگاه.

هر جمله از درنگ‌های برخواندن پیروی می‌کند: ممکن است از یک بند کوتاه‌تر باشد یا چند بند را دربر گیرد. شمارهٔ کوچکِ پایان جمله، شمارهٔ بندی است که همان‌جا به پایان می‌رسد. متن عربی همان روایت حفص است، جز در چند واژه که ترجمه در آن‌ها از قرائتی دیگر از همان متنِ نوشته پیروی می‌کند؛ این واژه‌ها ارجاعی به سوی پیوست دارند.

---

این ترجمه با پروانهٔ CC BY 4.0 منتشر شده است: می‌توان آن را آزادانه بازنشر کرد، به شرط ذکر «al-quran.fr، ویرایش ۱.۰۶» و اعلام هر تغییر. متن عربی در قلمرو عمومی است.

XII

# عم

# از پناه تا اطلاعِ سترگ

سوره‌ها 114 تا 78

همهٔ داستان، داستان جامعه‌ای ناتوان، نابسامان و آزاردیده است که نمی‌تواند به جایگاه پناهی برود که خدا نهاده است: «برای انسان‌ها نهادیم، همه برابر، چه مقیم در آن‌جا چه رهگذر» (22:25)، و نگهبانانش نخستین نقش آن را فراموش کرده‌اند: «و تماس آنان، نزد خانه، تنها هیاهو و انسداد بود» (8:35). این بخش، صحنه‌آرایی این داستان است: سرزمینی که فرستاده در آن ساکن است، «این سرزمین امن» (95:3)، سرزمینِ انجیر و زیتون و کوه سینا، خانهٔ قریش و سفر زمستان و تابستانشان، شبِ اندازه، سپیده‌دم و ده شب، و در پیرامون ویرانه‌ها: عاد، ثمود، فرعون، و شهرِ واژگون‌شده زیر «سنگ‌هایی از گل شکل گرفته» (105:4). سوره‌های 114 تا 112 واژه‌هایی به او می‌دهند تا خود را در پناه خدا بگذارد و بگوید به نام چه کسی سخن خواهد گفت؛ سورهٔ 111 حکمی از خدای یگانه است، که در آن دارایی رهایی نمی‌بخشد؛ سورهٔ 110 یاری و گشایش را وعده می‌دهد؛ سورهٔ 109 پیام را با نخستین اعلام به مردم می‌گشاید: «برای شما قانون شما، و برای من قانون من» (109:6). سپس متن به سوی فرستاده‌ای بازمی‌گردد که از فراوانی سرشار شده است، چهرهٔ وارونهٔ کسی را نشان می‌دهد که یتیم را می‌راند، به قریش یادآوری می‌کند چه کسی خوراکشان می‌دهد و شهرِ واژگون‌شده را بر آستانهٔ درشان به آنان نشان می‌دهد، پیش از آنان که می‌انبارند و روزی که همه چیز در آن سنجیده می‌شود. در مرکز، برهان روشن می‌آید و شبِ اندازه، «آرامش است، تا پدیدار شدن سپیده‌دم» (97:5): این شب دهه‌ای از اندرز را به پایان می‌برد. با فرمانِ «بخوان، به نام سرپرستت که آفرید!» (96:1)، اندرز به تهدید بدل می‌شود؛ سپس فرستاده خود را برافراشته، سبک‌بار، پناه‌داده و در برابر یتیم مسئول می‌بیند، آنگاه دو راه می‌آیند، سوگند به سپیده‌دم و ده شب، که در آن ندا نخستین بار به یک خویشتن می‌رسد، فرمانِ یادآوری بی‌اجبار، باورمندانِ آزاردیدهٔ گودال، دفتر و آن لحظه. بخش با عین میم

و اطلاعِ سترگ بسته می‌شود: در روز جدایی، که در آن «شما گروه‌گروه خواهید آمد» (78:18)، جدایی‌ای که در سورهٔ 109 آغاز شده بود به پایان می‌رسد.

### مرحله 1 · اطلاع

جامعه‌ای بی‌نیرو، که از خانه دور نگه داشته شده است، پیامی در فرمان‌هایی کوتاه دریافت می‌کند. صحنه چیده می‌شود: سرزمینی امن که فرستاده در آن ساکن است، خانهٔ قریش که خوراک یافته‌اند و ایمن گشته‌اند، ویرانه‌های عاد، ثمود و فرعون، و شهرِ واژگون‌شده در تیررس نگاه. در مرکز، یتیم و تنگ‌دست: آن که سررسید را دروغ می‌انگارد آنان را می‌راند، آن که سرپرستش او را نواخته است گرامی‌شان نمی‌دارد، و فراتر رفتن از آنچه به عقب بازمی‌گرداند، خوراک دادن به آنان است در روز قحطی. به آن که خود یتیم و تهی‌دست بوده است گفته می‌شود: «و اما یتیم را، پس او را سرکوب مکن» (93:9). دهه‌ای از اندرز، که از یک زندگی بهتر است، در سپیده‌دمِ شبِ اندازه به پایان می‌رسد؛ پس از آن، تهدید می‌آید، و کارگزارانِ فرودآمده در آرامش صف‌صف می‌آیند. در پیرامون، ستم‌ها نام برده می‌شوند: تقلب‌کاران، رقابت برای انباشتن، کسانی که باورمندان را آزار می‌دهند؛ و کشمکش بر سر اطلاعِ سترگ به روز جدایی می‌گشاید.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

نخستین زیان‌دیدگان یتیم و تنگ‌دست‌اند: یکی را می‌رانند، به خوراک دادن دیگری ترغیب نمی‌کنند، میراث را می‌بلعند، در پیمانه تقلب می‌کنند؛ و راه دشوار آن است که شخص «در روز قحطی به یتیمی از میان نزدیکان خوراک داده باشد، یا به تنگ‌دستی چسبیده به خاک» (90:16). فرستاده، که خود یتیمی پناه‌داده است، فرمانی وارونه دریافت می‌کند: «و اما یتیم را، پس او را سرکوب مکن» (93:9)، و خواهنده را نباید راند. مردان و زنان باورمند در گودالی سوزانده می‌شوند، در برابر چشمان شکنجه‌گرانشان، تنها به‌خاطر باورشان؛ و از دخترکِ زنده‌به‌گورشده پرسیده خواهد شد «به چه تقصیر کشته شده است» (81:9). نگهبانان خانه کسانی‌اند که سرپرست این خانه «از گرسنگی خوراک داده است و از ترس ایمن ساخته است» (106:4)، اما باورمندان به آن راه ندارند؛ آرامش هنوز جز یک شب نیست، و فرمانی که داده می‌شود جدا شدن بی‌خشونت است: «تو بر آنان هیچ اختیار اجباری نداری» (88:22).

عین میم (78:1)، سپس: «آنان از یکدیگر دربارهٔ اطلاع سترگ می‌پرسند» (78:2).

# النَّاس • AN-NAS

سوره 114 · 6 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بگو: «من خود را در پناه سرپرستِ انسان‌ها می‌گذارم، فرمانروای انسان‌ها، ایزدِ انسان‌ها، از بدی وسوسه‌گرِ پس‌رونده، آن‌که در سینه‌های انسان‌ها وسوسه می‌کند، از نهانیان یا از انسان‌ها.»[1-6]

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ [1] مَلِكِ ٱلنَّاسِ [2] إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ [3] مِن شَرِّ ٱلْوَسْوَاسِ ٱلْخَنَّاسِ [4] ٱلَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ ٱلنَّاسِ [5] مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ [6]

# الفلق • AL-FALAQ

سوره 113 · 5 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بگو: «من خود را در پناه سرپرستِ شکافتن می‌گذارم، از بدی آنچه آفریده است، و از بدی تاریکی‌ای چون درآید، و از بدی آنان که در گره‌ها می‌دمند و دوباره می‌دمند، و از بدی رشک‌ورزی چون رشک می‌ورزد.»[1-5]

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ [1] مِن شَرِّ مَا خَلَقَ [2] وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ [3] وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِى ٱلْعُقَدِ [4] وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ [5]

# الاخلاص • AL-IKHLAS

سوره 112 · 4 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بگو: «او خدا است، یگانگیِ مطلق.[1]

قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ [1]

خدا، نفوذناپذیر.[2]

ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ [2]

او نزاده است، و زاییده نشده است.[3]

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ [3]

و هیچ‌کس همتای او نیست.»[4]

وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ [4]

# المسد • AL-MASAD

سوره 111 · 5 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

دو دستِ پدرِ شعله نابود باد، و خود نابود شده است.[1]

تَبَّتْ يَدَآ أَبِى لَهَبٍ وَتَبَّ [1]

مالش و آنچه به دست آورد او را به هیچ کار نیامد.[2]

مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ [2]

او در آتشی از شعله خواهد سوخت، و همسرش نیز،[3]

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ [3] وَٱمْرَأَتُهُۥ

آن‌که بی‌وقفه هیزم می‌برد، طنابی از لیفِ تابیده بر گردنش.[4-5]

حَمَّالَةَ ٱلْحَطَبِ [4] فِى جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ [5]

# النصر • AN-NASR

سوره 110 · 3 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون یاری خدا می‌آید، و گشایش، و تو مردم را می‌بینی که گروه‌گروه به قانون خدا وارد می‌شوند، پس با ستایش، سرپرستت را شکوه بسرا، و از او بخشایش بخواه،[1-2]

إِذَا جَآءَ نَصْرُ ٱللَّهِ وَٱلْفَتْحُ [1] وَرَأَيْتَ ٱلنَّاسَ يَدْخُلُونَ فِى دِينِ ٱللَّهِ أَفْوَاجًا [2] فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَٱسْتَغْفِرْهُ

زیرا او آن است که بی‌وقفه بازمی‌گردد.[3]

إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابًۢا [3]

# الكافرون • AL-KAFIRUN

سوره 109 · 6 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بگو: «ای انکارکنندگان! من از آنچه شما از آن فرمان می‌برید فرمان نمی‌برم، و شما، شما، فرمان‌بردار آنچه من از آن فرمان می‌برم نیستید.[1–3]

قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْكَٰفِرُونَ [1] لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ [2] وَلَآ أَنتُمْ عَٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ [3]

و من، من، فرمان‌بردار آنچه شما از آن فرمان برده‌اید نیستم، و شما، شما، فرمان‌بردار آنچه من از آن فرمان می‌برم نیستید.[4–5]

وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ [4] وَلَآ أَنتُمْ عَٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ [5]

برای شما قانون شما، و برای من قانون من.»[6]

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ [6]

# الکوثر • AL-KAWTHAR

سوره 108 · 3 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ما تو را همانا فراوانی عطا کرده‌ایم. پس تماس ببند برای سرپرستت، و به فراوانی ببخش،[1-2]

إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ ٱلْكَوْثَرَ [1] فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ [2]

زیرا آن‌که از تو نفرت دارد، خود اوست که بریده است.[3]

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلْأَبْتَرُ [3]

# الماعون • AL-MA'UN

سوره 107 · 7 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آیا دیده‌ای آن‌که سررسید را دروغ می‌انگارد؟ او همان است که با یتیم درشتی می‌کند، و به خوراک دادن به تنگ‌دست ترغیب نمی‌کند. [1–3]

أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ [1] فَذَٰلِكَ ٱلَّذِى يَدُعُّ ٱلْيَتِيمَ [2] وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ [3]

پس وای بر کسانی که تماس می‌بندند، اما ذهنشان از تماس‌شان غایب است، که از سر خودنمایی عمل می‌کنند و کمک را بازمی‌دارند. [4–7]

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ [4] ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ [5] ٱلَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ [6] وَيَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ [7]

## قریش • QURAYSH

سوره 106 · 4 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

برای همنوایی قریش، همنوایی‌شان در سفر زمستان و تابستان،[1-2]

لِإِيلَٰفِ قُرَيْشٍ [1] إِۦلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيْفِ [2]

پس باید از سرپرست این خانه فرمان ببرند، که آنان را از گرسنگی خوراک داده است و از ترس ایمن ساخته است.[3-4]

فَلْيَعْبُدُوا۟ رَبَّ هَٰذَا ٱلْبَيْتِ [3] ٱلَّذِىٓ أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفٍۭ [4]

# الفيل • AL-FIL

سوره 105 · 5 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آیا ندیده‌ای که سرپرستت با یاران بی‌خردی چگونه رفتار کرد؟[1]

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَٰبِ ٱلْفِيلِ [1]

آیا نیرنگ آنان را گمراه نکرد؟ و آیا بر آنان پرندگانی تنومند نفرستاد، که بر آنان سنگ‌هایی از گل شکل‌گرفته می‌افکندند؟ و آیا بدین‌سان آنان را به حالت پوستهٔ دانهٔ خورده‌شده درنیاورد؟[2–5]

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِى تَضْلِيلٍ [2] وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ [3] تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ [4] فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ [5]

# الهمزة • AL-HUMAZA

سوره 104 · 9 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

وای بر هر بدگوی نیش‌زن، سرزنش‌گر به کنایه، که مال می‌اندوزد و آن را می‌شمارد، می‌پندارد که مالش او را جاودانه کرده است. نه چنین![1-3]

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۝١ ٱلَّذِى جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُۥ ۝٢ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخْلَدَهُۥ ۝٣ كَلَّا

او بی‌گمان در خردکننده افکنده خواهد شد.[4]

لَيُنۢبَذَنَّ فِى ٱلْحُطَمَةِ ۝٤

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که خردکننده چیست؟[5]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحُطَمَةُ ۝٥

آتش خدا، افروخته، که تا آگاهی‌ها بالا می‌رود.[6-7]

نَارُ ٱللَّهِ ٱلْمُوقَدَةُ ۝٦ ٱلَّتِى تَطَّلِعُ عَلَى ٱلْأَفْـِٔدَةِ ۝٧

آن بر آنان همانا قفل‌شده است، در ستون‌هایی کشیده.[8-9]

إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ ۝٨ فِى عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍۭ ۝٩

## العصر • AL-ASR

سوره 103 · 3 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به فشار! انسان بی‌گمان در زیان است، به استثنای کسانی که باور آوردند، کردارهای شایسته به‌جا آوردند، و یکدیگر را به حقیقت سفارش کردند و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کردند.[1–3]

وَٱلْعَصْرِ [1] إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَفِى خُسْرٍ [2] إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْحَقِّ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ [3]

# التكاثر • AT-TAKATHUR

سوره 102 · 8 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

رقابت برای انباشتن شما را سرگرم کرد، تا آنکه به گورها سر زدید.[1-2]

أَلْهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ [1] حَتَّىٰ زُرْتُمُ ٱلْمَقَابِرَ [2]

نه چنین! به‌زودی خواهید دانست. سپس، نه چنین! به‌زودی خواهید دانست.[3-4]

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ [3] ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ [4]

نه چنین! کاش می‌دانستید، با دانشی یقینی.[5]

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ ٱلْيَقِينِ [5]

بی‌گمان کوره را خواهید دید. سپس بی‌گمان آن را با چشمِ یقین خواهید دید. سپس بی‌گمان، در آن روز، دربارهٔ دهش پرسیده خواهید شد.[6-8]

لَتَرَوُنَّ ٱلْجَحِيمَ [6] ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ ٱلْيَقِينِ [7] ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ [8]

# القارعة • AL-QARI'A

سوره 101 · 11 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

کوبنده. کوبنده چیست؟[1-2]

ٱلْقَارِعَةُ [1] مَا ٱلْقَارِعَةُ [2]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که کوبنده چیست؟[3]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْقَارِعَةُ [3]

روزی که مردم چون پروانه‌هایی پراکنده خواهند بود، و کوه‌ها چون پشم حلاجی‌شده خواهند بود.[4-5]

يَوْمَ يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلْفَرَاشِ ٱلْمَبْثُوثِ [4] وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ٱلْمَنفُوشِ [5]

اما آن‌که ترازوهایش سنگین خواهد بود، در زیستی خرسندکننده خواهد بود.[6-7]

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ [6] فَهُوَ فِى عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ [7]

و اما آن‌که ترازوهایش سبک خواهد بود، ژرفنا جایگاه او خواهد بود.[8-9]

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ [8] فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٌ [9]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که آن چیست؟[10]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا هِيَهْ [10]

آتشی سوزان.[11]

نَارٌ حَامِيَةٌۢ [11]

# العاديات • AL-ADIYAT

سوره 100 · 11 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به آنان که مرزها را درمی‌نوردند، نفس‌زنان، که با برخوردهایشان جرقه می‌افروزند، که بامدادان یورش می‌برند، و بدین‌سان غبار برمی‌انگیزند، و از میان آن به میان ازدحامی وارد می‌شوند! انسان بی‌گمان نسبت به سرپرستش نمک‌نشناسی سرکشانه دارد، و بی‌گمان خود بر آن گواه است، و برای دوستی نیکی بی‌گمان سخت پرشور است.[1–8]

وَٱلْعَٰدِيَٰتِ ضَبْحًا [1] فَٱلْمُورِيَٰتِ قَدْحًا [2] فَٱلْمُغِيرَٰتِ صُبْحًا [3] فَأَثَرْنَ بِهِۦ نَقْعًا [4] فَوَسَطْنَ بِهِۦ جَمْعًا [5] إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٌ [6] وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ [7] وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلْخَيْرِ لَشَدِيدٌ [8]

پس آیا نمی‌داند که چون آنچه در گورهاست زیر و رو خواهد شد، و آنچه در سینه‌هاست بیرون کشیده خواهد شد، سرپرستشان، در آن روز، بی‌گمان دربارهٔ آنان باخبر خواهد بود؟[9–11]

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِى ٱلْقُبُورِ [9] وَحُصِّلَ مَا فِى ٱلصُّدُورِ [10] إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌۢ [11]

# الزلزلة • AZ-ZALZALA

سوره 99 · 8 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون زمین با لرزش خود خواهد لرزید، و چون زمین بارهای خود را بیرون خواهد افکند، و انسان خواهد گفت: «پس او را چه شده است؟»، در آن روز، او گزارش‌های خود را خواهد گفت، زیرا سرپرستت به دل او افکنده خواهد بود.[1-5]

إِذَا زُلْزِلَتِ ٱلْأَرْضُ زِلْزَالَهَا [1] وَأَخْرَجَتِ ٱلْأَرْضُ أَثْقَالَهَا [2] وَقَالَ ٱلْإِنسَٰنُ مَا لَهَا [3] يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا [4] بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا [5]

در آن روز، مردم در گروه‌هایی پراکنده بازخواهند گشت تا کردارهایشان به آنان نشان داده شود.[6]

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ ٱلنَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا۟ أَعْمَٰلَهُمْ [6]

هر که نیکی‌ای به سنگینیِ یک ذره کند، آن را خواهد دید،[7]

فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُۥ [7]

و هر که بدی‌ای به سنگینیِ یک ذره کند، آن را خواهد دید.[8]

وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ [8]

# البينة • AL-BAYYINA

سوره 98 · 8 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

کسانی که انکار کردند از دارندگان نوشتار و انبازگیرندگان دست نمی‌کشیدند، تا آنکه برهان روشن بر آنان بیاید:[1]

لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ [1]

فرستاده‌ای از جانب خدا، که سالنامه‌هایی پاک‌شده برمی‌خواند، دربردارندهٔ نوشته‌هایی با راستی کامل.[2-3]

رَسُولٞ مِّنَ ٱللَّهِ يَتۡلُواْ صُحُفٗا مُّطَهَّرَةٗ [2] فِيهَا كُتُبٞ قَيِّمَةٞ [3]

و کسانی که به آنان نوشتار داده شده است، فقط پس از آنکه برهان روشن بر آنان رسید، دچار چنددستگی شدند.[4]

وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ [4]

و به آنان دستور داده نشده بود مگر آنکه از خدا فرمان ببرند، قانون را تنها به او اختصاص دهند، یکسره روی‌آورنده به او، تماس را پابرجا نگه دارند و گشاده‌دستی ناب را بدهند.

وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و این است قانونِ راستی.[5]

وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ [5]

کسانی که انکار کردند از دارندگان نوشتار و انبازگیرندگان همانا در آتش جهنم خواهند بود، تا جاودانه در آن بمانند. اینان بدترین کسانی‌اند که هستی دریافت کرده‌اند.[6]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ [6]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، اینان بهترین کسانی‌اند که هستی دریافت کرده‌اند.[7]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ [7]

بازپرداخت آنان، نزد سرپرستشان، باغ‌های پایایی خواهد بود که رودها از زیر آن‌ها جاری است، تا در آن جاودانه بمانند، جاودانه.

جَزَآؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا

خدا از آنان خرسند است، و آنان از او خرسندند.

رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ

این ویژهٔ کسی است که از سرپرستش بیم دارد.[8]

ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِىَ رَبَّهُۥ [8]

# القدر • AL-QADR

سوره 97 · 5 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ما آن را همانا در شبِ اندازه فرود آورده‌ایم.[1]

إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ [1]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که شبِ اندازه چیست؟[2]

وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ [2]

شبِ اندازه از هزار ماه بهتر است.[3]

لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ [3]

در آن، کارگزاران و جریان فرود می‌آیند، با اجازهٔ سرپرستشان، برای هر دستور.[4]

تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ [4]

آن آرامش است، تا پدیدار شدن سپیده‌دم.[5]

سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ [5]

# العلق • AL-ALAQ

سوره 96 · 19 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بخوان، به نام سرپرستت که آفرید![1]

ٱقْرَأْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلَّذِى خَلَقَ [1]

انسان را از چسبندگی آفرید.[2]

خَلَقَ ٱلْإِنسَٰنَ مِنْ عَلَقٍ [2]

بخوان! و سرپرستت بسیار گشاده‌دست است، آن‌که با قلم آموخت، به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت.[3-5]

ٱقْرَأْ وَرَبُّكَ ٱلْأَكْرَمُ [3] ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ [4] عَلَّمَ ٱلْإِنسَٰنَ مَا لَمْ يَعْلَمْ [5]

نه چنین! انسان بی‌گمان از هر حدی می‌گذرد، چون خود را توانگر می‌بیند.[6-7]

كَلَّآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَيَطْغَىٰٓ [6] أَن رَّءَاهُ ٱسْتَغْنَىٰٓ [7]

بازگشت به سوی سرپرستت است.[8]

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجْعَىٰٓ [8]

آیا دیده‌ای کسی را که فرمان‌برداری را، هنگامی که تماس می‌بندد، منع می‌کند؟[9-10]

أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يَنْهَىٰ [9] عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰٓ [10]

ببین آیا او بر راهنمایی است، یا به احتیاط دستور می‌دهد؟[11-12]

أَرَءَيْتَ إِن كَانَ عَلَى ٱلْهُدَىٰٓ [11] أَوْ أَمَرَ بِٱلتَّقْوَىٰٓ [12]

ببین آیا دروغ می‌انگارد و پشت می‌کند؟ آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟[13-14]

أَرَءَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ [13] أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ ٱللَّهَ يَرَىٰ [14]

نه چنین! اگر بازنایستد، بی‌گمان ما او را سخت از کاکُل خواهیم گرفت، کاکُلی دروغ‌گو و خطاکار![15-16]

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًۢا بِٱلنَّاصِيَةِ [15] نَاصِيَةٖ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٖ [16]

پس او حلقهٔ خود را فراخواند؛ ما کسان ما را فراخواهیم خواند.[17-18]

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُۥ [17] سَنَدْعُ ٱلزَّبَانِيَةَ [18]

نه چنین! به او گردن نِه، اما پیشانی بر خاک بنه و نزدیک شو.[19]

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَٱسْجُدْ وَٱقْتَرِب [19]

# التين • At-Tin

سوره 95 · 8 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به انجیر و زیتون! و به کوه سینا! و به این سرزمین امن! ما همانا انسان را در زیباترین ساختار آفریده‌ایم، سپس او را به پست‌ترین پست‌ها بازگردانده‌ایم، به استثنای کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند: برای آنان پاداشی است که به رخ‌شان کشیده نخواهد شد.[1-6]

وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ [1] وَطُورِ سِينِينَ [2] وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ [3] لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ [4] ثُمَّ رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ [5] إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ [6]

پس چه چیز، پس از این، تو را به دروغ‌انگاشتن سزرسید وامی‌دارد؟[7]

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعۡدُ بِٱلدِّينِ [7]

آیا خدا دادگرترین داوران نیست؟[8]

أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ [8]

# الانشراح • ASH-SHARH

سوره 94 · 8 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آیا سینهٔ تو را نگشوده‌ایم؟ آیا بارت را برنداشته‌ایم، که بر پشتت سنگینی می‌کرد؟ و آیا یادآوری تو را بلند نکرده‌ایم؟[1-4]

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝١ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝٢ ٱلَّذِىٓ أَنقَضَ ظَهْرَكَ ۝٣ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝٤

زیرا در کنار دشواری، همانا آسانی‌ای هست. در کنار دشواری، همانا آسانی‌ای هست.[5-6]

فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ۝٥ إِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ۝٦

هرگاه رها شدی، کوشش خود را راست کن، و به سوی سرپرستت، شور خود را بگردان.[7-8]

فَإِذَا فَرَغْتَ فَٱنصَبْ ۝٧ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرْغَب ۝٨

# الضحى • AD-DUHA

سوره 93 · 11 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به روشنایی بامدادی! سوگند به شب چون آرام می‌گیرد! سرپرستت تو را رها نکرده است و از تو بیزار نشده است.[1-3]

وَٱلضُّحَىٰ [1] وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ [2] مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ [3]

و زندگی واپسین برای تو بسیار بهتر از نخستین است.[4]

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ ٱلْأُولَىٰ [4]

و سرپرستت همانا مقرری‌های خود را به تو عطا خواهد کرد، و تو خشنود خواهی شد.[5]

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰٓ [5]

آیا تو را یتیم نیافته است، سپس جا نداده است؟ آیا تو را گمراه نیافته است، سپس راه ننموده است؟ آیا تو را تهی‌دست نیافته است، سپس توانگر نساخته است؟[6-8]

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَـَٔاوَىٰ [6] وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدَىٰ [7] وَوَجَدَكَ عَآئِلًا فَأَغْنَىٰ [8]

و اما یتیم را، پس او را سرکوب مکن.[9]

فَأَمَّا ٱلْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ [9]

و اما درخواست‌کننده را، به او پرخاش مکن.[10]

وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ [10]

و اما دهش سرپرستت را، آن را بازگوی.[11]

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ [11]



# اللیل • AL-LAYL

سوره 92 · 21 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به شب چون همه چیز را می‌پوشاند! سوگند به روز چون آشکار می‌شود! سوگند به آنچه نر و ماده را آفرید! کوشش‌های شما بی‌گمان پراکنده است.[1-4]

وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰ [1] وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ [2] وَمَا خَلَقَ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ [3] إِنَّ سَعۡيَكُمۡ لَشَتَّىٰ [4]

اما آن‌که عطا می‌کند، محتاط می‌شود و زیباترین را راست‌گو می‌شمارد، ما راه را برای او به سوی آسانی آسان خواهیم ساخت.[5-7]

فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ [5] وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ [6] فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ [7]

اما آن‌که بخل می‌ورزد، خود را توانگر می‌بیند و زیباترین را دروغ می‌انگارد، ما راه را برای او به سوی دشواری آسان خواهیم ساخت.[8-10]

وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسۡتَغۡنَىٰ [8] وَكَذَّبَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ [9] فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡعُسۡرَىٰ [10]

و مالش او را به هیچ کار نخواهد آمد، چون سقوط خواهد کرد.[11]

وَمَا يُغۡنِي عَنۡهُ مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ [11]

بی‌گمان راهنمایی بر عهدهٔ ماست، و بی‌گمان زندگی واپسین و زندگی نخستین از آنِ ماست.[12-13]

إِنَّ عَلَيۡنَا لَلۡهُدَىٰ [12] وَإِنَّ لَنَا لَلۡأٓخِرَةَ وَٱلۡأُولَىٰ [13]

پس من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد هشدار داده‌ام، که در آن فقط بدبخت‌ترین خواهد سوخت، آن‌که دروغ انگاشت و پشت کرد.[14-16]

فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ [14] لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى [15] الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ [16]

و محتاط‌ترین از آن دور نگه داشته خواهد شد، آن‌که مال خود را می‌دهد تا خود را پاک کند،[17-18]

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى [17] الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ [18]

و هیچ‌کس نزد او دهشی ندارد که بازپرداخت شود، مگر برای جست‌وجوی سوی سرپرستش، بسیار بالا.[19-20]

وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ [19] إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ [20]

و او همانا به‌زودی خشنود خواهد شد.[21]

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ [21]

# الشمس • ASH-SHAMS

سوره 91 · 15 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به خورشید و روشنایی بامدادی‌اش! سوگند به ماه چون در پی آن می‌آید! سوگند به روز چون آن را آشکار می‌سازد! سوگند به شب چون آن را می‌پوشاند! سوگند به آسمان و آنچه آن را ساخت! سوگند به زمین و آنچه آن را گسترد! سوگند به خویشتنی، و آنچه آن را شکل داد، سپس تبهکاری و احتیاطش را به دل او افکند! همانا رستگار شده است آن‌که آن را پاک می‌کند، و همانا ناکام شده است آن‌که آن را فرو می‌کند. [1-10]

وَٱلشَّمْسِ وَضُحَىٰهَا [1] وَٱلْقَمَرِ إِذَا تَلَىٰهَا [2] وَٱلنَّهَارِ إِذَا جَلَّىٰهَا [3] وَٱلَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا [4] وَٱلسَّمَآءِ وَمَا بَنَىٰهَا [5] وَٱلْأَرْضِ وَمَا طَحَىٰهَا [6] وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّىٰهَا [7] فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا [8] قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّىٰهَا [9] وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا [10]

ثمود با حدشکنی‌شان دروغ انگاشتند، آنگاه که بدبخت‌ترین از میان‌شان برخاست. فرستادهٔ خدا آنگاه به آنان گفت: «شتر مادهٔ خدا و آبشخور او!» اما او را دروغ انگاشتند و پی‌اش کردند. پس سرپرستشان آنان را به‌سبب تقصیرشان خرد کرد، و همواره‌شان ساخت. [11-14]

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَىٰهَآ [11] إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشْقَىٰهَا [12] فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقْيَٰهَا [13] فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمْ فَسَوَّىٰهَا [14]

پس او از فرجام آن نمی‌ترسد. **(1)** [15]

فَلَا يَخَافُ عُقْبَٰهَا [15] **(1)**

# البلد • AL-BALAD

سوره 90 · 20 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

نه! من سوگند می‌خورم به این سرزمین، و تو، تو در آن مقیمی، و به زاینده و آنچه زاییده است! ما همانا انسان را در رنج آفریده‌ایم.[1-4]

لَآ أُقْسِمُ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ [1] وَأَنتَ حِلٌّۢ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ [2] وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ [3] لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِى كَبَدٍ [4]

آیا می‌پندارد که هرگز هیچ‌کس هیچ کاری بر ضد او نخواهد توانست؟ می‌گوید: «مالی کوه‌کوه نابود کردم!»[5-6]

أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ [5] يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا [6]

آیا می‌پندارد که هیچ‌کس او را ندیده است؟[7]

أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ [7]

آیا برای او دو چشم و یک زبان و دو لب قرار نداده‌ایم، و آیا او را بر دو راه راه ننموده‌ایم؟[8-10]

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُۥ عَيْنَيْنِ [8] وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ [9] وَهَدَيْنَٰهُ ٱلنَّجْدَيْنِ [10]

اما از آنچه به عقب بازمی‌گرداند فراتر نتاخت.[11]

فَلَا ٱقْتَحَمَ ٱلْعَقَبَةَ [11]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که آنچه به عقب بازمی‌گرداند چیست؟[12]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْعَقَبَةُ [12]

آن است که در گرو مانده‌ای را بازخرید کرده باشد، یا در روز قحطی به یتیمی از میان نزدیکان خوراک داده باشد، یا به تنگ‌دستی چسبیده به خاک. (2) 13-16

فَكُّ رَقَبَةٍ 13 أَوْ أَطْعَمَ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ 14 يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ 15 أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ 16 (2)

سپس، آن است که از کسانی بوده باشد که باور آوردند و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کردند، و یکدیگر را به مهربانی سفارش کردند. 17

ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوْاْ بِٱلصَّبْرِ وَتَوَاصَوْاْ بِٱلْمَرْحَمَةِ 17

اینان یاران سمت راست‌اند. 18

أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ 18

و کسانی که نشانه‌های ما را انکار کردند، اینان یاران سمت چپ‌اند. 19

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا هُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ 19

بر آنان، آتشی قفل‌شده. 20

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌ 20

# الفجر • AL-FAJR

سوره 89 · 30 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به سپیده‌دم! سوگند به ده شب! سوگند به میانجی‌گری و به ناکامی! سوگند به شب چون می‌گذرد! آیا در این سوگندی نیست برای کسی که خویشتن‌داری دارد؟[1-5]

وَٱلْفَجْرِ [1] وَلَيَالٍ عَشْرٍ [2] وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ [3] وَٱلَّيْلِ إِذَا يَسْرِ [4] هَلْ فِى ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِى حِجْرٍ [5]

آیا ندیده‌ای که سرپرستت با عاد چگونه رفتار کرد، ارم دارای ستون‌ها، که مانندش هرگز در سرزمین‌ها آفریده نشده بود؟ و با ثمود که صخره را در دره می‌تراشیدند؟ و با فرعون، مرد میخ‌ها؟ آنان که در سرزمین‌ها از هر حدی گذشته بودند، و در آن‌ها فساد را فراوان کرده بودند. پس سرپرستت تازیانهٔ کیفر را بر آنان ریخت.[6-13]

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ [6] إِرَمَ ذَاتِ ٱلْعِمَادِ [7] ٱلَّتِى لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِى ٱلْبِلَٰدِ [8] وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ جَابُوا۟ ٱلصَّخْرَ بِٱلْوَادِ [9] وَفِرْعَوْنَ ذِى ٱلْأَوْتَادِ [10] ٱلَّذِينَ طَغَوْا۟ فِى ٱلْبِلَٰدِ [11] فَأَكْثَرُوا۟ فِيهَا ٱلْفَسَادَ [12] فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ [13]

سرپرستت بی‌گمان همواره در کمین است.[14]

إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلْمِرْصَادِ [14]

اما انسان، چون سرپرستش او را می‌آزماید با گرامی داشتن و سرشار کردنش از دهش‌ها، می‌گوید: «سرپرستم مرا گرامی داشت.»[15]

فَأَمَّا ٱلْإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكْرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّىٓ أَكْرَمَنِ [15]

اما چون او را می‌آزماید با اندازه گرفتن روزی‌اش، می‌گوید: «سرپرستم مرا خوار کرد.» نه چنین![16]

وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ [16] كَلَّا

بلکه شما یتیم را گرامی نمی‌دارید، و به خوراک دادن به تنگ‌دست ترغیب نمی‌کنید، و میراث را با حرصی درنده می‌بلعید، و نیکی را با دوستی‌ای بی‌حد دوست دارید. نه چنین![17-20] (3)

بَل لَّا تُكۡرِمُونَ ٱلۡيَتِيمَ [17] وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ [18] وَتَأۡكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ أَكۡلٗا لَّمّٗا [19] وَتُحِبُّونَ ٱلۡمَالَ حُبّٗا جَمّٗا [20] كَلَّآ (3)

چون زمین پیاپی هموار خواهد شد، و سرپرستت خواهد آمد، با کارگزار، صف‌به‌صف، و در آن روز جهنم آورده خواهد شد... در آن روز، انسان به یاد خواهد آورد. اما این یادآوری او را چه سود خواهد داشت؟[21-23]

إِذَا دُكَّتِ ٱلۡأَرۡضُ دَكّٗا دَكّٗا [21] وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلۡمَلَكُ صَفّٗا صَفّٗا [22] وَجِاْيٓءَ يَوۡمَئِذِۭ بِجَهَنَّمَۚ يَوۡمَئِذٖ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ [23]

خواهد گفت: «دریغا! ای کاش برای زندگی‌ام پیش برده بودم!»[24]

يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي [24]

در آن روز، هیچ‌کس همچون او کیفر داده نخواهد شد، و هیچ‌کس همچون او به زنجیر کشیده نخواهد شد.[25-26] (4)

فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٞ [25] وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٞ [26] (4)

ای خویشتنِ آسوده! به سوی سرپرستت بازگرد، خشنود و پسندیده. پس در میان فرمان‌برداران من وارد شو، و در باغ من وارد شو![27-30]

يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ [27] ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ مَّرۡضِيَّةٗ [28] فَٱدۡخُلِي فِي عِبَٰدِي [29] وَٱدۡخُلِي جَنَّتِي [30]

# الغاشية • AL-GHASHIYA

سوره 88 · 26 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آیا گفتارِ مربوط به فراگیرنده به تو رسیده است؟[1]

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلْغَٰشِيَةِ [1]

چهره‌هایی، در آن روز، فروتن خواهند بود، کوشا، خسته. در آتشی سوزان سوزانده خواهند شد، نوشانده‌شده از چشمه‌ای جوشان. (5) [2-5]

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ [2] عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ [3] تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً [4] تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ ءَانِيَةٍ [5] (5)

خوراکی نخواهند داشت مگر خارهای خشک، که فربه نمی‌کنند و در برابر گرسنگی به هیچ کار نمی‌آیند. [6-7]

لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ [6] لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِى مِن جُوعٍ [7]

چهره‌هایی، در آن روز، در دهش شکفته خواهند بود، خشنود از کوشش خود، در باغی بلند، که در آن هیچ بیهودگی‌ای شنیده نخواهد شد. (6) [8-11]

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ [8] لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ [9] فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ [10] لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةً [11] (6)

آنجا چشمه‌ای است که جاری است. [12]

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ [12]

آنجا تخت‌هایی برافراشته است، لیوان‌هایی نهاده‌شده، بالش‌هایی ردیف‌شده، و فرش‌هایی گسترده.[13-16]

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ [13] وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ [14] وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ [15] وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ [16]

پس آیا به جانوران تنومند نمی‌نگرند، که چگونه آفریده شده‌اند؟ و به آسمان، که چگونه بالا برده شده است؟ و به کوه‌ها، که چگونه برافراشته شده‌اند؟ و به زمین، که چگونه هموار شده است؟[17-20]

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى ٱلْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ [17] وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ [18] وَإِلَى ٱلْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ [19] وَإِلَى ٱلْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ [20]

پس یادآوری کن، تو فقط برای یادآوری هستی.[21]

فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ [21]

تو بر آنان هیچ اختیار اجباری نداری.[22]

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ [22]

به استثنای کسی که پشت کرد و انکار کرد: آنگاه خدا او را به بزرگ‌ترین کیفر، کیفر خواهد داد.[23-24]

إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ [23] فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَكْبَرَ [24]

بازگشت آنان به سوی ماست، سپس حساب آنان بر عهدهٔ ماست.[25-26]

إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ [25] ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم [26]

# الاعلی • AL-A'LA

سوره 87 · 19 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

نام سرپرستت را، بسیار بالا، شکوه بسرا؛ آن‌که آفرید سپس شکل داد، و آن‌که اندازه گرفت سپس راه نمود، و آن‌که چراگاه را بیرون آورد، سپس آن را کاهِ تیره ساخت.[1–5]

سَبِّحِ ٱسْمَ رَبِّكَ ٱلْأَعْلَى [1] ٱلَّذِى خَلَقَ فَسَوَّىٰ [2] وَٱلَّذِى قَدَّرَ فَهَدَىٰ [3] وَٱلَّذِىٓ أَخْرَجَ ٱلْمَرْعَىٰ [4] فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحْوَىٰ [5]

ما تو را به خوانش وا خواهیم داشت، چنان‌که فراموش نخواهی کرد، به استثنای آنچه خدا را پسند افتد،[6]

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ [6] إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ

زیرا او آنچه را آشکارا گفته می‌شود و آنچه را نهان است می‌داند.[7]

إِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ [7]

و ما راه را برای تو به سوی آسانی آسان خواهیم ساخت.[8]

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ [8]

پس یادآوری کن، اگر یادآوری سودمند است.[9]

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكْرَىٰ [9]

آن‌که بیم دارد به یاد خواهد آورد، و بدبخت‌ترین دوری خواهد جست، آن‌که در آتشِ بزرگ‌ترین خواهد سوخت، سپس نه در آن خواهد مرد و نه در آن زندگی خواهد کرد.[10-13]

سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ [10] وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلْأَشْقَى [11] ٱلَّذِى يَصْلَى ٱلنَّارَ ٱلْكُبْرَىٰ [12] ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ [13]

رستگار شده است آن‌که خود را پاک می‌کند، و نام سرپرستش را به یاد می‌آورد، و تماس می‌بندد.[14-15]

قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ [14] وَذَكَرَ ٱسْمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ [15]

اما شما زندگی نزدیک را برمی‌گزینید، حال آنکه زندگی واپسین بهتر و پایدارتر است.[16-17]

بَلْ تُؤْثِرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا [16] وَٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ [17]

این بی‌گمان در سالنامه‌های نخستین است، سالنامه‌های ابراهیم و موسی.[18-19]

إِنَّ هَٰذَا لَفِى ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ [18] صُحُفِ إِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ [19]

# الطارق • At-Tariq

سوره 86 · 17 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به آسمان و شب‌رسنده! و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که شب‌رسنده چیست؟ ستاره‌ای با فروغی نافذ. هیچ خویشتنی نیست که بر او نگهبانی نداشته باشد.[1–4]

وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ [1] وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ [2] ٱلنَّجْمُ ٱلثَّاقِبُ [3] إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ [4]

پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است.[5]

فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ [5]

از آبی جهنده آفریده شده است، که از میان کمر و بر بیرون می‌آید.[6–7]

خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ [6] يَخْرُجُ مِنۢ بَيْنِ ٱلصُّلْبِ وَٱلتَّرَآئِبِ [7]

او بی‌گمان بر بازگرداندن او توانا است، روزی که رازها آزموده خواهند شد؛ آنگاه نه نیرویی خواهد داشت و نه یاری.[8–10]

إِنَّهُۥ عَلَىٰ رَجْعِهِۦ لَقَادِرٌ [8] يَوْمَ تُبْلَى ٱلسَّرَآئِرُ [9] فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ [10]

سوگند به آسمانِ بازگشت! و به زمینی که می‌شکافد! این بی‌گمان سخنی است جداکننده، و این سبک‌سری نیست.[11–14]

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجْعِ [11] وَٱلْأَرْضِ ذَاتِ ٱلصَّدْعِ [12] إِنَّهُۥ لَقَوْلٌ فَصْلٌ [13] وَمَا هُوَ بِٱلْهَزْلِ [14]

آنان همانا نیرنگی می‌تنند، و من نیرنگی می‌تنم.[15–16]

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا [15] وَأَكِيدُ كَيْدًا [16]

پس به کسانی که انکار می‌کنند مهلت بده، به آنان مهلتی کوتاه بده،[17]

فَمَهِّلِ ٱلْكَٰفِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًۢا [17]



# البروج • AL-BURUJ

سوره 85 · 22 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به آسمانِ دارای صورت‌های فلکی! و به روز وعده‌داده‌شده! و به گواه و آنچه بر آن گواهی داده می‌شود! هلاک باد یاران خندق، آتشِ پرهیزم، آنگاه که گرداگرد نشسته بودند، و بر آنچه با باورمندان می‌کردند گواه بودند.[1-7]

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ [1] وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ [2] وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ [3] قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ [4] ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ [5] إِذۡ هُمۡ عَلَيۡهَا قُعُودٞ [6] وَهُمۡ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ شُهُودٞ [7]

و بر آنان خرده نمی‌گرفتند مگر از آن‌رو که به خدا باور داشتند، نیرومند، ستوده، آن‌که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست.[8]

وَمَا نَقَمُواْ مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ [8] ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ

و خدا بر هر چیز گواه است.[9]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ [9]

کسانی که باورمندان و زنان باورمند را آزمودند، سپس پشیمان نشدند، همانا کیفر جهنم را خواهند داشت و کیفر آتش‌سوزی را خواهند داشت.[10]

إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ [10]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند همانا باغ‌هایی خواهند داشت که رودها از زیر آن‌ها جاری است.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ

این است پیروزی بزرگ.[11]

ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْكَبِيرُ [11]

چنگِ سرپرستت بی‌گمان سخت است.[12]

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ [12]

همانا اوست که آغاز می‌کند و دوباره می‌سازد.[13]

إِنَّهُۥ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ [13]

و او بسیار بخشاینده است، دوست‌دار، دارندهٔ بنا،[14]

وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلْوَدُودُ [14] ذُو ٱلْعَرْشِ

باشکوه، که بی‌وقفه آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.[15-16]

ٱلْمَجِيدُ [15] فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ [16]

آیا گفتارِ مربوط به سپاهیانِ فرعون و ثمود به تو رسیده است؟[17-18]

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلْجُنُودِ [17] فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ [18]

برعکس، کسانی که انکار کردند در دروغ‌انگاشتن پافشاری می‌کنند، و خدا آنان را از پشت سر فرامی‌گیرد.[19-20]

بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى تَكْذِيبٍ [19] وَٱللَّهُ مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطٌۢ [20]

برعکس، این خوانشی است باشکوه، بر لوحی نگاه‌داشته‌شده.[21-22]

بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ [21] فِى لَوْحٍ مَّحْفُوظٍۭ [22]

# الانشقاق • AL-INSHIQAQ

سوره 84 · 25 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون آسمان خواهد شکافت، و به سرپرست خود گوش خواهد سپرد — و این حق اوست —، و چون زمین گسترده خواهد شد، و آنچه را در خود دارد خواهد افکند و تهی خواهد شد، و به سرپرست خود گوش خواهد سپرد — و این حق اوست.[1–5]

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتْ [1] وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ [2] وَإِذَا ٱلْأَرْضُ مُدَّتْ [3] وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ [4] وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ [5]

ای انسان! تو همانا با رنج به سوی سرپرستت پیش می‌روی، و با او روبه‌رو خواهی شد.[6]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَٰقِيهِ [6]

اما آن‌که دفترش در دست راستش به او داده شود، حسابی آسان با او گرفته خواهد شد، و او سبک‌دل به سوی نزدیکان خود برخواهد گشت.[7–9]

فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ [7] فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا [8] وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا [9]

و اما آن‌که دفترش پشت سرش به او داده شود، تباهی خود را خواهد خواند، و در اخگری سوزانده خواهد شد.[10–12] (7)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ [10] فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا [11] وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا [12] (7)

او در میان نزدیکانش سبک‌دل بود.[13]

إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا [13]

گمان می‌برد که هرگز بازنخواهد گشت. اما چرا![14]

إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ [14] بَلَىٰٓ

زیرا سرپرستش بر او بینا بود.[15]

إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا [15]

نه! من سوگند می‌خورم به شفق، به شب و آنچه در بر می‌گیرد، و به ماه چون به تمامی کامل می‌شود! شما بی‌گمان از حالت‌هایی پی‌درپی خواهید گذشت.[16-19]

فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلشَّفَقِ [16] وَٱلَّيْلِ وَمَا وَسَقَ [17] وَٱلْقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ [18] لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ [19]

پس آنان را چه شده است که باور نمی‌آورند؟ و چون خوانش بر آنان خوانده می‌شود پیشانی بر خاک نمی‌نهند؟[20-21]

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [20] وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ ٱلْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ [21]

برعکس، کسانی که انکار کردند دروغ می‌انگارند، و خدا آنچه را در خود دارند بهتر می‌داند.[22-23]

بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُكَذِّبُونَ [22] وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ [23]

پس آنان را به کیفری دردناک مژده بده،[24]

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [24]

به استثنای کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند؛ برای آنان پاداشی است که به رخشان کشیده نخواهد شد.[25]

إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ [25]

# المطففين • AL-MUTAFFIFIN

سوره 83 · 36 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

وای بر تقلب‌کاران، که چون از مردم برای خود پیمانه می‌گیرند، خواستار آنند که پیمانه به آنان وفادارانه داده شود، و چون برای آنان پیمانه می‌کنند یا می‌سنجند، زیان وارد می‌کنند.[1-3]

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ [1] ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكْتَالُوا۟ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسْتَوْفُونَ [2] وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ [3]

آیا اینان گمان نمی‌برند که برانگیخته خواهند شد، برای روزی سترگ، روزی که مردم برای سرپرست همهٔ هستی‌ها ایستاده خواهند بود؟[4-6]

أَلَا يَظُنُّ أُو۟لَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ [4] لِيَوْمٍ عَظِيمٍ [5] يَوْمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [6]

نه چنین! دفتر تبهکاران بی‌گمان در سجین است.[7]

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ [7]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که سجین چیست؟ دفتر شماره‌گذاری‌شده.[8-9]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سِجِّينٌ [8] كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ [9]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان، آنان که روز سررسید را دروغ می‌انگارند.[10-11]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [10] ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ [11]

و آن را فقط هر که از حدها می‌گذرد، تجاوزگر، دروغ می‌انگارد؛ چون نشانه‌های ما بر او برخوانده می‌شود، می‌گوید: «افسانه‌های پیشینیان!»[12-13]

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ [12] إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ [13]

نه چنین! بلکه آنچه به دست می‌آوردند بر هسته‌هایشان زنگار بسته است.[14]

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ [14]

نه چنین! آن روز، آنان بی‌گمان از سرپرستشان پوشانده خواهند شد.[15]

كَلَّآ إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ [15]

پس از آن، بی‌گمان در کوره خواهند سوخت.[16]

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا۟ ٱلْجَحِيمِ [16]

سپس گفته خواهد شد: «این است آنچه دروغ می‌انگاشتید.»[17]

ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ [17]

نه چنین! دفتر نیکوکاران بی‌گمان در علیین است.[18]

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْأَبْرَارِ لَفِى عِلِّيِّينَ [18]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که علیین چیست؟ دفتر شماره‌گذاری‌شده، که نزدیک‌شدگان بر آن گواهی می‌دهند.[19–21]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ [19] كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ [20] يَشْهَدُهُ ٱلْمُقَرَّبُونَ [21]

بی‌گمان نیکوکاران در دهشی خواهند بود، بر تخت‌های آراسته، خواهند نگریست؛ بر چهره‌هایشان درخشش دهش را خواهی شناخت؛ از شهدی مهرشده نوشانده خواهند شد، که مهرش از مشک است.[22–25]

إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ [22] عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ [23] تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ ٱلنَّعِيمِ [24] يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ [25] خِتَٰمُهُۥ مِسْكٌ

و برای این، رقابت‌کنندگان رقابت کنند.[26]

وَفِى ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ [26]

و آمیزهٔ آن از تسنیم است، چشمه‌ای که نزدیک‌شدگان از آن می‌نوشند.[27–28]

وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسْنِيمٍ [27] عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا ٱلْمُقَرَّبُونَ [28]

کسانی که خود را کنار گذاشتند، از کسانی که باور آوردند می‌خندیدند، و چون از کنار آنان می‌گذشتند، به یکدیگر چشمک می‌زدند، و چون به سوی نزدیکان خود برمی‌گشتند، لذت‌کنان برمی‌گشتند، و چون آنان را می‌دیدند، می‌گفتند: «اینان بی‌گمان گمراه‌شدگان‌اند»، حال آنکه به‌عنوان نگهبان بر آنان فرستاده نشده‌اند.[29-33]

إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ كَانُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضۡحَكُونَ 29 وَإِذَا مَرُّواْ بِهِمۡ يَتَغَامَزُونَ 30 وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ فَكِهِينَ 31 وَإِذَا رَأَوۡهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ 32 وَمَآ أُرۡسِلُواْ عَلَيۡهِمۡ حَٰفِظِينَ 33

پس امروز، کسانی که باور آوردند از کسانی که انکار می‌کنند می‌خندند، بر تخت‌های آراسته.[34]

فَٱلۡيَوۡمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنَ ٱلۡكُفَّارِ يَضۡحَكُونَ 34 عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ

می‌نگرند: آیا انکارکنندگان بازگشتِ آنچه را می‌کردند دریافت کرده‌اند؟[35-36]

يَنظُرُونَ 35 هَلۡ ثُوِّبَ ٱلۡكُفَّارُ مَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ 36

# الانفطار • AL-INFITAR

سوره 82 · 19 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون آسمان خواهد شکافت، و چون اخترها پراکنده خواهند شد، و چون دریاها فوران خواهند کرد، و چون گورها زیر و رو خواهند شد، خویشتنی خواهد دانست آنچه را پیش برده و پس انداخته است.[1-5]

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتْ [1] وَإِذَا ٱلْكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتْ [2] وَإِذَا ٱلْبِحَارُ فُجِّرَتْ [3] وَإِذَا ٱلْقُبُورُ بُعْثِرَتْ [4] عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ [5]

ای انسان! چه چیز تو را دربارهٔ سرپرست گشاده‌دستت فریفته است، آن‌که تو را آفرید، سپس شکل داد، سپس متعادل ساخت؟ در هر شکلی که او را پسند افتاده است، تو را ترکیب کرد.[6-8]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلْكَرِيمِ [6] ٱلَّذِى خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ [7] فِىٓ أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ [8]

نه چنین! بلکه شما سررسید را دروغ می‌انگارید، حال آنکه بی‌گمان بر شما نگهبانانی هستند، نویسندگانی بزرگوار، که آنچه را می‌کنید می‌دانند.[9-12]

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ [9] وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَٰفِظِينَ [10] كِرَامًا كَٰتِبِينَ [11] يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ [12]

بی‌گمان نیکوکاران در دهشی خواهند بود.[13]

إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ [13]

و بی‌گمان تبهکاران در کوره‌ای خواهند بود؛ در روز سررسید در آن خواهند سوخت، و نخواهند توانست از آن غایب شوند.[14-16]

وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ ۝14 يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ ۝15 وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِينَ ۝16

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که روز سررسید چیست؟ سپس، چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که روز سررسید چیست؟[17-18]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ۝17 ثُمَّ مَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ۝18

روزی که هیچ خویشتنی برای خویشتنی دیگر چیزی نخواهد داشت.

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْـًٔا

و دستور، در آن روز، از آنِ خدا است.[19]

وَٱلْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ۝19

# التكوير • At-Takwir

سوره 81 · 29 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون خورشید پیچیده خواهد شد، و چون ستارگان پراکنده خواهند شد، و چون کوه‌ها به جنبش درآورده خواهند شد، و چون آشنایان به حال خود رها خواهند شد، و چون جانوران وحشی گردآوری خواهند شد، و چون دریاها به جوش آورده خواهند شد، و چون خویشتن‌ها جفت خواهند شد، و چون دخترک زنده‌به‌گورشده پرسیده خواهد شد که به چه تقصیر کشته شده است، و چون سالنامه‌ها گسترده خواهند شد، و چون آسمان پوست‌کنده خواهد شد، و چون کوره افروخته خواهد شد، و چون باغ نزدیک آورده خواهد شد، خویشتنی خواهد دانست آنچه را پیش نهاده است.[1-14]

إِذَا ٱلشَّمْسُ كُوِّرَتْ [1] وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتْ [2] وَإِذَا ٱلْجِبَالُ سُيِّرَتْ [3] وَإِذَا ٱلْعِشَارُ عُطِّلَتْ [4] وَإِذَا ٱلْوُحُوشُ حُشِرَتْ [5] وَإِذَا ٱلْبِحَارُ سُجِّرَتْ [6] وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتْ [7] وَإِذَا ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ [8] بِأَىِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتْ [9] وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتْ [10] وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ [11] وَإِذَا ٱلْجَحِيمُ سُعِّرَتْ [12] وَإِذَا ٱلْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ [13] عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ أَحْضَرَتْ [14]

نه! من سوگند می‌خورم به اخترانی که پس می‌روند، می‌دوند و ناپدید می‌شوند، و به شب چون عقب می‌نشیند، و به بامداد چون نفس می‌کشد: این بی‌گمان سخنِ فرستاده‌ای بزرگوار است، دارای نیرو، پایگاهی استوار نزد دارندهٔ بنا، که در آنجا به او گردن نهاده می‌شود، و مورد اعتماد است.[15-21]

فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ [15] ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ [16] وَٱلَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ [17] وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ [18] إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ [19] ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ [20] مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ [21]

و یار شما دچار اختلال نیست.[22]

وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ [22]

و او همانا آن را در افق روشن دیده است.[23]

وَلَقَدْ رَءَاهُ بِٱلْأُفُقِ ٱلْمُبِينِ [23]

و او نسبت به آنچه فراتر از حواس است بخیل نیست.[24]

وَمَا هُوَ عَلَى ٱلْغَيْبِ بِضَنِينٍ [24]

و این سخن یک منحرف‌کنندهٔ رانده‌شده نیست. پس به کجا می‌روید؟[25-26]

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ [25] فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ [26]

این فقط یادآوری است برای همهٔ هستی‌ها، برای آن‌که از میان شما پسندش افتد که راست بایستد.[27-28]

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ [27] لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ [28]

و شما نخواهید خواست مگر آنکه خدا را پسند افتد، سرپرست همهٔ هستی‌ها.[29]

وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ [29]

# عبس • ABASA

سوره 80 · 42 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چهره درهم کشید و پشت کرد، زیرا نابینا به نزد او آمد.[1-2]

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ [1] أَن جَآءَهُ ٱلْأَعْمَىٰ [2]

و چه چیز تو را از آن آگاه می‌کند؟

وَمَا يُدْرِيكَ

شاید خود را پاک کند، یا به یاد آورد، و یادآوری برایش سودمند باشد.[3-4]

لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ [3] أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكْرَىٰٓ [4]

اما آن‌که خود را توانگر می‌بیند، تو به پیشواز او می‌روی، و بر عهدهٔ تو نیست که او خود را پاک نکند.[5-7]

أَمَّا مَنِ ٱسْتَغْنَىٰ [5] فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ [6] وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ [7]

اما آن‌که با گامی شتابان به نزد تو می‌آید، و بیم دارد، از او رخ برمی‌تابی. نه چنین![8-10]

وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسْعَىٰ [8] وَهُوَ يَخْشَىٰ [9] فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ [10] كَلَّآ

این یادآوری است،[11]

إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ [11]

— هر که می‌خواهد آن را به یاد آورد —، در سالنامه‌هایی گرامی‌داشته‌شده، بلند و پاک‌شده، در دستان پیک‌هایی، بزرگوار و نیکوکار.[12-16]

فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ [12] فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ [13] مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍۭ [14] بِأَيْدِى سَفَرَةٍ [15] كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ [16]

انسان هلاک باد، چه بسیار که انکار می‌کند![17]

قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَآ أَكۡفَرَهُۥ [17]

او را از چه چیز آفریده است؟[18]

مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ [18]

از قطره‌ای او را آفرید، سپس او را اندازه گرفت، سپس راه را برایش آسان ساخت، سپس او را میراند و در گور نهاد.[19-21]

مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ [19] ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ [20] ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ [21]

سپس، چون او را پسند افتد، او را گسترش خواهد داد.[22]

ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ [22]

نه چنین! هنوز آنچه را به او تکلیف کرده بود به پایان نرسانده است.[23]

كَلَّا لَمَّا يَقۡضِ مَآ أَمَرَهُۥ [23]

پس انسان به خوراک خود بنگرد:[24]

فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ [24]

این ما هستیم که آب را فراوان ریختیم، سپس زمین را به شکاف‌هایی شکافتیم، سپس در آن دانه و انگور و علوفه و زیتون‌ها و نخل‌ها و باغ‌های دربستهٔ انبوه و مزه‌ها و چراگاه‌ها رویاندیم، به‌عنوان بهره برای شما و دام‌های شما.[25-32]

أَنَّا صَبَبۡنَا ٱلۡمَآءَ صَبّٗا [25] ثُمَّ شَقَقۡنَا ٱلۡأَرۡضَ شَقّٗا [26] فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا حَبّٗا [27] وَعِنَبٗا وَقَضۡبٗا [28] وَزَيۡتُونٗا وَنَخۡلٗا [29] وَحَدَآئِقَ غُلۡبٗا [30] وَفَٰكِهَةٗ وَأَبّٗا [31] مَّتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ [32]

سپس، چون کرکننده خواهد آمد، روزی که مرد از برادرش و مادرش و پدرش و همدمش و پسرانش خواهد گریخت،[33-36]

فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ [33] يَوۡمَ يَفِرُّ ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ [34] وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ [35] وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ [36]

برای هر کس از میان آنان، در آن روز، مشغولیتی خواهد بود که او را به خود خواهد گرفت.[37]

لِكُلِّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ [37]

چهره‌هایی، در آن روز، درخشان خواهند بود، خندان، شادمان.[38-39]

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ [38] ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ [39]

و چهره‌هایی، در آن روز، غبار بر خود خواهند داشت، پوشیده از غبار سیاه.[40-41]

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ [40] تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ [41]

اینان آنانی‌اند که انکار می‌کنند، تبهکاران.[42]

أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَفَرَةُ ٱلْفَجَرَةُ [42]

# النازعات • AN-NAZI'AT

سوره 79 · 46 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به آنان که با فروبردن برمی‌کنند، آنان که با نرمی می‌گشایند، آنان که شناکنان شنا می‌کنند، آنان که پیشی‌گیرانه پیشی می‌گیرند، آنان که کارها را سامان می‌دهند — روزی که نخستین لرزه خواهد لرزاند و دومین از پی آن خواهد آمد،[1-7]

وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا ۝١ وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا ۝٢ وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبْحًا ۝٣ فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبْقًا ۝٤ فَٱلْمُدَبِّرَٰتِ أَمْرًا ۝٥ يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ۝٦ تَتْبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ۝٧

هسته‌هایی، در آن روز، لرزان خواهند بود، و بینایی‌هایشان فروتن خواهد بود.[8-9]

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۝٨ أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ ۝٩

می‌گویند: «آیا به‌راستی به حالت نخستین خود بازگردانده خواهیم شد، پس از آنکه استخوان‌هایی پوسیده شده باشیم؟»[10-11]

يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِى ٱلْحَافِرَةِ ۝١٠ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا نَّخِرَةً ۝١١

گفتند: «آنگاه تلافی‌ای بس زیان‌کار می‌بود!» با این همه، تنها یک غرش خواهد بود، و اینک ایستاده‌اند، بر روی جهان.[12-14]

قَالُوا۟ تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۝١٢ فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ ۝١٣ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ۝١٤

آیا گفتارِ مربوط به موسی به تو رسیده است؟ چون سرپرستش او را در دره‌ای پاک‌گردانده‌شده، طوی، ندا داد،[15-16]

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ۝١٥ إِذْ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى ۝١٦

«برو به سوی فرعون، او از حد فراتر رفته است؛ به او بگو: «آیا می‌خواهی خود را پاک کنی، تا من تو را به سوی سرپرستت راه نمایم، تا او را بیم داشته باشی؟»»[17-19]

ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ 17 فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ 18 وَأَهۡدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ 19

او آنگاه بزرگ‌ترین نشانه را به او نشان داد؛ اما دروغ انگاشت و فرمان نبرد، سپس پشت کرد در حالی که می‌کوشید، گرد آورد، بانگ زد و گفت: «من سرور شما هستم، بسیار بالا.» آنگاه خدا او را به سرمشقی بازدارنده از زندگی واپسین و زندگی نخستین گرفت.[20-25]

فَأَرَىٰهُ ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ 20 فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ 21 ثُمَّ أَدۡبَرَ يَسۡعَىٰ 22 فَحَشَرَ فَنَادَىٰ 23 فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ 24 فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ 25

بی‌گمان در آن درسی است برای کسی که بیم دارد.[26]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰٓ 26

آیا آفریدن شما دشوارتر است، یا آسمان؟

ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُ

آن را ساخت، سقف آن را بالا برد، سپس آن را شکل داد؛ شب آن را تیره کرد و روشنایی بامدادی آن را بیرون آورد.[27-29]

بَنَىٰهَا 27 رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا 28 وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا 29

و زمین را، پس از آن، او آن را شکوفا کرد: آب آن و چراگاهش را از آن بیرون آورد، و کوه‌ها را، آن‌ها را لنگر انداخت — بهره‌ای برای شما و برای دام‌های شما.[30-33]

وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ 30 أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا 31 وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا 32 مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ 33

سپس، چون بلای بزرگ خواهد آمد، روزی که انسان آنچه را برایش کوشیده است به یاد خواهد آورد، و کوره به هر که ببیند نشان داده خواهد شد،[34-36]

فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ 34 يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ 35 وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ 36

اما آن‌که از حد فراتر رفته و زندگی نزدیک را برگزیده است، کوره همانا پناهگاه او خواهد بود؛[37-39]

فَأَمَّا مَن طَغَىٰ [37] وَءَاثَرَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا [38] فَإِنَّ ٱلْجَحِيمَ هِىَ ٱلْمَأْوَىٰ [39]

و اما آن‌که از ایستادن در برابر سرپرستش ترسیده است، و برای خویشتن هیجان را ممنوع کرده است، باغ همانا پناهگاه او خواهد بود.[40-41]

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفْسَ عَنِ ٱلْهَوَىٰ [40] فَإِنَّ ٱلْجَنَّةَ هِىَ ٱلْمَأْوَىٰ [41]

از تو دربارهٔ آن لحظه بازپرسی می‌کنند: کی لنگر خواهد انداخت؟[42]

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا [42]

پس تو را با یادآوری آن چه کار؟[43]

فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَىٰهَآ [43]

حد نهایی آن به سوی سرپرست توست.[44]

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ [44]

تو فقط هشداردهندهٔ آن‌کسی هستی که از آن بیم دارد.[45]

إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَىٰهَا [45]

به آنان چنین خواهد نمود، روزی که آن را خواهند دید، که فقط یک عصر یا یک صبح گذرانده‌اند.[46]

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَىٰهَا [46]

# النبا • AN-NABA

سوره 78 · 40 بند

به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان. عَمَّ (عین میم).[8]

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ عَمَّ(8)

آنان از یکدیگر دربارهٔ اطلاعِ سترگ می‌پرسند، همان که دربارهٔ آن اختلاف دارند.[1-3]

يَتَسَآءَلُونَ 1 عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ 2 ٱلَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ 3

نه چنین! به‌زودی خواهند دانست. سپس، نه چنین! به‌زودی خواهند دانست.[4-5]

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ 4 ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ 5

آیا زمین را گسترهٔ آماده‌شده نساخته‌ایم، و کوه‌ها را میخ‌ها؟ آیا شما را جفت‌جفت نیافریده‌ایم، و خواب شما را آسایشی نساخته‌ایم؟ آیا شب را لباسی، و روز را وسیلهٔ هستی نساخته‌ایم؟ آیا بالای سر شما هفت استوار نساخته‌ایم، و چراغی فروزان ننهاده‌ایم؟ و از فشارندگان آبی فراوان فرود نیاورده‌ایم، تا با آن دانه و رستنی و باغ‌های درهم‌پیچیده بیرون آوریم؟[6-16]

أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ مِهَٰدًا 6 وَٱلْجِبَالَ أَوْتَادًا 7 وَخَلَقْنَٰكُمْ أَزْوَٰجًا 8 وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا 9 وَجَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِبَاسًا 10 وَجَعَلْنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا 11 وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا 12 وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا 13 وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلْمُعْصِرَٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا 14 لِّنُخْرِجَ بِهِۦ حَبًّا وَنَبَاتًا 15 وَجَنَّٰتٍ أَلْفَافًا 16

روز جدایی همانا وعده‌گاهی معین است — روزی که در شیپور دمیده خواهد شد، و شما گروه‌گروه خواهید آمد، و آسمان گشوده خواهد شد و درها خواهد گشت، و کوه‌ها به جنبش درآورده خواهند شد و سراب خواهند گشت.[17-20]

إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ كَانَ مِيقَٰتًا 17 يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا 18 وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتْ أَبْوَٰبًا 19 وَسُيِّرَتِ ٱلْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا 20

جهنم همانا دیده‌بانگاهی است، جایگاه بازگشت کسانی که از هر حدی می‌گذرند، که روزگارانی دراز در آن خواهند گذراند.[21-23]

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا [21] لِّلطَّٰغِينَ مَـَٔابًا [22] لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا [23]

در آنجا نه خنکی خواهند چشید و نه نوشابه‌ای، به استثنای آبی جوشان و مایعی گندیده — بازپرداختی دقیقاً متناسب.[24-26]

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا [24] إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا [25] جَزَآءً وِفَاقًا [26]

آنان هیچ حسابی امید نمی‌داشتند، و نشانه‌های ما را با پافشاری دروغ انگاشتند.[27-28]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ حِسَابًا [27] وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابًا [28]

حال آنکه ما هر چیز را در دفتری برشمرده‌ایم.[29]

وَكُلَّ شَىْءٍ أَحْصَيْنَٰهُ كِتَٰبًا [29]

پس بچشید! ما فقط کیفر شما را افزون خواهیم کرد.[30]

فَذُوقُوا۟ فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا [30]

برای کسانی که محتاط بوده‌اند همانا پیروزی‌ای هست: باغ‌هایی دربسته و تاک‌ها، همراهانی سرشار از زندگی، بارور و هم‌تبار، و جامی لبریز. در آنجا نه بیهودگی خواهند شنید و نه دروغ —[31-35]

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا [31] حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا [32] وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا [33] وَكَأْسًا دِهَاقًا [34] لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا [35]

بازپرداختی از سرپرستت، مقرری‌ای که به‌درستی حساب شده است،[36]

جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا [36]

سرپرست آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست،

رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

بی‌اندازه مهربان؛ آنان توانِ مخاطب قرار دادن او را ندارند،[37]

ٱلرَّحۡمَٰنِ لَا يَمۡلِكُونَ مِنۡهُ خِطَابٗا [37]

روزی که جریان و کارگزاران به صف خواهند ایستاد، و هیچ‌کس سخن نخواهد گفت مگر کسی که بی‌اندازه مهربان به او اجازه داده باشد، و سخنِ درست بگوید.[38]

يَوۡمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ صَفّٗاۖ لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَقَالَ صَوَابٗا [38]

این است روز حقیقت.

ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ

پس هر که می‌خواهد، به سوی سرپرستش جایی برای بازگشت برگیرد.[39]

فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا [39]

ما شما را همانا از کیفری نزدیک هشدار داده‌ایم، روزی که مرد آنچه را دستانش پیش بردند خواهد نگریست، و آن‌که انکار می‌کند خواهد گفت: «ای کاش خاک بودم!»[40]

إِنَّآ أَنذَرۡنَٰكُمۡ عَذَابٗا قَرِيبٗا يَوۡمَ يَنظُرُ ٱلۡمَرۡءُ مَا قَدَّمَتۡ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلۡكَافِرُ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ تُرَابَۢا [40]

XI

# ن

## فرمانِ مأموریت در برابر دروغ‌انگاری

سوره‌ها 77 تا 68

پس از اطلاع، فرمانِ مأموریت می‌آید: آن که پیام را دریافت کرده است اکنون باید در برابر کسانی که آن را دروغ می‌انگارند برخیزد، و بخش با ترجیع‌بندی گشوده می‌شود که دیگر رهایش نمی‌کند: «وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان!» (77:15). جامعه هنوز جز مشتی کسان نیست: او شب را با «گروهی از کسانی که با تو هستند» (73:20) بیدار می‌ماند، بی‌نیرو و بی‌جای، و فرمانی که دریافت می‌کند پیکار نیست، بلکه شکیبایی و دوری گزیدن است، «دوری‌ای نیکو» (73:10). سورهٔ 76 نخست کسانی را نشان می‌دهد که به تنگ‌دست، یتیم و اسیر خوراک می‌دهند، سورهٔ 75 به او می‌آموزد که از خوانش پیروی کند بی‌آنکه در آن شتاب ورزد، سپس دو فرمان مأموریت فرود می‌آیند: «برخیز و هشدار ده» (74:2) در روز، و «شب برخیز، مگر اندکی» (73:2) تا سخنی سنگین دریافت کند. سورهٔ 72 فرمانِ به‌جاآورده را نشان می‌دهد: فرمان‌بردار خدا برخاسته است تا او را بخواند، نهانیانی گوش داده و باور آورده‌اند، و او جز خدا هیچ پناهی برای خود نمی‌شناسد. نوح همان مأموریت را به‌جا می‌آورد بی‌آنکه شنیده شود، سپس سوره‌های 70 و 69 روزی را نشان می‌دهند که در آن نه پسران و نه خاندان کسی را بازنمی‌خرند، و قوم‌هایی را که به‌خاطر دروغ‌انگاری گرفته شدند. بخش با نون و قلم بسته می‌شود: او که دچار اختلال خوانده شده است درمی‌یابد که چنین نیست، باغ سوختهٔ کسانی را می‌بیند که می‌خواستند تنگ‌دستان را از آن بیرون نگه دارند، و فرمان می‌یابد که از دروغ‌انگارندگان فرمان نبرد.

### مرحله 2 · هشدار و دروغ‌انگاری

آن‌که اطلاع را دریافت کرده است اکنون فرمان می‌یابد که برخیزد: روز برای هشدار دادن، شب برای برخواندن خوانش و دریافت سخنی سنگین. او نه نیرویی دارد و نه پناهی؛ به او شکیبایی و دوری‌ای نیکو فرمان داده می‌شود، و خدا دروغ‌انگاران را به خود وامی‌گذارد: «مرا تنها با آن‌که آفریدم واگذار» (74:11). در برابر، دروغ‌انگاری در کردارها همان‌قدر پیداست که در گفتارها: دروغ‌انگاران تنگ‌دست را خوراک نداده‌اند، به دارایی‌ها و پسرانشان می‌بالند، و باغ خود را بر بینوایان می‌بندند. ده بار وایِ وعده‌داده‌شده در 77 بر آنان بازمی‌گردد، و بخش با قلم و آزمونی بسته می‌شود که نشان خواهد داد کدام‌یک، او یا آنان، آزموده است.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

دروغ‌انگاری چهره‌ای اجتماعی دارد: در آتش، کنارگذاشته‌شدگان اعتراف می‌کنند که «تنگ‌دست را خوراک نمی‌دادیم» (74:44)، آن‌که دفترش به دست چپش داده می‌شود «به خوراک دادن به تنگ‌دست ترغیب نمی‌کرد» (69:34)، و صاحبان باغ پچ‌پچ‌کنان به یکدیگر می‌گویند: «امروز هیچ تنگ‌دستی در آن میان شما وارد نشود» (68:24). در برابر، نیکوکاران خوراک را «به تنگ‌دست، یتیم و اسیر» (76:8) می‌دهند بی‌آنکه چشم‌داشتی داشته باشند، و وفاداران در دارایی‌هایشان «حقی شناخته‌شده است برای کسی که می‌خواهد و کسی که محروم شده است» (70:24-25). دارایی‌ها و پسران مایهٔ بالیدن دروغ‌انگار است، و در آن روز، گناهکار می‌خواهد خود را با پسرانش، همراهش و «خاندانی که او را پناه می‌داد» (70:13) بازخرد. جامعه نه پناهی دارد و نه نیرویی، «هیچ‌کس نمی‌تواند مرا در برابر خدا پناه دهد» (72:22): آرامش هنوز جز شکیبایی نیست، و از پیکار تنها به زمان آینده سخن می‌رود، در کنار بیماران و کسانی که زمین را می‌پیمایند.

---

*نون (68:1)، سپس: «سوگند به قلم و آنچه در سطرها می‌نویسند!» (68:1).*

# المرسلات • AL-MURSALAT

سوره 77 · 50 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به آنان که پیاپی فرستاده می‌شوند، سوگند به آنان که با خشونت پراکنده می‌کنند، سوگند به آنان که به‌گستردگی گسترش می‌دهند، سوگند به آنان که به‌روشنی جدا می‌کنند، سوگند به آنان که یادآوری می‌رسانند، برای عذر یا هشدار: آنچه به شما وعده داده شده است بی‌گمان رخ خواهد داد.[1–7]

وَٱلْمُرْسَلَٰتِ عُرْفًا [1] فَٱلْعَٰصِفَٰتِ عَصْفًا [2] وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشْرًا [3] فَٱلْفَٰرِقَٰتِ فَرْقًا [4] فَٱلْمُلْقِيَٰتِ ذِكْرًا [5] عُذْرًا أَوْ نُذْرًا [6] إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٌ [7]

چون ستارگان محو خواهند شد، چون آسمان شکافته خواهد شد، چون کوه‌ها خرد خواهند شد، چون فرستادگان وعده‌گاه خود را دریافت کرده باشند — برای چه روزی به تأخیر انداخته شده‌اند؟ برای روز جدایی.[8–13]

فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتْ [8] وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتْ [9] وَإِذَا ٱلْجِبَالُ نُسِفَتْ [10] وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتْ [11] لِأَىِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ [12] لِيَوْمِ ٱلْفَصْلِ [13]

و چه کسی تو را آگاه خواهد کرد که روز جدایی چیست؟[14]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ [14]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![15]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [15]

آیا ما پیشینیان را نابود نکرده‌ایم؟[16]

أَلَمْ نُهْلِكِ ٱلْأَوَّلِينَ [16]

سپس واپسین‌ها را در پی آنان خواهیم آورد.[17]

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ ٱلْآخِرِينَ [17]

ما با کنارگذاشته‌شدگان چنین رفتار می‌کنیم.[18]

كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِٱلْمُجْرِمِينَ [18]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![19]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [19]

آیا شما را از آبی خوارشمرده‌شده نیافریده‌ایم؟ سپس آن را در جایگاهی امن و پایدار نهاده‌ایم، تا اندازه‌ای دانسته؛ ما تعیین کرده‌ایم —[20-22]

أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ [20] فَجَعَلْنَٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ [21] إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ [22] فَقَدَرْنَا

و ما در تعیین کردن برترینیم![23]

فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ [23]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![24]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [24]

آیا زمین را گنجایشگاهی برای زندگان و نیز مردگان نساخته‌ایم؟ و آیا در آن لنگرهایی استوار و بلند ننهاده‌ایم، و آیا شما را از آبی تشنگی‌نشان ننوشانده‌ایم؟[25-27]

أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ كِفَاتًا [25] أَحْيَآءً وَأَمْوَٰتًا [26] وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ شَمِخَٰتٍ وَأَسْقَيْنَٰكُم مَّآءً فُرَاتًا [27]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![28]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [28]

«به سوی آنچه دروغ می‌انگاشتید بروید! به سوی سایه‌ای سه‌شاخه بروید، که سایه نمی‌افکند و در برابر شعله به هیچ کار نمی‌آید.»[29-31]

ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ [29] ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ ظِلٍّ ذِى ثَلَٰثِ شُعَبٍ [30] لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِى مِنَ ٱللَّهَبِ [31]

آن جرقه‌هایی می‌افکند بزرگ چون کاخ‌ها، چنان‌که گویی شتران زردند. (9) [32-33]

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَٱلْقَصْرِ [32] كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ [33] (9)

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان! [34]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [34]

این روزی است که در آن چیزی بر زبان نخواهند آورد، و به آنان اجازه داده نخواهد شد که عذر بخواهند. [35-36]

هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ [35] وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ [36]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان! [37]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [37]

این روز جدایی است؛ ما شما و پیشینیان را گرد آورده‌ایم. اگر نیرنگی دارید، پس آن را بر ضد من به کار بندید! [38-39]

هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ جَمَعْنَٰكُمْ وَٱلْأَوَّلِينَ [38] فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ [39]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان! [40]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [40]

کسانی که محتاط بوده‌اند همانا در میان سایه‌سارها و چشمه‌ها و مزه‌هایی بر پایهٔ میل‌شان خواهند بود: [41-42]

إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى ظِلَٰلٍ وَعُيُونٍ [41] وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ [42]

«بخورید و بنوشید

كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟

خوشگوارانه، برای آنچه می‌کردید.» [43]

هَنِيٓـًٔۢا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [43]

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[44]

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ [44]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![45]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [45]

«بخورید و اندکی بهره ببرید، زیرا شما کنارگذاشته‌شدگان هستید.»[46]

كُلُوا۟ وَتَمَتَّعُوا۟ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ [46]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![47]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [47]

و چون به آنان گفته می‌شود: «خم شوید»، خم نمی‌شوند.[48]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرْكَعُوا۟ لَا يَرْكَعُونَ [48]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان![49]

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [49]

پس پس از این، به کدام گفتار باور خواهند آورد؟[50]

فَبِأَىِّ حَدِيثٍۭ بَعْدَهُۥ يُؤْمِنُونَ [50]

# الانسان • AL-INSAN

سوره 76 · 31 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آیا ممکن است که بر انسان زمانی گذشته باشد که چیزی در خور یادکرد نبود؟[1]

هَلْ أَتَىٰ عَلَى ٱلْإِنسَٰنِ حِينٌ مِّنَ ٱلدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْـًٔا مَّذْكُورًا [1]

ما انسان را از قطره‌ای آمیخته آفریدیم، تا او را بیازماییم؛ پس او را شنوا و بینا ساختیم.[2]

إِنَّا خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَٰهُ سَمِيعًۢا بَصِيرًا [2]

ما او را بر راه، راه نمودیم، چه سپاس‌گزار باشد چه انکار کند.[3]

إِنَّا هَدَيْنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا [3]

ما همانا برای انکارکنندگان زنجیرها، غل‌ها و اخگرِ افروخته آماده کردیم.[4]

إِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ سَلَٰسِلَا۠ وَأَغْلَٰلًا وَسَعِيرًا [4]

نیکوکاران همانا از جامی خواهند نوشید که آمیزه‌اش کافور است، چشمه‌ای که فرمان‌برداران خدا از آن می‌نوشند، و آن را با نیرو جاری می‌سازند.[5-6]

إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا [5] عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا [6]

به نذرهای خود وفادارند و از روزی می‌ترسند که بدی‌اش گسترده است.[7]

يُوفُونَ بِٱلنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُۥ مُسْتَطِيرًا [7]

و خوراک را، با وجود دوست‌داشتنشان، به تنگ‌دست، یتیم و اسیر می‌دهند: «ما شما را جز برای سوی خدا خوراک نمی‌دهیم،[8]

وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا [8] إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ ٱللَّهِ

از شما نه بازپرداختی می‌خواهیم و نه سپاسی.[9]

لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَآءً وَلَا شُكُورًا [9]

ما همانا از سرپرستمان روزی سخت‌گیر و بس سخت می‌ترسیم.»[10]

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا [10]

پس خدا آنان را از بدی آن روز محتاط ساخت، و درخشش و شادمانی را به آنان رساند.[11]

فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمِ وَلَقَّىٰهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا [11]

و آنان را به سبب آنکه شکیبا بودند، با باغی و ابریشم بازپرداخت کرد، تکیه‌زده بر تخت‌های آراسته، که در آن نه آفتاب می‌بینند و نه سرمای سخت؛ سایه‌هایش بر آنان نزدیک است، و خوشه‌هایش رام‌شده، در دسترس.[12-14]

وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُوا۟ جَنَّةً وَحَرِيرًا [12] مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا [13] وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا [14]

و میان آنان تنگ‌هایی از نقره و لیوان‌هایی که چون بلور بودند، گردانده خواهد شد،[15]

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِـَٔانِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا۠ [15]

بلوری از نقره، که گنجایش آن را به‌درستی اندازه گرفته‌اند.[16]

قَوَارِيرَا۠ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا [16]

و در آنجا از جامی نوشانده خواهند شد که آمیزه‌اش از زنجبیل است، چشمه‌ای، آنجا، به نام سلسبیل.[17-18]

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا [17] عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا [18]

و میان آنان کودکانی جاودانه‌گردانده‌شده خواهند چرخید؛ اگر آنان را می‌دیدی، آنان را مرواریدهایی پراکنده می‌پنداشتی.[19]

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَٰنٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا [19]

و چون آنجا بنگری، دهشی و پادشاهی بزرگ خواهی دید: بر آنان، جامه‌هایی سبز از ابریشم نازک و دیبا.[20]

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا [20] عَٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ

و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند.

وَحُلُّوٓا۟ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ

و سرپرستشان آنان را از نوشیدنی‌ای کاملاً پاک‌کننده نوشانده است.[21]

وَسَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا [21]

این برای شما بازپرداختی بوده است، و کوشش شما با سپاس‌گزاری پذیرفته شده است.[22]

إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا [22]

این ما هستیم که خوانش را بر تو فرود آورده‌ایم، با فرودی تدریجی.[23]

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ تَنزِيلًا [23]

پس بر داوری سرپرستت شکیبایی کن، و از میان آنان نه به تجاوزگر گردن نِه و نه به انکارگر بزرگ.[24]

فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا [24]

و نام سرپرستت را در بامداد و هنگام بازگشت به خانه به یاد آور.[25]

وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا [25]

و برای او پیشانی بر خاک بنه بخشی از شب، و سراسر شبی دراز شکوه او را بسرا.[26]

وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَٱسْجُدْ لَهُۥ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا [26]

اینان زندگی بی‌درنگ را دوست دارند، و فراتر از خود روزی سنگین را وا می‌گذارند.[27]

إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا [27]

این ما هستیم که آنان را آفریده‌ایم و ساختارشان را استوار کرده‌ایم؛ و چون ما را پسند افتد، آنان را یکسره با همانندانشان جایگزین خواهیم کرد.[28]

نَّحْنُ خَلَقْنَٰهُمْ وَشَدَدْنَآ أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَآ أَمْثَٰلَهُمْ تَبْدِيلًا [28]

این یادآوری است.

إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذْكِرَةٌ

پس هر که بخواهد، به سوی سرپرست خود راهی برگیرد.[29]

فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا [29]

و شما نخواهید خواست مگر آنکه خدا را پسند افتد،

وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ

زیرا خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[30]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا [30]

او هر که را پسند او افتد، به مهربانی خود وارد می‌کند.

يُدْخِلُ مَن يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ

و برای ستمگران، کیفری دردناک آماده کرده است.[31]

وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [31]

# القيامة • AL-QIYAMA

سوره 75 · 40 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

نه! سوگند به روز حضور؛ و نه! سوگند به خویشتنی که خود را سرزنش می‌کند.[1-2]

لَآ أُقْسِمُ بِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ [1] وَلَآ أُقْسِمُ بِٱلنَّفْسِ ٱللَّوَّامَةِ [2]

آیا انسان می‌پندارد که ما هرگز استخوان‌هایش را گرد نخواهیم آورد؟ چرا![3]

أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُۥ [3] بَلَىٰ

ما توانایم حتی بند انگشتانش را متعادل سازیم.[4]

قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ [4]

بلکه انسان می‌خواهد در نابکاری پافشاری کند، همان‌جا پیش روی خود.[5]

بَلْ يُرِيدُ ٱلْإِنسَٰنُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُۥ [5]

می‌پرسد: «روز حضور کی خواهد بود؟»[6]

يَسْـَٔلُ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلْقِيَٰمَةِ [6]

چون بینایی از درخشش کور شود، ماه بگیرد، و خورشید و ماه فراهم آورده شوند، انسان در آن روز خواهد گفت: «کجا بگریزم؟»[7-10]

فَإِذَا بَرِقَ ٱلْبَصَرُ [7] وَخَسَفَ ٱلْقَمَرُ [8] وَجُمِعَ ٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ [9] يَقُولُ ٱلْإِنسَٰنُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ ٱلْمَفَرُّ [10]

نه چنین! هیچ سنگری نیست.[11]

كَلَّا لَا وَزَرَ [11]

به سوی سرپرست توست، آن روز، جایگاه پایدار.[12]

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ [12]

انسان، آن روز، از آنچه پیش فرستاده و پس انداخته است اطلاع داده خواهد شد.[13]

يُنَبَّؤُاْ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ [13]

بلکه انسان بر خویشتن خود بیناست، هرچند بهانه‌های خود را پیش افکند.[14-15]

بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ [14] وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ [15]

زبانت را برای شتاب دادن به آن مجنبان؛[16]

لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ [16]

زیرا گردآوردن آن و خواندنش بر عهدهٔ ماست.[17]

إِنَّ عَلَيۡنَا جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ [17]

سپس چون آن را می‌خوانیم، از خواندنش پیروی کن؛ آنگاه بر عهدهٔ ماست که همانا آن را توضیح دهیم.[18-19]

فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ [18] ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ [19]

نه چنین! بلکه آنان زندگی بی‌درنگ را دوست دارند، و زندگی واپسین را وامی‌گذارند.[20-21] **(10)**

كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ [20] وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ [21] **(10)**

چهره‌هایی، آن روز، درخشان خواهند بود، به سوی سرپرستشان می‌نگرند.[22-23]

وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ [22] إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ [23]

و چهره‌هایی، آن روز، تیره خواهند بود، می‌پندارند که فاجعه‌ای بر آنان خواهد افتاد.[24-25]

وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذِۭ بَاسِرَةٞ [24] تَظُنُّ أَن يُفۡعَلَ بِهَا فَاقِرَةٞ [25]

نه چنین! چون به ترقوه‌ها برسد، و گفته شود: «چه کسی بالا خواهد برد؟»، و او بپندارد که این جدایی است، و ساق به ساق درهم پیچد: به سوی سرپرست توست، آن روز، راندن.[26-30]

كَلَّآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ [26] وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ [27] وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلْفِرَاقُ [28] وَٱلْتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ [29] إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ ٱلْمَسَاقُ [30]

نه راست‌گو اعلام کرد و نه تماس برقرار کرد،[31]

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ [31]

بلکه دروغ انگاشت و پشت کرد،[32]

وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ [32]

سپس به سوی نزدیکانش رفت، با خودنمایی.[33]

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ [33]

نزدیک‌تر به تو، و نزدیک‌تر! سپس باز هم نزدیک‌تر به تو، و نزدیک‌تر![34-35]

أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ [34] ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰٓ [35]

آیا انسان می‌پندارد که بی‌هدف رها خواهد شد؟[36]

أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ أَن يُتْرَكَ سُدًى [36]

مگر قطره‌ای از منی نبود که ریخته می‌شد؟ سپس چسبندگی‌ای شد؛ آنگاه او را آفرید و شکل داد، و از او دو عنصر جفت ساخت، نر و ماده. **(11)**[37-39]

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ [37] ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ [38] فَجَعَلَ مِنْهُ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰٓ [39] **(11)**

آیا آن‌که چنین است توانا نیست که مردگان را دوباره زندگی دهد؟[40]

أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحْۦِيَ ٱلْمَوْتَىٰ [40]

# المدثر • AL-MUDDATHTHIR

سوره 74 · 56 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای ردابه‌دوش! برخیز و هشدار ده،[1-2]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُدَّثِّرُ [1] قُمْ فَأَنذِرْ [2]

و سرپرست خود را، بزرگی او را اعلام کن،[3]

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ [3]

و جامه‌هایت را، پاک کن،[4]

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ [4]

و آلودگی را، از آن دوری کن،[5] (12)

وَٱلرُّجْزَ فَٱهْجُرْ [5] (12)

و آنچه می‌بخشی را با بسیار شمردن به رخ نکش،[6]

وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ [6]

و برای سرپرستت، شکیبا باش.[7]

وَلِرَبِّكَ فَٱصْبِرْ [7]

سپس چون در بوق دمیده خواهد شد، آن روز روزی دشوار خواهد بود، به‌هیچ‌روی آسان نه برای انکارکنندگان.[8-10]

فَإِذَا نُقِرَ فِى ٱلنَّاقُورِ [8] فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ [9] عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ [10]

مرا تنها با آن‌که آفریدم واگذار، آن‌که برایش دارایی‌های گسترده نهادم، و پسرانی گواه، و برایش همه‌چیز را به‌فراخی هموار ساختم — و باز آز دارد که من بیشتر دهم! نه چنین![11-15]

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا [11] وَجَعَلْتُ لَهُۥ مَالًا مَّمْدُودًا [12] وَبَنِينَ شُهُودًا [13] وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمْهِيدًا [14] ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ [15] كَلَّآ

او در برابر نشانه‌های ما لجوج بود.[16]

إِنَّهُۥ كَانَ لِـَٔايَٰتِنَا عَنِيدًا [16]

او را با سربالایی سخت له خواهم کرد.[17]

سَأُرْهِقُهُۥ صَعُودًا [17]

او اندیشید و اندازه گرفت — نابود باد شیوهٔ اندازه‌گیری‌اش! باز هم نابود باد شیوهٔ اندازه‌گیری‌اش! سپس نگریست، سپس ترش‌رویی کرد و چهره‌اش را سخت ساخت، سپس پشت کرد و خودبزرگ‌بین شد، و گفت: «این جز چشم‌بندیِ روایت‌شده نیست، این جز سخن یک آدمی نیست.»[18-25]

إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ [18] فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ [19] ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ [20] ثُمَّ نَظَرَ [21] ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ [22] ثُمَّ أَدْبَرَ وَٱسْتَكْبَرَ [23] فَقَالَ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ [24] إِنْ هَٰذَآ إِلَّا قَوْلُ ٱلْبَشَرِ [25]

او را در سقر خواهم سوزاند.[26]

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ [26]

و چه کسی تو را خواهد شناساند که سقر چیست؟[27]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سَقَرُ [27]

چیزی را باقی نمی‌گذارد و چیزی را وانمی‌گذارد،[28]

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ [28]

آدمیان را آشکارا دگرگون می‌کند.[29]

لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ [29]

بر آن، نوزده.[30]

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ [30]

ما یاران آتش را جز کارگزاران قرار ندادیم،

وَمَا جَعَلْنَآ أَصْحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةً

و شمار آنان را مگر آزمونی برای انکارکنندگان مقرر نکردیم، تا کسانی که نوشتار به آنان داده شده است یقین یابند، کسانی که باور دارند در باور بیفزایند، کسانی که نوشتار به آنان داده شده است و باورمندان تردید نکنند، و تا کسانی که هسته‌شان بیماری دارد، و نیز انکارکنندگان، بگویند: «خدا با این نمونه چه خواسته است؟»

وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسْتَيْقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ وَيَزْدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنًا وَلَا يَرْتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَٱلْكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا

اینچنین خدا هر که را پسند او افتد گمراه می‌کند و هر که را پسند او افتد راه می‌نماید.

كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ

و هیچ‌کس لشکرهای سرپرست تو را نمی‌شناسد، مگر او.

وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ

و این جز یادآوری‌ای برای آدمیان نیست.[31]

وَمَا هِىَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ [31]

نه چنین! سوگند به ماه! سوگند به شب چون فرو کاهد! سوگند به بامداد چون بدرخشد! این بی‌گمان یکی از بزرگ‌ترین چیزهاست، هشداری برای آدمیان، برای هر که از شما را پسند افتد که پیش رود یا پس ماند. **(13)** [32-37]

كَلَّا وَٱلْقَمَرِ [32] وَٱلَّيْلِ إِذَا دَبَرَ [33] وَٱلصُّبْحِ إِذَآ أَسْفَرَ [34] إِنَّهَا لَإِحْدَى ٱلْكُبَرِ [35] نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ [36] لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ [37] **(13)**

هر خویشتن در گرو آنچه به دست آورده است نگه داشته شده است، مگر یاران راست،[38-39]

كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ [38] إِلَّآ أَصْحَٰبَ ٱلْيَمِينِ [39]

در باغ‌ها، از کنارگذاشته‌شدگان می‌پرسند: «چه چیز شما را به سقر کشاند؟»[40-42]

فِى جَنَّٰتٍ يَتَسَآءَلُونَ [40] عَنِ ٱلْمُجْرِمِينَ [41] مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ [42]

خواهند گفت: «ما از کسانی نبودیم که تماس برقرار می‌کردند، و تنگ‌دست را خوراک نمی‌دادیم، و با غوطه‌وران غوطه‌ور می‌شدیم، و روز سررسید را دروغ می‌انگاشتیم، تا آنگاه که یقین بر ما آمد.»[43-47]

قَالُوا۟ لَمْ نَكُ مِنَ ٱلْمُصَلِّينَ [43] وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ ٱلْمِسْكِينَ [44] وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلْخَآئِضِينَ [45] وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ [46] حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلْيَقِينُ [47]

آنگاه میانجی‌گریِ میانجی‌ها به آنان سود نخواهد رساند.[48]

فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ [48]

آنان را چه شده که از یادآوری روی می‌گردانند، همچون خرهای وحشیِ رمیده، که از برابر شیری می‌گریزند؟[49-51]

فَمَا لَهُمْ عَنِ ٱلتَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ [49] كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ [50] فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍۭ [51]

هر شخص از آنان بلکه می‌خواهد که به او سالنامه‌هایی گسترده داده شود.[52]

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً [52]

نه چنین! بلکه آنان از زندگی واپسین نمی‌ترسند.[53]

كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ ٱلْءَاخِرَةَ [53]

نه چنین! این یادآوری است.[54]

كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذْكِرَةٌ [54]

هر که بخواهد، آن را به یاد آورد.[55]

فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ [55]

و آنان آن را به یاد نخواهند آورد مگر آنکه خدا را پسند افتد.

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ

اوست که سزاوار است از او محتاط باشند، و سزاوار است که بخشایش دهد.[56]

هُوَ أَهْلُ ٱلتَّقْوَىٰ وَأَهْلُ ٱلْمَغْفِرَةِ [56]

# المزمل • AL-MUZZAMMIL

سوره 73 · 20 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای جامه‌پیچیده! شب برخیز، مگر اندکی — نیمهٔ آن، یا اندکی کمتر، یا اندکی بیشتر؛ و خوانش را برخوان، آن را شمرده، آشکارا جدا جدا،[1-4]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُزَّمِّلُ [1] قُمِ ٱلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا [2] نِّصْفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا [3] أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا [4]

زیرا ما به‌زودی بر تو سخنی سنگین خواهیم افکند.[5]

إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا [5]

برخاستن شب تأثیری استوارتر و راست‌تر در سخن دارد.[6]

إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا [6]

تو در روز شنایی دراز داری.[7]

إِنَّ لَكَ فِى ٱلنَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا [7]

و نام سرپرست خود را به یاد آور، و خود را سراسر وقف او کن.[8]

وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا [8]

سرپرست خاور و باختر،

رَّبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

پس او را به وکیلی بگیر.[9]

فَٱتَّخِذْهُ وَكِيلًا [9]

و بر آنچه می‌گویند شکیبا باش،

وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

و از آنان دوری کن، دوری‌ای نیکو.[10]

وَٱهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا [10]

و مرا با دروغ‌انگارندگان که در رفاه‌اند واگذار، و به آنان اندکی فرصت بده.[11]

وَذَرْنِى وَٱلْمُكَذِّبِينَ أُو۟لِى ٱلنَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا [11]

ما همانا نزد خود زنجیرهایی سنگین، کوره‌ای، خوراکی که خفه می‌کند و کیفری دردناک داریم، روزی که زمین و کوه‌ها لرزانده خواهند شد، و کوه‌ها تلی از شنِ فروریزنده خواهند گشت.[12–14]

إِنَّ لَدَيْنَآ أَنكَالًا وَجَحِيمًا [12] وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا [13] يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا [14]

ما به سوی شما فرستاده‌ای فرستادیم، گواه بر شما، چنان‌که به سوی فرعون فرستاده‌ای فرستادیم؛ اما فرعون از فرستاده نافرمانی کرد، و ما او را به گرفتنی شوم گرفتیم.[15–16]

إِنَّآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَٰهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا [15] فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ ٱلرَّسُولَ فَأَخَذْنَٰهُ أَخْذًا وَبِيلًا [16]

پس چگونه محتاط خواهید بود، اگر انکار کنید، در برابر روزی که کودکان را سپیدموی می‌کند، روزی که آسمان نیز در آن خواهد شکافت؟[17]

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ ٱلْوِلْدَٰنَ شِيبًا [17] ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرٌۢ بِهِۦ

وعدهٔ او همواره انجام‌یافته است.[18]

كَانَ وَعْدُهُۥ مَفْعُولًا [18]

این یادآوری است.

إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ

پس هر که بخواهد، به سوی سرپرست خود راهی برگیرد.[19]

فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا [19]

سرپرست تو می‌داند که تو اندکی کمتر از دو سومِ شب، نیمهٔ آن و یک‌سومِ آن، برمی‌خیزی، و نیز گروهی از کسانی که با تو هستند. (14)

إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَ (14)

و خدا شب و روز را اندازه می‌گیرد؛

وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ

او می‌داند که هرگز نخواهید توانست آن را برشمارید، و از این رو با گذشت به شما بازگشت.

عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡ

پس آنچه از خوانش برایتان آسان خواهد بود را بخوانید.

فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ

او می‌داند که در میان شما بیمارانی خواهند بود، و دیگرانی که برای جست‌وجوی لطف خدا زمین را خواهند پیمود، و دیگرانی که در راه خدا پیکار خواهند کرد.

عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ

پس آنچه از آن برایتان آسان خواهد بود را بخوانید،

فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنۡهُ

و تماس را پابرجا نگه دارید، و گشاده‌دستیِ ناب را بدهید،

وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و به خدا وامی نیکو بدهید.

وَأَقْرِضُواْ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

هر نیکی‌ای که برای خودتان پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت، بهتر و در پاداش سترگ‌تر.

وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا

و از خدا بخشایش بخواهید؛

وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[20]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ[20]

# الجن • Al-Jinn

سوره 72 · 28 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بگو: «برای من پرده برداشته شد که گروهی از نهانیان گوش دادند، و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم، که به راست‌کرداری راه می‌نماید؛ پس به آن باور آوردیم، و دیگر هرگز کسی را با سرپرست خود انباز نخواهیم گرفت.[1-2]

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَقَالُوٓا۟ إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا [1] يَهْدِىٓ إِلَى ٱلرُّشْدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا [2]

و عظمتِ سرپرست ما والاست: او نه همسری برای خود برگرفته است و نه فرزندی.[3] (15)

وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا [3] (15)

و بی‌خرد ما دربارهٔ خدا سخنان گزاف می‌گفت.[4] (16)

وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا [4] (16)

و ما می‌پنداشتیم که نه انسان‌ها و نه نهانیان هرگز بر خدا دروغ نخواهند گفت.[5] (17)

وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا [5] (17)

و مردانی از میان انسان‌ها بودند که به مردانی از میان نهانیان پناه می‌بردند، و این جز بر له‌شدگی‌شان نیفزود.[6] (18)

وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ ٱلْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا [6] (18)

و آنان می‌پنداشتند، چنان‌که شما خود می‌پنداشتید، که خدا هرگز کسی را برنخواهد انگیخت. (19) [7]

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا۟ كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ ٱللَّهُ أَحَدًا [7] (19)

و ما آسمان را لمس کردیم، و آن را پر از نگهبانی سخت و پرتاب‌های شعله‌ور یافتیم. (20) [8]

وَأَنَّا لَمَسْنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدْنَٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا [8] (20)

و ما در آن به جایگاه‌هایی می‌نشستیم تا گوش دهیم؛ اما اکنون هر که بخواهد گوش دهد پرتابه‌ای شعله‌ور در کمین خود می‌یابد. (21) [9]

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ ٱلْـَٰٔنَ يَجِدْ لَهُۥ شِهَابًا رَّصَدًا [9] (21)

و ما نمی‌دانیم که برای کسانی که بر زمین‌اند بدی خواسته شده است یا سرپرستشان برای آنان راست‌کرداری می‌خواهد. (22) [10]

وَأَنَّا لَا نَدْرِىٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِى ٱلْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا [10] (22)

و از میان ما شایستگان هستند، و از میان ما کسانی که فروتر از آن‌اند: (23)

وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ (23)

ما به راه‌های رفتاری پراکنده تقسیم شده بودیم. [11]

كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا [11]

و ما پنداشتیم که هرگز نخواهیم توانست خدا را بر زمین ناتوان کنیم، و نه با گریختن او را ناتوان کنیم. (24) [12]

وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعْجِزَ ٱللَّهَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُۥ هَرَبًا [12] (24)

و چون راهنمایی را شنیدیم، به آن باور آوردیم؛ (25)

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا ٱلْهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦ (25)

پس هر که به سرپرست خود باور دارد نه از زیان‌دیدن می‌ترسد و نه از له‌شدگی. [13]

فَمَن يُؤْمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا [13]

و از میان ما بی‌خدشگان نزد خدا هستند، و از میان ما کج‌روان:(26)

وَإِنَّا مِنَّا ٱلْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا ٱلْقَٰسِطُونَ (26)

هر که بی‌خدشه نزد خدا باشد، آنان راست‌کرداری جسته‌اند،[14]

فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ تَحَرَّوْا۟ رَشَدًا [14]

و اما کج‌روان، هیزم جهنم شده‌اند.[15]

وَأَمَّا ٱلْقَٰسِطُونَ فَكَانُوا۟ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا [15]

و اینکه اگر بر آن راه رفتاری راست ایستاده بودند، آنان را از آبی فراوان سیراب می‌کردیم، تا آنان را با آن بیازماییم.[16]

وَأَلَّوِ ٱسْتَقَٰمُوا۟ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَٰهُم مَّآءً غَدَقًا [16] لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ

و هر که از یادآوریِ سرپرست خود کناره می‌گیرد، او را در کیفری درمی‌آوریم که پیوسته بالا می‌رود.(27)[17]

وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ نَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا [17] (27)

و اینکه جاهای پیشانی بر خاک نهادن از آنِ خداست: پس هیچ‌کس را با خدا مخوانید.[18]

وَأَنَّ ٱلْمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا۟ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدًا [18]

و اینکه چون فرمان‌بردار خدا برخاست تا او را بخواند، نزدیک بود که بر او به‌صورت انبوهی فشرده هجوم آورند.»[19]

وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبْدُ ٱللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا۟ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا [19]

بگو: «من جز سرپرست خود را نمی‌خوانم، و هیچ‌کس را با او انباز نمی‌گیرم.»[20]

قُلْ إِنَّمَآ أَدْعُوا۟ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِهِۦٓ أَحَدًا [20]

بگو: «من برای شما نه آسیبی در اختیار دارم و نه راست‌کرداری.»[21]

قُلْ إِنِّى لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا [21]

بگو: «هیچ‌کس نمی‌تواند مرا در برابر خدا پناه دهد، و من غیر از او هیچ پناه‌جایی نخواهم یافت — جز رساندنِ از جانب خدا و پیام‌های او.[22]

قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا [22] إِلَّا بَلَٰغٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦ

و هر که از خدا و فرستادهٔ او نافرمانی کند همانا آتش جهنم را خواهد داشت، تا در آن جاودانه بماند، تا ابد.»[23]

وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا [23]

تا آنگاه که آنچه را به آنان وعده داده شده است ببینند، آنگاه بدانند چه کسی در یاری ضعیف‌تر و در شمار کمتر است.[24]

حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوْاْ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرٗا وَأَقَلُّ عَدَدًا [24]

بگو: «من نمی‌دانم آنچه به شما وعده داده شده است نزدیک است یا سرپرست من برای آن مدتی مقرر خواهد کرد.»[25]

قُلْ إِنْ أَدْرِيٓ أَقَرِيبٞ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُۥ رَبِّيٓ أَمَدًا [25]

آن‌که آنچه فراتر از حواس است را می‌داند، و آن را برای هیچ‌کس آشکار نمی‌کند، مگر برای فرستاده‌ای که از او خشنود شده است؛ آنگاه پیش روی او و پشت سر او دیده‌بانانی می‌گمارد، تا بداند که پیام‌های سرپرستشان را درست رسانده‌اند؛ او هر آنچه نزد آنان است را فراگرفته و هر چیز را دقیق برشمرده است.[26-28]

عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِۦٓ أَحَدًا [26] إِلَّا مَنِ ٱرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٖ فَإِنَّهُۥ يَسْلُكُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ رَصَدًا [27] لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا [28]

# نوح • NUH

سوره 71 · 28 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم: «قوم خود را هشدار ده پیش از آنکه کیفری دردناک بر آنان آید.»[1]

إِنَّآ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦٓ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [1]

گفت: «ای قوم من، من همانا برای شما هشداردهنده‌ای روشنم: خدا را فرمان برید، نسبت به او محتاط باشید و به من گردن نهید؛ او بخشی از تقصیرهای شما را خواهد بخشود و شما را تا زمان مقرری نام‌برده‌شده به تأخیر خواهد انداخت،[2-3]

قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ [2] أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ [3] يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

زیرا زمان مقرر خدا، چون فرا رسد، به تعویق انداخته نمی‌شود، اگر می‌دانستید.»[4]

إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ ۖ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [4]

گفت: «ای سرپرست من، من همانا قوم خود را شب و روز خواندم، اما خواندنم جز بر گریزشان نیفزود،[5-6]

قَالَ رَبِّ إِنِّى دَعَوْتُ قَوْمِى لَيْلًا وَنَهَارًا [5] فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِىٓ إِلَّا فِرَارًا [6]

و هر بار که آنان را خواندم تا تو آنان را ببخشایی، انگشتان خود را در گوش‌هایشان نهادند، خود را در جامه‌هایشان پوشاندند، پافشاری کردند و سخت خودبزرگ‌بینی ورزیدند.[7]

وَإِنِّى كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوٓا۟ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَٱسْتَغْشَوْا۟ ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا۟ وَٱسْتَكْبَرُوا۟ ٱسْتِكْبَارًا [7]

سپس آنان را آشکارا خواندم،[8]

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا [8]

سپس آن را برایشان علنی اعلام کردم، و نیز در نهان به آنان سپردم، و گفتم: از سرپرست خود بخشایش بخواهید، زیرا او بخشایندهٔ بزرگ است؛ او آسمان ریزان را بر شما خواهد فرستاد، و شما را با دارایی‌ها و پسران بهره‌مند خواهد ساخت، و به شما باغ‌ها خواهد داد، و به شما رودها خواهد داد.[9-12]

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا [9] فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا [10] يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا [11] وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا [12]

شما را چه شده که از خدا وقار امید ندارید، حال آنکه او شما را در مرحله‌های پیاپی آفریده است؟[13-14]

مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا [13] وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا [14]

آیا ندیده‌اید که خدا چگونه هفت آسمانِ روی هم آفرید، و ماه را در آن‌ها روشنایی نهاد، و خورشید را مشعل؟[15-16]

أَلَمْ تَرَوْا۟ كَيْفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا [15] وَجَعَلَ ٱلْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ ٱلشَّمْسَ سِرَاجًا [16]

و خدا شما را از زمین همچون گیاهی رویاند، سپس شما را به آن بازخواهد برد، و دوباره بیرونتان خواهد آورد.[17-18]

وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ نَبَاتًا [17] ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا [18]

و خدا زمین را برای شما فرشی گسترده ساخت، تا در آن راه‌هایی بپیمایید، گذرگاه‌های پهن.»[19-20]

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ بِسَاطًا [19] لِّتَسْلُكُوا۟ مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا [20]

نوح گفت: «ای سرپرست من، آنان همانا از من نافرمانی کردند و از کسی پیروی کردند که دارایی و فرزندانش جز بر زیان نیفزود، و توطئه‌ای بس بزرگ چیدند،[21-22]

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا [21] وَمَكَرُواْ مَكْرًا كُبَّارًا [22]

و گفتند: ایزدان خود را هرگز وامگذارید، نه ود را وامگذارید، نه سواع را، نه یغوث را، نه یعوق را، نه نسر را.[23]

وَقَالُواْ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا [23]

و بسیاری را گمراه کردند.

وَقَدْ أَضَلُّواْ كَثِيرًا

و ستمگران را جز بر گمراهی نیفزای.»[24]

وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلًا [24]

به سبب خطاهایشان غرق شدند، و بی‌درنگ به آتشی درآورده شدند، و غیر از خدا هیچ یاری نیافتند.[25]

مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمْ أُغْرِقُواْ فَأُدْخِلُواْ نَارًا فَلَمْ يَجِدُواْ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَنصَارًا [25]

و نوح گفت: «ای سرپرست من، بر زمین از انکارکنندگان هیچ ساکنی را باقی مگذار![26]

وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى ٱلْأَرْضِ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ دَيَّارًا [26]

زیرا اگر تو آنان را باقی بگذاری، فرمان‌برداران تو را گمراه خواهند کرد، و جز نابکاران، انکارگرانِ بزرگ نخواهند زایید.[27]

إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّواْ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓاْ إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا [27]

ای سرپرست من، مرا و پدر و مادرم را ببخشای، و هر که باورمندانه به خانهٔ من درآید، و باورمندان و زنان باورمند را،

رَّبِّ ٱغْفِرْ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ

و ستمگران را جز بر ویرانی نیفزای.»[28]

وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًۢا [28]



# المعارج • AL-MA'ARIJ

سوره 70 · 44 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

پرسنده‌ای خواستار کیفری شد که بر انکارکنندگان رخ خواهد داد — هیچ‌کس نتواند آن را بازدارد — از جانب خدا، دارندهٔ راه‌های بالارفتن.[1-3]

سَأَلَ سَآئِلٌۢ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝1 لِّلْكَٰفِرِينَ لَيْسَ لَهُۥ دَافِعٌ ۝2 مِّنَ ٱللَّهِ ذِى ٱلْمَعَارِجِ ۝3

کارگزاران و جریان در روزی به سوی او بالا می‌روند که اندازه‌اش پنجاه هزار سال است.[4]

تَعْرُجُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيْهِ فِى يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝4

پس با شکیبایی‌ای نیکو شکیبا باش،[5]

فَٱصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ۝5

زیرا آنان آن را دور می‌بینند، در حالی که ما آن را نزدیک می‌بینیم.[6-7]

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُۥ بَعِيدًا ۝6 وَنَرَىٰهُ قَرِيبًا ۝7

روزی که آسمان همچون فلز گداخته خواهد بود، کوه‌ها همچون پشم خواهند بود، و هیچ دوست گرمی از دوست گرمی نخواهد پرسید، هرچند آشکارا به یکدیگر نشان داده می‌شوند.[8-10]

يَوْمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ كَٱلْمُهْلِ ۝8 وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ۝9 وَلَا يَسْـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ۝10 يُبَصَّرُونَهُمْ

کنارگذاشته‌شده می‌خواست از کیفر آن روز خود را با پسرانش، همراهش، برادرش، خاندانی که او را پناه می‌داد، و همهٔ کسانی که بر زمین‌اند باز بخرد، اگر آن آنگاه او را رهایی می‌داد. نه چنین![11-14]

يَوَدُّ ٱلۡمُجۡرِمُ لَوۡ يَفۡتَدِي مِنۡ عَذَابِ يَوۡمِئِذِۭ بِبَنِيهِ ١١ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ ١٢ وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُـٔۡوِيهِ ١٣ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ يُنجِيهِ ١٤ كَلَّآ

این همانا شعلهٔ سوزان است، که پوست سر را می‌گند، و فرامی‌خواند آن‌که پس نشست و پشت کرد، که اندوخت و سپس در بسته نگه داشت.[15-18]

إِنَّهَا لَظَىٰ ١٥ نَزَّاعَةٗ لِّلشَّوَىٰ ١٦ تَدۡعُواْ مَنۡ أَدۡبَرَ وَتَوَلَّىٰ ١٧ وَجَمَعَ فَأَوۡعَىٰٓ ١٨

انسان همانا بی‌تاب آفریده شده است: چون بدی به او برسد، پریشان می‌شود، و چون نیکی به او برسد، آن را از دیگری بازمی‌دارد — مگر کسانی که تماس برقرار می‌کنند، پیوسته در تماس خود،[19-23]

إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا ١٩ إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا ٢٠ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ مَنُوعًا ٢١ إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ ٢٢ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ ٢٣

و کسانی که در دارایی‌هایشان حقی شناخته‌شده است برای کسی که می‌خواهد و کسی که محروم شده است،[24-25]

وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ ٢٤ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ٢٥

و کسانی که روز سررسید را راست‌گو اعلام می‌کنند،[26]

وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٢٦

و کسانی که از کیفر سرپرستشان پر از نگرانی‌اند — زیرا هیچ‌کس از کیفر سرپرستشان ایمن نیست —[27-28]

وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٢٧ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٖ ٢٨

و کسانی که پاکدامنی خود را نگه می‌دارند، مگر نسبت به همسران خود یا بسته‌شدگان به سوگند — پس سرزنش نمی‌شوند؛[29-30]

وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ [29] إِلَّا عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ [30]

هر که فراتر از این بجوید، آنان از گذرندگان از مرزهایند؛[31]

فَمَنِ ٱبْتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْعَادُونَ [31]

و کسانی که به امانت‌ها و پیمان خود توجه دارند،[32]

وَٱلَّذِينَ هُمْ لِأَمَٰنَٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ [32]

و کسانی که گواهی‌های خود را پابرجا نگه می‌دارند،[33]

وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمْ قَآئِمُونَ [33]

و کسانی که تماس خود را پیوسته پاس می‌دارند: آنان در باغ‌ها گرامی داشته خواهند شد.[34-35]

وَٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ [34] أُو۟لَٰٓئِكَ فِى جَنَّٰتٍ مُّكْرَمُونَ [35]

کسانی که انکار می‌کنند را چه شده که به سوی تو می‌شتابند، از راست و چپ تو، دسته‌دسته جدا از هم؟[36-37]

فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ [36] عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ عِزِينَ [37]

آیا هر شخص از آنان آز دارد که به باغ دهش درآورده شود؟ نه چنین![38]

أَيَطْمَعُ كُلُّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ [38] كَلَّآ

ما همانا آنان را از آنچه می‌دانند آفریدیم.[39]

إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ [39]

نه! سوگند به سرپرست خاورها و باخترها که ما بی‌گمان توانایم آنان را با بهتر از ایشان جایگزین کنیم، و هیچ‌چیز نمی‌تواند از ما پیشی گیرد.[40-41]

فَلَآ أُقْسِمُ بِرَبِّ ٱلْمَشَٰرِقِ وَٱلْمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ [40] عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ [41]

پس آنان را واگذار: غوطه‌ور شوند و بازی کنند، تا به روز خود برسند، همان که به آنان وعده داده شده است — روزی که شتابان از آرامگاه‌ها بیرون خواهند آمد، گویی به سوی سنگ‌نبشته‌ای برافراشته می‌دوند، بینایی‌هایشان فروتن، خواری آنان را فرا گرفته.[42-43]

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ ۝42 يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ۝43 خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

این است آن روزی که به آنان وعده داده شده بود.[44]

ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يُوعَدُونَ ۝44

# الحاقة • AL-HAQQA

سوره 69 · 52 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آنکه به واقعیت حقیقت می‌بخشد! آنکه به واقعیت حقیقت می‌بخشد چیست؟[1-2]

ٱلْحَآقَّةُ [1] مَا ٱلْحَآقَّةُ [2]

و چه کسی به تو خواهد شناساند که آنکه به واقعیت حقیقت می‌بخشد چیست؟[3]

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحَآقَّةُ [3]

ثمود و عاد کوبنده را دروغ انگاشتند.[4]

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌۢ بِٱلْقَارِعَةِ [4]

اما ثمود، به‌وسیلهٔ بی‌حد نابود شدند.[5]

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا۟ بِٱلطَّاغِيَةِ [5]

و اما عاد، به‌وسیلهٔ بادی سرد و گستاخ نابود شدند، که او آن را بر آنان رام کرد، هفت شب و هشت روز پیاپی،[6]

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا۟ بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ [6] سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا

چنان‌که آن قوم را می‌دیدی که بر زمین افتاده‌اند، همچون تنه‌های نخلِ تهی.[7]

فَتَرَى ٱلْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ [7]

آیا از آنان کوچک‌ترین بازمانده‌ای می‌بینی؟[8]

فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٍ [8]

و فرعون، و آنان که در کنار او بودند، و شهرهای واژگون‌شده با خطا آمدند؛ از فرستادهٔ سرپرستشان نافرمانی کردند، و او آنان را به گرفتنی گرفت که پیوسته بزرگ‌تر می‌شد. (28) [9-10]

وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُۥ وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتُ بِٱلْخَاطِئَةِ ۝9 فَعَصَوْا۟ رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً ۝10 (28)

آنگاه که آب سرریز شد، ما شما را بر ناو برداشتیم، تا آن را برای شما یادآوری‌ای گردانیم، و تا گوشی نیوشا آن را نگه دارد. [11-12]

إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلْمَآءُ حَمَلْنَٰكُمْ فِى ٱلْجَارِيَةِ ۝11 لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ ۝12

چون در شیپور با یک دمیدن دمیده خواهد شد، و زمین و کوه‌ها برداشته و سپس با یک کوبش هموار خواهند شد، در آن روز رویداد رخ خواهد داد، و آسمان خواهد شکافت و آن روز سست‌بنیاد خواهد بود، و کارگزار در کرانه‌هایش خواهد ایستاد، [13-16]

فَإِذَا نُفِخَ فِى ٱلصُّورِ نَفْخَةٌ وَٰحِدَةٌ ۝13 وَحُمِلَتِ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَٰحِدَةً ۝14 فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ۝15 وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِىَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۝16 وَٱلْمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرْجَآئِهَا

و هشت تن، آن روز، بنای سرپرست تو را بر فراز خود برخواهند داشت. آن روز، شما عرضه خواهید شد، و هیچ چیز از شما نهان نخواهد ماند. [17-18]

وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَٰنِيَةٌ ۝17 يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ ۝18

اما آن‌که دفترش به دست راستش داده شود، خواهد گفت: «بگیرید، دفتر مرا بخوانید! [19]

فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقْرَءُوا۟ كِتَٰبِيَهْ ۝19

زیرا من پنداشتم که با حساب خود روبه‌رو خواهم شد.» [20]

إِنِّى ظَنَنتُ أَنِّى مُلَٰقٍ حِسَابِيَهْ ۝20

او در زیستی خرسندکننده خواهد بود، در باغی بلند، که خوشه‌هایش در دسترس خواهد بود. [21-23]

فَهُوَ فِى عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝21 فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝22 قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۝23

«بخورید و بنوشید
كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟

گوارا، برای آنچه پیش‌تر کردید، در روزهای گذشته.»[24]
هَنِيٓـًٔۢا بِمَآ أَسْلَفْتُمْ فِى ٱلْأَيَّامِ ٱلْخَالِيَةِ [24]

و اما آن‌که دفترش به دست چپش داده شود، خواهد گفت: «ای کاش دفترم به من داده نشده بود،[25]
وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِى لَمْ أُوتَ كِتَٰبِيَهْ [25]

و ای کاش آگاه نمی‌شدم که حسابم چیست![26]
وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ [26]

ای کاش آن پایانِ قطعی می‌بود! دارایی‌ام هیچ سودی به من نرساند،[27-28]
يَٰلَيْتَهَا كَانَتِ ٱلْقَاضِيَةَ [27] مَآ أَغْنَىٰ عَنِّى مَالِيَهْ [28]

اقتدارم از من نابود شد.»[29]
هَلَكَ عَنِّى سُلْطَٰنِيَهْ [29]

«او را بگیرید و ببندید، سپس او را به کوره عرضه کنید، سپس او را در زنجیری درآورید که درازایش هفتاد ذراع است.[30-32]
خُذُوهُ فَغُلُّوهُ [30] ثُمَّ ٱلْجَحِيمَ صَلُّوهُ [31] ثُمَّ فِى سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَٱسْلُكُوهُ [32]

او به خدا، آن سترگ، باور نداشت، و به خوراک دادن به تنگ‌دست ترغیب نمی‌کرد.[33-34]
إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ ٱلْعَظِيمِ [33] وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ [34]

پس امروز اینجا هیچ دوست گرمی ندارد، و نه خوراکی جز چرکاب، که جز خطاکاران آن را نمی‌خورند.»[35-37]
فَلَيْسَ لَهُ ٱلْيَوْمَ هَٰهُنَا حَمِيمٌ [35] وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ [36] لَّا يَأْكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلْخَٰطِـُٔونَ [37]

نه! سوگند می‌خورم به آنچه آشکارا می‌بینید و آنچه آشکارا نمی‌بینید: این بی‌گمان سخن فرستادهٔ والاست، و سخن سخنوری فریبا نیست — بسیار اندک باور می‌آورید — و نه سخن فالگیر.[38-41]

فَلَآ أُقۡسِمُ بِمَا تُبۡصِرُونَ [38] وَمَا لَا تُبۡصِرُونَ [39] إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ [40] وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَاعِرٖۚ قَلِيلٗا مَّا تُؤۡمِنُونَ [41] وَلَا بِقَوۡلِ كَاهِنٖۚ

چه اندک به یاد می‌آورید![42]

قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ [42]

فرودی از سرپرستِ همهٔ هستی‌ها.[43]

تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [43]

و اگر او بر ما سخنی ساخته بود، ما او را از دست راست می‌گرفتیم، سپس شاهرگش را می‌بریدیم، و هیچ‌یک از شما نمی‌توانست حائلی برای او باشد.[44-47]

وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ ٱلۡأَقَاوِيلِ [44] لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ [45] ثُمَّ لَقَطَعۡنَا مِنۡهُ ٱلۡوَتِينَ [46] فَمَا مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ عَنۡهُ حَٰجِزِينَ [47]

و این بی‌گمان یادآوری‌ای است برای محتاطان.[48]

وَإِنَّهُۥ لَتَذۡكِرَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ [48]

و ما بی‌گمان می‌دانیم که در میان شما کسانی هستند که دروغ می‌انگارند.[49]

وَإِنَّا لَنَعۡلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ [49]

و این بی‌گمان حسرتی است برای انکارکنندگان.[50]

وَإِنَّهُۥ لَحَسۡرَةٌ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ [50]

و این بی‌گمان حقیقتِ یقین است.[51]

وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلۡيَقِينِ [51]

پس به نام سرپرست خود، آن سترگ، شکوه بسرای.[52]

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ [52]



# القلم • AL-QALAM

سوره 68 · 52 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

نٓ (نون).

نٓ

سوگند به قلم و آنچه در سطرها می‌نویسند! تو، به دهش سرپرستت، دچار اختلال نیستی. و تو بی‌گمان پاداشی داری که به رخت کشیده نخواهد شد. و تو بی‌گمان دارای خویی سترگ هستی.[1-4]

وَٱلْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ [1] مَآ أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ [2] وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ [3] وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ [4]

روشن خواهی دید، و روشن خواهند دید، کدام یک از شما آزموده‌شده است.[5-6]

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ [5] بِأَيِّيكُمُ ٱلْمَفْتُونُ [6]

سرپرست تو بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است،

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ

و راهنمایی‌پذیرندگان را بهتر می‌شناسد.[7]

وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ [7]

پس به دروغ‌انگارندگان گردن منه.[8]

فَلَا تُطِعِ ٱلْمُكَذِّبِينَ [8]

می‌خواستند که تو سهل‌گیر باشی: آنگاه آنان سهل‌گیر می‌بودند.[9]

وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ [9]

و به هیچ پرسوگند، خوارمایه، تهمت‌زنِ نیش‌دار، سخن‌چین، بازدارندهٔ نیکی، از مرزها گذرنده، متخطی، خشن، و افزون بر آن زائدهٔ اجتماعی گردن منه — از آن‌رو که دارایی و پسرانی دارد.
چون نشانه‌های ما بر او برخوانده شود، می‌گوید: «افسانه‌های پیشینیان!»[10-15]

وَلَا تُطِعۡ كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ [10] هَمَّازٖ مَّشَّآءِۭ بِنَمِيمٖ [11] مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ [12] عُتُلِّۭ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ [13] أَن كَانَ ذَا مَالٖ وَبَنِينَ [14] إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ [15]

او را بر پوزه نشان خواهیم زد.[16]

سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ [16]

ما آنان را آزمودیم چنان‌که یاران باغ را آزمودیم، آنگاه که سوگند خوردند آن را بامدادان بچینند، بی‌آنکه استثنا کنند،[17-18]

إِنَّا بَلَوۡنَٰهُمۡ كَمَا بَلَوۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ إِذۡ أَقۡسَمُواْ لَيَصۡرِمُنَّهَا مُصۡبِحِينَ [17] وَلَا يَسۡتَثۡنُونَ [18]

و گشتی از جانب سرپرستت بر آن گذشت در حالی که خواب بودند، چنان‌که همچون زمینی سوخته شد.[19-20]

فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ مِّن رَّبِّكَ وَهُمۡ نَآئِمُونَ [19] فَأَصۡبَحَتۡ كَٱلصَّرِيمِ [20]

بامدادان یکدیگر را ندا دادند: «زود به سوی شخم‌زارتان روانه شوید، اگر می‌خواهید آن را بچینید.»[21-22]

فَتَنَادَوۡاْ مُصۡبِحِينَ [21] أَنِ ٱغۡدُواْ عَلَىٰ حَرۡثِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰرِمِينَ [22]

پس روانه شدند در حالی که پچ‌پچ‌کنان به یکدیگر می‌گفتند: «امروز هیچ تنگ‌دستی در آن میان شما وارد نشود.»[23-24]

فَٱنطَلَقُواْ وَهُمۡ يَتَخَٰفَتُونَ [23] أَن لَّا يَدۡخُلَنَّهَا ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكُم مِّسۡكِينٌ [24]

و زود روانه شدند، سرسخت، توانا.[25]

وَغَدَوۡاْ عَلَىٰ حَرۡدٖ قَٰدِرِينَ [25]

سپس چون آن را دیدند، گفتند: «ما بی‌گمان گمراه شده‌ایم؛ بلکه ما محروم شده‌ایم!»[26-27]

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ [26] بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ [27]

متعادل‌ترین آنان گفت: «مگر به شما نگفتم: چرا شکوه نمی‌سرایید؟»[28]

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ [28]

گفتند: «شکوه بر سرپرست ما باد! ما همانا ستم کرده‌ایم.»[29]

قَالُواْ سُبْحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ [29]

و رو به روی یکدیگر ایستادند، در حالی که یکدیگر را سرزنش می‌کردند.[30]

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٖ يَتَلَٰوَمُونَ [30]

گفتند: «وای بر ما! ما همانا از هر حدی گذشتیم. شاید سرپرست ما در عوض بهتر از آن را به ما دهد؛ ما همانا با اشتیاق به سوی سرپرست خود روی می‌آوریم.»[31-32]

قَالُواْ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ [31] عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبْدِلَنَا خَيْرٗا مِّنْهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ [32]

چنین است کیفر.

كَذَٰلِكَ ٱلْعَذَابُ

و کیفر زندگی واپسین بزرگ‌تر است، اگر می‌دانستند.[33]

وَلَعَذَابُ ٱلْأَخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ [33]

برای محتاطان نزد سرپرستشان باغ‌های دهش همانا هست.[34]

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ [34]

آیا با بی‌خدشگان نزد خدا همچون کنارگذاشته‌شدگان رفتار می‌کردیم؟[35]

أَفَنَجْعَلُ ٱلْمُسْلِمِينَ كَٱلْمُجْرِمِينَ [35]

شما را چه شده است؟

مَا لَكُمْ

چگونه داوری می‌کنید؟[36]

كَيْفَ تَحْكُمُونَ [36]

یا آنکه نوشتاری دارید که در آن درس می‌خوانید، که در آن بی‌گمان هر آنچه برمی‌گزینید می‌یافتید؟[37-38]

أَمْ لَكُمْ كِتَٰبٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ [37] إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ [38]

یا آنکه بر ما سوگندهایی دارید که تا روز حضور می‌رسد: که شما بی‌گمان آنچه داوری می‌کنید خواهید داشت؟[39]

أَمْ لَكُمْ أَيْمَٰنٌ عَلَيْنَا بَٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ [39]

از آنان بپرس کدام یک از آنان ضامن این است.[40]

سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ [40]

یا آنکه انبازانی دارند؟ پس انبازان خود را بیاورند، اگر راست‌گو هستند.[41]

أَمْ لَهُمْ شُرَكَآءُ فَلْيَأْتُوا۟ بِشُرَكَآئِهِمْ إِن كَانُوا۟ صَٰدِقِينَ [41]

روزی که ساق برهنه خواهد شد، و به پیشانی بر خاک نهادن فراخوانده خواهند شد، نخواهند توانست،[42]

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ [42]

بینایی‌هایشان فروتن، خواری آنان را فرا گرفته،

خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ

حال آنکه به پیشانی بر خاک نهادن فراخوانده می‌شدند آنگاه که سالم بودند.[43]

وَقَدْ كَانُوا۟ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَٰلِمُونَ [43]

پس مرا با هر که این گفتار را دروغ می‌انگارد واگذار.

فَذَرْنِى وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ

ما آنان را به‌تدریج پیش خواهیم برد، از جایی که نمی‌دانند، و من به آنان مهلت می‌دهم،[44]

سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ [44] وَأُمْلِي لَهُمْ

زیرا حیلهٔ من استوار است.[45]

إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ [45]

یا آنکه از آنان پاداشی می‌خواهی، چنان‌که زیر بار بدهی سنگین شده‌اند؟[46]

أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ [46]

یا آنکه آنچه فراتر از حواس است نزد آنان است، چنان‌که آن را می‌نویسند؟[47]

أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ [47]

پس در برابر داوری سرپرست خود شکیبا باش، و مانند یار ماهی مباش، آنگاه که ندا داد در حالی که خشم خود را فرو می‌خورد.[48]

فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ [48]

اگر دهشی از سرپرستش او را درنیافته بود، نکوهیده بر زمینی برهنه افکنده می‌شد.[49]

لَّوْلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ [49]

اما سرپرستش او را برگزید و او را از شایستگان ساخت.[50]

فَٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [50]

و انکارکنندگان بی‌گمان نزدیک‌اند که تو را با بینایی‌هایشان بلغزانند، آنگاه که یادآوری را شنیدند، و می‌گویند: «او بی‌گمان دچار اختلال است.»[51]

وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَٰرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا۟ ٱلذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجْنُونٌ [51]

حال آنکه این جز یادآوری‌ای برای همهٔ هستی‌ها نیست.[52]

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ [52]

X

# ق

## پادشاهی خدا و قاعده‌های جامعه

سوره‌ها 67 تا 50

پس از هشدار، خدا فرمانروایی را به دست می‌گیرد: بخش با «نجسته باد آن که پادشاهی در دستان اوست» (67:1) گشوده می‌شود، و از این پس اوست که در تاریخ عمل می‌کند: «اوست که کسانی از دارندگان نوشتار را که انکار کردند، از خانه‌هایشان برای گردآوریِ نخست بیرون کرد» (59:2). با این همه، جامعه هنوز استقرار نیافته است: دشمنانش همان کسانی‌اند که آن را رانده‌اند، که «فرستاده و خودتان را بیرون می‌کنند» (60:1)، دورویان می‌خواهند با گرسنگی پراکنده‌اش کنند، اعضای خودش آنچه را نمی‌کنند می‌گویند، فرستاده را برای داد و ستدی رها می‌کنند و علیه او نجوا می‌کنند. در همین آشفتگی است که قانون‌های اضطراری فرود می‌آیند: زنِ طلاق‌داده که از خانه‌اش رانده نمی‌شود، مهلت‌های شمرده، کودکِ سرپرستی‌شده، سخنی که همسری را مادر می‌خواند و نادرست اعلام می‌شود، و تقسیم دارایی‌های بازگرفته به سود ناتوانان. فعلِ مهاجرت کردن نخستین بار با زنانی پدیدار می‌شود که از راه می‌رسند: «چون زنان باورمند نزد شما آیند، مهاجرت‌کرده، آنان را بررسی کنید» (60:10)، سپس مهاجرانِ بینوا می‌آیند، که کسانی آنان را می‌پذیرند که ایشان را بر خود برمی‌گزینند. پیکار اکنون وجود دارد، در صفی فشرده؛ تاریخ پیش و پسی نسبت به گشایش دارد؛ و ترازو همراه با نوشتار و آهن بر زمین فرود می‌آید. نیهٔ دوم به صحنه‌های بزرگ بازمی‌گردد: رویداد و سه دسته‌اش، بی‌اندازه مهربان که خوانش را می‌آموزد، قوم‌های پیشینِ گرفته‌شده، دیدار افق، کوه و خانهٔ رفت‌وآمدشده، تا خوانشِ باشکوه و کسانی که بازگشت را دور می‌شمارند.

### مرحله 3 · خدا فرمانروایی را به دست می‌گیرد

«نجسته باد آن‌که پادشاهی در دستان اوست» (67:1)، و اوست که عمل می‌کند: کسانی را که خود را در امان می‌پنداشتند از دژهایشان بیرون می‌کند، و دارایی‌هایشان را بی‌اسب و بی‌مرکب به فرستاده بازمی‌گرداند. اما جامعه تازه از بیرون‌راندگی رهیده است: زنان باورمند در تبعید می‌رسند، مهاجرانِ بینوا را کسانی که پیش‌تر جای گرفته بودند می‌پذیرند، و دورویان تهدید می‌کنند که خوارترینِ پایتخت را بیرون خواهند کرد. در این آشفتگی قانون‌های اضطراری فرود می‌آیند: قانون خانه، طلاق، کودکِ سرپرستی‌شده، تقسیم دارایی‌های بازگرفته، و پیمان وفاداری زنان باورمند. پیکار در صفی فشرده انجام می‌شود، و ترازو همراه با نوشتار و آهن بر زمین فرود می‌آید.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

زنان چون صاحبان حق به قانون درمی‌آیند: خدا سخن آن زنی را می‌شنود «که با تو دربارهٔ همسرش بحث می‌کند» (58:1)، زنِ طلاق‌داده خانه‌اش را نگه می‌دارد، زنِ باردار تا زایمان هزینه‌اش پرداخت می‌شود، و مادری که سرپرستی کودک را بر عهده می‌گیرد پاداشش را می‌گیرد. زنان باورمند در تبعید می‌رسند: بررسی‌شان می‌کنند و آنان را به سوی انکارکنندگان بازنمی‌گردانند، و پیمان وفاداری‌شان این را دربر دارد که «فرزندان خود را نکشند» (60:12). دارایی‌های بازگرفته به نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان و مسافر در راه‌مانده می‌رسد، «تا آن میان توانگران شما دست‌به‌دست نگردد» (59:7)، و کفارهٔ سخنی سنگرانه نسبت به همسر می‌تواند خوراک دادن به شصت تنگ‌دست باشد. باورمندان نسبت به کسانی که نه با آنان پیکار کردند و نه بیرونشان راندند می‌توانند «نیکوکار و برابری‌ورز» (60:8) باشند؛ تنها اتحاد با تجاوزگران ممنوع است، و خدا هنوز می‌تواند میان دشمنان محبت بنهد. ترازو فرود آمده است «تا مردمان به برابری‌ورزی بایستند» (57:25)، و آن‌که فرمانروایی را به دست گرفته است خود را «آرامش» (59:23) می‌نامد.

---

*قاف (50:1)، سپس: «سوگند به خوانشِ باشکوه!» (50:1).*

# الملك • AL-MULK

سوره 67 · 30 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

خجسته باد آن‌که پادشاهی در دستان اوست، و او بر هر چیز توانا است،[1]

تَبَٰرَكَ ٱلَّذِى بِيَدِهِ ٱلْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [1]

آن‌که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید: کدام یک از شما کردار بهتری دارد.

ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْمَوْتَ وَٱلْحَيَوٰةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

و اوست نیرومند، بسیار بخشاینده.[2]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفُورُ [2]

آن‌که هفت آسمان روی هم آفرید.

ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا

در آفرینش بی‌اندازه مهربان هیچ ناهماهنگی نمی‌بینی.

مَّا تَرَىٰ فِى خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ

بینایی را بازگردان: آیا شکافی می‌بینی؟[3]

فَٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ [3]

سپس بینایی را دو بار بازگردان: بینایی، وامانده و نفس‌بُریده، به سوی تو بازخواهد گشت.[4]

ثُمَّ ٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ [4]

ما همانا آسمانِ نزدیک‌ترین را با چراغ‌ها آراستیم، و آن‌ها را پرتاب‌هایی علیه منحرف‌کنندگان ساختیم، و کیفر اخگرِ افروخته را برایشان آماده کردیم.[5]

وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلْنَٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ ٱلسَّعِيرِ [5]

و برای کسانی که سرپرست خود را انکار کردند، کیفر جهنم،

وَلِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

و چه ناپسند مقصدی![6]

وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [6]

چون در آن افکنده شوند، غرش آن را خواهند شنید، در حالی که می‌جوشد، نزدیک است از خشم بشکافد.[7]

إِذَآ أُلْقُواْ فِيهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِيقًا وَهِىَ تَفُورُ [7] تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلْغَيْظِ

هر بار که گروهی در آن افکنده شود، گماشتگانش از آنان خواهند پرسید: «مگر هشداردهنده‌ای نزد شما نیامد؟»[8]

كُلَّمَآ أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ [8]

خواهند گفت: «چرا، هشداردهنده‌ای نزد ما آمد، اما دروغ انگاشتیم و گفتیم: «خدا چیزی فرود نیاورده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید.»»[9]

قَالُواْ بَلَىٰ قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ كَبِيرٍ [9]

و خواهند گفت: «اگر گوش داده بودیم یا خرد ورزیده بودیم، از یاران اخگرِ افروخته نمی‌بودیم.»[10]

وَقَالُواْ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ [10]

پس به تقصیر خود اعتراف خواهند کرد:

فَٱعْتَرَفُواْ بِذَنۢبِهِمْ

دور باد یاران اخگرِ افروخته![11]

فَسُحْقًا لِّأَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ [11]

کسانی که از سرپرست خود بیم دارند، هرچند از حواس او بیرون باشد، همانا بخشایش و پاداشی بزرگ خواهند داشت.[12]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ [12]

و چه سخن خود را نهان دارید چه آن را بلند بگویید،

وَأَسِرُّواْ قَوْلَكُمْ أَوِ ٱجْهَرُواْ بِهِۦٓ

زیرا او به آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[13]

إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [13]

آیا آن‌که آفرید نخواهد دانست، حال آنکه او نازک‌بین است، باخبر؟[14]

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ [14]

اوست که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در پهنه‌های آن راه بروید و از روزی او بخورید.

هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ ذَلُولًا فَٱمْشُواْ فِى مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزْقِهِۦ

و به سوی اوست گسترش.[15]

وَإِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ [15]

آیا از آن‌که در آسمان است ایمن هستید که زمین شما را فرو ببلعد، و آنگاه آن به لرزه درآید؟[16]

ءَأَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ ٱلْأَرْضَ فَإِذَا هِىَ تَمُورُ [16]

یا از آن‌که در آسمان است ایمن هستید که بر شما بارانی از سنگ‌ریزه بفرستد؟

أَمْ أَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

آنگاه خواهید دانست هشدار من چگونه است.[17]

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ [17]

کسانی که پیش از آنان بودند همانا دروغ انگاشتند،

وَلَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

و چه بود مردود کردن من![18]

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ [18]

آیا پرندگان را بالای سرشان ندیده‌اند، که بال‌هایشان را ردیف می‌کنند و جمع می‌کنند؟

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ وَيَقْبِضْنَ

هیچ‌چیز آن‌ها را نگه نمی‌دارد مگر بی‌اندازه مهربان،

مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحْمَٰنُ

زیرا او بر هر چیز بیناست.[19]

إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍۭ بَصِيرٌ [19]

یا کیست آن‌که لشکری برای شما باشد و شما را یاری رساند، غیر از بی‌اندازه مهربان؟

أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ

انکارکنندگان جز در فریب نیستند.[20]

إِنِ ٱلْكَٰفِرُونَ إِلَّا فِى غُرُورٍ [20]

یا کیست آن‌که به شما روزی دهد، اگر او روزی خود را نگه می‌داشت؟

أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُۥ

اما آنان در گستاخی و بیزاری فرو رفته‌اند.[21]

بَل لَّجُّوا۟ فِى عُتُوٍّ وَنُفُورٍ [21]

آیا کسی که واژگون بر چهره‌اش راه می‌رود بهتر راه نموده شده است، یا کسی که راست بر جاده‌ای راست راه می‌رود؟[22]

أَفَمَن يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ [22]

بگو: «اوست که شما را پدید آورد و برای شما شنوایی، بینایی‌ها و آگاهی‌ها نهاد.

قُلۡ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُمۡ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ

چه اندک سپاس‌گزارید!»[23]

قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ [23]

بگو: «اوست که شما را بر زمین پراکند، و به سوی او گردآوری خواهید شد.»[24]

قُلۡ هُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ [24]

و می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟»[25]

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [25]

بگو: «دانش جز از آنِ خدا نیست؛ من جز هشداردهنده‌ای صریح نیستم.»[26]

قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٞ [26]

سپس چون آن را نزدیک ببینند، ناخوشی بر چهرهٔ انکارکنندگان نقش خواهد بست، و گفته خواهد شد: «این است آنچه درخواست می‌کردید.»[27]

فَلَمَّا رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ سِيٓـَٔتۡ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقِيلَ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَدَّعُونَ [27]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر خدا مرا و کسانی را که با من‌اند نابود کند، یا بر ما مهربانی کند، پس چه کسی انکارکنندگان را در برابر کیفری دردناک پناه خواهد داد؟»[28]

قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَهۡلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوۡ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ ٱلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ [28]

بگو: «اوست بی‌اندازه مهربان؛ ما به او باور داریم و به او وکالت می‌دهیم.

قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَا

به‌زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است.»[29]

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [29]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر آبتان در زمین فرو می‌رفت، چه کسی برای شما آب چشمه می‌آورد؟»[30]

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍ [30]

# التحريم • AT-TAHRIM

سوره 66 · 12 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای اطلاع‌دهنده! چرا آنچه خدا برایت روا ساخته است را ممنوع می‌شماری، در جست‌وجوی خشنودی همسرانت؟

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَٰجِكَ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[1]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [1]

خدا برای شما گشایش از سوگندهایتان را مقرر کرده است،

قَدْ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَٰنِكُمْ

و خدا متحد شماست.

وَٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ

و اوست همه‌چیزدان، فرزانه.[2]

وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ [2]

و آنگاه که اطلاع‌دهنده گفتاری را در نهان به یکی از همسران خود سپرد،

وَإِذْ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَٰجِهِۦ حَدِيثًا

سپس چون او آن را بازگفت و خدا آن را برای او آشکار کرد، بخشی را شناساند و از بخشی گذشت.

فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِۦ وَأَظْهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُۥ وَأَعْرَضَ عَنۢ بَعْضٍ

سپس چون او را از آن اطلاع داد، گفت: «چه کسی تو را از این اطلاع داد؟» گفت: «همه‌چیزدانِ باخبر مرا از آن اطلاع داد.»[3]

فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتْ مَنْ أَنۢبَأَكَ هَٰذَا قَالَ نَبَّأَنِىَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْخَبِيرُ [3]

اگر شما دو تن به سوی خدا بازگردید — زیرا هسته‌هایتان از پیش خم شده است —

إِن تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا

و اگر بر ضد او یکدیگر را پشتیبانی کنید، آنگاه خدا همانا متحد اوست، و نیز جبرئیل و شایستگان از باورمندان،

وَإِن تَظَٰهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوْلَىٰهُ وَجِبْرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلْمُؤْمِنِينَ

و کارگزاران نیز، افزون بر این، پشتیبان اویند.[4]

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ [4]

شاید سرپرست او، اگر شما را طلاق دهد، در عوض همسرانی بهتر از شما به او دهد: بی‌خدشه نزد خدا، باورمند، فداکار، بازگشته، فرمان‌بردار، آزادانه رفت‌وآمدکننده، پیش‌تر ازدواج‌کرده یا باکره.[5]

عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُۥٓ أَزْوَٰجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَٰتٍ مُّؤْمِنَٰتٍ قَٰنِتَٰتٍ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٍ سَٰٓئِحَٰتٍ ثَيِّبَٰتٍ وَأَبْكَارًا [5]

ای کسانی که باور آوردید! خویشتن خود و کسان خود را در برابر آتشی محتاط سازید که سوختش مردمان و سنگ‌هایند، که کارگزارانی خشن و سخت بر آن نگهبانند، که از خدا در آنچه به آنان دستور می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند، و آنچه را به آنان دستور داده می‌شود انجام می‌دهند.[6]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ قُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ [6]

ای کسانی که انکار کردید! امروز عذرخواهی نکنید: شما جز بر پایهٔ آنچه می‌کردید بازپرداخت نمی‌شوید.[7]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَعۡتَذِرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [7]

ای کسانی که باور آوردید! با بازگشتی راستین به سوی خدا بازگردید. شاید سرپرست شما کردارهای بدتان را بپوشاند و شما را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است وارد کند، روزی که خدا اطلاع‌دهنده و کسانی را که با او باور آوردند شرمسار نخواهد کرد؛ روشنایی‌شان پیشاپیش آنان و در سمت راستشان می‌شتابد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يَوۡمَ لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥۖ نُورُهُمۡ يَسۡعَىٰ بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۡ

خواهند گفت: «ای سرپرست ما، روشنایی ما را برای ما کامل کن و ما را ببخشای،

يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآ

زیرا تو بر هر چیز توانایی.»[8]

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ [8]

ای اطلاع‌دهنده! با انکارکنندگان و دورویان مبارزه کن، و با آنان محکم باش.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ

و پناهگاه آنان جهنم خواهد بود،

وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ

و چه ناپسند مقصدی![9]

وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ [9]

خدا برای کسانی که انکار کردند نمونه‌ای می‌افزاید: زن نوح و زن لوط.

ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖ

آن دو زیر دو تن از فرمان‌برداران شایستهٔ ما بودند، و به آنان خیانت کردند، چنان‌که آن دو برایشان در برابر خدا هیچ سودی نداشتند،

كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَٰلِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا

و به آنان گفته شد: «با واردشوندگان، هر دو به آتش وارد شوید.»[10]

وَقِيلَ ٱدْخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ [10]

و خدا برای کسانی که باور دارند نمونه‌ای می‌افزاید: زن فرعون، آنگاه که گفت: «ای سرپرست من، برای من نزد خود خانه‌ای در باغ بساز، و مرا از فرعون و از کردارش رهایی بخش، و مرا از قوم ستمگر رهایی بخش.»[11]

وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ٱبْنِ لِى عِندَكَ بَيْتًا فِى ٱلْجَنَّةِ وَنَجِّنِى مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [11]

و مریم دختر عمران، که عفت خود را نگه داشت؛ پس ما از جریانِ خود در آن دمیدیم. او کلمات سرپرستش و نوشتارهایش را راست‌گو اعلام کرد، و از فداکاران بود.[12]

وَمَرْيَمَ ٱبْنَتَ عِمْرَٰنَ ٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتْ مِنَ ٱلْقَٰنِتِينَ [12]

# الطلاق • AT-TALAQ

سوره 65 · 12 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای اطلاع‌دهنده! چون زنان را طلاق می‌دهید، آنان را بر پایهٔ مهلت مقررشان طلاق دهید، و آن مهلت را برشمارید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُواْ ٱلْعِدَّةَ

و نسبت به خدا، سرپرست خود، محتاط باشید.

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ

آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید،

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ

و خود نیز بیرون نروند، مگر آنکه زشتکاری‌ای آشکار مرتکب شوند.

وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ

و این است مرزهای خدا.

وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ

و هر که از مرزهای خدا بگذرد، به خویشتن خود ستم کرده است.

وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ

تو نمی‌دانی: شاید خدا پس از این چیزی پدید آورد.[1]

لَا تَدْرِى لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا [1]

سپس چون به زمان مقرر خود رسیدند، آنان را بر پایهٔ آنچه شناخته‌شده است نگه دارید یا بر پایهٔ آنچه شناخته‌شده است از آنان جدا شوید،

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

و دو دادگر از میان خودتان را گواه بگیرید،

وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِّنكُمْ

و گواهی را برای خدا پابرجا نگه دارید.

وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ

این است آنچه کسی که به خدا و روز واپسین باور دارد بدان اندرز داده می‌شود.

ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

و هر که نسبت به خدا محتاط باشد، او برایش برون‌رفتی می‌دهد، و او را از جایی که انتظار ندارد روزی می‌دهد.[2]

وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا [2] وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

و هر که به خدا وکالت دهد، او برایش بس است،

وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

زیرا خدا دستور خود را به غایت می‌رساند.

إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

خدا برای هر چیز اندازه‌ای مقرر کرده است.[3]

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا [3]

و زنانی از شما که از دیدن عادت ماهانه ناامید شده‌اند، اگر تردید دارید، زمان مقررشان سه ماه است، و نیز برای آنان که عادت ماهانه نداشته‌اند.

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ

و برای زنان باردار، زمان مقررشان لحظه‌ای است که آنچه را در بر دارند بزایند.

وَأُوْلَٰتُ ٱلْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

و هر که نسبت به خدا محتاط باشد، او در کارش برایش آسانی می‌نهد.[4]

وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مِنْ أَمْرِهِۦ يُسْرًا [4]

این است دستور خدا، که آن را به سوی شما فرود آورد.

ذَٰلِكَ أَمْرُ ٱللَّهِ أَنزَلَهُۥٓ إِلَيْكُمْ

و هر که نسبت به خدا محتاط باشد، او کردارهای بدش را می‌پوشاند و پاداشش را سترگ می‌گرداند.[5]

وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُعْظِمْ لَهُۥٓ أَجْرًا [5]

آنان را در آنجا که خود سکنا دارید سکنا دهید، بر پایهٔ توانتان،

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ

و برای تنگ گرفتن بر آنان، به آنان آسیب نرسانید.

وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُواْ عَلَيْهِنَّ

و اگر باردارند، هزینهٔ آنان را بپردازید تا آنچه را در بر دارند بزایند.

وَإِن كُنَّ أُوْلَٰتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُواْ عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

سپس اگر پرستاری همه‌جانبهٔ کودک را برای شما بر عهده بگیرند، پاداش‌هایشان را به آنان بدهید، و میان خود بر پایهٔ آنچه شناخته‌شده است رایزنی کنید.

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُواْ بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ

و اگر با یکدیگر سخت‌گیری کنید، زنی دیگر پرستاری همه‌جانبهٔ کودک را برای او بر عهده خواهد گرفت.[6]

وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُۥٓ أُخْرَىٰ [6]

توانگر باید بر پایهٔ توانگری خود خرج کند،

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦ

و آن‌که روزی‌اش اندازه‌گیری شده است، از آنچه خدا به او داده است خرج کند.

وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُۥ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ

خدا بر هیچ خویشتنی جز آنچه به او داده است تحمیل نمی‌کند.

لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَا

خدا پس از دشواری، آسانی را به دنبال خواهد آورد.[7]

سَيَجْعَلُ ٱللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا [7]

چه بسیار شهرها که دستور سرپرستشان و فرستادگان او را با گستاخی سرپیچی کردند! ما حسابشان را با سخت‌گیری رسیدگی کردیم و آنان را به کیفری ناشنیده کیفر دادیم، و پیامدهای شومِ رفتارشان را چشیدند.[8]

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا [8] فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا

و سرانجام رفتارشان زیان بود.[9]

وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا [9]

خدا برایشان کیفری سخت آماده کرده است.

أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا

پس نسبت به خدا محتاط باشید، ای دارندگان خرد،

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِى ٱلْأَلْبَٰبِ

ای کسانی که باور دارید؛ خدا یادآوری‌ای به سوی شما فرود آورده است،[10]

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَدْ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا [10]

فرستاده‌ای که نشانه‌های صریح خدا را بر شما برمی‌خواند، تا کسانی را که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آورد.

رَّسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ

و هر که به خدا باور آورد و کرداری شایسته به‌جا آورد، او را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است وارد خواهد کرد، که در آن جاودانه خواهند ماند، تا ابد؛ خدا بی‌گمان برای او روزی‌ای نیکو داده است.[11]

وَمَن يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ ٱللَّهُ لَهُۥ رِزْقًا [11]

خدا اوست که هفت آسمان آفرید، و از زمین همانند آن.

ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ وَمِنَ ٱلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ

دستور میان آن‌ها فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا است، و خدا هر چیز را با دانش خود فراگرفته است.[12]

يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًۢا [12]

# التغابن • AT-TAGHABUN

سوره 64 · 18 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است شکوهِ خدا را می‌سراید.

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

پادشاهی از آنِ اوست، و ستایش از آنِ اوست،

لَهُ ٱلْمُلْكُ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ

و او بر هر چیز توانا است.[1]

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [1]

اوست که شما را آفرید؛ از میان شما کسی هست که انکار می‌کند، و از میان شما باورمند هست.

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[2]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [2]

آسمان‌ها و زمین را به حقیقت آفرید، و به شما شکل داد، و شکل‌های شما را زیبا ساخت،

خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ

و مقصد به سوی او است.[3]

وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ [3]

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است می‌داند، و آنچه را نهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید می‌داند.

يَعْلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

و خدا بر محتوای سینه‌ها همه‌چیزدان است.[4]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [4]

آیا اطلاعات کسانی که پیش‌تر انکار کردند به شما نرسیده است؟ پیامدهای شومِ رفتارشان را چشیدند، و کیفری دردناک خواهند داشت.[5]

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا۟ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَبْلُ فَذَاقُوا۟ وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [5]

این بدان سبب است که فرستادگانشان دلیل‌های روشن برای آنان می‌آوردند، و گفتند: «آیا آدمیانی ما را راه خواهند نمود؟»

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓا۟ أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا

آنگاه انکار کردند و پشت کردند، و خدا از آنان بی‌نیاز شد،

فَكَفَرُوا۟ وَتَوَلَّوا۟ وَّٱسْتَغْنَى ٱللَّهُ

و خدا توانگر است، ستوده.[6]

وَٱللَّهُ غَنِىٌّ حَمِيدٌ [6]

انکارکنندگان می‌پندارند که هرگز برانگیخته نخواهند شد.

زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن لَّن يُبْعَثُوا۟

بگو: «چرا، به سرپرست من سوگند، شما بی‌گمان برانگیخته خواهید شد، سپس بی‌گمان از آنچه کرده‌اید اطلاع داده خواهید شد.

قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّى لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ

و این بر خدا آسان است.»[7]

وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ [7]

پس به خدا، فرستادهٔ او، و روشنایی‌ای که ما فرود آوردیم باور آورید.

فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلۡنَا

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[8]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ [8]

روزی که شما را برای روز گردهمایی فراهم آورد، آن روز، روز فریبِ متقابل خواهد بود.

يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ

و هر که به خدا باور دارد و کرداری شایسته به‌جا آورد، کردارهای بدش را برای او خواهیم پوشاند، و او را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است وارد خواهیم کرد، که در آن جاودانه خواهند ماند، تا ابد.(29)

وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗا(29)

این است پیروزی سترگ.[9]

ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ [9]

و کسانی که انکار کردند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند — اینان یاران آتش‌اند، در آن جاودانه می‌مانند،

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ خَٰلِدِينَ فِيهَا

و چه ناپسند مقصدی![10]

وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ [10]

هیچ بدبختی‌ای نمی‌رسد مگر به اجازهٔ خدا.

مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ

و هر که به خدا باور دارد، او هستهٔ او را راه می‌نماید،

وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥ

و خدا به هر چیز همه‌چیزدان است.[11]

وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [11]

و به خدا گردن نهید، و به فرستاده گردن نهید.

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ

و اگر پشت کنید، بر فرستادهٔ ما جز رساندنی صریح نیست.[12]

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلْبَلَٰغُ ٱلْمُبِينُ [12]

خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او.

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.[13]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ [13]

ای کسانی که باور آوردید! از میان همسران و فرزندانتان دشمنی برای شما هست؛ از آنان بر حذر باشید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنْ أَزْوَٰجِكُمْ وَأَوْلَٰدِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَٱحْذَرُوهُمْ

اما اگر چشم‌پوشی کنید، صفحه را بگردانید و ببخشایید، خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[14]

وَإِن تَعْفُواْ وَتَصْفَحُواْ وَتَغْفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [14]

دارایی‌ها و فرزندانتان جز آزمونی نیستند،

إِنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ

و نزد خداست پاداشی سترگ.[15]

وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ [15]

پس تا می‌توانید نسبت به خدا محتاط باشید، گوش دهید، گردن نهید و خرج کنید: این برای خودتان نیکی خواهد بود.

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡ

و هر که از آزمندیِ خویشتن خود محتاط ساخته شود، آنان موفقانند.[16]

وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ [16]

اگر به خدا وامی نیکو دهید، او آن را برایتان دو برابر خواهد کرد و شما را خواهد بخشود،

إِن تُقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعِفۡهُ لَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ

و خدا بسیار سپاس‌گزار است، بردبار.[17]

وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ [17]

او که آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است می‌داند،

عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

نیرومند، فرزانه.[18]

ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ [18]

# المنافقون • AL-MUNAFIQUN

سوره 63 · 11 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون دورویان نزد تو می‌آیند، می‌گویند: «ما گواهی می‌دهیم که تو بی‌گمان فرستادهٔ خدایی.»

إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُنَٰفِقُونَ قَالُوا۟ نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِ

و خدا می‌داند که تو بی‌گمان فرستادهٔ اویی.

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ

و خدا گواهی می‌دهد که دورویان بی‌گمان دروغ‌گویانند.[1]

وَٱللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ [1]

سوگندهای خود را سپر گرفتند و راه خدا را سد کردند.

ٱتَّخَذُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

چه بد است آنچه می‌کردند![2]

إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [2]

این بدان سبب است که باور آوردند، سپس انکار کردند؛ پس نقشی بر هسته‌هایشان زده شد، چنان‌که درنمی‌یابند.[3]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا۟ ثُمَّ كَفَرُوا۟ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ [3]

و چون آنان را می‌بینی، پیکرهایشان تو را خیره می‌کنند،

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ

و اگر چیزی بگویند، به سخنشان گوش می‌دهی؛ آنان همچون تکه‌چوب‌هایی تکیه‌داده‌شده‌اند.

وَإِن يَقُولُواْ تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ

می‌پندارند هر فریاد علیه آنان است.

يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ

آنان خود دشمن‌اند.

هُمُ ٱلْعَدُوُّ

از آنان بر حذر باش.

فَٱحْذَرْهُمْ

خدا با آنان بجنگد!

قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوند؟[4]

أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ [4]

و چون به آنان گفته شود: «بیایید تا فرستادهٔ خدا برای شما بخشایش بخواهد»، سر برمی‌گردانند، و آنان را می‌بینی که پس می‌کشند، آماس‌کرده از خودبزرگ‌بینی.[5]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْاْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ [5]

برایشان یکسان است، چه برایشان بخشایش بخواهی چه نخواهی.

سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ

خدا هرگز آنان را نخواهد بخشود،

لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ

زیرا خدا قوم تجاوزگران را راه نمی‌نماید.[6]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ [6]

آنان‌اند که می‌گویند: «برای کسانی که نزد فرستادهٔ خدا هستند چیزی خرج نکنید، تا آنگاه که پراکنده شوند.»

هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْ

حال آنکه ذخیره‌های آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست،

وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

اما دورویان درنمی‌یابند.[7]

وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ [7]

می‌گویند: «اگر به پایتخت بازگردیم، نیرومندترین بی‌گمان خوارترین را از آن بیرون خواهد کرد.»

يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعۡنَآ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ لَيُخۡرِجَنَّ ٱلۡأَعَزُّ مِنۡهَا ٱلۡأَذَلَّ

حال آنکه نیرومندی از آنِ خدا، فرستادهٔ او و باورمندان است،

وَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ

اما دورویان نمی‌دانند.[8]

وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَعۡلَمُونَ [8]

ای کسانی که باور آوردید! دارایی‌ها و فرزندانتان شما را از یادآوریِ خدا غافل نکنند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ

و هر که چنین کند، آنان زیان‌کارانند.[9]

وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ [9]

و از آنچه به شما روزی دادیم خرج کنید، پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما بیاید و او آنگاه بگوید: «ای سرپرست من، ای کاش مرا تا زمان مقرری نزدیک به تأخیر می‌انداختی، دستگیری می‌کردم و از شایستگان می‌بودم.»[10]

وَأَنفِقُواْ مِن مَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [10]

اما خدا هرگز خویشتنی را که زمان مقررش فرا رسیده باشد به تأخیر نخواهد انداخت.

وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[11]

وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ [11]

# الجمعة • AL-JUMU'A

سوره 62 · 11 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است شکوهِ خدا را می‌سراید، فرمانروا، والاپایه، نیرومند، فرزانه.[1]

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ٱلْمَلِكِ ٱلْقُدُّوسِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ [1]

اوست که در میان کسانی که پیش‌تر نوشته‌ای نداشتند، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، که نشانه‌های او را بر آنان برمی‌خواند، آنان را پاک می‌کند و نوشتار و فرزانگی را به آنان می‌آموزد، حال آنکه آنان پیش‌تر بی‌گمان در گمراهی آشکار بودند — و نیز به دیگرانی از ایشان که هنوز به آنان نپیوسته‌اند.[2]

هُوَ ٱلَّذِى بَعَثَ فِى ٱلْأُمِّيِّۦنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [2] وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا۟ بِهِمْ

و اوست نیرومند، فرزانه.[3]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [3]

این لطف خدا است، که به هر که پسند او افتد می‌دهد.

ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ

و خدا دارندهٔ لطفِ سترگ است.[4]

وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ [4]

نمونهٔ کسانی که تورات به آنان سپرده شد و سپس آن را برنداشتند، نمونهٔ خری است که ابزار سفر برمی‌دارد.

مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ

چه زشت است نمونهٔ قومی که نشانه‌های خدا را دروغ انگاشتند!

بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۚ

و خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[5]

وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [5]

بگو: «ای بازگرایان! اگر می‌پندارید که متحدان خدا هستید، به‌جز دیگر مردمان، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست‌گو هستید.»[6]

قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓاْ إِن زَعَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ أَوۡلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [6]

اما هرگز آن را آرزو نخواهند کرد، به‌سبب آنچه دستانشان پیش بردند.

وَلَا يَتَمَنَّوۡنَهُۥٓ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۗ

و خدا همه‌چیزدانِ ستمگران است.[7]

وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ [7]

بگو: «مرگی که از آن می‌گریزید همانا با شما روبه‌رو خواهد شد؛ سپس به سوی آن‌که آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است را می‌داند بازگردانده خواهید شد، و او شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهد داد.»[8]

قُلۡ إِنَّ ٱلۡمَوۡتَ ٱلَّذِي تَفِرُّونَ مِنۡهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمۡ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [8]

ای کسانی که باور آوردید! چون برای تماس ندا داده شود، در روز گردهمایی، به سوی یادآوریِ خدا بشتابید و معامله را واگذارید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَ

این برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.[9]

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [9]

سپس چون تماس به پایان رسید، در زمین گسترش یابید، لطف خدا را بجویید، و خدا را بسیار به یاد آورید، شاید کامیاب شوید.[10]

فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ وَٱبْتَغُواْ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [10]

و چون تجارت یا سرگرمی‌ای ببینند، به سوی آن پراکنده می‌شوند و تو را ایستاده رها می‌کنند.

وَإِذَا رَأَوْاْ تِجَٰرَةً أَوْ لَهْوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمًا

بگو: «آنچه نزد خداست از سرگرمی و از تجارت بهتر است.

قُلْ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ ٱللَّهْوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِ

و خدا بهترینِ روزی‌دهندگان است.»[11]

وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ [11]

# الصف • AS-SAFF

سوره 61 · 14 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است شکوهِ خدا را سرود،

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و او نیرومند است، فرزانه.[1]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [1]

ای کسانی که باور آوردید! چرا آنچه نمی‌کنید می‌گویید؟[2]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ [2]

نزد خدا نفرتی بزرگ است که آنچه را نمی‌کنید بگویید.[3]

كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُوا۟ مَا لَا تَفْعَلُونَ [3]

خدا همانا کسانی را که در راه او در صفی فشرده پیکار می‌کنند دوست دارد، گویی بنایی یکپارچه‌اند.[4]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِهِۦ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَٰنٌ مَّرْصُوصٌ [4]

و آنگاه که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! چرا مرا می‌آزارید، حال آنکه همانا خواهید دانست که من فرستادهٔ خدا به سوی شمایم؟»

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِى وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّى رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُمْ

و چون کج شدند، خدا هسته‌هایشان را کج ساخت.

فَلَمَّا زَاغُوٓا۟ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ

و خدا قوم تجاوزگران را راه نمی‌نماید.[5]

وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ [5]

و آنگاه که عیسی پسر مریم گفت: «ای پسران اسرائیل! من همانا فرستادۀ خدا به سوی شمایم، تأییدکنندۀ آنچه از تورات پیش از من است، و مژده‌دهندۀ فرستاده‌ای که پس از من خواهد آمد، ویژگی او ستوده‌ترین است.»

وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُ

سپس چون برهان‌های روشن را برای آنان آورد، گفتند: «این چشم‌بندیِ آشکار است.»[6]

فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ [6]

و ستمگرتر از کسی کیست که بر خدا دروغ می‌بافد، در حالی که به بی‌خدشگی نزد خدا فراخوانده می‌شود؟

وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ يُدۡعَىٰٓ إِلَى ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ

و خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[7]

وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [7]

می‌خواهند روشنایی خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، اما خدا روشنایی خود را کامل می‌کند، هرچند انکارکنندگان نفرت داشته باشند.[8]

يُرِيدُونَ لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ [8]

اوست که فرستادۀ خود را با راهنمایی و قانون حقیقت فرستاد، تا آن را بر هر قانونی چیره گرداند، هرچند انبازگیرندگان بیزار باشند.[9]

هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ [9]

ای کسانی که باور آوردید! آیا می‌خواهید من شما را به تجارتی نشان دهم که شما را از کیفری دردناک خواهد رهانید؟ به خدا و فرستادهٔ او باور دارید، و با دارایی‌ها و خویشتن‌های خود در راه خدا می‌کوشید — این برای شما بهتر است، اگر بدانید. او تقصیرهای شما را خواهد بخشود و شما را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است و به خانه‌های نیکو در باغ‌های پایایی وارد خواهد کرد.[10-11]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ [10] تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ [11] يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ

این است پیروزی سترگ.[12]

ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ [12]

و چیز دیگری هم هست که دوست دارید: یاری‌ای از خدا و گشایشی نزدیک.

وَأُخۡرَىٰ تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ قَرِيبٞۗ

و باورمندان را مژده بده.[13]

وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ [13]

ای کسانی که باور آوردید! یاری‌رسانان خدا باشید، چنان‌که عیسی پسر مریم به شاگردان گفت: «یاری‌رسانان من به سوی خدا کیستند؟»

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ

شاگردان گفتند: «ما یاری‌رسانان خدا هستیم.»

قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ

آنگاه گروهی از پسران اسرائیل باور آوردند، و گروهی انکار کردند.

فَـَٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ

پس کسانی را که باور داشتند علیه دشمنشان نیرو بخشیدیم، و چیره شدند.[14]

فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ [14]

# الممتحنة • AL-MUMTAHANA

سوره 60 · 13 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای کسانی که باور آوردید! دشمن من و دشمن خود را متحد مگیرید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّى وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَآءَ

در حالی که محبت به آنان عرضه می‌کنید، حال آنکه آنان حقیقتی را که به شما رسیده است انکار کرده‌اند،

تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُواْ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلْحَقِّ

فرستاده و خودتان را بیرون می‌کنند، از آن‌رو که به خدا، سرپرست خود، باور دارید، اگر برای کوشیدن در راه من و جست‌وجوی خشنودی من بیرون آمده‌اید.

يُخْرِجُونَ ٱلرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ رَبِّكُمْ

محبت خود را در نهان به آنان می‌سپارید، حال آنکه من بهتر می‌دانم آنچه را نهان کردید و آنچه را آشکار ساختید.

إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَٰدًا فِى سَبِيلِى وَٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِى تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ وَأَنَا۠ أَعْلَمُ بِمَآ أَخْفَيْتُمْ وَمَآ أَعْلَنتُمْ

و هر که از شما چنین کند، از راه راست گمراه شده است.[1]

وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ [1]

اگر بر شما غلبه یابند، برای شما دشمن خواهند بود، و دست‌ها و زبان‌های خود را با بدی بر شما خواهند گشود،

إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُواْ لَكُمْ أَعْدَآءً وَيَبْسُطُوٓاْ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِٱلسُّوٓءِ

و می‌خواستند که شما انکار کنید.[2]

وَوَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ [2]

نه خویشاوندی‌های شما و نه فرزندانتان برایتان سودی نخواهند داشت،

لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ

در روز حضور، او میان شما جدایی خواهد افکند.

يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[3]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [3]

برای شما در ابراهیم و در کسانی که با او بودند الگویی نیکو بود، آنگاه که به قوم خود گفتند: «ما همانا از شما و از آنچه غیر از خدا فرمان می‌برید بری هستیم؛ ما شما را انکار می‌کنیم، و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ای آشکار شده است، برای همیشه، تا آنگاه که تنها به خدا باور آورید» — جز سخن ابراهیم به پدرش: «بی‌گمان برای تو بخشایش خواهم خواست، و در برابر خدا برای تو هیچ‌چیز در اختیار ندارم.»

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُواْ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ

«ای سرپرست ما، به تو وکالت می‌دهیم، به سوی تو روی می‌آوریم، و مقصد به سوی توست.[4]

رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ [4]

ای سرپرست ما، ما را آزمونی برای انکارکنندگان مگردان،
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟

و ما را ببخشای، ای سرپرست ما،
وَٱغْفِرْ لَنَا رَبَّنَآ

زیرا این تویی، نیرومند، فرزانه.»[5]
إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [5]

برای شما در آنان همانا الگویی نیکو بود، برای هر که به خدا و روز واپسین امید دارد.
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْـَٔاخِرَ

و هر که پشت کند — خدا همانا توانگر است، ستوده.[6]
وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ [6]

شاید خدا میان شما و کسانی از آنان که دشمن گرفته‌اید محبتی بنهد،
عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً

و خدا توانا است.
وَٱللَّهُ قَدِيرٌ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[7]
وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [7]

خدا شما را باز نمی‌دارد از اینکه نیکوکار و برابری‌ورز باشید نسبت به کسانی که دربارهٔ قانون با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکردند،
لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ

زیرا خدا برابری‌ورزان را دوست دارد.[8]
إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ [8]

خدا شما را تنها از این باز می‌دارد که کسانی را که دربارهٔ قانون با شما پیکار کردند، شما را از خانه‌هایتان بیرون کردند و بر بیرون راندنتان پشتیبانی کردند متحد خود بگیرید.

إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ وَظَٰهَرُوا۟ عَلَىٰٓ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ

و هر که آنان را متحد گیرد، آنان ستمگرانند.[9]

وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [9]

ای کسانی که باور آوردید! چون زنان باورمند نزد شما آیند، مهاجرت‌کرده، آنان را بررسی کنید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٍ فَٱمْتَحِنُوهُنَّ

خدا باور آنان را بهتر می‌داند.

ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَٰنِهِنَّ

پس اگر دانستید که باورمندند، آنان را به سوی انکارکنندگان بازمگردانید.

فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلْكُفَّارِ

آنان برای ایشان روا نیستند و ایشان برای آنان روا نیستند.

لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ

و آنچه را خرج کرده‌اند به آنان بدهید.

وَءَاتُوهُم مَّآ أَنفَقُوا۟

و هیچ ایرادی بر شما نیست که آنان را به همسری بگیرید، آنگاه که پاداش‌هایشان را به آنان می‌دهید.

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ

و پیوندهای زنان انکارکننده را نگاه ندارید.

وَلَا تُمْسِكُوا۟ بِعِصَمِ ٱلْكَوَافِرِ

و آنچه خرج کرده‌اید را بخواهید، و آنان آنچه خرج کرده‌اند را بخواهند.
وَسْـَٔلُواْ مَآ أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْـَٔلُواْ مَآ أَنفَقُواْ

چنین است داوری خدا: او میان شما داوری می‌کند.
ذَٰلِكُمْ حُكْمُ ٱللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[10]
وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [10]

و اگر یکی از همسران شما به سوی انکارکنندگان از شما برود، سپس شما تلافی کنید، به کسانی که همسرشان رفته است برابر آنچه خرج کرده بودند بدهید.
وَإِن فَاتَكُمْ شَىْءٌ مِّنْ أَزْوَٰجِكُمْ إِلَى ٱلْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَـَٔاتُواْ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَٰجُهُم مِّثْلَ مَآ أَنفَقُواْ

و نسبت به خدا، که به او باور دارید، محتاط باشید.[11]
وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ [11]

ای اطلاع‌دهنده! چون زنان باورمند نزد تو آیند تا به تو وفاداری بسپارند، بر این شرط که چیزی را با خدا انباز نگیرند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمتی را که میان دست‌ها و پاهایشان ساخته‌اند نیاورند، و در آنچه شناخته‌شده است از تو نافرمانی نکنند، وفاداری آنان را بپذیر و برای آنان بخشایش خدا را بخواه،
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِٱللَّهِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَٰنٍ يَفْتَرِينَهُۥ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِى مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُنَّ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[12]
إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [12]

ای کسانی که باور آوردید! قومی را که خدا بر آنان خشم گرفته است متحد مگیرید، که از زندگی واپسین ناامید شده‌اند، همان‌گونه که انکارکنندگان از یاران گورها ناامید شده‌اند.[13]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ قَدۡ يَئِسُواْ مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلۡكُفَّارُ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡقُبُورِ [13]

# الحشر • AL-HASHR

سوره 59 · 24 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است شکوهِ خدا را سرود.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و اوست نیرومند، فرزانه.[1]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [1]

اوست که کسانی از دارندگان نوشتار را که انکار کردند، از خانه‌هایشان برای گردآوریِ نخست بیرون کرد.

هُوَ ٱلَّذِىٓ أَخْرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمْ لِأَوَّلِ ٱلْحَشْرِ

شما گمان نمی‌بردید که بیرون خواهند رفت.

مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا۟

و آنان گمان می‌بردند که دژهایشان آنان را از خدا خواهد رهانید.

وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ

اما خدا از جایی به سوی آنان آمد که انتظار نداشتند.

فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا۟

و در هسته‌هایشان هراس افکند.

وَقَذَفَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ

خانه‌های خود را با دست‌های خود و با دست‌های باورمندان ویران می‌کردند.

يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

پس از آن درس بگیرید، ای دارندگان بینایی‌ها.[2]

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ [2]

و اگر خدا بر آنان تبعید را مقرر نکرده بود، آنان را در زندگی نزدیک کیفر می‌داد.

وَلَوْلَا أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا

و در زندگی واپسین، کیفرِ آتش را خواهند داشت.[3]

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ [3]

این بدان سبب است که در برابر خدا و فرستادهٔ او به چنددستگی برخاستند.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

و هر که در برابر خدا با گسست بایستد، خدا همانا در تنبیه سخت است.[4]

وَمَن يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ [4]

هر شیوهٔ نیکو که قطع کردید یا بر بنیادهایش سرپا گذاشتید، به اجازهٔ خدا بود، و برای آنکه تجاوزگران را شرمسار کند.[5]

مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ [5]

و آنچه خدا از آنان به فرستادهٔ خود بازگرداند، شما برای آن نه اسبی و نه مرکبی به کار نینداختید.

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ

اما خدا فرستادگان خود را بر هر که پسند او افتد چیره می‌سازد.

وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ

و خدا بر هر چیز توانا است.[6]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [6]

آنچه خدا از مردمان شهرها به فرستادهٔ خود بازگرداند، از آنِ خدا، فرستاده، نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان و مسافر در راه‌مانده است، تا آن میان توانگران شما دست‌به‌دست نگردد.

مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ دُولَةًۢ بَيْنَ ٱلْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ

و آنچه فرستاده به شما می‌دهد، آن را بگیرید.

وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ

و آنچه شما را از آن باز می‌دارد، از آن دست بکشید.

وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟

و نسبت به خدا محتاط باشید، زیرا خدا در تنبیه سخت است.[7]

وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [7]

برای بینوایانِ مهاجر، که از خانه‌ها و دارایی‌هایشان بیرون کرده شده‌اند، در جست‌وجوی لطفی از خدا و خشنودی او، و که خدا و فرستادهٔ او را یاری می‌رسانند.

لِلْفُقَرَآءِ ٱلْمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ

آنان راست‌گویانند.[8]

أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ [8]

و کسانی که پیش از آنان در دیار و در باور جا گرفتند، کسانی را که به سوی آنان مهاجرت کردند دوست می‌دارند؛ در سینه‌هایشان هیچ نیازی به آنچه به آنان داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند خود در نداری باشند.

وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٌ

و هر که از آزمندیِ خویشتن خود محتاط ساخته شود، آنان موفقانند.[9]

وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ [9]

و کسانی که پس از آنان آمدند می‌گویند: «ای سرپرست ما، ما را و برادران ما را که در باور بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در هسته‌های ما هیچ کینه‌ای نسبت به کسانی که باور دارند منه،

وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ

زیرا، ای سرپرست ما، تو نیکخواه و مهربانی.»[10]

رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ [10]

آیا ندیده‌ای کسانی را که دورویی کردند، به برادران خود که از دارندگان نوشتار انکار کردند می‌گویند: «اگر بیرون کرده شوید، ما بی‌گمان با شما بیرون خواهیم رفت، و هرگز در برابر شما به کسی گردن نخواهیم نهاد؛ و اگر با شما پیکار کرده شود، بی‌گمان شما را یاری خواهیم رساند.»

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَئِنۡ أُخۡرِجۡتُمۡ لَنَخۡرُجَنَّ مَعَكُمۡ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمۡ أَحَدًا أَبَدٗا وَإِن قُوتِلۡتُمۡ لَنَنصُرَنَّكُمۡ

و خدا گواهی می‌دهد که آنان بی‌گمان دروغ‌گویانند.[11]

وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ [11]

اگر بیرون کرده شوند، با آنان بیرون نخواهند رفت.
لَئِنْ أُخْرِجُواْ لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ

و اگر با آنان پیکار کرده شود، آنان را یاری نخواهند رساند.
وَلَئِن قُوتِلُواْ لَا يَنصُرُونَهُمْ

و حتی اگر آنان را یاری می‌رساندند، بی‌گمان پشت می‌کردند، سپس دیگر یاری داده نمی‌شدند.[12]
وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ ٱلْأَدْبَٰرَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ [12]

شما در سینه‌هایشان بیش از خدا تکریم برمی‌انگیزید.
لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِى صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِ

این بدان سبب است که آنان قومی‌اند که درنمی‌یابند.[13]
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ [13]

آنان همگی با شما جز در شهرهای استوار یا از پشت دیوارها پیکار نخواهند کرد.
لَا يُقَٰتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِى قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَآءِ جُدُرٍ

خشونتشان میان خودشان سخت است.
بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ

آنان را یگانه می‌پنداری، حال آنکه هسته‌هایشان چنددسته است.
تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ

این بدان سبب است که آنان قومی‌اند که خرد نمی‌ورزند.[14]
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ [14]

آنان همانند کسانی‌اند که اندکی پیش از آنان
كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا

پیامدهای شومِ رفتار خود را چشیدند.

ذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[15]

وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ [15]

همانند منحرف‌کننده‌اند آنگاه که به انسان گفت: «انکار کن!» سپس چون او انکار کرد، گفت: «من همانا از تو بری هستم، من از خدا، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها، می‌ترسم.»[16]

كَمَثَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [16]

و پایان هر دو آن بود که در آتش باشند، تا در آن جاودانه بمانند.

فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيۡنِ فِيهَا

و این است بازپرداخت ستمگران.[17]

وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ [17]

ای کسانی که باور آوردید! نسبت به خدا محتاط باشید، و هر خویشتن بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا از آنچه می‌کنید باخبر است.[18]

إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ [18]

و مانند کسانی نباشید که خدا را از یاد بردند و او آنان را از یاد خودشان برد.

وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡ

آنان تجاوزگرانند.[19]
أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ [19]

یاران آتش و یاران باغ برابر نیستند.
لَا يَسْتَوِىٓ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ

یاران باغ پیروزمندانند.[20]
أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ [20]

اگر این خوانش را بر کوهی فرود آورده بودیم، آن را می‌دیدی که فروتن می‌شود و می‌شکافد، از خدا بیم دارد.
لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ

و این نمونه‌ها را برای مردمان چند برابر می‌کنیم، شاید بیندیشند.[21]
وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [21]

اوست خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او.
هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

آن‌که آنچه را فراتر از حواس است و آنچه را گواهی‌شده است می‌داند.
عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

او بی‌اندازه مهربان است، مهربان.[22]
هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ [22]

اوست خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او، فرمانروا، والاپایه، آرامش، ضامن، برتر، نیرومند، مقاومت‌ناپذیر، پرعظمت.
هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْمَلِكُ ٱلْقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلْمُؤْمِنُ ٱلْمُهَيْمِنُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْجَبَّارُ ٱلْمُتَكَبِّرُ

شکوه بر خدا باد، برتر از آنچه به او انباز می‌گیرند.[23]

سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ [23]

اوست خدا، آفریننده، هستی‌بخش، شکل‌دهنده.

هُوَ ٱللَّهُ ٱلْخَٰلِقُ ٱلْبَارِئُ ٱلْمُصَوِّرُ

زیباترین ویژگی‌ها از آنِ او است.

لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ

هر آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است او را شکوه می‌سراید.

يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و اوست نیرومند، فرزانه.[24]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [24]

# المجادلة • AL-MUJADALA

سوره 58 · 22 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

خدا حتماً سخن آن زنی را شنیده است که با تو دربارهٔ همسرش بحث می‌کند و به خدا شکایت می‌برد؛ و خدا گفت‌وگوی شما را می‌شنود،

قَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّتِى تُجَٰدِلُكَ فِى زَوْجِهَا وَتَشْتَكِىٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَآ

زیرا خدا شنوا، بینا است.[1]

إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ [1]

کسانی از شما که به زنان خود پشت نشان می‌دهند — آنان مادران ایشان نیستند.

ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمْ

مادران ایشان جز آنان که ایشان را زاده‌اند نیستند.

إِنْ أُمَّهَٰتُهُمْ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔى وَلَدْنَهُمْ

و آنان بی‌گمان سخنی مردود و جعلی بر زبان دارند.

وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ ٱلْقَوْلِ وَزُورًا

اما خدا بی‌گمان چشم‌پوش است، بسیار بخشاینده.[2]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ [2]

و کسانی که به زنان خود پشت نشان می‌دهند سپس آنچه گفته‌اند را تکرار می‌کنند، باید پیش از آنکه دوباره یکدیگر را لمس کنند، استقلالِ در گرو مانده‌ای را بازگردانند.

وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا۟ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا

این است آنچه بدان اندرز داده می‌شوید.

ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِۦ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[3]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ [3]

آن‌که ابزار آن را نیابد، پیش از آنکه دوباره یکدیگر را لمس کنند، دو ماه پیاپی پرهیز خواهد کرد.

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا

آن‌که نتواند، شصت تنگ‌دست را خوراک خواهد داد.

فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا

این برای آن است که به خدا و فرستادهٔ او باور آورید.

ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ

و این است مرزهای خدا.

وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ

و برای انکارکنندگان، کیفری دردناک.[4]

وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ [4]

کسانی که با خصومت در برابر خدا و فرستادهٔ او می‌ایستند همانا به خاک افکنده شدند، همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان بودند به خاک افکنده شدند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

با این‌همه نشانه‌های روشن فرود آوردیم.

وَقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ

و برای انکارکنندگان، کیفری خوارکننده.[5]

وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ [5]

روزی که خدا همهٔ آنان را برخواهد انگیخت و از آنچه کرده‌اند به آنان اطلاع خواهد داد.

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْ

خدا آن را برشمرده است، حال آنکه آنان آن را از یاد برده‌اند.

أَحْصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُ

و خدا بر هر چیز گواه است.[6]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ [6]

آیا ندیده‌ای که خدا آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است را می‌داند؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

هیچ نجوایی سه‌نفره نیست مگر آنکه او چهارمین آنان باشد، و نه پنج‌نفره مگر آنکه او ششمین آنان باشد، و نه کمتر و نه بیشتر از این مگر آنکه با آنان باشد، هر کجا که باشند.

مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُواْ

سپس در روز حضور، آنان را از آنچه کرده‌اند اطلاع خواهد داد،

ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

زیرا خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[7]

إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [7]

آیا ندیده‌ای کسانی را که نجوا بر آنان ممنوع شد، سپس آنچه را بر آنان ممنوع شده بود تکرار می‌کنند و برای تخطی، خصومت و نافرمانی از فرستاده نجوا می‌کنند؟

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُواْ عَنِ ٱلنَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُواْ عَنْهُ وَيَتَنَٰجَوْنَ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ

و چون نزد تو می‌آیند، تو را با درودی درود می‌گویند که خدا تو را با آن درود نگفته است، و با خود می‌گویند: «چرا خدا ما را برای آنچه می‌گوییم کیفر نمی‌دهد؟»

وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِىٓ أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُ

جهنم برایشان بس است.

حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ

در آن خواهند سوخت.

يَصْلَوْنَهَا

چه مقصد زشتی![8]

فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [8]

ای کسانی که باور آوردید! چون نجوا می‌کنید، برای تخطی، خصومت و نافرمانی از فرستاده نجوا نکنید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ

بلکه برای نیکوکاری و احتیاط نجوا کنید.

وَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ

و نسبت به خدا، که به سوی او گرد آورده خواهید شد، محتاط باشید.[9]

وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ [9]

نجوا مگر از منحرف‌کننده نیست، تا کسانی را که باور دارند اندوهگین کند؛ اما او نمی‌تواند به آنان هیچ آسیبی برساند، مگر به اجازهٔ خدا.

إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.[10]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ [10]

ای کسانی که باور آوردید! چون به شما گفته شود که در نشست‌ها جا باز کنید، جا باز کنید؛ خدا برای شما جا باز خواهد کرد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَكُمۡ تَفَسَّحُواْ فِي ٱلۡمَجَٰلِسِ فَٱفۡسَحُواْ يَفۡسَحِ ٱللَّهُ لَكُمۡ

و چون گفته شود برخیزید، برخیزید؛ خدا کسانی از شما را که باور دارند و کسانی را که به آنان دانش داده شده است در درجه‌ها بالا خواهد برد.

وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُواْ فَٱنشُزُواْ يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[11]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ [11]

ای کسانی که باور آوردید! چون با فرستاده نجوا می‌کنید، پیش از نجوایتان دستگیری‌ای پیش بدارید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗ

این برای شما بهتر است و پاکیزه‌تر.

ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُ

اما اگر ابزار آن را نیابید، خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[12]

فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ [12]

آیا از پیش داشتن دستگیری‌ها پیش از نجواهایتان نگران شدید؟

ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖ

چون این کار را نکردید و خدا با گذشت به شما بازگشت، تماس را پابرجا نگه دارید و گشاده‌دستیِ ناب را بدهید.

فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و به خدا و فرستادهٔ او گردن نهید.

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[13]

وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ [13]

آیا ندیده‌ای کسانی را که قومی را که خدا بر آنان خشم گرفته است متحد خود گرفته‌اند؟ آنان نه از شمایند و نه از ایشان، و بر دروغ با آگاهی سوگند می‌خورند.[14]

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ [14]

خدا برایشان کیفری سخت آماده کرده است،

أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدًا

زیرا چه بد است آنچه می‌کردند![15]

إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [15]

سوگندهای خود را سپر گرفتند و راه خدا را سد کردند؛ پس کیفری خوارکننده خواهند داشت.[16]

ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ [16]

نه دارایی‌هایشان و نه فرزندانشان در برابر خدا هیچ سودی به آنان نخواهند رساند.

لَّن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا

اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[17]

أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ [17]

روزی که خدا همهٔ آنان را برخواهد انگیخت، برای او سوگند خواهند خورد چنان‌که برای شما سوگند می‌خورند، می‌پندارند بر چیزی استوارند.

يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍ

مگر نه: همانا آنان خود دروغ‌گویانند؟[18]

أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ [18]

منحرف‌کننده بر آنان چیره شد و یادآوریِ خدا را از یادشان برد.

ٱسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ ٱلشَّيْطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمْ ذِكْرَ ٱللَّهِ

آنان حزب منحرف‌کننده‌اند.

أُو۟لَٰٓئِكَ حِزْبُ ٱلشَّيْطَٰنِ

مگر نه: حزب منحرف‌کننده، همانا آنان خود زیان‌کارانند؟[19]

أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱلشَّيْطَٰنِ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [19]

کسانی که با خصومت در برابر خدا و فرستادهٔ او می‌ایستند، آنان از خوارترین‌هایند.[20]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ٱلْأَذَلِّينَ [20]

خدا نوشت: «من بی‌گمان پیروز خواهم شد، من و فرستادگانم.»

كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِىٓ

زیرا خدا توانمند و نیرومند است.[21]

إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ [21]

مردمی نخواهی یافت که به خدا و روز واپسین باور دارند در حالی که با کسانی که با خصومت در برابر خدا و فرستادهٔ او می‌ایستند محبت می‌ورزند، هرچند پدرانشان، پسرانشان، برادرانشان یا نزدیکانشان باشند.

لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوْ كَانُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَٰنَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

آنان‌اند که او باور را در هسته‌هایشان نوشته است، آنان را با جریانی از جانب خود نیرو بخشیده است، و آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است وارد خواهد کرد، تا در آن جاودانه بمانند.

أُو۟لَٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

خدا از آنان خرسند است، و آنان از او خرسندند.

رَضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُ

آنان حزب خدایند.

أُوْلَٰٓئِكَ حِزْبُ ٱللَّهِ

مگر نه: حزب خدا، همانا آنان خود موفقانند؟[22]

أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [22]



# الحدید • AL-HADID

سوره 57 · 29 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است شکوهِ خدا را سرود.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و اوست نیرومند، فرزانه.[1]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [1]

پادشاهیِ آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند.

لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ

و او بر هر چیز تواناست.[2]

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [2]

او نخستین است و واپسین، آشکار و درونی.

هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْءَاخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلْبَاطِنُ

و او بر هر چیز همه‌چیزدان است.[3]

وَهُوَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [3]

اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر بنا استقرار یافت.

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ

او آنچه را در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن بیرون می‌آید، آنچه را از آسمان فرود می‌آید و آنچه را در آن بالا می‌رود می‌داند.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

و او با شماست هر کجا که باشید.

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[4]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [4]

پادشاهیِ آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست.

لَّهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و کارها همگی به سوی خدا بازمی‌گردند.[5]

وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ [5]

شب را در روز درمی‌آورد و روز را در شب درمی‌آورد.

يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيْلِ

و او بر آنچه در سینه‌هاست همه‌چیزدان است.[6]

وَهُوَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [6]

به خدا و فرستادهٔ او باور آورید، و از آنچه شما را امانت‌دار آن ساخته است خرج کنید.

ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ

کسانی از شما که باور آوردند و خرج کردند پاداشی بزرگ خواهند داشت.[7]

فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَأَنفَقُواْ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ [7]

شما را چه شده که به خدا باور نمی‌آورید، در حالی که فرستاده شما را فرا می‌خواند تا به سرپرست خود باور آورید، و او پیش‌تر پیمان استوار شما را گرفته است، اگر باورمندید؟[8]

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُواْ بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَٰقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [8]

اوست که بر فرمان‌بردار خود نشانه‌های روشن فرود می‌آورد، تا شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آورد.

هُوَ ٱلَّذِى يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِۦٓ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ

و خدا بی‌گمان نسبت به شما نیکخواه است، مهربان.[9]

وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ [9]

و شما را چه شده که در راه خدا خرج نمی‌کنید، در حالی که میراثِ آسمان‌ها و زمین به خدا می‌رسد؟

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

از میان شما برابر نیست کسی که پیش از گشایش خرج کرد و پیکار کرد:

لَا يَسْتَوِى مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ ٱلْفَتْحِ وَقَٰتَلَ

آنان درجه‌ای سترگ‌تر از کسانی دارند که پس از آن خرج کردند و پیکار کردند.

أُوْلَٰٓئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُواْ مِنۢ بَعْدُ وَقَٰتَلُواْ

و به همه خدا زیباترین را وعده داده است.

وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[10]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ [10]

پس چه کسی به خدا وامی نیکو خواهد داد، که او برایش دو برابر کند، و پاداشی بخشنده خواهد داشت؟[11]

مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجْرٌ كَرِيمٌ [11]

روزی که باورمندان و زنان باورمند را خواهی دید، روشنایی‌شان پیشاپیش آنان و در سمت راستشان می‌شتابد.

يَوْمَ تَرَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَٰنِهِم

مژدهٔ شما امروز: باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهید ماند.

بُشْرَىٰكُمُ ٱلْيَوْمَ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

این است پیروزی سترگ.[12]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [12]

روزی که دورویان، مردان و زنان، به کسانی که باور دارند خواهند گفت: «منتظر ما بمانید، تا از روشنایی شما برگیریم» — گفته خواهد شد: «به عقب بازگردید، و روشنایی بجویید».

يَوْمَ يَقُولُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱنظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ٱرْجِعُوا۟ وَرَآءَكُمْ فَٱلْتَمِسُوا۟ نُورًا

آنگاه دیواری میان آنان برافراشته خواهد شد، با دری: درونِ آن مهربانی است، و از سوی آشکارِ آن، کیفر.[13]

فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُۥ بَابٌۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحْمَةُ وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلْعَذَابُ [13]

آنان را ندا خواهند داد: «مگر با شما نبودیم؟»

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ

خواهند گفت: «چرا، اما شما خود را به آزمون افکندید، در انتظار ماندید، تردید کردید، و آرزوهای پوچ شما را فریفت، تا آنگاه که دستور خدا آمد؛ و فریبندهٔ بزرگ شما را دربارهٔ خدا فریفت.»[14]

قَالُوا۟ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَٱرْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ ٱلْأَمَانِىُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ [14]

پس امروز از شما هیچ فدیه‌ای گرفته نخواهد شد، و نه از انکارکنندگان. پناهگاه شما آتش است، آن متحد شماست.

فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُؤۡخَذُ مِنكُمۡ فِدۡيَةٞ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُۖ هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡ

و چه زشت مقصدی![15]

وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ [15]

آیا برای کسانی که باور دارند وقت آن نرسیده است که هسته‌هایشان در یادآوریِ خدا و در آنچه از حقیقت فرود آمده فروتن شود؟

أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ

و مانند کسانی نباشند که پیش‌تر به آنان نوشتار داده شد: مدت برایشان به درازا کشید و هسته‌هایشان سخت شد.

وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ

و بسیاری از آنان تجاوزگرانند.[16]

وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ [16]

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش دوباره زندگی می‌دهد.

ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا

ما نشانه‌ها را برای شما از پیش روشن ساخته‌ایم، شاید خرد ورزید.[17]

قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ [17]

همانا مردان و زنانی که دستگیری می‌کنند و به خدا وامی نیکو می‌دهند، برایشان دو برابر خواهد شد، و پاداشی بخشنده خواهند داشت.[18]

إِنَّ ٱلۡمُصَّدِّقِينَ وَٱلۡمُصَّدِّقَٰتِ وَأَقۡرَضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعَفُ لَهُمۡ وَلَهُمۡ أَجۡرٞ كَرِيمٞ [18]

و کسانی که به خدا و فرستادگان او باور دارند، آنان راست‌گویانند.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَ

و گواهان، نزد سرپرستشان.

وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمْ

پاداش‌شان و روشنایی‌شان را خواهند داشت.

لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ

و کسانی که انکار کردند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند — اینان همراهان کوره‌اند.[19]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ [19]

بدانید که زندگی نزدیک جز بازی، سرگرمی، آرایه، خودستایی میان شما و همچشمی در انباشتن دارایی‌ها و فرزندان نیست — همانند بارانی رهایی‌بخش که گیاهانش کارندگان را خیره می‌کند، سپس خشک می‌شود، و آن را زردشده می‌بینی، سپس خرده‌ریز می‌شود.

ٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌۢ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَٰدِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ ٱلْكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمًا

و در زندگی واپسین، کیفری سخت، و بخشایشی از خدا و خشنودی.

وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنٌ

و زندگی نزدیک جز بهره‌ای فریبنده نیست.[20]

وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ [20]

به سوی بخشایشی از سرپرستتان و باغی بشتابید که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است، آماده‌شده برای کسانی که به خدا و فرستادگان او باور دارند.

سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ

این لطف خدا است، که به هر که پسند او افتد می‌دهد.

ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ

و خدا دارندهٔ لطفِ سترگ است.[21]

وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ [21]

هیچ بدبختی‌ای بر زمین و نه بر خودتان نمی‌رسد، مگر آنکه در دفتری باشد، پیش از آنکه ما آن را بپردازیم.

مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآ

این بر خدا همانا آسان است — تا نه برای آنچه از شما فوت شده است اندوهگین شوید و نه برای آنچه به شما می‌رسد شادمان شوید.[22] (30)

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ [22] لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡ (30)

و خدا هیچ خودبزرگ‌بین خودستا را دوست ندارد.[23]

وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ [23]

آنان که بخل می‌ورزند و مردمان را به بخل دستور می‌دهند.

ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِ

و هر که پشت کند — خدا همانا توانگر است، ستوده.[24]

وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ [24]

ما فرستادگان خود را همانا با برهان‌های روشن فرستادیم، و با آنان نوشتار و ترازو را فرود آوردیم، تا مردمان به برابری‌ورزی بایستند.

لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِ

و آهن را فرود آوردیم، که در آن سخت‌گیری شدید و سودهایی برای مردمان است.

وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ

و تا خدا بازشناسد چه کسی او و فرستادگانش را یاری می‌رساند، هرچند از حواس او بیرون باشد،

وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِ

زیرا خدا توانمند و نیرومند است.[25]

إِنَّ ٱللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ [25]

و ما همانا نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در تبار آنان وظیفهٔ اطلاع‌دهی و نوشتار را نهادیم.

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَ

برخی از آنان راهنمایی می‌پذیرند،

فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖ

و بسیاری از آنان تجاوزگرانند.[26]

وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ [26]

سپس فرستادگان خود را در پی آنان پیاپی آوردیم، و عیسی پسر مریم را در پی آوردیم، و به او انجیل دادیم.

ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَ

و در هسته‌های کسانی که از او پیروی کردند نیکخواهی و مهربانی نهادیم؛ و اما تکریمِ بنیان‌نهاده‌شده، آنان خود آن را ساختند — ما آن را بر آنان مقرر نکرده بودیم — مگر در جست‌وجوی خشنودی خدا.

وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗ وَرَهۡبَانِيَّةً ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ

اما آنان آن را چنان‌که شایسته بود رعایت نکردند.

فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا

به کسانی از آنان که باور داشتند، پاداششان را دادیم.

فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡ

و بسیاری از آنان تجاوزگرانند.[27]

وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ [27]

ای کسانی که باور آوردید! در برابر خدا محتاط باشید و به فرستادهٔ او باور آورید: او دو سهم از مهربانی خود به شما خواهد داد، روشنایی‌ای که با آن راه بروید به شما عطا خواهد کرد، و شما را خواهد بخشود.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است — تا دارندگان نوشتار بدانند که بر هیچ‌چیز از لطف خدا توانی ندارند، و لطف در دست خداست، که به هر که پسند او افتد می‌دهد.[28]

وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [28] لِّئَلَّا يَعۡلَمَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُ

و خدا دارندهٔ لطفِ سترگ است.[29]

وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ [29]

# الواقعة • AL-WAQI'A

سوره 56 · 96 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

چون رویداد رخ دهد، هیچ‌کس نخواهد توانست رخ‌دادنش را دروغ انگارد.[1-2]

إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ [1] لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ [2]

پایین‌آورنده، بالابرنده — آنگاه که زمین با لرزشی سخت لرزانده خواهد شد، و کوه‌ها با خردکردنی تمام خرد خواهند شد، و غباری پراکنده خواهند گشت، و شما سه دسته خواهید بود.[3-7]

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ [3] إِذَا رُجَّتِ ٱلْأَرْضُ رَجًّا [4] وَبُسَّتِ ٱلْجِبَالُ بَسًّا [5] فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنۢبَثًّا [6] وَكُنتُمْ أَزْوَٰجًا ثَلَٰثَةً [7]

یاران سمت راست — یاران سمت راست چه‌اند؟[8]

فَأَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ [8]

و یاران سمت چپ — یاران سمت چپ چه‌اند؟[9]

وَأَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ [9]

و پیشی‌گیرندگان، پیشی‌گیرندگان...[10]

وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ [10]

آنان نزدیک‌شدگان‌اند، در باغ‌های دهش.[11-12]

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ [11] فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ [12]

گروهی انبوه از نخستین‌ها و اندکی از واپسین‌ها، بر تخت‌های بافته، تکیه‌زده بر آن، رو به روی هم.[13-16]

ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ 13 وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلْآخِرِينَ 14 عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ 15 مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ 16

کودکانی جاودانه‌گردانده‌شده با جام‌ها، ابریق‌ها و پیاله‌ای از آب چشمه — که از آن نه دچار سردرد خواهند شد و نه مست کرده خواهند شد — و خوشخوراکی‌هایی که برخواهند گزید، و گوشت پرنده‌ای که آرزو خواهند کرد، گرداگرد آنان رفت‌وآمد خواهند کرد. **(31)** [17-21]

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَٰنٌ مُّخَلَّدُونَ 17 بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ 18 لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ 19 وَفَٰكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ 20 وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ 21 **(31)**

و همدمانِ پشتیبان، همانند مرواریدِ نیک پنهان‌شده، در بازپرداخت آنچه می‌کردند.[22-24]

وَحُورٌ عِينٌ 22 كَأَمْثَٰلِ ٱللُّؤْلُؤِ ٱلْمَكْنُونِ 23 جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ 24

در آن نه بیهودگی خواهند شنید و نه برانگیختن به تخطی.[25]

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا 25

جز سخنی: «آرامش، آرامش».[26]

إِلَّا قِيلًا سَلَٰمًا سَلَٰمًا 26

و یاران راست — یاران راست چه‌اند؟[27]

وَأَصْحَٰبُ ٱلْيَمِينِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْيَمِينِ 27

در میان کُنارهای بی‌خار، موزهایی با خوشه‌های روی هم چیده، سایه‌ای گسترده، آبی روان و بی‌توقف، خوشخوراکی‌های فراوان، بی‌گسست و بی‌مانع، و بسترهای برافراشته.[28-34]

فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ 28 وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ 29 وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ 30 وَمَآءٍ مَّسْكُوبٍ 31 وَفَٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ 32 لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ 33 وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ 34

ما آنان را به پیدایشی پدید آوردیم، و از آنان موجوداتی آغازین ساختیم، دوستدار، بارور و هم‌تبار، برای یاران راست.[35-38]

إِنَّآ أَنشَأْنَٰهُنَّ إِنشَآءً 35 فَجَعَلْنَٰهُنَّ أَبْكَارًا 36 عُرُبًا أَتْرَابًا 37 لِّأَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ 38

گروهی از نخستین‌ها و گروهی از واپسین‌ها.[39-40]

ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ 39 وَثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْآخِرِينَ 40

و یاران چپ — یاران چپ چه‌اند؟[41]

وَأَصْحَٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلشِّمَالِ 41

در بادی سوزان، آبی جوشان، و سایه‌ای از دود سیاه — نه خنک و نه بخشنده.[42-44]

فِى سَمُومٍ وَحَمِيمٍ 42 وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ 43 لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ 44

آنان پیش‌تر ثروتمند بودند.[45]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ 45

و بر سوگندشکنیِ سترگ پافشاری می‌کردند.[46]

وَكَانُوا۟ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلْحِنثِ ٱلْعَظِيمِ 46

و می‌گفتند: «آنگاه که مرده، خاک و استخوان خواهیم بود، آیا واقعاً برانگیخته خواهیم شد؟ و نیاکان نخستین ما نیز؟»[47-48]

وَكَانُوا۟ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ 47 أَوَءَابَآؤُنَا ٱلْأَوَّلُونَ 48

بگو: «نخستین‌ها و واپسین‌ها بی‌گمان در وعده‌گاهی معین از روزی شناخته‌شده فراهم آورده خواهند شد.[49-50]

قُلْ إِنَّ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ 49 لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ 50

سپس شما، ای گمراهان دروغ‌انگار، بی‌گمان از درخت زقوم خواهید خورد، شکم‌هایتان را از آن پر خواهید کرد، و بی‌درنگ بر آن آبی جوشان خواهید نوشید، چنان‌که شتران تشنه می‌نوشند.»[51-55]

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ 51 لَءَاكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ 52 فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ 53 فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ 54 فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ ٱلْهِيمِ 55

این است پذیرایی آنان در روز سررسید.[56]

هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ ٱلدِّينِ [56]

ماییم که شما را آفریدیم.

نَحْنُ خَلَقْنَٰكُمْ

پس چرا راست‌گو اعلام نمی‌کنید؟[57]

فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ [57]

پس آیا آنچه را می‌ریزید دیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌آفرینید، یا ما آفریننده‌ایم؟[58-59]

أَفَرَءَيْتُم مَّا تُمْنُونَ [58] ءَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلْخَٰلِقُونَ [59]

ماییم که مرگ را در میان شما مقرر کردیم، و ما پیشی گرفته نمی‌شویم: می‌توانیم همانندان شما را جایگزین شما کنیم و شما را در آنچه نمی‌دانید پدید آوریم.[60-61]

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ ٱلْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ [60] عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَٰلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَا تَعْلَمُونَ [61]

و شما همانا پیدایشِ نخست را شناخته‌اید.

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُولَىٰ

پس چرا به یاد نمی‌آورید؟[62]

فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ [62]

پس آیا آنچه را شخم می‌زنید دیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌کارید، یا ما کارنده‌ایم؟[63-64]

أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ [63] ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ [64]

اگر ما را پسند می‌افتاد، آن را خرده‌ریز می‌ساختیم، و شما می‌ماندید در حالی که زاری می‌کردید: «ما بی‌گمان بدهکار شده‌ایم! بلکه ما محروم شده‌ایم.»[65-67]

لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ [65] إِنَّا لَمُغْرَمُونَ [66] بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ [67]

پس آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید؟ آیا شما آن را از ابرها فرود آورده‌اید، یا ما فرود آورنده‌ایم؟[68-69]

أَفَرَءَيْتُمُ ٱلْمَآءَ ٱلَّذِى تَشْرَبُونَ ٦٨ ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ ٱلْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنزِلُونَ ٦٩

اگر ما را پسند می‌افتاد، آن را تلخ می‌ساختیم.

لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا

پس چرا سپاس‌گزار نیستید؟[70]

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ٧٠

پس آیا آتشی را که می‌افروزید دیده‌اید؟ آیا شما درخت آن را پدید آورده‌اید، یا ما پدیدآورنده‌ایم؟[71-72]

أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى تُورُونَ ٧١ ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنشِـُٔونَ ٧٢

ما آن را مایهٔ یادآوری و بهره‌ای برای کسانی که خود را توانمند می‌دانند ساختیم.[73]

نَحْنُ جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً وَمَتَٰعًا لِّلْمُقْوِينَ ٧٣

پس به نام سرپرست خود، آن سترگ، شکوه بسرای.[74]

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ٧٤

نه! من سوگند می‌خورم به جایگاه ستارگان — و این بی‌گمان سوگندی سترگ است، اگر بدانید — که این بی‌گمان خوانشی والاست، در نوشتاری نیک پنهان‌شده، که جز پاک‌شدگان آن را لمس نمی‌کنند.[75-79]

فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ٧٥ وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ٧٦ إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ٧٧ فِى كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ ٧٨ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ ٧٩

فرودی از سرپرستِ همهٔ هستی‌ها.[80]

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ٨٠

آیا با این گفتار سهل‌انگارانه برخورد می‌کنید، و روزی خود را در این می‌گذارید که دروغ انگارید؟[81-82]

أَفَبِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ [81] وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ [82]

پس چرا، آنگاه که به گلو برسد، و شما در آن دم می‌نگرید، و ما به او از شما نزدیک‌تریم، اما شما روشن نمی‌بینید — پس چرا، اگر وامدار نبودید، آن را بازنمی‌گردانید، اگر راست‌گو هستید؟[83-87]

فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ [83] وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ [84] وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ [85] فَلَوْلَآ إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ [86] تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [87]

اما آن‌که از شمار نزدیک‌شدگان است: آسایش، عطر، و باغی از دهش.[88-89]

فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ [88] فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ [89]

و اما آن‌که از شمار یاران راست است: «آرامش بر تو»، از سوی یاران راست.[90-91]

وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ [90] فَسَلَٰمٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ [91]

و اما آن‌که از شمار دروغ‌انگارندگان گمراه است: پذیراییِ آبی جوشان و سوختنی در کوره.[92-94]

وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ [92] فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ [93] وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ [94]

این بی‌گمان حقیقتِ یقین است.[95]

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلْيَقِينِ [95]

پس به نام سرپرست خود، آن سترگ، شکوه بسرای.[96]

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ [96]

# الرحمن • AR-RAHMAN

سوره 55 · 78 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

بی‌اندازه مهربان خوانش را آموخت.[1-2]

ٱلرَّحْمَٰنُ [1] عَلَّمَ ٱلْقُرْءَانَ [2]

انسان را آفرید، به او بیانِ روشن آموخت.[3-4]

خَلَقَ ٱلْإِنسَٰنَ [3] عَلَّمَهُ ٱلْبَيَانَ [4]

خورشید و ماه، بر پایهٔ حسابی دقیق.[5]

ٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ [5]

و گیاهِ بی‌ساقه و درخت پیشانی بر خاک می‌نهند.[6]

وَٱلنَّجْمُ وَٱلشَّجَرُ يَسْجُدَانِ [6]

و آسمان را او برافراشت، و ترازو را نهاد، تا شما در ترازو حدشکنی نکنید: وزن را با برابری‌ورزی پابرجا نگه دارید و به ترازو زیان نرسانید.[7-9]

وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلْمِيزَانَ [7] أَلَّا تَطْغَوْا۟ فِى ٱلْمِيزَانِ [8] وَأَقِيمُوا۟ ٱلْوَزْنَ بِٱلْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا۟ ٱلْمِيزَانَ [9]

و زمین را برای آفریدگان نهاد؛ در آن خوشخوراکی‌هاست، نخل با خوشه‌های پوشیده، دانه‌ای دارای پوشش، و گیاه خوشبو.[10-12]

وَٱلْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ [10] فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَٱلنَّخْلُ ذَاتُ ٱلْأَكْمَامِ [11] وَٱلْحَبُّ ذُو ٱلْعَصْفِ وَٱلرَّيْحَانُ [12]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[13]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [13]

انسان را از گلی طنین‌انداز همچون سفال آفرید، و نهانیان را از شعلهٔ آتشِ ناب آفرید.[14-15]

خَلَقَ ٱلْإِنسَٰنَ مِن صَلْصَٰلٍ كَٱلْفَخَّارِ [14] وَخَلَقَ ٱلْجَآنَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ [15]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[16]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [16]

سرپرست دو خاور و سرپرست دو باختر.[17]

رَبُّ ٱلْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ ٱلْمَغْرِبَيْنِ [17]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[18]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [18]

دو دریا را که به هم می‌رسند درآمیخت؛ میان آن‌ها مانعی است: به یکدیگر دست‌اندازی نمی‌کنند.[19-20]

مَرَجَ ٱلْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ [19] بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ [20]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[21]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [21]

از آن دو مروارید و مرجان بیرون کشیده می‌شود.[22] **(32)**

يَخْرُجُ مِنْهُمَا ٱللُّؤْلُؤُ وَٱلْمَرْجَانُ [22] **(32)**

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[23]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [23]

و کشتی‌های برافراشته در دریا، همچون شاخص‌هایی برپاشده، از آنِ اویند.[24]

وَلَهُ ٱلْجَوَارِ ٱلْمُنشَـَٔاتُ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ [24]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[25]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [25]

هر آنچه بر آن است گذراست، و تنها سوی سرپرست تو، دارندهٔ شوکت و بزرگواری، باقی می‌ماند.[26-27]

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ [26] وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ [27]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[28]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [28]

کسانی که در آسمان‌ها و بر زمین‌اند از او می‌خواهند؛ هر روز او به کاری مشغول است.[29]

يَسْـَٔلُهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ [29]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[30]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [30]

او به شما خواهد پرداخت، ای شما دو تن، دو موجودِ مسئولیت‌دار. **(33)** [31]

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ [31] **(33)**

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[32]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [32]

ای گروه نهانیان و انسان‌ها، اگر می‌توانید کرانه‌های آسمان‌ها و زمین را سوراخ کنید، پس سوراخ کنید.

يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ إِنِ ٱسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا۟ مِنْ أَقْطَارِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ فَٱنفُذُوا۟

آن‌ها را جز با سلطه سوراخ نخواهید کرد.[33]

لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَٰنٍ [33]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[34]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [34]

بر شما دو تن زبانه‌ای از آتش و مسِ گداخته فرستاده خواهد شد، و نخواهید توانست یکدیگر را یاری دهید.[35]

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ [35]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[36]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [36]

و آنگاه که آسمان بشکافد و همچون چرم رنگین گلگون شود — پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟ — در آن روز نه انسانی و نه نهانی دربارهٔ تقصیر خود پرسیده خواهد شد.[37-39]

فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَٱلدِّهَانِ [37] فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [38] فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْـَٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٌ وَلَا جَآنٌّ [39]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[40]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [40]

کنارگذاشته‌شدگان از نشان‌هایشان شناخته خواهند شد، و از کاکل‌ها و پاها گرفته خواهند شد.[41]

يُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِيمَٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِٱلنَّوَٰصِى وَٱلْأَقْدَامِ [41]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[42]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [42]

این است جهنم که کنارگذاشته‌شدگان آن را دروغ می‌انگاشتند؛ میان آن و آبی جوشان که به نهایت رسانده شده است رفت‌وآمد خواهند کرد.[43-44]

هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِى يُكَذِّبُ بِهَا ٱلْمُجْرِمُونَ [43] يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ [44]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[45]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [45]

و برای کسی که از ایستادن در برابر سرپرست خود ترسید، دو باغ — پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟ — با شاخه‌های بسیار.[46-48]

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ [46] فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [47] ذَوَاتَآ أَفْنَانٍ [48]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[49]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [49]

در آن دو، دو چشمه روان است.[50]

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ [50]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[51]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [51]

در آن دو، از هر خوشخوراکی، جفتی.[52]

فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٍ زَوْجَانِ [52]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[53]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [53]

تکیه‌زده بر بسترهایی که آستر آن از دیبای ستبر است، و چیدنیِ آن دو باغ در دسترس.[54]

مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشٍۭ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى ٱلْجَنَّتَيْنِ دَانٍ [54]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[55]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [55]

در آن دو موجوداتی هستند با پلک‌های نگه‌داشته، که پیش از آنان نه انسانی و نه نهانی آنان را لمس نکرده است.[56]

فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ [56]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[57]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [57]

گویی که یاقوت و مرجان‌اند.[58]

كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ [58]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[59]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [59]

آیا بازپرداختِ نیک‌کرداری جز نیک‌کرداری است؟[60]

هَلْ جَزَآءُ ٱلْإِحْسَٰنِ إِلَّا ٱلْإِحْسَٰنُ [60]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[61]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [61]

و فروتر از آن دو، دو باغ دیگر — پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟ — به سبزِ تیره.[62-64]

وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ [62] فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [63] مُدْهَآمَّتَانِ [64]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[65]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [65]

در آن دو، دو چشمهٔ جوشان.[66]

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ [66]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[67]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [67]

در آن دو، خوشخوراکی‌ها، نخل‌ها و انارها.[68]

فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ [68]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[69]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [69]

در آن‌ها موجوداتی نیکو و زیبا هستند.[70]

فِيهِنَّ خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ [70]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[71]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [71]

همدمانی، نگه‌داشته‌شده در خیمه‌ها.[72]

حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِى ٱلْخِيَامِ [72]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[73]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [73]

که پیش از آنان نه انسانی و نه نهانی آنان را لمس نکرده است.[74]

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ [74]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[75]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [75]

تکیه‌زده بر پارچه‌های سبز و فرش‌های ممتاز، زیبا.[76]

مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِىٍّ حِسَانٍ [76]

پس کدام یک از دهش‌های سرپرستتان را شما دو تن دروغ می‌انگارید؟[77]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ [77]

خجسته باد نام سرپرست تو، دارندهٔ شوکت و بزرگواری.[78]

تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِى ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ [78]

# القمر • AL-QAMAR

سوره 54 · 55 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

آن لحظه نزدیک شد، و ماه شکافت.[1]

ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ [1]

و اگر نشانه‌ای ببینند، از آن رو می‌گردانند و می‌گویند: «چشم‌بندیِ پیوسته.»[2]

وَإِن يَرَوْا۟ ءَايَةً يُعْرِضُوا۟ وَيَقُولُوا۟ سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ [2]

و دروغ انگاشتند و از هیجان‌های خود پیروی کردند.

وَكَذَّبُوا۟ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ

حال آنکه هر کاری جایگاه پایدار خود را می‌یابد.[3]

وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ [3]

با این‌همه از اطلاعات چیزی بر آنان آمده است که بازدارندهٔ آنان باشد،[4]

وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّنَ ٱلْأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ [4]

فرزانگیِ رسا —

حِكْمَةٌۢ بَٰلِغَةٌ

اما هشدارها چه سود دارند؟[5]

فَمَا تُغْنِ ٱلنُّذُرُ [5]

پس به آنان پشت کن.
فَتَوَلَّ عَنْهُمْ

روزی که فراخواننده به چیزی ناشنیده فرا خواهد خواند، بینایی‌هایی فروتن، از آرامگاه‌ها بیرون خواهند آمد همچون ملخ‌های پراکنده، شتابان به سوی فراخواننده، [6-7]
يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكُرٍ [6] خُشَّعًا أَبْصَٰرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ [7] مُّهْطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِ

انکارکنندگان خواهند گفت: «این روزی دشوار است.» [8]
يَقُولُ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ [8]

پیش از آنان قوم نوح دروغ انگاشت: فرمان‌بردار ما را دروغ انگاشتند و گفتند: «او دچار اختلال است»، و با تندی نکوهش شد. [9]
كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا۟ عَبْدَنَا وَقَالُوا۟ مَجْنُونٌ وَٱزْدُجِرَ [9]

آنگاه سرپرست خود را خواند: «من شکست‌خورده‌ام، به من یاری عطا کن.» [10]
فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَغْلُوبٌ فَٱنتَصِرْ [10]

آنگاه درهای آسمان را با آبی سیل‌آسا گشودیم، [11]
فَفَتَحْنَآ أَبْوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ [11]

و زمین را به چشمه‌ها شکافتیم، تا آب‌ها بر پایهٔ دستوری از پیش مقرر به هم رسیدند. [12]
وَفَجَّرْنَا ٱلْأَرْضَ عُيُونًا فَٱلْتَقَى ٱلْمَآءُ عَلَىٰٓ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ [12]

و او را بر قایقی ساخته از تخته‌ها و میخ‌های پیوندکننده برداشتیم. [13]
وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَدُسُرٍ [13]

در برابر دیدگان ما روان بود، در بازپرداخت برای آن‌که انکارش شده بود. [14]
تَجْرِى بِأَعْيُنِنَا جَزَآءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ [14]

ما همانا آن را نشانه‌ای باقی گذاشتیم: پس آیا کسی هست که از آن یادآوری برگیرد؟[15]

وَلَقَد تَّرَكْنَٰهَآ ءَايَةً فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ [15]

پس کیفر من و هشدارهای من چگونه بود؟[16]

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ [16]

ما همانا خوانش را برای یادآوری آسان ساختیم: پس آیا کسی هست که از آن یادآوری برگیرد؟[17]

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ [17]

عاد دروغ انگاشتند، پس کیفر من و هشدارهای من چگونه بود؟[18]

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ [18]

ما بر آنان بادی سرد فرستادیم، در روزی از شومیِ پیوسته، که مردمان را همچون تنه‌های نخلِ ریشه‌کن‌شده برمی‌کند.[19–20]

إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِى يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ [19] تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ [20]

پس کیفر من و هشدارهای من چگونه بود؟[21]

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ [21]

ما همانا خوانش را برای یادآوری آسان ساختیم: پس آیا کسی هست که از آن یادآوری برگیرد؟[22]

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ [22]

ثمود هشدارها را دروغ انگاشتند.[23]

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ [23]

گفتند: «آیا از آدمیِ سادهٔ تنها از میان خود پیروی کنیم؟ آنگاه بی‌گمان در گمراهی و دیوانگی می‌بودیم. آیا یادآوری بر او از میان ما افکنده شده است؟ بلکه او دروغ‌گویی خودبزرگ‌بین است.»[24-25]

فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ [24] أَءُلۡقِيَ ٱلذِّكۡرُ عَلَيۡهِ مِنۢ بَيۡنِنَا بَلۡ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٞ [25]

فردا خواهند دانست که دروغ‌گوی خودبزرگ‌بین کیست.[26]

سَيَعۡلَمُونَ غَدٗا مَّنِ ٱلۡكَذَّابُ ٱلۡأَشِرُ [26]

ما شتر ماده را به‌عنوان آزمون برای آنان می‌فرستیم: پس مراقب‌شان باش و پایدار بمان.[27]

إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ وَٱصۡطَبِرۡ [27]

و به آنان اطلاع بده که آب میان آنان تقسیم شده است،

وَنَبِّئۡهُمۡ أَنَّ ٱلۡمَآءَ قِسۡمَةُۢ بَيۡنَهُمۡ

در هر نوبتِ نوشیدن، حاضر می‌شوند.[28]

كُلُّ شِرۡبٖ مُّحۡتَضَرٞ [28]

آنگاه یار خود را ندا دادند، که آن را گرفت و پی کرد.[29]

فَنَادَوۡاْ صَاحِبَهُمۡ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ [29]

پس کیفر من و هشدارهای من چگونه بود؟[30]

فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ [30]

ما بر آنان یک فریاد فرستادیم، و همچون کاهِ حصارکش شدند.[31]

إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ [31]

ما همانا خوانش را برای یادآوری آسان ساختیم: پس آیا کسی هست که از آن یادآوری برگیرد؟[32]

وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ [32]

قوم لوط هشدارها را دروغ انگاشت.[33]

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍۭ بِٱلنُّذُرِ [33]

ما بر آنان بارانی از سنگ‌ریزه فرستادیم، مگر خاندان لوط، که آنان را در ساعت‌های پایانی شب نجات دادیم،[34]

إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٍۭ نَّجَّيْنَٰهُم بِسَحَرٍ [34]

به‌عنوان دهشی از جانب ما.

نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا

اینچنین کسی را که سپاس‌گزار است بازپرداخت می‌کنیم.[35]

كَذَٰلِكَ نَجْزِى مَن شَكَرَ [35]

او همانا آنان را از چنگِ ما هشدار داده بود، اما بر سر هشدارها به جدل درآمدند.[36]

وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا۟ بِٱلنُّذُرِ [36]

آنان همانا کوشیدند او را از مهمانانش بازدارند؛ آنگاه چشمان‌شان را محو کردیم: «پس کیفر من و هشدارهای من را بچشید.»[37]

وَلَقَدْ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِۦ فَطَمَسْنَآ أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا۟ عَذَابِى وَنُذُرِ [37]

کیفری پایدار همانا بامدادان آنان را فرا گرفت،[38]

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ [38]

«پس کیفر من و هشدارهای من را بچشید.»[39]

فَذُوقُوا۟ عَذَابِى وَنُذُرِ [39]

ما همانا خوانش را برای یادآوری آسان ساختیم: پس آیا کسی هست که از آن یادآوری برگیرد؟[40]

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ [40]

هشدارها همانا به خاندان فرعون رسیدند.[41]

وَلَقَدْ جَآءَ ءَالَ فِرْعَوْنَ ٱلنُّذُرُ [41]

همهٔ نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند؛ آنگاه آنان را با گرفتنِ نیرومندِ توانا گرفتیم.[42]

كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَٰهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ [42]

آیا انکارکنندگان شما بهتر از آنان می‌بودند، یا آنکه در فرم‌ها مفاصاحسابی در دست دارید؟[43]

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُوْلَٰٓئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَآءَةٌ فِى ٱلزُّبُرِ [43]

یا می‌گویند: «ما جمعی یگانه‌ایم، یاری‌رسانِ یکدیگر»؟[44]

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ [44]

این جمع شکست داده خواهد شد، و پشت خواهند کرد.[45]

سَيُهْزَمُ ٱلْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ [45]

بلکه آن لحظه وعده‌گاه آنان است،

بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ

و آن لحظه فاجعه‌بارتر و تلخ‌تر است.[46]

وَٱلسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ [46]

کنارگذاشته‌شدگان همانا در گمراهی و دیوانگی‌اند، روزی که بر چهره‌هایشان در آتش کشانده خواهند شد: «لمسِ سقر را بچشید.»[47-48]

إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ [47] يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِى ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُواْ مَسَّ سَقَرَ [48]

ما همه‌چیز را بر پایهٔ اندازه‌ای معین آفریدیم.[49]

إِنَّا كُلَّ شَىْءٍ خَلَقْنَٰهُ بِقَدَرٍ [49]

و دستور ما جز یکی نیست، همچون یک چشم‌برهم‌زدن.[50]

وَمَآ أَمْرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٌ كَلَمْحٍۭ بِٱلْبَصَرِ [50]

ما همانا هم‌گونان شما را نابود کردیم: پس آیا کسی هست که از آن یادآوری برگیرد؟[51]

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَآ أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ [51]

و هر آنچه کرده‌اند در فرم‌هاست.[52]

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِى ٱلزُّبُرِ [52]

و هر چیز، کوچک یا بزرگ، ثبت شده است.[53]

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ [53]

محتاطان همانا در باغ‌ها و رودی هستند، در نشیمنگاهی از راست‌گویی، نزد فرمانروایی توانا.[54–55]

إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَنَهَرٍ [54] فِى مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ [55]

# النجم • AN-NAJM

سوره 53 · 62 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به ستاره آنگاه که فرو می‌کاهد: یار شما گمراه نشد و بیراهه نرفت. او از سر هیجان چیزی بر زبان نمی‌آورد: این جز پرده‌برداریِ پرده‌برداری‌شده نیست.[1-4]

وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ [1] مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ [2] وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ [3] إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ [4]

آن‌که دارندهٔ نیرویی شدید است، با توانی استوار، به او آموخت،[5]

عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلۡقُوَىٰ [5] ذُو مِرَّةٖۚ

و بی‌درنگ با تمام قامت نمایان شد، در حالی که در بالاترین افق بود.[6-7]

فَٱسۡتَوَىٰ [6] وَهُوَ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡأَعۡلَىٰ [7]

سپس نزدیک آمد و بر فراز ایستاد، تا آنکه به فاصلهٔ دو کمان بود، یا نزدیک‌تر.[8-9]

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ [8] فَكَانَ قَابَ قَوۡسَيۡنِ أَوۡ أَدۡنَىٰ [9]

آنگاه به فرمان‌بردار خود پرده برداشت از آنچه پرده برداشت.[10]

فَأَوۡحَىٰٓ إِلَىٰ عَبۡدِهِۦ مَآ أَوۡحَىٰ [10]

آگاهی در آنچه دید دروغ نگفت.[11]

مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ [11]

پس آیا با او دربارهٔ آنچه می‌بیند پرخاش خواهید کرد؟[12]

أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ [12]

او همانا در فرودی دیگر او را دید، نزد کُنارِ حدِ نهایی – که باغِ پناهگاه نزد آن است – آنگاه که کُنار از آنچه آن را می‌پوشاند پوشانده می‌شد.[13-16]

وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ [13] عِندَ سِدْرَةِ ٱلْمُنتَهَىٰ [14] عِندَهَا جَنَّةُ ٱلْمَأْوَىٰٓ [15] إِذْ يَغْشَى ٱلسِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ [16]

دیده کج نشد و از حد نگذشت.[17]

مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ [17]

او همانا یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های سرپرست خود را دید.[18]

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلْكُبْرَىٰٓ [18]

پس آیا لات، عزی و منات را، سومین، دیگری، می‌بینید؟ آیا نر برای شما می‌بود و ماده برای او؟[19-21]

أَفَرَءَيْتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلْعُزَّىٰ [19] وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلْأُخْرَىٰٓ [20] أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلْأُنثَىٰ [21]

آنگاه این تقسیمی ناروا می‌بود.[22]

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰٓ [22]

این‌ها جز ویژگی‌هایی نیستند که شما و نیاکان‌تان نام نهاده‌اید؛ خدا دربارهٔ آن‌ها هیچ سلطه‌ای فرود نیاورده است.

إِنْ هِىَ إِلَّآ أَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ

آنان فقط از پندار و از آنچه خویشتن‌ها بدان می‌گرایند پیروی می‌کنند.

إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهْوَى ٱلْأَنفُسُ

در حالی که با این‌همه راهنمایی از سرپرستشان به آنان رسیده است.[23]

وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلْهُدَىٰٓ [23]

یا آنکه انسان هر آنچه آرزو کند دارد؟[24]

أَمْ لِلْإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ [24]

حال آنکه زندگی واپسین و زندگی نخستین از آنِ خداست.[25]

فَلِلَّهِ ٱلۡأٓخِرَةُ وَٱلۡأُولَىٰ [25]

چه بسیار کارگزاران در آسمان‌ها که میانجی‌گری‌شان هیچ سودی ندارد، مگر پس از آنکه خدا اجازه دهد، برای هر که پسند او افتد و او خشنود شود.[26]

وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ [26]

کسانی که به زندگی واپسین باور ندارند بی‌گمان به کارگزاران ویژگیِ مؤنث می‌دهند.[27]

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ تَسۡمِيَةَ ٱلۡأُنثَىٰ [27]

حال آنکه دربارهٔ آن هیچ دانشی ندارند.

وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍ

جز از پندار پیروی نمی‌کنند.

إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ

و پندار در برابر حقیقت هیچ سودی ندارد.[28]

وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـٔٗا [28]

پس از کسی که از یادآوریِ ما پشت کرد و جز زندگی نزدیک نخواست کناره بگیر.[29]

فَأَعۡرِضۡ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكۡرِنَا وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا [29]

این است دامنهٔ دانش آنان.

ذَٰلِكَ مَبۡلَغُهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ

سرپرست تو بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است،

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ

و بهتر می‌داند چه کسی راهنمایی پذیرفته است.[30]

وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱهۡتَدَىٰ [30]

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خداست، تا کسانی را که بد کرده‌اند بر پایهٔ آنچه کرده‌اند بازپرداخت کند، و کسانی را که نیکی کرده‌اند با زیباترین بازپرداخت کند.[31]

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ وَيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُواْ بِٱلْحُسْنَىٰ [31]

کسانی که از تخطی‌های بزرگ و زشتکاری‌ها دوری می‌کنند، مگر لغزش‌های سبک،

ٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَ

زیرا سرپرست تو در بخشایش گسترده است.

إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلْمَغْفِرَةِ

او شما را بهتر می‌شناسد، آنگاه که شما را از زمین پدید آورد، و آنگاه که جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید.

هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ

پس خودتان را پاک اعلام نکنید.

فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمْ

او بهتر می‌داند چه کسی محتاط شده است.[32]

هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰ [32]

پس آیا کسی را دیده‌ای که پشت کرد، اندکی عطا کرد، و خشکید؟[33-34]

أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِي تَوَلَّىٰ [33] وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰٓ [34]

آیا او دانشِ آنچه فراتر از حواس است دارد، تا آنکه ببیند؟[35]

أَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ [35]

یا او از آنچه در گاه‌نوشت‌های موسی و ابراهیم، آنکه وفادار بود، هست اطلاع داده نشده است: که هیچ بردارنده‌ای بارِ دیگری را برنخواهد داشت،[36-38]

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ [36] وَإِبْرَٰهِيمَ ٱلَّذِي وَفَّىٰٓ [37] أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ [38]

و اینکه انسان جز آنچه برای آن تلاش کرده باشد نخواهد داشت،[39]
وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ [39]

و اینکه تلاش او به‌زودی نشان داده خواهد شد،[40]
وَأَنَّ سَعۡيَهُۥ سَوۡفَ يُرَىٰ [40]

سپس به وفادارانه‌ترین بازپرداخت از آن بازپرداخت خواهد شد،[41]
ثُمَّ يُجۡزَىٰهُ ٱلۡجَزَآءَ ٱلۡأَوۡفَىٰ [41]

و اینکه سوی سرپرست تو است حدِ نهایی،[42]
وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلۡمُنتَهَىٰ [42]

و اینکه اوست که می‌خنداند و می‌گریاند،[43]
وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضۡحَكَ وَأَبۡكَىٰ [43]

و اینکه اوست که می‌میراند و زنده می‌کند،[44]
وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ وَأَحۡيَا [44]

و اینکه او دو عنصر جفت را، نر و ماده، از قطره‌ای آفریده است آنگاه که ریخته می‌شود،[45-46]
وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰ [45] مِن نُّطۡفَةٍ إِذَا تُمۡنَىٰ [46]

و اینکه پیدایشِ دیگر بر عهدهٔ اوست،[47]
وَأَنَّ عَلَيۡهِ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰ [47]

و اینکه اوست که توانگر ساخت و در مالکیتی پایدار داد،[48]
وَأَنَّهُۥ هُوَ أَغۡنَىٰ وَأَقۡنَىٰ [48]

و اینکه اوست سرپرستِ شعرای یمانی،[49]
وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعۡرَىٰ [49]

و اینکه عاد نخستین و ثمود را نابود کرد، بی‌آنکه چیزی باقی بگذارد، و نیز قوم نوح را پیش‌تر [50-51]

وَأَنَّهُۥٓ أَهۡلَكَ عَادًا ٱلۡأُولَىٰ [50] وَثَمُودَاْ فَمَآ أَبۡقَىٰ [51] وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُ

زیرا آنان خود ستمگرتر و حدشکن‌تر بودند. [52]

إِنَّهُمۡ كَانُواْ هُمۡ أَظۡلَمَ وَأَطۡغَىٰ [52]

و آن را که واژگون شد، او به ژرفا فرو برد. [53]

وَٱلۡمُؤۡتَفِكَةَ أَهۡوَىٰ [53]

آنگاه آنچه آن را پوشاند، آن را پوشاند. [54]

فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ [54]

پس به کدام یک از دهش‌های سرپرست خود به جدل درمی‌آیی؟ [55]

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ [55]

این هشداردهنده‌ای است از هشداردهندگان پیشین. [56]

هَٰذَا نَذِيرٞ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلۡأُولَىٰٓ [56]

قریب‌الوقوع نزدیک شده است. [57]

أَزِفَتِ ٱلۡأٓزِفَةُ [57]

هیچ‌کس غیر از خدا نمی‌تواند آن را سبک کند. [58]

لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ [58]

آیا از این گفتار شگفت‌زده می‌شوید، می‌خندید، بی‌آنکه بگریید، و بی‌خیال می‌مانید؟ [59-61]

أَفَمِنۡ هَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ تَعۡجَبُونَ [59] وَتَضۡحَكُونَ وَلَا تَبۡكُونَ [60] وَأَنتُمۡ سَٰمِدُونَ [61]

پس برای خدا پیشانی بر خاک نهید، و فرمان برید. [62]

فَٱسۡجُدُواْ لِلَّهِ وَٱعۡبُدُواْ [62]

# الطور • AT-TUR

سوره 52 · 49 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به کوه! سوگند به نوشته‌ای ثبت‌شده، بر پوستی گسترده! سوگند به خانهٔ رفت‌وآمدشده! سوگند به سقف برافراشته! سوگند به دریایی که به جوش آورده شده است! کیفر سرپرست تو بی‌گمان خواهد رسید —[1–7]

وَٱلطُّورِ [1] وَكِتَٰبٍ مَّسْطُورٍ [2] فِى رَقٍّ مَّنشُورٍ [3] وَٱلْبَيْتِ ٱلْمَعْمُورِ [4] وَٱلسَّقْفِ ٱلْمَرْفُوعِ [5] وَٱلْبَحْرِ ٱلْمَسْجُورِ [6] إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٌ [7]

هیچ‌چیز نمی‌تواند آن را بازدارد.[8]

مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٍ [8]

روزی که آسمان با گردشی سخت تکان داده خواهد شد و کوه‌ها به حرکت درخواهند آمد —[9–10]

يَوْمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوْرًا [9] وَتَسِيرُ ٱلْجِبَالُ سَيْرًا [10]

وای، در آن روز، بر دروغ‌انگارندگان، کسانی که در گفتارهای پوچ بازی می‌کنند.[11–12]

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ [11] ٱلَّذِينَ هُمْ فِى خَوْضٍ يَلْعَبُونَ [12]

روزی که به سوی آتش جهنم با خشونت رانده خواهند شد،[13]

يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا [13]

«این است آتشی که آن را دروغ می‌انگاشتید.[14]

هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ [14]

پس آیا این چشم‌بندی است، یا آنکه شما روشن نمی‌بینید؟[15]

أَفَسِحْرٌ هَٰذَآ أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ [15]

در آن بسوزید: چه شکیبایی کنید چه نکنید، برای شما یکسان است.

ٱصْلَوْهَا فَٱصْبِرُوٓاْ أَوْ لَا تَصْبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ

شما جز بر پایهٔ آنچه می‌کردید بازپرداخت نمی‌شوید.»[16]

إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [16]

محتاطان همانا در باغ‌ها و دهش‌اند، از آنچه سرپرستشان به آنان داده است لذت می‌برند،[17]

إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَنَعِيمٍ [17] فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمْ رَبُّهُمْ

و سرپرستشان آنان را در برابر کیفر کوره محتاط ساخته است.[18]

وَوَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ [18]

«بخورید و بنوشید گوارا، برای آنچه می‌کردید»، تکیه‌زده بر تخت‌هایی ردیف‌شده؛ و ما آنان را به همسخنانِ پشتیبان پیوستیم.[19-20]

كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ هَنِيٓـًٔۢا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [19] مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَٰهُم بِحُورٍ عِينٍ [20]

و کسانی که باور آوردند و تبارشان در باور از آنان پیروی کرد، ما تبارشان را به آنان پیوستیم، بی‌آنکه از کردارهایشان چیزی بکاهیم.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَآ أَلَتْنَٰهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَىْءٍ

هر کس در گرو آنچه به دست آورده است نگه داشته شده است.[21]

كُلُّ ٱمْرِئٍۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ [21]

و آنان را از خوشخوراکی‌ها و گوشت، از آنچه آرزو می‌کنند، بهره‌مند ساختیم؛ در آن جامی را دست‌به‌دست می‌دهند که در آن نه بیهودگی‌ای است و نه برانگیختن به تخطی.[22-23]

وَأَمْدَدْنَٰهُم بِفَٰكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ [22] يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ [23]

و پسران جوانی که از آنِ آنان‌اند در میانشان رفت‌وآمد می‌کنند، همانند مرواریدهایی نیک پنهان‌شده.[24]

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ [24]

و روبه‌روی یکدیگر می‌ایستند، از هم می‌پرسند،[25]

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ [25]

می‌گویند: «ما پیش‌تر میان کسان خود پر از هراس بودیم؛ خدا بر ما منت نهاد و ما را از کیفر باد سوزان محتاط ساخت.[26-27]

قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِيٓ أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ [26] فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ [27]

ما پیش‌تر او را می‌خواندیم: او همانا نیکوکار و مهربان است.»[28]

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْبَرُّ ٱلرَّحِيمُ [28]

پس یادآوری کن: به دهش سرپرستت، تو نه فالگیری و نه دچار اختلال.[29]

فَذَكِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ [29]

یا می‌گویند: «سخنوری فریبا، برای او ضربه‌های تقدیر را چشم می‌داریم»؟[30]

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيْبَ ٱلْمَنُونِ [30]

بگو: «پس در انتظار بمانید،

قُلْ تَرَبَّصُواْ

زیرا من نیز با شما از انتظارکشندگانم.»[31]

فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُتَرَبِّصِينَ [31]

یا آنکه سنجیدگی‌شان است که این را به آنان فرمان می‌دهد، یا قومی‌اند که از هر حدی می‌گذرند؟[32]

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَٰمُهُم بِهَٰذَآ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ [32]

یا می‌گویند: «او آن را ساخته است»؟
أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥ

بلکه آنان باور نمی‌آورند.[33]
بَل لَّا يُؤْمِنُونَ [33]

پس گفتاری همانند آن بیاورند، اگر راست‌گو هستند![34]
فَلْيَأْتُوا۟ بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا۟ صَٰدِقِينَ [34]

یا آنکه از هیچ آفریده شده‌اند، یا خود آفرینندگان‌اند؟[35]
أَمْ خُلِقُوا۟ مِنْ غَيْرِ شَىْءٍ أَمْ هُمُ ٱلْخَٰلِقُونَ [35]

یا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟
أَمْ خَلَقُوا۟ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ

بلکه آنان هیچ یقینی ندارند.[36]
بَل لَّا يُوقِنُونَ [36]

یا آنکه ذخیره‌های سرپرست تو نزد آنان است، یا آنان اِعمال‌کنندگان فشارند؟[37]
أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ ٱلْمُصَيْطِرُونَ [37]

یا آنکه نردبانی دارند که با آن گوش می‌دهند؟
أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ

پس هر که از میان آنان گوش می‌دهد، سلطه‌ای آشکار بیاورد![38]
فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ [38]

یا آنکه او دختران را می‌داشت، در حالی که شما پسران را می‌داشتید؟[39]
أَمْ لَهُ ٱلْبَنَٰتُ وَلَكُمُ ٱلْبَنُونَ [39]

یا آنکه از آنان پاداشی می‌خواهی، چنان‌که زیر بار بدهی سنگین شده‌اند؟[40]

أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ [40]

یا آنکه آنچه فراتر از حواس است نزد آنان است، چنان‌که آن را می‌نویسند؟[41]

أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ [41]

یا آنکه می‌خواهند نیرنگی بچینند؟

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا

بلکه انکارکنندگان‌اند که نیرنگ‌خورده خواهند بود.[42]

فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هُمُ ٱلْمَكِيدُونَ [42]

یا آنکه آنان ایزدی جز خدا دارند؟

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ

شکوه بر خدا باد، برتر از آنچه به او انباز می‌گیرند![43]

سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ [43]

و اگر پاره‌ای از آسمان را می‌دیدند که فرو می‌افتد، می‌گفتند: «انبوهی از ابر.»[44]

وَإِن يَرَوْاْ كِسْفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطًا يَقُولُواْ سَحَابٌ مَّرْكُومٌ [44]

پس آنان را وا گذار، تا به روز خود برسند، روزی که در آن صاعقه‌زده خواهند شد — روزی که نیرنگ‌شان هیچ سودی به آنان نخواهد رساند و یاری داده نخواهند شد.[45-46]

فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى فِيهِ يُصْعَقُونَ [45] يَوْمَ لَا يُغْنِى عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ [46]

و همانا برای کسانی که ستم کرده‌اند، کیفری فروتر از آن هست،

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[47]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [47]

و در برابر داوری سرپرست خود شکیبا باش، زیرا تو در برابر دیدگان ما هستی.

وَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

و چون برمی‌خیزی، با ستایش شکوهِ سرپرست خود را بسرای،[48]

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ [48]

و شکوهِ او را بسرای بخشی از شب، و نیز هنگام فروکاستن ستارگان.[49]

وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَٰرَ ٱلنُّجُومِ [49]

# الذاريات • ADH-DHARIYAT

سوره 51 · 60 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

سوگند به پراکندگان پراکنده‌کننده، حمل‌کنندگان بارِ سنگین، روندگان آسان‌رو، بخش‌کنندگان یک دستور: آنچه به شما وعده داده می‌شود واقعاً راست‌گوست، و سررسید بی‌گمان خواهد رسید. [1-6]

وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرْوًا [1] فَٱلْحَٰمِلَٰتِ وِقْرًا [2] فَٱلْجَٰرِيَٰتِ يُسْرًا [3] فَٱلْمُقَسِّمَٰتِ أَمْرًا [4] إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ [5] وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٌ [6]

سوگند به آسمانِ دارای راه‌های درهم‌تنیده! شما بی‌گمان در سخنی ناهمسویید: از آن به بیراهه برده می‌شود هر که به بیراهه برده می‌شود. [7-9]

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْحُبُكِ [7] إِنَّكُمْ لَفِى قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ [8] يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ [9]

نابود باد حدس‌زنندگان، آنان که در ورطه‌ای فرو برده شده‌اند، با ذهنی غایب! [10-11]

قُتِلَ ٱلْخَرَّٰصُونَ [10] ٱلَّذِينَ هُمْ فِى غَمْرَةٍ سَاهُونَ [11]

می‌پرسند: «روز سررسید کی خواهد بود؟» — روزی که بر آتش آزموده خواهند شد. [12-13]

يَسْـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ ٱلدِّينِ [12] يَوْمَ هُمْ عَلَى ٱلنَّارِ يُفْتَنُونَ [13]

«آزمون خود را بچشید.

ذُوقُوا۟ فِتْنَتَكُمْ

این است آنچه در پی شتاب دادن به آن بودید.» [14]

هَٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تَسْتَعْجِلُونَ [14]

محتاطان همانا در باغ‌ها و چشمه‌ها هستند، آنچه را سرپرستشان به آنان داده است می‌گیرند،[15]

إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [15] ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمْ رَبُّهُمْ

زیرا پیش از آن از کسانی بودند که نیکی می‌کردند.[16]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ [16]

جز اندکی واگذار نمی‌کردند

كَانُوا۟ قَلِيلًا

از شب به خواب،[17]

مِّنَ ٱلَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ [17]

و در ساعت‌های پایانی شب، بخشایش می‌خواستند.[18]

وَبِٱلْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ [18]

و در دارایی‌هایشان حقی بود برای کسی که می‌خواهد و کسی که محروم شده است.[19]

وَفِىٓ أَمْوَٰلِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَٱلْمَحْرُومِ [19]

و بر زمین نشانه‌هایی هست برای کسانی که یقین دارند،[20]

وَفِى ٱلْأَرْضِ ءَايَٰتٌ لِّلْمُوقِنِينَ [20]

و نیز در خودتان.

وَفِىٓ أَنفُسِكُمْ

آیا پس روشن نمی‌بینید؟[21]

أَفَلَا تُبْصِرُونَ [21]

و در آسمان روزی شماست،

وَفِى ٱلسَّمَآءِ رِزْقُكُمْ

و نیز آنچه به شما وعده داده می‌شود. سوگند به سرپرست آسمان و زمین، این بی‌گمان حقیقت است، همان‌گونه که درست است که شما بر زبان می‌آورید.[22-23]

وَمَا تُوعَدُونَ [22] فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ إِنَّهُۥ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَآ أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ [23]

آیا گفتار مربوط به مهمانان گرامی‌داشته‌شدهٔ ابراهیم به تو رسیده است؟ آنگاه که بر او وارد شدند و گفتند: «آرامش!»[24]

هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ ٱلْمُكْرَمِينَ [24] إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَيْهِ فَقَالُوا۟ سَلَٰمًا

او گفت: «آرامش.

قَالَ سَلَٰمٌ

مردمانی که برای من ناشناخته‌اند.»[25]

قَوْمٌ مُّنكَرُونَ [25]

او به سوی نزدیکانش خزید، سپس گوساله‌ای فربه آورد و آن را به آنان نزدیک کرد، گفت: «آیا نمی‌خورید؟»[26-27]

فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ [26] فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ [27]

آنگاه از آنان ترسی احساس کرد.

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً

گفتند: «نترس.»

قَالُوا۟ لَا تَخَفْ

و او را به پسری دانا مژده دادند.[28]

وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٍ [28]

آنگاه همسرش رو کرد، فریادزنان، به صورت خود زد و گفت: «پیرزنی نازا؟!»[29]

فَأَقْبَلَتِ ٱمْرَأَتُهُۥ فِى صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ [29]

گفتند: «چنین گفت سرپرست تو.
قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ

او همانا فرزانه و همه‌چیزدان است.»[30]
إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ [30]

او گفت: «پس حال شما چیست، ای فرستاده‌شدگان؟»[31]
قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ [31]

گفتند: «به سوی قومی کنارگذاشته‌شده فرستاده شده‌ایم، تا بر آنان سنگ‌هایی از گل بفرستیم، که نزد سرپرست تو برای زیاده‌روان نشان‌گذاری شده‌اند.»[32-34]
قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ [32] لِنُرۡسِلَ عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن طِينٖ [33] مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُسۡرِفِينَ [34]

کسانی را که باور داشتند از آن بیرون آوردیم، اما در آن جز یک خانه از بی‌خدشگان نزد خدا نیافتیم؛ و در آن نشانه‌ای برای کسانی که از کیفر دردناک می‌ترسند باقی گذاشتیم.[35-37]
فَأَخۡرَجۡنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ [35] فَمَا وَجَدۡنَا فِيهَا غَيۡرَ بَيۡتٖ مِّنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ [36] وَتَرَكۡنَا فِيهَآ ءَايَةٗ لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ [37]

و در موسی: آنگاه که او را با سلطه‌ای آشکار به سوی فرعون فرستادیم، او با تکیه‌گاه خود پشت کرد و گفت: «چشم‌بند یا دچار اختلال.»[38-39]
وَفِي مُوسَىٰٓ إِذۡ أَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ [38] فَتَوَلَّىٰ بِرُكۡنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٞ [39]

او و لشکریانش را گرفتیم و آنان را در موج افکندیم، در حالی که او سزاوار سرزنش بود.[40]
فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٞ [40]

و در عاد: آنگاه که باد نازا را بر آنان فرستادیم، که هیچ چیز از آنچه بر آن می‌گذشت را رها نمی‌کرد بی‌آنکه آن را به غبار درآورد.[41-42]
وَفِي عَادٍ إِذۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلرِّيحَ ٱلۡعَقِيمَ [41] مَا تَذَرُ مِن شَيۡءٍ أَتَتۡ عَلَيۡهِ إِلَّا جَعَلَتۡهُ كَٱلرَّمِيمِ [42]

و در ثمود: آنگاه که به آنان گفته شد: «تا زمانی بهره ببرید»، اما آنان با گستاخی از دستور سرپرستشان سرپیچی کردند، و صاعقه آنان را گرفت در حالی که می‌نگریستند.[43-44]

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا۟ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿43﴾ فَعَتَوْا۟ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ﴿44﴾

نه توانستند برخیزند و نه یاری‌ای بیابند.[45]

فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا۟ مُنتَصِرِينَ ﴿45﴾

و قوم نوح، پیش‌تر —

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ

زیرا آنان قومی از تجاوزگران بودند.[46]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿46﴾

و آسمان را با نیرو ساختیم،

وَٱلسَّمَآءَ بَنَيْنَٰهَا بِأَيْىٍ

و ما بی‌گمان فراخ‌کنندگانیم.[47]

وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿47﴾

و زمین را بستر ساختیم:

وَٱلْأَرْضَ فَرَشْنَٰهَا

چه نیکو سامان‌دهندگانی![48]

فَنِعْمَ ٱلْمَٰهِدُونَ ﴿48﴾

و از هر چیز جفتی آفریدیم، شاید به یاد آورید.[49]

وَمِن كُلِّ شَىْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿49﴾

پس به سوی خدا بگریزید: من همانا از جانب او برای شما هشداردهنده‌ای صریح‌ام.[50]
فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ [50]

و با خدا ایزد دیگری قرار ندهید، زیرا من از جانب او برای شما هشداردهنده‌ای صریح‌ام.[51]
وَلَا تَجْعَلُواْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ إِنِّى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ [51]

چنین بود:
كَذَٰلِكَ

هیچ فرستاده‌ای نزد کسان پیش از آنان نیامد بی‌آنکه گفته باشند: «چشم‌بند یا دچار اختلال.»[52]
مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ [52]

آیا یکدیگر را به این سفارش کرده‌اند؟
أَتَوَاصَوْاْ بِهِۦ

بلکه آنان قومی‌اند که از هر حدی می‌گذرند.[53]
بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ [53]

پس به آنان پشت کن — تو در این باره هیچ سرزنش نخواهی شد — و یادآوری کن،[54]
فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٍ [54] وَذَكِّرْ

زیرا یادآوری به باورمندان سود می‌رساند.[55]
فَإِنَّ ٱلذِّكْرَىٰ تَنفَعُ ٱلْمُؤْمِنِينَ [55]

من نهانیان و انسان‌ها را نیافریدم مگر تا مرا فرمان برند.[56]
وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ [56]

من از آنان هیچ روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند.[57]
مَآ أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ [57]

خدا روزی‌دهنده است، دارندهٔ نیرو، تزلزل‌ناپذیر.[58]

إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلْقُوَّةِ ٱلْمَتِينُ [58]

کسانی که ستم کرده‌اند همانا سهمی همانند سهم یارانشان خواهند داشت: پس از من نخواهند که آن را شتاب دهم.[59]

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَٰبِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ [59]

پس وای بر انکارکنندگان، از روزشان که به آنان وعده داده شده است.[60]

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن يَوْمِهِمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ [60]

# ق • QAF

سوره 50 · 45 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

قٓ (قاف).

قٓ

سوگند به خوانشِ باشکوه! بلکه شگفت‌زده شدند که هشداردهنده‌ای از خودشان به سوی آنان آمده است. انکارکنندگان گفتند: «این چیزی شگفت است. آنگاه که مرده خواهیم بود و خاک خواهیم بود...؟ این بازگشت بس دور است.»[1–3]

وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْمَجِيدِ [1] بَلْ عَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَىْءٌ عَجِيبٌ [2] أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌۢ بَعِيدٌ [3]

ما می‌دانیم زمین چه چیز از آنان می‌کاهد، و ما دفتری داریم که همه‌چیز را حفظ می‌کند.[4]

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ ٱلْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظٌۢ [4]

بلکه حقیقت را چون به آنان آمد دروغ انگاشتند؛ پس در حالتی درهم‌اند.[5]

بَلْ كَذَّبُواْ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِىٓ أَمْرٍ مَّرِيجٍ [5]

پس آیا آسمانِ بالای سرشان را ننگریسته‌اند: چگونه آن را ساختیم و آراستیم، بی‌آنکه هیچ شکافی در آن باشد؟[6]

أَفَلَمْ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ [6]

و زمین را گستراندیم، در آن لنگرگاه‌های استوار افکندیم، و در آن از هر جفتِ شکوهمند رویاندیم — مایهٔ روشن‌بینی و یادآوری برای هر فرمان‌بردار که بی‌وقفه به او روی می‌آورد.[7-8]

وَٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ 7 تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ 8

و از آسمان آبی خجسته فرود آوردیم، که به آن باغ‌ها و دانهٔ خرمن را رویاندیم، و نیز نخل‌های بلندقامت با خوشه‌هایی روی هم چیده را، روزی برای فرمان‌برداران.[9-10]

وَنَزَّلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً مُّبَٰرَكًا فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ وَحَبَّ ٱلْحَصِيدِ 9 وَٱلنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ 10 رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ

و با آن، سرزمینی مرده را دوباره زندگی دادیم.

وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا

چنین خواهد بود بیرون‌آمدن.[11]

كَذَٰلِكَ ٱلْخُرُوجُ 11

پیش از آنان قوم نوح دروغ انگاشتند، و نیز یاران رس، ثمود، عاد، فرعون، برادران لوط، یاران بیشه، و قوم تبع.[12-13]

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ 12 وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَٰنُ لُوطٍ 13 وَأَصْحَٰبُ ٱلْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ

همه فرستادگان را دروغ انگاشتند، و تهدید من به حقیقت پیوست.[14]

كُلٌّ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ 14

پس آیا ما از آفرینش نخست خسته شدیم؟

أَفَعَيِينَا بِٱلْخَلْقِ ٱلْأَوَّلِ

بلکه آنان دربارهٔ آفرینشی نو در آشفتگی‌اند.[15]

بَلْ هُمْ فِى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ 15

ما همانا انسان را آفریدیم و می‌دانیم خویشتنش به او چه نجوا می‌کند؛ و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.[16]

وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِۦ نَفْسُهُۥ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ [16]

آنگاه که دو گردآورنده گرد می‌آورند، یکی به راست و دیگری به چپ، نشسته.[17]

إِذْ يَتَلَقَّى ٱلْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٌ [17]

هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورد بی‌آنکه ناظری آماده در کنار او نباشد.[18]

مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ [18]

و مستی مرگ با حقیقت آمد:

وَجَآءَتْ سَكْرَةُ ٱلْمَوْتِ بِٱلْحَقِّ

این است آنچه از آن می‌گریختی.[19]

ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ [19]

و در شیپور دمیده خواهد شد:

وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ

این است روز تهدید.[20]

ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلْوَعِيدِ [20]

و هر خویشتن خواهد آمد، در حالی که راننده‌ای و گواهی همراه اوست.[21]

وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَشَهِيدٌ [21]

تو همانا از این در بی‌خیالی بودی؛ پس پردهٔ تو را کنار زدیم، و بینایی تو امروز تیز است.[22]

لَّقَدْ كُنتَ فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلْيَوْمَ حَدِيدٌ [22]

و همراهش خواهد گفت: «این است آنچه نزد من آماده است.»[23]

وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَىَّ عَتِيدٌ [23]

هر دو، هر که انکار می‌کند، لجوج، بازدارندهٔ نیکی، از مرزها گذرنده، پراکنندهٔ تردید، آن که با خدا ایزدی دیگر نهاده است را در جهنم بیفکنید — پس او را در کیفری سخت بیفکنید.[24-26]

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ [24] مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ [25] ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي ٱلْعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ [26]

همراهش خواهد گفت: «ای سرپرست ما، من او را به گذشتن از هر حدی وانداشتم، بلکه او در گمراهی دور بود.»[27]

قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطْغَيْتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلٍۭ بَعِيدٍ [27]

او خواهد گفت: «نزد من ستیزه نکنید، در حالی که من از پیش تهدید را برای شما پیش فرستاده بودم.[28]

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا۟ لَدَىَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِٱلْوَعِيدِ [28]

سخن نزد من دگرگون نمی‌شود، و من به هیچ روی در حق فرمان‌برداران تحت اجبار ستم نمی‌کنم.»[29]

مَا يُبَدَّلُ ٱلْقَوْلُ لَدَىَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ [29]

روزی که به جهنم خواهیم گفت: «آیا پر شده‌ای؟» و او خواهد گفت: «آیا بیشتر هست؟»[30]

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ [30]

و باغ برای کسانی که محتاط‌اند نزدیک آورده خواهد شد، نه دور.[31]

وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ [31]

این است آنچه به شما وعده داده می‌شود، به هر که بی‌وقفه بازمی‌گردد، در حالی که پاسدار است.[32]

هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ [32]

هر که از بی‌اندازه مهربان، هرچند از حواس او بیرون باشد، بیم داشت، و با هسته‌ای آمد که بی‌وقفه به او روی می‌آورد: «به آرامش در آن وارد شوید.»[33]

مَّنْ خَشِيَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ [33] ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ

این است روز جاودانگی.[34]
ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلْخُلُودِ [34]

در آن آنچه را پسندشان افتد خواهند داشت،
لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا

و نزد ما بیشتر از آن هم هست.[35]
وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ [35]

چه بسیار نسل‌ها که پیش از آنان نابود کردیم، که از آنان در چنگ‌اندازی هولناک‌تر بودند و سرزمین‌ها را پیموده بودند!
وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُواْ فِى ٱلْبِلَٰدِ

آیا گریزگاهی بود؟[36]
هَلْ مِن مَّحِيصٍ [36]

در این بی‌گمان یادآوری‌ای است برای هر که هسته‌ای دارد، یا گوش می‌سپارد در حالی که گواه است.[37]
إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى ٱلسَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ [37]

ما همانا آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست را در شش روز آفریدیم، بی‌آنکه هیچ فرسودگی‌ای به ما برسد.[38]
وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ [38]

پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش،
فَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

و با ستایش، شکوهِ سرپرست خود را بسرای، پیش از برآمدن خورشید و پیش از غروب آن،[39]
وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ ٱلْغُرُوبِ [39]

و شکوهِ او را بسرای بخشی از شب، و نیز در پایان پیشانی بر خاک نهادن‌ها. [40] **(34)**

وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ [40] **(34)**

و گوش فرا ده، روزی که ندادهنده از جایی نزدیک ندا خواهد داد، روزی که فریاد را به حقیقت خواهند شنید — [41]

وَٱسۡتَمِعۡ يَوۡمَ يُنَادِ ٱلۡمُنَادِ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ [41] يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّ

این است روز بیرون‌آمدن. [42]

ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ [42]

این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و مقصد به سوی ماست. [43]

إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيۡنَا ٱلۡمَصِيرُ [43]

روزی که زمین بر فراز آنان خواهد شکافت، شتابان —

يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ عَنۡهُمۡ سِرَاعٗا

این است گردآوری‌ای که برای ما آسان است. [44]

ذَٰلِكَ حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ [44]

ما به آنچه می‌گویند داناتریم،

نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَ

و تو در برابر آنان خودکامه نیستی.

وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖ

پس با خوانش، هر که از تهدید من می‌ترسد را یادآوری کن. [45]

فَذَكِّرۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ [45]

IX

# حم · حم عسق

## نوشتارِ فرودآمده در میانهٔ غوغا

سوره‌ها 49 تا 39

جامعه استقرار می‌یابد، اما غوغا به پایان نرسیده است: باورمندان رانده شده‌اند، و انکارکنندگان «راه را بر شما به جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض بستند» (48:25). بخش با قاعده‌های جامعه‌ای گشوده می‌شود که اکنون گرد فرستاده گرد آمده زندگی می‌کند: صداهای فروکاسته، اطلاعِ وارسی‌شده، گروه‌های آشتی‌داده، زیرا «باورمندان جز برادران نیستند» (49:10). سپس گشایشی می‌آید که سورهٔ کوتاه وعده داده بود، «چون یاری خدا می‌آید، و گشایش» (110:1): پیمان وفاداری زیر درخت، دست‌هایی که «در میانهٔ غوغا» (48:24) بازداشته شدند، دیدارِ درآمدن به جایگاه مصون از تعرّض در امنیت؛ سپس رویارویی مسلحانه مرزهایش را می‌یابد، و شهری که فرستاده را بیرون کرده است نام برده می‌شود. هفت سورهٔ حا میم تکرار می‌کنند که «فرود نوشتار از جانب خدا است، نیرومند، فرزانه» (46:2)، در برابر کسانی که دربارهٔ آن جدل می‌کنند و از رد پای نیاکانشان پیروی می‌کنند، و هر یک قومی را که دروغ انگاشت یادآوری می‌کند: عاد در احقاف، قوم فرعون که می‌خواهد موسی و پسران باورمندان را بکشد. در مرکز، سورهٔ 42 قانونِ مشترکِ نوح، ابراهیم، موسی و عیسی را می‌دهد، «قانون را پابرجا نگه دارید، و در آن دچار چنددستگی نشوید» (42:13)، همراه با نخستین حقِ ستم‌دیده: یاری جستن به اندازهٔ برابر، و بخشش بهتر است. سورهٔ 39 دورهٔ غوغا را بی‌حروف می‌بندد: خدا در آن نوشتار را می‌دهد، به کسانی که در تنگایند می‌گوید که «زمین خدا پهناور است» (39:10)، و فیلم با گروه‌هایی که به سوی درها رانده می‌شوند و با ستایش به پایان می‌رسد.

### مرحله 4 · استقرار، هنوز در میانهٔ غوغا، و نخستین قانون‌ها

گشایشی که سورهٔ کوتاه وعده داده بود فرا می‌رسد، و جامعه گرد فرستاده استقرار می‌یابد، اما خانه همچنان بر او بسته است و شهری که او را بیرون کرده هنوز برپاست. نخستین قانون‌ها در میانهٔ این غوغا فرود می‌آیند: سخن میان باورمندان، آشتی میان گروه‌ها، سرنوشت اسیران، دفاع از ستم‌دیده به اندازهٔ برابر. مأموریت نزد انکارکنندگان به پایان خود نزدیک می‌شود: «فرستاده‌ای صریح نزد آنان آمد، سپس به او پشت کردند» (44:13-14)، و جز کمین کشیدن چیزی نمی‌ماند: «پس در کمین باش» (44:59). نوشتار یک‌پارچه داده می‌شود، «نوشتاری که نشانه‌هایش تفصیل داده شده‌اند» (41:3)، و بخش دوم جزئیات آن را بازخواهد آورد، تا قانون‌های سورهٔ 2.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

مردان و زنان باورمند هنوز پنهان نزد دشمن زندگی می‌کنند، چنان ناشناخته که ممکن بود پایمال شوند، «اگر مردان باورمند و زنان باورمندی نبودند که آنان را نمی‌شناختید» (48:25): برای آنان است که دست‌ها بازداشته می‌شوند و درآمدن به خانه به تعویق می‌افتد. نزد فرعون، فرمان فرود می‌آید: «پسران کسانی را که با او باور آورده‌اند بکشید، و به شرم زنانشان تعرض کنید» (40:25)، و مردی از خاندان خود او، که باورش را پنهان می‌داشت، برمی‌خیزد تا از کسی که می‌خواهند بکشندش دفاع کند. حقِ ستم‌دیده با اندازه‌اش نهاده می‌شود، «و بازپرداخت بدی بدی‌ای همانند آن است» (42:40)، اما هر که چشم بپوشد و آشتی کند پاداشش نزد خداست، و راه تنها بر ضد کسانی گشوده است که بر مردم ستم می‌کنند. میان باورمندان، دو گروهی که با هم درگیرند آشتی داده می‌شوند: «با دادگری آشتی دهید، و برابری‌ورز باشید» (49:9)، زنان زنان را ریشخند نمی‌کنند، و مادری که کودک را حمل کرده است نام برده می‌شود: «مادرش او را با رنج برداشت و با رنج زایید» (46:15). اسیر راه برون‌رفتی دارد: «یا بخشش یا مبادلهٔ اسیران، تا آنگاه که جنگ بارهایش را بر زمین نهد» (47:4).

---

*درگاه، بی‌حروف: «فرود نوشتار از جانب خدا است، نیرومند، فرزانه» (39:1).*

# الحجرات • AL-HUJURAT

سوره 49 · 18 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای کسانی که باور آوردید! از خدا و فرستادهٔ او پیشی نگیرید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيْنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[1]

إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [1]

ای کسانی که باور آوردید! صدای خود را بالاتر از صدای اطلاع‌دهنده بالا نبرید، و با او بلند سخن نگویید چنان‌که میان خود چنین می‌کنید، مبادا کردارهایتان فرو بریزد بی‌آنکه حس کنید،[2]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرْفَعُوٓاْ أَصْوَٰتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُواْ لَهُۥ بِٱلْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ [2]

زیرا کسانی که نزد فرستادهٔ خدا صدای خود را پایین می‌آورند، کسانی‌اند که خدا هسته‌هایشان را برای احتیاط بررسی کرده است.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَٰتَهُمْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمْتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ

آنان بخشایش و پاداشی سترگ خواهند داشت.[3]

لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ [3]

کسانی که تو را از پشت حجره‌ها ندا می‌دهند، بیشترشان خرد نمی‌ورزند.[4]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلْحُجُرَٰتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ [4]

و اگر شکیبایی کرده بودند تا آنگاه که به سوی آنان بیرون بیایی، این برایشان بهتر می‌بود.

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا۟ حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[5]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [5]

ای کسانی که باور آوردید! اگر تجاوزگری برای شما اطلاعاتی آورد، با روشنی بازشناسید، مبادا از سر نادانی به قومی دست‌درازی کنید و برای آنچه کرده باشید خود را پر از پشیمانی بیابید.[6]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِن جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوٓا۟ أَن تُصِيبُوا۟ قَوْمًۢا بِجَهَٰلَةٍ فَتُصْبِحُوا۟ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَٰدِمِينَ [6]

و بدانید که فرستادهٔ خدا در میان شماست؛ اگر او در بسیاری از کارها به شما گردن می‌نهاد، درهم کوبیده می‌شدید.

وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ ٱللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِى كَثِيرٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ

اما خدا باور را برایتان دوست‌داشتنی ساخت و آن را در هسته‌هایتان آراست، و انکار، تجاوز و نافرمانی را برایتان ناخوش ساخت.

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ ٱلْإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِى قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ ٱلْكُفْرَ وَٱلْفُسُوقَ وَٱلْعِصْيَانَ

آنان کسانی‌اند که راست‌کردارند، به لطف و دهشی از خدا.[7]

أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ [7] فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعْمَةً

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[8]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [8]

و اگر دو گروه از باورمندان با هم درگیر شوند، میان آنان آشتی دهید.

وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱقْتَتَلُوا۟ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَهُمَا

اگر یکی از دو گروه بر دیگری زورگویی کند، با آن که زورگویی می‌کند پیکار کنید تا به دستور خدا بازگردد.

فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَىٰهُمَا عَلَى ٱلْأُخْرَىٰ فَقَٰتِلُوا۟ ٱلَّتِى تَبْغِى حَتَّىٰ تَفِىٓءَ إِلَىٰٓ أَمْرِ ٱللَّهِ

اگر بازگردد، میان آنان با دادگری آشتی دهید، و برابری‌ورز باشید،

فَإِن فَآءَتْ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَهُمَا بِٱلْعَدْلِ وَأَقْسِطُوٓا۟

زیرا خدا برابری‌ورزان را دوست دارد.[9]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ [9]

باورمندان جز برادران نیستند؛ پس میان دو برادر خود آشتی دهید.

إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ

و نسبت به خدا محتاط باشید، شاید با شما مهربانی شود.[10]

وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [10]

ای کسانی که باور آوردید! قومی قومی را ریشخند نکند: شاید آنان از ایشان بهتر باشند؛ و نه زنانی زنانی را ریشخند کنند: شاید آنان از ایشان بهتر باشند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُوا۟ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ

و خودتان را با کنایه‌ها تحقیر نکنید، و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.

وَلَا تَلْمِزُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا۟ بِٱلْأَلْقَٰبِ

چه ویژگی زشتی است تجاوز، پس از باور!

بِئْسَ ٱلِٱسْمُ ٱلْفُسُوقُ بَعْدَ ٱلْإِيمَٰنِ

و هر که بازنگردد، آنان ستمگرانند.[11]

وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [11]

ای کسانی که باور آوردید! از بسیاری از پندارها دوری کنید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ ٱلظَّنِّ

زیرا برخی از پندارها تخطی است.

إِنَّ بَعْضَ ٱلظَّنِّ إِثْمٌ

و جاسوسی نکنید.

وَلَا تَجَسَّسُواْ

و هیچ‌یک از شما از دیگری بدگویی نکند.

وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا

آیا یکی از شما دوست می‌داشت گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد؟ آن را ناخوش می‌داشتید.

أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بازگردنده و مهربان است.[12]

إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ [12]

ای انسان‌ها! ما شما را نر و ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و تیره‌ها گردانیدیم، تا یکدیگر را بشناسید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْ

همانا والاترین شما نزد خدا محتاط‌ترین شماست،

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ

زیرا خدا همه‌چیزدان و باخبر است.[13]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ [13]

سرشناسان گفتند: «باور آوردیم.» بگو: «باور نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: ‹ما بی‌خدشه نزد خدا شده‌ایم›، زیرا باور هنوز در هسته‌های شما وارد نشده است.

قَالَتِ ٱلۡأَعۡرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسۡلَمۡنَا وَلَمَّا يَدۡخُلِ ٱلۡإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمۡ

و اگر به خدا و فرستادهٔ او گردن نهید، او هیچ‌چیز از کردارهای شما نخواهد کاست،

وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡـٔٗا

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.»[14]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [14]

باورمندان مگر آنان نیستند که به خدا و فرستادهٔ او باور آوردند، سپس دیگر تردید نکردند، و با دارایی‌ها و خویشتن خود در راه خدا کوشیدند.

إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ

آنان راست‌گویانند.[15]

أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ [15]

بگو: «آیا می‌خواهید دربارهٔ قانون خود به خدا اطلاع دهید، در حالی که خدا آنچه را در آسمان‌هاست و آنچه را بر زمین است می‌داند؟

قُلۡ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ

و خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.»[16]

وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ [16]

آنان می‌پندارند که با بی‌خدشه شدن‌شان نزد خدا بر تو منت می‌نهند.

يَمُنُّونَ عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْ

بگو: «مپندارید که با بی‌خدشگی‌تان نزد خدا بر من منت می‌نهید.

قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۡ

بلکه خداست که بر شما منت می‌نهد از اینکه شما را به باور راه نمود، اگر راست‌گو هستید.»[17]

بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [17]

همانا خدا آنچه را فراتر از حواس است در آسمان‌ها و بر زمین می‌داند.

إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[18]

وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ [18]

# الفتح • AL-FATH

سوره 48 · 29 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ما همانا برای تو گشایشی درخشان گشودیم، تا خدا تقصیرهای گذشته و آیندهٔ تو را ببخشاید، دهش خود را بر تو کامل کند، تو را بر جاده‌ای راست راه بنماید، و تو را با یاری‌ای پرتوان یاری رساند.[1-3]

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا [1] لِّيَغْفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا [2] وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا [3]

اوست که تسکین را در هسته‌های باورمندان فرود آورد، تا باوری بر باورشان بیفزایند.

هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِى قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوٓا۟ إِيمَٰنًا مَّعَ إِيمَٰنِهِمْ

و لشکرهای آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

خدا همه‌چیزدان و فرزانه است — تا باورمندان و زنان باورمند را به باغ‌هایی درآورد که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند، و کردارهای بدشان را از آنان بپوشاند؛ این نزد خدا کامیابی سترگ است — و تا دورویان، مردان و زنان، و انبازگیرندگان مرد و زن، کسانی که دربارهٔ خدا پنداری بد می‌بندند را کیفر دهد.[4-5]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [4] لِّيُدْخِلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ ٱللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا [5] وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ

بر آنان، چرخهٔ بدی.
عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِ

و خدا بر آنان خشم گرفت، آنان را نفرین کرد، و جهنم را برای آنان آماده ساخت.
وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ

و چه بد مقصدی![6]
وَسَآءَتْ مَصِيرًا [6]

و لشکرهای آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است.
وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

خدا نیرومند و فرزانه است.[7]
وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا [7]

ما همانا تو را فرستادیم تا گواه، مژده‌دهنده و هشداردهنده باشی، تا شما به خدا و فرستادهٔ او باور آورید، او را پشتیبانی کنید، او را ارج نهید، و شکوهِ خدا را بامدادان و هنگام بازگشت به خانه بسرایید.[8-9]
إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا [8] لِّتُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا [9]

کسانی که به تو وفاداری می‌سپارند، جز این نیست که به خدا وفاداری می‌سپارند.
إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ

دست خدا بر فراز دست‌های آنان است.
يَدُ ٱللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

هر که آن را بشکند، آن را جز به زیان خود نمی‌شکند.
فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ

و هر که به پیمانی که با خدا بسته است وفادار بماند، ما به او پاداشی سترگ خواهیم داد. (35) [10]

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيْهُ ٱللَّهَ فَسَنُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا [10] (35)

سرشناسانِ واپس‌مانده به تو خواهند گفت: «دارایی‌ها و خانواده‌هایمان ما را مشغول کردند؛ برای ما بخشایش بخواه.»

سَيَقُولُ لَكَ ٱلْمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ أَمْوَٰلُنَا وَأَهْلُونَا فَٱسْتَغْفِرْ لَنَا

آنان با زبان خود چیزی می‌گویند که در هسته‌هایشان نیست.

يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِى قُلُوبِهِمْ

بگو: «پس چه کسی در برابر خدا توانی هرچند اندک به سود شما دارد، اگر او بخواهد به شما آسیب رساند یا بخواهد به شما سود رساند؟»

قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًۢا

خدا بلکه به آنچه می‌کنید باخبر است. [11]

بَلْ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا [11]

بلکه شما پنداشتید که فرستاده و باورمندان هرگز به سوی کسان خود بازنخواهند گشت، و این در هسته‌هایتان آراسته شد؛ پنداری بد بستید، و قومی پژمرده بودید. [12]

بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِى قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًۢا بُورًا [12]

و هر که به خدا و فرستادهٔ او باور نیاورد — ما همانا برای انکارکنندگان اخگرِ افروخته آماده کرده‌ایم. [13]

وَمَن لَّمْ يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَإِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ سَعِيرًا [13]

و پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

هر که را او را پسند افتد می‌بخشاید، و هر که را او را پسند افتد کیفر می‌دهد.

يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[14]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا [14]

کسانی که واپس گذاشته شده‌اند خواهند گفت، چون برای گرفتن غنیمت روانه شوید: «بگذارید از شما پیروی کنیم.»

سَيَقُولُ ٱلْمُخَلَّفُونَ إِذَا ٱنطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

می‌خواهند سخن خدا را دگرگون کنند.

يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُواْ كَلَٰمَ ٱللَّهِ

بگو: «هرگز از ما پیروی نخواهید کرد.

قُل لَّن تَتَّبِعُونَا

خدا پیش‌تر چنین گفته است.»

كَذَٰلِكُمْ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبْلُ

آنگاه خواهند گفت: «نه، شما بر ما رشک می‌برید.»

فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا

آنان در واقع جز اندکی درنمی‌یافتند.[15]

بَلْ كَانُواْ لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا [15]

به سرشناسانی که واپس گذاشته شده‌اند بگو: «به سوی قومی با سخت‌گیری شدید فراخوانده خواهید شد؛ با آنان پیکار خواهید کرد، یا آنکه آنان بی‌خدشه نزد خدا خواهند شد.»

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُوْلِى بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَٰتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ

اگر گردن نهید، خدا به شما پاداشی نیکو خواهد داد.

فَإِن تُطِيعُواْ يُؤۡتِكُمُ ٱللَّهُ أَجۡرًا حَسَنًا

اما اگر پشت کنید، چنان‌که پیش‌تر پشت کردید، او شما را به کیفری دردناک کیفر خواهد داد.[16]

وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ كَمَا تَوَلَّيۡتُم مِّن قَبۡلُ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا [16]

بر نابینا تنگنایی نیست، و بر لنگ تنگنایی نیست، و بر بیمار تنگنایی نیست.

لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ

و هر که به خدا و فرستادهٔ او گردن نهد، او را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است وارد خواهد کرد.

وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ

و هر که پشت کند، او را به کیفری دردناک کیفر خواهد داد.[17]

وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمًا [17]

خدا همانا از باورمندان خشنود شد، آنگاه که زیر درخت به تو وفاداری می‌سپردند؛ او آنچه را در هسته‌هایشان بود دانست، تسکین را بر آنان فرود آورد، و در عوض به آنان گشایشی نزدیک و غنیمتی فراوان داد که خواهند گرفت.[18]

لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا [18] وَمَغَانِمَ كَثِيرَةٗ يَأۡخُذُونَهَا

خدا نیرومند و فرزانه است.[19]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا [19]

و خدا به شما غنیمتی فراوان وعده داد که خواهید گرفت؛ او این یکی را برای شما شتاب بخشید و دست‌های مردمان را از شما بازداشت،

وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ

و تا این نشانه‌ای برای باورمندان باشد، و تا شما را بر جاده‌ای راست راه بنماید.[20]

وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا [20]

و دیگری را که بر آن دست نیافتید: خدا آن را از پیش فراگرفته است.

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُواْ عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَا

و خدا بر هر چیز توانا است.[21]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرًا [21]

و اگر انکارکنندگان با شما پیکار کرده بودند، پشت می‌کردند، بی‌آنکه دیگر نه متحدی بیابند و نه یاری‌ای.[22]

وَلَوْ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوَلَّوُاْ ٱلْأَدْبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا [22]

این است هنجارِ خدا، که پیش‌تر گذشته است.

سُنَّةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ

و هرگز در هنجارِ خدا دگرگونی نخواهی یافت.[23]

وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا [23]

اوست که دست‌هایشان را از شما بازداشت و دست‌های شما را از آنان، در میانهٔ غوغا، پس از آنکه شما را بر آنان پیروزی داد.

وَهُوَ ٱلَّذِى كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنۢ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[24]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا [24]

آنان‌اند که انکار کردند و راه را بر شما به جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض بستند، در حالی که مانع رسیدن هدیهٔ بازداشته‌شده به جای رهایی‌اش شدند.

هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَٱلْهَدْىَ مَعْكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُۥ

و اگر مردان باورمند و زنان باورمندی نبودند که آنان را نمی‌شناختید و ممکن بود پایمالشان کنید، تا آنکه بی‌آنکه بدانید به سبب آنان ننگی به شما برسد — تا خدا هر که را پسند او افتد در مهر خود وارد کند.

وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنَٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَـُٔوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِّيُدْخِلَ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ

اگر جدا شده بودند، ما کسانی از آنان را که انکار می‌کردند به کیفری دردناک کیفر می‌دادیم.[25]

لَوْ تَزَيَّلُوا۟ لَعَذَّبْنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [25]

آنگاه که کسانی که انکار می‌کردند در هسته‌هایشان شور نهادند، شورِ روزگار نادانی.

إِذْ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ

پس خدا تسکین خود را بر فرستادهٔ خود و بر باورمندان فرود آورد و سخنِ احتیاط را بر آنان نهاد، که به آن حق بیشتری داشتند و لایق آن بودند.

فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ ٱلتَّقْوَىٰ وَكَانُوٓا۟ أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا

و خدا همه‌چیزدانِ هر چیز است.[26]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا [26]

خدا بی‌گمان رؤیای فرستادهٔ خود را به حقیقت راست‌گو گردانید: بی‌گمان به جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض وارد خواهید شد، اگر خدا را پسند افتد، در ایمنی، سر تراشیده یا موی کوتاه‌کرده، بی‌آنکه ترسی داشته باشید.

لَّقَدْ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءْيَا بِٱلْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ

او آنچه را شما نمی‌دانستید می‌دانست، و پیش از آن گشایشی نزدیک نهاد.[27]

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا۟ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا [27]

اوست که فرستادهٔ خود را با راهنمایی و قانونِ حقیقت فرستاد، تا آن را بر هر قانونی چیره گرداند.

هُوَ ٱلَّذِیٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِینِ ٱلۡحَقِّ لِیُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّینِ كُلِّهِۦ

و خدا به‌عنوان گواه بس است.[28]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِیدٗا [28]

محمد فرستادهٔ خداست.

مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِ

و کسانی که با اویند بر انکارکنندگان سخت‌گیرند و میان خود مهربان.

وَٱلَّذِینَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَیۡنَهُمۡ

آنان را خم‌شده و پیشانی بر خاک نهاده می‌بینی، در حالی که لطفی از خدا و خشنودی او را می‌جویند.

تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا یَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗا

نشانِ ویژهٔ آنان بر چهره‌هایشان است، اثرِ پیشانی بر خاک نهادن.

سِیمَاهُمۡ فِی وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ

این است نمونهٔ آنان در تورات.

ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِی ٱلتَّوۡرَىٰةِ

و نمونهٔ آنان در انجیل نمونهٔ دانه‌ای است که جوانهٔ خود را بیرون می‌آورد، آن را نیرو می‌بخشد، ستبر می‌شود و بر ساقهٔ خود راست می‌ایستد، و کارندگان را خیره می‌کند — تا به سبب آنان انکارکنندگان را خشمگین کند.

وَمَثَلُهُمۡ فِی ٱلۡإِنجِیلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ یُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَ

و خدا به کسانی از آنان که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند بخشایش و پاداشی سترگ وعده داده است.[29]

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا [29]



# محمد • MUHAMMAD

سوره 47 · 38 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

کسانی که انکار می‌کنند و راه خدا را می‌بندند، او کردارهایشان را گمراه می‌کند.[1]

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ [1]

و کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، و به آنچه بر محمد فرود آورده شده است باور آوردند — و آن حقیقت از جانب سرپرستشان است — او کارهای بدشان را پوشانده و وضع‌شان را شایسته گردانیده است.[2]

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ [2]

این، از آن روست که کسانی که انکار می‌کنند از نادرستی پیروی می‌کنند، در حالی که کسانی که باور می‌آورند از حقیقتی از جانب سرپرستشان پیروی می‌کنند.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلْبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ

چنین خدا برای انسان‌ها مثال‌هایشان را چند برابر می‌کند.[3]

كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَٰلَهُمْ [3]

پس چون با کسانی که انکار می‌کنند روبه‌رو شوید، در گرو ماندگان را چند برابر کنید.

فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرْبَ ٱلرِّقَابِ

سپس چون آنان را کاملاً مغلوب کردید، بندها را محکم ببندید،

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّواْ ٱلْوَثَاقَ

سپس یا بخشش یا مبادلهٔ اسیران، تا آنگاه که جنگ بارهایش را بر زمین نهد.

فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

این است. و اگر خدا را پسند افتاده بود، خود علیه آنان خود را یاری می‌کرد،

ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنْهُمْ

اما تا شما را به وسیلهٔ یکدیگر بیازماید.

وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَاْ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ

و کسانی که در راه خدا جنگیدند، او هرگز کردارهایشان را گمراه نخواهد کرد. **(36)** [4]

وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَٰلَهُمْ [4] **(36)**

آنان را راه خواهد نمود، وضع‌شان را شایسته خواهد گردانید، و آنان را به باغی که به آنان شناسانده است وارد خواهد کرد. [5-6]

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ [5] وَيُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ [6]

ای کسانی که باور آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار خواهد ساخت. [7]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ [7]

و کسانی که انکار می‌کنند، برای آنان افول است، و او کردارهایشان را گمراه می‌کند. [8]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ [8]

این، از آن روست که آنچه خدا فرود آورد را ناخوش داشتند، پس او کردارهایشان را بی‌اثر کرد. [9]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَٰلَهُمْ [9]

آیا پس در زمین گردش نکرده‌اند تا بنگرند فرجام کسانی که پیش از ایشان بودند چگونه بود؟ خدا آنان را ویران کرد،

أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ

و کسانی که انکار می‌کنند سرنوشتی همانند خواهند داشت.[10]

وَلِلْكَٰفِرِينَ أَمْثَٰلُهَا [10]

این، از آن روست که خدا متحد کسانی است که باور می‌آورند، و کسانی که انکار می‌کنند متحدی ندارند.[11]

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَأَنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ [11]

همانا خدا کسانی را که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند در باغ‌هایی وارد می‌کند که رودها از زیر آن‌ها جاری است.

إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ

و انکارکنندگان بهره می‌برند و می‌خورند چنان‌که چارپا می‌خورد، و آتش اقامتگاه آنان خواهد بود.[12]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ ٱلْأَنْعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ [12]

و چه بسیار شهرهای برتر در نیرو از شهر تو که تو را بیرون کرد، ما آن‌ها را نابود کردیم، و هیچ یاری برای آنان نیست.[13]

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِىَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ ٱلَّتِىٓ أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَٰهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ [13]

آیا کسی که بر برهانی روشن از سرپرست خود ایستاده است همانند کسی است که بدیِ کردارش برای او آراسته شده است، و آنان که از هیجان‌های خود پیروی می‌کنند؟[14]

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهْوَآءَهُم [14]

نمونهٔ باغِ وعده‌داده‌شده به کسانی که محتاطاند: در آن رودهایی از آبی است که نمی‌گندد، رودهایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نمی‌شود، رودهایی از شرابی گوارا برای نوشندگانش، و رودهایی از عسلی پاک‌شده،

مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ فِيهَآ أَنْهَٰرٌ مِّن مَّآءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ وَأَنْهَٰرٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُۥ وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى

و آنان در آن از همهٔ میوه‌ها دارند، و نیز بخشایشی از سرپرستشان — آیا همانند کسانی‌اند که در آتش جاودانه می‌مانند، با آبی جوشان سیراب‌شده که روده‌هایشان را تکه‌تکه می‌کند؟[15]

وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَٰلِدٌ فِى ٱلنَّارِ وَسُقُوا۟ مَآءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَآءَهُمْ [15]

و از میان آنان کسانی هستند که به تو گوش می‌دهند، تا آنگاه که از نزد تو بیرون رفتند به کسانی که دانش دریافت کرده‌اند می‌گویند: «اندکی پیش چه گفت؟»

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰٓ إِذَا خَرَجُوا۟ مِنْ عِندِكَ قَالُوا۟ لِلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًا

آنان کسانی‌اند که خدا بر هسته‌هایشان مهر نهاده است، و از هیجان‌های خود پیروی می‌کنند.[16]

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ [16]

و آنان که راهنمایی پذیرفتند، او راهنمایی را بر آنان می‌افزاید و احتیاط‌شان را به آنان می‌دهد.[17]

وَٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْا۟ زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَىٰهُمْ تَقْوَىٰهُمْ [17]

پس آیا جز آن لحظه را انتظار نمی‌کشند که ناگهان بر آنان بیاید؟ حال آنکه نشانه‌های پیش‌درآمد آن از پیش آمده‌اند.

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً فَقَدْ جَآءَ أَشْرَاطُهَا

پس چگونه یادآوری‌شان را خواهند داشت، پس از آنکه آن لحظه به آنان رسیده باشد؟[18]

فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَآءَتْهُمْ ذِكْرَىٰهُمْ [18]

پس بدان که هیچ ایزدی نیست مگر خدا، و برای تقصیر خود، و نیز برای باورمندان و زنان باورمند، بخشایش بخواه.

فَٱعْلَمْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ

و خدا جابه‌جایی‌های شما و اقامتگاه شما را می‌داند.[19]

وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ [19]

و کسانی که باور دارند می‌گویند: «چرا سوره‌ای فرود آورده نشد؟»

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡلَا نُزِّلَتۡ سُورَةٞ

سپس، چون سوره‌ای یک‌معنا فرود آمد و پیکار در آن یاد شد، کسانی را که هسته‌شان بیماری دارد می‌بینی که با نگاه کسی که مرگ او را از پا درمی‌آورد به تو می‌نگرند.

فَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ مُّحۡكَمَةٞ وَذُكِرَ فِيهَا ٱلۡقِتَالُ رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ نَظَرَ ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِ

پس برای آنان نزدیک‌تر:[20]

فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ [20]

گردن‌نهادن و سخنی شناخته‌شده.

طَاعَةٞ وَقَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ

سپس چون تصمیم گرفته شد، اگر با خدا راست‌گو می‌بودند، برایشان بهتر می‌بود.[21]

فَإِذَا عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ [21]

پس آیا ممکن است که، اگر پشت می‌کردید، در زمین تباهی می‌کاشتید و خویشاوندی خود را به تیره‌هایی چنددسته تکه‌تکه می‌کردید؟[22]

فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ [22]

آنان کسانی‌اند که خدا نفرینشان کرده است؛ او آنان را کر ساخت و بینایی‌هایشان را کور کرد.[23]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ [23]

پس آیا در خوانش نمی‌اندیشند، یا بر هسته‌هایشان قفل‌هایی هست؟[24]

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ [24]

کسانی که پس از آنکه راهنمایی بر آنان روشن شد پس رفتند – منحرف‌کننده است که آن را به آنان پیشنهاد کرده است،

إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ

و به آنان مهلتی داده شده است. (37) [25]

وَأُمۡلِي لَهُمۡ [25] (37)

این بدان سبب است که آنان به کسانی که آنچه را خدا فرود آورده است ناخوش دارند، گفته‌اند: «در بخشی از کار به شما گردن خواهیم نهاد.»

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِ

و خدا آنچه را پنهان می‌دارند می‌داند. [26]

وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ [26]

پس چگونه خواهد بود آنگاه که کارگزاران آنان را به‌درستی نگه خواهند داشت، در حالی که آنان را در گرفتن‌شان چند برابر می‌کنند، خواه روبه‌روی‌شان شوند خواه به آنان پشت کنند؟ [27]

فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ [27]

این بدان سبب است که آنان از آنچه خدا را خشمگین کرد پیروی کردند و خشنودی او را ناخوش داشتند؛ پس او کردارهایشان را باطل ساخت. [28]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ [28]

یا کسانی که هسته‌شان بیماری دارد می‌پندارند که خدا هرگز کینه‌هایشان را بیرون نخواهد آورد؟ [29]

أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ [29]

و اگر ما را پسند می‌افتاد، آنان را به تو نشان می‌دادیم، و تو آنان را از نشان‌هایشان می‌شناختی.

وَلَوۡ نَشَآءُ لَأَرَيۡنَٰكَهُمۡ فَلَعَرَفۡتَهُم بِسِيمَٰهُمۡ

و بی‌گمان آنان را از لحنِ سخنشان خواهی شناخت.

وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ ٱلْقَوْلِ

و خدا کردارهای شما را می‌داند.[30]

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَٰلَكُمْ [30]

و بی‌گمان شما را خواهیم آزمود، تا آنگاه که از میان شما کوشندگان و شکیبایان را بازشناسیم، و خبرهای شما را خواهیم آزمود.[31]

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبْلُوَا۟ أَخْبَارَكُمْ [31]

کسانی که انکار می‌کنند، راه خدا را می‌بندند، و پس از آنکه راهنمایی بر آنان روشن شد در برابر فرستاده با گسست می‌ایستند، هرگز به خدا هیچ آسیبی نخواهند رساند،

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّوا۟ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا۟ ٱللَّهَ شَيْـًٔا

و او کردارهایشان را باطل خواهد کرد.[32]

وَسَيُحْبِطُ أَعْمَٰلَهُمْ [32]

ای کسانی که باور آوردید! به خدا گردن بنهید و به فرستاده گردن بنهید، و کردارهایتان را پوچ نکنید،[33]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوٓا۟ أَعْمَٰلَكُمْ [33]

زیرا کسانی که انکار می‌کنند، راه خدا را می‌بندند، سپس می‌میرند در حالی که انکار می‌کنند، خدا هرگز آنان را نخواهد بخشود.[34]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ [34]

پس سستی نکنید و به آشتی فرا نخوانید، در حالی که شما بالاتر هستید و خدا با شماست،

فَلَا تَهِنُوا۟ وَتَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱلسَّلْمِ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمْ

و او هرگز شما را از کردارهایتان محروم نخواهد کرد.[35]

وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ [35]

زندگی نزدیک جز بازی و سرگرمی نیست.

إِنَّمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ

و اگر باور آورید و محتاط باشید، او پاداش‌های شما را خواهد داد و دارایی‌های شما را درخواست نخواهد کرد.[36]

وَإِن تُؤْمِنُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَٰلَكُمْ [36]

اگر آن‌ها را با پافشاری از شما درخواست می‌کرد، بخل می‌ورزیدید، و او کینه‌هایتان را بیرون می‌آورد.[37]

إِن يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا۟ وَيُخْرِجْ أَضْغَٰنَكُمْ [37]

این شمایید که به خرج کردن در راه خدا فراخوانده می‌شوید؛ و حال آنکه از میان شما کسانی هستند که بخل می‌ورزند،

هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُ

و هر که بخل ورزد، جز به زیان خود بخل نمی‌ورزد.

وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِۦ

و خدا توانگر است،

وَٱللَّهُ ٱلْغَنِىُّ

حال آنکه شما بینوایان هستید.

وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ

و اگر پشت کنید، او قومی دیگر را جانشین شما خواهد کرد که همانند شما نخواهند بود.[38]

وَإِن تَتَوَلَّوْا۟ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا۟ أَمْثَٰلَكُم [38]

# الاحقاف • AL-AHQAF

سوره 46 · 35 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ (حا میم).[1]

حمٓ [1]

فرود نوشتار از جانب خدا است، نیرومند، فرزانه.[2]

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ [2]

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌ها است جز به حقیقت و برای سرآمدی نام‌برده نیافریدیم.

مَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى

و کسانی که انکار می‌کنند از آنچه به آن هشدار داده شده‌اند روی می‌گردانند.[3]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَمَّآ أُنذِرُواْ مُعْرِضُونَ [3]

بگو: «آیا آنچه را غیر از خدا فرامی‌خوانید دیده‌اید؟ به من نشان دهید آنان چه از زمین آفریده‌اند، یا در آسمان‌ها سهمی دارند؟

قُلْ أَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِى مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ

نوشتاری پیش از این برای من بیاورید، یا اثری از دانش، اگر راست‌گویید.»[4]

ٱئْتُونِى بِكِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَآ أَوْ أَثَٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [4]

و چه کسی گمراه‌تر است از آنکه غیر از خدا فرامی‌خواند آنچه تا روز حضور به او پاسخ نخواهد داد، در حالی که آنان از فراخوان او بی‌خیال می‌مانند؟[5]

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ [5]

و چون انسان‌ها گرد آورده شوند، برای آنان دشمن خواهند بود، و فرمان‌برداری از آنان را انکار خواهند کرد.[6]

وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمْ أَعْدَآءً وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمْ كَٰفِرِينَ [6]

و چون نشانه‌های ما بر آنان برخوانده می‌شود، روشن، کسانی که انکار می‌کنند دربارهٔ حقیقت، چون به آنان می‌رسد، می‌گویند: «این چشم‌بندی آشکار است.»[7]

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ [7]

یا خواهند گفت: «او آن را ساخته است»؟

أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ

بگو: «اگر من آن را ساخته‌ام، شما در برابر خدا هیچ چیز برای من در اختیار ندارید.

قُلْ إِنِ ٱفْتَرَيْتُهُۥ فَلَا تَمْلِكُونَ لِى مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا

او داناتر است به آنچه در آن فرو می‌روید.

هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ

او به عنوان گواه میان من و شما بس است.

كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدًۢا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ

و او بسیار بخشاینده و مهربان است.»[8]

وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [8]

بگو: «من در میان فرستادگان چیزی تازه نیستم، و نمی‌دانم با من چه کرده خواهد شد، نه با من و نه با شما.

قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدْرِى مَا يُفْعَلُ بِى وَلَا بِكُمْ

من جز از آنچه به من پرده برداشته می‌شود پیروی نمی‌کنم.

إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ

و من جز هشداردهنده‌ای صریح نیستم.»[9]

وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ [9]

بگو: «آیا دیده‌اید: اگر این از جانب خدا است و شما آن را انکار کنید، در حالی که گواهی از فرزندان اسرائیل بر همسانی آن گواهی داد و باور آورد، و شما خودبزرگ‌بینی می‌کنید...

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِۦ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِۦ فَـَٔامَنَ وَٱسْتَكْبَرْتُمْ

خدا قوم ستمگر را همانا راه نمی‌نماید.»[10]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [10]

و کسانی که انکار می‌کنند به کسانی که باور می‌آورند می‌گویند: «اگر آن نیکی می‌بود، آنان در آن بر ما پیشی نمی‌گرفتند.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيْهِ

و چون به وسیلهٔ آن راهنمایی نپذیرفته‌اند، خواهند گفت: «این جعلی کهن است.»[11]

وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا۟ بِهِۦ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفْكٌ قَدِيمٌ [11]

و پیش از او، نوشتار موسی، به‌عنوان مرجع و مهر.

وَمِن قَبْلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةً

و این نوشتاری تأییدکننده است، به زبانی بی‌عیب، تا تو کسانی را که ستم کرده‌اند هشدار دهی، و مژده‌ای برای نیکی‌کنندگان. [12] (38)

وَهَٰذَا كِتَٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ [12] (38)

همانا کسانی که می‌گویند: «سرپرست ما خدا است»، سپس راست می‌ایستند، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. [13]

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُواْ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [13]

اینانند همراهان باغ، که در آن جاودانه می‌مانند،

أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا

به بازپرداخت آنچه می‌کردند. [14]

جَزَآءًۢ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [14]

و ما به انسان نیکوکاری با دو والدینش را سفارش کردیم.

وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ إِحْسَٰنًا

مادرش او را با رنج برداشت و با رنج زایید.

حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا

و آبستنی او و از شیر گرفتنش سی ماه است.

وَحَمْلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهْرًا

تا آنگاه که به بلوغ کامل خود رسید و به چهل سال رسید، گفت: «ای سرپرست من، به دلم بیفکن که برای دهشی که مرا و والدینم را با آن نواختی سپاس‌گزار باشم، و کرداری شایسته به‌جا آورم که تو را خشنود کند.

حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِىٓ أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَٰلِحًا تَرْضَىٰهُ

و فرزندان مرا برایم شایسته گردان.
وَأَصْلِحْ لِى فِى ذُرِّيَّتِىٓ

همانا من به سوی تو بازمی‌گردم، و من از بی‌خدشگان نزد خدا هستم.»[15]
إِنِّى تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّى مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ [15]

اینانند که زیباترین آنچه کرده‌اند را از آنان می‌پذیریم و از کارهای بدشان چشم می‌پوشیم، در میان همراهان باغ،
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا۟ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمْ فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلْجَنَّةِ

وعده‌ای راست که به آنان داده می‌شد.[16]
وَعْدَ ٱلصِّدْقِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يُوعَدُونَ [16]

و آنکه به والدینش گفت: «اف بر شما دو! آیا به من وعده می‌دهید که بیرون آورده خواهم شد، در حالی که نسل‌هایی پیش از من گذشته‌اند؟» — در حالی که آن دو از خدا فریادرسی می‌خواهند: «وای بر تو، باور آور! وعدهٔ خدا همانا حقیقت است» — و او می‌گوید: «این‌ها جز افسانه‌های گذشتگان نیست.»[17]
وَٱلَّذِى قَالَ لِوَٰلِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِىٓ أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ ٱلْقُرُونُ مِن قَبْلِى وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيْلَكَ ءَامِنْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ [17]

اینانند که سخن بر آنان، در میان جامعه‌هایی که پیش از ایشان گذشته بودند، از نهانیان و انسان‌ها، به حقیقت پیوسته است،
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ

زیرا آنان زیان‌کار بودند.[18]
إِنَّهُمْ كَانُوا۟ خَٰسِرِينَ [18]

و برای هر یک پایه‌هایی است، بر حسب آنچه کرده‌اند،
وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟

و تا او کردارهایشان را به‌درستی به آنان بازپردازد، بی آنکه ستم ببینند.[19]

وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [19]

و روزی که کسانی که انکار می‌کنند بر آتش عرضه خواهند شد: «چیزهای نیکوی خود را در زندگی نزدیک خود بردید و از آن‌ها بهره بردید.

وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَٰتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنْيَا وَٱسْتَمْتَعْتُم بِهَا

پس امروز به کیفر خواری بازپرداخت خواهید شد، به سبب آنکه در زمین بی حق خودبزرگ‌بینی کردید، و به سبب آنکه تجاوز کردید.»[20]

فَٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ [20]

و برادر عاد را به یاد آور، آنگاه که قوم خود را در احقاف هشدار داد — هشداردهندگانی از پیش روی آن قوم و از پشت سرش گذشته بودند: «جز از خدا فرمان نبرید،

وَٱذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُۥ بِٱلْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦٓ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ

زیرا من برای شما از کیفر روزی سترگ می‌ترسم.»[21]

إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [21]

گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را از ایزدان ما به بیراهه برانی؟ پس آنچه را به ما وعده می‌دهی بیاور، اگر از راست‌گویانی.»[22]

قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [22]

گفت: «دانش تنها نزد خدا است؛ آنچه را با آن فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم، اما شما را قومی نادان می‌بینم.»[23]

قَالَ إِنَّمَا ٱلْعِلْمُ عِندَ ٱللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرْسِلْتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّىٓ أَرَىٰكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ [23]

سپس چون آن را همچون ابری دیدند که به سوی دره‌هایشان می‌آید، گفتند: «این ابری است که برای ما باران می‌آورد.»

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا۟ هَٰذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا

نه، بلکه آن است که شتاب آن را می‌جستید،

بَلْ هُوَ مَا ٱسْتَعْجَلْتُم بِهِۦ

بادی که کیفری دردناک با خود دارد،[24]

رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ [24]

که هر چیز را به دستور سرپرستش ویران می‌کند.

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍۭ بِأَمْرِ رَبِّهَا

و بامداد، جز سکونتگاه‌هایشان چیزی نمی‌دیدی. (39)

فَأَصْبَحُواْ لَا تَرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمْ (39)

بدین‌سان قوم کنارگذاشته‌شدگان را بازپرداخت می‌کنیم.[25]

كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ [25]

و ما آنان را همانا در جایی استوار کرده بودیم که شما را در آن استوار نکرده‌ایم، و برایشان شنوایی، بینایی‌ها و آگاهی‌ها نهاده بودیم،

وَلَقَدْ مَكَّنَّٰهُمْ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَٰرًا وَأَفْـِٔدَةً

اما نه شنوایی‌شان، نه بینایی‌هایشان و نه آگاهی‌هایشان آنان را به کاری نیامد، چون نشانه‌های خدا را سرسختانه نفی می‌کردند،

فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَآ أَبْصَٰرُهُمْ وَلَآ أَفْـِٔدَتُهُم مِّن شَىْءٍ إِذْ كَانُواْ يَجْحَدُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ

و آنچه را به مسخره می‌گرفتند بر آنان واقع شد.[26]

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [26]

و ما همانا شهرهایی را که پیرامون شما بودند نابود کردیم، و نشانه‌ها را گوناگون ساختیم، شاید بازگردند.[27]

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا ٱلْأَيَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [27]

پس چرا آنان که غیر از خدا به عنوان هدیه، ایزدانی گرفته بودند، آنان را یاری نکردند؟

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً

بلکه از آنان دور گمراه شدند،

بَلْ ضَلُّواْ عَنْهُمْ

و این جعل آنان و آنچه می‌ساختند است.[28]

وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُواْ يَفْتَرُونَ [28]

و چون گروهی از نهانیان را به سوی تو روانه کردیم که به خوانش گوش می‌دادند؛ چون در آن حاضر شدند، گفتند: «خاموش باشید.»

وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْ

سپس چون به پایان برده شد، به سوی قوم خود بازگشتند، هشداردهنده.[29]

فَلَمَّا قُضِىَ وَلَّوْاْ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ [29]

گفتند: «ای قوم ما، ما نوشتاری را شنیدیم که پس از موسی فرود آورده شده است، آنچه را پیش از آن است تأیید می‌کند، به حقیقت و به گذرگاهی راست راه می‌نماید.[30]

قَالُواْ يَٰقَوْمَنَآ إِنَّا سَمِعْنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ [30]

ای قوم ما، فراخوانندهٔ خدا را پاسخ دهید و به او باور آورید: بخشی از تقصیرهای شما را خواهد بخشود و شما را در برابر کیفری دردناک پناه خواهد داد.[31]

يَٰقَوْمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِىَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ [31]

و هر که فراخوانندهٔ خدا را پاسخ ندهد، نمی‌تواند او را در زمین ناتوان کند، و غیر از او هیچ متحدی نخواهد داشت.

وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِىَ ٱللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءُ

اینان در گمراهی آشکارند.»[32]

أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ [32]

آیا نمی‌بینند که خدا، که آسمان‌ها و زمین را آفرید و در آفرینش آن‌ها فرسوده نشد، بر دوباره زندگی دادن به مردگان توانا است؟ چرا!

أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحْۦِيَ ٱلْمَوْتَىٰ بَلَىٰٓ

زیرا او بر هر چیز توانا است.[33]

إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٖ قَدِيرٞ [33]

و روزی که کسانی که انکار می‌کنند بر آتش عرضه خواهند شد: «آیا این حقیقت نیست؟»

وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِٱلْحَقِّ

خواهند گفت: «چرا، به سرپرست ما!»

قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَا

خواهد گفت: «پس کیفر را بچشید، برای آنکه انکار کردید.»[34]

قَالَ فَذُوقُواْ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ [34]

پس شکیبایی کن، چنان که دارندگان عزم از میان فرستادگان شکیبایی کردند، و شتاب مکن.

فَٱصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلْعَزْمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل

برای آنان: «گویی، روزی که آنچه را به آنان وعده داده شده است می‌بینند، جز ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند» — این ابلاغ است.

لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۭ بَلَٰغٞ

حال، چه کسی مگر قوم تجاوزگران نابود خواهد شد؟[35]

فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْفَٰسِقُونَ [35]

# الجاثية • AL-JATHIYA

سوره 45 · 37 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ (حا میم).[1]

حمٓ [1]

فرود نوشتار از جانب خدا است، نیرومند، فرزانه.[2]

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ [2]

در آسمان‌ها و زمین بی‌گمان نشانه‌هایی است برای کسانی که باور می‌آورند.[3]

إِنَّ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ [3]

و در آفرینش شما، و در جنبندگانی که پراکنده می‌کند، نشانه‌هایی است برای قومی که یقین دارد؛ و در پی‌هم‌آمدن شب و روز، در روزی‌ای که خدا از آسمان فرود می‌آورد و با آن به زمین پس از مرگش دوباره زندگی می‌دهد، و در گوناگونی بادها، نشانه‌هایی است برای قومی که خرد می‌ورزد.[4-5]

وَفِى خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ [4] وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [5]

اینها نشانه‌های خدا است، که ما به حقیقت بر تو برمی‌خوانیم.

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ

پس بعد از خدا و نشانه‌های او، به کدام گفتار باور خواهند آورد؟[6]

فَبِأَىِّ حَدِيثٍۭ بَعْدَ ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤْمِنُونَ [6]

وای بر هر جعل‌گر کهنه‌کار و سرپیچی‌کننده، که نشانه‌های خدا را می‌شنود که بر او برخوانده می‌شوند، سپس خودبزرگ‌بینی‌کنان پافشاری می‌کند، گویی آن‌ها را نشنیده است.[7]

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ [7] يَسْمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

پس او را به کیفری دردناک مژده بده.[8]

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [8]

و چون از نشانه‌های ما چیزی درمی‌یابد، آن‌ها را به ریشخند می‌گیرد.

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَٰتِنَا شَيْـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًا

اینانند که کیفری خوارکننده خواهند داشت.[9]

أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ [9]

در پس آنان، جهنم؛ و آنچه به دست آورده‌اند آنان را به کاری نخواهد آمد، و نه متحدانی که غیر از خدا برگرفته‌اند.

مِّن وَرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِى عَنْهُم مَّا كَسَبُوا۟ شَيْـًٔا وَلَا مَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ

و کیفری سترگ خواهند داشت.[10]

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ [10]

این راهنمایی است،

هَٰذَا هُدًى

و کسانی که نشانه‌های سرپرست خود را انکار می‌کنند کیفری خواهند داشت از آلودگی‌ای دردناک. (40)[11]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ [11] (40)

خدا است که دریا را برای شما رام کرد، تا کشتی‌ها به دستور او در آن روان شوند، و تا از لطف او بجویید، و شاید سپاس‌گزار باشید.[12]

ٱللَّهُ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَكُمُ ٱلْبَحْرَ لِتَجْرِىَ ٱلْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِۦ وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [12]

و هر آنچه در آسمان‌ها و هر آنچه بر زمین است را برای شما رام کرد، همه از جانب او.

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای قومی که می‌اندیشند.[13]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [13]

به کسانی که باور می‌آورند بگو که کسانی را که روزهای خدا را امید ندارند ببخشایند، تا او قومی را برابر آنچه به دست می‌آوردند بازپرداخت کند.[14]

قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يَغْفِرُوا۟ لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجْزِىَ قَوْمًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ [14]

هر که کرداری شایسته به‌جا آورد، برای خود او است،

مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ

و هر که بد کند، علیه خود او است،

وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا

سپس به سوی سرپرست شما بازگردانده خواهید شد.[15]

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ [15]

ما همانا به فرزندان اسرائیل نوشتار، داوری و کارکرد اطلاع‌دهی دادیم؛ آنان را از چیزهای نیکو روزی دادیم و بر همهٔ هستی‌ها برتری دادیم؛ و دلیل‌های روشن دربارهٔ دستور به آنان دادیم.[16]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ [16] وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ

آنان جز پس از آنکه دانش به ایشان رسید اختلاف نکردند،

فَمَا ٱخْتَلَفُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ

از روی زورگویی میان خودشان.

بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ

سرپرست تو همانا در روز حضور میان آنان فیصله خواهد داد، دربارهٔ آنچه در آن اختلاف داشتند.[17]

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [17]

سپس تو را بر راهی قانون‌گذاری‌شده از دستور نهادیم: از آن پیروی کن،

ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا

و از هیجان‌های کسانی که نمی‌دانند پیروی مکن،[18]

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ [18]

زیرا آنان در برابر خدا هیچ سودی به تو نخواهند رساند،

إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا۟ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا

و ستمگران متحدان یکدیگرند،

وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ

در حالی که خدا متحد محتاطان است.[19]

وَٱللَّهُ وَلِىُّ ٱلْمُتَّقِينَ [19]

این‌ها روشن‌بینی‌هایی است برای انسان‌ها، و راهنمایی و مهر برای قومی که یقین دارد.[20]

هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ [20]

یا کسانی که کارهای بد مرتکب شده‌اند می‌پندارند که ما با آنان چون کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند رفتار خواهیم کرد، زندگی و مرگشان برابر باشد؟

أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ

چه بد است داوری‌شان![21]

سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ [21]

و خدا آسمان‌ها و زمین را به حقیقت آفرید،

وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ

و تا هر خویشتن بر حسب آنچه به دست آورده است بازپرداخت شود، بی آنکه ستم ببینند.[22]

وَلِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ [22]

آیا دیده‌ای آنکه هیجان خود را ایزد خود گرفته است؟ خدا او را با دانش کامل گمراه کرد، بر شنوایی و هستهٔ او مهر نهاد، و بر بینایی او آنچه آن را می‌پوشاند نهاد. پس چه کسی او را پس از خدا راه خواهد نمود؟

أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلۡمٖ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةٗ فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِ

پس به یاد نمی‌آورید؟[23]

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [23]

و گفتند: «جز زندگی نزدیک ما نیست، می‌میریم و زندگی می‌کنیم، و هیچ چیز ما را نابود نمی‌کند مگر زمان.»

وَقَالُواْ مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا يُهۡلِكُنَآ إِلَّا ٱلدَّهۡرُ

آنان از آن هیچ دانشی ندارند،

وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍ

آنان جز پنداشتن نمی‌کنند.[24]

إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ [24]

و چون نشانه‌های ما بر آنان برخوانده می‌شود، روشن، تنها برهانشان این است که می‌گویند: «نیاکان ما را بازگردانید، اگر راست‌گویید.»[25]

وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [25]

بگو: «خدا شما را زنده می‌کند، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را در روز حضور گرد خواهد آورد، که هیچ تردیدی در آن نیست،

قُلِ ٱللَّهُ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يَجۡمَعُكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.»[26]

وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ [26]

و پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است،

وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

و روزی که آن لحظه بر خواهد خاست، آن روز، سازندگان نادرستی زیان‌کار خواهند بود.[27]

وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَخۡسَرُ ٱلۡمُبۡطِلُونَ [27]

و هر جامعه‌ای را بر زانو خواهی دید،

وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗ

هر جامعه‌ای به دفتر خود فراخوانده خواهد شد.

كُلُّ أُمَّةٖ تُدۡعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا

«امروز بر حسب آنچه می‌کردید بازپرداخت می‌شوید.»[28]

ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [28]

«این است دفتر ما، دربارهٔ شما همهٔ حقیقت را می‌گوید،

هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّ

زیرا ما آنچه را می‌کردید رونویسی می‌کردیم.»[29]

إِنَّا كُنَّا نَسۡتَنسِخُ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [29]

اما کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، سرپرستشان آنان را در مهر خود وارد خواهد کرد؛

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُدۡخِلُهُمۡ رَبُّهُمۡ فِي رَحۡمَتِهِۦ

این است کامیابی آشکار.[30]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ [30]

و اما کسانی که انکار می‌کنند: «آیا نشانه‌های من بر شما برخوانده نمی‌شدند؟ اما شما خودبزرگ‌بینی کردید و قومی از کنارگذاشته‌شدگان بودید.»[31]

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَفَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ وَكُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ [31]

و چون گفته می‌شد: «وعدهٔ خدا همانا حقیقت است، و آن لحظه، هیچ تردیدی دربارهٔ آن نیست»، می‌گفتید: «ما نمی‌دانیم آن لحظه چیست، ما جز گمان نمی‌بریم، و از آن یقین نداریم.»[32]

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيۡبَ فِيهَا قُلۡتُم مَّا نَدۡرِي مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنّٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُسۡتَيۡقِنِينَ [32]

و پیامدهای بد آنچه کرده‌اند بر آنان آشکار خواهد شد،

وَبَدَا لَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ

و آنچه را به مسخره می‌گرفتند بر آنان واقع خواهد شد.[33]

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ [33]

و گفته خواهد شد: «امروز شما را فراموش می‌کنیم، چنان که روبه‌رویی این روز خود را فراموش کردید؛ پناهگاه شما آتش است، و هیچ یاری نخواهید داشت.»[34]

وَقِيلَ ٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰكُمۡ كَمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَا وَمَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ [34]

«این، از آن روست که نشانه‌های خدا را به ریشخند گرفتید، و زندگی نزدیک شما را فریفت.»

ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ ٱتَّخَذۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ

پس امروز آنان را از آن بیرون نخواهند آورد، و دیگر از آنان نخواهند خواست که عذرخواهی کنند.[35]

فَٱلۡيَوۡمَ لَا يُخۡرَجُونَ مِنۡهَا وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ [35]

پس ستایش از آنِ خدا است، سرپرست آسمان‌ها و سرپرست زمین، سرپرست همهٔ هستی‌ها.[36]

فَلِلَّهِ ٱلۡحَمۡدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلۡأَرۡضِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [36]

و بزرگی در آسمان‌ها و بر زمین از آنِ او است،

وَلَهُ ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

و او نیرومند است، فرزانه.[37]

وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ [37]

# الدخان • AD-DUKHAN

سوره 44 · 59 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ (حا میم).[1]

حمٓ [1]

به نوشتار صریح! ما آن را همانا در شبی خجسته فرود آوردیم. ما هشدار می‌دهیم.[2-3]

وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ [2] إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ [3]

در آن هر کار فرزانگی جداسازی می‌شود، دستوری از جانب ما،[4]

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ [4] أَمْرًا مِّنْ عِندِنَآ

زیرا ما مهری از جانب سرپرست تو می‌فرستیم،[5]

إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ [5] رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ

زیرا اوست شنوا، همه‌چیزدان،[6]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [6]

سرپرست آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است، اگر از کسانی هستید که با یقین می‌دانند.[7]

رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ [7]

هیچ ایزدی نیست مگر او.

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

زنده می‌کند و می‌میراند،
يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ

سرپرست شما و سرپرست نیاکان نخستین شما.[8]
رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ [8]

اما آنان، در حیرت، بازی می‌کنند.[9]
بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ يَلۡعَبُونَ [9]

پس در کمین روزی باش که آسمان دودی آشکار خواهد آورد که انسان‌ها را فرا خواهد گرفت.[10]
فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ [10] يَغۡشَى ٱلنَّاسَ

این است کیفری دردناک.[11]
هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٞ [11]

«ای سرپرست ما، کیفر را از ما سبک کن، زیرا ما باور می‌آوریم.»[12]
رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ [12]

چگونه یادآوری آنان را سود می‌داد، در حالی که فرستاده‌ای صریح نزد آنان آمد، سپس به او پشت کردند و گفتند: «آموزش‌دیده‌ای، دچار اختلال»؟[13-14]
أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ [13] ثُمَّ تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ [14]

ما کیفر را اندکی از شما سبک خواهیم کرد،
إِنَّا كَاشِفُواْ ٱلۡعَذَابِ قَلِيلًا

اما شما همانا تکرار خواهید کرد.[15]
إِنَّكُمۡ عَآئِدُونَ [15]

روزی که با بزرگ‌ترین چنگ خواهیم گرفت،
يَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْكُبْرَىٰٓ

ما همانا انتقام خواهیم گرفت.[16]
إِنَّا مُنتَقِمُونَ [16]

پیش از آنان، قوم فرعون را آزمودیم: فرستاده‌ای بزرگوار نزد آنان آمد و گفت: «فرمان‌برداران خدا را به من بسپارید، من برای شما همانا فرستاده‌ای امین‌ام؛ و در برابر خدا برتری مجویید، من برای شما سلطه‌ای آشکار می‌آورم؛ و من خود را در پناه سرپرست خود و سرپرست شما می‌گذارم، از اینکه مرا برانید؛ و اگر به من اعتماد نمی‌کنید، آنگاه از من کنار بایستید.»[17-21]
وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَآءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ [17] أَنْ أَدُّوٓاْ إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ [18] وَأَن لَّا تَعْلُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِنِّيٓ ءَاتِيكُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ [19] وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ [20] وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُواْ لِي فَٱعْتَزِلُونِ [21]

آنگاه سرپرست خود را فراخواند: «اینان قومی از کنارگذاشته‌شدگان‌اند.»[22]
فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ [22]

«شبانه با فرمان‌برداران من برو، تعقیب خواهید شد؛ و دریا را آرام بگذار،[23]
فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ [23] وَٱتْرُكِ ٱلْبَحْرَ رَهْوًا

زیرا آنان سپاهی‌اند که غرق خواهند شد.»[24]
إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ [24]

چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها که واگذاشتند، و کشتزارها، و جایگاه‌های بزرگوار، و رفاهی که در آن لذت می‌بردند.[25-27]
كَمْ تَرَكُواْ مِن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [25] وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ [26] وَنَعْمَةٍ كَانُواْ فِيهَا فَٰكِهِينَ [27]

چنین.
كَذَٰلِكَ

و ما قومی دیگر را به ارث دادیم.[28]
وَأَوْرَثْنَٰهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ [28]

نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و مهلت نیافتند.[29]
فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ [29]

ما همانا فرزندان اسرائیل را از کیفر خوارکننده، از فرعون، نجات دادیم،[30]
وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ [30] مِن فِرْعَوْنَ

زیرا او در میان زیاده‌روان، گردن‌فراز بود.[31]
إِنَّهُۥ كَانَ عَالِيًا مِّنَ ٱلْمُسْرِفِينَ [31]

ما همانا آنان را در دانش کامل بر همهٔ هستی‌ها برگزیدیم، و از نشانه‌ها چیزی به آنان دادیم که در آن آزمونی آشکار بود.[32-33]
وَلَقَدِ ٱخْتَرْنَٰهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ [32] وَءَاتَيْنَٰهُم مِّنَ ٱلْءَايَٰتِ مَا فِيهِ بَلَٰٓؤٌا۟ مُّبِينٌ [33]

اینان بی‌گمان می‌گویند: «جز مرگ نخستین ما نیست، و ما گسترده نخواهیم شد. پس نیاکان ما را بازگردانید، اگر راست‌گویید.»[34-36]
إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ [34] إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ [35] فَأْتُوا۟ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [36]

آیا اینان بهترند، یا قوم تبع؟
أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ

و کسانی که پیش از آنان بودند، آنان را نابود کردیم،
وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَٰهُمْ

زیرا کنارگذاشته‌شدگان بودند.[37]
إِنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ [37]

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است را به بازی نیافریدیم.[38]

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ 38

ما آن‌ها را جز به حقیقت نیافریدیم،

مَا خَلَقْنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[39]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ 39

روز جداسازی همانا وعده‌گاه همهٔ آنان است، روزی که متحدی به متحدی هیچ سودی نخواهد رساند، و یاری نخواهند شد — مگر کسی که خدا به او مهر ورزد،[40–41]

إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ مِيقَٰتُهُمْ أَجْمَعِينَ 40 يَوْمَ لَا يُغْنِى مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ 41 إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُ

زیرا اوست نیرومند، مهربان.[42]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ 42

درخت زقوم همانا خوراک سرپیچی‌کنندهٔ سرسخت است؛ چون فلز گداخته، در شکم‌ها می‌جوشد چنان که آب جوشان می‌جوشد.[43–46]

إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ 43 طَعَامُ ٱلْأَثِيمِ 44 كَٱلْمُهْلِ يَغْلِى فِى ٱلْبُطُونِ 45 كَغَلْىِ ٱلْحَمِيمِ 46

«او را بگیرید و میان کوره بکشید، سپس بر سرش کیفر آب جوشان بریزید. بچش![47–48]

خُذُوهُ فَٱعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ 47 ثُمَّ صُبُّوا۟ فَوْقَ رَأْسِهِۦ مِنْ عَذَابِ ٱلْحَمِيمِ 48 ذُقْ

زیرا تویی زورمند، بزرگوار!»[49]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْكَرِيمُ 49

این است همانا آنچه در آن به جدل می‌پرداختید.[50]

إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمْتَرُونَ 50

محتاطان همانا در جایگاهی امن خواهند بود، در باغ‌ها و چشمه‌ها، ابریشم نازک و دیبا بر تن، روبه‌روی یکدیگر.[51-53]

إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى مَقَامٍ أَمِينٍ [51] فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [52] يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَٰبِلِينَ [53]

چنین.

كَذَٰلِكَ

و ما آنان را به همسخنانی پشتیبان خواهیم پیوست.[54]

وَزَوَّجْنَٰهُم بِحُورٍ عِينٍ [54]

در آنجا هر مزه‌ای درخواست خواهند کرد، در امنیت کامل.[55]

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ [55]

در آنجا مرگ نخواهند چشید،

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ

مگر مرگ نخستین.

إِلَّا ٱلْمَوْتَةَ ٱلْأُولَىٰ

و او آنان را از کیفر کوره محتاط گردانیده خواهد بود، به لطفی از جانب سرپرست تو.[56]

وَوَقَىٰهُمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ [56] فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ

این است پیروزی سترگ.[57]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [57]

ما آن را به زبان تو آسان نکردیم مگر به امید آنکه به یاد خواهند آورد.[58]

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [58]

پس در کمین باش،

فَٱرْتَقِبْ

زیرا آنان در کمین‌اند.[59]

إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ [59]



# الزخرف • AZ-ZUKHRUF

سوره 43 · 89 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ (حا میم).[1]

حمٓ [1]

به نوشتار صریح! ما همانا آن را خوانشی بی‌عیب قرار دادیم، شاید خرد ورزید.[2-3]

وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ [2] إِنَّا جَعَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [3]

و آن، در بنیاد نوشتار نزد ما، بی‌گمان والا و فرزانه است.[4]

وَإِنَّهُۥ فِىٓ أُمِّ ٱلْكِتَٰبِ لَدَيْنَا لَعَلِىٌّ حَكِيمٌ [4]

آیا ما از چند برابر کردن برگ‌های یادآوری برای شما دست بکشیم، چون قومی زیاده‌روید؟[5]

أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ [5]

مگر چه بسیار اطلاع‌دهندگانی در میان پیشینیان نفرستادیم![6]

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِىٍّ فِى ٱلْأَوَّلِينَ [6]

حال آنکه هیچ اطلاع‌دهنده‌ای نزد آنان نمی‌آمد مگر آنکه او را به مسخره می‌گرفتند.[7]

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِىٍّ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [7]

پس ما کسانی را که در چنگال سخت‌تر از ایشان بودند نابود کردیم،

فَأَهْلَكْنَآ أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا

و مثال پیشینیان گذشت.[8]

وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلْأَوَّلِينَ [8]

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟»، بی‌گمان خواهند گفت: «نیرومند، همه‌چیزدان آن‌ها را آفرید.»[9]

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ [9]

آنکه برای شما زمین را گسترهٔ آماده‌شده قرار داد، و در آن برای شما راه‌هایی نهاد، شاید راهنمایی بپذیرید؛ **(41)** [10]

ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [10] **(41)**

و از آسمان آبی با اندازه فرود آورد، که با آن ما سرزمینی مرده را گسترانیدیم —

وَٱلَّذِى نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءًۢ بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا

چنین است که بیرون آورده خواهید شد؛[11]

كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ [11]

و همهٔ جفت‌ها را آفرید، و برای شما از کشتی‌ها و دام‌ها آنچه سوارش می‌شوید قرار داد، تا بر پشت آن‌ها استقرار یابید، سپس چون بر آن‌ها استقرار یافتید دهش سرپرست خود را به یاد آورید، و بگویید: «شکوه بر آنکه این را برای ما رام کرد باد، در حالی که ما خود بر آن توانا نبودیم؛ و ما بی‌گمان به سوی سرپرست خود بازخواهیم گشت.»[12–14]

وَٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَزْوَٰجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلْفُلْكِ وَٱلْأَنْعَٰمِ مَا تَرْكَبُونَ [12] لِتَسْتَوُۥا۟ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا ٱسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا۟ سُبْحَٰنَ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ [13] وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ [14]

و برای او از فرمان‌برداران او پاره‌ای قرار دادند.

وَجَعَلُوا۟ لَهُۥ مِنْ عِبَادِهِۦ جُزْءًا

انسان بی‌گمان انکارگری بزرگ و آشکار است.[15]

إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ [15]

یا از آنچه می‌آفریند دخترانی برمی‌گرفت، در حالی که پسران را برای شما مخصوص می‌کرد؟[16]

أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخۡلُقُ بَنَاتٖ وَأَصۡفَىٰكُم بِٱلۡبَنِينَ [16]

حال آنکه چون یکی از آنان به آنچه خود برای بی‌اندازه مهربان مثال چند برابر می‌کند مژده دریافت می‌کند، چهره‌اش تیره می‌ماند، و پر از دلخوری است.[17]

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحۡمَٰنِ مَثَلٗا ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٌ [17]

آیا پس آنکه در زیور بالیده می‌شود و در کشمکش ناروشن است؟[18]

أَوَمَن يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٍ [18]

و کارگزاران را، که فرمان‌برداران بی‌اندازه مهربان‌اند، مؤنث ساختند.

وَجَعَلُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ ٱلَّذِينَ هُمۡ عِبَٰدُ ٱلرَّحۡمَٰنِ إِنَٰثًا

آیا بر آفرینش آنان حاضر بودند؟

أَشَهِدُواْ خَلۡقَهُمۡ

گواهی آنان نوشته خواهد شد، و از آنان پرسیده خواهد شد.[19]

سَتُكۡتَبُ شَهَٰدَتُهُمۡ وَيُسۡـَٔلُونَ [19]

و می‌گویند: «اگر بی‌اندازه مهربان را پسند می‌افتاد، ما از آنان فرمان نمی‌بردیم.»

وَقَالُواْ لَوۡ شَآءَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَا عَبَدۡنَٰهُم

آنان از آن هیچ دانشی ندارند؛

مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍ

جز حدس نمی‌زنند.[20]

إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ [20]

یا پیش از این نوشتاری به آنان داده‌ایم که بدان استوار چنگ می‌زدند؟[21]

أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا مِّن قَبۡلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسۡتَمۡسِكُونَ [21]

بلکه می‌گویند: «ما نیاکان خود را همانا بر راهی یافتیم، و ما بر ردپای آنان راهنمایی می‌پذیریم.»[22]

بَلْ قَالُوٓاْ إِنَّا وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهْتَدُونَ [22]

و چنین پیش از تو در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه مرفهانش گفتند: «ما نیاکان خود را همانا بر راهی یافتیم، و ما بر ردپای آنان خود را شکل می‌دهیم.»[23]

وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقْتَدُونَ [23]

گفت: «و حتی اگر برایتان چیزی بیاورم که بهتر از آنچه نیاکان خود را بر آن یافتید راه می‌نماید؟»

قَٰلَ أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ ءَابَآءَكُمْ

گفتند: «ما همانا آنچه را شما با آن فرستاده شده‌اید انکار می‌کنیم.»[24]

قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ [24]

پس از آنان انتقام گرفتیم؛ پس بنگر فرجام کسانی که دروغ می‌انگاشتند چگونه بود.[25]

فَٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ [25]

و چون ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: «من همانا از آنچه از آن فرمان می‌برید فارغ‌ام، مگر آنکه مرا نخستین‌بار آفرید، زیرا او است که مرا راه خواهد نمود» —[26-27]

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦٓ إِنَّنِى بَرَآءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ [26] إِلَّا ٱلَّذِى فَطَرَنِى فَإِنَّهُۥ سَيَهْدِينِ [27]

و آن را سخنی ماندگار در میان نسل خود قرار داد، شاید بازگردند.[28]

وَجَعَلَهَا كَلِمَةًۢ بَاقِيَةً فِى عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [28]

اما من اینان و نیاکانشان را بهره‌مند ساختم، تا آنگاه که حقیقت و فرستاده‌ای صریح به ایشان رسید.[29]

بَلْ مَتَّعْتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ [29]

و چون حقیقت به آنان رسید، گفتند: «این چشم‌بندی است، و ما آن را همانا انکار می‌کنیم.»[30]

وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ [30]

و گفتند: «چرا این خوانش بر مردی بزرگ از یکی از دو شهر فرود آورده نشد!»[31]

وَقَالُواْ لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ ٱلْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ [31]

آیا آنانند که مهر سرپرست تو را تقسیم می‌کنند؟

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ

این ما هستیم که اسباب زندگی آنان را در زندگی نزدیک میان آنان تقسیم کردیم، و برخی را بر برخی پایه‌پایه برتری دادیم، تا برخی برخی دیگر را به خدمت گیرند؛

نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا

و مهر سرپرست تو از آنچه گرد می‌آورند بهتر است.[32]

وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ [32]

و اگر نبود که انسان‌ها یک جامعه می‌شدند، ما برای کسانی که بی‌اندازه مهربان را انکار می‌کنند، بام‌هایی از نقره برای خانه‌هایشان می‌ساختیم، و پلکانی که از آن بالا می‌روند، و برای خانه‌هایشان درهایی، و نشیمن‌گاه‌هایی که بر آن‌ها تکیه می‌دهند، و زراندودها.[33-34]

وَلَوْلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِٱلرَّحْمَٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ [33] وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ [34] وَزُخْرُفًا

و همهٔ این‌ها جز بهره‌مندی زندگی نزدیک نیست؛

وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

در حالی که زندگی واپسین نزد سرپرست تو برای محتاطان است.[35]

وَٱلْـَٔاخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ [35]

و هر که بینایی خود را در برابر یادآوری بی‌اندازه مهربان تیره بگذارد، منحرف‌کننده‌ای برای او جدا می‌کنیم، که برایش همراه می‌شود؛[36]

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَٰنًا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ [36]

و اینان بی‌گمان راه را بر آنان می‌بندند، در حالی که می‌پندارند از راهنمایی‌پذیرندگان‌اند؛[37]

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ [37]

تا آنگاه که هر دو نزد ما آیند، او گوید: «ای کاش میان من و تو فاصلهٔ دو خاور بود!» (42)

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ (42)

چه بد همراهی![38]

فَبِئْسَ ٱلْقَرِينُ [38]

و امروز، چون ستمگر بودید، این به شما سود نخواهد رساند که در کیفر انباز باشید.[39]

وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ [39]

آیا تویی که ناشنوایان را می‌شنوانی، یا نابینایان و هر که را در گمراهی آشکار است راه خواهی نمود؟[40]

أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [40]

پس چه تو را ببریم، آنگاه همانا از آنان انتقام خواهیم گرفت؛ چه آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو بنمایانیم، ما به هر حال بر آنان تسلط کامل داریم.[41-42]

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ [41] أَوْ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِى وَعَدْنَٰهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ [42]

پس به آنچه به تو پرده برداشته شده است چنگ بزن؛

فَٱسْتَمْسِكْ بِٱلَّذِىٓ أُوحِىَ إِلَيْكَ

تو همانا بر جاده‌ای راستی.[43]

إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [43]

و آن بی‌گمان یادآوری‌ای است برای تو و برای قوم تو؛
وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَ

و به‌زودی از شما پرسیده خواهد شد.[44]
وَسَوۡفَ تُسۡـَٔلُونَ [44]

و از فرستادگان ما که پیش از تو فرستادیم بپرس:
وَسۡـَٔلۡ مَنۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رُّسُلِنَآ

آیا غیر از بی‌اندازه مهربان ایزدانی نهادیم که از آنان فرمان برده شود؟[45]
أَجَعَلۡنَا مِن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ءَالِهَةٗ يُعۡبَدُونَ [45]

و ما همانا موسی را با نشانه‌های خود به سوی فرعون و دربارش فرستادیم؛ گفت: «من فرستادهٔ سرپرست همهٔ هستی‌ها هستم.»[46]
وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [46]

اما چون نشانه‌های ما را برایشان آورد، ناگاه به آن‌ها می‌خندیدند.[47]
فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا يَضۡحَكُونَ [47]

حال آنکه هر نشانه‌ای که به آنان می‌نمودیم از همانندش بزرگ‌تر بود؛
وَمَا نُرِيهِم مِّنۡ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكۡبَرُ مِنۡ أُخۡتِهَا

و آنان را به کیفر گرفتیم، شاید بازگردند.[48]
وَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ [48]

و گفتند: «ای چشم‌بند، به پیمانی که او با تو بسته است سرپرست خود را برای ما فرابخوان؛ ما بی‌گمان راهنمایی خواهیم پذیرفت.»[49]
وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهۡتَدُونَ [49]

اما چون کیفر را از آنان سبک کردیم، ناگاه سخن خود را پس می‌گرفتند.[50]

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ [50]

و فرعون قوم خود را ندا داد و گفت: «ای قوم من، آیا پادشاهی مصر از آنِ من نیست، و این رودهایی که از زیر من جاری است؟

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِۦ قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَيْسَ لِى مُلْكُ مِصْرَ وَهَ�ٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِى مِن تَحْتِىٓ

آیا پس روشن نمی‌بینید؟[51]

أَفَلَا تُبْصِرُونَ [51]

یا من بهترم از این، که خوار است و تقریباً نمی‌تواند به روشنی سخن بگوید؟[52]

أَمْ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ [52]

پس چرا بر او دست‌بندهایی از طلا افکنده نشد، یا چرا کارگزاران با او در دسته نیامدند!»[53] **(43)**

فَلَوْلَآ أُلْقِىَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَآءَ مَعَهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ [53] **(43)**

قوم خود را سبک‌مایه کرد، و آنان از او گردن نهادند؛

فَٱسْتَخَفَّ قَوْمَهُۥ فَأَطَاعُوهُ

زیرا آنان قومی از تجاوزگران بودند.[54]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ [54]

و چون ما را برآشفتند، از آنان انتقام گرفتیم: همه را غرق کردیم، و آنان را مردم گذشته و مثالی برای نسل‌های بعد ساختیم.[55-56]

فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ [55] فَجَعَلْنَٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ [56]

و چون پسر مریم مثال چند برابر شد، ناگاه قوم تو از آن می‌رمند؛[57] **(44)**

وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصُدُّونَ [57] **(44)**

و گفتند: «ایزدان ما بهترند، یا او؟»
وَقَالُوٓاْ ءَأَٰلِهَتُنَا خَيۡرٌ أَمۡ هُوَ

این مثال را برای تو جز از سر ستیز چند برابر نکردند.
مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلَۢاۚ

بلکه قومی ستیزه‌گرند.[58]
بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ خَصِمُونَ [58]

او جز فرمان‌برداری نیست که بر او دهش بخشیدیم، و او را مثالی برای فرزندان اسرائیل ساختیم؛[59]
إِنۡ هُوَ إِلَّا عَبۡدٌ أَنۡعَمۡنَا عَلَيۡهِ وَجَعَلۡنَٰهُ مَثَلٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ [59]

و اگر ما را پسند می‌افتاد، از شما کارگزارانی می‌ساختیم که در زمین جانشین یکدیگر شوند.[60]
وَلَوۡ نَشَآءُ لَجَعَلۡنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَخۡلُفُونَ [60]

و این بی‌گمان دانشی برای آن لحظه است؛ پس دربارهٔ آن در جدل نشوید،
وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا

و از من پیروی کنید: این است جاده‌ای راست.[61]
وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ [61]

و منحرف‌کننده شما را به هیچ روی مانع نشود؛
وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ

زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.[62]
إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ [62]

و چون عیسی با دلیل‌های روشن آمد، گفت: «من فرزانگی برایتان آورده‌ام، و تا بخشی از آنچه در آن اختلاف دارید برایتان روشن کنم؛

وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِٱلْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ ٱلَّذِى تَخْتَلِفُونَ فِيهِ

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید،[63]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ [63]

زیرا خدا سرپرست من و سرپرست شما است؛ پس از او فرمان ببرید:

إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ

این است جاده‌ای راست.»[64]

هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ [64]

پس گروه‌ها میان خود اختلاف کردند؛

فَٱخْتَلَفَ ٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَيْنِهِمْ

پس وای بر کسانی که ستم کرده‌اند، به سبب کیفر روزی دردناک![65]

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ [65]

آیا جز آن لحظه را انتظار دارند، که ناگهان بر آنان بیاید، بی آنکه حس کنند؟[66]

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [66]

آن روز دوستان صمیمی برای یکدیگر دشمن خواهند بود، مگر محتاطان.[67]

ٱلْأَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۭ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلْمُتَّقِينَ [67]

«ای فرمان‌برداران من، امروز هیچ ترسی بر شما نیست، و اندوهگین نخواهید شد،[68]

يَٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ ٱلْيَوْمَ وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ [68]

شما که به نشانه‌های ما باور آوردید و نزد خدا بی‌خدشه بودید: به باغ وارد شوید، شما و همسرانتان، غرق شادی.»[69-70]

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ مُسۡلِمِينَ 69 ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ أَنتُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ تُحۡبَرُونَ 70

میان آنان بشقاب‌هایی از طلا و جام‌ها گردانده خواهد شد،

يُطَافُ عَلَيۡهِم بِصِحَافٖ مِّن ذَهَبٖ وَأَكۡوَابٖ

و در آنجا هر آنچه خویشتن آرزو می‌کند و آنچه مایهٔ لذت چشم‌ها است خواهد بود؛

وَفِيهَا مَا تَشۡتَهِيهِ ٱلۡأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلۡأَعۡيُنُ

و شما در آن جاودانه خواهید ماند.[71]

وَأَنتُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ 71

و این است باغی که برای آنچه می‌کردید به ارث برده‌اید.[72]

وَتِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِيٓ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ 72

در آنجا مزه‌های فراوان خواهید داشت، که از آن می‌خورید.[73]

لَكُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ كَثِيرَةٞ مِّنۡهَا تَأۡكُلُونَ 73

کنارگذاشته‌شدگان همانا در کیفر جهنم جاودانه خواهند ماند،[74]

إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ 74

برایشان کاسته نخواهد شد، و در آن در ناامیدی فرو خواهند ماند.[75]

لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ 75

ما به آنان ستم نکردیم،

وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ

اما اینان بودند که ستمگر بودند.[76]

وَلَٰكِن كَانُواْ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ 76

و ندا خواهند داد: «ای دارنده، سرپرست تو ما را به پایان برساند!»
وَنَادَوْا۟ يَٰمَٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ

او خواهد گفت: «ماندن در آن بر شما همانا مقدر شده است.»[77]
قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ [77]

ما همانا حقیقت را برای شما آوردیم،
لَقَدْ جِئْنَٰكُم بِٱلْحَقِّ

اما بیشتر شما از حقیقت تنفر دارند.[78]
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ [78]

یا کاری را مصمم کرده‌اند؟ ما هستیم که مصمم می‌کنیم.[79]
أَمْ أَبْرَمُوٓا۟ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ [79]

یا می‌پندارند که ما راز و نجواهایشان را نمی‌شنویم؟ چرا!
أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم بَلَىٰ

و فرستادگان ما نزد آنان می‌نویسند.[80]
وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ [80]

بگو: «اگر بی‌اندازه مهربان فرزندی می‌داشت،
قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ

من نخستین فرمان‌بردار می‌بودم.»[81]
فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْعَٰبِدِينَ [81]

شکوه بر سرپرست آسمان‌ها و زمین، سرپرست بنا، باد، بالاتر از آنچه توصیف می‌کنند![82]
سُبْحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ [82]

پس آنان را واگذار: فرو روند و بازی کنند، تا با روز خود روبه‌رو شوند، آنکه به آنان وعده داده شده است.[83]

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ [83]

اوست که در آسمان ایزد است و در زمین ایزد؛

وَهُوَ ٱلَّذِى فِى ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى ٱلْأَرْضِ إِلَٰهٌ

و اوست فرزانه، همه‌چیزدان.[84]

وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ [84]

و خجسته باد آنکه پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است از آنِ اوست؛

وَتَبَارَكَ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

و دانش آن لحظه نزد اوست؛

وَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ

و شما به سوی او بازگردانده خواهید شد.[85]

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [85]

و آنان که غیر از او فرامی‌خوانند هیچ میانجی‌گری‌ای را مالک نیستند، مگر آنکه به حقیقت گواهی داده باشد، با شناخت کامل.[86]

وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [86]

و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را آفریده است، بی‌گمان خواهند گفت: «خدا.»

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوند؟[87]

فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ [87]

و از سخن او: «ای سرپرست من، اینان همانا قومی‌اند که باور نمی‌آورند.»[88]

وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمٞ لَّا يُؤۡمِنُونَ [88]

پس از آنان روی بگردان، و بگو: «آرامش!»

فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ وَقُلۡ سَلَٰمٞۚ

به‌زودی خواهند دانست.[89]

فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ [89]



# الشورى • ASH-SHURA

سوره 42 · 53 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ عٓسٓقٓ (حا میم عین سین قاف).[1-2]

حمٓ [1] عٓسٓقٓ [2]

چنین است که خدا، نیرومند، فرزانه، بر تو پرده برمی‌دارد — چنان که بر کسانی که پیش از تو بودند.[3]

كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [3]

آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ او است،

لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و اوست بسیار بلند، سترگ.[4]

وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ [4]

نزدیک است که آسمان‌ها از بالا بشکافند،

تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ

در حالی که کارگزاران شکوه سرپرست خود را با ستایش او می‌سرایند و برای هر که بر زمین است بخشایش می‌خواهند.

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ

آیا چنین نیست: خدا، همانا اوست بسیار بخشاینده، مهربان.[5]

أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [5]

و اما کسانی که غیر از او متحدانی برمی‌گیرند، خدا بر آنان نگهبان است؛

وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ

و تو برای آنان وکیل نیستی.[6]

وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ [6]

چنین برای تو خوانشی بی‌عیب پرده برداشتیم، تا شهر مرکزی شهرها و کسانی را که پیرامون آن‌اند هشدار دهی، و از روز گردهمایی هشدار دهی، که هیچ تردیدی در آن نیست:

وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِ

گروهی در باغ،

فَرِيقٞ فِي ٱلۡجَنَّةِ

و گروهی در اخگرِ افروخته.[7]

وَفَرِيقٞ فِي ٱلسَّعِيرِ [7]

و اگر خدا را پسند افتاده بود، آنان را یک جامعه می‌ساخت،

وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ

اما هر که را پسند او افتد در مهر خود وارد می‌کند؛

وَلَٰكِن يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦ

و ستمگران نه متحدی دارند و نه یاری.[8]

وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ [8]

یا غیر از او متحدانی برگرفته‌اند؟

أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ

با این همه خدا است که متحد است،

فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِيُّ

و اوست که مردگان را دوباره زندگی می‌دهد؛
وَهُوَ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ

و او بر هر چیز توانا است.[9]
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ [9]

و هر چیزی که در آن اختلاف دارید، داوری آن به خدا بازمی‌گردد.
وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ

این است خدا، سرپرست من؛
ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي

به او وکالت می‌دهم،
عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ

و به او روی می‌آورم.[10]
وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ [10]

آغازگر آسمان‌ها و زمین، برای شما از خودتان جفت‌هایی ساخت، و از دام‌ها جفت‌هایی؛ بدین وسیله شما را پراکنده می‌کند.
فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِ

هیچ چیز به او نمی‌ماند،
لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞ

و اوست شنوا، بینا.[11]
وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ [11]

سپرده‌های آسمان‌ها و زمین از آنِ او است؛
لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

روزی را بر هر که پسند او افتد می‌گستراند و اندازه می‌کند،

يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ

زیرا او نسبت به هر چیز همه‌چیزدان است.[12]

إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [12]

او برای شما در قانون آنچه را به نوح سفارش کرده بود، آنچه را برای تو پرده برداشتیم، و آنچه را به ابراهیم، موسی و عیسی سفارش کردیم نهاد: «قانون را پابرجا نگه دارید، و در آن دچار چنددستگی نشوید.»

شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحًا وَٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِۦٓ إِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓ أَنْ أَقِيمُوا۟ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا۟ فِيهِ

آنچه تو آنان را به آن فرامی‌خوانی بر انبازگیرندگان گران است.

كَبُرَ عَلَى ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ

خدا هر که را پسند او افتد به سوی خود برمی‌گزیند، و کسی را که به او روی آورد به سوی خود راه می‌نماید.[13]

ٱللَّهُ يَجْتَبِىٓ إِلَيْهِ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ [13]

حال آنکه آنان جز پس از آنکه دانش به ایشان رسید دچار چنددستگی نشدند،

وَمَا تَفَرَّقُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ

از روی زورگویی میان خودشان.

بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ

و اگر سخنی پیشین از سرپرست تو تا سرآمدی نام‌برده نبود، میان آنان فصل می‌شد.

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ بَيْنَهُمْ

و کسانی که پس از آنان نوشتار را به ارث برده‌اند بی‌گمان دربارهٔ آن در حیرتی تردیدآمیزند.[14]

وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ [14]

پس به همین سبب فراخوان ده و راست بایست چنان که به تو دستور داده شده است، و از هیجان‌های آنان پیروی مکن.

فَلِذَٰلِكَ فَٱدۡعُ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ

و بگو: «به هر نوشتاری که خدا فرود آورده است باور دارم، و به من دستور داده شده است که میان شما دادگری کنم.

وَقُلۡ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۡ

خدا سرپرست ما و سرپرست شما است؛

ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡ

کردارهای ما از آنِ ما، کردارهای شما از آنِ شما؛

لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ

میان ما و شما هیچ برهانی نیست؛

لَا حُجَّةَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۡ

خدا ما را گرد خواهد آورد،

ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا

و مقصد به سوی او است.»[15]

وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ [15]

و کسانی که دربارهٔ خدا ستیزه می‌کنند پس از آنکه به او پاسخ داده شد، استدلالشان نزد سرپرستشان بی‌اعتبار است، و بر آنان خشمی است،

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ

و برای آنان کیفری سخت است.[16]

وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞ [16]

خدا است که نوشتار را همراه با حقیقت فرود آورد، و نیز ترازو را.

ٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ وَٱلْمِيزَانَ

و چه چیز تو را از آن آگاه می‌کند؟

وَمَا يُدْرِيكَ

شاید آن لحظه نزدیک باشد.[17]

لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٌ [17]

کسانی که به آن باور ندارند در شتاب‌دادن به آن می‌کوشند،

يَسْتَعْجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا

در حالی که کسانی که باور آورده‌اند از آن سرشار از هراس‌اند و می‌دانند که آن حقیقت است.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا ٱلْحَقُّ

آیا چنین نیست: کسانی که دربارهٔ آن لحظه مجادله می‌کنند بی‌گمان در گمراهی دورند.[18]

أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِى ٱلسَّاعَةِ لَفِى ضَلَٰلٍۭ بَعِيدٍ [18]

خدا نسبت به فرمان‌برداران خود ظریف است؛

ٱللَّهُ لَطِيفٌۢ بِعِبَادِهِۦ

هر که را پسند او افتد روزی می‌دهد،

يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ

و اوست قوی، نیرومند.[19]

وَهُوَ ٱلْقَوِىُّ ٱلْعَزِيزُ [19]

هر که کشت زندگی واپسین را بخواهد، کشت او را برایش می‌افزاییم؛

مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلْـَٔاخِرَةِ نَزِدْ لَهُۥ فِى حَرْثِهِۦ

و هر که کشت زندگی نزدیک را بخواهد، از آن به او سهمی می‌دهیم،

وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا

اما در زندگی واپسین هیچ بهره‌ای نخواهد داشت.[20]

وَمَا لَهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ [20]

یا انبازانی دارند که برای آنان در قانون آنچه را خدا اجازه نداده است نهاده‌اند؟

أَمْ لَهُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟ شَرَعُوا۟ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنۢ بِهِ ٱللَّهُ

و اگر سخن جداسازی نبود، میان آنان فصل شده بود؛

وَلَوْلَا كَلِمَةُ ٱلْفَصْلِ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ

و ستمگران همانا کیفری دردناک خواهند داشت.[21]

وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [21]

ستمگران را خواهی دید که از آنچه به دست آورده‌اند هراسان‌اند، در حالی که بر آنان خواهد رسید؛

تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا۟ وَهُوَ وَاقِعٌۢ بِهِمْ

در حالی که کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند در گلزارهای باغ‌ها خواهند بود،

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِى رَوْضَاتِ ٱلْجَنَّاتِ

آنچه پسند آنان افتد نزد سرپرستشان خواهند داشت:

لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ

این است لطف بزرگ.[22]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْكَبِيرُ [22]

این است آنچه خدا به فرمان‌برداران خود که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند مژده می‌دهد.

ذَٰلِكَ ٱلَّذِى يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ

بگو: «من از شما برای این هیچ پاداشی نمی‌خواهم، مگر دوستی در نزدیکی.»

قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ

و هر که کاری نیک به دست آورد، زیبایی آن را برایش می‌افزاییم؛

وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُۥ فِيهَا حُسْنًا

زیرا خدا بسیار بخشاینده و بسیار سپاس‌گزار است.[23]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ [23]

یا خواهند گفت که او بر خدا دروغی ساخته است؟

أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا

حال آنکه اگر خدا را پسند می‌افتاد، بر هستهٔ تو مهر می‌نهاد؛

فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ

اما خدا نادرستی را می‌زداید و حقیقت را با سخنان خود تحقق می‌بخشد،

وَيَمْحُ ٱللَّهُ ٱلْبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓ

زیرا او به آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[24]

إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [24]

اوست که پشیمانی فرمان‌برداران خود را می‌پذیرد، از کارهای بد چشم‌پوشی می‌کند، و آنچه می‌کنند می‌داند.(45)[25]

وَهُوَ ٱلَّذِى يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَعْفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ [25] (45)

و او به کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند پاسخ می‌دهد، و از لطف خود بیشتر به آنان می‌دهد؛

وَيَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِۦ

و کسانی که انکار می‌کنند کیفری سخت خواهند داشت.[26]

وَٱلْكَٰفِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ [26]

و اگر خدا روزی را بر فرمان‌برداران خود می‌گستراند، در زمین به تعدی دست می‌زدند؛

وَلَوْ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزْقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوْاْ فِى ٱلْأَرْضِ

اما آنچه را پسند او افتد با اندازه فرود می‌آورد،

وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ

زیرا او نسبت به فرمان‌برداران خود باخبر و بینا است.[27]

إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرٌۢ بَصِيرٌ [27]

اوست که باران نجات‌بخش را فرود می‌آورد پس از آنکه ناامید شده‌اند، و مهر خود را می‌گستراند؛

وَهُوَ ٱلَّذِى يُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ مِنۢ بَعْدِ مَا قَنَطُواْ وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ

و اوست متحد، ستوده.[28]

وَهُوَ ٱلْوَلِىُّ ٱلْحَمِيدُ [28]

و از نشانه‌های او: آفرینش آسمان‌ها و زمین، و همهٔ جنبندگانی که در آن‌ها پراکنده است؛

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ

و او بر گرد هم آوردن آنان توانا است، هر گاه پسند او افتد.[29]

وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ [29]

و هر ناکامی‌ای که به شما برسد، به سبب آنچه دستان شما به دست آورده است — و او از بسیاری چیزها چشم‌پوشی می‌کند.[30]

وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ [30]

شما نمی‌توانید او را در زمین ناتوان کنید،

وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ

و شما غیر از خدا نه متحدی دارید و نه یاری‌ای.[31]

وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ [31]

و از نشانه‌های او: کشتی‌هایی که بر دریا روانند، چون شاخص‌هایی برافراشته.[32]

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ [32]

اگر او را پسند افتد، باد را بازمی‌ایستاند، و ناگاه بر سطح آن بی‌حرکت می‌مانند — در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای هر که بسیار شکیبا و بسیار سپاس‌گزار است — یا آنان را به سبب آنچه به دست آورده‌اند به نابودی می‌سپارد، در حالی که از بسیاری چیزها چشم می‌پوشد،[33-34]

إِن يَشَأۡ يُسۡكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظۡلَلۡنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٍ [33] أَوۡ يُوبِقۡهُنَّ بِمَا كَسَبُواْ وَيَعۡفُ عَن كَثِيرٖ [34]

— و تا کسانی که دربارهٔ نشانه‌های ما بحث می‌کنند بدانند که هیچ گریزگاهی ندارند.[35]

وَيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ [35]

هر آنچه به شما داده شده است جز بهره‌مندی زندگی نزدیک نیست؛

فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ

اما آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است، برای کسانی که باور آوردند و به سرپرست خود وکالت می‌دهند؛[36]

وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ [36]

و برای کسانی که از سرپیچی‌های بزرگ و پلیدی‌ها دوری می‌کنند، و چون خشمگین می‌شوند، می‌بخشایند؛[37]

وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟ هُمْ يَغْفِرُونَ [37]

و برای کسانی که به سرپرست خود پاسخ می‌دهند، تماس را پابرجا نگه می‌دارند، دربارهٔ کارهای خود با یکدیگر رایزنی می‌کنند، و از آنچه ما آنان را روزی دادیم هزینه می‌کنند؛[38]

وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ [38]

و برای کسانی که چون تعدی به آنان رسد، خود را یاری می‌کنند.[39]

وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ [39]

و بازپرداخت بدی بدی‌ای همانند آن است؛

وَجَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا

اما هر که چشم بپوشد و آشتی کند، پاداشش بر عهدهٔ خدا است،

فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ

زیرا او ستمگران را دوست ندارد.[40]

إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ [40]

و هر که پس از آنکه ستم دیده است خود را یاری کند، بر اینان هیچ راهی نیست.[41]

وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ [41]

راه تنها بر کسانی گشوده است که به انسان‌ها ستم می‌کنند و در زمین بی حق به تعدی دست می‌زنند.

إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ

اینانند که کیفری دردناک خواهند داشت.[42]

أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [42]

و هر که شکیبایی کند و ببخشاید، این بی‌گمان از کارهایی است که عزمی استوار می‌طلبد.[43]

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ [43]

و هر که را خدا گمراه کند، پس از آن دیگر هیچ متحدی ندارد.

وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِيٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ

و ستمگران را خواهی دید که چون کیفر را ببینند، می‌گویند: «آیا راهی برای بازگردانده شدن هست؟»[44]

وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ [44]

و آنان را خواهی دید که در برابر آن عرضه شده‌اند، فروتن،

وَتَرَىٰهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَٰشِعِينَ

از گوشهٔ پلکی نهان می‌نگرند، از اثر خواری.

مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِىٍّ

و کسانی که باور آوردند خواهند گفت: «زیان‌کاران همانا کسانی‌اند که خویشتن خود و کسان خود را در روز حضور به زیان کشانده‌اند.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

آیا چنین نیست: ستمگران در کیفری پابرجا هستند.[45]

أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِى عَذَابٍ مُّقِيمٍ [45]

آنان هیچ متحدی نخواهند داشت که غیر از خدا یاری‌شان کند.

وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ

و هر که را خدا گمراه کند، دیگر هیچ راهی ندارد.[46]

وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ [46]

سرپرست خود را پاسخ دهید پیش از آنکه از جانب خدا روزی بیاید که بازگرداندنی نیست؛

ٱسْتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ

شما در آن روز هیچ پناهگاهی نخواهید داشت،

مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ

و هیچ راهی برای مردود شمردن نخواهید داشت.[47]

وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ [47]

اگر روی گردانند، ما تو را نگهبان بر آنان نفرستاده‌ایم؛

فَإِنْ أَعْرَضُواْ فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

بر تو جز ابلاغ نیست.

إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ

و چون به انسان مهری از جانب خود بچشانیم، از آن شادی می‌کند؛

وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا

و اگر به سبب آنچه دستانشان پیش بردند بدی‌ای به آنان رسد، آنگاه انسان همانا بسیار انکارگر است.[48]

وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ كَفُورٌ [48]

پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است؛

لِّلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

هر چه را پسند او افتد می‌آفریند؛

يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ

به هر که پسند او افتد دختران عطا می‌کند، و به هر که پسند او افتد پسران عطا می‌کند، یا پسران و دختران را جفت می‌کند، و هر که را پسند او افتد نازا می‌گرداند،[49]

يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنٰثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ [49] أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنٰثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًا

زیرا او همه‌چیزدان و توانا است.[50]

إِنَّهُۥ عَلِيمٌ قَدِيرٌ [50]

بر هیچ آدمی روا نیست که خدا با او سخن گوید، مگر با پرده‌برداری، یا از پشت پرده‌ای، یا با فرستادن فرستاده‌ای که به اجازهٔ او آنچه را پسند او افتد پرده برمی‌دارد؛

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِۦ مَا يَشَآءُ

او همانا بسیار بلند، فرزانه است.[51]

إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٌ [51]

چنین برای تو جریانی از دستور خود پرده برداشتیم؛

وَكَذٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا

تو نمی‌دانستی نه نوشتار چه بود و نه باور چه بود، اما ما آن را روشنایی‌ای قرار دادیم که با آن هر که را از فرمان‌برداران خود پسند ما افتد راه می‌نماییم؛

مَا كُنتَ تَدْرِى مَا ٱلْكِتٰبُ وَلَا ٱلْإِيمٰنُ وَلٰكِن جَعَلْنٰهُ نُورًا نَّهْدِى بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا

و تو بی‌گمان به جاده‌ای راست راه می‌نمایی — جادهٔ خدا، که آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ او است.[52]

وَإِنَّكَ لَتَهْدِىٓ إِلَىٰ صِرٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [52] صِرٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمٰوٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

آیا چنین نیست: همهٔ کارها به سوی خدا روان می‌شود.[53]

أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلْأُمُورُ [53]

# فصلت • FUSSILAT

سوره 41 · 54 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ (حا میم).[1]

حمٓ [1]

فرودی از جانب بی‌اندازه مهربان، مهربان: نوشتاری که نشانه‌هایش تفصیل داده شده‌اند، خوانشی بی‌عیب برای قومی که می‌داند، مژده‌دهنده و هشداردهنده،[2-3]

تَنزِيلٌ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ [2] كِتَٰبٌ فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [3] بَشِيرًا وَنَذِيرًا

اما بیشترشان روی می‌گردانند، چنان که نمی‌شنوند.[4]

فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ [4]

و می‌گویند: «هسته‌های ما در پوشش‌هایی است در برابر آنچه ما را به آن فرامی‌خوانی، و در گوش‌های ما کری است، و میان ما و تو پرده‌ای است. پس عمل کن، زیرا ما نیز عمل می‌کنیم.»[5]

وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِىٓ أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ وَفِىٓ ءَاذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَٱعْمَلْ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ [5]

بگو: «من جز آدمی‌ای چون شما نیستم؛ برایم پرده برداشته می‌شود که ایزد شما ایزدی یگانه است. پس به سوی او راست بایستید و بخشایش او را بخواهید.»

قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَٱسْتَقِيمُوٓاْ إِلَيْهِ وَٱسْتَغْفِرُوهُ

و وای بر انبازگیرندگان که گشاده‌دستی ناب را نمی‌دهند و زندگی واپسین را انکار می‌کنند![6-7]

وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ ٦ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٧

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند همانا پاداشی خواهند داشت که به رخ آنان کشیده نخواهد شد.[8]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٨

بگو: «آیا واقعاً آنکه زمین را در دو روز آفرید انکار می‌کنید، و برای او رقیبانی قرار می‌دهید؟»

قُلۡ أَئِنَّكُمۡ لَتَكۡفُرُونَ بِٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ فِي يَوۡمَيۡنِ وَتَجۡعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادٗا

این است سرپرست همهٔ هستی‌ها.[9]

ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩

و در آن لنگرگاه‌هایی استوار بر فراز آن نهاد، آن را خجسته گرداند، و در آن مقرری‌هایش را در مجموعِ چهار روز مقدر کرد، برای خواهندگان به یکسان.[10]

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ ١٠

سپس به سوی آسمان روی آورد، که دود بود، و به آن و به زمین گفت: «بیایید هر دو، خواه به رضا خواه به اجبار.»

ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٞ فَقَالَ لَهَا وَلِلۡأَرۡضِ ٱئۡتِيَا طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا

گفتند: «ما گردن‌نهنده می‌آییم.»[11]

قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ ١١

آن‌ها را در دو روز به هفت آسمان به پایان رساند، و به هر آسمان دستور آن را به دل افکند.

فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِي يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِي كُلِّ سَمَآءٍ أَمۡرَهَا

و ما آسمان نزدیک‌تر را به چراغ‌ها آراستیم،

وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ

و آن را محفوظ داشتیم.

وَحِفْظًا

این است اندازه‌ای که از سوی نیرومند، همه‌چیزدان، مقرر شده است.[12]

ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ [12]

اگر روی گردانند، بگو: «من شما را از صاعقه‌ای مانند صاعقهٔ عاد و ثمود هشدار می‌دهم»،
آنگاه که فرستادگان از پیش روی آنان و از پشت سرشان نزدشان آمدند: «جز از خدا فرمان نبرید.»[13]

فَإِنْ أَعْرَضُواْ فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَٰعِقَةً مِّثْلَ صَٰعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ [13] إِذْ جَآءَتْهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ

گفتند: «اگر سرپرست ما را پسند افتاده بود، کارگزارانی فرود آورده بود. پس ما همانا آنچه را شما با آن فرستاده شده‌اید انکار می‌کنیم.»[14]

قَالُواْ لَوْ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةً فَإِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ [14]

اما عاد، در زمین بی حق خودبزرگ‌بینی کردند و گفتند: «چه کسی از ما در قدرت برتر است؟»

فَأَمَّا عَادٌ فَٱسْتَكْبَرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَقَالُواْ مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً

آیا نمی‌دیدند که خدا، که آنان را آفریده است، از آنان در قدرت برتر است؟

أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِى خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً

و نشانه‌های ما را سرسختانه نفی می‌کردند.[15]

وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجْحَدُونَ [15]

ما بر آنان در روزهایی شوم بادی یخ‌زده فرستادیم، تا کیفر شرمساری را در زندگی نزدیک به آنان بچشانیم؛

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِىٓ أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

و کیفر زندگی واپسین شرم‌آورتر است، و یاری نخواهند شد.[16]

وَلَعَذَابُ ٱلْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ [16]

و اما ثمود، ما آنان را راه نمودیم، اما کوری را بیش از راهنمایی دوست داشتند؛ صاعقهٔ کیفر خوارکننده آنان را به سبب آنچه به دست آورده بودند گرفت.[17]

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَٰهُمْ فَٱسْتَحَبُّواْ ٱلْعَمَىٰ عَلَى ٱلْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَٰعِقَةُ ٱلْعَذَابِ ٱلْهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ [17]

و ما کسانی را که باور می‌آوردند و محتاط بودند نجات دادیم.[18]

وَنَجَّيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ [18]

و روزی که دشمنان خدا را به سوی آتش گرد خواهیم آورد، در ستون‌ها تقسیم خواهند شد،[19] **(46)**

وَيَوْمَ نَحْشُرُ أَعْدَآءَ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ [19] **(46)**

تا آنگاه که به آن رسیدند، شنوایی‌شان، بینایی‌هایشان و پوست‌هایشان علیه آنان به آنچه می‌کردند گواهی دهند.[20]

حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَٰرُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [20]

و به پوست‌های خود خواهند گفت: «چرا علیه ما گواهی دادید؟»

وَقَالُواْ لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا

خواهند گفت: «خدا، که هر چیز را به سخن می‌آورد، ما را به سخن آورد. اوست که شما را نخستین‌بار آفرید، و به سوی او بازگردانده خواهید شد.»[21]

قَالُوٓاْ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَنطَقَ كُلَّ شَىْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [21]

شما از آنکه شنوایی‌تان، بینایی‌هایتان و پوست‌هایتان علیه شما گواهی دهند، خود را پوشیده نمی‌داشتید؛

وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَٰرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ

اما می‌پنداشتید که خدا بسیاری از آنچه می‌کردید نمی‌دانست.[22]

وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ [22]

و این است گمانی که دربارهٔ سرپرست خود بستید؛ شما را به سقوط کشاند، و در شمار زیان‌کاران درآمدید.[23]

وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [23]

اگر شکیبایی کنند، آتش اقامتگاه آنان است؛

فَإِن يَصْبِرُوا۟ فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ

و اگر بخواهند دوباره پذیرفته شوند، از کسانی نخواهند بود که دوباره پذیرفته می‌شوند.[24]

وَإِن يَسْتَعْتِبُوا۟ فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ [24]

و ما همراهانی برای آنان جدا کردیم که آنچه را پیش روی آنان و آنچه را پشت سر آنان بود برایشان آراستند،

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

و سخن بر آنان، در میان جامعه‌هایی که پیش از ایشان گذشته بودند، از نهانیان و انسان‌ها، به حقیقت پیوست؛

وَحَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ

زیرا آنان زیان‌کار بودند.[25]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ خَٰسِرِينَ [25]

و کسانی که انکار می‌کنند گفتند: «به این خوانش گوش ندهید، و هنگام برخواندن آن یاوه بگویید، شاید چیره شوید.»[26]

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَسْمَعُوا۟ لِهَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْا۟ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ [26]

ما بی‌گمان به کسانی که انکار می‌کنند کیفری سخت خواهیم چشاند، و آنان را بی‌گمان بر حسب بدترین آنچه می‌کردند بازپرداخت خواهیم کرد.[27]

فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [27]

این است بازپرداخت دشمنان خدا: آتش؛

ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعۡدَآءِ ٱللَّهِ ٱلنَّارُ

در آن جایگاه جاودانگی دارند،

لَهُمۡ فِيهَا دَارُ ٱلۡخُلۡدِ

به بازپرداخت آنکه نشانه‌های ما را سرسختانه نفی می‌کردند.[28]

جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ [28]

و کسانی که انکار می‌کنند خواهند گفت: «ای سرپرست ما، آن دو را که ما را از میان نهانیان و انسان‌ها گمراه کردند به ما بنمایان، تا هر دو را زیر پاهای خود نهیم، تا از پست‌ترین‌ها باشند.»[29]

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيۡنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ نَجۡعَلۡهُمَا تَحۡتَ أَقۡدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلۡأَسۡفَلِينَ [29]

همانا کسانی که می‌گویند: «سرپرست ما خدا است»، سپس راست می‌ایستند، کارگزاران بر آنان فرود می‌آیند: «نترسید و اندوهگین مشوید؛ مژدهٔ باغی را که به شما وعده داده شده بود دریافت کنید.[30]

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ [30]

ما در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین متحدان شما هستیم؛

نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ

و در آن آنچه خویشتن‌های شما می‌خواهند خواهید داشت، و در آن آنچه درخواست کنید خواهید داشت، به پذیرایی از جانب بسیار بخشاینده‌ای مهربان.»[31-32]

وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِيٓ أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ [31] نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ [32]

و پس چه کسی سخنی زیباتر دارد از آنکه به سوی خدا فرامی‌خواند، کرداری شایسته به‌جا می‌آورد و می‌گوید: «من از بی‌خدشگان نزد خدا هستم»؟[33]

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا وَقَالَ إِنَّنِى مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ [33]

و کار نیک و کار بد برابر نیستند.

وَلَا تَسْتَوِى ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ

با آنچه زیباتر است دفع کن؛ آنگاه آنکه میان تو و او دشمنی بود، چون دوستی گرم خواهد بود.[34]

ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ وَلِىٌّ حَمِيمٌ [34]

اما این جز توسط شکیبایان دریافت نمی‌شود،

وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟

و این جز توسط کسی که بهره‌ای سترگ دارد دریافت نمی‌شود.[35]

وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ [35]

و اگر نیشی از منحرف‌کننده تو را نیش زند، پناه خدا را بجوی؛

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ نَزْغٌ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ

زیرا اوست شنوا و همه‌چیزدان.[36]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [36]

و از نشانه‌های او: شب و روز، خورشید و ماه.

وَمِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيْلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ

نه برای خورشید پیشانی بر خاک نهید و نه برای ماه،

لَا تَسْجُدُواْ لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ

بلکه برای خدا که آن‌ها را آفرید پیشانی بر خاک نهید، اگر از او فرمان می‌برید.[37]

وَٱسْجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ [37]

اگر خودبزرگ‌بینی کنند، آنان که نزد سرپرست تو هستند شب و روز شکوه او را می‌سرایند، بی آنکه خسته شوند.[38]

فَإِنِ ٱسْتَكْبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُونَ [38]

و از نشانه‌های او: زمین را فروتن می‌بینی؛ سپس چون آب را بر آن فرود می‌آوریم، می‌جنبد و می‌ورمد.

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ

آنکه به آن دوباره زندگی داد بی‌گمان همان است که به مردگان دوباره زندگی می‌دهد؛

إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ

زیرا او بر هر چیز توانا است.[39]

إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [39]

کسانی که نشانه‌های ما را کج می‌کنند همانا بر ما پنهان نیستند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ

آیا آنکه به آتش افکنده می‌شود بهتر است، یا آنکه در روز حضور در امنیت می‌آید؟

أَفَمَن يُلْقَىٰ فِى ٱلنَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِىٓ ءَامِنًا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

هر گونه پسند شما افتد عمل کنید،

ٱعْمَلُواْ مَا شِئْتُمْ

زیرا او به آنچه می‌کنید بینا است.[40]

إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [40]

کسانی که یادآوری را چون به آنان رسید انکار می‌کنند... و آن بی‌گمان نوشتاری تسخیرناپذیر است، که نادرستی نه از پیش‌رو به آن می‌رسد و نه از پشت،[41]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ [41] لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِۦ

فرودی از جانب فرزانه‌ای ستوده.[42]

تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ [42]

به تو جز آنچه پیش‌تر به فرستادگان پیش از تو گفته شده است گفته نمی‌شود؛

مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ

سرپرست تو بی‌گمان دارندهٔ بخشایش و دارندهٔ تنبیهی دردناک است.[43]

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ [43]

و اگر ما آن را خوانشی آشفته قرار داده بودیم، می‌گفتند: «چرا نشانه‌هایش تفصیل داده نشده‌اند؟»

وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ

هم آشفته و هم بی‌عیب؟

ءَأَعْجَمِىٌّ وَعَرَبِىٌّ

بگو: «آن برای کسانی که باور می‌آورند راهنمایی و درمان است؛

قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ

و کسانی که باور نمی‌آورند در گوش‌هایشان کری است، و آن برای آنان کوری است؛

وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى

اینان از جایی دور ندا داده می‌شوند.»[44]

أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانِۭ بَعِيدٍ [44]

همانا به موسی نوشتار دادیم، و در آن اختلاف شد؛

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَٱخْتُلِفَ فِيهِ

و اگر کلمهٔ پیشین از سرپرست تو نبود، میان آنان فیصله داده می‌شد؛

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ

و آنان دربارهٔ آن بی‌گمان در سرگشتگی‌ای پریشان‌کننده‌اند.[45]

وَإِنَّهُمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ [45]

هر که کرداری شایسته به‌جا آورد، برای خود او است؛

مَّنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ

و هر که بد کند، علیه خود او است؛

وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا

و سرپرست تو هرگز بر فرمان‌برداران تحت اجبار ستمگر نیست.[46]

وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ [46]

دانش آن لحظه به سوی او بازگردانده می‌شود؛

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ

هیچ میوه‌ای از کیسه‌اش بیرون نمی‌آید، و هیچ ماده‌ای نه بار برمی‌دارد و نه می‌زاید، مگر با دانش او؛

وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَٰتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ

و روزی که آنان را ندا خواهد داد: «انبازان من کجایند؟»، خواهند گفت: «به تو اطلاع می‌دهیم که در میان ما هیچ گواهی نیست.»[47]

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَآءِى قَالُوٓاْ ءَاذَنَّٰكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ [47]

و آنچه پیش‌تر فرامی‌خواندند از آنان دور گمراه خواهد شد، و خواهند پنداشت که هیچ گریزگاهی ندارند.[48]

وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُّواْ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ [48]

انسان از خواندن نیکی خسته نمی‌شود؛

لَّا يَسْـَٔمُ ٱلْإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلْخَيْرِ

اما اگر بدی به او برسد، ناگاه بی‌امید است، سرخورده.[49]

وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٌ قَنُوطٌ [49]

و اگر پس از آسیبی که به او رسیده است مهری از جانب خود به او بچشانیم، بی‌گمان خواهد گفت: «این حق من است، و گمان نمی‌برم که آن لحظه برخیزد؛ و اگر به سوی سرپرستم بازگردانده شده باشم، بی‌گمان نزد او زیباترین را خواهم داشت.»

وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِى وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّىٓ إِنَّ لِى عِندَهُۥ لَلْحُسْنَىٰ

ما بی‌گمان کسانی را که انکار می‌کنند از آنچه کرده‌اند اطلاع خواهیم داد، و بی‌گمان کیفری خشن به آنان خواهیم چشاند.[50]

فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِمَا عَمِلُواْ وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ [50]

و چون انسان را از دهش‌ها سرشار سازیم، پهلو تهی می‌کند و از جانب خود دور می‌شود؛

وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى ٱلْإِنسَٰنِ أَعْرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ

و چون بدی به او می‌رسد، ناگاه در فراخوان‌های بی‌پایان است.[51]

وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٍ [51]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر این از جانب خدا است و سپس شما آن را انکار کنید، چه کسی گمراه‌تر است از آنکه در گسستی دور است؟»[52]

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِۦ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ [52]

نشانه‌های خود را در افق‌ها و در خود آنان به ایشان خواهیم نمود، تا آنگاه که برایشان روشن شود که این حقیقت است.

سَنُرِيهِمْ ءَايَٰتِنَا فِى ٱلْءَافَاقِ وَفِىٓ أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ

آیا بس نیست که سرپرست تو بر هر چیز گواه است؟[53]

أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ [53]

آیا چنین نیست: آنان همانا دربارهٔ روبه‌رویی با سرپرست خود در جدل‌اند؛

أَلَآ إِنَّهُمْ فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمْ

آیا چنین نیست: او همانا هر چیز را به‌کمال در بر می‌گیرد.[54]

أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ مُّحِيطٌۢ [54]

# غافر • GHAFIR

سوره 40 · 85 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حمٓ (حا میم).[1]

حمٓ [1]

فرود نوشتار از جانب خدا است، نیرومند، همه‌چیزدان، بخشایندهٔ تقصیر و پذیرندهٔ پشیمانی، سخت در تنبیه، دارندهٔ گشاده‌دستی،[2]

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ [2] غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوْبِ شَدِيدِ ٱلْعِقَابِ ذِى ٱلطَّوْلِ

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

به سوی او است مقصد.[3]

إِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ [3]

تنها کسانی که انکار می‌کنند دربارهٔ نشانه‌های خدا بحث می‌کنند؛

مَا يُجَٰدِلُ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

پس گشت‌وگذارشان در سرزمین‌ها تو را نفریبد.[4]

فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِى ٱلْبِلَٰدِ [4]

پیش از ایشان قوم نوح دروغ انگاشتند، و گروه‌ها پس از آنان،

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَعْدِهِمْ

و هر جامعه‌ای آهنگ گرفتن فرستادهٔ خود را کرد،

وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ

و با نادرستی بحث کردند تا حقیقت را با آن رد کنند — آنگاه من آنان را گرفتم:

وَجَٰدَلُواْ بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُواْ بِهِ ٱلْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ

و آنگاه تنبیه من چه بود؟[5]

فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ [5]

چنین سخن سرپرست تو بر کسانی که انکار می‌کنند به حقیقت پیوست: آنان همراهان آتش‌اند.[6]

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ [6]

کسانی که بنا را بر دوش دارند و کسانی که پیرامون آن‌اند، شکوه سرپرست خود را با ستایش او می‌سرایند، به او باور می‌آورند و برای باورآوردگان بخشایش می‌خواهند:

ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ

«ای سرپرست ما، تو همه چیز را با مهر و دانش در بر گرفته‌ای؛ پس کسانی را که بازمی‌گردند و از راه تو پیروی می‌کنند بخشای، و آنان را از کیفر کوره محتاط گردان؛[7]

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَٱغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ [7]

ای سرپرست ما، آنان را در باغ‌های پایایی که به آنان وعده داده‌ای وارد کن، و نیز آنان را که از والدین، همسران و نسل‌هایشان شایسته بوده‌اند؛

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِى وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ

زیرا تویی نیرومند، فرزانه.[8]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [8]

و آنان را از کارهای بد محتاط گردان؛

وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِ

و هر که را در آن روز از کارهای بد محتاط گردانی، به او مهر ورزیده‌ای،

وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥ

و این است کامیابی سترگ.»[9]

وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ [9]

به کسانی که انکار می‌کنند ندا داده خواهد شد: «نفرت خدا بی‌گمان بزرگ‌تر است از نفرت خودتان از خودتان، آنگاه که به باور فراخوانده می‌شدید و انکار می‌کردید.»[10]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنَادَوۡنَ لَمَقۡتُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُ مِن مَّقۡتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡ إِذۡ تُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلۡإِيمَٰنِ فَتَكۡفُرُونَ [10]

خواهند گفت: «ای سرپرست ما، تو ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی؛ ما به تقصیرهای خود اعتراف می‌کنیم — پس آیا راهی برای بیرون رفتن هست؟»[11]

قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ إِلَىٰ خُرُوجٖ مِّن سَبِيلٖ [11]

این، از آن روست که چون خدا به تنهایی فراخوانده می‌شد، انکار می‌کردید، و چون به او چیزی انباز گرفته می‌شد، باور می‌آوردید؛

ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُۥ كَفَرۡتُمۡ وَإِن يُشۡرَكۡ بِهِۦ تُؤۡمِنُواْ

پس داوری از آنِ خدا است، بسیار بلند، بزرگ.[12]

فَٱلۡحُكۡمُ لِلَّهِ ٱلۡعَلِيِّ ٱلۡكَبِيرِ [12]

اوست که نشانه‌های خود را به شما می‌نمایاند و برای شما از آسمان روزی فرود می‌آورد؛

هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ رِزۡقٗا

اما جز آنکه به سوی او روی می‌آورد کسی به یاد نمی‌آورد.[13]

وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ [13]

پس خدا را فرابخوانید، قانون را یکسره برای او قرار داده، هرچند کسانی که انکار می‌کنند ناخوش داشته باشند.[14]

فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ [14]

او است بالابرندهٔ پایه‌ها، دارندهٔ بنا؛

رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلْعَرْشِ

جریان دستور خود را بر هر که از فرمان‌برداران خود پسند او افتد می‌افکند، تا از روز روبه‌رویی هشدار دهد، روزی که آنان آشکار خواهند بود،[15]

يُلْقِى ٱلرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوْمَ ٱلتَّلَاقِ [15] يَوْمَ هُم بَٰرِزُونَ

هیچ چیز از آنان بر خدا پوشیده نیست.

لَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنْهُمْ شَىْءٌ

پادشاهی امروز از آنِ کیست؟

لِّمَنِ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ

از آنِ خدا، یگانه، چیره‌گر.[16]

لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ [16]

امروز هر خویشتن بر حسب آنچه به دست آورده است بازپرداخت خواهد شد؛

ٱلْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ

امروز هیچ ستمی نیست؛

لَا ظُلْمَ ٱلْيَوْمَ

زیرا خدا در حسابرسی شتابنده است.[17]

إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [17]

و آنان را از روز قریب‌الوقوع هشدار ده، آنگاه که هسته‌ها تا بلندای گلوها خواهد بود، فشرده،

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ ٱلْـَٔازِفَةِ إِذِ ٱلْقُلُوبُ لَدَى ٱلْحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَ

ستمگران نه دوستی گرم خواهند داشت و نه میانجی‌ای که به او گردن نهاده شود.[18]

مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ [18]

او خیانت چشم‌ها و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند می‌داند.[19]

يَعْلَمُ خَآئِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِى ٱلصُّدُورُ [19]

خدا به حقیقت فصل می‌کند،

وَٱللَّهُ يَقْضِى بِٱلْحَقِّ

در حالی که آنان که غیر از او فرامی‌خوانند هیچ فصل نمی‌کنند؛

وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقْضُونَ بِشَىْءٍ

زیرا خدا شنوا، بینا است.[20]

إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ [20]

آیا پس بر زمین نپیموده‌اند تا بنگرند که فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟

أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ مِن قَبْلِهِمْ

آنان از ایشان در قدرت و در ردپاها بر زمین برتر بودند، و خدا آنان را به سبب تقصیرهایشان گرفت؛

كَانُوا۟ هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِى ٱلْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

و در برابر خدا کسی را نداشتند که آنان را محتاط گرداند.[21]

وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٍ [21]

این، از آن روست که فرستادگانشان دلیل‌های روشن برایشان می‌آوردند، اما انکار می‌کردند؛ آنگاه خدا آنان را گرفت،

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُوا۟ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ

زیرا او قوی است، سخت در تنبیه.[22]

إِنَّهُۥ قَوِىٌّ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [22]

ما همانا موسی را با نشانه‌های خود و سلطه‌ای آشکار به سوی فرعون، هامان و قارون فرستادیم؛ گفتند: «چشم‌بندی، دروغ‌گویی بزرگ.»[23-24]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَـٰتِنَا وَسُلْطَـٰنٍ مُّبِينٍ [23] إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَـٰمَـٰنَ وَقَـٰرُونَ فَقَالُوا۟ سَـٰحِرٌ كَذَّابٌ [24]

سپس چون حقیقت را از جانب ما برایشان آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با او باور آورده‌اند بکشید، و به شرم زنانشان تعرض کنید»؛

فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا۟ ٱقْتُلُوٓا۟ أَبْنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ وَٱسْتَحْيُوا۟ نِسَآءَهُمْ

اما نیرنگ انکارکنندگان جز در گمراهی نیست.[25]

وَمَا كَيْدُ ٱلْكَـٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَـٰلٍ [25]

و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او سرپرست خود را بخواند، زیرا می‌ترسم که قانون شما را دگرگون کند و تباهی را در زمین آشکار سازد.»[26] (47)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِىٓ أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُۥٓ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ وَأَن يُظْهِرَ فِى ٱلْأَرْضِ ٱلْفَسَادَ (47)

و موسی گفت: «من خود را همانا در پناه سرپرست خود و سرپرست شما می‌گذارم، از هر خودبزرگ‌بین که به روز حساب باور نمی‌آورد.»[27]

وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّى عُذْتُ بِرَبِّى وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ ٱلْحِسَابِ [27]

و مردی باورمند از خاندان فرعون، که باور خود را پنهان می‌داشت، گفت: «آیا مردی را می‌کشید چون می‌گوید: ‹سرپرست من خدا است›، در حالی که دلیل‌های روشن را از جانب سرپرست شما برای شما آورده است؟ اگر دروغ‌گو باشد، دروغش بر خود او باز می‌گردد؛ و اگر راست‌گو باشد، بخشی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید،

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَـٰنَهُۥٓ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّىَ ٱللَّهُ وَقَدْ جَآءَكُم بِٱلْبَيِّنَـٰتِ مِن رَّبِّكُمْ ۖ وَإِن يَكُ كَـٰذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُۥ ۖ وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم بَعْضُ ٱلَّذِى يَعِدُكُمْ

زیرا خدا کسی را که زیاده‌رو و دروغ‌گوی بزرگ است راه نمی‌نماید.[28]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ [28]

ای قوم من، پادشاهی امروز از آنِ شما است، بر زمین چیره‌اید؛ اما چه کسی ما را در برابر سخت‌گیری خدا یاری خواهد کرد اگر بر ما بیاید؟»

يَٰقَوۡمِ لَكُمُ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأۡسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَا

فرعون گفت: «من جز آنچه می‌بینم به شما نمی‌نمایانم، و جز به راه راستی شما را راه نمی‌نمایم.»[29]

قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا مَآ أَرَىٰ وَمَآ أَهۡدِيكُمۡ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ [29]

و آنکه باور آورده بود گفت: «ای قوم من، من همانا برای شما از روزی مانند روز گروه‌ها می‌ترسم، مانند شیوهٔ قوم نوح، عاد، ثمود، و کسانی که پس از ایشان آمدند؛[30]

وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ [30] مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ

و خدا برای فرمان‌برداران هیچ ستمی نمی‌خواهد.»[31]

وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ [31]

«ای قوم من، من همانا برای شما از روزی می‌ترسم که یکدیگر را صدا خواهند زد، روزی که گریزان پشت خواهید کرد، بی آنکه در برابر خدا هیچ حفاظی داشته باشید؛[32]

وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ [32] يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖ

و هر که را خدا گمراه کند، دیگر راهنمایی ندارد.[33]

وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ [33]

یوسف همانا پیش‌تر با دلیل‌های روشن نزد شما آمد، و شما همچنان در حیرت بودید دربارهٔ آنچه برایتان آورد، تا آنگاه که او از میان رفت، گفتید: ‹خدا پس از او دیگر فرستاده‌ای برنخواهد انگیخت›؛

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلْتُمْ فِى شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِهِۦ رَسُولًا

چنین است که خدا هر که را زیاده‌رو و پر از تردید است گمراه می‌کند —[34]

كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ [34]

کسانی که دربارهٔ نشانه‌های خدا بحث می‌کنند بی آنکه هیچ سلطه‌ای به آنان رسیده باشد؛

ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَٰنٍ أَتَىٰهُمْ

این نزد خدا و نزد کسانی که باور می‌آورند، مایهٔ نفرتی بزرگ است.

كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

چنین است که خدا بر هستهٔ هر خودبزرگ‌بین زورگو مهر می‌نهد.»[35]

كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ [35]

و فرعون گفت: «ای هامان، برایم برجی دیدبانی بساز، شاید به ابزارها برسم، ابزارهای آسمان‌ها، و ایزد موسی را ببینم؛ من او را بی‌گمان دروغ‌گو می‌پندارم.»[36]

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبْنِ لِى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ أَبْلُغُ ٱلْأَسْبَٰبَ [36] أَسْبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّى لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبًا

چنین بود که بدی کردار فرعون در نظرش آراسته شد، و راه بر او بسته شد؛

وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِ

نیرنگ فرعون جز نابودی نبود.[37]

وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِى تَبَابٍ [37]

و آنکه باور آورده بود گفت: «ای قوم من، از من پیروی کنید، شما را به راه راستی راه خواهم نمود؛[38]

وَقَالَ ٱلَّذِىٓ ءَامَنَ يَٰقَوْمِ ٱتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ [38]

ای قوم من، این زندگی نزدیک جز بهره‌مندی نیست،

يَٰقَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا مَتَٰعٌ

در حالی که زندگی واپسین همانا جایگاه پایداری است.[39]

وَإِنَّ ٱلْءَاخِرَةَ هِىَ دَارُ ٱلْقَرَارِ [39]

هر که کار بدی کند جز به همانند آن بازپرداخت نمی‌شود،

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا

و هر که کرداری شایسته به‌جا آورد، مرد یا زن، در حالی که باورمند است، اینان به باغ وارد کرده خواهند شد، که در آن بی حساب روزی داده خواهند شد. **(48)** [40]

وَمَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ [40] **(48)**

ای قوم من، پس مرا چه شده که شما را به رهایی فرامی‌خوانم، در حالی که شما مرا به آتش فرامی‌خوانید؟[41]

وَيَٰقَوْمِ مَا لِىٓ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدْعُونَنِىٓ إِلَى ٱلنَّارِ [41]

مرا به انکار خدا و به انباز گرفتن چیزی برای او که من هیچ دانشی از آن ندارم فرامی‌خوانید، در حالی که من شما را به سوی نیرومند، بخشایندهٔ بزرگ فرامی‌خوانم؛[42]

تَدْعُونَنِى لِأَكْفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِۦ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ وَأَنَا۠ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلْغَفَّٰرِ [42]

ناگزیر آنچه مرا به آن فرامی‌خوانید نه در زندگی نزدیک و نه در زندگی واپسین هیچ فراخوانی ندارد؛ به سوی خدا بازگردانده خواهیم شد، و زیاده‌روان همراهان آتش‌اند.[43]

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِىٓ إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُۥ دَعْوَةٌ فِى ٱلدُّنْيَا وَلَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ [43]

به‌زودی آنچه به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد؛

فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡ

و کار خود را به خدا می‌سپارم؛

وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِ

زیرا خدا بر فرمان‌برداران بینا است.»[44]

إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ [44]

آنگاه خدا او را از بدی‌های آنچه توطئه می‌چیدند محتاط گردانید،

فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْ

و کیفر بد بر خاندان فرعون تحقق یافت:[45]

وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ [45]

آتش، که بامداد و شامگاه بر آن عرضه می‌شوند،

ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗا

و روزی که آن لحظه بر خواهد خاست: «ای خاندان فرعون، به سخت‌ترین کیفر وارد شوید.»[46] **(49)**

وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ [46] **(49)**

و چون در آتش ستیزه کنند، ضعیفان به کسانی که خودبزرگ‌بینی می‌کردند خواهند گفت: «ما همانا پیروان شما بودیم؛ پس آیا می‌توانید در برابر بخشی از آتش برای ما سودمند باشید؟»[47]

وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ [47]

کسانی که خودبزرگ‌بینی می‌کردند خواهند گفت: «همانا همهٔ ما در آنیم؛ خدا پیش‌تر میان فرمان‌برداران داوری کرده است.»[48]

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓاْ إِنَّا كُلٌّ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ ٱلْعِبَادِ [48]

و کسانی که در آتش هستند به گماشتگان جهنم خواهند گفت: «سرپرست خود را فرابخوانید، تا کیفر را، ولو یک روز، برای ما سبک کند.»[49]

وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِى ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدْعُواْ رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ ٱلْعَذَابِ [49]

خواهند گفت: «پس آیا فرستادگان شما دلیل‌های روشن را برای شما نمی‌آوردند؟» خواهند گفت: «چرا.» خواهند گفت: «پس فرابخوانید.»

قَالُوٓاْ أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ قَالُواْ بَلَىٰ قَالُواْ فَٱدْعُواْ

اما فراخوان انکارکنندگان جز در گمراهی نیست.[50]

وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ [50]

ما بی‌گمان فرستادگان خود و کسانی را که باور می‌آورند یاری می‌کنیم، در زندگی نزدیک و روزی که گواهان برخواهند خاست، روزی که پوزش ستمگران آنان را سود نخواهد داد؛ نفرین از آنِ آنان خواهد بود، و جایگاه بد از آنِ آنان.[51-52]

إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ ٱلْأَشْهَٰدُ [51] يَوْمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ [52]

ما همانا به موسی راهنمایی دادیم، و فرزندان اسرائیل را نوشتار به ارث دادیم، راهنمایی و یادآوری برای دارندگان خرد.[53-54]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ [53] هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُوْلِى ٱلْأَلْبَٰبِ [54]

پس شکیبایی کن، زیرا وعدهٔ خدا حقیقت است؛

فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ

و برای تقصیر خود بخشایش بخواه، و با ستایش شکوه سرپرست خود را بسرا، شامگاه و سپیده‌دم.[55]

وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِبْكَٰرِ [55]

کسانی که دربارۀ نشانه‌های خدا بحث می‌کنند بی آنکه هیچ سلطه‌ای به آنان رسیده باشد، در سینه‌هایشان جز خودبزرگ‌بینی‌ای نیست که هرگز بدان نخواهند رسید؛

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَٰنٍ أَتَىٰهُمْ إِن فِى صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ

پس پناه خدا را بجوی،

فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ

زیرا اوست شنوا، بینا.[56]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ [56]

آفرینش آسمان‌ها و زمین بی‌گمان بزرگ‌تر از آفرینش انسان‌ها است،

لَخَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ ٱلنَّاسِ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.[57]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [57]

نابینا و بینا برابر نیستند، و نه کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند و آنکه بد می‌کند؛

وَمَا يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلْمُسِىٓـُٔ

بسیار اندک به یاد می‌آورند. **(50)**[58]

قَلِيلًا مَّا يَتَذَكَّرُونَ [58] **(50)**

آن لحظه بی‌گمان می‌آید، هیچ تردیدی دربارۀ آن نیست،

إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَءَاتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا

اما بیشتر انسان‌ها باور نمی‌آورند.[59]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ [59]

و سرپرست شما گفت: «مرا فرابخوانید، به شما پاسخ خواهم داد؛

وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ

زیرا کسانی که در برابر فرمان‌برداری از من خودبزرگ‌بینی می‌کنند به‌زودی پیشانی بر خاک نهاده وارد جهنم خواهند شد.»[60]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ [60]

خدا است که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیاسایید، و روز را تا روشن ببینید؛

ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا

خدا بی‌گمان دارندهٔ لطفی نسبت به انسان‌ها است،

إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ

اما بیشتر انسان‌ها سپاس‌گزار نیستند.[61]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ [61]

این است خدا، سرپرست شما،

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ

آفرینندهٔ هر چیز؛

خَٰلِقُ كُلِّ شَىْءٍ

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوید؟[62]

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ [62]

چنین است که کسانی که نشانه‌های خدا را سرسختانه نفی می‌کردند به بیراهه برده می‌شوند.[63]

كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ [63]

خدا است که برای شما زمین را جایگاهی پایدار و آسمان را ساختمانی قرار داد، شما را شکل داد و شکل‌هایتان را زیبا ساخت، و از چیزهای نیکو روزی‌تان داد؛

ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ

این است خدا، سرپرست شما؛

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ

خجسته باد خدا، سرپرست همهٔ هستی‌ها.[64]

فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ [64]

او زنده است؛

هُوَ ٱلْحَىُّ

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

پس او را فرابخوانید، قانون را یکسره برای او قرار داده؛

فَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ

ستایش از آنِ خدا است، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها.[65]

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [65]

بگو: «همانا بر من ممنوع شده است که از کسانی که غیر از خدا فرامی‌خوانید فرمان ببرم، از آن هنگام که دلیل‌های روشن از جانب سرپرستم به من رسیده است؛ و به من دستور داده شده است که نزد سرپرست همهٔ هستی‌ها بی‌خدشه باشم.»[66]

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ ٱلْبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [66]

او است که شما را از زمین آفرید، سپس از قطره‌ای، سپس از چسبیدگی‌ای، سپس شما را کودک بیرون می‌آورد، سپس می‌گذارد به بلوغ کامل خود برسید، سپس سالخورده شوید —

هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخًا

و بعضی از شما پیش از آن به‌درستی نگه داشته می‌شوند — تا به سرآمدی نام‌برده برسید، و شاید خرد ورزید.[67]

وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوٓاْ أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [67]

اوست که زنده می‌کند و می‌میراند؛

هُوَ ٱلَّذِي يُحْيِۦ وَيُمِيتُ

و چون چیزی را مقرر می‌کند، جز این نیست که به آن می‌گوید: «باش»،

فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن

و آن هست.[68]

فَيَكُونُ [68]

آیا ندیده‌ای کسانی را که دربارهٔ نشانه‌های خدا بحث می‌کنند، چگونه کنار زده می‌شوند؟[69]

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ [69]

کسانی که نوشتار و آنچه را فرستادگان خود را با آن فرستادیم دروغ انگاشتند، به‌زودی خواهند دانست، آنگاه که غل‌ها بر گردن‌هایشان خواهد بود، و نیز زنجیرها،[70]

ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلْكِتَٰبِ وَبِمَآ أَرْسَلْنَا بِهِۦ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ [70] إِذِ ٱلْأَغْلَٰلُ فِيٓ أَعْنَٰقِهِمْ وَٱلسَّلَٰسِلُ

در آب جوشان کشیده خواهند شد، سپس در آتش برافروخته خواهند شد.[71-72]

يُسْحَبُونَ [71] فِي ٱلْحَمِيمِ ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ يُسْجَرُونَ [72]

سپس به آنان گفته خواهد شد: «کجایند آنان که غیر از خدا انباز می‌گرفتید؟»[73]

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ [73] مِن دُونِ ٱللَّهِ

خواهند گفت: «از ما دور گمراه شدند؛ در واقع ما پیش‌تر چیزی را فرانمی‌خواندیم.»

قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُواْ مِن قَبْلُ شَيْـًٔا

چنین است که خدا انکارکنندگان را گمراه می‌کند.[74]

كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلْكَٰفِرِينَ [74]

این، به سبب آن است که در زمین بی حق شادی کردید، و به سبب آنکه خودنمایی کردید؛[75]

ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ [75]

از درهای جهنم وارد شوید، تا در آن جاودانه بمانید:

ٱدْخُلُوٓاْ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا

چه زشت است اقامتگاه خودبزرگ‌بینان![76]

فَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ [76]

پس شکیبایی کن، زیرا وعدهٔ خدا حقیقت است؛

فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ

چه بخشی از آنچه به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، چه تو را به‌درستی نگه داریم، به سوی ما بازگردانده خواهند شد.[77]

فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ [77]

ما همانا پیش از تو فرستادگانی فرستادیم؛ از میان آنان کسانی هستند که سرگذشتشان را برایت روایت کردیم، و دیگرانی که سرگذشتشان را برایت روایت نکردیم؛

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ

و بر هیچ فرستاده‌ای روا نیست که نشانه‌ای بیاورد مگر با اجازهٔ خدا؛

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و چون دستور خدا آید، به حقیقت فصل می‌شود، و آنگاه در آنجا سازندگان نادرستی زیان‌کارند.[78]

فَإِذَا جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ قُضِيَ بِٱلْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْمُبْطِلُونَ [78]

خدا است که برای شما دام‌ها را قرار داد، تا بر بعضی سوار شوید و از بعضی بخورید؛[79]

ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَنْعَـٰمَ لِتَرْكَبُوا۟ مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ [79]

و در آن‌ها سودها برای شما است،

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَـٰفِعُ

و تا به نیازی که در سینه‌های شما است بر آن‌ها برسید،

وَلِتَبْلُغُوا۟ عَلَيْهَا حَاجَةً فِى صُدُورِكُمْ

و بر آن‌ها و نیز بر کشتی‌ها حمل می‌شوید.[80]

وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ [80]

و نشانه‌های خود را به شما می‌نمایاند؛

وَيُرِيكُمْ ءَايَـٰتِهِۦ

پس کدام یک از نشانه‌های خدا را مردود می‌دارید؟[81]

فَأَىَّ ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ تُنكِرُونَ [81]

آیا پس بر زمین نپیموده‌اند تا بنگرند که فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟

أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

آنان از ایشان بیشتر بودند و در قدرت و در ردپاها بر زمین برتر؛ اما آنچه به دست می‌آوردند آنان را به کاری نیامد.[82]

كَانُوٓاْ أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِى ٱلْأَرْضِ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ [82]

سپس چون فرستادگانشان دلیل‌های روشن را برایشان آوردند، به دانشی که نزد خود داشتند شادی کردند؛

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ

و آنچه را به مسخره می‌گرفتند بر آنان واقع شد.[83]

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [83]

سپس چون سخت‌گیری ما را دیدند، گفتند: «ما به خدا به تنهایی باور می‌آوریم، و آنچه را به او انباز می‌گرفتیم انکار می‌کنیم.»[84]

فَلَمَّا رَأَوْاْ بَأْسَنَا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ مُشْرِكِينَ [84]

اما باورشان آنان را سود نداد، پس از آنکه سخت‌گیری ما را دیدند —

فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَٰنُهُمْ لَمَّا رَأَوْاْ بَأْسَنَا

چنین است هنجار خدا، که در میان فرمان‌برداران او پیش‌تر گذشته است؛

سُنَّتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ فِى عِبَادِهِۦ

و کسانی که انکار می‌کردند در آنجا زیان‌کار شدند.[85]

وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْكَٰفِرُونَ [85]

# الزمر • AZ-ZUMAR

سوره 39 · 75 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

فرود نوشتار از جانب خدا است، نیرومند، فرزانه.[1]

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ [1]

ما نوشتار را به حقیقت به سوی تو فرود آوردیم؛ پس از خدا فرمان ببر، و قانون را یکسره برای او قرار ده.[2]

إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ فَٱعْبُدِ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ [2]

آیا چنین نیست: قانونِ پالوده و ویژه از آنِ خدا است.

أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ

و کسانی که غیر از او متحدانی برمی‌گیرند: «ما از آنان جز برای آنکه ما را به خدا نزدیک کنند، نزدیکی‌ای تمام، فرمان نمی‌بریم»؛

وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلْفَىٰٓ

همانا خدا میان آنان دربارهٔ آنچه در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد،

إِنَّ ٱللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

زیرا خدا کسی را که دروغ‌گو و انکارگر بزرگ است راه نمی‌نماید.[3]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ [3]

اگر خدا می‌خواست فرزندی برای خود برگیرد، از آنچه می‌آفریند هر آنچه پسند او می‌افتاد برمی‌گزید؛

لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ

شکوه بر او باد —

سُبْحَٰنَهُۥ

اوست خدا، یگانه، چیره‌گر.[4]

هُوَ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ [4]

او آسمان‌ها و زمین را به حقیقت آفرید؛

خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ

شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب می‌پیچد؛

يُكَوِّرُ ٱلَّيْلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيْلِ

و خورشید و ماه را رام کرد،

وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ

هر یک به سوی سرآمدی نام‌برده روان است.

كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

آیا چنین نیست: اوست نیرومند، بخشایندهٔ بزرگ.[5]

أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ [5]

او شما را از یک خویشتن آفرید، سپس همسر آن را از آن بیرون آورد؛

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا

و برای شما از دام‌ها هشت، جفت‌جفت، فرود آورد؛

وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلْأَنْعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ

او شما را در شکم‌های مادرانتان می‌آفریند، آفرینشی پس از آفرینشی، در سه تاریکی؛

يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ خَلْقًا مِّنۢ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَٰتٍ ثَلَٰثٍ

این است خدا، سرپرست شما؛ پادشاهی از آنِ او است؛

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ ٱلْمُلْكُ

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

پس چگونه کنار زده می‌شوید؟[6]

فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ [6]

اگر انکار کنید، خدا همانا توانگر است، بی هیچ نیازی به شما؛

إِن تَكْفُرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ

و انکار را برای فرمان‌برداران خود نمی‌پذیرد؛

وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلْكُفْرَ

اما اگر سپاس‌گزار باشید، آن را برای شما می‌پذیرد؛

وَإِن تَشْكُرُواْ يَرْضَهُ لَكُمْ

و هیچ بردارندهٔ باری بار دیگری را برنخواهد داشت؛

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

سپس بازگشت شما به سوی سرپرست شما است، و او شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهد داد،

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

زیرا او به آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[7]

إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [7]

و چون آسیبی به انسان می‌رسد، سرپرست خود را فرامی‌خواند، در حالی که به سوی او روی می‌آورد؛

وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيْهِ

سپس چون دهشی از جانب خود به او عطا می‌کند، آنچه را پیش‌تر به سوی آن فرامی‌خواند فراموش می‌کند، و برای خدا رقیبانی قرار می‌دهد تا از راه او گمراه کند.

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِىَ مَا كَانَ يَدْعُوٓاْ إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦ

بگو: «از انکار خود اندکی بهره ببر، تو همانا از همراهان آتشی.»[8]

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ [8]

آنکه در ساعات شب وقف شده است، پیشانی بر خاک نهاده و ایستاده، نسبت به زندگی واپسین هشیار و امیدوار به مهر سرپرستش — (51)

أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَآئِمًا يَحْذَرُ ٱلْءَاخِرَةَ وَيَرْجُواْ رَحْمَةَ رَبِّهِۦ (51)

بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟»

قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

تنها دارندگان خرد به یاد می‌آورند.[9]

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ [9]

بگو: «ای فرمان‌برداران من که باور آورده‌اید، از سرپرست خود محتاط باشید؛

قُلْ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْ

برای کسانی که در این زندگی نزدیک نیکی می‌کنند، زیبایی هست؛

لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ

و زمین خدا پهناور است؛

وَأَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌ

تنها شکیبایان پاداش خود را به‌درستی دریافت خواهند کرد، بی حساب.»[10]

إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ [10]

بگو: «به من دستور داده شده است که از خدا فرمان ببرم، قانون را یکسره برای او قرار داده،

و به من دستور داده شده است که نخستین از بی‌خدشگان نزد او باشم.»[11-12]

قُلْ إِنِّىٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ [11] وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلْمُسْلِمِينَ [12]

بگو: «من همانا، اگر از سرپرست خود سرپیچی کنم، از کیفر روزی سترگ می‌ترسم.»[13]

قُلْ إِنِّىٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّى عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [13]

بگو: «من از خدا فرمان می‌برم، قانون خود را یکسره برای او قرار داده؛[14]

قُلِ ٱللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُۥ دِينِى [14]

پس از آنچه شما را پسند افتد، غیر از او، فرمان ببرید.»

فَٱعْبُدُوا۟ مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِۦ

بگو: «زیان‌کاران کسانی‌اند که خویشتن خود و کسان خود را در روز حضور به زیان کشانده باشند؛

قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

آیا چنین نیست: این است زیان آشکار.»[15]

أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ [15]

بالای سرشان سایبان‌هایی از آتش خواهند داشت، و زیر پایشان نیز؛

لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ

خدا فرمان‌برداران خود را به این می‌ترساند:

ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥ

«ای فرمان‌برداران من، از من محتاط باشید!»[16]

يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ [16]

و کسانی که از فرمان بردن از حدشکن دوری می‌کنند، و به سوی خدا روی می‌آورند، مژده برای آنان است.

وَٱلَّذِينَ ٱجْتَنَبُوا۟ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ

پس مژده بده به فرمان‌برداران من که سخن را می‌شنوند و از زیباترین آن پیروی می‌کنند؛[17]

فَبَشِّرْ عِبَادِ [17] ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥ

اینان کسانی‌اند که خدا راهشان نمود،

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ

و اینان دارندگان خردند.[18]

وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ [18]

آیا کسی که سخن کیفر بر او به حقیقت پیوسته است — آیا تویی که آن را که در آتش است نجات خواهی داد؟[19]

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِى ٱلنَّارِ [19]

اما کسانی که از سرپرست خود محتاط بوده‌اند، غرفه‌هایی بلند خواهند داشت، که بالای آن‌ها غرفه‌های دیگر ساخته شده است، که رودها از زیر آن‌ها جاری است؛

لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ

وعدهٔ خدا —

وَعْدَ ٱللَّهِ

خدا وعدهٔ خود را نمی‌شکند.[20]

لَا يُخْلِفُ ٱللَّهُ ٱلْمِيعَادَ [20]

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود می‌آورد، آن را چشمه‌هایی در زمین فرو می‌برد، سپس با آن کشتزاری با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آورد؛ سپس خشک می‌شود و آن را زرد می‌بینی؛ سپس آن را خاشاک می‌کند؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُۥ حُطَٰمًا

در این بی‌گمان یادآوری‌ای است برای دارندگان خرد.[21]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ [21]

آنکه خدا سینهٔ او را برای بی‌خدشگی نزد خدا گشوده است، و بدین‌سان بر روشنایی‌ای از جانب سرپرستش است —

أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ

پس وای بر کسانی که هسته‌هایشان در برابر یادآوری خدا سخت شده است!

فَوَيْلٌ لِّلْقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ

اینان در گمراهی آشکارند.[22]

أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [22]

خدا زیباترین سخن را فرود آورد، نوشتاری با بخش‌هایی همسان، در دوبیتی‌ها،

ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ

که پوست کسانی که از سرپرست خود بیم دارند از آن می‌لرزد؛ سپس پوست‌ها و هسته‌هایشان با یادآوری خدا نرم می‌شود؛

تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ

این است راهنمایی خدا، که با آن هر که را پسند او افتد راه می‌نماید؛

ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ

و هر که را خدا گمراه کند، دیگر راهنمایی ندارد.[23]

وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ [23]

آنکه با چهرهٔ خود از کیفر بد در روز حضور محافظت می‌کند —

أَفَمَن يَتَّقِى بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

و به ستمگران گفته خواهد شد: «آنچه به دست می‌آوردید بچشید.»[24]

وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ [24]

کسانی که پیش از ایشان بودند دروغ انگاشتند، و کیفر از جایی که حس نمی‌کردند بر آنان آمد؛[25]

كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ [25]

خدا شرمساری را در زندگی نزدیک به آنان چشاند،

فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلْخِزْىَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

و کیفر زندگی واپسین بزرگ‌تر است، اگر می‌دانستند.[26]

وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ [26]

و ما همانا برای انسان‌ها در این خوانش هر گونه مثالی چند برابر کردیم، شاید به یاد آورند — خوانشی بی‌عیب، بی هیچ کجی، شاید محتاط شوند.[27-28]

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [27] قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِى عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ [28]

خدا مثالی می‌افزاید: مردی که از آنِ انبازانی ناسازگار است، و مردی که سراسر از آنِ یک مرد است —

ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ

آیا در مثال برابرند؟

هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا

ستایش از آنِ خدا است!

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ

اما بیشترشان نمی‌دانند.[29]

بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ [29]

تو خواهی مرد، و آنان خواهند مرد؛ سپس در روز حضور، شما همانا نزد سرپرست خود کشمکش خواهید کرد.[30-31]

إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ [30] ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمۡ تَخۡتَصِمُونَ [31]

پس چه کسی ستمگرتر است از آنکه بر خدا دروغ می‌گوید و راست‌گویی را، چون به او رسید، دروغ می‌انگارد؟

فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدۡقِ إِذۡ جَآءَهُۥٓ

آیا در جهنم اقامتگاهی برای انکارکنندگان نیست؟[32]

أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ [32]

و آنکه با راست‌گویی آمد و آن را راست‌گو دانست، اینان همان محتاطان‌اند.[33]

وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدۡقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ [33]

آنچه پسند آنان افتد نزد سرپرستشان خواهند داشت؛

لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ

این است بازپرداخت نیکی‌کنندگان، تا خدا بدترین آنچه کرده‌اند را برایشان بپوشاند و پاداششان را برابر زیباترین آنچه می‌کردند بازپردازد.[34-35]

ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [34] لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [35]

آیا خدا فرمان‌بردار خود را بس نیست؟

أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُۥ

و می‌کوشند تو را با کسانی که غیر از او هستند بترسانند؛
وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ

و هر که را خدا گمراه کند، دیگر راهنمایی ندارد.[36]
وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ [36]

و هر که را خدا راه نماید، دیگر کسی نیست که او را گمراه کند؛
وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ

آیا خدا نیرومند، دارندهٔ انتقام نیست؟[37]
أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ [37]

و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید، بی‌گمان خواهند گفت: «خدا»؛
وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ

بگو: «پس آیا آنچه را غیر از خدا فرامی‌خوانید دیده‌اید؟ اگر خدا می‌خواست مرا دچار آسیبی کند، آیا این‌ها می‌توانستند مرا از آسیب او آسوده کنند؟ یا اگر برای من مهری می‌خواست، آیا می‌توانستند آن را نزد خود نگه دارند؟»
قُلْ أَفَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَنِىَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوْ أَرَادَنِى بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَٰتُ رَحْمَتِهِۦ

بگو: «خدا مرا بس است؛
قُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ

کسانی که وکالت می‌دهند، به او وکالت می‌دهند.»[38]
عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ [38]

بگو: «ای قوم من، بر حسب جای خود عمل کنید، زیرا من نیز عمل می‌کنم؛
قُلْ يَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ

به‌زودی خواهید دانست که کیفری که او را شرمسار کند به چه کسی خواهد رسید، و کیفری که پابرجا می‌ماند بر چه کسی فرود خواهد آمد.»[39-40]

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ [39] مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ [40]

ما نوشتار را برای انسان‌ها به حقیقت بر تو فرود آوردیم؛

إِنَّآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ

هر که راهنمایی بپذیرد، برای خود او است؛

فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِۦ

و هر که گمراه شود، جز علیه خود گمراه نمی‌شود؛

وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

و تو برای آنان وکیل نیستی.[41]

وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ [41]

خدا خویشتن‌ها را به‌درستی در هنگام مرگشان نگه می‌دارد، و آنان را که هنوز نمرده‌اند در خوابشان؛

ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَٱلَّتِى لَمْ تَمُتْ فِى مَنَامِهَا

آنان را که مرگشان را مقرر کرده است نگه می‌دارد، و دیگران را تا سرآمدی نام‌برده بازمی‌فرستد؛

فَيُمْسِكُ ٱلَّتِى قَضَىٰ عَلَيْهَا ٱلْمَوْتَ وَيُرْسِلُ ٱلْأُخْرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که می‌اندیشند.[42]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [42]

یا غیر از خدا میانجی‌هایی برگرفته‌اند؟

أَمِ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَ

بگو: «حتی اگر هیچ چیز را مالک نیستند و خرد نمی‌ورزند؟»[43]

قُلْ أَوَلَوْ كَانُواْ لَا يَمْلِكُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَعْقِلُونَ [43]

بگو: «میانجی‌گری یکسره از آنِ خدا است؛

قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعًا

پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ او است؛

لَّهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

سپس به سوی او بازگردانده خواهید شد.»[44]

ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [44]

و چون خدا به تنهایی یادآوری می‌شود، هسته‌های کسانی که به زندگی واپسین باور نمی‌آورند از انزجار منقبض می‌شود؛

وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحْدَهُ ٱشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ

و چون کسانی که غیر از او هستند یادآوری می‌شوند، ناگاه شادمان‌اند.[45]

وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ [45]

بگو: «ای خدا، آغازگر آسمان‌ها و زمین، آنکه آنچه را فراتر از حواس است و آنچه را گواهی‌شده است می‌داند، تویی که میان فرمان‌برداران خود دربارهٔ آنچه در آن اختلاف داشتند داوری خواهی کرد.»[46]

قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ عَٰلِمَ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِى مَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [46]

و اگر ستمگران هر آنچه بر زمین است و همانند آن را با آن می‌داشتند، آن را در برابر کیفر بد، در روز حضور، باج می‌دادند؛

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفْتَدَوْاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

و آنچه به حساب نمی‌آوردند، از جانب خدا بر آنان آشکار خواهد شد.[47]

وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُواْ يَحْتَسِبُونَ [47]

و پیامدهای بد آنچه به دست آورده‌اند بر آنان آشکار خواهد شد،

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ

و آنچه را به مسخره می‌گرفتند بر آنان واقع خواهد شد.[48]

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [48]

چون آسیبی به انسان می‌رسد، ما را فرامی‌خواند؛ سپس چون از جانب خود دهشی به او عطا می‌کنیم، می‌گوید: «این به من جز به سبب دانشی داده نشده است.»

فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ

بلکه آزمونی است،

بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[49]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [49]

کسانی که پیش از ایشان بودند پیش‌تر آن را گفته‌اند، و آنچه به دست می‌آوردند آنان را به کاری نیامد.[50]

قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ [50]

پیامدهای بد آنچه به دست آورده‌اند بر آنان رسیده است؛

فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ

و بر ستمگران از میان اینان پیامدهای بد آنچه به دست آورده‌اند خواهد رسید، و نخواهند توانست او را ناتوان کنند.[51]

وَٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ [51]

پس آیا نمی‌دانند که خدا روزی را بر هر که پسند او افتد می‌گستراند و آن را اندازه می‌کند؟

أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که باور دارد.[52]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [52]

بگو: «ای فرمان‌برداران من که بر خود زیاده‌رو بوده‌اید، از مهر خدا ناامید مشوید؛

قُلْ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ

زیرا خدا همهٔ تقصیرها را می‌بخشاید؛

إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا

زیرا اوست بسیار بخشاینده، مهربان.»[53]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [53]

و به سوی سرپرست خود روی آورید و نزد او بی‌خدشه باشید، پیش از آنکه کیفر به شما برسد؛ آنگاه دیگر یاری نخواهید شد.[54]

وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ [54]

و از زیباترین آنچه از جانب سرپرست شما بر شما فرود آورده شده است پیروی کنید، پیش از آنکه کیفر ناگهان به شما برسد، بی آنکه آن را حس کنید — مبادا خویشتنی بگوید: «دریغا بر آنچه در حق خدا کوتاهی کردم، و بر اینکه بی‌گمان از ریشخندکنندگان بودم!» یا بگوید: «اگر خدا مرا راه نموده بود، از محتاطان می‌بودم»؛ یا چون کیفر را ببیند بگوید: «کاش تلافی‌ای می‌داشتم، از نیکی‌کنندگان می‌بودم.»[55–58]

وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ [55] أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ [56] أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِى لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُتَّقِينَ [57] أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِى كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ [58]

«چرا! نشانه‌های من به تو رسیدند، اما آن‌ها را دروغ انگاشتی، خودبزرگ‌بینی کردی، و از انکارکنندگان بودی.»[59]

بَلَىٰ قَدْ جَآءَتْكَ ءَايَٰتِى فَكَذَّبْتَ بِهَا وَٱسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ [59]

و در روز حضور، کسانی را که بر خدا دروغ گفته‌اند، سیاه‌چهره خواهی دید.

وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ

آیا در جهنم اقامتگاهی برای خودبزرگ‌بینان نیست؟[60]

أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ [60]

و خدا محتاطان را به کامیابی‌شان نجات می‌دهد؛ هیچ بدی به آنان نمی‌رسد، و اندوهگین نخواهند شد.[61]

وَيُنَجِّى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [61]

خدا آفرینندهٔ هر چیز است؛

ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَىْءٍ

و او بر هر چیز وکیل است.[62]

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ وَكِيلٌ [62]

سپرده‌های آسمان‌ها و زمین از آنِ او است؛

لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار می‌کنند، اینان زیان‌کارانند.[63]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [63]

بگو: «پس آیا به من دستور می‌دهید که از غیر از خدا فرمان ببرم، ای نادانان؟»[64]

قُلْ أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ تَأْمُرُوٓنِّىٓ أَعْبُدُ أَيُّهَا ٱلْجَٰهِلُونَ [64]

همانا برای تو و برای کسانی که پیش از تو بودند پرده برداشته شده است: «اگر انباز می‌گرفتی، کردارت بی‌گمان فرو می‌ریخت، و تو بی‌گمان از زیان‌کاران می‌بودی.»[65]

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [65]

بلکه از خدا فرمان ببر، و از شمار سپاس‌گزاران باش.[66]

بَلِ ٱللَّهَ فَٱعْبُدْ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ [66]

خدا را چنان که سزاوار اندازهٔ او است اندازه نگرفتند؛ همهٔ زمین در روز حضور در مشت او خواهد بود، و آسمان‌ها در دست راست او پیچیده خواهند شد.

وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦ وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطْوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦ

شکوه بر او باد، و او بسی بالاتر از آن است که با او انباز می‌گیرند.[67]

سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ [67]

و در شیپور دمیده خواهد شد، و هر که در آسمان‌ها و در زمین است صاعقه‌زده خواهد شد، مگر آنکه خدا را پسند افتد؛

وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُ

سپس بار دیگر در آن دمیده خواهد شد، و ناگاه ایستاده می‌نگرند.[68]

ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ [68]

و زمین با روشنایی سرپرستش درخشان خواهد شد؛ دفتر نهاده خواهد شد؛ اطلاع‌دهندگان و گواهان آورده خواهند شد؛ میان آنان به حقیقت فصل خواهد شد، و هیچ ستمی نخواهند دید.[69]

وَأَشْرَقَتِ ٱلْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ وَجِاْىٓءَ بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [69]

و هر خویشتن آنچه کرده است به‌درستی دریافت خواهد کرد، و او به آنچه می‌کنند داناتر است.[70]

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ [70]

و کسانی که انکار می‌کنند دسته‌دسته به سوی جهنم برده خواهند شد،

وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

تا آنگاه که به آن رسیدند، درهایش گشوده شود، و گماشتگانش به آنان گویند: «آیا فرستادگانی از میان خودتان نزد شما نیامدند، نشانه‌های سرپرست شما را بر شما برمی‌خواندند و شما را از روبه‌رو شدن با این روز هشدار می‌دادند؟»

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا

خواهند گفت: «چرا!» اما سخن کیفر بر کسانی که انکار می‌کردند به حقیقت پیوسته خواهد بود.[71]

قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ [71]

گفته خواهد شد: «از درهای جهنم وارد شوید، تا در آن جاودانه بمانید.»

قِيلَ ٱدْخُلُوٓاْ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا

چه بد اقامتگاهی است اقامتگاه خودبزرگ‌بینان![72]

فَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ [72]

و کسانی که از سرپرست خود محتاط بوده‌اند دسته‌دسته به سوی باغ برده خواهند شد،

وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ زُمَرًا

تا آنگاه که به آن رسیدند، در حالی که درهایش گشوده است، گماشتگانش به آنان گویند: «آرامش بر شما باد، نیک بودید — در آن وارد شوید تا جاودانه بمانید.»[73]

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَٱدْخُلُوهَا خَٰلِدِينَ [73]

و خواهند گفت: «ستایش از آنِ خدا است که وعدهٔ خود را به ما وفا کرد، و زمین را به ارث به ما داد، و ما را در باغ هر جا که پسند ما باشد جا می‌دهد؛ چه نیکو پاداشی است برای کوشندگان!»[74]

وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ [74]

و کارگزاران را خواهی دید که پیرامون بنا هستند، شکوه سرپرست خود را با ستایش او می‌سرایند؛

وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ

و میان آنان به حقیقت فصل خواهد شد،

وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ

و گفته خواهد شد: «ستایش از آنِ خدا است، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها.»[75]

وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [75]

VIII

# ص

## یادآوری: داوود، سلیمان، ایوب

سوره 38

دورهٔ استقرار با یک سوره آغاز می‌شود، که با ص و یک سوگند گشوده می‌شود: «به خوانشِ دارندهٔ یادآوری» (38:1). غوغا گذشته است؛ متن به سوی انکارکنندگان و به سوی فرستاده بازمی‌گردد، برای یادآوری‌ای. انکارکنندگان هنوز شگفت‌زده‌اند «که هشداردهنده‌ای از میان خودشان نزدشان آمده است» (38:4)، و ائتلافشان دیگر «جز سپاهی نیست، در میان گروه‌ها، سپرده به شکست» (38:11). در برابر، مردانی به او معرفی می‌شوند که قدرت و آزمون را تاب آوردند و پیوسته روی بازآوردند: داوود، پادشاه و داور؛ سلیمان، که باد و منحرف‌کنندگان برای او رام شده‌اند؛ ایوب، که گرفتار شد و سپس به کسانش بازگردانده شد. نخستین داور انسانیِ این مسیر این‌جا پدیدار می‌شود، با فرمانی که پایهٔ دادگری شهر خواهد بود: «پس میان مردم به حقیقت داوری کن، و از هیجان پیروی مکن» (38:26). سوره با خاستگاه بسته می‌شود: انسانِ از گل، و ابلیس که از پیشانی بر خاک نهادن سر باز می‌زند.

### مرحله ۱ · یادآوری، سپاهیان خدا و فرستاده

دورهٔ استقرار با یادآوری‌ای گشوده می‌شود. ائتلافی که از پیش به شکست سپرده شده است فرستاده را چشم‌بندباز می‌خواند، و او فرمان می‌یابد که شکیبا باشد و کسانی را که پیش از او بودند به یاد آورد. داوود پادشاهی و فرزانگی را دریافت می‌کند، سپس فرمان می‌یابد که به حقیقت داوری کند و از هیجان پیروی نکند؛ سلیمان و ایوب آزموده می‌شوند و روی بازمی‌آورند. ملکهٔ سبا در ادامه همان قدرتِ بی‌هیجان را نشان خواهد داد، آنگاه که به دربار خود می‌گوید: «دربارهٔ کار من به من نظر دهید» (27:32). او دربارهٔ خود تنها یک چیز می‌گوید: «من جز هشداردهنده‌ای نیستم» (38:65).

### آنچه بر مردم می‌گذرد

کشمکشی که نزد داوود می‌آید دعوایی راستین است، دعوای نیرومند با ناتوان: برادری نود و نه میش دارد، دیگری تنها یکی، و توانگر آن را می‌خواهد. داوود داوری می‌کند: «او همانا با خواستن میش تو برای افزودن آن به میش‌های خود بر تو ستم کرده است» (38:24)، و می‌افزاید که بسیاری از کسانی که کارهای خود را درمی‌آمیزند بر یکدیگر تعدی می‌کنند. آرامش در این‌جا از راه داوری می‌گذرد: دو طرف دعوا خود می‌خواهند که میانشان «به حقیقت داوری کن، بی افراط» (38:22) انجام شود. ایوب، که در تن خود آزموده شد، خانواده‌اش را بازمی‌یابد: «و ما کسانش را به او عطا کردیم، و همانند آنان را با ایشان» (38:43).

---

*صاد (38:1)، سپس: «به خوانشِ دارندهٔ یادآوری» (38:1).*

# ص • SAD

سوره 38 · 88 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

صٓ (صاد).

صٓ

به خوانشِ دارندهٔ یادآوری،[1]

وَٱلْقُرْءَانِ ذِى ٱلذِّكْرِ [1]

نه! کسانی که انکار می‌کنند در نیرو و گسست‌اند.[2]

بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ [2]

چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم! فریاد برآوردند، اما دیگر زمان رهایی نبود.[3]

كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا۟ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ [3]

و شگفت‌زده شدند که هشداردهنده‌ای از میان خودشان نزدشان آمده است،

وَعَجِبُوٓا۟ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ

و انکارکنندگان گفتند: «این چشم‌بند است، دروغ‌گویی بزرگ. آیا ایزدان را ایزدی یگانه ساخته است؟ این بی‌گمان چیزی شگفت است!»[4–5]

وَقَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٌ كَذَّابٌ [4] أَجَعَلَ ٱلْءَالِهَةَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عُجَابٌ [5]

و دربار، از میان آنان، روانه شد و می‌گفت: «بروید، و بر ایزدان خود استوار بمانید! این بی‌گمان چیزی خواسته‌شده است. ما چنین چیزی در آموزهٔ واپسین نشنیده‌ایم؛ این جز آفرینشی ساختگی نیست. آیا یادآوری، از میان همهٔ ما، بر او فرود می‌آمد؟»[6-7]

وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ [6] مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَاقٌ [7] أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَا

نه، آنان دربارهٔ یادآوری من در حیرت‌اند؛ نه، هنوز کیفر مرا نچشیده‌اند.[8]

بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۖ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ [8]

یا خزانه‌های مهر سرپرست تو، نیرومند، عطاکننده، نزد آنان است؟[9]

أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَحۡمَةِ رَبِّكَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡوَهَّابِ [9]

یا پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است از آنِ آنان است؟

أَمۡ لَهُم مُّلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ

پس با ابزارها بالا روند![10]

فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ [10]

این جز سپاهی نیست، در میان گروه‌ها، سپرده به شکست.[11]

جُندٞ مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ [11]

پیش از ایشان، قوم نوح، عاد، فرعونِ دارندهٔ میخ‌ها، ثمود، قوم لوط، و همراهان بیشه دروغ انگاشتند.[12]

كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ [12] وَثَمُودُ وَقَوۡمُ لُوطٖ وَأَصۡحَٰبُ لۡـَٔيۡكَةِۖ

آنان گروه‌ها هستند.[13]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَحۡزَابُ [13]

هر یک از آنان جز آنکه فرستادگان را دروغ انگاشت، کاری نکرد؛ پس تنبیه من به حقیقت پیوست.[14]

إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ [14]

و اینان جز یک فریاد را انتظار نمی‌برند، بی هیچ درنگ.[15]

وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ [15]

و گفتند: «ای سرپرست ما، سهم ما را پیش از روز حساب شتاب ده.»[16]

وَقَالُواْ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْحِسَابِ [16]

بر آنچه می‌گویند شکیبایی کن،

ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

و فرمان‌بردار ما داوود را به یاد آور، دارای نیرو،

وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ

زیرا او پیوسته بازمی‌گشت.[17]

إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ [17]

ما کوه‌ها را رام کردیم تا با او شکوه او را بسرایند، شامگاه و سپیده‌دم، و پرندگان گردآمده را نیز:[18]

إِنَّا سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِشْرَاقِ [18] وَٱلطَّيْرَ مَحْشُورَةً

هر یک از آنان پیوسته به سوی او بازمی‌گشت.[19]

كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ [19]

و ما پادشاهی او را استوار کردیم و فرزانگی و مهارتِ جداکننده را به او دادیم.[20]

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُۥ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ وَفَصْلَ ٱلْخِطَابِ [20]

و آیا اطلاع دربارهٔ دو طرف دعوا به تو رسیده است، آنگاه که از نیایشگاه بالا رفتند، آنگاه که نزد داوود درآمدند و او از آنان ترسید؟ گفتند: «مترس؛[21]

وَهَلۡ أَتَىٰكَ نَبَؤُاْ ٱلۡخَصۡمِ إِذۡ تَسَوَّرُواْ ٱلۡمِحۡرَابَ [21] إِذۡ دَخَلُواْ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنۡهُمۡۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡ

ما دو طرف دعوا هستیم، یکی از ما بر دیگری تعدی کرده است؛ پس میان ما به حقیقت داوری کن، بی افراط،

خَصۡمَانِ بَغَىٰ بَعۡضُنَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فَٱحۡكُم بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَلَا تُشۡطِطۡ

و ما را به میانهٔ جاده راه نمای.»[22]

وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ [22]

«این برادر من است؛ نود و نه میش دارد، و من یک میش. گفت: ‹آن را به من بسپار›، و در مهارت بر من چیره شد.»[23]

إِنَّ هَٰذَآ أَخِي لَهُۥ تِسۡعٞ وَتِسۡعُونَ نَعۡجَةٗ وَلِيَ نَعۡجَةٞ وَٰحِدَةٞ فَقَالَ أَكۡفِلۡنِيهَا وَعَزَّنِي فِي ٱلۡخِطَابِ [23]

گفت: «او همانا با خواستن میش تو برای افزودن آن به میش‌های خود بر تو ستم کرده است؛

قَالَ لَقَدۡ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعۡجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦۖ

و بسیاری از کسانی که کارهای خود را درمی‌آمیزند بی‌گمان بر یکدیگر تعدی می‌کنند، مگر کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند —

وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡخُلَطَآءِ لَيَبۡغِي بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ

و آنان بسیار اندک‌اند.»

وَقَلِيلٞ مَّا هُمۡ

و داوود گمان برد که ما او را آزموده‌ایم؛ از سرپرست خود بخشایش خواست، خم‌شده فرو افتاد، و به سوی او روی آورد.[24]

وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسۡتَغۡفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعٗا وَأَنَابَ [24]

پس آن را بر او بخشودیم؛

فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ

و او بی‌گمان نزد ما مرتبه‌ای نزدیک و جایگاه بازگشتی نیکو دارد.[25]

وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ [25]

«ای داوود، ما تو را جانشینی در زمین قرار دادیم؛ پس میان مردم به حقیقت داوری کن، و از هیجان پیروی مکن، که تو را از راه خدا گمراه کند،

يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِى ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

زیرا کسانی که از راه خدا گمراه می‌شوند، به سبب آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، کیفری سخت خواهند داشت.»[26]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا نَسُوا۟ يَوْمَ ٱلْحِسَابِ [26]

ما آسمان، زمین و آنچه میان آن‌ها است را بیهوده نیافریدیم.

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَٰطِلًا

چنین است گمان کسانی که انکار می‌کنند؛

ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

پس وای بر کسانی که انکار می‌کنند، به سبب آتش![27]

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنَ ٱلنَّارِ [27]

یا کسانی را که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند چون تباهی‌گران در زمین قرار می‌دادیم؟

أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلْمُفْسِدِينَ فِى ٱلْأَرْضِ

یا محتاطان را چون بدکاران قرار می‌دادیم؟[28]

أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ [28]

این نوشتاری خجسته است که به سوی تو فرود آوردیم، تا در نشانه‌های آن تأمل کنند و دارندگان خرد به یاد آورند.[29]

كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ [29]

و ما سلیمان را به داوود عطا کردیم —

وَوَهَبۡنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيۡمَٰنَ

چه نیکو فرمان‌برداری،

نِعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ

زیرا او پیوسته بازمی‌گشت![30]

إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ [30]

آنگاه که شامگاه اسبان اصیل ایستاده بر او عرضه شدند، گفت: «من همانا دوستی نیکی را به‌سبب یادآوری سرپرستم دوست داشتم»، تا آنکه در پس پرده ناپدید شدند.[31-32]

إِذۡ عُرِضَ عَلَيۡهِ بِٱلۡعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلۡجِيَادُ [31] فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ [32]

«آن‌ها را نزد من بازگردانید!» و شروع کرد به نوازش ساق‌ها و گردن‌هایشان.[33]

رُدُّوهَا عَلَيَّۖ فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ [33]

و ما همانا سلیمان را آزمودیم: بر کرسی او پیکری افکندیم؛ سپس به سوی ما روی آورد.[34]

وَلَقَدۡ فَتَنَّا سُلَيۡمَٰنَ وَأَلۡقَيۡنَا عَلَىٰ كُرۡسِيِّهِۦ جَسَدٗا ثُمَّ أَنَابَ [34]

گفت: «ای سرپرست من، مرا بخش، و پادشاهی‌ای به من عطا کن که پس از من برای هیچ‌کس شایسته نخواهد بود؛

قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓ

زیرا تویی عطاکننده.»[35]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ [35]

آنگاه باد را برای او رام کردیم، به دستور او نرم روان، هر جا که قصد می‌کرد؛ و منحرف‌کنندگان را نیز، هر سازنده و غواص، و دیگرانی، با هم در بندها بسته‌شده.[36-38]

فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً حَيْثُ أَصَابَ 36 وَٱلشَّيَٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ 37 وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِى ٱلْأَصْفَادِ 38

«این است عطیهٔ ما: از آن ببخش یا نگه دار، بی آنکه حسابی پس دهی.»[39]

هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ 39

و او بی‌گمان نزد ما مرتبه‌ای نزدیک و جایگاه بازگشتی نیکو دارد.[40]

وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ 40

و فرمان‌بردار ما ایوب را به یاد آور، آنگاه که سرپرست خود را ندا داد: «منحرف‌کننده مرا به خستگی و کیفر رسانده است.»[41]

وَٱذْكُرْ عَبْدَنَآ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَسَّنِىَ ٱلشَّيْطَٰنُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ 41

«با پای خود بدو:

ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ

این است آبی خنک برای شست‌وشو و نوشیدن.»[42]

هَٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ 42

و ما کسانش را به او عطا کردیم، و همانند آنان را با ایشان، از سر مهر از جانب ما، و چون یادآوری برای دارندگان خرد.[43]

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ 43

«و در دست خود دسته‌ای بگیر، با آن بزن، و سوگند خود را مشکن.»

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَٱضْرِب بِّهِۦ وَلَا تَحْنَثْ

او را شکیبا یافتیم،

إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا

چه نیکو فرمان‌برداری،
نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ

زیرا او پیوسته بازمی‌گشت![44]
إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ [44]

و فرمان‌برداران ما ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به یاد آور، دارای نیرو و بینایی.[45]
وَٱذْكُرْ عِبَٰدَنَآ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ أُو۟لِى ٱلْأَيْدِى وَٱلْأَبْصَٰرِ [45]

ما آنان را به چیزی پالوده پالودیم: یادآوری جایگاه.[46]
إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ [46]

و آنان بی‌گمان نزد ما از برگزیدگان، از بهترین‌ها هستند.[47]
وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ ٱلْأَخْيَارِ [47]

و اسماعیل، الیسع و ذوالکفل را به یاد آور،
وَٱذْكُرْ إِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَذَا ٱلْكِفْلِ

و هر یک از آنان از بهترین‌ها است.[48]
وَكُلٌّ مِّنَ ٱلْأَخْيَارِ [48]

این یادآوری است.
هَٰذَا ذِكْرٌ

و محتاطان بی‌گمان جایگاه بازگشتی نیکو دارند:[49]
وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَـَٔابٍ [49]

باغ‌های پایایی، که درهایش به روی آنان گشوده خواهد شد، که در آن تکیه‌داده، مزه‌هایی فراوان و نوشیدنی‌ها درخواست خواهند کرد.[50-51]
جَنَّٰتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ ٱلْأَبْوَٰبُ [50] مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ [51]

و در کنار خود همدمانی خواهند داشت با نگاه‌های بازداشته، بارور و هم‌تبار.[52]

وَعِندَهُمْ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ أَتْرَابٌ [52]

این است آنچه برای روز حساب به آنان وعده داده می‌شود.(52) [53]

هَٰذَا مَا يُوعَدُونَ لِيَوْمِ ٱلْحِسَابِ [53] (52)

این بی‌گمان روزی ما است که فرسودگی نمی‌شناسد.[54]

إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ [54]

این است. و کسانی که از هر حدی می‌گذرند بی‌گمان بدترین جایگاه بازگشت را خواهند داشت: جهنم، که در آن می‌سوزند،[55]

هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٍ [55] جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

چه زشت است بستری![56]

فَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ [56]

این است: آن را بچشند — آبی جوشان، مایعی بدبو، و دیگرانی از همان گونه، جفت‌جفت.(53) [57–58]

هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ [57] وَأُخَرُ مِن شَكْلِهِۦٓ أَزْوَٰجٌ [58] (53)

«این گروهی است که با شما هجوم می‌آورد.»

هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ

«هیچ خوشامدی برای آنان نیست،

لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ

زیرا در آتش خواهند سوخت!»[59]

إِنَّهُمْ صَالُوا۟ ٱلنَّارِ [59]

خواهند گفت: «بلکه شمایید! هیچ خوشامدی برای شما نیست! شمایید که این را برای ما پیش آوردید.

قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَا

چه پناهگاه زشتی!»[60]

فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ [60]

خواهند گفت: «ای سرپرست ما، هر که این را برای ما پیش آورد، کیفری دوچندان در آتش بر او بیفزا.»[61]

قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ [61]

و خواهند گفت: «ما را چه شده که مردانی را که از بدان می‌شمردیم نمی‌بینیم؟[62]

وَقَالُواْ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالٗا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلۡأَشۡرَارِ [62]

آیا آنان را به ریشخند گرفته بودیم، یا بینایی‌هایمان از آنان کج شده است؟»[63]

أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا أَمۡ زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ [63]

این بی‌گمان درست است: چنین است کشمکش مردمِ آتش.[64]

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقّٞ تَخَاصُمُ أَهۡلِ ٱلنَّارِ [64]

بگو: «من جز هشداردهنده‌ای نیستم،

قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٞ

و هیچ ایزدی نیست مگر خدا، یگانه، چیره‌گر،[65]

وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ [65]

سرپرست آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است،

رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا

نیرومند، بخشایندهٔ بزرگ.»[66]

ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ [66]

بگو: «این اطلاعی سترگ است، که شما از آن روی می‌گردانید:[67-68]

قُلۡ هُوَ نَبَؤٌا عَظِيمٌ [67] أَنتُمۡ عَنۡهُ مُعۡرِضُونَ [68]

مرا از دربار والا، آنگاه که کشمکش می‌کرد، هیچ دانشی نبود؛[69]

مَا كَانَ لِيَ مِنۡ عِلۡمِۭ بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ [69]

برای من جز این پرده برداشته نمی‌شود: من هشداردهنده‌ای صریحم.»[70]

إِن يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ [70]

آنگاه که سرپرست تو به کارگزاران گفت: «من آدمی از گل خواهم آفرید؛ چون او را شکل داده باشم و از جریان من در او دمیده باشم، در برابر او خم شوید، پیشانی بر خاک نهاده.»[71-72]

إِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن طِينٖ [71] فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ [72]

آنگاه کارگزاران، همه با هم، پیشانی بر خاک نهادند، مگر ابلیس: خودبزرگ‌بینی کرد و از انکارکنندگان بود.[73-74]

فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ [73] إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ [74]

گفت: «ای ابلیس، چه چیز تو را بازداشت که در برابر آنچه با دو دست خود آفریدم پیشانی بر خاک نهی؟ آیا خودبزرگ‌بینی کردی، یا از برافراشتگان بودی؟»[75]

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ [75]

گفت: «من از او بهترم: تو مرا از آتش آفریدی، و او را از گل آفریدی.»[76]

قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ [76]

گفت: «پس از اینجا بیرون شو، زیرا تو رانده‌شده‌ای، و نفرین من همانا تا روز سررسید بر تو است.»[77-78]

قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ [77] وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ [78]

او گفت: «ای سرپرست من، پس مرا مهلت ده تا روزی که برانگیخته شوند.»[79]

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ [79]

او گفت: «تو از کسانی هستی که به آنان مهلت داده شده است، تا روز هنگام شناخته‌شده.»[80-81]

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ [80] إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ [81]

گفت: «به نیروی تو، بی‌گمان همگی را سرگشته خواهم کرد، مگر فرمان‌برداران پالودهٔ تو از میان آنان.»[82-83]

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ [82] إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ [83]

گفت: «پس این است حقیقت — و من حقیقت می‌گویم:[84]

قَالَ فَٱلۡحَقَّ وَٱلۡحَقَّ أَقُولُ [84]

جهنم را بی‌گمان از تو و از همهٔ کسانی از میان آنان که از تو پیروی کرده باشند پر خواهم کرد.»[85]

لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ أَجۡمَعِينَ [85]

بگو: «من از شما برای این هیچ پاداشی نمی‌خواهم، و از کسانی نیستم که خود را آنچه نیستند وانمود می‌کنند.[86]

قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ [86]

این جز یادآوری برای همهٔ هستی‌ها نیست،[87]

إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ [87]

و شما بی‌گمان اطلاع آن را پس از زمانی خواهید دانست.»[88]

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍ [88]



VII

# یس

## کارگزاران، سپس فرستاده

سوره‌ها 37 تا 36

معرفی ادامه می‌یابد: پس از مردانِ یادآوری، سپاهیان خدا به فرستاده معرفی می‌شوند، سپس خود او معرفی می‌شود. سورهٔ 37 با «به صف‌بندان در صف‌ها» (37:1) گشوده می‌شود، که می‌غرند و یادآوری را برمی‌خوانند، زیر آسمانی پاسداری‌شده که منحرف‌کنندگانِ سرکش در آن «نمی‌توانند به دربار والا گوش دهند» (37:8). سپس فرستادگان از پی هم می‌گذرند، نوح، ابراهیم، موسی و هارون، الیاس، لوط و یونس، هر یک رهایی‌یافته، سپس با همان آرامش درودگفته. به کسانی که برای خدا دختران قائل‌اند، خود کارگزاران پاسخ می‌دهند که هر یک جایگاهی شناخته دارند، و سخنِ پیشین فرود می‌آید: «ایشانند یاری‌شدگان، و سپاه ما بی‌گمان پیروزمند است» (37:173). سورهٔ 36 به سوی او روی می‌آورد، «تو بی‌گمان از شمار فرستادگانی» (36:3)، و شهری را به او نشان می‌دهد که دو فرستادهٔ نیرویافته با سومی را دروغ می‌انگارد، و مردی را که از دورترین سوی پایتخت شتابان می‌آید تا از آنان دفاع کند. بر این شهر، هیچ سپاهی از آسمان فرود نمی‌آید: تنها یک بانگ.

### مرحله 1 · یادآوری، سپاهیان خدا و فرستاده

سپاهیان خدا به فرستاده معرفی می‌شوند: کارگزارانِ صف‌بسته که شکوه می‌سرایند، و فرستادگانِ پیش از او، که هر یک یاری شده و با آرامش درود گفته شده است. سخن یک‌بار برای همیشه داده می‌شود: «ایشانند یاری‌شدگان، و سپاه ما بی‌گمان پیروزمند است» (37:171-173). سپس خود فرستاده معرفی می‌شود، از شمار فرستادگان، بر جاده‌ای راست. در شهری که دروغ می‌انگارد، دو فرستاده با سومی نیرو می‌گیرند، و مردی از دورترین سوی پایتخت شتابان می‌آید تا از آنان دفاع کند.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

ابراهیم کسانش را ترک می‌کند، «من به سوی سرپرستم می‌روم، او مرا راه خواهد نمود» (37:99)، سپس دربارهٔ رؤیایش با پسرش رایزنی می‌کند، «پس بنگر چه نظر داری» (37:102)، و خدا کودک را بازمی‌خرد. یونس به سوی کشتیِ پربار می‌گریزد، سپس به سوی قومی صدهزارنفری یا بیشتر فرستاده می‌شود، که باور می‌آورند. کسانی که دختران را به خدا نسبت می‌دهند پسران را برای خود نگه می‌دارند: «آیا او دختران را بر پسران برمی‌گزید؟» (37:153). چون از انکارکنندگان خواسته می‌شود که هزینه کنند، پاسخ می‌دهند: «آیا کسی را خوراک بدهیم که اگر خدا را پسند می‌افتاد، خود او خوراکش می‌داد؟» (36:47). آرامش هنوز جز درودی نیست که بر هر فرستاده نهاده می‌شود، «و آرامش بر فرستادگان بادا!» (37:181)، و دادگری چشم به راه روزی است که در آن «هیچ خویشتنی کمترین ستمی نخواهد دید» (36:54).

---

*یا سین (36:1)، سپس: «به خوانش سرشار از فرزانگی، تو بی‌گمان از شمار فرستادگانی» (36:2-3).*

# الصافات • AS-SAFFAT

سوره 37 · 182 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

به صف‌بندان در صف‌ها، به غرندگان با نیرو، به برخوانندگان یادآوری: ایزد شما بی‌گمان یگانه است،[1-4]

وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفًّا [1] فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجْرًا [2] فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكْرًا [3] إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَٰحِدٌ [4]

سرپرست آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است، و سرپرست خاورها.[5]

رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ ٱلْمَشَٰرِقِ [5]

ما نزدیک‌ترین آسمان را به آرایش ستارگان آراستیم،[6] **(54)**

إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِزِينَةٍ ٱلْكَوَاكِبِ [6] **(54)**

و آن را از هر منحرف‌کنندهٔ سرکش محفوظ داشتیم،[7]

وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَٰنٍ مَّارِدٍ [7]

که نمی‌توانند به دربار والا گوش دهند، و از هر سو سنگ‌باران می‌شوند،[8]

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ [8]

به سختی رانده‌شده؛

دُحُورًا

و کیفری پیوسته دارند — مگر کسی که پاره‌ای را برباید: آنگاه پرتابه‌ای شعله‌ور و شکافنده او را دنبال می‌کند.[9-10]

وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ [9] إِلَّا مَنْ خَطِفَ ٱلْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ ثَاقِبٌ [10]

پس از آنان نظر بخواه: آیا آفریدن آنان دشوارتر است یا کسانی که ما آفریده‌ایم؟
فَٱسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَآ

ما همانا آنان را از گلی چسبنده آفریده‌ایم.[11]
إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ [11]

اما تو شگفت‌زده می‌شوی، و آنان ریشخند می‌کنند؛[12]
بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ [12]

و چون به آنان یادآوری می‌شود، به یاد نمی‌آورند؛[13]
وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذْكُرُونَ [13]

و چون نشانه‌ای می‌بینند، بر ریشخند می‌افزایند،[14]
وَإِذَا رَأَوْاْ ءَايَةً يَسْتَسْخِرُونَ [14]

و می‌گویند: «این جز چشم‌بندی آشکار نیست. آیا چون مرده باشیم، زمین و استخوان، واقعاً برانگیخته خواهیم شد؟ و نیاکان نخستین ما نیز؟»[15-17]
وَقَالُوٓاْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ [15] أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ [16] أَوَءَابَآؤُنَا ٱلْأَوَّلُونَ [17]

بگو: «آری، و شما پیشانی بر خاک نهاده خواهید شد.»[18]
قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَٰخِرُونَ [18]

این جز یک غرش نخواهد بود، و ناگاه می‌نگرند،[19]
فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ [19]

و خواهند گفت: «وای بر ما، این است روز سررسید!»[20]
وَقَالُواْ يَٰوَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ ٱلدِّينِ [20]

«این است روز جداسازی، که دروغ می‌انگاشتید.»[21]
هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ [21]

«کسانی را که ستمگر بوده‌اند، همسرانشان، و آنچه را غیر از خدا از آن فرمان می‌بردند گرد آورید، سپس آنان را به جادهٔ کوره راه نمایید،[22-23]

ٱحْشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزْوَٰجَهُمْ وَمَا كَانُواْ يَعْبُدُونَ 22 مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْجَحِيمِ 23

و آنان را بازدارید: همانا از آنان پرسیده خواهد شد.»[24]

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْـُٔولُونَ 24

«شما را چه شده که یکدیگر را یاری نمی‌رسانید؟»[25]

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ 25

نه، امروز، آنان تسلیم شده‌اند.[26]

بَلْ هُمُ ٱلْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ 26

و روبه‌روی یکدیگر می‌ایستند، از هم می‌پرسند.[27]

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ 27

می‌گویند: «شما بودید که از راست به ما نزدیک می‌شدید.»[28]

قَالُوٓاْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ ٱلْيَمِينِ 28

می‌گویند: «نه، بلکه شما باورمند نبودید؛[29]

قَالُواْ بَل لَّمْ تَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ 29

ما بر شما هیچ سلطه‌ای نداشتیم — بلکه شما قومی بودید که از هر حدی می‌گذشت.[30]

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ 30

پس سخن سرپرست ما بر ما به حقیقت پیوست: بی‌گمان خواهیم چشید. ما شما را سرگشته کردیم — خود نیز سرگشته بودیم.»[31-32]

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَآ إِنَّا لَذَآئِقُونَ 31 فَأَغْوَيْنَٰكُمْ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ 32

آن روز، همانا در کیفر انباز شمرده می‌شوند.[33]

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ [33]

ما با کنارگذاشته‌شدگان چنین رفتار می‌کنیم.[34]

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِٱلْمُجْرِمِينَ [34]

هنگامی که به آنان گفته می‌شد: «هیچ ایزدی نیست مگر خدا»، خودبزرگ‌بینی می‌کردند و می‌گفتند: «آیا واقعاً ایزدان خود را برای لفّاظِ فریبنده‌ای دچار اختلال رها کنیم؟»[35-36]

إِنَّهُمْ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ [35] وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ [36]

نه، او با حقیقت آمد و فرستادگان را راست‌گو دانست.[37]

بَلْ جَآءَ بِٱلْحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلْمُرْسَلِينَ [37]

شما بی‌گمان کیفر دردناک را خواهید چشید،[38]

إِنَّكُمْ لَذَآئِقُواْ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَلِيمِ [38]

و شما مگر به آنچه می‌کردید بازپرداخت نخواهید شد — مگر فرمان‌برداران پالودهٔ خدا:[39-40]

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [39] إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ [40]

آنان روزی معلوم دارند، مزه‌ها،[41]

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ [41] فَوَٰكِهُ

و در باغ‌های دهش، بر نشیمن‌گاه‌ها، روبه‌روی یکدیگر، گرامی داشته می‌شوند.[42-44]

وَهُم مُّكْرَمُونَ [42] فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ [43] عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَٰبِلِينَ [44]

در میان آنان جامی از آب چشمه گردانده خواهد شد، سپید، گوارا برای نوشندگان، بی سردرد و بی آنکه از آن مست شوند،[45-47]

يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ [45] بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ [46] لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ [47]

و در کنار خود همدمانی خواهند داشت با نگاه‌های بازداشته، پشتیبان، چون تخم‌هایی که نیک پوشیده شده‌اند.[48-49]

وَعِندَهُمْ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ عِينٌ [48] كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ [49]

و روبه‌روی یکدیگر می‌ایستند، از هم می‌پرسند.[50]

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ [50]

یکی از آنان گفت: «من همراهی داشتم که می‌گفت: ‹آیا تو واقعاً از کسانی هستی که آن را راست‌گو می‌دانند؟ چون مرده باشیم، زمین و استخوان، آیا واقعاً وامدار خواهیم بود؟›»[51-53]

قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّى كَانَ لِى قَرِينٌ [51] يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ [52] أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ [53]

گفت: «آیا می‌خواهید بنگرید؟» آنگاه نگریست و او را در میان کوره دید.[54-55]

قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ [54] فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ [55]

گفت: «به خدا، تو بی‌گمان نزدیک بود مرا به سقوط بکشانی؛ و اگر دهش سرپرستم نبود، از آورده‌شدگان می‌بودم.[56-57]

قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ [56] وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ [57]

پس آیا ما جز مرگ نخستین خود نخواهیم مرد، و کیفر داده نخواهیم شد؟»[58-59]

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ [58] إِلَّا مَوْتَتَنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ [59]

این است بی‌گمان کامیابی سترگ![60]

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [60]

برای چیزی مانند این باید کوشندگان بکوشند.[61]

لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ [61]

آیا این پذیرایی بهتری است، یا درخت زقوم؟[62]

أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ [62]

ما همانا آن را آزمونی برای ستمگران قرار دادیم:[63]

إِنَّا جَعَلْنَٰهَا فِتْنَةً لِّلظَّٰلِمِينَ [63]

درختی است که در ریشهٔ کوره بیرون می‌آید، غلاف‌هایش به سرهای منحرف‌کنندگان می‌ماند.[64-65]

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِىٓ أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ [64] طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ [65]

آنان بی‌گمان از آن خواهند خورد و شکم خود را از آن پر خواهند کرد؛ سپس بی‌گمان بر آن آمیزه‌ای از آب جوشان خواهند داشت.[66-67]

فَإِنَّهُمْ لَءَاكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ [66] ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ [67]

سپس بازگشتشان بی‌گمان به سوی کوره خواهد بود.[68]

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ [68]

آنان همانا نیاکان خود را گمراه یافتند، و به دنبال ردپاهایشان شتافتند.[69-70]

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا۟ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ [69] فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ [70]

و پیش از آنان، بیشتر پیشینیان همانا گمراه شده بودند،[71]

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ [71]

و ما همانا به سوی آنان هشداردهندگانی فرستاده بودیم.[72]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ [72]

پس بنگر فرجام کسانی که هشدار داده شدند چگونه بود — مگر فرمان‌برداران پالودهٔ خدا.[73-74]

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ [73] إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ [74]

و نوح همانا ما را ندا داد،

وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ

و چه نیکو پاسخ‌دهنده‌ای هستیم ما![75]
فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ [75]

و ما او و کسانش را از تنگنای سترگ رهانیدیم،[76]
وَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ [76]

و تبار او را ماندگاران قرار دادیم.[77]
وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلْبَاقِينَ [77]

و بر او، در میان نسل‌های پسین، باقی گذاشتیم:[78]
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ [78]

«آرامش بر نوح باد، در میان همهٔ هستی‌ها!»[79]
سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ [79]

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[80]
إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ [80]

او از فرمان‌برداران باورمند ما بود.[81]
إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ [81]

سپس دیگران را غرق کردیم.[82]
ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ [82]

و ابراهیم بی‌گمان از گروه او بود، آنگاه که با هسته‌ای دست‌نخورده نزد سرپرستش آمد، و به پدر و قوم خود گفت: «از چه فرمان می‌برید؟[83-85]
وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِۦ لَإِبْرَٰهِيمَ [83] إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ [84] إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَاذَا تَعْبُدُونَ [85]

آیا جعل می‌خواهید، ایزدانی غیر از خدا؟[86]
أَئِفْكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ [86]

پس گمان شما دربارهٔ سرپرست همهٔ هستی‌ها چیست؟»[87]

فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [87]

نگاهی به ستارگان افکند و گفت: «من رنجورم»؛ آنگاه به او پشت کردند و رفتند.[88-90]

فَنَظَرَ نَظۡرَةٗ فِي ٱلنُّجُومِ [88] فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٞ [89] فَتَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ مُدۡبِرِينَ [90]

آنگاه پنهانی به سوی ایزدان آنان رفت و گفت: «آیا نمی‌خورید؟ شما را چه شده که سخنی بر زبان نمی‌آورید؟»[91-92]

فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ فَقَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ [91] مَا لَكُمۡ لَا تَنطِقُونَ [92]

آنگاه بر آنان روی آورد و با دست راست زد؛ سپس شتابان به سوی او آمدند.[93-94]

فَرَاغَ عَلَيۡهِمۡ ضَرۡبَۢا بِٱلۡيَمِينِ [93] فَأَقۡبَلُوٓاْ إِلَيۡهِ يَزِفُّونَ [94]

گفت: «آیا از آنچه می‌تراشید فرمان می‌برید، در حالی که خدا شما را و آنچه می‌سازید آفریده است؟»[95-96]

قَالَ أَتَعۡبُدُونَ مَا تَنۡحِتُونَ [95] وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا تَعۡمَلُونَ [96]

گفتند: «برایش ساختمانی بسازید و او را در کوره بیفکنید!» خواستند به این‌سان با نیرنگ به او آسیب رسانند، اما ما آنان را پست‌ترین قرار دادیم.[97-98]

قَالُواْ ٱبۡنُواْ لَهُۥ بُنۡيَٰنٗا فَأَلۡقُوهُ فِي ٱلۡجَحِيمِ [97] فَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَسۡفَلِينَ [98]

و گفت: «من به سوی سرپرستم می‌روم، او مرا راه خواهد نمود.[99]

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهۡدِينِ [99]

ای سرپرست من، از شایستگان یکی را به من عطا کن.»[100]

رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [100]

آنگاه او را به پسری بردبار مژده دادیم.[101]

فَبَشَّرۡنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ [101]

و چون به سنی رسید که با او بکوشد، گفت: «ای پسرک من، در خواب می‌بینم که تو را سر می‌برم؛ پس بنگر چه نظر داری.»

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰ

گفت: «ای پدر من، آنچه به تو دستور داده شده است انجام بده؛

قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُ

اگر خدا را پسند افتد، مرا از شکیبایان خواهی یافت.»[102]

سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ [102]

و چون هر دو نزد خدا بی‌خدشه شدند و او را بر شقیقه خوابانید، ما او را ندا دادیم: «ای ابراهیم، تو رؤیا را تأیید کردی.»[103-104]

فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ [103] وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ [104] قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[105]

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ [105]

این بی‌گمان همان آزمون آشکار بود.[106]

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ [106]

و ما او را در برابر سربریدنی بزرگ بازخریدیم.[107]

وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ [107]

و بر او، در میان نسل‌های پسین، باقی گذاشتیم:[108]

وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ [108]

«آرامش بر ابراهیم بادا!»[109]

سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ [109]

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[110]

كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ [110]

او از فرمان‌برداران باورمند ما بود.[111]

إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ [111]

و ما اسحاق را به او مژده دادیم، اطلاع‌دهنده‌ای از شایستگان، و او و اسحاق را خجسته گرداندیم.[112]

وَبَشَّرْنَٰهُ بِإِسْحَٰقَ نَبِيًّا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [112] وَبَٰرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰٓ إِسْحَٰقَ

و از تبار آنان کسی هست که نیکی می‌کند، و کسی که آشکارا بر خود ستم می‌کند.[113]

وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ مُبِينٌ [113]

و ما همانا موسی و هارون را نواختیم، و آنان و قومشان را از تنگنای سترگ رهانیدیم؛[114–115]

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ [114] وَنَجَّيْنَٰهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ [115]

و آنان را یاری کردیم، و پیروزمندان آنان بودند.[116]

وَنَصَرْنَٰهُمْ فَكَانُوا۟ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ [116]

و به آنان نوشتار صریح دادیم،[117]

وَءَاتَيْنَٰهُمَا ٱلْكِتَٰبَ ٱلْمُسْتَبِينَ [117]

و آنان را بر جادهٔ راست راه نمودیم.[118]

وَهَدَيْنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ [118]

و بر آن دو، در میان نسل‌های پسین، باقی گذاشتیم:[119]

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِى ٱلْءَاخِرِينَ [119]

«آرامش بر موسی و هارون باد!»[120]

سَلَٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ [120]

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[121]

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ [121]

آن دو از فرمان‌برداران باورمند ما بودند.[122]

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ [122]

و الیاس بی‌گمان از فرستادگان بود، آنگاه که به قوم خود گفت: «پس آیا محتاط نیستید؟ آیا بعل را فرامی‌خوانید و زیباترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟[123-125]

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [123] إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ [124] أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ ٱلْخَٰلِقِينَ [125]

خدا سرپرست شما و سرپرست نیاکان نخستین شما است.» (55)[126]

ٱللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ [126] (55)

پس او را دروغ انگاشتند؛ آنان بی‌گمان از آورده‌شدگان خواهند بود — مگر فرمان‌برداران پالودهٔ خدا.[127-128]

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ [127] إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ [128]

و بر او، در میان نسل‌های پسین، باقی گذاشتیم:[129]

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي ٱلْآخِرِينَ [129]

«آرامش بر الیاسین باد!»[130]

سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِلْ يَاسِينَ [130]

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[131]

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ [131]

او از فرمان‌برداران باورمند ما بود.[132]

إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ [132]

و لوط بی‌گمان از فرستادگان بود، آنگاه که او و کسانش را، همه را، نجات دادیم، مگر پیرزنی از درنگ‌کنندگان؛ سپس دیگران را ویران کردیم.[133-136]

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [133] إِذْ نَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ [134] إِلَّا عَجُوزًا فِى ٱلْغَٰبِرِينَ [135] ثُمَّ دَمَّرْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ [136]

و شما بی‌گمان بامدادان و شبانگاه بر آنان می‌گذرید —[137]

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ [137] وَبِٱلَّيْلِ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[138]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [138]

و یونس بی‌گمان از فرستادگان بود، آنگاه که به ناو بارگیری‌شده گریخت؛ در قرعه‌کشی شرکت کرد و از کسانی بود که رد شدند؛ ماهی او را بلعید در حالی که سرزنش‌پذیر بود.[139-142]

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [139] إِذْ أَبَقَ إِلَى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ [140] فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُدْحَضِينَ [141] فَٱلْتَقَمَهُ ٱلْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ [142]

اگر از کسانی نبود که شکوه او را می‌سرایند، همانا همهٔ آن مدت را در شکمش به سر می‌برد، تا روزی که برانگیخته خواهند شد.[143-144]

فَلَوْلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلْمُسَبِّحِينَ [143] لَلَبِثَ فِى بَطْنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ [144]

ما او را بر زمینی برهنه افکندیم، در حالی که رنجور بود،[145]

فَنَبَذْنَٰهُ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٌ [145]

و بر او گیاهی پنبه‌مانند رویاندیم.[146]

وَأَنۢبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ [146]

و او را به سوی صد هزار، یا بیشتر، فرستادیم،[147]

وَأَرْسَلْنَٰهُ إِلَىٰ مِاْئَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ [147]

و باور آوردند؛ آنگاه ما آنان را برای زمانی بهره‌مند گذاشتیم.[148]

فَـَٔامَنُواْ فَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ [148]

پس از آنان نظر بخواه: آیا سرپرست تو را دخترانی می‌بود و آنان را پسرانی؟[149]

فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَلِرَبِّكَ ٱلۡبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلۡبَنُونَ [149]

یا ما کارگزاران مؤنث را آفریدیم، و آنان گواه می‌بودند؟[150]

أَمۡ خَلَقۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثٗا وَهُمۡ شَٰهِدُونَ [150]

آیا چنین نیست: بی‌گمان از جعل خود می‌گویند: «خدا زاده است»؛ و بی‌گمان دروغ‌گویند.[151-152]

أَلَآ إِنَّهُم مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ [151] وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ [152]

آیا او دختران را بر پسران برمی‌گزید؟[153]

أَصۡطَفَى ٱلۡبَنَاتِ عَلَى ٱلۡبَنِينَ [153]

شما را چه شده است؟

مَا لَكُمۡ

چگونه داوری می‌کنید؟[154]

كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ [154]

پس به یاد نمی‌آورید؟[155]

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [155]

یا سلطه‌ای آشکار دارید؟ پس نوشتهٔ خود را بیاورید، اگر راست‌گویید.[156-157]

أَمۡ لَكُمۡ سُلۡطَٰنٞ مُّبِينٞ [156] فَأۡتُواْ بِكِتَٰبِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [157]

و میان او و نهانیان پیوندی نسبی نهادند؛

وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗا

و نهانیان به‌خوبی می‌دانند که بی‌گمان از آورده‌شدگان خواهند بود —[158]

وَلَقَدْ عَلِمَتِ ٱلْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ [158]

شکوه بر خدا باد، بالاتر از آنچه توصیف می‌کنند![159]

سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ [159]

مگر فرمان‌برداران پالودهٔ خدا.[160]

إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ [160]

نه شما، و نه آنچه از آن فرمان می‌برید، نخواهید توانست کسی را علیه او بیازمایید، مگر کسی که مقرر شده است در کوره بسوزد،[161-163]

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ [161] مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَٰتِنِينَ [162] إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ ٱلْجَحِيمِ [163]

«هیچ‌یک از ما نیست مگر آنکه جایی معلوم دارد،[164]

وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ [164]

و ما بی‌گمان همان ایستادگان در ردیف‌هاییم، و ما بی‌گمان همان کسانیم که شکوه او را می‌سرایند.»[165-166]

وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلصَّآفُّونَ [165] وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلْمُسَبِّحُونَ [166]

و بی‌گمان می‌گفتند: «اگر ما یادآوری‌ای از پیشینیان داشتیم، از فرمان‌برداران پالودهٔ خدا بودیم.»[167-169]

وَإِن كَانُوا۟ لَيَقُولُونَ [167] لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ [168] لَكُنَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ [169]

اما آن را انکار کردند؛

فَكَفَرُوا۟ بِهِۦ

به‌زودی خواهند دانست.[170]

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ [170]

و سخن ما دربارهٔ فرمان‌برداران فرستادهٔ ما همانا پیشین است: ایشانند یاری‌شدگان، و سپاه ما بی‌گمان پیروزمند است.[171-173]

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلْمُرْسَلِينَ 171 إِنَّهُمْ لَهُمُ ٱلْمَنصُورُونَ 172 وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلْغَٰلِبُونَ 173

پس تا زمانی از آنان روی بگردان،[174]

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ 174

و آنان را زیر نظر بگیر: به‌زودی روشن خواهند دید.[175]

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ 175

آیا پس کیفر ما را شتاب می‌جویند؟[176]

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ 176

چون در عرصهٔ آنان فرود خواهد آمد، چه صبح شومی است برای کسانی که هشدار داده شدند![177]

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلْمُنذَرِينَ 177

و تا زمانی از آنان روی بگردان،[178]

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ 178

و زیر نظر بگیر: به‌زودی روشن خواهند دید.[179]

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ 179

شکوه بر سرپرست تو باد، سرپرست نیرو، بالاتر از آنچه توصیف می‌کنند![180]

سُبْحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ 180

و آرامش بر فرستادگان باد![181]

وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ 181

و ستایش از آنِ خدا است، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها![182]

وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [182]



# يٰسٓ • Ya-Sin

سوره 36 · 83 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

يٰسٓ [1]

یسّ (یا سین).[1]

وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْحَكِيمِ [2] إِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [3] عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [4]

به خوانش سرشار از فرزانگی، تو بی‌گمان از شمار فرستادگانی، بر جادهٔ راست،[2-4]

تَنزِيلَ ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ [5] لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ فَهُمْ غَٰفِلُونَ [6]

فرودی از جانب نیرومند، مهربان، تا قومی را هشدار دهی که نیاکانشان هشدار داده نشده‌اند، و پس بی‌خیال‌اند.[5-6]

لَقَدْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَىٰٓ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [7]

همانا سخن بر بیشتر آنان به حقیقت پیوسته است: باور نمی‌آورند.[7]

إِنَّا جَعَلْنَا فِىٓ أَعْنَٰقِهِمْ أَغْلَٰلًا فَهِىَ إِلَى ٱلْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ [8]

ما همانا بر گردن‌هایشان غل‌هایی نهاده‌ایم که تا چانه‌ها می‌رسد، به‌گونه‌ای که سرشان به عقب برگشته است.[8]

وَجَعَلْنَا مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَٰهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ [9]

و ما پیش روی آنان سدی و پشت سرشان سدی نهادیم، سپس آنان را پوشاندیم: پس روشن نمی‌بینند.[9]

و برای آنان یکسان است که هشدارشان دهی یا هشدارشان ندهی: باور نمی‌آورند.[10]

وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ [10]

تو فقط کسی را هشدار می‌دهی که از یادآوری پیروی کند و از بی‌اندازه مهربان هرچند از حواس او بیرون باشد بیم داشته باشد: به او بخشایشی و پاداشی سخاوتمندانه مژده بده.[11]

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ [11]

این ما هستیم، تنها ما، که مردگان را دوباره زندگی می‌دهیم، و آنچه را پیش برده‌اند و ردهایی را که بر جا می‌گذارند ثبت می‌کنیم.

إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡ

و هر چیز را ما در مرجعی صریح برشمرده‌ایم.[12]

وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ [12]

و برایشان همراهان شهر را مثال بیاور، آنگاه که فرستادگان به سوی آن آمدند: چون دو تن را به سوی آنان فرستادیم، آنان را دروغ انگاشتند؛ آنگاه ما آنان را با سومی تقویت کردیم، و گفتند: «ما همانا به سوی شما فرستاده شده‌ایم.»[13-14]

وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ [13] إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَيۡكُم مُّرۡسَلُونَ [14]

گفتند: «شما جز آدمیانی چون ما نیستید؛ بی‌اندازه مهربان چیزی فرود نیاورده است؛ شما جز دروغ نمی‌گویید.»[15]

قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ [15]

گفتند: «سرپرست ما می‌داند که ما بی‌گمان به سوی شما فرستاده شده‌ایم؛ بر عهدهٔ ما جز ابلاغ صریح نیست.»[16-17]

قَالُواْ رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ [16] وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ [17]

گفتند: «ما در شما فال بد می‌بینیم. اگر بازنایستید، بی‌گمان شما را خواهیم راند، و بی‌گمان کیفری دردناک از جانب ما به شما خواهد رسید.»[18]

قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ [18]

گفتند: «فال شما با خود شما است. آیا از آن است که به شما یادآوری می‌شود؟

قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُم

شما بلکه قومی از افراطیان‌اید.»[19]

بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ [19]

و مردی از دورترین نقطهٔ پایتخت با گامی شتابان آمد.

وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ

گفت: «ای قوم من، از فرستادگان پیروی کنید؛ از کسانی پیروی کنید که از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهند، و راهنمایی می‌پذیرند.[20-21]

قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ [20] ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ [21]

و مرا چه شده است که از آنکه مرا نخستین‌بار آفرید فرمان نبرم، و به سوی او بازگردانده خواهید شد؟[22]

وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ [22]

آیا غیر از او ایزدانی برگیرم؟ اگر بی‌اندازه مهربان می‌خواست مرا دچار آسیب کند، میانجی‌گری آنان به کارم نمی‌آمد، و نمی‌توانستند مرا برهانند.[23]

ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا يُنقِذُونِ [23]

در آن صورت من بی‌گمان در گمراهی آشکار می‌بودم.[24]

إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ [24]

من به سرپرست شما باور آوردم: پس به من گوش دهید.»[25]

إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ [25]

گفته شد: «به باغ وارد شو.»

قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَ

گفت: «کاش قوم من می‌دانستند که سرپرستم برای چه مرا بخشود و مرا از شمار گرامی‌داشته‌شدگان قرار داد!»[26-27]

قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ [26] بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ [27]

و ما پس از او بر قوم او هیچ سپاهی از آسمان فرود نیاوردیم؛ بر عهدهٔ ما نبود که فرود آوریم.[28]

وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ [28]

جز یک فریاد نبود، و ناگاه خاموش شدند.[29]

إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ [29]

دریغ بر فرمان‌برداران!

يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِ

هیچ فرستاده‌ای نزد آنان نمی‌آمد مگر آنکه او را به مسخره می‌گرفتند.[30]

مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ [30]

آیا نمی‌بینند که پیش از آنان چه بسیار نسل‌ها را نابود کردیم، و آنان به سوی ایشان بازنخواهند گشت؟[31]

أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ [31]

و همه، یکسره، با هم نزد ما آورده خواهند شد.[32]

وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ [32]

و نشانه‌ای برای آنان: زمین مرده، که به آن دوباره زندگی دادیم و از آن دانه بیرون آوردیم، و از آن می‌خورند.[33]

وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ [33]

و ما در آن باغ‌هایی از نخل و انگور نهادیم، و در آن چشمه‌ها جوشاندیم، تا از میوهٔ آن بخورند — و دستان آنان آن را پدید نیاورده است.[34]

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّٰتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَٰبٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ ٱلْعُيُونِ [34] لِيَأْكُلُوا۟ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ

پس آیا سپاس‌گزار نخواهند بود؟[35]

أَفَلَا يَشْكُرُونَ [35]

شکوه بر آنکه همهٔ جفت‌ها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند، باد.[36]

سُبْحَٰنَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَزْوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ [36]

و نشانه‌ای برای آنان: شب، که روز را از آن جدا می‌کنیم، و ناگاه در ظلمت فرو می‌روند.[37]

وَءَايَةٌ لَّهُمُ ٱلَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ [37]

و خورشید به سوی جایگاهی پایدار که ویژهٔ او است می‌دود.

وَٱلشَّمْسُ تَجْرِى لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا

این است اندازه‌ای که از سوی نیرومند، همه‌چیزدان، مقرر شده است.[38]

ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ [38]

و ماه، برایش منزلگاه‌هایی مقرر کردیم، تا آنکه دوباره چون شاخهٔ کهنهٔ خمیدهٔ نخل شود.[39]

وَٱلْقَمَرَ قَدَّرْنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلْعُرْجُونِ ٱلْقَدِيمِ [39]

خورشید را نشاید که به ماه برسد، و نه شب را که بر روز پیشی گیرد.

لَا ٱلشَّمْسُ يَنۢبَغِى لَهَآ أَن تُدْرِكَ ٱلْقَمَرَ وَلَا ٱلَّيْلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِ

و هر یک در مداری شنا می‌کند.[40]

وَكُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ [40]

و نشانه‌ای برای آنان: ما نسل‌های آنان را در ناو بارگیری‌شده بردیم، و برای آنان از مانند آن آنچه سوارش می‌شوند آفریدیم. (56) [41-42]

وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ [41] وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِۦ مَا يَرْكَبُونَ [42] (56)

و اگر پسند ما می‌افتاد، آنان را غرق می‌کردیم؛ هیچ فریادرسی برای فریادشان نمی‌بود، و رهانده نمی‌شدند، مگر به مهری از جانب ما و بهره‌مندی برای زمانی. [43-44]

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ [43] إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٍ [44]

و چون به آنان گفته می‌شود: «از آنچه پیش روی شما است و از آنچه پشت سر شما است محتاط باشید، شاید به شما مهر ورزیده شود»، [45]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّقُوا۟ مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [45]

هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های سرپرستشان نزد آنان نمی‌آید مگر آنکه از آن روی می‌گردانند. [46]

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ [46]

و چون به آنان گفته می‌شود: «از آنچه خدا شما را روزی داده است هزینه کنید»، کسانی که انکار می‌کنند به باور آوردگان می‌گویند: «آیا کسی را خوراک بدهیم که اگر خدا را پسند می‌افتاد، خود او خوراکش می‌داد؟ شما جز در گمراهی آشکار نیستید.» [47]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطْعَمَهُۥٓ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [47]

و می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟» [48]

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [48]

جز یک فریاد را انتظار نمی‌برند که آنان را فرو خواهد گرفت، آنگاه که در میان کشمکش باشند. [49]

مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ [49]

آنگاه نخواهند توانست نه وصیت کنند و نه به سوی کسان خود بازگردند. [50]

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَآ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ [50]

و در شیپور دمیده خواهد شد، و ناگاه آنان از آرامگاه‌ها به سوی سرپرستشان سرازیر می‌شوند.[51]

وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ [51]

خواهند گفت: «وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاه ما برانگیخت؟

قَالُواْ يَٰوَيْلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا

این است آنچه بی‌اندازه مهربان وعده داده بود، و فرستادگان راست گفته بودند.»[52]

هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلْمُرْسَلُونَ [52]

این جز یک فریاد نخواهد بود، و ناگاه همه با هم نزد ما آورده می‌شوند.[53]

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ [53]

امروز هیچ خویشتنی کمترین ستمی نخواهد دید، و شما جز به آنچه می‌کردید بازپرداخت نخواهید شد.[54]

فَٱلْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [54]

همراهان باغ امروز در لذت سرگرم خواهند بود، خود و همسرانشان، زیر سایه‌سارها، تکیه‌داده بر تخت‌های آراسته.[55-56]

إِنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ ٱلْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَٰكِهُونَ [55] هُمْ وَأَزْوَٰجُهُمْ فِى ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ [56]

در آنجا مزه‌هایی خواهند داشت.

لَهُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ

و هر آنچه درخواست کنند خواهند داشت. آرامش![57]

وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ [57] سَلَٰمٌ

سخنی از سرپرستی مهربان.[58]

قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ [58]

«و امروز جدا بایستید، ای کنارگذاشته‌شدگان![59]

وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ [59]

آیا شما را، ای فرزندان آدم، به پیمانی نبسته بودم: که از منحرف‌کننده فرمان نبرید — زیرا او برای شما دشمنی آشکار است — و از من فرمان برید؟[60]

أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ [60] وَأَنِ ٱعۡبُدُونِي

این است جاده‌ای راست.[61]

هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ [61]

با این همه، او از میان شما گروهی انبوه را گمراه کرده است.

وَلَقَدۡ أَضَلَّ مِنكُمۡ جِبِلّٗا كَثِيرًا

پس آیا خرد نمی‌ورزیدید؟[62]

أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ [62]

این است جهنم، که به شما وعده داده شده بود. امروز در آن بسوزید، به سبب آنکه انکار کردید.»[63-64]

هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ [63] ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ [64]

امروز بر دهان‌هایشان مهر می‌زنیم؛ دستانشان با ما سخن خواهند گفت، و پاهایشان به آنچه به دست می‌آوردند گواهی خواهند داد.[65]

ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ [65]

و اگر پسند ما می‌افتاد، چشمان آنان را محو می‌کردیم؛ آنگاه می‌کوشیدند به سوی جاده بر یکدیگر پیشی گیرند، اما چگونه روشن می‌دیدند؟[66]

وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا عَلَىٰٓ أَعۡيُنِهِمۡ فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ [66]

و اگر پسند ما می‌افتاد، آنان را بر جایشان می‌خشکاندیم، و نه می‌توانستند بروند و نه بازگردند.[67]

وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَٰهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ [67]

و هر که را عمر دراز دهیم، او را در آفرینش وارونه برمی‌گردانیم.

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى ٱلْخَلْقِ

پس آیا خرد نخواهند ورزید؟[68]

أَفَلَا يَعْقِلُونَ [68]

ما به او هنر فریفتن نیاموختیم؛ این او را نشاید.

وَمَا عَلَّمْنَٰهُ ٱلشِّعْرَ وَمَا يَنۢبَغِى لَهُۥٓ

این جز یادآوری و خوانشی صریح نیست، تا تو هر که را زنده است هشدار دهی، و تا سخن بر انکارکنندگان به حقیقت بپیوندد. (57) [69-70]

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ [69] لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ [70] (57)

آیا نمی‌بینند که ما برای آنان از آنچه دستان ما ساخته‌اند دام‌هایی آفریدیم که مالک آن‌ها هستند؟[71]

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعَٰمًا فَهُمْ لَهَا مَٰلِكُونَ [71]

و آن‌ها را برایشان رام کردیم: بعضی برایشان مرکب هستند و بعضی دیگر را می‌خورند.[72]

وَذَلَّلْنَٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ [72]

و از آن‌ها سودها و نوشیدنی‌ها برمی‌گیرند.

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ

پس آیا سپاس‌گزار نخواهند بود؟[73]

أَفَلَا يَشْكُرُونَ [73]

و آنان غیر از خدا ایزدانی برگرفته‌اند، به امید آنکه یاری شوند. آن‌ها نمی‌توانند به آنان یاری برسانند، و آنان برای آن‌ها سپاهی آورده‌شده خواهند بود.[74-75]

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ [74] لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ [75]

پس سخن آنان تو را اندوهگین نکند.

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ

همانا ما آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم.[76]

إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ [76]

آیا انسان نمی‌بیند که او را از قطره‌ای آفریدیم، و ناگاه ستیزه‌گری آشکار است؟[77]

أَوَلَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ [77]

و برای ما مثالی چند برابر می‌کند، و آفرینش خود را فراموش می‌کند.

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِىَ خَلْقَهُۥ

گفت: «چه کسی استخوان‌ها را وقتی غبار شوند دوباره زندگی خواهد داد؟»[78]

قَالَ مَن يُحْىِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ [78]

بگو: «همان که آن‌ها را نخستین‌بار پدید آورد دوباره به آن‌ها زندگی خواهد داد؛ او در هر آفرینش همه‌چیزدان است.»[79]

قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ [79]

همان که از درخت سبز برای شما آتش ساخت، و ناگاه شما از آن روشن می‌کنید.[80]

ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ [80]

آیا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید بر آفریدن مانند آن‌ها توانا نیست؟

أَوَلَيْسَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم

چرا! و او آفریننده، همه‌چیزدان است.[81]

بَلَىٰ وَهُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِيمُ [81]

دستور او، آنگاه که چیزی را بخواهد، تنها این است که به آن بگوید: «باش»،

إِنَّمَآ أَمْرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيْـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن

و آن هست.[82]

فَيَكُونُ [82]

پس شکوه بر آنکه پادشاهی برتر هر چیز در دست او است باد، و شما به سوی او بازگردانده خواهید شد.[83]

فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [83]

VI

# الم

## آزمون باورمندان، یاری خدا

سوره‌ها 35 تا 29

جامعه اکنون پایتختی دارد و نخستین مجلد قانونش را دریافت می‌کند، اما هنوز در محاصره است، شکست‌خورده، و دور از خانه نگه داشته‌شده. سورهٔ 35 با کارگزارانِ «سازمان‌یافته در بخش‌ها» (35:1) گشوده می‌شود، و به همه یادآوری می‌کند: «ای انسان‌ها، این شمایید که نزد خدا بینوایانید» (35:15)؛ فرستادهٔ دروغ‌انگاشته‌شده جز هشداردهنده‌ای نیست. سورهٔ 34 داوود و سلیمان را خدمت‌شده نشان می‌دهد، سلیمانی که مرد بی‌آنکه کسی بداند، سبا که راه‌هایی امن داشت و منزلگاه‌هایی دور خواست، و در آن روز، ناتوانانی که خودبزرگ‌بینان را متهم می‌کنند. در مرکز، سورهٔ 33: سپاهیانی «از بالا و از پایین» (33:10) می‌آیند، خدا آنان را با بادی بازمی‌راند، کسانی را که پشتیبانشان بودند از دژهایشان فرود می‌آورد و سرزمینشان را به ارث می‌دهد، سپس خانهٔ فرستاده قاعده‌هایش را دریافت می‌کند، از پسرخواندگان تا ردای زنان. چهار سورهٔ الف لام میم از پی می‌آیند: نوشتاری که هیچ تردیدی در آن ممکن نیست و چشم‌به‌راهی گشایش، فرزانگی لقمان به پسرش، سپس شکست: «رومیان در نزدیک‌ترین زمین پیروز شده‌اند» (30:2-3)، با پیروزی‌ای که در چند سال به باورمندان وعده داده شده است. بخش با آزمون بسته می‌شود: کسانی که می‌گویند باور آورده‌ایم آزموده می‌شوند، ابراهیم و لوط مهاجرت می‌کنند، خدا به فرمان‌برداران خود می‌گوید «زمین من پهناور است» (29:56)، و به نگهبانان «جایگاهی مصون از تعرّض و امن» (29:67) را که در آن ساکن‌اند یادآوری می‌کند.

### مرحله 2 · نخستین مجلد قانون؛ رومیانِ پیروز، و پیروزیِ وعده‌داده‌شده به باورمندان

جامعه اکنون پایتختی دارد، و قانون در یک مجلد به او می‌رسد: خانهٔ فرستاده، پسرخواندگان، همسران، خویشاوندی و مهاجران، حقِ خویشاوند، تنگ‌دست و مسافر در راه‌مانده. اما استقرار همچنان شکننده است: سپاهیانی آن را محاصره می‌کنند، دورویان در پایتخت شایعه می‌پراکنند، و رومیان بر باورمندان پیروز شده‌اند «در نزدیک‌ترین زمین» (30:3). خداست که عمل می‌کند: بادی و سپاهیانی نادیدنی می‌فرستد، کسانی را که از حزب‌ها پشتیبانی کرده بودند از دژهایشان فرود می‌آورد، سرزمینشان را به ارث می‌دهد، و دربارهٔ رومیان خبر می‌دهد: «اما پس از پیروزی‌شان، چند سال دیگر شکست داده خواهند شد» (30:3-4). در مرکز، سورهٔ 33 فرستاده را الگو قرار می‌دهد: «شما در فرستادهٔ خدا همانا سرمشقی نیکو داشتید» (33:21).

### آنچه بر مردم می‌گذرد

در پایتختِ محاصره‌شده، باورمندان به لرزه می‌افتند، و خانواده‌هایی اجازهٔ رفتن می‌خواهند و می‌گویند «خانه‌های ما همانا بی‌حریم است» (33:13)؛ خدا حزب‌ها را با بادی بازمی‌راند و «خدا جنگ را بر باورمندان نگذاشت» (33:25). قانون نخست از آسیب‌پذیرترین‌ها پاسداری می‌کند: پسرخواندگان نام پدرانشان را نگه می‌دارند، یا برادرانی در قانون‌اند؛ زنان نشانه‌ای می‌یابند تا شناخته شوند «و آزار نبینند» (33:59)؛ و مردان و زنانِ درستکار همان وعده را دریافت می‌کنند. مادر کودک را حمل می‌کند، «سستی بر سستی» (31:14)، همسران مایهٔ آرامش‌اند، و حق به خویشاوند می‌رسد، «به تنگ‌دست و مسافر در راه‌مانده» (30:38)، در حالی که وامی که افزایش می‌آورد نزد خدا افزایش نمی‌یابد. در آن روز، کسانی که ناتوان شمرده می‌شدند به خودبزرگ‌بینان می‌گویند: «این بلکه توطئه‌ای بود، شب و روز» (34:33). به باورمندانِ آزاردیده گفته می‌شود «زمین من پهناور است» (29:56)، و به نگهبانان خانه که در امنیت زندگی می‌کنند در حالی که پیرامونشان مردم ربوده می‌شوند.

---

*الف لام میم (29:1)، سپس: «آیا انسان‌ها می‌پندارند که رها خواهند شد» (29:2).*

# فاطر • FATIR

سوره 35 · 45 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ستایش از آنِ خدا است، خاستگاه آسمان‌ها و زمین، آنکه کارگزاران را فرستادگانی سازمان‌یافته در بخش‌ها ساخت — دو دو، سه سه، چهار چهار.

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُو۟لِىٓ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ

او آنچه را او را پسند افتد بر آفرینش می‌افزاید،

يَزِيدُ فِى ٱلْخَلْقِ مَا يَشَآءُ

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.[1]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [1]

آنچه خدا برای انسان‌ها از مهر بگشاید، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را نزد خود نگه دارد،

مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا

و آنچه او نگه دارد، هیچ‌کس پس از او نمی‌تواند آن را رها کند.

وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ

و اوست نیرومند، فرزانه.[2]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [2]

ای انسان‌ها، دهش خدا را بر خود به یاد آورید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ

آیا آفرینندهٔ دیگری غیر از خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟

هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ

هیچ ایزدی نیست مگر او.

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوید؟[3]

فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ [3]

و اگر تو را دروغ انگارند، فرستادگانی پیش از تو پیش‌تر دروغ انگاشته شده‌اند.

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ

و کارها همگی به سوی خدا بازمی‌گردند.[4]

وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ [4]

ای انسان‌ها، وعدهٔ خدا همانا حقیقت است.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ

پس مبادا زندگی نزدیک شما را بفریبد،

فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا

و مبادا فریبندهٔ بزرگ دربارهٔ خدا شما را بفریبد.[5]

وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ [5]

منحرف‌کننده برای شما همانا دشمنی است: پس او را دشمن گیرید.

إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّا

او حزب خود را تنها می‌خواند تا از همراهان اخگر باشند.[6]

إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ [6]

انکارکنندگان کیفری سخت خواهند داشت،

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

و کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند بخشایشی و پاداشی بزرگ خواهند داشت.[7]

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ [7]

آیا آنکه بدی کردارش برایش آراسته شده است، تا آنجا که آن را زیبا می‌بیند؟

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا

زیرا خدا هر که را او را پسند افتد گمراه می‌کند، و هر که را او را پسند افتد راه می‌نماید.

فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ

پس خویشتن تو به‌سبب آنان از افسوس فرسوده نشود،

فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَٰتٍ

زیرا خدا به آنچه می‌کنند همه‌چیزدان است.[8]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ [8]

خدا است که بادها را فرستاد، بادهایی که ابرها را برمی‌انگیزند؛ ما آن‌ها را به سوی سرزمینی مرده راندیم و به‌وسیلهٔ آن‌ها زمین را پس از مرگش دوباره زندگی دادیم.

وَٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَٰهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

گسترش چنین خواهد بود.[9]

كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ [9]

هر که نیرو می‌خواهد، نیرو یکسره از آنِ خدا است.

مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ جَمِيعًا

گفتار نیکو به سوی او بالا می‌رود،

إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ

و کردار شایسته را او بالا می‌برد.

وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ

و کسانی که کارهای بد را توطئه می‌چینند، کیفری سخت خواهند داشت،

وَٱلَّذِينَ يَمْكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

و توطئهٔ آنان به زوال سپرده شده است.[10]

وَمَكْرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ [10]

خدا شما را از خاک آفرید، سپس از قطره‌ای، سپس از شما جفت‌هایی ساخت.

وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَٰجًا

هیچ ماده‌ای نه بار برمی‌دارد و نه می‌زاید، مگر با دانش او.

وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ

هیچ موجودی نه عمرش دراز می‌شود و نه عمرش کوتاه می‌شود، مگر آنکه در دفتری باشد؛

وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ

زیرا این برای خدا آسان است.[11]

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ [11]

دو دریا برابر نیستند:

وَمَا يَسْتَوِى ٱلْبَحْرَانِ

این یکی شیرین، تشنگی‌بر، خوشگوار برای نوشیدن است و آن یکی شور و تلخ است.

هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ

و از هر یک گوشتی تازه می‌خورید، و زیوری بیرون می‌آورید که بر خود می‌گذارید،

وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا

و کشتی‌ها را می‌بینی که در آن امواج را می‌شکافند، تا از لطف او بجویید، و شاید سپاس‌گزار شوید.[12]

وَتَرَى ٱلْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [12]

او شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب وارد می‌کند،

يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ

و خورشید و ماه را رام کرد،

وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ

هر یک به سوی سرآمدی نام‌برده روان است.

كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

این است خدا، سرپرست شما؛ پادشاهی از آنِ او است.

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ ٱلْمُلْكُ

و کسانی که غیر از او فرامی‌خوانید، حتی غشای هستهٔ خرما را مالک نیستند.[13]

وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ [13]

اگر آنان را فرابخوانید، فراخوان شما را نمی‌شنوند؛ و حتی اگر آن را می‌شنیدند، به شما پاسخ نمی‌دادند.

إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُواْ دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُواْ مَا ٱسْتَجَابُواْ لَكُمْ

و روز حضور، انباز گرفتن شما را انکار خواهند کرد.

وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ

و هیچ‌کس مانند باخبر به تو اطلاع نمی‌دهد.[14]

وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ [14]

ای انسان‌ها، این شمایید که نزد خدا بینوایانید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ

در حالی که خدا توانگر و ستوده است.[15]

وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِيُّ ٱلْحَمِيدُ [15]

اگر پسند او می‌افتاد، شما را می‌برد و آفرینشی نو می‌آورد.[16]

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ [16]

و این به هیچ روی برای خدا دور از دسترس نیست.[17]

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ [17]

و هیچ بردارندهٔ باری بار دیگری را برنخواهد داشت؛

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

و اگر آنکه زیر بار گران رفته است برای بارِ گران خود یاری بخواهد، چیزی از آن برداشته نخواهد شد، حتی به دست یک نزدیک.

وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ

تو فقط کسانی را هشدار می‌دهی که از سرپرست خود بیم دارند هرچند از حواس‌شان بیرون باشد، و تماس را پابرجا نگه می‌دارند،

إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ

و هر که خود را پاک می‌کند، جز برای خود، خود را پاک نمی‌کند.

وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ

و مقصد به سوی خدا است.[18]

وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ [18]

نابینا و بینا برابر نیستند، و نه تاریکی‌ها و روشنایی، و نه سایه و گرمای سوزان.[19-21]

وَمَا يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ [19] وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ [20] وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ [21]

زندگان و مردگان نیز برابر نیستند.

وَمَا يَسْتَوِى ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا ٱلْأَمْوَٰتُ

همانا خدا هر که را پسند او افتد می‌شنواند،

إِنَّ ٱللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَآءُ

و تو نمی‌توانی کسانی را که در گورها هستند بشنوانی.[22]

وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِى ٱلْقُبُورِ [22]

تو جز هشداردهنده نیستی.[23]

إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ [23]

ما تو را به حقیقت فرستادیم، مژده‌دهنده و هشداردهنده.

إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا

و هیچ جامعه‌ای نیست که هشداردهنده‌ای از آن نگذشته باشد.[24]

وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ [24]

و اگر تو را دروغ انگارند، آنان که پیش از ایشان بودند پیش‌تر دروغ انگاشته‌اند: فرستادگانشان با دلیل‌های روشن، فرم‌ها و نوشتار روشنگر نزدشان آمده بودند؛ سپس من انکارکنندگان را گرفتم.[25]

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ [25] ثُمَّ أَخَذْتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

و رد من چگونه بود![26]

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ [26]

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود می‌آورد که با آن ما میوه‌هایی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آوریم؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهَا

و در کوه‌ها رگه‌هایی سپید و سرخ با رنگ‌های گوناگون هست، و رگه‌هایی دیگر به سیاهیِ پررنگ.[27]

وَمِنَ ٱلْجِبَالِ جُدَدٌۢ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ [27]

و از انسان‌ها، جنبندگان و دام‌ها نیز به همین‌سان رنگ‌های گوناگونی هست.

وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلْأَنْعَٰمِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَ

تنها کسانی از فرمان‌برداران او که می‌دانند از خدا بیم دارند،

إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُا۟

زیرا خدا نیرومند و بسیار بخشاینده است.[28]

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ [28]

کسانی که نوشتار خدا را برمی‌خوانند، تماس را پابرجا نگه می‌دارند، و پنهان و آشکار از آنچه ما به آنان روزی دادیم هزینه می‌کنند، به تجارتی امید دارند که هرگز زوال نخواهد یافت، تا او پاداش‌هایشان را به‌درستی بازپردازد و از لطف خود بیشتر به آنان بدهد،[29]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ [29] لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦٓ

زیرا او بسیار بخشاینده و بسیار سپاس‌گزار است.[30]

إِنَّهُۥ غَفُورٌ شَكُورٌ [30]

و آنچه از نوشتار بر تو پرده برداشتیم حقیقت است و آنچه را پیش از آن است تأیید می‌کند.

وَٱلَّذِىٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ

خدا بی‌گمان نسبت به فرمان‌برداران خود باخبر و بینا است.[31]

إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ [31]

سپس نوشتار را به کسانی که از فرمان‌برداران ما برگزیدیم به ارث دادیم:

ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَا

از میان آنان کسی هست که بر خود ستم می‌کند،

فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ

و کسی هست که راهی میانه می‌پیماید،

وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ

و کسی هست که به اجازهٔ خدا در بهترین بر دیگران پیشی می‌گیرد.

وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ

این است لطف بزرگ.[32]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ [32]

باغ‌های پایایی که در آن وارد خواهند شد، آراسته به دست‌بندهایی از طلا و مروارید،

جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗا

و پوشاک‌شان در آن‌جا از ابریشم خواهد بود.[33]

وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ [33]

و خواهند گفت: «ستایش از آنِ خدا است که اندوه را از ما دور کرد؛ سرپرست ما بی‌گمان بسیار بخشاینده و بسیار سپاس‌گزار است،[34]

وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ [34]

همان که ما را به لطف خود در جایگاهی ماندگار جا داد، که در آن نه خستگی به ما می‌رسد و نه درماندگی.»[35]

ٱلَّذِىٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ [35]

و کسانی که انکار می‌کنند آتش جهنم را خواهند داشت؛ برایشان مقرر نخواهد شد که بمیرند، و چیزی از کیفر آن بر آنان سبک نخواهد شد.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا۟ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا

همین‌گونه هر انکارگر بزرگ را بازپرداخت می‌کنیم.[36]

كَذَٰلِكَ نَجْزِى كُلَّ كَفُورٍ [36]

و آنجا فریاد خواهند زد: «ای سرپرست ما، ما را بیرون ببر، کردارهای شایسته به‌جا خواهیم آورد، غیر از آنچه می‌کردیم!»

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا غَيْرَ ٱلَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ

آیا به شما عمری آن‌قدر دراز ندادیم که هر که بخواهد به یاد بیاورد، به یاد آورد؟ و هشداردهنده نزد شما آمده بود.

أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُ

پس بچشید،

فَذُوقُوا۟

زیرا ستمگران هیچ یاری ندارند.[37]

فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ [37]

خدا همانا آنچه را فراتر از حواس است در آسمان‌ها و زمین می‌داند؛

إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ غَيْبِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

زیرا او به آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[38]

إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [38]

اوست که شما را جانشینان در زمین قرار داد:

هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِى ٱلْأَرْضِ

هر که انکار کند، انکارش بر خودش باز می‌گردد،

فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ

و انکار انکارکنندگان جز بر نفرت آنان نزد سرپرستشان نمی‌افزاید،

وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا

و انکار انکارکنندگان جز بر زیان آنان نمی‌افزاید.[39]

وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا [39]

بگو: «آیا انبازان خود را که غیر از خدا فرامی‌خوانید دیده‌اید؟ به من نشان دهید آنان چه از زمین آفریده‌اند، یا در آسمان‌ها سهمی دارند؟

قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِى مَاذَا خَلَقُوا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ

یا نوشته‌ای به آنان داده‌ایم و آنان بر دلیل‌های روشنی که از آن می‌آید تکیه دارند؟»(58)

أَمْ ءَاتَيْنَٰهُمْ كِتَٰبًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِّنْهُ(58)

در واقع ستمگران جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند.[40]

بَلْ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا [40]

خدا همانا آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا از میان نروند؛

إِنَّ ٱللَّهَ يُمْسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ أَن تَزُولَا

و اگر از میان می‌رفتند، هیچ‌کس غیر از او نمی‌توانست آن‌ها را نگه دارد،

وَلَئِن زَالَتَآ إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِهِۦٓ

زیرا او بردبار است، بسیار بخشاینده.[41]

إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا [41]

و به خدا سوگند خوردند، با نیرومندترین سوگندهایشان، که اگر هشداردهنده‌ای نزدشان می‌آمد، بی‌گمان از هر یک از جامعه‌ها راهنمایی‌پذیرتر می‌بودند.

وَأَقْسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى ٱلْأُمَمِ

اما چون هشداردهنده‌ای نزدشان آمد، جز بر بیزاری آنان نیفزود،[42]

فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا [42]

در حالی که بر زمین خودبزرگ‌بینی می‌کردند و با توطئهٔ بد.

ٱسْتِكْبَارًا فِى ٱلْأَرْضِ وَمَكْرَ ٱلسَّيِّئِ

حال آنکه توطئهٔ بد جز علیه سازندگان خود تحقق نمی‌یابد.

وَلَا يَحِيقُ ٱلْمَكْرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦ

پس آیا جز هنجار پیشینیان را انتظار دارند؟

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلْأَوَّلِينَ

حال آنکه هرگز در هنجار خدا دگرگونی نخواهی یافت،

فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا

و هرگز در هنجار خدا جابه‌جایی نخواهی یافت.[43]

وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحْوِيلًا [43]

آیا پس در زمین گردش نکرده‌اند تا بنگرند فرجام کسانی که پیش از ایشان بودند چگونه بود، با این همه از آنان در نیرو برتر بودند؟

أَوَلَمْ يَسِيرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً

و هیچ چیز، نه در آسمان‌ها و نه در زمین، نمی‌تواند خدا را به ناتوانی بکشاند،

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعْجِزَهُۥ مِن شَىْءٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِى ٱلْأَرْضِ

زیرا او همه‌چیزدان و توانا است.[44]

إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا [44]

و اگر خدا انسان‌ها را به سبب آنچه به دست آورده‌اند می‌گرفت، بر روی زمین هیچ جنبنده‌ای باقی نمی‌گذاشت؛

وَلَوْ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُوا۟ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِن دَآبَّةٍ

اما آنان را تا سرآمدی نام‌برده مهلت می‌دهد.

وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

و چون سرآمدشان فرا رسد، خدا همانا بر فرمان‌برداران خود بینا است.[45]

فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرًۢا [45]

# سبأ • SABA

سوره 34 · 54 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ستایش از آنِ خدا است، آنکه آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ اوست،

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و ستایش در زندگی واپسین از آنِ اوست.

وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْءَاخِرَةِ

اوست فرزانه و باخبر.[1]

وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ [1]

او آنچه را در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن بیرون می‌آید، آنچه را از آسمان فرود می‌آید و آنچه را در آن بالا می‌رود می‌داند.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

او مهربان، بسیار بخشاینده است.[2]

وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلْغَفُورُ [2]

و انکارکنندگان گفتند: «آن لحظه به ما نخواهد رسید.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَأْتِينَا ٱلسَّاعَةُ

بگو: «آری، به سرپرست من سوگند، آن بی‌گمان به شما خواهد رسید،

قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّى لَتَأْتِيَنَّكُمْ

آنکه فراتر از حواس را می‌داند — سنگینیِ یک ذره از او دور نیست، نه در آسمان‌ها و نه بر زمین،

عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ

و نه چیزی کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن، بی‌آنکه در دفتری آشکار باشد — تا او باورآورندگانی را که کردارهای شایسته به‌جا آوردند بازپرداخت کند.»[3]

وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ [3] لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ

اینان بخشایشی و روزی‌ای بزرگوار دارند.[4]

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ [4]

و آنان که در برابر نشانه‌های ما کوشیدند تا ما را ناکام گذارند، اینان کیفری از آلودگی‌ای دردناک دارند.(59)[5]

وَٱلَّذِينَ سَعَوۡ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٞ [5] (59)

و کسانی که به آنان دانش داده شده است می‌بینند که آنچه از سرپرست تو بر تو فرود آورده شده است حقیقت است و به جادهٔ نیرومند، ستوده راه می‌نماید.[6]

وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ [6]

و انکارکنندگان گفتند: «آیا می‌خواهید مردی را به شما نشان دهیم که شما را اطلاع دهد که، چون تکه‌تکه و یکسره متلاشی شدید، بی‌گمان در آفرینشی تازه خواهید بود؟[7]

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هَلۡ نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ يُنَبِّئُكُمۡ إِذَا مُزِّقۡتُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمۡ لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍ [7]

آیا دربارهٔ خدا دروغی برساخته است، یا دچار اختلال است؟»

أَفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢ

نه: کسانی که به زندگی واپسین باور ندارند در کیفر و گمراهی‌ای دور هستند.[8]

بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ فِي ٱلۡعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلۡبَعِيدِ [8]

آیا پس آنچه را پیش روی آنان و آنچه را پشت سر آنان است، از آسمان و زمین، ندیده‌اند؟

أَفَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ

اگر ما را پسند می‌افتاد، زمین را وامی‌داشتیم که آنان را ببلعد، یا پاره‌ای از آسمان بر آنان فرومی‌افکندیم. (60)

إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ ٱلْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (60)

بی‌گمان در این نشانه‌ای است برای هر فرمان‌برداری که پیوسته به او روی می‌آورد.[9]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ [9]

و ما به داوود همانا لطفی از جانب خود دادیم: «ای کوه‌ها، با او پژواک دهید، و پرندگان نیز.»

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضْلًا يَٰجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُۥ وَٱلطَّيْرَ

و ما برای او آهن را نرم ساختیم: «زره‌های فراخ بساز، و پیوند حلقه‌ها را نیک اندازه بگیر،[10]

وَأَلَنَّا لَهُ ٱلْحَدِيدَ [10] أَنِ ٱعْمَلْ سَٰبِغَٰتٍ وَقَدِّرْ فِى ٱلسَّرْدِ

و کردارهای شایسته به‌جا آورید،

وَٱعْمَلُوا۟ صَٰلِحًا

زیرا من بر آنچه می‌کنید بینایم.»[11]

إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [11]

و برای سلیمان، باد: روان شدن بامدادی‌اش یک ماه بود، و روان شدن شامگاهی‌اش یک ماه.

وَلِسُلَيْمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ

و ما برای او چشمهٔ نفت را روان ساختیم.

وَأَسَلْنَا لَهُۥ عَيْنَ ٱلْقِطْرِ

و از میان نهانیان برخی در برابر او به اجازهٔ سرپرستش کار می‌کردند؛

وَمِنَ ٱلْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ

و هر که از آنان از دستور ما کج می‌شد، از کیفر اخگر به او می‌چشاندیم.[12]

وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ [12]

برای او آنچه را او را پسند می‌افتاد می‌ساختند: نیایشگاه‌ها، مجسمه‌ها، حوض‌هایی همانند مخزن‌های بزرگ، و دیگ‌هایی استوار.

يَعْمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٍ كَٱلْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَٰتٍ

«کار کنید، ای خاندان داوود،

ٱعْمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ

از سر سپاس‌گزاری» —

شُكْرًا

اما اندکی از فرمان‌برداران من سپاس‌گزارند.[13]

وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِىَ ٱلشَّكُورُ [13]

سپس چون مرگ را بر او تصویب کردیم، هیچ چیز مرگ او را به آنان نشان نداد، مگر جنبنده‌ای از زمین که عصای او را می‌جوید؛

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُۥ

و چون افتاد، برای نهانیان روشن شد که اگر فراتر از حواس را می‌دانستند، در کیفر خوارکننده زمان خود را نمی‌گذراندند.[14]

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ ٱلْغَيْبَ مَا لَبِثُواْ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ [14]

برای سبا، در زیستگاهشان همانا نشانه‌ای بود:

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِى مَسْكَنِهِمْ ءَايَةٌ

دو باغ، در راست و چپ.

جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ

«از روزی سرپرست خود بخورید، و برای او سپاس‌گزار باشید:
كُلُواْ مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَٱشْكُرُواْ لَهُۥ

سرزمینی نیکو، و سرپرستی بسیار بخشاینده.»[15]
بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ [15]

اما روی برتافتند، و ما بر آنان سیلاب ویرانگر سد را فرستادیم،
فَأَعْرَضُواْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ ٱلْعَرِمِ

و دو باغ آنان را به دو باغ با میوه‌های تلخ، با گز، و اندکی سدر بدل کردیم.[16]
وَبَدَّلْنَٰهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَىْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ [16]

این‌گونه آنان را بازپرداخت کردیم برای آنچه انکار کردند:
ذَٰلِكَ جَزَيْنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْ

و آیا کسی را بازپرداخت می‌کنیم مگر انکارگر بزرگ را؟[17]
وَهَلْ نُجَٰزِىٓ إِلَّا ٱلْكَفُورَ [17]

و ما میان آنان و شهرهایی که خجسته گردانده بودیم شهرهایی آشکار نهاده بودیم، و در آن‌ها گذر را اندازه کرده بودیم:
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ ٱلْقُرَى ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَٰهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا ٱلسَّيْرَ

«شب‌ها و روزها در آن‌ها بگردید، در امنیت.»[18]
سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِىَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ [18]

اما گفتند: «ای سرپرست ما، منزل‌های سفرهای ما را دور کن» — و بر خود ستم کردند؛ ما آنان را آنگاه موضوع سخن‌ها ساختیم، و آنان را یکسره متلاشی کردیم.
فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَٰهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَٰهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای هر که بسیار شکیبا و بسیار سپاس‌گزار است.[19]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [19]

و ابلیس گمان خود را بر آنان همانا تأیید کرد، و از او پیروی کردند، مگر گروهی از باورمندان.[20]

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ [20]

و او را بر آنان هیچ اقتداری نبود، مگر برای آنکه ما آن را که به زندگی واپسین باور دارد از آن که دربارهٔ آن در حیرانی است بازشناسیم.

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ

و سرپرست تو هر چیز را نگاه می‌دارد.[21]

وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ [21]

بگو: «آنان را که غیر از خدا ادعا می‌کنید فرابخوانید:

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ

سنگینیِ یک ذره را نه در آسمان‌ها و نه بر زمین در اختیار ندارند،

لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ

و در آن‌ها هیچ بهره‌ای ندارند،

وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ

و او از میان آنان هیچ پشتیبانی ندارد.»[22]

وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ [22]

و میانجی‌گری نزد او سود نمی‌رساند مگر برای آن که او برایش آن را اجازه دهد،

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ

تا آنکه چون هراس از هسته‌هایشان برداشته شود، بگویند: «سرپرست شما چه گفت؟» — پاسخ می‌دهند: «حقیقت.

حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُواْ ٱلْحَقَّ

و او بسیار بالا و بزرگ است.»[23]

وَهُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْكَبِيرُ [23]

بگو: «چه کسی از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟» بگو: «خدا.

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ قُلِ ٱللَّهُ

و بی‌گمان، ما یا شما بر راهنمایی هستیم، یا در گمراهی‌ای آشکار.»[24]

وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [24]

بگو: «از شما دربارهٔ کنارگذاشتگی ما پرسیده نخواهد شد، و از ما دربارهٔ آنچه شما می‌کنید پرسیده نخواهد شد.»[25]

قُل لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ [25]

بگو: «سرپرست ما ما را گردهم خواهد آورد، سپس میان ما با حقیقت گشایش خواهد کرد؛

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ

و او گشاینده، همه‌چیزدان است.»[26]

وَهُوَ ٱلْفَتَّاحُ ٱلْعَلِيمُ [26]

بگو: «آنان را که به‌عنوان انباز به او پیوسته‌اید به من نشان دهید. نه چنین! —

قُلْ أَرُونِىَ ٱلَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِۦ شُرَكَآءَ كَلَّا

او بلکه خداست، نیرومند، فرزانه.»[27]

بَلْ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [27]

و ما تو را تنها برای همهٔ انسان‌ها فرستادیم، مژده‌دهنده و هشداردهنده،

وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.[28]

وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ [28]

و می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟»[29]

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [29]

بگو: «شما وعده‌گاه روزی را دارید که نه یک ساعت آن را می‌توانید واپس اندازید و نه پیش آورید.»[30]

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوۡمٖ لَّا تَسۡتَـٔۡخِرُونَ عَنۡهُ سَاعَةٗ وَلَا تَسۡتَقۡدِمُونَ [30]

و انکارکنندگان گفتند: «ما هرگز به این خوانش و نه به آنچه پیش از آن بوده باور نخواهیم آورد.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ بِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَلَا بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ

و اگر ببینی، چون ستمگران نزد سرپرست خود بازداشته خواهند شد، سخن را به یکدیگر بازمی‌گردانند:

وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ

کسانی که ناتوان شمرده می‌شدند به کسانی که خودبزرگ‌بین بودند خواهند گفت: «اگر شما نبودید، ما باورمند می‌بودیم.»[31]

يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ [31]

کسانی که خودبزرگ‌بین بودند به کسانی که ناتوان شمرده می‌شدند خواهند گفت: «آیا ما بودیم که راه راهنمایی را بر شما بستیم، پس از آنکه به شما رسید؟ نه: شما بلکه کنارگذاشته‌شدگان بودید.»[32]

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُم بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ [32]

و کسانی که ناتوان شمرده می‌شدند به کسانی که خودبزرگ‌بین بودند خواهند گفت: «این بلکه توطئه‌ای بود، شب و روز، آنگاه که به ما دستور می‌دادید خدا را انکار کنیم و برای او رقیبانی قرار دهیم.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُواْ بَلْ مَكْرُ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَآ أَن نَّكْفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُۥٓ أَندَادًا

و حسرت خود را هنگام دیدن کیفر پنهان خواهند داشت.

وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلْعَذَابَ

و ما بر گردن‌های انکارکنندگان طوق خواهیم نهاد:

وَجَعَلْنَا ٱلْأَغْلَٰلَ فِىٓ أَعْنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

آیا به چیزی غیر از آنچه می‌کردند بازپرداخت خواهند شد؟[33]

هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [33]

و ما هرگز هشداردهنده‌ای در شهری نفرستادیم بی‌آنکه مرفهانش بگویند: «ما همانا آنچه را شما با آن فرستاده شده‌اید انکار می‌کنیم.»[34]

وَمَآ أَرْسَلْنَا فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ [34]

و گفتند: «ما مال و فرزندان بیشتری داریم، و کیفر داده نخواهیم شد.»[35]

وَقَالُواْ نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَٰلًا وَأَوْلَٰدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ [35]

بگو: «سرپرست من روزی را برای هر که او را پسند افتد همانا می‌گستراند، و اندازه می‌کند؛

قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.»[36]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [36]

و نه مال شما و نه فرزندان شماست که شما را به ما نزدیک خواهد کرد، در نزدیک‌ترین جایگاه — مگر آنکه باور آورد و کردارهای شایسته به‌جا آورد: اینان بازپرداخت دوچندان برای آنچه کردند دارند، و در غرفه‌های بلند در امان خواهند بود.[37]

وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ عِندَنَا زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ [37]

و آنان که در برابر نشانه‌های ما کوشیدند تا ما را ناکام گذارند، اینان در کیفر آورده خواهند شد.[38]

وَٱلَّذِينَ يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ [38]

بگو: «سرپرست من روزی را برای هر که از فرمان‌برداران خود او را پسند افتد همانا می‌گستراند، و برای او اندازه می‌کند؛

قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥ

و هر چه هزینه کنید، او جایگزین می‌کند،

وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥ

و او بهترین روزی‌دهندگان است.»[39]

وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ [39]

و روزی که همهٔ آنان را گردآوری خواهیم کرد، سپس به کارگزاران خواهیم گفت: «آیا اینان از شما فرمان می‌بردند؟»[40] **(61)**

وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ [40] **(61)**

خواهند گفت: «شکوه بر تو باد! تو متحد مایی، نه آنان:

قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم

آنان بلکه از نهانیان فرمان می‌بردند؛

بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّ

بیشترشان به آنان باور داشتند.»[41]

أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ [41]

امروز هیچ‌یک از شما برای دیگری نه سودی در اختیار خواهد داشت و نه آسیبی، و ما به آنان که ستم کردند خواهیم گفت: «کیفر آتشی را که دروغ می‌انگاشتید بچشید.»[42]

فَٱلْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ [42]

و چون نشانه‌های ما، روشن، بر آنان برخوانده شود، می‌گویند: «این تنها مردی است که می‌خواهد راه آنچه نیاکان شما از آن فرمان می‌بردند را بر شما ببندد»؛ و می‌گویند: «این تنها وانمودی برساخته است.»

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ وَقَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفْكٌ مُّفْتَرًى

و انکارکنندگان دربارهٔ حقیقت، چون به آنان رسد، می‌گویند: «این تنها چشم‌بندی‌ای آشکار است.»[43]

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ [43]

و ما به آنان هیچ نوشته‌ای ندادیم که بپژوهند،

وَمَآ ءَاتَيْنَٰهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا

و پیش از تو هیچ هشداردهنده‌ای به سوی آنان نفرستادیم.[44]

وَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ [44]

و کسانی که پیش از آنان بودند دروغ انگاشتند — به یک‌دهم آنچه به آنان داده بودیم نرسیده‌اند —

وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُواْ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ

و فرستادگان مرا دروغ انگاشتند.

فَكَذَّبُواْ رُسُلِى

و رد من چگونه بود![45]

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ [45]

بگو: «من شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم:

قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍ

اینکه برای خدا برخیزید، دو دو یا یک یک، سپس بیندیشید —

أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْ

همراه شما هیچ اختلالی ندارد؛

مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ

او برای شما تنها هشداردهنده‌ای است، در برابر کیفری سخت.»[46]

إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ [46]

بگو: «هر پاداشی که از شما خواستم، آن برای خود شماست؛

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ

پاداش من تنها بر عهدهٔ خدا است،

إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ

و او بر هر چیز گواه است.»[47]

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ [47]

بگو: «سرپرست من حقیقت را همانا می‌افکند،

قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ

او کسی است که فراتر از حواس را به‌تمامی می‌داند.»[48]

عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ [48]

بگو: «حقیقت آمده است، و نادرست نه آغاز می‌کند و نه دوباره می‌سازد.»[49]

قُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ ٱلْبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ [49]

بگو: «اگر گمراه شوم، تنها بر ضد خویشتن خود گمراه می‌شوم؛ و اگر راهنمایی پذیرم، به‌واسطهٔ آنچه سرپرست من به من پرده‌برداری می‌کند راهنمایی می‌پذیرم —

قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِى وَإِنِ ٱهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِىٓ إِلَىَّ رَبِّىٓ

او می‌شنود، او نزدیک است.»[50]

إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ [50]

و اگر ببینی، چون به هراس افکنده خواهند شد، بی‌گریزگاه، و از جایی نزدیک گرفته خواهند شد —[51]

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُواْ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ [51]

و خواهند گفت: «ما به آن باور داریم!»

وَقَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦ

اما چگونه آنچه را پیش‌تر انکار می‌کردند، از جایی چنین دور، برای آنان دست‌یافتنی می‌بود؟[52]

وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ [52] وَقَدْ كَفَرُواْ بِهِۦ مِن قَبْلُ

و دربارهٔ آنچه فراتر از حواس است از جایی دور حدس می‌افکنند.[53]

وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ [53]

و میان آنان و آنچه می‌خواهند حایل خواهد شد، چنان‌که پیش‌تر با همانندانشان شد: آنان همانا در حیرانی‌ای آشفته‌کننده بودند.[54]

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُواْ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍ [54]

# الاحزاب • AL-AHZAB

سوره 33 · 73 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای اطلاع‌دهنده، در برابر خدا محتاط باش،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ

و نه به انکارکنندگان گردن منه و نه به دورویان،

وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ

زیرا خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[1]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا [1]

و از آنچه از سرپرست تو به تو پرده‌برداری می‌شود پیروی کن.

وَٱتَّبِعْ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ

خدا همانا بر آنچه می‌کنند باخبر است. (62)[2]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرًا [2] (62)

و به خدا وکالت بده.

وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ

و خدا به‌عنوان وکیل بس است.[3]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا [3]

خدا برای هیچ مردی دو هسته در درونش قرار نداده است.

مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِى جَوْفِهِۦ

و همسران شما — آنان که به آنان پشت می‌کنید — را مادران شما نساخته است،

وَمَا جَعَلَ أَزْوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔى تُظَٰهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمْ

و پسرخواندگان شما را پسران شما نساخته است.

وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَآءَكُمْ أَبْنَآءَكُمْ

این است سخن شما، از دهان‌های شما؛

ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُم بِأَفْوَٰهِكُمْ

و خدا حقیقت را می‌گوید، و اوست که به سوی راه، راه می‌نماید.[4]

وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِى ٱلسَّبِيلَ [4]

آنان را به نام پدرانشان بخوانید: این نزد خدا دادگرانه‌تر است.

ٱدْعُوهُمْ لِءَابَآئِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ

و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس آنان برادران شما در قانون و متحدان شمایند.

فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمْ

و بر شما در آنچه از سر اشتباه کرده باشید هیچ سرزنشی نیست،

وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَآ أَخْطَأْتُم بِهِۦ

بلکه در آنچه هسته‌های شما از پیش اندیشیده‌اند.

وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[5]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا [5]

اطلاع‌دهنده به باورمندان نزدیک‌تر است از خودشان به خودشان،

ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡ

و همسران او مادران آنانند.

وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ

و دارندگان پیوند خویشاوندی بر حسب ضابطهٔ خدا از باورمندان و مهاجران به یکدیگر نزدیک‌ترند — مگر آنکه با متحدان خود آنچه را شناخته‌شده است بکنید.

وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗا

این در نوشتار ثبت شده بود.[6]

كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا [6]

و چون از اطلاع‌دهندگان پیمان استوارشان را گرفتیم، و از تو، و از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی، پسر مریم —

وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ

و از آنان پیمانی استوار و محکم گرفتیم، تا او از راست‌گویان دربارهٔ راست‌گویی‌شان بپرسد؛[7]

وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا [7] لِّيَسۡـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدۡقِهِمۡ

و برای انکارکنندگان کیفری دردناک آماده کرده است.[8]

وَأَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا [8]

ای کسانی که باور آوردید! دهش خدا را بر خود به یاد آورید، آنگاه که لشکرها بر شما آمدند، و ما بر آنان بادی فرستادیم، و لشکرهایی که نمی‌دیدید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَا

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[9]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا [9]

آنگاه که از بالا و از پایین بر شما آمدند،

إِذْ جَآءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ

و آنگاه که بینایی‌ها کج شد، هسته‌ها به گلوها رسید، و شما دربارهٔ خدا گمان‌های گوناگون می‌بردید.[10]

وَإِذْ زَاغَتِ ٱلْأَبْصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلْقُلُوبُ ٱلْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ [10]

آنجا باورمندان آزموده شدند، و تکانی سخت تکان خوردند.[11]

هُنَالِكَ ٱبْتُلِىَ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا۟ زِلْزَالًا شَدِيدًا [11]

و آنگاه که دورویان، و کسانی که در هسته‌هایشان بیماری است، می‌گفتند: «خدا و فرستاده‌اش به ما تنها فریب وعده دادند»،[12]

وَإِذْ يَقُولُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورًا [12]

و آنگاه که گروهی از آنان گفت: «ای مردم یثرب، برای شما جایی نیست؛ بازگردید»،

وَإِذْ قَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ يَٰٓأَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَٱرْجِعُوا۟

و گروهی از آنان از اطلاع‌دهنده اجازه می‌خواست، می‌گفت: «خانه‌های ما همانا بی‌حریم است» — حال آنکه نبود:

وَيَسْتَـْٔذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ ٱلنَّبِىَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِىَ بِعَوْرَةٍ

تنها می‌خواستند بگریزند.[13]

إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا [13]

و اگر از همه سو بر آن درآمده می‌شد، سپس از آنان آزمون خواسته می‌شد، آن را می‌پذیرفتند، و در آن تنها اندکی درنگ می‌کردند.[14]

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا۟ ٱلْفِتْنَةَ لَـَٔاتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا۟ بِهَآ إِلَّا يَسِيرًا [14]

و آنان پیش‌تر با خدا پیمان بسته بودند که پشت نکنند؛

وَلَقَدْ كَانُواْ عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلْأَدْبَٰرَ

و پیمان خدا پرسیده خواهد شد.[15]

وَكَانَ عَهْدُ ٱللَّهِ مَسْـُٔولًا [15]

بگو: «گریز برای شما سودی نخواهد داشت اگر از مرگ یا از کشته شدن بگریزید،

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ ٱلْمَوْتِ أَوِ ٱلْقَتْلِ

و آنگاه تنها اندکی برخوردار می‌شدید.»[16]

وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا [16]

بگو: «پس چه کسی شما را از خدا نگاه می‌داشت، اگر برای شما بدی می‌خواست، یا اگر برای شما مهری می‌خواست؟»

قُلْ مَن ذَا ٱلَّذِى يَعْصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوٓءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً

و غیر از خدا نه متحدی خواهند یافت و نه یاری‌ای.[17]

وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا [17]

خدا همانا آنان از شما را که دیگران را کند می‌کنند بازخواهد شناخت، و آنان را که به برادران خود می‌گویند: «به سوی ما بیایید» — و تنها اندکی به نبرد می‌آیند، حریص نسبت به شما.[18]

قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ لِإِخْوَٰنِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ ٱلْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا [18] أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ

سپس چون ترس آید، می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند، چشمانشان می‌گردد چون کسی که مرگ او را از حال می‌برد.

فَإِذَا جَآءَ ٱلْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَٱلَّذِى يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ

سپس چون ترس برود، با زبان‌هایی تیز شما را درمی‌نوردند، حریص نیکی.

فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلْخَيْرِ

اینان باور نیاورده‌اند؛ پس خدا کردارهایشان را از اعتبار انداخت،

أُوْلَٰٓئِكَ لَمْ يُؤْمِنُواْ فَأَحْبَطَ ٱللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ

و این برای خدا کاری آسان است.[19]

وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا [19]

می‌پندارند که حزب‌ها نرفته‌اند؛

يَحْسَبُونَ ٱلْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُواْ

و اگر حزب‌ها می‌آمدند، دوست می‌داشتند که در میان سرشناسان کناره گرفته باشند،

وَإِن يَأْتِ ٱلْأَحْزَابُ يَوَدُّواْ لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِى ٱلْأَعْرَابِ

از شما اطلاعات می‌پرسند؛ و اگر در میان شما می‌بودند، تنها اندکی جنگیده بودند.[20]

يَسْـَٔلُونَ عَنْ أَنۢبَآئِكُمْ وَلَوْ كَانُواْ فِيكُم مَّا قَٰتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلًا [20]

شما در فرستادهٔ خدا همانا سرمشقی نیکو داشتید، برای هر که خدا و روز واپسین را امید دارد و خدا را بسیار به یاد می‌آورد.[21]

لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِى رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُواْ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْءَاخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرًا [21]

و چون باورمندان حزب‌ها را دیدند، گفتند: «این است آنچه خدا و فرستاده‌اش به ما وعده داده بودند، و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند»،

وَلَمَّا رَءَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْأَحْزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ

و این تنها باور و پذیرش کاملاً بی‌خدشهٔ آنان را افزود.[22]

وَمَا زَادَهُمْ إِلَّآ إِيمَٰنًا وَتَسْلِيمًا [22]

از میان باورمندان مردانی هستند که با پیمانی که با خدا بستند راست‌گو بودند:

مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيْهِ

برخی از آنان تعهد خود را به پایان رساندند، و برخی دیگر در انتظارند،

فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُۥ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ

و هیچ چیز دگرگون نکردند — تا خدا راست‌گویان را برای راست‌گوییشان بازپرداخت کند، و دورویان را، اگر او را پسند افتد، کیفر دهد، یا با نرمی به سوی آنان بازگردد،[23]

وَمَا بَدَّلُواْ تَبْدِيلًا [23] لِّيَجْزِيَ ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[24]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا [24]

و خدا آنان را که انکار کردند، با خشم خود، عقب راند، بی‌آنکه هیچ نیکی‌ای به آنان رسد؛

وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُواْ خَيْرًا

و خدا جنگ را بر باورمندان نگذاشت.

وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ

و خدا زورمند، نیرومند است.[25]

وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا [25]

و آنان از دارندگان نوشتار را که از ایشان پشتیبانی کرده بودند از دژهایشان فرود آورد، و در هسته‌هایشان وحشت افکند:

وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ

گروهی را می‌کشتید و گروهی را اسیر می‌گرفتید؛[26]

فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا [26]

و شما را وارث زمین آنان، خانه‌هایشان، مال‌هایشان، و زمینی که پای در آن ننهاده بودید ساخت.

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَٰرَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَـُٔوهَا

و خدا بر هر چیز توانا است.[27]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا [27]

ای اطلاع‌دهنده، به همسران خود بگو: «اگر زندگی نزدیک و آرایهٔ آن را می‌خواهید، بیایید، من شما را برخوردار خواهم کرد و به رهایی‌ای شایسته رهایتان خواهم کرد؛[28]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا [28]

و اگر خدا، فرستادهٔ او و جایگاه واپسین را می‌خواهید، آنگاه خدا همانا برای نیکی‌کنندگان از میان شما پاداشی سترگ آماده کرده است.»[29]

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا [29]

ای زنان اطلاع‌دهنده، هر که از میان شما زشتکاری‌ای آشکار مرتکب می‌شد، ما کیفر او را دوچندان می‌کردیم، دوبار؛ (63)

يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِ (63)

و این برای خدا کاری آسان است.[30]

وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا [30]

و هر که از میان شما ارادتمند خدا و فرستادهٔ او باشد و کرداری شایسته به‌جا آورد، پاداش او را دوبار به او خواهیم داد، و برای او روزی‌ای بزرگوار آماده کرده‌ایم.[31]

وَمَن يَقۡنُتۡ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا نُّؤۡتِهَآ أَجۡرَهَا مَرَّتَيۡنِ وَأَعۡتَدۡنَا لَهَا رِزۡقٗا كَرِيمٗا [31]

ای زنان اطلاع‌دهنده، شما چون هیچ‌یک از دیگر زنان نیستید، اگر محتاط باشید.

يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّ

پس لحن سخن خود را نرم مکنید، مبادا آنکه هسته‌اش بیماری دارد طمع کند؛ سخنی شناخته‌شده بگویید، و در خانه‌های خود بمانید،[32]

فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا [32] وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ

و چون نخستین نادانی خودنمایی مکنید.
وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ

و تماس را پابرجا نگه دارید و گشاده‌دستی ناب را بدهید،
وَأَقِمْنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ

و برای خدا و فرستادهٔ او گردن نهید.
وَأَطِعْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ

خدا تنها می‌خواهد پلیدی را از شما، ای مردمِ خانه، دور بفرستد و شما را کاملاً پاک سازد.[33]
إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا [33]

و آنچه را در خانه‌های شما از نشانه‌های خدا و فرزانگی برخوانده می‌شود به یاد آورید،
وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ

زیرا خدا ظریف‌بین، باخبر است.[34]
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا [34]

مردان بی‌خدشه نزد خدا و زنان بی‌خدشه نزد خدا، باورمندان مرد و زن، ارادتمندان مرد و زن، راست‌گویان مرد و زن، شکیبایان مرد و زن، فروتنان مرد و زن، دستگیری‌کنندگان مرد و زن، خودداران مرد و زن، پاکدامنان مرد و زن، و آنان که خدا را بسیار به یاد می‌آورند، مرد و زن — خدا برای آنان همانا بخشایش و پاداشی سترگ آماده کرده است.[35]
إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَٱلْمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا [35]

و هیچ باورمند مرد و هیچ باورمند زنی را نسزد که چون خدا و فرستادهٔ او دربارهٔ کاری فیصله دادند، برایشان در کار خودشان گزینشی باشد. **(64)**
وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمْرًا أَن تَكُونَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ **(64)**

و هر که از خدا و فرستادهٔ او فرمان نبرد، به گمراهی‌ای آشکار گمراه شده است.[36]

وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا [36]

و آنگاه که به آنکه خدا او را به دهش خود نواخته بود و تو خود نیز او را به دهش نواخته بودی می‌گفتی: «همسر خود را نگه دار، و در برابر خدا محتاط باش» — در حالی که در درون خود آنچه را خدا آشکار می‌کرد پنهان می‌داشتی، و از مردم بیم داشتی، حال آنکه خدا سزاوارتر است که از او بیم داری.

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِىٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخْفِى فِى نَفْسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَىٰهُ

سپس چون زید با او هر پیوندی را پایان داد، ما او را به همسری تو دادیم، تا برای باورمندان دربارهٔ همسران پسرخواندگانشان، چون آنان با ایشان هر پیوندی را پایان دادند، تنگنایی نباشد.

فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَٰكَهَا لِكَىْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِىٓ أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا۟ مِنْهُنَّ وَطَرًا

و دستور خدا همواره انجام‌شده است.[37]

وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ مَفْعُولًا [37]

بر اطلاع‌دهنده در آنچه خدا برای او تصریح کرده است هیچ تنگنایی نیست —

مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥ

این است هنجار خدا نسبت به کسانی که پیش‌تر گذشته‌اند.

سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ

و دستور خدا اندازه‌ای سنجیده است.[38]

وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا [38]

آنان که پیام‌های خدا را می‌رسانند، و از او بیم دارند، و از هیچ‌کس بیم ندارند مگر خدا —

ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُۥ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَ

و خدا به‌عنوان حسابگر کافی است.[39]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا [39]

محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست،

مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ

بلکه فرستادهٔ خدا و نگین اطلاع‌دهندگان است.

وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ

و خدا همه‌چیزدانِ هر چیز است.[40]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا [40]

ای کسانی که باور آوردید! خدا را بسیار به یاد آورید، و در سپیده‌دم و هنگام بازگشت به خانه شکوه او را بسرایید.[41-42]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا [41] وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا [42]

اوست که با شما در تماس است، او و کارگزارانش، تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد؛

هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ

و او نسبت به باورمندان مهربان است.[43]

وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا [43]

درودشان، روزی که با او روبه‌رو شوند، این خواهد بود: «آرامش».

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَٰمٌ

و برای آنان پاداشی بزرگوار آماده کرده است.[44]

وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا [44]

ای اطلاع‌دهنده، ما تو را همانا به‌عنوان گواه، مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم، به‌عنوان فراخواننده به سوی خدا به اجازهٔ او، و چراغی روشنایی‌بخش.[45-46]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا [45] وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا [46]

و باورمندان را مژده بده که از سوی خدا لطفی بزرگ دارند.[47]

وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا [47]

و نه به انکارکنندگان گردن منه و نه به دورویان،

وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ

و به گزندهای آنان اعتنا مکن،

وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ

و به خدا وکالت بده.

وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ

و خدا به‌عنوان وکیل بس است.[48]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا [48]

ای کسانی که باور آوردید! چون زنان باورمند را به همسری گیرید و سپس پیش از آنکه به آنان دست زده باشید طلاق دهید، بر آنان هیچ مدت انتظاری ندارید که شمارش آن را نگه دارید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَكَحۡتُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمۡ عَلَيۡهِنَّ مِنۡ عِدَّةٖ تَعۡتَدُّونَهَا

پس آنان را برخوردار کنید، و به رهایی‌ای شایسته رهایشان کنید.[49]

فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا [49]

ای اطلاع‌دهنده، ما همسران تو را که پاداش‌هایشان را به آنان داده‌ای برای تو روا ساختیم، و آن را که با سوگند به تو بسته است از آنچه خدا به دست تو درآورد، و دختران عموی تو، دختران عمه‌های تو، دختران دایی تو، دختران خاله‌های تو را که همراه تو مهاجرت کردند، و هر زن باورمند را اگر خود را به اطلاع‌دهنده عطا کند — به شرط آنکه اطلاع‌دهنده بخواهد او را به همسری گیرد:

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَحۡلَلۡنَا لَكَ أَزۡوَٰجَكَ ٱلَّٰتِيٓ ءَاتَيۡتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ وَبَنَٰتِ عَمِّكَ وَبَنَٰتِ عَمَّٰتِكَ وَبَنَٰتِ خَالِكَ وَبَنَٰتِ خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِي هَاجَرۡنَ مَعَكَ وَٱمۡرَأَةً مُّؤۡمِنَةً إِن وَهَبَتۡ نَفۡسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنۡ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسۡتَنكِحَهَا

ویژهٔ تو، جدا از باورمندان.

خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ

ما می‌دانیم آنچه را برای آنان دربارهٔ همسرانشان و آنان که با سوگند به ایشان بسته‌اند تصریح کردیم، تا برای تو هیچ تنگنایی نباشد؛

قَدۡ عَلِمۡنَا مَا فَرَضۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ لِكَيۡلَا يَكُونَ عَلَيۡكَ حَرَجٞ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[50]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا [50]

هر که از آنان را بخواهی می‌توانی واپس اندازی، و هر که را بخواهی نزد خود بپذیری؛

تُرۡجِي مَن تَشَآءُ مِنۡهُنَّ وَتُـٔۡوِيٓ إِلَيۡكَ مَن تَشَآءُ

و هر که را از آنان که کنار گذاشته بودی بجویی، تو را هیچ سرزنشی نیست.

وَمَنِ ٱبۡتَغَيۡتَ مِمَّنۡ عَزَلۡتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكَ

این نزدیک‌تر است تا نگاه آنان خنک شود، اندوهگین نشوند، و همگی از آنچه به آنان می‌دهی خشنود باشند.

ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعۡيُنُهُنَّ وَلَا يَحۡزَنَّ وَيَرۡضَيۡنَ بِمَآ ءَاتَيۡتَهُنَّ كُلُّهُنَّ

و خدا آنچه را در هسته‌های شماست می‌داند؛

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِى قُلُوبِكُمْ

و خدا همه‌چیزدان، بردبار است.[51]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا [51]

از این پس زنان برای تو روا نیستند، و نه آنکه آنان را با همسران دیگر عوض کنی، حتی اگر زیبایی‌شان تو را خیره کند — مگر آن که با سوگند به تو بسته است.

لَّا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعْدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَٰجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ

و خدا بر هر چیز ناظر است.[52]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ رَّقِيبًا [52]

ای کسانی که باور آوردید! به خانه‌های اطلاع‌دهنده درنیایید، مگر آنکه برای خوراکی به شما اجازه داده شود، بی‌آنکه منتظر پخته شدنش بمانید؛

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَدْخُلُوا۟ بُيُوتَ ٱلنَّبِىِّ إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ

اما چون دعوت شدید، درآیید؛ و چون خوراک خوردید، پراکنده شوید، بی‌آنکه در گفتگو خود را فراموش کنید،

وَلَٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَٱدْخُلُوا۟ فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُوا۟ وَلَا مُسْتَـْٔنِسِينَ لِحَدِيثٍ

زیرا این اطلاع‌دهنده را می‌آزرد، اما او از شما شرم داشت،

إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِى ٱلنَّبِىَّ فَيَسْتَحْىِۦ مِنكُمْ

حال آنکه خدا از حقیقت شرم ندارد.

وَٱللَّهُ لَا يَسْتَحْىِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ

و چون از آنان چیزی خواستید، آن را از پشت پرده‌ای از آنان بخواهید:

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَٰعًا فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ

این برای هسته‌های شما و هسته‌های آنان زلال‌تر است.

ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

و شما را نرسد که فرستادهٔ خدا را بیازارید، و نه آنکه همسران او را پس از او به همسری گیرید، هرگز؛

وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓاْ أَزْوَٰجَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا

زیرا این نزد خدا سترگ است.[53]

إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا [53]

چه چیزی را آشکار سازید یا پنهان کنید، خدا همانا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[54]

إِن تُبْدُواْ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا [54]

بر آنان دربارهٔ پدرانشان سرزنشی نیست، و نه دربارهٔ پسرانشان، و نه برادرانشان، و نه پسران برادرانشان، و نه پسران خواهرانشان، و نه زنان پیرامونشان، و نه آنان که با سوگند به ایشان بسته‌اند.

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِىٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَ

زیرا خدا بر هر چیز گواه است.[55]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدًا [55]

خدا و کارگزارانش با اطلاع‌دهنده پیوسته در تماس‌اند.

إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ

ای کسانی که باور آوردید! با او در تماس باشید، و با درستی تمام بپیوندید.[56]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا [56]

آنان که خدا و فرستادهٔ او را می‌آزارند، خدا آنان را همانا در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین نفرین کرده است، و برای آنان کیفری خوارکننده آماده کرده است.[57]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا [57]

و آنان که مردان و زنان باورمند را می‌آزارند، بی‌آنکه کاری کرده باشند، بار بهتانی و تخطی‌ای آشکار را بر دوش می‌کشند.[58]

وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ بِغَيْرِ مَا ٱكْتَسَبُوا۟ فَقَدِ ٱحْتَمَلُوا۟ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا [58]

ای اطلاع‌دهنده، به همسران خود، دخترانت، و به زنان باورمندان بگو که گوشه‌ای از ردایشان را بر خود بکشند:

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ قُل لِّأَزْوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ

این نزدیک‌تر است تا شناخته شوند، و آزار نبینند.

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[59]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا [59]

اگر دورویان، و آنان که در هسته‌هایشان بیماری است، و شایعه‌پراکنان در پایتخت، دست برندارند، ما تو را بی‌گمان بر آنان خواهیم گماشت؛ آنگاه تنها اندکی همسایهٔ تو خواهند ماند، نفرین‌شده.[60]

لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَٱلْمُرْجِفُونَ فِى ٱلْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلًا [60] مَّلْعُونِينَ

هر جا که غافلگیر شوند، گرفته خواهند شد و قتل‌عام خواهند شد، قتل‌عامی کامل.[61]

أَيْنَمَا ثُقِفُوٓا۟ أُخِذُوا۟ وَقُتِّلُوا۟ تَقْتِيلًا [61]

این است هنجار خدا نسبت به کسانی که پیش‌تر گذشته‌اند،

سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ

و هرگز در هنجار خدا دگرگونی نخواهی یافت.[62]

وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا [62]

مردم دربارۀ آن لحظه از تو می‌پرسند.

يَسۡـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ

بگو: «دانش آن تنها نزد خدا است،

قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِ

و چه چیز تو را از آن آگاهی می‌دهد؟

وَمَا يُدۡرِيكَ

شاید آن لحظه نزدیک باشد.»[63]

لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا [63]

خدا انکارکنندگان را همانا نفرین کرده است، و برای آنان اخگری افروخته آماده کرده است، که در آن جاودانه خواهند ماند، همیشه، و نه متحدی خواهند یافت و نه یاری‌ای —[64-65]

إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا [64] خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗا لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا [65]

روزی که چهره‌هایشان در آتش واژگون شود، خواهند گفت: «ای دریغ، کاش برای خدا گردن نهاده بودیم و برای فرستاده گردن نهاده بودیم!»[66]

يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠ [66]

و خواهند گفت: «ای سرپرست ما، ما همانا برای سروران و بزرگان خود گردن نهادیم، و آنان ما را از راه گمراه کردند.[67]

وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ [67]

ای سرپرست ما، به آنان کیفر دوچندان بده، و آنان را نفرینی بسیار نفرین کن.»[68] **(65)**

رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ ٱلۡعَذَابِ وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا [68] **(65)**

ای کسانی که باور آوردید! چون آنان که موسی را آزردند مباشید؛ خدا او را از آنچه می‌گفتند بی‌تعهد ساخت،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْ

و او نزد خدا دارای اعتباری والا بود.[69]

وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا [69]

ای کسانی که باور آوردید! در برابر خدا محتاط باشید، و سخنی راست بگویید: او کردارهای شما را شایسته خواهد ساخت، و تقصیرهای شما را خواهد بخشود.[70]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا [70] يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ

و هر که برای خدا و فرستادهٔ او گردن نهد، به پیروزی‌ای سترگ دست یافته است.[71]

وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا [71]

ما امانت اعتماد را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها پیشنهاد کردیم؛ از برداشتن آن سر باز زدند، و از آن نگرانی داشتند،

إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا

و انسان آن را برداشت: او همانا بسیار ستمگر و بسیار نادان بود — تا خدا دورویان مرد و زن، انبازگیرندگان مرد و زن را کیفر دهد، و خدا با نرمی به سوی باورمندان مرد و زن بازگردد.[72]

وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا [72] لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۚ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[73]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا [73]

# السجدة • AS-SAJDA

سوره 32 · 30 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓ (الف لام میم).[1]

الٓمٓ [1]

فرود نوشتار — هیچ تردیدی نیست — از سرپرست همهٔ هستی‌هاست.[2]

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [2]

یا خواهند گفت: «او آن را برساخته است»؟

أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ

بلکه حقیقتی است از سرپرست تو، تا قومی را هشدار دهی که پیش از تو هیچ هشداردهنده‌ای به سوی آنان نیامده بود، به این امید که راهنمایی خواهند پذیرفت.[3]

بَلْ هُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ [3]

خدا آن است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در شش روز آفرید، سپس بر بنا مستقر شد؛

ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ

شما غیر از او نه متحدی دارید و نه میانجی‌ای.

مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا شَفِيعٍ

پس به یاد نمی‌آورید؟[4]

أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ [4]

او دستور را از آسمان تا زمین اداره می‌کند، سپس در روزی که اندازهٔ آن هزار سال از آنچه شما می‌شمارید است به سوی او بالا می‌رود.[5]

يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِى يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥٓ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ [5]

این است آنکه فراتر از حواس و آنچه را گواهی‌شده است می‌داند، نیرومند، مهربان،[6]

ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [6]

آنکه آفرینش هر چیز را زیبا ساخت، و آفرینش انسان را از خاک رس آغاز کرد، (66)[7]

ٱلَّذِىٓ أَحْسَنَ كُلَّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ وَبَدَأَ خَلْقَ ٱلْإِنسَٰنِ مِن طِينٍ [7] (66)

سپس نسل او را از عصارهٔ آبی خوارشمرده پدید آورد،[8]

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ [8]

سپس او را شکل داد، و از جریان خود در او دمید،

ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦ

و برای شما شنوایی، بینایی‌ها و آگاهی‌ها نهاد —

وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ

چه اندک سپاس‌گزارید![9]

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ [9]

و گفتند: «چون در زمین گم شده باشیم، آیا به‌راستی در آفرینشی تازه خواهیم بود؟»

وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا ضَلَلْنَا فِى ٱلْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ

بلکه آنان روبه‌رویی با سرپرست خود را انکار می‌کنند.[10]

بَلْ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كَٰفِرُونَ [10]

بگو: «کارگزارِ مرگ، که برای شما گماشته شده است، شما را به‌تمامی نگه خواهد داشت؛ سپس به سوی سرپرست شما بازگردانده خواهید شد.»[11]

قُلْ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلْمَوْتِ ٱلَّذِى وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ [11]

و اگر ببینی، چون کنارگذاشته‌شدگان نزد سرپرست خود سرافکنده خواهند بود: «ای سرپرست ما، دیدیم و شنیدیم؛ پس ما را بازگردان، کردارهای شایسته به‌جا خواهیم آورد، زیرا اینک ما یقین یافته‌ایم.»[12]

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا۟ رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَآ أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَٱرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ [12]

و اگر ما را پسند افتاده بود، به هر خویشتنی راهنمایی‌اش را می‌دادیم؛

وَلَوْ شِئْنَا لَءَاتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَىٰهَا

اما سخن من به حقیقت پیوست: «جهنم را بی‌گمان از نهانیان و انسان‌ها، همگی با هم، پر خواهم کرد.»[13]

وَلَٰكِنْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ مِنِّى لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ [13]

پس بچشید، به‌سبب فراموش کردن روبه‌رویی با این روز خود — زیرا ما شما را فراموش کردیم —

فَذُوقُوا۟ بِمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمْ

و کیفر جاودانه را بچشید برای آنچه می‌کردید.[14]

وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [14]

تنها کسانی به نشانه‌های ما باور دارند که چون به آنان یادآوری شود، پیشانی بر خاک نهاده می‌افتند و با ستودن سرپرست خود شکوه او را می‌سرایند، بی‌آنکه خودبزرگ‌بین شوند.[15]

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا۟ بِهَا خَرُّوا۟ سُجَّدًا وَسَبَّحُوا۟ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ [15]

پهلوهایشان از بسترها جدا می‌شود، سرپرست خود را از ترس و از امید فرامی‌خوانند، و از آنچه روزی‌شان دادیم هزینه می‌کنند.[16]

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ [16]

و هیچ خویشتنی نمی‌داند آنچه برای آنان نهان داشته شده است، خنکی نگاه، در بازپرداخت آنچه می‌کردند.[17]

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [17]

آیا پس آنکه باورمند است همچون آنکه تجاوزگر است؟

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا

آنان برابر نیستند.[18]

لَّا يَسْتَوُۥنَ [18]

اما کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، باغ‌های پناهگاه دارند، به‌عنوان پذیرایی، برای آنچه می‌کردند؛[19]

أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْمَأْوَىٰ نُزُلًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [19]

و اما کسانی که از حدها گذشتند، پناهگاه آنان آتش است:

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُوا۟ فَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ

هرگاه بخواهند از آن بیرون آیند، به آن بازبرده خواهند شد، و به آنان گفته خواهد شد: «کیفر آتشی را که دروغ می‌انگاشتید بچشید.»[20]

كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَآ أُعِيدُوا۟ فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ [20]

و ما بی‌گمان از کیفر نزدیک‌تر، فروتر از کیفر بزرگ‌تر، به آنان خواهیم چشاند، شاید بازگردند.[21]

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَدْنَىٰ دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [21]

و کیست پس ستمگرتر از آنکه نشانه‌های سرپرستش به او یادآوری شود و سپس از آن‌ها روی برتابد؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَآ

ما از کنارگذاشته‌شدگان همانا انتقام خواهیم گرفت.[22]

إِنَّا مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ [22]

و ما به موسی همانا نوشتار دادیم —

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ

پس دربارهٔ روبه‌رویی با آن در مجادله مباش —

فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِۦ

و ما آن را راهنمایی برای پسران اسرائیل ساختیم.[23]

وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ [23]

و ما از میان آنان راهنمایانی نهادیم که به دستور ما رهبری می‌کردند، از آن رو که شکیبایی کرده بودند، (67)

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا۟ (67)

و به نشانه‌های ما یقین داشتند.[24]

وَكَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ [24]

سرپرست تو آن است که در روز حضور میان آنان جدایی خواهد افکند، در آنچه در آن اختلاف داشتند.[25]

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [25]

آیا پس به شمار نسل‌هایی که پیش از آنان نابود کردیم، که در سکونتگاه‌هایشان راه می‌روند، راهنمایی نشده‌اند؟

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

آیا پس نمی‌شنوند؟[26]

أَفَلَا يَسْمَعُونَ [26]

آیا پس ندیده‌اند که ما آب را به سوی زمین خشک می‌رانیم، و بدین‌سان کشتزاری بیرون می‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ

آیا پس روشن نمی‌بینند؟[27]

أَفَلَا يُبْصِرُونَ [27]

و می‌گویند: «این گشایش کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟»[28]

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ [28]

بگو: «در روز گشایش، باور دیگر برای کسانی که انکار کردند سود نخواهد رساند، و هیچ مهلتی نخواهند داشت.»[29]

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ [29]

پس از آنان روی بتاب، و منتظر باش،

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ

زیرا آنان در انتظارند.[30]

إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ [30]

# لقمان • LUQMAN

سوره 31 · 34 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓ (الف لام میم).[1]

الٓمٓ [1]

اینها نشانه‌های نوشتار سرشار از فرزانگی است، راهنمایی و مهر برای نیکی‌کنندگان، آنان که تماس را پابرجا نگه می‌دارند و گشاده‌دستی ناب را می‌دهند، و دربارهٔ زندگی واپسین به آن یقین دارند.[2-4]

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ [2] هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ [3] ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ [4]

آنان بر راهنمایی‌ای از سرپرست خود هستند،

أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ

و اینان‌اند رستگاران.[5]

وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [5]

و در میان انسان‌ها کسی است که گفتار سرگرم‌کننده می‌خرد، تا بی‌دانش از راه خدا گمراه کند، و آن را به مسخره می‌گیرد؛ (68)

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا (68)

اینانند که کیفری خوارکننده خواهند داشت.[6]

أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ [6]

و چون نشانه‌های ما بر او برخوانده شود، خودبزرگ‌بین پشت می‌کند، گویی آن‌ها را نشنیده است، گویی در گوش‌هایش کری‌ای است:

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا

پس او را از کیفر دردناک مژده بده.[7]

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [7]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند همانا باغ‌های دهش دارند، که در آن جاودانه می‌مانند —[8]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ [8] خَٰلِدِينَ فِيهَا

وعدهٔ خدا، به حقیقت؛

وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا

و او نیرومند است، فرزانه.[9]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [9]

آسمان‌ها را بی‌ستون آفرید

خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ

که بتوانید آن‌ها را ببینید؛

تَرَوْنَهَا

و بر زمین لنگرهایی استوار افکند، تا با شما نلرزد، و در آن هر گونه جنبنده را پراکند؛

وَأَلْقَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ

و ما از آسمان آبی فرود آوردیم، و در آن هر گونه جفت بزرگوار رویاندیم.[10]

وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ [10]

این است آفرینش خدا:

هَٰذَا خَلْقُ ٱللَّهِ

پس به من نشان دهید آنچه را کسانی که غیر از او هستند آفریده‌اند.

فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ

ستمگران بلکه در گمراهی‌ای آشکارند.[11]

بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [11]

و ما به لقمان همانا فرزانگی دادیم: «برای خدا سپاس‌گزار باش»؛

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَٰنَ ٱلْحِكْمَةَ أَنِ ٱشْكُرْ لِلَّهِ

و هر که سپاس‌گزار است تنها برای خود سپاس‌گزار است،

وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ

و هر که انکار کند — خدا همانا توانگر، ستوده است.[12]

وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ [12]

و چون لقمان به پسر خود گفت، در حالی که او را اندرز می‌داد: «ای پسرک من، برای خدا انباز مگیر؛

وَإِذْ قَالَ لُقْمَٰنُ لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ

انبازگیری بی‌گمان ستمی سترگ است.»[13]

إِنَّ ٱلشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ [13]

و ما به انسان دربارهٔ پدر و مادرش سفارش کردیم —

وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ

مادرش او را حمل کرد، سستی بر سستی،

حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ

و از شیر گرفتن او در دو سالی که پس از آن می‌آید به پایان می‌رسد —:

وَفِصَٰلُهُۥ فِى عَامَيْنِ

«نسبت به من و نسبت به پدر و مادرت سپاس‌گزار باش؛

أَنِ ٱشْكُرْ لِى وَلِوَٰلِدَيْكَ

مقصد به سوی من است.»[14]

إِلَىَّ ٱلْمَصِيرُ [14]

و اگر با تو مبارزه کنند تا چیزی را که دربارهٔ آن هیچ دانشی نداری با من انباز گیری، به آنان گردن منه؛

وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا

اما در زندگی نزدیک به شیوه‌ای شناخته‌شده با آنان همراهی کن،

وَصَاحِبْهُمَا فِى ٱلدُّنْيَا مَعْرُوفًا

و راه آن را که به من روی می‌آورد پیروی کن؛

وَٱتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىَّ

سپس بازگشت شما به سوی من خواهد بود، و آنگاه از آنچه می‌کردید شما را اطلاع خواهم داد.[15]

ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [15]

«ای پسرک من، اگر آن به سنگینی دانهٔ خردل می‌بود، و در صخره یا در آسمان‌ها یا بر زمین می‌بود، خدا آن را می‌آورد،

يَٰبُنَىَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوْ فِى ٱلْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ

زیرا خدا ظریف‌بین، باخبر است.[16]

إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ [16]

ای پسرک من، تماس را پابرجا نگه دار،

يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ

و آنچه را شناخته‌شده است دستور بده،

وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ

و آنچه را مردود است ممنوع کن،

وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ

و در برابر آنچه به تو می‌رسد شکیبایی کن،

وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ

زیرا این از کارهایی است که عزم می‌طلبد.[17]

إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ [17]

و رخسار خود را برای انسان‌ها کج مکن،

وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

و بر زمین با ناز راه مرو،

وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًا

زیرا خدا هیچ مغرور لافزنی را دوست ندارد.[18]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ [18]

و در گام‌برداشتن میانه‌رو باش،

وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ

و صدایت را پایین بیاور:

وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَ

زیرا ناشناختنی‌ترین آواز بی‌گمان آواز خران است.»[19]

إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ [19]

آیا ندیده‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌هاست و آنچه را بر زمین است برای شما رام کرد، و دهش‌های خود را، آشکار و درونی، بر شما سرشار ساخت؟

أَلَمْ تَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً

و در میان انسان‌ها یکی است که دربارهٔ خدا بی‌دانش، بی‌راهنمایی و بی‌نوشتار روشنگر مباحثه می‌کند.[20]

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ [20]

و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا فرود آورده است پیروی کنید»،

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُوا۟ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ

می‌گویند: «ما بلکه از آنچه نیاکان خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم.»

قَالُوا۟ بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ

و حتی اگر منحرف‌کننده آنان را به کیفر اخگرِ افروخته فراخواند؟[21]

أَوَلَوْ كَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ [21]

و هر که سوی خود را برای خدا بی‌خدشه کند، در حالی که نیکی می‌کند، به استوارترین دستگیره محکم چسبیده است؛

وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ

و فرجام کارها به سوی خداست.[22]

وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلْأُمُورِ [22]

و هر که انکار کند، انکارش تو را اندوهگین نکند:

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُۥٓ

بازگشت آنان به سوی ماست، و ما آنگاه از آنچه می‌کردند آنان را اطلاع خواهیم داد،

إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْ

زیرا خدا از آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[23]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [23]

آنان را اندکی برخوردار می‌کنیم، سپس آنان را به کیفری سخت ناچار خواهیم ساخت.[24]

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ [24]

و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید، بی‌گمان خواهند گفت: «خدا»؛

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ

بگو: «ستایش از آنِ خدا است!»

قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ

اما بیشترشان نمی‌دانند.[25]

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [25]

آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ خدا است؛

لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

زیرا خدا توانگر، ستوده است.[26]

إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ [26]

و اگر همهٔ درختان زمین قلم می‌بودند، و دریا پس از آن با هفت دریا تغذیه می‌شد، سخنان خدا پایان نمی‌یافت،

وَلَوْ أَنَّمَا فِى ٱلْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَٰمٌ وَٱلْبَحْرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ

زیرا خدا نیرومند و فرزانه است.[27]

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [27]

آفرینش شما و برانگیخته شدن شما تنها چون یک خویشتن است؛

مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَٰحِدَةٍ

زیرا خدا شنوا، بینا است.[28]

إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ [28]

آیا ندیده‌ای که خدا شب را در روز درمی‌آورد، و روز را در شب درمی‌آورد، و خورشید و ماه را رام کرده است، که هر یک به سوی مدتی نام‌برده روان است، و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است؟[29]

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِىٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ [29]

این، چراکه خدا حقیقت است، و آنچه غیر از او می‌خوانید باطل است، و چراکه خدا بالاتر است، بزرگ. **(69)** [30]

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّ مَا تَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلْبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ [30] **(69)**

آیا ندیده‌ای که ناوها در دریا به دهش خدا روانند، تا برخی از نشانه‌های خود را به شما بنمایاند؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِنِعْمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ ءَايَٰتِهِۦٓ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای هر که بسیار شکیبا و بسیار سپاس‌گزار است.[31]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [31]

و چون موجی چون سایبان‌ها آنان را فراگیرد، خدا را فرامی‌خوانند، قانون را ویژهٔ او می‌گردانند؛

وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ

سپس چون آنان را به خشکی نجات دهد، برخی از آنان میانه‌رو می‌مانند؛

فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ

و تنها هر پیمان‌شکن، انکارگر بزرگ، نشانه‌های ما را سرسختانه رد می‌کند.[32]

وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ [32]

ای انسان‌ها، در برابر سرپرست خود محتاط باشید، و از روزی بیم دارید که هیچ والدی در چیزی جایگزین فرزند خود نخواهد شد، و هیچ فرزندی نیز جایگزین والد خود نخواهد شد؛

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْاْ يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا

زیرا وعدهٔ خدا حقیقت است:

إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ

پس مبادا زندگی نزدیک شما را بفریبد،

فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا

و مبادا فریبندهٔ بزرگ دربارهٔ خدا شما را بفریبد.[33]

وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ [33]

خدا همانا نزد خود دانش آن لحظه را دارد،

إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ

و باران نجات‌بخش را فرود می‌آورد،

وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ

و آنچه را در زهدان‌هاست می‌داند؛

وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ

و هیچ خویشتنی از آنچه فردا به دست خواهد آورد آگاهی ندارد،

وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا

و هیچ خویشتنی از زمینی که در آن خواهد مرد آگاهی ندارد؛

وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ

زیرا خدا همه‌چیزدان و باخبر است.[34]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ[34]



# الروم • AR-RUM

سوره 30 · 60 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓ (الف لام میم).[1]

الٓمٓ [1]

رومیان در نزدیک‌ترین زمین پیروز شده‌اند؛ اما پس از پیروزی‌شان، چند سال دیگر شکست داده خواهند شد. (70) [2-3]

غُلِبَتِ ٱلرُّومُ [2] فِيٓ أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ وَهُم مِّنۢ بَعۡدِ غَلَبِهِمۡ سَيَغۡلِبُونَ [3] فِي بِضۡعِ سِنِينَ (70)

دستور از آنِ خدا است، پیش از این و پس از این.

لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُ

و در آن روز، باورمندان از یاری خدا شادمان خواهند شد —[4]

وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ [4] بِنَصۡرِ ٱللَّهِ

هر که را او را پسند افتد یاری می‌رساند؛

يَنصُرُ مَن يَشَآءُ

و اوست نیرومند، مهربان.[5]

وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [5]

وعدهٔ خدا: خدا از وعدهٔ خود خلاف نمی‌ورزد،

وَعۡدَ ٱللَّهِ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.[6]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [6]

آنان تنها آنچه را از زندگی نزدیک آشکار است می‌دانند، در حالی که نسبت به زندگی واپسین بی‌اعتنا هستند.[7]

يَعْلَمُونَ ظَٰهِرًا مِّنَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ ٱلْءَاخِرَةِ هُمْ غَٰفِلُونَ [7]

آیا پس در خود نیندیشیده‌اند؟

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِم

خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست نیافرید مگر با حقیقت و برای مدتی نام‌برده؛

مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى

و بسیاری از انسان‌ها روبه‌رویی با سرپرست خود را بی‌گمان انکار می‌کنند.[8]

وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَكَٰفِرُونَ [8]

آیا پس در زمین نگشته‌اند تا بنگرند که فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟ آنان از ایشان در نیرو برتر بودند، زمین را برکنده بودند

أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا۟ ٱلْأَرْضَ

و آن را بیش از آنچه ایشان آباد کرده‌اند آباد کرده بودند؛ و فرستادگانشان با دلیل‌های روشن نزدشان آمدند،

وَعَمَرُوهَآ أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ

و خدا نمی‌خواست بر آنان ستم کند،

فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ

اما بر خود ستم می‌کردند.[9]

وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ [9]

سپس فرجام آنان که بد کردند بدترین بود، چون نشانه‌های خدا را دروغ انگاشتند و آن‌ها را به مسخره گرفتند.[10]

ثُمَّ كَانَ عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ بِهَا يَسۡتَهۡزِءُونَ [10]

خدا آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را دوباره می‌سازد، سپس به سوی او بازگردانده خواهند شد.[11] (71)

ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ [11] (71)

و روزی که آن لحظه برخیزد، کنارگذاشته‌شدگان در نومیدی فرو برده خواهند شد، و از میان انبازان خود هیچ میانجی‌ای نخواهند داشت؛ و حتی انبازان خود را انکار خواهند کرد.[12-13]

وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ [12] وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ [13]

و روزی که آن لحظه برخیزد، در آن روز از هم جدا خواهند شد:[14]

وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ [14]

اما کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، در باغی پرگل سرشار از شادی ساخته خواهند شد؛[15]

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ [15]

و اما کسانی که انکار کردند و نشانه‌های ما و روبه‌رویی با زندگی واپسین را دروغ انگاشتند، آنان در کیفر آورده خواهند شد.[16]

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآئِ ٱلۡأٓخِرَةِ فَأُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ [16]

پس شکوه بر خدا باد چون به شب درمی‌آیید و چون به بامداد درمی‌آیید![17]

فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ [17]

و ستایش از آنِ او است در آسمان‌ها و بر زمین، و در فرو شدن روز، و چون به نیمروز درمی‌آیید.[18]

وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ [18]

زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و زمین را پس از مرگش دوباره زنده می‌کند؛

يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ وَيُحْىِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

و چنین است که بیرون آورده خواهید شد.[19]

وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ [19]

و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید؛ سپس اینک آدمیانی هستید که گسترش می‌یابید.[20]

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ [20]

و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا در آنان آرامش بیابید، و میان شما دلبستگی و مهر نهاد؛

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا لِّتَسْكُنُوٓا۟ إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که می‌اندیشند.[21]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [21]

و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین است، و گوناگونی زبان‌ها و رنگ‌های شما؛

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَٰنِكُمْ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای کسانی که می‌دانند.[22]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّلْعَٰلِمِينَ [22]

و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است، و جستجوی شما از لطف او؛

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبْتِغَآؤُكُم مِّن فَضْلِهِۦٓ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که می‌شنوند.[23]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ [23]

و از نشانه‌های او این است که برق را به شما می‌نمایاند، که از آن ترسیده و به آن امید بسته می‌شود، و از آسمان آبی فرود می‌آورد که با آن زمین را پس از مرگش دوباره زنده می‌کند؛

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيِۦ بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که خرد می‌ورزند.[24]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [24]

و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به دستور او پابرجا می‌مانند؛

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ بِأَمْرِهِۦ

سپس چون شما را با یک فراخوان از زمین فراخواند، اینک بیرون خواهید آمد.[25]

ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ إِذَآ أَنتُمْ تَخْرُجُونَ [25]

و هر که در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ اوست؛

وَلَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

همگی به او وقف شده‌اند.[26]

كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ [26]

و اوست که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را دوباره می‌سازد — چیزی که برای او آسان‌تر هم هست؛

وَهُوَ ٱلَّذِى يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ

و بالاترین مثال از آنِ اوست، در آسمان‌ها و بر زمین؛

وَلَهُ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلَىٰ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و او نیرومند است، فرزانه.[27]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [27]

برای شما مثالی از خودتان آورد: آیا در میان بسته‌شدگان به سوگند شما انبازانی در آنچه به شما روزی دادیم هستند، چنان‌که در آن برابر باشید و از آنان بترسید چنان‌که از یکدیگر می‌ترسید؟

ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِى مَا رَزَقْنَٰكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ سَوَآءٌ تَخَافُونَهُمْ خِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ

چنین نشانه‌ها را برای قومی که خرد می‌ورزند به تفصیل می‌آوریم.[28]

كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [28]

ستمگران بلکه بی‌دانش از هیجان‌های خود پیروی کرده‌اند.

بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهْوَآءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ

پس چه کسی راه خواهد نمود آن را که خدا گمراه کرده است؟

فَمَن يَهْدِى مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ

و یاری‌ای نخواهند داشت.[29]

وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ [29]

پس سوی خود را به قانون پابرجا نگه دار، یکسره روی‌آورندهٔ به خدا — سرشتی نخستین که خدا به انسان‌ها داده است، چنان‌که آنان را از آغاز آفرید. در آفرینش خدا دگرگونی نیست: این است قانون راست، اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند — در حالی که پیوسته به او روی می‌آورید، در برابر او محتاط باشید، تماس را پابرجا نگه دارید، و از انبازگیرندگان نباشید، از آنان که قانون خود را چنددسته کرده‌اند و جناح‌جناح شده‌اند،[30–31]

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ ٱللَّهِ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [30] مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [31] مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا

هر گروه از آنچه در دست دارد شادمان.[32]

كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ [32]

و چون آسیبی به انسان‌ها برسد، سرپرست خود را فرامی‌خوانند، به او روی‌آورنده؛

وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا۟ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ

سپس چون مهری از سوی خود به آنان بچشاند، اینک گروهی از آنان برای سرپرستشان انباز می‌گیرد،[33]

ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ [33]

تا آنچه را به آنان دادیم انکار کنند.

لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ

پس برخوردار شوید: به‌زودی خواهید دانست.[34]

فَتَمَتَّعُوا۟ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ [34]

یا آنکه بر آنان اقتداری فرود آوردیم که به سود آنچه برای او انباز می‌گیرند سخن بگوید؟[35]

أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا۟ بِهِۦ يُشْرِكُونَ [35]

و چون به انسان‌ها مهری بچشانیم، از آن شادمان می‌شوند؛

وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا۟ بِهَا

و اگر بدی‌ای به آنان رسد، به‌سبب آنچه دستانشان پیش بردند، اینک دلسرد می‌شوند.[36]

وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ [36]

آیا پس ندیده‌اند که خدا روزی را برای هر که او را پسند افتد می‌گستراند، و اندازه می‌کند؟

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که باور دارد.[37]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [37]

پس آنچه را سزاوار اوست به خویشاوند بده، و به تنگ‌دست و مسافر در راه‌مانده؛

فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ

این برای کسانی که سوی خدا را می‌خواهند بهتر است،

ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ

و اینان‌اند رستگاران.[38]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ [38]

و آنچه به‌عنوان وامی فزاینده می‌دهید، تا در مال مردم بیفزاید، نزد خدا نمی‌افزاید؛

وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِ

اما آنچه به‌عنوان گشاده‌دستی ناب می‌دهید، در حالی که سوی خدا را می‌خواهید — آنان‌اند که دوچندان می‌کنند.[39]

وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ [39]

خدا آن است که شما را آفرید، سپس به شما روزی داد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را دوباره زنده می‌کند.

ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ ثُمَّ رَزَقَكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ

آیا در میان انبازان شما کسی هست که از همهٔ این‌ها چیزی انجام دهد؟

هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفۡعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيۡءٖ

شکوه بر او باد، و او بسی بالاتر از آن است که انباز او می‌گیرید. (72)[40]

سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ [40] (72)

فساد بر خشکی و دریا آشکار شد، به‌سبب آنچه دستان انسان‌ها به دست آوردند، تا او بخشی از آنچه کردند به آنان بچشاند، شاید بازگردند.[41]

ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ [41]

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که فرجام کسانی که پیش‌تر بودند چگونه بود.»

قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُ

بیشتر آنان انبازگیرندگان بودند.[42]

كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ [42]

پس سوی خود را به قانون راست پابرجا نگه دار، پیش از آنکه از جانب خدا روزی بیاید که نمی‌توان آن را لغو کرد:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ ٱلْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ

در آن روز شکافته خواهند شد.[43]

يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ [43]

هر که انکار کند، انکارش به زیان خود او است؛

مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ

و هر که کرداری شایسته به‌جا آورد، آنان برای خود بستری می‌گسترند — تا او، از لطف خود، باورآورندگانی را که کردارهای شایسته به‌جا آوردند بازپرداخت کند،[44]

وَمَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ [44] لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن فَضْلِهِۦٓ

زیرا او انکارکنندگان را دوست ندارد.[45]

إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْكَٰفِرِينَ [45]

و از نشانه‌های او این است که بادها را می‌فرستد، مژده‌دهنده، تا از مهر او به شما بچشاند، تا ناوها به دستور او روان شوند، تا از لطف او بجویید، و شاید سپاس‌گزار شوید.[46]

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرْسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِۦ وَلِتَجْرِيَ ٱلْفُلْكُ بِأَمْرِهِۦ وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [46]

و ما پیش از تو همانا فرستادگانی به سوی قومشان فرستادیم؛ با دلیل‌های روشن نزد آنان آمدند، و ما از کنارگذاشته‌شدگان انتقام گرفتیم؛

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَآءُوهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَٱنتَقَمْنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُواْ

و بر عهدهٔ ما بود که باورمندان را یاری رسانیم.[47]

وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ [47]

خدا آن است که بادها را می‌فرستد؛ ابرهایی برمی‌خیزانند، که او در آسمان به هر گونه که او را پسند افتد می‌گستراند، و آن‌ها را پاره‌پاره می‌کند؛ آنگاه می‌بینی که رگبار از درون آن‌ها بیرون می‌آید.

ٱللَّهُ ٱلَّذِى يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُۥ فِى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ يَشَآءُ وَيَجْعَلُهُۥ كِسَفًا فَتَرَى ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَٰلِهِۦ

سپس چون آن را به هر که از فرمان‌برداران خود او را پسند افتد برساند، اینک شادی می‌کنند،[48]

فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ [48]

حال آنکه پیش از آنکه بر آنان فرود آورده شود، بی‌گمان نومید بودند.[49]

وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِۦ لَمُبْلِسِينَ [49]

پس بنگر به اثر مهر خدا: چگونه زمین را پس از مرگش دوباره زنده می‌کند؛[(73)]

فَٱنظُرْ إِلَىٰٓ أَثَرِ رَحْمَتِ ٱللَّهِ كَيْفَ يُحْىِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ[(73)]

این است آنکه مردگان را بی‌گمان زنده خواهد کرد،

إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ

و او بر هر چیز توانا است.[50]

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [50]

و اگر بادی می‌فرستادیم، و آن را زردشده می‌دیدند، پس از آن همچنان به انکار می‌ماندند.[51]

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا۟ مِنۢ بَعْدِهِۦ يَكْفُرُونَ [51]

تو پس مردگان را نمی‌شنوانی، و کران را فراخوان نمی‌شنوانی، چون پشت می‌کنند و بازمی‌روند.[52]

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟ مُدْبِرِينَ [52]

و تو راهنمای کوران از گمراهی‌شان نیستی؛

وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ

تو تنها کسی را می‌شنوانی که به نشانه‌های ما باور دارد، و آنان بی‌خدشه نزد خدایند.[53]

إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ [53]

خدا آن است که شما را از ناتوانی آفرید، سپس پس از ناتوانی نیرویی نهاد، سپس پس از نیرو ناتوانی و موی سپید نهاد؛

ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً

هر چه را او را پسند افتد می‌آفریند،

يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ

و اوست همه‌چیزدان، توانا.[54]

وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْقَدِيرُ [54]

و روزی که آن لحظه برخیزد، کنارگذاشته‌شدگان سوگند خواهند خورد که تنها یک ساعت گذرانده‌اند؛

وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا۟ غَيْرَ سَاعَةٍ

چنین به بیراهه برده می‌شدند.[55]

كَذَٰلِكَ كَانُوا۟ يُؤْفَكُونَ [55]

و کسانی که به آنان دانش و باور داده شده است خواهند گفت: «شما همانا زمان خود را، در ضابطهٔ خدا، تا روز برانگیخته شدن گذرانده‌اید؛

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ وَٱلْإِيمَٰنَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ

این است روز برانگیخته شدن — اما نمی‌دانستید.»[56]

فَهَٰذَا يَوْمُ ٱلْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [56]

در آن روز، عذرخواهی ستمگران به آنان سود نخواهد رساند، و از آنان دیگر خواسته نخواهد شد که جبران کنند. (74)[57]

فَيَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ [57] (74)

و ما همانا برای انسان‌ها، در این خوانش، از هر گونه مثال چند برابر کردیم؛

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ

و اگر نشانه‌ای برایشان بیاوری، انکارکنندگان بی‌گمان خواهند گفت: «شما تنها سازندگان نادرستید.»[58]

وَلَئِن جِئْتَهُم بِـَٔايَةٍ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ [58]

چنین است که خدا بر هسته‌های کسانی که نمی‌دانند نقش می‌نهد.[59]

كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ [59]

پس شکیبایی کن،

فَٱصْبِرْ

زیرا وعدهٔ خدا حقیقت است؛

إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ

و مبادا کسانی که یقین ندارند تو را سبک گردانند.[60]

وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ [60]

# العنکبوت • AL-ANKABUT

سوره 29 · 69 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓ (الف لام میم).[1]

الٓمٓ [1]

آیا انسان‌ها می‌پندارند که رها خواهند شد، چون می‌گویند: «باور آوردیم»، بی‌آنکه به آزمون گذاشته شوند؟[2]

أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ [2]

ما پیش‌تر کسانی را که پیش از آنان بودند به آزمون گذاشتیم،

وَلَقَدْ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

پس خدا بی‌گمان راست‌گویان را بازخواهد شناخت و بی‌گمان دروغ‌گویان را بازخواهد شناخت.[3]

فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَٰذِبِينَ [3]

یا آنان که بدی می‌کنند می‌پندارند که از ما پیشی خواهند گرفت؟

أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسْبِقُونَا

چه بد است داوری‌شان![4]

سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ [4]

هر که امید به روبه‌رویی با خدا دارد — مدت مقرر خدا بی‌گمان خواهد آمد؛

مَن كَانَ يَرْجُواْ لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَأٓتٍ

و او شنوا و همه‌چیزدان است.[5]
وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ [5]

و هر که مبارزه کند، تنها برای خود مبارزه می‌کند،
وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓ

زیرا خدا بی‌گمان توانگر است و از همهٔ هستی‌ها بی‌نیاز.[6]
إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ [6]

و آنان که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، ما کنش‌های بدشان را بی‌گمان خواهیم پوشاند و آنان را بی‌گمان بر حسب زیباترین آنچه می‌کردند بازپرداخت خواهیم کرد.[7]
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [7]

و ما به انسان دربارهٔ پدر و مادرش رفتاری نیکو سفارش کردیم؛
وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗا

اما اگر با تو مبارزه کنند تا چیزی را که دربارهٔ آن هیچ دانشی نداری با من انباز گیری، به آنان گردن منه؛
وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَآ

بازگشت شما به سوی من خواهد بود، و آنگاه از آنچه می‌کردید شما را اطلاع خواهم داد.[8]
إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [8]

و آنان که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، ما آنان را بی‌گمان در میان شایستگان درخواهیم آورد.[9]
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ [9]

و در میان انسان‌ها کسانی‌اند که می‌گویند: «به خدا باور آوردیم»؛ سپس همین که در راه خدا آزارشان داده شود، آزمونی را که مردم بر آنان روا داشتند با کیفر خدا یکسان می‌گیرند.
وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِ

و اگر یاری‌ای از سرپرست تو بیاید، بی‌گمان خواهند گفت: «ما همانا با شما بودیم.»
وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡ

آیا خدا به آنچه در سینه‌های همهٔ هستی‌هاست بهتر نمی‌داند؟[10]
أَوَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ [10]

و خدا بی‌گمان باورآورندگان را بازخواهد شناخت و بی‌گمان دورویان را بازخواهد شناخت.[11]
وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ [11]

و انکارکنندگان به باورآورندگان گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و ما لغزش‌های شما را بر دوش خواهیم کشید» —
وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ

حال آنکه از لغزش‌های اینان هیچ بر دوش نخواهند کشید؛
وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن شَيۡءٍ

آنان بی‌گمان دروغ‌گویند.[12]
إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ [12]

و بی‌گمان بارهای خود را بر دوش خواهند کشید، و بارهایی افزون بر بارهای خود؛
وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡ

و بی‌گمان در روز حضور دربارهٔ آنچه برمی‌ساختند پرسیده خواهند شد.[13]
وَلَيُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ [13]

ما نوح را به سوی قومش همانا فرستادیم، و او هزار سال خورشیدی، کم پنجاه سال تقویمی، در میان آنان ماند، سپس طوفان آنان را فراگرفت در حالی که ستمگر بودند.[14]
وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ [14]

او را نجات دادیم، و همراهان کشتی را،

فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ

و از آن نشانه‌ای برای همهٔ هستی‌ها ساختیم.[15]

وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ [15]

و ابراهیم، آنگاه که به قوم خود گفت: «از خدا فرمان برید و در برابر او محتاط باشید؛

وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ

این برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.[16]

ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ [16]

شما غیر از خدا تنها از پیکره‌ها فرمان می‌برید، و وانمودی می‌آفرینید؛

إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًا

آنان که غیر از خدا از آنان فرمان می‌برید برای شما همانا هیچ روزی‌ای در اختیار ندارند —

إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا

پس روزی را نزد خدا بجویید،

فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ

از او فرمان برید،

وَٱعۡبُدُوهُ

و برای او سپاس‌گزار باشید؛

وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓ

به سوی او بازگردانده خواهید شد.»[17]

إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ [17]

و اگر دروغ انگارید، جامعه‌هایی پیش از شما دروغ انگاشته‌اند؛

وَإِن تُكَذِّبُواْ فَقَدۡ كَذَّبَ أُمَمٞ مِّن قَبۡلِكُمۡ

و بر عهدهٔ فرستاده تنها رساندنی آشکار است.[18]

وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ [18]

آیا نمی‌بینند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می‌کند،

أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ

سپس آن را دوباره می‌سازد؟

ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓ

این همانا برای خدا آسان است.[19]

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ [19]

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که چگونه آفرینش را آغاز کرده است؛

قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَ

سپس خدا پیدایش پایانی را پدید خواهد آورد؛

ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَ

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.»[20]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ [20]

هر که را او را پسند افتد کیفر می‌دهد و بر هر که او را پسند افتد مهر می‌کند؛

يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَن يَشَآءُ

و به سوی او بازبرده خواهید شد.[21]

وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ [21]

شما نمی‌توانید او را ناتوان سازید، نه بر زمین و نه در آسمان؛

وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ

و شما غیر از خدا نه متحدی دارید و نه یاری‌ای.[22]

وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ [22]

و کسانی که نشانه‌های خدا و روبه‌رویی با او را انکار می‌کنند، آنان از مهر من نومید شده‌اند،

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُو۟لَٰٓئِكَ يَئِسُوا۟ مِن رَّحْمَتِى

و آنان کیفری دردناک خواهند داشت.[23]

وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [23]

پاسخ قومش تنها این بود که گفتند: «او را بکشید، یا بسوزانیدش!»

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ

اما خدا او را از آتش نجات داد؛

فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که باور دارند.[24]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [24]

و گفت: «شما غیر از خدا پیکره‌ها را تنها از سر دلبستگی متقابل میان خودتان در زندگی نزدیک گرفته‌اید؛

وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

سپس در روز حضور یکدیگر را انکار خواهید کرد و یکدیگر را نفرین خواهید کرد،

ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا

و پناهگاه شما آتش است، و هیچ یاری‌ای نخواهید داشت.»[25]

وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ [25]

لوط به او اعتماد کرد،

فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٞ

و گفت: «به سوی سرپرست خود مهاجرت می‌کنم؛

وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓ

زیرا اوست نیرومند، فرزانه.»[26]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ [26]

و ما اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم،

وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ

و در نوادگان او کار اطلاع‌دهی و نوشتار را نهادیم؛

وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَ

و پاداش او را در زندگی نزدیک به او دادیم،

وَءَاتَيۡنَٰهُ أَجۡرَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ

و در زندگی واپسین بی‌گمان از شمار کسانی که شایسته‌اند خواهد بود.[27]

وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [27]

و لوط، آنگاه که به قوم خود گفت: «شما بی‌گمان زشتکاری را مرتکب می‌شوید، که هیچ‌کس از میان همهٔ هستی‌ها بر شما در آن پیشی نگرفته است؛ آیا به‌راستی به سوی مردان می‌آیید، راه را قطع می‌کنید، و در محفل‌های خود آنچه را مردود است مرتکب می‌شوید؟»[28]

وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ [28] أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ وَتَقۡطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ وَتَأۡتُونَ فِي نَادِيكُمُ ٱلۡمُنكَرَ

پاسخ قومش تنها این بود که گفتند: «کیفر خدا را برای ما بیاور، اگر از راست‌گویانی!»[29]

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتِنَا بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [29]

گفت: «ای سرپرست من، مرا بر قوم تباهی‌گران یاری رسان.»[30]

قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ [30]

چون فرستادگان ما با مژده نزد ابراهیم آمدند، گفتند: «ما مردم این شهر را همانا ریشه‌کن خواهیم کرد؛ مردم آن ستمگرند.»[31]

وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُوٓاْ إِنَّا مُهۡلِكُوٓاْ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ إِنَّ أَهۡلَهَا كَانُواْ ظَٰلِمِينَ [31]

گفت: «لوط همانا در آن است.»

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطٗا

گفتند: «ما بهتر می‌دانیم چه کسی در آن است؛

قَالُواْ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَن فِيهَا

او و نزدیکانش را بی‌گمان نجات خواهیم داد، مگر زنش، که از واپس‌ماندگان خواهد بود.»[32]

لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ [32]

چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، آمدنشان او را ناخوش آمد و دربارهٔ آنان درمانده شد؛

وَلَمَّآ أَن جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا

و گفتند: «مترس و اندوهگین مباش، زیرا ما تو و نزدیکانت را نجات خواهیم داد، مگر زنت را، که از واپس‌ماندگان خواهد بود.[33]

وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهۡلَكَ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ [33]

ما بر مردم این شهر آلودگی‌ای از آسمان همانا فرود خواهیم آورد، به‌سبب تجاوزی که کردند.»[34]

إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ [34]

ما از آن همانا نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم، برای قومی که خرد می‌ورزند.[35]

وَلَقَد تَّرَكۡنَا مِنۡهَآ ءَايَةَۢ بَيِّنَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ [35]

و به سوی مدین، برادرشان شعیب؛ گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید، روز واپسین را امید دارید، و چون تباهی‌گران در زمین آشوب مپراکنید.»[36]

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱرْجُواْ ٱلْيَوْمَ ٱلْأٓخِرَ وَلَا تَعْثَوْاْ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ [36]

او را دروغ انگاشتند؛ آنگاه لرزه آنان را فراگرفت، و در جایگاه خود افتاده و بی‌جان شدند.[37]

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ [37]

و عاد و ثمود — این بر شما از خلال خانه‌های آنان روشن شده است؛ منحرف‌کننده کردارهایشان را برایشان آراسته و بدین‌سان راه را بر آنان بسته بود، حال آنکه با این همه بینایی روشن داشتند.[38]

وَعَادًا وَثَمُودَاْ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسْتَبْصِرِينَ [38]

و قارون، فرعون و هامان —

وَقَٰرُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ

موسی با دلیل‌های روشن به سوی آنان آمده بود، اما در زمین خودبزرگ‌بین شدند، بی‌آنکه بتوانند از ما پیشی گیرند.[39]

وَلَقَدْ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَٱسْتَكْبَرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ [39]

هر یک از آنان را به‌سبب تقصیرش فروگرفتیم؛

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنۢبِهِۦ

بر برخی از آنان تندبادی از سنگ‌ریزه فرستادیم،

فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

برخی را فریاد فروگرفت،

وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ ٱلصَّيْحَةُ

برخی را وادار کردیم که زمین ببلعدشان،
وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ

و برخی دیگر را غرق کردیم.
وَمِنْهُم مَّنْ أَغْرَقْنَا

خدا نمی‌خواست بر آنان ستم کند؛
وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ

اما بر خود ستم می‌کردند.[40]
وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ [40]

مثال کسانی که غیر از خدا متحدانی می‌گیرند، مثال عنکبوتی است که برای خود خانه‌ای می‌گیرد؛
مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلْعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتْ بَيْتًا

حال آنکه سست‌ترین خانه‌ها بی‌گمان خانهٔ عنکبوت است — کاش می‌دانستند.[41]
وَإِنَّ أَوْهَنَ ٱلْبُيُوتِ لَبَيْتُ ٱلْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ [41]

خدا همانا هر آنچه را غیر از او فرامی‌خوانند می‌داند؛
إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مِن شَىْءٍ

و او نیرومند است، فرزانه.[42]
وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [42]

و این مثال‌ها را ما برای انسان‌ها چند برابر می‌کنیم،
وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

اما تنها دانایان خرد خود را در آن‌ها به کار می‌گیرند.[43]
وَمَا يَعْقِلُهَآ إِلَّا ٱلْعَٰلِمُونَ [43]

خدا آسمان‌ها و زمین را به حقیقت آفرید؛

خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ

بی‌گمان در این نشانه‌ای است برای باورمندان.[44]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ [44]

آنچه را از نوشتار به تو پرده‌برداری شده است برخوان، و تماس را پابرجا نگه دار؛

ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ

زیرا تماس زشتکاری و آنچه را مردود است ممنوع می‌کند؛

إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ

و یادآوری خدا بزرگ‌تر است؛

وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُ

خدا آنچه را می‌کنید می‌داند.[45]

وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ [45]

و با دارندگان نوشتار مباحثه مکنید مگر به زیباترین شیوه،

وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ

مگر با آنان از ایشان که ستم می‌کنند؛

إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ

و بگویید: «به آنچه بر ما فرود آورده شده است و آنچه بر شما فرود آورده شده است باور داریم؛ ایزد ما و ایزد شما یکی است، و ما برای او بی‌خدشه‌ایم.»[46]

وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ [46]

بدین‌سان نوشتار را بر تو فرود آوردیم؛

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ

آنان که به ایشان نوشتار دادیم به آن باور دارند، و از میان اینان نیز برخی به آن باور دارند؛
فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦ

تنها انکارکنندگان نشانه‌های ما را سرسختانه رد می‌کنند.[47]
وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ [47]

تو پیش از آن هیچ نوشتاری برنمی‌خواندی، و با دست راست خود چیزی نمی‌نگاشتی؛
وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَ

وگرنه، سازندگان نادرست به تردید می‌افتادند.[48]
إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ [48]

اینها بلکه نشانه‌هایی روشن‌اند، در سینه‌های کسانی که به آنان دانش داده شده است؛
بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ

تنها ستمگران نشانه‌های ما را سرسختانه رد می‌کنند.[49]
وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ [49]

و گفتند: «چرا نشانه‌هایی از سرپرست او بر او فرود آورده نشد!»
وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ

بگو: «نشانه‌ها تنها نزد خدایند؛ و من تنها هشداردهنده‌ای آشکارم.»[50]
قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ [50]

آیا برای آنان کافی نیست که ما نوشتار را بر تو فرود آوردیم، که بر آنان برخوانده می‌شود؟
أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ

بی‌گمان در این مهر و یادآوری است برای قومی که باور دارند.[51]
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ [51]

بگو: «خدا به‌عنوان گواه میان من و شما کافی است؛

قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا

او آنچه را در آسمان‌ها و بر زمین است می‌داند؛

يَعْلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و کسانی که به نادرست باور دارند و خدا را انکار می‌کنند، آنان زیان‌کارانند.»[52]

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلْبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [52]

و از تو می‌خواهند که کیفر را شتاب دهی؛

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ

و اگر مدتی نام‌برده نبود، کیفر پیش‌تر به آنان رسیده بود — بی‌گمان ناگهان به آنان خواهد رسید، بی‌آنکه حس کنند.[53]

وَلَوْلَآ أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَآءَهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [53]

از تو می‌خواهند که کیفر را شتاب دهی،

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ

و جهنم بر انکارکنندگان بی‌گمان احاطه دارد.[54]

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ [54]

روزی که کیفر آنان را از بالای سرشان و از زیر پاهایشان فراخواهد گرفت، و ما خواهیم گفت: «آنچه می‌کردید بچشید.»[55] (75)

يَوْمَ يَغْشَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَنَقُولُ ذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [55] (75)

«ای فرمان‌برداران من که باور آوردید، زمین من پهناور است؛ پس باید از من فرمان برید.»[56]

يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرْضِي وَٰسِعَةٌ فَإِيَّٰيَ فَٱعْبُدُونِ [56]

هر خویشتن مرگ را خواهد چشید،

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ

سپس به سوی ما بازگردانده خواهید شد.[57]

ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ [57]

و آنان که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، ما آنان را بی‌گمان در غرفه‌های بلند باغ جای خواهیم داد، که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند؛

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

چه پاداش نیکو برای کارورزان،[58]

نِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ [58]

کسانی که شکیبایی کردند و به سرپرستشان وکالت می‌دهند.[59]

ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ [59]

چه بسیار جنبنده‌هایی که روزی خود را حمل نمی‌کنند! خدا است که به آنان روزی می‌دهد، و به شما همراه آنان،

وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا ٱللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ

و او شنوا و همه‌چیزدان است.[60]

وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [60]

و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را رام کرد، بی‌گمان خواهند گفت: «خدا»؛

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوند؟[61]

فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ [61]

خدا روزی را برای هر که از فرمان‌برداران خود او را پسند افتد می‌گستراند، و برای او اندازه می‌کند؛

ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ لَهُۥٓ

زیرا خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[62]

إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [62]

و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی فرود می‌آورد و زمین را پس از مرگش به‌وسیلهٔ آن دوباره زنده می‌سازد، بی‌گمان خواهند گفت: «خدا»؛

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ

بگو: «ستایش از آنِ خدا است!»

قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ

اما بیشتر آنان خرد نمی‌ورزند.[63]

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ [63]

این زندگی نزدیک تنها سرگرمی و بازی است؛

وَمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ

و جایگاه واپسین، همان است که بی‌گمان زندگی درست است — کاش می‌دانستند.[64]

وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلْـَٔاخِرَةَ لَهِىَ ٱلْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ [64]

چون سوار ناو می‌شوند، خدا را فرامی‌خوانند، قانون را ویژهٔ او می‌گردانند؛

فَإِذَا رَكِبُوا۟ فِى ٱلْفُلْكِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ

اما چون او آنان را به خشکی نجات می‌دهد، اینک انباز می‌گیرند، تا آنچه را به آنان دادیم انکار کنند،[65]

فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ [65] لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ

پس برخوردار شوند: به‌زودی خواهند دانست. (76) [66]

وَلْيَتَمَتَّعُواْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ [66] (76)

آیا نمی‌بینند که ما جایگاهی مصون از تعرّض و امن قرار دادیم، حال آنکه پیرامون آنان مردم ربوده می‌شوند؟

أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ

آیا پس به ناراست باور می‌آورند، و دهش خدا را انکار می‌کنند؟ [67]

أَفَبِٱلْبَٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَكْفُرُونَ [67]

و کیست پس ستمگرتر از آنکه دربارهٔ خدا دروغی بر ضد او برسازد، یا حقیقت را چون به او رسید دروغ انگارد؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓ

آیا در جهنم اقامتگاهی برای انکارکنندگان نیست؟ [68]

أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَٰفِرِينَ [68]

و آنان که برای ما مبارزه کردند، ما آنان را بی‌گمان بر راه‌های خود راه خواهیم نمود؛

وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا

و خدا بی‌گمان با نیکی‌کنندگان است. [69]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلْمُحْسِنِينَ [69]

V

# طسم · طس

## موسی و پسران اسرائیل در برابر فرعون

سوره‌ها 28 تا 26

یادآوری به پسران اسرائیل با کامل‌ترین روایتِ ستم آغاز می‌شود: «فرعون بر زمین برتری جست و مردم خود را به جناح‌ها تقسیم کرد» (28:4)، گروهی را به ناتوانی می‌کشاند، پسران را سر می‌برد، و خدا می‌خواهد ناتوان‌شدگان را پیشوایان و وارثان سازد. سورهٔ 28 موسی را دنبال می‌کند، از کودکی که مادرش او را به جریان آب می‌سپارد تا آتشِ کوه، با گذر از کشتن در پایتخت، گریختن و پذیرفته شدن در مدین؛ سپس فرعون خود را تنها ایزد اعلام می‌کند، و قارون با سرایش فرو برده می‌شود. به آن‌که گوش می‌دهد می‌گوید که او هر که را دوست دارد راه نمی‌نماید، به کسانی که می‌ترسند «از زمین خود ربوده خواهیم شد» (28:57) یادآوری می‌کند که در جایگاهی مصون از تعرّض و امن ساکن‌اند، و به او وعده می‌دهد که به جایگاه بازگشتی بازگردانده خواهد شد. سورهٔ 27 خوانش را به او می‌دهد و قدرتی دیگر را نشان می‌دهد: سلیمان، مورچه‌ای که کسانش را در پناه می‌برد، و ملکه‌ای که پیش از هر تصمیمی با دربارش رایزنی می‌کند و می‌داند پادشاهان چون به شهری درآیند چه می‌کنند. سورهٔ 26، که بخش را می‌بندد، او را می‌بیند که از روی‌گردانی آنان می‌گدازد؛ موسی از فرعون می‌خواهد: «پسران اسرائیل را بگذار با ما بروند» (26:17)، ابراهیم و سپس پنج فرستاده همان سخنان را می‌گویند، و به او فرمان می‌رسد که نزدیک‌ترین خویشانش را هشدار دهد.

### مرحله 3 · یادآوری به پسران اسرائیل

روایت به سوی پسران اسرائیل بازمی‌گردد، و داستان آنان داستان هر جامعهٔ آزاردیده است: قومی به ناتوانی کشانده‌شده، پسرانش سربریده، کودکی که مادرش او را نجات می‌دهد، گریخته‌ای که پذیرفته می‌شود، سپس بیرون رفتن در شب و میراث. خدا می‌خواهد ناتوان‌شدگان را پیشوایان و وارثان سازد، و در سورهٔ 26 این پسران اسرائیل‌اند که باغ‌ها و چشمه‌های فرعون را به ارث می‌برند. در برابر، دو چهره از قدرت: فرعون که می‌گوید «ای دربار، من برای شما ایزدی غیر از خود نمی‌شناسم» (28:38)، و ملکهٔ سبا که می‌گوید «ای دربار، دربارهٔ کار من به من نظر دهید» (27:32). سورهٔ 27 می‌گوید که این خوانش «بیشتر آنچه را که پسران اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بازمی‌گوید» (27:76).

### آنچه بر مردم می‌گذرد

جنایت نخستین بی‌پرده نام برده می‌شود: فرعون گروهی را به ناتوانی می‌کشاند، «پسرانشان را سر می‌برید و به شرم زنانشان دست‌درازی می‌کرد» (28:4)، و این مادری است که باید کودکش را به جریان آب بسپارد تا نجاتش دهد، خواهری که رد او را دنبال می‌کند، زنی از کاخ که می‌گوید «او را مکشید» (28:9). گریخته تنها به مدین می‌رسد، دو زن را می‌بیند که شبانان آنان را «دور از آنان» (28:23) نگه داشته‌اند، برایشان آب می‌دهد، و پیرمردی او را می‌پذیرد و به او می‌گوید که از قوم ستمگر رهیده است. شعیب به پیمانهٔ درست و ترازوی راست فرمان می‌دهد، و ملکه می‌داند که پادشاهان «چون به شهری درآیند، آن را تباه می‌کنند» (27:34): او به جای جنگ هدیه‌ای می‌فرستد. باورمندان به نادانان پاسخ می‌دهند «آرامش بر شما باد» (28:55)، خاندان لوط به بیرون‌راندن تهدید می‌شود، و سورهٔ 26 با کسانی پایان می‌یابد که «پس از آنکه ستم بر آنان رفت خود را یاری رساندند» (26:227).

---

*طا سین میم (26:1)، سپس: «اینها نشانه‌های نوشتار روشن است» (26:2).*

# القصص • AL-QASAS

سوره 28 · 88 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

طسّمّ (طا سین میم).[1]

طسٓمٓ [1]

اینها نشانه‌های نوشتار روشن است.[2]

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ [2]

ما بخشی از اطلاع دربارهٔ موسی و فرعون را به حقیقت بر تو برمی‌خوانیم، برای قومی که باور دارند.[3]

نَتْلُواْ عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِٱلْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [3]

فرعون بر زمین برتری جست و مردم خود را به جناح‌ها تقسیم کرد؛ گروهی از آنان را ناتوان می‌ساخت، پسرانشان را سر می‌برید و به شرم زنانشان دست‌درازی می‌کرد،

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىِۦ نِسَآءَهُمْ

زیرا او از تباهی‌گران بود.[4]

إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلْمُفْسِدِينَ [4]

و ما می‌خواستیم به کسانی که بر زمین ناتوان ساخته شده بودند لطف کنیم، آنان را راهنمایانی قرار دهیم، آنان را وارثان سازیم، آنان را بر زمین استوار بنشانیم، و به فرعون و هامان و لشکرهایشان، به‌وسیلهٔ آنان، آنچه را از آن برحذر بودند بنمایانیم.[5-6]

وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُواْ فِى ٱلْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ ٱلْوَٰرِثِينَ [5] وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَنُرِىَ فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُواْ يَحْذَرُونَ [6]

و ما به مادر موسی به دل افکندیم: «او را پرستاری کن؛ و چون برای او بترسی، او را در موج بینداز، بی‌ترس و بی‌اندوه،

وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِى ٱلْيَمِّ وَلَا تَخَافِى وَلَا تَحْزَنِىٓ

زیرا او را به تو پس خواهیم داد و او را از فرستادگان خواهیم ساخت.»[7]

إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [7]

خاندان فرعون او را برگرفت، تا سرانجام برای آنان دشمنی و مایهٔ اندوه شود،

فَٱلْتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا

زیرا فرعون و هامان و لشکرهایشان خطاکار بودند.[8]

إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْ خَٰطِـِٔينَ [8]

و زن فرعون گفت: «خنکی نگاهی برای من و برای تو؛ او را مکشید؛

وَقَالَتِ ٱمْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّى وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ

شاید به ما سود برساند، یا او را کودک خود بگیریم.» و حس نمی‌کردند.[9]

عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [9]

و آگاهی مادر موسی تهی شد؛ نزدیک بود بی‌گمان او را آشکار کند، اگر بر هستهٔ او پیوند نبسته بودیم، تا از کسانی باشد که باور دارند.[10]

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِى بِهِۦ لَوْلَآ أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [10]

و به خواهرش گفت: «رد او را بگیر.» او را از دور آشکارا دید، بی‌آنکه حس کنند.[11]

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِۦ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِۦ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [11]

و ما پیش‌تر هر پرستاری دیگری را بر او ممنوع کرده بودیم؛ پس گفت: «آیا می‌خواهید خانواده‌ای را به شما نشان دهم که برای شما از او مراقبت خواهد کرد و برای او اندرزگوی نیکی خواهد بود؟»[12]

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰٓ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُۥ لَكُمْ وَهُمْ لَهُۥ نَٰصِحُونَ [12]

چنین او را به مادرش پس دادیم، تا نگاهش خنک شود، اندوهگین نشود، و بداند که وعدهٔ خدا درست است —

فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[13]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [13]

چون به کمال بلوغ رسید و جا افتاد، به او داوری و دانش دادیم —

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسْتَوَىٰٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا

بدین‌سان نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[14]

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ [14]

و در لحظهٔ بی‌توجهی مردم خود به پایتخت درآمد، و در آن دو مرد را یافت که می‌جنگیدند: یکی از جبههٔ خود او، دیگری از دشمنانش.

وَدَخَلَ ٱلْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِۦ

آن که از جبههٔ او بود او را علیه آن که از دشمنانش بود به یاری خواند؛ موسی با مشت او را زد و کارش را تمام کرد.

فَٱسْتَغَٰثَهُ ٱلَّذِى مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِى مِنْ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ

گفت: «این از کار منحرف‌کننده است؛

قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ

او همانا دشمنی است، گمراه‌کننده‌ای آشکار.»[15]

إِنَّهُۥ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ [15]

گفت: «ای سرپرست من، من همانا بر خود ستم کرده‌ام؛ مرا ببخشای.»

قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى

او را بخشود،

فَغَفَرَ لَهُۥٓ

زیرا اوست بسیار بخشاینده، مهربان.[16]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [16]

گفت: «ای سرپرست من، به آن دهشی که به من ارزانی داشتی، دیگر هرگز پشتیبان کنارگذاشته‌شدگان نخواهم بود.»[17]

قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ [17]

در پایتخت ترسان و گوش‌به‌زنگ شد؛ و اینک آنکه روز پیش از او یاری خواسته بود، دوباره او را به یاری می‌خواند.

فَأَصْبَحَ فِى ٱلْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِى ٱسْتَنصَرَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُۥ

موسی به او گفت: «تو بی‌گمان سرگشته‌ای آشکاری.»[18]

قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِىٌّ مُّبِينٌ [18]

سپس چون خواست بر آن که دشمن هر دو بود چنگ بزند، گفت: «ای موسی، آیا می‌خواهی مرا بکشی چنان‌که دیروز خویشتنی را کشتی؟

فَلَمَّآ أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِٱلَّذِى هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِى كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًۢا بِٱلْأَمْسِ

تو تنها می‌خواهی در زمین خودکامه شوی، و نمی‌خواهی از سامان‌دهندگان باشی.»[19]

إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِينَ [19]

و مردی از دورترین نقطهٔ پایتخت با گامی شتابان آمد.

وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ

گفت: «ای موسی، دربار علیه تو رایزنی می‌کند تا تو را بکشد؛ بیرون شو، من همانا برای تو اندرزگوی بی‌ریایم.»[20]

قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَٱخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ [20]

از آنجا بیرون شد، ترسان و گوش‌به‌زنگ،

فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ

و گفت: «ای سرپرست من، مرا از قوم ستمگر نجات ده.»[21]

قَالَ رَبِّ نَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [21]

چون به سوی مدین روی آورد، گفت: «شاید سرپرست من مرا به راه راست راه نماید.»[22]

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّىٓ أَن يَهْدِيَنِى سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ [22]

چون به آب مدین رسید، در آن جامعه‌ای از مردان را یافت که آب می‌دادند، و دور از آنان دو زن را یافت که گلهٔ خود را بازمی‌داشتند.

وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ ٱلنَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ

گفت: «شما را چه شده است؟»

قَالَ مَا خَطْبُكُمَا

گفتند: «ما آب نمی‌دهیم مگر پس از آنکه شبانان بازروند؛ و پدر ما پیرمردی بسیار سالخورده است.»[23] (77)

قَالَتَا لَا نَسْقِى حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ [23] (77)

برای آن دو آب داد، سپس به سایه کناره گرفت و گفت: «ای سرپرست من، من همانا به کمترین نیکی‌ای که به سوی من فرود آوری سخت نیازمندم.»[24]

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّى لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ [24]

یکی از آن دو، با شرمی بازداشته گام‌زنان، به سوی او آمد.

فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا تَمْشِى عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ

گفت: «پدرم تو را می‌خواند تا برای آب دادنت برای ما، پاداش تو را به تو بازپرداخت کند.»

قَالَتْ إِنَّ أَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا

چون نزد او آمد و سرگذشت خود را برای او بازگفت، گفت: «مترس، از قوم ستمگر رها شدی.»[25]

فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيْهِ ٱلْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [25]

یکی از آن دو گفت: «ای پدر من، او را به کار گیر؛

قَالَتْ إِحْدَىٰهُمَا يَٰٓأَبَتِ ٱسْتَـْٔجِرْهُ

زیرا بهترین کسی که می‌توانی به کار گیری آن است که زورمند و مورد اعتماد باشد.»[26]

إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِىُّ ٱلْأَمِينُ [26]

گفت: «می‌خواهم تو را به یکی از این دو دخترم به همسری دهم، به این شرط که هشت سال در خدمت من باشی؛

قَالَ إِنِّىٓ أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ٱبْنَتَىَّ هَٰتَيْنِ عَلَىٰٓ أَن تَأْجُرَنِى ثَمَٰنِىَ حِجَجٍ

و اگر ده سال را تمام کنی، آن از سوی تو خواهد بود؛

فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ

و نمی‌خواهم بر تو سختی تحمیل کنم —

وَمَآ أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ

مرا، اگر خدا را پسند افتد، از کسانی که شایسته‌اند خواهی یافت.»[27]

سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [27]

گفت: «این میان من و تو قرار است؛

قَالَ ذَٰلِكَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ

هر یک از دو مدت را که تمام کنم، هیچ دشمنی‌ای علیه من نباشد؛

أَيَّمَا ٱلۡأَجَلَيۡنِ قَضَيۡتُ فَلَا عُدۡوَٰنَ عَلَيَّ

و خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است.»[28]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ [28]

چون موسی مدت را به پایان برد و با نزدیکان خود رهسپار شد، از دامنهٔ کوه آتشی دید.

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلۡأَجَلَ وَسَارَ بِأَهۡلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ نَارٗا

به نزدیکان خود گفت: «بمانید، زیرا آتشی دیدم؛ شاید برای شما از آن خبری بیاورم، یا اخگری شعله‌ور، شاید بتوانید گرم شوید.»[29]

قَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ [29]

چون به آن رسید، از کنار راست دره، در جایگاه خجسته، از درخت، ندا داده شد: «ای موسی، همانا منم، خدا، سرپرست همهٔ هستی‌ها! و عصای خود را بیفکن.»[30]

فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [30] وَأَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَ

چون دید که آن مانند یکی از نهانیان می‌لرزد، پشت کرد و گریخت و بر جای قدم‌های خود بازنگشت.

فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡ

«ای موسی، روبه‌رو شو و مترس؛

يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡ

زیرا تو از کسانی هستی که در امان‌اند.[31]

إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ [31]

دست خود را در گریبانت فروبر، سپید و بی‌هیچ بدی بیرون خواهد آمد؛

ٱسۡلُكۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖ

و بال خود را به خود بفشار، در برابر حرمت.

وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِ

پس این دو برهان از سرپرست تو است، برای فرعون و دربار او؛

فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓ

زیرا آنان قومی از تجاوزگران بودند.»[32]

إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ [32]

گفت: «ای سرپرست من، من همانا خویشتنی را از میان آنان کشته‌ام و می‌ترسم مرا بکشند؛ اما برادرم هارون زبانی روشن‌تر از من دارد — او را با من به‌عنوان پشتوانه‌ای بفرست که مرا راست‌گو بشمارد؛[33]

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ [33] وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓ

زیرا می‌ترسم مرا دروغ انگارند.»[34]

إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ [34]

گفت: «بازوی تو را با برادرت استوار خواهیم کرد، و برای هر دوی شما اقتداری قرار خواهیم داد، چنان‌که به شما دست نمی‌یابند — به‌سبب نشانه‌های ما،

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآ

شما دو تن، و آنان که از شما پیروی کنند، پیروز خواهید بود.»[35]

أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ [35]

چون موسی نشانه‌های آشکار ما را برایشان آورد، گفتند: «این تنها چشم‌بندی‌ای ساختگی است؛ ما هرگز چنین چیزی را از نیاکان نخستین خود نشنیده‌ایم.»[36]

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِىٓ ءَابَآئِنَا ٱلْأَوَّلِينَ [36]

و موسی گفت: «سرپرست من بهتر می‌داند که چه کسی راهنمایی را از سوی او می‌آورد، و فرجام جایگاه از آنِ چه کسی خواهد بود،

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّىٓ أَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلْهُدَىٰ مِنْ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ

زیرا ستمگران کامیاب نمی‌شوند.»[37]

إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ [37]

و فرعون گفت: «ای دربار، من برای شما ایزدی غیر از خود نمی‌شناسم. پس ای هامان، برای من بر خاک رس آتشی بیفروز، و برای من کوشکی بساز، شاید بالا روم و ایزد موسی را ببینم؛ من بی‌گمان می‌پندارم که او از دروغ‌گویان است.»[38]

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِى فَأَوْقِدْ لِى يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجْعَل لِّى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّى لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ [38]

و او و لشکرهایش در زمین بی‌هیچ حقی خودبزرگ‌بین شدند، و پنداشتند که هرگز به سوی ما بازگردانده نخواهند شد.[39]

وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ [39]

او و لشکرهایش را فروگرفتیم و آنان را به موج افکندیم —

فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ

پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بود.[40]

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ [40]

و ما از آنان راهنمایانی ساختیم که به سوی آتش فرامی‌خوانند،

وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ

و در روز حضور یاری رسانده نخواهند شد.[41]

وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ [41]

و ما در این زندگی نزدیک نفرینی از پی آنان روانه کردیم،

وَأَتْبَعْنَٰهُمْ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً

و در روز حضور از چهره‌تباه‌شدگان خواهند بود.[42]

وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلْمَقْبُوحِينَ [42]

ما همانا به موسی نوشتار دادیم، پس از آنکه نسل‌های نخستین را ریشه‌کن کردیم، چون روشنگری‌هایی برای انسان‌ها، راهنمایی و مهر، شاید به یاد می‌آوردند.[43]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِ مَآ أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ ٱلْأُولَىٰ بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [43]

تو بر دامنهٔ باختری نبودی هنگامی که ما دستور را برای موسی تصویب کردیم،

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِىِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلْأَمْرَ

تو از آنان که گواه بودند نبودی.[44]

وَمَا كُنتَ مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ [44]

بلکه ما نسل‌هایی پدید آوردیم، و زندگی برای آنان دراز شد؛

وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ

و تو در میان مردمِ مدین اقامت نداشتی که نشانه‌های ما را بر آنان برخوانی،

وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِىٓ أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا

بلکه ما فرستندگان بودیم.[45]

وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ [45]

و تو نیز بر دامنهٔ کوه نبودی هنگامی که ما او را ندا دادیم؛

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا

بلکه این مهری از سرپرست تو است، تا قومی را هشدار دهی که پیش از تو هیچ هشداردهنده‌ای به سوی آنان نیامده بود، به این امید که به یاد خواهند آورد.[46]

وَلَٰكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [46]

و اگر چون پیشامدی ناگوار برای آنچه دستانشان پیش بردند به آنان رسد، نمی‌گفتند: «ای سرپرست ما، چرا فرستاده‌ای برای ما نفرستادی؟ از نشانه‌های تو پیروی می‌کردیم و از باورآورندگان می‌بودیم» —[47]

وَلَوْلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا۟ رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [47]

چون حقیقت از سوی ما به آنان آمد، گفتند: «چرا همانند آنچه به موسی داده شد به او داده نشد!»

فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا۟ لَوْلَآ أُوتِىَ مِثْلَ مَآ أُوتِىَ مُوسَىٰٓ

آیا آنچه را پیش‌تر به موسی داده شده بود انکار نکرده‌اند؟

أَوَلَمْ يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أُوتِىَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ

گفتند: «دو چشم‌بندی که یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند!»

قَالُوا۟ سِحْرَانِ تَظَٰهَرَا

و گفتند: «ما همانا همهٔ این‌ها را انکار می‌کنیم.»[48]

وَقَالُوٓا۟ إِنَّا بِكُلٍّ كَٰفِرُونَ [48]

بگو: «پس نوشتاری از نزد خدا بیاورید که از این دو راهنماتر باشد، من از آن پیروی خواهم کرد، اگر راست‌گویید.»[49]

قُلْ فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبٍ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَآ أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [49]

اگر تو را پاسخ ندادند، بدان که آنان تنها از هیجان‌های خود پیروی می‌کنند —

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُواْ لَكَ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ

و گمراه‌تر از آنکه بی‌راهنمایی از جانب خدا از هیجان خود پیروی می‌کند کیست؟

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ

زیرا خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[50]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [50]

ما سخن را همانا بی‌گسست به آنان رساندیم، شاید به یاد آورند.[51]

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [51]

آنان که پیش از او به آنان نوشتار دادیم، به آن باور دارند؛[52]

ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤْمِنُونَ [52]

و چون بر آنان برخوانده شود، می‌گویند: «به آن باور داریم؛ این همانا حقیقت از سوی سرپرست ماست؛ ما پیش از آن نیز بی‌خدشه نزد خدا بودیم.»[53]

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِۦ مُسْلِمِينَ [53]

آنان پاداش خود را دوبار دریافت خواهند کرد، برای آنکه شکیبا بودند، بدی را با نیکی دفع کردند، و از آنچه روزی‌شان دادیم هزینه کردند.[54]

أُوْلَٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُواْ وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةَ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ [54]

و چون بیهودگی را بشنوند، از آن روی برمی‌تابند و می‌گویند: «کردارهای ما برای ما و کردارهای شما برای شما؛ آرامش بر شما باد، ما نادانان را نمی‌جوییم.»[55]

وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُواْ عَنْهُ وَقَالُواْ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ [55]

تو همانا هر که را دوست داری راه نمی‌نمایی؛

إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ

بلکه خدا هر که را پسند او افتد راه می‌نماید،

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ

و راهنمایی‌پذیرندگان را بهتر می‌شناسد.[56]

وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ [56]

و گفتند: «اگر با تو راهنمایی را پذیریم، از زمین خود ربوده خواهیم شد.»

وَقَالُوٓاْ إِن نَّتَّبِعِ ٱلۡهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفۡ مِنۡ أَرۡضِنَآ

آیا ما آنان را در جایگاهی مصون از تعرّض و امن استوار جای نداده‌ایم، که میوه‌های هر چیز به سوی آن سرازیر می‌شود، به‌عنوان روزی از جانب خود ما؟

أَوَلَمۡ نُمَكِّن لَّهُمۡ حَرَمًا ءَامِنٗا يُجۡبَىٰٓ إِلَيۡهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَيۡءٖ رِّزۡقٗا مِّن لَّدُنَّا

اما بیشترشان نمی‌دانند.[57]

وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ [57]

چه بسیار شهرها که ما ریشه‌کن کردیم، که از زیست خود سرمست شده بودند!

وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةِۭ بَطِرَتۡ مَعِيشَتَهَا

اینک خانه‌های آنان که پس از ایشان مسکون نشدند، مگر اندکی — و ما بودیم که وارثان شدیم.[58]

فَتِلۡكَ مَسَٰكِنُهُمۡ لَمۡ تُسۡكَن مِّنۢ بَعۡدِهِمۡ إِلَّا قَلِيلٗا وَكُنَّا نَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثِينَ [58]

سرپرست تو هرگز شهرها را ریشه‌کن نمی‌کند پیش از آنکه در شهر مرکزی آن‌ها فرستاده‌ای برانگیزد که نشانه‌های ما را بر آنان برخواند؛

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبۡعَثَ فِيٓ أُمِّهَا رَسُولٗا يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَا

ما هرگز شهرها را ریشه‌کن نکرده‌ایم مگر آنگاه که مردم آن ستمگر بودند.[59]

وَمَا كُنَّا مُهۡلِكِي ٱلۡقُرَىٰٓ إِلَّا وَأَهۡلُهَا ظَٰلِمُونَ [59]

هر آنچه به شما داده شده است تنها برخورداری زندگی نزدیک و آرایهٔ آن است؛

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَا

آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است.

وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[60]

أَفَلَا تَعۡقِلُونَ [60]

آیا کسی که به او وعدهٔ نیکو دادیم و با آن روبه‌رو خواهد شد، همانند کسی است که او را از زندگی نزدیک برخوردار کردیم و سپس در روز حضور از آورده‌شدگان خواهد بود؟[61]

أَفَمَن وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ [61]

و روزی که آنان را ندا دهد و بگوید: «کجایند انبازان من، که ادعا می‌کردید؟»[62]

وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ [62]

آنان که سخن بر ایشان به حقیقت پیوسته باشد خواهند گفت: «ای سرپرست ما، اینان، که سرگشته‌شان کردیم، آنان را سرگشته کردیم چنان‌که خود سرگشته شدیم؛

قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَا

خود را نزد تو بی‌تعهد اعلام خواهیم کرد؛

تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَ

آنان از ما فرمان نمی‌بردند.»[63]

مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ [63]

و گفته خواهد شد: «انبازان خود را بخوانید.» آنان را خواهند خواند، اما آنان به ایشان پاسخ نخواهند داد؛ کیفر را خواهند دید — کاش راهنمایی پذیرفته بودند...[64]

وَقِيلَ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ يَهۡتَدُونَ [64]

و روزی که آنان را ندا دهد و بگوید: «به فرستادگان چه پاسخ دادید؟»[65]

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبْتُمُ ٱلْمُرْسَلِينَ [65]

در آن روز، اطلاعات بر آنان تیره خواهد شد، و از یکدیگر نخواهند پرسید.[66]

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ [66]

اما آنکه پشیمان شد، باور آورد و کرداری شایسته به‌جا آورد، شاید از کامیابان باشد.[67]

فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلْمُفْلِحِينَ [67]

سرپرست تو هرچه را او را پسند افتد می‌آفریند و برمی‌گزیند؛

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ

گزینش از آنِ آنان نیست.

مَا كَانَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ

شکوه بر خدا باد، او بسی بالاتر است از آنچه برای او انباز می‌گیرند.[68]

سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ [68]

سرپرست تو آنچه را سینه‌هایشان در خود می‌پوشانند و آنچه را فاش می‌کنند می‌داند.[69]

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ [69]

اوست خدا؛ هیچ ایزدی نیست مگر او؛

وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

ستایش از آنِ او است، در نخستین و در واپسین؛

لَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْأُولَىٰ وَٱلْءَاخِرَةِ

و داوری از آنِ اوست،

وَلَهُ ٱلْحُكْمُ

و شما به سوی او بازگردانده خواهید شد.[70]

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [70]

بگو: «دیده‌اید: اگر خدا برای شما شب را تا روز حضور همیشگی می‌کرد، کدام ایزد، غیر از خدا، برای شما روشنایی می‌آورد؟

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَآءٍ

آیا پس نمی‌شنوید؟»[71]

أَفَلَا تَسْمَعُونَ [71]

بگو: «دیده‌اید: اگر خدا برای شما روز را تا روز حضور همیشگی می‌کرد، کدام ایزد، غیر از خدا، برای شما شبی می‌آورد که در آن بیاسایید؟

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ

آیا پس روشن نمی‌بینید؟»[72]

أَفَلَا تُبْصِرُونَ [72]

و به مهر او است که برای شما شب و روز را قرار داد، تا بیاسایید و از لطف او بجویید، و شاید سپاس‌گزار شوید.[73]

وَمِن رَّحْمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [73]

و روزی که آنان را ندا دهد و بگوید: «کجایند انبازان من، که ادعا می‌کردید؟»[74]

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ [74]

و از هر جامعه گواهی برخواهیم کشید و خواهیم گفت: «برهان خود را بیاورید.» آنگاه خواهند دانست که حقیقت از آنِ خدا است، و آنچه برمی‌ساختند از آنان دور گم خواهد شد.[75]

وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ فَعَلِمُوٓا۟ أَنَّ ٱلْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ [75]

قارون از قوم موسی بود؛ بر آنان زورگویی کرد —

إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ

و ما در میان گنج‌ها آن‌قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن به‌تنهایی بر اتحادیه‌ای از مردان دارای نیرو بی‌گمان سنگین بود.

وَءَاتَيْنَٰهُ مِنَ ٱلْكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ بِٱلْعُصْبَةِ أُو۟لِى ٱلْقُوَّةِ

قومش آنگاه به او گفتند: «ذوق‌زده مباش، زیرا خدا ذوق‌زدگان را دوست ندارد؛[76]

إِذْ قَالَ لَهُۥ قَوْمُهُۥ لَا تَفْرَحْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْفَرِحِينَ [76]

بلکه در آنچه خدا به تو داده است جایگاه واپسین را بجوی،

وَٱبْتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلْءَاخِرَةَ

بی‌آنکه بهرهٔ خود را از زندگی نزدیک فراموش کنی؛

وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنْيَا

و نیکی کن چنان‌که خدا به تو نیکی کرد،

وَأَحْسِن كَمَآ أَحْسَنَ ٱللَّهُ إِلَيْكَ

و در زمین فساد مجوی؛

وَلَا تَبْغِ ٱلْفَسَادَ فِى ٱلْأَرْضِ

زیرا خدا تباهی‌گران را دوست ندارد.»[77]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ [77]

گفت: «این به من تنها به‌سبب دانشی که از آنِ من است داده شد.»

قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ عِندِىٓ

آیا نمی‌دانست که خدا پیش از او نسل‌هایی را ریشه‌کن کرده بود که از او در نیرو برتر بودند و بیشتر می‌اندوختند؟

أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِۦ مِنَ ٱلْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا

و کنارگذاشته‌شدگان دربارهٔ تقصیرهایشان پرسیده نخواهند شد.[78]

وَلَا يُسْـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ [78]

با همهٔ آرایهٔ خود بر قوم خود بیرون آمد.

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ فِى زِينَتِهِۦ

کسانی که زندگی نزدیک را می‌خواهند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شد می‌داشتیم! او بی‌گمان بهره‌ای سترگ دارد.»[79]

قَالَ ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا يَٰلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآ أُوتِىَ قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ [79]

اما کسانی که به آنان دانش داده شده بود گفتند: «وای بر شما! عوض خدا برای آنکه باور آورد و کرداری شایسته به‌جا آورد بهتر است؛

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا

و این را تنها شکیبایان دریافت می‌کنند.»[80]

وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ [80]

ما زمین را وادار کردیم که او و جایگاهش را ببلعد؛

فَخَسَفْنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلْأَرْضَ

او هیچ گروهانی نداشت که غیر از خدا یاری‌اش رساند،

فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ

و او از کسانی نبود که خود را یاری می‌رسانند.[81]

وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُنتَصِرِينَ [81]

و آنان که روز پیش جای او را آرزو کرده بودند، شروع کردند به گفتن: «آه! پس خدا روزی را برای هر که از فرمان‌برداران خود او را پسند افتد می‌گستراند، و اندازه می‌کند!

وَأَصْبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوْا۟ مَكَانَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ

اگر خدا بر ما لطف نکرده بود، ما را نیز می‌بلعید.

لَوْلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا

آه! پس انکارکنندگان هرگز کامیاب نمی‌شوند.»[82]

وَيْكَأَنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ [82]

آن جایگاه واپسین را برای کسانی اختصاص می‌دهیم که در زمین نه برتری‌جویی بر دیگران می‌خواهند و نه فساد؛

تِلْكَ ٱلدَّارُ ٱلْءَاخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا

و فرجام از آنِ محتاطان است.[83]

وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [83]

هر که با نیکی بیاید، بهتر از آن را خواهد داشت؛

مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا

و هر که با بدی بیاید — آنان که بدی کردند تنها بر حسب آنچه می‌کردند بازپرداخت خواهند شد.[84]

وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [84]

آنکه خوانش را برای تو الزامی ساخت، تو را بی‌گمان به بازگشتگاهی بازخواهد گرداند.

إِنَّ ٱلَّذِى فَرَضَ عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ

بگو: «سرپرست من بهتر می‌داند که چه کسی با راهنمایی می‌آید و چه کسی در گمراهی‌ای آشکار است.»[85]

قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ مَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ وَمَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ [85]

تو امید نداشتی که نوشتار به تو رسانده شود؛ این تنها به مهر سرپرست تو است —

وَمَا كُنتَ تَرۡجُوٓاْ أَن يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبُ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَ

پس هرگز پشتیبان انکارکنندگان مباش.[86]

فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرٗا لِّلۡكَٰفِرِينَ [86]

و مبادا راه نشانه‌های خدا را بر تو ببندند، پس از آنکه بر تو فرود آورده شد؛

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَ

و به سوی سرپرست خود فراخوان،

وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَ

و هرگز از انباز گیرندگان مباش.[87]

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ [87]

و با خدا ایزد دیگری را فرامخوان؛

وَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ

هیچ ایزدی نیست مگر او.

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

همه‌چیز نابود می‌شود، مگر سوی او.

كُلُّ شَيۡءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجۡهَهُۥ

داوری از آنِ اوست،

لَهُ ٱلۡحُكۡمُ

و شما به سوی او بازگردانده خواهید شد.[88]

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [88]



# النمل • AN-NAML

سوره 27 · 93 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

طسّ (طا سین).

طسٓ

این‌ها نشانه‌های خوانش و نوشتاری آشکار است،[1]

تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٖ [1]

راهنمایی و مژده برای باورمندان، آنان که تماس را پابرجا نگه می‌دارند و گشاده‌دستی ناب را می‌دهند، و دربارهٔ زندگی واپسین به آن یقین دارند.[2-3]

هُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ [2] ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ [3]

کسانی که به زندگی واپسین باور ندارند، ما کردارهایشان را برایشان آراسته‌ایم، و اینک کورمال می‌روند.[4]

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ [4]

آنان کسانی هستند که کیفر بد برای آنان است، و آنان‌اند که در زندگی واپسین بزرگ‌ترین زیان‌کاران خواهند بود.[5]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ [5]

و تو بی‌گمان خوانش را از سوی فرزانه‌ای، همه‌چیزدانی دریافت می‌کنی.[6]

وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ [6]

آنگاه که موسی به خانواده‌اش گفت: «آتشی دیده‌ام؛ از آن برای شما خبری خواهم آورد، یا برای شما پاره‌آتشی افروخته خواهم آورد، شاید بتوانید گرم شوید.»[7]

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِۦٓ إِنِّىٓ ءَانَسْتُ نَارًا سَـَٔاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ ءَاتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ [7]

چون به آن رسید، ندا داده شد: «خجسته باد آنکه در آتش است و آنکه پیرامون آن است!

فَلَمَّا جَآءَهَا نُودِىَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِى ٱلنَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا

و شکوه بر خدا باد، سرپرست همهٔ هستی‌ها![8]

وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [8]

ای موسی، همانا منم، خدا، نیرومند، فرزانه. و عصای خود را بیفکن.»[9]

يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [9] وَأَلْقِ عَصَاكَ

چون دید که آن مانند یکی از نهانیان می‌لرزد، پشت کرد و گریخت و بر جای قدم‌های خود بازنگشت.

فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ

«ای موسی، مترس؛

يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ

من، فرستادگان نزد من نمی‌ترسند،[10]

إِنِّى لَا يَخَافُ لَدَىَّ ٱلْمُرْسَلُونَ [10]

مگر آنکه ستم کرد، سپس بدی را با نیکی جایگزین کرد؛ آنگاه من، من همانا بسیار بخشاینده و مهربانم.[11]

إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًۢا بَعْدَ سُوٓءٍ فَإِنِّى غَفُورٌ رَّحِيمٌ [11]

و دست خود را در گریبانت درآور: سپید و بی‌هیچ بدی بیرون خواهد آمد،

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِى جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ

در میان نه نشانه، به سوی فرعون و قوم او؛

فِی تِسْعِ ءَایَٰتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِۦٓ

زیرا آنان قومی از تجاوزگران بودند.»[12]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ [12]

چون نشانه‌های ما، به‌روشنی دیدنی، به آنان آمد، گفتند: «این چشم‌بندی آشکار است.»[13]

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ ءَايَٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا۟ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ [13]

و آن‌ها را سرسختانه رد کردند، حال آنکه خویشتن‌شان به آن‌ها یقین داشت، از ستم و از برتری‌جویی.

وَجَحَدُوا۟ بِهَا وَٱسْتَيْقَنَتْهَآ أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا

پس بنگر که فرجام تباهی‌گران چگونه بود.[14]

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ [14]

ما همانا به داوود و سلیمان دانشی دادیم؛ و هر دو گفتند: «ستایش از آنِ خدا است، آنکه ما را بر بسیاری از فرمان‌برداران باورمند خود برتری داد.»[15]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ عِلْمًا ۖ وَقَالَا ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ ٱلْمُؤْمِنِينَ [15]

و سلیمان از داوود ارث برد، و گفت: «ای انسان‌ها، زبان پرندگان به ما آموخته شد، و از هر چیز بهره‌ای به ما داده شد؛

وَوَرِثَ سُلَيْمَٰنُ دَاوُۥدَ ۖ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ ٱلطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَىْءٍ

این بی‌گمان همان لطف آشکار است.»[16]

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْمُبِينُ [16]

و برای سلیمان لشکرهایش گردآوری شدند، از نهانیان و انسان‌ها و پرندگان، و به ستون‌ها تقسیم شدند.[17]

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ وَٱلطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ [17]

تا آنکه چون به درهٔ مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان، به خانه‌های خود درآیید، مبادا سلیمان و لشکرهایش شما را بی‌آنکه حس کنند لِه کنند.»[18]

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوْا۟ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّمْلُ ٱدْخُلُوا۟ مَسَٰكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [18]

از سخن او شادمان شد و لبخند زد، و گفت: «ای سرپرست من، به دل من بیفکن که برای دهش تو که به من و پدر و مادرم ارزانی داشتی سپاس‌گزار باشم، و کرداری شایسته به‌جا آورم که تو را خشنود کند، و مرا به مهر خود در میان فرمان‌برداران شایستهٔ خود درآور.»[19]

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِىٓ أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَٰلِحًا تَرْضَىٰهُ وَأَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ [19]

و پرندگان را سان دید و گفت: «مرا چه شده که پیشاهنگ را نمی‌بینم؟ یا او از غایبان است؟[20]

وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِىَ لَآ أَرَى ٱلْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ ٱلْغَآئِبِينَ [20]

او را بی‌گمان به کیفری سخت کیفر خواهم داد، یا او را سر خواهم برید، مگر آنکه برای من اقتداری آشکار بیاورد.»[21]

لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَا۟ذْبَحَنَّهُۥٓ أَوْ لَيَأْتِيَنِّى بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ [21]

دیرزمانی غایب نماند،

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ

و گفت: «به آنچه تو بدان احاطه نیافتی احاطه یافتم، و از سبا برای تو اطلاعی یقینی آورده‌ام.[22]

فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍۭ بِنَبَإٍ يَقِينٍ [22]

زنی یافتم که بر آنان فرمانروایی می‌کند، و به او از هر چیز داده شده است.

إِنِّى وَجَدتُّ ٱمْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَىْءٍ

و او بنایی سترگ دارد.[23]

وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ [23]

و او و قومش را یافتم که غیر از خدا برای خورشید پیشانی بر خاک می‌نهند؛ و منحرف‌کننده کردارهایشان را برایشان آراسته و بدین‌سان راه را بر آنان بسته است، چنان‌که راهنمایی نمی‌پذیرند، تا آنکه برای خدا پیشانی بر خاک ننهند، آنکه نهفته در آسمان‌ها و زمین را بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را فاش می‌کنند می‌داند. (78) [24-25]

وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ [24] أَلَّا يَسْجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِى يُخْرِجُ ٱلْخَبْءَ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا يُخْفُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ [25] (78)

خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او، سرپرست بنای سترگ.»[26]

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ [26]

گفت: «خواهیم نگریست آیا راست گفتی یا از دروغ‌گویانی.[27]

قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ [27]

با این نامه از سوی من برو، آن را به سوی آنان بیفکن، سپس از آنان دور شو، و بنگر که چه بازخواهند گرداند.»[28]

ٱذْهَب بِّكِتَٰبِى هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَٱنظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ [28]

گفت: «ای دربار، نامه‌ای ارجمند به سوی من افکنده شد. از سلیمان است، و اینک: «به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان؛ بر من برتری مجویید و بی‌خدشه نزد خدا به سوی من بیایید.»»[29-31]

قَالَتْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَؤُا۟ إِنِّىٓ أُلْقِىَ إِلَىَّ كِتَٰبٌ كَرِيمٌ [29] إِنَّهُۥ مِن سُلَيْمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ [30] أَلَّا تَعْلُوا۟ عَلَىَّ وَأْتُونِى مُسْلِمِينَ [31]

گفت: «ای دربار، دربارهٔ کار من به من نظر دهید؛ من هیچ تصمیمی نمی‌گیرم بی‌آنکه شما گواه آن باشید.»[32]

قَالَتْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَؤُا۟ أَفْتُونِى فِىٓ أَمْرِى مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ [32]

گفتند: «ما دارندگان نیرو و دارندگان سختگیری شدیدیم، اما کار با تو است؛ پس بنگر که چه دستور می‌دهی.»[33]

قَالُوا۟ نَحْنُ أُو۟لُوا۟ قُوَّةٍ وَأُو۟لُوا۟ بَأْسٍ شَدِيدٍ وَٱلْأَمْرُ إِلَيْكِ فَٱنظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ [33]

گفت: «همانا پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را تباه می‌کنند و توانمندان مردمش را به خواری می‌کشانند؛

قَالَتْ إِنَّ ٱلْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا۟ قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوٓا۟ أَعِزَّةَ أَهْلِهَآ أَذِلَّةً

و این‌گونه رفتار می‌کنند.[34]

وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ [34]

اما من ارمغانی برای آنان خواهم فرستاد، و خواهم نگریست که فرستادگان با چه بازمی‌گردند.»[35]

وَإِنِّى مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌۢ بِمَ يَرْجِعُ ٱلْمُرْسَلُونَ [35]

چون نزد سلیمان آمد، گفت: «آیا می‌خواهید مرا با مال مجهز کنید؟ آنچه خدا به من داده است بهتر است از آنچه به شما داده است؛ این شمایید که بلکه از ارمغان خود شادمان می‌شوید.[36]

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيْمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ [36]

به سوی آنان بازگرد: ما بی‌گمان با لشکرهایی بر آنان خواهیم آمد که توان ایستادگی در برابر آن‌ها را ندارند، و آنان را بی‌گمان از آن، خوار و پست‌شده، بیرون خواهیم کرد.»[37]

ٱرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَآ أَذِلَّةً وَهُمْ صَٰغِرُونَ [37]

گفت: «ای دربار، کدام یک از شما بنای او را برای من خواهد آورد، پیش از آنکه بی‌خدشه به سوی من بیایند؟»[38]

قَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَؤُا۟ أَيُّكُمْ يَأْتِينِى بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِى مُسْلِمِينَ [38]

عفریتی از نهانیان گفت: «من آن را برای تو خواهم آورد پیش از آنکه از نشست خود برخیزی؛ و من برای این بی‌گمان زورمند و مورد اعتمادم.»[39]

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّى عَلَيْهِ لَقَوِىٌّ أَمِينٌ [39]

آنکه نزد او دانشی از ضابطه داشت گفت: «من آن را برای تو خواهم آورد پیش از آنکه حتی نگاهت به تو بازگردانده شود.»

قَالَ ٱلَّذِى عِندَهُۥ عِلْمٌ مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ

چون آن را نزد خود برجا دید، گفت: «این از لطف سرپرست من است، برای آزمودن من: آیا سپاس‌گزار خواهم بود یا انکار خواهم کرد؟

فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى لِيَبْلُوَنِىٓ ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ

و هر که سپاس‌گزار است، تنها برای خود سپاس‌گزار است،

وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ

و هر که انکار کند، سرپرست من همانا توانگر، بزرگوار است.»[40]

وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّى غَنِىٌّ كَرِيمٌ [40]

گفت: «بنای او را برای او ناشناختنی کنید؛ خواهیم نگریست آیا راهنمایی می‌پذیرد یا از کسانی است که راهنمایی نمی‌پذیرند.»[41]

قَالَ نَكِّرُوا۟ لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِىٓ أَمْ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ [41]

چون آمد، به او گفته شد: «آیا بنای تو چنین است؟» گفت: «گویی همان است.»

فَلَمَّا جَآءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُۥ هُوَ

«و دانش پیش از او به ما داده شده بود، و ما بی‌خدشه نزد خدا بودیم.»[42]
وَأُوتِينَا ٱلْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ [42]

و آنچه غیر از خدا از آن فرمان می‌برد، راه را بر او بسته بود؛
وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِ

زیرا او از قومی بود که انکار می‌کنند.[43]
إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَٰفِرِينَ [43]

به او گفته شد: «به کوشک درآی.»
قِيلَ لَهَا ٱدْخُلِى ٱلصَّرْحَ

چون آن را دید، آن را آبگیری پنداشت و ساق‌های خود را برهنه کرد.
فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا

گفت: «این کوشکی صیقل‌خورده است، ساخته‌شده از بلور.»
قَالَ إِنَّهُۥ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ

گفت: «ای سرپرست من، من همانا بر خود ستم کرده‌ام، و با سلیمان، بی‌خدشه نزد خدا، سرپرست همهٔ هستی‌ها، هستم.»[44]
قَالَتْ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [44]

ما همانا برادرشان صالح را به سوی ثمود فرستادیم: «از خدا فرمان برید»؛ و اینک دو دسته که با هم نزاع می‌کنند.[45]
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا أَنِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ [45]

گفت: «ای قوم من، چرا بدی را پیش از نیکی شتاب می‌جویید؟ آیا از خدا بخشایش نمی‌خواهید، به این امید که به شما مهربانی خواهد کرد؟»[46]
قَالَ يَٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [46]

گفتند: «ما در تو و در کسانی که با تواند فال بد می‌بینیم.»

قَالُواْ ٱطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ

گفت: «فال شما نزد خدا است؛

قَالَ طَٰٓئِرُكُمْ عِندَ ٱللَّهِ

شما بلکه قومی هستید که به آزمون گذاشته می‌شوند.»[47]

بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ [47]

و در پایتخت نه تن بودند که در زمین فساد می‌پراکندند و هیچ چیز را سامان نمی‌دادند.[48]

وَكَانَ فِي ٱلْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ [48]

گفتند: «با یکدیگر به خدا سوگند یاد کنید که بی‌گمان شبانه بر او و خانواده‌اش حمله خواهیم کرد، سپس به مسئول قانونی او بی‌گمان خواهیم گفت: «ما بر ریشه‌کنی خانواده‌اش حاضر نبودیم، و ما بی‌گمان راست‌گوییم.»»[49]

قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهْلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ [49]

و توطئه‌ای توطئه کردند، و ما توطئه‌ای توطئه کردیم، بی‌آنکه حس کنند.[50]

وَمَكَرُواْ مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [50]

پس بنگر که فرجام توطئه‌شان چگونه بود:

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكْرِهِمْ

ما آنان و قومشان را، همگی با هم، نابود کردیم.[51]

أَنَّا دَمَّرْنَٰهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ [51]

پس این خانه‌های آنان، تهی به‌سبب ستمشان.

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوٓاْ

بی‌گمان در این نشانه‌ای است برای قومی که می‌دانند.[52]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [52]

و ما آنان را که باور آورده بودند و محتاط بودند نجات دادیم.[53]

وَأَنجَيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ [53]

و لوط، آنگاه که به قوم خود گفت: «آیا زشتکاری را مرتکب می‌شوید، حال آنکه بینایید؟[54]

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ [54]

آیا به‌راستی از سر میل به مردان می‌آیید، غیر از زنان؟

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِ

شما بلکه قومی نادان هستید.»[55]

بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ [55]

پاسخ قومش تنها این بود که گفتند: «خاندان لوط را از شهر خود بیرون برانید؛

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْ

زیرا آنان مردمی‌اند که می‌خواهند پاک شوند.»[56]

إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ [56]

پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم، مگر زنش؛ ما مقرر کرده بودیم که از واپس‌ماندگان باشد.[57]

فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ [57]

و ما بر آنان بارانی باراندیم؛

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا

چه باران بدی، باران آنان که هشدار داده شده بودند![58]

فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ [58]

بگو: «ستایش از آنِ خدا است و آرامش بر فرمان‌برداران او باد که برگزیده است.

قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَىٰٓ

آیا خدا بهتر است، یا آنچه انباز می‌گیرید؟»(79) [59]

ءَآللَّهُ خَيۡرٌ أَمَّا تُشۡرِكُونَ [59] (79)

آیا او نیست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان برای شما آبی فرود آورد که با آن باغ‌هایی محصور و پر از دلپذیری رویاندیم،

أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ

بی‌آنکه برای شما ممکن باشد درختان آن‌ها را برویانید؟

مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآ

آیا ایزدی با خدا هست؟

أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِ

آنان بلکه قومی هستند که برای او وزنه‌های متقابل قرار می‌دهند.[60]

بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ [60]

آیا او نیست که زمین را جایگاهی پایدار ساخت، در میان آن رودها نهاد، برای آن لنگرهایی استوار نهاد، و میان دو دریا پرده‌ای قرار داد؟

أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًا

آیا ایزدی با خدا هست؟

أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِ

اما بیشترشان نمی‌دانند.[61]

بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ [61]

آیا او نیست که به درمانده پاسخ می‌دهد چون او را فرامی‌خواند، بدی را برمی‌دارد، و شما را جانشینان در زمین قرار می‌دهد؟

أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِ

آیا ایزدی با خدا هست؟

أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ

چه اندک به یاد می‌آورید![62]

قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ [62]

آیا او نیست که شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا راه می‌نماید، و بادها را می‌فرستد، گسترده در پیشاپیش مهر خود؟(80)

أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ نُشُرًۢا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِۦٓ(80)

آیا ایزدی با خدا هست؟

أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ

خدا بسی بالاتر است از آنچه برای او انباز می‌گیرند![63]

تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ [63]

آیا او نیست که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را دوباره می‌سازد، و شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟

أَمَّن يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ

آیا ایزدی با خدا هست؟

أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ

بگو: «برهان خود را بیاورید، اگر راست‌گویید.»[64]

قُلْ هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [64]

بگو: «هیچ‌کس در آسمان‌ها و بر زمین آنچه را فراتر از حواس است نمی‌داند، مگر خدا؛

قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلْغَيْبَ إِلَّا ٱللَّهُ

و حس نمی‌کنند چه زمانی برانگیخته خواهند شد.»[65]

وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ [65]

بلکه دانش آنان دربارهٔ زندگی واپسین به نهایت رسیده است؛

بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِي ٱلْءَاخِرَةِ

بلکه در این باره در حیرانی‌اند، بلکه در این باره کورند.[66]

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ [66]

و انکارکنندگان گفتند: «آیا چون ما و نیاکان ما خاک شویم، به‌راستی بیرون آورده خواهیم شد؟[67]

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ [67]

ما و نیاکان ما را پیش‌تر همانا این وعده داده شده بود؛

لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ

این‌ها تنها افسانه‌های پیشینیان‌اند.»[68]

إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ [68]

بگو: «در زمین بگردید، و بنگرید که فرجام کنارگذاشته‌شدگان چگونه بود.»[69]

قُلْ سِيرُواْ فِي ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ [69]

و برای آنان اندوهگین مباش، و از آنچه توطئه می‌کنند در تنگنا مباش.[70]

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ [70]

و می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟»[71]

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [71]

بگو: «شاید بخشی از آنچه شتاب می‌جویید هم‌اکنون در پی شما باشد.»[72]

قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ ٱلَّذِى تَسْتَعْجِلُونَ [72]

و سرپرست تو بی‌گمان بر انسان‌ها لطفی دارد،

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ

اما بیشترشان سپاس‌گزار نیستند.[73]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ [73]

و سرپرست تو بی‌گمان آنچه را سینه‌هایشان در خود می‌پوشانند و آنچه را فاش می‌کنند می‌داند.[74]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ [74]

و در آسمان و زمین چیزی نیست که فراتر از حواس باشد بی‌آنکه در دفتری آشکار باشد.[75]

وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِى ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ [75]

این خوانش بیشتر آنچه را که پسران اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بازمی‌گوید.[76]

إِنَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَكْثَرَ ٱلَّذِى هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [76]

و آن بی‌گمان راهنمایی و مهر است برای باورمندان.[77]

وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ [77]

سرپرست تو همانا میان آنان با داوری خود فیصله می‌دهد،

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُم بِحُكْمِهِۦ

و اوست نیرومند، همه‌چیزدان.[78]

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ [78]

پس به خدا وکالت بده،

فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ

زیرا تو بر حقیقتی آشکاری.[79]

إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ [79]

تو مردگان را نمی‌شنوانی، و کران را فراخوان نمی‌شنوانی، چون پشت می‌کنند و بازمی‌روند.[80]

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟ مُدْبِرِينَ [80]

و تو راهنمای کوران از گمراهی‌شان نیستی؛

وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِى ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ

تو تنها کسی را می‌شنوانی که به نشانه‌های ما باور دارد، و آنان بی‌خدشه نزد خدایند.[81]

إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ [81]

و چون سخن بر آنان تحقق یابد، برای آنان موجودی آگاه از زمین بیرون خواهیم آورد که با آنان سخن خواهد گفت،

وَإِذَا وَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ

زیرا انسان‌ها به نشانه‌های ما یقین نداشتند.[82]

أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ [82]

و روزی که از هر جامعه گروهی از کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ می‌انگارند گردآوری کنیم، به ستون‌ها تقسیم خواهند شد،[83]

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ [83]

تا آنکه چون برسند، او خواهد گفت: «آیا نشانه‌های مرا دروغ انگاشتید، بی‌آنکه به دانش بر آن‌ها احاطه یافته باشید؟

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبْتُم بِـَٔايَٰتِى وَلَمْ تُحِيطُوا۟ بِهَا عِلْمًا

یا آنکه چه می‌کردید؟»[84]

أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [84]

و سخن بر آنان به‌سبب ستمشان تحقق خواهد یافت، و چیزی بر زبان نخواهند آورد.[85]

وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ [85]

آیا نمی‌بینند که ما شب را آفریدیم تا در آن بیاسایند، و روز را تا در آن روشن ببینند؟

أَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّا جَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِيَسْكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که باور دارد.[86]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [86]

و روزی که در شیپور دمیده شود، کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که بر زمین‌اند به هراس افکنده خواهند شد، مگر آنکه خدا را پسند افتد؛

وَيَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُ

و همه پیشانی بر خاک نهاده نزد او خواهند آمد.[87]

وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَٰخِرِينَ [87]

و تو کوه‌ها را می‌بینی، آن‌ها را بی‌حرکت می‌پنداری، حال آنکه چنان‌که ابرها می‌گذرند می‌گذرند:

وَتَرَى ٱلْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِىَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِ

کار خدا، آنکه هر چیز را به کمال رساند،

صُنْعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِىٓ أَتْقَنَ كُلَّ شَىْءٍ

زیرا او بر آنچه می‌کنید باخبر است.[88]

إِنَّهُۥ خَبِيرٌۢ بِمَا تَفْعَلُونَ [88]

هر که با نیکی بیاید، بهتر از آن را خواهد داشت، و آنان در آن روز در امان از هراس خواهند بود.[89]

مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ [89]

و هر که با بدی بیاید، آنگاه چهره‌هایشان در آتش سرنگون خواهد شد.

وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِى ٱلنَّارِ

آیا به چیزی غیر از آنچه می‌کردید بازپرداخت خواهید شد؟[90]

هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [90]

«به من تنها دستور داده شده است که از سرپرست این سرزمین فرمان ببرم، آنکه آن را مصون از تعرّض گردانده است، و همه‌چیز از آنِ اوست؛

إِنَّمَآ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلْبَلْدَةِ ٱلَّذِى حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَىْءٍ

و به من دستور داده شده است که از بی‌خدشگان نزد خدا باشم، و خوانش را برخوانم.»[91]

وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ [91] وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ

هر که راهنمایی پذیرد، پس تنها برای خود راهنمایی می‌پذیرد،

فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ

و هر که گمراه شود، آنگاه بگو: «من تنها یکی از هشداردهندگانم.»[92]

وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ [92]

و بگو: «ستایش از آنِ خدا است؛ او نشانه‌های خود را به شما نشان خواهد داد، و آن‌ها را خواهید شناخت.»

وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعْرِفُونَهَا

و سرپرست تو از آنچه می‌کنید بی‌اعتنا نیست.[93]

وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ [93]

# الشعراء • ASH-SHU'ARA

سوره 26 · 227 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

طسٓمٓ (طا سین میم).[1]

طسٓمٓ [1]

اینها نشانه‌های نوشتار روشن است.[2]

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ [2]

شاید خود را فرسوده کنی از اینکه آنان باورمند نیستند.[3]

لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ [3]

اگر ما را پسند می‌افتاد، بر آنان از آسمان نشانه‌ای فرود می‌آوردیم که گردن‌هایشان در برابر آن خم‌شده می‌ماند.[4]

إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ [4]

و هیچ یادآوری تازه‌ای از بی‌اندازه مهربان برای آنان نمی‌آید بی‌آنکه از آن روی برتابند.[5]

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُواْ عَنْهُ مُعْرِضِينَ [5]

با این حال دروغ انگاشتند؛ به‌زودی اطلاعات آنچه را به مسخره می‌گرفتند به آنان خواهد رسید.[6]

فَقَدْ كَذَّبُواْ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [6]

آیا زمین را ندیده‌اند، که در آن از هر جفت بزرگوار چقدر رویاندیم؟[7]

أَوَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ [7]

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[8]

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ [8]

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[9]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [9]

و چون سرپرست تو موسی را ندا داد: «به سوی قوم ستمگر برو، قوم فرعون.[10]

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [10] قَوْمَ فِرْعَوْنَ

آیا محتاط نخواهند بود؟»[11]

أَلَا يَتَّقُونَ [11]

گفت: «ای سرپرست من، می‌ترسم مرا دروغ انگارند؛ و سینه‌ام تنگ می‌شود و زبانم گشوده نمی‌شود: پس به سوی هارون بفرست. آنان بر من یک تقصیر دارند و می‌ترسم مرا بکشند.»[12-14]

قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ [12] وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰرُونَ [13] وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ [14]

گفت: «نه چنین!

قَالَ كَلَّا

هر دو با نشانه‌های ما بروید؛ ما همانا با شما هستیم، شنوا.[15]

فَٱذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ [15]

پس به سوی فرعون بروید و به او بگویید: «ما همانا فرستادهٔ سرپرست همهٔ هستی‌ها هستیم؛ پسران اسرائیل را بگذار با ما بروند.»»[16-17]

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [16] أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ [17]

گفت: «آیا تو را در کودکی در میان خود نپروراندیم، و آیا سال‌هایی از زندگی‌ات را در میان ما نگذراندی؟ و آن کاری را که کردی کردی، و تو از انکارکنندگانی.»[18-19]

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ [18] وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِي فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ [19]

گفت: «من آن را در آن هنگام کردم، آنگاه که از گمراه‌شدگان بودم.[20]

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ [20]

پس چون از شما ترسیدم از شما گریختم؛ سپس سرپرست من به من داوری عطا کرد و مرا از فرستادگان قرار داد.[21]

فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [21]

و این دهشی که گمان می‌کنی به من ارزانی می‌داری، این است که پسران اسرائیل را به زیر سلطه کشیده‌ای!»[22]

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ [22]

فرعون گفت: «و سرپرست همهٔ هستی‌ها چیست؟»[23]

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ [23]

گفت: «سرپرست آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، اگر از کسانی هستید که با یقین می‌دانند.»[24]

قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ [24]

به کسانی که پیرامون او بودند گفت: «آیا نمی‌شنوید؟»[25]

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ [25]

گفت: «سرپرست شما و سرپرست نیاکان نخستین شما.»[26]

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ [26]

گفت: «فرستادهٔ شما که به سوی شما فرستاده شده است بی‌گمان دچار اختلال است.»[27]

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِىٓ أُرۡسِلَ إِلَيۡكُمۡ لَمَجۡنُونٞ [27]

گفت: «سرپرست خاور و باختر و آنچه میان آن‌هاست، اگر خرد می‌ورزیدید.»[28]

قَالَ رَبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ [28]

گفت: «اگر ایزدی غیر از من بگیری، تو را بی‌گمان در شمار زندانیان خواهم گذاشت.»[29]

قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذۡتَ إِلَٰهًا غَيۡرِى لَأَجۡعَلَنَّكَ مِنَ ٱلۡمَسۡجُونِينَ [29]

گفت: «حتی اگر چیزی آشکار برایت بیاورم؟»[30]

قَالَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكَ بِشَىۡءٖ مُّبِينٖ [30]

گفت: «پس آن را بیاور، اگر از راست‌گویانی.»[31]

قَالَ فَأۡتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [31]

آنگاه عصای خود را افکند، و ناگاه مار آشکاری گشت؛ و دست خود را بیرون کشید، و ناگاه برای کسانی که می‌نگریستند سفید بود.[32-33]

فَأَلۡقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ [32] وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ [33]

به دربار پیرامون خود گفت: «این بی‌گمان چشم‌بند دانا است که می‌خواهد شما را با چشم‌بندی خود از زمین شما بیرون کند. پس چه رأی می‌دهید؟»[34-35]

قَالَ لِلۡمَلَإِ حَوۡلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ [34] يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِۦ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ [35]

گفتند: «او و برادرش را معلق بگذار، و در پایتخت‌ها گردآورندگانی برانگیز، که هر چشم‌بند بزرگ دانا را نزد تو خواهند آورد.»[36-37]

قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَٱبۡعَثۡ فِى ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ [36] يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ [37]

پس چشم‌بندان برای وعده‌گاه مقرر روزی شناخته‌شده گردهم آورده شدند.[38]

فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ [38]

و به مردم گفته شد: «آیا گردهم خواهید آمد، به این امید که از چشم‌بندان پیروی خواهیم کرد، اگر آنان پیروز باشند؟»[39-40]

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ 39 لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ 40

چون چشم‌بندان آمدند، به فرعون گفتند: «آیا به‌راستی برای ما پاداشی خواهد بود، اگر ما پیروز باشیم؟»[41]

فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالُوا۟ لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ 41

گفت: «آری، و آنگاه شما بی‌گمان از نزدیک‌شدگان خواهید بود.»[42]

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ 42

موسی به آنان گفت: «بیفکنید آنچه باید بیفکنید.»[43]

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُوا۟ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ 43

پس ریسمان‌ها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به قدرت فرعون، ما هستیم که بی‌گمان پیروز خواهیم بود!»[44]

فَأَلْقَوْا۟ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا۟ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ ٱلْغَٰلِبُونَ 44

موسی آنگاه عصای خود را افکند، و ناگاه آنچه را وانمود می‌کردند می‌ربود.[45]

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ 45

چشم‌بندان آنگاه پیشانی بر خاک نهاده افکنده شدند.[46]

فَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ 46

گفتند: «ما به سرپرست همهٔ هستی‌ها باور آوردیم، به سرپرست موسی و هارون.»[47-48]

قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ 47 رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ 48

گفت: «پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او اعتبار دادید! این بی‌گمان بزرگ‌ترِ شما است، آن‌که به شما چشم‌بندی آموخت.

قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ

پس به‌زودی خواهید دانست.
فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

من دستان و پاهای شما را بی‌گمان، به‌صورت متقابل، بارها خواهم برید و همهٔ شما را بی‌گمان با هم بر تیرک استوار خواهم کرد.»[49]
لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ [49]

گفتند: «هیچ آسیبی نیست!
قَالُوا۟ لَا ضَيْرَ

به سوی سرپرست ما است که رو برمی‌گردانیم.[50]
إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ [50]

آرزو داریم که سرپرست ما لغزش‌های ما را بخشاید، چون ما نخستین باورمندانیم.»[51]
إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [51]

و ما به موسی پرده برداشتیم: «شبانه با فرمان‌برداران من برو؛ شما تعقیب خواهید شد.»[52]
وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِىٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ [52]

پس فرعون در پایتخت‌ها گردآورندگانی فرستاد:[53]
فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ [53]

«اینان بی‌گمان گروهی اندک‌اند، و اینان ما را بی‌گمان خشمگین می‌کنند، و ما همگی با هم بی‌گمان نیرویی هشیاریم.»[54-56]
إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ [54] وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ [55] وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ [56]

پس آنان را از باغ‌ها و چشمه‌ها، و گنج‌ها و مقامی ارجمند بیرون آوردیم.[57-58]
فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [57] وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ [58]

چنین.
كَذَٰلِكَ

و ما پسران اسرائیل را وارث آن ساختیم. سپس آن کسان آنان را هنگام برآمدن روز تعقیب کردند.[59-60]
وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٥٩ فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ٦٠

و چون دو دسته همدیگر را دیدند، همراهان موسی گفتند: «ما بی‌گمان به چنگ افتاده‌ایم!»[61]
فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ٦١

گفت: «نه چنین!
قَالَ كَلَّآ

سرپرست من همانا با من است؛ او مرا راه خواهد نمود.»[62]
إِنَّ مَعِىَ رَبِّى سَيَهْدِينِ ٦٢

آنگاه به موسی پرده برداشتیم: «دریا را با عصای خود بزن.» پس شکافته شد، و هر بخش چون قله‌ای سترگ بود.[63]
فَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْبَحْرَ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَٱلطَّوْدِ ٱلْعَظِيمِ ٦٣

و ما دیگران را به آنجا نزدیک ساختیم.[64]
وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ ٱلْءَاخَرِينَ ٦٤

و ما موسی و همهٔ آنان را که با او بودند نجات دادیم، سپس دیگران را غرق کردیم.[65-66]
وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ٦٥ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ٦٦

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.
إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[67]

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ [67]

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[68]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [68]

و اطلاع دربارهٔ ابراهیم را بر آنان برخوان، آنگاه که به پدر و قوم خود گفت: «از چه فرمان می‌برید؟»[69-70]

وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَٰهِيمَ [69] إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا تَعْبُدُونَ [70]

گفتند: «از بت‌ها فرمان می‌بریم و در کنار آن‌ها مقیم می‌مانیم.»[71]

قَالُوا۟ نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ [71]

گفت: «آیا چون آن‌ها را فرابخوانید، می‌شنوند، یا به شما سود می‌رسانند، یا به شما آسیب می‌رسانند؟»[72-73]

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ [72] أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ [73]

گفتند: «نه، بلکه نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.»[74]

قَالُوا۟ بَلْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ [74]

گفت: «پس آیا دیده‌اید آنچه را از آن فرمان می‌بردید، شما و نیاکان دورتر شما؟ آنان همانا برای من دشمن‌اند،[75-76]

قَالَ أَفَرَءَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ [75] أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلْأَقْدَمُونَ [76] فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّىٓ

مگر سرپرست همهٔ هستی‌ها، آنکه مرا آفرید و مرا راه می‌نماید،[77-78]

إِلَّا رَبَّ ٱلْعَٰلَمِينَ [77] ٱلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ [78]

و آنکه مرا خوراک می‌دهد و آب می‌دهد، و چون بیمار شوم مرا درمان می‌کند،[79-80]

وَٱلَّذِى هُوَ يُطْعِمُنِى وَيَسْقِينِ [79] وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ [80]

و آنکه مرا خواهد میراند، سپس دوباره زنده‌ام خواهد کرد،[81]

وَٱلَّذِى يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ [81]

و آنکه آرزو دارم لغزشم را در روز سررسید ببخشاید.[82]

وَٱلَّذِىٓ أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِى خَطِيٓـَٔتِى يَوْمَ ٱلدِّينِ [82]

ای سرپرست من، داوری به من عطا کن و مرا به کسانی که شایسته‌اند ملحق کن،[83]

رَبِّ هَبْ لِى حُكْمًا وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ [83]

و برای من زبانی راست‌گو در میان واپسین‌ها قرار ده،[84]

وَٱجْعَل لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى ٱلْـَٔاخِرِينَ [84]

و مرا از وارثان باغ دهش قرار ده،[85]

وَٱجْعَلْنِى مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ [85]

و پدرم را ببخشای، زیرا او از گمراه‌شدگان بود،[86]

وَٱغْفِرْ لِأَبِىٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ [86]

و مرا شرمسار مکن روزی که برانگیخته خواهند شد، روزی که نه مال و نه پسران سودمند نخواهند بود، مگر برای آنکه با هسته‌ای دست‌نخورده نزد خدا بیاید.»[87-89]

وَلَا تُخْزِنِى يَوْمَ يُبْعَثُونَ [87] يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ [88] إِلَّا مَنْ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ [89]

و باغ برای محتاطان نزدیک آورده خواهد شد،[90]

وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ [90]

و کوره به سرگشتگان نمایانده خواهد شد.[91]

وَبُرِّزَتِ ٱلْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ [91]

و به آنان گفته خواهد شد: «کجایند آنان که غیر از خدا از آن‌ها فرمان می‌بردید،[92]

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ [92] مِن دُونِ ٱللَّهِ

آیا شما را یاری می‌رسانند، یا خود را یاری می‌رسانند؟»[93]
هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ [93]

در آن سرنگون خواهند شد، آنان و سرگشتگان، و لشکرهای ابلیس، همگی با هم.[94-95]
فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ [94] وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ أَجۡمَعُونَ [95]

در حالی که در آن با یکدیگر نزاع می‌کنند، خواهند گفت: «به خدا، ما بی‌گمان در گمراهی‌ای آشکار بودیم، آنگاه که شما را با سرپرست همهٔ هستی‌ها هم‌تراز می‌ساختیم.[96-98]
قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ [96] تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ [97] إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [98]

و تنها کنارگذاشته‌شدگان بودند که ما را گمراه کردند.[99]
وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ [99]

پس ما نه میانجی‌ای داریم و نه دوستی گرم.[100-101]
فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ [100] وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ [101]

کاش بازپسگیری‌ای داشتیم، از شمار باورمندان می‌بودیم!»[102]
فَلَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ [102]

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[103]
وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ [103]

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[104]
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [104]

قوم نوح فرستادگان را دروغ انگاشتند، آنگاه که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا محتاط نیستید؟ من برای شما همانا فرستاده‌ای مورد اعتمادم.[105-107]

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ ٱلْمُرْسَلِينَ 105 إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ 106 إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ 107

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[108]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ 108

و من برای این از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم؛

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

پاداش من تنها بر عهدهٔ سرپرست همهٔ هستی‌هاست.[109]

إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ 109

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.»[110]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ 110

گفتند: «آیا به تو اعتماد خواهیم کرد، حال آنکه پست‌ترین‌ها از تو پیروی کرده‌اند؟»[111]

قَالُوٓاْ أَنُؤْمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلْأَرْذَلُونَ 111

گفت: «من از آنچه می‌کردند چه می‌دانم؟[112]

قَالَ وَمَا عِلْمِى بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ 112

حساب آنان تنها بر عهدهٔ سرپرست من است، کاش حس می‌کردید.[113]

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّى لَوْ تَشْعُرُونَ 113

و من از کسانی نیستم که باورمندان را طرد می‌کنند؛ من تنها هشداردهنده‌ای آشکارم.»[114-115]

وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلْمُؤْمِنِينَ 114 إِنْ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ 115

گفتند: «اگر دست برنداری، ای نوح، بی‌گمان از رانده‌شدگان خواهی بود.»[116]

قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمَرْجُومِينَ 116

گفت: «ای سرپرست من، قوم من مرا همانا دروغ انگاشتند. پس میان من و آنان گشایشی بگشا و مرا و آن باورمندانی را که با من‌اند نجات ده.»[117-118]

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ [117] فَٱفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [118]

پس او و آنان را که با او بودند در ناوی بارگرفته نجات دادیم.[119]

فَأَنجَيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ [119]

سپس پس از آن، آنان را که ماندند غرق کردیم.[120]

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ ٱلْبَاقِينَ [120]

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[121]

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ [121]

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[122]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [122]

عاد فرستادگان را دروغ انگاشتند، آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا محتاط نیستید؟ من برای شما همانا فرستاده‌ای مورد اعتمادم.[123-125]

كَذَّبَتْ عَادٌ ٱلْمُرْسَلِينَ [123] إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ [124] إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ [125]

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[126]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ [126]

و من برای این از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم؛

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

پاداش من تنها بر عهدهٔ سرپرست همهٔ هستی‌هاست.[127]

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [127]

آیا بر هر تپه نشانه‌ای می‌سازید، از سر بازی، و کارگاه‌ها برای خود می‌گیرید به امید جاودانه ماندن، و چون چنگ می‌زنید، چون خودکامگان چنگ می‌زنید؟[128-130]

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ [128] وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ [129] وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ [130]

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[131]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ [131]

و در برابر آنکه شما را از آنچه می‌دانید مجهز کرد محتاط باشید: شما را با دام‌ها، پسران، باغ‌ها و چشمه‌ها مجهز کرد،[132-134]

وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِيٓ أَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ [132] أَمَدَّكُم بِأَنْعَٰمٍ وَبَنِينَ [133] وَجَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [134]

زیرا من برای شما از کیفر روزی سترگ می‌ترسم.»[135]

إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [135]

گفتند: «برای ما یکسان است، چه اندرز دهی و چه از اندرزدهندگان نباشی؛ این تنها خوی پیشینیان است، و ما کیفر داده نخواهیم شد.»[136-138]

قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ ٱلْوَٰعِظِينَ [136] إِنْ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلْأَوَّلِينَ [137] وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ [138]

پس او را دروغ انگاشتند، و ما آنان را ریشه‌کن کردیم.

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَٰهُمْ

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَةً

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[139]

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ [139]

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[140]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [140]

ثمود فرستادگان را دروغ انگاشتند، آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: «آیا محتاط نیستید؟ من برای شما همانا فرستاده‌ای مورد اعتمادم.[141-143]

كَذَّبَتْ ثَمُودُ ٱلْمُرْسَلِينَ [141] إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ [142] إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ [143]

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[144]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ [144]

و من برای این از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم؛

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

پاداش من تنها بر عهدهٔ سرپرست همهٔ هستی‌هاست.[145]

إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [145]

آیا شما را در اینجا در امنیت خواهند گذاشت، در میان باغ‌ها و چشمه‌ها، و کشتزارها و نخل‌هایی با غلافی نرم، در حالی که خانه‌ها را در کوه‌ها می‌تراشید، چون کارشناسانی چیره‌دست؟[146-149]

أَتُتْرَكُونَ فِى مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ [146] فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [147] وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ [148] وَتَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا فَٰرِهِينَ [149]

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[150]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ [150]

و از دستور افراطیان گردن منهید، که در زمین فساد می‌پراکنند و هیچ چیز را سامان نمی‌دهند.»[151-152]

وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ 151 ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ 152

گفتند: «تو تنها از چشم‌بندی‌شدگانی؛ تو تنها یک آدمی چون مایی؛ پس نشانه‌ای بیاور، اگر از راست‌گویانی.»[153-154]

قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ 153 مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا فَأۡتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ 154

گفت: «این ماده‌شتری است؛ او نوبت نوشیدن دارد،

قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ

و شما در روزی شناخته‌شده نوبت نوشیدن دارید.[155]

وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ 155

و به او هیچ بدی نرسانید، وگرنه کیفر روزی سترگ شما را فرامی‌گرفت.»[156]

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيمٖ 156

اما او را پی کردند، سپس پر از حسرت شدند، و کیفر آنان را فراگرفت.[157]

فَعَقَرُوهَا فَأَصۡبَحُواْ نَٰدِمِينَ 157 فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[158]

وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ 158

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[159]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ 159

قوم لوط فرستادگان را دروغ انگاشتند، آنگاه که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا محتاط نیستید؟ من برای شما همانا فرستاده‌ای مورد اعتمادم.[160-162]

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلِينَ 160 إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ 161 إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ 162

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[163]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ 163

و من برای این از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم؛

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

پاداش من تنها بر عهدهٔ سرپرست همهٔ هستی‌هاست.[164]

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ 164

آیا شما از میان همهٔ هستی‌ها به سوی نرینه‌ها می‌آیید و آنچه را سرپرستتان برای شما همسر آفریده است وامی‌گذارید؟[165]

أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ 165 وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُم

بلکه شما قومی هستید که از حدها درمی‌گذرید.»[166]

بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ 166

گفتند: «اگر دست برنداری، ای لوط، بی‌گمان از بیرون‌رانده‌شدگان خواهی بود.»[167]

قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ 167

گفت: «من همانا از بیزاران رفتار شما هستم.[168]

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ 168

ای سرپرست من، مرا و خانواده‌ام را از آنچه می‌کنند نجات ده.»[169]

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ 169

پس او و نزدیکانش را همه نجات دادیم، مگر پیرزنی از واپس‌ماندگان؛ سپس دیگران را نابود کردیم.[170-172]

فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ 170 إِلَّا عَجُوزًا فِى ٱلْغَٰبِرِينَ 171 ثُمَّ دَمَّرْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ 172

و ما بر آنان بارانی باراندیم؛

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا

چه باران بدی، باران آنان که هشدار داده شده بودند![173]

فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ 173

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[174]

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ 174

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[175]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ 175

همراهان بیشه فرستادگان را دروغ انگاشتند، آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا محتاط نیستید؟ من برای شما همانا فرستاده‌ای مورد اعتمادم.[176-178]

كَذَّبَ أَصْحَٰبُ لْـَٔيْكَةِ ٱلْمُرْسَلِينَ 176 إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ 177 إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ 178

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید.[179]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ 179

و من برای این از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم؛

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

پاداش من تنها بر عهدهٔ سرپرست همهٔ هستی‌هاست.[180]

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [180]

پیمانه را با درستی بدهید،

أَوْفُواْ ٱلْكَيْلَ

و از زیان‌رسانان نباشید.[181]

وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ [181]

و با ترازوی راست وزن کنید،[182]

وَزِنُواْ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ [182]

و مردم را در چیزهایشان کم‌بهره نسازید،

وَلَا تَبْخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ

و بر زمین، فسادگرانه، آشوب نپراکنید.[183]

وَلَا تَعْثَوْاْ فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ [183]

و در برابر آنکه شما و انبوه نخستین‌ها را آفرید محتاط باشید.»[184]

وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ وَٱلْجِبِلَّةَ ٱلْأَوَّلِينَ [184]

گفتند: «تو تنها از چشم‌بندی‌شدگانی؛ تو تنها یک آدمی چون مایی، و ما تو را بی‌گمان از دروغ‌گویان می‌پنداریم. پس پاره‌ای از آسمان بر ما فروافکن، اگر از راست‌گویانی.» **(81)**[185-187]

قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ [185] وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ [186] فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [187] **(81)**

گفت: «سرپرست من به آنچه می‌کنید بهتر می‌داند.»[188]

قَالَ رَبِّيٓ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ [188]

پس او را دروغ انگاشتند و کیفر روز سایبان آنان را فراگرفت.

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِ

آن کیفر روزی سترگ بود.[189]

إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [189]

بی‌گمان در این نشانه‌ای هست.

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً

اما بیشتر آنان باورمند نیستند.[190]

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ [190]

و سرپرست تو بی‌گمان نیرومند، مهربان است.[191]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ [191]

و این بی‌گمان فرودی است از سرپرست همهٔ هستی‌ها.[192]

وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [192]

جریان مورد اعتماد با آن فرود آمده است، بر هستهٔ تو، تا از هشداردهندگان باشی، به زبانی بی‌عیب، آشکار.[193-195]

نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلْأَمِينُ [193] عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ [194] بِلِسَانٍ عَرَبِىٍّ مُّبِينٍ [195]

و این بی‌گمان در فرم‌های پیشینیان هست.[196]

وَإِنَّهُۥ لَفِى زُبُرِ ٱلْأَوَّلِينَ [196]

آیا برای آنان نشانه‌ای نیست که دانایان پسران اسرائیل آن را بدانند؟[197]

أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ ءَايَةً أَن يَعْلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُا۟ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ [197]

و اگر آن را بر یکی از کسانی که زبانشان بی‌عیب نیست فرود آورده بودیم، و او آن را بر آنان خوانده بود، به آن باور نمی‌آوردند.[199-198]

وَلَوْ نَزَّلْنَٰهُ عَلَىٰ بَعْضِ ٱلْأَعْجَمِينَ 198 فَقَرَأَهُۥ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ مُؤْمِنِينَ 199

چنین آن را در هسته‌های کنارگذاشته‌شدگان درآوردیم؛ به آن باور نخواهند آورد تا آنکه کیفر دردناک را ببینند، که ناگهان به آنان خواهد رسید، بی‌آنکه حس کنند، و آنگاه خواهند گفت: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟»[203-200]

كَذَٰلِكَ سَلَكْنَٰهُ فِى قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ 200 لَا يُؤْمِنُونَ بِهِۦ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ 201 فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ 202 فَيَقُولُوا۟ هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ 203

آیا پس کیفر ما را شتاب می‌جویند؟[204]

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ 204

می‌بینی؟ اگر ما آنان را سال‌ها برخوردار کرده باشیم، سپس آنچه به آنان وعده داده می‌شد به آنان رسیده باشد، آن برخورداری که به آنان داده شد به چه کارشان خواهد آمد؟[207-205]

أَفَرَءَيْتَ إِن مَّتَّعْنَٰهُمْ سِنِينَ 205 ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُوا۟ يُوعَدُونَ 206 مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يُمَتَّعُونَ 207

و ما هیچ شهری را ریشه‌کن نکردیم بی‌آنکه هشداردهندگانی داشته باشد، به‌عنوان یادآوری؛[208]

وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ 208 ذِكْرَىٰ

و ما هرگز ستمگر نبوده‌ایم.[209]

وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ 209

و منحرف‌کنندگان نیستند که با آن فرود آمده‌اند؛ این برای آنان نمی‌سزد، و توانایی آن را ندارند.[211-210]

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ 210 وَمَا يَنۢبَغِى لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ 211

آنان بی‌گمان از هر گوش‌سپاری دور داشته شده‌اند.[212]

إِنَّهُمْ عَنِ ٱلسَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ 212

پس با خدا ایزد دیگری را فرامخوان، وگرنه از کیفر داده‌شدگان می‌بودی.[213]

فَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلْمُعَذَّبِينَ 213

و نزدیک‌ترین کسان خود را هشدار ده، و بال خود را برای کسانی که از باورمندان از تو پیروی می‌کنند فروآر.[214-215]

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ ٱلْأَقْرَبِينَ 214 وَٱخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ 215

اگر از تو فرمان نبردند، آنگاه بگو: «من همانا از آنچه می‌کنید بی‌تعهدم.»[216]

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ 216

و به آن نیرومند، مهربان وکالت بده، آنکه تو را می‌بیند هنگامی که ایستاده‌ای، و آمد و شد تو را در میان پیشانی‌برخاک‌نهندگان.[217-219]

وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ 217 ٱلَّذِى يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ 218 وَتَقَلُّبَكَ فِى ٱلسَّٰجِدِينَ 219

همانا او شنوا، همه‌چیزدان است.[220]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ 220

آیا شما را اطلاع دهم که منحرف‌کنندگان بر چه کسی فرود می‌آیند؟ بر هر وانمودکنندهٔ کهنه‌کار، بارگرفته از تخطی‌ها، فرود می‌آیند. گوش فرامی‌دهند، و بیشترشان دروغ‌گویند.[221-223]

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ 221 تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ 222 يُلْقُونَ ٱلسَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَٰذِبُونَ 223

و سخنوران فریبا، سرگشتگان از آنان پیروی می‌کنند.[224]

وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلْغَاوُۥنَ 224

آیا ندیده‌ای که در هر دره‌ای بیراهه می‌روند، و آنچه را هرگز نمی‌کنند می‌گویند؟[225-226]

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِى كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ 225 وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ 226

مگر کسانی که باور آوردند، کردارهای شایسته به‌جا آوردند، خدا را فراوان به یاد آوردند، و پس از آنکه ستم بر آنان رفت خود را یاری رساندند؛

إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ

و کسانی که ستم کردند، به‌زودی خواهند دانست که روی‌گردانی‌شان به چه واژگونی‌ای می‌انجامد.[227]

وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ [227]

IV

# کهیعص · طه

## فرمان‌برداران بی‌اندازه مهربان، پاسخ‌یافته

سوره‌ها 25 تا 19

یادآوری به پسران اسرائیل ادامه می‌یابد، و دوربین به سوی کسانی می‌چرخد که بی‌اندازه مهربان پاسخشان را می‌دهد: فرمان‌بردارانی که «بر زمین با متانت راه می‌روند» (25:63) و به نادانان با آرامش پاسخ می‌دهند. سورهٔ 25 فرستاده را ریشخندشده نشان می‌دهد، که او را مردی فریفتهٔ چشم‌بند می‌خوانند، و از انکارکنندگان فرمان نمی‌برد؛ سورهٔ 24، سوره‌ای که واجب گردانده شده است، کیفر، گواهی، پوششِ دروغینی که باید رد شود، قاعده‌های خانه‌ها و نور را می‌دهد؛ سورهٔ 23 می‌گوید که باورمندان رستگار شده‌اند، و به او فرمان می‌دهد که بدی را با زیباترین بازراند. در مرکز، سورهٔ 22 جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض را می‌نهد که «برای انسان‌ها نهادیم، همه برابر، چه مقیم در آن‌جا چه رهگذر» (22:25)، حج را اعلام می‌کند، سپس اجازهٔ پیکار را به کسانی می‌دهد که «بی‌هیچ حقی از خانه‌هایشان رانده شدند» (22:40). سورهٔ 21 روایت می‌کند که خدا چگونه به هر فرستاده‌ای که او را می‌خواند پاسخ داد، از ابراهیم در آتش تا زکریای بی‌وارث، و یادآوری می‌کند که زمین به ارث به فرمان‌برداران شایسته خواهد رسید. سورهٔ 20 می‌گوید که خوانش فرود نیامده است تا او تیره‌بخت باشد، و موسی و هارون را روایت می‌کند که با سخنی نرم به سوی فرعون فرستاده شدند، پسران اسرائیلِ رهایی‌یافته، گوساله، سپس آدم که فراموش می‌کند. بخش با مهربانی سرپرستش نسبت به زکریا بسته می‌شود، با مریم که تنها زیر درخت خرما می‌زاید، با ابراهیم که پدرش او را می‌راند، و با فرمانِ شتاب نکردن.

### مرحله 3 · یادآوری به پسران اسرائیل

یادآوری به پسران اسرائیل با کسانی به پایان می‌رسد که خدا پاسخشان را می‌دهد. موسی و هارون با سخنی نرم به سوی فرعون می‌روند، پسران اسرائیل از دشمنشان رهایی می‌یابند، و متن می‌گوید فرمان‌برداران بی‌اندازه مهربان یکانند و زمین به چه کسانی خواهد رسید: «زمین به ارث به فرمان‌برداران شایستهٔ من خواهد رسید» (21:105). در مرکز، سورهٔ 22 خانه را به همهٔ انسان‌ها بازمی‌گرداند و به بیرون‌راندگان اجازهٔ دفاع می‌دهد، سورهٔ 24 نخستین قاعده‌های خانه و گواهی را به شهر می‌دهد. بخش با یادآوری مهربانی نسبت به یک فرمان‌بردار بسته می‌شود، زکریا، که سرپرست خود را به ندایی نهان می‌خواند.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

کسانی که رانده شده‌اند سرانجام پاسخی می‌یابند: «به کسانی که با آنان نبرد می‌شود اجازه داده شده است، چراکه ستم دیده‌اند» (22:39)، تا گوشه‌نشین‌گاه‌ها، کنیسه‌ها، جاهای تماس و جاهای پیشانی بر خاک نهادن ویران نشوند؛ مهاجرانی که در راه مرده‌اند روزی خواهند یافت، و تلافی همچنان به اندازهٔ دقیق می‌ماند. سورهٔ 24 از زنانِ متهم پاسداری می‌کند: چهار گواه، یا هشتاد ضربه برای متهم‌کننده، سوگند همسر که کیفر را دور می‌کند، و این فرمان: «دختران جوان خود را به تن‌فروشی وادار مکنید» (24:33). کسانی که گشایش دارند نباید از دادن به نزدیکان، تنگ‌دستان و مهاجران بازایستند، و وعده‌ای که به باورمندان داده شده است دگرگون ساختن وضع آنان است، «پس از ترسشان، بی‌گمان به امنیت» (24:55). زکریا بی‌وارث پیر می‌شود، مریم تنها می‌زاید و آرزوی مرگ می‌کند، ابراهیم را پدرش تهدید می‌کند: «اگر باز نایستی، بی‌گمان تو را خواهم راند!» (19:46).

---

*کاف ها یا عین صاد (19:1)، سپس: «یادآوری مهربانی سرپرست تو» (19:2).*

# الفرقان • AL-FURQAN

سوره 25 · 77 بند

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

خجسته باد آن‌که بازشناسی را بر فرمان‌بردار خود فرود آورد، تا برای همهٔ هستی‌ها هشداردهنده باشد،[1]

تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا [1]

آن‌که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ او است، که فرزندی برای خود برنگرفته است و در پادشاهی انبازی ندارد،

ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ

و هر چیز را آفرید و آن را با دقت اندازه گرفت.[2]

وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا [2]

اما غیر از او ایزدانی برگرفتند که هیچ نمی‌آفرینند و خود آفریده‌اند، که برای خود نه آسیب و نه سود در اختیار دارند، و نه مرگ، نه زندگی و نه گسترش در اختیار دارند.[3]

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا [3]

و انکارکنندگان می‌گویند: «این جز وارونه‌نمایی‌ای که او برساخته نیست، و گروهی دیگر او را در آن یاری کرده‌اند.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَ

بدین‌سان با ستم و جعل آمدند، می‌گویند: «این‌ها افسانه‌های پیشینیان است که خودش رونویسی کرده، و بامدادان و هنگام بازگشت به خانه بر او املا می‌شود.»[4-5]

فَقَدْ جَآءُو ظُلْمًا وَزُورًا [4] وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ٱكْتَتَبَهَا فَهِىَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا [5]

بگو: «آن‌که راز آسمان‌ها و زمین را می‌داند آن را فرود آورده است،

قُلْ أَنزَلَهُ ٱلَّذِى يَعْلَمُ ٱلسِّرَّ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

زیرا او بسیار بخشاینده و مهربان است.»[6]

إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا [6]

و می‌گویند: «این فرستاده را پس چه شده است که خوراک می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا کارگزاری به سوی او فرود آورده نشده که با او هشداردهنده باشد، یا چرا گنجی به او افکنده نمی‌شود، یا چرا باغی ندارد که از آن بخورد!»[7]

وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأْكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمْشِى فِى ٱلْأَسْوَاقِ لَوْلَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا [7] أَوْ يُلْقَىٰٓ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا

و ستمگران می‌گویند: «شما جز از مردی چشم‌بندی‌شده پیروی نمی‌کنید.»[8]

وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا [8]

بنگر چگونه مثل‌ها را دربارهٔ تو چند برابر کردند، و چنین گمراه شدند: پس نمی‌توانند راهی بیابند.[9]

ٱنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلْأَمْثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا [9]

خجسته باد آن‌که، اگر پسندش می‌افتاد، برای تو بهتر از این می‌کرد: باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است، و برای تو کاخ‌ها می‌ساخت.[10]

تَبَارَكَ ٱلَّذِىٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذَٰلِكَ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا [10]

اما بلکه آن لحظه را دروغ انگاشتند.

بَلْ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِ

و برای هر که آن لحظه را دروغ انگارد، اخگرِ افروخته را آماده کرده‌ایم. چون اخگر آنان را از جایی دور ببیند، خروش آن و ناله‌ای را خواهند شنید.[11-12]

وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا [11] إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا [12]

و چون آنان را در جایی تنگ، به هم زنجیر شده، در آن افکنند، در آن‌جا نابودی خود را خواهند خواند.[13]

وَإِذَآ أُلْقُوا۟ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا۟ هُنَالِكَ ثُبُورًا [13]

امروز یک نابودی را مخوانید، بلکه نابودی‌های بسیار را بخوانید.[14]

لَّا تَدْعُوا۟ ٱلْيَوْمَ ثُبُورًا وَٰحِدًا وَٱدْعُوا۟ ثُبُورًا كَثِيرًا [14]

بگو: «آیا این بهتر است، یا باغ جاودانگی که به محتاطان وعده داده شده است؟

قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ ٱلْخُلْدِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ

برای آنان بازپرداخت و مقصد خواهد بود.»[15]

كَانَتْ لَهُمْ جَزَآءً وَمَصِيرًا [15]

در آن‌جا آنچه را پسندشان افتد خواهند داشت، جاودانه ماندگار،

لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَ

این از سوی سرپرست تو وعده‌ای است که مطالبه می‌شود.[16]

كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْـُٔولًا [16]

و روزی که آنان را و آنچه را غیر از خدا فرمان می‌بردند گرد آورد، خواهد گفت: «آیا شما بودید که این فرمان‌برداران مرا گمراه کردید، یا خود از راه گمراه شدند؟»[17]

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِى هَٰٓؤُلَآءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا۟ ٱلسَّبِيلَ [17]

خواهند گفت: «شکوه بر تو باد! ما را نمی‌سزید که غیر از تو متحدانی بگیریم؛

قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِى لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَآءَ

اما تو آنان و نیاکانشان را برخوردار کردی تا آنکه یادآوری را فراموش کردند و قومی پژمرده شدند.»[18]

وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا۟ ٱلذِّكْرَ وَكَانُوا۟ قَوْمًۢا بُورًا [18]

پس آنان شما را در آنچه می‌گویید دروغ انگاشته‌اند؛ نه می‌توانند دور کنند و نه یاری رسانند. (82)

فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا يَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا (82)

و هر که از میان شما ستم کند، به او کیفری بزرگ خواهیم چشاند.[19]

وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا [19]

ما پیش از تو هیچ‌یک از فرستادگان را نفرستادیم بی‌آنکه بی‌گمان خوراک بخورند و در بازارها راه بروند.

وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِى ٱلْأَسْوَاقِ

و ما شما را، برخی را برای برخی دیگر، آزمونی قرار دادیم،

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً

تا ببینیم آیا تاب خواهید آورد.

أَتَصْبِرُونَ

سرپرست تو بینا است.[20]

وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا [20]

و کسانی که روبه‌رویی با ما را امید نمی‌دارند، می‌گویند: «چرا کارگزاران بر ما فرود آورده نمی‌شوند، یا چرا سرپرست خود را نمی‌بینیم!»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا

همانا در خویش سخت خودبزرگ‌بین شدند و گستاخی‌ای سترگ ورزیدند.[21]

لَقَدِ ٱسْتَكْبَرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا [21]

روزی که کارگزاران را ببینند، در آن روز برای کنارگذاشته‌شدگان هیچ مژده‌ای نخواهد بود،
يَوْمَ يَرَوْنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ

و خواهند گفت: «مرز
وَيَقُولُونَ حِجْرًا

گذرناپذیر!»[22]
مَّحْجُورًا [22]

و ما به سوی هر کرداری که انجام دادند پیش رفتیم و آن را گردی پراکنده ساختیم.[23]
وَقَدِمْنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا۟ مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَٰهُ هَبَآءً مَّنثُورًا [23]

همراهان باغ، در آن روز، قرارگاهی بهتر و استراحتگاهی نیمروزی زیباتر خواهند داشت.[24]
أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا [24]

و روزی که آسمان با ابرها شکافته خواهد شد و کارگزاران فرود آورده خواهند شد، فرودی کامل،[25]
وَيَوْمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلْغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا [25]

پادشاهی، در آن روز، به حقیقت، از آنِ بی‌اندازه مهربان خواهد بود،
ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ

و برای انکارکنندگان روزی دشوار خواهد بود.[26]
وَكَانَ يَوْمًا عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ عَسِيرًا [26]

و روزی که ستمگر دستان خود را خواهد گزید، خواهد گفت: «آه، کاش با فرستاده راهی در پیش گرفته بودم! وای بر من! کاش فلانی را دوست نزدیک نگرفته بودم! او همانا مرا، پس از آنکه به من رسید، از یادآوری دور گمراه کرد.»[27-28]
وَيَوْمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَٰلَيْتَنِى ٱتَّخَذْتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلًا [27] يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا [28] لَّقَدْ أَضَلَّنِى عَنِ ٱلذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَآءَنِى

منحرف‌کننده برای انسان همواره رهاکننده است.[29]

وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا [29]

و فرستاده گفت: «ای سرپرست من، قوم من همانا این خوانش را ترک کرده‌اند.»[30]

وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوْمِى ٱتَّخَذُوا۟ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ مَهْجُورًا [30]

چنین برای هر اطلاع‌دهنده‌ای دشمنی از میان کنارگذاشته‌شدگان گماشتیم.

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِىٍّ عَدُوًّا مِّنَ ٱلْمُجْرِمِينَ

و سرپرست تو به‌عنوان راهنما و یاری کافی است.[31]

وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا [31]

و کسانی که انکار می‌کنند می‌گویند: «چرا خوانش یک‌باره بر او فرود آورده نشد!»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَٰحِدَةً

چنین، برای استوار ساختن آگاهی تو به‌وسیلهٔ آن —

كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَ

و ما آن را به نظمی سنجیده ترتیب دادیم.[32]

وَرَتَّلْنَٰهُ تَرْتِيلًا [32]

و هیچ مثالی برای تو نمی‌آورند بی‌آنکه ما حقیقت و توضیحی زیباتر برای تو بیاوریم.[33]

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا [33]

کسانی که بر چهره‌های خود به سوی جهنم گردآوری خواهند شد، آنان بدترین جایگاه و گمراه‌ترین راه را دارند.[34]

ٱلَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُو۟لَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا [34]

ما همانا به موسی نوشتار دادیم و برادرش هارون را همراه او دستیار قرار دادیم.[35]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَجَعَلْنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرًا [35]

گفتیم: «هر دو به سوی قومی بروید که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند.»

فَقُلْنَا ٱذْهَبَآ إِلَى ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا

و ما آنان را با نابودی‌ای کامل نابود کردیم.[36]

فَدَمَّرْنَـٰهُمْ تَدْمِيرًا [36]

و قوم نوح، آنگاه که فرستادگان را دروغ انگاشتند، آنان را غرق کردیم و از آنان نشانه‌ای برای انسان‌ها ساختیم.

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا۟ ٱلرُّسُلَ أَغْرَقْنَـٰهُمْ وَجَعَلْنَـٰهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً

و ما برای ستمگران کیفری دردناک آماده کردیم.[37]

وَأَعْتَدْنَا لِلظَّـٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا [37]

و عاد و ثمود و همراهان رس، و نسل‌های بسیار میان این زمان‌ها،[38]

وَعَادًا وَثَمُودَا۟ وَأَصْحَـٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونًۢا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا [38]

و برای هر یک مثال‌ها را چند برابر کردیم،

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ ٱلْأَمْثَـٰلَ

و هر یک را یکسره ویران کردیم.[39]

وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا [39]

آنان با این حال بر شهری گذشته‌اند که بر آن بارانی شوم باریده شد:

وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ ٱلسَّوْءِ

آیا پس آن را نمی‌دیدند؟

أَفَلَمْ يَكُونُوا۟ يَرَوْنَهَا

اما هیچ گسترشی را امید نمی‌داشتند.[40]

بَلْ كَانُوا۟ لَا يَرْجُونَ نُشُورًا [40]

و چون تو را ببینند، تو را تنها به مسخره می‌گیرند:

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا

«آیا این همان کسی است که خدا او را به‌عنوان فرستاده برانگیخته است؟ بی‌گمان نزدیک بود ما را از ایزدان ما دور گمراه کند، اگر بر آن‌ها استوار نمانده بودیم!»[41]

أَهَٰذَا ٱلَّذِى بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا [41] إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَآ أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا

و چون کیفر را ببینند، خواهند دانست چه کسی از راه گمراه‌تر بود.[42]

وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ ٱلْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا [42]

آیا آن‌کس را دیده‌ای که هیجان خود را ایزد خود گرفته است؟ آیا پس تو وکیل او می‌بودی؟[43]

أَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا [43]

یا گمان می‌کنی که بیشتر آنان می‌شنوند یا خرد می‌ورزند؟

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ

آنان تنها مانند دام‌اند — نه، از راه حتی گمراه‌ترند.[44]

إِنْ هُمْ إِلَّا كَٱلْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا [44]

آیا سرپرست خود را ندیده‌ای، که چگونه سایه را می‌گستراند؟

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ

و اگر او را پسند افتاده بود، آن را ساکن می‌ساخت.

وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنًا

سپس خورشید را نشانگر آن قرار دادیم؛ سپس آن را با بازگرفتنی آسان به سوی خود بازگرفتیم.[45-46]

ثُمَّ جَعَلْنَا ٱلشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا [45] ثُمَّ قَبَضْنَٰهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا [46]

اوست که برای شما شب را پوشاکی، خواب را آسایشی و روز را زمان گسترش قرار داد.[47]

وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا وَٱلنَّوۡمَ سُبَاتٗا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورٗا [47]

اوست که بادها را فرستاد، گسترده در پیشاپیش مهر خود،(83)

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ نُشُرَۢا بَيۡنَ يَدَىۡ رَحۡمَتِهِۦ (83)

و ما از آسمان آبی پاک‌کننده فرود آوردیم، تا به‌وسیلهٔ آن سرزمینی مرده را دوباره زنده سازیم و از آنچه آفریده‌ایم، بسیاری از دام‌ها و انسان‌ها را از آن سیراب کنیم.[48-49]

وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ طَهُورٗا [48] لِّنُحۡۦِۧيَ بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗا وَنُسۡقِيَهُۥ مِمَّا خَلَقۡنَآ أَنۡعَٰمٗا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرٗا [49]

ما آن را همانا میان آنان گوناگون ساخته‌ایم تا به یاد آورند؛ اما بیشتر انسان‌ها همه‌چیز را نپذیرفتند، مگر انکار را.[50]

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَٰهُ بَيۡنَهُمۡ لِيَذَّكَّرُواْ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا [50]

و اگر ما را پسند افتاده بود، در هر شهر هشداردهنده‌ای برمی‌انگیختیم.[51]

وَلَوۡ شِئۡنَا لَبَعَثۡنَا فِى كُلِّ قَرۡيَةٖ نَّذِيرٗا [51]

پس به انکارکنندگان گردن منه،

فَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ

و به‌وسیلهٔ آن با آنان مبارزه‌ای بزرگ کن.[52]

وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا [52]

اوست که دو دریا را درهم ریخت: این یکی شیرین و تشنگی‌بر، و آن یکی شور و تلخ.

وَهُوَ ٱلَّذِى مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞ

و میان آن دو حایلی و مرزی گذرناپذیر نهاد.[53]

وَجَعَلَ بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٗا وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا [53]

اوست که از آب یک آدمی آفرید و برای او نسب و پیوند قرار داد.

وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ مِنَ ٱلْمَآءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُۥ نَسَبًا وَصِهْرًا

سرپرست تو توانا است.[54]

وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا [54]

و غیر از خدا از چیزی فرمان می‌برند که نه به آنان سود می‌رساند و نه به آنان آسیب می‌رساند؛

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ

و انکارکننده بر ضد سرپرست خود پشتیبانی برای خود می‌گیرد.[55]

وَكَانَ ٱلْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرًا [55]

ما تو را نفرستادیم مگر به‌عنوان مژده‌دهنده و هشداردهنده.[56]

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا [56]

بگو: «من برای این از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم، مگر اینکه هر که را پسند افتد راهی به سوی سرپرست خود در پیش گیرد.»[57]

قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا [57]

و به آن زنده‌ای که نمی‌میرد وکالت بده،

وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْحَىِّ ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ

و با ستودن او، شکوه او را بسرا.

وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ

و او برای باخبر بودن از تقصیرهای فرمان‌برداران خود کافی است.[58]

وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا [58]

آنکه آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در شش روز آفرید، سپس بر بنا مستقر شد —

ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ

بی‌اندازه مهربان.

ٱلرَّحْمَٰنُ

پس دربارهٔ او از باخبری بپرس.[59]

فَسْـَٔلْ بِهِۦ خَبِيرًا [59]

و چون به آنان گفته شود: «برای بی‌اندازه مهربان پیشانی بر خاک نهید»، می‌گویند: «بی‌اندازه مهربان چیست؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسْجُدُوا۟ لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا۟ وَمَا ٱلرَّحْمَٰنُ

آیا ما برای آنچه تو به ما دستور می‌دهی پیشانی بر خاک نهیم؟» و این تنها نفرت آنان را می‌افزاید.[60]

أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا [60]

خجسته باد آنکه در آسمان صورت‌های فلکی نهاد و در آن چراغی و ماهی روشنایی‌بخش نهاد.[61]

تَبَارَكَ ٱلَّذِى جَعَلَ فِى ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا [61]

اوست که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد، برای هر که بخواهد به یاد آورد یا بخواهد سپاس‌گزار باشد.[62]

وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا [62]

و فرمان‌برداران بی‌اندازه مهربان کسانی‌اند که بر زمین با متانت راه می‌روند و چون نادانان آنان را مخاطب سازند، می‌گویند: «آرامش.»[63]

وَعِبَادُ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى ٱلْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلْجَٰهِلُونَ قَالُوا۟ سَلَٰمًا [63]

و کسانی که شب را برای سرپرست خود پیشانی بر خاک نهاده و ایستاده سپری می‌کنند،[64]

وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَٰمًا [64]

و کسانی که می‌گویند: «ای سرپرست ما، کیفر جهنم را از ما دور کن — زیرا کیفر آن باری پیش‌بینی‌نشده است؛[65]

وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا [65]

همانا آن بد قرارگاه و بد جایگاهی برای ماندن است» —[66]

إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا [66]

و کسانی که چون هزینه می‌کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه خست می‌ورزند، و میان این دو با اندازهٔ درست ایستاده‌اند،[67]

وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُوا۟ لَمْ يُسْرِفُوا۟ وَلَمْ يَقْتُرُوا۟ وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا [67]

و کسانی که با خدا هیچ ایزد دیگری را فرانمی‌خوانند، و خویشتنی را که خدا مصون از تعرّض گردانده است نمی‌کشند، مگر به حق، و زنا نمی‌کنند —

وَٱلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِى حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ

و هر که این کند با تخطی‌ای سنگین روبه‌رو خواهد شد: کیفر برای او در روز حضور دوچندان خواهد شد و او در آن خوار جاودانه خواهد ماند، مگر آنکه پشیمان شد، باور آورد و کرداری شایسته به‌جا آورد — آنان را، خدا کنش‌های بدشان را به کنش‌های نیک تبدیل خواهد کرد،[68-69]

وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا [68] يُضَٰعَفْ لَهُ ٱلْعَذَابُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِۦ مُهَانًا [69] إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُو۟لَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[70]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا [70]

و هر که پشیمان شود و کرداری شایسته به‌جا آورد، همانا به سوی خدا بازمی‌گردد، با پشیمانی کامل.[71]

وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا [71]

و کسانی که بر جعل گواهی نمی‌دهند و چون بر بیهودگی‌ها می‌گذرند، با وقار می‌گذرند،[72]

وَٱلَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغْوِ مَرُّواْ كِرَامًا [72]

و کسانی که چون با نشانه‌های سرپرستشان به یادشان آورده شود، کر و کور بر آن‌ها نمی‌افتند،[73]

وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّواْ عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا [73]

و کسانی که می‌گویند: «ای سرپرست ما، به ما عطا کن، از همسران و نوادگان ما، خنکی نگاه را، و ما را راهنما برای محتاطان قرار ده» —[74]

وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَٱجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا [74]

آنان از غرفهٔ بلند در برابر شکیبایی‌شان بازپرداخت خواهند شد و در آن با درودی و آرامشی پذیرفته خواهند شد، و در آن جاودانه خواهند ماند.[75]

أُوْلَٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ ٱلْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُواْ وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَٰمًا [75] خَٰلِدِينَ فِيهَا

چه قرارگاه نیکو و چه جایگاه نیکویی برای ماندن![76]

حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا [76]

بگو: «سرپرست من به شما چندان اعتنا نمی‌کرد، بی‌فراخوانی شما.

قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ

شما پس دروغ انگاشتید و این ناگزیر خواهد شد.»[77]

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا [77]

# النور • AN-NUR

سوره 24 · 64 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

این سوره‌ای است که فرود آوردیم و آن را الزامی گردانیدیم، و در آن نشانه‌های روشن فرود آوردیم، شاید به یاد آورید.[1]

سُورَةٌ أَنزَلْنَٰهَا وَفَرَضْنَٰهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَآ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [1]

زن زناکار و مرد زناکار، بر هر یک از آن دو صد ضربه بر پوست بزنید،

ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِى فَٱجْلِدُوا۟ كُلَّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا مِاْئَةَ جَلْدَةٍ

و مبادا دلسوزی‌ای برای آن دو در قانون خدا شما را فراگیرد، اگر به خدا و روز واپسین باور دارید؛

وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِى دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ

و گروهی از باورمندان گواه کیفر آن دو باشند.[2]

وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [2]

مرد زناکار جز زنی زناکار یا زنی انبازگیر را به همسری نمی‌گیرد،

ٱلزَّانِى لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً

و زن زناکار را جز مردی زناکار یا مردی انبازگیر به همسری نمی‌گیرد؛

وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ

و این بر باورمندان ممنوع شده است.[3]

وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ [3]

و کسانی که زنان محفوظ‌شده با پیوند زناشویی را متهم می‌کنند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد ضربه بر پوست بر آنان بزنید،

وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ

و دیگر هرگز گواهی‌شان را نپذیرید — اینانند تجاوزگران، مگر کسانی که پس از این بازگشتند و خود را شایسته گردانیدند، زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[4-5]

وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ [4] إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [5]

و کسانی که همسران خود را متهم می‌کنند، بی‌آنکه گواهانی مگر خودشان داشته باشند، گواهی یکی از آنان این خواهد بود که چهار بار به خدا گواهی دهد که او بی‌گمان از راست‌گویان است، و بار پنجم، که نفرین خدا بر او باد اگر از دروغ‌گویان باشد.[6-7]

وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ أَزۡوَٰجَهُمۡ وَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمۡ فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمۡ أَرۡبَعُ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [6] وَٱلۡخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ [7]

و کیفر برای او دفع خواهد شد اگر چهار بار به خدا گواهی دهد که او بی‌گمان از دروغ‌گویان است، و بار پنجم، که خشم خدا بر او باد اگر از راست‌گویان باشد.[8-9]

وَيَدۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ أَن تَشۡهَدَ أَرۡبَعَ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ [8] وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [9]

و اگر فضل خدا بر شما و مهربانی او نبود، و اگر خدا همواره بازگردنده، فرزانه نبود...[10]

وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٞ [10]

کسانی که با وارونه‌نمایی آمدند همانا جمعیتی از میان شمایند؛ آن را بدی برای خود مپندارید،

إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ شَرّٗا لَّكُمۖ

نه، آن برای شما نیکی است.

بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ

برای هر کس از آنان آنچه از تجاوز به دست آورده است،

لِكُلِّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُم مَّا ٱكْتَسَبَ مِنَ ٱلْإِثْمِ

و آن‌که از میان آنان بزرگ‌ترین بهرهٔ آن را برداشته است، کیفری سترگ خواهد داشت.[11]

وَٱلَّذِى تَوَلَّىٰ كِبْرَهُۥ مِنْهُمْ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٌ [11]

ای کاش، چون آن را شنیدند، باورمندان مرد و زن دربارهٔ خودشان گمان نیک برده بودند و گفته بودند: «این وارونه‌نمایی‌ای آشکار است!»[12]

لَّوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا۟ هَٰذَآ إِفْكٌ مُّبِينٌ [12]

ای کاش دربارهٔ آن چهار گواه آورده بودند!

لَّوْلَا جَآءُو عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ

چون گواهان را نیاوردند، اینان نزد خدا دروغ‌گویانند.[13]

فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا۟ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْكَٰذِبُونَ [13]

و اگر فضل خدا بر شما و مهربانی او نبود، در زندگی نزدیک و زندگی واپسین، کیفری سترگ به‌سبب آنچه در آن درآمدید به شما می‌رسید، آنگاه که آن را با زبان‌های خود دریافت می‌کردید و با دهان‌های خود آنچه را دربارهٔ آن هیچ دانشی نداشتید می‌گفتید، آن را ناچیز می‌پنداشتید در حالی که نزد خدا سترگ است.[14–15]

وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِى مَآ أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ [14] إِذْ تَلَقَّوْنَهُۥ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَٰهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُۥ هَيِّنًا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٌ [15]

و ای کاش چون آن را شنیدید گفته بودید: «ما را نسزد که از این سخن بگوییم — شکوه بر تو باد، این بهتانی سترگ است!»[16]

وَلَوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَٰنَكَ هَٰذَا بُهْتَٰنٌ عَظِيمٌ [16]

خدا شما را پند می‌دهد که هرگز چیزی همانند آن را تکرار نکنید، اگر باورمندید.[17]

يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُوا۟ لِمِثْلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [17]

و خدا نشانه‌ها را برای شما روشن می‌کند،
وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْأَيَٰتِ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[18]
وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [18]

کسانی که دوست دارند زشتکاری میان باورآوردگان پخش شود، همانا کیفری دردناک خواهند داشت، در زندگی نزدیک و زندگی واپسین،
إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلْفَٰحِشَةُ فِى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ

و خدا می‌داند،
وَٱللَّهُ يَعْلَمُ

و شما نمی‌دانید.[19]
وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [19]

و اگر فضل خدا بر شما و مهربانی او نبود، و اگر خدا سرشار از دلسوزی، مهربان نبود...[20]
وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ [20]

ای کسانی که باور آوردید! گام‌های منحرف‌کننده را پیروی مکنید؛
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ

و هر که گام‌های منحرف‌کننده را پیروی کند — او همانا زشتکاری و مردود را دستور می‌دهد.
وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ

و اگر فضل خدا بر شما و مهربانی او نبود، هیچ‌یک از شما هرگز پاک نمی‌شد،
وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا

اما خدا هر که را پسندش افتد پاک می‌کند،
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّى مَن يَشَآءُ

و خدا شنوا، همه‌چیزدان است.[21]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [21]

و آنان که از میان شما فضل و گشایش دارند سوگند نخورند که دیگر به نزدیکان، تنگ‌دستان و کسانی که در راه خدا مهاجرت کردند ندهند،

وَلَا يَأْتَلِ أُوْلُواْ ٱلْفَضْلِ مِنكُمْ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤْتُوٓاْ أُوْلِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ

و بلکه چشم‌پوشی کنند و صفحه را بچرخانند.

وَلْيَعْفُواْ وَلْيَصْفَحُوٓاْ

آیا دوست نمی‌داشتید که خدا شما را ببخشاید؟

أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَكُمْ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[22]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [22]

کسانی که زنان محفوظ‌شده با پیوند زناشویی، بی‌خبر، باورمند را متهم می‌کنند، همانا در زندگی نزدیک و زندگی واپسین نفرین‌شده‌اند، و کیفری سترگ خواهند داشت، روزی که زبان‌ها، دست‌ها و پاهای‌شان بر ضد آنان به آنچه می‌کردند گواهی دهد.[23-24]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْغَٰفِلَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ [23] يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [24]

در آن روز خدا سزاوارشان را به‌تمامی به آنان خواهد داد،

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلْحَقَّ

و خواهند دانست که خدا حقیقتِ آشکار است.[25]

وَيَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ [25]

زنان پست برای مردان پست، و مردان پست برای زنان پست؛

ٱلْخَبِيثَٰتُ لِلْخَبِيثِينَ وَٱلْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَٰتِ

و زنان نیک برای مردان نیک، و مردان نیک برای زنان نیک.
وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ

اینان از آنچه گفته می‌شود تبرئه شده‌اند؛
أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ

بخشایشی و روزی‌ای سخاوتمندانه دارند.[26]
لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ [26]

ای کسانی که باور آوردید! به خانه‌هایی جز خانه‌های خود درنیایید، پیش از آنکه خود را معرفی کنید و به مردمِ آن درود گویید —
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدْخُلُواْ بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهْلِهَا

این برای شما بهتر است، شاید به یاد آورید.[27]
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [27]

اگر در آن کسی را نیافتید، درنیایید تا به شما اجازه داده شود؛
فَإِن لَّمْ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ

و اگر به شما گفته شد: «بازگردید»، پس بازگردید — این برای شما پاک‌تر است.
وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرْجِعُواْ فَٱرْجِعُواْ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ

و خدا به آنچه می‌کنید همه‌چیزدان است.[28]
وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ [28]

بر شما هیچ سرزنشی نیست که به خانه‌های خالی از سکنه که در آن‌ها برای شما کاربردی هست درآیید.
لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُواْ بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَٰعٌ لَّكُمْ

و خدا آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند.[29]

وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ [29]

به باورمندان بگو که بینایی‌های خود را فرو کشند و پاکدامنی خود را نگه دارند — این برایشان پاک‌تر است،

قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡ

زیرا خدا از آنچه می‌کنند باخبر است.[30]

إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ [30]

و به باورمندان زن بگو که بینایی‌های خود را فرو کشند و پاکدامنی خود را نگه دارند،

وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ

و آنچه را در آنان میل برمی‌انگیزد آشکار نکنند، مگر آنچه از آنان نمایان است،

وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَا

و پارچهٔ پوشاننده‌شان را بر شکاف سینه‌شان چند برابر کنند،

وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ

و آنچه را در آنان میل برمی‌انگیزد آشکار نکنند جز برای شوهران‌شان، یا پدران‌شان، یا پدران شوهران‌شان، یا پسران‌شان، یا پسران شوهران‌شان، یا برادران‌شان، یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنانِ پیرامون‌شان، یا بسته‌شدگان به سوگند، یا پیروان بی‌میل از میان مردان، یا کودکانی که حریم زنان هنوز بر آنان نمایان نیست.

وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِ

و گام‌های خود را چند برابر نکنند تا آنچه را از آنچه در آنان میل برمی‌انگیزد پنهان می‌دارند بشناسانند.

وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ

و همگی به سوی خدا بازگردید، ای باورمندان، شاید کامیاب شوید.[31]

وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [31]

و مجردهای میان خود را به همسری دهید، و همچنین شایستگان از فرمان‌برداران و فرمان‌برداران زن خود را.

وَأَنكِحُواْ ٱلْأَيَـٰمَىٰ مِنكُمْ وَٱلصَّـٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَآئِكُمْ

اگر بینوا باشند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز خواهد کرد.

إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ

و خدا گسترده است، همه‌چیزدان.[32]

وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ [32]

و کسانی که همسری نمی‌یابند خود را نگه دارند، تا آنکه خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز کند.

وَلْيَسْتَعْفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ

و از بسته‌شدگان به سوگند، کسانی که نوشتهٔ ازدواج می‌جویند، اگر در آنان نیکی می‌شناسید، آن نوشته را با آنان بنویسید،

وَٱلَّذِينَ يَبْتَغُونَ ٱلْكِتَـٰبَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَـٰنُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا

و از دارایی‌های خدا که به شما داده است به آنان بدهید.

وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ ٱللَّهِ ٱلَّذِىٓ ءَاتَىٰكُمْ

و دختران جوان خود را به تن‌فروشی وادار مکنید، اگر می‌خواهند محفوظ باشند، تنها برای جستن دارایی‌های زندگی نزدیک.

وَلَا تُكْرِهُواْ فَتَيَـٰتِكُمْ عَلَى ٱلْبِغَآءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُواْ عَرَضَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

و هر که آنان را به آن وادارد — پس از وادار شدن‌شان، خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[33]

وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ مِنۢ بَعْدِ إِكْرَٰهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [33]

ما همانا نشانه‌هایی روشن به سوی شما فرود آوردیم، مثلی از کسانی که پیش از شما گذشتند، و پندی برای محتاطان.[34]

وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ ءَايَٰتٍ مُّبَيِّنَٰتٍ وَمَثَلًا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ [34]

خدا نور آسمان‌ها و زمین است.

ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی است.

مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشْكَوٰةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ

چراغ در شیشه‌ای است.

ٱلْمِصْبَاحُ فِى زُجَاجَةٍ

شیشه چون ستاره‌ای درخشان است، افروخته از درختی خجسته، زیتونی، نه خاوری و نه باختری، که روغنش نزدیک است بی‌آنکه آتش به آن رسیده باشد روشنایی دهد.

ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّىٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِىٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ

نور بر نور.

نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ

خدا هر که را پسندش افتد به نور خود راه می‌نماید،

يَهْدِى ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ

و خدا برای انسان‌ها مثل‌ها را چند برابر می‌کند،

وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَٰلَ لِلنَّاسِ

و خدا به هر چیز همه‌چیزدان است.[35]

وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [35]

در خانه‌هایی که خدا اجازه داده برافراشته شوند، و نام او در آن‌ها یادآوری می‌شود — در آن‌ها او را بامدادان و هنگام بازگشت به خانه شکوه می‌سرایند مردانی که نه تجارت و نه فروش آنان را از یادآوری خدا، پابرجا نگه داشتن تماس و دادن گشاده‌دستی ناب غافل نمی‌کند،[36]

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْـَٔاصَالِ [36] رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَٰرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ

از روزی می‌ترسند که در آن هسته‌ها و بینایی‌ها واژگون خواهند شد، تا خدا آنان را به نیکوترین آنچه به‌جا آوردند بازپرداخت کند و از فضل خود بیشتر به آنان دهد.[37]

يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلْقُلُوبُ وَٱلْأَبْصَٰرُ [37] لِيَجْزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا۟ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦ

و خدا هر که را او را پسند افتد روزی می‌دهد، بی‌شمار.[38]

وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ [38]

و کسانی که انکار می‌کنند، کردارهایشان چون سرابی در دشتی بی‌آب است، که تشنه آن را آب می‌پندارد، تا آنگاه که بدان رسد و در آن چیزی نیابد؛ اما خدا را آن‌جا می‌یابد که حساب او را به‌درستی می‌پردازد.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَعْمَٰلُهُمْ كَسَرَابٍۭ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ ٱلظَّمْـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمْ يَجِدْهُ شَيْـًٔا وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥ

و خدا در حساب تند است.[39]

وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [39]

یا چون تاریکی‌هایی بر دریایی ژرف و خروشان: موجی آن را می‌پوشاند، که بالای آن موجی دیگر است، که بالای آن ابری است —

أَوْ كَظُلُمَٰتٍ فِى بَحْرٍ لُّجِّىٍّ يَغْشَىٰهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ سَحَابٌ

تاریکی‌هایی بر فراز یکدیگر:

ظُلُمَٰتٌۢ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ

چون دست خود را بیرون آورد، آن را تقریباً نمی‌بیند.

إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ يَرَىٰهَا

و آن‌که خدا به او هیچ نوری ندهد، هیچ نوری ندارد.[40]

وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ [40]

آیا ندیده‌ای که این خدا است که آنان که در آسمان‌ها و بر زمین‌اند و نیز پرندگانی که بال‌های خود را ردیف می‌کنند، شکوه او را می‌سرایند؟

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ

هر یک تماس خود و شکوه‌سرایی خود را می‌داند،

كُلّٞ قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥ

و خدا به آنچه می‌کنند همه‌چیزدان است.[41]

وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ [41]

و پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است،

وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

و مقصد به سوی خدا است.[42]

وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ [42]

آیا ندیده‌ای که خدا ابرها را می‌راند، سپس آن‌ها را گرد می‌آورد، سپس از آن‌ها توده‌ای می‌سازد، و آنگاه رگبار را می‌بینی که از میانش بیرون می‌آید؟

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦ

و از آسمان، از کوه‌هایی که در آن است، تگرگ فرود می‌آورد، که به هر که پسندش افتد می‌رساند، و از هر که پسندش افتد دور می‌کند؛

وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُ

درخشش برق آن نزدیک است بینایی‌ها را برباید.[43]

يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِۦ يَذْهَبُ بِٱلْأَبْصَٰرِ [43]

خدا شب و روز را جابه‌جا می‌کند.

يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ

در آن بی‌گمان درسی برای دارندگان بینایی‌ها است.[44]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُو۟لِى ٱلْأَبْصَٰرِ [44]

و خدا هر جنبنده را از آب آفرید.

وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّن مَّآءٍ

از میان آنان کسی هست که بر شکم راه می‌رود،

فَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰ بَطْنِهِۦ

و از میان آنان کسی هست که بر دو پا راه می‌رود،

وَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰ رِجْلَيْنِ

و از میان آنان کسی هست که بر چهار راه می‌رود.

وَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰٓ أَرْبَعٍ

خدا آنچه را پسندش افتد می‌آفریند،

يَخْلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.[45]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [45]

ما همانا نشانه‌هایی روشن فرود آوردیم،

لَّقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍ مُّبَيِّنَٰتٍ

و خدا هر که را پسندش افتد به جاده‌ای راست راه می‌نماید.[46]

وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ [46]

و می‌گویند: «به خدا و فرستاده باور آوردیم، و گردن نهادیم» — سپس گروهی از آنان پس از این پشت می‌کنند؛

وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ

و اینان باورمند نیستند.[47]

وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ [47]

و چون آنان را به سوی خدا و فرستادهٔ او فرا می‌خوانند تا میان آنان داوری کند، ناگاه گروهی از آنان روی برمی‌تابد.[48]

وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ [48]

اما اگر حق با آنان باشد، به سوی او می‌آیند و یکسره خم می‌شوند.[49]

وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ يَأۡتُوٓاْ إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ [49]

آیا در هسته‌هایشان بیماری است، یا تردید دارند، یا می‌ترسند که خدا و فرستادهٔ او بر زیان آنان گرایش یابند؟

أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرۡتَابُوٓاْ أَمۡ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥ

نه، ایشانند ستمگران.[50]

بَلۡ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [50]

سخن باورمندان، چون به سوی خدا و فرستادهٔ او فراخوانده شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که بگویند: «شنیدیم و گردن نهادیم.»

إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا

و اینان‌اند رستگاران.[51]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ [51]

و هر که به خدا و فرستادهٔ او گردن نهد، از خدا بیم داشته باشد و در برابر او محتاط باشد — اینانند پیروزمندان.[52]

وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ [52]

و به خدا با تمام توان سوگندهای خود سوگند خوردند که اگر به آنان دستور می‌دادی، بی‌گمان بیرون می‌رفتند.

وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِنۡ أَمَرۡتَهُمۡ لَيَخۡرُجُنَّ

بگو: «سوگند مخورید؛

قُل لَّا تُقۡسِمُواْ

گردن‌نهادنی شناخته‌شده!

طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌ

خدا همانا به آنچه می‌کنید باخبر است.»[53]

إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ [53]

بگو: «به خدا گردن نهید و به فرستاده گردن نهید؛

قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ

اما اگر پشت کنید، بر او جز آنچه بر دوش او نهاده شده است نیست، و بر شما جز آنچه بر دوش شما نهاده شده است نیست.

فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡ

و اگر به او گردن نهید، راهنمایی خواهید پذیرفت.

وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ

و بر فرستاده جز رساندن آشکار نیست.»[54]

وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ [54]

و خدا به آنان از میان شما که باور دارند و کردارهای شایسته به‌جا می‌آورند وعده داده است که آنان را بی‌گمان بر زمین جانشین خواهد کرد، چنان‌که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین کرد، که قانون ایشان را که برایشان پسندید بی‌گمان برایشان پایدار خواهد ساخت، و وضع آنان را، پس از ترسشان، بی‌گمان به امنیت دگرگون خواهد کرد.

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ كَمَا ٱسْتَخْلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ ٱلَّذِى ٱرْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

مرا فرمان می‌برند بی‌آنکه چیزی را با من انباز گیرند.

يَعْبُدُونَنِى لَا يُشْرِكُونَ بِى شَيْـًٔا

و هر که پس از این انکار کند — اینانند تجاوزگران.[55]

وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ [55]

و تماس را پابرجا نگه دارید، و گشاده‌دستی ناب را بدهید،

وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و به فرستاده گردن نهید، شاید به شما مهربانی شود.[56]

وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [56]

به‌هیچ‌وجه مپندار که انکارکنندگان بتوانند او را در زمین ناتوان کنند؛

لَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعْجِزِينَ فِى ٱلْأَرْضِ

و پناهگاه‌شان آتش است،

وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ

و چه ناپسند مقصدی![57]

وَلَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [57]

ای کسانی که باور آوردید! بسته‌شدگان به سوگند و کسانی از شما که هنوز به سنِ سنجیدگی نرسیده‌اند در سه هنگام از شما اجازه بخواهند: پیش از تماس بامداد، آنگاه که در میانهٔ روز جامه‌های خود را برمی‌نهید، و پس از تماس شامگاه —

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَـٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ

سه هنگام حریم برای شما.

ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ

نه بر شما و نه بر آنان سرزنشی نیست، غیر از این هنگام‌ها،

لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ

در حالی که نزد شما رفت‌وآمدکنندگانند،

طَوَّٰفُونَ عَلَيۡكُم

برخی نزد برخی دیگر.

بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ

چنین خدا نشانه‌ها را برای شما روشن می‌کند،

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[58]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ [58]

و چون کودکان از میان شما به سنِ سنجیدگی رسند، اجازه بخواهند چنان‌که کسانی که پیش از آنان بودند اجازه خواستند.

وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَـٔۡذِنُواْ كَمَا ٱسۡتَـٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ

چنین خدا نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند،

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦۗ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[59]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [59]

و زنانی که از سن زاییدن گذشته‌اند، از میان زنان، که دیگر به همسری امید ندارند، بر آنان هیچ سرزنشی نیست که جامه‌های خود را بنهند، بی‌آنکه آنچه را در آنان میل برمی‌انگیزد با نمایش آشکار کنند؛

وَٱلْقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَٰتٍۭ بِزِينَةٍ

اما اینکه خود را نگه دارند برایشان بهتر است.

وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ

و خدا شنوا، همه‌چیزدان است.[60]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [60]

بر نابینا تنگی‌ای نیست، و بر لنگ تنگی‌ای نیست، و بر بیمار تنگی‌ای نیست، و نه بر خودتان، که در خانه‌های خود بخورید، یا خانه‌های پدران‌تان، یا خانه‌های مادران‌تان، یا خانه‌های برادران‌تان، یا خانه‌های خواهران‌تان، یا خانه‌های عموهای‌تان، یا خانه‌های عمه‌های‌تان، یا خانه‌های دایی‌های‌تان، یا خانه‌های خاله‌های‌تان، یا در آنچه کلیدهایش را در دست دارید، یا نزد دوست خود.

لَّيْسَ عَلَى ٱلْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا۟ مِنۢ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَٰنِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَٰمِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَٰلِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوْ صَدِيقِكُمْ

بر شما سرزنشی نیست که با هم یا جداگانه بخورید.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا۟ جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا

و چون به خانه‌ها درمی‌آیید، بر یکدیگر درودی از سوی خدا بگویید، خجسته و نیک.

فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةً طَيِّبَةً

چنین خدا نشانه‌ها را برای شما روشن می‌کند، شاید خرد ورزید.[61]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [61]

باورمندان تنها کسانی‌اند که به خدا و فرستادهٔ او باور دارند، و چون با او برای کاری مشترک هستند، پیش از آنکه از او اجازه بخواهند نمی‌روند.

إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُوا۟ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا۟ حَتَّىٰ يَسْتَـْٔذِنُوهُ

کسانی که از تو اجازه می‌خواهند، اینانند که همانا به خدا و فرستادهٔ او باور دارند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ

و چون برای کاری که به آنان مربوط است از تو اجازه می‌خواهند، به هر که تو را از میان آنان پسند افتد اجازه بده، و برایشان از خدا بخشایش بخواه؛

فَإِذَا ٱسْتَـْٔذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمُ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[62]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [62]

خواندن فرستاده را میان خودتان چون خواندن بعضی از شما بعضی دیگر را مدانید.

لَّا تَجْعَلُوا۟ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُم بَعْضًا

خدا همانا کسانی از شما را که پنهانی می‌خزند بازخواهد شناخت.

قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا

کسانی که از دستور او سرپیچی می‌کنند هشیار باشند، مبادا آزمونی به آنان برسد، یا کیفری دردناک به آنان برسد.[63]

فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [63]

آیا نه اینکه آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ خدا است.

أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

او همانا خواهد دانست شما در چه حالید،

قَدْ يَعْلَمُ مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ

و روزی که به سوی او بازگردانده شوند، آنان را از آنچه کرده‌اند اطلاع خواهد داد.

وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟

و خدا همه‌چیزدانِ هر چیز است.[64]

وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ[64]

# المؤمنون • AL-MU'MINUN

سوره 23 · 118 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

باورمندان کامیاب شده‌اند،[1]

قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ [1]

آنان که در تماس خود فروتن‌اند،[2]

ٱلَّذِينَ هُمْ فِى صَلَاتِهِمْ خَٰشِعُونَ [2]

و آنان که از بیهودگی‌ها روی برمی‌تابند،[3]

وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنِ ٱللَّغْوِ مُعْرِضُونَ [3]

و آنان که گشاده‌دستی ناب می‌دهند،[4]

وَٱلَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ [4]

و کسانی که پاکدامنی خود را نگه می‌دارند، مگر نسبت به همسران خود یا بسته‌شدگان به سوگند — پس سرزنش نمی‌شوند؛[5-6]

وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ [5] إِلَّا عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ [6]

هر که فراتر از این بجوید، اینان کسانی‌اند که از حدها می‌گذرند.[7]

فَمَنِ ٱبْتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْعَادُونَ [7]

و کسانی که به امانت‌ها و پیمان خود توجه دارند،[8]

وَٱلَّذِينَ هُمْ لِأَمَٰنَٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ [8]

و کسانی که تماس‌های خود را پیوسته نگه می‌دارند — اینان وارثانند، که فردوس را به ارث خواهند برد،[9-10]

وَٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمْ يُحَافِظُونَ ٩ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْوَٰرِثُونَ ١٠ ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلْفِرْدَوْسَ

در آن جاودانه ماندگار.[11]

هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١١

ما همانا انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم،[12]

وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن طِينٍ ١٢

سپس از او نطفه‌ای در جایی امن و استوار ساختیم،[13]

ثُمَّ جَعَلْنَٰهُ نُطْفَةً فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ ١٣

سپس از نطفه آویزه‌ای آفریدیم، سپس از آویزه جنینی آفریدیم، سپس از جنین استخوان‌هایی آفریدیم، سپس استخوان‌ها را به گوشت پوشاندیم، سپس او را آفرینشی دیگر پدید آوردیم.

ثُمَّ خَلَقْنَا ٱلنُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا ٱلْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا ٱلْمُضْغَةَ عِظَٰمًا فَكَسَوْنَا ٱلْعِظَٰمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَٰهُ خَلْقًا ءَاخَرَ

خجسته باد خدا، زیباترین آفرینندگان![14]

فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحْسَنُ ٱلْخَٰلِقِينَ ١٤

سپس، پس از این، شما بی‌گمان مردنی هستید،[15]

ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ١٥

سپس، در روز حضور، شما همانا برانگیخته خواهید شد.[16]

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ تُبْعَثُونَ ١٦

ما همانا بالای شما هفت مسیر آفریدیم،

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ

و هرگز از آفرینش بی‌خبر نبودیم.[17]

وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلْخَلْقِ غَٰفِلِينَ [17]

و از آسمان آبی به اندازه فرود آوردیم، و آن را در زمین جا دادیم —

وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءًۢ بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّٰهُ فِى ٱلْأَرْضِ

و ما بی‌گمان بر بردنش توانا هستیم.[18]

وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍۭ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ [18]

بدین‌سان برای شما با آن باغ‌هایی از نخل و تاک پدید آوردیم، که در آن‌ها خوراکی‌های فراوان دارید و از آن‌ها می‌خورید، و درختی که از کوه سینا برمی‌آید، که با روغن و چاشنی برای خورندگان می‌روید.[19–20]

فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِۦ جَنَّٰتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَٰبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ [19] وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْءَاكِلِينَ [20]

و برای شما بی‌گمان در چارپایان درسی هست:

وَإِنَّ لَكُمْ فِى ٱلْأَنْعَٰمِ لَعِبْرَةً

شما را از آنچه در شکم‌هایشان است می‌نوشانیم،

نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِى بُطُونِهَا

و در آن‌ها سودهای بسیار دارید، و از آن‌ها می‌خورید، و بر آن‌ها و بر ناوها حمل می‌شوید.[21–22]

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ [21] وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ [22]

ما همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، و گفت: «ای قوم من! خدا را فرمان برید: شما ایزدی دیگر جز او ندارید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ

پس آیا محتاط نمی‌شوید؟»[23]

أَفَلَا تَتَّقُونَ [23]

آنگاه دربار قومش، آنان که انکار می‌کردند، گفتند: «این جز آدمی‌ای مانند شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری یابد؛ اگر خدا را پسند افتاده بود، کارگزارانی فرود می‌آورد؛ ما این را در میان نیاکان نخستین خود نشنیده‌ایم. او جز مردی دچار اختلال نیست — پس دربارهٔ او مدتی در انتظار بمانید.»[24–25]

فَقَالَ ٱلْمَلَؤُا۟ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِىٓ ءَابَآئِنَا ٱلْأَوَّلِينَ [24] إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌۢ بِهِۦ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا۟ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٍ [25]

گفت: «ای سرپرست من، مرا یاری ده، زیرا مرا دروغ انگاشتند.»[26]

قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ [26]

پس به او پرده برداشتیم: «ناو را زیر چشمان ما و بر پایهٔ پرده‌برداری ما بساز.

فَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِ أَنِ ٱصْنَعِ ٱلْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا

سپس چون دستور ما فرا رسد و اجاق بجوشد، در آن از هر چیز دو عنصر از یک جفت را بگذار، و نیز خانوادهٔ خود را، مگر آن‌که از میان ایشان سخن پیشین بر او سنگینی می‌کند؛

فَإِذَا جَآءَ أَمْرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ ٱلْقَوْلُ مِنْهُمْ

و دربارهٔ کسانی که ستم کردند به من روی میاور، زیرا آنان غرق خواهند شد.[27]

وَلَا تُخَٰطِبْنِى فِى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ [27]

و چون در ناو جا گرفته باشی، تو و کسانی که با تو هستند، بگو: «ستایش از آنِ خدا است که ما را از قوم ستمگران نجات داد.»[28]

فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [28]

و بگو: «ای سرپرست من، مرا در جایی پذیرای خجسته فرود آور، زیرا تو بهترین میزبانانی.»»[29]

وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِي مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ [29]

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است،

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

و ما بی‌گمان در حال آزمودن بودیم.[30]

وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ [30]

سپس پس از آنان نسلی دیگر پدید آوردیم، و در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان فرستادیم: «خدا را فرمان برید: شما ایزدی دیگر جز او ندارید.[31]

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ [31] فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ

پس آیا محتاط نمی‌شوید؟»[32]

أَفَلَا تَتَّقُونَ [32]

و دربار قومش، آنان که انکار می‌کردند و رویارویی با زندگی واپسین را دروغ می‌انگاشتند، و در زندگی نزدیک به آنان ناز داده بودیم، گفتند: «این جز آدمی‌ای مانند شما نیست، که از آنچه شما می‌خورید می‌خورد و از آنچه شما می‌نوشید می‌نوشد؛ و اگر به آدمی‌ای مانند خود گردن نهید، آنگاه بی‌گمان زیان‌کار خواهید بود. آیا به شما وعده می‌دهد که چون مردید و خاک و استخوان شدید، بیرون آورده خواهید شد؟ بسی دور، بسی دور است آنچه به شما وعده داده می‌شود! جز زندگی نزدیک ما چیزی نیست، می‌میریم و زندگی می‌کنیم، و برانگیخته نخواهیم شد! او جز مردی نیست که بر خدا دروغی ساخته است، و ما به او اعتبار نخواهیم داد.»[33-38]

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ [33] وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ [34] أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ [35] هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ [36] إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ [37] إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ [38]

گفت: «ای سرپرست من، مرا یاری ده، زیرا مرا دروغ انگاشتند.»[39]
قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ [39]

گفت: «اندکی دیگر، و آنان بی‌گمان خود را سرشار از حسرت خواهند یافت.»[40]
قَالَ عَمَّا قَلِيلٖ لَّيُصۡبِحُنَّ نَٰدِمِينَ [40]

پس بانگ، به حقیقت، آنان را گرفت، و ما از آنان خاشاکی ساختیم.
فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ بِٱلۡحَقِّ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ غُثَآءٗ

پس دور باد قوم ستمگران![41]
فَبُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [41]

سپس پس از آنان نسل‌هایی دیگر پدید آوردیم.[42]
ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قُرُونًا ءَاخَرِينَ [42]

هیچ جامعه‌ای نه از سرآمد خود پیشی می‌گیرد و نه آن را به تأخیر می‌اندازد.[43]
مَا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ [43]

سپس فرستادگان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم.
ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا تَتۡرَا

هرگاه فرستاده‌ای نزد جامعه‌ای می‌آمد، او را دروغ می‌انگاشت؛
كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةٗ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ

پس آنان را پشت سر هم روانه کردیم، و آنان را موضوع گفتار گردانیدیم.
فَأَتۡبَعۡنَا بَعۡضَهُم بَعۡضٗا وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ

پس دور باد قومی که باور نمی‌آورد![44]
فَبُعۡدٗا لِّقَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ [44]

سپس موسی و برادرش هارون را با نشانه‌های خود و حجتی آشکار به سوی فرعون و درباریش فرستادیم؛ اما خودبزرگ‌بینی کردند و قومی گردن‌فراز بودند،[45-46]

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَٰرُونَ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ [45] إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا عَالِينَ [46]

و گفتند: «آیا به دو آدمی مانند خود اعتبار بدهیم، در حالی که قوم آنان ما را فرمان می‌برد؟»[47]

فَقَالُوٓاْ أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَٰبِدُونَ [47]

آن دو را دروغ انگاشتند، و چنین از نابودشدگان شدند.[48]

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُواْ مِنَ ٱلْمُهْلَكِينَ [48]

ما همانا به موسی نوشتار دادیم، شاید راهنمایی بپذیرند.[49]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ [49]

و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای گردانیدیم،

وَجَعَلْنَا ٱبْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةً

و آن دو را در بلندی‌ای دارای استواری و آب چشمه پناه دادیم.[50]

وَءَاوَيْنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ [50]

ای فرستادگان، از چیزهای نیکو بخورید و کردار شایسته به‌جا آورید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعْمَلُواْ صَٰلِحًا

زیرا من به آنچه می‌کنید همه‌چیزدانم.[51]

إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ [51]

و این جامعه‌ای که از آنِ شما است همانا جامعه‌ای یگانه است،

وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً

و من سرپرست شما هستم: پس در برابر من محتاط باشید.[52]
وَأَنَا۠ رَبُّكُمْ فَٱتَّقُونِ [52]

اما کار خود را میان خود شکافتند، پاره‌پاره،
فَتَقَطَّعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا

هر گروه از آنچه در دست دارد شادمان.[53]
كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ [53]

پس آنان را در گردابشان رها کن، برای مدتی.[54]
فَذَرْهُمْ فِى غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ [54]

آیا می‌پندارند که چون آنان را از دارایی و پسران بهره‌مند می‌کنیم، ما برایشان در نیکی می‌شتابیم؟[55]
أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ [55] نُسَارِعُ لَهُمْ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ

نه، آن را حس نمی‌کنند.[56]
بَل لَّا يَشْعُرُونَ [56]

کسانی که از سرپرست خود بیم دارند و سرشار از دلهره‌اند، و کسانی که به نشانه‌های سرپرست خود باور دارند، و کسانی که هیچ چیز را انباز سرپرست خود نمی‌گیرند، و کسانی که می‌دهند آنچه می‌دهند، در حالی که هسته‌شان می‌لرزد از اینکه به سوی سرپرست خود بازمی‌گردند — اینان در نیکی می‌شتابند،[57–60]
إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ [57] وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ [58] وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ [59] وَٱلَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا ءَاتَوا۟ وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَٰجِعُونَ [60] أُو۟لَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ

و ایشانند که در آن پیشی می‌گیرند.[61]
وَهُمْ لَهَا سَٰبِقُونَ [61]

و ما بر خویشتنی جز توانش را تحمیل نمی‌کنیم،

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

و ما دفتری داریم که حقیقت را می‌گوید، و ستمی نخواهند دید.[62]

وَلَدَيْنَا كِتَٰبٌ يَنطِقُ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [62]

اما هسته‌شان در این باره در گرداب است،

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِى غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا

و غیر از آن کردارهایی دارند

وَلَهُمْ أَعْمَٰلٌ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ

که همچنان به‌جا خواهند آورد —[63]

هُمْ لَهَا عَٰمِلُونَ [63]

تا آنگاه که نازپروردگان‌شان را به کیفر بگیریم: آنگاه از تنگنا زوزه می‌کشند.[64]

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِٱلْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْـَٔرُونَ [64]

امروز زوزه مکشید،

لَا تَجْـَٔرُوا۟ ٱلْيَوْمَ

زیرا از جانب ما یاری نخواهید شد.[65]

إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ [65]

نشانه‌های من بر شما برخوانده می‌شد، و شما بر پاشنه‌های خود به عقب برمی‌گشتید، دربارهٔ آن‌ها خودبزرگ‌بینی می‌کردید،[66]

قَدْ كَانَتْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ تَنكِصُونَ [66] مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ

شبانه گفت‌وگو کنان، سخنانی اهانت‌آمیز می‌گفتید.**(84)**[67]

سَٰمِرًا تَهْجُرُونَ [67] **(84)**

آیا پس دربارهٔ سخن نیندیشیده‌اند، یا آنچه به نیاکان نخستین‌شان نیامده بود به آنان آمده است؟[68]

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُواْ ٱلْقَوْلَ أَمْ جَآءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلْأَوَّلِينَ [68]

یا فرستادهٔ خود را نشناخته‌اند، چندان که او را مردود می‌کنند؟[69]

أَمْ لَمْ يَعْرِفُواْ رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ [69]

یا می‌گویند که دچار اختلال است؟

أَمْ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةٌۢ

نه، او با حقیقت به سوی آنان آمده است،

بَلْ جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ

اما بیشترشان از حقیقت بیزارند.[70]

وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ [70]

و اگر حقیقت از هیجان‌های آنان پیروی کرده بود، آسمان‌ها، زمین و کسانی که در آن‌ها هستند تباه شده بودند.

وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلْحَقُّ أَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ

نه، ما با یادآوری خودشان به سوی آنان آمدیم،

بَلْ أَتَيْنَٰهُم بِذِكْرِهِمْ

اما از یادآوری خود روی برمی‌تابند.[71]

فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ [71]

یا از آنان باجی می‌خواهی؟

أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ خَرْجًا

باجِ سرپرست تو بهتر است،
فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ

و او بهترین روزی‌دهندگان است.[72]
وَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ [72]

و تو بی‌گمان آنان را به جاده‌ای راست فرا می‌خوانی؛[73]
وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [73]

اما کسانی که به زندگی واپسین باور ندارند بی‌گمان از آن جاده کنار می‌روند.[74]
وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ [74]

و اگر مهربانی می‌کردیم و آسیبی را که به آنان می‌رسد از آنان برمی‌داشتیم، در حدشکنی خود فرو می‌ماندند، کورمال‌کنان.[75]
وَلَوْ رَحِمْنَٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا۟ فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ [75]

ما آنان را همانا به کیفر گرفتیم، و در برابر سرپرست خود خم نشدند، و زاری نکردند،[76]
وَلَقَدْ أَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ فَمَا ٱسْتَكَانُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ [76]

تا آنگاه که دری را به روی آنان بگشاییم که به کیفری سخت می‌انجامد: آنگاه ناامیدند.[77]
حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ [77]

و اوست که برای شما شنوایی، بینایی‌ها و آگاهی‌ها پدید آورد.
وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ

چه اندک سپاس‌گزارید![78]
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ [78]

و اوست که شما را بر زمین پراکند، و به سوی او گرد آورده خواهید شد.[79]
وَهُوَ ٱلَّذِى ذَرَأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ [79]

و اوست که زنده می‌کند و می‌میراند،
وَهُوَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ وَيُمِيتُ

و جابه‌جایی شب و روز از آنِ او است.
وَلَهُ ٱخْتِلَٰفُ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[80]
أَفَلَا تَعْقِلُونَ [80]

اما همان را گفتند که نخستین‌ها می‌گفتند؛ گفتند: «آیا چون مردیم و خاک و استخوان شدیم، به‌راستی برانگیخته خواهیم شد؟[81-82]
بَلْ قَالُوا۟ مِثْلَ مَا قَالَ ٱلْأَوَّلُونَ [81] قَالُوٓا۟ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ [82]

ما و نیاکان ما را پیش‌تر همانا این وعده داده شده بود؛
لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبْلُ

این‌ها تنها افسانه‌های پیشینیان‌اند.»[83]
إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ [83]

بگو: «زمین و کسانی که در آن‌اند از آنِ کیست، اگر می‌دانید؟» خواهند گفت: «از آنِ خدا.»[84]
قُل لِّمَنِ ٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [84] سَيَقُولُونَ لِلَّهِ

بگو: «آیا پس به یاد نمی‌آورید؟»[85]
قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [85]

بگو: «سرپرست هفت آسمان و سرپرست بنای سترگ کیست؟»[86]
قُلْ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبْعِ وَرَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ [86]

خواهند گفت: «از آنِ خدا.»
سَيَقُولُونَ لِلَّهِ

بگو: «آیا پس محتاط نیستید؟»[87]

قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ [87]

بگو: «کیست که پادشاهی برتر هر چیز در دست او است، که پناه می‌دهد و در برابرش هیچ‌کس نمی‌تواند پناه بجوید، اگر می‌دانید؟» خواهند گفت: «از آنِ خدا.»[88]

قُلْ مَنْ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [88] سَيَقُولُونَ لِلَّهِ

بگو: «پس چگونه به چشم‌بندی فریفته می‌شوید؟»[89]

قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ [89]

نه، ما با حقیقت به سوی آنان آمدیم،

بَلْ أَتَيْنَٰهُم بِٱلْحَقِّ

و آنان بی‌گمان دروغ‌گویند.[90]

وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ [90]

خدا هیچ فرزندی برای خود برنگرفته است،

مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن وَلَدٍ

و با او هیچ ایزدی نبود —

وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنْ إِلَٰهٍ

وگرنه، هر ایزد با آنچه آفریده بود می‌رفت، و برخی بر برخی دیگر بالاتر می‌رفتند.

إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهٍۭ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

شکوه بر خدا باد، بالاتر از آنچه وصف می‌کنند![91]

سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ [91]

او که آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است می‌داند،

عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

او بسی بالاتر است از آنچه با او انباز می‌گیرند.[92]

فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ [92]

بگو: «ای سرپرست من، اگر آنچه را به آنان وعده داده می‌شود به من نشان دهی، آنگاه، ای سرپرست من، مرا در میان قوم ستمگران قرار مده.»[93-94]

قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّى مَا يُوعَدُونَ [93] رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِى فِى ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [94]

و ما بی‌گمان بر آنکه آنچه را به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم توانا هستیم.[95]

وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَٰدِرُونَ [95]

بدی را با آنچه زیباتر است دفع کن —

ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ٱلسَّيِّئَةَ

ما بهتر می‌دانیم آنچه وصف می‌کنند.[96]

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ [96]

و بگو: «ای سرپرست من، از تحریک‌های منحرف‌کنندگان خود را در پناه تو می‌گذارم، و ای سرپرست من، از حضور آنان نزد خود، خود را در پناه تو می‌گذارم.»[97-98]

وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ [97] وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ [98]

تا آنگاه که مرگ بر یکی از آنان آید، گوید: «ای سرپرست من، مرا بازگردان، شاید در آنچه رها کردم کرداری شایسته به‌جا آورم.» نه![99]

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ٱرْجِعُونِ [99] لَعَلِّىٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّآ

این همانا سخنی است که او می‌گوید،

إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا

و فراتر از آنان مانعی است، تا روزی که برانگیخته شوند.[100]

وَمِن وَرَآئِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ [100]

سپس، چون در شیپور دمیده شود، در آن روز میان آنان دیگر هیچ پیوند نسبی نخواهد بود، و از یکدیگر نخواهند پرسید.[101]

فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ [101]

کسانی که ترازوهای‌شان سنگین باشد — اینانند که کامیاب می‌شوند؛[102]

فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [102]

و کسانی که ترازوهای‌شان سبک باشد — اینان کسانی‌اند که خویشتن خود را زیان رسانده‌اند، در جهنم جاودانه‌اند؛ آتش چهره‌شان را خواهد سوزاند، و در آن با لب‌های درهم‌کشیده چهره درهم خواهند کشید.[103-104]

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فِى جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ [103] تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ [104]

آیا نشانه‌های من بر شما برخوانده نمی‌شد، و شما آن‌ها را دروغ می‌انگاشتید؟[105]

أَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ [105]

خواهند گفت: «ای سرپرست ما، تیره‌بختی ما بر ما چیره شد، و ما قومی گمراه بودیم.[106]

قَالُوا۟ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّينَ [106]

ای سرپرست ما، ما را از آن‌جا بیرون آور؛ اگر بازگردیم، آنگاه همانا ستمگر خواهیم بود.»[107]

رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ [107]

خواهد گفت: «در آن‌جا رانده‌شده بمانید، و دیگر با من سخن مگویید.»[108]

قَالَ ٱخْسَـُٔوا۟ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ [108]

گروهی از فرمان‌برداران من بودند که می‌گفتند: «ای سرپرست ما، باور آوردیم؛ ما را ببخشای و بر ما مهربانی کن، زیرا تو بهترین مهربانی‌کنندگانی» — اما شما آنان را به ریشخند گرفتید، تا آنکه یادآوری مرا از یاد شما بردند، و شما بر آنان می‌خندیدید.[109-110]

إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِى يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ [109] فَٱتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوْكُمْ ذِكْرِى وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ [110]

من امروز آنان را به‌سبب شکیبایی‌شان همانا بازپرداخت کرده‌ام: ایشانند پیروزمندان.[111]

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ ٱلْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ [111]

خواهد گفت: «چند سال بر زمین ماندید؟»[112]

قَٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي ٱلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ [112]

خواهند گفت: «یک روز ماندیم،

قَالُواْ لَبِثْنَا يَوْمًا

یا بخشی از یک روز؛ پس از شمارندگان بپرس.»[113]

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ [113]

خواهد گفت: «جز اندکی نماندید، اگر می‌دانستید.»[114]

قَٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [114]

آیا پس پنداشتید که شما را بیهوده آفریده بودیم، و به سوی ما بازگردانده نمی‌شدید؟[115]

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَٰكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ [115]

برتر باد خدا، فرمانروا، حقیقت!

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ

هیچ ایزدی نیست مگر او،

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

سرپرست بنای بزرگوار.[116]

رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْكَرِيمِ [116]

و هر که با خدا ایزدی دیگر بخواند، بی‌آنکه دربارهٔ آن برهانی داشته باشد، حساب او جز نزد سرپرستش نیست،

وَمَن يَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓ

زیرا انکارکنندگان به کامیابی نمی‌رسند.[117]

إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْكَٰفِرُونَ [117]

و بگو: «ای سرپرست من، ببخشای و مهربانی کن، زیرا تو بهترین مهربانی‌کنندگانی.»[118]

وَقُل رَّبِّ ٱغْفِرْ وَٱرْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰحِمِينَ [118]



# الحج • AL-HAJJ

سوره 22 · 78 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای انسان‌ها، در برابر سرپرست خود محتاط باشید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْ

زیرا لرزش آن لحظه چیزی سترگ است.[1]

إِنَّ زَلْزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ [1]

روزی که آن را ببینید، هر زنی که کودکی را به عهده دارد از کودکی که به عهده داشت بی‌یاد خواهد شد، هر زن آبستن بارش را فرو خواهد نهاد، و انسان‌ها را مست خواهی دید بی‌آنکه مست باشند — اما کیفر خدا سخت است.[2]

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٌ [2]

و از میان انسان‌ها کسی هست که بی‌دانش دربارهٔ خدا جدل می‌کند و از هر منحرف‌کنندهٔ سرکش پیروی می‌کند، که بر او نگاشته شده است که هر که او را متحد خود گیرد، او را گمراه خواهد کرد و به کیفر اخگرِ افروخته راه خواهد نمود.[3-4]

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَٰنٍ مَّرِيدٍ [3] كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ [4]

ای انسان‌ها! اگر دربارهٔ برانگیخته شدن در تردیدید، آنگاه ما همانا شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه‌ای، سپس از آویزه‌ای، سپس از جنینی، شکل‌یافته یا بی‌شکل، تا برای شما چیزها را روشن کنیم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّنَ ٱلْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ

و در زهدان‌ها آنچه را ما را پسند افتد تا سرآمدی نام‌برده استوار می‌داریم،

وَنُقِرُّ فِى ٱلْأَرْحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

سپس شما را کودکی از آن بیرون می‌آوریم، تا آنگاه به کمال خود برسید.

ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓا۟ أَشُدَّكُمْ

و از میان شما کسی است که وفادارانه نگه داشته می‌شود، و از میان شما کسی است که به پست‌ترین سن بازگردانده می‌شود، تا پس از دانستن دیگر هیچ نداند.

وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنۢ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْـًٔا

و زمین را بی‌جان می‌بینی؛ سپس چون آب را بر آن فرود می‌آوریم، می‌لرزد، برمی‌آید و هر جفت پرشکوهی را می‌رویاند.[5]

وَتَرَى ٱلْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنۢبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ [5]

این، چراکه خدا حقیقت است، مردگان را دوباره جان می‌دهد، بر هر چیز توانا است، آن لحظه می‌آید — هیچ تردیدی در آن نیست — و خدا کسانی را که در گورها هستند برخواهد انگیخت.[6–7]

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [6] وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِى ٱلْقُبُورِ [7]

و از میان انسان‌ها کسی هست که بی‌دانش، نه راهنمایی و نه نوشتاری روشنگر، دربارهٔ خدا جدل می‌کند، پهلوی خود را درهم می‌کشد تا از راه خدا گمراه کند.[8]

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ [8] ثَانِىَ عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

او در زندگی نزدیک شرمساری دارد،

لَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ

و در روز حضور کیفر آتش‌سوزی را به او خواهیم چشاند.[9]

وَنُذِيقُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ [9]

این برای آنچه دستانت پیش بردند است؛ و خدا در هیچ چیز بر فرمان‌برداران از سر ناچاری ستمگر نیست.[10]

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ [10]

و از میان انسان‌ها کسی هست که خدا را سوگیرانه فرمان می‌برد: اگر نیکی‌ای به او برسد، در آن آرامش می‌یابد، اما اگر آزمونی به او برسد، رو برمی‌گرداند — و بدین‌سان زندگی نزدیک و زندگی واپسین را از دست می‌دهد.

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعْبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُۥ خَيْرٌ ٱطْمَأَنَّ بِهِۦ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةَ

این است زیان آشکار.[11]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ [11]

غیر از خدا چیزی را می‌خواند که نه به او آسیب می‌رساند و نه به او سود می‌دهد.

يَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥ

این است گمراهی دور — می‌خواند[12]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلْبَعِيدُ [12] يَدْعُواْ

آن‌که آسیبش از سودش نزدیک‌تر است. چه بد متحدی و چه بد همنشینی![13]

لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ [13]

همانا خدا کسانی را که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، در باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است درمی‌آورد،

إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ

زیرا خدا آنچه را می‌خواهد می‌کند.[14]

إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ [14]

هر که می‌پندارد خدا هرگز او را در زندگی نزدیک و زندگی واپسین یاری نخواهد کرد، رشته‌ای به آسمان بکشد، سپس خود را از آن بیرون کشد، سپس منتظر بماند و بنگرد که آیا نیرنگش آنچه را خشمگینش کرده می‌برد.[15]

مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ فَلۡيَنظُرۡ هَلۡ يُذۡهِبَنَّ كَيۡدُهُۥ مَا يَغِيظُ [15]

چنین آن را در نشانه‌های روشن فرود آوردیم،

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ

و چراکه خدا هر که را بخواهد راه می‌نماید.[16]

وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ [16]

کسانی که باور آوردند، بازگرایان، آرزومندان، یاری‌رسانان، مغان، و کسانی که برای خدا انباز می‌گیرند — خدا همانا در روز حضور میان آنان جدایی خواهد افکند؛

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلۡمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ

زیرا خدا بر هر چیز گواه است.[17]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ [17]

آیا ندیده‌ای که در برابر خدا پیشانی بر خاک می‌نهند همهٔ آنان که در آسمان‌ها و بر زمین‌اند، خورشید، ماه، ستارگان، کوه‌ها، درختان، جنبندگان، و بسیاری از انسان‌ها؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسْجُدُ لَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ وَٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلْجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ ٱلنَّاسِ

و بر بسیاری کیفر به حقیقت پیوسته است.

وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ ٱلْعَذَابُ

و آن‌که خدا خوارش کند، کسی را ندارد که گرامی‌اش دارد،

وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكْرِمٍ

زیرا خدا آنچه را پسندش افتد می‌کند.[18]

إِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ [18]

اینان دو طرف ستیزه‌اند، که دربارهٔ سرپرست خود با هم ستیزیدند.

هَٰذَانِ خَصْمَانِ ٱخْتَصَمُوا۟ فِى رَبِّهِمْ

برای انکارکنندگان جامه‌هایی از آتش بریده خواهد شد؛ بر سرهایشان آبی جوشان ریخته خواهد شد، که آنچه در شکم‌هایشان است و پوست‌هایشان را آب خواهد کرد.[19-20]

فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ ٱلْحَمِيمُ [19] يُصْهَرُ بِهِۦ مَا فِى بُطُونِهِمْ وَٱلْجُلُودُ [20]

و برای آنان گرزهای آهنین.[21]

وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنْ حَدِيدٍ [21]

هرگاه بخواهند از آن بیرون روند، سرشار از دلهره، به آن بازگردانده خواهند شد:

كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا۟ فِيهَا

«کیفر آتش‌سوزی را بچشید!»[22]

وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ [22]

همانا خدا کسانی را که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند در باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است درمی‌آورد؛ در آن‌جا با دست‌بندهایی از زر و مروارید آراسته خواهند شد،

إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗا

و پوشاک‌شان در آن‌جا از ابریشم خواهد بود.[23]

وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ [23]

و به آنچه در سخن نیکوست راه نموده شده خواهند بود،

وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ

و به جادهٔ ستوده راه نموده شده خواهند بود.[24]

وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ [24]

همانا کسانی که انکار می‌کنند و راه خدا و جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض را که برای انسان‌ها نهادیم، همه برابر، چه مقیم در آن‌جا چه رهگذر، می‌بندند —

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِ

و هر که بخواهد در آن انحرافی ستمگرانه بکند، کیفری دردناک به او خواهیم چشاند.[25]

وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۭ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ [25]

و آنگاه که جای خانه را برای ابراهیم آماده کردیم: «هیچ چیز را انباز من مگیر،

وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا

و خانهٔ مرا برای رفت‌وآمدکنندگان، پابرجا نگه‌دارندگان، و خم‌شوندگان در خدمت و پیشانی‌برخاک‌نهندگان در وفاداری پاک کن.[26]

وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ [26]

و حج را در میان انسان‌ها اعلام کن: پیاده نزد تو خواهند آمد، و بر هر مرکب لاغر، از هر راه گود و دور، تا بر سودهایی که برایشان است گواهی دهند، و در روزهایی شناخته‌شده نام خدا را بر چارپایانی که روزی‌شان داده است یادآوری کنند.»[27]

وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ [27] لِّيَشْهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُواْ ٱسْمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٍ مَّعْلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ

پس از آن‌ها بخورید، و تنگ‌دست، بینوا را از آن‌ها بخورانید.[28]

فَكُلُواْ مِنْهَا وَأَطْعِمُواْ ٱلْبَآئِسَ ٱلْفَقِيرَ [28]

سپس ژولیدگی خود را پایان دهند، به نذرهای خود وفا کنند، و گرد خانهٔ آزاد رفت‌وآمد کنند.[29]

ثُمَّ لْيَقْضُواْ تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُواْ نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُواْ بِٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ [29]

چنین است.

ذَٰلِكَ

و هر که چیزهای مصون از تعرّض خدا را بزرگ دارد، این نزد سرپرستش برای او بهتر است.

وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ

و چارپایان برای شما آزاد شده است، مگر آنچه بر شما برخوانده می‌شود:

وَأُحِلَّتْ لَكُمُ ٱلْأَنْعَٰمُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

پس از پلیدی ساختگی‌ها دوری کنید، و از سخن جعل دوری کنید، یکسره روی‌آورندگان به خدا، بی‌آنکه چیزی را با او انباز گیرید.[30]

فَٱجْتَنِبُواْ ٱلرِّجْسَ مِنَ ٱلْأَوْثَٰنِ وَٱجْتَنِبُواْ قَوْلَ ٱلزُّورِ [30] حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ

و هر که برای خدا انباز می‌گیرد، گویی از آسمان می‌افتد: پرندگان او را می‌ربایند، یا باد او را در جایی دور فرو می‌افکند.[31]

وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ [31]

چنین است.

ذَٰلِكَ

و هر که شاخص‌های محسوس خدا را بزرگ دارد، این همانا از احتیاط هسته‌ها است.[32]

وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ [32]

از آن‌ها تا سرآمدی نام‌برده سودها می‌برید؛ سپس جای رهایی‌شان نزد خانهٔ آزاد است.[33]

لَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ [33]

و برای هر جامعه‌ای شیوه‌ای سودمند نهادیم، تا نام خدا را بر چارپایانی که روزی‌شان داده است یادآوری کنند.

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُواْ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ

ایزد شما ایزدی یگانه است.

فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

پس در برابر او بی‌خدشه باشید.

فَلَهُۥٓ أَسْلِمُواْ

و کسانی را مژده ده که خم می‌شوند، آنان که چون خدا یادآوری شود هسته‌هایشان می‌لرزد، شکیبایان در برابر آنچه به آنان می‌رسد، پابرجا نگه‌دارندگان تماس، و کسانی که از آنچه روزی‌شان داده‌ایم خرج می‌کنند.[34-35]

وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ [34] ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِى ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ [35]

و چارپایان پیشکشی را از شاخص‌های محسوس خدا برای شما قرار دادیم؛ در آن‌ها نیکی‌ای می‌یابید.

وَٱلْبُدْنَ جَعَلْنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ

پس نام خدا را بر آن‌ها یادآوری کنید، در حالی که ردیف شده‌اند؛

فَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا صَوَآفَّ

سپس چون پهلوهایشان فرو افتد، از آن‌ها بخورید و آن‌که قناعت می‌کند بی‌آنکه بخواهد و آن‌که پیش می‌آید را از آن‌ها بخورانید.

فَإِذَا وَجَبَتۡ جُنُوبُهَا فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡقَانِعَ وَٱلۡمُعۡتَرَّ

چنین آن‌ها را برای شما رام کردیم، شاید سپاس‌گزار شوید.[36]

كَذَٰلِكَ سَخَّرۡنَٰهَا لَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ [36]

نه گوشت آن‌ها و نه خون آن‌ها به خدا می‌رسد، بلکه احتیاطی که از شما است به او می‌رسد.

لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقۡوَىٰ مِنكُمۡ

چنین آن‌ها را برای شما رام کرد، تا بزرگی خدا را اعلام کنید برای آنکه شما را راه نمود.

كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمۡ لِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ

و کسانی را که نیکی می‌کنند مژده ده،[37]

وَبَشِّرِ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [37]

زیرا خدا از کسانی که باور آوردند دور می‌راند.

إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ

خدا هیچ خیانت‌کار بزرگ و انکارگر بزرگ را دوست ندارد.[38]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ [38]

به کسانی که با آنان نبرد می‌شود اجازه داده شده است، چراکه ستم دیده‌اند —

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْ

و خدا بی‌گمان بر یاری آنان توانا است — [39]

وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ [39]

آنان که بی‌هیچ حقی از خانه‌هایشان رانده شدند، تنها برای آنکه می‌گفتند: «سرپرست ما خدا است.»

ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيۡرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ

و اگر خدا برخی از انسان‌ها را با برخی دیگر دفع نمی‌کرد، گوشه‌نشین‌گاه‌ها، کنیسه‌ها، جاهای تماس و جاهای پیشانی بر خاک نهادن که نام خدا در آن‌ها بسیار یادآوری می‌شود ویران می‌شدند. (85)

وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ كَثِيرٗا (85)

و خدا بی‌گمان هر که او را یاری کند یاری خواهد کرد —

وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓ

خدا بی‌گمان توانمند است، نیرومند — [40]

إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ [40]

کسانی که اگر آنان را بر زمین پایدار سازیم، تماس را پابرجا نگه می‌دارند، گشاده‌دستی ناب می‌دهند، شناخته‌شده را دستور می‌دهند و مردود را منع می‌کنند.

ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ

و فرجام کارها از آنِ خدا است. [41]

وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ [41]

و اگر تو را دروغ بینگارند، پیش از آنان قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، قوم لوط و همنشینان مدین پیش‌تر دروغ انگاشته‌اند — [42-43]

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَثَمُودُ [42] وَقَوۡمُ إِبۡرَٰهِيمَ وَقَوۡمُ لُوطٖ [43] وَأَصۡحَٰبُ مَدۡيَنَ

و موسی نیز دروغ انگاشته شد.

وَكُذِّبَ مُوسَىٰ

پس به انکارکنندگان مهلت دادم، سپس آنان را گرفتم:

فَأَمْلَيْتُ لِلْكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ

و چه بود مردود کردن من![44]

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ [44]

چه بسیار شهرها را نابود کردم، در حالی که ستم می‌کردند: اکنون با وجود بناهایشان تهی‌اند، با چاهی که دیگر کسی از آن آب نمی‌کشد و کاخی بلند![45] **(86)**

فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْتُهَا وَهِىَ ظَالِمَةٌ فَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ [45] **(86)**

آیا پس بر زمین نگشته‌اند تا هسته‌هایی داشته باشند که با آن‌ها خرد ورزند، یا گوش‌هایی که با آن‌ها بشنوند؟

أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَآ أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

زیرا بینایی‌ها نیستند که کور می‌شوند، بلکه هسته‌هایی که در سینه‌هایند.[46]

فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى ٱلْأَبْصَٰرُ وَلَٰكِن تَعْمَى ٱلْقُلُوبُ ٱلَّتِى فِى ٱلصُّدُورِ [46]

و از تو می‌خواهند که کیفر را شتاب دهی،

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ

در حالی که خدا هرگز از وعدهٔ خود تخلف نخواهد کرد،

وَلَن يُخْلِفَ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥ

زیرا یک روز نزد سرپرست تو برابر هزار سال از آن‌هایی است که می‌شمارند.[47] **(87)**

وَإِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ [47] **(87)**

چه بسیار شهرها که به آنان مهلت دادم در حالی که ستم می‌کردند، پیش از آنکه آنان را بگیرم —

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا

و به سوی من است مقصد.[48]

وَإِلَيَّ ٱلْمَصِيرُ [48]

بگو: «ای انسان‌ها، من برای شما جز هشداردهنده‌ای آشکار نیستم.»[49]

قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ [49]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، بخشایشی و روزی‌ای سخاوتمندانه خواهند داشت.[50]

فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ [50]

و کسانی که علیه نشانه‌های ما کوشیدند تا ما را ناتوان کنند، اینان همنشینان کوره‌اند.[51]

وَٱلَّذِينَ سَعَوْ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ [51]

و پیش از تو هیچ فرستاده‌ای و هیچ اطلاع‌دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه چون آرزویی می‌کرد، منحرف‌کننده در آن چیزی می‌افکند. پس خدا آنچه را منحرف‌کننده می‌افکند رونویسی می‌کند، سپس نشانه‌های خود را یک‌معنا می‌گرداند — خدا همه‌چیزدان و فرزانه است — تا آنچه منحرف‌کننده می‌افکند آزمونی گرداند برای کسانی که هسته‌هایشان بیمار است و کسانی که هسته‌هایشان سخت است.[52]

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلْقَى ٱلشَّيْطَٰنُ فِيٓ أُمْنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلْقِي ٱلشَّيْطَٰنُ ثُمَّ يُحْكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [52] لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِي ٱلشَّيْطَٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَٱلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ

و بی‌گمان ستمگران در گسستی دورند.[53]

وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ [53]

و تا کسانی که به آنان دانش داده شده است بدانند که این حقیقتی است از سرپرست تو، به آن باور آورند، و هسته‌هایشان در برابر آن خم شود.

وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْعِلْمَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُواْ بِهِۦ فَتُخْبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمْ

و بی‌گمان خدا کسانی را که باور آوردند به جادهٔ راست راه می‌نماید.[54]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [54]

و انکارکنندگان همچنان دربارهٔ آن در کشمکش خواهند بود تا آن لحظه ناگهانی بر آنان بیاید، یا کیفر روزی نازا بر آنان بیاید.[55]

وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِى مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ [55]

در آن روز پادشاهی از آنِ خدا است.

ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ

میان آنان داوری خواهد کرد.

يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ

کسانی که باور آورده باشند و کردارهای شایسته به‌جا آورده باشند، در باغ‌های دهش خواهند بود.[56]

فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ [56]

و کسانی که انکار کرده و نشانه‌های ما را دروغ انگاشته باشند، اینان کیفری خوارکننده خواهند داشت.[57]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ [57]

و کسانی که در راه خدا مهاجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، خدا بی‌گمان روزی‌ای نیکو به آنان خواهد داد.

وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوْ مَاتُواْ لَيَرْزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

و خدا بی‌گمان بهترین روزی‌دهندگان است.[58]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ [58]

او بی‌گمان آنان را به درآمدنی درخواهد آورد که از آن خرسند خواهند بود.

لَيُدۡخِلَنَّهُم مُّدۡخَلٗا يَرۡضَوۡنَهُۥ

و بی‌گمان خدا همه‌چیزدان است، بردبار.[59]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٞ [59]

چنین است.

ذَٰلِكَ

و هر که به اندازهٔ دقیق آنچه بر او رفته تلافی کند، سپس تعدی ببیند، خدا بی‌گمان او را یاری خواهد کرد.

وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُ

خدا بی‌گمان چشم‌پوش است، بسیار بخشاینده.[60]

إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ [60]

این، چراکه خدا شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب فرو می‌برد، و چراکه خدا شنوا، بینا است.[61]

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ [61]

این، چراکه خدا حقیقت است، و آنچه غیر از او می‌خوانید باطل است، و چراکه خدا بالاتر است، بزرگ.[62] **(88)**

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ [62] **(88)**

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود می‌آورد، و آنگاه زمین سبز می‌شود؟

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ مُخۡضَرَّةً

زیرا خدا لطیف است، باخبر.[63]

إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ [63]

آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ او است.

لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و خدا بی‌گمان بی‌نیاز است، ستوده.[64]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ [64]

آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را بر زمین است برای شما رام کرد، و ناوی را که به دستور او در دریا روان است؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ وَٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦ

و آسمان را نگه می‌دارد تا بر زمین فرو نیفتد، مگر به اجازهٔ او.

وَيُمْسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِۦٓ

خدا بی‌گمان نسبت به انسان‌ها سرشار از نیکی و مهربان است.[65]

إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ [65]

و اوست که شما را زنده کرد، سپس شما را خواهد میراند،

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ

سپس به شما دوباره جان خواهد داد.

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

انسان بی‌گمان انکارگری بزرگ است.[66]

إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَكَفُورٌ [66]

برای هر جامعه‌ای شیوه‌ای سودمند نهادیم که آن را به‌کار می‌بندد.

لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ

پس مبادا در این باره با تو ستیزه کنند،

فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِي ٱلۡأَمۡرِ

و به سوی سرپرست خود فراخوان،

وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَ

زیرا تو بی‌گمان بر راهنمایی راست هستی.[67]

إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسۡتَقِيمٖ [67]

و اگر با تو جدل کنند، بگو: «خدا بهتر می‌داند آنچه می‌کنید.[68]

وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ [68]

خدا در روز حضور میان شما دربارهٔ آنچه در آن اختلاف می‌کردید داوری خواهد کرد.»[69]

ٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ [69]

آیا نمی‌دانی که خدا آنچه را در آسمان و بر زمین است می‌داند؟

أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ

این در دفتری است:

إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَٰبٍ

این همانا بر خدا آسان است.[70]

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ [70]

و غیر از خدا از چیزی فرمان می‌برند که او هیچ حجتی برای آن فرود نیاورده است و دربارهٔ آن هیچ دانشی ندارند.

وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ عِلۡمٞ

و ستمگران هیچ یاری‌ای ندارند.[71]

وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ [71]

و چون نشانه‌های روشن ما بر آنان برخوانده می‌شود، مردود کردن را بر چهره‌های انکارکنندگان می‌شناسی؛ نزدیک است بر کسانی که نشانه‌های ما را بر آنان برمی‌خوانند با خشونت بتازند.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ تَعْرِفُ فِى وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْمُنكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا

بگو: «آیا شما را از چیزی بدتر از این اطلاع دهم؟

قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ

آتش، که خدا به انکارکنندگان وعده داده است —

ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

و چه مقصد زشتی!»[72]

وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [72]

ای انسان‌ها! مثلی چند برابر شده است، پس به آن گوش دهید:

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَٱسْتَمِعُوا۟ لَهُۥٓ

کسانی که غیر از خدا می‌خوانید هرگز مگسی نخواهند آفرید، هرچند برای آن گرد هم آیند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخْلُقُوا۟ ذُبَابًا وَلَوِ ٱجْتَمَعُوا۟ لَهُۥ

و اگر مگس چیزی از آنان می‌ربود، نمی‌توانستند آن را از او بازپس بگیرند.

وَإِن يَسْلُبْهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيْـًٔا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ

ناتوان است درخواست‌کننده، همان‌قدر که درخواست‌شده![73]

ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلْمَطْلُوبُ [73]

خدا را چنان‌که سزاوار اندازهٔ اوست نسنجیده‌اند.

مَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ

خدا بی‌گمان توانمند است، نیرومند.[74]

إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِىٌّ عَزِيزٌ [74]

خدا از میان کارگزاران و از میان انسان‌ها فرستادگانی برمی‌گزیند،

ٱللَّهُ يَصْطَفِى مِنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ ٱلنَّاسِ

زیرا خدا شنوا، بینا است.[75]

إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ [75]

آنچه را پیش روی آنان است و آنچه را پشت سر آنان است می‌داند.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

و کارها همگی به سوی خدا بازمی‌گردند.[76]

وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ [76]

ای کسانی که باور آوردید! خم شوید، پیشانی بر خاک نهید، سرپرست خود را فرمان برید، و نیکی کنید، شاید کامیاب شوید.[77]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱرْكَعُوا۟ وَٱسْجُدُوا۟ وَٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱفْعَلُوا۟ ٱلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [77]

و برای خدا مبارزه کنید، مبارزه‌ای که سزاوار اوست.

وَجَٰهِدُوا۟ فِى ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ

اوست که شما را برگزید،

هُوَ ٱجْتَبَىٰكُمْ

و در قانون هیچ تنگی‌ای بر شما ننهاد —

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍ

مکتب پدرتان ابراهیم.

مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَٰهِيمَ

اوست که شما را بی‌خدشه‌ها نامید، پیش‌تر و در این، تا فرستاده بر شما گواه باشد، و شما بر انسان‌ها گواه باشید.

هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِى هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا۟ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ

پس تماس را پابرجا نگه دارید، و گشاده‌دستی ناب بدهید،

فَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ

و به خدا چنگ زنید:

وَٱعْتَصِمُوا۟ بِٱللَّهِ

او متحد شما است —

هُوَ مَوْلَىٰكُمْ

چه متحد نیکویی،

فَنِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ

و چه یاری‌رسانی نیکو![78]

وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ [78]

# الانبياء • AL-ANBIYA

سوره 21 · 112 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

حساب انسان‌ها نزدیک شده است، در حالی که در بی‌خبری‌اند و روی برمی‌تابند.[1]

ٱقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِى غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ [1]

هیچ یادآوری تازه‌ای از سرپرست‌شان به آنان نمی‌رسد، بی‌آنکه آن را در حال بازی بشنوند، با هسته‌ای پریشان.[2]

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا ٱسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ [2] لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ

و کسانی که ستم کردند رازگویی خود را پنهان داشتند: «آیا این جز آدمی‌ای مانند شما است؟

وَأَسَرُّوا۟ ٱلنَّجْوَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ هَلْ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ

آیا پس به چشم‌بندی می‌آیید، در حالی که آشکارا می‌بینید؟»[3]

أَفَتَأْتُونَ ٱلسِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ [3]

بگو: «سرپرست من سخن را در آسمان و بر زمین می‌داند، (89)

قُلْ رَبِّى يَعْلَمُ ٱلْقَوْلَ فِى ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ (89)

و او شنوا، همه‌چیزدان است.»[4]

وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [4]

بلکه گفتند: «انبوهی از خواب‌های آشفته! بلکه آن را برساخته است! بلکه او سخنوری دلفریب است!

بَلْ قَالُوٓا۟ أَضْغَٰثُ أَحْلَٰمٍۭ بَلِ ٱفْتَرَىٰهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ

پس برای ما نشانه‌ای بیاورد، چنان‌که نخستین‌ها فرستاده شدند!»[5]

فَلْيَأْتِنَا بِئَايَةٍ كَمَآ أُرْسِلَ ٱلْأَوَّلُونَ [5]

هیچ شهری که پیش از آنان نابود کردیم باور نیاورد.

مَآ ءَامَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَآ

آیا پس اینان باور خواهند آورد؟[6]

أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ [6]

و پیش از تو جز انسان‌هایی نفرستادیم که به آنان پرده برمی‌داشتیم: پس از دارندگان یادآوری بپرسید، اگر نمی‌دانید.[7]

وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ فَسْـَٔلُوٓاْ أَهْلَ ٱلذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [7]

ما آنان را پیکرهایی نساختیم که خوراک نمی‌خوردند،

وَمَا جَعَلْنَٰهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ

و جاودانه نبودند.[8]

وَمَا كَانُواْ خَٰلِدِينَ [8]

سپس وعده را برایشان به جا آوردیم: آنان را و هر که را ما را پسند افتاد نجات دادیم، و زیاده‌روان را نابود کردیم.[9]

ثُمَّ صَدَقْنَٰهُمُ ٱلْوَعْدَ فَأَنجَيْنَٰهُمْ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهْلَكْنَا ٱلْمُسْرِفِينَ [9]

ما همانا به سوی شما نوشتاری فرود آوردیم که یادآوری شما در آن است.

لَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ كِتَٰبًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[10]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [10]

چه بسیار شهرها را شکستیم که ستم می‌کردند، و پس از آن‌ها قومی دیگر پدید آوردیم![11]

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ [11]

سپس چون سختگیری ما را احساس کردند، ناگاه از آن گریزان شدند.[12]

فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ [12]

«مگریزید، و به آنچه در آن در ناز می‌زیستید و به خانه‌هایتان بازگردید — شاید از شما پرسیده شود!»[13]

لَا تَرْكُضُواْ وَٱرْجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْـَٔلُونَ [13]

گفتند: «وای بر ما، ما همانا ستمگر بودیم!»[14]

قَالُواْ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ [14]

این فریاد باز نایستاد تا آنکه از آنان خرمنی سازیم، خاموش.[15]

فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَىٰهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَٰهُمْ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ [15]

آسمان، زمین و آنچه را میان آن‌ها است در حال بازی نیافریدیم.[16]

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ [16]

اگر می‌خواستیم سرگرمی‌ای بگیریم، آن را از نزد خود می‌گرفتیم،

لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّٱتَّخَذْنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ

اگر می‌بایست چنین کنیم.[17]

إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ [17]

بلکه حقیقت را بر ناراست می‌افکنیم: آن را درهم می‌کوبد، و ناگاه نابود می‌شود.

بَلْ نَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَى ٱلْبَٰطِلِ فَيَدْمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ

و وای بر شما برای آنچه وصف می‌کنید![18]

وَلَكُمُ ٱلْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ [18]

و هر که در آسمان‌ها و زمین است از آنِ او است.
وَلَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و کسانی که نزد او هستند از خودبزرگ‌بینی روی برنمی‌تابند تا از فرمان بردن از او سر باز زنند، و خسته نمی‌شوند.[19]
وَمَنْ عِندَهُۥ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ [19]

شب و روز او را شکوه می‌سرایند، بی‌آنکه هرگز سست شوند.[20]
يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ [20]

یا از زمین ایزدانی برگرفته‌اند که خود گسترش را به‌انجام می‌رسانند؟[21]
أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ [21]

اگر در آسمان‌ها و زمین ایزدانی غیر از خدا می‌بودند، هر دو تباه می‌شدند.
لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا

پس شکوه بر خدا باد، سرپرست بنا، بالاتر از آنچه وصف می‌کنند![22]
فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ [22]

او دربارهٔ آنچه می‌کند پرسیده نمی‌شود،
لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ

در حالی که آنان پرسیده خواهند شد.[23]
وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ [23]

یا غیر از او ایزدانی برگرفته‌اند؟
أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً

بگو: «برهان خود را بیاورید!
قُلْ هَاتُواْ بُرْهَٰنَكُمْ

این است یادآوری آن‌که با من است، و یادآوری آن‌که پیش از من بود.»
هَٰذَا ذِكۡرُ مَن مَّعِيَ وَذِكۡرُ مَن قَبۡلِي

اما بیشترشان حقیقت را نمی‌شناسند، و از آن روی برمی‌تابند.[24]
بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّ فَهُم مُّعۡرِضُونَ [24]

پیش از تو هیچ فرستاده‌ای نفرستادیم مگر آنکه به او پرده برمی‌داشتیم: «هیچ ایزدی نیست مگر من، پس از من فرمان برید.»[25]
وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ [25]

و گفتند: «بی‌اندازه مهربان فرزندی برای خود برگرفته است.»
وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا

شکوه بر او باد!
سُبۡحَٰنَهُۥ

بلکه فرمان‌برداران گرامی‌اند،[26]
بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ [26]

که از سخن او پیشی نمی‌گیرند، و به دستور او عمل می‌کنند.[27]
لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ [27]

او می‌داند آنچه پیش روی آنان است و آنچه پشت سر آنان است،
يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ

و جز برای کسی که او می‌پسندد میانجی‌گری نمی‌کنند، در حالی که خود، از او بیم دارند و سرشار از دلهره‌اند.[28]
وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ [28]

و هر که از میان آنان می‌گفت: «من ایزدی غیر از او هستم»، او را ما با جهنم بازپرداخت می‌کردیم —

وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّيٓ إِلَٰهٌ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ

چنین ستمگران را بازپرداخت می‌کنیم.[29]

كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلظَّٰلِمِينَ [29]

آیا انکارکنندگان ندیده‌اند که آسمان‌ها و زمین توده‌ای فشرده بودند، و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم؟

أَوَلَمْ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَٰهُمَا

و از آب هر چیز زنده را ساختیم.

وَجَعَلْنَا مِنَ ٱلْمَآءِ كُلَّ شَىْءٍ حَىٍّ

آیا پس باور نخواهند آورد؟[30]

أَفَلَا يُؤْمِنُونَ [30]

و بر زمین لنگرهای استوار نهادیم، تا با آنان نلرزد،

وَجَعَلْنَا فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ

و در آن گذرگاه‌ها، راه‌ها نهادیم، شاید راهنمایی پذیرند.[31]

وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ [31]

و آسمان را سقفی نگاه‌داشته‌شده گردانیدیم،

وَجَعَلْنَا ٱلسَّمَآءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا

در حالی که از نشانه‌های آن روی برمی‌تابند.[32]

وَهُمْ عَنْ ءَايَٰتِهَا مُعْرِضُونَ [32]

اوست که شب و روز، خورشید و ماه را آفرید:
وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ

هر یک در مداری شناور است.[33]
كُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ [33]

پیش از تو به هیچ آدمی جاودانگی عطا نکردیم.
وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ ٱلْخُلْدَ

پس اگر تو می‌مردی، آیا آنان جاودانه می‌بودند؟[34]
أَفَإِين مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخَٰلِدُونَ [34]

هر خویشتن مرگ را خواهد چشید،
كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ

و شما را به بدی و به نیکی می‌آزماییم، به‌عنوان آزمون؛
وَنَبْلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلْخَيْرِ فِتْنَةً

و به سوی ما بازگردانده خواهید شد.[35]
وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ [35]

و چون انکارکنندگان تو را می‌بینند، تو را جز به مسخره نمی‌گیرند:
وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا

«آیا پس این است آن‌که ایزدان شما را یاد می‌کند؟» — در حالی که خود یادآوری بی‌اندازه مهربان را انکار می‌کنند.[36]
أَهَٰذَا ٱلَّذِى يَذْكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ هُمْ كَٰفِرُونَ [36]

انسان از شتاب آفریده شده است.
خُلِقَ ٱلْإِنسَٰنُ مِنْ عَجَلٍ

نشانه‌های خود را به شما نشان خواهم داد؛ پس از من مخواهید که آن‌ها را شتاب دهم.[37]
سَأُوْرِيكُمْ ءَايَٰتِى فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ [37]

و می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟»[38]
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [38]

ای کاش انکارکنندگان می‌دانستند، در لحظه‌ای که نتوانند آتش را از چهره‌هایشان و از پشت‌هایشان بازدارند، و یاری نخواهند شد...[39]
لَوْ يَعْلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ [39]

بلکه ناگهانی بر آنان خواهد آمد و حیرت‌زده‌شان خواهد کرد؛ نخواهند توانست آن را بازگردانند، و به آنان هیچ مهلتی داده نخواهد شد.[40]
بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ [40]

فرستادگانی پیش از تو همانا به مسخره گرفته شدند؛ آنگاه آنچه به مسخره می‌گرفتند بر کسانی از آنان که ریشخند می‌کردند به حقیقت پیوست.[41]
وَلَقَدِ ٱسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [41]

بگو: «کیست که شما را شب و روز در برابر بی‌اندازه مهربان نگه می‌دارد؟»
قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحْمَٰنِ

بلکه آنان از یادآوری سرپرست خود روی برمی‌تابند.[42]
بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ [42]

یا ایزدانی دارند که آنان را از ما بازمی‌دارند؟
أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا

آن‌ها نمی‌توانند خود را یاری کنند، و هیچ پشتیبانی از سوی ما به آنان نمی‌رسد.[43]
لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ [43]

بلکه به اینان و به نیاکان‌شان بهره دادیم، تا آنکه زندگی برایشان دراز شد.
بَلْ مَتَّعْنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ

آیا پس نمی‌بینند که ما به سوی زمین می‌آییم، آن را از کناره‌هایش می‌کاهیم؟
أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِى ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَآ

آیا پس اینان پیروزمندند؟[44]
أَفَهُمُ ٱلْغَٰلِبُونَ [44]

بگو: «من شما را جز به پرده‌برداری هشدار نمی‌دهم.»
قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْىِ

اما کران چون هشدار داده شوند، ندا را نمی‌شنوند.[45]
وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ [45]

و اگر دمی از کیفر سرپرست تو به آنان می‌رسید، بی‌گمان می‌گفتند: «وای بر ما، ما همانا ستمگر بودیم!»[46]
وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ [46]

و ترازوهای برابری را برای روز حضور خواهیم نهاد؛ هیچ خویشتنی کمترین ستمی نخواهد دید،
وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ ٱلْقِسْطَ لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا

و اگر به وزن دانه‌ای از خردل بود، آن را می‌آوردیم؛ و ما به‌عنوان حسابدار بس هستیم.[47]
وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ [47]

ما همانا به موسی و هارون بازشناسی دادیم، روشنایی و یادآوری برای محتاطان، که از سرپرست خود بیم دارند هرچند از حواس او بیرون باشد، و از آن لحظه هراسان‌اند.[48–49]
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ [48] ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشْفِقُونَ [49]

و این یادآوری‌ای خجسته است که فرود آوردیم.
وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ

آیا پس آن را مردود می‌شمارید؟[50]
أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ [50]

ما همانا پیش‌تر به ابراهیم راستی او را دادیم، و او را نیک می‌شناختیم.[51]
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ [51]

آنگاه که به پدر و قوم خود گفت: «این تندیس‌ها چیست که در برابرشان ایستاده‌اید؟»[52]
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِىٓ أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ [52]

گفتند: «نیاکان خود را یافتیم که از آن‌ها فرمان می‌بردند.»[53]
قَالُوا۟ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ [53]

گفت: «شما و نیاکان‌تان همانا در گمراهی آشکار بوده‌اید.»[54]
قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [54]

گفتند: «آیا با حقیقت نزد ما آمده‌ای، یا از شمار بازی‌کنندگانی؟»[55]
قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا بِٱلْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ [55]

گفت: «بلکه سرپرست شما سرپرست آسمان‌ها و زمین است، که آن‌ها را از آغاز آفریده است،
قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلَّذِى فَطَرَهُنَّ

و من بر این از گواهانم.»[56]
وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ [56]

و به خدا سوگند، پس از آنکه پشت کردید و رفتید، بی‌گمان در برابر بت‌های شما نیرنگی خواهم اندیشید.[57]

وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا۟ مُدْبِرِينَ [57]

آن‌ها را خرده‌ها کرد، مگر یکی بزرگ که از آنِ ایشان بود، شاید به سوی آن بازگردند.[58]

فَجَعَلَهُمْ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ [58]

گفتند: «چه کسی با ایزدان ما چنین کرد؟ او بی‌گمان از ستمگران است!»[59]

قَالُوا۟ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [59]

گفتند: «جوانی را شنیدیم که از آن‌ها یاد می‌کرد؛ او را ابراهیم می‌نامند.»[60]

قَالُوا۟ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ [60]

گفتند: «پس او را پیش چشم مردم بیاورید، شاید گواهی دهند.»[61]

قَالُوا۟ فَأْتُوا۟ بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ [61]

گفتند: «ای ابراهیم، آیا تو با ایزدان ما چنین کردی؟»[62]

قَالُوٓا۟ ءَأَنتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ [62]

گفت: «بلکه بزرگِ آن‌ها، این یکی، آن را کرده است؛ پس از آن‌ها بپرسید، اگر می‌توانند چیزی بگویند.»[63]

قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا۟ يَنطِقُونَ [63]

پس به خود بازگشتند و گفتند: «شما، همانا، ستمگرانید.»[64]

فَرَجَعُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا۟ إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [64]

سپس بر سرهای خود افتادند:

ثُمَّ نُكِسُوا۟ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ

«تو همانا می‌دانی که اینان چیزی نمی‌گویند!»[65]

لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ [65]

گفت: «آیا پس غیر از خدا از چیزی فرمان می‌برید که هیچ سودی به شما نمی‌رساند و آسیبی نمی‌رساند؟[66]

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ [66]

اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا از آن فرمان می‌برید!

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

پس آیا خرد نمی‌ورزید؟»[67]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [67]

گفتند: «او را بسوزانید، و ایزدان خود را یاری کنید، اگر باید کاری بکنید!»[68]

قَالُواْ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓاْ ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ [68]

گفتیم: «ای آتش، برای ابراهیم خنکی و آرامش باش!»[69]

قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ [69]

و خواستند با او نیرنگ کنند، اما ما آنان را بزرگ‌ترین زیان‌کاران گردانیدیم.[70]

وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ [70]

و او و لوط را به زمینی که برای همهٔ هستی‌ها خجسته گردانیده‌ایم نجات دادیم.[71]

وَنَجَّيْنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ [71]

و اسحاق را به او عطا کردیم،

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ

و یعقوب را، افزون بر آن.

وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً

و همه را شایسته گردانیدیم.[72]

وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ [72]

و آنان را راهنمایانی گردانیدیم که به دستور ما راه می‌نمایند،

وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

و به آنان پرده برداشتیم که بهترین را به‌جا آورند، تماس را پابرجا نگه دارند و گشاده‌دستی ناب را بدهند.

وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِمْ فِعْلَ ٱلْخَيْرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِ

و برای ما فرمان‌بردار بودند.[73]

وَكَانُوا۟ لَنَا عَٰبِدِينَ [73]

و به لوط داوری و دانش دادیم،

وَلُوطًا ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا

و او را از شهری که کارهای پلید می‌کرد نجات دادیم،

وَنَجَّيْنَٰهُ مِنَ ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِى كَانَت تَّعْمَلُ ٱلْخَبَٰٓئِثَ

زیرا قومی بد بودند، تجاوزگران.[74]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمَ سَوْءٍ فَٰسِقِينَ [74]

و او را در مهربانی خود درآوردیم،

وَأَدْخَلْنَٰهُ فِى رَحْمَتِنَآ

زیرا او از شمار کسانی بود که شایسته‌اند.[75]

إِنَّهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [75]

و نوح، آنگاه که پیش‌تر ندا کرد: او را پاسخ دادیم، و او و کسانش را از تنگنای سترگ نجات دادیم.[76]

وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلُ فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ [76]

و او را بر قومی که نشانه‌های ما را دروغ می‌انگاشتند یاری دادیم؛

وَنَصَرْنَٰهُ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ

زیرا قومی بد بودند، پس همهٔ آنان را با هم غرق کردیم.[77]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ [77]

و داوود و سلیمان، آنگاه که دربارهٔ کشتزار داوری می‌کردند، که گوسفندان قوم شبانه در آن درآمده بودند،

وَدَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِى ٱلْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ ٱلْقَوْمِ

و ما گواه داوری آنان بودیم.[78]

وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَٰهِدِينَ [78]

درک آن را به سلیمان دادیم،

فَفَهَّمْنَٰهَا سُلَيْمَٰنَ

و به هر یک از آن دو داوری و دانش دادیم.

وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا

و کوه‌ها را رام کردیم تا با داوود شکوه بسرایند، و پرندگان را نیز؛

وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَٱلطَّيْرَ

و این ما بودیم که چنین می‌کردیم.[79]

وَكُنَّا فَٰعِلِينَ [79]

و ساختن زره را برای شما به او آموختیم، تا شما را از خشونت خودتان محافظت کند — (90)
وَعَلَّمْنَٰهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُم مِّنۢ بَأْسِكُمْ (90)

آیا پس سپاس‌گزار خواهید بود؟[80]
فَهَلْ أَنتُمْ شَٰكِرُونَ [80]

و برای سلیمان، باد تند، که به دستور او به سوی زمینی که خجسته گردانیده‌ایم روان بود،
وَلِسُلَيْمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِى بِأَمْرِهِۦٓ إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا

و ما همه‌چیز را می‌دانستیم.[81]
وَكُنَّا بِكُلِّ شَىْءٍ عَٰلِمِينَ [81]

و از میان منحرف‌کنندگان کسانی بودند که برای او غوطه می‌خوردند و کارهای دیگر نیز می‌کردند؛
وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ

و ما نگاهبان آنان بودیم.[82]
وَكُنَّا لَهُمْ حَٰفِظِينَ [82]

و ایوب، آنگاه که سرپرست خود را ندا کرد: «آسیب به من رسیده است، و تو مهربان‌ترین مهربانانی!»[83]
وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَسَّنِىَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ [83]

او را پاسخ دادیم و آسیبی را که بر او بود از او برداشتیم،
فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ فَكَشَفْنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرٍّ

و کسانش را به او بازگرداندیم، و همان‌قدر دیگر با آنان، از مهربانی‌ای از سوی ما، و به‌عنوان یادآوری برای فرمان‌برداران.[84]
وَءَاتَيْنَٰهُ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَٰبِدِينَ [84]

و اسماعیل، و ادریس، و ذوالکفل:

وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا ٱلْكِفْلِ

هر یک از شکیبایان بود.[85]

كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ [85]

و آنان را در مهربانی خود درآوردیم،

وَأَدْخَلْنَٰهُمْ فِى رَحْمَتِنَآ

زیرا از شمار کسانی بودند که شایسته‌اند.[86]

إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [86]

و ذوالنون، آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما بر او هیچ توانی نمی‌داشتیم: در تاریکی‌ها ندا کرد: «هیچ ایزدی نیست مگر تو! شکوه بر تو باد! من همانا از ستمگران بودم!»[87]

وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحَٰنَكَ إِنِّى كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [87]

او را پاسخ دادیم و از دلهره نجاتش دادیم؛

فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَنَجَّيْنَٰهُ مِنَ ٱلْغَمِّ

و چنین باورمندان را نجات می‌دهیم.[88]

وَكَذَٰلِكَ نُنجِى ٱلْمُؤْمِنِينَ [88]

و زکریا، آنگاه که سرپرست خود را ندا کرد: «ای سرپرست من، مرا تنها وامگذار، در حالی که تو بهترین وارثانی!»[89]

وَزَكَرِيَّآ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْوَٰرِثِينَ [89]

او را پاسخ دادیم، یحیی را به او عطا کردیم، و همسرش را برای او شایسته گردانیدیم؛

فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَوَهَبْنَا لَهُۥ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُۥ زَوْجَهُۥ

زیرا آنان به سوی بهترین می‌شتافتند، ما را با اشتیاق و با حرمت می‌خواندند، و در برابر ما فروتن بودند.[90]

إِنَّهُمْ كَانُوا۟ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا۟ لَنَا خَٰشِعِينَ [90]

و آن زن، که پاکدامنی خود را نگه داشت: از جریان خود در او دمیدیم، و او و پسرش را نشانه‌ای برای همهٔ هستی‌ها گردانیدیم.[91]

وَٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَٰهَا وَٱبْنَهَآ ءَايَةً لِّلْعَٰلَمِينَ [91]

این جامعهٔ شما همانا جامعه‌ای یگانه است، و من سرپرست شما هستم: پس مرا فرمان برید.[92]

إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمْ فَٱعْبُدُونِ [92]

اما کار خود را میان خود شکافتند:

وَتَقَطَّعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ

همه به سوی ما بازخواهند گشت.[93]

كُلٌّ إِلَيْنَا رَٰجِعُونَ [93]

هر که کردارهای شایسته به‌جا آورد، در حالی که باورمند است، کوشش او هرگز انکار نخواهد شد؛

فَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِۦ

زیرا ما آن را برایش می‌نگاریم.[94]

وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ [94]

و بر شهری که نابود کردیم ممنوع است که آنان بازنگردند —[95]

وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَآ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ [95]

تا آنگاه که یاجوج و ماجوج گشوده شوند، از هر بلندی شتابان، و وعدهٔ راستین نزدیک شود؛ آنگاه بینایی‌های انکارکنندگان خیره ماند: «وای بر ما! در این باره در بی‌خبری بودیم؛ بلکه ما ستمگر بودیم!»[96-97]

حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ [96] وَٱقْتَرَبَ ٱلْوَعْدُ ٱلْحَقُّ فَإِذَا هِىَ شَٰخِصَةٌ أَبْصَٰرُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يَٰوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَٰلِمِينَ [97]

شما و آنچه غیر از خدا از آن فرمان می‌برید همانا هیمهٔ جهنم‌اید؛ شما بر آن وارد خواهید شد.[98]

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَٰرِدُونَ [98]

اگر اینان ایزد می‌بودند، بر آن وارد نمی‌شدند؛

لَوْ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا

و همه در آن جاودانه خواهند ماند.[99]

وَكُلٌّ فِيهَا خَٰلِدُونَ [99]

در آن ناله خواهند کشید، و در آن چیزی نخواهند شنید.[100]

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ [100]

اما کسانی که پیش‌تر نیکوترین بهره را به آنان عطا کردیم، اینان همانا از آن دور نگه داشته خواهند شد:[101]

إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا ٱلْحُسْنَىٰٓ أُو۟لَٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ [101]

کمترین وزوزی از آن نخواهند شنید، و در آنچه خویشتن‌شان می‌خواهد جاودانه خواهند ماند.[102]

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِى مَا ٱشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَٰلِدُونَ [102]

هراس بزرگ آنان را اندوهگین نخواهد کرد،

لَا يَحْزُنُهُمُ ٱلْفَزَعُ ٱلْأَكْبَرُ

و کارگزاران به پیشوازشان خواهند آمد: «این است روز شما، آنکه به شما وعده داده شده بود.»[103]

وَتَتَلَقَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ ٱلَّذِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ [103]

روزی که آسمان را درنوردیم، چنان‌که کلاسور بر نوشته‌هایی که در بر دارد بسته می‌شود،

يَوْمَ نَطْوِى ٱلسَّمَآءَ كَطَىِّ ٱلسِّجِلِّ لِلْكُتُبِ

همان‌گونه که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، آن را دوباره خواهیم کرد —

كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُۥ

وعده‌ای است که بر عهدهٔ ما است:

وَعْدًا عَلَيْنَآ

ما آن را همانا خواهیم کرد.[104]

إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ [104]

ما همانا در فرم، پس از یادآوری، نگاشته‌ایم که زمین به ارث به فرمان‌برداران شایستهٔ من خواهد رسید.[105]

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِى ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعْدِ ٱلذِّكْرِ أَنَّ ٱلْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِىَ ٱلصَّٰلِحُونَ [105]

در این بی‌گمان انتقالی است برای قومی از فرمان‌برداران.[106]

إِنَّ فِى هَٰذَا لَبَلَٰغًا لِّقَوْمٍ عَٰبِدِينَ [106]

و تو را جز مهربانی برای همهٔ هستی‌ها نفرستادیم.[107]

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَٰلَمِينَ [107]

بگو: «فقط به من پرده برداشته می‌شود که ایزد شما ایزدی یگانه است.

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

آیا پس بی‌خدشه نزد او خواهید بود؟»[108]

فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ [108]

اگر پشت کنند، پس بگو: «همهٔ شما را یکسان اطلاع دادم،

فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ ءَاذَنتُكُمۡ عَلَىٰ سَوَآءٖۖ

و هیچ برآوردی ندارم که آنچه به شما وعده داده شده است نزدیک است یا دور.[109]

وَإِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٞ مَّا تُوعَدُونَ [109]

او همانا آنچه را بلند گفته می‌شود می‌داند، و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند.[110]

إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡتُمُونَ [110]

و برآوردی ندارم: شاید آن آزمونی برای شما باشد، و بهره‌ای برای مدتی.»[111]

وَإِنۡ أَدۡرِي لَعَلَّهُۥ فِتۡنَةٞ لَّكُمۡ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ [111]

بگو: «ای سرپرست من، به حقیقت داوری کن؛ **(91)**

قُلۡ رَبِّ ٱحۡكُم بِٱلۡحَقِّۗ **(91)**

و سرپرست ما بی‌اندازه مهربان است، که در برابر آنچه وصف می‌کنید از او یاری خواسته می‌شود.»[112]

وَرَبُّنَا ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ [112]

# طه • TA-HA

سوره 20 · 135 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

طه (طا های).[1]

طه [1]

ما بر تو خوانش را فرود نیاوردیم تا تیره‌بخت باشی،[2]

مَآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ لِتَشْقَىٰٓ [2]

بلکه به‌عنوان یادآوری برای آن‌که بیم دارد،[3]

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ [3]

فرودی از سوی آن‌که زمین و آسمان‌های بلند را آفرید،[4]

تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ ٱلْأَرْضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلْعُلَى [4]

بی‌اندازه مهربان، که بر بنا استقرار یافت.[5]

ٱلرَّحْمَٰنُ عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوَىٰ [5]

از آنِ او است آنچه در آسمان‌ها است، آنچه بر زمین است، آنچه میان این دو است و آنچه زیر خاک است.[6]

لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ ٱلثَّرَىٰ [6]

و اگر سخن خود را بلند بگویی، او همانا راز را می‌داند، و آنچه نهان‌تر از آن است.[7]

وَإِن تَجْهَرْ بِٱلْقَوْلِ فَإِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخْفَى [7]

خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او.
ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

زیباترین ویژگی‌ها از آنِ او است.[8]
لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ [8]

و آیا گفتار موسی به تو رسیده است؟[9]
وَهَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ [9]

آنگاه که آتشی دید، به کسان خود گفت: «بمانید، زیرا آتشی دیده‌ام؛ شاید پاره‌ای از آن برایتان بیاورم، یا نزد آتش راهنمایی‌ای بیابم.»[10]
إِذْ رَءَا نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ ٱمْكُثُوٓا۟ إِنِّىٓ ءَانَسْتُ نَارًا لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدًى [10]

چون به آن رسید، ندا داده شد: «ای موسی! همانا این من هستم سرپرست تو. صندل‌هایت را درآور، زیرا تو در دره‌ای پیراسته، طوی، هستی.»[11-12]
فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِىَ يَٰمُوسَىٰٓ [11] إِنِّىٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى [12]

و من تو را برگزیده‌ام: پس به آنچه پرده برداشته می‌شود گوش بسپار. همانا این من هستم، خدا — هیچ ایزدی نیست مگر من. پس از من فرمان بر، و برای یادآوری من تماس را پابرجا نگه دار؛[13-14]
وَأَنَا ٱخْتَرْتُكَ فَٱسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰٓ [13] إِنَّنِىٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعْبُدْنِى وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكْرِىٓ [14]

زیرا آن لحظه می‌آید — آن را تقریباً نهان می‌دارم — تا هر خویشتنی به‌سبب آنچه در آن کوشیده بازپرداخت شود.[15]
إِنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا تَسْعَىٰ [15]

آن‌که به آن باور نمی‌آورد و از هیجان خود پیروی می‌کند، راه آن را بر تو نبندد، وگرنه سقوط تو می‌بود.[16]
فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرْدَىٰ [16]

و این چیست در دست راست تو، ای موسی؟[17]

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ [17]

گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم، با آن برگ‌ها را برای گوسفندانم فرو می‌ریزم، و در آن کاربردهای دیگر می‌یابم.»[18]

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخْرَىٰ [18]

گفت: «آن را بینداز، ای موسی.»[19]

قَالَ أَلْقِهَا يَٰمُوسَىٰ [19]

آن را انداخت، و ناگاه زنده‌ای بود که می‌شتافت.[20]

فَأَلْقَىٰهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ [20]

گفت: «آن را بگیر، مترس: آن را به حالت نخستینش بازمی‌گردانیم.»[21]

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلْأُولَىٰ [21]

و دستت را به بالت بفشار: سفید و بی‌گزند بیرون خواهد آمد — نشانه‌ای دیگر، تا برخی از بزرگ‌ترین نشانه‌های خود را به تو نشان دهیم.[22–23]

وَٱضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخْرَىٰ [22] لِنُرِيَكَ مِنْ ءَايَٰتِنَا ٱلْكُبْرَى [23]

نزد فرعون برو: او از هر حدی گذشته است.[24]

ٱذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ [24]

گفت: «ای سرپرست من، سینه‌ام را بگشا، کارم را برایم آسان کن، گرهی از زبانم بگشای تا سخنم را دریابند، و برایم دستیاری از کسانم قرار ده، هارون، برادرم.[25–30]

قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِي صَدْرِي [25] وَيَسِّرْ لِيٓ أَمْرِي [26] وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي [27] يَفْقَهُواْ قَوْلِي [28] وَٱجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي [29] هَٰرُونَ أَخِي [30]

با او اراده‌ام را استوار کن، و او را در کارم انباز گردان، تا بسیار شکوه تو را بسراییم و بسیار تو را به یاد آوریم؛ تو بر ما بینا هستی.»[31-35]

ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي ٣١ وَأَشۡرِكۡهُ فِيٓ أَمۡرِي ٣٢ كَيۡ نُسَبِّحَكَ كَثِيرٗا ٣٣ وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا ٣٤ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرٗا ٣٥

گفت: «درخواستت به تو عطا شد، ای موسی.[36]

قَالَ قَدۡ أُوتِيتَ سُؤۡلَكَ يَٰمُوسَىٰ ٣٦

ما همانا بار دیگر بر تو دهش بخشیدیم، آنگاه که به دل مادرت افکندیم آنچه افکنده شد: ‹او را در صندوق بینداز، سپس او را به موج بینداز؛[37-38]

وَلَقَدۡ مَنَنَّا عَلَيۡكَ مَرَّةً أُخۡرَىٰٓ ٣٧ إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ٣٨ أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ

موج او را بر ساحل افکند؛ دشمنی برای من و برای او او را برخواهد گرفت.›

فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥ

و من بر تو دوستی‌ای از خود افکندم، تا زیر چشم من پرورده شوی — آنگاه که خواهرت راه می‌رفت و می‌گفت: ‹می‌خواهید کسی را به شما نشان دهم که از او نگهداری خواهد کرد؟›[39]

وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ٣٩ إِذۡ تَمۡشِيٓ أُخۡتُكَ فَتَقُولُ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ مَن يَكۡفُلُهُۥ

تو را به مادرت بازگرداندیم تا نگاهش خنک شود و اندوهگین نشود.

فَرَجَعۡنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَ

و خویشتنی را کشتی، و ما تو را از دلهره رهانیدیم؛ تو را به آزمونی سخت آزمودیم.

وَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا فَنَجَّيۡنَٰكَ مِنَ ٱلۡغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗا

سال‌هایی در میان مردم مدین ماندی، سپس بر اندازه‌ای مقرر آمدی، ای موسی.[40]

فَلَبِثۡتَ سِنِينَ فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ ثُمَّ جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ يَٰمُوسَىٰ ٤٠

و من تو را برای خودم پروراندم.[41]

وَٱصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِى [41]

برو، تو و برادرت، با نشانه‌های من، و در یادآوری من سستی مکنید.[42]

ٱذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِى وَلَا تَنِيَا فِى ذِكْرِى [42]

هر دو نزد فرعون بروید: او از هر حدی گذشته است. با او سخنی نرم بگویید؛ شاید به یاد آورد، یا بیم داشته باشد.»[43-44]

ٱذْهَبَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ [43] فَقُولَا لَهُۥ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ [44]

گفتند: «ای سرپرست ما، می‌ترسیم که بر ما تندی کند یا از هر حدی بگذرد.»[45]

قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ أَوْ أَن يَطْغَىٰ [45]

گفت: «مترسید: من همانا با شما دو تن هستم، می‌شنوم و می‌بینم.[46]

قَالَ لَا تَخَافَآ إِنَّنِى مَعَكُمَآ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ [46]

پس نزد او بروید، و بگویید: ‹ما همانا دو فرستادهٔ سرپرست تو هستیم؛ فرزندان اسرائیل را با ما رها کن و آنان را کیفر مده؛ ما نشانه‌ای از سرپرست تو برایت آورده‌ایم.

فَأْتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَٰكَ بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكَ

و آرامش بر کسی که از راهنمایی پیروی می‌کند.[47]

وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلْهُدَىٰٓ [47]

به ما همانا پرده برداشته شده است که کیفر بر آن‌که دروغ می‌انگارد و پشت می‌کند است.›»[48]

إِنَّا قَدْ أُوحِىَ إِلَيْنَآ أَنَّ ٱلْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ [48]

گفت: «و سرپرست شما کیست، ای موسی؟»[49]

قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ [49]

گفت: «سرپرست ما آن است که به هر چیز آفرینش ویژهٔ خود را بخشید، سپس آن را راه نمود.»[50]

قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِیٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَیۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ [50]

گفت: «پس حال نسل‌های نخستین چیست؟»[51]

قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ [51]

گفت: «دانش آنان نزد سرپرست من است، در دفتری.

قَالَ عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّی فِی كِتَٰبٖ

سرپرست من نه گمراه می‌شود و نه فراموش می‌کند.»[52]

لَّا یَضِلُّ رَبِّی وَلَا یَنسَى [52]

آن‌که زمین را برای شما گسترده‌ای آماده قرار داد، در آن برایتان راه‌هایی گشود، و از آسمان آبی فرود آورد،

ٱلَّذِی جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا وَسَلَكَ لَكُمۡ فِیهَا سُبُلٗا وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ

که با آن جفت‌هایی از گیاهان گوناگون بیرون آوردیم.[53]

فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّن نَّبَاتٖ شَتَّىٰ [53]

بخورید و چارپایان خود را بچرانید.

كُلُواْ وَٱرۡعَوۡاْ أَنۡعَٰمَكُمۡ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای دارندگان فراست.[54]

إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَأٓیَٰتٖ لِّأُوْلِی ٱلنُّهَىٰ [54]

از آن شما را آفریدیم، در آن شما را بازخواهیم گرداند، و از آن بار دیگر شما را بیرون خواهیم آورد.[55]

مِنۡهَا خَلَقۡنَٰكُمۡ وَفِیهَا نُعِیدُكُمۡ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً أُخۡرَىٰ [55]

ما همانا همهٔ نشانه‌های خود را به او نشان دادیم، اما دروغ انگاشت و سر باز زد.[56]

وَلَقَدْ أَرَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ [56]

گفت: «ای موسی، آیا آمده‌ای تا ما را با چشم‌بندی خود از زمین ما بیرون کنی؟ بی‌گمان چشم‌بندی‌ای مانند آن برایت خواهیم آورد.[57]

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَٰمُوسَىٰ [57] فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِۦ

پس میان ما و خودت وعده‌گاهی بنه که نه ما در آن کوتاهی کنیم و نه تو، در جایی دادگرانه.»[58]

فَٱجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا سُوًى [58]

گفت: «وعده‌گاه شما روز زیور خواهد بود، و مردم در اوج بامداد گرد آورده شوند.»[59]

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى [59]

فرعون پشت کرد، نیرنگ خود را گرد آورد، سپس بازگشت.[60]

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ [60]

موسی به آنان گفت: «وای بر شما! بر خدا دروغی برمسازید، وگرنه او شما را با کیفری ریشه‌کن خواهد کرد.

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ

و آن‌که برمی‌سازد از پیش ناکام شده است.»[61]

وَقَدْ خَابَ مَنِ ٱفْتَرَىٰ [61]

میان خود دربارهٔ کارشان ستیزه کردند و رازگویی خود را پنهان داشتند.[62]

فَتَنَٰزَعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا۟ ٱلنَّجْوَىٰ [62]

گفتند: «این دو بی‌گمان دو چشم‌بندند که می‌خواهند با چشم‌بندی خود شما را از زمین‌تان بیرون کنند و روش نمونه‌وار شما را ببرند.[63]

قَالُوٓا۟ إِنْ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلْمُثْلَىٰ [63]

پس نیرنگ خود را گرد آورید، سپس در صف بیایید.
فَأَجۡمِعُواْ كَيۡدَكُمۡ ثُمَّ ٱئۡتُواْ صَفّٗا

و امروز کامیاب است آن‌که چیره شود.»[64]
وَقَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡيَوۡمَ مَنِ ٱسۡتَعۡلَىٰ [64]

گفتند: «ای موسی، یا تو می‌افکنی یا ما نخستین کسانی خواهیم بود که می‌افکنیم.»[65]
قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ [65]

گفت: «بلکه شما بیفکنید.»
قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْ

و ناگاه ریسمان‌ها و عصاهای‌شان، به‌سبب چشم‌بندی‌شان، به نظرش می‌رسید که می‌شتابند.[66]
فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ [66]

موسی در خود ترسی احساس کرد.[67]
فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ [67]

گفتیم: «مترس، زیرا این تویی که بالاتری.[68]
قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ [68]

و آنچه را در دست راست تو است بینداز: آن، آنچه را ساخته‌اند فرو خواهد بلعید.
وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْ

آنچه ساخته‌اند جز نیرنگ چشم‌بند نیست،
إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ

و چشم‌بند، هر کجا بیاید، کامیاب نمی‌شود.»[69]
وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ [69]

چشم‌بندان پیشانی بر خاک نهاده افکنده شدند.

فَأُلْقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدًا

گفتند: «به سرپرست هارون و موسی باور آوردیم.»[70]

قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ [70]

گفت: «پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او اعتبار دادید! این بی‌گمان بزرگ‌ترِ شما است، آن‌که به شما چشم‌بندی آموخت.

قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ

من بی‌گمان دست‌ها و پاهای شما را به‌تناوب بارها خواهم برید، و شما را بر تنهٔ نخل‌ها ثابت خواهم کرد؛ آنگاه بی‌گمان خواهید دانست کدام‌یک از ما در کیفر سخت‌تر و ماندگارتر است.»[71]

فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِى جُذُوعِ ٱلنَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ [71]

گفتند: «هرگز تو را بر دلیل‌های روشنی که به ما آمده است ترجیح نخواهیم داد، و نه بر آن‌که ما را از آغاز آفریده است.

قَالُواْ لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِى فَطَرَنَا

پس آنچه را باید فیصله دهی فیصله ده:

فَٱقْضِ مَآ أَنتَ قَاضٍ

تو جز در این زندگی نزدیک داوری نمی‌کنی.[72]

إِنَّمَا تَقْضِى هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَآ [72]

ما همانا به سرپرست خود باور آوردیم، تا تقصیرهای ما و آنچه را از چشم‌بندی ما را بدان واداشتی بر ما ببخشاید.

إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا وَمَآ أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ ٱلسِّحْرِ

خدا بهتر و ماندگارتر است.»[73]

وَٱللَّهُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ [73]

همانا هر که کنارگذاشته‌شده نزد سرپرست خود بیاید، برای او جهنم است، که در آن نه می‌میرد و نه زنده است.[74]

إِنَّهُۥ مَن يَأۡتِ رَبَّهُۥ مُجۡرِمٗا فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ [74]

و هر که باورمند نزد او بیاید، در حالی که کردارهای شایسته را به‌جا آورده است، برای اینان درجه‌های بلند است:[75]

وَمَن يَأۡتِهِۦ مُؤۡمِنٗا قَدۡ عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلۡعُلَىٰ [75]

باغ‌های پایایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه می‌مانند.

جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

و این است بازپرداخت آن‌که خود را پاک می‌کند.[76]

وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ [76]

ما همانا به موسی پرده برداشتیم: «شبانه با فرمان‌برداران من برو، و برایشان در دریا راهی خشک بگشای؛ از اینکه به تو برسند مترس، و بیم مدار.»[77]

وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا تَخۡشَىٰ [77]

فرعون با سپاهیان خود در پی‌شان رفت، و از موج آنان را پوشاند آنچه پوشاند.[78]

فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ [78]

و فرعون قوم خود را گمراه کرد، آنان را راه ننمود.[79]

وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ [79]

ای فرزندان اسرائیل! ما شما را از دشمن‌تان نجات دادیم، در جانب راست کوه با شما وعده‌گاه نهادیم، و بر شما من و سلوی فرود آوردیم.[80]

يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ [80]

از چیزهای نیکویی که روزی‌تان دادیم بخورید، و در آن از اندازه مگذرید، وگرنه خشم من بر شما فرود می‌آمد؛

كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِي

و آن‌که خشم من بر او فرود آید، فروافتاده است.[81]

وَمَن يَحۡلِلۡ عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ [81]

و من بی‌گمان بسیار بخشاینده‌ام برای آن‌که پشیمانی کند، باور آورد، کردار شایسته به‌جا آورد، سپس راهنمایی پذیرد.[82]

وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ [82]

ای موسی، پس چه چیز تو را وادار کرد که از قوم خود شتابان دور شوی؟[83]

وَمَآ أَعۡجَلَكَ عَن قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ [83]

گفت: «آنان بر جای پای من‌اند؛ به سوی تو شتافتم، ای سرپرست من، تا خرسند باشی.»[84]

قَالَ هُمۡ أُوْلَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِي وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ رَبِّ لِتَرۡضَىٰ [84]

گفت: «ما همانا قوم تو را پس از تو آزمودیم، و سامری آنان را گمراه کرد.»[85]

قَالَ فَإِنَّا قَدۡ فَتَنَّا قَوۡمَكَ مِنۢ بَعۡدِكَ وَأَضَلَّهُمُ ٱلسَّامِرِيُّ [85]

پس موسی خشمگین و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت.

فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا

گفت: «ای قوم من، آیا سرپرست شما وعده‌ای نیکو به شما نداده بود؟

قَالَ يَٰقَوۡمِ أَلَمۡ يَعِدۡكُمۡ رَبُّكُمۡ وَعۡدًا حَسَنًا

آیا پیمان بر شما دراز آمد، یا خواستید که خشمی از سرپرست شما بر شما فرود آید، که به وعده‌گاه من خلف کردید؟»[86]

أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ ٱلْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِى [86]

گفتند: «با ارادهٔ خود به وعده‌گاه تو خلف نکردیم؛ بلکه بارهایی از زیورهای قوم بر دوش ما نهاده شد، آن‌ها را افکندیم، و سامری نیز چنین افکند.»[87]

قَالُوا۟ مَآ أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَآ أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ ٱلْقَوْمِ فَقَذَفْنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى ٱلسَّامِرِىُّ [87]

برای آنان گوساله‌ای بیرون آورد، پیکری که بانگ می‌زد، و گفتند: «این است ایزد شما و ایزد موسی؛ اما او فراموش کرده است.»[88]

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ فَقَالُوا۟ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِىَ [88]

آیا پس نمی‌بینند که هیچ سخنی به آنان بازنمی‌گردد، و برایشان نه آسیب در اختیار دارد و نه سود؟[89]

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا [89]

هارون پیش‌تر به آنان گفته بود: «ای قوم من، شما به‌وسیلهٔ آن جز آزموده نمی‌شوید؛

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَٰرُونُ مِن قَبْلُ يَٰقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦ

سرپرست شما همانا بی‌اندازه مهربان است: پس از من پیروی کنید و به دستور من گردن نهید.»[90]

وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحْمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِى وَأَطِيعُوٓا۟ أَمْرِى [90]

گفتند: «تا موسی به سوی ما بازگردد، همچنان در کنار آن مستقر خواهیم ماند.»[91]

قَالُوا۟ لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ [91]

گفت: «ای هارون، چه چیز تو را بازداشت، آنگاه که دیدی گمراه می‌شوند، از اینکه از من پیروی کنی؟ آیا از دستور من نافرمانی کردی؟»[92–93]

قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوٓا۟ [92] أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِى [93]

گفت: «ای پسر مادرم، مرا نه به ریش بگیر و نه به سر، زیرا بیم داشتم که بگویی: ‹میان فرزندان اسرائیل جدایی انداختی و سخن مرا پاس نداشتی.›»[94]

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِيٓ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي [94]

گفت: «پس حال تو چیست، ای سامری؟»[95]

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ [95]

گفت: «آنچه آنان ندیدند من روشن دیدم؛ مشتی از رد فرستاده را گرفتم، سپس آن را افکندم — چنین خویشتنم آن را به من پیشنهاد کرد.»[96]

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُواْ بِهِۦ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي [96]

گفت: «برو، زیرا تو را در زندگی نصیب است که بگویی: ‹مرا لمس مکنید›،

قَالَ فَٱذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلْحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ

و همانا برای تو وعده‌گاهی هست که نمی‌توانی از آن خلف کنی.(92)

وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُۥ (92)

و به ایزد خود بنگر که نزد آن ایستاده بودی: آن را بی‌گمان خواهیم سوزاند، سپس بی‌گمان آن را در موج پراکنده خواهیم ساخت، پراکنده‌ای تمام.»[97]

وَٱنظُرْ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلْيَمِّ نَسْفًا [97]

ایزد شما تنها خدا است، هیچ ایزدی نیست مگر او،

إِنَّمَآ إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

که دانشش همه‌چیز را فرا می‌گیرد.[98]

وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا [98]

چنین برخی اطلاعات را دربارهٔ آنچه گذشته است بر تو حکایت می‌کنیم،

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ

و از سوی خود به تو یادآوری‌ای دادیم.[99]

وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا [99]

هر که از آن روی برتابد، همانا در روز حضور باری را خواهد برداشت، در آن جاودانه خواهد ماند،[100]

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُۥ يَحْمِلُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وِزْرًا [100] خَٰلِدِينَ فِيهِ

و چه بد بار خواهد بود برایشان در روز حضور![101]

وَسَآءَ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ حِمْلًا [101]

روزی که در شیپور دمیده شود، ما کنارگذاشته‌شدگان را گرد خواهیم آورد، در آن روز رنگ‌پریده، که میان خود زمزمه می‌کنند: «جز ده درنگ نکردید.»[102-103]

يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا [102] يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا [103]

ما بهتر می‌دانیم آنچه خواهند گفت، آنگاه که نمونه‌ترینِ ایشان از نظر روش گوید: «جز یک روز درنگ نکردید.»[104]

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا [104]

و دربارهٔ کوه‌ها از تو می‌پرسند؛ بگو: «سرپرست من آن‌ها را به‌تمامی پراکنده خواهد کرد، و آن‌ها را در دشتی برهنه وا خواهد گذاشت، که در آن نه کجی خواهی دید و نه برآمدگی.»[105-107]

وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّى نَسْفًا [105] فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا [106] لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَآ أَمْتًا [107]

در آن روز از فراخواننده‌ای پیروی خواهند کرد که هیچ کجی ندارد،

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِىَ لَا عِوَجَ لَهُۥ

و آوازها در برابر بی‌اندازه مهربان فروتن خواهد شد؛ جز زمزمه‌ای نخواهی شنید.[108]

وَخَشَعَتِ ٱلْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا [108]

در آن روز میانجی‌گری جز برای کسی سود نخواهد داد که بی‌اندازه مهربان به او اجازه داده باشد و سخنش را بپسندد.[109]

يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَرَضِىَ لَهُۥ قَوْلًا [109]

او آنچه را پیش روی آنان است و آنچه را پشت سر آنان است می‌داند، در حالی که آنان او را با دانش خود در میان نمی‌گیرند.[110]

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ عِلْمًا [110]

و چهره‌ها در برابر زنده، آن‌که به خود پایدار است، خم خواهند شد،

وَعَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِلْحَىِّ ٱلْقَيُّومِ

و آن‌که ستمی را بر دوش می‌کشد ناکام شده خواهد بود.[111]

وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا [111]

و هر که کردارهای شایسته به‌جا آورد، در حالی که باورمند است، نه از ستمی خواهد ترسید و نه از غصبی.[112]

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا [112]

چنین آن را فرود آوردیم، خوانشی بی‌عیب، و در آن هشدار را گوناگون ساختیم، شاید محتاط شوند، یا برایشان یادآوری‌ای پدید آورد.[113]

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ ٱلْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا [113]

برتر باد خدا، فرمانروا، حقیقت!

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ

و پیش از آنکه پرده‌برداری آن برایت به پایان برده شود، در خوانش شتاب مکن،

وَلَا تَعْجَلْ بِٱلْقُرْءَانِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَىٰٓ إِلَيْكَ وَحْيُهُۥ

و بگو: «ای سرپرست من، دانشم را بیفزای.»[114]

وَقُل رَّبِّ زِدْنِى عِلْمًا [114]

ما پیش‌تر آدم را همانا به پیمانی بستیم، اما فراموش کرد، و برای او هیچ عزمی نیافتیم.[115]

وَلَقَدْ عَهِدْنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا [115]

و چون به کارگزاران گفتیم: «در برابر آدم پیشانی بر خاک نهید»، پیشانی بر خاک نهادند،

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟

مگر ابلیس، که سر باز زد.[116]

إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ [116]

گفتیم: «ای آدم! این همانا دشمنی برای تو و برای همسر تو است؛ مبادا شما را از باغ بیرون کند، وگرنه تیره‌بخت می‌بودی.[117]

فَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰٓ [117]

در آن تو را تضمینی هست که نه گرسنه شوی و نه برهنه گذاشته شوی،[118]

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ [118]

و نه تشنه شوی و نه در معرض آفتاب نهاده شوی.»[119]

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا۟ فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ [119]

آنگاه منحرف‌کننده به او وسوسه کرد،

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ ٱلشَّيْطَٰنُ

گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی درخت جاودانگی و پادشاهی‌ای را که فرسوده نمی‌شود به تو نشان دهم؟»[120]

قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ [120]

هر دو از آن خوردند؛ آنگاه برهنگی‌شان بر آنان آشکار شد، و هر دو آغاز کردند که برگ‌هایی از باغ بر خود بدوزند.

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ

و آدم از سرپرست خود نافرمانی کرد، و سرگشته شد.[121]

وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ [121]

سپس سرپرستش او را برگزید، با گذشت به سویش بازگشت، و او را راه نمود.[122]

ثُمَّ ٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ [122]

گفت: «از آن هر دو با هم فرود آیید،

قَالَ ٱهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًۢا

دشمنِ یکدیگر.

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

پس اگر راهنمایی‌ای از من به شما رسد، هر که از راهنمایی من پیروی کند نه گمراه خواهد شد و نه تیره‌بخت؛[123]

فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ [123]

و هر که از یادآوری من روی برتابد، همانا زندگی‌ای تنگ خواهد داشت، و ما او را در روز حضور نابینا گرد خواهیم آورد.»[124]

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ أَعْمَىٰ [124]

خواهد گفت: «ای سرپرست من، چرا مرا نابینا گرد آوردی، در حالی که روشن می‌دیدم؟»[125]

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىٓ أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا [125]

خواهد گفت: «چنین است: نشانه‌های ما به تو آمد، و تو آن‌ها را فراموش کردی؛

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَا

چنین امروز فراموش می‌شوی.»[126]
وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ [126]

چنین بازپرداخت می‌کنیم آن‌که زیاده‌رو بود و به نشانه‌های سرپرست خود باور نیاورد؛
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ

و کیفر زندگی واپسین سخت‌تر و ماندگارتر است.[127]
وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰٓ [127]

آیا پس به شمار نسل‌هایی که پیش از آنان نابود کردیم، که در سکونتگاه‌هایشان راه می‌روند، راهنمایی نشده‌اند؟
أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای دارندگان فراست.[128]
إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلنُّهَىٰ [128]

و اگر سخنی پیشین از سرپرست تو و سرآمدی نام‌برده نبود، ناگزیر می‌بود.[129]
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى [129]

پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش،
فَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

و پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرو رفتن آن، سرپرست خود را با ستایش شکوه بسرای؛
وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

و در پاره‌ای از پاس‌های شب او را شکوه بسرای، و در کرانه‌های روز، شاید خرسند شوی.[130]
وَمِنْ ءَانَآئِ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ [130]

و چشم‌هایت را به آنچه از جفت‌هایی از آنان بهره‌مند ساختیم — درخشش زندگی نزدیک — برای آزمودن‌شان در آن، ندوز؛

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ

روزی سرپرست تو بهتر و ماندگارتر است.[131]

وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ [131]

و کسان خود را به تماس دستور ده، و در آن پایدار باش:

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصْطَبِرْ عَلَيْهَا

از تو روزی نمی‌خواهیم،

لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا

این ما هستیم که به تو روزی می‌دهیم؛

نَّحْنُ نَرْزُقُكَ

و فرجام از آنِ احتیاط است.[132]

وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ [132]

و گفتند: «چرا نشانه‌ای از سرپرستش برای ما نمی‌آورد!»

وَقَالُوا۟ لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ

آیا دلیل روشن آنچه در گزارش‌های نخستین است به آنان نرسیده است؟[133]

أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِى ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ [133]

و اگر پیش از این آنان را به کیفری نابود کرده بودیم، می‌گفتند: «ای سرپرست ما، چرا فرستاده‌ای به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و شرمسار شویم از نشانه‌های تو پیروی کنیم؟»[134]

وَلَوْ أَنَّآ أَهْلَكْنَٰهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِۦ لَقَالُوا۟ رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ [134]

بگو: «هر کس در انتظار است؛ پس در انتظار بمانید:

قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُواْ

به‌زودی خواهید دانست چه کسانی همنشینان جادهٔ هموارند، و چه کسی راهنمایی پذیرفته است.»[135]

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ وَمَنِ ٱهْتَدَىٰ [135]

# مریم • MARYAM

سوره 19 · 98 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

کٓهیعٓصٓ (کاف های یا عین صاد).[1]

كٓهيعٓصٓ [1]

یادآوری مهربانی سرپرست تو نسبت به فرمان‌بردار خود زکریا، آنگاه که سرپرست خود را به ندایی نهان خواند،[2-3]

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُۥ زَكَرِيَّآ [2] إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيًّا [3]

گفت: «ای سرپرست من، همانا استخوان در من سست شده است، سر از سپیدی شعله‌ور شده است، و هرگز در خواندن تو، ای سرپرست من، تیره‌بخت نبوده‌ام.[4]

قَالَ رَبِّ إِنِّى وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّى وَٱشْتَعَلَ ٱلرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا [4]

و همانا از کسان خود پس از خود ترسیدم، و همسرم نازا است. پس از سوی خود متحدی به من عطا کن که از من ارث ببرد و از طایفهٔ یعقوب ارث ببرد،[5]

وَإِنِّى خِفْتُ ٱلْمَوَٰلِىَ مِن وَرَآءِى وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِى عَاقِرًا فَهَبْ لِى مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا [5] يَرِثُنِى وَيَرِثُ مِنْ ءَالِ يَعْقُوبَ

و ای سرپرست من، او را پسندیده گردان.»[6]

وَٱجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا [6]

«ای زکریا، ما همانا تو را به پسری مژده می‌دهیم: ویژگی او یحیی است، که پیش از او برای هیچ‌کس این ویژگی را مشترک نساخته‌ایم.»[7]

يَٰزَكَرِيَآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسْمُهُۥ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَل لَّهُۥ مِن قَبْلُ سَمِيًّا [7]

گفت: «ای سرپرست من، چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که همسرم نازا است و من در سالخوردگی به نهایت فرسودگی رسیده‌ام؟»[8]

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِى عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ ٱلْكِبَرِ عِتِيًّا [8]

گفت: «چنین خواهد بود، سرپرست تو گفت: این بر من آسان است، و من پیش‌تر تو را آفریده‌ام، در حالی که چیزی نبودی.»[9]

قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْـًٔا [9]

گفت: «سرپرست من، برای من نشانه‌ای قرار ده.»

قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّىٓ ءَايَةً

گفت: «نشانهٔ تو این است که سه شب تمام با مردم سخن نخواهی گفت.»[10]

قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا [10]

پس از نیایشگاه نزد قوم خود بیرون آمد و به آنان اشاره کرد: «بامدادان و شامگاهان شکوه او را بسرایید.»[11]

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ مِنَ ٱلْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا۟ بُكْرَةً وَعَشِيًّا [11]

«ای یحیی، ضابطه را با نیرو بگیر.»

يَٰيَحْيَىٰ خُذِ ٱلْكِتَٰبَ بِقُوَّةٍ

و ما به او داوری دادیم، در حالی که کودکی خردسال بود،[12]

وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحُكْمَ صَبِيًّا [12]

و نرمی‌ای از سوی ما و پاکی؛

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةً

و محتاط بود.[13]

وَكَانَ تَقِيًّا [13]

و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود، نه ستم‌پیشه بود و نه نافرمان.[14]

وَبَرًّا بِوَٰلِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا [14]

و آرامش بر او باد روزی که زاده شد، روزی که خواهد مرد، و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد.[15]

وَسَلَٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا [15]

و در نوشتار مریم را یاد کن، آنگاه که از کسان خود به جایی در خاور کناره گرفت و دور از آنان پرده‌ای برگرفت.[16]

وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَرْيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا [16] فَٱتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا

آنگاه جریان خود را به سوی او فرستادیم، که به شکل آدمی کامل بر او ظاهر شد.[17]

فَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا [17]

گفت: «همانا از تو خود را در پناه بی‌اندازه مهربان می‌گذارم! اگر محتاط هستی...»[18]

قَالَتْ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا [18]

گفت: «من جز فرستادهٔ سرپرست تو نیستم، تا او پسری پاک به تو عطا کند.»[19] **(93)**

قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمًا زَكِيًّا [19] **(93)**

گفت: «چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که هیچ آدمی مرا لمس نکرده است و من بی‌شرم نبوده‌ام؟»[20]

قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا [20]

گفت: «چنین خواهد بود. سرپرست تو گفت: این بر من آسان است.

قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ

و او را نشانه‌ای برای انسان‌ها و مهربانی‌ای از سوی خود خواهیم گرداند.
وَلِنَجْعَلَهُۥٓ ءَايَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا

این کاری است که پیش‌تر مقرر شده است.»[21]
وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا [21]

او را بار گرفت، سپس با او به جایی دورافتاده کناره گرفت.[22]
فَحَمَلَتْهُ فَٱنتَبَذَتْ بِهِۦ مَكَانًا قَصِيًّا [22]

درد زایمان او را به سوی تنهٔ نخل راند. گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و چیزی فراموش‌شده بودم، فراموش‌شده برای جاودانه!»[23]
فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ قَالَتْ يَٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا [23]

پس از زیر پایش او را ندا داد: «اندوهگین مباش! سرپرست تو زیر تو جویباری نهاده است.[24]
فَنَادَىٰهَا مِن تَحْتِهَآ أَلَّا تَحْزَنِى قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا [24]

و تنهٔ نخل را به سوی خود تکان بده: خرماهای تازهٔ رسیده بر تو فرو خواهد ریخت.[25]
وَهُزِّىٓ إِلَيْكِ بِجِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ تُسَٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا [25]

پس بخور، بنوش، و نگاهت خنک شود.
فَكُلِى وَٱشْرَبِى وَقَرِّى عَيْنًا

پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگو: ‹من برای بی‌اندازه مهربان خودداری‌ای نذر کرده‌ام؛ پس امروز با هیچ آدمی سخن نخواهم گفت.›»[26]
فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِىٓ إِنِّى نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ ٱلْيَوْمَ إِنسِيًّا [26]

پس او را در آغوش گرفته نزد قوم خود آمد.
فَأَتَتْ بِهِۦ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُۥ

گفتند: «ای مریم، همانا به کاری هولناک دست زده‌ای![27]

قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا [27]

ای خواهر هارون، پدرت مردی بد نبود و مادرت نیز زنی بی‌شرم نبود.»[28]

يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ أُمُّكِ بَغِيّٗا [28]

پس به او اشاره کرد.

فَأَشَارَتۡ إِلَيۡهِ

گفتند: «چگونه با کودکی خردسال در گهواره سخن بگوییم؟»[29]

قَالُواْ كَيۡفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا [29]

کودک گفت: «من همانا فرمان‌بردار خدا هستم. او به من نوشتار داد و مرا اطلاع‌دهنده گرداند؛ مرا هر کجا باشم خجسته گرداند، و تا زنده خواهم بود تماس و گشاده‌دستی ناب را به من سفارش کرد، و نیز نیکی به مادرم.[30-31]

قَالَ إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي نَبِيّٗا [30] وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا [31] وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي

و مرا نه ستم‌پیشه گردانید و نه تیره‌بخت.[32]

وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي جَبَّارٗا شَقِيّٗا [32]

و آرامش بر من باد روزی که زاده شدم، روزی که خواهم مرد، و روزی که زنده برانگیخته خواهم شد.»[33]

وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيّٗا [33]

این است عیسی، پسر مریم —

ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ

سخن حقیقت، که دربارهٔ آن به کشمکش درمی‌آیند.[34]

قَوۡلَ ٱلۡحَقِّ ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ [34]

خدا را نسزد که فرزندی برای خود برگیرد.

مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ

شکوه بر او باد!

سُبْحَانَهُ

چون چیزی را مقرر می‌کند، فقط به آن می‌گوید: «باش»،

إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن

و آن هست.[35]

فَيَكُونُ [35]

و خدا همانا سرپرست من و سرپرست شما است؛ پس از او فرمان برید.

وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ

این است جاده‌ای راست.[36]

هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ [36]

اما گروه‌ها میان خود اختلاف کردند.

فَٱخْتَلَفَ ٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَيْنِهِمْ

پس وای بر انکارکنندگان، آنگاه که گواه روزی سترگ خواهند بود![37]

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ [37]

چه خوب خواهند شنید و چه روشن خواهند دید، روزی که نزد ما بیایند!

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا

اما ستمگران امروز در گمراهی آشکارند.[38]

لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ ٱلْيَوْمَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [38]

و آنان را از روز دل‌شکستگی هشدار ده، آنگاه که کار فیصله داده شود، در حالی که در بی‌خبری‌اند و باور نمی‌آورند،[39]

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ ٱلْحَسْرَةِ إِذْ قُضِىَ ٱلْأَمْرُ وَهُمْ فِى غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [39]

زیرا این ما هستیم که از زمین و از کسانی که بر آن‌اند ارث خواهیم برد،

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ ٱلْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

و به سوی ما بازگردانده خواهند شد.[40]

وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ [40]

و در نوشتار ابراهیم را یاد کن: او مردی راست‌گو بود، اطلاع‌دهنده، آنگاه که به پدر خود گفت: «ای پدر من، چرا از آنچه نه می‌شنود و نه روشن می‌بیند و تو را به هیچ کار نمی‌آید فرمان می‌بری؟[41-42]

وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَٰبِ إِبْرَٰهِيمَ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا [41] إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِى عَنكَ شَيْـًٔا [42]

ای پدر من، همانا از دانش چیزی به من آمده است که به تو نرسیده است؛ پس از من پیروی کن، تو را بر جاده‌ای هموار راه خواهم نمود.[43]

يَٰٓأَبَتِ إِنِّى قَدْ جَآءَنِى مِنَ ٱلْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَٱتَّبِعْنِىٓ أَهْدِكَ صِرَٰطًا سَوِيًّا [43]

ای پدر من، منحرف‌کننده را فرمان مبر،

يَٰٓأَبَتِ لَا تَعْبُدِ ٱلشَّيْطَٰنَ

زیرا منحرف‌کننده نسبت به بی‌اندازه مهربان نافرمان است.[44]

إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا [44]

ای پدر من، می‌ترسم که کیفری از بی‌اندازه مهربان به تو برسد، و متحد منحرف‌کننده شوی.»[45]

يَٰٓأَبَتِ إِنِّىٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَٰنِ وَلِيًّا [45]

پدرش گفت: «آیا از ایزدان من روی برمی‌تابی، ای ابراهیم؟

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ ءَالِهَتِي

اگر باز نایستی، بی‌گمان تو را خواهم راند! مدتی دراز از من دور شو.»[46]

لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَٱهْجُرْنِي مَلِيًّا [46] يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ

ابراهیم گفت: «آرامش بر تو. برای تو از سرپرست خود بخشایش خواهم خواست: او همواره با من نیک‌خواه بوده است. من از شما و از آنچه غیر از خدا می‌خوانید جدا می‌شوم، و سرپرست خود را می‌خوانم؛ شاید با خواندن سرپرست خود تیره‌بخت نباشم.»[47-48]

قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّيٓ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيًّا [47] وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدْعُوا۟ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيًّا [48]

چون از آنان و از آنچه غیر از خدا فرمان می‌بردند جدا شد، اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم،

فَلَمَّا ٱعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ

و از هر کدام اطلاع‌دهنده‌ای ساختیم.[49]

وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا [49]

و از مهربانی خود به آنان عطا کردیم، و زبانی راست‌گو و والا برایشان قرار دادیم.[50]

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا [50]

و در نوشتار موسی را یاد کن: او خود را تنها به خدا وامی‌نهاد، و فرستاده‌ای بود، اطلاع‌دهنده.[51] **(94)**

وَٱذْكُرْ فِي ٱلْكِتَٰبِ مُوسَىٰٓ إِنَّهُۥ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا [51] **(94)**

و او را از جانب راست کوه ندا دادیم، و او را در رازگویی نزدیک آوردیم.[52]

وَنَٰدَيْنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَٰهُ نَجِيًّا [52]

و از مهربانی خود برادرش هارون را، اطلاع‌دهنده، به او عطا کردیم.[53]

وَوَهَبْنَا لَهُۥ مِن رَّحْمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيًّا [53]

و در نوشتار اسماعیل را یاد کن: او در وعدهٔ خود راست‌گو بود، و فرستاده‌ای بود، اطلاع‌دهنده. کسان خود را به تماس و گشاده‌دستی ناب دستور می‌داد،[54]

وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَٰبِ إِسْمَٰعِيلَ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا [54] وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ

و نزد سرپرست خود پسندیده بود.[55]

وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرْضِيًّا [55]

و در نوشتار ادریس را یاد کن: او مردی راست‌گو بود، اطلاع‌دهنده،[56]

وَٱذْكُرْ فِى ٱلْكِتَٰبِ إِدْرِيسَ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا [56]

و او را به جایگاهی والا برافراشتیم.[57]

وَرَفَعْنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا [57]

اینان کسانی‌اند که خدا در میان اطلاع‌دهندگان آنان را با دهش‌ها سرشار کرد: از نسل آدم، از کسانی که با نوح برداشتیم، از نسل ابراهیم و اسرائیل، و از میان کسانی که راه نمودیم و برگزیدیم.

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَٱجْتَبَيْنَآ

هرگاه نشانه‌های بی‌اندازه مهربان بر آنان برخوانده می‌شد، پیشانی بر خاک نهاده و گریان می‌افتادند.[58]

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُ ٱلرَّحْمَٰنِ خَرُّوا۟ سُجَّدًا وَبُكِيًّا [58]

سپس نسلی جانشین آنان شد که تماس را تباه گذاشت و از هوس‌ها پیروی کرد: پس به سرگشتگی خواهند رسید — مگر آنکه پشیمانی کند، باور آورد و کردار شایسته به‌جا آورد؛ اینان به باغ درآورده خواهند شد و هیچ ستمی نخواهند دید: باغ‌های پایایی که بی‌اندازه مهربان به فرمان‌برداران خود وعده داده است، هرچند از حواس‌شان بیرون باشد؛ (95) 59-60

فَخَلَفَ مِنۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا 59 إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْـًٔا 60 جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِى وَعَدَ ٱلرَّحْمَٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلْغَيْبِ (95)

زیرا وعدهٔ او مقدر شده است که به انجام رسد.[61]

إِنَّهُۥ كَانَ وَعْدُهُۥ مَأْتِيًّا 61

در آن‌جا هیچ بیهودگی نخواهند شنید،

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

جز: «آرامش!»

إِلَّا سَلَٰمًا

و در آن‌جا بامدادان و شامگاهان روزی خود را خواهند داشت.[62]

وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا 62

این است باغی که از میان فرمان‌برداران خود به آن کسی را که محتاط بود به ارث خواهیم داد.[63]

تِلْكَ ٱلْجَنَّةُ ٱلَّتِى نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا 63

«ما جز به دستور سرپرست تو فرود نمی‌آییم.

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ

آنچه پیش روی ما است، آنچه پشت سر ما است و آنچه میان این دو است از آنِ او است.

لَهُۥ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ

و سرپرست تو فراموشکار نیست.»[64]

وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا [64]

سرپرست آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است: پس از او فرمان بر و در فرمان بردن از او پایدار باش.

رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَٱعْبُدْهُ وَٱصْطَبِرْ لِعِبَٰدَتِهِۦ

آیا کسی را می‌شناسی که ویژگی او را با او مشترک داشته باشد؟[65]

هَلْ تَعْلَمُ لَهُۥ سَمِيًّا [65]

و انسان می‌گوید: «آیا چون بمیرم، به‌راستی زنده بیرون آورده خواهم شد؟»[66]

وَيَقُولُ ٱلْإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا [66]

آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما پیش‌تر او را آفریدیم، در حالی که چیزی نبود؟[67]

أَوَلَا يَذْكُرُ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْـًٔا [67]

به سرپرست تو، بی‌گمان آنان را و منحرف‌کنندگان را گرد خواهیم آورد؛ سپس بی‌گمان آنان را گرداگرد جهنم، بر زانوها، حاضر خواهیم کرد.[68]

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا [68]

سپس از هر دسته، بی‌گمان کسانی را که بر بی‌اندازه مهربان سرکش‌تر بودند بیرون خواهیم کشید.[69]

ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا [69]

سپس این ما هستیم که بهتر می‌دانیم چه کسی سزاوارتر است که در آن بسوزد.[70]

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِٱلَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا [70]

و هیچ‌یک از شما نیست مگر آنکه بر آن درآید: این برای سرپرست تو حکمی بازگشت‌ناپذیر است.[71]

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا [71]

سپس کسانی را که محتاط بودند نجات خواهیم داد، و ستمگران را در آن، بر زانوها، وا خواهیم گذاشت.[72]

ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا [72]

و چون نشانه‌های روشن ما بر آنان برخوانده می‌شود، انکارکنندگان به باورمندان می‌گویند: «کدام‌یک از دو گروه جایگاه بهتر و مجلس زیباتر دارد؟»[73]

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا [73]

چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم، که در دارایی و نمود زیباتر بودند![74]

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَٰثًا وَرِءْيًا [74]

بگو: «هر که در گمراهی است، بی‌اندازه مهربان به او مهلتی دراز دهد،

قُلْ مَن كَانَ فِى ٱلضَّلَٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ مَدًّا

تا آنگاه که آنچه را به آنان وعده داده شده است ببینند — یا کیفر یا آن لحظه — بدانند چه کسی بدترین جایگاه را دارد و چه کسی در سپاه ناتوان‌تر است.»[75]

حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوْاْ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلْعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا [75]

و خدا راهنمایی کسانی را که راهنمایی پذیرفتند می‌افزاید.

وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْاْ هُدًى

و کردارهای پایدار و شایسته نزد سرپرست تو در عوض بهترین‌اند و در بازگشتی که می‌دهند بهترین.[76]

وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا [76]

آیا کسی را دیده‌ای که نشانه‌های ما را انکار کرد و گفت: «بی‌گمان به من دارایی و فرزندان داده خواهد شد»؟ آیا به آنچه فراتر از حواس است نفوذ کرده، یا از بی‌اندازه مهربان پیمانی گرفته است؟ نه![77-78]

أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى كَفَرَ بِـَٔايَـٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿77﴾ أَطَّلَعَ ٱلْغَيْبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَـٰنِ عَهْدًا ﴿78﴾ كَلَّا

آنچه می‌گوید خواهیم نگاشت و کیفر را برایش دراز خواهیم کرد.[79]

سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلْعَذَابِ مَدًّا ﴿79﴾

و از آنچه می‌گوید ارث خواهیم برد، و او تنها نزد ما خواهد آمد.[80]

وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿80﴾

و غیر از خدا ایزدانی برگرفته‌اند تا برایشان نیرویی باشند. نه![81]

وَٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لِّيَكُونُوا۟ لَهُمْ عِزًّا ﴿81﴾ كَلَّا

آن‌ها فرمان‌برداری‌شان را انکار خواهند کرد و در برابرشان خواهند ایستاد.[82]

سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿82﴾

آیا ندیده‌ای که ما منحرف‌کنندگان را بر انکارکنندگان رها کردیم، و آنان را بی‌وقفه می‌شورانند؟[83]

أَلَمْ تَرَ أَنَّآ أَرْسَلْنَا ٱلشَّيَـٰطِينَ عَلَى ٱلْكَـٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿83﴾

پس در برابر آنان شتاب مکن:

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ

ما تنها برایشان می‌شماریم، یک‌به‌یک.[84]

إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿84﴾

روزی که محتاطان را به سوی بی‌اندازه مهربان، در هیئت نمایندگان، گرد آوریم، و کنارگذاشته‌شدگان را به سوی جهنم ببریم، به‌صورت درآمدن.[85-86]

يَوْمَ نَحْشُرُ ٱلْمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحْمَٰنِ وَفْدًا [85] وَنَسُوقُ ٱلْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا [86]

هیچ میانجی‌گری‌ای در اختیار نخواهند داشت، مگر آنکه نزد بی‌اندازه مهربان پیمانی بسته باشد.[87]

لَّا يَمْلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَٰنِ عَهْدًا [87]

و گفتند: «بی‌اندازه مهربان فرزندی برای خود برگرفته است.»[88]

وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحْمَٰنُ وَلَدًا [88]

همانا به کاری شگرف دست زده‌اید! نزدیک است آسمان‌ها از آن شکافته شوند، زمین بدرد و کوه‌ها فرو ریزند — برای آنکه به بی‌اندازه مهربان فرزندی نسبت دادند.[89-91]

لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْـًٔا إِدًّا [89] تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ ٱلْأَرْضُ وَتَخِرُّ ٱلْجِبَالُ هَدًّا [90] أَن دَعَوْاْ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا [91]

بی‌اندازه مهربان را نسزد که فرزندی برای خود برگیرد.[92]

وَمَا يَنۢبَغِى لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا [92]

در آسمان‌ها و زمین هیچ‌کس نیست مگر آنکه فرمان‌بردار نزد بی‌اندازه مهربان می‌آید.[93]

إِن كُلُّ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّآ ءَاتِى ٱلرَّحْمَٰنِ عَبْدًا [93]

او همانا آنان را برشمرده و یک‌به‌یک شمرده است.[94]

لَّقَدْ أَحْصَىٰهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا [94]

و هر یک از آنان در روز حضور تنها نزد او خواهد آمد.[95]

وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَرْدًا [95]

برای کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، بی‌اندازه مهربان همانا دوستی عطا خواهد کرد.[96]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا [96]

ما آن را به زبان تو آسان نساختیم جز برای آنکه محتاطان را به آن مژده دهی و قومی سرسخت را به آن هشدار دهی.[97]

فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا [97]

چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم! آیا از آنان یکی را درمی‌یابی، یا از آنان کمترین زمزمه‌ای می‌شنوی؟[98]

وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا [98]

III

# الر ۰ المر

## روایت‌هایی که نوشتار را تأیید می‌کنند

سوره‌ها 18 تا 10

پس از یادآوری به پسران اسرائیل، جامعهٔ استقراریافته نشانه‌ها و روایت پیشینیان را دریافت می‌کند، و این روایت‌ها روایت تبعیدیان‌اند: کسانی که قوم خود را ترک می‌کنند، به بیرون‌راندن تهدید می‌شوند یا دور از کسانشان فروخته می‌شوند، و خدا آنان را جای دیگری ساکن می‌کند. بخش با جوانانی گشوده می‌شود که به یکدیگر می‌گویند: «به غار پناه برید: سرپرست شما از مهربانی خود بر شما خواهد گسترد» (18:16)، با دو یتیم که گنجشان نگه داشته می‌شود، و با فرستاده‌ای که باید بگوید جز انسانی نیست (18). او شبانه از جای پیشانی بر خاک نهادنی به جای دیگر سفر می‌کند، فرمان‌های فرزانگی را دریافت می‌کند و درمی‌یابد که نزدیک بود از سرزمینش بیرونش کنند (17)؛ دستور خدا آمده است، مهاجرانِ آزاردیده جایگاهی نیکو می‌یابند، و او باید هنگام خواندن پناه خدا را بجوید (16). شش سورهٔ دارای حروف از پی می‌آیند: یادآوریِ پاسداری‌شده و لوط که از مهمانانش دفاع می‌کند (15)، فرستادگانی که به بیرون‌راندن تهدید می‌شوند و ابراهیم که بخشی از اعقابش را «در دره‌ای بی‌کشت، نزدیک خانهٔ تو که مصون از تعرّض گردانده شده است» (14:37) ساکن می‌کند، کفی که از میان می‌رود (13)، سپس یوسفِ فروخته، زندانی و استقراریافته که کسانش را می‌پذیرد (12). سورهٔ 11 فرستادگانی را از پی هم می‌آورد که همه یک سخن می‌گویند، از نوح تا موسی، و می‌گوید چرا آنان را برایش بازمی‌گویند: این «همان است که آگاهی تو را با آن استوار می‌سازیم» (11:120). بخش با سورهٔ 10 بسته می‌شود: از او می‌خواهند خوانش را تغییر دهد، پاسخ می‌دهد که جز از آنچه به او پرده برداشته می‌شود پیروی نمی‌کند، موسی را می‌بینند که برای قومش خانه‌ها برپا می‌کند، و درمی‌یابد که هیچ‌کس را به باور آوردن وادار نمی‌کند. سورهٔ 12 می‌گوید که این روایت برساخته نیست: «تأیید آنچه پیش از آن است، تفصیل هر چیز» (12:111).

### مرحله 4 · نشانه‌های فرستاده‌شده، روایت پیشینیان

چهار سوره با «اینها نشانه‌های نوشتار» (10:1، 12:1، 13:1، 15:1) گشوده می‌شوند، و روایت‌های فرستادگانِ پیشین می‌آیند تا کسی را که آن‌ها را می‌شنود استوار سازند (11:120). این‌ها روایت‌های تبعید و پذیرش‌اند: غاری که جوانانی در آن پناه می‌گیرند، لوط که از مهمانانش دفاع می‌کند و شبانه می‌رود، ابراهیم که کسانش را نزدیک خانه ساکن می‌کند و می‌خواهد که دل‌ها به سوی آنان تمایل یابند، یوسفِ فروخته‌شده که سرانجام پدر و مادرش را «در امنیت» (12:99) می‌پذیرد، موسی که برای قومش خانه‌ها برپا می‌کند. به کسانی که به بیرون‌راندن تهدید می‌شوند، وعده این است: «و شما را بی‌گمان پس از آنان در این زمین ساکن خواهیم گرداند» (14:14).

### آنچه بر مردم می‌گذرد

مردمان این روایت‌ها پناهندگان‌اند: جوانان غار که اگر یافته شوند در خطر رانده شدن یا بازگردانده شدن به‌زور به مکتب قومشان‌اند، فرستاده‌ای که نزدیک بود از سرزمینش بیرونش کنند، فرستادگانی که به آنان گفته می‌شود: «ما شما را بی‌گمان از زمین خود بیرون خواهیم کرد، یا به مکتب ما بازخواهید گشت!» (14:13). کودکان در پیش‌زمینه‌اند: کودکی که او را «به بهایی کاسته فروختند، چند سکهٔ شمرده» (12:20)، دو یتیم که دیواری از میراثشان پاسداری می‌کند، دختری که در خواستنش درنگ می‌کنند، و فرمانِ نکشتن فرزندان از بیم کمبود و نزدیک نشدن به دارایی یتیم پیش از رسیدن او به کمال رشد (17:31، 17:34). دادگری با اندازه‌ها گفته می‌شود: شعیب ترازو را «با برابری‌ورزی» (11:85) می‌خواهد، یوسف آذوقهٔ سرزمینی قحطی‌زده را پخش می‌کند، و تلافی باید «همان‌اندازه دقیق آنچه بر شما رفته است» (16:126) بماند. آرامش به پیمان‌ها و به نبودِ اجبار وابسته است: سوگندها را میان جامعه‌ها وسیلهٔ فریب نساختن، و این پرسش که مأموریت را محدود می‌کند: «آیا تو هستی که انسان‌ها را وادار می‌کنی باورمند شوند؟» (10:99).

---

*الف لام را (10:1)، سپس: «اینها نشانه‌های نوشتار سرشار از فرزانگی‌اند» (10:1).*

# الكهف • AL-KAHF

سوره 18 · 110 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ستایش از آنِ خدا است، که بر فرمان‌بردار خود نوشتار را فرود آورد و در آن هیچ کجی نهاد،[1]

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ٱلْكِتَٰبَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُۥ عِوَجَا [1]

راست — تا از سختگیریِ سخت از سوی او هشدار دهد، و به باورمندانی که کردارهای شایسته به‌جا می‌آورند مژده دهد که پاداشی نیکو خواهند داشت، که در آن جاودانه خواهند ماند، و تا کسانی را هشدار دهد که گفتند: «خدا فرزندی برای خود برگرفته است.»[2–4]

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا [2] مَّٰكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا [3] وَيُنذِرَ ٱلَّذِينَ قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا [4]

نه آنان از آن دانشی دارند و نه نیاکان‌شان.

مَّا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِءَابَآئِهِمْ

چه سنگین است سخنی که از دهان‌شان بیرون می‌آید!

كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَٰهِهِمْ

مگر دروغ نمی‌گویند.[5]

إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا [5]

شاید اگر به این گفتار باور نیاورند، تو از اندوه، بر جای پای آنان، خود را تباه کنی.[6]

فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَسَفًا [6]

آنچه را بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم: کدام‌یک از ایشان بهتر کنش می‌کند.[7]

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا [7]

و بی‌گمان آنچه را بر آن است زمینی برهنه و خشک خواهیم گردانید.[8]

وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا [8]

یا پنداشته‌ای که همنشینان غار و رقیم، در میان نشانه‌های ما، چیزی شگفت بودند؟[9]

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْكَهْفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُوا۟ مِنْ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا [9]

آنگاه که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: «ای سرپرست ما، از سوی خود مهربانی‌ای به ما عطا کن و برای ما در کارمان راه راستی فراهم آور.»[10]

إِذْ أَوَى ٱلْفِتْيَةُ إِلَى ٱلْكَهْفِ فَقَالُوا۟ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا [10]

پس در غار، سال‌هایی شمرده‌شده بر گوش‌هایشان بستیم؛ سپس آنان را برانگیختیم تا بازشناسیم کدام‌یک از دو گروه فاصله‌ای را که درنگ کرده بودند بهتر برمی‌شمارد.[11-12]

فَضَرَبْنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمْ فِى ٱلْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا [11] ثُمَّ بَعَثْنَٰهُمْ لِنَعْلَمَ أَىُّ ٱلْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓا۟ أَمَدًا [12]

ما اطلاع آنان را به حقیقت بر تو حکایت می‌کنیم:

نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِٱلْحَقِّ

آنان جوانانی بودند که به سرپرست خود باور آوردند و ما راهنمایی‌شان را افزودیم.[13]

إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَٰهُمْ هُدًى [13]

و هسته‌هایشان را بستیم، آنگاه که برخاستند و گفتند: «سرپرست ما سرپرست آسمان‌ها و زمین است؛ هرگز غیر از او ایزدی را نخواهیم خواند — در آن صورت همانا سخنی بس گزاف می‌گفتیم.[14]

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا۟ فَقَالُوا۟ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَا۟ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ إِذًا شَطَطًا [14]

اینان قوم ما هستند که غیر از او ایزدانی برگرفته‌اند: چرا دربارهٔ آن‌ها حجتی روشن نمی‌آورند؟

هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمُنَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ لَّوۡلَا يَأۡتُونَ عَلَيۡهِم بِسُلۡطَٰنِۭ بَيِّنٖۖ

پس چه کسی ستمگرتر است از آنکه بر خدا دروغی برمی‌سازد؟[15]

فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا [15]

و چون از آنان و از آنچه فرمان می‌برند، مگر خدا، جدا شده‌اید، به غار پناه برید: سرپرست شما از مهربانی خود بر شما خواهد گسترد و در کارتان برای شما پشتیبانی فراهم خواهد کرد.»[16]

وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا [16]

و می‌دیدی خورشید را که هنگام برآمدن از غارشان به راست کناره می‌گیرد، و هنگام فرو رفتن، از چپ آنان را می‌ساید و ترکشان می‌کند، در حالی که آنان در گشادگاهی از غار بودند.

وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ مِّنۡهُ

این از نشانه‌های خدا است.

ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ

هر که را خدا راه نماید، او است که راهنمایی می‌پذیرد،

مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِ

و کسی را که او گمراه کند، هرگز برایش متحدی که او را کاردان کند نخواهی یافت.[17]

وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا [17]

و آنان را بیدار می‌پنداشتی، در حالی که خفته بودند.

وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ رُقُودٞ

و ما آنان را به راست و به چپ می‌گرداندیم، در حالی که سگ‌شان با دست‌های گشوده بر آستانه بود.

وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ ٱلْيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَٰسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِٱلْوَصِيدِ

اگر آنان را دیده بودی، بی‌گمان پشت به آنان می‌کردی و می‌گریختی، و از آنان سرشار از هراس می‌شدی.[18]

لَوِ ٱطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا [18]

چنین آنان را برانگیختیم، تا از یکدیگر بپرسند.

وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوا۟ بَيْنَهُمْ

یکی از ایشان گفت: «چه مدت درنگ کرده‌اید؟»

قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ

گفتند: «یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کرده‌ایم.»

قَالُوا۟ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

گفتند: «سرپرست شما بهتر می‌داند چه مدت درنگ کرده‌اید؛ پس یکی از خودتان را با این پول خود به پایتخت برانگیزید، و بنگرد که کدام خوراک‌هایش پاک‌تر است، و روزی‌ای از آن برایتان بیاورد، و با ملایمت رفتار کند،

قَالُوا۟ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَٱبْعَثُوٓا۟ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَآ أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ

و حضور شما را به هیچ‌کس آگاه نکند،[19]

وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا [19]

زیرا اگر شما را بیابند، برانندتان، یا به مکتب خود بازتان گردانند، و آنگاه دیگر هرگز کامیاب نخواهید شد.»[20]

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا۟ عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِى مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوٓا۟ إِذًا أَبَدًا [20]

چنین کردیم که مردم بر آنان بیفتند، تا بدانند که وعدهٔ خدا درست است و آن لحظه هیچ تردیدی ندارد،

وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوٓاْ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَآ

آنگاه که میان خود دربارهٔ کارشان ستیزه می‌کردند و گفتند: «بر آنان بنایی بسازید» —

إِذْ يَتَنَٰزَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُواْ ٱبْنُواْ عَلَيْهِم بُنْيَٰنًا

سرپرست‌شان آنان را بهتر می‌شناسد.

رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ

کسانی که در این کار چیره شدند گفتند: «بی‌گمان بر آنان جای پیشانی بر خاک نهادن برخواهیم گرفت.»[21]

قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا [21]

خواهند گفت: «سه، چهارمین‌شان سگ‌شان»،

سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ

و خواهند گفت: «پنج، ششمین‌شان سگ‌شان»، فراتر از حواس را پرتاب کنان،

وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًۢا بِٱلْغَيْبِ

و خواهند گفت: «هفت»،

وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ

هشتمین‌شان سگ‌شان.

وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ

بگو: «سرپرست من شمارشان را بهتر می‌داند»؛

قُل رَّبِّىٓ أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم

کسی آنان را نمی‌داند، مگر اندکی.

مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ

پس دربارهٔ آنان جز با ستیزی آشکار ستیزه مکن، و دربارهٔ آنان از هیچ‌یک از ایشان پرسش مکن.[22]

فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَآءً ظَٰهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا [22]

و دربارهٔ هیچ چیز هرگز مگو: «این را فردا خواهم کرد»، مگر آنکه خدا را پسند افتد.[23]

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا [23] إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ

و چون فراموش می‌کنی سرپرست خود را به یاد آور،

وَٱذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ

و بگو: «شاید سرپرست من مرا به راستی‌ای نزدیک‌تر از این راه نماید.»[24]

وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا [24]

و در غار خود سیصد سال ماندند و نه سال افزودند.[25]

وَلَبِثُواْ فِى كَهْفِهِمْ ثَلَٰثَ مِاْئَةٍ سِنِينَ وَٱزْدَادُواْ تِسْعًا [25]

بگو: «خدا بهتر می‌داند چه مدت ماندند:

قُلِ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُواْ

آنچه در آسمان‌ها و زمین فراتر از حواس است از آنِ او است.

لَهُۥ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

چه روشن می‌بیند و چه خوب می‌شنود!

أَبْصِرْ بِهِۦ وَأَسْمِعْ

آنان غیر از او هیچ متحدی ندارند،

مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ

و او هیچ‌کس را در داوری خود انباز نمی‌گیرد.»[26]

وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِۦٓ أَحَدًا [26]

و آنچه را از نوشتار سرپرست تو برایت پرده برداشته شده است برخوان: هیچ‌کس نمی‌تواند سخنان او را دگرگون کند،

وَٱتْلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ

و غیر از او هیچ پناهگاهی نخواهی یافت.[27]

وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا [27]

و با پایداری خود را با کسانی نگه دار که سرپرست خود را بامداد و شامگاه می‌خوانند، سوی او را می‌خواهند،

وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ

و چشمانت از آنان فراتر نرود، زیور زندگی نزدیک را بخواهد؛

وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

و به کسی گردن منه که هسته‌اش را از یادآوری ما بی‌توجه گردانیده‌ایم، که از هیجان خود پیروی کرده و کارش زیاده‌روی است.[28]

وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُۥ عَن ذِكْرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمْرُهُۥ فُرُطًا [28]

و بگو: «حقیقت از سرپرست شما می‌آید: آنکه می‌خواهد باور آورد، و آنکه می‌خواهد انکار کند.»

وَقُلِ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَآءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَآءَ فَلْيَكْفُرْ

زیرا برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که حصارش آنان را در میان می‌گیرد.

إِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا

و اگر یاری بخواهند، با آبی همانند فلز گداخته که چهره‌ها را می‌سوزاند به یاری‌شان خواهند آمد.

وَإِن يَسْتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٍ كَٱلْمُهْلِ يَشْوِى ٱلْوُجُوهَ

چه نوشیدنی ناپسندی!

بِئْسَ ٱلشَّرَابُ

و چه جایگاه آسایش بدی![29]

وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا [29]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند — ما پاداش آن‌که نیکو کنش می‌کند تباه نمی‌گذاریم.[30]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا [30]

اینان کسانی‌اند که باغ‌های پایایی را خواهند داشت؛ زیر آن‌ها رودها جاری است؛ در آن‌جا با دست‌بندهایی از زر آراسته خواهند شد و جامه‌های سبز از ابریشم نازک و دیبا خواهند پوشید، تکیه‌زده بر تخت‌های پرآرایه.

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ

چه عوض نیکویی!

نِعْمَ ٱلثَّوَابُ

و چه جایگاه آسایش زیبایی![31]

وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا [31]

و برای آنان مثلی بزن: دو مرد؛ برای یکی از آن دو دو باغ از تاک ساختیم، و گرداگردشان را با نخلستان‌ها فراگرفتیم، و میان آن دو کشتزارها نهادیم.[32]

وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَٰبٍ وَحَفَفْنَٰهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا [32]

هر یک از آن دو باغ بی‌آنکه در چیزی ستم کند خوراک خود را داد،

كِلْتَا ٱلْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْـًٔا

و رودی را میان آن دو روان ساختیم؛ و او دارایی‌هایی بارور داشت.(96) [33]

وَفَجَّرْنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرًا [33] وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٌ(96)

به همنشین خود، در حالی که با او گفت‌وگو می‌کرد، گفت: «من از تو دارایی بیشتری دارم و در شمار نیرومندترم.» [34]

فَقَالَ لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا [34]

و به باغ خود درآمد، ستمگر بر خویشتن،

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ

و گفت: «گمان نمی‌کنم این هرگز نابود شود، و گمان نمی‌کنم که آن لحظه برپا شود؛ و حتی اگر به سوی سرپرست خود بازگردانده شوم، بی‌گمان بهتر از این باغ را به‌عنوان بازگشت‌گاه خواهم یافت.» [35-36]

قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدًا [35] وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّى لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا [36]

همنشینش در حالی که با او گفت‌وگو می‌کرد به او گفت: «آیا انکار می‌کنی آن‌که تو را از خاک آفرید، سپس از نطفه‌ای، سپس تو را مردی کامل ساخت؟ [37]

قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرْتَ بِٱلَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلًا [37]

اما من، او خدا است، سرپرست من، و من هیچ‌کس را انباز سرپرست خود نمی‌گیرم. [38]

لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ بِرَبِّىٓ أَحَدًا [38]

و چرا هنگام درآمدن به باغ خود نگفتی: ‹این است آنچه خدا را پسند افتاده است! هیچ نیرویی نیست مگر در خدا!› —

وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ

اگر مرا می‌بینی که از تو دارایی و فرزند کمتر دارم، شاید سرپرست من بهتر از باغ تو به من عطا کند، و از آسمان بر آن بلایی سنجیده بفرستد، چندان که زمینی لغزنده و برهنه شود، یا آبش فرو رود، بی‌آنکه هرگز بتوانی آن را بازیابی.»[41–39]

إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا [39] فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا [40] أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا [41]

و دارایی‌های باورش در میان گرفته شد، چندان که کف دستان خود را به‌خاطر آنچه در آن خرج کرده بود زیر و رو می‌کرد، در حالی که باغ با وجود بناهایش تهی بود، و می‌گفت: «کاش هیچ‌کس را انباز سرپرست خود نگرفته بودم!»[42] (97)

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّىٓ أَحَدًا [42] (97)

و غیر از خدا هیچ گروهی نداشت که او را یاری کند،

وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ

و نتوانست خود را یاری کند.[43]

وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا [43]

آن‌جا، متحد بودن از آنِ خدا است، حقیقت.

هُنَالِكَ ٱلْوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلْحَقِّ

او در عوض بهترین است و در فرجام بهترین.[44]

هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا [44]

و برای آنان مثل زندگی نزدیک را بزن: مانند آبی است که از آسمان فرود می‌آوریم؛ گیاهان زمین با آن درمی‌آمیزد، سپس کاهی می‌شود که بادها پراکنده‌اش می‌کنند —

وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ ٱلرِّيَٰحُ

خدا بر هر چیز توانا است.[45]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا [45]

دارایی‌ها و پسران زیور زندگی نزدیک‌اند؛

ٱلْمَالُ وَٱلْبَنُونَ زِينَةُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

و کردارهای پایدار و شایسته نزد سرپرست تو در عوض بهترین‌اند و در امید بهترین.[46]

وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا [46]

و روزی که کوه‌ها را به جنبش درآوریم، و زمین را برهنه ببینی، و آنان را گرد آوریم بی‌آنکه کسی را فروگذاریم.[47]

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ وَتَرَى ٱلْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا [47]

و در صف در برابر سرپرست تو عرضه خواهند شد:

وَعُرِضُواْ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا

«همانا چنان به سوی ما آمده‌اید که شما را نخستین بار آفریدیم؛

لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

اما می‌پنداشتید که برای شما هرگز وعده‌گاهی نخواهیم نهاد.»[48]

بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا [48]

و دفتر نهاده خواهد شد، و کنارگذاشته‌شدگان را خواهی دید که از آنچه در آن است هراسان‌اند،

وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ

و خواهند گفت: «وای بر ما! این دفتر را پس چه شده است که هیچ چیز کوچک و بزرگی را فرو نمی‌گذارد مگر آنکه شمرده است!»

وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحْصَىٰهَا

و آنچه را کرده‌اند حاضر خواهند یافت،

وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرًا

و سرپرست تو بر هیچ‌کس ستم نمی‌کند.[49]

وَلَا يَظۡلِمُ رَبُّكَ أَحَدٗا [49]

و چون به کارگزاران گفتیم: «در برابر آدم پیشانی بر خاک نهید»، پیشانی بر خاک نهادند،

وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ

مگر ابلیس: او از نهانیان بود و از دستور سرپرست خود تجاوز کرد.

إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓ

آیا پس او و نسلش را غیر از من متحدانی برمی‌گزیدید، در حالی که برای شما دشمن‌اند؟

أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ عَدُوُۢ

چه عوض ناپسندی برای ستمگران![50]

بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا [50]

من آنان را بر آفرینش آسمان‌ها و زمین گواه نگرفتم و نه بر آفرینش خودشان، و هرگز گمراه‌کنندگان را بازو نگرفتم.[51]

مَّآ أَشۡهَدتُّهُمۡ خَلۡقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَا خَلۡقَ أَنفُسِهِمۡ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلۡمُضِلِّينَ عَضُدٗا [51]

و روزی که او خواهد گفت: «انبازان مرا که می‌پنداشتید بخوانید»، آنان را خواهند خواند، اما ایشان پاسخی به آنان نخواهند داد؛ و ما میان آنان جایگاه نابودی خواهیم نهاد.[52]

وَيَوۡمَ يَقُولُ نَادُواْ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُم مَّوۡبِقٗا [52]

و کنارگذاشته‌شدگان آتش را خواهند دید و خواهند پنداشت که در آن خواهند افتاد، بی‌آنکه هیچ راه گریزی از آن بیابند.[53]

وَرَءَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمۡ يَجِدُواْ عَنۡهَا مَصۡرِفٗا [53]

همانا در این خوانش برای انسان‌ها از هر گونه مثلی گوناگون آوردیم؛

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ

اما انسان بیش از هر چیز به جدل گرایش دارد.[54]

وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا [54]

و چیزی انسان‌ها را از باور آوردن، آنگاه که راهنمایی به سویشان آمد، و از درخواست بخشایش از سرپرست‌شان بازنمی‌دارد، مگر اینکه رسم پیشینیان بر آنان بیاید، یا کیفر رودررو بر آنان بیاید.[55]

وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُواْ رَبَّهُمْ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ ٱلْعَذَابُ قُبُلًا [55]

فرستادگان را جز مژده‌دهنده و هشداردهنده نمی‌فرستیم؛

وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ

و انکارکنندگان به ناراست جدل می‌کنند تا با آن حقیقت را رد کنند،

وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُواْ بِهِ ٱلْحَقَّ

و نشانه‌های مرا، و آنچه را از آن هشدار داده شدند، به ریشخند گرفتند.[56]

وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوًا [56]

و پس چه کسی ستمگرتر است از آن‌که نشانه‌های سرپرستش به او یادآوری شود و از آن روی برتابد، و آنچه را دستانش پیش بردند فراموش کند؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

بر هسته‌هایشان پوشش‌هایی نهادیم تا آن را درنیابند، و در گوش‌هایشان سنگینی؛

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا

و اگر آنان را به راهنمایی بخوانی، هرگز راهنمایی نخواهند پذیرفت.[57]

وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ فَلَن يَهْتَدُوٓاْ إِذًا أَبَدًا [57]

سرپرست تو بسیار بخشاینده است، دارندهٔ مهربانی؛
وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِ

اگر می‌خواست آنان را به‌سبب آنچه به دست آورده‌اند بگیرد، کیفر را برایشان شتاب می‌داد؛
لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا۟ لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلْعَذَابَ

اما وعده‌گاهی دارند که غیر از او هیچ پناهگاهی در آن نخواهند یافت.[58]
بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا۟ مِن دُونِهِۦ مَوْئِلًا [58]

و این شهرها را، آنگاه که ستم کردند، نابود کردیم، و برای نابودی‌شان وعده‌گاهی نهادیم.[59]
وَتِلْكَ ٱلْقُرَىٰٓ أَهْلَكْنَٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا [59]

و آنگاه که موسی به جوان همنشین خود گفت: «از پای نمی‌نشینم تا به محل به‌هم‌رسیدن دو دریا برسم، هرچند مدتی دراز بروم.»[60]
وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِىَ حُقُبًا [60]

چون به محل به‌هم‌رسیدن دو دریا رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند، که آنگاه راه خود را در دریا گرفت، چون سرابی که ناپدید می‌شود.[61]
فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِى ٱلْبَحْرِ سَرَبًا [61]

چون از آن گذشتند، به جوان همنشین خود گفت: «خوراک ما را بیاور؛ همانا در این سفر خستگی بسیار دیدیم.»[62]
فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا [62]

گفت: «دیدی؟ چون نزد صخره پناه گرفتیم، همانا ماهی را فراموش کردم —
قَالَ أَرَءَيْتَ إِذْ أَوَيْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ فَإِنِّى نَسِيتُ ٱلْحُوتَ

و تنها منحرف‌کننده آن را از یاد من برد، چندان که یادآوری‌اش به خاطرم نرسید —
وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيْطَٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُۥ

و راه خود را در دریا گرفت،

وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِى ٱلْبَحْرِ

به شگفتی!»[63]

عَجَبًا [63]

گفت: «این است آنچه می‌جستیم.»

قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ

آنگاه بر جای پای خود بازگشتند، در پی آن‌ها، و فرمان‌برداری از فرمان‌برداران ما را یافتند که او را مهربانی‌ای از سوی خود عطا کرده بودیم و از سوی خود دانشی به او آموخته بودیم.[64-65]

فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا [64] فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ ءَاتَيْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا [65]

موسی به او گفت: «آیا می‌توانم از تو پیروی کنم، به این شرط که از آنچه به تو آموخته شده است راستی‌ای به من بیاموزی؟»[66]

قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا [66]

گفت: «تو هرگز نخواهی توانست با من شکیبا باشی.[67]

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا [67]

و چگونه شکیبا می‌بودی بر آنچه به تجربه در میان نمی‌گیری؟»[68]

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا [68]

گفت: «اگر خدا را پسند افتد، مرا شکیبا خواهی یافت،

قَالَ سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا

و در هیچ چیز از تو نافرمانی نخواهم کرد.»[69]

وَلَآ أَعْصِى لَكَ أَمْرًا [69]

گفت: «پس اگر از من پیروی می‌کنی، از هیچ چیز از من مپرس، پیش از آنکه خود از آن برایت یاد کنم.»[70]

قَالَ فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِى فَلَا تَسْـَٔلْنِى عَن شَىْءٍ حَتَّىٰٓ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا [70]

پس رفتند، تا آنگاه که بر کشتی سوار شدند: او آن را سوراخ کرد.

فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا

گفت: «آیا آن را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ همانا به کاری بس سنگین دست زده‌ای!»[71]

قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا [71]

گفت: «آیا به تو نگفتم که هرگز نخواهی توانست با من شکیبا باشی؟»[72]

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا [72]

گفت: «مرا به‌سبب آنچه فراموش کردم مگیر، و مرا در کارم به دشواری مفکن.»[73]

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِى بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِى مِنْ أَمْرِى عُسْرًا [73]

پس رفتند، تا آنگاه که با پسری جوان روبه‌رو شدند: او را کشت. گفت: «آیا خویشتنی پاک را کشتی، بی‌آنکه برای خویشتنی دیگر باشد؟ همانا به کاری ناشنیده دست زده‌ای!»[74]

فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا [74]

گفت: «آیا به تو نگفتم که هرگز نخواهی توانست با من شکیبا باشی؟»[75]

قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا [75]

گفت: «اگر پس از این از تو دربارهٔ چیزی دوباره بپرسم، با من همراهی مکن؛ آنگاه از سوی من عذری خواهی داشت.»[76]

قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن شَىْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصَٰحِبْنِى قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّى عُذْرًا [76]

پس رفتند، تا آنگاه که به مردم شهری رسیدند و از آنان خوراک خواستند؛ اما ایشان از پذیرایی‌شان سر باز زدند. در آن‌جا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد، و او آن را راست کرد.

فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهۡلَ قَرۡيَةٍ ٱسۡتَطۡعَمَآ أَهۡلَهَا فَأَبَوۡاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارٗا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥ

گفت: «اگر می‌خواستی، می‌توانستی برای آن پاداشی بگیری.»[77]

قَالَ لَوۡ شِئۡتَ لَتَّخَذۡتَ عَلَيۡهِ أَجۡرٗا [77]

گفت: «این است جدایی میان تو و من؛

قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيۡنِي وَبَيۡنِكَ

تو را از پیش‌گفتهٔ آنچه نتوانستی با شکیبایی تاب آوری اطلاع می‌دهم.[78]

سَأُنَبِّئُكَ بِتَأۡوِيلِ مَا لَمۡ تَسۡطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرًا [78]

اما کشتی، از تنگ‌دستانی بود که در دریا کار می‌کردند؛ خواستم آن را معیوب کنم، زیرا پس از ایشان پادشاهی بود که هر کشتی را به زور می‌گرفت.[79]

أَمَّا ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتۡ لِمَسَٰكِينَ يَعۡمَلُونَ فِي ٱلۡبَحۡرِ فَأَرَدتُّ أَنۡ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٞ يَأۡخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصۡبٗا [79]

اما پسر، پدر و مادرش باورمند بودند، و بیم داشتیم که آنان را با حدشکنی و انکار درهم بکوبد،[80]

وَأَمَّا ٱلۡغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤۡمِنَيۡنِ فَخَشِينَآ أَن يُرۡهِقَهُمَا طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرًا [80]

و خواستیم که سرپرست‌شان به‌جای او بهتر از او را در پاکی و نزدیک‌تر در مهربانی به آنان دهد.[81]

فَأَرَدۡنَآ أَن يُبۡدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيۡرٗا مِّنۡهُ زَكَوٰةٗ وَأَقۡرَبَ رُحۡمٗا [81]

اما دیوار، از آنِ دو پسر یتیم در پایتخت بود، و زیر آن گنجی بود که از آنِ آنان بود؛

وَأَمَّا ٱلۡجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيۡنِ يَتِيمَيۡنِ فِي ٱلۡمَدِينَةِ وَكَانَ تَحۡتَهُۥ كَنزٞ لَّهُمَا

پدرشان شایسته بود، و سرپرست تو خواست که به کمال برسند و گنج خود را خودشان بیرون آورند، از مهربانی سرپرست تو؛

وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَآ أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ

و من آن را از پیش خود نکردم.

وَمَا فَعَلْتُهُۥ عَنْ أَمْرِى

این است پیش‌گفتهٔ آنچه نتوانستی با شکیبایی تاب آوری.»[82]

ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا [82]

و از تو دربارهٔ دارندهٔ دو همراه می‌پرسند.

وَيَسْـَٔلُونَكَ عَن ذِى ٱلْقَرْنَيْنِ

بگو: «از او برای شما یادآوری‌ای برخواهم خواند.»[83]

قُلْ سَأَتْلُواْ عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا [83]

او را بر زمین پایدار ساختیم و از هر چیز رشته‌ای به او دادیم؛ پس رشته‌ای را پی گرفت، تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید، آن را در چشمه‌ای گل‌آلود فرو رونده یافت، و نزد آن قومی یافت.[84-85]

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِى ٱلْأَرْضِ وَءَاتَيْنَٰهُ مِن كُلِّ شَىْءٍ سَبَبًا [84] فَأَتْبَعَ سَبَبًا [85] حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ ٱلشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِى عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا

گفتیم: «ای دارندهٔ دو همراه، یا آنان را کیفر می‌دهی، یا با آنان رفتاری نیکو در پیش می‌گیری.»[86]

قُلْنَا يَٰذَا ٱلْقَرْنَيْنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا [86]

گفت: «اما آنکه ستم کرده است، او را کیفر خواهیم داد؛ سپس به سوی سرپرستش بازگردانده خواهد شد، که او را به کیفری ناشنیده کیفر خواهد داد.[87]

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابًا نُّكْرًا [87]

اما آنکه باور می‌آورد و کردار شایسته به‌جا می‌آورد، نیکوترین را به‌عنوان بازپرداخت خواهد داشت،

وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلْحُسْنَىٰ

و از کار خود به او سخنی آسان خواهیم گفت.»[88]

وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا [88]

سپس رشته‌ای را پی گرفت، تا آنگاه که به برآمدگاه خورشید رسید، آن را بر قومی برمی‌آمده یافت که پیش از آن برایشان هیچ پناهی ننهاده بودیم. چنین بود.[89-90]

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا [89] حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ ٱلشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا [90] كَذَٰلِكَ

و ما آنچه را نزد او بود با دانش در میان گرفته بودیم.[91]

وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا [91]

سپس رشته‌ای را پی گرفت، تا آنگاه که به میان دو سد رسید، و پیش از آن دو قومی یافت که تقریباً هیچ سخنی نمی‌فهمیدند.[92-93]

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا [92] حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ ٱلسَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا [93]

گفتند: «ای دارندهٔ دو همراه، یاجوج و ماجوج در زمین تباهی می‌کنند؛ آیا برایت باجی بدهیم، به این شرط که میان ما و آنان سدی بنهی؟»[94]

قَالُوا۟ يَٰذَا ٱلْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰٓ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا [94]

گفت: «آنچه سرپرست من مرا در آن پایدار ساخته است بهتر است؛

قَالَ مَا مَكَّنِّى فِيهِ رَبِّى خَيْرٌ

پس مرا با نیرو یاری دهید، و میان شما و آنان دیواری خواهم نهاد.[95]

فَأَعِينُونِى بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا [95]

قطعه‌های آهن برایم بیاورید.»

ءَاتُونِى زُبَرَ ٱلْحَدِيدِ

سپس چون میان دو دامنه را همسطح کرد، گفت: «بدمید!»

حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ ٱلصَّدَفَيْنِ قَالَ ٱنفُخُوا۟

سپس چون آن را آتش ساخت، گفت: «نفت برایم بیاورید تا بر آن بریزم.»[96]

حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارًا قَالَ ءَاتُونِىٓ أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا [96]

نتوانستند آن را واژگون کنند، و توان آن را نداشتند که در آن رخنه‌ای بگشایند.[97]

فَمَا ٱسْطَٰعُوٓا۟ أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ لَهُۥ نَقْبًا [97]

گفت: «این مهربانی‌ای از سرپرست من است؛

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّى

اما چون وعدهٔ سرپرست من فرا رسد، او آن را هموار خواهد کرد — و وعدهٔ سرپرست من حقیقت است.»[98] **(98)**

فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّى جَعَلَهُۥ دَكَّآءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّى حَقًّا [98] **(98)**

و در آن روز ما برخی را بر برخی هجوم‌آور خواهیم گذاشت،

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِى بَعْضٍ

و در شیپور دمیده خواهد شد، و ما آنان را در یک گردآوری گرد خواهیم آورد.[99]

وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا [99]

و در آن روز جهنم را آشکارا به انکارکنندگان عرضه خواهیم کرد — کسانی که چشمان‌شان از یاد من در پرده بود و نمی‌توانستند چیزی بشنوند.[100-101]

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَٰفِرِينَ عَرْضًا [100] ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِى غِطَآءٍ عَن ذِكْرِى وَكَانُوا۟ لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا [101]

آیا انکارکنندگان پس پنداشته‌اند که می‌توانند فرمان‌برداران مرا غیر از من متحدانی برگیرند؟

أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن يَتَّخِذُواْ عِبَادِى مِن دُونِىٓ أَوْلِيَآءَ

ما همانا جهنم را به‌عنوان جایگاه پذیرایی برای انکارکنندگان آماده کرده‌ایم.[102]

إِنَّآ أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ نُزُلًا [102]

بگو: «آیا شما را از بزرگ‌ترین زیان‌کاران در کردارها اطلاع دهم — کسانی که کوشش‌شان در زندگی نزدیک گم شد، در حالی که می‌پندارند نیکو عمل می‌کنند؟»[103-104]

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا [103] ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا [104]

اینان کسانی‌اند که نشانه‌های سرپرست خود و رویارویی با او را انکار کردند: کردارهای‌شان فرو ریخت، و ما در روز حضور هیچ سنجشی به آنان نخواهیم داد.[105]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا [105]

این است: بازپرداخت آنان جهنم خواهد بود، برای آنکه انکار کردند و نشانه‌های من و فرستادگان مرا به ریشخند گرفتند.[106]

ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِى وَرُسُلِى هُزُوًا [106]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، همانا باغ‌های فردوس را به‌عنوان پذیرایی خواهند داشت، که در آن جاودانه خواهند ماند، بی‌آنکه بخواهند از آن جابه‌جا شوند.[107-108]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا [107] خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا [108]

بگو: «اگر دریا برای سخنان سرپرست من مرکب می‌بود، دریا پیش از آنکه سخنان سرپرست من به پایان برسد تمام می‌شد، حتی اگر همانند آن را برای یاری می‌آوردیم.»[109]

قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّى لَنَفِدَ ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّى وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا [109]

بگو: «من جز آدمی‌ای مانند شما نیستم؛ به من پرده برداشته می‌شود که ایزد شما ایزدی یگانه است.

قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

پس هر که به رویارویی با سرپرست خود امید دارد، کردار شایسته به‌جا آورد و در فرمان‌برداری از سرپرست خود هیچ‌کس را انباز نگیرد.»[110]

فَمَن كَانَ يَرْجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا [110]

# الاسراء • AL-ISRA

سوره 17 · 111 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

شکوه بر کسی باد که فرمان‌بردار خود را شبانه از جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض تا دورترین جای پیشانی بر خاک نهادن روان ساخت، که پیرامونش را خجسته گرداندیم، تا برخی از نشانه‌های ما را به او نشان دهد؛

سُبْحَٰنَ ٱلَّذِىٓ أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِۦ لَيْلًا مِّنَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ إِلَى ٱلْمَسْجِدِ ٱلْأَقْصَا ٱلَّذِى بَٰرَكْنَا حَوْلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنْ ءَايَٰتِنَآ

زیرا اوست شنوا، بینا.[1]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ [1]

و به موسی نوشتار دادیم، و آن را راهنمایی برای پسران اسرائیل قرار دادیم: «غیر از من هیچ‌کس را وکیل مگیرید» — اعقاب کسانی که با نوح برداشتیم؛[2]

وَءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا۟ مِن دُونِى وَكِيلًا [2] ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

زیرا او فرمان‌برداری سپاس‌گزار بود.[3]

إِنَّهُۥ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا [3]

و برای پسران اسرائیل، در نوشتار، مقرر کردیم: «شما بی‌گمان دو بار بر زمین فساد خواهید پراکند، و بی‌گمان با بلندی‌ای بزرگ بالا خواهید رفت.»[4]

وَقَضَيْنَآ إِلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ فِى ٱلْكِتَٰبِ لَتُفْسِدُنَّ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا [4]

چون وعدهٔ نخستین این دو بار آمد، ما بر شما فرمان‌برداران خود را که دارای سخت‌گیری‌ای سخت بودند برانگیختیم، که سراها را از این سو تا آن سو درنوردیدند —

فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ أُولَٰهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَآ أُوْلِى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِ

و این وعده‌ای بود، انجام‌شده.[5]

وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا [5]

سپس ما نوبت پیروزی بر آنان را به شما بازگرداندیم، و شما را با دارایی‌ها و پسران نیرو بخشیدیم، و شما را در شمار پرشمارترین کردیم.[6]

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ ٱلْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَٰكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَٰكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا [6]

اگر نیکو عمل کنید، برای خودتان نیکو عمل می‌کنید،

إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ

و اگر بد عمل کنید، به زیان خودتان است.

وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا

سپس، چون وعدهٔ بار دوم بیاید، تا ناخوشایندی را بر چهره‌های شما نقش زنند، و به جای پیشانی بر خاک نهادن درآیند همان‌گونه که بار نخست درآمدند، و آنچه را بر آن چیره شده باشند به‌کلی ویران کنند.[7]

فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ ٱلْأَخِرَةِ لِيَسُۥٓـُٔوا۟ وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا۟ مَا عَلَوْا۟ تَتْبِيرًا [7]

شاید سرپرست شما بر شما مهر ورزد؛

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ

اما اگر تکرار کنید، ما تکرار خواهیم کرد.

وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا

و جهنم را برای انکارکنندگان حصاری قرار دادیم.[8]

وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ حَصِيرًا [8]

این خوانش همانا به آنچه راست‌تر است راه می‌نماید، و به باورمندانی که کردارهای شایسته به‌جا می‌آورند مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ خواهند داشت، و که کسانی که به زندگی واپسین باور نمی‌آورند — برایشان کیفری دردناک آماده کرده‌ایم.[9-10]

إِنَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ يَهْدِى لِلَّتِى هِىَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا [9] وَأَنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [10]

و انسان بدی را فرا می‌خواند همان‌گونه که نیکی را فرا می‌خواند،

وَيَدْعُ ٱلْإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلْخَيْرِ

زیرا انسان شتاب‌زده است.[11]

وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ عَجُولًا [11]

و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم؛ نشانهٔ شب را محو کردیم و نشانهٔ روز را روشن‌بین ساختیم، تا از لطفی از سرپرستتان بجویید و شمار سال‌های خورشیدی و حساب را بدانید.

وَجَعَلْنَا ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيْنِ فَمَحَوْنَآ ءَايَةَ ٱلَّيْلِ وَجَعَلْنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا۟ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا۟ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلْحِسَابَ

و هر چیز را، به تفصیلی تفصیل دادیم.[12]

وَكُلَّ شَىْءٍ فَصَّلْنَٰهُ تَفْصِيلًا [12]

و هر انسان را، فال خودش را پای‌بند گردنش ساختیم؛ و برای او، در روز حضور، دفتری بیرون خواهیم آورد که آن را گسترده ملاقات خواهد کرد:[13]

وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلْزَمْنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِى عُنُقِهِۦ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا [13]

«دفتر خود را بخوان: امروز بس است که خودت حسابدار خود باشی.»[14]

ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ ۖ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا [14]

هر که راهنمایی بپذیرد، جز برای خود راهنمایی نمی‌پذیرد،

مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ

و هر که گمراه می‌شود، جز به زیان خود گمراه نمی‌شود.

وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۚ

و هیچ باربرنده‌ای بار دیگری را برنخواهد داشت.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ

و ما هرگز کیفر نمی‌دهیم پیش از آن‌که فرستاده‌ای برانگیخته باشیم.[15]

وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ رَسُولٗا [15]

و چون بخواهیم شهری را نابود کنیم، دستورهای خود را به مرفهانش می‌فرستیم، اما در آن تجاوز می‌کنند؛ آنگاه سخن بر آن به حقیقت می‌پیوندد، و آن را به نابودی تمام ویران می‌کنیم.[16]

وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا [16]

چه بسیار نسل‌ها پس از نوح نابود کردیم!

وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِنۢ بَعۡدِ نُوحٖۗ

و سرپرست تو به‌عنوان باخبر و بینا نسبت به تقصیرهای فرمان‌برداران خود بس است.[17]

وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا [17]

هر که زندگی فوری را بخواهد، ما در آن برای او آنچه را بخواهیم، برای هر که بخواهیم، شتاب می‌بخشیم؛ سپس برایش جهنم را قرار می‌دهیم، که در آن خواهد سوخت، نکوهیده، برکنار.[18]

مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا [18]

و هر که زندگی واپسین را بخواهد و برای آن، همان‌گونه که باید، بکوشد، در حالی که باورمند است — اینان کسانی‌اند که کوشش‌شان شناخته خواهد شد.[19]

وَمَنْ أَرَادَ ٱلْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا [19]

همه را، ما مجهز می‌کنیم —

كُلًّا نُّمِدُّ

اینان را همچون آنان — از مقرری سرپرست تو،

هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ

و مقرری سرپرست تو هرگز محدود نیست.[20]

وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا [20]

بنگر که چگونه برخی را بر برخی برتری دادیم؛

ٱنظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

و زندگی واپسین همانا در درجه‌ها بزرگ‌تر است، و در لطف بزرگ‌تر.[21]

وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَٰتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا [21]

با خدا ایزدی دیگر قرار مده، وگرنه خود را نکوهیده، رهاشده می‌یافتی.[22]

لَّا تَجْعَلْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا [22]

و سرپرست تو مقرر کرده است که جز از او فرمان نبرید،

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ

و نیکوکاری نسبت به پدر و مادر.

وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا

اگر یکی از آنان یا هر دو نزد تو به سالخوردگی برسند، به آنان «اف!» مگو و با آنان تندی مکن،

إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا

اما سخنی بزرگوارانه به آنان بگو.[23]

وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا [23]

و بال رام‌پذیری را برای آنان فرو آر، از سر مهر،

وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ

و بگو: «ای سرپرست من، بر آنان مهر ورز چنان‌که مرا خردسال بزرگ کردند.»[24]

وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا [24]

سرپرست شما بهتر می‌شناسد آنچه را در خویشتن شما است.

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِى نُفُوسِكُمْ

اگر شایسته باشید، او همانا نسبت به کسانی که پیوسته به او بازمی‌گردند بسیار بخشاینده است.[25]

إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا [25]

و به خویشاوند حقش را بده، و نیز به تنگ‌دست و به مسافر در راه‌مانده،

وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ

و بدون اندازه هدر مده،[26]

وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا [26]

زیرا هدردهندگان برادران منحرف‌کنندگانند،

إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوٓاْ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ

و منحرف‌کننده نسبت به سرپرستش انکارگری بزرگ است.[27]

وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا [27]

و اگر ناگزیر شوی از آنان کناره بگیری، در طلب مهری از سرپرستت که به آن امید داری، آنگاه به آنان سخنی آسان بگو.[28]

وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا مَّيۡسُورٗا [28]

و دستت را به گردنت بسته مگردان، و آن را کاملاً نیز مگشا، وگرنه نکوهیده، تهی از حسرت خود را می‌یافتی؛[29]

وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا [29]

زیرا سرپرست تو روزی را به هر که پسند او افتد می‌گستراند، و اندازه می‌کند؛

إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ

زیرا او نسبت به فرمان‌برداران خود باخبر و بینا است.[30]

إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا [30]

و فرزندانتان را از بیم کمبود مکشید:

وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖ

ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم،

نَّحۡنُ نَرۡزُقُهُمۡ وَإِيَّاكُمۡ

زیرا کشتن آنان خطایی بزرگ است.[31]

إِنَّ قَتۡلَهُمۡ كَانَ خِطۡـًٔا كَبِيرٗا [31]

و به زنا نزدیک مشوید، زیرا آن زشتکاری است، و چه بد راهی![32]

وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا [32]

و خویشتنی را که خدا مصون از تعرّض ساخته است مکشید، مگر به حق.

وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ

و هر که به ستم کشته شود، ما برای مسئول قانونی او اقتداری قرار داده‌ایم؛ اما در کشتن زیاده‌رو نباشد،

وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَٰنًا فَلَا يُسْرِف فِّى ٱلْقَتْلِ

زیرا یاری رسانده خواهد شد.[33]

إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورًا [33]

و به دارایی یتیم نزدیک مشوید، مگر به زیباترین شیوه، تا آن‌گاه که به کمال رشد خود برسد،

وَلَا تَقْرَبُواْ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُۥ

و به پیمان وفادار باشید،

وَأَوْفُواْ بِٱلْعَهْدِ

زیرا از پیمان پرسیده خواهد شد.[34]

إِنَّ ٱلْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔولًا [34]

و چون پیمانه می‌کنید، پیمانه را وفادارانه بدهید، و با قپان راست وزن کنید:

وَأَوْفُواْ ٱلْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُواْ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ

این بهتر است، و دارای تعبیری زیباتر.[35]

ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا [35]

و در پی آنچه هیچ دانشی از آن نداری مرو،

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ

زیرا شنوایی، بینایی و آگاهی — از هر یک از آنان پرسیده خواهد شد.[36]

إِنَّ ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ وَٱلْفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا [36]

و بر زمین با خودنمایی راه مرو،

وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَحًا

زیرا هرگز زمین را سوراخ نخواهی کرد، و نه از نظر بلندی به کوه‌ها خواهی رسید.[37]

إِنَّكَ لَن تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا [37]

همهٔ اینها، بدی‌اش نزد سرپرست تو منفور است.[38]

كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا [38]

این است آنچه سرپرست تو از فرزانگی به تو پرده برداشته است.

ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِ

و با خدا ایزدی دیگر قرار مده، وگرنه در جهنم افکنده می‌شدی، نکوهیده، برکنار.[39]

وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا [39]

آیا پس سرپرست شما پسران را برای شما ویژه می‌ساخت، و از کارگزاران دخترانی می‌گرفت؟

أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًا

شما بی‌گمان سخنی سترگ می‌گویید.[40]

إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا [40]

ما همانا مثال‌ها را در این خوانش گوناگون ساختیم، تا به یاد آورند؛ اما این جز بر نفرتشان نمی‌افزاید.[41]

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا [41]

بگو: «اگر با او ایزدانی می‌بودند، چنان‌که می‌گویند، آنگاه راهی به سوی دارندهٔ بنا می‌جستند.»[42]

قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا [42]

شکوه بر او باد، و او بسی بالاتر از آنچه می‌گویند است، با بلندی‌ای بزرگ.[43]

سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا [43]

آسمان‌های هفتگانه او را شکوه می‌سرایند، و نیز زمین و کسانی که در آن‌اند؛

تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّ

چیزی نیست که او را با ستودن او شکوه نسراید،

وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ

اما شما شکوه‌سرایی آنان را درنمی‌یابید،

وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡ

زیرا او بردبار است، بسیار بخشاینده.[44]

إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا [44]

و چون خوانش را می‌خوانی، میان تو و کسانی که به زندگی واپسین باور نمی‌آورند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم،[45]

وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا [45]

و بر هسته‌هایشان پوشش‌هایی قرار می‌دهیم تا آن را درنیابند، و در گوش‌هایشان ناشنوایی.

وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗا

و چون سرپرست خود را در خوانش یاد می‌کنی، تنها او را، با نفرت پشت می‌کنند.[46]

وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا [46]

ما بهتر می‌شناسیم آنچه را به آن گوش می‌دهند، آن‌گاه که به تو گوش می‌دهند، و آن‌گاه که در نجوایند، آن‌گاه که ستمگران می‌گویند: «شما جز از مردی که چشم‌بندی فریفته است پیروی نمی‌کنید.»[47]

نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا [47]

بنگر که چگونه دربارهٔ تو مثال‌ها را چند برابر کردند، و بدین‌سان گمراه شدند:

ٱنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا۟ لَكَ ٱلْأَمْثَالَ فَضَلُّوا۟

پس نمی‌توانند راهی بیابند.[48]

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا [48]

و گفتند: «آیا چون استخوان‌ها و خرده‌ریزها خواهیم شد، به‌راستی در آفرینشی نو برانگیخته خواهیم شد؟»[49]

وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا [49]

بگو: «سنگ باشید، یا آهن، یا هر آفرینشی که در سینه‌های شما بزرگ می‌نماید.»[50]

قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا [50] أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى صُدُورِكُمْ

آنگاه خواهند گفت: «چه کسی ما را بازمی‌گرداند؟»

فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا

بگو: «آن‌که شما را نخستین بار از نخست آفرید.»

قُلِ ٱلَّذِى فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

آنگاه سر به سوی تو تکان خواهند داد و خواهند گفت: «این کی خواهد بود؟»

فَسَيُنغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ

بگو: «شاید نزدیک باشد.[51]

قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبًا [51]

روزی که شما را فرا خواند، در حالی که او را می‌ستایید پاسخ خواهید داد، و خواهید پنداشت که جز اندک زمانی نگذرانده‌اید.»[52]

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا [52]

و به فرمان‌برداران من بگو که زیباترین را بگویند:

وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُواْ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ

منحرف‌کننده میان آنان ناسازگاری می‌پراکند؛

إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ

زیرا منحرف‌کننده برای انسان دشمنی آشکار است.[53]

إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوًّا مُّبِينًا [53]

سرپرست شما شما را بهتر می‌شناسد؛ اگر او را پسند افتد، بر شما مهر می‌ورزد، و اگر او را پسند افتد، شما را کیفر می‌دهد.

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ

ما تو را نفرستادیم تا وکیل آنان باشی.[54]

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا [54]

سرپرست تو بهتر می‌شناسد کسانی را که در آسمان‌ها و بر زمین‌اند.

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

ما همانا برخی اطلاع‌دهندگان را بر برخی دیگر برتری دادیم، و به داوود فرمی دادیم.[55]

وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ ٱلنَّبِيِّۧنَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا [55]

بگو: «آنان را که ادعا می‌کنید، غیر از او، به یاری بخوانید: آنان هیچ توانی ندارند که آسیب را از شما سبک کنند، و نه آن را جابه‌جا کنند.»[56]

قُلِ ٱدْعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا [56]

همان‌هایی که به یاری می‌خوانند، نزد سرپرستشان، وسیلۀ نزدیکی می‌جویند — که کدام‌یک از آنان نزدیک‌تر باشد — و به مهر او امید دارند و از کیفر او می‌ترسند،

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ

زیرا کیفر سرپرست تو از آن‌هایی است که باید نسبت به آن هشیار بود.[57]

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا [57]

و هیچ شهری نیست که ما پیش از روز حضور آن را نابود نکنیم، یا به کیفری سخت کیفر ندهیم:

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا

این در دفتر ثبت شده است.[58]

كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا [58]

چیزی ما را از فرستادن نشانه‌ها بازنداشت، مگر آن‌که پیشینیان آن‌ها را دروغ انگاشتند.

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرْسِلَ بِٱلْـَٔايَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلْأَوَّلُونَ

و ماده‌شتر را به ثمود، به‌روشنی دیدنی، دادیم، اما به آن ستم کردند.

وَءَاتَيْنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا۟ بِهَا

و ما نشانه‌ها را جز برای ترساندن نمی‌فرستیم.[59]

وَمَا نُرْسِلُ بِٱلْـَٔايَٰتِ إِلَّا تَخْوِيفًا [59]

و آن‌گاه که به تو گفتیم که سرپرست تو انسان‌ها را در بر می‌گیرد —

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِ

ما رؤیایی را که به تو نشان دادیم جز آزمونی برای انسان‌ها نساختیم، و نیز درخت نفرین‌شده را در این خوانش.

وَمَا جَعَلْنَا ٱلرُّءْيَا ٱلَّتِىٓ أَرَيْنَٰكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلْمَلْعُونَةَ فِى ٱلْقُرْءَانِ

و آنان را می‌ترسانیم، اما این جز بر حدشکنی بزرگشان نمی‌افزاید.[60]

وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَٰنًا كَبِيرًا [60]

و چون به کارگزاران گفتیم: «در برابر آدم پیشانی بر خاک نهید»، پیشانی بر خاک نهادند،

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُواْ لِأَدَمَ فَسَجَدُوٓاْ

مگر ابلیس: او گفت: «آیا در برابر کسی که او را از گل آفریده‌ای پیشانی بر خاک نهم؟»[61]

إِلَّآ إِبْلِيسَ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا [61]

او گفت: «آیا این را می‌بینی، که او را بر من گرامی داشتی؟ اگر مرا تا روز حضور مهلت دهی، من بی‌گمان اعقاب او را به چنگ خواهم آورد، مگر اندکی از آنان.»[62]

قَالَ أَرَءَيْتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِى كَرَّمْتَ عَلَىَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلًا [62]

او گفت: «برو! هر که از میان آنان از تو پیروی کند — جهنم همانا بازپرداخت شما است، بازپرداختی فراوان.[63]

قَالَ ٱذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُورًا [63]

و هر که را می‌توانی از میان آنان با صدای خود بجنبان؛ سواران و پیادگانت را بر ضد آنان فراخوان؛ در دارایی‌ها و فرزندان با آنان انباز شو؛ و به آنان وعده بده —

وَٱسْتَفْزِزْ مَنِ ٱسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَٰدِ وَعِدْهُمْ

حال آن‌که منحرف‌کننده به آنان جز سراب وعده نمی‌دهد.[64]

وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا [64]

بر فرمان‌برداران من تو همانا هیچ اقتداری نداری؛

إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنٌ

و سرپرست تو به‌عنوان وکیل بس است.»[65]

وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا [65]

سرپرست شما اوست که کشتی را برای شما بر دریا روان می‌سازد، تا از لطف او بجویید،

رَّبُّكُمُ ٱلَّذِى يُزْجِى لَكُمُ ٱلْفُلْكَ فِى ٱلْبَحْرِ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِۦٓ

زیرا او نسبت به شما مهربان است.[66]

إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا [66]

و چون آسیب در دریا به شما برسد، آنان که به یاری می‌خوانید گم می‌شوند، مگر او.

وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِى ٱلْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ

سپس چون شما را به خشکی نجات دهد، پهلو تهی می‌کنید:

فَلَمَّا نَجَّىٰكُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

انسان انکارگری بزرگ است.[67]

وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ كَفُورًا [67]

آیا پس ایمن‌اید که ما شما را با پاره‌ای از خشکی نبلعانیم، یا بر شما تندبادی از سنگ‌ریزه نفرستیم، بی‌آن‌که آنگاه وکیلی بیابید؟ یا ایمن‌اید که ما شما را بار دیگر بدان بازنگردانیم، تا بر شما بادی درهم‌شکن بفرستیم که شما را به سبب انکارتان غرق کند، بی‌آن‌که آنگاه کسی را بیابید که برای شما از ما بازخواست کند؟ **(99)** [68-69]

أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ ٱلْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ وَكِيلًا [68] أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِۦ تَبِيعًا [69] **(99)**

ما همانا پسران آدم را گرامی داشتیم، آنان را بر خشکی و دریا برداشتیم، از چیزهای نیک روزی‌شان دادیم، و آنان را آشکارا بر بسیاری از آنچه آفریدیم برتری دادیم.[70]

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِىٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا [70]

روزی که هر گروه از انسان‌ها را با مرجعشان فرا خوانیم،

يَوْمَ نَدْعُوا۟ كُلَّ أُنَاسٍۭ بِإِمَٰمِهِمْ

کسی که دفترش در دست راستش به او داده شود — اینان دفتر خود را خواهند خواند، و ستم نخواهند دید، حتی به اندازهٔ نخینه‌ای.[71]

فَمَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا [71]

و هر که در این زندگی نابینا باشد، در زندگی واپسین نابینا خواهد بود، و در راه گمراه‌تر.[72]

وَمَن كَانَ فِى هَٰذِهِۦٓ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا [72]

و آنان بی‌گمان نزدیک بود که تو را با آزمون از آنچه به تو پرده برداشتیم برگردانند، تا بر ما چیزی دیگر برسازی؛

وَإِن كَادُوا۟ لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ لِتَفْتَرِىَ عَلَيْنَا غَيْرَهُۥ

آنگاه تو را دوست صمیمی می‌گرفتند.[73]

وَإِذًا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلًا [73]

و اگر تو را استوار نساخته بودیم، تو همانا نزدیک بود اندکی بر آنان تکیه کنی.[74]

وَلَوْلَآ أَن ثَبَّتْنَٰكَ لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيلًا [74]

آنگاه دو برابر زندگی و دو برابر مرگ را به تو می‌چشاندیم؛ سپس در برابر ما هیچ یاری‌ای نمی‌یافتی.[75]

إِذًا لَّأَذَقْنَٰكَ ضِعْفَ ٱلْحَيَوٰةِ وَضِعْفَ ٱلْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا [75]

و آنان بی‌گمان نزدیک بود که تو را از این زمین بجنبانند، تا تو را از آن بیرون کنند —

وَإِن كَادُوا۟ لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا

و آنگاه، پس از تو، جز اندک زمانی در آن نمی‌ماندند.[76]

وَإِذًا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلًا [76]

چنین است هنجار دربارهٔ کسانی که پیش از تو از فرستادگان خود فرستادیم،

سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا

و برای هنجار ما هیچ جابه‌جایی نخواهی یافت.[77]

وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا [77]

تماس را از زوال خورشید تا تاریکی شب پابرجا نگه دار، و نیز خوانش سپیده‌دم را،

أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيْلِ وَقُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ

زیرا خوانش سپیده‌دم گواهی‌شده است.[78]

إِنَّ قُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا [78]

و پاره‌ای از شب را، با آن بیدار بمان، به‌عنوان افزونی برای تو: شاید سرپرست تو تو را به جایگاهی ستوده برانگیزد.[79]

وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِۦ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا [79]

و بگو: «ای سرپرست من، مرا با ورودی راست‌گو وارد کن، و مرا با خروجی راست‌گو بیرون آور، و برای من، از جانب خود، اقتداری یاری‌رسان قرار ده.»[80]

وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِى مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِى مُخْرَجَ صِدْقٍ وَٱجْعَل لِّى مِن لَّدُنكَ سُلْطَٰنًا نَّصِيرًا [80]

و بگو: «حقیقت آمد، و ناراست از میان رفت:

وَقُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَزَهَقَ ٱلْبَٰطِلُ

ناراست همانا محکوم به از میان رفتن است.»[81]

إِنَّ ٱلْبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا [81]

و ما از این خوانش آنچه را درمان و مهر است برای باورمندان فرود می‌آوریم،

وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

اما این بر ستمگران جز زیان نمی‌افزاید.[82]

وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا [82]

و چون انسان را از دهش‌ها سرشار سازیم، پهلو تهی می‌کند و از جانب خود دور می‌شود؛

وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ

و چون بدی به او برسد، نومید است.[83]

وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسًا [83]

بگو: «هر کس بر پایهٔ شیوهٔ خود عمل می‌کند؛ سرپرست شما بهتر می‌شناسد که کدام‌یک در راه راهنمایی‌پذیرفته‌تر است.»[84]

قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ سَبِيلٗا [84]

و از تو دربارهٔ جریان می‌پرسند.

وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِ

بگو: «جریان از دستور سرپرست من است؛ و به شما از دانش جز بسیار اندکی داده نشده است.»[85]

قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا [85]

و اگر ما را پسند می‌افتاد، آنچه را به تو پرده برداشتیم بی‌گمان می‌بردیم؛ آنگاه در برابر ما هیچ وکیلی برای آن نمی‌یافتی — مگر مهری از سرپرستت؛[86]

وَلَئِن شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيۡنَا وَكِيلًا [86] إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَ

زیرا لطف او بر تو بزرگ است.[87]

إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا [87]

بگو: «اگر انسان‌ها و نهانیان برای آوردن همانند این خوانش متحد می‌شدند، همانند آن را نمی‌آوردند، هرچند پشتیبان یکدیگر می‌بودند.»[88]

قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا [88]

ما همانا برای انسان‌ها، در این خوانش، هر گونه مثال را گوناگون ساختیم؛ اما بیشتر انسان‌ها همه چیز را رد کردند، مگر انکار.[89]

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا [89]

و گفتند: «ما به تو اعتماد نخواهیم کرد تا آن‌که برای ما از زمین چشمه‌ای بجوشانی، یا باغی از نخل و تاک داشته باشی که در آن رودها را به فراوانی بجوشانی، یا آسمان را، چنان‌که ادعا می‌کنی، پاره‌پاره بر ما فرود افکنی، یا خدا و کارگزاران را در برابر ما بیاوری، یا خانه‌ای از زرنگار داشته باشی، یا به آسمان بالا روی — و ما حتی به بالا رفتن تو اعتماد نخواهیم کرد تا آن‌که نوشتاری بر ما فرود آوری که بتوانیم بخوانیم.»[90–92]

وَقَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ ٱلْأَرْضِ يَنۢبُوعًا [90] أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ ٱلْأَنْهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفْجِيرًا [91] أَوْ تُسْقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ قَبِيلًا [92] أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَٰبًا نَّقْرَؤُهُۥ

بگو: «شکوه بر سرپرست من باد! آیا من جز آدمی‌ای، فرستاده‌ای هستم؟»[93]

قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا [93]

و آدمیان را چیزی از باور آوردن بازنداشت، آنگاه که راهنمایی به سویشان آمد، مگر اینکه گفتند: «آیا خدا آدمی‌ای را به‌عنوان فرستاده برمی‌انگیخت؟»[94]

وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا [94]

بگو: «اگر بر زمین کارگزارانی بودند که با آسودگی کامل راه می‌رفتند، ما از آسمان کارگزاری را به‌عنوان فرستاده بر آنان فرود می‌آوردیم.»[95]

قُل لَّوْ كَانَ فِي ٱلْأَرْضِ مَلَٰٓئِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُولًا [95]

بگو: «خدا به‌عنوان گواه میان من و شما بس است،

قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

زیرا او نسبت به فرمان‌برداران خود باخبر و بینا است.»[96]

إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا [96]

و کسی را که خدا راه نماید، او راهنمایی می‌پذیرد،

وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ

و کسی را که او گمراه کند، هرگز برایشان متحدانی غیر از او نخواهی یافت.

وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ

و ما آنان را در روز حضور، بر چهره‌هایشان، نابینا و لال و کر گرد خواهیم آورد:

وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا

جایگاه‌شان جهنم خواهد بود:

مَّأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ

هرگاه فروکش کند، اخگرِ افروخته را برایشان می‌افزاییم.[97]

كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا [97]

این است بازپرداخت آنان، برای آنکه نشانه‌های ما را انکار کردند و گفتند: «آیا چون استخوان‌ها و خرده‌ریزها خواهیم شد، به‌راستی در آفرینشی نو برانگیخته خواهیم شد؟»[98]

ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا [98]

آیا ندیده‌اند که خدا، که آسمان‌ها و زمین را آفرید، بر آفریدن مانند آنان توانا است و برایشان سرآمدی نهاده است که هیچ تردیدی در آن نیست؟

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ

اما ستمگران همه‌چیز را رد کردند، مگر انکار.[99]

فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورًا [99]

بگو: «اگر شما گنجینه‌های مهربانی سرپرست من را در اختیار داشتید، آنگاه آن‌ها را نگه می‌داشتید، از بیم خرج کردن.»

قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِ

انسان بخیل است.[100]

وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا [100]

همانا به موسی نه نشانهٔ روشن دادیم:

وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ تِسۡعَ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ

پس از فرزندان اسرائیل بپرس: آنگاه که نزد آنان آمد، فرعون به او گفت: «بی‌گمان تو را چشم‌بندی‌شده می‌پندارم، ای موسی.»[101]

فَسۡـَٔلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِذۡ جَآءَهُمۡ فَقَالَ لَهُۥ فِرۡعَوۡنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسۡحُورٗا [101]

گفت: «همانا تو می‌دانی که جز سرپرست آسمان‌ها و زمین کسی این دلیل‌های روشنگر را فرود نیاورده است،

قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ

و من بی‌گمان تو را زیان‌دیده می‌پندارم، ای فرعون.»[102]

وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا [102]

پس خواست آنان را از این زمین برکَند؛ اما ما او را و همهٔ کسانی را که با او بودند غرق کردیم.[103]

فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا [103]

و پس از او به فرزندان اسرائیل گفتیم: «بر این زمین ساکن شوید،

وَقُلۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ

سپس چون وعدهٔ بار دوم فرا رسد، همهٔ شما را درهم‌پیچیده باز خواهیم آورد.»[104]

فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيفٗا [104]

و با حقیقت آن را فرود آوردیم،
وَبِٱلْحَقِّ أَنزَلْنَٰهُ

و با حقیقت فرود آمد؛
وَبِٱلْحَقِّ نَزَلَ

و تو را جز مژده‌دهنده و هشداردهنده نفرستادیم.[105]
وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا [105]

و خوانشی که آن را پاره‌پاره کردیم، تا آن را بر انسان‌ها با درنگ بخوانی،
وَقُرْءَانًا فَرَقْنَٰهُ لِتَقْرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ

و آن را به فرودهای پیاپی فرود آوردیم.[106]
وَنَزَّلْنَٰهُ تَنزِيلًا [106]

بگو: «به آن باور آورید یا باور نیاورید:
قُلْ ءَامِنُوا۟ بِهِۦٓ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا۟

کسانی که پیش از آن به ایشان دانش داده شده است، چون بر آنان برخوانده شود، پیشانی بر خاک نهاده بر چانه می‌افتند، و می‌گویند: ‹شکوه بر سرپرست ما باد! وعدهٔ سرپرست ما بی‌گمان انجام‌شدنی است.›[107–108]
إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ مِن قَبْلِهِۦٓ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا [107] وَيَقُولُونَ سُبْحَٰنَ رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا [108]

و بر چانه می‌افتند، گریان، و این فروتنی‌شان را می‌افزاید.»[109]
وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا [109]

بگو: «خدا را بخوانید یا بی‌اندازه مهربان را بخوانید:
قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ أَوِ ٱدْعُوا۟ ٱلرَّحْمَٰنَ

هر که را بخوانید، زیباترین ویژگی‌ها از آنِ او است.»

أَيًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ

و تماس خود را بلند مخوان، و آن را نیز آهسته مگو: میان این دو راهی بجوی.[110]

وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَٱبْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا [110]

و بگو: «ستایش از آنِ خدا است، که فرزندی برای خود برنگرفته است، و در پادشاهی انبازی ندارد، و از خواری حامی‌ای ندارد»،

وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِى ٱلْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ وَلِىٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ

و بزرگی او را به‌تمامی اعلام کن.[111]

وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا [111]

# النحل • AN-NAHL

سوره 16 · 128 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

دستور خدا آمده است: پس در پی شتاباندن آن مباشید.

أَتَىٰٓ أَمْرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ

شکوه بر او باد، و او بسی بالاتر از آن است که انباز او می‌گیرید. (100) [1]

سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ [1] (100)

کارگزاران را با جریان، به دستور خود، بر هر که پسند او افتد از میان فرمان‌برداران خود فرود می‌آورد: «هشدار دهید که هیچ ایزدی نیست مگر من؛ پس در برابر من محتاط باشید.» [2]

يُنَزِّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ أَنْ أَنذِرُوٓا۟ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ [2]

آسمان‌ها و زمین را به حقیقت آفرید.

خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ

او بسی بالاتر از آن است که انباز او می‌گیرید. (101) [3]

تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ [3] (101)

انسان را از قطره‌ای آفرید، و اینک او ستیزه‌گری آشکار است. [4]

خَلَقَ ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ [4]

و چارپایان را، آن‌ها را آفرید:

وَٱلْأَنْعَٰمَ خَلَقَهَا

در آن‌ها گرما و سودمندی‌ها می‌یابید، و از آن‌ها می‌خورید.[5]

لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَٰفِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ [5]

و در آن‌ها زیبایی‌ای می‌یابید، آن‌گاه که شامگاه آن‌ها را بازمی‌آورید و آن‌گاه که به چرا می‌برید.[6]

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ [6]

و بارهای شما را به دیاری می‌برند که جز با از پا درآمدن بدان نمی‌رسیدید:

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا۟ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ ٱلْأَنفُسِ

سرپرست شما بی‌گمان سرشار از نیکخواهی است، مهربان.[7]

إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ [7]

و اسبان، قاطران و الاغان، تا بر آن‌ها سوار شوید، و همچون آرایه.

وَٱلْخَيْلَ وَٱلْبِغَالَ وَٱلْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً

و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند.[8]

وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ [8]

و از آنِ خدا است نشانه‌گذاری راه راست؛ و راه‌هایی هست که کج می‌شوند.

وَعَلَى ٱللَّهِ قَصْدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنْهَا جَآئِرٌ

و اگر او را پسند افتاده بود، همهٔ شما را راه می‌نمود.[9]

وَلَوْ شَآءَ لَهَدَىٰكُمْ أَجْمَعِينَ [9]

اوست که از آسمان آبی فرود آورد: از آن نوشیدنی‌ای می‌گیرید، و از آن درختانی می‌آید که در آن‌ها به چرا می‌برید.[10]

هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ [10]

برای شما، با آن، کشت‌ها، زیتون، نخل‌ها، تاک‌ها، و از همهٔ میوه‌ها می‌رویاند:

يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۗ

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای قومی که می‌اندیشند.[11]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ [11]

و شب و روز، خورشید و ماه را برای شما رام کرد؛ و ستارگان به دستور او رام شده‌اند.

وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای قومی که خرد می‌ورزند.[12]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ [12]

و آنچه برای شما بر زمین پراکند، با رنگ‌های گوناگون:

وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای قومی که به یاد می‌آورند.[13]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ [13]

اوست که دریا را رام کرد، تا از آن گوشتی تازه بخورید و از آن زیوری بیرون آورید که بر خود می‌آویزید؛

وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ

و کشتی‌ها را می‌بینی که در آن امواج را می‌شکافند، تا از لطف او بجویید، و شاید سپاس‌گزار شوید.[14]

وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ [14]

و بر زمین لنگرهای استوار افکند، تا زیر پای شما نلرزد، و نیز رودها و راه‌ها، شاید راهنمایی بپذیرید، و شاخص‌ها،[15]

وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَأَنۡهَٰرٗا وَسُبُلٗا لَّعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ [15] وَعَلَٰمَٰتٖۚ

و با ستاره راهنمایی می‌پذیرند.[16]

وَبِٱلنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ [16]

آیا پس کسی که می‌آفریند همچون کسی است که نمی‌آفریند؟

أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ

پس به یاد نمی‌آورید؟[17]

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [17]

و اگر دهش خدا را می‌شمردید، نمی‌توانستید آن را برشمارید.

وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ

خدا بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.[18]

إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ [18]

خدا می‌داند آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را افشا می‌کنید.[19]

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ [19]

و کسانی که غیر از خدا به یاری می‌خوانید، چیزی نمی‌آفرینند؛ خودشان آفریده می‌شوند.[20] (102)

وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ [20] (102)

مردگان، بی‌زندگی،

أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٍ

و حس نمی‌کنند چه زمانی برانگیخته خواهند شد.[21]

وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ [21]

ایزد شما ایزدی یگانه است.

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

کسانی که به زندگی واپسین باور نمی‌آورند هسته‌ای مردودکننده دارند، و از خودبزرگ‌بینی باد می‌کنند.[22]

فَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٞ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ [22]

ناگزیر، خدا آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را افشا می‌کنند می‌داند:

لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ

او آنان را که از خودبزرگ‌بینی باد می‌کنند دوست نمی‌دارد.[23]

إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡتَكۡبِرِينَ [23]

و چون به آنان گفته شود: «سرپرستتان چه فرود آورده است؟» می‌گویند: «افسانه‌های باستانیان» — تا در روز حضور بارهایشان را به تمامی بر دوش کشند، و بخشی از بارهای کسانی را که بی‌دانش گمراه می‌کنند:[24]

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ [24] لِيَحۡمِلُوٓاْ أَوۡزَارَهُمۡ كَامِلَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَمِنۡ أَوۡزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍ

چه بد است باری که بر دوش می‌کشند![25]

أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ [25]

کسانی که پیش از آنان بودند پیش‌تر دسیسه چیدند؛ اما خدا از بنیادها به ساختمان آنان آمد، چندان‌که سقف از بالا بر آنان افتاد، و کیفر از جایی که حس نمی‌کردند به آنان رسید.[26]

قَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنۡيَٰنَهُم مِّنَ ٱلۡقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّقۡفُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ [26]

سپس در روز حضور آنان را شرمسار خواهد کرد و خواهد گفت: «انبازان من کجایند، که دربارهٔ آنان در گسست سر برمی‌آوردید؟»

ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُخۡزِيهِمۡ وَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡ

کسانی که به آنان دانش داده شده است خواهند گفت: «شرمساری امروز و بدی، همانا بر انکارکنندگان است» — کسانی که کارگزاران آنان را وفادارانه نگه می‌دارند، در حالی که به خویشتن خود ستمگرند.[27]

قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ [27] ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ

آنگاه تسلیم خود را پیش می‌نهند: «ما هیچ بدی‌ای نمی‌کردیم!» — اما چرا!

فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۭۚ بَلَىٰٓ

زیرا خدا به آنچه می‌کردید همه‌چیزدان است.[28]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [28]

پس از درهای جهنم وارد شوید، تا در آن جاودانه بمانید:

فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا

چه زشت است اقامتگاه خودبزرگ‌بینان![29]

فَلَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ [29]

و به کسانی که محتاط بوده‌اند گفته می‌شود: «سرپرستتان چه فرود آورده است؟» می‌گویند: «نیکی.»

وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡ قَالُواْ خَيۡرٗا

کسانی را که در این زندگی نزدیک نیکی می‌کنند، چیزی زیبا هست؛

لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞ

اما جایگاه زندگی واپسین بهتر است،

وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ

و چه نیکوست جایگاه محتاطان![30]

وَلَنِعۡمَ دَارُ ٱلۡمُتَّقِينَ [30]

باغ‌های پایایی، که در آن‌ها وارد خواهند شد، که رودها از زیر آن‌ها جاری است؛ در آن‌ها آنچه را پسند آنان افتد خواهند داشت.

جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ لَهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ

خدا محتاطان را این‌گونه بازپرداخت می‌کند، کسانی که کارگزاران آنان را وفادارانه نگه می‌دارند در حالی که نیک‌اند،[31]

كَذَٰلِكَ يَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلۡمُتَّقِينَ [31] ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ

و می‌گویند: «آرامش بر شما باد! به باغ درآیید، برای آنچه می‌کردید.»[32]

يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [32]

آیا پس تنها منتظرند که کارگزاران نزد آنان بیایند، یا دستور سرپرستت بیاید؟

هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ أَمۡرُ رَبِّكَ

کسانی که پیش از آنان بودند چنین کردند.

كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ

خدا به آنان ستم نکرد،

وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ

اما بر خود ستم می‌کردند.[33]

وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ [33]

بدی‌های آنچه کرده بودند بر آنان پیش آمد،

فَأَصَابَهُمۡ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ

و آنچه را به مسخره می‌گرفتند بر آنان واقع شد.[34]

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ [34]

و کسانی که انباز گرفتند گفتند: «اگر خدا را پسند افتاده بود، ما غیر از او از هیچ چیز فرمان نمی‌بردیم، نه ما و نه نیاکان ما، و غیر از او هیچ چیز را ممنوع نمی‌شمردیم.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖ نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖ

کسانی که پیش از آنان بودند چنین کردند.

كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ

پس بر عهدهٔ فرستادگان چیست، مگر رساندن روشن؟[35]

فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ [35]

ما همانا در هر جامعه‌ای فرستاده‌ای برانگیختیم: «از خدا فرمان برید و از حدشکن دوری کنید»،

وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ

برخی از آنان کسانی‌اند که خدا آنان را راه نمود،

فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ

و برخی کسانی‌اند که گمراهی بر آنان به حقیقت پیوست.

وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُ

پس زمین را بپیمایید و بنگرید که فرجام کسانی که دروغ می‌انگاشتند چگونه بود.[36]

فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ [36]

اگر بر راهنمایی آنان پافشاری کنی، خدا همانا کسی را که گمراه می‌کند راه نمی‌نماید،

إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّ

و هیچ یاری‌ای نخواهند داشت.[37]

وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ [37]

و به خدا با تمام نیروی سوگندهایشان سوگند خوردند که خدا کسی را که می‌میرد برنخواهد انگیخت.

وَأَقْسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَا يَبْعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُ

چرا! وعده‌ای است بر عهدهٔ او، به حقیقت — اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند — تا آنچه را بر آن اختلاف دارند برایشان روشن سازد، و تا کسانی که انکار می‌کنند بدانند که دروغ‌گو بودند.[38–39]

بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [38] لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِى يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كَٰذِبِينَ [39]

تنها سخن ما دربارهٔ چیزی، هنگامی که آن را بخواهیم، این است که به آن بگوییم: «باش»،

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَىْءٍ إِذَآ أَرَدْنَٰهُ أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن

و آن هست.[40]

فَيَكُونُ [40]

و کسانی که کوچ کردند برای خدا، پس از آن‌که ستم دیدند، ما آنان را بی‌گمان در این زندگی نزدیک در جایگاهی زیبا مستقر خواهیم ساخت؛

وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِى ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً

و پاداش زندگی واپسین بزرگ‌تر است، اگر می‌دانستند —[41]

وَلَأَجْرُ ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ [41]

کسانی که شکیبایی کردند و به سرپرستشان وکالت می‌دهند.[42]

ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ [42]

و پیش از تو جز مردانی نفرستادیم که به آنان پرده برمی‌داشتیم: پس از دارندگان یادآوری بپرسید، اگر نمی‌دانید — با دلیل‌های روشن و فرم‌ها.[43]

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ فَسْـَٔلُوٓاْ أَهْلَ ٱلذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [43] بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ

و یادآوری را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای انسان‌ها آنچه را بر آنان فرود آورده شده است روشن سازی، و شاید بیندیشند.[44]

وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [44]

آیا کسانی که بدی‌ها را دسیسه چیده‌اند پس ایمن‌اند که خدا زمین را بر آنان نبلعاند، یا کیفر از جایی که حس نمی‌کنند به آنان نیاید، یا آنان را در رفت‌وآمدشان فرا نگیرد، بی‌آن‌که بتوانند او را ناتوان کنند، یا آنان را در ترسی تدریجی فرا نگیرد؟[45-46]

أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخْسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ [45] أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِى تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ [46] أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ

سرپرست شما بی‌گمان سرشار از نیکخواهی است، مهربان.[47]

فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ [47]

آیا ندیده‌اند که از هر چیزی که خدا آفریده، سایه‌ها به راست و چپ سر فرود می‌آورند، در برابر خدا پیشانی بر خاک نهاده، و بر خاک افتاده؟[48]

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ يَتَفَيَّؤُا۟ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدًا لِّلَّهِ وَهُمْ دَٰخِرُونَ [48]

و در برابر خدا هر آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است پیشانی بر خاک می‌نهد، از جنبندگان، و نیز کارگزاران، بی‌آن‌که از خودبزرگ‌بینی باد کنند: از سرپرستشان، که بالاتر از آنان است، می‌ترسند، و آنچه به آنان دستور داده می‌شود انجام می‌دهند.[49-50]

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ مِن دَآبَّةٍ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ [49] يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ [50]

و خدا گفت: «دو ایزد نگیرید.

وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓا۟ إِلَٰهَيْنِ ٱثْنَيْنِ

او تنها ایزدی یگانه است؛

إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

پس مرا باید حرمت بنهید.»[51]
فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ [51]

و از آنِ او است آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است،
وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

و از آنِ او است قانون، به‌طور پیوسته.
وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًا

آیا پس در برابر غیر از خدا محتاط می‌شوید؟[52]
أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ [52]

هر دهشی که در شما است از خدا است؛
وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِ

سپس، چون آسیب به شما برسد، به سوی او فریاد زاری برمی‌آورید.[53]
ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ [53]

سپس، چون آسیب را از شما سبک کند، اینک پاره‌ای از شما دیگران را با سرپرست خود انباز می‌گیرند، تا آنچه را به آنان دادیم انکار کنند.[54]
ثُمَّ إِذَا كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ [54] لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ

پس بهره‌مند شوید،
فَتَمَتَّعُواْ

اما به‌زودی خواهید دانست.[55]
فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ [55]

و برای آنچه نمی‌شناسند، سهمی از آنچه ما روزی‌شان دادیم قرار می‌دهند.
وَيَجۡعَلُونَ لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ

به خدا، دربارهٔ آنچه برمی‌ساختید بی‌گمان پرسیده خواهید شد.[56]
تَٱللَّهِ لَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ [56]

و برای خدا دخترانی قرار می‌دهند — شکوه بر او باد!
وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ ٱلْبَنَٰتِ سُبْحَٰنَهُۥ

در حالی که برای خودشان از آنِ آنان است آنچه آرزو دارند.[57]
وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ [57]

و چون یکی از آنان مژدهٔ دختری دریافت کند، چهره‌اش تیره می‌ماند، و پر از دل‌آزردگی است؛ از مردم دور خود را پنهان می‌دارد، به سبب بدی‌ای که به او مژده داده شده:[58]
وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُۥ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ [58] يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلْقَوْمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓ

آیا او را با وجود خواری نگه خواهد داشت، یا او را در خاک خواهد نهفت؟
أَيُمْسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُۥ فِى ٱلتُّرَابِ

چه بد است داوری‌شان![59]
أَلَا سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ [59]

از آنِ کسانی که به زندگی واپسین باور نمی‌آورند مثال بدی است،
لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوْءِ

و از آنِ خدا است بالاترین مثال:
وَلِلَّهِ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلَىٰ

و او نیرومند است، فرزانه.[60]
وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [60]

و اگر خدا انسان‌ها را به سبب ستمشان فرا می‌گرفت، بر زمین هیچ جنبنده‌ای باقی نمی‌گذاشت؛

وَلَوْ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَآبَّةٍ

اما آنان را تا سرآمدی نام‌برده به تعویق می‌اندازد،

وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

و چون سرآمدشان بیاید، نخواهند توانست آن را یک ساعت به تأخیر اندازند،

فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً

و نه پیش اندازند.[61]

وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ [61]

و برای خدا آنچه را خودشان ناخوش دارند قرار می‌دهند،

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ

و زبان‌هایشان دروغ را وصف می‌کنند، که ادعا می‌کنند زیباترین از آنِ آنان است:

وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ ٱلْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ ٱلْحُسْنَىٰ

ناگزیر، آتش از آنِ آنان است، و آنان نخستین کسانی خواهند بود که به آن گسیل داشته می‌شوند.[62]

لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ [62]

به خدا، ما همانا به جامعه‌هایی پیش از تو فرستادگانی فرستادیم؛ اما منحرف‌کننده کردارهایشان را برایشان آراست، و او امروز متحد آنان است:

تَٱللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلْيَوْمَ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[63]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [63]

و ما نوشتار را بر تو فرود نیاوردیم جز برای آن‌که آنچه را بر آن اختلاف کردند برایشان روشن سازی، و همچون راهنمایی و مهر برای قومی که باور می‌آورند.[64]

وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ [64]

و خدا از آسمان آبی فرود آورد، که با آن زمین را پس از مرگش دوباره جان بخشید:

وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآ

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای قومی که می‌شنوند.[65]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ [65]

و برای شما بی‌گمان در چارپایان درسی هست:

وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗ

ما شما را از آنچه در شکم‌هایشان است سیراب می‌کنیم، میان کیموس و خون، از شیری پیراسته، گوارا برای نوشندگانش؛ و از میوه‌های نخل‌ها و تاک‌ها، از آن نوشیدنی‌ای مستی‌آور و روزی‌ای زیبا برمی‌گیرید.[66]

نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٖ وَدَمٖ لَّبَنًا خَالِصٗا سَآئِغٗا لِّلشَّٰرِبِينَ [66] وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرٗا وَرِزۡقًا حَسَنًا

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای قومی که خرد می‌ورزند.[67]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ [67]

و سرپرست تو به زنبور عسل به دل افکند: «در کوه‌ها خانه‌هایی بگیر، و نیز در درختان و در آنچه می‌افرازند؛ سپس از همهٔ میوه‌ها بخور، و از راه‌های سرپرستت پیروی کن، رام‌پذیر.»[68]

وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ [68] ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗا

از شکم‌هایشان نوشیدنی‌ای با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید، که در آن برای انسان‌ها درمانی است:

يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِ

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای قومی که می‌اندیشند.[69]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [69]

خدا شما را آفرید، سپس شما را وفادارانه نگه می‌دارد؛

وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمْ

و برخی از شما به پست‌ترین سن بازگردانده می‌شوند، تا پس از دانستن دیگر چیزی ندانند،

وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْـًٔا

زیرا خدا همه‌چیزدان است، توانا.[70]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ [70]

و خدا برخی از شما را بر برخی دیگر در روزی برتری داد:

وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي ٱلرِّزْقِ

کسانی که برتری داده شده‌اند روزی خود را به بسته‌شدگان به سوگند از میان خود پس نمی‌دهند، چنان‌که در آن برابر می‌بودند.

فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُوا۟ بِرَآدِّى رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَآءٌ

آیا پس دهش خدا را سرسختانه رد می‌کردند؟[71]

أَفَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ [71]

و خدا برای شما، از خودتان، همسرانی قرار داد، و برای شما، از همسرانتان، پسران و نوه‌ها قرار داد،

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً

و شما را از چیزهای نیک روزی داد.

وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ

آیا پس به ناراست باور می‌آورند، و دهش خدا را انکار می‌کنند؟[72]

أَفَبِٱلْبَٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ ٱللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ [72]

و غیر از خدا از چیزی فرمان می‌برند که برای آنان، از آسمان‌ها و زمین، هیچ روزی‌ای به هیچ‌روی در اختیار ندارد، و توانایی آن را ندارد.[73]

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ [73]

پس برای خدا مثال‌ها را چند برابر مکنید،

فَلَا تَضْرِبُواْ لِلَّهِ ٱلْأَمْثَالَ

زیرا خدا می‌داند،

إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ

و شما نمی‌دانید.[74]

وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [74]

خدا مثالی می‌افزاید: زیردستی که هیچ توانی در اختیار ندارد، و کسی که از جانب خود روزی‌ای زیبا به او دادیم، که از آن پنهانی و آشکارا هزینه می‌کند — آیا برابر می‌بودند؟

ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَىْءٍ وَمَن رَّزَقْنَٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُۥنَ

ستایش از آنِ خدا است!

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ

اما بیشترشان نمی‌دانند.[75]

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [75]

و خدا مثالی می‌افزاید: دو مرد، که یکی از آنان لال است، بی‌هیچ توانی، بار کامل بر دوش متحدش؛ هر جا که او را بفرستد، هیچ نیکی‌ای نمی‌آورد — آیا او با کسی که دادگری را دستور می‌دهد و بر جاده‌ای راست ایستاده است برابر می‌بود؟[76]

وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَآ أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَىٰهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِى هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [76]

و آنچه در آسمان‌ها و زمین فراتر از حواس است از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

دستور آن لحظه جز همچون یک چشم‌به‌هم‌زدن نیست، یا شتابنده‌تر هم،

وَمَآ أَمْرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ ٱلْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.[77]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [77]

و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، بی‌آن‌که چیزی بدانید،

وَٱللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْـًٔا

و برای شما شنوایی، بینایی‌ها و آگاهی‌ها نهاد، شاید سپاس‌گزار شوید.[78]

وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [78]

آیا پرندگان را ندیده‌اید، که در فضای آسمان رام شده‌اند، که چیزی آن‌ها را نگه نمی‌دارد، مگر خدا؟[103]

أَلَمْ تَرَوْا۟ إِلَى ٱلطَّيْرِ مُسَخَّرَٰتٍ فِى جَوِّ ٱلسَّمَآءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُ[103]

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که باور دارد.[79]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [79]

و خدا برای شما، از خانه‌هایتان، سکونتگاهی آرام قرار داد، و برای شما، از پوست چارپایان، خانه‌هایی قرار داد که روز کوچتان و روز اردوزدنتان آن‌ها را سبک می‌یابید،

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ

و از پشم، کرک و موی درشتشان، تجهیزات و کاربردی تا مدتی.[80]

وَمِنۡ أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ [80]

و خدا برای شما، از آنچه آفرید، سایه‌ها قرار داد، و برای شما، از کوه‌ها، پناهگاه‌ها قرار داد، و برای شما پیراهن‌هایی قرار داد که شما را از گرما محافظت می‌کند، و پیراهن‌هایی که شما را از خشونت خودتان محافظت می‌کند:

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡجِبَالِ أَكۡنَٰنٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلۡحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡ

بدین‌سان دهش خود را بر شما کامل می‌کند، شاید بی‌خدشه نزد او باشید.[81]

كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ [81]

اگر پشت کنند، بر عهدهٔ تو جز رساندن روشن نیست.[82]

فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ [82]

دهش خدا را می‌شناسند، سپس آن را مردود می‌دانند،

يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا

و بیشترشان انکار می‌کنند.[83]

وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ [83]

و روزی که از هر جامعه‌ای گواهی برانگیزیم، به کسانی که انکار می‌کنند دیگر اجازه‌ای داده نخواهد شد، و از آنان دیگر خواسته نخواهد شد که پوزش بخواهند.[84]

وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ [84]

و چون کسانی که ستم کرده‌اند کیفر را ببینند، برای آنان سبک کرده نخواهد شد، و به آنان مهلتی داده نخواهد شد.[85]

وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلۡعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ [85]

و چون کسانی که انباز گرفتند انبازهای خود را ببینند، خواهند گفت: «ای سرپرست ما، اینان انبازهای ما هستند که غیر از تو به یاری می‌خواندیم.»

وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَ

اینان آنگاه این سخن را به آنان خواهند گفت: «شما بی‌گمان دروغ‌گویانید.»[86]

فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ لَكَٰذِبُونَ [86]

و در آن روز تسلیم خود را به خدا پیش خواهند نهاد،

وَأَلۡقَوۡاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوۡمَئِذٍ ٱلسَّلَمَ

و آنچه برمی‌ساختند از آنان دور گم خواهد شد.[87]

وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ [87]

کسانی که انکار می‌کنند و راه خدا را بسته‌اند — ما کیفری بر کیفر برایشان خواهیم افزود، به سبب فسادی که می‌پراکندند.[88]

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ [88]

و روزی که در هر جامعه‌ای گواهی از خودش، بر ضد آن، برانگیزیم، و تو را، بر ضد اینان، گواه بیاوریم.

وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ وَجِئۡنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ

و نوشتار را بر تو فرود آوردیم، که هر چیز را روشن می‌سازد، و همچون راهنمایی، مهر و مژده برای کسانی که بی‌خدشه نزد خدایند.[89]

وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ [89]

خدا دادگری، نیکوکاری و آنچه به خویشاوند داده می‌شود را دستور می‌دهد،

إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ

و از زشتکاری، آنچه مردود است و زورگویی نهی می‌کند:

وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ

شما را ترغیب می‌کند، شاید به یاد آورید.[90]

يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ [90]

و چون پیمان می‌بندید، به پیمان خدا وفادار باشید،

وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ

و سوگندها را پس از استوار ساختنشان مشکنید، در حالی که خدا را بر خود ضامن گرفته‌اید،

وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًا

زیرا خدا می‌داند آنچه می‌کنید.[91]

إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ [91]

و همچون آن‌که نخ خود را، پس از آن‌که استوار رشت، به رشته‌رشته درآورد، نباشید؛ سوگندهای خود را وسیله‌ای برای فریب میان خود می‌گیرید، به این بهانه که جامعه‌ای پرشمارتر از جامعه‌ای دیگر باشد:

وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ غَزۡلَهَا مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثًا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ

خدا از این جز شما را نمی‌آزماید،

إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦۚ

و در روز حضور آنچه را بر آن اختلاف می‌ورزیدید بی‌گمان برایتان روشن خواهد ساخت.[92]

وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ [92]

و اگر خدا را پسند افتاده بود، شما را یک جامعهٔ یگانه می‌ساخت؛

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً

اما هر که را پسند او افتد گمراه می‌کند و هر که را پسند او افتد راه می‌نماید،

وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ

و دربارهٔ آنچه می‌کردید بی‌گمان پرسیده خواهید شد.[93]

وَلَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [93]

و سوگندهای خود را وسیله‌ای برای فریب میان خود مگیرید، وگرنه پایی پس از استوار بودن می‌لغزید، و بدی را به سبب بستن راه خدا می‌چشیدید؛ و کیفری سترگ می‌داشتید.[94]

وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيْمَٰنَكُمْ دَخَلًۢا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌۢ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ [94]

و با پیمان خدا بهایی ناچیز مخرید:

وَلَا تَشْتَرُواْ بِعَهْدِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

آنچه نزد خدا است برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.[95]

إِنَّمَا عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [95]

آنچه نزد شما است پایان می‌پذیرد،

مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ

و آنچه نزد خدا است می‌ماند.

وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٍ

و ما بی‌گمان کسانی را که شکیبایی کردند، به پاداششان، بر پایهٔ زیباترین کردارشان بازپرداخت خواهیم کرد.[96]

وَلَنَجْزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓاْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [96]

هر که کرداری شایسته به‌جا آورد، مرد یا زن، در حالی که باورمند است، ما به او بی‌گمان زندگی‌ای نیک خواهیم بخشید، و آنان را بی‌گمان به پاداششان، بر پایهٔ زیباترین کردارشان، بازپرداخت خواهیم کرد.[97]

مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [97]

چون خوانش را می‌خوانی، پناه خدا را از منحرف‌کنندهٔ رانده‌شده بجوی،[98]

فَإِذَا قَرَأْتَ ٱلْقُرْءَانَ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ [98]

زیرا او بر کسانی که باور می‌آورند و به سرپرستشان وکالت می‌دهند هیچ اقتداری ندارد.[99]

إِنَّهُۥ لَيْسَ لَهُۥ سُلْطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ [99]

اقتدار او تنها بر کسانی است که او را متحد خود می‌گیرند، و بر کسانی که او را انباز می‌گیرند.[100]

إِنَّمَا سُلْطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُۥ وَٱلَّذِينَ هُم بِهِۦ مُشْرِكُونَ [100]

و چون نشانه‌ای را به جای نشانه‌ای دیگر می‌نهیم — خدا بهتر می‌شناسد آنچه را فرود می‌آورد — می‌گویند: «تو جز برسازنده‌ای نیستی.»

وَإِذَا بَدَّلْنَآ ءَايَةً مَّكَانَ ءَايَةٍ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مُفْتَرٍۭ

اما بیشترشان نمی‌دانند.[101]

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [101]

بگو: «جریان والاپایه آن را از سرپرستت با حقیقت فرود آورده است، تا کسانی را که باور می‌آورند استوار سازد، و همچون راهنمایی و مژده برای کسانی که بی‌خدشه نزد خدایند.»[102]

قُلْ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ [102]

همانا خواهیم دانست که می‌گویند: «تنها آدمی او را می‌آموزاند.»

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٌ

حال آن‌که زبان آن‌که به او اشاره می‌کنند آشفته است، در حالی که این زبان بی‌عیب است، روشن.[103]

لِّسَانُ ٱلَّذِى يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِىٌّ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِىٌّ مُّبِينٌ [103]

کسانی که به نشانه‌های خدا باور نمی‌آورند، خدا همانا آنان را راه نمی‌نماید،

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَا يَهۡدِيهِمُ ٱللَّهُ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[104]

وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ [104]

آنان که دروغ برمی‌سازند همان‌اند که به نشانه‌های خدا باور نمی‌آورند،

إِنَّمَا يَفۡتَرِى ٱلۡكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ

و آنان‌اند دروغ‌گویان.[105]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ [105]

هر که پس از باور آوردن خدا را انکار کند — مگر آن‌که وادار شده باشد، در حالی که هسته‌اش در باور آرام می‌ماند —

مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ

اما هر که سینهٔ خود را به انکار بگشاید، بر آنان خشمی از خدا است،

وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ

و کیفری سترگ خواهند داشت.[106]

وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ [106]

این برای آن است که زندگی نزدیک را بیش از زندگی واپسین دوست داشتند، و برای آن‌که خدا قومی را که انکار می‌کنند راه نمی‌نماید.[107]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِى ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ [107]

اینان کسانی‌اند که خدا بر آنان اثری نهاده است: بر هسته، شنوایی و بینایی‌شان،
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَٰرِهِمْ

و اینان بی‌اعتنایانند.[108]
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ [108]

ناگزیر، در زندگی واپسین، آنان خود زیان‌کارانند.[109]
لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [109]

سپس سرپرست تو، نسبت به کسانی که پس از آزموده شدن کوچ کردند، سپس تلاش کردند و شکیبایی کردند — سرپرست تو، پس از آن، بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.[110]
ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعْدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ [110]

روزی که هر خویشتن می‌آید تا به سود خود بحث کند، و هر خویشتن آنچه کرده است وفادارانه دریافت می‌کند، بی‌آن‌که ستم ببیند.[111]
يَوْمَ تَأْتِى كُلُّ نَفْسٍ تُجَٰدِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [111]

و خدا مثالی می‌افزاید: شهری که در امنیت بود، در آسودگی، که روزی‌اش از همه سو به آسانی به آن می‌رسید؛ سپس دهش‌های خدا را انکار کرد، و خدا جامهٔ گرسنگی و ترس را به آن چشاند، به سبب آنچه می‌کردند.[112]
وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلْجُوعِ وَٱلْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ [112]

فرستاده‌ای، از خودشان، همانا نزد آنان آمده بود، اما او را دروغ انگاشتند؛ و کیفر آنان را فرا گرفت، در حالی که ستمگر بودند.[113]
وَلَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلْعَذَابُ وَهُمْ ظَٰلِمُونَ [113]

پس از آنچه خدا شما را از آن روزی داد بخورید، از آنچه روا و نیک است،
فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلًا طَيِّبًا

و برای دهش خدا سپاس‌گزار باشید، اگر از او فرمان می‌برید.[114]

وَٱشْكُرُواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ [114]

او بر شما فقط جانور مرده، خون، گوشت خوک، و آنچه برای غیر از خدا وقف شده است را ممنوع کرده است.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦ

اما هر که به آن ناگزیر شود، نه سرکش باشد و نه از حدها بگذرد، خدا آنگاه همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[115]

فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [115]

و برای آنچه زبان‌هایتان دروغ‌گویانه وصف می‌کنند مگویید: «این روا است و این ممنوع است»، تا بر خدا دروغ برسازید،

وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ ٱلْكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ

زیرا کسانی که بر خدا دروغ برمی‌سازند کامیاب نخواهند شد.[116]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ [116]

این بهره‌ای اندک است،

مَتَٰعٌ قَلِيلٌ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[117]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [117]

و بر بازگرایان آنچه را پیش‌تر دربارهٔ آن برایت بازگو کردیم ممنوع ساختیم؛

وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِن قَبْلُ

ما به آنان ستم نکردیم،

وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ

اما بر خود ستم می‌کردند.[118]

وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ [118]

سپس سرپرست تو، نسبت به کسانی که از سر نادانی بدی کردند، سپس پس از آن پشیمان شدند و شایسته‌سازی کردند — سرپرست تو، پس از آن، بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.[119]

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ [119]

ابراهیم یک جامعه بود، خدمت‌گزار خدا، یکسره رو به او، و از انبازگیرندگان نبود،[120]

إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ [120]

سپاس‌گزار دهش‌های او.

شَاكِرٗا لِّأَنۡعُمِهِۦ

او را برگزید و به جاده‌ای راست راه نمود.[121]

ٱجۡتَبَىٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ [121]

و در زندگی نزدیک به او نیکی دادیم؛

وَءَاتَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ

و در زندگی واپسین بی‌گمان از شمار کسانی که شایسته‌اند خواهد بود.[122]

وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [122]

سپس به تو پرده برداشتیم: «از مکتب ابراهیم پیروی کن، یکسره رو به خدا»،

ثُمَّ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ أَنِ ٱتَّبِعۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗا

و او از شمار انبازگیرندگان نبود.[123]

وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ [123]

آسایش جز بر کسانی که دربارهٔ آن اختلاف ورزیدند نهاده نشده است:

إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبْتُ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ

سرپرست تو در روز حضور، میان آنان، دربارهٔ آنچه در آن اختلاف می‌ورزیدند بی‌گمان داوری خواهد کرد.[124]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [124]

به راه سرپرستت با فرزانگی و ترغیبی زیبا فرا بخوان، و با آنان به زیباترین شیوه بحث کن؛

ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ

زیرا سرپرست تو بهتر می‌شناسد کسی را که از راه او گمراه شده است،

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ

و راهنمایی‌پذیرندگان را بهتر می‌شناسد.[125]

وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ [125]

و اگر تلافی کنید، همان‌اندازه دقیق آنچه بر شما رفته است تلافی کنید؛

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا۟ بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِۦ

اما اگر شکیبایی کنید، این بی‌گمان برای شکیبایان بهتر است.[126]

وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّٰبِرِينَ [126]

و شکیبایی کن —

وَٱصْبِرْ

حال آن‌که شکیبایی تو جز به خدا نیست.

وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِ

و برای آنان غصه مخور، و به سبب آنچه دسیسه می‌چینند در تنگنا مباش،[127]

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِى ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ [127]

زیرا خدا با کسانی است که محتاط‌اند و کسانی که نیکی می‌کنند.[128]

إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ [128]



# الحجر • AL-HIJR

سوره 15 · 99 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓر (الف لام را).

الٓر

اینها نشانه‌های نوشتار است، و خوانشی روشن.[1]

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ وَقُرْءَانٍ مُّبِينٍ [1]

بارها کسانی که انکار می‌کنند می‌خواستند که بی‌خدشه نزد خدا بوده باشند.[2]

رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْ كَانُوا۟ مُسْلِمِينَ [2]

رهایشان کن: بخورند، بهره‌مند شوند، و امید آنان را سرگرم کند:

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا۟ وَيَتَمَتَّعُوا۟ وَيُلْهِهِمُ ٱلْأَمَلُ

به‌زودی خواهند دانست.[3]

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ [3]

هیچ شهری را نابود نکردیم، بی‌آن‌که دربارهٔ آن دفتری شناخته‌شده باشد.[4]

وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ [4]

هیچ جامعه‌ای نه از سرآمد خود پیشی می‌گیرد و نه آن را به تأخیر می‌اندازد.[5]

مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَـْٔخِرُونَ [5]

و گفتند: «ای که یادآوری بر او فرود آورده شده است، تو بی‌گمان دچار اختلالی! چرا کارگزاران را نزد ما نمی‌آوری، اگر از راست‌گویانی؟»[6-7]

وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِى نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۝6 لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِٱلْمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ۝7

ما کارگزاران را جز با حقیقت فرود نمی‌آوریم،

مَا نُنَزِّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ

و آنگاه به آنان هیچ مهلتی داده نمی‌شد.[8]

وَمَا كَانُوٓاْ إِذًا مُّنظَرِينَ ۝8

ما بودیم که یادآوری را فرود آوردیم،

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا ٱلذِّكْرَ

و ما بی‌گمان پاسداران آن هستیم.[9]

وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ۝9

ما همانا پیش از تو فرستادگانی فرستادیم، در میان دسته‌های پیشینیان،[10]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِى شِيَعِ ٱلْأَوَّلِينَ ۝10

و هیچ فرستاده‌ای به آنان نمی‌آمد مگر آن‌که او را به مسخره می‌گرفتند.[11]

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ۝11

بدین‌سان آن را در هسته‌های کنارگذاشته‌شدگان می‌گنجانیم: به آن باور نمی‌آورند، در حالی که هنجار پیشینیان پیش‌تر گذشته است.[12-13]

كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُۥ فِى قُلُوبِ ٱلْمُجْرِمِينَ ۝12 لَا يُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ ٱلْأَوَّلِينَ ۝13

و حتی اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم، که از آن همچنان بالا می‌رفتند، می‌گفتند: «بینایی‌های ما تنها تار شده است؛ ما بلکه قومی هستیم که چشم‌بندی ما را فریفته است.»[14-15]

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعْرُجُونَ [14] لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَٰرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ [15]

ما همانا در آسمان صورت‌های فلکی نهادیم، و آن‌ها را برای نگرندگان آراستیم، و آن‌ها را از هر منحرف‌کنندهٔ رانده‌شده پاس داشتیم — مگر کسی که گوش‌دزدی می‌کند، و آنگاه تیری شعله‌ور آشکار او را دنبال می‌کند.[16-18]

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِى ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ [16] وَحَفِظْنَٰهَا مِن كُلِّ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ [17] إِلَّا مَنِ ٱسْتَرَقَ ٱلسَّمْعَ فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ مُّبِينٌ [18]

و زمین را، ما آن را گستردیم، و در آن لنگرهای استوار افکندیم، و در آن هر چیز سنجیده‌شده‌ای رویاندیم، و در آن برای شما وسیله‌های زیست نهادیم،[19]

وَٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَىْءٍ مَّوْزُونٍ [19] وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ

و نیز برای کسانی که شما روزی‌دهندهٔ آنان نیستید.[20]

وَمَن لَّسْتُمْ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ [20]

و هیچ چیز نیست که ذخایرش نزد ما نباشد،

وَإِن مِّن شَىْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ

و ما آن را جز بر پایهٔ اندازه‌ای شناخته فرود نمی‌آوریم.[21]

وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ [21]

و بادهای بارورکننده را فرستادیم، و آنگاه از آسمان آبی فرود آوردیم که شما را با آن سیراب کردیم، و شما آن را ذخیره نمی‌کنید.[22]

وَأَرْسَلْنَا ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَسْقَيْنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمْ لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ [22]

و ماییم بی‌گمان که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و ماییم وارثان.[23]

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِۦ وَنُمِيتُ وَنَحْنُ ٱلْوَٰرِثُونَ [23]

ما همانا کسانی از شما را که پیش می‌روند می‌شناسیم، و همانا کسانی را که درنگ می‌کنند می‌شناسیم.[24]

وَلَقَدْ عَلِمْنَا ٱلْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا ٱلْمُسْتَـْٔخِرِينَ [24]

و این سرپرست تو است که آنان را گرد خواهد آورد،

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ

زیرا او فرزانه و همه‌چیزدان است.[25]

إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ [25]

ما همانا انسان را از گل طنین‌انداز، از لجنی شکل‌یافته آفریدیم،[26]

وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ [26]

و نهانیان را، ما پیش‌تر آنان را از آتش باد سوزان آفریده بودیم.[27]

وَٱلْجَآنَّ خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ [27]

و آن‌گاه که سرپرستت به کارگزاران گفت: «من همانا آدمی را از گل طنین‌انداز، از لجنی شکل‌یافته خواهم آفرید؛ چون او را سامان داده باشم و از جریان من در او دمیده باشم، سر فرود آورید، در برابر او پیشانی بر خاک نهاده.»[28-29]

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّى خَٰلِقٌۢ بَشَرًا مِّن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ [28] فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِى فَقَعُوا۟ لَهُۥ سَٰجِدِينَ [29]

کارگزاران آنگاه همه با هم پیشانی بر خاک نهادند، مگر ابلیس: از این‌که از پیشانی‌برخاک‌نهندگان باشد سر باز زد.[30-31]

فَسَجَدَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ [30] إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ [31]

او گفت: «ای ابلیس، تو را چه شده است که از پیشانی‌برخاک‌نهندگان نیستی؟»[32]

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ [32]

او گفت: «مرا نشاید که در برابر آدمی که تو او را از گل طنین‌انداز، از لجنی شکل‌یافته آفریده‌ای پیشانی بر خاک نهم.»[33]

قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٖ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ [33]

او گفت: «پس از اینجا بیرون رو، زیرا اینک رانده شده‌ای، و نفرین همانا بر تو است تا روز سررسید.»[34-35]

قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ [34] وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ [35]

او گفت: «ای سرپرست من، پس مرا مهلت ده تا روزی که برانگیخته شوند.»[36]

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ [36]

او گفت: «تو از کسانی هستی که به آنان مهلت داده شده است، تا روز هنگام شناخته‌شده.»[37-38]

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ [37] إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ [38]

او گفت: «ای سرپرست من، چون مرا سرگردان کردی، من بی‌گمان برای آنان آنچه بر زمین است را خواهم آراست، و بی‌گمان همهٔ آنان را سرگردان خواهم کرد، مگر فرمان‌برداران پیراستهٔ تو از میان آنان.»[39-40]

قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ [39] إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ [40]

او گفت: «این جاده‌ای است که بر عهدهٔ من است، جاده‌ای راست.[41]

قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ مُسۡتَقِيمٌ [41]

بر فرمان‌برداران من، تو همانا هیچ اقتداری نداری، مگر بر کسی که از میان سرگردانان از تو پیروی کند.»[42]

إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ [42]

و جهنم بی‌گمان وعده‌گاه همهٔ آنان است؛ هفت در دارد، [43]

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ [43] لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَٰبٍ

از آنِ هر در بخشی معین از آنان است. [44]

لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ [44]

کسانی که محتاط بوده‌اند همانا در باغ‌ها و چشمه‌ها خواهند بود: «در آن‌ها با آرامش، در امنیت وارد شوید.» [45–46]

إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ [45] ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ [46]

و هر کینه‌ای را از سینه‌هایشان برگرفته خواهیم بود،

وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ

برادرانه، بر سکوها، روبه‌روی یکدیگر. [47]

إِخْوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَٰبِلِينَ [47]

هیچ خستگی‌ای در آنجا به آنان نخواهد رسید،

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ

و هرگز از آن بیرون رانده نخواهند شد. [48]

وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ [48]

به فرمان‌برداران من اطلاع بده که منم، بسیار بخشاینده و مهربان، و که کیفر من همان کیفر دردناک است. [49–50]

نَبِّئْ عِبَادِىٓ أَنِّىٓ أَنَا ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [49] وَأَنَّ عَذَابِى هُوَ ٱلْعَذَابُ ٱلْأَلِيمُ [50]

و دربارهٔ میهمانان ابراهیم به آنان اطلاع بده، آن‌گاه که نزد او درآمدند و گفتند: «آرامش!» [51]

وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ [51] إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَيْهِ فَقَالُوا۟ سَلَٰمًا

او گفت: «ما از شما همانا می‌لرزیم.»[52]

قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ [52]

گفتند: «نلرز، زیرا ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.»[53]

قَالُواْ لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٍ [53]

او گفت: «آیا مرا به این مژده می‌دهید، در حالی که سالخوردگی به من رسیده است؟ پس به چه مرا مژده می‌دهید؟»[54]

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ [54]

گفتند: «ما تو را به این به حقیقت مژده می‌دهیم: پس از دل‌باختگان مباش.»[55]

قَالُواْ بَشَّرْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْقَٰنِطِينَ [55]

او گفت: «و چه کسی پس از مهر سرپرستش دل می‌بازد، مگر گمراه‌شدگان؟»[56]

قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ [56]

او گفت: «پس حال شما چیست، ای فرستاده‌شدگان؟»[57]

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ [57]

گفتند: «ما به سوی قومی کنارگذاشته‌شده فرستاده شده‌ایم، مگر تبار لوط.[58]

قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ [58] إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ

همهٔ آنان را بی‌گمان نجات خواهیم داد، مگر زنش: تعیین کرده‌ایم که او بی‌گمان از درنگ‌کنندگان است.»[59-60]

إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ [59] إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ [60]

و چون فرستاده‌شدگان نزد تبار لوط آمدند، گفت: «شما مردمی هستید که نمی‌شناسم.»[61-62]

فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلُونَ [61] قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ [62]

گفتند: «بلکه آنچه را دربارهٔ آن به جدال می‌پرداختند برایت آورده‌ایم. با حقیقت نزد تو آمده‌ایم، و ما بی‌گمان راست‌گوییم.[63-64]

قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمۡتَرُونَ 63 وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ 64

پس با خانواده‌ات، در پاره‌ای از شب، رهسپار شو، و از پی واپسین‌های آنان برو، و هیچ‌یک از شما روی برنگرداند، و به آنجا که به شما دستور داده شده است بروید.»[65]

فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ 65

و این دستور را برای او مقرر کردیم: واپسین بازماندهٔ اینان بامداد قطع می‌شد.[66]

وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ مُّصۡبِحِينَ 66

و مردمِ پایتخت شادی‌کنان آمدند.[67]

وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡتَبۡشِرُونَ 67

او گفت: «اینان میهمانان منند: مرا بی‌آبرو مکنید،[68]

قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ 68

و در برابر خدا محتاط باشید، و مرا شرمسار مکنید.»[69]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ 69

گفتند: «آیا تو را از همهٔ هستی‌ها نهی نکرده بودیم؟»[70]

قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ 70

او گفت: «اینان دختران منند، اگر ناگزیر از کاری هستید.»[71]

قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ 71

به زندگی تو، آنان بی‌گمان در مستی خود کورمال می‌رفتند.[72]

لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ 72

بانگ آنان را آنگاه در سپیده‌دم فرا گرفت، و بالای آن را پایین آن ساختیم، و بر آنان سنگ‌هایی از گل شکل‌یافته باراندیم.[73-74]

فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ٧٣ فَجَعَلْنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ٧٤

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای کسانی که سیماها را رمزگشایی می‌کنند.[75]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ٧٥

و آن بی‌گمان بر راهی است که برجا می‌ماند.[76]

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ٧٦

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای باورمندان.[77]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَأَيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ٧٧

و همراهان بیشه بی‌گمان ستمگر بودند،[78]

وَإِن كَانَ أَصْحَٰبُ ٱلْأَيْكَةِ لَظَٰلِمِينَ ٧٨

پس ما از آنان انتقام گرفتیم،

فَٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ

و هر دو بی‌گمان بر مرجعی آشکارند.[79]

وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ٧٩

همراهان حجر فرستاده‌شدگان را همانا دروغ انگاشتند،[80]

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ ٱلْحِجْرِ ٱلْمُرْسَلِينَ ٨٠

و نشانه‌های خود را به آنان دادیم، اما آنان از آن‌ها پهلو تهی کردند.[81]

وَءَاتَيْنَٰهُمْ ءَايَٰتِنَا فَكَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ٨١

و در کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدند، در امنیت.[82]

وَكَانُوا۟ يَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ٨٢

بانگ آنان را آنگاه بامداد فرا گرفت،[83]

فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ [83]

و آنچه کسب کرده بودند به کارشان نیامد.[84]

فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ [84]

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست جز به حقیقت نیافریدیم.

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ

و آن لحظه بی‌گمان می‌آید:

وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَءَاتِيَةٌ

پس صفحه را بگردان، با حرکتی در خور،[85]

فَٱصْفَحِ ٱلصَّفْحَ ٱلْجَمِيلَ [85]

زیرا سرپرست تو بزرگ‌آفریننده است، همه‌چیزدان.[86]

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِيمُ [86]

ما همانا هفت تا از دوتایی‌ها و خوانشی سترگ به تو دادیم.[87]

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ سَبْعًا مِّنَ ٱلْمَثَانِى وَٱلْقُرْءَانَ ٱلْعَظِيمَ [87]

چشمانت را مدوز به آنچه جفت‌هایی از میان آنان را از آن بهره‌مند ساختیم،

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ

و برای آنان غصه مخور،

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ

و بال خود را برای باورمندان فرو آر.[88]

وَٱخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ [88]

و بگو: «من همانا، خود، هشداردهندهٔ روشنم» — چنان‌که آن را بر کسانی که آن را میان خود تقسیم کردند، کسانی که این خوانش را پاره‌هایی ناهمگون ساختند، فرود آوردیم.[89-91]

وَقُلْ إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلْمُبِينُ 89 كَمَآ أَنزَلْنَا عَلَى ٱلْمُقْتَسِمِينَ 90 ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلْقُرْءَانَ عِضِينَ 91

به سرپرست تو، ما همه‌شان را بی‌گمان دربارهٔ آنچه می‌کردند خواهیم پرسید.[92-93]

فَوَرَبِّكَ لَنَسْـَٔلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ 92 عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ 93

پس آنچه را به تو دستور داده می‌شود علنی اعلام کن،

فَٱصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ

و از انبازگیرندگان کناره بگیر،[94]

وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْمُشْرِكِينَ 94

زیرا ما برای تو در برابر مسخره‌کنندگان بس بودیم، کسانی که با خدا ایزدی دیگر قرار می‌دهند:[95]

إِنَّا كَفَيْنَٰكَ ٱلْمُسْتَهْزِءِينَ 95 ٱلَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ

به‌زودی خواهند دانست.[96]

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ 96

ما همانا خواهیم دانست که سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود:[97]

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ 97

پس با ستایش، سرپرست خود را شکوه بسرای، و از پیشانی‌برخاک‌نهندگان باش،[98]

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ 98

و از سرپرست خود فرمان ببر تا آن‌گاه که یقین به تو برسد.[99]

وَٱعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ ٱلْيَقِينُ 99

# ابراهیم • IBRAHIM

سوره 14 · 52 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓر (الف لام را).

الٓر

نوشتاری که آن را به سوی تو فرود آوردیم، تا انسان‌ها را، با اجازهٔ سرپرستشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی جادهٔ نیرومند، ستوده.[1]

كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ [1]

خدا، که از آنِ او است آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است.

ٱللَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و وای بر کسانی که انکار می‌کنند، به سبب کیفری سخت —[2]

وَوَيْلٌ لِّلْكَٰفِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ [2]

کسانی که زندگی نزدیک را بیش از زندگی واپسین دوست می‌دارند، راه خدا را می‌بندند و می‌کوشند آن را کج کنند: اینان در گمراهی‌ای دور هستند.[3]

ٱلَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا عَلَى ٱلْءَاخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُوْلَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍۭ بَعِيدٍ [3]

هیچ فرستاده‌ای نفرستادیم مگر به زبان قومش، تا برای آنان چیزها را روشن گرداند؛

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ

خدا آنگاه هر که را پسند او افتد گمراه می‌کند، و هر که را پسند او افتد راه می‌نماید:

فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ

و او نیرومند است، فرزانه.[4]

وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ [4]

ما همانا موسی را با نشانه‌های خود فرستادیم: «قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن.»

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنۡ أَخۡرِجۡ قَوۡمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَذَكِّرۡهُم بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای هر که بسیار شکیبا و بسیار سپاس‌گزار است.[5]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ [5]

و آن‌گاه که موسی به قومش گفت: «دهش خدا بر خود را به یاد آورید، آن‌گاه که شما را از تبار فرعون نجات داد، که کیفری بد بر شما روا می‌داشت، پسرانتان را سر می‌برید و به حیای زنانتان لطمه می‌زد:

وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ أَنجَىٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡ

و در آن، از جانب سرپرستتان، آنچه سترگانه می‌آزماید بود.»[6]

وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ [6]

و آن‌گاه که سرپرستتان اعلام کرد: «اگر سپاس‌گزار باشید، بی‌گمان شما را خواهم افزود؛ اما اگر انکار کنید، کیفر من بی‌گمان سخت است.»[7]

وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكُمۡ لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡ وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٞ [7]

و موسی گفت: «اگر شما و همهٔ کسانی که بر زمین‌اند انکار کنید، خدا بی‌گمان توانگر است، او ستوده است.»[8]

وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكۡفُرُوٓاْ أَنتُمۡ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ [8]

آیا اطلاعات کسانی که پیش از شما بودند به شما نرسیده است: قوم نوح، عاد، ثمود، و کسانی که پس از آنان آمدند،

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعْدِهِمْ

که جز خدا آنان را نمی‌شناسد؟

لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا ٱللَّهُ

فرستادگانشان با دلیل‌های روشن نزد آنان آمدند، اما آنان دست‌هایشان را به دهان‌هایشان بازگرداندند و گفتند: «ما آنچه را شما با آن فرستاده شده‌اید انکار می‌کنیم، و دربارهٔ آنچه ما را به آن فرا می‌خوانید بی‌گمان در سرگشتگی‌ای پریشان‌کننده‌ایم.»[9]

جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَرَدُّوٓاْ أَيْدِيَهُمْ فِىٓ أَفْوَٰهِهِمْ وَقَالُوٓاْ إِنَّا كَفَرْنَا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِۦ وَإِنَّا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ [9]

فرستادگانشان گفتند: «آیا دربارهٔ خدا، سرچشمهٔ آسمان‌ها و زمین، سرگشتگی هست؟ او شما را فرا می‌خواند تا بخشی از تقصیرهای شما را ببخشاید و شما را تا سرآمدی نام‌برده به تعویق اندازد.»

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى ٱللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى

گفتند: «شما جز آدمیانی همانند ما نیستید؛ می‌خواهید راه ما را به آنچه نیاکان ما از آن فرمان می‌بردند ببندید. پس اقتداری آشکار برای ما بیاورید.»[10]

قَالُوٓاْ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ [10]

فرستادگانشان به آنان گفتند: «ما جز آدمیانی همانند شما نیستیم، اما خدا هر که را پسند او افتد از میان فرمان‌برداران خود برخوردار می‌سازد.

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ

ما را نشاید که برای شما اقتداری بیاوریم مگر با اجازهٔ خدا.

وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَٰنٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.[11]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ [11]

و چرا به خدا وکالت ندهیم، در حالی که او ما را به راه‌های ما راه نموده است؟

وَمَا لَنَآ أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنَا سُبُلَنَا

و ما بی‌گمان در برابر آنچه ما را بدان می‌آزارید شکیبایی خواهیم کرد؛

وَلَنَصۡبِرَنَّ عَلَىٰ مَآ ءَاذَيۡتُمُونَا

پس کسانی که وکالت می‌دهند، به خدا وکالت دهند.»[12]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ [12]

و کسانی که انکار می‌کردند به فرستادگانشان گفتند: «ما شما را بی‌گمان از زمین خود بیرون خواهیم کرد، یا به مکتب ما بازخواهید گشت!»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمۡ لَنُخۡرِجَنَّكُم مِّنۡ أَرۡضِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا

پس سرپرستشان به آنان پرده برداشت: «ما بی‌گمان ستمگران را نابود خواهیم کرد، و شما را بی‌گمان پس از آنان در این زمین ساکن خواهیم گرداند.[13]

فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ رَبُّهُمۡ لَنُهۡلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ [13] وَلَنُسۡكِنَنَّكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ

این برای کسی است که از ایستادن در برابر من می‌ترسد و از تهدید من می‌ترسد.»[14]

ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ [14]

و گشایش خواستند،

وَٱسۡتَفۡتَحُواْ

و هر مستبد لجوج ناکام ماند؛ در ورای او جهنم است، و در آن از آبی چرکین سیراب کرده خواهد شد، که جرعه‌جرعه فرو می‌برد و به‌دشواری می‌تواند از گلو بگذراند؛ مرگ از هر سو به او خواهد آمد بی‌آن‌که بمیرد؛ و در ورای این، کیفری سنگین.[15-17]

وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ [15] مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ [16] يَتَجَرَّعُهُۥ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ وَيَأْتِيهِ ٱلْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٌ [17]

مثال کسانی که سرپرست خود را انکار می‌کنند:

مَّثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ

کردارهایشان همچون خاکستری است که باد در روزی طوفانی با شدت به گردش درمی‌آورد: از آنچه به دست آورده‌اند هیچ چیز را نمی‌توانند نگه دارند.

أَعْمَٰلُهُمْ كَرَمَادٍ ٱشْتَدَّتْ بِهِ ٱلرِّيحُ فِى يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا۟ عَلَىٰ شَىْءٍ

این است گمراهی دور.[18]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلْبَعِيدُ [18]

آیا ندیده‌ای که خدا آسمان‌ها و زمین را با حقیقت آفرید؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ

اگر او را پسند می‌افتاد، شما را می‌برد و آفرینشی نو می‌آورد،[19]

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ [19]

و این برای خدا به‌هیچ‌روی دور از دسترس نیست.[20]

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ [20]

و همه آشکارا در برابر خدا خواهند بود، و ضعیفان به کسانی که از خودبزرگ‌بینی باد می‌کردند خواهند گفت: «ما همانا پیرو شما بودیم؛ آیا پس می‌توانید در برابر کیفر خدا در چیزی به ما سود رسانید؟»

وَبَرَزُوا۟ لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا۟ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ

خواهند گفت: «اگر خدا ما را راه نموده بود، ما همانا شما را راه می‌نمودیم.
قَالُواْ لَوۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيۡنَٰكُمۡ

برای ما یکسان است که بی‌تاب شویم یا شکیبایی کنیم: برای ما هیچ گریزی نیست.»[21]
سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَجَزِعۡنَآ أَمۡ صَبَرۡنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٖ [21]

و منحرف‌کننده خواهد گفت، آن‌گاه که کار فیصله داده شود: «خدا همانا وعدهٔ حقیقت به شما داد، و من نیز به شما وعده‌ای دادم، اما از آن تخلف ورزیدم؛ من بر شما هیچ اقتداری نداشتم، مگر آن‌که شما را فرا خواندم، و شما به من پاسخ دادید. پس مرا سرزنش مکنید، اما خود را سرزنش کنید: من نمی‌توانم به فریاد شما پاسخ دهم، و نه شما به فریاد من. من همانا انکار می‌کنم که پیش‌تر مرا با خدا انباز گرفته‌اید.»
وَقَالَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لَمَّا قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ إِنَّ ٱللَّهَ وَعَدَكُمۡ وَعۡدَ ٱلۡحَقِّ وَوَعَدتُّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُكُمۡۖ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنٍ إِلَّآ أَن دَعَوۡتُكُمۡ فَٱسۡتَجَبۡتُمۡ لِيۖ فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓاْ أَنفُسَكُمۖ مَّآ أَنَا۠ بِمُصۡرِخِكُمۡ وَمَآ أَنتُم بِمُصۡرِخِيَّ إِنِّي كَفَرۡتُ بِمَآ أَشۡرَكۡتُمُونِ مِن قَبۡلُ

ستمگران همانا کیفری دردناک خواهند داشت.[22]
إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ [22]

و کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، با اجازهٔ سرپرستشان، به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است درآورده خواهند شد، در آن جاودانه خواهند ماند.
وَأُدۡخِلَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ

درودشان در آنجا خواهد بود: «آرامش!»[23]
تَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٌ [23]

آیا ندیده‌ای که خدا چگونه مثالی می‌افزاید؟ کلمه‌ای نیک همچون درختی نیک است، که ریشه‌اش استوار است و شاخسارش در آسمان، که خوراک‌هایش را در هر هنگام می‌دهد، با اجازهٔ سرپرستش.[24]

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى ٱلسَّمَآءِ [24] تُؤْتِىٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍۭ بِإِذْنِ رَبِّهَا

و خدا مثال‌ها را برای انسان‌ها چند برابر می‌کند، شاید به یاد آورند.[25]

وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [25]

و مثال کلمه‌ای ناپاک همچون درختی ناپاک است، که از سطح زمین برکنده شده، بی‌هیچ استواری.[26]

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ ٱجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ ٱلْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ [26]

خدا کسانی را که باور می‌آورند با سخن استوار، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین، استوار می‌سازد،

يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ

و خدا ستمگران را گمراه می‌کند،

وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَ

و خدا آنچه را پسند او افتد انجام می‌دهد.[27]

وَيَفْعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ [27]

آیا ندیده‌ای کسانی را که دهش خدا را به انکار عوض کردند، و قوم خود را در سرای زوال جا دادند — جهنم، که در آن خواهند سوخت:[28]

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا۟ قَوْمَهُمْ دَارَ ٱلْبَوَارِ [28] جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

چه زشت آرامگاهی است![29]

وَبِئْسَ ٱلْقَرَارُ [29]

و برای خدا رقیبانی قرار داده‌اند، تا از راه او گمراه کنند:

وَجَعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِۦ

بگو: «بهره‌مند شوید، زیرا مقصد شما آتش است.»[30]

قُلۡ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمۡ إِلَى ٱلنَّارِ [30]

به فرمان‌برداران من که باور آورده‌اند بگو که تماس را پابرجا نگه دارند و از آنچه ما روزی‌شان داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، هزینه کنند، پیش از آن‌که روزی بیاید که در آن نه فروشی باشد و نه دوستی.[31]

قُل لِّعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خِلَٰلٌ [31]

خدا آن است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی فرود آورد، که با آن میوه‌هایی را همچون روزی برای شما بیرون آورد، و کشتی را برای شما رام کرد، تا به دستور او بر دریا روان شود،

ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ لِتَجۡرِيَ فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ

و رودها را برای شما رام کرد.[32]

وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡهَٰرَ [32]

و خورشید و ماه را، که بی‌وقفه در گردشند، برای شما رام کرد،

وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ دَآئِبَيۡنِ

و شب و روز را برای شما رام کرد.[33]

وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ [33]

و از هر آنچه از او خواستید به شما داد؛

وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلۡتُمُوهُ

و اگر دهش خدا را می‌شمردید، نمی‌توانستید آن را برشمارید.

وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآ

انسان بی‌گمان سخت ستمگر است، انکارگری بزرگ.[34]

إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ [34]

و آن‌گاه که ابراهیم گفت: «ای سرپرست من، این دیار را ایمن گردان، و مرا و پسرانم را از فرمان بردن از بت‌ها دور نگه دار.[35]

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا ٱلْبَلَدَ ءَامِنًا وَٱجْنُبْنِى وَبَنِىَّ أَن نَّعْبُدَ ٱلْأَصْنَامَ [35]

ای سرپرست من، آن‌ها همانا شمار فراوانی از انسان‌ها را گمراه کرده‌اند. هر که از من پیروی کند آنگاه از من است، و هر که از من نافرمانی کند — آنگاه تو همانا بسیار بخشاینده و مهربانی.[36]

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ فَمَن تَبِعَنِى فَإِنَّهُۥ مِنِّى وَمَنْ عَصَانِى فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [36]

ای سرپرست ما، بخشی از اعقاب خود را در دره‌ای بی‌کشت، نزدیک خانهٔ تو که مصون از تعرّض گردانده شده است، ساکن گرداندم،

رَّبَّنَآ إِنِّىٓ أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِى بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ ٱلْمُحَرَّمِ

ای سرپرست ما، تا تماس را پابرجا نگه دارند؛ پس چنان کن که آگاهی‌هایی از میان انسان‌ها به سوی آنان تمایل یابند، و آنان را از میوه‌ها روزی ده، شاید سپاس‌گزار شوند.[37]

رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجْعَلْ أَفْـِٔدَةً مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهْوِىٓ إِلَيْهِمْ وَٱرْزُقْهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ [37]

ای سرپرست ما، تو آنچه پنهان می‌داریم و آنچه افشا می‌کنیم می‌دانی؛

رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِى وَمَا نُعْلِنُ

و هیچ چیز از خدا پنهان داشته نمی‌شود، نه بر زمین و نه در آسمان.[38]

وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ [38]

ستایش از آنِ خدا است، که مرا، با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را عطا کرد!

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى وَهَبَ لِى عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ

سرپرست من فراخوانی را بی‌گمان می‌شنود.[39]

إِنَّ رَبِّى لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ [39]

ای سرپرست من، مرا از پابرجا نگه‌دارندگان تماس گردان، و اعقابم را نیز؛

رَبِّ ٱجْعَلْنِى مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِى

ای سرپرست ما، و فراخوانی‌ام را بپذیر.[40]

رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ [40]

ای سرپرست ما، مرا و پدر و مادرم و باورمندان را ببخشای، روزی که حساب سر برآورد.»[41]

رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ [41]

و هرگز مپندار که خدا از آنچه ستمگران می‌کنند بی‌اعتنا است:

وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَ

او تنها آنان را تا روزی به تعویق می‌اندازد که در آن بینایی‌ها خیره خواهند شد؛ با سر برافراشته شتابان خواهند رفت، بی‌آن‌که نگاهشان به آنان بازگردد، و آگاهی‌هایشان تهی خواهد بود.[42-43]

إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَٰرُ [42] مُهْطِعِينَ مُقْنِعِى رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْـِٔدَتُهُمْ هَوَآءٌ [43]

و انسان‌ها را از روزی هشدار ده که کیفر به آنان می‌رسد، و کسانی که ستم کرده‌اند خواهند گفت: «ای سرپرست ما، ما را تا سرآمدی نزدیک به تعویق انداز: ما فراخوان تو را پاسخ خواهیم داد و از فرستادگان پیروی خواهیم کرد.»

وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ ٱلْعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ رَبَّنَآ أَخِّرْنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَ

«آیا پیش‌تر سوگند نخورده بودید که هیچ زوالی نخواهید شناخت؟[44]

أَوَلَمْ تَكُونُوٓاْ أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ [44]

و در سراهای کسانی که به خویشتن خود ستم کردند ساکن شدید، و برای شما روشن شد که با آنان چگونه کردیم، و مثال‌ها را برای شما چند برابر کردیم.»[45]

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ ٱلْأَمْثَالَ [45]

و دسیسهٔ خود را چیدند،

وَقَدْ مَكَرُواْ مَكْرَهُمْ

اما دسیسهٔ آنان نزد خدا است،

وَعِندَ ٱللَّهِ مَكْرُهُمْ

هرچند دسیسهٔ آنان چنان بود که کوه‌ها را از میان بردارد.[46]

وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ ٱلْجِبَالُ [46]

پس هرگز مپندار که خدا از وعدهٔ خود به فرستادگانش تخلف می‌ورزد،

فَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِۦ رُسُلَهُۥٓ

زیرا خدا نیرومند است، دارندهٔ انتقام.[47]

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ [47]

روزی که زمین به زمینی دیگر دگرگون خواهد شد، و آسمان‌ها نیز،

يَوْمَ تُبَدَّلُ ٱلْأَرْضُ غَيْرَ ٱلْأَرْضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ

و آنان در برابر خدا، یگانه، چیره‌گر، آشکارا خواهند بود.[48]

وَبَرَزُواْ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ [48]

و کنارگذاشته‌شدگان را در آن روز خواهی دید، با هم در بندها زنجیر شده، پیراهن‌هایشان از قیر، و آتش چهره‌هایشان را پوشانده، تا خدا هر خویشتن را بر پایهٔ آنچه کسب کرده بازپرداخت کند، [49-50]

وَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِى ٱلْأَصْفَادِ [49] سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ [50] لِيَجْزِىَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ

زیرا خدا در حسابرسی شتابنده است. [51]

إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [51]

این رساندنی است برای انسان‌ها، تا از آن هشدار داده شوند، و بدانند که او جز ایزدی یگانه نیست، و تا دارندگان هوش به یاد آورند. [52]

هَٰذَا بَلَٰغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا۟ بِهِۦ وَلِيَعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ [52]

# الرعد • AR-RA'D

سوره 13 · 43 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓر (الف لام میم را).

الٓمٓر

اینها نشانه‌های نوشتار است.

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ

و آنچه از سرپرستت بر تو فرود آورده شد حقیقت است،

وَٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ

اما بیشتر انسان‌ها باور نمی‌آورند.[1]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ [1]

خدا آن است که آسمان‌ها را بی‌ستون‌هایی برافراشت

ٱللَّهُ ٱلَّذِى رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ

که بتوانید آن‌ها را ببینید؛

تَرَوْنَهَا

سپس بر بنا جا گرفت؛

ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ

و خورشید و ماه را رام کرد،
وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ

هر یک به سوی سرآمدی نام‌برده روان است.
كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

او دستور را سامان می‌دهد،
يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ

نشانه‌ها را به تفصیل درمی‌آورد، شاید به ملاقات سرپرستتان یقین بیابید.[2]
يُفَصِّلُ ٱلْآيَٰتِ لَعَلَّكُم بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ [2]

و اوست که زمین را گسترد، و در آن لنگرهای استوار و رودها نهاد؛
وَهُوَ ٱلَّذِى مَدَّ ٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنْهَٰرًا

و از همهٔ میوه‌ها، در آن دو عنصر از یک جفت نهاد،
وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِ

روز را با شب می‌پوشاند.
يُغْشِى ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای قومی که می‌اندیشند.[3]
إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [3]

و بر زمین پاره‌هایی است همسایهٔ یکدیگر، باغ‌هایی از انگور، کشت‌ها، نخل‌هایی خوشه‌ای یا تکی، که از یک آب آبیاری می‌شوند،
وَفِى ٱلْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَٰوِرَٰتٌ وَجَنَّٰتٌ مِّنْ أَعْنَٰبٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَآءٍ وَٰحِدٍ

و ما برخی را بر برخی دیگر در خوراک‌ها برتری می‌دهیم.

وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِى ٱلْأُكُلِ

در این بی‌گمان نشانه‌هایی است برای قومی که خرد می‌ورزند.[4]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [4]

و اگر در شگفت شوی، شگفت‌آور است سخن آنان: «آیا چون خاک خواهیم شد، به‌راستی در آفرینشی نو خواهیم بود؟»

وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ

اینان کسانی‌اند که سرپرست خود را انکار می‌کنند،

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ

اینان کسانی‌اند که بر گردن‌هایشان غل‌ها خواهند داشت،

وَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْأَغْلَٰلُ فِىٓ أَعْنَاقِهِمْ

اینان همراهان آتش‌اند، در آن جاودانه می‌مانند.[5]

وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [5]

و از تو می‌خواهند که بدی را پیش از نیکی بشتابانی، در حالی که پیش از آنان نمونه‌هایی پیشین گذشته است.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ ٱلْمَثُلَٰتُ

و سرپرست تو بی‌گمان دارندهٔ بخشایش برای انسان‌ها است، با وجود ستمشان؛

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ

و سرپرست تو بی‌گمان در تنبیه سخت است.[6]

وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [6]

و کسانی که انکار می‌کنند می‌گویند: «چرا نشانه‌ای از سرپرستش بر او فرود آورده نشده است!»

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦٓ

تو خود جز یک هشداردهنده نیستی،

إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٞ

و از آنِ هر قوم راهنما است.[7]

وَلِكُلِّ قَوۡمٍ هَادٖ [7]

خدا می‌داند هر ماده چه بار دارد، و آنچه زهدان‌ها فرو می‌برند و آنچه می‌افزایند؛

ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُ

و هر چیز، نزد او، به اندازه‌ای است.[8]

وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ [8]

او که آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است می‌داند،

عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

بزرگ، برین.[9]

ٱلۡكَبِيرُ ٱلۡمُتَعَالِ [9]

در میان شما یکسان است که کسی سخن خود را نهان دارد یا آن را بلند بگوید، و در شب پنهان شود یا آشکارا در روز گردش کند.[10]

سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۭ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ بِٱلنَّهَارِ [10]

هر کس پیش روی خود و پشت سر خود نگهبانانی دارد که نوبتی یکدیگر را عوض می‌کنند، به دستور خدا او را پاس می‌دارند.

لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ يَحۡفَظُونَهُۥ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِ

خدا همانا آنچه را در قومی است تغییر نمی‌دهد تا آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند؛

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ

و چون خدا برای قومی بدی بخواهد، هیچ‌چیز نمی‌تواند آن را لغو کند،

وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوْمٍ سُوٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥ

و آنان غیر از او هیچ حامی‌ای ندارند.[11]

وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ [11]

اوست که برق را به شما نشان می‌دهد، ترس‌انگیز و امیدبخش، و ابرهای سنگین را پدید می‌آورد؛ و رعد با ستودن او، او را شکوه می‌سراید، و نیز کارگزاران، از ترس او؛[12]

هُوَ ٱلَّذِى يُرِيكُمُ ٱلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ [12] وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِۦ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِۦ

و صاعقه را می‌فرستد، و آن را به هر که پسند او افتد می‌رساند، در حالی که دربارهٔ خدا بحث می‌کنند؛ و او را نیرویی هولناک است.[13]

وَيُرْسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَآءُ وَهُمْ يُجَٰدِلُونَ فِى ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ ٱلْمِحَالِ [13]

فراخوان حقیقت از آنِ او است؛

لَهُۥ دَعْوَةُ ٱلْحَقِّ

و کسانی که غیر از او فرا می‌خوانند، در هیچ چیز به آنان پاسخ نمی‌دهند، مگر چون کسی که کف دست‌ها را به سوی آب می‌گستراند تا به دهانش برسد، بی‌آن‌که هرگز به آن برسد.

وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَىْءٍ إِلَّا كَبَٰسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى ٱلْمَآءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦ

فراخوانی انکارکنندگان جز در گمراهی نیست.[14]

وَمَا دُعَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ [14]

و در برابر خدا هر که در آسمان‌ها و زمین است پیشانی بر خاک می‌نهد، با رضایت یا با زور، و نیز سایه‌هایشان، بامداد و هنگام بازگشت به خانه.[15]

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَٰلُهُم بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْآصَالِ [15]

بگو: «سرپرست آسمان‌ها و زمین کیست؟» بگو: «خدا.»

قُلْ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ قُلِ ٱللَّهُ

بگو: «آیا پس غیر از او متحدانی گرفته‌اید که برای خود نه سودی دارند و نه آسیبی؟»

قُلْ أَفَٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا

بگو: «آیا نابینا و بینا برابرند؟

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ

یا تاریکی‌ها و نور برابرند؟»

أَمْ هَلْ تَسْتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُ

یا برای خدا انبازهایی قرار داده‌اند که همچون آفرینش او آفریده بودند، تا آن‌جا که آفرینش، در نظرشان، به شباهت می‌انجامید؟

أَمْ جَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوا۟ كَخَلْقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلْخَلْقُ عَلَيْهِمْ

بگو: «خدا آفرینندهٔ هر چیز است،

قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَىْءٍ

و او یگانه است، چیره‌گر.»[16]

وَهُوَ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّٰرُ [16]

از آسمان آبی فرود آورد، و دره‌ها به اندازهٔ خود جاری شدند، و سیلاب کفی برآمده با خود برد؛

أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌۢ بِقَدَرِهَا فَٱحْتَمَلَ ٱلسَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا

و از آنچه برای زیور یا کاربرد بر آتش می‌گدازند نیز کفی هست.

وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي ٱلنَّارِ ٱبْتِغَآءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَٰعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُۥ

بدین‌سان خدا حقیقت و ناراست را چند برابر می‌کند:

كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ وَٱلْبَٰطِلَ

کف به‌صورت دورریختنی می‌رود،

فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَآءً

در حالی که آنچه برای انسان‌ها سودمند است بر زمین می‌ماند.

وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي ٱلْأَرْضِ

بدین‌سان خدا مثال‌ها را چند برابر می‌کند.[17]

كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ [17]

برای کسانی که به سرپرستشان پاسخ می‌دهند زیباترین از آنِ ایشان است؛

لِلَّذِينَ ٱسْتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ ٱلْحُسْنَىٰ

و کسانی که به او پاسخ نمی‌دهند، اگر هر آنچه بر زمین است و همانندش را با آن می‌داشتند، آن را فدیه می‌دادند.

وَٱلَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُواْ لَهُۥ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفْتَدَوْاْ بِهِۦٓ

اینان کسانی‌اند که حسابی بد خواهند داشت،

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ سُوٓءُ ٱلْحِسَابِ

و پناهگاهشان جهنم خواهد بود:

وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ

چه زشت است بستری![18]

وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ [18]

آیا کسی که می‌داند آنچه از سرپرستت بر تو فرود آورده شده حقیقت است، پس همچون کسی می‌بود که نابینا است؟

أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰٓ

تنها دارندگان هوش به یاد می‌آورند، آنان که به پیمان خدا وفادارند و پیمان استوار را نمی‌شکنند، آنان که آنچه را خدا دستور داده است پیوند داده شود پیوند می‌دهند، از سرپرستشان بیم دارند و از حساب بد می‌ترسند، آنان که در طلب سوی سرپرستشان شکیبایی کردند، تماس را پابرجا نگه داشتند، از آنچه ما روزی‌شان دادیم پنهانی و آشکارا هزینه کردند، و بدی را با نیکی دفع می‌کنند.[19-21]

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ [19] ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلْمِيثَٰقَ [20] وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلْحِسَابِ [21] وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ

اینان کسانی‌اند که فرجام جایگاه را خواهند داشت:[22]

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ عُقْبَى ٱلدَّارِ [22]

باغ‌های پایایی، که در آن‌ها وارد خواهند شد، و نیز کسانی از والدینشان و همسرانشان و اعقابشان که شایسته بودند،

جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ

و کارگزاران از هر در نزد آنان وارد خواهند شد:[23]

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ [23]

«آرامش بر شما باد، برای آن‌که شکیبایی کردید!»

سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ

چه نیکوست فرجام آن جایگاه![24]

فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ [24]

و کسانی که پیمان خدا را پس از پیمان استوار که آن را می‌بندد می‌شکنند، آنچه را خدا دستور داده است پیوند یابد قطع می‌کنند، و بر زمین فساد می‌پراکنند — اینان کسانی‌اند که نفرین از آنِ ایشان است، و جایگاه بد از آنِ ایشان است.[25]

وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ [25]

خدا روزی را به هر که پسند او افتد می‌گستراند، و اندازه می‌کند:

ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ

و آنان به زندگی نزدیک شادمانند،

وَفَرِحُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

در حالی که زندگی نزدیک، در برابر زندگی واپسین، جز بهره‌مندی نیست.[26]

وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا مَتَٰعٌ [26]

و کسانی که انکار می‌کنند می‌گویند: «چرا نشانه‌ای از سرپرستش بر او فرود آورده نشده است!»

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ

بگو: «خدا همانا هر که را پسند او افتد گمراه می‌کند، و کسی را که به او روی می‌آورد به سوی خود راه می‌نماید،[27]

قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ [27]

کسانی که باور می‌آورند و هسته‌هایشان با یادآوری خدا آرام می‌گیرند.

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ

آیا چنین نیست که هسته‌ها با یادآوری خدا آرام می‌گیرند؟»[28]

أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ [28]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند — خوشا آنان را، و چه زیبا جای بازگشتی![29]

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَـَٔابٍ [29]

بدین‌سان تو را در میان جامعه‌ای فرستادیم که پیش از آن جامعه‌های دیگری گذشته‌اند، تا آنچه را به تو پرده برداشتیم بر آنان برخوانی، در حالی که بی‌اندازه مهربان را انکار می‌کنند.

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَٰكَ فِىٓ أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَآ أُمَمٌ لِّتَتْلُوَاْ عَلَيْهِمُ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِٱلرَّحْمَٰنِ

بگو: «او سرپرست من است؛

قُلْ هُوَ رَبِّى

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

به او وکالت می‌دهم، و پشیمانی‌ام به سوی او بازمی‌گردد.»[30]

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ [30]

و هرچند خوانشی بود که با آن کوه‌ها به جنبش درمی‌آمدند، یا زمین شکافته می‌شد، یا با آن با مردگان سخن گفته می‌شد...

وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ ٱلْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ ٱلْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ ٱلْمَوْتَىٰ

اما همهٔ دستور از آنِ خدا است:

بَل لِّلَّهِ ٱلْأَمْرُ جَمِيعًا

آیا کسانی که باور می‌آورند پس نیافته‌اند که اگر خدا را پسند می‌افتاد، همهٔ انسان‌ها را راه می‌نمود؟

أَفَلَمْ يَاْيْـَٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ جَمِيعًا

و بر کسانی که انکار می‌کنند، به سبب آنچه کرده‌اند، پیوسته کوبه‌ای ناگهانی پیش خواهد آمد، یا نزدیک سرایشان فرو خواهد افتاد، تا آن‌گاه که وعدهٔ خدا بیاید،

وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ أَوۡ تَحُلُّ قَرِيبٗا مِّن دَارِهِمۡ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ وَعۡدُ ٱللَّهِ

زیرا خدا از وعدهٔ خود تخلف نمی‌ورزد.[31]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ [31]

و همانا پیش از تو فرستادگانی به مسخره گرفته شدند؛ آنگاه من به کسانی که انکار می‌کردند مهلت دادم، سپس آنان را فرا گرفتم:

وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَأَمۡلَيۡتُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡ

و آنگاه تنبیه من چه بود؟[32]

فَكَيۡفَ كَانَ عِقَابِ [32]

آیا کسی که بر هر خویشتن، بر پایهٔ آنچه کسب کرده، نگاهبان است؟

أَفَمَنۡ هُوَ قَآئِمُۢ عَلَىٰ كُلِّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ

و برای خدا انبازهایی قرار داده‌اند. بگو: «آنان را نام ببرید!

وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلۡ سَمُّوهُمۡ

یا او را از آنچه بر زمین نمی‌داند، یا از آنچه در سخن آشکار است، اطلاع می‌دهید؟»

أَمۡ تُنَبِّـُٔونَهُۥ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَم بِظَٰهِرٖ مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ

چنین نیست: دسیسه‌شان برای کسانی که انکار می‌کنند آراسته شده است، و راه بر آنان بسته شده است.

بَلۡ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ مَكۡرُهُمۡ وَصُدُّواْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ

و هر که را خدا گمراه کند، دیگر راهنما ندارد.[33]

وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ [33]

برای آنان در زندگی نزدیک کیفری هست،

لَّهُمْ عَذَابٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

اما کیفر زندگی واپسین سخت‌تر است،

وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَشَقُّ

و آنان در برابر خدا هیچ‌کس را ندارند که آنان را محتاط گرداند.[34]

وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٍ [34]

مثال باغی که به محتاطان وعده داده شده: رودها از زیر آن جاری است، خوراک‌هایش پیوسته است، و نیز سایه‌اش —

مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَظِلُّهَا

این است فرجام کسانی که محتاط بوده‌اند،

تِلْكَ عُقْبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ

در حالی که فرجام کسانی که انکار می‌کنند آتش است.[35]

وَّعُقْبَى ٱلْكَٰفِرِينَ ٱلنَّارُ [35]

و کسانی که نوشتار به آنان داده‌ایم از آنچه بر تو فرود آورده شده شادمانند،

وَٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ

اما از میان گروه‌ها کسانی هستند که بخشی از آن را مردود می‌دانند.

وَمِنَ ٱلْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُۥ

بگو: «تنها به من دستور داده شده است که از خدا فرمان ببرم، و چیزی را با او انباز نگیرم:

قُلْ إِنَّمَآ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ وَلَآ أُشْرِكَ بِهِۦٓ

به سوی او فرا می‌خوانم،

إِلَيْهِ أَدْعُواْ

و به سوی او بازمی‌گردم.»[36]

وَإِلَيْهِ مَتَابِ [36]

و بدین‌سان آن را فرود آوردیم، همچون داوری بی‌عیب:

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَٰهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا

و اگر پس از آن‌که دانش به تو رسیده، از هیجان‌های آنان پیروی می‌کردی، در برابر خدا نه متحدی می‌داشتی و نه کسی که تو را محتاط گرداند.[37]

وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم بَعْدَمَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا وَاقٍ [37]

ما همانا پیش از تو فرستادگانی فرستادیم، و برای آنان همسران و اعقاب قرار دادیم؛

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَٰجًا وَذُرِّيَّةً

و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که نشانه‌ای بیاورد مگر با اجازهٔ خدا.

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِىَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

از آنِ هر سرآمد دفتری است.[38]

لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ [38]

خدا آنچه را پسندش افتد محو می‌کند، و استوار می‌سازد،(104)

يَمْحُواْ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ وَيُثْبِتُ (104)

و نزد او بنیاد نوشتار است.[39]

وَعِندَهُۥٓ أُمُّ ٱلْكِتَٰبِ [39]

و خواه بخشی از آنچه به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم، خواه تو را وفادارانه نگه داریم، بر عهدهٔ تو جز رساندن نیست، و حساب از آنِ ما است.[40]

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَٰغُ وَعَلَيْنَا ٱلْحِسَابُ [40]

آیا ندیده‌اند که ما به زمین می‌آییم و از کرانه‌هایش می‌کاهیم؟

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَأْتِى ٱلْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

خدا داوری می‌کند، و هیچ‌کس نمی‌تواند داوری او را بازبینی کند:

وَٱللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِۦ

او در حساب شتابنده است.[41]

وَهُوَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [41]

و کسانی که پیش از آنان بودند پیش‌تر دسیسه چیدند، اما همهٔ دسیسه از آنِ خدا است:

وَقَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ ٱلْمَكْرُ جَمِيعًا

او می‌داند هر خویشتن چه کسب می‌کند،

يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

و کسانی که انکار می‌کنند به‌زودی خواهند دانست که فرجام جایگاه از آنِ که است.[42]

وَسَيَعْلَمُ ٱلْكُفَّٰرُ لِمَنْ عُقْبَى ٱلدَّارِ [42]

و کسانی که انکار می‌کنند می‌گویند: «تو فرستاده‌شده نیستی.»

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَسْتَ مُرْسَلًا

بگو: «خدا به‌عنوان گواه میان من و شما بس است، و نیز آن‌که دانش نوشتار نزد اوست.»[43]

قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلْكِتَٰبِ [43]

# يوسف • YUSUF

سوره 12 · 111 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓر (الف لام را).

الٓر

اینها نشانه‌های نوشتار روشن است.[1]

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ [1]

ما آن را همچون خوانشی بی‌عیب فرود آوردیم، شاید خرد بورزید.[2]

إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [2]

ما زیباترین روایت‌ها را برایت بازگو می‌کنیم، با پرده برداشتن بر تو از این خوانش، در حالی که تو پیش از آن بی‌گمان از بی‌اعتنایان بودی.[3]

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ ٱلْقَصَصِ بِمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلْغَٰفِلِينَ [3]

آن‌گاه که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر من، یازده ستاره و نیز خورشید و ماه را دیده‌ام،

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ إِنِّى رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ

دیده‌ام که در برابر من پیشانی بر خاک می‌نهند.»[4]

رَأَيْتُهُمْ لِى سَٰجِدِينَ [4]

او گفت: «ای پسرکم، رؤیای خود را برای برادرانت بازگو مکن، وگرنه بر ضد تو نیرنگی می‌چیدند،

قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقۡصُصۡ رُءۡيَاكَ عَلَىٰٓ إِخۡوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيۡدًا

زیرا منحرف‌کننده برای انسان دشمنی آشکار است.[5]

إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٞ مُّبِينٞ [5]

و بدین‌سان سرپرست تو تو را برخواهد گزید و پیش‌گویی رویدادها را به تو خواهد آموخت،

وَكَذَٰلِكَ يَجۡتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِ

و دهش خود را بر تو و بر تبار یعقوب کامل خواهد کرد، چنان‌که پیش‌تر آن را بر دو نیای تو، ابراهیم و اسحاق، کامل کرد؛

وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعۡقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيۡكَ مِن قَبۡلُ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ

زیرا سرپرست تو همه‌چیزدان است، فرزانه.»[6]

إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ [6]

همانا در یوسف و برادرانش نشانه‌هایی بود برای پرسندگان.[7]

لَّقَدۡ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخۡوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٞ لِّلسَّآئِلِينَ [7]

آن‌گاه که گفتند: «یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما دوست‌داشتنی‌ترند، در حالی که ما گروهی همبسته‌ایم:

إِذۡ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ

پدر ما بی‌گمان در گمراهی‌ای آشکار است.[8]

إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ [8]

یوسف را بکشید، یا او را به سرزمینی تبعید کنید، تا چهرهٔ پدرتان تنها برای شما فارغ شود، و پس از آن مردمی شایسته باشید.»[9]

ٱقۡتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ ٱطۡرَحُوهُ أَرۡضٗا يَخۡلُ لَكُمۡ وَجۡهُ أَبِيكُمۡ وَتَكُونُواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ قَوۡمٗا صَٰلِحِينَ [9]

یکی از آنان گفت: «یوسف را مکشید، اما او را در ژرفای چاه بیفکنید: کاروانی او را برخواهد گرفت، اگر ناگزیر از کاری هستید.» (105) [10]

قَالَ قَآئِلٌ مِّنۡهُمۡ لَا تَقۡتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلۡقُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ يَلۡتَقِطۡهُ بَعۡضُ ٱلسَّيَّارَةِ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ [10] (105)

گفتند: «ای پدر ما، تو را چه شده است که دربارهٔ یوسف به ما اطمینان نمی‌کنی، در حالی که ما برای او بی‌گمان اندرزگویانی صمیمی‌ایم؟» [11]

قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأۡمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ [11]

او را فردا با ما بفرست، تا سرگرم شود و بازی کند؛ ما بی‌گمان پاسداران او خواهیم بود.» (106) [12]

أَرۡسِلۡهُ مَعَنَا غَدٗا يَرۡتَعۡ وَيَلۡعَبۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ [12] (106)

او گفت: «بی‌گمان مرا غصه‌دار می‌کند که او را ببرید، و می‌ترسم که گرگ او را ببلعد در حالی که شما از او بی‌اعتنا باشید.» [13]

قَالَ إِنِّي لَيَحۡزُنُنِيٓ أَن تَذۡهَبُواْ بِهِۦ وَأَخَافُ أَن يَأۡكُلَهُ ٱلذِّئۡبُ وَأَنتُمۡ عَنۡهُ غَٰفِلُونَ [13]

گفتند: «اگر گرگ او را می‌بلعید، در حالی که ما گروهی همبسته‌ایم، آنگاه ما بی‌گمان زیان‌کار می‌بودیم.» [14]

قَالُواْ لَئِنۡ أَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُ وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّآ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ [14]

چون او را بردند و همداستان شدند که او را در ژرفای چاه بگذارند — و ما به او پرده برداشتیم: «تو بی‌گمان آنان را از این کار اطلاع خواهی داد، در حالی که آنان آن را حس نمی‌کنند» — (107) [15]

فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِۦ وَأَجۡمَعُوٓاْ أَن يَجۡعَلُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمۡرِهِمۡ هَٰذَا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ [15] (107)

شبانگاه نزد پدرشان آمدند، گریان، و گفتند: «ای پدر ما، ما همانا رفتیم تا مسابقه دهیم و یوسف را نزد بار و بنهٔ خود گذاشتیم، و گرگ او را بلعید.[16]

وَجَآءُوٓ أَبَاهُمۡ عِشَآءٗ يَبۡكُونَ [16] قَالُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّا ذَهَبۡنَا نَسۡتَبِقُ وَتَرَكۡنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا فَأَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُ

اما تو به ما اعتبار نخواهی داد، هرچند راست بگوییم.»[17]

وَمَآ أَنتَ بِمُؤۡمِنٖ لَّنَا وَلَوۡ كُنَّا صَٰدِقِينَ [17]

و پیراهن او را با خونی دروغین آغشته آوردند.

وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٖ كَذِبٖ

او گفت: «بلکه خویشتن شما کاری را به شما القا کرد.

قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرًا

شکیبایی‌ای در خور!

فَصَبۡرٞ جَمِيلٞ

و در برابر آنچه وصف می‌کنید باید از خدا یاری جست.»[18]

وَٱللَّهُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ [18]

و کاروانی رسید؛ آب‌کش خود را فرستادند، و او دلوش را فرو فرستاد. گفت: «مژده! این پسری است!»[108]

وَجَآءَتۡ سَيَّارَةٞ فَأَرۡسَلُواْ وَارِدَهُمۡ فَأَدۡلَىٰ دَلۡوَهُۥ قَالَ يَٰبُشۡرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٞ[108]

و او را همچون کالایی پنهان داشتند —

وَأَسَرُّوهُ بِضَٰعَةٗ

اما خدا به آنچه می‌کردند همه‌چیزدان بود.[19]

وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ [19]

و او را به بهایی کاسته فروختند، چند سکهٔ شمرده: اهمیت چندانی به او نمی‌دادند.[20]

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ دَرَٰهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ [20]

و کسی که او را در مصر خرید به زنش گفت: «اقامتش را محترم بدار؛ شاید برای ما سودمند باشد، یا او را به فرزندی بگیریم.»

وَقَالَ ٱلَّذِى ٱشْتَرَىٰهُ مِن مِّصْرَ لِٱمْرَأَتِهِۦٓ أَكْرِمِى مَثْوَىٰهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا

و بدین‌سان ما یوسف را بر این زمین مستقر ساختیم، و تا پیش‌گویی رویدادها را به او بیاموزیم —

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ

خدا در نقشهٔ خود پیروز است،

وَٱللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمْرِهِۦ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.[21]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [21]

و چون به کمال رشد خود رسید، داوری و دانش به او دادیم:

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا

بدین‌سان نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[22]

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ [22]

و آن‌که او در خانه‌اش بود کوشید او را از خویشتن خودش به دست آورد؛ درها را بست و گفت: «بیا اینجا.»

وَرَٰوَدَتْهُ ٱلَّتِى هُوَ فِى بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِۦ وَغَلَّقَتِ ٱلْأَبْوَٰبَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ

او گفت: «من خود را در پناه خدا می‌گذارم!

قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ

او سرور من است: اقامتم را زیبا ساخته است،
إِنَّهُۥ رَبِّىٓ أَحْسَنَ مَثْوَاىَ

زیرا ستمگران کامیاب نمی‌شوند.»[23]
إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ [23]

و همانا آن زن دربارهٔ او قصدی کرد،
وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِۦ

و او نیز دربارهٔ آن زن قصدی می‌کرد اگر برهان سرپرستش را ندیده بود:
وَهَمَّ بِهَا لَوْلَآ أَن رَّءَا بُرْهَٰنَ رَبِّهِۦ

چنین بود تا بدی و زشتکاری را از او دور کنیم،
كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلْفَحْشَآءَ

زیرا او از فرمان‌برداران پیراستهٔ ما بود.[24]
إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُخْلَصِينَ [24]

و هر دو کوشیدند از یکدیگر به سوی در پیشی بگیرند، و آن زن پیراهن او را از پشت پاره کرد، و رئیس او را کنار در یافتند.
وَٱسْتَبَقَا ٱلْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ

گفت: «بازپرداخت کسی که برای خانوادهٔ تو بدی بخواهد چیست، مگر زندان یا کیفری دردناک؟»[25]
قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [25]

او گفت: «این زن بود که کوشید مرا از خویشتن خودم به دست آورد.»
قَالَ هِىَ رَٰوَدَتْنِى عَن نَّفْسِى

و گواهی از خانوادهٔ او گواهی داد: «اگر پیراهنش از پیش پاره شده است، او راست گفته، و آن مرد از دروغ‌گویان است؛ اما اگر پیراهنش از پشت پاره شده است، او دروغ گفته،[26]

وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ [26] وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ

و او از راست‌گویان است.»[27]

وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [27]

چون دید که پیراهنش از پشت پاره شده است، گفت: «این از نیرنگ شما است: نیرنگ شما همانا سترگ است.[28]

فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ [28]

یوسف، از این کناره بگیر؛

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا

و تو، برای تقصیر خود بخشایش بخواه، زیرا تو از خطاکاران هستی.»[29]

وَٱسْتَغْفِرِى لِذَنۢبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلْخَٰطِـِٔينَ [29]

و زنانی در پایتخت گفتند: «زن نیرومند در پی آن است که جوان خود را از خویشتن او بگیرد: او را بی‌گمان در عشق اسیر کرده است؛

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِى ٱلْمَدِينَةِ ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ تُرَٰوِدُ فَتَىٰهَا عَن نَّفْسِهِۦ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا

ما او را بی‌گمان در گمراهی‌ای آشکار می‌بینیم.»[30]

إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [30]

چون دسیسه‌شان را شنید، آنان را دعوت کرد و برایشان تکیه‌گاهی آماده کرد؛ به هر یک از آنان کاردی داد، و گفت: «پیش روی آنان بیرون بیا.»

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَـًٔا وَءَاتَتْ كُلَّ وَٰحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ ٱخْرُجْ عَلَيْهِنَّ

چون او را دیدند، او را چنان بزرگ یافتند که دست‌هایشان را بریدند و گفتند: «خدا از این پاس داشته شده است! این آدمی نیست:

فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ أَكْبَرْنَهُۥ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا

این جز کارگزاری بزرگوار نیست.»[31]

إِنْ هَٰذَآ إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ [31]

گفت: «این همان است که دربارهٔ او مرا سرزنش می‌کردید.

قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ ٱلَّذِى لُمْتُنَّنِى فِيهِ

من همانا کوشیدم او را از خویشتن خودش به دست آورم، اما او به حفاظت خود چنگ زد؛

وَلَقَدْ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفْسِهِۦ فَٱسْتَعْصَمَ

و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند، بی‌گمان زندانی خواهد شد، و بی‌گمان از خوارشدگان خواهد بود.»[32]

وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ [32]

او گفت: «ای سرپرست من، زندان نزد من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن فرا می‌خوانند؛ و اگر نیرنگ آنان را از من دور نکنی، به سوی آنان میل خواهم کرد و از نادانان خواهم بود.»[33]

قَالَ رَبِّ ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَىَّ مِمَّا يَدْعُونَنِىٓ إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلْجَٰهِلِينَ [33]

سرپرستش به او پاسخ داد و نیرنگ آنان را از او دور کرد،

فَٱسْتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ

زیرا اوست شنوا و همه‌چیزدان.[34]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [34]

سپس برای آنان پدیدار شد، پس از آن‌که نشانه‌ها را دیده بودند، که او را بی‌گمان تا مدتی زندانی می‌کردند.[35]

ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا رَأَوُاْ ٱلۡأٓيَٰتِ لَيَسۡجُنُنَّهُۥ حَتَّىٰ حِينٖ [35]

و دو جوان با او به زندان درآمدند.

وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجۡنَ فَتَيَانِ

یکی از آنان گفت: «خود را می‌دیدم که شراب می‌فشارم.»

قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَعۡصِرُ خَمۡرٗا

و دیگری گفت: «خود را می‌دیدم که بر سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خوردند.

وَقَالَ ٱلۡأٓخَرُ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَحۡمِلُ فَوۡقَ رَأۡسِي خُبۡزٗا تَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِنۡهُ

ما را از پیش‌گویی آن اطلاع بده: ما تو را از نیکی‌کنندگان می‌بینیم.»[36]

نَبِّئۡنَا بِتَأۡوِيلِهِۦٓ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [36]

او گفت: «هیچ خوراکی که با آن روزی داده می‌شوید برای شما آورده نخواهد شد، بی‌آن‌که پیش از رسیدنش به شما، شما را از پیش‌گویی آن اطلاع دهم:

قَالَ لَا يَأۡتِيكُمَا طَعَامٞ تُرۡزَقَانِهِۦٓ إِلَّا نَبَّأۡتُكُمَا بِتَأۡوِيلِهِۦ قَبۡلَ أَن يَأۡتِيَكُمَا

این از آن چیزی است که سرپرستم به من آموخته است،

ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّيٓ

زیرا من مکتب قومی را رها کرده‌ام که به خدا باور نمی‌آورند و زندگی واپسین را انکار می‌کنند،[37]

إِنِّي تَرَكۡتُ مِلَّةَ قَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ [37]

و از مکتب نیاکانم، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، پیروی کرده‌ام:

وَٱتَّبَعۡتُ مِلَّةَ ءَابَآءِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ

ما را نشاید که چیزی را با خدا انباز بگیریم.

مَا كَانَ لَنَآ أَن نُّشْرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَىْءٍ

این از لطف خدا بر ما و بر انسان‌ها است،

ذَٰلِكَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى ٱلنَّاسِ

اما بیشتر انسان‌ها سپاس‌گزار نیستند.[38]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ [38]

ای دو همبند من در زندان، آیا سروران چنددسته بهترند، یا خدا، یگانه، چیره‌گر؟[39]

يَٰصَٰحِبَىِ ٱلسِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ [39]

آنچه شما غیر از او از آن فرمان می‌برید، جز ویژگی‌هایی نیست که شما و نیاکانتان نام نهاده‌اید، بی‌آن‌که خدا هیچ اقتداری بر آن‌ها فرود آورده باشد:

مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ أَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ

داوری جز از آنِ خدا نیست:

إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ

دستور داده است که جز از او فرمان نبرید:

أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ

این است قانون راست،

ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.[40]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [40]

ای دو همبند من در زندان، یکی از شما دو، سرورش را شراب خواهد نوشاند؛

يَٰصَٰحِبَىِ ٱلسِّجْنِ أَمَّآ أَحَدُكُمَا فَيَسْقِى رَبَّهُۥ خَمْرًا

اما دیگری به ستون میخکوب خواهد شد، و پرندگان از سرش خواهند خورد.
وَأَمَّا ٱلۡأٓخَرُ فَيُصۡلَبُ فَتَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِن رَّأۡسِهِۦ

کاری که دربارۀ آن با من مشورت می‌کردید فیصله داده شده است.»[41]
قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ٱلَّذِي فِيهِ تَسۡتَفۡتِيَانِ [41]

و به آن‌یک از آن دو که می‌پنداشت نجات داده خواهد شد گفت: «مرا نزد سرورت یادآوری کن.»
وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٖ مِّنۡهُمَا ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ

اما منحرف‌کننده او را از یاد کردن آن نزد سرورش فراموشاند، و چند سال خورشیدی در زندان ماند.[42]
فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ ذِكۡرَ رَبِّهِۦ فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجۡنِ بِضۡعَ سِنِينَ [42]

و پادشاه گفت: «هفت گاو فربه می‌بینم که هفت لاغر آن‌ها را می‌بلعند، و هفت خوشۀ سبز و خوشه‌هایی دیگر خشک:
وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ إِنِّيٓ أَرَىٰ سَبۡعَ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖ

ای دربار، دربارۀ رؤیای من نظرتان را بدهید، اگر رؤیاها را می‌توانید رمزگشایی کنید.»[43]
يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ أَفۡتُونِي فِي رُءۡيَٰيَ إِن كُنتُمۡ لِلرُّءۡيَا تَعۡبُرُونَ [43]

گفتند: «توده‌ای از خواب‌های آشفته،
قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖ

و ما در پیش‌گویی خواب‌ها وارد نیستیم.»[44]
وَمَا نَحۡنُ بِتَأۡوِيلِ ٱلۡأَحۡلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ [44]

و آن‌یک از آن دو که نجات داده شده بود، پس از مدتی دراز به یاد آورد و گفت: «من شما را از پیش‌گویی آن اطلاع می‌دهم: پس مرا بفرستید.»[45]
وَقَالَ ٱلَّذِي نَجَا مِنۡهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأۡوِيلِهِۦ فَأَرۡسِلُونِ [45]

«یوسف، ای مرد راست‌گو، دربارهٔ هفت گاو فربه که هفت لاغر آن‌ها را می‌بلعند، و هفت خوشهٔ سبز و خوشه‌هایی دیگر خشک، نظرت را به ما بده؛ شاید نزد مردم بازگردم، شاید بدانند.»[46]

يُوسُفُ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِى سَبْعِ بَقَرَٰتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٍ لَّعَلِّىٓ أَرْجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ [46]

او گفت: «هفت سال خورشیدی کشت خواهید کرد، با پشتکار؛

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا

و آنچه را درو کرده باشید، در خوشه‌اش انبار کنید، مگر اندکی را که خواهید خورد.[47]

فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِى سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ [47]

سپس پس از آن هفت سال خورشیدی سخت خواهد آمد، که آنچه را برایشان پیش برده باشید خواهند خورد، مگر اندکی را که محفوظ خواهید داشت.[48]

ثُمَّ يَأْتِى مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ [48]

سپس پس از آن سالی تقویمی خواهد آمد که در آن مردم باران رهایی‌بخش دریافت خواهند کرد، و در آن خواهند فشرد.»[49]

ثُمَّ يَأْتِى مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ [49]

و پادشاه گفت: «او را نزد من بیاورید.»

وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِى بِهِۦ

چون فرستاده نزد او آمد، گفت: «نزد سرورت بازگرد، و از او بپرس که حال زنانی که دست‌هایشان را بریدند چه بود، (109)

فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسْـَٔلْهُ مَا بَالُ ٱلنِّسْوَةِ ٱلَّٰتِى قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ (109)

زیرا سرپرست من به نیرنگ آنان همه‌چیزدان است.»[50]

إِنَّ رَبِّى بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ [50]

او گفت: «حال شما چه بود، آن‌گاه که کوشیدید یوسف را از خویشتن خودش به دست آورید؟»

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِۦ

گفتند: «خدا از این پاس داشته شده است! ما هیچ بدی‌ای از او نمی‌شناسیم.»

قُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوٓءٍ

زن نیرومند گفت: «اکنون حقیقت نمایان شد: من بودم که کوشیدم او را از خویشتن خودش به دست آورم، و او بی‌گمان از راست‌گویان است.»[51]

قَالَتِ ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْـَٰٔنَ حَصْحَصَ ٱلْحَقُّ أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفْسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [51]

«این برای آن است که بداند من در غیاب او به او خیانت نکرده‌ام، و خدا نیرنگ خائنان را راه نمی‌نماید.[52]

ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّى لَمْ أَخُنْهُ بِٱلْغَيْبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى كَيْدَ ٱلْخَآئِنِينَ [52]

و من خویشتن خود را بری نمی‌سازم:

وَمَآ أُبَرِّئُ نَفْسِىٓ

خویشتن بی‌گمان به بدی وامی‌دارد، مگر کسی که سرپرست من بر او مهر ورزد،

إِنَّ ٱلنَّفْسَ لَأَمَّارَةٌۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّىٓ

زیرا سرپرست من بسیار بخشاینده و مهربان است.»[53]

إِنَّ رَبِّى غَفُورٌ رَّحِيمٌ [53]

و پادشاه گفت: «او را نزد من بیاورید: او را ویژهٔ خود خواهم ساخت.»

وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِى بِهِۦٓ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِى

چون با او سخن گفت، گفت: «تو امروز نزد ما در جایگاه اقتدار و اعتماد هستی.»[54]

فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ [54]

او گفت: «مرا بر ذخایر این زمین بگمار، زیرا من پاسداری دانا هستم.»[55]

قَالَ ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ [55]

و بدین‌سان ما یوسف را بر این زمین مستقر ساختیم، که در آن هر جا که پسند او می‌افتاد جای می‌گرفت:

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا حَيۡثُ يَشَآءُ

مهر خود را به هر که پسند ما افتد ارزانی می‌داریم، و نمی‌گذاریم پاداش نیکی‌کنندگان تلف شود.[56]

نُصِيبُ بِرَحۡمَتِنَا مَن نَّشَآءُ وَلَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [56]

و پاداش زندگی واپسین بی‌گمان برای کسانی که باور می‌آورند و محتاط‌اند بهتر است.[57]

وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ [57]

و برادران یوسف آمدند و نزد او درآمدند؛ او آنان را شناخت، اما آنان او را نمی‌شناختند.[58]

وَجَآءَ إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ [58]

چون آنان را از آذوقه‌شان مجهز کرد، گفت: «برادری را که از سوی پدرتان دارید نزد من بیاورید.

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ قَالَ ٱئۡتُونِي بِأَخٖ لَّكُم مِّنۡ أَبِيكُمۡ

آیا نمی‌بینید که من پیمانه را وفادارانه می‌دهم و بهترین میزبانانم؟[59]

أَلَا تَرَوۡنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلۡكَيۡلَ وَأَنَا۠ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ [59]

و اگر او را نزد من نیاورید، دیگر نزد من پیمانه نخواهید داشت، و دیگر به من نزدیک نخواهید شد.»[60]

فَإِن لَّمۡ تَأۡتُونِي بِهِۦ فَلَا كَيۡلَ لَكُمۡ عِندِي وَلَا تَقۡرَبُونِ [60]

گفتند: «کوشش خواهیم کرد او را از پدرش به دست آوریم، این کار را بی‌گمان خواهیم کرد.»[61]

قَالُواْ سَنُرَٰوِدُ عَنۡهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ [61]

و به جوانانش گفت: «کالایشان را در انبانه‌هایشان بگذارید، شاید آن را بشناسند هنگامی که به سوی کسان خود روی گردانده باشند، شاید بازگردند.» (110) [62]

وَقَالَ لِفِتْيَٰنِهِ ٱجْعَلُوا۟ بِضَٰعَتَهُمْ فِى رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [62] (110)

چون به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر ما، از پیمانه بازداشته شده‌ایم؛ پس برادرمان را با ما بفرست، پیمانه به دست خواهیم آورد، و ما بی‌گمان پاسداران او خواهیم بود.» [63]

فَلَمَّا رَجَعُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَبِيهِمْ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَآ أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ [63]

او گفت: «آیا دربارهٔ او به شما اطمینان کنم جز آن‌گونه که پیش‌تر دربارهٔ برادرش به شما اطمینان کردم؟

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمْ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبْلُ

خدا بهترین پاسدار است،

فَٱللَّهُ خَيْرٌ حَٰفِظًا

و او مهربان‌ترین مهربانان است.» [64]

وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ [64]

چون بار و بنهٔ خود را گشودند، کالای خود را یافتند که به آنان بازگردانده شده بود. گفتند: «ای پدر ما، دیگر چه می‌جستیم؟

وَلَمَّا فَتَحُوا۟ مَتَٰعَهُمْ وَجَدُوا۟ بِضَٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبْغِى

این کالای ما است که به ما بازگردانده شده است؛ برای خانوادهٔ خود آذوقه خواهیم آورد، برادر خود را پاس خواهیم داشت، و پیمانهٔ یک فرد را نیز افزون خواهیم گرفت:

هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ

این پیمانه‌ای آسان است.» [65]

ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ [65]

او گفت: «او را با شما نخواهم فرستاد، تا آن‌گاه که پیمانی استوار در برابر خدا برای من بیاورید که او را بی‌گمان نزد من بازخواهید آورد، مگر آن‌که شما در بر گرفته شوید.»

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُۥ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأْتُنَّنِى بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمْ

چون پیمان استوار خود را برای او آوردند، گفت: «خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است.»[66]

فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ [66]

و گفت: «ای پسران من، از یک در وارد نشوید، اما از درهایی جدا وارد شوید؛

وَقَالَ يَٰبَنِىَّ لَا تَدْخُلُوا۟ مِنۢ بَابٍ وَٰحِدٍ وَٱدْخُلُوا۟ مِنْ أَبْوَٰبٍ مُّتَفَرِّقَةٍ

من در برابر خدا به هیچ کارتان نخواهم آمد:

وَمَآ أُغْنِى عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ

داوری جز از آنِ خدا نیست؛

إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ

به او وکالت می‌دهم،

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

و کسانی که وکالت می‌دهند، به او وکالت دهند.»[67]

وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ [67]

چون چنان‌که پدرشان به آنان دستور داده بود وارد شدند، این در برابر خدا به هیچ کارشان نیامد، مگر نیازی در خویشتن یعقوب که آن را برآورد؛

وَلَمَّا دَخَلُوا۟ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِى عَنْهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِى نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَىٰهَا

او بی‌گمان دانشی داشت که ما به او آموخته بودیم،

وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَٰهُ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.[68]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [68]

چون نزد یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود پذیرفت،

وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ أَخَاهُ

و گفت: «من همانا، خود، برادر تو هستم: پس از آنچه می‌کردند افسرده مباش.»[69]

قَالَ إِنِّيٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [69]

چون آنان را از آذوقه‌شان مجهز کرد، جام را در انبانهٔ برادرش گذاشت؛ سپس جارچی‌ای بانگ برداشت: «ای کاروان، شما بی‌گمان دزدانید!»[70]

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ [70]

گفتند، روی به آنان: «شما را چه کم است؟»[71]

قَالُواْ وَأَقْبَلُواْ عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ [71]

گفتند: «کیل پادشاه را کم داریم؛

قَالُواْ نَفْقِدُ صُوَاعَ ٱلْمَلِكِ

هر که آن را بازآورد بار یک فرد را خواهد داشت، و من ضامن آنم.»[72]

وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٌ [72]

گفتند: «به خدا، شما همانا می‌دانید که ما نیامده‌ایم تا بر این زمین فساد بپراکنیم، و ما دزد نیستیم.»[73]

قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ [73]

گفتند: «پس بازپرداخت آن چه خواهد بود، اگر دروغ‌گو باشید؟»[74]

قَالُواْ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَٰذِبِينَ [74]

گفتند: «بازپرداخت آن: کسی که آن در انبانه‌اش یافته خواهد شد، خود او بازپرداخت آن است.

قَالُواْ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِي رَحۡلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ

ستمگران را این‌گونه بازپرداخت می‌کنیم.»[75]

كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ [75]

از کیسه‌های آنان پیش از کیسهٔ برادرش آغاز کرد، سپس آن را از کیسهٔ برادرش بیرون آورد:

فَبَدَأَ بِأَوۡعِيَتِهِمۡ قَبۡلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ ٱسۡتَخۡرَجَهَا مِن وِعَآءِ أَخِيهِ

بدین‌سان ما به سود یوسف نیرنگ چیدیم:

كَذَٰلِكَ كِدۡنَا لِيُوسُفَ

او نمی‌توانست، بر پایهٔ قانون پادشاه، برادرش را بگیرد، مگر آن‌که پسند خدا افتد.

مَا كَانَ لِيَأۡخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ ٱلۡمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ

هر که را ما را پسند افتد به درجاتی برمی‌افرازیم،

نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُ

و بالاتر از هر دارندهٔ دانش، دانایی هست.[76]

وَفَوۡقَ كُلِّ ذِي عِلۡمٍ عَلِيمٞ [76]

گفتند: «اگر او دزدی کرده است، برادری از او پیش‌تر دزدی کرده است.»

قَالُوٓاْ إِن يَسۡرِقۡ فَقَدۡ سَرَقَ أَخٞ لَّهُۥ مِن قَبۡلُ

یوسف این را در خود پنهان داشت و آن را بر آنان پدیدار نکرد؛

فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفۡسِهِۦ وَلَمۡ يُبۡدِهَا لَهُمۡ

گفت: «شما بدترین جایگاه را دارید،

قَالَ أَنتُمۡ شَرّٞ مَّكَانٗا

و خدا بهتر می‌شناسد آنچه را وصف می‌کنید.»[77]

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَصِفُونَ [77]

گفتند: «ای نیرومند، او پدری دارد، پیرمردی بسیار سال‌خورده؛ پس یکی از ما را به جای او بگیر: ما تو را از نیکی‌کنندگان می‌بینیم.»[78]

قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبٗا شَيۡخٗا كَبِيرٗا فَخُذۡ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [78]

او گفت: «ما خود را در پناه خدا می‌گذاریم از این‌که جز کسی را که چیز خود را نزد او یافته‌ایم بگیریم: آنگاه ما بی‌گمان ستمگر می‌بودیم.»[79]

قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأۡخُذَ إِلَّا مَن وَجَدۡنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّظَٰلِمُونَ [79]

چون از او همهٔ امید بریدند، در نجوا کناره گرفتند.

فَلَمَّا ٱسۡتَيۡـَٔسُواْ مِنۡهُ خَلَصُواْ نَجِيّٗا

سال‌خورده‌ترینشان گفت: «آیا نمی‌دانید که پدرتان از شما پیمانی استوار در برابر خدا گرفته است،

قَالَ كَبِيرُهُمۡ أَلَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ أَبَاكُمۡ قَدۡ أَخَذَ عَلَيۡكُم مَّوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ

و پیش‌تر در وظیفهٔ خود نسبت به یوسف کوتاهی کرده‌اید؟

وَمِن قَبۡلُ مَا فَرَّطتُمۡ فِي يُوسُفَ

پس من این زمین را ترک نخواهم کرد، تا پدرم به من اجازه دهد، یا خدا به سود من داوری کند:

فَلَنۡ أَبۡرَحَ ٱلۡأَرۡضَ حَتَّىٰ يَأۡذَنَ لِيٓ أَبِيٓ أَوۡ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ لِي

او بهترین داوران است.[80]

وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ [80]

به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: «ای پدر ما، پسر تو همانا دزد اعلام شد؛[(111)]

ٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيكُمۡ فَقُولُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبۡنَكَ سَرَقَ [(111)]

و ما جز آنچه می‌دانیم گواهی نمی‌دهیم، و نمی‌توانستیم آنچه را فراتر از حواس بود پاس داریم.[81]

وَمَا شَهِدْنَآ إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَٰفِظِينَ [81]

و از شهری که در آن بودیم بپرس، و از کاروانی که با آن بازگشتیم: ما بی‌گمان راست‌گوییم.»[82]

وَسْـَٔلِ ٱلْقَرْيَةَ ٱلَّتِى كُنَّا فِيهَا وَٱلْعِيرَ ٱلَّتِىٓ أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ [82]

او گفت: «بلکه خویشتن شما کاری را به شما القا کرد.

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا

شکیبایی‌ای در خور!

فَصَبْرٌ جَمِيلٌ

شاید خدا همهٔ آنان را به من بازگرداند،

عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِيَنِى بِهِمْ جَمِيعًا

زیرا اوست همه‌چیزدان، فرزانه.»[83]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ [83]

و از آنان روی گرداند و گفت: «ای تلخی من، برای یوسف!»

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ

و چشمانش از اندوه سپید شد، در حالی که غصهٔ خود را فرو می‌خورد.[84]

وَٱبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ ٱلْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ [84]

گفتند: «به خدا، تو از به یاد آوردن یوسف دست برنخواهی داشت، تا آن‌که از پا درآیی یا خود را نابود کنی.»[85]

قَالُوا۟ تَٱللَّهِ تَفْتَؤُا۟ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ ٱلْهَٰلِكِينَ [85]

او گفت: «من درددل و اندوه خود را جز به خدا شکایت نمی‌کنم،

قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ

و از جانب خدا آنچه را شما نمی‌دانید می‌دانم.[86]

وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ [86]

ای پسران من، رهسپار شوید و دربارهٔ یوسف و برادرش جویا شوید، و از آسایش خدا نومید مشوید،

يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡـَٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ

زیرا از آسایش خدا نومید نمی‌شود مگر قومی که انکار می‌کنند.»[87]

إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ [87]

چون نزد او درآمدند، گفتند: «ای نیرومند، آسیب به ما و به خانوادهٔ ما رسیده است، و ما با کالایی کم‌ارزش آمده‌ایم:

فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيۡهِ قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهۡلَنَا ٱلضُّرُّ وَجِئۡنَا بِبِضَٰعَةٖ مُّزۡجَىٰةٖ

پس پیمانه را وفادارانه به ما بده، و به ما دستگیری کن،

فَأَوۡفِ لَنَا ٱلۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَآ

زیرا خدا کسانی را که دستگیری می‌کنند بازپرداخت می‌کند.»[88]

إِنَّ ٱللَّهَ يَجۡزِي ٱلۡمُتَصَدِّقِينَ [88]

او گفت: «آیا می‌دانید با یوسف و برادرش چه کردید، آن‌گاه که نادان بودید؟»[89]

قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ أَنتُمۡ جَٰهِلُونَ [89]

گفتند: «آیا به‌راستی تو یوسفی؟»

قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُ

او گفت: «من یوسفم، و این برادر من است.
قَالَ أَنَا۟ يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِى

خدا ما را برخوردار ساخته است:
قَدْ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَآ

هر که محتاط باشد و شکیبایی کند — خدا همانا نمی‌گذارد پاداش نیکی‌کنندگان تلف شود.»[90]
إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ [90]

گفتند: «به خدا، خدا همانا تو را بر ما برتری داده است، و ما بی‌گمان خطاکار بودیم.»[91]
قَالُوا۟ تَٱللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ [91]

او گفت: «هیچ سرزنشی بر شما نیست:
قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ

امروز، خدا شما را می‌بخشاید،
ٱلْيَوْمَ يَغْفِرُ ٱللَّهُ لَكُمْ

او مهربان‌ترین مهربانان است.[92]
وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ [92]

با این پیراهن من رهسپار شوید و آن را بر چهرهٔ پدرم بیفکنید: بینایی خود را بازخواهد یافت. سپس همهٔ خانوادهٔ خود را نزد من بیاورید.»[93]
ٱذْهَبُوا۟ بِقَمِيصِى هَٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِى يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِى بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ [93]

چون کاروان رهسپار شد، پدرشان گفت: «من بی‌گمان بوی یوسف را می‌شنوم، اگر مرا یاوه‌گو نشمارید.»[94]
وَلَمَّا فَصَلَتِ ٱلْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّى لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَآ أَن تُفَنِّدُونِ [94]

گفتند: «به خدا، تو بی‌گمان در گمراهی دیرین خود هستی.»[95]

قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِى ضَلَٰلِكَ ٱلْقَدِيمِ [95]

چون مژده‌دهنده رسید، آن را بر چهرهٔ او افکند، و او بی‌درنگ بینایی خود را بازیافت.

فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلْبَشِيرُ أَلْقَىٰهُ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ فَٱرْتَدَّ بَصِيرًا

او گفت: «آیا به شما نگفته بودم که من از جانب خدا آنچه را شما نمی‌دانید می‌دانم؟»[96]

قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّىٓ أَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [96]

گفتند: «ای پدر ما، برای تقصیرهای ما بخشایش بخواه، زیرا ما خطاکار بودیم.»[97]

قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَٰطِـِٔينَ [97]

او گفت: «به‌زودی برای شما از سرپرستم بخشایش خواهم خواست:

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّىٓ

او همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.»[98]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [98]

چون نزد یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را نزد خود پذیرفت، و گفت: «به مصر درآیید، اگر خدا را پسند افتد، در امنیت.»[99]

فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ٱدْخُلُواْ مِصْرَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ [99]

و پدر و مادرش را بر بنا بالا برد، و پیشانی بر خاک نهاده در برابر او فرو افتادند.

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى ٱلْعَرْشِ وَخَرُّواْ لَهُۥ سُجَّدًا

و گفت: «ای پدر من، این است پیش‌گویی رؤیای پیشین من: سرپرست من آن را حقیقی ساخته است.

وَقَالَ يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُءْيَىَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّى حَقًّا

و او به من نیکی کرد، آن‌گاه که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از روستا آورد، پس از آن‌که منحرف‌کننده میان من و برادرانم ناسازگاری پراکند.

وَقَدْ أَحْسَنَ بِىٓ إِذْ أَخْرَجَنِى مِنَ ٱلسِّجْنِ وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلْبَدْوِ مِنۢ بَعْدِ أَن نَّزَغَ ٱلشَّيْطَٰنُ بَيْنِى وَبَيْنَ إِخْوَتِىٓ

سرپرست من در آنچه پسند او افتد ظریف‌کار است،

إِنَّ رَبِّى لَطِيفٌ لِّمَا يَشَآءُ

زیرا اوست همه‌چیزدان، فرزانه.[100]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ [100]

ای سرپرست من، تو بخشی از پادشاهی را به من ارزانی داشتی، و پیش‌گویی رویدادها را به من آموختی.

رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِى مِنَ ٱلْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِى مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ

سرچشمهٔ آسمان‌ها و زمین، تو در این زندگی نزدیک و در زندگی واپسین متحد من هستی: مرا وفادارانه نگه دار، بی‌خدشه نزد تو، و مرا به شایستگان بپیوندان.»[101]

فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَنتَ وَلِىِّۦ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ تَوَفَّنِى مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ [101]

این از اطلاعات دربارهٔ آنچه فراتر از حواس است می‌باشد، که از آن بر تو پرده برمی‌داریم:

ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ

تو نزد آنان نبودی آن‌گاه که بر کارشان همداستان شدند در حالی که دسیسه‌چین بودند.[102]

وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوٓاْ أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ [102]

و بیشتر انسان‌ها، هرچند بر آن پافشاری کنی، باورمند نیستند.[103]

وَمَآ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ [103]

و تو برای این از آنان هیچ پاداشی نمی‌خواهی:

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

این جز یادآوری‌ای برای همهٔ هستی‌ها نیست.[104]

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ [104]

چه بسیار نشانه در آسمان‌ها و زمین که از کنار آن‌ها می‌گذرند در حالی که از آن‌ها پهلو تهی می‌کنند![105]

وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ [105]

و بیشتر آنان به خدا باور نمی‌آورند جز آن‌که او را انباز می‌گیرند.[106]

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ [106]

آیا پس ایمن‌اند که از کیفر خدا آنچه بر آنان هجوم می‌آورد به آنان نیاید، یا آن لحظه ناگهان، بی‌آن‌که حس کنند، به آنان نیاید؟[107]

أَفَأَمِنُوٓاْ أَن تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ [107]

بگو: «این راه من است: به سوی خدا فرا می‌خوانم.

قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ

با بینایی کامل، من و کسانی که از من پیروی می‌کنند.

عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِى

و شکوه بر خدا باد!

وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ

و من از انبازگیرندگان نیستم.»[108]

وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [108]

و ما پیش از تو جز مردانی نفرستادیم که به آنان پرده برمی‌داشتیم، از میان مردمِ شهرها.

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰٓ

آیا پس بر زمین نپیموده‌اند تا بنگرند که فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟

أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِي ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

و جایگاه زندگی واپسین بی‌گمان برای کسانی که محتاط بوده‌اند بهتر است:

وَلَدَارُ ٱلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[109]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [109]

تا آن‌گاه که چون فرستادگان نومید شدند و پنداشتند که دروغ انگاشته شده بودند، یاری ما به آنان رسید، و آن‌که ما را پسند افتاد نجات داده شد، (112)

حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسْتَيْـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُواْ جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَآءُ (112)

و سخت‌گیری ما از قوم کنارگذاشته‌شده لغو نمی‌شود.[110]

وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ [110]

همانا در روایت آنان درسی بود برای دارندگان هوش:

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُوْلِي ٱلْأَلْبَٰبِ

این گفتاری برساخته نبود،

مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ

اما تأیید آنچه پیش از آن است، تفصیل هر چیز، و راهنمایی و مهری برای قومی که باور می‌آورند.[111]

وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [111]

# هود • HUD

سوره 11 · 123 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓر (الف لام را).

الٓر

نوشتاری که نشانه‌هایش یک‌معنا ساخته شده و سپس به تفصیل درآورده شده است، از جانب فرزانه‌ای باخبر: «جز از خدا فرمان مبرید؛ من برای شما، از جانب او، هشداردهنده‌ای و مژده‌دهنده‌ام؛ از سرپرستتان بخشایش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید: شما را از بهره‌مندی‌ای زیبا بهره‌مند خواهد ساخت تا سرآمدی نام‌برده، و به هر دارندهٔ لطفی لطفش را ارزانی خواهد داشت.[1-2]

كِتَٰبٌ أُحْكِمَتْ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ [1] أَلَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ إِنَّنِى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ [2] وَأَنِ ٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُۥ

اما اگر پشت کنید، آنگاه من همانا برای شما از کیفر روزی بزرگ می‌ترسم.»[3]

وَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ [3]

بازگشت شما به سوی خدا است،

إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

و او بر هر چیز توانا است.[4]

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [4]

آیا چنین نیست؟ آنان همانا سینه‌هایشان را درهم می‌پیچند تا خود را از او پنهان کنند.

أَلَآ إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُواْ مِنْهُ

آیا چنین نیست که چون خود را در جامه‌هایشان می‌پوشانند، او آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را افشا می‌کنند می‌داند؟

أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

او به محتوای سینه‌ها همه‌چیزدان است.[5]

إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [5]

هیچ جنبنده‌ای بر زمین نیست که روزی‌اش از آنِ خدا نباشد؛ او آرامگاهش و جای سپردنش را می‌شناسد:

وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا

همه‌چیز در دفتری روشن است.[6]

كُلٌّ فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ [6]

و اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که بنای او بر آب استوار بود، تا شما را بیازماید: کدام‌یک از شما بهتر عمل می‌کند.

وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُۥ عَلَى ٱلْمَآءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

و اگر بگویی: «پس از مرگ برانگیخته خواهید شد»، آنان که انکار می‌کنند بی‌گمان خواهند گفت: «این جز چشم‌بندی آشکار نیست.»[7]

وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِنۢ بَعْدِ ٱلْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ [7]

و اگر کیفر را تا زمانی شمرده‌شده برایشان به تأخیر اندازیم، بی‌گمان خواهند گفت: «چه چیز آن را معلق نگه می‌دارد؟»

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُۥٓ

آیا چنین نیست که روزی که به آنان بیاید، از آنان دور داشته نخواهد شد،

أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ

و آنچه را به مسخره می‌گرفتند بر آنان واقع خواهد شد.[8]

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [8]

و اگر به انسان مهری از جانب خود بچشانیم، سپس آن را از او بازپس بگیریم، اینک او بی‌گمان نومید است، انکارگری بزرگ.[9]

وَلَئِنْ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَٰهَا مِنْهُ إِنَّهُۥ لَيَـُٔوسٌ كَفُورٌ [9]

و اگر پس از آسیبی که به او رسیده بود، دهشی به او بچشانیم، بی‌گمان خواهد گفت: «بدی‌ها از من دور رفتند»:

وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّىٓ

اینک او بی‌گمان شادمان است، فخرفروش.[10]

إِنَّهُۥ لَفَرِحٌ فَخُورٌ [10]

مگر کسانی که شکیبایی کردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند: آنان بخشایش و پاداشی بزرگ خواهند داشت.[11]

إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ [11]

شاید بخشی از آنچه بر تو پرده برداشته می‌شود را رها کنی و سینه‌ات از آن تنگ خواهد شد، از آن رو که می‌گویند: «چرا گنجی بر او فرود آورده نشده است، یا چرا کارگزاری با او نمی‌آید!»

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌۢ بَعْضَ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيْكَ وَضَآئِقٌۢ بِهِۦ صَدْرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌ

تو خود جز یک هشداردهنده نیستی؛

إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٌ

و خدا، بر هر چیز، وکیل است.[12]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ [12]

یا خواهند گفت: «او آن را برساخته است»؟

أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُ

بگو: «پس ده سوره برساخته‌شده همانند آن بیاورید، و هر که را خواهید توانست، غیر از خدا، فرا بخوانید، اگر راست‌گویانید.»[13]

قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [13]

اگر به شما پاسخ ندهند، آنگاه بدانید که این مگر با دانش خدا فرود آورده نشده است، و اینکه هیچ ایزدی نیست مگر او.

فَإِلَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلۡمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

آیا پس شما بی‌خدشه نزد خدا خواهید بود؟[14]

فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ [14]

هر که زندگی نزدیک و آرایهٔ آن را بخواهد، ما کردارهایش را در این زندگی وفادارانه به او پس می‌دهیم، و حقش در آن پایمال نخواهد شد:[15]

مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ [15]

اینان کسانی‌اند که در زندگی واپسین جز آتش نخواهند داشت؛

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُ

آنچه را در آن ساخته‌اند فروریخته خواهد بود،

وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا

و آنچه می‌کردند پوچ خواهد بود. **(113)**[16]

وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [16] **(113)**

آیا کسی که بر دلیلی روشن از سرپرستش استوار است و گواهی از جانب او در پی‌اش می‌آید؟

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِۦ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ

و پیش از او، نوشتار موسی، به‌عنوان مرجع و مهر.

وَمِن قَبْلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةً

اینان کسانی‌اند که به آن باور می‌آورند.

أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ

و هر که از میان گروه‌ها آن را انکار کند، آتش وعده‌گاه او است:

وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ مِنَ ٱلْأَحْزَابِ فَٱلنَّارُ مَوْعِدُهُۥ

پس دربارهٔ آن به جدال مپرداز،

فَلَا تَكُ فِى مِرْيَةٍ مِّنْهُ

زیرا آن حقیقتی است از سرپرست تو، اما بیشتر انسان‌ها باور نمی‌آورند.[17]

إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ [17]

و چه کسی پس ستمگرتر از آن است که دروغی بر خدا برسازد؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا

اینان کسانی‌اند که در برابر سرپرستشان عرضه خواهند شد، و گواهان خواهند گفت: «اینان کسانی‌اند که بر سرپرستشان دروغ گفتند!»

أُو۟لَٰٓئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ ٱلْأَشْهَٰدُ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُوا۟ عَلَىٰ رَبِّهِمْ

آیا چنین نیست که نفرین خدا بر ستمگران است، کسانی که راه خدا را می‌بندند و می‌کوشند آن را کج کنند، و زندگی واپسین را انکار می‌کنند؟[18–19]

أَلَا لَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ [18] ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ كَٰفِرُونَ [19]

اینان کسانی‌اند که بر زمین نخواهند توانست او را ناتوان کنند، و غیر از خدا هیچ متحدی نخواهند داشت:

أُوْلَٰٓئِكَ لَمْ يَكُونُواْ مُعْجِزِينَ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ

کیفرشان دوچندان خواهد شد.

يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلْعَذَابُ

نه می‌توانستند بشنوند و نه می‌توانستند روشن ببینند.[20]

مَا كَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ ٱلسَّمْعَ وَمَا كَانُواْ يُبْصِرُونَ [20]

اینان کسانی‌اند که زیان خویشتن خود را موجب شدند، و آنچه برمی‌ساختند از آنان دور گم شد.[21]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ [21]

ناگزیر، در زندگی واپسین، آنان خود بزرگ‌ترین زیان‌کارانند.[22]

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي ٱلْأَخِرَةِ هُمُ ٱلْأَخْسَرُونَ [22]

کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند و در برابر سرپرستشان خمیدند: اینان همراهان باغ‌اند،

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَخْبَتُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ

که در آن جاودانه خواهند ماند.[23]

هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [23]

مثال این دو پاره همچون نابینا و ناشنوا است، و بینا و شنوا:

مَثَلُ ٱلْفَرِيقَيْنِ كَٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْأَصَمِّ وَٱلْبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِ

آیا در مثال برابرند؟

هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا

پس به یاد نمی‌آورید؟[24]

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [24]

همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦٓ

«من برای شما هشداردهنده‌ای روشن هستم:[25]

إِنِّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ [25]

جز از خدا فرمان مبرید؛

أَن لَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ

زیرا من برای شما از کیفر روزی دردناک می‌ترسم.»[26]

إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ [26]

دربار کسانی از قومش که انکار می‌کردند گفت: «ما تو را مگر آدمی همانند خودمان نمی‌بینیم، و نمی‌بینیم که مگر پست‌ترین‌های ما، در نگاه نخست، از تو پیروی کرده باشند.

فَقَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوْمِهِۦ مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَىٰكَ ٱتَّبَعَكَ إِلَّا ٱلَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِىَ ٱلرَّأْىِ

و ما برای شما بر خود هیچ لطفی نمی‌بینیم؛ بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.»[27]

وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَٰذِبِينَ [27]

او گفت: «ای قوم من، آیا می‌بینید؟ اگر من بر دلیلی روشن از سرپرستم استوار باشم، و او از جانب خود مهری به من ارزانی داشته باشد، و آن بر شما تیره شده باشد، آیا آنگاه، در حالی که آن را ناخوش دارید، آن را بر شما تحمیل می‌کردیم؟[28] **(114)**

قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَءَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَءَاتَىٰنِى رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِۦ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَٰرِهُونَ [28] **(114)**

ای قوم من، برای آن از شما هیچ دارایی‌ای نمی‌خواهم:

وَيَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مَالًا

پاداش من جز بر عهدهٔ خدا نیست،

إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ

و من از کسانی نیستم که کسانی را که باور می‌آورند پس می‌زنند: ایشان همانا سرپرستشان را ملاقات خواهند کرد؛

وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۚ إِنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ

اما شما را قومی نادان می‌بینم.[29]

وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ [29]

ای قوم من، اگر آنان را پس می‌زدم، چه کسی مرا در برابر خدا یاری می‌رساند؟

وَيَٰقَوۡمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمۡ

پس به یاد نمی‌آورید؟[30]

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [30]

و به شما نمی‌گویم که ذخایر خدا نزد من است، و نه این‌که آنچه را فراتر از حواس است می‌دانم، و نه این‌که کارگزارم؛

وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ

و دربارهٔ کسانی که چشمان شما خوارشان می‌شمارد نمی‌گویم که خدا هیچ نیکی‌ای به آنان ارزانی نخواهد داشت:

وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزۡدَرِيٓ أَعۡيُنُكُمۡ لَن يُؤۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ خَيۡرًا

خدا بهتر می‌شناسد آنچه را در خویشتن‌های آنان است.

ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا فِيٓ أَنفُسِهِمۡ

آنگاه من بی‌گمان از ستمگران می‌بودم.»[31]

إِنِّيٓ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [31]

گفتند: «ای نوح، با ما بحث کردی، و در بحث بسیار پیش رفتی؛ پس آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور، اگر از راست‌گویانی.»[32]

قَالُواْ يَٰنُوحُ قَدۡ جَٰدَلۡتَنَا فَأَكۡثَرۡتَ جِدَٰلَنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [32]

او گفت: «تنها خدا است که آن را برای شما خواهد آورد، اگر پسند او افتد، و شما نخواهید توانست او را ناتوان کنید.[33]

قَالَ إِنَّمَا يَأۡتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ [33]

و اندرز من شما را هیچ سودی نخواهد رساند، هرچند بخواهم شما را اندرز دهم، اگر خدا بخواهد شما را سرگردان کند:

وَلَا يَنفَعُكُمۡ نُصۡحِيٓ إِنۡ أَرَدتُّ أَنۡ أَنصَحَ لَكُمۡ إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغۡوِيَكُمۡ

او سرپرست شما است،

هُوَ رَبُّكُمۡ

و به سوی او بازگردانده خواهید شد.»[34]

وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ [34]

یا خواهند گفت: «او آن را برساخته است»؟

أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُ

بگو: «اگر آن را برساخته باشم، آنگاه کنارگذاری من بر عهدهٔ من است، و من از کنارگذاری شما بری‌ام.»[35]

قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُجۡرِمُونَ [35]

و به نوح پرده برداشته شد که از قوم تو دیگر هیچ‌کس باور نخواهد آورد، مگر کسانی که پیش‌تر باور آورده‌اند:

وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ ءَامَنَ

پس از آنچه می‌کردند افسرده مباش.[36]

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ [36]

و کشتی را زیر چشمان ما و بر پایهٔ پرده‌برداری ما بساز،

وَٱصْنَعِ ٱلْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا

و دربارهٔ کسانی که ستم کردند به من روی میاور، زیرا آنان غرق خواهند شد.[37]

وَلَا تُخَٰطِبْنِى فِى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ ۖ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ [37]

و کشتی را می‌ساخت؛ و هر بار که دربار از میان قومش از کنار او می‌گذشت، او را ریشخند می‌کرد.

وَيَصْنَعُ ٱلْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِۦ سَخِرُوا۟ مِنْهُ

او گفت: «اگر ما را ریشخند کنید، همانا ما نیز شما را ریشخند خواهیم کرد، همان‌گونه که شما ما را ریشخند می‌کنید.[38]

قَالَ إِن تَسْخَرُوا۟ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ [38]

به‌زودی خواهید دانست که کیفری که او را شرمسار خواهد کرد بر که خواهد آمد، و کیفری که می‌ماند بر که فرو خواهد افتاد.»[39]

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ [39]

تا آن‌گاه که چون دستور ما آمد و اجاق به جوش آمد، گفتیم: «در آن از هر چیز، دو عنصر از یک جفت را بار کن، و نیز خانواده‌ات را، مگر آن‌که سخن پیشین بر او سنگینی می‌کند، و کسانی را که باور آوردند.»

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَمْرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ قُلْنَا ٱحْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ ٱلْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ

و جز اندکی با او باور نیاوردند.[40]

وَمَآ ءَامَنَ مَعَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٌ [40]

و گفت: «در آن بالا روید: روان شدن و لنگر انداختنش به نام خدا باد.

وَقَالَ ٱرْكَبُوا۟ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْرٖىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآ

سرپرست من بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.»[41]

إِنَّ رَبِّى لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ [41]

و او با آنان در موجی همچون کوه‌ها روان بود.

وَهِىَ تَجْرِى بِهِمْ فِى مَوْجٍ كَٱلْجِبَالِ

و نوح پسرش را که در کناری ایستاده بود ندا داد: «ای پسرکم، با ما بالا بیا، و با کسانی که انکار می‌کنند مباش.»[42]

وَنَادَىٰ نُوحٌ ٱبْنَهُۥ وَكَانَ فِى مَعْزِلٍ يَٰبُنَىَّ ٱرْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلْكَٰفِرِينَ [42]

گفت: «به کوهی پناه خواهم گرفت که مرا از آب حفظ خواهد کرد.»

قَالَ سَـَٔاوِىٓ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِى مِنَ ٱلْمَآءِ

گفت: «امروز هیچ حفاظتی در برابر دستور خدا نیست، مگر برای کسی که او بر او مهر ورزد.»

قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ

و موج میان آن دو حائل شد، و او از غرق‌شدگان شد.[43]

وَحَالَ بَيْنَهُمَا ٱلْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُغْرَقِينَ [43]

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو ببر! ای آسمان، بازایست!»

وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ٱبْلَعِى مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقْلِعِى

و آب فرو نشست، کار فیصله داده شد، و کشتی بر جودی جا گرفت.

وَغِيضَ ٱلْمَآءُ وَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ وَٱسْتَوَتْ عَلَى ٱلْجُودِىِّ

و گفته شد: «دور باد قوم ستمگران!»[44]

وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [44]

و نوح سرپرستش را فرا خواند و گفت: «ای سرپرست من، پسرم همانا از خانوادهٔ من است، و وعدهٔ تو حقیقت است،

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبْنِى مِنْ أَهْلِى وَإِنَّ وَعْدَكَ ٱلْحَقُّ

و تو دادگرترین داوران هستی.»[45]

وَأَنتَ أَحْكَمُ ٱلْحَٰكِمِينَ [45]

او گفت: «ای نوح، او همانا از خانوادهٔ تو نیست،

قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ

زیرا او کرداری است که شایسته نیست.

إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ

پس از من آنچه را که هیچ دانشی از آن نداری مخواه،

فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ

زیرا من تو را ترغیب می‌کنم که از نادانان نباشی.»[46]

إِنِّىٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ [46]

گفت: «ای سرپرست من، همانا من خود را در پناه تو می‌گذارم از این‌که از تو آنچه را که هیچ دانشی از آن ندارم بخواهم،

قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ

و اگر مرا نبخشایی و بر من مهر نورزی، از زیان‌کاران خواهم بود.»[47]

وَإِلَّا تَغْفِرْ لِى وَتَرْحَمْنِىٓ أَكُن مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [47]

گفته شد: «ای نوح، با آرامشی از جانب ما و خجستگی‌هایی بر تو و بر جامعه‌هایی برخاسته از کسانی که با تو هستند فرود آی؛

قِيلَ يَٰنُوحُ ٱهۡبِطۡ بِسَلَٰمٖ مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٖ مِّمَّن مَّعَكَ

و جامعه‌هایی هستند که ما بهره‌مندشان خواهیم ساخت، سپس کیفری دردناک از جانب ما به آنان خواهد رسید.»[48]

وَأُمَمٞ سَنُمَتِّعُهُمۡ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ [48]

اینها اطلاعاتی است دربارهٔ آنچه فراتر از حواس است، که از آن بر تو پرده برمی‌داریم:

تِلۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهَآ إِلَيۡكَ

تو آن‌ها را پیش از این نمی‌شناختی، نه تو و نه قومت.

مَا كُنتَ تَعۡلَمُهَآ أَنتَ وَلَا قَوۡمُكَ مِن قَبۡلِ هَٰذَا

پس شکیبایی کن،

فَٱصۡبِرۡ

زیرا فرجام از آنِ محتاطان است.[49]

إِنَّ ٱلۡعَٰقِبَةَ لِلۡمُتَّقِينَ [49]

و به سوی عاد، برادرشان هود:

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗا

او گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما ایزدی دیگر جز او ندارید؛

قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ

شما جز برسازندگان نیستید.[50]

إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُفۡتَرُونَ [50]

ای قوم من، برای آن از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهم:
يَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا

پاداش من جز بر عهدهٔ کسی نیست که مرا از نخست آفرید.
إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِي فَطَرَنِيٓ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[51]
أَفَلَا تَعۡقِلُونَ [51]

ای قوم من، از سرپرستتان بخشایش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید: آسمان ریزان را بر شما خواهد فرستاد، و به نیروی شما نیرویی خواهد افزود؛ و در حال کنارگذاشته‌شدگان پشت مکنید.»[52]
وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ مُجۡرِمِينَ [52]

گفتند: «ای هود، تو برای ما دلیلی روشن نیاوردی، و ما ایزدان خود را بر سخن تو رها نخواهیم کرد، و به تو اعتبار نمی‌دهیم.[53]
قَالُواْ يَٰهُودُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٖ وَمَا نَحۡنُ بِتَارِكِيٓ ءَالِهَتِنَا عَن قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ [53]

ما تنها می‌گوییم که یکی از ایزدان ما تو را به بدی زده است.»
إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖ

او گفت: «من همانا خدا را گواه می‌گیرم،
قَالَ إِنِّيٓ أُشۡهِدُ ٱللَّهَ

و گواه باشید که من از آنچه غیر از او انباز می‌گیرید بری‌ام:[54]
وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ [54] مِن دُونِهِۦ

پس همه بر ضد من نیرنگ بچینید، و به من هیچ مهلتی ندهید،[55]
فَكِيدُونِي جَمِيعٗا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ [55]

زیرا من به خدا، سرپرست من و سرپرست شما، وکالت می‌دهم:

إِنِّى تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّى وَرَبِّكُم

هیچ جنبنده‌ای نیست که او آن را از کاکل نگه ندارد.

مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآ

سرپرست من بر جاده‌ای راست است.[56]

إِنَّ رَبِّى عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [56]

اگر پشت کنید، من آنچه را که با آن به سوی شما فرستاده شده‌ام پیش‌تر به شما رسانده‌ام؛

فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُم مَّآ أُرْسِلْتُ بِهِۦٓ إِلَيْكُمْ

و سرپرست من قومی دیگر را به جای شما جانشین خواهد ساخت، بی‌آن‌که به او هیچ آسیبی برسانید،

وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّى قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيْـًٔا

زیرا سرپرست من هر چیز را پاس می‌دارد.»[57]

إِنَّ رَبِّى عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ [57]

و چون دستور ما آمد، هود و کسانی را که با او باور آورده بودند، با مهری از جانب خود نجات دادیم، و آنان را از کیفری سنگین نجات دادیم.[58]

وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنَٰهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ [58]

و اینان عادند: نشانه‌های سرپرستشان را سرسختانه رد کردند، از فرستادگان او نافرمانی کردند، و از دستور هر مستبد لجوج پیروی کردند.[59]

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا۟ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ [59]

و در این زندگی نزدیک، و نیز در روز حضور، با نفرینی دنبال شدند:

وَأُتْبِعُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

آیا چنین نیست: عاد همانا سرپرست خود را انکار کردند.

أَلَآ إِنَّ عَادًا كَفَرُواْ رَبَّهُمْ

دور باد عاد، قوم هود![60]

أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ [60]

و به سوی ثمود، برادرشان صالح:

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا

گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما را ایزدی دیگر جز او نیست.

قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ

اوست که شما را از زمین پدید آورد و شما را بر آن ساکن گرداند: پس از او بخشایش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید،

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَٱسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَٱسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ

زیرا سرپرست من نزدیک است، و پاسخ می‌دهد.»[61]

إِنَّ رَبِّى قَرِيبٌ مُّجِيبٌ [61]

گفتند: «ای صالح، تو پیش از این در میان ما امیدی بودی؛ آیا ما را نهی می‌کنی از این‌که از آنچه نیاکان ما از آن فرمان می‌بردند فرمان ببریم؟ ما بی‌گمان دربارهٔ آنچه ما را به آن فرا می‌خوانی در سرگشتگی‌ای پریشان‌کننده‌ایم.»[62]

قَالُواْ يَٰصَٰلِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَآ أَتَنْهَىٰنَآ أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ [62]

او گفت: «ای قوم من، آیا می‌بینید؟ اگر من بر دلیلی روشن از سرپرستم استوار باشم، و او از جانب خود مهری به من ارزانی داشته باشد، پس چه کسی مرا در برابر خدا یاری می‌رساند اگر از او نافرمانی می‌کردم؟

قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَءَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَءَاتَىٰنِى مِنْهُ رَحْمَةً فَمَن يَنصُرُنِى مِنَ ٱللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُۥ

آنگاه شما جز زیان مرا افزون نمی‌کردید.[63]

فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ [63]

ای قوم من، این ماده‌شتر خدا است، نشانه‌ای برای شما:

وَيَٰقَوْمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً

پس رهایش کنید: بگذارید بر زمین خدا بخورد،

فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِيٓ أَرْضِ ٱللَّهِ

و به آن هیچ بدی‌ای مرسانید، وگرنه کیفری نزدیک شما را فرا می‌گرفت.»[64]

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ [64]

اما آن را مثله کردند. آنگاه گفت: «در سرای خود سه روز بهره‌مند شوید:

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمْ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ

این وعده‌ای است که دروغ انگاشته نخواهد شد.»[65]

ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ [65]

چون دستور ما آمد، صالح و کسانی را که با او باور آورده بودند، با مهری از جانب خود و از شرمساری آن روز نجات دادیم؛

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَٰلِحًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ

زیرا سرپرست تو زورمند است، نیرومند.[66]

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْعَزِيزُ [66]

و بانگ کسانی را که ستم کرده بودند فرا گرفت، چنان‌که در سراهایشان خود را افتاده و بی‌حرکت یافتند، گویی هرگز در آن‌جا نزیسته بودند.[67]

وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ [67] كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَآ

آیا چنین نیست: ثمود همانا سرپرست خود را انکار کردند.

أَلَآ إِنَّ ثَمُودَاْ كَفَرُواْ رَبَّهُمْ

دور باد ثمود![68]

أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ [68]

و فرستادگان ما همانا با مژده نزد ابراهیم آمدند: گفتند: «آرامش!»

وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَآ إِبْرَٰهِيمَ بِٱلْبُشْرَىٰ قَالُواْ سَلَٰمًا

او گفت: «آرامش!»

قَالَ سَلَٰمٌ

و درنگ نکرد که گوساله‌ای بریان بیاورد.[69]

فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ [69]

اما چون دید که دست‌هایشان به آن نمی‌رسد، آنان را غریب یافت و از آنان ترسی احساس کرد.

فَلَمَّا رَءَآ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً

گفتند: «مترس،

قَالُواْ لَا تَخَفْ

زیرا ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم.»[70]

إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ [70]

و زنش، ایستاده، شروع به خندیدن کرد؛

وَٱمْرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ

آنگاه اسحاق را به او مژده دادیم،

فَبَشَّرْنَٰهَا بِإِسْحَٰقَ

و پس از اسحاق، یعقوب.[71]
وَمِن وَرَآءِ إِسْحَٰقَ يَعْقُوبَ [71]

گفت: «وای بر من! آیا بزایم در حالی که پیرم و این شوهر من، پیرمردی است؟
قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِى شَيْخًا

این بی‌گمان چیزی شگفت است!»[72]
إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عَجِيبٌ [72]

گفتند: «آیا از دستور خدا در شگفتی؟
قَالُوٓا۟ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ

مهر خدا و خجستگی‌های او بر شما باد، ای مردمِ خانه!
رَحْمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ

زیرا او ستوده است، سرشار از شکوه.»[73]
إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ [73]

چون هراس از ابراهیم رفت و مژده به او رسید، دربارهٔ قوم لوط با ما به بحث پرداخت:[74]
فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ [74]

ابراهیم بی‌گمان بردبار است، پر آه، پیوسته به او روی‌آورنده.[75]
إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ [75]

«ای ابراهیم، از این کناره بگیر:
يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ

دستور سرپرست تو پیش‌تر آمده است،
إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ

و کیفری که نمی‌توان آن را لغو کرد همانا به آنان می‌رسد.»[76]

وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ [76]

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، آمدنشان او را ناخوش آمد، و دربارهٔ آنان درمانده شد، و گفت: «این روزی طاقت‌فرسا است.»[77]

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ [77]

و قومش شتابان نزد او آمدند، در حالی که پیش از آن بدی‌ها را مرتکب می‌شدند.

وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ

او گفت: «ای قوم من، اینان دختران منند: برای شما پاک‌ترند؛ پس در برابر خدا محتاط باشید، و مرا دربارهٔ میهمانانم شرمسار مکنید:

قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِىٓ

آیا در میان شما مردی کاردان نیست؟»[78]

أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ [78]

گفتند: «تو پیش‌تر می‌دانی که ما بر دختران تو چه حقی داریم، و بی‌گمان می‌دانی که ما چه می‌خواهیم.»[79]

قَالُوا۟ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ [79]

او گفت: «کاش بر شما نیرویی می‌داشتم، یا می‌توانستم به تکیه‌گاهی استوار پناه بگیرم!»[80]

قَالَ لَوْ أَنَّ لِى بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ [80]

گفتند: «ای لوط، ما همانا فرستادگان سرپرست تو هستیم: آنان هرگز به تو نخواهند رسید.

قَالُوا۟ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓا۟ إِلَيْكَ

پس با خانواده‌ات، مگر زنت، در پاره‌ای از شب رهسپار شو، و هیچ‌یک از شما روی برنگرداند، (115)

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ ٱلَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ (115)

زیرا آنچه بر آنان پیش آید بر او نیز پیش خواهد آمد.

إِنَّهُۥ مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمْ

وعده‌گاه آنان بامداد است:

إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ

آیا بامداد نزدیک نیست؟»[81]

أَلَيْسَ ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٍ [81]

چون دستور ما آمد، بالای آن را پایین آن ساختیم، و بر آن سنگ‌هایی از گل شکل‌یافته، انباشته، نشان‌دار نزد سرپرست تو باراندیم:[82]

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ [82] مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ

و آن از ستمگران دور نیست.[83]

وَمَا هِىَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٍ [83]

و به سوی مدین، برادرشان شعیب:

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا

او گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما ایزدی دیگر جز او ندارید،

قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ

و نه از پیمانه بکاهید و نه از ترازو.

وَلَا تَنقُصُوا۟ ٱلْمِكْيَالَ وَٱلْمِيزَانَ

همانا شما را در نیکی می‌بینم، و برای شما از کیفر روزی که در بر می‌گیرد می‌ترسم.[84]

إِنِّىٓ أَرَىٰكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ [84]

ای قوم من، پیمانه و ترازو را وفادارانه، با برابری‌ورزی، بدهید،

وَيَٰقَوْمِ أَوْفُوا۟ ٱلْمِكْيَالَ وَٱلْمِيزَانَ بِٱلْقِسْطِ

و حق مردم را در چیزهایشان پایمال مکنید، و تباهی‌گران، در زمین آشوب مپراکنید.[85]

وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ [85]

آنچه نزد خدا برجا می‌ماند برای شما بهتر است، اگر باورمندید؛

بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ

و من بر شما پاسدار نیستم.»[86]

وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ [86]

گفتند: «ای شعیب، آیا تماس تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را نیاکان ما از آن فرمان می‌بردند رها کنیم، یا از این‌که در دارایی‌های خود آنچه پسند ما افتد بکنیم دست برداریم؟

قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن نَّفۡعَلَ فِيٓ أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْ

تو خود، بی‌گمان، بردباری، کاردانی!»[87]

إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ [87]

او گفت: «ای قوم من، آیا می‌بینید؟ اگر من بر دلیلی روشن از سرپرستم استوار باشم، و او از جانب خود مرا روزی‌ای زیبا داده باشد...

قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗا

و نمی‌خواهم با شما مخالفت کنم تا خود آنچه را شما را از آن نهی می‌کنم انجام دهم:

وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُ

جز شایسته‌سازی نمی‌خواهم، تا آنجا که توانم؛

إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُ

و کامیابی من تنها به خدا بسته است:

وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِ

به او وکالت می‌دهم،
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

و به او روی می‌آورم.[88]
وَإِلَيْهِ أُنِيبُ [88]

ای قوم من، مبادا گسست شما از من شما را به آنجا بکشاند که آنچه بر قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح پیش آمد بر شما پیش آید؛
وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍ

و قوم لوط از شما دور نیست.[89]
وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ [89]

و از سرپرستتان بخشایش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید،
وَٱسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيْهِ

زیرا سرپرست من مهربان است، دوست‌دارنده.»[90]
إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ [90]

گفتند: «ای شعیب، ما از آنچه می‌گویی چندان درنمی‌یابیم، و تو را در میان خود بی‌گمان ضعیف می‌بینیم؛ اگر خویشان تو نبودند، تو را می‌راندیم؛ و تو بر ما هیچ قدرتی نداری.»[91]
قَالُواْ يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ وَمَآ أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ [91]

او گفت: «ای قوم من، آیا پس خویشان من نزد شما وزنی بیشتر از خدا دارند، که او را به پشت سر خود افکنده‌اید؟
قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَهْطِيٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا

سرپرست من آنچه را می‌کنید کاملاً در بر می‌گیرد.[92]
إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ [92]

ای قوم من، بر جای خود عمل کنید، زیرا من نیز عمل می‌کنم:

وَيَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞ

به‌زودی خواهید دانست که کیفری که او را شرمسار خواهد کرد بر که خواهد آمد، و که دروغ‌گو است.

سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَمَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ

و پس در کمین باشید،

وَٱرۡتَقِبُوٓاْ

زیرا من با شما در کمینم.»[93]

إِنِّي مَعَكُمۡ رَقِيبٞ [93]

و چون دستور ما آمد، شعیب و کسانی را که با او باور آورده بودند با مهری از جانب خود نجات دادیم.

وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا شُعَيۡبٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا

و بانگ کسانی را که ستم کرده بودند فرا گرفت، چنان‌که در سراهایشان خود را افتاده و بی‌حرکت یافتند، گویی هرگز در آن‌جا نزیسته بودند.[94]

وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيۡحَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمۡ جَٰثِمِينَ [94] كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآ

دور باد مدین، همان‌گونه که ثمود دور شدند![95]

أَلَا بُعۡدٗا لِّمَدۡيَنَ كَمَا بَعِدَتۡ ثَمُودُ [95]

همانا موسی را با نشانه‌های خود و اقتداری آشکار به سوی فرعون و دربارش فرستادیم؛ اما آنان از دستور فرعون پیروی کردند،[96]

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ [96] إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ فِرۡعَوۡنَ

و دستور فرعون کاردان نبود.[97]

وَمَآ أَمۡرُ فِرۡعَوۡنَ بِرَشِيدٖ [97]

او در روز حضور پیشاپیش قوم خود خواهد رفت، و آنان را به آتش خواهد رساند:

يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ ٱلنَّارَ

چه زشت جای رسیدنی است آنجا که به آن می‌رسند![98]

وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ [98]

و در این زندگی، و نیز در روز حضور، با نفرینی دنبال شدند:

وَأُتْبِعُوا۟ فِى هَٰذِهِۦ لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

چه زشت است ارمغانی که به آنان داده شد![99]

بِئْسَ ٱلرِّفْدُ ٱلْمَرْفُودُ [99]

اینها اطلاعاتی است دربارهٔ شهرها که برایت بازگو می‌کنیم: برخی از آن‌ها ایستاده برجا مانده‌اند، و برخی دیگر درو شده.[100]

ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ [100]

و ما به آنان ستم نکردیم، اما آنان به خود ستم کردند:

وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ

ایزدان آنان، که غیر از خدا فرا می‌خواندند، چون دستور سرپرست تو آمد، به هیچ کارشان نیامدند،

فَمَآ أَغْنَتْ عَنْهُمْ ءَالِهَتُهُمُ ٱلَّتِى يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ لَّمَّا جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ

و جز بر تباهی ایشان نیفزودند.[101]

وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ [101]

چنین است فراگرفتن سرپرست تو، آن‌گاه که شهرها را فرا می‌گیرد در حالی که ستمگرند:

وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلْقُرَىٰ وَهِىَ ظَٰلِمَةٌ

فراگرفتن او همانا دردناک است، سخت.[102]

إِنَّ أَخْذَهُۥٓ أَلِيمٌ شَدِيدٌ [102]

در این بی‌گمان نشانه‌ای است برای کسی که از کیفر زندگی واپسین می‌ترسد:

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ ٱلْءَاخِرَةِ

این روزی است که انسان‌ها در آن گرد آورده خواهند شد،

ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ ٱلنَّاسُ

و این روزی است گواهی‌شده.[103]

وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ [103]

و آن را جز تا سرآمدی شمرده‌شده به تعویق نمی‌اندازیم.[104]

وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ [104]

روزی که بیاید، هیچ خویشتنی جز با اجازهٔ او سخن نخواهد گفت:

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ

آنگاه تیره‌بخت و نیک‌بخت خواهند بود.[105]

فَمِنْهُمْ شَقِىٌّ وَسَعِيدٌ [105]

اما کسانی که تیره‌بخت باشند، در آتش خواهند بود، آنجا که ناله و هق‌هق خواهند داشت، آنجا که جاودانه خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین دوام آورند، مگر آنچه پسند سرپرست تو افتد،[106]

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُوا۟ فَفِى ٱلنَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ [106] خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ

زیرا سرپرست تو پیوسته آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.[107]

إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ [107]

و اما کسانی که نیک‌بخت باشند، در باغ خواهند بود، آنجا که جاودانه خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین دوام آورند، مگر آنچه پسند سرپرست تو افتد:(116)

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ (116)

مقرری‌ای که هرگز خشک نخواهد شد.[108]

عَطَآءً غَيۡرَ مَجۡذُوذٖ [108]

پس دربارهٔ آنچه اینان از آن فرمان می‌برند به جدال مپرداز:

فَلَا تَكُ فِي مِرۡيَةٖ مِّمَّا يَعۡبُدُ هَٰٓؤُلَآءِ

آنان جز آن‌گونه که نیاکانشان پیش‌تر فرمان می‌بردند فرمان نمی‌برند.

مَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبۡلُ

و ما بی‌گمان سهمشان را وفادارانه به آنان پس خواهیم داد، بی‌آن‌که چیزی از آن بکاهیم.[109]

وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمۡ نَصِيبَهُمۡ غَيۡرَ مَنقُوصٖ [109]

همانا به موسی نوشتار دادیم، و در آن اختلاف شد؛

وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَٱخۡتُلِفَ فِيهِ

و اگر کلمهٔ پیشین از سرپرست تو نبود، میان آنان فیصله داده می‌شد؛

وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡ

و آنان دربارهٔ آن بی‌گمان در سرگشتگی‌ای پریشان‌کننده‌اند.[110]

وَإِنَّهُمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ [110]

و به همه، سرپرست تو بی‌گمان کردارهایشان را وفادارانه پس خواهد داد،

وَإِنَّ كُلّٗا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمۡ رَبُّكَ أَعۡمَٰلَهُمۡ

زیرا او به آنچه می‌کنند باخبر است.[111]

إِنَّهُۥ بِمَا يَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ [111]

پس راست بایست، چنان‌که به تو دستور داده شده است، و نیز کسانی که با تو بازگشته‌اند، و از اندازه مگذرید،

فَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا۟

زیرا او به آنچه می‌کنید بینا است.[112]

إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [112]

و به کسانی که ستم کردند تکیه مکنید، وگرنه آتش به شما می‌رسید،

وَلَا تَرْكَنُوٓا۟ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ

و شما غیر از خدا هیچ متحدی نمی‌داشتید،

وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ

سپس یاری رسانده نمی‌شدید.[113]

ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ [113]

و تماس را در دو کرانهٔ روز و در هنگام‌هایی نزدیک از شب پابرجا نگه دار،

وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَىِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيْلِ

زیرا نیک‌کاری‌ها بدی‌ها را می‌زدایند:

إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ

این یادآوری‌ای است برای کسانی که به یاد می‌آورند.[114]

ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ [114]

و شکیبایی کن،

وَٱصْبِرْ

زیرا خدا پاداش نیکوکاران را نمی‌گذارد از میان برود.[115]

فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ [115]

چرا در نسل‌های پیش از شما دارندگان بازمانده‌ای نبودند که از فساد بر زمین نهی می‌کردند — مگر اندکی از کسانی که ما نجات دادیم!

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ ٱلْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُوْلُواْ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْفَسَادِ فِى ٱلْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ

و کسانی که ستم کردند از آنچه در آن در تجمل می‌زیستند پیروی کردند، و کنارگذاشته‌شدگان بودند.[116]

وَٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَآ أُتْرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ [116]

و سرپرست تو چنان نیست که شهرها را به ستم نابود کند، در حالی که مردمشان شایسته‌سازی می‌کنند.[117]

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ [117]

و اگر سرپرست تو را پسند افتاده بود، انسان‌ها را یک جامعه می‌ساخت؛

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةً وَٰحِدَةً

اما پیوسته اختلاف می‌ورزند، مگر کسی که سرپرست تو بر او مهر ورزد،[118]

وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ [118] إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ

و برای همین آنان را آفرید.

وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ

و کلمهٔ سرپرست تو کامل شد: «من بی‌گمان جهنم را از نهانیان و انسان‌ها، همه با هم، پر خواهم کرد.»[119]

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ [119]

و هر آنچه از اطلاعات دربارهٔ فرستادگان برایت بازگو می‌کنیم همان است که آگاهی تو را با آن استوار می‌سازیم؛

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَ

و در این، حقیقت و ترغیب و یادآوری‌ای برای باورمندان به تو آمده است.[120]

وَجَآءَكَ فِى هَٰذِهِ ٱلْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ [120]

و به کسانی که باور نمی‌آورند بگو: «بر جای خود عمل کنید؛ ما نیز عمل می‌کنیم؛ و منتظر باشید: ما نیز همانا منتظریم.»[121-122]

وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَٰمِلُونَ [121] وَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنَّا مُنتَظِرُونَ [122]

و آنچه در آسمان‌ها و زمین فراتر از حواس است از آنِ خدا است،

وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و همهٔ دستور به سوی او بازمی‌گردد:

وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ ٱلْأَمْرُ كُلُّهُۥ

پس از او فرمان ببر، و به او وکالت بده:

فَٱعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ

و سرپرست تو به آنچه می‌کنید بی‌اعتنا نیست.[123]

وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ [123]

# يونس • YUNUS

سوره 10 · 109 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓر (الف لام را).

الٓر

اینها نشانه‌های نوشتار سرشار از فرزانگی‌اند.[1]

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ [1]

آیا پس برای انسان‌ها شگفت‌آور است که ما به مردی از میان آنان پرده برداشتیم: «انسان‌ها را هشدار بده،

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ ٱلنَّاسَ

و به کسانی که باور آوردند مژده بده که نزد سرپرستشان گامی استوار از راست‌گویی دارند»؟

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ

کسانی که انکار می‌کنند می‌گویند: «این بی‌گمان چشم‌بندی آشکار است.»[2] (117)

قَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ [2] (117)

سرپرست شما همانا خدا است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر بنا جای گرفت.

إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ

او دستور را اداره می‌کند.

يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ

هیچ میانجی‌ای نیست مگر پس از اجازهٔ او.

مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ إِذۡنِهِۦ

این است خدا، سرپرست شما.

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ

پس از او فرمان برید.

فَٱعۡبُدُوهُ

پس به یاد نمی‌آورید؟[3]

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [3]

بازگشت همهٔ شما به سوی او خواهد بود.

إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعًا

وعدهٔ خدا، به حقیقت،

وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقًّا

زیرا او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را دوباره می‌سازد، تا کسانی را که باور آوردند و کردارهای شایسته به جا آوردند، با برابری بازپرداخت کند.

إِنَّهُۥ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلۡقِسۡطِ

اما کسانی که انکار کردند، نوشیدنی‌ای از آب جوشان و کیفری دردناک خواهند داشت، به‌خاطر انکار.[4]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ [4]

اوست که خورشید را روشنایی و ماه را نور ساخت، و برای آن منزلگاه‌هایی مقرر کرد، تا شمار سال‌های خورشیدی و حساب را بدانید.

هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلشَّمۡسَ ضِيَآءٗ وَٱلۡقَمَرَ نُورٗا وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ لِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَ

خدا این را تنها به حقیقت آفرید.
مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ

او نشانه‌ها را برای قومی که می‌داند تفصیل می‌دهد.[5]
يُفَصِّلُ ٱلْآيَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [5]

در تناوب شب و روز، و در آنچه خدا در آسمان‌ها و بر زمین آفریده است، بی‌گمان نشانه‌هایی برای قومی هست که محتاط است.[6]
إِنَّ فِى ٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ [6]

همانا کسانی که ملاقات ما را امید ندارند، از زندگی نزدیک خشنود شدند و در آن آسودگی یافتند، و کسانی که از نشانه‌های ما بی‌اعتنایند — اینانند که پناهگاهشان آتش خواهد بود، به‌خاطر آنچه کسب می‌کردند.[7–8]
إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَٱطْمَأَنُّوا۟ بِهَا وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ [7] أُو۟لَٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ [8]

همانا کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به جا آوردند، سرپرستشان آنان را به‌سبب باورشان راه می‌نماید.
إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمْ

از زیر آنان رودها جاری خواهد بود، در باغ‌های دهش.[9]
تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ [9]

فریادشان در آنجا این خواهد بود: «شکوه بر تو باد، ای خدا!»
دَعْوَىٰهُمْ فِيهَا سُبْحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ

و درودشان در آنجا این خواهد بود: «آرامش».
وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَٰمٌ

و در پایان، فریادشان این خواهد بود: «ستایش از آنِ خدا است، سرپرست همهٔ هستی‌ها.»[10]

وَءَاخِرُ دَعْوَىٰهُمْ أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [10]

و اگر خدا بدی را برای انسان‌ها شتاب می‌بخشید، چنان‌که آنان در شتاب‌بخشیدن به نیکی می‌کوشند، زمان مقررشان پیش‌تر برایشان تسویه می‌شد.

وَلَوْ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ ٱسْتِعْجَالَهُم بِٱلْخَيْرِ لَقُضِىَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ

پس ما کسانی را که ملاقات ما را امید ندارند در حدشکنی‌شان رها می‌کنیم، که در آن کورمال می‌روند.[11]

فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ [11]

و چون آسیب به انسان برسد، ما را فرا می‌خواند، بر پهلو خفته، نشسته، یا ایستاده؛

وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا

سپس، چون آسیبش را از او برطرف کردیم، می‌گذرد، گویی هرگز ما را دربارهٔ آسیبی که به او رسیده بود فرا نخوانده بود.

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَآ إِلَىٰ ضُرٍّ مَّسَّهُۥ

بدین‌سان برای افراطیان، کنش‌هایی که به جا می‌آوردند آراسته شد.[12]

كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [12]

ما همانا نسل‌هایی را که پیش از شما آمدند نابود کردیم، آنگاه که ستم کردند، در حالی که فرستادگانشان با برهان‌های روشن به سوی آنان آمده بودند؛

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ

اما آماده نبودند که باور آورند.

وَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟

بدین‌سان قوم کنارگذاشته‌شدگان را بازپرداخت می‌کنیم.[13]

كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ [13]

سپس ما شما را پس از آنان جانشینانی بر زمین ساختیم، تا بنگریم که چگونه عمل خواهید کرد.[14]

ثُمَّ جَعَلْنَٰكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلْأَرْضِ مِنۢ بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ [14]

و چون نشانه‌های ما، کاملاً صریح، بر آنان برخوانده شود، کسانی که ملاقات ما را امید ندارند می‌گویند: «خوانشی غیر از این بیاور، یا آن را دگرگون کن.»

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا ٱئْتِ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُ

بگو: «مرا نشاید که آن را از پیش خود دگرگون کنم؛

قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلْقَآئِ نَفْسِيٓ

من تنها از آنچه برای من پرده‌برداری شده است پیروی می‌کنم.

إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ

من همانا، اگر از سرپرست خود نافرمانی کنم، از کیفر روزی سترگ می‌ترسم.»[15]

إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [15]

بگو: «اگر خدا را پسند افتاده بود، من آن را بر شما برنمی‌خواندم، و او به شما از آن تصوری نمی‌داد.

قُل لَّوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوْتُهُۥ عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرَىٰكُم بِهِۦ

با این حال پیش از آن عمری تمام در میان شما گذرانده‌ام.

فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِۦٓ

پس آیا خرد نمی‌ورزید؟»[16]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [16]

پس چه کسی ستمگرتر است از آن که دروغی بر خدا برمی‌سازد، یا نشانه‌های او را دروغ می‌انگارد؟

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ

کنارگذاشته‌شدگان همانا کامیاب نمی‌شوند.[17]

إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْمُجْرِمُونَ [17]

و غیر از خدا از آنچه نه به آنان آسیب می‌رساند و نه سود، فرمان می‌برند، و می‌گویند: «اینان میانجیان ما نزد خدا هستند.»

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِ

بگو: «آیا خدا را از آنچه نه در آسمان‌ها می‌داند و نه بر زمین اطلاع می‌دهید؟»

قُلْ أَتُنَبِّـُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِى ٱلْأَرْضِ

شکوه بر او باد، و او بسی بالاتر از آن است که با او انباز می‌گیرند.[18]

سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ [18]

انسان‌ها تنها یک جامعه بودند، سپس اختلاف کردند.

وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَٱخْتَلَفُوا۟

و اگر کلامی پیشین از سرپرست تو نبود، دربارهٔ آنچه در آن اختلاف دارند میان آنان پیش‌تر فیصله داده می‌شد.[19]

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [19]

و می‌گویند: «چرا نشانه‌ای از سرپرستش بر او فرود آورده نشد!»

وَيَقُولُونَ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ

بگو: «آنچه فراتر از حواس است تنها از آنِ خدا است.

فَقُلْ إِنَّمَا ٱلْغَيْبُ لِلَّهِ

پس انتظار بکشید،

فَٱنتَظِرُوٓاْ

زیرا من با شما از انتظارکشندگانم.»[20]

إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ [20]

و چون به انسان‌ها پس از آسیبی که به آنان رسیده بود مهری می‌چشانیم، ناگاه علیه نشانه‌های ما توطئه می‌کنند.

وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ فِيٓ ءَايَاتِنَا

بگو: «خدا در توطئه شتابنده‌تر است.»

قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًا

فرستاده‌شدگان ما همانا آنچه را توطئه می‌کنید مکتوب ثبت می‌کنند.[21]

إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ [21]

اوست که شما را در خشکی و دریا گذر می‌دهد،

هُوَ ٱلَّذِي يُسَيِّرُكُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ

تا آنجا که چون در کشتی هستید و با آنان با بادی خوب روان می‌شود، و از آن شادمان می‌شوند، بادی سخت بر آن می‌تازد، خیزاب از همه سو به آنان می‌آید، و فرض می‌کنند که احاطه شده‌اند — آنگاه خدا را فرا می‌خوانند، در حالی که قانون را تنها ویژهٔ او ساخته‌اند: «اگر ما را از این نجات دهی، بی‌گمان از سپاس‌گزاران خواهیم بود.»[22]

حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَرَيۡنَ بِهِم بِرِيحٖ طَيِّبَةٖ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتۡهَا رِيحٌ عَاصِفٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡمَوۡجُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ أُحِيطَ بِهِمۡ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ لَئِنۡ أَنجَيۡتَنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ [22]

اما همین که آنان را نجات داد، ناگاه بر زمین بی‌حق زورگویی می‌کنند.

فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ

ای انسان‌ها! زورگویی شما تنها بر خودتان بازمی‌گردد،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُم

بهره‌ای از زندگی نزدیک؛

مَّتَٰعَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود، و ما شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهیم داد.[23]

ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [23]

نمونهٔ زندگی نزدیک نمونهٔ آبی است که از آسمان فرود می‌آوریم، و با

إِنَّمَا مَثَلُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخْتَلَطَ

گیاه زمین درمی‌آمیزد، که انسان‌ها و چارپایان از آن می‌خورند،

بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلْأَنْعَٰمُ

تا آنگاه که چون زمین زرین‌جامه گرفت و آراسته شد، و مردم آن زمین فرض کردند که بر آن تسلط دارند، دستور ما شبانه یا روزانه به آن برسد، و ما از آن زمینی دروشده بسازیم، گویی دیروز شکوفایی را نشناخته بود.

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَآ أَنَّهُمْ قَٰدِرُونَ عَلَيْهَآ أَتَىٰهَآ أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَٰهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِٱلْأَمْسِ

بدین‌سان نشانه‌ها را برای قومی که می‌اندیشد تفصیل می‌دهیم.[24]

كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [24]

خدا به جایگاه آرامش دعوت می‌کند، و هر که را پسند او افتد به جاده‌ای راست راه می‌نماید.[25]

وَٱللَّهُ يَدْعُوٓا۟ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [25]

نیکوکاران را زیباترین است، و افزون‌تر؛

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ ٱلْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ

نه غبار سیاه و نه خواری بر چهره‌هایشان نقاب نخواهد کشید.

وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ

اینانند همراهان باغ،

أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ

در آن جاودانه می‌مانند.[26]

هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [26]

و اما کسانی که کنش‌های بد کسب کردند، بازپرداخت یک کنش بد همانندش خواهد بود، و خواری بر آنان نقاب خواهد کشید؛ هیچ حفاظی در برابر خدا نخواهند داشت — گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای تاریک از شب پوشانده شده است.(118)

وَٱلَّذِينَ كَسَبُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ جَزَآءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَآ أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ ٱلَّيْلِ مُظْلِمًا(118)

اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[27]

أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [27]

و روزی که همهٔ آنان را گرد خواهیم آورد، سپس به کسانی که انباز گرفتند خواهیم گفت: «در جای خود بمانید، شما و انبازانتان» — سپس آنان را از یکدیگر جدا خواهیم کرد،

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ

و انبازانشان خواهند گفت: «شما از ما فرمان نمی‌بردید.»[28]

وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ [28]

خدا به‌عنوان گواه میان ما و شما بس است: ما بی‌گمان از فرمان‌برداری شما بی‌اعتنا بودیم.[29]

فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَٰفِلِينَ [29]

در آنجا هر خویشتنی آنچه را پیش‌تر کرده است برخواهد خواند،[(119)]

هُنَالِكَ تَبْلُواْ كُلُّ نَفْسٍ مَّآ أَسْلَفَتْ [(119)]

و به سوی خدا، متحد حقیقی‌شان، بازگردانده خواهند شد،

وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ

و آنچه برمی‌ساختند از آنان دور گمراه شده خواهد بود.[30]

وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ [30]

بگو: «چه کسی از آسمان و زمین شما را روزی می‌دهد؟

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ

یا چه کسی شنوایی و بینایی‌ها را در اختیار دارد، زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و دستور را اداره می‌کند؟»

أَمَّن يَمْلِكُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَمَن يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ

خواهند گفت: «خدا.»

فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُ

آنگاه بگو: «پس آیا محتاط نمی‌شوید؟»[31]

فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ [31]

این است خدا، سرپرست حقیقی شما.

فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلْحَقُّ

پس از حقیقت، چه هست غیر از گمراهی؟
فَمَاذَا بَعْدَ ٱلْحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُ

پس چگونه دور داشته می‌شوید؟[32]
فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ [32]

بدین‌سان کلام سرپرست تو بر تجاوزگران به حقیقت پیوست: آنان باور نمی‌آورند.[33]
كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ فَسَقُوٓاْ أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [33]

بگو: «آیا در میان انبازان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را دوباره بسازد؟»
قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبْدَؤُاْ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ

بگو: «خدا آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را دوباره می‌سازد.
قُلِ ٱللَّهُ يَبْدَؤُاْ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوید؟»[34]
فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ [34]

بگو: «آیا در میان انبازان شما کسی هست که به حقیقت راه نماید؟»
قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ

بگو: «خدا به حقیقت راه می‌نماید.
قُلِ ٱللَّهُ يَهْدِى لِلْحَقِّ

آیا آن که به حقیقت راه می‌نماید سزاوارتر است که از او پیروی شود، یا آن که تنها در صورتی راهنمایی می‌پذیرد که راه نموده شود؟
أَفَمَن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّىٓ إِلَّآ أَن يُهْدَىٰ

پس شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟»[35]
فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ [35]

بیشترشان تنها از گمانی پیروی می‌کنند؛
وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا

حال آنکه گمان در برابر حقیقت هیچ سودی ندارد،
إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغْنِى مِنَ ٱلْحَقِّ شَيْـًٔا

زیرا خدا به آنچه می‌کنند همه‌چیزدان است.[36]
إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَفْعَلُونَ [36]

این خوانش از آن‌ها نبود که غیر از خدا برساخته شود؛
وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ أَن يُفْتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ

بلکه آنچه را پیش از آن است تأیید می‌کند، و نوشتار را تفصیل می‌دهد — هیچ تردیدی نیست — از سوی سرپرست همهٔ هستی‌ها.[37]
وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [37]

یا خواهند گفت: «او آن را برساخته است»؟
أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ

بگو: «پس سوره‌ای همانند آن بیاورید،
قُلْ فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِۦ

و هر که را خواهید توانست، غیر از خدا، دعوت کنید، اگر راست‌گویید.»[38]
وَٱدْعُوا۟ مَنِ ٱسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [38]

بلکه آنچه را به دانش احاطه نکرده بودند و پیشگویی‌اش هنوز به آنان نرسیده بود دروغ انگاشتند.
بَلْ كَذَّبُوا۟ بِمَا لَمْ يُحِيطُوا۟ بِعِلْمِهِۦ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُۥ

بدین‌سان کسانی که پیش از آنان بودند دروغ انگاشتند.

كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بود.[39]

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ [39]

و از میان آنان کسی هست که به آن باور می‌آورد، و کسی هست که به آن باور نمی‌آورد؛

وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِۦ

سرپرست تو تباهی‌گران را بهتر می‌شناسد.[40]

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِٱلْمُفْسِدِينَ [40]

و اگر تو را دروغ بینگارند، بگو: «کردار من از آنِ من، کردار شما از آنِ شما؛ شما از آنچه من می‌کنم رها هستید، و من از آنچه شما می‌کنید رها هستم.»[41]

وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّى عَمَلِى وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُم بَرِيٓـُٔونَ مِمَّآ أَعْمَلُ وَأَنَا۠ بَرِىٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ [41]

و از میان آنان کسانی هستند که به تو گوش می‌دهند —

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ

اما آیا کران را خواهی شنواند، حتی اگر خرد نمی‌ورزند؟[42]

أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا۟ لَا يَعْقِلُونَ [42]

و از میان آنان کسانی هستند که به تو می‌نگرند —

وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ

اما آیا کوران را راه خواهی نمود، حتی اگر روشن نمی‌بینند؟[43]

أَفَأَنتَ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا۟ لَا يُبْصِرُونَ [43]

خدا همانا به هیچ‌روی بر انسان‌ها ستم نمی‌کند؛

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ ٱلنَّاسَ شَيْـًٔا

این انسان‌ها هستند که بر خود ستم می‌کنند.[44]

وَلَٰكِنَّ ٱلنَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ [44]

و روزی که آنان را گرد خواهد آورد، گویی که تنها یک ساعت از روز را گذرانده بودند، یکدیگر را خواهند شناخت.

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةً مِّنَ ٱلنَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ

زیان‌کاران‌اند آنان که ملاقات خدا را دروغ انگاشتند، و راهنمایی نمی‌پذیرفتند.[45]

قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ [45]

و چه برخی از آنچه به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم، چه تو را وفادارانه نگاه داریم، بازگشت آنان به سوی ما خواهد بود؛

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ

سپس خدا بر آنچه می‌کنند گواه است.[46]

ثُمَّ ٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ [46]

و برای هر جامعه‌ای، فرستاده‌ای.

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ

و چون فرستاده‌شان آمد، میان آنان با برابری فیصله داده شد، بی‌آنکه ستم ببینند.[47]

فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمْ قُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [47]

و می‌گویند: «این وعده کی خواهد بود، اگر راست‌گویید؟»[48]

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [48]

بگو: «من برای خود نه آسیبی دارم و نه سودی، مگر آنچه خدا را پسند افتد.

قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِى ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ

برای هر جامعه‌ای زمانی مقرر است.

لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ

چون زمان مقررشان فرا رسد، نمی‌توانند آن را یک ساعت به تأخیر اندازند،

إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً

و نه پیش اندازند.»[49]

وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ [49]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر کیفر او شبانه یا روزانه به شما می‌رسید، کنارگذاشته‌شدگان چه چیزی از آن را می‌خواستند شتاب بخشند؟[50]

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُهُۥ بَيَٰتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ ٱلْمُجْرِمُونَ [50]

آیا پس تنها پس از آنکه رخ دهد به آن باور خواهید آورد؟

أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنتُم بِهِۦٓ

اکنون؟! حال آنکه می‌خواستید آن را شتاب بخشید!»[51]

ءَآلْـَٰٔنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِۦ تَسْتَعْجِلُونَ [51]

سپس به کسانی که ستم کردند گفته خواهد شد: «کیفر جاودانگی را بچشید؛

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ

آیا جز بر پایهٔ آنچه کسب می‌کردید بازپرداخت می‌شوید؟»[52]

هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ [52]

و از تو پرس‌وجو می‌کنند: «آیا این به‌راستی درست است؟»

وَيَسْتَنۢبِـُٔونَكَ أَحَقٌّ هُوَ

بگو: «بله، به سرپرست من! این بی‌گمان درست است، و شما نخواهید توانست او را ناتوان سازید.»[53]

قُلْ إِی وَرَبِّیٓ إِنَّهُۥ لَحَقٌّۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِینَ [53]

و اگر هر خویشتن ستمگری هر آنچه بر زمین است را می‌داشت، خود را با آن بازمی‌خرید.

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِی ٱلْأَرْضِ لَٱفْتَدَتْ بِهِۦ

و پشیمانی خود را، هنگام دیدن کیفر، نهان خواهند داشت، و میان آنان با برابری فیصله داده خواهد شد، بی‌آنکه ستم ببینند.[54]

وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلْعَذَابَۚ وَقُضِیَ بَیْنَهُم بِٱلْقِسْطِ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ [54]

آیا نه اینکه آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ خدا است.

أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

آیا نه اینکه وعدهٔ خدا درست است؛

أَلَآ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[55]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ [55]

اوست که زندگی می‌بخشد و می‌میراند،

هُوَ یُحْیِۦ وَیُمِیتُ

و شما به سوی او بازگردانده خواهید شد.[56]

وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ [56]

ای انسان‌ها! پندی از سرپرست شما به شما آمده است، شفایی برای آنچه در سینه‌ها است، راهنمایی و مهر برای باورمندان.[57]

یَٰٓأَیُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا فِی ٱلصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ [57]

بگو: «به عنایت خدا و به مهر او — از این آنان شادمان شوند!

قُلْ بِفَضْلِ ٱللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُواْ

این بهتر است از آنچه می‌اندوزند.»[58]

هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ [58]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ آنچه خدا به‌عنوان روزی برای شما فرود آورد، شما بخشی از آن را ممنوع و بخشی را روا ساخته‌اید» —

قُلْ أَرَءَيْتُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَٰلًا

بگو: «آیا خدا بود که به شما اجازه داد، یا بر ضد خدا است که برمی‌سازید؟»[59]

قُلْ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى ٱللَّهِ تَفْتَرُونَ [59]

در روز حضور، کسانی که بر ضد خدا دروغ برمی‌سازند چه فرض خواهند کرد؟

وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

خدا بی‌گمان دارندهٔ لطفی نسبت به انسان‌ها است،

إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ

اما بیشترشان سپاس‌گزار نیستند.[60]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ [60]

تو در هیچ حالتی نیستی، هیچ خوانشی را که از آن برخاسته باشد برنمی‌خوانی، شما هیچ کنشی به جا نمی‌آورید، بی‌آنکه ما بر شما گواه باشیم، هنگامی که بدان می‌پردازید.

وَمَا تَكُونُ فِى شَأْنٍ وَمَا تَتْلُواْ مِنْهُ مِن قُرْءَانٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ

هیچ چیز از دسترس سرپرست تو بیرون نیست، حتی سنگینیِ یک ذره بر زمین یا در آسمان،

وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ

هیچ کوچک‌تر و هیچ بزرگ‌تری نیست که در دفتری صریح نباشد.[61]
وَلَآ أَصۡغَرَ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرَ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ [61]

آیا نه اینکه متحدان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد،[62]
أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ [62]

کسانی که باور آوردند و محتاط بودند.[63]
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ [63]

مژده از آنِ آنان است، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین.
لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ

هیچ دگرگونی‌ای در کلام‌های خدا نیست.
لَا تَبۡدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ

این است پیروزی سترگ.[64]
ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ [64]

و سخنشان تو را اندوهگین نکند:
وَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡ

نیرومندی همانا یکسره از آنِ خدا است.
إِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

او شنوا و همه‌چیزدان است.[65]
هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ [65]

آیا نه اینکه هر که در آسمان‌ها است و هر که بر زمین است از آنِ خدا است؛
أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ

پس کسانی که غیر از خدا انبازانی را فرا می‌خوانند از چه پیروی می‌کنند؟
وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَ

جز از گمان پیروی نمی‌کنند،
إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ

و جز برآورد نمی‌کنند.[66]
وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ [66]

اوست که شب را برای شما ساخت تا در آن استراحت کنید، و روز را برای روشن دیدن.
هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا

بی‌گمان در آن نشانه‌هایی برای قومی است که می‌شنود.[67]
إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ [67]

می‌گویند: «خدا فرزندی برای خود برگرفته است.»
قَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا

شکوه بر او باد!
سُبْحَٰنَهُۥ

او توانگر است.
هُوَ ٱلْغَنِىُّ

آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ او است.
لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

شما برای این هیچ اقتداری ندارید.
إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَٰنٍۭ بِهَٰذَآ

آیا دربارهٔ خدا آنچه نمی‌دانید خواهید گفت؟[68]

أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [68]

بگو: «کسانی که بر ضد خدا دروغ برمی‌سازند همانا کامیاب نمی‌شوند.»[69]

قُلْ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ [69]

بهره‌ای در زندگی نزدیک،

مَتَٰعٌ فِى ٱلدُّنْيَا

سپس بازگشت آنان به سوی ما خواهد بود؛ سپس کیفر سخت را به آنان خواهیم چشاند، به‌خاطر انکار.[70]

ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ ٱلْعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ [70]

و اطلاع نوح را برای آنان برخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر حضور من در میان شما و یادآوری من نشانه‌های خدا بر شما گران است، من به خدا وکالت می‌دهم.

وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِى وَتَذْكِيرِى بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْتُ

پس قصد خود و انبازانتان را یکجا کنید،

فَأَجْمِعُوٓا۟ أَمْرَكُمْ وَشُرَكَآءَكُمْ

تا قصد شما دیگر برای شما امری مبهم نماند،

ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً

سپس آن را علیه من به اجرا درآورید، و به من هیچ مهلتی ندهید.[71]

ثُمَّ ٱقْضُوٓا۟ إِلَىَّ وَلَا تُنظِرُونِ [71]

اگر پشت کنید، من از شما هیچ پاداشی نخواسته‌ام؛

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ

پاداش من تنها بر عهدهٔ خدا است،

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ

و به من دستور داده شده است که از کسانی باشم که نزد خدا بی‌خدشه‌اند.»[72]

وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ [72]

اما او را دروغ انگاشتند؛ ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم، و آنان را جانشینان ساختیم،

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ وَجَعَلْنَٰهُمْ خَلَٰٓئِفَ

و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشته بودند غرق کردیم.

وَأَغْرَقْنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا

پس بنگر که فرجام کسانی که هشدار داده شدند چگونه بود.[73]

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ [73]

سپس پس از او فرستادگانی را به سوی قوم‌هایشان برانگیختیم؛ برهان‌های روشن را برای آنان آوردند، اما آماده نبودند به آنچه پیش‌تر دروغ انگاشته بودند باور آورند.

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَآءُوهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟ بِمَا كَذَّبُوا۟ بِهِۦ مِن قَبْلُ

بدین‌سان بر هسته‌های کسانی که از حدود می‌گذرند مُهر می‌نهیم.[74]

كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلْمُعْتَدِينَ [74]

سپس پس از آنان موسی و هارون را با نشانه‌های ما به سوی فرعون و دربار او برانگیختیم؛ اما به خودبزرگ‌بینی باد کردند و قومی از کنارگذاشته‌شدگان بودند.[75]

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ بِـَٔايَٰتِنَا فَٱسْتَكْبَرُوا۟ وَكَانُوا۟ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ [75]

چون حقیقت از سوی ما به آنان آمد، گفتند: «این بی‌گمان چشم‌بندی آشکار است.»[76]

فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوٓا۟ إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ [76]

موسی گفت: «آیا دربارهٔ حقیقت، پس از آنکه به شما آمد، چنین می‌گویید؟
قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡ

آیا این چشم‌بندی است؟
أَسِحۡرٌ هَٰذَا

حال آنکه چشم‌بندان کامیاب نمی‌شوند.»[77]
وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ [77]

گفتند: «آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از آنچه نیاکان خود را بر آن یافتیم برگردانی، و تا بزرگی بر زمین از آنِ شما دو تن شود؟ ما به شما دو تن اعتبار نخواهیم داد.»[78]
قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَلۡفِتَنَا عَمَّا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا نَحۡنُ لَكُمَا بِمُؤۡمِنِينَ [78]

و فرعون گفت: «هر چشم‌بند دانایی را نزد من بیاورید.»[79]
وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ [79]

چون چشم‌بندان آمدند، موسی به آنان گفت: «آنچه را باید بیفکنید بیفکنید.»[80]
فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ [80]

چون افکندند، موسی گفت: «آنچه آوردید چشم‌بندی است؛
فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُ

خدا آن را بی‌اثر خواهد ساخت،
إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ

زیرا خدا کردار تباهی‌گران را سالم نمی‌سازد.»[81]
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ [81]

و خدا حقیقت را با کلام‌های خود به حقیقت می‌رساند، هرچند کنارگذاشته‌شدگان بیزار باشند.[82]

وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ [82]

هیچ‌کس به موسی اعتبار نداد، مگر تباری از قومش، در ترس از فرعون و دربارشان که مبادا آنان را به آزمون بکشد.

فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِۦ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ

و فرعون بی‌گمان بر زمین بلندجایگاه بود،

وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى ٱلْأَرْضِ

و بی‌گمان از افراطیان بود.[83]

وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلْمُسْرِفِينَ [83]

و موسی گفت: «ای قوم من، اگر به خدا باور آورده‌اید، به او وکالت دهید، اگر نزد خدا بی‌خدشه‌اید.»[84]

وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰقَوْمِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ [84]

گفتند: «ما به خدا وکالت می‌دهیم.

فَقَالُواْ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْنَا

ای سرپرست ما، ما را آزمونی برای قوم ستمگر مساز،[85]

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [85]

و ما را، به مهر خود، از قوم انکارکننده نجات ده.»[86]

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ [86]

و ما به موسی و برادرش پرده برداشتیم: «برای قوم خود در مصر خانه‌هایی مستقر سازید؛ خانه‌های خود را نقطهٔ تجمع گردانید؛ و تماس را پابرجا نگه دارید؛

وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَٱجْعَلُواْ بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ

و باورمندان را مژده بده.»[87]

وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ [87]

و موسی گفت: «ای سرپرست ما، تو به فرعون و دربارش زینت و دارایی‌ها در زندگی نزدیک دادی،

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةً وَأَمْوَٰلًا فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

ای سرپرست ما، تا از راه تو دور گمراه کنند.

رَبَّنَا لِيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِكَ

ای سرپرست ما، دارایی‌هایشان را محو کن و هسته‌هایشان را تنگ ساز، تا باور نیاورند پیش از آنکه کیفر دردناک را ببینند.»[88]

رَبَّنَا ٱطْمِسْ عَلَىٰٓ أَمْوَٰلِهِمْ وَٱشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا۟ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ [88]

گفت: «به فراخوانی شما پاسخ داده شده است؛ پس هر دو راست بایستید،

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَٱسْتَقِيمَا

و از راه کسانی که نمی‌دانند پیروی نکنید.»[89]

وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ [89]

و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم؛ فرعون و سپاه‌هایش از سر زورگویی و دشمنی آنان را دنبال کردند،

وَجَٰوَزْنَا بِبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُۥ بَغْيًا وَعَدْوًا

تا آنگاه که غرق‌شدن او را دریافت، گفت: «باور می‌آورم که ایزدی نیست مگر آن که فرزندان اسرائیل به او باور آوردند، و من از کسانی هستم که نزد خدا بی‌خدشه‌اند.»[90]

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدْرَكَهُ ٱلْغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِىٓ ءَامَنَتْ بِهِۦ بَنُوٓا۟ إِسْرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ [90]

«اکنون؟! حال آنکه پیش‌تر نافرمانی کردی، و از تباهی‌گران بودی![91]

ءَآلْـَٰٔنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنتَ مِنَ ٱلْمُفْسِدِينَ [91]

پس امروز، ما تو را در پیکرت نجات می‌دهیم، تا نشانه‌ای برای کسانی که پشت سر تو هستند باشی.»

فَٱلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً

اما بسیاری از انسان‌ها بی‌گمان از نشانه‌های ما بی‌اعتنایند.[92]

وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنْ ءَايَـٰتِنَا لَغَـٰفِلُونَ [92]

ما فرزندان اسرائیل را همانا در سکنایی از راست‌گویی سکنا دادیم، و آنان را از چیزهای خوب روزی دادیم؛ آنان تنها پس از آنکه دانش به آنان آمد اختلاف کردند.

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَـٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَـٰتِ فَمَا ٱخْتَلَفُوا۟ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ

سرپرست تو همانا در روز حضور میان آنان فیصله خواهد داد، دربارهٔ آنچه در آن اختلاف داشتند.[93]

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [93]

اگر دربارهٔ آنچه به سوی تو فرود آوردیم در حیرتی، از کسانی که پیش از تو نوشتار را می‌خوانند بازپرسی کن.

فَإِن كُنتَ فِى شَكٍّ مِّمَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ فَسْـَٔلِ ٱلَّذِينَ يَقْرَءُونَ ٱلْكِتَـٰبَ مِن قَبْلِكَ

حقیقت همانا از سرپرست تو به تو آمده است؛

لَقَدْ جَآءَكَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ

پس هرگز از شمار کسانی که به بگومگو درمی‌آیند مباش.[94]

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ [94]

و از کسانی مباش که نشانه‌های خدا را دروغ انگاشتند، که آنگاه از زیان‌کاران می‌بودی.[95]

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ [95]

کسانی که کلام سرپرست تو بر آنان به حقیقت پیوست باور نخواهند آورد، حتی اگر هر نشانه‌ای به آنان می‌آمد، تا آنکه کیفر دردناک را ببینند.[96-97]

إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ [96] وَلَوْ جَآءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ [97]

چرا شهری نبود که باور آورد و باورش به او سود رساند — مگر قوم یونس! چون باور آوردند، ما کیفر رسوایی را در زندگی نزدیک از آنان برطرف کردیم، و آنان را تا زمانی بهره‌مند ساختیم.[98]

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ ءَامَنُوا۟ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَتَّعْنَٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ [98]

و اگر سرپرست تو را پسند افتاده بود، همهٔ کسانی که بر زمین‌اند باور می‌آوردند، همه‌شان، بی‌استثنا.

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَءَامَنَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا

آیا تو هستی که انسان‌ها را وادار می‌کنی باورمند شوند؟[99]

أَفَأَنتَ تُكْرِهُ ٱلنَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ [99]

هیچ خویشتنی را نشاید که باور آورد، مگر با اجازهٔ خدا،

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و او پلشتی را بر کسانی که خرد نمی‌ورزند می‌نهد.[100]

وَيَجْعَلُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ [100]

بگو: «بنگرید به آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است» — اما نشانه‌ها و هشدارها برای قومی که باور نمی‌آورد چه سودی دارند؟[101]

قُلِ ٱنظُرُوا۟ مَاذَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا تُغْنِى ٱلْـَٔايَٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ [101]

پس چه انتظار می‌کشند، مگر همانند روزهای کسانی که پیش از آنان گذشته‌اند؟

فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِهِمْ

بگو: «پس انتظار بکشید، زیرا من با شما از انتظارکشندگانم.»[102]

قُلْ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ [102]

سپس فرستادگان خود و کسانی را که باور آوردند نجات می‌دهیم — بدین‌سان؛

ثُمَّ نُنَجِّى رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كَذَٰلِكَ

بر ما وظیفه‌ای است که باورمندان را نجات دهیم.[103]

حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ ٱلْمُؤْمِنِينَ [103]

بگو: «ای انسان‌ها! اگر دربارهٔ قانون من در سرگشتگی هستید، من از کسانی که شما غیر از خدا از آنان فرمان می‌برید فرمان نمی‌برم،

قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِى شَكٍّ مِّن دِينِى فَلَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

اما از خدا فرمان می‌برم، او که شما را وفادارانه نگه خواهد داشت.

وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُمْ

و به من دستور داده شده است که از باورمندان باشم،[104]

وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [104]

و: «سوی خود را به سوی قانون پابرجا نگه دار، یکسره رو به خدا،

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا

و هرگز از انبازگیرندگان مباش.» »[105]

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [105]

و غیر از خدا، آنچه را که نه به تو سود می‌رساند و نه به تو آسیب می‌رساند، فرا مخوان؛

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ

اگر چنین می‌کردی، آنگاه همانا از ستمگران می‌بودی.[106]

فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [106]

و اگر خدا تو را به آسیبی برساند، کسی مگر او نمی‌تواند آن را از تو بردارد؛
وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ

و اگر او برای تو نیکی بخواهد، هیچ‌کس نمی‌تواند لطف او را لغو کند.
وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهِۦ

آن را به هر که پسند او افتد از میان فرمان‌برداران خود می‌رساند.
يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ

او بسیار بخشاینده و مهربان است.[107]
وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ [107]

بگو: «ای انسان‌ها! حقیقت از سرپرستتان برای شما آمده است؛
قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ

پس هر که راهنمایی می‌پذیرد، جز برای خود راهنمایی نمی‌پذیرد،
فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ

و هر که گمراه می‌شود، جز به زیان خود گمراه نمی‌شود.
وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

و من برای شما وکیل نیستم.»[108]
وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ [108]

و از آنچه بر تو پرده برداشته می‌شود پیروی کن، و شکیبایی کن تا آن‌گاه که خدا داوری کند.
وَٱتَّبِعْ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيْكَ وَٱصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ

او بهترین داوران است.[109]
وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ [109]

II

# المص

## مفاصاحساب، بازشناسی، سپس لوحه‌ها

سوره‌ها 9 تا 7

این است روایت کامل جنگِ بازگرداندن، جنگِ جامعه‌ای که به آن گفته می‌شود: «و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، بر زمین به ناتوانی کشانده شده، می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند؛ آنگاه او شما را جای پناه داد» (8:26)، و فرستاده‌اش بیرون رانده شده بود، «او دومین از دو تن، آنگاه که هر دو در غار بودند» (9:40). سورهٔ 9 آن را بی‌عبارتِ آغازین می‌گشاید، با مفاصاحساب نسبت به انبازگیرندگانی که با آنان پیمان بسته شده بود، همراه با مهلتی: «پس چهار ماه در زمین آزادانه رفت‌وآمد کنید» (9:2)؛ پیمان‌های نگه‌داشته‌شده تا زمان مقررشان کامل می‌شوند، 9:5 پیکار را تنها پس از مهلت آغاز می‌کند، و انبازگیرنده‌ای که پناه می‌خواهد پذیرفته و سپس به جای امنش رسانده می‌شود (9:6). همین سوره بسیج را نشان می‌دهد که پیرامونیانش را از هم جدا می‌کند: آنان که بر جای می‌نشینند، ناتوانانِ معاف، مهاجران و همیاران که خدا پذیرایشان است؛ و با «خدا مرا بس است» (9:129) پایان می‌یابد. سورهٔ 8 رویارویی روز بازشناسی را روایت می‌کند، که در آن خدا به جای او عمل می‌کند، و دربارهٔ نگهبانان خانه داوری می‌کند: «و تماس آنان، نزد خانه، تنها هیاهو و انسداد بود» (8:35)؛ فرمانِ مایل شدن به صلح را هنگامی که دشمن به آن مایل شود می‌نهد (8:61) و اتحاد مهاجران با کسانی را که آنان را پذیرا شدند (8:72-75). سورهٔ 7 بخش را با روایت قوم‌ها می‌بندد: آدم که از باغ بیرون می‌آید، فرستادگانی که به بیرون‌راندن تهدید می‌شوند، و موسی تا لوحه‌ها، همراه با قومِ به ناتوانی کشانده‌شده که زمینِ نجسته را به ارث می‌برد (7:137).

### مرحله 5 · روایت کامل جنگِ بازگرداندن

در روز بازشناسی، دو دسته با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند (8:41)؛ خدا فرستادهٔ خود را یاری می‌رساند و او را با سپاهیانی نیرو می‌بخشد (9:40)؛ قانونِ حقیقت باید چیره شود. این کشمکشی است که از بیرون‌راندن زاده شده است: انکارکنندگان خواستند فرستاده را بیرون کنند (8:30، 9:13) و جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض را می‌بستند بی‌آنکه مسئولان آن باشند (8:34). جنگ مرزهایی دارد: مهلتی چهارماهه (9:2)، پیمان‌هایی که تا زمان مقررشان نگه داشته می‌شوند (9:4، 9:7)، پیکار با تجاوزگرانی که نخست حمله کردند (9:13)، پناهی که حتی به انبازگیرنده داده می‌شود و او به جای امنش رسانده می‌شود (9:6)، و صلحی که به‌محض تمایل طرف دیگر پذیرفته می‌شود (8:61). کسانی که مهاجرت کردند و کسانی که آنان را پذیرا شدند متحدان یکدیگرند (8:72).

### آنچه بر مردم می‌گذرد

پناهندگان اکنون قانونی دارند: کسانی که مهاجرت کردند و «کسانی که پذیرا شدند و یاری رساندند» (8:72) متحدان یکدیگرند، یاری بر عهدهٔ آنان است نسبت به باورمندی که بر جای مانده و آن را می‌خواهد، مگر علیه قومی که با پیمانی استوار بسته است، و حتی دشمنی که پناه می‌خواهد پاسداری می‌شود (9:6). آرامش جنگ را محدود می‌کند: پیمانِ نگه‌داشته‌شده تا زمان مقررش محترم است، «تا زمانی که نسبت به شما راست می‌ایستند، نسبت به آنان راست بایستید» (9:7)، و اگر طرف دیگر به صلح مایل شود، باید به آن مایل شد (8:61). ناتوان‌ترین‌ها سهم خود را دارند: یک پنجم غنیمت به نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان و مسافر در راه‌مانده می‌رسد (8:41)، دستگیری‌ها به بینوایان و بدهکاران (9:60)، و «ناراحتی‌ای نیست برای ناتوانان، و نه برای بیماران» (9:91). دادگری با روایت‌ها یادآوری می‌شود: فرعون که اعلام می‌کند: «پسرانشان را قتل‌عام خواهیم کرد و به شرم زنانشان لطمه خواهیم زد» (7:127)، شعیب که می‌خواهد حق هیچ‌کس پایمال نشود، و جامعه‌ای از قوم موسی که «به آن دادگری می‌کند» (7:159).

*الف لام میم صاد (7:1)، سپس: «نوشتاری بر تو فرود آورده شد» (7:2).*

# التوبة • AT-TAWBA

سوره 9 · 129 بند

مفاصاحساب، از سوی خدا و فرستادهٔ او، نسبت به آن انبازگیرندگانی که با آنان پیمانی بسته بودید.[1]

بَرَآءَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [1]

پس چهار ماه در زمین آزادانه رفت‌وآمد کنید،

فَسِيحُواْ فِى ٱلْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ

و بدانید که شما خدا را ناتوان نخواهید ساخت، و اینکه خدا انکارکنندگان را رسوا می‌کند.[2]

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخْزِى ٱلْكَٰفِرِينَ [2]

و اعلامی از خدا و فرستادهٔ او به انسان‌ها، در روز همگرایی بزرگ حج: خدا از انبازگیرندگان رها است، و فرستادهٔ او نیز.

وَأَذَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ يَوْمَ ٱلْحَجِّ ٱلْأَكْبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِىٓءٌ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُۥ

پس اگر بازگردید، آن برای شما بهتر است؛

فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

اما اگر پشت کنید، بدانید که شما خدا را ناتوان نخواهید ساخت.

وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى ٱللَّهِ

و به انکارکنندگان کیفری دردناک مژده بده — مگر آن انبازگیرندگانی که با آنان پیمان بستید، سپس در هیچ چیز به شما کم نگذاشتند و کسی را علیه شما پشتیبانی نکردند: پیمانشان را تا زمان مقررش برای آنان کامل کنید،[3]

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [3] إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْـًٔا وَلَمْ يُظَٰهِرُواْ عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ

زیرا خدا محتاطان را دوست دارد.[4]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ [4]

چون ماه‌های مصون از تعرّض به پایان رسید، انبازگیرندگان را هر کجا یافتید بکشید؛ آنان را بگیرید، محاصره کنید، و برای آنان در هر دیده‌گاهی بایستید.

فَإِذَا ٱنسَلَخَ ٱلْأَشْهُرُ ٱلْحُرُمُ فَٱقْتُلُواْ ٱلْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَٱحْصُرُوهُمْ وَٱقْعُدُواْ لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ

اما اگر بازگردند، تماس را پابرجا نگه دارند و گشاده‌دستی ناب بدهند، آنگاه راه را بر آنان آزاد بگذارید،

فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمْ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[5]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [5]

و اگر یکی از انبازگیرندگان از تو پناه بخواهد، به او پناه بده، تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به جای امنش برسان.

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ٱسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُۥ

این از آن روست که آنان قومی‌اند که نمی‌دانند.[6]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ [6]

چگونه برای انبازگیرندگان پیمانی نزد خدا و نزد فرستادهٔ او باشد — مگر کسانی که با آنان نزد جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض پیمان بستید؟ تا زمانی که نسبت به شما راست می‌ایستند، نسبت به آنان راست بایستید،

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ فَمَا ٱسْتَقَٰمُواْ لَكُمْ فَٱسْتَقِيمُواْ لَهُمْ

زیرا خدا محتاطان را دوست دارد.[7]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ [7]

پس چگونه؟ اگر بر شما غلبه می‌یافتند، در حق شما نه پیوند خویشاوندی را رعایت می‌کردند و نه ضمانتی را.

كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُواْ عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُواْ فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً

با دهان‌هایشان شما را خشنود می‌کنند، در حالی که هسته‌هایشان سر باز می‌زنند؛ و بیشترشان تجاوزگران‌اند.[8]

يُرْضُونَكُم بِأَفْوَٰهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَٰسِقُونَ [8]

با نشانه‌های خدا بهایی ناچیز خریدند، و راه او را بستند.

ٱشْتَرَوْاْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِهِۦٓ

چه بد است آنچه می‌کردند![9]

إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [9]

در حق باورمندی نه پیوند خویشاوندی را رعایت می‌کنند و نه ضمانتی را.

لَا يَرْقُبُونَ فِى مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً

و اینانند پرخاشگران.[10]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُعْتَدُونَ [10]

اگر بازگردند، تماس را پابرجا نگه دارند و گشاده‌دستی ناب بدهند، آنگاه آنان برادران شما در قانون‌اند.

فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى ٱلدِّينِ

و ما نشانه‌ها را برای قومی که می‌داند تفصیل می‌دهیم.[11]

وَنُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [11]

اما اگر پس از پیمانشان سوگندهای خود را نقض کنند، و به قانون شما حمله کنند، آنگاه با پیشوایان انکار بجنگید،

وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيْمَٰنَهُم مِّنۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُواْ فِى دِينِكُمْ فَقَٰتِلُوٓاْ أَئِمَّةَ ٱلْكُفْرِ

زیرا سوگندهای معتبر ندارند — شاید دست بکشند.[12]

إِنَّهُمْ لَآ أَيْمَٰنَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ [12]

پس آیا با قومی که سوگندهای خود را نقض کرده، آهنگ اخراج فرستاده کرده، و نخستین بار به شما حمله کرده است نخواهید جنگید؟ آیا از آنان بیم دارید؟

أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓاْ أَيْمَٰنَهُمْ وَهَمُّواْ بِإِخْرَاجِ ٱلرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ

خدا سزاوارتر است که از او بیم داشته باشید، اگر باورمندید.[13]

فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [13]

با آنان بجنگید: خدا آنان را به دست‌های شما کیفر خواهد داد، رسوایشان خواهد کرد، شما را بر آنان یاری خواهد رساند، سینه‌های قومی باورمند را شفا خواهد داد، و شور خشم را از هسته‌هایشان خواهد برد.[14]

قَٰتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ [14] وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ

و خدا با لطف به سوی هر که او را پسند افتد بازمی‌گردد.

وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[15]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [15]

یا پنداشتید که رها گذاشته می‌شدید، بی‌آنکه خدا هنوز کسانی از شما را که مبارزه کردند و غیر از خدا، فرستادهٔ او و باورمندان هیچ محرمی نگرفتند تمیز داده باشد؟

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُواْ وَلَمَّا يَعْلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[16]

وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ [16]

انبازگیرندگان را نشاید که جای‌های پیشانی بر خاک نهادنِ خدا را آباد کنند، در حالی که بر ضد خود به انکار گواهی می‌دهند.

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُواْ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلْكُفْرِ

اینانند که کردارهایشان فروریخته است، و در آتش جاودانه می‌مانند.[17]

أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ وَفِى ٱلنَّارِ هُمْ خَٰلِدُونَ [17]

جای‌های پیشانی بر خاک نهادنِ خدا را تنها کسی آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین باور آورده، تماس را پابرجا نگه داشته، گشاده‌دستی ناب داده، و تنها از خدا بیم داشته است — اینان، ممکن است از راهنمایی‌پذیرندگان باشند.[18]

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا ٱللَّهَ فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ [18]

آیا آب‌رسانی به کسانی که حج می‌کنند و آباد کردن جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض را همانند کسی ساخته‌اید که به خدا و روز واپسین باور آورده و در راه خدا مبارزه کرده است؟

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ ٱلْحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَجَٰهَدَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ

نزد خدا برابر نیستند.

لَا يَسْتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِ

و خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[19]

وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [19]

کسانی که باور آوردند، مهاجرت کردند و در راه خدا با دارایی‌ها و خویشتن خود مبارزه کردند، نزد خدا درجه‌ای سترگ‌تر دارند،

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِ

و اینانند ظفرمندان.[20]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ [20]

سرپرستشان آنان را مژده می‌دهد: مهری از سوی خود، رضایت، و باغ‌هایی که در آن دهشی پایدار خواهند داشت، تا در آن جاودانه بمانند، همیشه؛[21]

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَٰنٍ وَجَنَّٰتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ [21] خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا

زیرا نزد خدا پاداشی سترگ است.[22]

إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ [22]

ای کسانی که باور آوردید! پدران و برادران خود را متحد مگیرید، اگر انکار را بیش از باور دوست دارند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَابَآءَكُمْ وَإِخْوَٰنَكُمْ أَوْلِيَآءَ إِنِ ٱسْتَحَبُّواْ ٱلْكُفْرَ عَلَى ٱلْإِيمَٰنِ

و هر که از شما آنان را متحد گیرد، اینانند ستمگران.[23]

وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [23]

بگو: «اگر پدرانتان، پسرانتان، برادرانتان، همسرانتان، اطرافیانتان، دارایی‌هایی که کسب کرده‌اید، تجارتی که از کسادش بیم دارید، و سکونتگاه‌هایی که از آن‌ها خشنودید، نزد شما از خدا، از فرستادهٔ او، و از مبارزه در راه او دوست‌داشتنی‌ترند، آنگاه چشم‌به‌راه بمانید، تا خدا دستور خود را بیاورد.»

قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَٰنُكُمْ وَأَزْوَٰجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَٰلٌ ٱقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٍ فِى سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأْتِىَ ٱللَّهُ بِأَمْرِهِۦ

و خدا قوم تجاوزگران را راه نمی‌نماید.[24]

وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ [24]

خدا شما را همانا در جایگاه‌های بسیار، و در روز حنین، یاری رساند، آنگاه که فراوانی‌تان شما را خیره کرد، اما سودی به شما نرساند، و زمین، با همهٔ گستردگی‌اش، بر شما تنگ شد؛ سپس پشت کردید، گریزان.[25]

لَقَدْ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ فِى مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْـًٔا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيتُم مُّدْبِرِينَ [25]

سپس خدا آرامش خود را بر فرستادهٔ خود و بر باورمندان فرود آورد، و سپاه‌هایی که نمی‌دیدید فرود آورد، و کسانی را که انکار کرده بودند کیفر داد.

ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟

و این است بازپرداخت انکارکنندگان.[26]

وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ [26]

سپس خدا پس از آن با لطف به سوی هر که او را پسند افتد بازمی‌گردد.

ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[27]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [27]

ای کسانی که باور آوردید! انبازگیرندگان تنها ناپاکی‌اند: پس پس از این سال دیگر به جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض نزدیک نشوند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّمَا ٱلْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا

و اگر از تنگنا می‌ترسید، خدا شما را از عنایت خود توانگر خواهد کرد، اگر او را پسند افتد،

وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦٓ إِن شَآءَ

زیرا خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[28]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [28]

با کسانی بجنگید که نه به خدا و نه به روز واپسین باور می‌آورند، آنچه را خدا و فرستادهٔ او ممنوع کرده‌اند ممنوع نمی‌انگارند، و خود را با قانون حقیقت منطبق نمی‌سازند، از میان کسانی که نوشتار به آنان داده شده است — تا آنکه غرامت جنگی را، با دست خود، در حالی که خوارشده‌اند، بپردازند.[29]

قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلۡحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ عَن يَدٖ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ [29]

و بازگرایان گفتند: «عزیر پسر خدا است»؛

وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ عُزَيۡرٌ ٱبۡنُ ٱللَّهِ

و یاری‌رسانان گفتند: «مسیح پسر خدا است.»

وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ ٱللَّهِ

این است سخنشان، از دهان‌هایشان؛ آنان سخن کسانی را که پیش از آنان انکار کرده بودند تقلید می‌کنند.

ذَٰلِكَ قَوۡلُهُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡ يُضَٰهِـُٔونَ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ

خدا با آنان بجنگد!

قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوند؟[30]

أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ [30]

فرهیختگان خود و حرمت‌یافتگان خود را، غیر از خدا، و مسیح پسر مریم را، سروران گرفتند،

ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ

حال آنکه به آنان تنها دستور داده شده بود که از ایزدی یگانه فرمان ببرند.

وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا

هیچ ایزدی نیست مگر او.
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

شکوه بر او باد، بالاتر از آنچه با او انباز می‌گیرند![31]
سُبْحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشْرِكُونَ [31]

می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، اما خدا همه چیز را رد می‌کند، مگر کامل کردن نور خود، هرچند انکارکنندگان بیزار باشند.[32]
يُرِيدُونَ أَن يُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ [32]

اوست که فرستادهٔ خود را با راهنمایی و قانون حقیقت فرستاد، تا آن را بر هر قانونی چیره گرداند، هرچند انبازگیرندگان بیزار باشند.[33]
هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ [33]

ای کسانی که باور آوردید! بسیاری از فرهیختگان و حرمت‌یافتگان بی‌گمان دارایی‌های مردم را به باطل می‌بلعند، و راه خدا را می‌بندند.
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْأَحْبَارِ وَٱلرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

و کسانی که زر و سیم را گنج می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند — به آنان کیفری دردناک مژده بده،[34]
وَٱلَّذِينَ يَكْنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [34]

روزی که آنان در آتش جهنم گرم خواهند شد و پیشانی‌ها، پهلوها و پشت‌هایشان به آن داغ خواهد شد: «این است آنچه برای خود گنج کردید؛ پس آنچه را گنج می‌کردید بچشید!»[35]
يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ [35]

شمار ماه‌ها نزد خدا همانا دوازده ماه است، در ضابطهٔ خدا، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید؛

إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ

چهار تای آن‌ها مصون از تعرّض‌اند.

مِنْهَآ أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ

این است قانون راست.

ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ

پس در آن‌ها بر خود ستم نکنید.

فَلَا تَظْلِمُوا۟ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ

و با انبازگیرندگان در همهٔ ماه‌ها بجنگید، چنان‌که آنان در همهٔ ماه‌ها با شما می‌جنگند،

وَقَٰتِلُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقَٰتِلُونَكُمْ كَآفَّةً

و بدانید که خدا با محتاطان است.[36]

وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ [36]

تعویق تنها افزایشی در انکار است: انکارکنندگان با آن گمراه می‌کنند؛ آن را یک سال تقویمی روا می‌کنند و یک سال تقویمی مصون از تعرّض می‌سازند، تا شمار آنچه را خدا مصون از تعرّض ساخته است پایمال کنند، و بدین‌سان آنچه را خدا مصون از تعرّض ساخته است روا سازند. (120)

إِنَّمَا ٱلنَّسِىٓـُٔ زِيَادَةٌ فِى ٱلْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُحِلُّونَهُۥ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُۥ عَامًا لِّيُوَاطِـُٔوا۟ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ فَيُحِلُّوا۟ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ (120)

بدیِ کردارهایشان برای آنان آراسته شده است.

زُيِّنَ لَهُمْ سُوٓءُ أَعْمَٰلِهِمْ

و خدا قومی را که انکار می‌کند راه نمی‌نماید.[37]

وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ [37]

ای کسانی که باور آوردید! شما را چه می‌شود که چون به شما گفته شود: «در راه خدا بسیج شوید»، به سوی زمین سنگین می‌شوید؟

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ

آیا به‌جای زندگی واپسین از زندگی نزدیک خشنود شده‌اید؟

أَرَضِيتُم بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِ

بهرهٔ زندگی نزدیک، در برابر زندگی واپسین، تنها اندکی است.[38]

فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ [38]

اگر بسیج نشوید، شما را به کیفری دردناک کیفر خواهد داد، و قومی دیگر را جایگزین شما خواهد کرد، بی‌آنکه شما به او هیچ آسیبی برسانید.

إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيۡـٔٗا

و خدا بر هر چیز توانا است.[39]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ [39]

اگر او را یاری نرسانید، خدا پیش‌تر او را یاری رساند، آنگاه که انکارکنندگان او را اخراج کردند، او دومین از دو تن، آنگاه که هر دو در غار بودند، آنگاه که به همراه خود می‌گفت: «اندوهگین مباش، خدا همانا با ما است.»

إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدۡ نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ إِذۡ هُمَا فِي ٱلۡغَارِ إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَا

آنگاه خدا آرامش خود را بر او فرود آورد،

فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَيۡهِ

و او را با سپاه‌هایی که نمی‌دیدید نیرو بخشید،
وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا

و سخن کسانی را که انکار کرده بودند پست‌ترین ساخت،
وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفْلَىٰ

در حالی که کلام خدا، خود، بالاترین است.
وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِىَ ٱلْعُلْيَا

خدا نیرومند و فرزانه است.[40]
وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [40]

بسیج شوید، سبک یا سنگین، و با دارایی‌ها و خویشتن خود در راه خدا مبارزه کنید.
ٱنفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَٰهِدُواْ بِأَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ

این برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.[41]
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [41]

اگر سودی نزدیک و سفری میانه‌رو بود، از تو پیروی می‌کردند؛ اما مسافت بر آنان دراز نمود.
لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّٱتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنۢ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ ٱلشُّقَّةُ

و به خدا سوگند خواهند خورد: «اگر می‌توانستیم، با شما بیرون می‌آمدیم»؛
وَسَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ لَوِ ٱسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ

خود را نابود می‌کنند،
يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ

و خدا می‌داند که آنان بی‌گمان دروغ‌گویند.[42]
وَٱللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ [42]

خدا از تو چشم‌پوشی کرده است: چرا به آنان این اجازه را دادی، پیش از آنکه راست‌گویان بر تو روشن شوند و دروغ‌گویان را بشناسی؟[43]

عَفَا ٱللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَتَعْلَمَ ٱلْكَٰذِبِينَ [43]

کسانی که به خدا و روز واپسین باور دارند، از تو اجازه نمی‌خواهند، چون پای مبارزه با دارایی‌ها و خویشتن‌شان در میان باشد.

لَا يَسْتَـْٔذِنُكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ

خدا همه‌چیزدانِ محتاطان است.[44]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُتَّقِينَ [44]

تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند که نه به خدا و نه به روز واپسین باور می‌آورند، و هسته‌هایشان گرفتار تردید شده است، چنان‌که در تردید خود دودل‌اند.[45]

إِنَّمَا يَسْتَـْٔذِنُكَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَٱرْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِى رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ [45]

و اگر می‌خواستند بیرون آیند، برای آن ساز و برگی فراهم می‌کردند؛

وَلَوْ أَرَادُواْ ٱلْخُرُوجَ لَأَعَدُّواْ لَهُۥ عُدَّةً

اما خدا برانگیخته شدن آنان را ناخوش داشت، و آنان را کند ساخت، و به آنان گفته شد: «با نشستگان بنشینید.»[46]

وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ ٱقْعُدُواْ مَعَ ٱلْقَٰعِدِينَ [46]

اگر در میان شما بیرون آمده بودند، تنها بر آشفتگی شما می‌افزودند، و در میان شما این سو و آن سو می‌دویدند، می‌کوشیدند شما را به آزمون بسپارند — و در میان شما کسانی هستند که به آنان گوش می‌دهند.

لَوْ خَرَجُواْ فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُواْ خِلَٰلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ ٱلْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّٰعُونَ لَهُمْ

و خدا همه‌چیزدانِ ستمگران است.[47]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ [47]

آنان همانا پیش‌تر آزمون جسته بودند، و کارها را برای تو از هر سو وارونه کرده بودند، تا آنکه حقیقت آمد و دستور خدا آشکار شد، به رغم نفرتشان.[48]

لَقَدِ ٱبْتَغَوُاْ ٱلْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلْأُمُورَ حَتَّىٰ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَهُمْ كَٰرِهُونَ [48]

و از میان آنان کسی هست که می‌گوید: «به من اجازه بده، و مرا در معرض آزمون مگذار.»

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ٱئْذَن لِّى وَلَا تَفْتِنِّى

آیا پیش‌تر در آزمون نیفتاده‌اند؟

أَلَا فِى ٱلْفِتْنَةِ سَقَطُواْ

و جهنم بی‌گمان انکارکنندگان را احاطه کرده است.[49]

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ [49]

اگر نیکی‌ای به تو رخ دهد، بر آنان ناخوشایند است،

إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ

و اگر بداقبالی‌ای به تو رخ دهد، می‌گویند: «ما پیش‌تر احتیاط خود را ورزیده بودیم» — و پشت می‌کنند، شادمان.[50]

وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُواْ قَدْ أَخَذْنَآ أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمْ فَرِحُونَ [50]

بگو: «هیچ چیز بر ما رخ نخواهد داد، مگر آنچه خدا برای ما مقرر داشته است؛

قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا

او متحد ما است.

هُوَ مَوْلَىٰنَا

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.»[51]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ [51]

بگو: «آیا برای ما تنها یکی از دو زیباترین را چشم می‌دارید؟
قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحْدَى ٱلْحُسْنَيَيْنِ

و ما برای شما چشم داریم که خدا کیفری از سوی خود، یا به دست ما، بر شما به وقوع رساند.
وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِۦٓ أَوْ بِأَيْدِينَا

پس چشم‌به‌راه بمانید،
فَتَرَبَّصُوٓاْ

زیرا ما نیز با شما چشم‌به‌راهیم.»[52]
إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ [52]

بگو: «از روی میل یا با اکراه هزینه کنید، از شما پذیرفته نخواهد شد،
قُلْ أَنفِقُواْ طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ

زیرا شما قومی از تجاوزگرانید.»[53]
إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَٰسِقِينَ [53]

و هیچ چیز آنان را بازنداشت از اینکه هزینه‌هایشان پذیرفته شود، مگر اینکه خدا و فرستادهٔ او را انکار کردند، تنها با تنبلی به تماس می‌آیند، و تنها با اکراه هزینه می‌کنند.[54]
وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَٰتُهُمْ إِلَّآ أَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأْتُونَ ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَٰرِهُونَ [54]

پس نه دارایی‌هایشان و نه فرزندانشان تو را خیره نکنند.
فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُمْ

خدا با آن تنها می‌خواهد آنان را در زندگی نزدیک کیفر دهد، و خویشتن‌شان از آنان بگریزد در حالی که انکار می‌کنند.[55]
إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ [55]

و به خدا سوگند می‌خورند که آنان بی‌گمان از شمایند، در حالی که از شما نیستند؛ اما مردمی‌اند که جدا می‌ایستند.[56]

وَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ [56]

اگر پناهگاهی، غارهایی یا سردابی می‌یافتند، افسارگسیخته به سوی آن روی می‌آوردند.[57]

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَـًٔا أَوْ مَغَٰرَٰتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْاْ إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ [57]

و از میان آنان کسانی هستند که دربارهٔ دستگیری‌ها با کنایه از تو عیب می‌جویند: اگر از آن به آنان عطا شود، خشنودند؛ و اگر از آن به آنان عطا نشود، ناگاه خشمگین‌اند.[58]

وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِى ٱلصَّدَقَٰتِ فَإِنْ أُعْطُواْ مِنْهَا رَضُواْ وَإِن لَّمْ يُعْطَوْاْ مِنْهَآ إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ [58]

و اگر به‌جای آن از آنچه خدا و فرستادهٔ او به آنان داده بودند خشنود شده بودند، و گفته بودند: «خدا ما را بس است؛ خدا از عنایت خود به ما عطا خواهد کرد، و فرستادهٔ او نیز؛

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُواْ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَقَالُواْ حَسْبُنَا ٱللَّهُ سَيُؤْتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ

زیرا ما با اشتیاق به سوی خدا روی می‌آوریم.»[59]

إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ [59]

دستگیری‌ها تنها برای بینوایان، تنگ‌دستان، کسانی که به آن‌ها می‌پردازند، کسانی که هسته‌هایشان با باورمندان همبسته شده است، در گرو ماندگان، بدهکارشدگان از هزینه‌ای پیش‌بینی‌نشده، در راه خدا، و مسافر در راه‌مانده است — این تکلیفی از سوی خدا است.

إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱلْعَٰمِلِينَ عَلَيْهَا وَٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَٱلْغَٰرِمِينَ وَفِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ ٱللَّهِ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[60]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [60]

و از میان آنان کسانی هستند که اطلاع‌دهنده را می‌آزارند و می‌گویند: «او همه گوش است.»

وَمِنْهُمُ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلنَّبِىَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ

بگو: «گوشِ نیکی برای شما: او به خدا باور دارد، به باورمندان اعتبار می‌دهد، و برای کسانی از شما که باور آوردند مهر است.»

قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ

و کسانی که فرستادهٔ خدا را می‌آزارند، کیفری دردناک خواهند داشت.[61]

وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [61]

به خدا برای شما سوگند می‌خورند، تا شما را خشنود کنند؛ اما خدا و فرستادهٔ او سزاوارترند که او را خشنود کنند، اگر باورمندند.[62]

يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُواْ مُؤْمِنِينَ [62]

آیا نمی‌دانند که هر که با دشمنی در برابر خدا و فرستادهٔ او بایستد، آتش جهنم را خواهد داشت، که در آن جاودانه خواهد ماند؟

أَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدًا فِيهَا

این است رسوایی سترگ.[63]

ذَٰلِكَ ٱلْخِزْىُ ٱلْعَظِيمُ [63]

دورویان حذر می‌کنند از اینکه سوره‌ای بر آنان فرود آورده شود که آنان را از آنچه در هسته‌هایشان است اطلاع دهد.

يَحْذَرُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِى قُلُوبِهِمْ

بگو: «به مسخره بگیرید!

قُلِ ٱسْتَهْزِءُوٓاْ

خدا همانا آنچه را از آن حذر می‌کنید به روز روشن بیرون خواهد آورد.»[64]

إِنَّ ٱللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ [64]

و اگر از آنان بازپرسی کنی، بی‌گمان خواهند گفت: «ما تنها غوطه می‌خوردیم و بازی می‌کردیم.»

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ

بگو: «آیا خدا، نشانه‌های او و فرستادهٔ او را به مسخره می‌گرفتید؟»[65]

قُلْ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ وَرَسُولِهِۦ كُنتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ [65]

پوزش نخواهید:

لَا تَعْتَذِرُواْ

پس از باورتان انکار کردید.

قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ

اگر از گروهی از شما چشم‌پوشی شود، گروهی دیگر کیفر داده خواهند شد، به‌خاطر آنکه کنارگذاشته‌شدگان بودند. (121) [66]

إِن نَّعْفَ عَن طَآئِفَةٍ مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُواْ مُجْرِمِينَ [66] (121)

دورویان، مردان و زنان، از یکدیگرند: آنچه را مردود است دستور می‌دهند و آنچه را شناخته‌شده است قدغن می‌کنند، و دست‌هایشان را فرو می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، و او آنان را فراموش کرد.

ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ بَعْضُهُم مِّنۢ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِٱلْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمْ

دورویان همانا تجاوزگران‌اند.[67]

إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ [67]

خدا به دورویان، مردان و زنان، و به انکارکنندگان آتش جهنم را وعده داده است، که در آن جاودانه خواهند ماند.

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا

همین آنان را بس است.
هِيَ حَسۡبُهُمۡ

و خدا آنان را نفرین کرده است،
وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُ

و کیفری خواهند داشت که می‌ماند.[68]
وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ [68]

همچون کسانی که پیش از شما آمدند: از شما در نیرو فزون‌تر بودند، دارایی‌ها و فرزندان بیشتری داشتند؛ از نصیب خود برخوردار شدند، و شما از نصیب خود برخوردار شدید چنان‌که کسانی که پیش از شما آمدند از نصیب خود برخوردار شدند، و شما غوطه خوردید چنان‌که آنان غوطه خوردند.
كَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنكُمۡ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرَ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا فَٱسۡتَمۡتَعُواْ بِخَلَٰقِهِمۡ فَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِخَلَٰقِكُمۡ كَمَا ٱسۡتَمۡتَعَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُم بِخَلَٰقِهِمۡ وَخُضۡتُمۡ كَٱلَّذِي خَاضُوٓاْ

اینانند که کردارهایشان فروریخته است، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین؛
أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ

و اینانند زیان‌کاران.[69]
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ [69]

آیا اطلاع کسانی که پیش از آنان بودند به آنان نرسیده است: قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، همراهان مدین، و شهرهای واژگون‌شده؟
أَلَمۡ يَأۡتِهِمۡ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَقَوۡمِ إِبۡرَٰهِيمَ وَأَصۡحَٰبِ مَدۡيَنَ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتِ

فرستادگانشان با برهان‌های روشن به سوی آنان آمده بودند.
أَتَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ

و خدا بر آن نبود که بر آنان ستم کند؛

فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ

اما بر خود ستم می‌کردند.[70]

وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ [70]

و باورمندان مرد و باورمندان زن متحدان یکدیگرند:

وَٱلْمُؤْمِنُونَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ

آنچه را شناخته‌شده است دستور می‌دهند و آنچه را مردود است قدغن می‌کنند، تماس را پابرجا نگه می‌دارند، گشاده‌دستی ناب می‌دهند، و از خدا و فرستادهٔ او گردن می‌نهند.

يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ

اینانند که خدا به‌زودی به آنان مهر خواهد ورزید،

أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ ٱللَّهُ

زیرا خدا نیرومند و فرزانه است.[71]

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [71]

خدا به باورمندان مرد و باورمندان زن باغ‌هایی وعده داده است که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند، و سکونتگاه‌هایی خوب در باغ‌های پایایی؛

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّٰتِ عَدْنٍ

و رضایتی از خدا بزرگ‌تر است.

وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ أَكْبَرُ

این است پیروزی سترگ.[72]

ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [72]

ای اطلاع‌دهنده! با انکارکنندگان و دورویان مبارزه کن، و با آنان محکم باش.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ

و پناهگاه آنان جهنم خواهد بود،

وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ

و چه ناپسند مقصدی![73]

وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [73]

به خدا سوگند می‌خورند که چیزی نگفته‌اند؛

يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ مَا قَالُوا۟

حال آنکه همانا کلام انکار را گفته‌اند، و پس از آنکه نزد خدا بی‌خدشه بودند انکار کردند، و آهنگ آنچه به آنان نرسید کردند.

وَلَقَدْ قَالُوا۟ كَلِمَةَ ٱلْكُفْرِ وَكَفَرُوا۟ بَعْدَ إِسْلَٰمِهِمْ وَهَمُّوا۟ بِمَا لَمْ يَنَالُوا۟

آنان تنها از این کینه می‌ورزند که خدا و فرستادهٔ او آنان را از عنایت او توانگر کردند.

وَمَا نَقَمُوٓا۟ إِلَّآ أَنْ أَغْنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضْلِهِۦ

اگر بازگردند، برای آنان بهتر خواهد بود؛

فَإِن يَتُوبُوا۟ يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ

اما اگر پشت کنند، خدا آنان را به کیفری دردناک، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین، کیفر خواهد داد،

وَإِن يَتَوَلَّوْا۟ يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ

و بر زمین نه متحدی خواهند داشت و نه یاری‌ای.[74]

وَمَا لَهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ [74]

و از میان آنان کسانی هستند که با خدا پیمان بستند: «اگر او از عنایت خود به ما بدهد، بی‌گمان دستگیری خواهیم کرد، و بی‌گمان از کسانی خواهیم بود که شایسته‌اند.»[75]

وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [75]

اما چون از عنایت خود به آنان داد، در آن بخل ورزیدند و پشت کردند، در حالی که کناره می‌گرفتند.[76]

فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضْلِهِۦ بَخِلُوا۟ بِهِۦ وَتَوَلَّوا۟ وَّهُم مُّعْرِضُونَ [76]

پس او در پی آن دورویی‌ای در هسته‌هایشان نهاد، تا روزی که او را ملاقات خواهند کرد، به‌خاطر آنکه با خدا در آنچه وعده کرده بودند خلاف کردند و دروغ گفتند.[77]

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُۥ بِمَآ أَخْلَفُوا۟ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا۟ يَكْذِبُونَ [77]

آیا نمی‌دانند که خدا راز آنان و نجواهای آنان را می‌داند، و اینکه خدا آن کسی است که آنچه را که فراتر از حواس است به‌تمامی می‌داند؟[78]

أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ [78]

کسانی که باورمندانی را که از روی رضایت خود دستگیری می‌کنند با کنایه عیب‌جویی می‌کنند، و کسانی را که تنها تلاش خود را دارند ریشخند می‌کنند — خدا آنان را ریشخند می‌کند،

ٱلَّذِينَ يَلْمِزُونَ ٱلْمُطَّوِّعِينَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ فِى ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنْهُمْ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[79]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [79]

چه برای آنان بخشایش بجویی چه نجویی —

ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ

حتی اگر هفتاد بار برای آنان بخشایش می‌جستی، خدا هرگز آنان را نخواهد بخشود.

إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ

این از آن است که خدا و فرستادهٔ او را انکار کردند.
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ

و خدا قوم تجاوزگران را راه نمی‌نماید.[80]
وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ [80]

واپس‌ماندگان شادمان شدند از اینکه نشسته ماندند، در کناری از فرستادهٔ خدا، و مبارزه با داراییها و خویشتن‌شان در راه خدا برای آنان ناخوش بود، و گفتند: «در گرما بسیج نشوید.»
فَرِحَ ٱلْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ وَكَرِهُوٓا۟ أَن يُجَٰهِدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَالُوا۟ لَا تَنفِرُوا۟ فِى ٱلْحَرِّ

بگو: «آتش جهنم در گرما شدیدتر است» — اگر درک می‌کردند![81]
قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۚ لَّوْ كَانُوا۟ يَفْقَهُونَ [81]

پس اندک بخندند، و بسیار بگریند، در بازپرداخت آنچه کسب می‌کردند.[82]
فَلْيَضْحَكُوا۟ قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا۟ كَثِيرًا جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ [82]

اگر خدا تو را به سوی گروهی از آنان بازگرداند، و از تو اجازهٔ بیرون آمدن بخواهند، آنگاه بگو: «هرگز با من بیرون نخواهید آمد، و با من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید،
فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَٱسْتَـْٔذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا۟ مَعِىَ أَبَدًا وَلَن تُقَٰتِلُوا۟ مَعِىَ عَدُوًّا

زیرا نخستین بار از نشستن خشنود شدید؛
إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِٱلْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ

پس با واپس‌ماندگان بنشینید.»[83]
فَٱقْعُدُوا۟ مَعَ ٱلْخَٰلِفِينَ [83]

و هرگز با هیچ‌یک از آنان که بمیرد تماس برقرار مکن، و برای به خاک سپردنش نمان،
وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِۦٓ

زیرا خدا و فرستادهٔ او را انکار کردند، و در حالی که تجاوزگر بودند مردند.[84]

إِنَّهُمْ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُواْ وَهُمْ فَٰسِقُونَ [84]

و دارایی‌ها و فرزندانشان تو را خیره نکنند.

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَأَوْلَٰدُهُمْ

خدا با آن تنها می‌خواهد آنان را در زندگی نزدیک کیفر دهد، و خویشتن‌شان از آنان بگریزد در حالی که انکار می‌کنند.[85]

إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِى ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ [85]

و چون سوره‌ای فرود آورده شد: «به خدا باور آورید و با فرستادهٔ او مبارزه کنید»، دارندگان توان از میان آنان از تو اجازه می‌خواهند، و می‌گویند: «بگذار با نشستگان باشیم.»[86]

وَإِذَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَجَٰهِدُواْ مَعَ رَسُولِهِ ٱسْتَـْٔذَنَكَ أُوْلُواْ ٱلطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُواْ ذَرْنَا نَكُن مَّعَ ٱلْقَٰعِدِينَ [86]

خشنود شدند که با واپس‌ماندگان باشند،

رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلْخَوَالِفِ

و بر هسته‌هایشان مُهری نهاده شده است، چنان‌که درک نمی‌کنند.[87]

وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ [87]

اما فرستاده، و کسانی که با او باور آوردند، با دارایی‌ها و خویشتن‌شان مبارزه کردند،

لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ

و اینانند که نیکی‌ها به آنان بازمی‌گردد،

وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْخَيْرَٰتُ

و اینان‌اند رستگاران.[88]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [88]

خدا برای آنان باغ‌هایی فراهم آورده است که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند.

أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

این است پیروزی سترگ.[89]

ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [89]

و پوزش‌خواهان از میان سرشناسان آمدند تا به آنان اجازه داده شود، در حالی که کسانی که به خدا و فرستادهٔ او دروغ گفتند نشسته ماندند.

وَجَآءَ ٱلْمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ ٱلَّذِينَ كَذَبُوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

کیفری دردناک به کسانی از آنان که انکار کردند خواهد رسید.[90]

سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [90]

ناراحتی‌ای نیست برای ناتوانان، و نه برای بیماران، و نه برای کسانی که چیزی برای هزینه کردن نمی‌یابند، به شرط آنکه نسبت به خدا و فرستادهٔ او صادق باشند.

لَّيْسَ عَلَى ٱلضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى ٱلْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا۟ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ

هیچ راهی بر ضد نیکوکاران نیست.

مَا عَلَى ٱلْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[91]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [91]

و نه بر ضد کسانی که به نزد تو آمدند تا آنان را سوار کنی، و به آنان گفتی: «چیزی نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم»،

وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَآ أَجِدُ مَآ أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ

و برگشتند، در حالی که چشم‌هایشان از اشک لبریز بود، اندوهگین از اینکه چیزی برای هزینه کردن نمی‌یابند.[92]

تَوَلَّواْ وَّأَعۡيُنُهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُواْ مَا يُنفِقُونَ [92]

راه تنها بر ضد کسانی گشوده است که از تو اجازه می‌خواهند در حالی که توانگرند.

إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَسۡتَـٔۡذِنُونَكَ وَهُمۡ أَغۡنِيَآءُ

خشنود شدند که با واپس‌ماندگان باشند،

رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلۡخَوَالِفِ

و خدا بر هسته‌هایشان مُهر نهاد، چنان‌که نمی‌دانند.[93]

وَطَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ [93]

نزد شما پوزش خواهند خواست، چون به سوی آنان بازگشته باشید.

يَعۡتَذِرُونَ إِلَيۡكُمۡ إِذَا رَجَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ

بگو: «پوزش مخواهید، ما به شما اعتبار نخواهیم داد.

قُل لَّا تَعۡتَذِرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكُمۡ

خدا پیش‌تر ما را از اخبار شما اطلاع داده است.

قَدۡ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنۡ أَخۡبَارِكُمۡ

و خدا کردار شما را خواهد دید، و فرستادهٔ او نیز،

وَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ

سپس به سوی آنکه آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است را می‌داند بازگردانده خواهید شد، و او شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهد داد.»[94]

ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [94]

چون به سوی آنان رو برگردانید، به خدا برای شما سوگند خواهند خورد، تا از آنان کناره بگیرید.

سَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمْ إِذَا ٱنقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُواْ عَنْهُمْ

پس از آنان کناره بگیرید،

فَأَعْرِضُواْ عَنْهُمْ

زیرا آنان پلشتی‌اند،

إِنَّهُمْ رِجْسٌ

و پناهگاهشان جهنم خواهد بود،

وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ

در بازپرداخت آنچه کسب می‌کردند.[95]

جَزَآءًۢ بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ [95]

برای شما سوگند می‌خورند، تا از آنان خشنود باشید؛ اما حتی اگر از آنان خشنود می‌بودید، خدا همانا از قوم تجاوزگران خشنود نمی‌بود.[96]

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْاْ عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْاْ عَنْهُمْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ [96]

سرشناسان در انکار و دورویی شدیدترند، و سزاوارترند که حدود آنچه را خدا بر فرستادهٔ خود فرود آورده است نشناسند.

ٱلْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[97]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [97]

و از میان سرشناسان کسانی هستند که آنچه را هزینه می‌کنند تاوان ناگزیر می‌گیرند، و برای شما واژگونی‌های روزگار چشم می‌دارند.

وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَ

بر آنان، چرخهٔ بدی.
عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِ

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[98]
وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [98]

و از میان سرشناسان کسانی هستند که به خدا و روز واپسین باور می‌آورند، و آنچه را هزینه می‌کنند وسیلهٔ نزدیکی نزد خدا و تماس‌های فرستاده می‌گیرند.
وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِ

آیا نه اینکه این برای آنان همانا نزدیکی‌ای است؟
أَلَآ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ

خدا آنان را به مهر خود درخواهد آورد،
سَيُدْخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦٓ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[99]
إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [99]

و نخستین پیشی‌گیرندگان، از مهاجران و همیاران، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند — خدا از آنان خشنود است، و آنان از او خشنودند؛
وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلْأَوَّلُونَ مِنَ ٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحْسَٰنٍ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ

برای آنان باغ‌هایی فراهم آورده است که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند، جاودانه.
وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى تَحْتَهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا

این است پیروزی سترگ.[100]
ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [100]

و از میان سرشناسانی که پیرامون شمایند، دورویانی هستند،

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ مُنَٰفِقُونَ

و نیز از میان کسانی از آنان که در پایتخت ساکن‌اند، برخی سرسخت در دورویی که تو نمی‌شناسی:

وَمِنْ أَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ مَرَدُوا۟ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ

ما، ما آنان را می‌شناسیم.

نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ

آنان را دو بار کیفر خواهیم داد، سپس به سوی کیفری سترگ بازگردانده خواهند شد.[101]

سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ [101]

و دیگران به تقصیرهایشان اعتراف کردند، در حالی که کرداری شایسته را با کرداری بد آمیخته بودند؛ ممکن است خدا با لطف به سوی آنان بازگردد،

وَءَاخَرُونَ ٱعْتَرَفُوا۟ بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا۟ عَمَلًا صَٰلِحًا وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[102]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [102]

از دارایی‌هایشان دستگیری‌ای بگیر که آنان را پاک کند و رشد دهد، و با آنان تماس برقرار کن،

خُذْ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ

زیرا تماس‌های تو برای آنان آرامش است.(122)

إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ (122)

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[103]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [103]

آیا نمی‌دانند که خدا، خود، بازگشت فرمان‌برداران خود را پذیرا می‌شود و دستگیری‌ها را می‌گیرد، و اینکه خدا، خود، بسیار بازگردنده، مهربان است؟[104]

أَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَأْخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ [104]

و بگو: «عمل کنید؛ خدا کردار شما را خواهد دید، و فرستادهٔ او و باورمندان نیز،

وَقُلِ ٱعْمَلُواْ فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُۥ وَٱلْمُؤْمِنُونَ

و به سوی آنکه آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است را می‌داند بازگردانده خواهید شد، و او شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهد داد.»[105]

وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [105]

و دیگران در انتظار دستور خدا معلق گذاشته شده‌اند: یا او آنان را کیفر خواهد داد، یا با لطف به سوی آنان بازخواهد گشت.

وَءَاخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ ٱللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[106]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [106]

و کسانی که جای پیشانی بر خاک نهادنی گرفتند برای آسیب رساندن، از سر انکار، برای چنددستگی میان باورمندان، و دیده‌بانگاهی برای کسی که پیش‌تر با خدا و فرستادهٔ او جنگیده بود —

وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًۢا بَيْنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن قَبْلُ

بی‌گمان سوگند خواهند خورد: «ما تنها بهتر را می‌خواستیم»؛

وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّا ٱلْحُسْنَىٰ

و خدا گواهی می‌دهد که آنان بی‌گمان دروغ‌گویند.[107]

وَٱللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ [107]

هرگز در آن نمان.

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا

جای پیشانی بر خاک نهادنی که از نخستین روز بر احتیاط بنیاد نهاده شده است، بسی سزاوارتر است که در آن بمانی.

لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ

در آن مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک کنند.

فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ

خدا کسانی را که خود را پاک می‌کنند دوست دارد.[108]

وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُطَّهِّرِينَ [108]

آیا پس کسی که ساختمانش بر احتیاط نسبت به خدا و بر رضایت او بنیاد نهاده شده است بهتر است، یا کسی که ساختمانش بر لبهٔ پرتگاهی در آستانهٔ فروریختن بنیاد نهاده شده است، که آنگاه با او در آتش جهنم فرو می‌ریزد؟(123)

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَٰنَهُۥ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَٰنَهُۥ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَٱنْهَارَ بِهِۦ فِى نَارِ جَهَنَّمَ(123)

و خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[109]

وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [109]

ساختمانی که ساختند همواره در هسته‌هایشان تردیدی است، مگر آنکه هسته‌هایشان تکه‌تکه از هم بگسلند.

لَا يَزَالُ بُنْيَٰنُهُمُ ٱلَّذِى بَنَوْا۟ رِيبَةً فِى قُلُوبِهِمْ إِلَّآ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[110]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [110]

خدا همانا خویشتن و دارایی‌های باورمندان را از آنان خریده است، در برابر باغی که به آنان بازمی‌گردد.

إِنَّ ٱللَّهَ ٱشْتَرَىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ

در راه خدا می‌جنگند، می‌کشند و کشته می‌شوند — این وعده‌ای است که بر عهدهٔ او است، به حقیقت، در تورات، انجیل و این خوانش.

يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ وَٱلْإِنجِيلِ وَٱلْقُرْءَانِ

و پس چه کسی از خدا به پیمان خود وفادارتر است؟

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِ

پس از معامله‌ای که با او بسته‌اید به وجد آیید،

فَٱسْتَبْشِرُوا۟ بِبَيْعِكُمُ ٱلَّذِى بَايَعْتُم بِهِۦ

و این است ظفر سترگ.[111]

وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [111]

کسانی که بازمی‌گردند، فرمان می‌برند، می‌ستایند، آزادانه رفت‌وآمد می‌کنند، زانو می‌زنند، پیشانی بر خاک می‌نهند، آنچه را شناخته‌شده است دستور می‌دهند و آنچه را مردود است قدغن می‌کنند، و حدود خدا را پاس می‌دارند —

ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلْعَٰبِدُونَ ٱلْحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلْءَامِرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱلْحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِ

و به باورمندان مژده بده.[112]

وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ [112]

نه اطلاع‌دهنده را شایسته بود و نه کسانی را که باور آوردند که برای انبازگیرندگان بخشایش بجویند، هرچند نزدیکان باشند، پس از آنکه بر آنان روشن شد که آنان همراهان کوره‌اند.[113]

مَا كَانَ لِلنَّبِىِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن يَسْتَغْفِرُوا۟ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓا۟ أُو۟لِى قُرْبَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ [113]

و ابراهیم تنها به‌سبب وعده‌ای که به او داده بود برای پدرش بخشایش جست؛

وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ

اما چون برای او روشن شد که او دشمن خدا است، خود را از او رها اعلام کرد.

فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ

ابراهیم بی‌گمان پر از آه، بردبار بود.[114]

إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٌ [114]

خدا را نشاید که قومی را پس از آنکه راه نموده است گمراه کند، بی‌آنکه نخست آنچه را باید از آن محتاط باشد برایشان توضیح داده باشد،

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًۢا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ

زیرا خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[115]

إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [115]

پادشاهی آسمان‌ها و زمین همانا از آنِ خدا است؛

إِنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

او زندگی می‌بخشد و می‌میراند.

يُحْىِۦ وَيُمِيتُ

و شما غیر از خدا نه متحدی دارید و نه یاری‌ای.[116]

وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ [116]

خدا همانا با لطف به سوی اطلاع‌دهنده، مهاجران و همیاران بازگشت، آنان که در ساعت دشواری از او پیروی کردند، پس از آنکه هسته‌های گروهی از آنان نزدیک بود کج شود؛ سپس با لطف به سوی آنان بازگشت — او نسبت به آنان نیکخواه، مهربان است — و به سوی آن سه که واپس گذاشته شده بودند،[117]

لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِى سَاعَةِ ٱلْعُسْرَةِ مِنۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُۥ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ [117] وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ

تا آنکه زمین با همهٔ گستردگی‌اش بر آنان تنگ شد، خویشتن خودشان بر آنان تنگ شد، و فرض کردند که در برابر خدا پناهگاهی نیست، تنها به سوی او — آنگاه او با لطف به سوی آنان بازگشت، تا بازگردند،

حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوٓاْ

زیرا خدا، خود، بسیار بازگردنده، مهربان است.[118]

إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ [118]

ای کسانی که باور آوردید! نسبت به خدا محتاط باشید، و با راست‌گویان باشید.[119]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ [119]

نه سرشناسان پایتخت و پیرامون آن را شایسته بود که از فرستادهٔ خدا دور واپس بمانند، و نه آنکه خویشتن خود را بر خویشتن او ترجیح دهند.

مَا كَانَ لِأَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ ٱللَّهِ وَلَا يَرْغَبُواْ بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِۦ

این از آن است که هیچ تشنگی، هیچ خستگی، هیچ قحطی‌ای در راه خدا به آنان نمی‌رسد، هیچ جایی را که انکارکنندگان را برآشفته می‌سازد پایمال نمی‌کنند، و هیچ دستاوردی بر دشمن به آنان نمی‌رسد، بی‌آنکه برای آن کرداری شایسته برای آنان نوشته شود؛

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَطَـُٔونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ ٱلْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِۦ عَمَلٌ صَٰلِحٌ

زیرا خدا پاداش نیکوکاران را نمی‌گذارد از میان برود.[120]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [120]

و هیچ هزینه‌ای، کوچک یا بزرگ، هزینه نمی‌کنند، گذر هیچ دره‌ای را در اختیار نمی‌گیرند، بی‌آنکه برای آنان نوشته شود،

وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةٗ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةٗ وَلَا يَقۡطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمۡ

تا خدا آنان را بر پایهٔ زیباترین آنچه می‌کردند بازپرداخت کند.[121]

لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [121]

باورمندان را شایسته نبود که همگی با هم بسیج شوند.

وَمَا كَانَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةٗ

پس چرا از هر بخشی از آنان گروهی بسیج نشد، تا آنچه را از قانون درک می‌کنند ژرف‌تر بکاوند، و قوم خود را هنگام بازگشت به سوی آنان هشدار دهند، شاید هشیار باشند؟[122]

فَلَوۡلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرۡقَةٖ مِّنۡهُمۡ طَآئِفَةٞ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوۡمَهُمۡ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَحۡذَرُونَ [122]

ای کسانی که باور آوردید! با آن انکارگرانی که در مجاورت شمایند بجنگید، و در شما محکمی بیابند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ ٱلۡكُفَّارِ وَلۡيَجِدُواْ فِيكُمۡ غِلۡظَةٗ

و بدانید که خدا با محتاطان است.[123]

وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ [123]

و چون سوره‌ای فرود آورده شد، کسی از میان آنان هست که می‌گوید: «این سوره باور کدام یک از شما را افزون کرد؟»

وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ فَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمۡ زَادَتۡهُ هَٰذِهِٓۦٓ إِيمَٰنٗا

اما کسانی که باور آوردند، باورشان را افزون کرد، و از آن به وجد می‌آیند.[124]

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَزَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَهُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ [124]

اما کسانی که در هسته‌هایشان بیماری است، پلشتی‌ای بر پلشتی‌شان افزود، و در حالی که انکار می‌کردند مردند.[125]

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَتۡهُمۡ رِجۡسًا إِلَىٰ رِجۡسِهِمۡ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ [125]

پس آیا نمی‌بینند که هر سال تقویمی، یک بار یا دو بار، به آزمون کشیده می‌شوند؟ سپس بازنمی‌گردند، و به یاد نمی‌آورند.[126]

أَوَلَا يَرَوۡنَ أَنَّهُمۡ يُفۡتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٖ مَّرَّةً أَوۡ مَرَّتَيۡنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمۡ يَذَّكَّرُونَ [126]

و چون سوره‌ای فرود آورده شد، به یکدیگر می‌نگرند: «آیا کسی شما را می‌بیند؟» سپس می‌گریزند.

وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ نَّظَرَ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ هَلۡ يَرَىٰكُم مِّنۡ أَحَدٖ ثُمَّ ٱنصَرَفُواْ

خدا هسته‌هایشان را دور داشته است، زیرا آنان قومی‌اند که درک نمی‌کنند.[127]

صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ [127]

فرستاده‌ای از خودتان به شما همانا آمده است؛ بر او گران است که شما درمانده شوید،

لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ

نگران شما،

حَرِيصٌ عَلَيۡكُم

نیکخواه، مهربان با باورمندان.[128]

بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ [128]

اگر پشت کنند، آنگاه بگو: «خدا مرا بس است؛

فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ

هیچ ایزدی نیست مگر او؛

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

به او وکالت می‌دهم،

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

و او سرپرست بنای سترگ است.»[129]

وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ [129]



# الانفال • AL-ANFAL

سوره 8 · 75 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

از تو دربارهٔ فزونی‌ها بازپرسی می‌کنند.

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَنفَالِ

بگو: «فزونی‌ها به خدا و فرستاده بازمی‌گردد.

قُلِ ٱلْأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ

پس نسبت به خدا محتاط باشید، و آنچه را میان شماست سالم سازید،

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ

و از خدا و فرستادهٔ او گردن نهید، اگر باورمندید.»[1]

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [1]

باورمندان تنها کسانی‌اند که چون خدا یاد شود هسته‌هایشان می‌لرزد، و چون نشانه‌های او بر آنان برخوانده شود باورشان افزون می‌گردد، و به سرپرست خود وکالت می‌دهند،[2]

إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ [2]

کسانی که تماس را پابرجا نگه می‌دارند، و از آنچه ما روزی‌شان داده‌ایم هزینه می‌کنند — اینانند باورمندان حقیقی.[3]

ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ [3] أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

آنان را نزد سرپرستشان درجه‌ها، بخشایشی، و روزی‌ای کریمانه است.[4]

لَّهُمْ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ [4]

چنان‌که سرپرست تو تو را از خانه‌ات به حقیقت بیرون آورد، در حالی که گروهی از باورمندان از آن بی‌گمان نفرت داشتند، دربارهٔ حقیقت با تو بحث می‌کردند پس از آنکه آشکار شده بود، گویی آنان را به سوی مرگ می‌بردند، در حالی که می‌نگریستند.[5-6]

كَمَآ أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيْتِكَ بِٱلْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ لَكَٰرِهُونَ [5] يُجَٰدِلُونَكَ فِى ٱلْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ [6]

و چون خدا به شما وعده می‌داد که یکی از دو گروه از آنِ شما خواهد بود، در حالی که می‌خواستید آن گروه که بی‌سلاح بود از آنِ شما باشد.

وَإِذْ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحْدَى ٱلطَّآئِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ

اما خدا می‌خواست با کلام‌های خود حقیقت را به حقیقت برساند و تا آخرین بازماندهٔ انکارکنندگان را قطع کند، تا حقیقت را به حقیقت برساند و باطل را بی‌اثر سازد، هرچند کنارگذاشته‌شدگان از آن بیزار باشند.[7-8]

وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقْطَعَ دَابِرَ ٱلْكَٰفِرِينَ [7] لِيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُبْطِلَ ٱلْبَٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ [8]

چون سرپرست خود را به یاری فرا می‌خواندید، و او به شما پاسخ داد: «من شما را با هزار کارگزار، پشت سر هم، تقویت می‌کنم.»[9]

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَٱسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّى مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ مُرْدِفِينَ [9]

و خدا آن را تنها مژده‌ای ساخت، و تا هسته‌هایتان در آن آسودگی یابند.

وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمْ

حال آنکه یاری جز از نزد خدا نمی‌آید،

وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ

زیرا خدا نیرومند و فرزانه است.[10]

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [10]

چون او می‌کرد که خواب‌آلودگی شما را فرا گیرد، همچون امنیتی از سوی او، و از آسمان آبی بر شما فرود می‌آورد، تا شما را با آن پاک کند، آلودگی منحرف‌کننده را از شما بزداید، هسته‌هایتان را ببندد، و گام‌هایتان را با آن استوار گرداند.[11]

إِذْ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ ٱلشَّيْطَٰنِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلْأَقْدَامَ [11]

چون سرپرست تو به کارگزاران پرده برمی‌داشت: «من با شمایم؛ پس کسانی را که باور آورده‌اند استوار کنید.

إِذْ يُوحِى رَبُّكَ إِلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّى مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا۟ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

من در هسته‌های انکارکنندگان هراس خواهم افکند.

سَأُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ

پس در گرو ماندگان را چند برابر کنید، فراتر از حق، و از میان آنان کسانی را که بزرگ‌ترین ارزش مبادله را دارند چند برابر کنید.»[12]

فَٱضْرِبُوا۟ فَوْقَ ٱلْأَعْنَاقِ وَٱضْرِبُوا۟ مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ [12]

این بدان سبب است که در برابر خدا و فرستادهٔ او به چنددستگی برخاستند.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

و هر که در برابر خدا و فرستادهٔ او به چنددستگی برخیزد — خدا همانا در تنبیه سخت است.[13]

وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [13]

این برای شما است: پس آن را بچشید!

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ

و برای انکارکنندگان کیفر آتش اختصاص داده شده است.[14]

وَأَنَّ لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابَ ٱلنَّارِ [14]

ای کسانی که باور آوردید! چون در اوج یورش با انکارکنندگان روبه‌رو شوید، به آنان پشت نکنید.[15]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلْأَدْبَارَ [15]

و هر که در آن روز به آنان پشت کند — مگر مانور رزمی یا گرد آمدن نزد یک گردان — خشم خدا را بر خود می‌خرد، و پناهگاهش جهنم خواهد بود.

وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَآءَ بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ

و چه زشت مقصدی![16]

وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [16]

پس شما نبودید که آنان را کشتید،

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ

اما خدا بود که آنان را کشت.

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمْ

و تو پرتاب نکردی، آنگاه که پرتاب کردی، اما خدا بود که پرتاب کرد،

وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ

تا باورمندان را به شیوه‌ای زیبا، از سوی خود، بیازماید،

وَلِيُبْلِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًا

زیرا خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[17]

إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [17]

این برای شما! و خدا حیلهٔ انکارکنندگان را سست می‌کند.[18]
ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ ٱلْكَٰفِرِينَ [18]

اگر گشایش می‌جستید، گشایش از پیش به شما آمده است؛
إِن تَسْتَفْتِحُواْ فَقَدْ جَآءَكُمُ ٱلْفَتْحُ

و اگر دست بکشید، برای شما بهتر خواهد بود؛
وَإِن تَنتَهُواْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

اما اگر تکرار کنید، ما تکرار خواهیم کرد،
وَإِن تَعُودُواْ نَعُدْ

و گردان شما به شما سودی نخواهد رساند، حتی اگر فراوان باشد؛
وَلَن تُغْنِىَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا وَلَوْ كَثُرَتْ

زیرا خدا با باورمندان است.[19]
وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [19]

ای کسانی که باور آوردید! از خدا و فرستادهٔ او گردن نهید،
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

و به او پشت نکنید، در حالی که می‌شنوید.[20]
وَلَا تَوَلَّوْاْ عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ [20]

و مانند کسانی مباشید که می‌گویند: «شنیدیم»، در حالی که نمی‌شنوند.[21]
وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ قَالُواْ سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ [21]

بدترین جنبندگان نزد خدا همانا کران‌اند، لال‌ها، آنان که خرد نمی‌ورزند.[22]
إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلْبُكْمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ [22]

و اگر خدا در آنان نیکی‌ای می‌دانست، حتماً به آنان می‌شنواند؛

وَلَوْ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ

و حتی اگر آنان را می‌شنواند، پشت می‌کردند، در حالی که کناره می‌گرفتند.[23]

وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعْرِضُونَ [23]

ای کسانی که باور آوردید! به خدا و فرستاده پاسخ دهید، چون شما را به آنچه به شما زندگی می‌بخشد دعوت می‌کند،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسْتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

و بدانید که خدا میان آدمی و هسته‌اش حایل می‌شود، و اینکه به سوی او گرد آورده خواهید شد.[24]

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَقَلْبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ [24]

و از آزمونی که تنها به کسانی از شما که ستم کردند نخواهد رسید، محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنكُمْ خَآصَّةً

و بدانید که خدا در تنبیه سخت است.[25]

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [25]

و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، بر زمین به ناتوانی کشانده شده، می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند؛ آنگاه او شما را جای پناه داد، با یاری خود نیرو بخشید، و از چیزهای خوب روزی‌تان داد — شاید سپاس‌گزار باشید.[26]

وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِى ٱلْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَـَٔاوَىٰكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِۦ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [26]

ای کسانی که باور آوردید! به خدا و فرستاده خیانت نکنید، و به سپرده‌های اعتماد خود خیانت نکنید، در حالی که می‌دانید.[27]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ [27]

و بدانید که داراییها و فرزندانتان تنها آزمونیاند، و اینکه نزد خدا پاداشی سترگ است.[28]

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ [28]

ای کسانی که باور آوردید! اگر نسبت به خدا محتاط باشید، او به شما بازشناسیای خواهد داد، بر کنشهای بد شما پردهپوشی خواهد کرد، و شما را خواهد بخشود.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

و خدا دارندهٔ لطفِ سترگ است.[29]

وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ [29]

و چون انکارکنندگان علیه تو توطئه میکردند، تا تو را بیحرکت کنند، بکشند، یا اخراج کنند.

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ

و توطئه میکردند، و خدا توطئه میکرد،

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ ٱللَّهُ

و خدا بهترین توطئهکنندگان است.[30]

وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ [30]

و چون نشانههای ما بر آنان برخوانده شود، میگویند: «بهخوبی شنیدیم؛ اگر میخواستیم، همین را میگفتیم؛

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا قَالُواْ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَآءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَآ

اینها تنها افسانههای پیشینیان‌اند.»[31]

إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ [31]

و چون میگفتند: «ای خدا! اگر این بهراستی حقیقتی از سوی تو است، پس بر ما از آسمان سنگهایی بباران، یا برای ما کیفری دردناک بیاور.»[32]

وَإِذْ قَالُواْ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [32]

اما خدا را نشاید که آنان را کیفر دهد تا تو در میان آنان بودی،

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ

و خدا را نشاید که آنان را کیفر دهد تا آنگاه که بخشایش می‌جستند.[33]

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ [33]

و پس چه دارند که خدا آنان را کیفر ندهد، در حالی که جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض را می‌بندند، بی‌آنکه خود مسئولان قانونی آن باشند؟

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَمَا كَانُوٓاْ أَوْلِيَآءَهُۥٓ

مسئولان قانونی آن تنها محتاطان‌اند،

إِنْ أَوْلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُتَّقُونَ

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[34]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [34]

و تماس آنان، نزد خانه، تنها هیاهو و انسداد بود.(124)

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ ٱلْبَيْتِ إِلَّا مُكَآءً وَتَصْدِيَةً(124)

پس کیفر را بچشید، به‌خاطر انکار.[35]

فَذُوقُواْ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ [35]

انکارکنندگان همانا دارایی‌های خود را هزینه می‌کنند تا راه خدا را ببندند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

پس آن را هزینه خواهند کرد، سپس برایشان افسوسی خواهد شد، سپس شکست داده خواهند شد.

فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ

و انکارکنندگان به سوی جهنم گرد آورده خواهند شد، تا خدا پست را از خوب تمیز دهد، پست را، بخش بر بخش، بنهد، از آن همگی انبوهی انباشته بسازد، و آن را در جهنم بنهد.[36]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحۡشَرُونَ [36] لِيَمِيزَ ٱللَّهُ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ وَيَجۡعَلَ ٱلۡخَبِيثَ بَعۡضَهُۥ عَلَىٰ بَعۡضٖ فَيَرۡكُمَهُۥ جَمِيعٗا فَيَجۡعَلَهُۥ فِي جَهَنَّمَ

اینان‌اند زیان‌کاران.[37]

أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ [37]

به انکارکنندگان بگو: اگر دست بکشند، آنچه گذشته است برایشان بخشوده خواهد شد؛

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ يُغۡفَرۡ لَهُم مَّا قَدۡ سَلَفَ

اما اگر تکرار کنند، رویهٔ نخستین‌ها پیش‌تر تحقق یافته است.[38]

وَإِن يَعُودُواْ فَقَدۡ مَضَتۡ سُنَّتُ ٱلۡأَوَّلِينَ [38]

و با آنان بجنگید تا آنکه دیگر آزمونی نباشد، و قانون یکسره از آنِ خدا باشد.

وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِ

اما اگر دست بکشند، آنگاه خدا همانا به آنچه می‌کنند بینا است.[39]

فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ [39]

و اگر پشت کنند، آنگاه بدانید که خدا متحد شما است.

وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَىٰكُمۡ

چه متحدی نیکو،

نِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ

و چه یاری‌رسانی نیکو![40]

وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ [40]

و بدانید که از هر آنچه به غنیمت می‌گیرید، یک پنجم آن به خدا، فرستاده، نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان، و مسافر در راه‌مانده بازمی‌گردد — اگر به خدا و به آنچه بر فرمان‌بردار ما فرود آوردیم باور دارید، در روز بازشناسی، روزی که دو دسته با یکدیگر روبه‌رو شدند.

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَىْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ ٱلْفُرْقَانِ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ

و خدا بر هر چیز توانا است.[41]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [41]

چون شما بر کرانهٔ نزدیک‌تر بودید، و آنان بر کرانهٔ دورتر، و سواره‌نظام پایین‌تر از شما.

إِذْ أَنتُم بِٱلْعُدْوَةِ ٱلدُّنْيَا وَهُم بِٱلْعُدْوَةِ ٱلْقُصْوَىٰ وَٱلرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ

و اگر برای یکدیگر وعده‌گاهی مقرر کرده بودید، دربارهٔ آن وعده‌گاه اختلاف می‌کردید؛

وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَٱخْتَلَفْتُمْ فِى ٱلْمِيعَٰدِ

اما تا خدا دستوری را که کاری انجام‌شده بود به سرانجام رساند، تا آن که می‌بایست نابود شود بر برهانی روشن نابود شود، و آن که می‌بایست زنده بماند بر برهانی روشن زنده بماند.

وَلَٰكِن لِّيَقْضِىَ ٱللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَىَّ عَنۢ بَيِّنَةٍ

و خدا بی‌گمان شنوا و همه‌چیزدان است.[42]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ [42]

چون خدا آنان را در خوابت اندک به تو نشان می‌داد —

إِذْ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِى مَنَامِكَ قَلِيلًا

و اگر آنان را فراوان به تو نشان داده بود، حتماً سست می‌شدید، و حتماً دربارهٔ کار به ستیزه درمی‌آمدید؛

وَلَوْ أَرَىٰكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَٰزَعْتُمْ فِى ٱلْأَمْرِ

اما خدا همه‌چیز را دست‌نخورده نگاه داشت،

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَ

زیرا او به آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[43]

إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [43]

و چون آنان را به شما نشان می‌داد، آنگاه که با هم روبه‌رو می‌شدید، در چشم شما اندک، و شما را در چشم آنان اندک جلوه می‌داد، تا خدا دستوری را که کاری انجام‌شده بود به سرانجام رساند.

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ ٱلْتَقَيْتُمْ فِىٓ أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِىٓ أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِىَ ٱللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا

و کارها همگی به سوی خدا بازمی‌گردند.[44]

وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ [44]

ای کسانی که باور آوردید! چون با گردانی روبه‌رو شوید، استوار بمانید، و خدا را بسیار به یاد آورید — شاید کامیاب شوید.[45]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَٱثْبُتُوا۟ وَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [45]

و از خدا و فرستادهٔ او گردن نهید،

وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

و در میان خود به ستیزه درنیایید، وگرنه سست شوید و خیزش شما برود؛

وَلَا تَنَٰزَعُوا۟ فَتَفْشَلُوا۟ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

و شکیبا باشید،

وَٱصْبِرُوٓا۟

زیرا خدا با شکیبایان است.[46]

إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ [46]

و مانند کسانی مباشید که از سرای‌های خود با سرمستی و برای خودنمایی در برابر مردم بیرون آمدند، و راه خدا را می‌بندند.

وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرًا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

خدا بر آنچه می‌کنند احاطهٔ کامل دارد.[47]

وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ [47]

و چون منحرف‌کننده کردارشان را برای آنان آراست، و گفت: «امروز هیچ‌کس از میان مردم نمی‌تواند بر شما چیره شود، و من همانا برای شما همسایه‌ای هستم که پناه می‌دهد»؛

وَإِذۡ زَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَإِنِّي جَارٞ لَّكُمۡ

اما چون دو گردان یکدیگر را دیدند، بر پاشنه‌هایش عقب نشست، و گفت: «من همانا از شما رها هستم؛ آنچه شما نمی‌بینید می‌بینم؛ من از خدا می‌ترسم.»

فَلَمَّا تَرَٰٓءَتِ ٱلۡفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكُمۡ إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوۡنَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ

خدا در تنبیه سخت است.[48]

وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ [48]

چون دورویان، و کسانی که در هسته‌هایشان بیماری است، می‌گفتند: «قانون اینان آنان را به‌راستی فریفته است.»

إِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ دِينُهُمۡ

اما هر که به خدا وکالت دهد — خدا همانا نیرومند و فرزانه است.[49]

وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ [49]

و اگر می‌دیدی، هنگامی که کارگزاران کسانی را که انکار کرده‌اند وفادارانه نگاه می‌دارند،(125)

وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ(125)

آنان را در گرفتن‌شان چند برابر می‌کنند، خواه روبه‌روی‌شان شوند خواه به آنان پشت کنند: «کیفر آتش‌سوزی را بچشید!»[50]

ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَٰرَهُمْ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ [50]

این برای آنچه دستانتان پیش بردند است؛ و خدا به هیچ‌روی بر فرمان‌برداران ناگزیر ستم نمی‌کند.[51]

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ [51]

همانند رفتار خاندان فرعون،

كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ

و کسانی که پیش از آنان بودند، که نشانه‌های خدا را انکار کردند؛ خدا آنگاه آنان را به‌خاطر تقصیرهایشان گرفت،

وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

زیرا خدا قدرتمند است، سخت در تنبیه.[52]

إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [52]

این از آن است که خدا هرگز دهشی را که به قومی عطا کرده است دگرگون نمی‌کند، تا آنکه آن قوم آنچه را در خود دارند دگرگون کند؛ و خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[53]

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [53]

همانند رفتار خاندان فرعون،

كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ

و کسانی که پیش از آنان بودند، که نشانه‌های سرپرستشان را دروغ انگاشتند؛ ما آنگاه آنان را به‌خاطر تقصیرهایشان نابود کردیم،

وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ

و خاندان فرعون را غرق کردیم.

وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ

و همه ستمگر بودند.[54]

وَكُلٌّ كَانُواْ ظَٰلِمِينَ [54]

بدترین جنبندگان نزد خدا همانا کسانی‌اند که انکار کردند و از آن پس باور نمی‌آورند — کسانی که با آنان پیمان بسته‌ای، و هر بار پیمان خود را می‌شکنند، و محتاط نیستند.[55–56]

إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [55] ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِى كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ [56]

پس اگر آنان را در جنگ غافلگیر کنی، با آنان کسانی را که از آنان پیروی می‌کنند پراکنده ساز، شاید به یاد آورند.[57]

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِى ٱلْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ [57]

و اگر از قومی خیانتی بترسی، به آنان به‌صورت برابر اعلام لغو کن،

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَٱنۢبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ

زیرا خدا خیانت‌کاران را دوست ندارد.[58]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْخَآئِنِينَ [58]

و هرگز مپندار که انکارکنندگان پیشی گرفته‌اند،(126)

وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْ(126)

زیرا آنان نمی‌توانند او را ناتوان سازند.[59]

إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ [59]

و در برابر آنان هر آنچه می‌توانید از نیرو و از اسب‌های آمادهٔ نبرد نگاه‌داشته‌شده فراهم آورید،

وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ

تا با آن در دشمن خدا و دشمن شما، و در دیگرانی غیر از آنان که نمی‌شناسید، هیبت بیفکنید:

تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ

خدا، خود، آنان را می‌شناسد.

ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ

و هر آنچه در راه خدا هزینه می‌کنید وفادارانه به شما بازگردانده خواهد شد، و ستم نخواهید دید.[60]

وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيْءٍ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ [60]

و اگر به صلح مایل شوند، تو نیز به آن مایل شو، و به خدا وکالت بده،

وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ

زیرا اوست شنوا و همه‌چیزدان.[61]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [61]

و اگر بخواهند تو را فریب دهند، آنگاه خدا تو را بس است.

وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ ٱللَّهُ

اوست که تو را به یاری خود و به باورمندان نیرو بخشید، و هسته‌هایشان را آشتی داد.[62]

هُوَ ٱلَّذِىٓ أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِۦ وَبِٱلْمُؤْمِنِينَ [62] وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

اگر هر آنچه بر زمین است هزینه کرده بودی، هسته‌هایشان را آشتی نمی‌دادی،

لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا مَّآ أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

اما خدا بود که آنان را آشتی داد،

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ

زیرا او نیرومند و فرزانه است.[63]

إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [63]

ای اطلاع‌دهنده! خدا تو را بس است،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَسْبُكَ ٱللَّهُ

و کسانی از باورمندان را که از تو پیروی می‌کنند.[64]

وَمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [64]

ای اطلاع‌دهنده! باورمندان را به نبرد تشویق کن.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَرِّضِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلَى ٱلْقِتَالِ

اگر در میان شما بیست مرد شکیبا باشند، بر دویست چیره خواهند شد؛

إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَٰبِرُونَ يَغْلِبُوا۟ مِاْئَتَيْنِ

و اگر صد نفر از شما باشند، بر هزار نفر از انکارکنندگان چیره خواهند شد، زیرا آنان قومی‌اند که درک نمی‌کنند.[65]

وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٌ يَغْلِبُوٓا۟ أَلْفًا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ [65]

اکنون خدا بار شما را سبک کرد و دانست که در شما ناتوانی‌ای هست.

ٱلْـَٰٔنَ خَفَّفَ ٱللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا

پس اگر صد نفر از شما شکیبا باشند، بر دویست چیره خواهند شد؛

فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا۟ مِاْئَتَيْنِ

و اگر هزار نفر از شما باشند، با اجازهٔ خدا بر دو هزار چیره خواهند شد.

وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوٓا۟ أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ ٱللَّهِ

خدا با شکیبایان است.[66]

وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ [66]

برای اطلاع‌دهنده‌ای شایسته نبود که اسیرانی داشته باشد، تا زمانی که زمین را کاملاً مطیع نساخته بود.

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسۡرَىٰ حَتَّىٰ يُثۡخِنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ

شما کالای زودگذر زندگی نزدیک را می‌خواستید،

تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنۡيَا

حال آنکه خدا زندگی واپسین را می‌خواهد.

وَٱللَّهُ يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَ

خدا نیرومند و فرزانه است.[67]

وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ [67]

اگر دفتری پیشین از خدا نبود، کیفری سترگ به‌خاطر آنچه گرفتید به شما می‌رسید.[68]

لَّوۡلَا كِتَٰبٞ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمۡ فِيمَآ أَخَذۡتُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ [68]

پس از آنچه به غنیمت گرفتید بخورید، از آنچه روا و خوب است،

فَكُلُواْ مِمَّا غَنِمۡتُمۡ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[69]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [69]

ای اطلاع‌دهنده! به کسانی از اسیران که در دست شمایند بگو: «اگر خدا در هسته‌هایتان نیکی‌ای بداند، بهتر از آنچه از شما گرفته شد به شما خواهد داد، و شما را خواهد بخشود.»

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيۡدِيكُم مِّنَ ٱلۡأَسۡرَىٰٓ إِن يَعۡلَمِ ٱللَّهُ فِي قُلُوبِكُمۡ خَيۡرٗا يُؤۡتِكُمۡ خَيۡرٗا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[70]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [70]

و اگر بخواهند به تو خیانت کنند، پیش‌تر به خدا خیانت کرده‌اند، و او به تو بر آنان تسلط داد.

وَإِن يُرِيدُواْ خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُواْ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[71]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [71]

همانا کسانی که باور آوردند، مهاجرت کردند، و با دارایی‌ها و خویشتن خود در راه خدا مبارزه کردند، و نیز کسانی که پذیرا شدند و یاری رساندند — اینانند که متحدان یکدیگرند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ

و کسانی که باور آوردند و مهاجرت نکردند — شما در هیچ چیز مسئولیت قانونی آنان را ندارید، تا آنکه مهاجرت کنند.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يُهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَىْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْ

و اگر در راه قانون از شما یاری بخواهند، یاری بر عهدهٔ شما است، مگر قومی که میان او و شما پیمانی استوار است.

وَإِنِ ٱسْتَنصَرُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ فَعَلَيْكُمُ ٱلنَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَٰقٌ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[72]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [72]

و انکارکنندگان متحدان یکدیگرند.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ

اگر چنین نکنید، آزمونی بر زمین خواهد بود، و تباهی‌ای بزرگ.[73]

إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ [73]

و کسانی که باور آوردند، مهاجرت کردند، و در راه خدا مبارزه کردند، و نیز کسانی که پذیرا شدند و یاری رساندند — اینانند باورمندان حقیقی.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗا

آنان را بخشایشی و روزی‌ای کریمانه است.[74]

لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ [74]

و کسانی که پس از آن باور آوردند، مهاجرت کردند و با شما مبارزه کردند — اینان از شمایند.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ مَعَكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ مِنكُمۡ

و دارندگان پیوندهای خویشاوندی نسبت به یکدیگر بر پایهٔ ضابطهٔ خدا نزدیک‌ترند،

وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ

زیرا خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[75]

إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ [75]

# الاعراف • AL-A'RAF

سوره 7 · 206 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓصٓ (الف لام میم صاد).[1]

الٓمٓصٓ [1]

نوشتاری بر تو فرود آورده شد — که هیچ ناراحتی‌ای دربارهٔ آن در سینه‌ات نباشد — تا به‌وسیلهٔ آن هشدار دهی، و یادآوری‌ای برای باورمندان.[2]

كِتَٰبٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِى صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ [2]

از آنچه از سوی سرپرست شما بر شما فرود آورده شد پیروی کنید،

ٱتَّبِعُوا۟ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ

و از متحدانی غیر از او پیروی نکنید.

وَلَا تَتَّبِعُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ

چه اندک به یاد می‌آورید![3]

قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ [3]

چه بسیار شهرها را که نابود کردیم! سخت‌گیری ما شبانه بر آنان آمد، یا در حالی که خواب نیمروز می‌کردند.[4]

وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا فَجَآءَهَا بَأْسُنَا بَيَٰتًا أَوْ هُمْ قَآئِلُونَ [4]

تنها فریادشان، چون سخت‌گیری ما بر آنان آمد، این بود که گفتند: «ما همانا ستمگر بوده‌ایم.»[5]

فَمَا كَانَ دَعْوَىٰهُمْ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ [5]

ما بی‌گمان از کسانی که به سوی آنان فرستاده شد بازپرسی خواهیم کرد، و ما بی‌گمان از فرستاده‌شدگان بازپرسی خواهیم کرد،[6]

فَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلْمُرْسَلِينَ [6]

و بی‌گمان برای آنان با دانشی تمام روایت خواهیم کرد،

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ

زیرا ما غایب نبودیم.[7]

وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ [7]

و وزن‌کشی در آن روز حقیقت خواهد بود.

وَٱلْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ

کسانی که ترازوهایشان سنگین خواهد بود — اینانند کامیابان.[8]

فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [8]

و کسانی که ترازوهایشان سبک خواهد بود — اینانند کسانی که بر خویشتن خود زیان وارد آورده خواهند بود، به‌خاطر آنکه بر نشانه‌های ما ستم کرده‌اند.[9]

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَظْلِمُونَ [9]

ما شما را همانا بر زمین استقرار دادیم، و در آن برای شما وسایل زیست ساختیم.

وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ

چه اندک سپاس‌گزارید![10]

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ [10]

ما شما را همانا آفریدیم، سپس به شما شکل دادیم، سپس به کارگزاران گفتیم: «در برابر آدم پیشانی بر خاک نهید»، و پیشانی بر خاک نهادند،

وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِـَٔادَمَ فَسَجَدُوٓا۟

مگر ابلیس: او از پیشانی‌برخاک‌نهندگان نبود.[11]

إِلَّآ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ [11]

گفت: «چه چیز تو را بازداشت از اینکه پیشانی بر خاک نهی، هنگامی که من آن را به تو دستور دادم؟»

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ

گفت: «من از او بهترم: تو مرا از آتش آفریدی، و او را از گل آفریدی.»[12]

قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِى مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ [12]

گفت: «پس از اینجا فرود آی: شایستهٔ تو نیست که در آن خودبزرگ‌بینی کنی؛ پس بیرون شو، زیرا تو از خوارشدگانی.»[13]

قَالَ فَٱهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَٱخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ [13]

گفت: «مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت بده.»[14]

قَالَ أَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ [14]

گفت: «تو از کسانی هستی که به آنان مهلت داده می‌شود.»[15]

قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ [15]

گفت: «از آنجا که مرا سرگردان رها کردی، بی‌گمان برای آنان بر جادهٔ راست تو خواهم ایستاد، سپس بی‌گمان به سوی آنان خواهم آمد، از پیش رویشان و از پشت سرشان، از راستشان و از چپشان،[16]

قَالَ فَبِمَآ أَغْوَيْتَنِى لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ ٱلْمُسْتَقِيمَ [16] ثُمَّ لَءَاتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَٰنِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ

و بیشترشان را سپاس‌گزار نخواهی یافت.»[17]

وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَٰكِرِينَ [17]

گفت: «از اینجا بیرون شو، نکوهیده و برکنارشده.

قَالَ ٱخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا

هر که از آنان از تو پیروی کند — من بی‌گمان جهنم را از همهٔ شما پر خواهم کرد.»[18]

لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ [18]

«ای آدم! تو و همسرت در باغ سکونت کن، و از آن هرجا که شما را پسند افتد بخورید،

وَيَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا

اما به این درخت نزدیک نشوید، وگرنه از شمار ستمگران می‌شدید.»[19]

وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [19]

اما منحرف‌کننده برای آنان نجوا کرد، تا آنچه از برهنگی‌شان بر آنان پوشیده شده بود به آنان نمایان کند،

فَوَسْوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَٰتِهِمَا

و گفت: «سرپرست شما این درخت را تنها برای آنکه شما را بازدارد از اینکه دو پادشاه شوید یا از جاودانه‌ماندگان باشید، بر شما قدغن کرد.» (127)[20]

وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ ٱلْخَٰلِدِينَ [20] (127)

و برایشان سوگند خورد: «من بی‌گمان برای شما دو تن از اندرزدهندگان راستینم» — و بدین‌سان آنان را با فریبی فرو افکند.[21]

وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّى لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ [21] فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ

چون به درخت چشیدند، برهنگی‌شان بر آنان نمایان شد، و هر دو شروع کردند به دوختن برگ‌های باغ بر خود.

فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ

و سرپرست‌شان آن دو را صدا زد: «آیا این درخت را بر شما قدغن نکرده بودم، و آیا به شما نگفته بودم که منحرف‌کننده برای شما دو تن دشمنی آشکار است؟»[22]

وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا ٱلشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ [22]

هر دو گفتند: «ای سرپرست ما، بر خود ستم کردیم؛ اگر ما را نبخشایی و به ما مهر نورزی، بی‌گمان از زیان‌کاران خواهیم بود.»[23]

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [23]

گفت: «فرود آیید،

قَالَ ٱهْبِطُواْ

دشمنِ یکدیگر.

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

و شما را بر زمین آرامگاهی و بهره‌ای تا زمانی خواهد بود.»[24]

وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ [24]

گفت: «در آن زندگی خواهید کرد، در آن خواهید مرد، و از آن بیرون آورده خواهید شد.»[25]

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ [25]

ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرود آوردیم که برهنگی‌تان را بپوشاند، و پرهایی؛ و لباس احتیاط —

يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَٰرِى سَوْءَٰتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ ٱلتَّقْوَىٰ

این بهتر است.

ذَٰلِكَ خَيْرٌ

این یکی از نشانه‌های خدا است — شاید به یاد آورند.[26]

ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ [26]

ای فرزندان آدم! مبادا منحرف‌کننده شما را به آزمون بکشد، چنان‌که دو نیای شما را از باغ بیرون آورد، لباس‌شان را از آنان برکند تا برهنگی‌شان را به آنان نشان دهد،

يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفۡتِنَنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ كَمَآ أَخۡرَجَ أَبَوَيۡكُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ يَنزِعُ عَنۡهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوۡءَٰتِهِمَآ

زیرا او شما را می‌بیند، او و قبیله‌اش، از جایی که آنان را نمی‌بینید.

إِنَّهُۥ يَرَىٰكُمۡ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنۡ حَيۡثُ لَا تَرَوۡنَهُمۡ

ما منحرف‌کنندگان را متحدانی ساختیم برای کسانی که باور نمی‌آورند.[27]

إِنَّا جَعَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ [27]

و چون زشتی‌ای مرتکب می‌شوند، می‌گویند: «نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کردند، و خدا آن را به ما دستور داد.»

وَإِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةٗ قَالُواْ وَجَدۡنَا عَلَيۡهَآ ءَابَآءَنَا وَٱللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا

بگو: «خدا همانا به زشتی دستور نمی‌دهد.

قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ

آیا دربارهٔ خدا آنچه نمی‌دانید خواهید گفت؟»[28]

أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ [28]

بگو: «سرپرست من برابری را دستور داد.

قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِ

و در هر لحظهٔ پیشانی بر خاک نهادن، سوهای خود را به سوی او پابرجا نگه دارید،

وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ

و او را فرا بخوانید، در حالی که قانون را تنها ویژهٔ او ساخته‌اید.

وَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ

چنان‌که به شما آغاز داد، همچنین دوباره ساخته خواهید شد.»[29]

كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ [29]

بخشی را او راه نمود؛

فَرِيقًا هَدَىٰ

و بر بخشی دیگر، گمراهی به حقیقت پیوست،

وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُ

زیرا آنان منحرف‌کنندگان را غیر از خدا متحد گرفتند، در حالی که می‌پنداشتند از راهنمایی‌پذیرندگان باشند.[30]

إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُواْ ٱلشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ [30]

ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر لحظهٔ پیشانی بر خاک نهادن برگیرید، و بخورید و بنوشید،

يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُواْ وَٱشْرَبُواْ

اما هدر مدهید،

وَلَا تُسْرِفُوٓاْ

زیرا هدردهندگان را دوست ندارد.[31]

إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْرِفِينَ [31]

بگو: «چه کسی زینت خدا را که برای فرمان‌برداران خود بیرون آورده است، و نیز چیزهای خوب روزی را، ممنوع انگاشته است؟»

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِىٓ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزْقِ

بگو: «آن در زندگی نزدیک از آنِ کسانی است که باور آوردند، و در روز حضور ویژهٔ آنان خواهد بود.»

قُلْ هِىَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

بدین‌سان نشانه‌ها را برای قومی که می‌داند تفصیل می‌دهیم.[32]

كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [32]

بگو: «سرپرست من تنها زشتی‌ها را، آشکار یا درونی، تعدی، زورگویی بی‌حق، اینکه به خدا انباز بگیرید آنچه او هیچ اقتداری بر آن فرود نیاورده است، و اینکه دربارهٔ خدا آنچه نمی‌دانید بگویید، ممنوع کرده است.»[33]

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلْفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلْإِثْمَ وَٱلْبَغْىَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُوا۟ بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَٰنًا وَأَن تَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [33]

و برای هر جامعه‌ای زمانی مقرر است.

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ

چون زمان مقررشان فرا رسد، نمی‌توانند آن را یک ساعت به تأخیر اندازند،

فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً

و نه پیش اندازند.[34]

وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ [34]

ای فرزندان آدم! اگر فرستادگانی از خودتان نزد شما بیایند که نشانه‌های مرا برای شما روایت کنند — هر که محتاط باشد و خود را سالم سازد، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[35]

يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِى فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [35]

اما کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند و از آن‌ها به خودبزرگ‌بینی باد کردند — اینانند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[36]

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسْتَكْبَرُوا۟ عَنْهَآ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [36]

پس چه کسی ستمگرتر است از آن که دروغی بر خدا برمی‌سازد، یا نشانه‌های او را دروغ می‌انگارد؟

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ

اینانند کسانی که بهره‌شان از دفتر به آنان خواهد رسید،

أُو۟لَٰٓئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ

تا آنگاه که فرستاده‌شدگان ما بیایند و آنان را وفادارانه نگاه دارند و بگویند: «کسانی که غیر از خدا فرا می‌خواندید کجایند؟» خواهند گفت: «از ما دور گمراه شدند»،

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوٓا۟ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ قَالُوا۟ ضَلُّوا۟ عَنَّا

و بر ضد خود گواهی خواهند داد که انکار می‌کردند.[37]

وَشَهِدُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا۟ كَٰفِرِينَ [37]

او خواهد گفت: «در میان جامعه‌هایی که پیش از شما گذشته‌اند، از نهانیان و انسان‌ها، به آتش درآیید.»

قَالَ ٱدْخُلُوا۟ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ فِى ٱلنَّارِ

هر بار که جامعه‌ای در آن درآید، جامعهٔ خواهر خود را نفرین می‌کند،

كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا

تا آنگاه که چون همگی در آن به هم پیوستند، آخرین آنان دربارهٔ نخستین آنان بگوید: «ای سرپرست ما، اینانند که ما را گمراه کردند؛ پس به آنان کیفری دوچندان بده، از آتش.»

حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُوا۟ فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَىٰهُمْ لِأُولَىٰهُمْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا فَـَٔاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ ٱلنَّارِ

او خواهد گفت: «برای هر یک دوچندان،

قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ

اما شما نمی‌دانید.»[38]

وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ [38]

و نخستین آنان به آخرین آنان خواهد گفت: «پس شما بر ما هیچ امتیازی ندارید؛ پس کیفر را بچشید، به‌خاطر آنچه کسب می‌کردید.»[39]

وَقَالَتْ أُولَىٰهُمْ لِأُخْرَىٰهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ [39]

همانا کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند و از آن‌ها به خودبزرگ‌بینی باد کردند، درهای آسمان بر آنان گشوده نخواهد شد، و به باغ داخل نخواهند شد، تا آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسْتَكْبَرُوا۟ عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلْجَمَلُ فِى سَمِّ ٱلْخِيَاطِ

بدین‌سان کنارگذاشته‌شدگان را بازپرداخت می‌کنیم.[40]

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُجْرِمِينَ [40]

آنان را از جهنم بستری خواهد بود،

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ

و بر فراز آنان، آنچه آنان را فرا می‌گیرد.

وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ

بدین‌سان ستمگران را بازپرداخت می‌کنیم.[41]

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّٰلِمِينَ [41]

و کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند — ما بر هیچ خویشتنی جز ظرفیتش تحمیل نمی‌کنیم —

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَآ

اینانند همراهان باغ، در آن جاودانه می‌مانند.[42]

أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [42]

و ما هر کینه‌ای را از سینه‌هایشان برکنده خواهیم بود؛ رودها از زیر آنان جاری خواهد بود،

وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ

و خواهند گفت: «ستایش از آنِ خدا است که ما را به این راه نمود؛

وَقَالُواْ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى هَدَىٰنَا لِهَٰذَا

ما راهنمایی نمی‌پذیرفتیم، اگر خدا ما را راه نمی‌نمود.

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَآ أَنْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ

فرستادگان سرپرست ما همانا با حقیقت آمده‌اند.»

لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ

و به آنان ندا داده خواهد شد: «این است باغی که به‌خاطر آنچه می‌کردید آن را به ارث برده‌اید.»[43]

وَنُودُوٓاْ أَن تِلْكُمُ ٱلْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ [43]

و همراهان باغ همراهان آتش را ندا خواهند داد: «ما آنچه سرپرست ما به ما وعده داده بود درست یافتیم؛ آیا شما آنچه سرپرست شما به شما وعده داده بود درست یافتید؟»

وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ أَصْحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا

خواهند گفت: «بله.»

قَالُواْ نَعَمْ

آنگاه منادی‌ای در میان آنان اعلام خواهد کرد: «نفرین خدا بر ستمگران است، که راه خدا را می‌بندند و می‌کوشند آن را کج گردانند، و زندگی واپسین را انکار می‌کنند.»[44-45]

فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌۢ بَيۡنَهُمۡ أَن لَّعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ [44] ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ كَٰفِرُونَ [45]

و میان آن دو، پرده‌ای.

وَبَيۡنَهُمَا حِجَابٞ

و بر بلندی‌ها، مردانی که هر کس را از علامت‌هایش می‌شناسند،

وَعَلَى ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٞ يَعۡرِفُونَ كُلَّۢا بِسِيمَٰهُمۡ

و همراهان باغ را ندا خواهند داد: «آرامش بر شما باد» —

وَنَادَوۡاْ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ

خود به آن داخل نشده‌اند، در حالی که به آن طمع دارند.[46]

لَمۡ يَدۡخُلُوهَا وَهُمۡ يَطۡمَعُونَ [46]

و چون بینایی‌هایشان به سوی همراهان آتش برگردانده شود، خواهند گفت: «ای سرپرست ما، ما را با قوم ستمگر قرار مده.»[47]

وَإِذَا صُرِفَتۡ أَبۡصَٰرُهُمۡ تِلۡقَآءَ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [47]

و همراهان بلندی‌ها مردانی را که از علامت‌هایشان می‌شناسند ندا خواهند داد: «نه انبوه شما به شما سودی رساند و نه خودبزرگ‌بینی‌ای که بدان باد می‌کردید.»[48]

وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٗا يَعۡرِفُونَهُم بِسِيمَٰهُمۡ قَالُواْ مَآ أَغۡنَىٰ عَنكُمۡ جَمۡعُكُمۡ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ [48]

«آیا اینانند کسانی که سوگند می‌خوردید خدا هیچ مهری به آنان نخواهد رساند؟»

أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمۡتُمۡ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحۡمَةٍ

«به باغ درآیید؛ هیچ ترسی بر شما نیست و اندوهگین نخواهید شد.»[49]

ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ [49]

و همراهان آتش همراهان باغ را ندا خواهند داد: «از آب بر ما سرازیر کنید، یا از آنچه خدا شما را از آن روزی داده است.»

وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَنۡ أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ أَوۡ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ

خواهند گفت: «خدا هر دو را همانا بر انکارکنندگان ممنوع کرده است، آنان که قانون خود را سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی نزدیک آنان را فریفت.»[50]

قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ [50] ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ

پس امروز، ما آنان را فراموش می‌کنیم، چنان‌که ملاقات این روزشان را فراموش کردند، و چون نشانه‌های ما را سرسختانه نفی می‌کردند.[51]

فَٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰهُمۡ كَمَا نَسُواْ لِقَآءَ يَوۡمِهِمۡ هَٰذَا وَمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ [51]

ما برای آنان همانا نوشتاری آورده‌ایم که آن را با دانشی تمام تفصیل داده‌ایم، راهنمایی و مهر برای قومی که باور می‌آورد.[52]

وَلَقَدۡ جِئۡنَٰهُم بِكِتَٰبٖ فَصَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ عِلۡمٍ هُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ [52]

آیا جز پیشگویی آن را انتظار می‌کشند؟

هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأۡوِيلَهُۥۚ

روزی که پیشگویی آن بیاید، کسانی که پیش‌تر آن را فراموش کرده بودند خواهند گفت: «فرستادگان سرپرست ما به‌راستی با حقیقت آمدند؛ آیا میانجیانی داریم تا برای ما میانجی‌گری کنند، یا می‌توانیم بازگردانده شویم تا جز آنچه عمل می‌کردیم عمل کنیم؟»

يَوۡمَ يَأۡتِي تَأۡوِيلُهُۥ يَقُولُ ٱلَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبۡلُ قَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ فَيَشۡفَعُواْ لَنَآ أَوۡ نُرَدُّ فَنَعۡمَلَ غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ

بر خویشتن خود زیان وارد آورده خواهند بود، و آنچه برمی‌ساختند از آنان دور گمراه شده خواهد بود.[53]

قَدْ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ [53]

سرپرست شما همانا خدا است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر بنا جای گرفت.

إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ

او روز را با شب می‌پوشاند، شب که بی‌وقفه آن را می‌جوید — و خورشید و ماه و ستارگان را، رام‌شده به دستور او.

يُغْشِى ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ يَطْلُبُهُۥ حَثِيثًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتٍۭ بِأَمْرِهِۦٓ

آیا آفرینش و دستور از آنِ او نیست؟

أَلَا لَهُ ٱلْخَلْقُ وَٱلْأَمْرُ

خجسته باد خدا، سرپرست همهٔ هستی‌ها.[54]

تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ [54]

سرپرست خود را فرا بخوانید، با زاری و پنهانی،

ٱدْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً

زیرا او کسانی را که از حدود می‌گذرند دوست ندارد.[55]

إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ [55]

و پس از سالم‌سازی زمین، بر آن تباهی نیفشانید،

وَلَا تُفْسِدُواْ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَا

و او را با ترس و امید فرا بخوانید،

وَٱدْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا

زیرا مهر خدا به نیکوکاران نزدیک است.[56]

إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ [56]

اوست که بادها را می‌فرستد، گسترده‌شده در پیشاپیش مهر او، (128)

وَهُوَ ٱلَّذِى يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ نُشُرًۢا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِۦٓ (128)

تا آنگاه که چون از ابرهای سنگین بار گیرند، ما آن‌ها را به دیاری مرده برانیم: آنگاه از آن آب فرود می‌آوریم و از آن همه‌گونه میوه بیرون می‌آوریم.

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ ٱلْمَآءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ

بدین‌سان مردگان را بیرون خواهیم آورد — شاید به یاد آورید.[57]

كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [57]

و دیار خوب، گیاهش با اجازهٔ سرپرستش بیرون می‌آید،

وَٱلْبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ

در حالی که از دیاری که پست است، تنها به‌سختی بیرون می‌آید.

وَٱلَّذِى خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا

بدین‌سان نشانه‌ها را برای قومی که سپاس‌گزار است گوناگون می‌گردانیم.[58]

كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ [58]

ما همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، و گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما را ایزدی دیگر جز او نیست؛

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ

زیرا من برای شما از کیفر روزی سترگ می‌ترسم.»[59]

إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ [59]

دربار قومش گفت: «ما تو را بی‌گمان در گمراهی آشکار می‌بینیم.»[60]

قَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [60]

گفت: «ای قوم من! در من هیچ گمراهی‌ای نیست، اما من فرستاده‌ای از سرپرست همهٔ هستی‌ها هستم.[61]

قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِى ضَلَٰلَةٌ وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [61]

پیام‌های سرپرستم را به شما می‌رسانم، شما را صادقانه اندرز می‌دهم، و از جانب خدا آنچه را که شما نمی‌دانید می‌دانم.[62]

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّى وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [62]

آیا شگفت می‌کنید که یادآوری‌ای از سرپرست شما، به‌وسیلهٔ مردی از خودتان، به شما بیاید، تا شما را هشدار دهد، تا محتاط باشید، و تا شاید به شما مهر ورزیده شود؟»[63]

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُواْ وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [63]

آنان او را دروغ انگاشتند؛ ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم،

فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ

و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشته بودند غرق کردیم،

وَأَغْرَقْنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ

زیرا آنان قومی کور بودند.[64]

إِنَّهُمْ كَانُواْ قَوْمًا عَمِينَ [64]

و به سوی عاد، برادرشان هود —

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا

گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما را ایزدی دیگر جز او نیست.

قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ

پس آیا محتاط نمی‌شوید؟»[65]

أَفَلَا تَتَّقُونَ [65]

دربار قومش، کسانی که انکار کرده بودند، گفت: «ما تو را بی‌گمان در نابخردی تمام می‌بینیم، و تو را بی‌گمان از دروغ‌گویان فرض می‌کنیم.»[66]

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ [66]

گفت: «ای قوم من! در من هیچ نابخردی‌ای نیست، اما من فرستاده‌ای از سرپرست همهٔ هستی‌ها هستم.[67]

قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِى سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [67]

پیام‌های سرپرستم را به شما می‌رسانم، و برای شما اندرزدهنده‌ای مورد اعتماد هستم.[68]

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّى وَأَنَا۠ لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ [68]

آیا شگفت می‌کنید که یادآوری‌ای از سرپرست شما، به‌وسیلهٔ مردی از خودتان، به شما بیاید تا شما را هشدار دهد؟

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ

و به یاد آورید که او شما را پس از قوم نوح جانشین کرد، و در آفرینش بر پهناوری شما افزود.

وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِى ٱلْخَلْقِ بَصْۜطَةً

پس دهش‌های خدا را به یاد آورید، شاید کامیاب شوید.»[69]

فَٱذْكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [69]

گفتند: «آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما تنها از خدا فرمان ببریم و آنچه را نیاکان ما از آن فرمان می‌بردند رها کنیم؟ پس آنچه را به ما وعده می‌دهی بیاور، اگر از راست‌گویانی.»[70]

قَالُوٓاْ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [70]

گفت: «آلودگی‌ای و خشمی از سرپرست شما از پیش بر شما رسیده است.

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ

آیا با من دربارهٔ ویژگی‌هایی که شما و نیاکانتان نام نهاده‌اید بحث می‌کنید، بی‌آنکه خدا هیچ اقتداری بر آن‌ها فرود آورده باشد؟

أَتُجَٰدِلُونَنِى فِىٓ أَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ

پس انتظار بکشید، زیرا من با شما از انتظارکشندگانم.»[71]

فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ [71]

پس او و کسانی را که با او بودند، به مهری از سوی ما نجات دادیم، و تا آخرین بازماندهٔ کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشته بودند قطع کردیم: آنان باورمند نبودند.[72]

فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَمَا كَانُواْ مُؤْمِنِينَ [72]

و به سوی ثمود، برادرشان صالح —

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا

گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما را ایزدی دیگر جز او نیست.

قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ

برای شما از سرپرست شما برهانی روشن آمده است:

قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ

این ماده‌شتر خدا است، نشانه‌ای برای شما.

هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً

پس او را رها کنید: بر زمین خدا بخورد،

فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ

و با هیچ بدی به او دست نزنید، وگرنه کیفری دردناک شما را بگیرد.»[73]

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٖ [73]

و به یاد آورید که او شما را پس از عاد جانشین کرد، و شما را بر زمین سکنا داد: در دشت‌هایش کاخ‌ها برمی‌گیرید، و از کوه‌ها خانه‌ها می‌تراشید.

وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ وَبَوَّأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورٗا وَتَنۡحِتُونَ ٱلۡجِبَالَ بُيُوتٗا

پس دهش‌های خدا را به یاد آورید،

فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ

و بر زمین، فسادگرانه، آشوب نپراکنید.[74]

وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ [74]

دربار قومش، کسانی که به خودبزرگ‌بینی باد کرده بودند، به کسانی که به ناتوانی کشانده شده بودند، به آن‌ها از میان ایشان که باور آورده بودند، گفت: «آیا می‌دانید که صالح از سوی سرپرستش فرستاده شده است؟»

قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِمَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُمۡ أَتَعۡلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحٗا مُّرۡسَلٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ

گفتند: «ما به آنچه او با آن فرستاده شده است همانا باور می‌آوریم.»[75]

قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلَ بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ [75]

کسانی که به خودبزرگ‌بینی باد کرده بودند گفتند: «ما به‌نوبهٔ خود آنچه را شما به آن باور می‌آورید همانا انکار می‌کنیم.»[76]

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا بِٱلَّذِيٓ ءَامَنتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ [76]

آنگاه ماده‌شتر را پی کردند و با گستاخی دستور سرپرست خود را به چالش کشیدند،

فَعَقَرُواْ ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ

و گفتند: «ای صالح! آنچه را به ما وعده می‌دهی بیاور، اگر از فرستاده‌شدگانی.»[77]

وَقَالُواْ يَٰصَٰلِحُ ٱئۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ [77]

آنگاه لرزه آنان را گرفت، و در سرای خود افتاده و بی‌جنبش خود را یافتند.[78]

فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ [78]

از آنان روی برتافت و گفت: «ای قوم من! پیام سرپرست خود را همانا به شما رساندم و شما را اندرز دادم،

فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ

اما شما اندرزدهندگان راستین را دوست ندارید.»[79]

وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ [79]

و لوط، چون به قوم خود گفت: «آیا زشتی‌ای را مرتکب می‌شوید که هیچ‌کس از میان همهٔ هستی‌ها در آن بر شما پیشی نگرفته است؟[80]

وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ [80]

شما بی‌گمان از سر میل، نزد مردان می‌آیید، غیر از زنان.

إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِ

شما بلکه قومی از افراطیان‌اید.»[81]

بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ [81]

و پاسخ قومش تنها این بود که گفتند: «آنان را از شهر خود اخراج کنید؛

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوهُم مِّن قَرۡيَتِكُمۡ

آنان مردمی‌اند که می‌خواهند خود را پاک کنند.»[82]

إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ [82]

پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم، مگر زنش، که از درنگ‌کنندگان بود.[83]
فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ [83]

و بر آنان بارانی بارانیدیم.
وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا

پس بنگر که فرجام کنارگذاشته‌شدگان چگونه بود.[84]
فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ [84]

و به سوی مدین، برادرشان شعیب —
وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا

گفت: «ای قوم من! از خدا فرمان برید: شما را ایزدی دیگر جز او نیست.
قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ

برای شما از سرپرست شما برهانی روشن آمده است.
قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ

پس پیمانه و ترازو را با وفاداری بدهید،
فَأَوْفُواْ ٱلْكَيْلَ وَٱلْمِيزَانَ

و مردم را در چیزهایشان کم‌بهره نسازید،
وَلَا تَبْخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ

و پس از سالم‌سازی زمین، بر آن تباهی نیفشانید.
وَلَا تُفْسِدُواْ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَا

این برای شما بهتر است، اگر باورمندید.[85]
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [85]

و بر هر جاده‌ای نایستید، در حالی که تهدید می‌کنید و راه خدا را بر هر که به او باور می‌آورد می‌بندید و می‌کوشید آن را کج گردانید.

وَلَا تَقْعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا

و به یاد آورید که شما اندک بودید، و او شما را بسیار گردانید.

وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ

و بنگرید که فرجام تباهی‌گران چگونه بود.[86]

وَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ [86]

و اگر گروهی از شما به آنچه من با آن فرستاده شدم باور آورده است، و گروهی دیگر باور نیاورده است، پس شکیبایی کنید تا خدا میان ما داوری کند:

وَإِن كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنكُمْ ءَامَنُواْ بِٱلَّذِىٓ أُرْسِلْتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُواْ فَٱصْبِرُواْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ بَيْنَنَا

او بهترین داوران است.»[87]

وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ [87]

دربار قومش، کسانی که به خودبزرگ‌بینی باد کرده بودند، گفت: «ای شعیب، ما تو و کسانی را که با تو باور آورده‌اند بی‌گمان از شهر خود اخراج خواهیم کرد، مگر آنکه به آموزهٔ ما دوباره درآیید.»

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُواْ مِن قَوْمِهِۦ لَنُخْرِجَنَّكَ يَٰشُعَيْبُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا

گفت: «و حتی اگر از آن نفرت داشته باشیم؟[88]

قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَٰرِهِينَ [88]

بر خدا دروغی برمی‌ساختیم، اگر پس از آنکه خدا ما را از آن نجات داد، به آموزهٔ شما دوباره درمی‌آمدیم.

قَدِ ٱفْتَرَيْنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِى مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنْهَا

ما را نشاید که به آن دوباره درآییم، مگر آنکه خدا، سرپرست ما، را پسند افتد.

وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَا

سرپرست ما هر چیز را با دانش خود در بر می‌گیرد.

وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

ما به خدا وکالت می‌دهیم.

عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْنَا

ای سرپرست ما، میان ما و قوم ما، به حقیقت، بگشای:

رَبَّنَا ٱفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِٱلْحَقِّ

تو بهترین گشایندگانی.»[89]

وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْفَٰتِحِينَ [89]

و دربار قومش، کسانی که انکار می‌کردند، گفت: «اگر از شعیب پیروی کنید، آنگاه بی‌گمان از زیان‌کاران خواهید بود.»[90]

وَقَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ لَئِنِ ٱتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ [90]

آنگاه لرزه آنان را گرفت، و در سرای خود افتاده و بی‌جنبش خود را یافتند.[91]

فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا۟ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ [91]

کسانی که شعیب را دروغ انگاشته بودند، گویی هرگز در آن زندگی نکرده بودند.

ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَا

کسانی که شعیب را دروغ انگاشته بودند، آنان بودند زیان‌کاران.[92]

ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ شُعَيْبًا كَانُوا۟ هُمُ ٱلْخَٰسِرِينَ [92]

به آنان پشت کرد و گفت: «ای قوم من! پیام‌های سرپرستم را همانا به شما رساندم و شما را اندرز دادم.

فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ

پس چگونه برای قومی که انکار می‌کند افسوس بخورم؟»[93]

فَكَيۡفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ [93]

ما در هیچ شهری اطلاع‌دهنده‌ای نفرستادیم، بی‌آنکه مردم آن شهر را با سختی و آسیب گرفته باشیم، شاید زاری می‌کردند.[94]

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ [94]

سپس بدی را با نیکی جایگزین کردیم، تا آنکه شکوفا شدند

ثُمَّ بَدَّلۡنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ

و گفتند: «آسیب و رفاه پیش‌تر به نیاکان ما رسیده است»؛ آنگاه آنان را ناگهان گرفتیم، بی‌آنکه احساس کنند.[95]

وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ فَأَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ [95]

و اگر مردم شهرها باور آورده بودند و محتاط بوده بودند، ما همانا خجستگی‌هایی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛

وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ

اما دروغ انگاشتند، و ما آنگاه آنان را گرفتیم به‌خاطر آنچه کسب می‌کردند.[96]

وَلَٰكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذۡنَٰهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ [96]

آیا مردم شهرها پس مطمئن‌اند که سخت‌گیری ما شبانه بر آنان نخواهد آمد، در حالی که خفته‌اند؟ یا مردم شهرها مطمئن‌اند که سخت‌گیری ما در بامداد روشن بر آنان نخواهد آمد، در حالی که بازی می‌کنند؟[97-98]

أَفَأَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا بَيَٰتٗا وَهُمۡ نَآئِمُونَ [97] أَوَأَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا ضُحٗى وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ [98]

پس آیا خود را از توطئهٔ خدا در امان می‌یابند؟

أَفَأَمِنُواْ مَكۡرَ ٱللَّهِ

هیچ‌کس خود را از توطئهٔ خدا در امان نمی‌یابد، مگر قوم زیان‌کاران.[99]

فَلَا يَأۡمَنُ مَكۡرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ [99]

آیا کسانی که پس از مردمی که در آن بودند زمین را به ارث می‌برند، پس با این راه نموده نمی‌شوند: اگر ما را پسند می‌افتاد، بهای تقصیرهایشان را بر آنان به وقوع می‌رساندیم،

أَوَلَمۡ يَهۡدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ أَهۡلِهَآ أَن لَّوۡ نَشَآءُ أَصَبۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ

و بر هسته‌هایشان مُهر می‌نهیم، چنان‌که نمی‌شنوند؟[100]

وَنَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ [100]

اینها شهرهایی‌اند که برخی اطلاعات آن‌ها را برای تو حکایت می‌کنیم.

تِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآئِهَا

فرستادگانشان همانا با برهان‌های روشن به سوی آنان آمده بودند، اما آماده نبودند به آنچه پیش‌تر دروغ انگاشته بودند باور آورند.

وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ مِن قَبۡلُ

چنین است که خدا بر هسته‌های انکارکنندگان مُهر می‌نهد.[101]

كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡكَٰفِرِينَ [101]

و ما در بیشترشان هیچ پیمانِ نگاه‌داشته‌شده‌ای نیافتیم؛

وَمَا وَجَدۡنَا لِأَكۡثَرِهِم مِّنۡ عَهۡدٖ

و ما بی‌گمان یافتیم که بیشترشان تجاوزگر بودند.[102]

وَإِن وَجَدۡنَآ أَكۡثَرَهُمۡ لَفَٰسِقِينَ [102]

سپس پس از آنان موسی را با نشانه‌های ما به سوی فرعون و دربار او برانگیختیم، اما بر آن‌ها ستم کردند.

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَظَلَمُواْ بِهَا

پس بنگر که فرجام تباهی‌گران چگونه بود.[103]

فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ [103]

و موسی گفت: «ای فرعون! من همانا فرستاده‌ای از سرپرست همهٔ هستی‌ها هستم، به حقیقت،[104]

وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرْعَوْنُ إِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [104] حَقِيقٌ

ملزم به اینکه دربارهٔ خدا تنها حقیقت را بگویم.

عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ

من با برهانی روشن از سرپرست شما به سوی شما آمده‌ام؛

قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ

پس بگذار فرزندان اسرائیل با من بروند.»[105]

فَأَرْسِلْ مَعِىَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ [105]

گفت: «اگر با نشانه‌ای آمده‌ای، پس آن را بیاور، اگر از راست‌گویانی.»[106]

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِـَٔايَةٍ فَأْتِ بِهَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ [106]

آنگاه عصای خود را افکند، و ناگاه مار آشکاری گشت؛ و دست خود را بیرون کشید، و ناگاه برای کسانی که می‌نگریستند سفید بود.[107–108]

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ [107] وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ [108]

دربار قوم فرعون گفت: «این بی‌گمان چشم‌بندی دانا است، که می‌خواهد شما را از زمین شما بیرون کند.»[109]

قَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٌ [109] يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ

«پس چه اندرز می‌دهید؟»[110]

فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ [110]

گفتند: «او و برادرش را معلق بگذار، و در پایتخت‌ها گردآورندگان بفرست، که هر چشم‌بند دانایی را برای تو خواهند آورد.»[111-112]

قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَأَرۡسِلۡ فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ [111] يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ [112]

و چشم‌بندان نزد فرعون آمدند؛ گفتند: «آیا اگر ما پیروزان باشیم، بی‌گمان پاداشی خواهیم داشت؟»[113]

وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرۡعَوۡنَ قَالُوٓاْ إِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ [113]

گفت: «بله، و شما بی‌گمان از نزدیک‌شدگان خواهید بود.»[114]

قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ لَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ [114]

گفتند: «ای موسی! یا تو بیفکن، یا ما خود افکنندگان خواهیم بود.»[115]

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحۡنُ ٱلۡمُلۡقِينَ [115]

گفت: «بیفکنید.»

قَالَ أَلۡقُواْ

چون افکندند، چشم‌های مردم را به چشم‌بندی فریفتند، و آنان را از هیبت آکندند،

فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ سَحَرُوٓاْ أَعۡيُنَ ٱلنَّاسِ وَٱسۡتَرۡهَبُوهُمۡ

و چشم‌بندی‌ای سترگ آوردند.[116]

وَجَآءُو بِسِحۡرٍ عَظِيمٖ [116]

و ما به موسی پرده برداشتیم: «عصای خود را بیفکن»؛

وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَ

و ناگاه آنچه را ساختگی جلوه می‌دادند می‌ربود.[117]

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ [117]

آنگاه حقیقت تحقق یافت، و آنچه می‌کردند بی‌اثر گشت.[118]

فَوَقَعَ ٱلْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [118]

همان‌جا شکست داده شدند، و خوارشده بازگشتند.[119]

فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ [119]

و چشم‌بندان، پیشانی بر خاک نهاده، افکنده شدند.[120]

وَأُلْقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ [120]

گفتند: «ما به سرپرست همهٔ هستی‌ها باور آوردیم، به سرپرست موسی و هارون.»[121-122]

قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [121] رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ [122]

فرعون گفت: «پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او باور آوردید! این بی‌گمان توطئه‌ای است که در پایتخت توطئه کردید تا مردمش را از آن بیرون کنید؛ به‌زودی خواهید دانست.[123]

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي ٱلْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُواْ مِنْهَآ أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ [123]

من بی‌گمان دست‌ها و پاهای شما را، به‌تناوب، بارها خواهم برید، سپس بی‌گمان همهٔ شما را بر تیرک میخکوب خواهم کرد.»[124]

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ [124]

گفتند: «ما به سوی سرپرست خود رو برمی‌گردانیم.[125]

قَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ [125]

و تو تنها از ما کینه می‌ورزی از آنکه به نشانه‌های سرپرست ما باور آوردیم، هنگامی که به ما رسیدند.

وَمَا تَنقِمُ مِنَّآ إِلَّآ أَنْ ءَامَنَّا بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَا

ای سرپرست ما، ما را غرق شکیبایی ساز، و ما را وفادارانه، چون کسانی که نزد خدا بی‌خدشه‌اند، نگاه دار.»[126]

رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ [126]

و دربار قوم فرعون گفت: «آیا موسی و قومش را رها خواهی کرد تا در زمین تباهی بیفشانند و تو و فرمان‌برداری‌ای را که به تو بدهکارند رها کنند؟»(129)

وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَيَذَرَكَ وَإٓلَٰهَتَكَ (129)

گفت: «پسرانشان را قتل‌عام خواهیم کرد و به شرم زنانشان لطمه خواهیم زد؛ ما همانا بر آنان بالاتریم، در جایگاه قدرت.»[127]

قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ قَٰهِرُونَ [127]

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری بجویید، و شکیبا باشید؛

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُواْ

زیرا زمین از آنِ خدا است؛ او آن را به هر که او را پسند افتد از فرمان‌برداران خود به ارث می‌دهد،

إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ

و فرجام از آنِ محتاطان است.»[128]

وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ [128]

گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزرده شدیم، و پس از آنکه به سوی ما آمدی.»

قَالُوٓاْ أُوذِينَا مِن قَبۡلِ أَن تَأۡتِيَنَا وَمِنۢ بَعۡدِ مَا جِئۡتَنَا

گفت: «ممکن است سرپرست شما دشمن شما را نابود کند و شما را بر زمین جانشین گرداند، تا بنگرد که چگونه عمل خواهید کرد.»[129]

قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُهۡلِكَ عَدُوَّكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ [129]

و ما همانا خاندان فرعون را با سال‌ها و کاهشی در میوه‌ها گرفتیم، شاید به یاد می‌آوردند.[130]

وَلَقَدْ أَخَذْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ بِٱلسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ [130]

چون نیکی به آنان می‌رسد، می‌گویند: «این از آنِ ما است»؛

فَإِذَا جَآءَتْهُمُ ٱلْحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَٰذِهِۦ

و اگر بدی‌ای به آنان رخ دهد، آن را به شگونی بد از موسی و کسانی که با او هستند نسبت می‌دهند.

وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُواْ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ

آیا نه اینکه در واقع شگونشان نزد خدا است؟

أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمْ عِندَ ٱللَّهِ

اما بیشترشان نمی‌دانند.[131]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [131]

و گفتند: «هر نشانه‌ای که برای ما بیاوری تا با آن ما را چشم‌بندی کنی، ما به تو اعتبار نخواهیم داد.»[132]

وَقَالُواْ مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِۦ مِنْ ءَايَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ [132]

آنگاه سیلاب، ملخ‌ها، شپش‌ها، قورباغه‌ها و خون را بر آنان فرستادیم، نشانه‌هایی تفصیل‌داده‌شده؛ اما به خودبزرگ‌بینی باد کردند و قومی از کنارگذاشته‌شدگان بودند.[133]

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلطُّوفَانَ وَٱلْجَرَادَ وَٱلْقُمَّلَ وَٱلضَّفَادِعَ وَٱلدَّمَ ءَايَٰتٍ مُّفَصَّلَٰتٍ فَٱسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ [133]

و چون آلودگی به آنان رسید، گفتند: «ای موسی! سرپرست خود را برای ما فرا بخوان، بر پایهٔ پیمانی که با تو بسته است؛ اگر آلودگی را از ما برطرف کنی، بی‌گمان به تو اعتبار خواهیم داد، و بی‌گمان خواهیم گذاشت فرزندان اسرائیل با تو بروند.»[134]

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ ٱلرِّجْزُ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا ٱلرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ [134]

اما چون ما آلودگی را از آنان برطرف کردیم تا زمانی مقرر که به آن می‌رسیدند، ناگاه از قول خود برگشتند.[135]

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ ٱلرِّجْزَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ [135]

پس از آنان انتقام گرفتیم، و آنان را در موج غرق کردیم، به‌خاطر آنکه نشانه‌های ما را دروغ انگاشته و از آن‌ها بی‌اعتنا بودند.[136]

فَٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُوا۟ عَنْهَا غَٰفِلِينَ [136]

و قومی را که به ناتوانی کشانده شده بود، خاورها و باخترهای زمینی را که خجسته گردانده بودیم به ارث دادیم.

وَأَوْرَثْنَا ٱلْقَوْمَ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ يُسْتَضْعَفُونَ مَشَٰرِقَ ٱلْأَرْضِ وَمَغَٰرِبَهَا ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا

و سخن زیبای سرپرست تو بر فرزندان اسرائیل به تمام رسانده شد، به‌خاطر آنکه شکیبایی کردند؛

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ بِمَا صَبَرُوا۟

و آنچه فرعون و قومش می‌ساختند و آنچه برمی‌افراشتند ویران کردیم.[137]

وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُۥ وَمَا كَانُوا۟ يَعْرِشُونَ [137]

و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم؛ به قومی رسیدند که در برابر بت‌هایشان ایستاده بودند.

وَجَٰوَزْنَا بِبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ فَأَتَوْا۟ عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰٓ أَصْنَامٍ لَّهُمْ

گفتند: «ای موسی! برای ما ایزدی بساز، چنان‌که آنان را ایزدانی است.»

قَالُوا۟ يَٰمُوسَى ٱجْعَل لَّنَآ إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ

گفت: «شما همانا قومی نادان‌اید.[138]

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ [138]

آنچه اینان به جا می‌آورند محکوم به ویرانی است،

إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٞ مَّا هُمۡ فِيهِ

و باطل است آنچه می‌کردند.»[139]

وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ [139]

گفت: «آیا برای شما ایزدی جز خدا بجویم، حال آنکه او شما را بر همهٔ هستی‌ها ترجیح داده است؟»[140]

قَالَ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا وَهُوَ فَضَّلَكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ [140]

و چون شما را از خاندان فرعون نجات دادیم، آنان که کیفر بد بر شما وارد می‌کردند، پسرانتان را قتل‌عام می‌کردند و به شرم زنانتان لطمه می‌زدند —

وَإِذۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡ

و در آن، از سوی سرپرست شما، آنچه به‌گونه‌ای سترگ می‌آزماید بود.[141]

وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ [141]

و برای موسی وعده‌گاهی سی‌شبه مقرر کردیم که آن را با ده شب کامل کردیم: بدین‌سان وعده‌گاه مقرر سرپرستش در چهل شب کامل شد.

وَوَٰعَدۡنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيۡلَةٗ وَأَتۡمَمۡنَٰهَا بِعَشۡرٖ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗ

و موسی به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشین من باش، سالم‌سازی کن، و از راه تباهی‌گران پیروی نکن.»[142]

وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخۡلُفۡنِي فِي قَوۡمِي وَأَصۡلِحۡ وَلَا تَتَّبِعۡ سَبِيلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ [142]

و چون موسی به وعده‌گاه مقرر ما آمد، و سرپرستش با او سخن گفت، گفت: «ای سرپرست من، خود را به من بنمای تا تو را بنگرم.»

وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرۡ إِلَيۡكَ

گفت: «مرا نخواهی دید، اما به کوه بنگر: اگر بر جای خود ماند، آنگاه مرا خواهی دید.»

قَالَ لَن تَرَىٰنِي وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ فَإِنِ ٱسْتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوْفَ تَرَىٰنِي

چون سرپرستش خود را بر کوه آشکار کرد، آن را هموار کرد، و موسی صاعقه‌زده افتاد.

فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا

چون به هوش آمد، گفت: «شکوه بر تو باد! به سوی تو برمی‌گردم، و من نخستین باورمندانم.»[143]

فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبْحَٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُؤْمِنِينَ [143]

گفت: «ای موسی! من تو را از میان انسان‌ها برای پیام‌هایم و برای کلامم برگزیدم؛ پس آنچه به تو داده‌ام بگیر، و از سپاس‌گزاران باش.»[144]

قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصْطَفَيْتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي فَخُذْ مَآ ءَاتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ [144]

و ما برای او بر لوحه‌ها پندی دربارهٔ هر چیز و تفصیلی از هر چیز نوشتیم.

وَكَتَبْنَا لَهُۥ فِي ٱلْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

پس آن‌ها را با نیرو بگیر، و به قوم خود دستور بده که زیباترین آنچه در آن‌ها است بگیرند.

فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا۟ بِأَحْسَنِهَا

جایگاه تجاوزگران را به شما نشان خواهم داد.[145]

سَأُورِيكُمْ دَارَ ٱلْفَٰسِقِينَ [145]

کسانی را که در زمین بی‌حق خودبزرگ‌بینی می‌کنند از نشانه‌های خود دور خواهم داشت؛ حتی اگر هر نشانه‌ای را می‌دیدند، به آن باور نمی‌آوردند، و اگر راه راستی را می‌دیدند، آن را راه نمی‌گرفتند، در حالی که اگر راه سرگردانی را می‌دیدند، آن را راه می‌گرفتند.

سَأَصْرِفُ عَنْ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَإِن يَرَوْا۟ كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا۟ بِهَا وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا۟ سَبِيلَ ٱلْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا

این از آن است که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند و از آن‌ها بی‌اعتنا ماندند.[146]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا وَكَانُوا۟ عَنْهَا غَـٰفِلِينَ [146]

و کسانی که نشانه‌های ما و ملاقات زندگی واپسین را دروغ انگاشتند، کردارهایشان فروریخته است؛ آیا جز بر پایهٔ آنچه می‌کردند بازپرداخت خواهند شد؟[147]

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا وَلِقَآءِ ٱلْـَٔاخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَـٰلُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [147]

و قوم موسی پس از او از زیورهایشان گوساله‌ای گرفتند، پیکری که بانگ برمی‌آورد.

وَٱتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنۢ بَعْدِهِۦ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ

آیا پس نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید و آنان را به هیچ راهی راه نمی‌نمود؟

أَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا

آن را گرفتند، و ستمگر بودند.[148]

ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُوا۟ ظَـٰلِمِينَ [148]

و چون دچار پشیمانی شدند و دیدند که گمراه شده بودند، گفتند: «اگر سرپرست ما به ما مهر نورزد و ما را نبخشاید، بی‌گمان از زیان‌کاران خواهیم بود.»[149]

وَلَمَّا سُقِطَ فِىٓ أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا۟ أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا۟ قَالُوا۟ لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَـٰسِرِينَ [149]

چون موسی خشمگین و تلخ‌کام به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «چه ناپسند است آنچه پس از من به جای من کردید!

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ غَضْبَـٰنَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِى مِنۢ بَعْدِىٓ

آیا خواستید در دستور سرپرست خود شتاب بخشید؟»

أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ

و لوحه‌ها را افکند، و سر برادرش را گرفت و او را به سوی خود کشید.

وَأَلْقَى ٱلْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُۥٓ إِلَيْهِ

گفت: «ای پسر مادرم! قوم مرا همانا به ناتوانی کشاند و نزدیک بود مرا بکشد؛ پس مکن که دشمنان به حال من شادمان شوند، و مرا با قوم ستمگر قرار مده.»[150]

قَالَ ٱبْنَ أُمَّ إِنَّ ٱلْقَوْمَ ٱسْتَضْعَفُونِى وَكَادُواْ يَقْتُلُونَنِى فَلَا تُشْمِتْ بِىَ ٱلْأَعْدَآءَ وَلَا تَجْعَلْنِى مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [150]

گفت: «ای سرپرست من، مرا و برادرم را ببخشای، و ما را به مهر خود درآور؛

قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِأَخِى وَأَدْخِلْنَا فِى رَحْمَتِكَ

تو مهربان‌ترین مهربانانی.»[151]

وَأَنتَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ [151]

کسانی که گوساله را گرفتند، خشمی از سرپرستشان همانا به آنان خواهد رسید، و خواری‌ای در زندگی نزدیک.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

بدین‌سان برسازندگان دروغ را بازپرداخت می‌کنیم.[152]

وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُفْتَرِينَ [152]

و کسانی که کنش‌های بد کردند، سپس پس از آن از کردار خود برگشتند و باور آوردند — سرپرست تو، پس از آن، بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.[153]

وَٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعْدِهَا وَءَامَنُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ [153]

و چون خشم موسی فروکش کرد، لوحه‌ها را برداشت؛ در نوشتهٔ آن‌ها راهنمایی و مهر بود برای کسانی که سرپرست خود را حرمت می‌نهند.[154]

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى ٱلْغَضَبُ أَخَذَ ٱلْأَلْوَاحَ وَفِى نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ [154]

و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد را، برای وعده‌گاه مقرر ما، اختیار کرد.

وَٱخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُۥ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَٰتِنَا

چون لرزه آنان را گرفت، گفت: «ای سرپرست من، اگر تو را پسند افتاده بود، آنان را از پیش نابود می‌کردی، و مرا نیز.

فَلَمَّآ أَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّٰىَ

آیا ما را برای آنچه نابخردان در میان ما کردند نابود می‌کنی؟

أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَّآ

این تنها آزمون تو است که با آن هر که را تو را پسند افتد گمراه می‌کنی، و هر که را تو را پسند افتد راه می‌نمایی.

إِنْ هِىَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَآءُ وَتَهْدِى مَن تَشَآءُ

تو متحد ما هستی؛ پس ما را ببخشای، و به ما مهر ورز؛ تو بهترین بخشندگانی.[155]

أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْغَٰفِرِينَ [155]

و برای ما در این زندگی نزدیک دهشی بنویس، و نیز در زندگی واپسین؛

وَٱكْتُبْ لَنَا فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ

زیرا ما به سوی تو برمی‌گردیم.»

إِنَّا هُدْنَآ إِلَيْكَ

گفت: «کیفر من را به هر که مرا پسند افتد به وقوع می‌رسانم،

قَالَ عَذَابِىٓ أُصِيبُ بِهِۦ مَنْ أَشَآءُ

و مهر من هر چیز را در بر می‌گیرد.

وَرَحْمَتِى وَسِعَتْ كُلَّ شَىْءٍ

پس آن را خواهم نوشت برای کسانی که محتاط‌اند، گشاده‌دستی ناب می‌دهند، و به نشانه‌های ما باور می‌آورند، کسانی که از فرستاده، اطلاع‌دهنده‌ای که پیش‌تر نوشته‌ای نداشت، پیروی می‌کنند، که او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته‌شده می‌یابند، که آنان را به آنچه شناخته‌شده است دستور می‌دهد و از آنچه مردود است قدغن می‌کند، چیزهای خوب را برای آنان روا می‌کند و چیزهای پلید را بر آنان ممنوع می‌کند، و یوغشان و غل‌هایی را که بر آنان سنگینی می‌کرد از آنان برمی‌دارد.[156]

فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَـٰتِنَا يُؤْمِنُونَ 156 ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِىَّ ٱلْأُمِّىَّ ٱلَّذِى يَجِدُونَهُۥ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ وَٱلْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَىٰهُمْ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَـٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ ٱلْخَبَـٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَٱلْأَغْلَـٰلَ ٱلَّتِى كَانَتْ عَلَيْهِمْ

کسانی که به او باور می‌آورند، او را پشتیبانی می‌کنند، او را یاری می‌رسانند، و از نوری که با او فرود آورده شد پیروی می‌کنند — اینانند کامیابان.»[157]

فَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُوا۟ ٱلنُّورَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ ۙ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ 157

بگو: «ای انسان‌ها! من همانا فرستادهٔ خدا به سوی همهٔ شما هستم، آن که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ او است.

قُلْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّى رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

هیچ ایزدی نیست مگر او.

لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ

او زندگی می‌بخشد و می‌میراند.

يُحْىِۦ وَيُمِيتُ

پس به خدا و فرستادهٔ او، اطلاع‌دهنده‌ای که پیش‌تر نوشته‌ای نداشت، باور آورید، که به خدا و کلام‌های او باور می‌آورد،

فَـَٔامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِىِّ ٱلْأُمِّىِّ ٱلَّذِى يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَـٰتِهِۦ

و از او پیروی کنید، شاید راهنمایی بپذیرید.»[158]

وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ [158]

و از میان قوم موسی، جامعه‌ای هست که بر پایهٔ حقیقت راه می‌نماید و به آن دادگری می‌کند.[159]

وَمِن قَوۡمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ [159]

و ما آنان را به دوازده دودمان، به جامعه‌هایی، بخش کردیم،

وَقَطَّعۡنَٰهُمُ ٱثۡنَتَيۡ عَشۡرَةَ أَسۡبَاطًا أُمَمٗا

و به موسی پرده برداشتیم، هنگامی که قومش از او نوشیدنی خواستند: «با عصایت بر صخره بزن»؛

وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ إِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰهُ قَوۡمُهُۥٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَ

و ناگاه دوازده چشمه از آن جوشید:

فَٱنۢبَجَسَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗا

هر گروهی از انسان‌ها جای نوشیدن خود را شناخت.

قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡ

و سایهٔ ابر را بر آنان گستردیم، و ترنجبین و بلدرچین را بر آنان فرود آوردیم:

وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡغَمَٰمَ وَأَنزَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ

«از چیزهای خوبی که شما را روزی داده‌ایم بخورید.»

كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ

آنان بر ما ستم نکردند،

وَمَا ظَلَمُونَا

اما بر خود ستم می‌کردند.[160]

وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ [160]

و چون به آنان گفته شد: «در این شهر سکنا گزینید، از آن هرجا که شما را پسند افتد بخورید، بگویید: ما را سبکبار کن، و از در، پیشانی بر خاک نهاده، درآیید: خطاهایتان را خواهیم بخشود.

وَإِذۡ قِيلَ لَهُمُ ٱسۡكُنُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ وَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ وَقُولُواْ حِطَّةٞ وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطِيٓـَٰتِكُمۡ

به نیکوکاران بیشتر خواهیم داد.»[161]

سَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [161]

اما کسانی از آنان که ستمگر بودند سخنی غیر از آنچه به آنان گفته شده بود جایگزین کردند؛ آنگاه از آسمان بر آنان آلودگی‌ای فرستادیم، به‌خاطر آنکه ستمگر بودند.[162]

فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَظۡلِمُونَ [162]

و از آنان دربارهٔ شهری که همجوار دریا بود بپرس: چون دربارهٔ آسایش از حدود می‌گذشتند، ماهی‌هایشان در روز آسایششان، بر روی آب، به سوی آنان می‌آمدند؛ و روزی که آسایش را نگاه نمی‌داشتند، نزدشان نمی‌آمدند.

وَسۡـَٔلۡهُمۡ عَنِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَتۡ حَاضِرَةَ ٱلۡبَحۡرِ إِذۡ يَعۡدُونَ فِي ٱلسَّبۡتِ إِذۡ تَأۡتِيهِمۡ حِيتَانُهُمۡ يَوۡمَ سَبۡتِهِمۡ شُرَّعٗا وَيَوۡمَ لَا يَسۡبِتُونَ لَا تَأۡتِيهِمۡ

بدین‌سان آنان را می‌آزمودیم، به‌خاطر آنکه تجاوز کرده بودند.[163]

كَذَٰلِكَ نَبۡلُوهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ [163]

و چون جامعه‌ای از میان آنان گفت: «چرا قومی را که خدا نابودشان خواهد کرد، یا به کیفری سخت کیفر خواهد داد، پند می‌دهید؟»

وَإِذۡ قَالَتۡ أُمَّةٞ مِّنۡهُمۡ لِمَ تَعِظُونَ قَوۡمًا ٱللَّهُ مُهۡلِكُهُمۡ أَوۡ مُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗا

گفتند: «برای پوزشی نزد سرپرست شما، و شاید محتاط شوند.»[164]

قَالُواْ مَعۡذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ [164]

چون آنچه را به آنان یادآوری شده بود فراموش کردند، ما کسانی را که بدی را قدغن می‌کردند نجات دادیم، و ستمگران را به کیفری سخت‌گیرانه گرفتیم، به‌خاطر آنکه تجاوز کرده بودند.[165]

فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِۭ بَـِٔيسِۭ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ [165]

سپس چون آنچه را از آن قدغن شده بودند با گستاخی به چالش کشیدند، به آنان گفتیم: «میمون‌هایی واپس‌زده‌شده باشید.»[166]

فَلَمَّا عَتَوۡاْ عَن مَّا نُهُواْ عَنۡهُ قُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ [166]

و چون سرپرست تو اعلام کرد که بی‌گمان تا روز حضور بر آنان کسی را برخواهد انگیخت که کیفر بد بر آنان وارد کند.

وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبۡعَثَنَّ عَلَيۡهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَن يَسُومُهُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ

سرپرست تو بی‌گمان در تنبیه شتابنده است،

إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ

و او بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.[167]

وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ [167]

و ما آنان را بر زمین در جامعه‌هایی بخش کردیم:

وَقَطَّعۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُمَمٗا

از میان آنان کسانی هستند که شایسته‌اند، و از میان آنان کسانی که کمتر چنین‌اند.

مِّنۡهُمُ ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنۡهُمۡ دُونَ ذَٰلِكَ

و ما آنان را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازمی‌گشتند.[168]

وَبَلَوۡنَٰهُم بِٱلۡحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ [168]

سپس نسلی پسین جانشین آنان شد که نوشتار را به ارث برد، کالای زودگذر این فروتر را برمی‌گیرد و می‌گوید: «برای ما بخشوده خواهد شد»؛ و اگر کالایی همانند باز به آنان آید، آن را برمی‌گیرند.

فَخَلَفَ مِنۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُواْ ٱلْكِتَٰبَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا ٱلْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُۥ يَأْخُذُوهُ

آیا پیمان استوار نوشتار از آنان گرفته نشد، که دربارهٔ خدا تنها حقیقت را خواهند گفت؟

أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَٰقُ ٱلْكِتَٰبِ أَن لَّا يَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ

و آنچه را در آن است بررسی کرده‌اند.

وَدَرَسُواْ مَا فِيهِ

حال آنکه جایگاه واپسین برای محتاطان بهتر است.

وَٱلدَّارُ ٱلْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[169]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [169]

و کسانی که به نوشتار چنگ می‌زنند و تماس را پابرجا نگه می‌دارند — ما همانا پاداش سالم‌سازان را نمی‌گذاریم از میان برود.[170]

وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِٱلْكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُصْلِحِينَ [170]

و چون کوه را بر فراز آنان برکندیم، گویی سایبانی بود، و فرض کردند که بر آنان فرو خواهد ریخت:

وَإِذْ نَتَقْنَا ٱلْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٌ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُۥ وَاقِعٌۢ بِهِمْ

«آنچه را به شما داده‌ایم با نیرو بگیرید، و آنچه را در آن است به یاد آورید، شاید محتاط باشید.»[171]

خُذُواْ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱذْكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [171]

و چون سرپرست تو از فرزندان آدم تباری را که از خود برجا می‌گذاشتند گرفت، و آنان را به گواهی بر خودشان واداشت: «آیا من سرپرست شما نیستم؟» گفتند: «چرا، گواهی می‌دهیم!»

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنۢ بَنِىٓ ءَادَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُواْ بَلَىٰ

تا آنان در روز حضور نگویند: «ما همانا از این بی‌اعتنا بودیم»، یا نگویند: «این نیاکان ما بودند که پیش‌تر انباز گرفتند، و ما تنها تباری پس از آنان بودیم. (130) 172

شَهِدْنَآ أَن تَقُولُواْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَٰفِلِينَ 172 أَوْ تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أَشْرَكَ ءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنۢ بَعْدِهِمْ (130)

آیا ما را برای آنچه سازندگان باطل کردند نابود می‌کنی؟» 173

أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلْمُبْطِلُونَ 173

بدین‌سان نشانه‌ها را تفصیل می‌دهیم، و شاید بازگردند. 174

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْأَيَٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ 174

و اطلاعات کسی را که نشانه‌های خود را به او دادیم و او از آن‌ها برهنه شد برای آنان برخوان، تا منحرف‌کننده او را دنبال کرد و او از سرگردانان شد. 175

وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱلَّذِىٓ ءَاتَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ ٱلشَّيْطَٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ 175

و اگر ما را پسند افتاده بود، او را به آن‌ها بالا می‌بردیم؛ اما او به زمین چسبید و از هیجان خود پیروی کرد.

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى ٱلْأَرْضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ

نمونهٔ او نمونهٔ سگ است: اگر بر او بار بنهی، له‌له می‌زند، و اگر رهایش کنی، له‌له می‌زند.

فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث

این نمونهٔ قومی است که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند.

ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا

پس داستان را حکایت کن، شاید بیندیشند.[176]
فَٱقْصُصِ ٱلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [176]

بد است نمونهٔ قومی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و بر خود ستم می‌کردند.[177]
سَآءَ مَثَلًا ٱلْقَوْمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا۟ يَظْلِمُونَ [177]

هر که را خدا راه نماید، او است که راهنمایی می‌پذیرد؛
مَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِى

و هر که را او گمراه کند، ایناننند زیان‌کاران.[178]
وَمَن يُضْلِلْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [178]

و ما همانا بسیاری از نهانیان و انسان‌ها را برای جهنم پراکندیم؛
وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ

آنان را هسته‌هایی است که با آن‌ها درک نمی‌کنند،
لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا

چشم‌هایی که با آن‌ها روشن نمی‌بینند،
وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا

و گوش‌هایی که با آن‌ها نمی‌شنوند.
وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَآ

ایناننند که همچون چارپایان‌اند — نه، گمراه‌ترند.
أُو۟لَٰٓئِكَ كَٱلْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ

ایناننند بی‌اعتنایان.[179]
أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ [179]

و زیباترین ویژگی‌ها از آنِ خدا است؛ پس او را به آن‌ها فرا بخوانید،

وَلِلَّهِ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ فَٱدْعُوهُ بِهَا

و کسانی را که ویژگی‌های او را به کج‌راهه می‌برند رها کنید.

وَذَرُوا۟ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ أَسْمَٰٓئِهِۦ

آنان بر پایهٔ آنچه می‌کردند بازپرداخت خواهند شد.[180]

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [180]

و از میان کسانی که ما آفریدیم، جامعه‌ای هست که بر پایهٔ حقیقت راه می‌نماید و به آن دادگری می‌کند.[181]

وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِٱلْحَقِّ وَبِهِۦ يَعْدِلُونَ [181]

و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ می‌انگارند، ما به‌تدریج خواهیم برد، از جایی که نمی‌دانند، و به آنان زمان می‌دهم،[182]

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ [182] وَأُمْلِى لَهُمْ

زیرا حیلهٔ من استوار است.[183]

إِنَّ كَيْدِى مَتِينٌ [183]

پس آیا نمی‌اندیشند؟

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟

همراه آنان هیچ اختلالی ندارد.

مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ

او تنها هشداردهنده‌ای صریح است.[184]

إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ [184]

پس آیا در پادشاهی برتر آسمان‌ها و زمین، و در هر آنچه خدا آفریده است، ننگریسته‌اند، و در اینکه ممکن است زمان مقررشان از پیش نزدیک شده باشد؟

أَوَلَمْ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ

پس پس از این، به کدام گفتار باور خواهند آورد؟[185]

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُۥ يُؤْمِنُونَ [185]

هر که را خدا گمراه کند، هیچ راهنمایی برای او نیست،

مَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُۥ

و آنان را در حدشکنی‌شان رها می‌کند، که در آن کورمال می‌روند.[186]

وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ [186]

از تو دربارهٔ آن لحظه بازپرسی می‌کنند: کی لنگر خواهد انداخت؟

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا

بگو: «دانش آن تنها نزد سرپرست من است؛

قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي

هیچ‌کس، مگر او، آن را در زمانش آشکار نخواهد کرد.

لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَآ إِلَّا هُوَ

در آسمان‌ها و بر زمین سنگین است؛

ثَقُلَتْ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

تنها ناگهان به شما خواهد آمد.»

لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً

از تو بازپرسی می‌کنند، گویی که تو آن را تا انتها کاویده‌ای.
يَسْـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِىٌّ عَنْهَا

بگو: «دانش آن تنها نزد خدا است،
قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ

اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند.»[187]
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ [187]

بگو: «من برای خود نه سودی دارم و نه آسیبی، مگر آنچه خدا را پسند افتد.
قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِى نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ

و اگر آنچه فراتر از حواس است می‌دانستم، همانا از دارایی‌ها بسیار می‌اندوختم،
وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ لَٱسْتَكْثَرْتُ مِنَ ٱلْخَيْرِ

و بدی به من دست نمی‌زد.
وَمَا مَسَّنِىَ ٱلسُّوٓءُ

من تنها هشداردهنده‌ام،
إِنْ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ

و مژده‌دهنده‌ای برای قومی که باور می‌آورد.»[188]
وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [188]

اوست که شما را از یک خویشتن آفرید، و همسرش را از آن بیرون آورد، تا نزد او، آن خویشتن، آرامش یابد.
هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا

و چون او را پوشاند، باری سبک برداشت که با آن گذشت؛
فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِۦ

و چون از آن سنگین شد، هر دو خدا، سرپرست خود، را فرا خواندند: «اگر به ما فرزندی سالم بدهی، بی‌گمان از سپاس‌گزاران خواهیم بود.»[189]

فَلَمَّآ أَثۡقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنۡ ءَاتَيۡتَنَا صَٰلِحٗا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ [189]

اما چون به آنان فرزندی سالم داد، در آنچه به آنان داده بود برای او انبازانی قرار دادند.

فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحٗا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ فِيمَآ ءَاتَىٰهُمَا

حال آنکه خدا بسی بالاتر از آن است که با او انباز می‌گیرند.[190]

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ [190]

آیا با او انباز می‌گیرند آنچه هیچ نمی‌آفریند، و آفریده می‌شود،[191]

أَيُشۡرِكُونَ مَا لَا يَخۡلُقُ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ [191]

و نه می‌تواند به آنان یاری رساند و نه به خود یاری رساند؟[192]

وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ [192]

و اگر آنان را به راهنمایی دعوت کنید، از شما پیروی نمی‌کنند.

وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمۡ

برای شما یکسان است که آنان را دعوت کنید، یا خاموش بمانید.[193]

سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ أَمۡ أَنتُمۡ صَٰمِتُونَ [193]

کسانی که غیر از خدا فرا می‌خوانید، همانا فرمان‌برداران مانند شمایند؛

إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡ

پس آنان را فرا بخوانید تا به شما پاسخ دهند، اگر راست‌گویید.[194]

فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [194]

آیا پاهایی دارند که با آن‌ها راه می‌روند؟

أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآ

یا دست‌هایی دارند که با آن‌ها چنگ می‌زنند؟

أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَآ

یا چشم‌هایی دارند که با آن‌ها روشن می‌بینند؟

أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَآ

یا گوش‌هایی دارند که با آن‌ها می‌شنوند؟

أَمْ لَهُمْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

بگو: «انبازان خود را فرا بخوانید، سپس علیه من نقشه بکشید، و به من هیچ مهلتی ندهید،[195]

قُلِ ٱدْعُواْ شُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ [195]

زیرا متحد من خدا است، که نوشتار را فرود آورد،

إِنَّ وَلِيِّۦَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ

و اوست که از کسانی که شایسته‌اند حمایت می‌کند.[196]

وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ [196]

و کسانی که غیر از او فرا می‌خوانید، نه می‌توانند به شما یاری رسانند و نه به خود.»[197]

وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ [197]

و اگر آنان را به راهنمایی دعوت کنید، نمی‌شنوند؛

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُواْ

و آنان را می‌بینی که به تو می‌نگرند، بی‌آنکه روشن ببینند.[198]

وَتَرَىٰهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ [198]

مازاد را بگیر،

خُذِ ٱلْعَفْوَ

به آنچه شناخته‌شده است دستور بده،

وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ

و از نادانان کناره بگیر.[199]

وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ [199]

و اگر نیشی از منحرف‌کننده تو را نیش زند، پناه خدا را بجوی،

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ

زیرا او شنوا و همه‌چیزدان است.[200]

إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [200]

همانا کسانی که محتاط‌اند، چون دسته‌ای از منحرف‌کننده به آنان رسد، به یاد می‌آورند، و آنگاه ناگاه بینایند؛[201]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ [201]

در حالی که برادرانشان آنان را همواره بیشتر در سرگردانی فرو می‌کشند،

وَإِخۡوَٰنُهُمۡ يَمُدُّونَهُمۡ فِي ٱلۡغَيِّ

سپس بازنمی‌ایستند.[202]

ثُمَّ لَا يُقۡصِرُونَ [202]

و چون برای آنان نشانه‌ای نیاوری، می‌گویند: «چرا آن را خودت انتخاب نکردی؟»

وَإِذَا لَمۡ تَأۡتِهِم بِـَٔايَةٖ قَالُواْ لَوۡلَا ٱجۡتَبَيۡتَهَا

بگو: «من تنها از آنچه از سوی سرپرستم برای من پرده‌برداری شده است پیروی می‌کنم؛

قُلۡ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ مِن رَّبِّي

این‌ها روشن‌بینی‌هایی از سوی سرپرست شما هستند، راهنمایی و مهر برای قومی که باور می‌آورد.»[203]

هَٰذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ [203]

و چون این خوانش خوانده شود، به آن گوش دهید و خاموش باشید، شاید به شما مهر ورزیده شود.[204]

وَإِذَا قُرِئَ ٱلْقُرْءَانُ فَٱسْتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [204]

و سرپرست خود را به یاد آور، در خود، با زاری و ترس، بی‌آنکه بلند سخن بگویی، بامداد و هنگام بازگشت به خانه، و از بی‌اعتنایان مباش.[205]

وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْـَٔاصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَٰفِلِينَ [205]

کسانی که نزد سرپرست تو هستند، چنان به خودبزرگ‌بینی باد نمی‌کنند که از فرمان بردن از او سر باز زنند؛ شکوه او را می‌سرایند، و در برابر او است که پیشانی بر خاک می‌نهند.[206]

إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسْجُدُونَ [206]

I

# الم

## قانون‌گذاری: مصون از تعرّض، روا، ناروا

سوره‌ها 6 تا 2

جامعه‌ای که نمی‌توانست به خانه برود اکنون استقرار یافته است، و قانونِ شهر را دریافت می‌کند: آنچه مصون از تعرّض است، آنچه رواست، آنچه نارواست. سورهٔ 6 نخست آن را بر دروغ‌انگاران برمی‌خواند، «بیایید تا آنچه را سرپرست شما برای شما مصون از تعرّض ساخته است برخوانم» (6:151)، و سورهٔ 5 آن را به باورآوردگان می‌دهد، «به قراردادها وفادار باشید» (5:1)، با قانونی و راهی برای هر کس. سورهٔ 4 به پرسش‌ها دربارهٔ یتیمان، زنان، میراث، پیکار و مهاجرت پاسخ می‌دهد؛ سورهٔ 3 خاندان عمران و نخستین خانه را روایت می‌کند، سپس زخمِ یک رویارویی و نرمی‌ای را که از فرستاده خواسته می‌شود. سورهٔ 2 همه چیز را از آغاز بازمی‌گیرد، از جانشینی که بر زمین نهاده شد تا پسران اسرائیل و ابراهیم که پایه‌های خانه را برمی‌افرازد، خانه‌ای که «برای انسان‌ها جایی برای بازگشت و امنیت» (2:125) ساخته شد، سپس قاعده‌های پی‌جویی، خودداری، حج، پیکار، خانواده و وام را می‌دهد. همه‌جا دادگری قانون می‌شود، جنگ مرزهایش را می‌یابد، صلح پیشنهادشده الزام‌آور می‌شود، و کسانی که نیرویی ندارند، یتیمان، زنان، کودکان، پناهندگان، یک‌به‌یک نام برده می‌شوند. بخش با الف لام میم و با نوشتاری بسته می‌شود که چون «راهنمایی برای محتاطان» (2:2) داده شده است.

### مرحله 6 · قانونِ شهر

جامعهٔ استقراریافته قانون کامل خود را دریافت می‌کند. آنچه سرپرست مصون از تعرّض ساخته است برخوانده می‌شود، سپس قراردادها می‌آیند، روا و ناروا، قاعده‌های خانواده، میراث، خودداری، حج و وام، که در برابر گواهان تا زمان مقررش نوشته می‌شود. دادگری نهاد می‌شود: بازگرداندن امانت‌ها، داوری به دادگری، گواهی دادن با برابری‌ورزی حتی علیه قومی منفور، و پی‌جویی دربارهٔ کشتگان، زیرا «و شما را در پی‌جویی زندگی‌ای است» (2:179). پیکار محدود است: تنها با کسانی که پیکار می‌کنند، بی‌تجاوز، و چون طرف دیگر بازایستد، بازمی‌ایستد؛ بر کسی که صلح پیشنهاد می‌کند، هیچ راهی نیست. خانه برای انسان‌ها نهاده می‌شود، «و هر که در آن درآید در امنیت است» (3:97)؛ کسی که جای دیگری ندارد می‌تواند مهاجرت کند، ربا بازمی‌ایستد، و وام‌دارِ در تنگا تا هنگام گشایش مهلت می‌یابد.

### آنچه بر مردم می‌گذرد

ناتوان‌ترین‌ها سرانجام حقوقی نوشته‌شده دریافت می‌کنند: یتیم دارایی‌اش را نگه می‌دارد، که در برابر گواهان به او سپرده می‌شود، زنان کابین و سهم میراثشان را دارند، و دیگر «بر شما روا نیست که زنان را به زور به ارث ببرید» (4:19). مردان، زنان و کودکانِ به ناتوانی کشانده‌شده از شهری ستمگر فریاد برمی‌آورند، «ای سرپرست ما، ما را از این شهر که مردمش ستمگرند بیرون ببر» (4:75)، و قانون زمین را بر کسی که مهاجرت می‌کند می‌گشاید: «آیا زمین خدا فراخ نبود که در آن کوچ کنید؟» (4:97). دادگری حتی در برابر قومی منفور پابرجاست، پی‌جویی دربارهٔ کشتگان از زندگی پاسداری می‌کند، و «به کسی که به شما صلح پیشنهاد می‌کند» (4:94) برای غنیمتی گفته نمی‌شود که باورمند نیست. خانه چون امنیتی به انسان‌ها بازگردانده می‌شود، و بازداشتن از دسترسی به جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض و بیرون کردن مردمش از آن، «نزد خدا سنگین‌تر است» (2:217).

---

*الف لام میم (2:1)، سپس: «این است نوشتار: هیچ تردیدی ممکن نیست» (2:2).*

# الانعام • AL-AN'AM

سوره 6 · 165 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ستایش از آنِ خدا است، که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و نور را پدید آورد؛ با این حال انکارکنندگان برای سرپرست خود وزنه‌های مقابل می‌نهند.[1]

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ [1]

اوست که شما را از گل آفرید، سپس سررسیدی مقرر کرد —

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلًا

و سررسیدی نام‌برده، نزد او.

وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُۥ

با این حال شما هنوز در ستیزه‌اید.[2]

ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ [2]

و او خدا است،

وَهُوَ ٱللَّهُ

در آسمان‌ها و بر زمین؛ راز شما و آنچه آشکارا می‌گویید را می‌داند، و آنچه به دست می‌آورید را می‌داند.[3]

فِى ٱلسَّمَٰوٰتِ وَفِى ٱلْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ [3]

هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های سرپرست‌شان به سوی آنان نمی‌آید مگر آنکه از آن روی می‌گردانند.[4]

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ [4]

پس حقیقت را، چون به آنان رسید، دروغ انگاشتند؛

فَقَدْ كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ

اطلاعات آنچه را به مسخره می‌گرفتند به‌زودی به آنان خواهد رسید.[5]

فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [5]

آیا نمی‌بینند که پیش از آنان چه بسیار نسل‌ها را نابود کردیم که آنان را در زمین مستقر کرده بودیم چنان‌که شما را مستقر نکرده‌ایم،

أَلَمْ يَرَوْا۟ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ

و بر آنان آسمان ریزان را فرستادیم،

وَأَرْسَلْنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا

و رودها را زیر آنان روان کردیم؛ سپس آنان را برای تقصیرهایشان نابود کردیم،

وَجَعَلْنَا ٱلْأَنْهَٰرَ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ

و پس از آنان نسلی دیگر پدید آوردیم.[6]

وَأَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخَرِينَ [6]

و اگر ما بر تو نوشته‌ای بر طومار فرود آورده بودیم، و آن را با دستان خود لمس کرده بودند، انکارکنندگان حتماً می‌گفتند: «این جز چشم‌بندی آشکار نیست.»[7]

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَٰبًا فِى قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ [7]

و می‌گویند: «چرا بر او کارگزاری فرود آورده نشده است!»

وَقَالُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ

و اگر کارگزاری فرود می‌آوردیم، کار پیش‌تر یکسره شده بود، و به آنان هیچ مهلتی داده نمی‌شد.[8]

وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ ٱلْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ [8]

و اگر او را کارگزاری قرار می‌دادیم، او را مردی قرار می‌دادیم، و برای آنان آنچه خودشان می‌پوشند بر او می‌پوشاندیم.[9]

وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَٰهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ [9]

فرستادگانی پیش از تو همانا به مسخره گرفته شدند؛ آنگاه آنچه به مسخره می‌گرفتند بر کسانی از آنان که ریشخند می‌کردند به حقیقت پیوست.[10]

وَلَقَدِ ٱسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُوا۟ مِنْهُم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ [10]

بگو: «در زمین بگردید، سپس بنگرید که فرجام دروغ‌انگارندگان چگونه بود.»[11]

قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ ٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ [11]

بگو: «آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ کیست؟» بگو: «از آنِ خدا.

قُل لِّمَن مَّا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ

مهر را بر خود مقرر کرده است.

كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ

بی‌گمان شما را در روز حضور، که هیچ تردیدی در آن نیست، گرد خواهد آورد.

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ

کسانی که خویشتن خود را به زیان کشانده باشند، اینان باور نمی‌آورند.»[12]

ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [12]

و از آنِ او است آنچه در شب و روز می‌آرامد؛

وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِى ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ

و او شنوا و همه‌چیزدان است.[13]
وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ [13]

بگو: «آیا غیر از خدا، سرچشمهٔ آسمان‌ها و زمین، متحدی بگیرم،
قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيّٗا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

اوست که می‌خوراند و خورانده نمی‌شود.»
وَهُوَ يُطۡعِمُ وَلَا يُطۡعَمُ

بگو: «به من دستور داده شده است که نخستین کسی باشم که نزد خدا بی‌خدشه است»،
قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَسۡلَمَ

و هرگز از انباز گیرندگان مباش.[14]
وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ [14]

بگو: «من همانا، اگر از سرپرست خود سرپیچی کنم، از کیفر روزی سترگ می‌ترسم.»[15]
قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ [15]

هر که آن روز از آن دور داشته شود، او به وی مهر کرده است،
مَّن يُصۡرَفۡ عَنۡهُ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمَهُۥ

و این است پیروزی آشکار.[16]
وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ [16]

و اگر خدا تو را به آسیبی برساند، کسی مگر او نمی‌تواند آن را از تو بردارد؛
وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ

و اگر تو را به نیکی‌ای برساند، او بر هر چیز تواناست.[17]
وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ [17]

او بر فرمان‌برداران خود چیره است،
وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِۦ

و اوست فرزانه و باخبر.[18]
وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ [18]

بگو: «چه چیز در گواهی بزرگ‌تر است؟» بگو: «خدا،
قُلْ أَىُّ شَىْءٍ أَكْبَرُ شَهَٰدَةً قُلِ ٱللَّهُ

گواه میان من و شما.
شَهِيدٌۢ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ

و این خوانش به من پرده‌برداری شده است تا شما و هر که را به او برسد با آن هشدار دهم.
وَأُوحِىَ إِلَىَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَ

آیا واقعاً گواهی می‌دهید که با خدا ایزدانی دیگر هست؟» بگو: «من گواهی نمی‌دهم.»
أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ قُل لَّآ أَشْهَدُ

بگو: «او جز ایزدی یگانه نیست،
قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

و من همانا از آنچه انباز می‌گیرید رهایم.»[19]
وَإِنَّنِى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ [19]

کسانی که نوشتار به آنان دادیم، آن را می‌شناسند چنان‌که پسران خود را می‌شناسند؛
ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمُ

کسانی که خویشتن خود را به زیان کشانده باشند، اینان باور نمی‌آورند.[20]
ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [20]

و پس چه کسی ستمگرتر است از کسی که بر خدا دروغ برمی‌سازد، یا نشانه‌های او را دروغ می‌انگارد؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ

ستمگران همانا کامیاب نمی‌شوند.[21]

إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ [21]

و روزی که همهٔ آنان را گرد آوریم، سپس به انباز گیرندگان بگوییم: «انبازهای شما که می‌پنداشتید کجایند؟»[22]

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوٓاْ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ [22]

سپس تنها آزمون‌شان این خواهد بود که بگویند: «به خدا، سرپرست ما، ما از انباز گیرندگان نبودیم.»[23]

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّآ أَن قَالُواْ وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ [23]

بنگر که چگونه بر ضد خود دروغ می‌گویند! و آنچه برمی‌ساختند از آنان گم خواهد شد.[24]

ٱنظُرْ كَيْفَ كَذَبُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ [24]

و از میان آنان کسانی هستند که به تو گوش می‌سپارند،

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ

اما ما بر هسته‌هایشان پوشش‌هایی نهادیم، تا آن را درنیابند، و در گوش‌هایشان کری.

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا

و حتی اگر هر نشانه‌ای را می‌دیدند، بدان باور نمی‌آوردند،

وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُواْ بِهَا

چندان که چون برای مجادله نزد تو آیند، انکارکنندگان می‌گویند: «اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.»[25]

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ [25]

و آن را منع می‌کنند، و از آن دور می‌شوند؛
وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْـَٔوْنَ عَنْهُ

و جز خودشان را نابود نمی‌کنند، بی‌آنکه احساس کنند.[26]
وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ [26]

و اگر ببینی، آنگاه که در برابر آتش نهاده شوند و بگویند: «ای کاش بازگردانده می‌شدیم،
وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُوا۟ يَٰلَيْتَنَا نُرَدُّ

و دیگر نشانه‌های سرپرست خود را دروغ نخواهیم انگاشت، و از باورمندان خواهیم بود!»[27] **(131)**
وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [27] **(131)**

نه! آنچه پیش‌تر پنهان می‌داشتند برای آنان آشکار شد.
بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا۟ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ

و اگر بازگردانده می‌شدند، حتماً آنچه را از آن منع شده بودند تکرار می‌کردند،
وَلَوْ رُدُّوا۟ لَعَادُوا۟ لِمَا نُهُوا۟ عَنْهُ

و آنان بی‌گمان دروغ‌گویند.[28]
وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ [28]

و می‌گویند: «جز زندگی نزدیک ما نیست، و ما برانگیخته نخواهیم شد.»[29]
وَقَالُوٓا۟ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ [29]

و اگر ببینی، آنگاه که در برابر سرپرست‌شان نهاده شوند! خواهد گفت: «آیا این حقیقت نیست؟»
وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَٰذَا بِٱلْحَقِّ

خواهند گفت: «چرا، به سرپرست ما!»

قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَا

خواهد گفت: «پس کیفر را بچشید، برای آنکه انکار کردید.»[30]

قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ [30]

آنان زیان‌کارند، کسانی که رویارویی با خدا را دروغ انگاشتند، چندان که چون آن لحظه ناگهان به آنان رسد، می‌گویند: «دریغا بر ما، برای آنچه در آن کوتاهی کردیم!» بارهای خود را بر پشت خود خواهند کشید.

قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةٗ قَالُواْ يَٰحَسۡرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطۡنَا فِيهَا وَهُمۡ يَحۡمِلُونَ أَوۡزَارَهُمۡ عَلَىٰ ظُهُورِهِمۡ

چه بد است باری که می‌کشند![31]

أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ [31]

زندگی نزدیک جز بازی و سرگرمی نیست؛

وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ

و جایگاه واپسین همانا برای محتاطان بهتر است.

وَلَلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[32]

أَفَلَا تَعۡقِلُونَ [32]

همانا خواهیم دانست که آنچه می‌گویند بی‌گمان تو را اندوهگین می‌کند؛

قَدۡ نَعۡلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحۡزُنُكَ ٱلَّذِي يَقُولُونَ

اما آنان تو را دروغ نمی‌انگارند،

فَإِنَّهُمۡ لَا يُكَذِّبُونَكَ

بلکه ستمگران نشانه‌های خدا را سرسختانه رد می‌کنند.[33]

وَلَٰكِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ [33]

فرستادگانی همانا پیش از تو دروغ انگاشته شدند؛ دروغ انگاشته شده و آزار دیده، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید.

وَلَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمۡ نَصۡرُنَا

و هیچ‌کس نمی‌تواند کلمات خدا را دگرگون کند.

وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ

بخشی از اطلاعات گسیل‌شدگان همانا به تو رسیده است.[34]

وَلَقَدۡ جَآءَكَ مِن نَّبَإِي ٱلۡمُرۡسَلِينَ [34]

و اگر روی‌گردانی‌شان بر تو سنگین است، آنگاه، اگر توانایی داری، تونلی در زمین بجوی، یا نردبانی در آسمان، تا نشانه‌ای برایشان بیاوری.

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكَ إِعۡرَاضُهُمۡ فَإِنِ ٱسۡتَطَعۡتَ أَن تَبۡتَغِيَ نَفَقٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ سُلَّمٗا فِي ٱلسَّمَآءِ فَتَأۡتِيَهُم بِـَٔايَةٖ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، آنان را بر راهنمایی گرد می‌آورد؛

وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمۡ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ

پس هرگز از نادانان مباش.[35]

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ [35]

تنها کسانی پاسخ می‌دهند که می‌شنوند.

إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَ

و اما مردگان، خدا آنان را برخواهد انگیخت،

وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ

سپس به سوی او بازگردانده خواهند شد.[36]

ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ [36]

و می‌گویند: «چرا نشانه‌ای از سرپرستش بر او فرود آورده نشده است!»

وَقَالُواْ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ

بگو: «خدا همانا بر فرود آوردن نشانه‌ای تواناست»،

قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةً

اما بیشتر آنان نمی‌دانند.[37]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [37]

هیچ جنبنده‌ای بر زمین نیست، و نه پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، مگر آنکه جامعه‌هایی همانند شما تشکیل می‌دهد.

وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا طَٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم

ما از ضابطه هیچ چیز را فروگذار نکردیم.

مَّا فَرَّطْنَا فِى ٱلْكِتَٰبِ مِن شَىْءٍ

سپس به سوی سرپرست‌شان گرد آورده خواهند شد.[38]

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ [38]

و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند کر و لالند، در تاریکی‌ها.

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ

هر که را پسند خدا افتد گمراه کند، او را گمراه می‌کند؛

مَن يَشَإِ ٱللَّهُ يُضْلِلْهُ

و هر که را پسند او افتد، بر جادهٔ راست می‌نهد.[39]

وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [39]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر کیفر خدا به شما می‌رسید، یا آن لحظه به شما می‌رسید، آیا غیر از خدا را می‌خواندید، اگر راست‌گویید؟»[40]

قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيْرَ ٱللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [40]

بلکه تنها او را می‌خواندید؛ آنگاه، اگر پسند او می‌افتاد، آنچه را برای آن او را می‌خواندید از شما برمی‌داشت، و آنچه را انباز می‌گیرید فراموش می‌کردید.[41]

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ [41]

ما همانا به جامعه‌هایی پیش از تو فرستادیم، و آنان را به نامرادی و آسیب گرفتیم، شاید زاری می‌کردند.[42]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ [42]

چرا زاری نکردند، آنگاه که سختگیری ما به آنان رسید!

فَلَوْلَآ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُواْ

اما هسته‌هایشان سخت شد، و منحرف‌کننده آنچه را می‌کردند برایشان آراست.[43]

وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [43]

سپس چون آنچه را به یادشان آورده شده بود فراموش کردند، درهای هر چیز را بر آنان گشودیم،

فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَٰبَ كُلِّ شَىْءٍ

چندان که چون به آنچه به آنان داده شده بود شادمان شدند، ناگهان آنان را گرفتیم، و اینک نومیدند.[44]

حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذْنَٰهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ [44]

چنین، ریشهٔ قومی که ستمگر بود تا واپسین نشان بریده شد.

فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ

و ستایش از آنِ خدا است، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها.[45]

وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [45]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر خدا شنوایی و بینایی‌های شما را می‌گرفت و بر هسته‌هایتان مهر می‌نهاد، کدام ایزد، غیر از خدا، آن‌ها را به شما بازمی‌گرداند؟»

قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمۡعَكُمۡ وَأَبۡصَٰرَكُمۡ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِهِۦ

بنگر که چگونه نشانه‌ها را گوناگون می‌کنیم، و با این حال از آن‌ها روی می‌گردانند.[46]

ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ هُمۡ يَصۡدِفُونَ [46]

بگو: «آیا دیده‌اید؟ اگر کیفر خدا ناگهان یا آشکارا به شما می‌رسید، چه کسی نابود می‌شد، مگر قوم ستمگر؟»[47]

قُلۡ أَرَءَيۡتَكُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُ ٱللَّهِ بَغۡتَةً أَوۡ جَهۡرَةً هَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [47]

گسیل‌شدگان را جز مژده‌دهندگان و هشداردهندگان نمی‌فرستیم.

وَمَا نُرۡسِلُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ

هر که باور آورد و خود را سامان دهد، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[48]

فَمَنۡ ءَامَنَ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ [48]

و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، کیفر آنان را خواهد رسید، برای آنکه تجاوز کردند.[49]

وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَمَسُّهُمُ ٱلۡعَذَابُ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ [49]

بگو: «به شما نمی‌گویم که انبارهای خدا نزد من است، و نه اینکه آنچه فراتر از حواس است را می‌دانم، و نه به شما می‌گویم که کارگزارم؛

قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ إِنِّي مَلَكٌ

من جز از آنچه به من پرده‌برداری می‌شود پیروی نمی‌کنم.»

إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ

بگو: «آیا نابینا و بینا برابرند؟»

قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ

پس نمی‌اندیشید؟[50]

أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ [50]

و به وسیلهٔ آن کسانی را که از گرد آورده شدن نزد سرپرست خود می‌ترسند هشدار بده — غیر از او نه متحدی دارند و نه میانجی — شاید محتاط شوند.[51]

وَأَنذِرْ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ [51]

و کسانی را که سرپرست خود را بامداد و شامگاه می‌خوانند و سوی او را می‌خواهند دور مکن. از حساب آنان چیزی بر تو نیست، و از حساب تو چیزی بر آنان نیست، تا آنان را دور کنی و آنگاه از ستمگران باشی.[52]

وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَىْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [52]

و چنین برخی را با برخی آزمودیم، تا بگویند: «آیا اینان‌اند که خدا از میان ما بر آنان دهش کرده است؟»

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ

آیا خدا سپاس‌گزاران را بهتر نمی‌شناسد؟[53]

أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ [53]

و چون کسانی که به نشانه‌های ما باور دارند نزد تو آیند، بگو: «آرامش بر شما باد.

وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ

سرپرست شما مهر را بر خود مقرر کرده است: هر که از شما از نادانی بدی‌ای کند، سپس پس از آن بازگردد و خود را سامان دهد — او همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.»[54]

كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًا بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [54]

نشانه‌ها را چنین تفصیل می‌دهیم، تا راه کنارگذاشته‌شدگان روشن شود.[55]

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْآيَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ ٱلْمُجْرِمِينَ [55]

بگو: «همانا از فرمان بردن از کسانی که غیر از خدا می‌خوانید منع شده‌ام.»

قُلْ إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ

بگو: «از هیجان‌های شما پیروی نمی‌کنم؛

قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ

آنگاه گمراه می‌شدم، و از راهنمایی‌پذیرندگان نمی‌بودم.»[56]

قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ [56]

بگو: «من همانا بر دلیلی روشن از سرپرست خود تکیه دارم، و شما آن را دروغ انگاشتید.

قُلْ إِنِّى عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَكَذَّبْتُم بِهِۦ

آنچه برای شتاب‌دادنش می‌کوشید نزد من نیست.

مَا عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦٓ

داوری جز از آنِ خدا نیست.

إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ

حقیقت را مقرر می‌کند،(132)

يَقْضِ ٱلْحَقَّ (132)

و او بهترین جداکنندگان است.»[57]

وَهُوَ خَيْرُ ٱلْفَٰصِلِينَ [57]

بگو: «اگر آنچه برای شتاب‌دادنش می‌کوشید نزد من بود، کار پیش‌تر میان من و شما فیصله داده شده بود.»

قُل لَّوْ أَنَّ عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦ لَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ

خدا ستمگران را بهتر می‌شناسد.[58]

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ [58]

و کلیدهای آنچه فراتر از حواس است نزد او است: مگر او کسی آن‌ها را نمی‌داند.

وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَ

و آنچه را بر خشکی و در دریا است می‌داند.

وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ

هیچ برگی نمی‌افتد مگر آنکه او آن را بداند؛ و نه دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه تر و نه خشکی، مگر آنکه در دفتری آشکار باشد.[59]

وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ [59]

اوست که شما را شبانه وفادارانه نگاه می‌دارد، و آنچه را در روز مرتکب شدید می‌داند، سپس شما را در آن برمی‌انگیزد، تا سررسیدی نام‌برده به پایان رسد؛

وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمًّى

سپس بازگشت شما به سوی او خواهد بود، و او شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهد داد.[60]

ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [60]

او بر فرمان‌برداران خود چیره است،

وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦ

و بر شما نگهبانانی می‌فرستد،

وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً

چندان که چون مرگ به یکی از شما رسد، فرستاده‌شدگان ما او را وفادارانه نگاه می‌دارند، بی‌کوتاهی.[61]

حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ [61]

سپس به سوی خدا، متحد حقیقی‌شان، بازگردانده می‌شوند.

ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ

آیا داوری از آنِ او نیست؟

أَلَا لَهُ ٱلْحُكْمُ

او شتابنده‌ترین حسابرسان است.[62]

وَهُوَ أَسْرَعُ ٱلْحَٰسِبِينَ [62]

بگو: «چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا می‌رهاند؟» — او را با زاری و پنهانی می‌خوانید: «اگر ما را از این برهانی، بی‌گمان از سپاس‌گزاران خواهیم بود.» **(133)**[63]

قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ تَدْعُونَهُۥ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَيْنَا مِنْ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ [63] **(133)**

بگو: «خدا شما را از آن و از هر تنگنا می‌رهاند؛ با این حال، انباز می‌گیرید.»[64]

قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ [64]

بگو: «او تواناست که بر شما کیفری برانگیزد، از بالای شما یا از زیر پاهایتان، یا شما را در دسته‌ها درهم آمیزد، و به برخی سختی برخی دیگر را بچشاند.»

قُلْ هُوَ ٱلْقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ

بنگر که چگونه نشانه‌ها را گوناگون می‌کنیم، شاید دریابند.[65]

ٱنظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ [65]

و قوم تو آن را دروغ انگاشت، حال آنکه آن حقیقت است.
وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوْمُكَ وَهُوَ ٱلْحَقُّ

بگو: «من برای شما وکیل نیستم.[66]
قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ [66]

هر اطلاعی جایگاهی پایدار دارد،
لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ

و به‌زودی خواهید دانست.»[67]
وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ [67]

و چون کسانی را می‌بینی که در نشانه‌های ما فرو می‌روند، از آنان روی بگردان، تا آنکه در گفتاری دیگر فرو روند.
وَإِذَا رَأَيْتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا۟ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦ

و اگر منحرف‌کننده تو را به فراموشی افکند، پس از این یادآوری با قوم ستمگر منشین.[68]
وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيْطَٰنُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ ٱلذِّكْرَىٰ مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ [68]

و بر محتاطان از حساب آنان چیزی نیست،
وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ

مگر یادآوری، شاید محتاط شوند.[69]
وَلَٰكِن ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ [69]

و کسانی را که قانون خود را سرگرمی و بازی گرفتند، و زندگی نزدیک آنان را فریفت، رها کن.
وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا

و بدان یادآوری کن، مبادا خویشتنی برای آنچه به دست آورده است سپرده شود، بی‌آنکه، غیر از خدا، نه متحدی داشته باشد و نه میانجی؛

وَذَكِّرْ بِهِۦٓ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ

و حتی اگر هر غرامتی می‌داد، از او گرفته نمی‌شد.

وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَآ

اینان‌اند که برای آنچه به دست آوردند سپرده شده خواهند بود؛ نوشیدنی از آب جوشان و کیفری دردناک خواهند داشت، برای آنکه انکار کردند.[70]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبْسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌۢ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ [70]

بگو: «آیا غیر از خدا چیزی را بخوانیم که نه به ما سود می‌رساند و نه آسیب، و آیا پس از آنکه خدا ما را راهنمایی کرده است بر پاشنه‌هایمان بازگردانده شویم، چون کسی که منحرف‌کنندگان او را به زمین کشانده‌اند، سرگشته،

قُلْ أَنَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ كَٱلَّذِى ٱسْتَهْوَتْهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِى ٱلْأَرْضِ حَيْرَانَ

حال آنکه یارانی دارد که او را به راهنمایی می‌خوانند: «نزد ما بیا»؟»

لَهُۥٓ أَصْحَٰبٌ يَدْعُونَهُۥٓ إِلَى ٱلْهُدَى ٱئْتِنَا

بگو: «راهنمایی خدا، همان راهنمایی است؛ و به ما دستور داده شده است که نزد سرپرست همهٔ هستی‌ها بی‌خدشه باشیم، و تماس را پابرجا نگه داریم، و نسبت به او محتاط باشیم.»[71]

قُلْ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَىٰ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [71] وَأَنْ أَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّقُوهُ

و اوست که به سوی او گرد آورده خواهید شد.[72]

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ [72]

اوست که آسمان‌ها و زمین را به حقیقت آفرید،

وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ

و روزی که می‌گوید: «باش»،
وَيَوْمَ يَقُولُ كُن

آن هست.
فَيَكُونُ

سخن او حقیقت است،
قَوْلُهُ ٱلْحَقُّ

و پادشاهی از آنِ او است،
وَلَهُ ٱلْمُلْكُ

روزی که در شیپور دمیده شود.
يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ

او که آنچه فراتر از حواس است و آنچه گواهی‌شده است می‌داند،
عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

اوست فرزانه و باخبر.[73]
وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ [73]

و آنگاه که ابراهیم به پدر خود آزر گفت: «آیا بت‌ها را ایزد می‌گیری؟
وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً

من همانا تو و قوم تو را در گمراهی‌ای آشکار می‌بینم.»[74]
إِنِّىٓ أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [74]

چنین پادشاهی برتر آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم می‌نمودیم، تا از دارندگان اطمینان باشد.[75]
وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ [75]

چون شب او را پوشاند، اختری دید؛ گفت: «این سرپرست من است»؛

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّى

اما چون ناپدید شد، گفت: «ناپدیدشوندگان را دوست ندارم.»[76]

فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلْءَافِلِينَ [76]

سپس چون ماه را در حال برآمدن دید، گفت: «این سرپرست من است»؛

فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّى

اما چون ناپدید شد، گفت: «اگر سرپرست من مرا راهنمایی نکند، بی‌گمان از قوم گمراه خواهم بود.»[77]

فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِى رَبِّى لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ [77]

سپس چون خورشید را در حال برآمدن دید، گفت: «این سرپرست من است، این بزرگ‌تر است»؛

فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّى هَٰذَآ أَكْبَرُ

اما چون ناپدید شد، گفت: «ای قوم من! من همانا از آنچه انباز می‌گیرید رهایم.[78]

فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ [78]

سوی خود را به سوی کسی که آسمان‌ها و زمین را از نخست آفرید گرداندم، یکسره به سوی او،

إِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا

و من از انبازگیرندگان نیستم.»[79]

وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [79]

و قومش با او ستیزه کردند.

وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ

گفت: «آیا دربارهٔ خدا با من ستیزه می‌کنید، حال آنکه او مرا راه نموده است؟

قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنِۖ

و من از آنچه انباز او می‌گیرید نمی‌ترسم، مگر آنکه چیزی سرپرست مرا پسند افتد.

وَلَآ أَخَافُ مَا تُشۡرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيۡـٔٗاۗ

سرپرست من هر چیز را به دانش خود دربرمی‌گیرد.

وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۗ

پس به یاد نمی‌آورید؟[80]

أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ [80]

و چگونه از آنچه انباز می‌گیرید بترسم،

وَكَيۡفَ أَخَافُ مَآ أَشۡرَكۡتُمۡ

حال آنکه شما نمی‌ترسید که برای خدا چیزی را انباز گرفته‌اید که او هیچ اقتداری بر شما دربارهٔ آن فرود نیاورده است؟

وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمۡ أَشۡرَكۡتُم بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗاۚ

پس کدام یک از دو گروه به امنیت سزاوارتر است، اگر می‌دانید؟»[81]

فَأَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ أَحَقُّۚ بِٱلۡأَمۡنِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ [81]

کسانی که باور آوردند و باور خود را با هیچ ستمی نپوشاندند — اینان‌اند که امنیت دارند، و راهنمایی می‌پذیرند.[82]

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ [82]

و این است استدلال ما، که به ابراهیم بر ضد قومش دادیم.

وَتِلۡكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيۡنَٰهَآ إِبۡرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦۚ

هر که را ما را پسند افتد به درجاتی برمی‌افرازیم،
نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ

زیرا سرپرست تو فرزانه و همه‌چیزدان است.[83]
إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ [83]

و اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم؛
وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ

هر دو را راهنمایی کردیم.
كُلًّا هَدَيْنَا

و نوح را پیش‌تر راه نموده بودیم؛
وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ

و از نسل او داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون.
وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَ

چنین نیکی‌کنندگان را بازپرداخت می‌کنیم.[84]
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ [84]

و زکریا، یحیی، عیسی و الیاس —
وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ

همه از شایستگان‌اند.[85]
كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [85]

و اسماعیل، الیسع، یونس و لوط —
وَإِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا

و همه را بر همهٔ هستی‌ها برتری دادیم.[86]

وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ [86]

و از نیاکان‌شان، نسل‌هایشان و برادران‌شان —

وَمِنْ ءَابَآئِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ وَإِخْوَٰنِهِمْ

آنان را برگزیدیم، و به جادهٔ راست راهنمایی‌شان کردیم.[87]

وَٱجْتَبَيْنَٰهُمْ وَهَدَيْنَٰهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [87]

این است راهنمایی خدا، که هر که را پسند او افتد از فرمان‌برداران خود بدان راه می‌نماید.

ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ

و اگر انباز گرفته بودند، آنچه می‌کردند برای آنان فرو می‌ریخت.[88]

وَلَوْ أَشْرَكُوا۟ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [88]

اینان‌اند که نوشتار، داوری و اطلاع‌دهی را به آنان دادیم.

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ

پس اگر اینان آن را انکار کنند، ما پیش‌تر قومی را برای آن وکالت داده‌ایم که انکارگر آن نیست.[89]

فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰٓؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا۟ بِهَا بِكَٰفِرِينَ [89]

اینان‌اند که خدا راهنمایی‌شان کرده است؛ پس از راهنمایی آنان سرمشق بگیر.

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقْتَدِهْ

بگو: «برای این از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهم.

قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

این جز یادآوری برای همهٔ هستی‌ها نیست.»[90]

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَٰلَمِينَ [90]

خدا را چنان‌که سزاوار اوست نسنجیدند، آنگاه که گفتند: «خدا بر هیچ آدمی چیزی فرود نیاورده است.»

وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ إِذْ قَالُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَىْءٍ

بگو: «نوشتاری را که موسی آورد، نور و راهنمایی برای مردم، چه کسی فرود آورد،

قُلْ مَنْ أَنزَلَ ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِى جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ

که آن را بر طومارها می‌نهند، برخی را آشکار می‌کنند و بسیاری را پنهان می‌دارند — (134)

يَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ يُبْدُونَهَا وَيُخْفُونَ كَثِيرًا (134)

و به شما آنچه را نمی‌دانستید آموخته شد، نه شما و نه نیاکانتان؟» بگو: «خدا»؛

وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوٓاْ أَنتُمْ وَلَآ ءَابَآؤُكُمْ قُلِ ٱللَّهُ

سپس آنان را به گفتارهای پوچشان که در آن بازی می‌کنند رها کن.[91]

ثُمَّ ذَرْهُمْ فِى خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ [91]

و این نوشتاری است که فرود آوردیم، خجسته، تأییدکنندهٔ آنچه پیش از آن است، تا شهر مرکزی شهرها و کسانی را که پیرامون آن‌اند هشدار دهی.

وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا

و کسانی که به زندگی واپسین باور دارند، بدان باور دارند، و تماس خود را پیوسته نگه می‌دارند.[92]

وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ [92]

و پس چه کسی ستمگرتر است از کسی که بر خدا دروغ برمی‌سازد، یا می‌گوید: «به من پرده‌برداری شده است»، حال آنکه به او هیچ پرده‌برداری نشده است، و کسی که می‌گوید: «همانند آنچه خدا فرود آورده است فرود خواهم آورد»؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِىَ إِلَىَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَىْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ

و اگر ببینی، آنگاه که ستمگران در سختی‌های مرگ‌اند و کارگزاران دست‌ها را دراز می‌کنند: «خویشتن خود را بیرون آورید.

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى غَمَرَٰتِ ٱلْمَوْتِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓا۟ أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوٓا۟ أَنفُسَكُمُ

امروز به کیفر خواری بازپرداخت خواهید شد، برای آنکه دربارهٔ خدا جز حقیقت گفتید و در برابر نشانه‌های او خودبزرگ‌بینی کردید.»[93]

ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ ءَايَٰتِهِۦ تَسْتَكْبِرُونَ [93]

شما همانا یگانه یگانه نزد ما آمده‌اید، چنان‌که نخستین بار شما را آفریدیم، و آنچه را به شما ارزانی داشته بودیم پشت سر خود نهادید؛

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍۭ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَٰكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ

و ما میانجیان شما را با شما نمی‌بینیم، که می‌پنداشتید در میان شما انبازند.

وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَٰٓؤُا۟

پیوندهای میان شما همانا بریده شده است، و آنچه می‌پنداشتید از شما گم شده است.[94]

لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ [94]

خدا شکافندهٔ دانه و هسته است.

إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰ

زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد.

يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ ٱلْمَيِّتِ مِنَ ٱلْحَىِّ

این است خدا.

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ

پس چگونه به بیراهه برده می‌شوید؟[95]

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ [95]

او که سپیده‌دم را می‌شکافد، و شب را آرامش قرار داده است،

فَالِقُ ٱلْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيْلَ سَكَنًا

و خورشید و ماه را حساب.

وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ حُسْبَانًا

این است اندازه‌ای که از سوی نیرومند، همه‌چیزدان، مقرر شده است.[96]

ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ [96]

و اوست که ستارگان را برای شما قرار داد، تا به وسیلهٔ آن‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریا راه ببرید.

وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ

نشانه‌ها را برای قومی که می‌داند تفصیل دادیم.[97]

قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [97]

و اوست که شما را از یک خویشتن پدید آورد — سپس پناهی و سپرده‌ای.

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ

نشانه‌ها را برای قومی که درمی‌یابد تفصیل دادیم.[98]

قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ [98]

و اوست که از آسمان آبی فرود آورد، و ما با آن رویش هر چیز را بیرون آوردیم؛ از آن سبزه‌ای بیرون آوردیم، که از آن دانه‌های انبوه بیرون می‌آوریم، و از نخل، از غلاف شکوفه‌اش، خوشه‌هایی در دسترس، و باغ‌های انگور، زیتون و انار، همانند و ناهمانند.

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَىْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ ٱلنَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّٰتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ

به میوهٔ آن، چون میوه می‌دهد، و رسیدنش بنگرید.

ٱنظُرُوٓاْ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَيَنۡعِهِۦٓ

بی‌گمان در این نشانه‌هایی است برای قومی که باور دارد.[99]

إِنَّ فِي ذَٰلِكُمۡ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ [99]

و برای خدا انبازانی قرار دادند: نهانیان، حال آنکه او آنان را آفریده است؛

وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلۡجِنَّ وَخَلَقَهُمۡ

و بی‌هیچ دانشی برای او پسران و دختران برساختند.

وَخَرَقُواْ لَهُۥ بَنِينَ وَبَنَٰتَۢ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ

شکوه بر او باد! او بسی فراتر از آن است که توصیف می‌کنند.[100]

سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ [100]

آفریننده‌ای بی‌هیچ پیشینه از آسمان‌ها و زمین.

بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ

چگونه او فرزندی می‌داشت، حال آنکه همسری ندارد،

أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٞ

و هر چیز را آفریده است،

وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ

و بر هر چیز همه‌چیزدان است؟[101]

وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ [101]

این است خدا، سرپرست شما.

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ

هیچ ایزدی نیست مگر او،
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

آفرینندهٔ هر چیز؛
خَٰلِقُ كُلِّ شَيْءٍ

پس از او فرمان ببرید.
فَٱعْبُدُوهُ

او بر هر چیز وکیل است.[102]
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ [102]

بینایی‌ها او را درنمی‌یابند،
لَّا تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصَٰرُ

اما او بینایی‌ها را درمی‌یابد.
وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَٰرَ

او نازک‌بین است، باخبر.[103]
وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ [103]

روشن‌بینی‌هایی از سرپرست شما به سوی شما آمده است.
قَدْ جَآءَكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ

هر که روشن ببیند، به سود خودش است؛ و هر که نابینا باشد، به زیان خودش است.
فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِۦ وَمَنْ عَمِىَ فَعَلَيْهَا

و من بر شما نگهبان نیستم.[104]
وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ [104]

و چنین نشانه‌ها را گوناگون می‌کنیم؛ و تا بگویند: «درس خوانده‌ای»، و تا آن را برای قومی که می‌داند روشن کنیم.[105]

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْأَيَٰتِ وَلِيَقُولُواْ دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُۥ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ [105]

از آنچه از سوی سرپرست تو به تو پرده‌برداری می‌شود پیروی کن.

ٱتَّبِعْ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ

هیچ ایزدی نیست مگر او،

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

و از انبازگیرندگان روی بگردان.[106]

وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْمُشْرِكِينَ [106]

و اگر خدا را پسند افتاده بود، انباز نمی‌گرفتند.

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشْرَكُواْ

و ما تو را نگهبان آنان نکردیم،

وَمَا جَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

و تو برای آنان وکیل نیستی.[107]

وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ [107]

و کسانی را که غیر از خدا می‌خوانند دشنام مدهید، مبادا از روی دشمنی، بی‌دانش، خدا را دشنام دهند.

وَلَا تَسُبُّواْ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّواْ ٱللَّهَ عَدْوًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ

چنین برای هر جامعه کردارش را آراستیم؛

كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ

سپس بازگشت‌شان به سوی سرپرست‌شان خواهد بود، و او آنان را از آنچه می‌کردند اطلاع خواهد داد.[108]

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ [108]

و با تمام نیروی سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر نشانه‌ای به آنان می‌رسید، بی‌گمان بدان باور می‌آوردند.

وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا

بگو: «نشانه‌ها جز نزد خدا نیست»؛

قُلْ إِنَّمَا ٱلْـَٔايَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ

و چه چیز شما را به احساس آن می‌رساند؟

وَمَا يُشْعِرُكُمْ

همانا چون بیاید، بدان باور نخواهند آورد.[109] **(135)**

إِنَّهَآ إِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ [109] **(135)**

و ما آگاهی‌ها و بینایی‌هایشان را وارونه می‌کنیم، چنان‌که بار نخست بدان باور نیاوردند، و آنان را در حدشکنی‌شان رها می‌کنیم، که در آن دست‌وپا می‌زنند.[110]

وَنُقَلِّبُ أَفْـِٔدَتَهُمْ وَأَبْصَٰرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا۟ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ [110]

و حتی اگر ما کارگزاران را به سوی آنان فرود آورده بودیم، و مردگان با آنان سخن گفته بودند، و هر چیز را روبه‌رو نزد آنان گرد آورده بودیم، باور نمی‌آوردند، مگر آنکه خدا را پسند افتد؛

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَآ إِلَيْهِمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَىْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوٓا۟ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ

اما بیشتر آنان نادان‌اند.[111]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ [111]

و چنین برای هر اطلاع‌دهنده‌ای دشمنی قرار دادیم: منحرف‌کنندگان از آدمیان و نهانیان، که سخنی زراندود را برای فریفتن به یکدیگر به دل می‌افکنند.

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَٰطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ يُوحِى بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ ٱلْقَوْلِ غُرُورًا

و اگر سرپرست تو را پسند افتاده بود، آن را نمی‌کردند؛

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ

پس آنان و آنچه را برمی‌سازند رها کن.[112]

فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ [112]

و تا آگاهی‌های کسانی که به زندگی واپسین باور ندارند بدان مایل شود، بدان خرسند شوند، و آنچه را باید مرتکب شوند مرتکب شوند.[113]

وَلِتَصْغَىٰٓ إِلَيْهِ أَفْـِٔدَةُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا۟ مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ [113]

آیا پس داور دیگری جز خدا بجویم، حال آنکه اوست که نوشتار را تفصیل‌یافته بر شما فرود آورد؟

أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْتَغِى حَكَمًا وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ إِلَيْكُمُ ٱلْكِتَٰبَ مُفَصَّلًا

و کسانی که نوشتار به آنان دادیم می‌دانند که از سرپرست تو به حقیقت فرود آورده شده است؛

وَٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ

پس هرگز از شمار کسانی که به بگومگو درمی‌آیند مباش.[114]

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ [114]

و کلمهٔ سرپرست تو به راست‌گویی و دادگری کامل شده است.

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا

هیچ‌کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون کند،

لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ

و او شنوا و همه‌چیزدان است.[115]

وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [115]

و اگر از بیشتر کسانی که بر زمین‌اند گردن نهی، تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد.

وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

جز از گمان پیروی نمی‌کنند،

إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ

و جز برآورد نمی‌کنند.[116]

وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ [116]

سرپرست تو همانا بهتر می‌شناسد که از راه او گمراه می‌شود،

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِۦ

و راهنمایی‌پذیرندگان را بهتر می‌شناسد.[117]

وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ [117]

پس از آنچه نام خدا بر آن یادآوری شده است بخورید، اگر به نشانه‌های او باورمندید.[118]

فَكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤْمِنِينَ [118]

و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن یادآوری شده است نمی‌خورید، حال آنکه او آنچه را بر شما ممنوع کرده است برای شما تفصیل داده است، مگر آنچه بدان ناگزیر شوید؟

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا ٱضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ

و بسیاری با هیجان‌های خود بی‌گمان بی‌دانش گمراه می‌کنند،

وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَآئِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ

زیرا سرپرست تو کسانی را که از حدود می‌گذرند بهتر می‌شناسد.[119]

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُعْتَدِينَ [119]

و تعدی را رها کنید، آشکار و درونی،

وَذَرُواْ ظَٰهِرَ ٱلْإِثْمِ وَبَاطِنَهُۥٓ

زیرا کسانی که تعدی به دست می‌آورند، برای آنچه مرتکب می‌شدند بازپرداخت خواهند شد.[120]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْسِبُونَ ٱلْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُواْ يَقْتَرِفُونَ [120]

و از آنچه نام خدا بر آن یادآوری نشده است نخورید: این بی‌گمان یک تجاوز است.

وَلَا تَأْكُلُواْ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُۥ لَفِسْقٌ

و منحرف‌کنندگان بی‌گمان به متحدان خود به دل می‌افکنند که با شما مجادله کنند؛

وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَٰدِلُوكُمْ

و اگر از آنان گردن می‌نهادید، بی‌گمان از انبازگیرندگان می‌بودید.[121]

وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ [121]

آیا کسی که مرده بود و به او زندگی دادیم، و برایش نوری قرار دادیم که با آن در میان مردم راه می‌رود، همانند کسی است که مثالش این است که در تاریکی‌هاست، بی‌آنکه بتواند از آن بیرون آید؟

أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَٰهُ وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِى بِهِۦ فِى ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا

چنین برای انکارکنندگان کارهایی که انجام می‌دادند آراسته شد.[122]

كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَٰفِرِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [122]

و چنین در هر شهر، بزرگ‌ترین کنارگذاشته‌شدگانش را نهادیم، تا در آن توطئه کنند؛

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِى كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُواْ فِيهَا

اما جز بر ضد خودشان توطئه نمی‌کنند، بی‌آنکه احساس کنند.[123]

وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ [123]

و چون نشانه‌ای به آنان رسد، می‌گویند: «باور نخواهیم آورد، تا آنکه همانند آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما داده شود.»

وَإِذَا جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ قَالُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَآ أُوتِىَ رُسُلُ ٱللَّهِ

خدا بهتر می‌داند پیام خود را کجا بنهد.

ٱللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُۥ

خواری نزد خدا و کیفری سخت به کسانی خواهد رسید که کنار گذاشته شدند، برای آنکه توطئه کردند.[124]

سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٌۢ شَدِيدٌۢ بِمَا كَانُوا۟ يَمْكُرُونَ [124]

هر که را خدا بخواهد راه بنماید، سینه‌اش را به بی‌خدشگی نزد خدا می‌گشاید؛

فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ يَشْرَحْ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ

و هر که را بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را تنگ و دشوارشده می‌گرداند، گویی در آسمان بالا می‌رود.

وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُۥ يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِى ٱلسَّمَآءِ

چنین خدا آلودگی را بر کسانی که باور ندارند می‌نهد.[125]

كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ [125]

و این است جادهٔ سرپرست تو، راست.

وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا

نشانه‌ها را برای قومی که به یاد می‌آورد تفصیل دادیم.[126]

قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ [126]

آنان جایگاه آرامش را نزد سرپرست‌شان دارند،

لَهُمْ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمْ

و او متحد آنان است، برای آنچه می‌کردند.[127]

وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [127]

و روزی که همهٔ آنان را گرد خواهد آورد: «ای گروه نهانیان! از آدمیان بسیار برای خود به دست آوردید»؛

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ قَدِ ٱسْتَكْثَرْتُم مِّنَ ٱلْإِنسِ

و متحدان آنان از آدمیان خواهند گفت: «ای سرپرست ما، از یکدیگر بهره بردیم، و به سررسید خود رسیدیم، آنچه برای ما مقرر کرده بودی.»

وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلْإِنسِ رَبَّنَا ٱسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَآ أَجَلَنَا ٱلَّذِىٓ أَجَّلْتَ لَنَا

خواهد گفت: «آتش اقامتگاه شماست، جاودانه در آن می‌مانید» — مگر آنچه خدا را پسند افتد،

قَالَ ٱلنَّارُ مَثْوَىٰكُمْ خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ

زیرا سرپرست تو فرزانه و همه‌چیزدان است.[128]

إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ [128]

و چنین ستمگران را به سبب آنچه به دست می‌آوردند متحد یکدیگر می‌گردانیم.[129]

وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّى بَعْضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضًۢا بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ [129]

«ای گروه نهانیان و آدمیان! آیا فرستادگانی از میان خودتان به سوی شما نیامدند، که نشانه‌های من را برای شما روایت می‌کردند و شما را از رویارویی با این روز شما هشدار می‌دادند؟»

يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِى وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا

خواهند گفت: «بر ضد خودمان گواهی می‌دهیم»؛

قَالُواْ شَهِدْنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَا

و زندگی نزدیک آنان را فریفت، و بر ضد خودشان گواهی خواهند داد که انکار می‌کردند.[130]

وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كَٰفِرِينَ [130]

این از آن است که سرپرست تو را نرسد که شهرها را به ستم نابود کند، حال آنکه مردمشان بی‌خیال باشند.[131]

ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَٰفِلُونَ [131]

و برای هر کس درجاتی است، بر پایهٔ آنچه کرده‌اند.

وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُواْ

و سرپرست تو از آنچه می‌کنند بی‌خیال نیست.[132]

وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ [132]

و سرپرست تو توانگر است، دارندهٔ مهر.

وَرَبُّكَ ٱلْغَنِىُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ

اگر او را پسند افتد، شما را می‌برد، و پس از شما آنچه را پسند او افتد جانشین می‌کند، چنان‌که شما را از نسل قومی دیگر پدید آورد.[133]

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنۢ بَعْدِكُم مَّا يَشَآءُ كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخَرِينَ [133]

آنچه به شما وعده داده شده است بی‌گمان خواهد آمد،

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَءَاتٍ

و شما نخواهید توانست او را ناتوان کنید.[134]

وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ [134]

بگو: «ای قوم من! بر پایهٔ جایگاه خود عمل کنید، زیرا من نیز عمل می‌کنم.

قُلْ يَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَامِلٌ

به‌زودی خواهید دانست که فرجام آن جایگاه از آنِ کیست،

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ

زیرا ستمگران کامیاب نمی‌شوند.»[135]

إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ [135]

و برای خدا از آنچه پراکنده است، از کشت و چارپایان، سهمی قرار دادند و گفتند: «این از آنِ خدا است» — به پندار خود — «و این از آنِ انبازهای ماست»؛

وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلْحَرْثِ وَٱلْأَنْعَٰمِ نَصِيبًا فَقَالُوا۟ هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَآئِنَا

و آنچه برای انبازهایشان مقرر شده است به خدا نمی‌رسد،

فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِ

در حالی که آنچه برای خدا مقرر شده است، به انبازهایشان می‌رسد.

وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمْ

چه بد است داوری‌شان![136]

سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ [136]

و چنین انبازهایشان برای بسیاری از انبازگیرندگان کشتن فرزندان‌شان را آراستند، تا آنان را به نابودی کشانند و قانون‌شان را بر آنان درهم کنند.

وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا۟ عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، آن را نمی‌کردند؛

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ

پس آنان و آنچه را برمی‌سازند رها کن.[137]

فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ [137]

و گفتند: «اینها چارپایان و کشتی ممنوع‌اند: مگر کسی که ما را پسند افتد کس از آن نخواهد خورد» — به پندار خود — «و چارپایانی که پشتشان ممنوع است»، و چارپایانی که نام خدا را بر آن یادآوری نمی‌کنند، به برساختن بر ضد او.

وَقَالُواْ هَٰذِهِۦٓ أَنْعَٰمٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَٰمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَٰمٌ لَّا يَذْكُرُونَ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا ٱفْتِرَآءً عَلَيْهِ

به آنان برای آنچه برمی‌ساختند بازپرداخت خواهد داد.[138]

سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُواْ يَفْتَرُونَ [138]

و گفتند: «آنچه در شکم این چارپایان است ویژهٔ مردان ماست، و بر همسران ما ممنوع است»؛

وَقَالُواْ مَا فِى بُطُونِ هَٰذِهِ ٱلْأَنْعَٰمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِنَا

اما اگر مرده‌زاد باشد، همه در آن شریک‌اند.

وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَآءُ

آنان را برای نسبت‌دادنشان بازپرداخت خواهد داد،

سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ

زیرا او فرزانه و همه‌چیزدان است.[139]

إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٌ [139]

زیان‌کارند کسانی که فرزندان خود را از سر بی‌خردی، بی‌دانش، کشتند، و آنچه را خدا روزی‌شان داده بود، به برساختن بر ضد خدا، ممنوع شمردند.

قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓاْ أَوْلَٰدَهُمْ سَفَهًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ٱفْتِرَآءً عَلَى ٱللَّهِ

گمراه شدند، و راهنمایی نمی‌پذیرفتند.[140]

قَدْ ضَلُّوا۟ وَمَا كَانُوا۟ مُهْتَدِينَ [140]

و اوست که باغ‌ها، با داربست و بی‌داربست، و نخل و کشت، با خوراک‌های گوناگون، و زیتون و انار، همانند و ناهمانند، پدید آورد.

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٍ مَّعْرُوشَٰتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَٰتٍ وَٱلنَّخْلَ وَٱلزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ

از میوهٔ آن، چون میوه دهد، بخورید، و حق آن را در روز درو آن بدهید،

كُلُوا۟ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثْمَرَ وَءَاتُوا۟ حَقَّهُۥ يَوْمَ حَصَادِهِۦ

اما هدر مدهید،

وَلَا تُسْرِفُوٓا۟

زیرا هدردهندگان را دوست ندارد.[141]

إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْرِفِينَ [141]

و از چارپایان، بارکش‌ها و پشم‌دارها هستند.

وَمِنَ ٱلْأَنْعَٰمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا

از آنچه خدا روزی‌تان داده است بخورید،

كُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ

و از گام‌های منحرف‌کننده پیروی نکنید،

وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ

زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.[142]

إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ [142]

هشت، جفت‌جفت:

ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ

از میش‌ها دو، و از بزها دو.

مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِ

بگو: «آیا دو نر را ممنوع شمرده است، یا دو ماده را، یا آنچه زهدان‌های دو ماده در بر دارد؟

قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ

مرا با دانشی کامل اطلاع دهید، اگر راست‌گویید.»[143]

نَبِّـُٔونِي بِعِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [143]

و از شتران دو، و از گاوها دو.

وَمِنَ ٱلۡإِبِلِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ ٱثۡنَيۡنِ

بگو: «آیا دو نر را ممنوع شمرده است، یا دو ماده را، یا آنچه زهدان‌های دو ماده در بر دارد؟

قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ

یا هنگامی که خدا این را به شما سفارش کرد، گواه بودید؟»

أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَاۚ

پس چه کسی ستمگرتر است از کسی که بر خدا دروغ برمی‌سازد تا مردم را بی‌دانش گمراه کند؟

فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ

خدا قوم ستمگر را همانا راه نمی‌نماید.[144]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [144]

بگو: «در آنچه به من پرده‌برداری شده است، چیزی ممنوع نمی‌یابم برای هر که بخواهد از آن بخورد، مگر آنکه جانور مرده باشد، یا خون ریخته، یا گوشت خوک — زیرا آن آلودگی است —

قُل لَّآ أَجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن يَكُونَ مَيۡتَةً أَوۡ دَمٗا مَّسۡفُوحًا أَوۡ لَحۡمَ خِنزِيرٖ فَإِنَّهُۥ رِجۡسٌ

یا تجاوزی که به کسی غیر از خدا اختصاص داده شده است.

أَوۡ فِسۡقًا أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ

اما هر که به آن واداشته شود، بی‌آنکه سرکش باشد یا از حدود بگذرد — سرپرست تو همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.»[145]

فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [145]

و بر بازگرایان، هر دارندهٔ ناخن را ممنوع کردیم: و از گاوان و گوسفندان،

وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٖۖ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ وَٱلۡغَنَمِ

چربی‌هایشان را بر آنان ممنوع کردیم، مگر آنچه پشت‌هایشان حمل می‌کند، یا روده‌ها، یا آنچه با استخوانی آمیخته شده است.

حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ شُحُومَهُمَآ إِلَّا مَا حَمَلَتۡ ظُهُورُهُمَآ أَوِ ٱلۡحَوَايَآ أَوۡ مَا ٱخۡتَلَطَ بِعَظۡمٖۚ

این‌گونه آنان را برای زورگویی‌شان بازپرداخت کردیم،

ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِبَغۡيِهِمۡ

و ما بی‌گمان راست‌گوییم.[146]

وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ [146]

اگر تو را دروغ بینگارند، آنگاه بگو: «سرپرست شما دارندهٔ مهری فراخ است،

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمۡ ذُو رَحۡمَةٖ وَٰسِعَةٖ

و سخت‌گیری او نسبت به قوم کنارگذاشته‌شدگان بازپس گرفته نخواهد شد.»[147]

وَلَا يُرَدُّ بَأۡسُهُۥ عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ [147]

کسانی که انباز گرفتند خواهند گفت: «اگر خدا را پسند افتاده بود، ما انباز نمی‌گرفتیم و نه نیاکان ما، و هیچ چیز را ممنوع نمی‌انگاشتیم.»

سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكۡنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن شَيۡءٖ

بدین‌سان کسانی که پیش از آنان بودند دروغ انگاشتند، تا آنکه سخت‌گیری ما را چشیدند.

كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ حَتَّىٰ ذَاقُواْ بَأۡسَنَا

بگو: «آیا دانشی دارید که برای ما بیرون آورید؟

قُلۡ هَلۡ عِندَكُم مِّنۡ عِلۡمٖ فَتُخۡرِجُوهُ لَنَآ

شما تنها از گمان پیروی می‌کنید،

إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ

و شما تنها حدس می‌زنید.»[148]

وَإِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَخۡرُصُونَ [148]

بگو: «دلیل قاطع از آنِ خدا است.

قُلۡ فَلِلَّهِ ٱلۡحُجَّةُ ٱلۡبَٰلِغَةُ

اگر او را پسند افتاده بود، همهٔ شما را راه می‌نمود.»[149]

فَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ [149]

بگو: «گواهان خود را بیاورید، کسانی که گواهی می‌دهند که خدا این را ممنوع انگاشته است.»

قُلۡ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ يَشۡهَدُونَ أَنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا

اگر گواهی دهند، با آنان گواهی مده،

فَإِن شَهِدُواْ فَلَا تَشۡهَدۡ مَعَهُمۡ

و از هیجان‌های کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و کسانی که به زندگی واپسین باور نمی‌آورند، و کسانی که برای سرپرست خود وزنه‌های مقابل می‌نهند، پیروی نکن.[150]

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ [150]

بگو: «بیایید تا آنچه را سرپرست شما برای شما مصون از تعرّض ساخته است برخوانم: چیزی را با او انباز نگیرید؛

قُلْ تَعَالَوْا۟ أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا۟ بِهِۦ شَيْـًٔا

نیکوکاری با پدر و مادر؛

وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا

و فرزندان خود را از کمبود نکشید —

وَلَا تَقْتُلُوٓا۟ أَوْلَٰدَكُم مِّنْ إِمْلَٰقٍ

این ما هستیم که شما را روزی می‌دهیم، و آنان را نیز؛

نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ

و به زشتی‌ها، آشکار یا درونی، نزدیک نشوید؛

وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلْفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

و خویشتنی را که خدا مصون از تعرّض ساخته است نکشید، مگر آنچه به حق باشد؛

وَلَا تَقْتُلُوا۟ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِى حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ

این است آنچه او شما را به آن سفارش کرد، شاید خرد بورزید.[151]

ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [151]

و به دارایی یتیم نزدیک نشوید، مگر زیباترین شیوه، تا آنکه به بلوغ کامل برسد؛

وَلَا تَقْرَبُوا۟ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُۥ

و پیمانه و ترازو را با وفاداری بدهید، با برابری —

وَأَوْفُواْ ٱلْكَيْلَ وَٱلْمِيزَانَ بِٱلْقِسْطِ

ما بر هیچ خویشتنی جز ظرفیتش تحمیل نمی‌کنیم —

لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

و چون سخنی می‌گویید، دادگر باشید، هرچند در حق نزدیکی باشد؛

وَإِذَا قُلْتُمْ فَٱعْدِلُواْ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ

و به پیمان خدا وفادار باشید:

وَبِعَهْدِ ٱللَّهِ أَوْفُواْ

این است آنچه او شما را به آن سفارش کرد، شاید به یاد آورید.[152]

ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [152]

و: این جادهٔ راست من است؛ پس از آن پیروی کنید،

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِى مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ

و از راه‌ها پیروی نکنید، که شما را از راه او جدا سازند:

وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِۦ

این است آنچه او شما را به آن سفارش کرد، شاید محتاط باشید.»[153]

ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [153]

سپس به موسی نوشتار را دادیم، در کمال برای نیکوکار، در تفصیل هر چیز، در راهنمایی و مهر، شاید به ملاقات سرپرست خود باور می‌آوردند.[154]

ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ تَمَامًا عَلَى ٱلَّذِىٓ أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَىْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ [154]

و این نوشتاری است که ما فرود آوردیم، خجسته؛ پس از آن پیروی کنید و محتاط باشید، شاید به شما مهر ورزیده شود — مبادا بگویید: «نوشتار تنها بر دو گروه پیش از ما فرود آورده شد، و ما بی‌گمان از بررسی‌شان بی‌اعتنا بودیم»، یا بگویید: «اگر نوشتار بر ما فرود آورده می‌شد، ما بهتر از آنان راه نموده می‌شدیم.»[155-156]

وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ مُبَارَكٌ فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ 155 أَن تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أُنزِلَ ٱلْكِتَٰبُ عَلَىٰ طَآئِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَٰفِلِينَ 156 أَوْ تَقُولُواْ لَوْ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهْدَىٰ مِنْهُمْ

پس برهانی روشن از سوی سرپرست شما، و نیز راهنمایی و مهر، برای شما آمده است.

فَقَدْ جَآءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

پس چه کسی ستمگرتر است از آن که نشانه‌های خدا را دروغ انگاشت و از آن‌ها روی گرداند؟

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا

کسانی را که از نشانه‌های ما روی می‌گردانند، به کیفر بد بازپرداخت خواهیم کرد، به‌خاطر آنکه روی گرداندند.[157]

سَنَجْزِى ٱلَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ ءَايَٰتِنَا سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصْدِفُونَ 157

آیا جز این انتظار می‌کشند که کارگزاران به سوی آنان بیایند، یا سرپرست تو بیاید، یا برخی نشانه‌های سرپرست تو بیایند؟

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ يَأْتِىَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِىَ بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ

روزی که برخی نشانه‌های سرپرست تو بیایند، باور خویشتنی به او سود نخواهد رساند، اگر پیش‌تر باور نیاورده باشد یا در باور خود هیچ نیکی‌ای کسب نکرده باشد.

يَوْمَ يَأْتِى بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِىٓ إِيمَٰنِهَا خَيْرًا

بگو: «انتظار بکشید،

قُلِ ٱنتَظِرُوٓاْ

زیرا ما انتظار می‌کشیم.»[158]

إِنَّا مُنتَظِرُونَ [158]

همانا کسانی که قانون خود را چنددسته کردند و دسته‌دسته شدند، تو در هیچ چیز با آنان پیوند نداری.

إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِى شَىْءٍ

کار آنان جز به خدا بازنمی‌گردد،

إِنَّمَآ أَمْرُهُمْ إِلَى ٱللَّهِ

سپس او آنان را از آنچه می‌کردند اطلاع خواهد داد.[159]

ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ [159]

هر که با کنش نیک بیاید، ده برابرِ همانندش از آنِ او است،

مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

و هر که با کنش بد بیاید، جز همانندش بازپرداخت نمی‌شود، بی‌آنکه ستم ببیند.[160]

وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [160]

بگو: «سرپرست من مرا همانا به جاده‌ای راست راه نمود،

قُلْ إِنَّنِى هَدَىٰنِى رَبِّىٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ

قانونی راست، آموزهٔ ابراهیم، یکسره رو به خدا؛

دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا

و او از شمار انبازگیرندگان نبود.»[161]

وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [161]

بگو: «تماس من، کنش نیکوکارانهٔ من، زندگی و مرگ من همانا از آنِ خدا است، سرپرست همهٔ هستی‌ها؛ او را هیچ انبازی نیست.[162]

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [162] لَا شَرِيكَ لَهُۥ

و این است آنچه به من دستور داده شد،

وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ

و من نخستین کسانی هستم که نزد خدا بی‌خدشه‌اند.»[163]

وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ [163]

بگو: «آیا سرپرستی جز خدا بجویم، حال آنکه او سرپرست هر چیز است؟»

قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ

و هر خویشتنی جز به ضرر خود کسب نمی‌کند،

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا

و هیچ باربردارنده‌ای بار دیگری را برنخواهد داشت.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

سپس بازگشت شما به سوی سرپرست شما خواهد بود، و او شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید اطلاع خواهد داد.[164]

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ [164]

و اوست که شما را جانشینانی بر زمین ساخت، و برخی را بر برخی در درجه‌ها بالا برد، تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید.

وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ ٱلْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمْ

سرپرست تو همانا در تنبیه شتابنده است،

إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلْعِقَابِ

و او بی‌گمان بسیار بخشاینده و مهربان است.[165]

وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ[165]



# المائدة • AL-MA'IDA

سوره 5 · 120 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای باورآوردگان! به قراردادها وفادار باشید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوْفُواْ بِٱلْعُقُودِ

بر شما چارپایان گله روا شده است، مگر آنچه بر شما برخوانده می‌شود — بی‌آنکه شکار را روا بشمارید، در حالی که در حالت مصون از تعرّض هستید؛

أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلْأَنْعَٰمِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي ٱلصَّيْدِ وَأَنتُمْ حُرُمٌ

زیرا خدا بدانچه بخواهد داوری می‌کند.[1]

إِنَّ ٱللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ [1]

ای باورآوردگان! شاخص‌های محسوس خدا را روا مشمارید، نه ماه مصون از تعرّض را، نه هدیه‌های داوطلبانه را، نه پیشکش‌های نذرشده را، و نه آنان را که به سوی خانهٔ مصون از تعرّض می‌روند و لطفی از سرپرست خود و پسندی می‌جویند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ وَلَا ٱلْهَدْىَ وَلَا ٱلْقَلَٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَٰنًا

و چون از آن حالت درآمدید، شکار کنید.

وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَٱصْطَادُواْ

و دشمنی گروهی، از اینکه راه شما را به جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض بست، شما را به حمله نکشاند.

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا۟

در فضیلت و احتیاط به یکدیگر کمک کنید،

وَتَعَاوَنُوا۟ عَلَى ٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ

و در تعدی و دشمنی به یکدیگر کمک نکنید.

وَلَا تَعَاوَنُوا۟ عَلَى ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ

زیرا خدا در تنبیه سخت است.[2]

إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [2]

بر شما ممنوع شده‌اند: جانور مرده، خون، گوشت خوک، آنچه برای غیر از خدا اختصاص یافته است، جانور خفه‌شده، جانور در حال مرگ، جانور فرسوده از بیماری، جانور مرده از ضربهٔ شاخ، و آنچه درنده‌ای خورده است — مگر آنچه با آتش پاک کرده‌اید — و نیز جانور سربریده‌شده به‌صورت مشترک، با سهم‌بندی به‌قرعهٔ تیر.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحْمُ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلْمُنْخَنِقَةُ وَٱلْمَوْقُوذَةُ وَٱلْمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسْتَقْسِمُوا۟ بِٱلْأَزْلَٰمِ

این یک تجاوز است.

ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ

امروز انکارکنندگان از قانون شما ناامید شده‌اند؛

ٱلْيَوْمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن دِينِكُمْ

پس از آنان بیم نداشته باشید، بلکه از من بیم داشته باشید.

فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَٱخْشَوْنِ

امروز قانون شما را برای شما کامل کردم، دهش خود را بر شما تمام کردم، و بی‌خدشگی نزد خدا را به‌عنوان قانون برای شما پسندیدم.

ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَٰمَ دِينًا

اما هر که از قحطی بدان ناگزیر شود، بی‌گرایش به تعدی – خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[3]

فَمَنِ ٱضْطُرَّ فِى مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [3]

از تو می‌پرسند: چه چیزی برای‌شان روا شده است؟

يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمْ

بگو: «چیزهای نیک بر شما روا شده است، و نیز جانوران شکار که به‌عنوان آموزگار آموخته‌اید، از آنچه خدا به شما آموخته به آنان می‌آموزید.

قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ ٱلْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُ

پس از آنچه برای شما می‌گیرند بخورید، و نام خدا را بر آن یادآوری کنید.

فَكُلُوا۟ مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ

زیرا خدا در حسابرسی شتابنده است.»[4]

إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [4]

امروز چیزهای نیک بر شما روا شده است. خوراک کسانی که نوشتار به آنان داده شده است برای شما روا است، و خوراک شما برای آنان روا است. و زنان محفوظ‌شده با پیوند زناشویی از میان باورمندان، و زنان محفوظ‌شده با پیوند زناشویی از میان کسانی که پیش از شما نوشتار به آنان داده شده است، آنگاه که پاداش‌شان را به آنان می‌دهید، در حالی که به پیوند زناشویی درمی‌آیید، نه بی‌بندوبار و نه دارندهٔ دوستان پنهانی.

ٱلْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَٰفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِىٓ أَخْدَانٍ

و هر که باور را انکار کند، کردارش فرو می‌ریزد، و در زندگی واپسین از زیان‌کاران خواهد بود.[5]

وَمَن يَكْفُرْ بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُۥ وَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [5]

ای باورآوردگان! چون برای تماس برمی‌خیزید، چهره‌ها و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید، و بر سرهایتان دست بکشید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى ٱلْمَرَافِقِ وَٱمْسَحُواْ بِرُءُوسِكُمْ

و پاهایتان را تا زانوها بشویید.

وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى ٱلْكَعْبَيْنِ

و اگر آلوده شده‌اید، خود را بشویید.

وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَٱطَّهَّرُواْ

و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما نیاز طبیعی خود را برآورده کرده است، یا با زنی در خلوت درآمیخته‌اید، و آب نمی‌یابید، پس برون‌زدی نیک را قصد کنید، و از آن بر چهره‌ها و دست‌هایتان بکشید.

وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَآءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ ٱلْغَآئِطِ أَوْ لَٰمَسْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُواْ مَآءً فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا فَٱمْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُم مِّنْهُ

خدا نمی‌خواهد هیچ دشواری بر شما بنهد،

مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ

بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و دهش خود را بر شما تمام کند، شاید سپاس‌گزار باشید.[6]

وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [6]

و دهش خدا بر خود و پیمان استوار او را که شما را بدان بست، به یاد آورید، آنگاه که گفتید: «شنیدیم و گردن نهادیم.»

وَٱذْكُرُواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِى وَاثَقَكُم بِهِۦٓ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا از آنچه در سینه‌ها است همه‌چیزدان است.[7]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [7]

ای باورآوردگان! از پابرجا نگه‌دارندگان برای خدا باشید، با انصاف گواهی دهید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلْقِسْطِ

و دشمنی گروهی شما را به دادگر نبودن نکشاند.

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعْدِلُواْ

دادگر باشید: این به احتیاط نزدیک‌تر است.

ٱعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا از آنچه می‌کنید باخبر است.[8]

إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ [8]

خدا به کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند وعده داده است: بخشایشی و پاداشی سترگ خواهند داشت.[9]

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٞ [9]

و کسانی که انکار کردند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند — اینان همراهان کوره‌اند.[10]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ [10]

ای باورآوردگان! دهش خدا بر خود را به یاد آورید، آنگاه که قومی قصد داشت دست‌ها را به سوی شما دراز کند، و او دست‌هایشان را از شما باز داشت.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ هَمَّ قَوۡمٌ أَن يَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ فَكَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡ

و نسبت به خدا محتاط باشید:

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.[11]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ [11]

خدا همانا پیمان استوار پسران اسرائیل را گرفته بود، و ما از میان آنان دوازده نماینده برانگیختیم.

وَلَقَدۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَبَعَثۡنَا مِنۡهُمُ ٱثۡنَيۡ عَشَرَ نَقِيبٗا

و خدا گفت: «من همانا با شمایم.

وَقَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مَعَكُمۡ

اگر تماس را پابرجا نگه دارید، گشاده‌دستی ناب را بدهید، به فرستادگان من باور آورید، آنان را پشتیبانی کنید، و به خدا وامی نیکو دهید، بی‌گمان بدی‌هایتان را خواهم پوشاند، و بی‌گمان شما را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهم آورد.

لَئِنۡ أَقَمۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَيۡتُمُ ٱلزَّكَوٰةَ وَءَامَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرۡتُمُوهُمۡ وَأَقۡرَضۡتُمُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ

اما هر که از شما پس از این انکار کند، از راه راست گمراه شده است.»[12]

فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ [12]

به سبب شکستن پیمان استوارشان، آنان را نفرین کردیم و هسته‌هایشان را سخت گرداندیم: سخنان را دور از بافت‌شان دگرگون می‌کنند، و بخشی از آنچه به یادشان آورده شده بود را فراموش کردند.

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَٰسِيَةً يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ

و پیوسته در آنان خیانتی را خواهی شکافت، مگر اندکی از آنان.

وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ

پس از آنان چشم بپوش، و صفحه را بگردان،

فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱصْفَحْ

زیرا خدا کسانی را که نیکی می‌کنند دوست می‌دارد.[13]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ [13]

و از میان کسانی که گفتند: «ما همانا یاری‌رسانانیم»، پیمان استوارشان را گرفتیم، اما بخشی از آنچه به یادشان آورده شده بود را فراموش کردند؛ پس میان آنان دشمنی و کینه افکندیم، تا روز حضور؛

وَمِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذْنَا مِيثَٰقَهُمْ فَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ

و خدا به‌زودی آنان را از آنچه می‌کردند اطلاع خواهد داد.[14]

وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ بِمَا كَانُوا۟ يَصْنَعُونَ [14]

ای دارندگان نوشتار! فرستادهٔ ما به سوی شما آمده است، بسیاری از آنچه از نوشتار پنهان می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری چیزها چشم می‌پوشد.

يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ

نوری از خدا و نوشتاری آشکار به سوی شما آمده است، که خدا بدان هر که خشنودی او را پیروی کند به راه‌های صلح راه می‌نماید،[15]

قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَكِتَٰبٌ مُّبِينٌ [15] يَهْدِى بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ

و آنان را به اجازهٔ خود از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد،

وَيُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذْنِهِۦ

و به جادهٔ راست راه می‌نماید.[16]

وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [16]

همانا انکار کردند کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است.»

لَّقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ مَرْيَمَ

بگو: «پس چه کسی در برابر خدا از چیزی مالک خواهد بود، اگر بخواهد مسیح پسر مریم، و مادرش، و همهٔ کسانی را که بر زمین‌اند نابود کند؟»

قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ ٱلْمَسِيحَ ٱبْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا

و پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

آنچه را پسند او افتد می‌آفریند.

يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ

و خدا بر هر چیز توانا است.[17]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [17]

و بازگرایان و یاری‌رسانان گفتند: «ما پسران خدا و دوست‌داشته‌شدگان او هستیم.»

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحْنُ أَبْنَٰٓؤُا۟ ٱللَّهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُۥ

بگو: «پس چرا شما را برای تقصیرهایتان کیفر می‌دهد؟
قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم

شما بلکه آدمیانی هستید از میان آنان که آفریده است.
بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ

هر که را پسند او افتد می‌بخشاید، و هر که را پسند او افتد کیفر می‌دهد.»
يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ

و پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌ها است از آنِ خدا است،
وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

و مقصد به سوی او است.[18]
وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ [18]

ای دارندگان نوشتار! فرستادهٔ ما همانا به سوی شما آمده است، پس از وقفه‌ای میان فرستادگان برای شما روشنگری می‌کند، مبادا بگویید: «هیچ مژده‌دهنده و هشداردهنده‌ای به سوی ما نیامده است» — پس مژده‌دهنده و هشداردهنده‌ای به سوی شما آمده است.
يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُوا۟ مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَآءَكُم بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ

و خدا بر هر چیز توانا است.[19]
وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [19]

و آنگاه که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! دهش خدا بر خود را به یاد آورید، آنگاه که در میان شما اطلاع‌دهندگانی نهاد، و شما را پادشاهانی ساخت،
وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنۢبِيَآءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا

و به شما چیزی داد که به هیچ‌یک از دیگر هستی‌ها نداد.[20]
وَءَاتَىٰكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ [20]

ای قوم من! به سرزمین ویژه‌شده‌ای که خدا برای شما مقرر کرده است درآیید،

يَٰقَوْمِ ٱدْخُلُواْ ٱلْأَرْضَ ٱلْمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِي كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْ

و به عقب بازنگردید، وگرنه زیان‌کار برمی‌گشتید.»[21]

وَلَا تَرْتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ [21]

گفتند: «ای موسی! همانا در آنجا قومی خودکامه است،

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ

و ما همانا وارد آن نخواهیم شد تا آنکه آنان از آن بیرون نروند؛

وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُواْ مِنْهَا

اگر از آن بیرون روند، آنگاه ما وارد آن خواهیم شد.»[22]

فَإِن يَخْرُجُواْ مِنْهَا فَإِنَّا دَٰخِلُونَ [22]

دو مرد، از میان کسانی که می‌ترسیدند، که خدا دهش خود را بر آنان ارزانی کرده بود، گفتند: «از در بر آنان درآیید؛

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمَا ٱدْخُلُواْ عَلَيْهِمُ ٱلْبَابَ

چون وارد آن شدید، همانا شما پیروز خواهید بود.

فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَٰلِبُونَ

و باید به خدا وکالت داد، اگر باورمندید.»[23]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [23]

گفتند: «ای موسی! ما همانا هرگز وارد آن نخواهیم شد، تا آنان در آن باشند؛ پس برو، تو و سرپرستت، هر دو بجنگید؛ ما، ما اینجا نشسته می‌مانیم.»[24]

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَآ أَبَدًا مَّا دَامُواْ فِيهَا فَٱذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَٰتِلَآ إِنَّا هَٰهُنَا قَٰعِدُونَ [24]

گفت: «ای سرپرست من، من همانا جز بر خویشتن خود

قَالَ رَبِّ إِنِّى لَآ أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِى

و برادرم اختیاری ندارم؛

وَأَخِى

پس ما را از قوم تجاوزگران جدا کن.»[25]

فَٱفْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ [25]

گفت: «پس آن بر آنان ممنوع است؛

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ

چهل سال گم خواهند بود در زمین.

أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِى ٱلْأَرْضِ

پس برای قوم تجاوزگران دلتنگ مباش.»[26]

فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ [26]

و به حقیقت اطلاعات دو پسر آدم را بر آنان برخوان، آنگاه که هر یک هدیه‌ای آوردند: از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد.

وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱبْنَىْ ءَادَمَ بِٱلْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ ٱلْءَاخَرِ

گفت: «بی‌گمان تو را خواهم کشت.»

قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ

گفت: «خدا جز از محتاطان نمی‌پذیرد.[27]

قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلْمُتَّقِينَ [27]

اگر دستت را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستم را به سوی تو دراز نخواهم کرد تا تو را بکشم؛

لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي مَآ أَنَا۠ بِبَاسِطٖ يَدِيَ إِلَيۡكَ لِأَقۡتُلَكَ

زیرا من از خدا، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها، می‌ترسم.[28]

إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ [28]

می‌خواهم که تو بازگردی با بار تعدی من و تعدی خودت، و از همراهان آتش باشی:

إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ فَتَكُونَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ

این است بازپرداخت ستمگران.»[29]

وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ [29]

اما خویشتنش او را به کشتن برادرش آماده کرد؛ او را کشت، و چنین از زیان‌کاران شد.[30]

فَطَوَّعَتۡ لَهُۥ نَفۡسُهُۥ قَتۡلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ [30]

پس خدا کلاغی برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه بدیِ برادرش را نهان کند.

فَبَعَثَ ٱللَّهُ غُرَابٗا يَبۡحَثُ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُرِيَهُۥ كَيۡفَ يُوَٰرِي سَوۡءَةَ أَخِيهِ

گفت: «وای بر من! آیا ناتوانم که چون این کلاغ باشم و بدیِ برادرم را نهان کنم؟» و پس از آن از پشیمانان شد. از این رو:[31]

قَالَ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ أَعَجَزۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِثۡلَ هَٰذَا ٱلۡغُرَابِ فَأُوَٰرِيَ سَوۡءَةَ أَخِي فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلنَّٰدِمِينَ [31] مِنۡ أَجۡلِ ذَٰلِكَ

بر پسران اسرائیل مقرر کردیم که هر که خویشتنی را بکشد، بی‌آنکه برای خویشتنی دیگر یا برای تباهی در زمین باشد، چنان است که همهٔ انسان‌ها را با هم کشته باشد،

كَتَبۡنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن قَتَلَ نَفۡسَۢا بِغَيۡرِ نَفۡسٍ أَوۡ فَسَادٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا

و هر که یکی را زنده کند، چنان است که همهٔ انسان‌ها را با هم زنده کرده باشد.

وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحْيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعًا

فرستادگان ما همانا با دلایل روشن به سوی آنان آمدند؛ سپس بسیاری از آنان پس از این بی‌گمان در زمین زیاده‌روانند.[32]

وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ [32]

بازپرداخت کسانی که با خدا و فرستادهٔ او می‌جنگند و در پی پراکندن تباهی در زمین‌اند این است که کشته شوند، یا بر تیر استوار شوند، یا دست‌ها و پاهایشان به‌صورت متناوب بریده شود، یا از زمین تبعید شوند.

إِنَّمَا جَزَٰٓؤُا۟ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓا۟ أَوْ يُصَلَّبُوٓا۟ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَٰفٍ أَوْ يُنفَوْا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ

این برای آنان خواری‌ای است در زندگی نزدیک،

ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِى ٱلدُّنْيَا

و در زندگی واپسین کیفری سترگ خواهند داشت — مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان چیره شوید بازگردند؛ پس بدانید که خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[33-34]

وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ [33] إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهِمْ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [34]

ای باورآوردگان! نسبت به خدا محتاط باشید، ابزار نزدیک‌شدن به او را بجویید، و در راه او تلاش کنید، شاید کامیاب شوید.[35]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱبْتَغُوٓا۟ إِلَيْهِ ٱلْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُوا۟ فِى سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [35]

همانا کسانی که انکار می‌کنند، اگر هر آنچه بر زمین است و همانندش را با آن می‌داشتند، تا خود را از کیفر روز حضور بخرند، از آنان پذیرفته نمی‌شد،

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفْتَدُوا۟ بِهِۦ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[36]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [36]

می‌خواهند از آتش بیرون آیند، اما از آن بیرون نخواهند آمد،

يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُواْ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنْهَا

و کیفری خواهند داشت که می‌ماند.[37]

وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ [37]

و اما دزد مرد و دزد زن، تکیه‌گاه‌هایشان را قطع کنید، در بازپرداخت آنچه به دست آوردند، به‌عنوان عبرتی بازدارنده از جانب خدا.

وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقْطَعُوٓاْ أَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلًا مِّنَ ٱللَّهِ

خدا نیرومند و فرزانه است.[38]

وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [38]

اما هر که پس از ستم خود بازگردد و خود را سامان دهد، خدا با بخشایش به سوی او بازمی‌گردد،

فَمَن تَابَ مِنۢ بَعْدِ ظُلْمِهِۦ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[39]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [39]

آیا نمی‌دانی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است؟

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

هر که را پسند او افتد کیفر می‌دهد، و هر که را پسند او افتد می‌بخشاید.

يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ

و خدا بر هر چیز توانا است.[40]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [40]

ای فرستاده! آنان که در انکار می‌شتابند تو را اندوهگین نکنند، از میان کسانی که با دهان‌های خود می‌گویند: «باور آوردیم»، بی‌آنکه هسته‌هایشان باور آورده باشد،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِ مِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَلَمۡ تُؤۡمِن قُلُوبُهُمۡ

و نه از میان بازگرایان، گوش‌سپاران به دروغ، گوش‌سپاران برای قومی دیگر که نزد تو نیامده است.

وَمِنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ سَمَّٰعُونَ لِقَوۡمٍ ءَاخَرِينَ لَمۡ يَأۡتُوكَ

سخنان را پس از جاگرفتن‌شان دگرگون می‌کنند، می‌گویند: «اگر این به شما داده شد، بگیرید؛ و اگر به شما داده نشد، بر حذر باشید.»

يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ مِنۢ بَعۡدِ مَوَاضِعِهِۦ يَقُولُونَ إِنۡ أُوتِيتُمۡ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمۡ تُؤۡتَوۡهُ فَٱحۡذَرُواْ

و هر که را خدا بخواهد به آزمون بکشد، تو در برابر خدا برای او هیچ در اختیار نداری.

وَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ فِتۡنَتَهُۥ فَلَن تَمۡلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا

اینان‌اند که خدا نخواست هسته‌هایشان را پاک کند.

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمۡ

در زندگی نزدیک، رسوایی‌ای دارند،

لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ

و در زندگی واپسین، کیفری سترگ خواهند داشت.[41]

وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ [41]

گوش‌سپاران به دروغ، خورندگان سود ممنوع —

سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحۡتِ

اگر نزد تو آیند، پس میان آنان داوری کن، یا از آنان روی بگردان؛

فَإِن جَآءُوكَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُمۡ أَوۡ أَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ

و اگر از آنان روی بگردانی، نخواهند توانست هیچ آسیبی به تو برسانند.

وَإِن تُعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيۡـٔٗا

و اگر داوری کنی، آنگاه میان آنان با انصاف داوری کن،

وَإِنۡ حَكَمۡتَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِ

زیرا خدا برابری‌ورزان را دوست دارد.[42]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ [42]

و چگونه تو را داور می‌گرفتند، حال آنکه تورات نزد آنان است، که داوری خدا در آن است، سپس پس از آن پشت می‌کنند؟

وَكَيۡفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ ٱلتَّوۡرَىٰةُ فِيهَا حُكۡمُ ٱللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوۡنَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ

اینان باورمند نیستند.[43]

وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ [43]

ما تورات را فرود آوردیم، که در آن راهنمایی و نور است؛ اطلاع‌دهندگان، که نزد خدا بی‌خدشه بودند، بدان بر بازگرایان داوری می‌کردند، چنان‌که پیران و دانشوران می‌کردند، بر پایهٔ آنچه نگهداری‌اش از نوشتار خدا بر عهدهٔ آنان بود، و بر آن گواه بودند.

إِنَّآ أَنزَلۡنَا ٱلتَّوۡرَىٰةَ فِيهَا هُدٗى وَنُورٞۚ يَحۡكُمُ بِهَا ٱلنَّبِيُّونَ ٱلَّذِينَ أَسۡلَمُواْ لِلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلۡأَحۡبَارُ بِمَا ٱسۡتُحۡفِظُواْ مِن كِتَٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ عَلَيۡهِ شُهَدَآءَ

پس از مردم بیم نداشته باشید، بلکه از من بیم داشته باشید،

فَلَا تَخۡشَوُاْ ٱلنَّاسَ وَٱخۡشَوۡنِ

و به نشانه‌های من بهایی ناچیز نخرید.

وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗا

و کسانی که بدانچه خدا فرود آورده است داوری نمی‌کنند — اینان انکارکنندگان‌اند.[44]

وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَٰفِرُونَ [44]

و در آن برای آنان مقرر کردیم: خویشتن در برابر خویشتن، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان، و برای زخم‌ها، تحقیقی.

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفْسَ بِٱلنَّفْسِ وَٱلْعَيْنَ بِٱلْعَيْنِ وَٱلْأَنفَ بِٱلْأَنفِ وَٱلْأُذُنَ بِٱلْأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلْجُرُوحَ قِصَاصٌ

اما هر که از روی دستگیری از آن بگذرد، آن برای او جبران است.

فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُۥ

و کسانی که بدانچه خدا فرود آورده است داوری نمی‌کنند — اینان ستمگران‌اند.[45]

وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [45]

و عیسی پسر مریم را در پی آنان فرستادیم، در حالی که آنچه از تورات پیش از او بود تأیید می‌کرد،

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ

و به او انجیل را دادیم، که در آن راهنمایی و نور است، تأییدکنندهٔ آنچه از تورات پیش از آن بود، و راهنمایی و پند برای محتاطان.[46]

وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ [46]

و تا دارندگان انجیل بدانچه خدا در آن فرود آورده است داوری کنند.(136)

وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ ٱلْإِنجِيلِ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِ (136)

و کسانی که بدانچه خدا فرود آورده است داوری نمی‌کنند — اینان تجاوزگران‌اند.[47]

وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ [47]

و ما نوشتار را به حقیقت بر تو فرود آوردیم، تأییدکنندهٔ آنچه از نوشتار پیش از آن بود، و چیره بر آن.

وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ

پس میان آنان بدانچه خدا فرود آورده است داوری کن،

فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ

و از هیجان‌هایشان پیروی مکن، دور از آنچه از حقیقت به تو رسیده است.

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلْحَقِّ

برای هر یک از شما قانونی و راهی قرار دادیم.

لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا

و اگر خدا را پسند افتاده بود، شما را یک جامعهٔ یگانه می‌ساخت؛

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً

اما تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید.

وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ

پس در بهترین بر یکدیگر پیشی گیرید.

فَٱسْتَبِقُوا۟ ٱلْخَيْرَٰتِ

بازگشت همهٔ شما به سوی خدا خواهد بود، و او شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید اطلاع خواهد داد.[48]

إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ [48]

و: میان آنان بدانچه خدا فرود آورده است داوری کن،

وَأَنِ ٱحْكُم بَيْنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ

و از هیجان‌هایشان پیروی مکن،
وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ

و نسبت به آنان هشیار باش، مبادا تو را با آزمون از بخشی از آنچه خدا به سوی تو فرود آورده است منحرف کنند.
وَٱحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنۢ بَعْضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيْكَ

و اگر پشت کردند، پس بدان که خدا نمی‌خواهد جز اثر بخشی از تقصیرهایشان را بر آنان رخ دهد.
فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ

و بسیاری از انسان‌ها بی‌گمان تجاوزگرند.[49]
وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَٰسِقُونَ [49]

پس آیا داوری عصر نادانی را می‌جویند؟
أَفَحُكْمَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ يَبْغُونَ

و پس چه کسی برای قومی که اطمینان دارند، بهتر از خدا داوری می‌کند؟[50]
وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ [50]

ای باورآوردگان! بازگرایان و یاری‌رسانان را متحد مگیرید:
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلْيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوْلِيَآءَ

آنان متحدان یکدیگرند.
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ

و هر که از شما آنان را متحد بگیرد، آنگاه از آنان است،
وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُۥ مِنْهُمْ

زیرا خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[51]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [51]

کسانی را می‌بینی که در هسته‌هایشان بیماری است در میان آنان می‌شتابند و می‌گویند: «بیم داریم که ناکامی‌ای به ما رسد»؛

فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يُسَٰرِعُونَ فِيهِمۡ يَقُولُونَ نَخۡشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٞ

شاید آنگاه خدا گشایش را بیاورد، یا دستوری از جانب خود، و آنان از آنچه در خودشان نهان می‌داشتند، پر از حسرت شوند.[52]

فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَ بِٱلۡفَتۡحِ أَوۡ أَمۡرٖ مِّنۡ عِندِهِۦ فَيُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ نَٰدِمِينَ [52]

و باورآوردگان خواهند گفت: «آیا اینان همان کسانی‌اند که با تمام نیروی سوگندهایشان به خدا سوگند می‌خوردند که بی‌گمان با شمایند؟» کردارهایشان فرو ریخت، و زیان‌کار شدند.[53]

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ إِنَّهُمۡ لَمَعَكُمۡ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَأَصۡبَحُواْ خَٰسِرِينَ [53]

ای باورآوردگان! هر که از شما از قانون خود روی برگرداند — خدا قومی خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان او را دوست دارند، در برابر باورمندان فروتن، در برابر انکارکنندگان نیرومند، در راه خدا تلاشگر، و از نکوهش هیچ نکوهشگری نمی‌ترسند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖ

این لطف خدا است، که به هر که پسند او افتد می‌دهد.

ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُ

خدا گسترده و همه‌چیزدان است.[54]

وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ [54]

متحد شما جز خدا و فرستادهٔ او و کسانی که باور آوردند نیست، آنان که تماس را پابرجا نگه می‌دارند و گشاده‌دستی ناب را می‌دهند، در حالی که خم‌شده‌اند.[55]

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ [55]

و هر که خدا، فرستادهٔ او و کسانی را که باور آوردند متحد بگیرد — حزب خدا، اینان پیروزانند.[56]

وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ [56]

ای باورآوردگان! کسانی را که قانون شما را ریشخند و بازی گرفتند، از میان کسانی که پیش از شما نوشتار به آنان داده شده است، و انکارکنندگان، متحد مگیرید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَكُمۡ هُزُوٗا وَلَعِبٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَٱلۡكُفَّارَ أَوۡلِيَآءَ

و نسبت به خدا محتاط باشید، اگر باورمندید.[57]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ [57]

و چون به تماس فرا می‌خوانید، آن را ریشخند و بازی می‌گیرند:

وَإِذَا نَادَيۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوٗا وَلَعِبٗا

این، زیرا قومی‌اند که خرد نمی‌ورزند.[58]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ [58]

بگو: «ای دارندگان نوشتار! آیا جز اینکه به خدا و به آنچه بر ما فرود آورده شد و به آنچه پیش‌تر فرود آورده شد باور آوردیم، و اینکه بیشتر شما تجاوزگرید، از ما ایراد می‌گیرید؟»[59]

قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ هَلۡ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلُ وَأَنَّ أَكۡثَرَكُمۡ فَٰسِقُونَ [59]

بگو: «آیا شما را از عوضی بدتر از این، نزد خدا، اطلاع دهم؟ کسی که خدا نفرینش کرده، بر او خشم گرفته، و از او میمون‌ها و خوک‌ها ساخته است، و کسی که از حدشکن فرمان برده —

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِ مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ ٱلْقِرَدَةَ وَٱلْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَ

اینان بدترین جایگاه را دارند و از راه راست گمراه‌ترند.»[60]

أُوْلَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ [60]

و چون نزد شما می‌آیند، می‌گویند: «باور آوردیم» — حال آنکه با انکار وارد شدند و با آن بیرون رفتند.

وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُواْ بِٱلْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُواْ بِهِۦ

خدا آنچه را پنهان می‌داشتند بهتر می‌شناسد.[61]

وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُواْ يَكْتُمُونَ [61]

و بسیاری از آنان را می‌بینی که در تعدی، دشمنی و خوردن سود ممنوع می‌شتابند.

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ

چه زشت است آنچه می‌کردند![62]

لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [62]

چرا پیران و دانشوران آنان را از گفتن سخنان تعدی‌آمیز و خوردن سود ممنوع باز نمی‌دارند!

لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ ٱلْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ

چه زشت است آنچه می‌کردند![63]

لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ [63]

و بازگرایان گفتند: «دست خدا بسته است.»

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغْلُولَةٌ

دست‌هایشان بسته باد، و برای آنچه گفتند نفرین‌شده باشند!
غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُواْ بِمَا قَالُواْ

نه، دو دست او گشاده است: هرگونه پسندش افتد خرج می‌کند.
بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ

و آنچه از سرپرست تو بر تو فرود آورده شده است، بی‌گمان در بسیاری از آنان حدشکنی و انکار را خواهد افزود.
وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا

و ما میان آنان دشمنی و کینه افکندیم، تا روز حضور.
وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ

هر بار که آتشی برای جنگ بیفروزند، خدا آن را خاموش می‌کند،
كُلَّمَآ أَوْقَدُواْ نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا ٱللَّهُ

و در پی پراکندن تباهی در زمین‌اند.
وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًا

خدا تباهی‌گران را دوست ندارد.[64]
وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ [64]

و اگر دارندگان نوشتار باور آورده بودند و محتاط شده بودند، همانا بدی‌هایشان را می‌پوشاندیم، و همانا آنان را به باغ‌های دهش در می‌آوردیم.[65]
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوْاْ لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَٰهُمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ [65]

و اگر تورات، انجیل و آنچه از سرپرست‌شان بر آنان فرود آورده شده بود را پابرجا نگه داشته بودند، همانا از آنچه بالای سرشان است و از آنچه زیر پاهایشان است می‌خوردند.
وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُواْ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُواْ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم

از میان آنان جامعه‌ای معتدل هست،

مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ

اما بسیاری از آنان، چه بد است آنچه می‌کنند![66]

وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ [66]

ای فرستاده! آنچه را از سرپرست تو بر تو فرود آورده شده است برسان،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ

و اگر چنین نکنی، پیام او را نرسانده‌ای.

وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُۥ

خدا تو را از مردم نگاه می‌دارد،

وَٱللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِ

زیرا خدا قوم انکارکننده را راه نمی‌نماید.[67]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَٰفِرِينَ [67]

بگو: «ای دارندگان نوشتار! بر هیچ پایه‌ای نیستید، تا آنگاه که تورات، انجیل و آنچه از سرپرست‌تان بر شما فرود آورده شده است را پابرجا نگه ندارید.»

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَىْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ

و آنچه از سرپرست تو بر تو فرود آورده شده است، بی‌گمان در بسیاری از آنان حدشکنی و انکار را خواهد افزود.

وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا

پس برای قوم انکارکننده دلتنگ مباش.[68]

فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ [68]

همانا کسانی که باور آوردند، بازگرایان، آرزومندان و یاری‌رسانان — هر که به خدا و روز واپسین باور آورد و کاری شایسته کرد، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[69]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [69]

ما همانا پیمان استوار پسران اسرائیل را گرفتیم و فرستادگانی به سوی آنان فرستادیم.

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ رُسُلًا

هر بار که فرستاده‌ای چیزی را برایشان می‌آورد که خویشتن‌شان بدان تمایل نداشت، بخشی را دروغ می‌انگاشتند، و بخشی دیگر را می‌کشتند.[70]

كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُواْ وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ [70]

و پنداشتند که آزمونی نخواهد بود؛ پس کور و کر شدند؛ سپس خدا با بخشایش به سوی آنان بازگشت؛ سپس بار دیگر کور و کر شدند،

وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُواْ وَصَمُّواْ

بسیاری از آنان.

كَثِيرٌ مِّنْهُمْ

خدا بر آنچه می‌کنند بینا است.[71]

وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ [71]

همانا انکار کردند کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است.»

لَقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ مَرْيَمَ

و مسیح گفت: «ای پسران اسرائیل! از خدا، سرپرست من و سرپرست شما، فرمان ببرید.

وَقَالَ ٱلْمَسِيحُ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ

هر که برای خدا انباز گیرد، خدا همانا باغ را بر او ممنوع می‌کند، و پناهگاهش آتش خواهد بود.»

إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُ

و ستمگران هیچ یاری‌ای ندارند.[72]

وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ [72]

همانا انکار کردند کسانی که گفتند: «خدا سومی از سه است.»

لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖ

حال آنکه هیچ ایزدی نیست جز ایزدی یگانه.

وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ

و اگر از آنچه می‌گویند دست نکشند، کیفری دردناک بی‌گمان به کسانی از آنان که انکار کردند خواهد رسید.[73]

وَإِن لَّمۡ يَنتَهُواْ عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ [73]

آیا پس به سوی خدا بازنخواهند گشت و از او بخشایش نخواهند خواست؟

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[74]

وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [74]

مسیح پسر مریم جز فرستاده‌ای نیست؛ فرستادگانی پیش از او گذشته‌اند،

مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُ

و مادرش زنی راست‌گو بود؛

وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞ

هر دو خوراک می‌خوردند.

كَانَا يَأْكُلَانِ ٱلطَّعَامَ

بنگر که چگونه نشانه‌ها را برای آنان تفصیل می‌دهیم، سپس بنگر که چگونه به بیراهه برده می‌شوند![75]

ٱنظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلْآيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُرْ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ [75]

بگو: «آیا غیر از خدا از چیزی فرمان می‌برید که برای شما نه آسیبی دارد و نه سودی؟

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

حال آنکه خدا شنوا و همه‌چیزدان است.»[76]

وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [76]

بگو: «ای دارندگان نوشتار! در قانون خود فراتر از حقیقت زیاده‌روی مکنید،

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُوا۟ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ

و از هیجان‌های قومی که پیش‌تر گمراه شده، بسیاری را گمراه کرده و از راه راست گمراه شده است پیروی مکنید.»[77]

وَلَا تَتَّبِعُوٓا۟ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا۟ مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا۟ كَثِيرًا وَضَلُّوا۟ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ [77]

نفرین‌شده‌اند کسانی از پسران اسرائیل که انکار کردند، بر زبان داوود و عیسی پسر مریم.

لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ

این برای آن بود که نافرمانی کردند و از حدود فراتر رفتند.[78]

ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ [78]

یکدیگر را از کاری مردود که مرتکب می‌شدند باز نمی‌داشتند:

كَانُوا۟ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ

چه زشت است آنچه می‌کردند![79]

لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ [79]

بسیاری از آنان را می‌بینی که با انکارکنندگان متحد می‌شوند:

تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

چه زشت است آنچه خویشتن‌شان برایشان پیش برده است! خدا بر آنان خشمگین شد، و جاودانه در کیفر می‌مانند.[80]

لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِى ٱلْعَذَابِ هُمْ خَٰلِدُونَ [80]

و اگر به خدا، به اطلاع‌دهنده و به آنچه بر او فرود آورده شده است باور می‌داشتند، آنان را متحد نمی‌گرفتند؛

وَلَوْ كَانُواْ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِىِّ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَآءَ

اما بسیاری از آنان تجاوزگرند.[81]

وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ [81]

بی‌گمان خواهی یافت که از میان مردم، دشمن‌ترینِ باورآوردگان، بازگرایان و انباز گیرندگان‌اند،

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلْيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُواْ

و بی‌گمان خواهی یافت که نزدیک‌ترینِ آنان به باورآوردگان در مهر، کسانی‌اند که می‌گویند: «ما همانا یاری‌رسانانیم.»

وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰ

این از آن است که در میان آنان کشیشان و راهبان هستند، و خودبزرگ‌بینی نمی‌کنند.[82]

ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ [82]

و چون آنچه را به فرستاده فرود آورده شده است می‌شنوند، چشمان‌شان را می‌بینی که از اشک لبریز است، به سبب آنکه حقیقت را شناختند؛ می‌گویند: «ای سرپرست ما، باور آوردیم؛ پس ما را در شمار گواهان بنویس.[83]

وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلۡحَقِّۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ [83]

و ما را چه شده است که به خدا و به آنچه از حقیقت به ما رسیده است باور نیاوریم، حال آنکه آرزو داریم سرپرست ما ما را با قوم شایسته درآورد؟»[84]

وَمَا لَنَا لَا نُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡحَقِّ وَنَطۡمَعُ أَن يُدۡخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلصَّٰلِحِينَ [84]

پس خدا برای آنچه گفتند، باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است، به عوض به آنان داد، که جاودانه در آن می‌مانند.

فَأَثَٰبَهُمُ ٱللَّهُ بِمَا قَالُواْ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

و این است بازپرداخت نیکی‌کنندگان.[85]

وَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ [85]

و کسانی که انکار کردند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند — اینان همراهان کوره‌اند.[86]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ [86]

ای باورآوردگان! چیزهای نیکی را که خدا بر شما روا کرده است ممنوع مشمارید، و از حدود مگذرید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْ

زیرا خدا کسانی را که از حدود می‌گذرند دوست ندارد.[87]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ [87]

و از آنچه خدا شما را روزی داده است بخورید، آنچه روا و نیک است،

وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا

و نسبت به خدا، که بدو باور دارید، محتاط باشید.[88]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ [88]

خدا شما را برای بیهودگی در سوگندهایتان نخواهد گرفت،

لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ

اما شما را برای سوگندهایی که استوار بسته‌اید خواهد گرفت.

وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلۡأَيۡمَٰنَ

جبران آن خوراک دادن به ده تنگ‌دست است، از بهترین خوراکی که خانواده‌هایتان را می‌خورانید، یا پوشاندن آنان، یا بازگرداندن استقلال در گرو مانده‌ای؛

فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطۡعَامُ عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنۡ أَوۡسَطِ مَا تُطۡعِمُونَ أَهۡلِيكُمۡ أَوۡ كِسۡوَتُهُمۡ أَوۡ تَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ

و هر که توانایی آن را نیابد، آنگاه پرهیز سه روز.

فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ

این جبران سوگندهای شما است، آنگاه که سوگند می‌خورید.

ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيۡمَٰنِكُمۡ إِذَا حَلَفۡتُمۡ

و سوگندهای خود را نگه دارید.

وَٱحۡفَظُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ

خدا نشانه‌های خود را چنین برای شما روشن می‌کند، شاید سپاس‌گزار باشید.[89]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ [89]

ای باورآوردگان! همراهی شراب و قمار، و نیز تقسیم قرعه‌ای مال مشترک، جز آلودگی، کار منحرف‌کننده نیست؛ پس از آن‌ها دوری کنید، شاید کامیاب شوید.[90]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ [90]

منحرف‌کننده جز این نمی‌خواهد که با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه افکند، و راه شما را به یادآوری خدا و تماس ببندد.

إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ فِى ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِ

پس آیا دست خواهید کشید؟[91]

فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ [91]

و از خدا گردن نهید، و از فرستاده گردن نهید، و هشیار باشید.

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَٱحْذَرُواْ

اما اگر پشت کنید، پس بدانید که بر فرستادهٔ ما جز رساندن آشکار نیست.[92]

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلْبَلَٰغُ ٱلْمُبِينُ [92]

بر کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند نکوهشی نیست، در آنچه خورده‌اند، مادام که محتاط بودند، باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، سپس محتاط بودند و باور آوردند، سپس محتاط بودند و نیکی کردند.

لَيْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوٓاْ إِذَا مَا ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّأَحْسَنُواْ

خدا کسانی را که نیکی می‌کنند دوست می‌دارد.[93]

وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ [93]

ای باورآوردگان! خدا بی‌گمان شما را با شکاری خواهد آزمود که به دست‌ها و نیزه‌هایتان افتد، تا خدا بازشناسد که چه کسی از او می‌ترسد هرچند از حواس او بیرون باشد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَيَبْلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلصَّيْدِ تَنَالُهُۥٓ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلْغَيْبِ

هر که پس از این از حدود بگذرد، کیفری دردناک خواهد داشت.[94]

فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ [94]

ای باورآوردگان! تا در حالت مصون از تعرّض هستید، شکار مکشید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقْتُلُواْ ٱلصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ

و هر که از شما آن را عمداً بکشد، بازپرداختی هم‌ارز از چارپایان، که دو دادگر از میان شما دربارهٔ آن داوری کنند، به‌عنوان هدیه‌ای که به نقطهٔ مرکزی برسد، یا جبرانی که خوراک دادن به تنگ‌دستان است، یا هم‌ارز آن در پرهیز، تا پیامدهای شوم کردار خود را بچشد.

وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًۢا بَٰلِغَ ٱلْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّٰرَةٌ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِۦ

خدا از آنچه گذشته است چشم پوشیده است؛

عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَ

اما هر که دوباره کند، خدا از او انتقام خواهد گرفت.

وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنْهُ

خدا نیرومند است، دارندهٔ انتقام.[95]

وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ [95]

شکار دریا و خوراک آن برای شما روا شده است،

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ ٱلْبَحْرِ وَطَعَامُهُۥ

به‌عنوان بهره برای شما و برای کاروان‌ها؛

مَتَٰعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ

اما شکار خشکی بر شما ممنوع شده است تا در حالت مصون از تعرّض هستید.

وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ ٱلْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا

و نسبت به خدا، که به سوی او گرد آورده خواهید شد، محتاط باشید.[96]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ [96]

خدا نقطهٔ مرکزی، خانهٔ مصون از تعرّض، را مایهٔ پابرجایی برای انسان‌ها قرار داده است، و نیز ماه مصون از تعرّض، هدیه‌های داوطلبانه و پیشکش‌های نذرشده را.

جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَ

این، تا بدانید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است می‌داند، و اینکه خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[97]

ذَٰلِكَ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ [97]

بدانید که خدا در تنبیه سخت است، و اینکه خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[98]

ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [98]

بر فرستاده جز رساندن نیست.

مَّا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ

خدا آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند.[99]

وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ [99]

بگو: «ناپاک و نیک برابر نیستند، هرچند فراوانی ناپاک تو را خیره کند.»

قُل لَّا يَسۡتَوِي ٱلۡخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ كَثۡرَةُ ٱلۡخَبِيثِ

پس نسبت به خدا محتاط باشید، ای صاحبان خرد، شاید کامیاب شوید.[100]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ [100]

ای باورآوردگان! دربارهٔ چیزهایی که اگر برای شما آشکار می‌شد شما را ناخوش می‌آمد، پرسش نکنید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَسۡـَٔلُواْ عَنۡ أَشۡيَآءَ إِن تُبۡدَ لَكُمۡ تَسُؤۡكُمۡ

و اگر هنگام فرود آمدن این خوانش دربارهٔ آن‌ها بپرسید، برای شما آشکار خواهد شد. خدا از آن چشم پوشیده است.

وَإِن تَسْـَٔلُواْ عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ ٱلْقُرْءَانُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهَا

خدا بسیار بخشاینده و بردبار است.[101]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ [101]

قومی پیش از شما آن‌ها را پرسید، سپس به سبب آن‌ها قومی انکارکننده شد.[102]

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُواْ بِهَا كَٰفِرِينَ [102]

خدا نه بحیره‌ای نهاده است، نه سائبه‌ای، نه وصیله‌ای و نه حامی،

مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٍ وَلَا سَآئِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ

اما انکارکنندگان بر خدا دروغ برمی‌سازند، و بیشتر آنان خرد نمی‌ورزند.[103]

وَلَٰكِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ [103]

و چون به آنان گفته می‌شود: «بیایید به آنچه خدا فرود آورد، و به فرستاده»، می‌گویند: «ما را بس است آنچه نیاکان خود را بر آن یافتیم.»

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ قَالُواْ حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ

چه! حتی اگر نیاکان‌شان هیچ نمی‌دانستند و راهنمایی نمی‌پذیرفتند؟[104]

أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ [104]

ای باورآوردگان! مراقب خودتان باشید:

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ

کسی که گمراه می‌شود، مادام که راهنمایی می‌پذیرید، به شما آسیبی نمی‌رساند.

لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْ

بازگشت همهٔ شما به سوی خدا خواهد بود، و او شما را از آنچه می‌کردید اطلاع خواهد داد.[105]

إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ [105]

ای باورآوردگان! گواهی میان شما، چون مرگ به یکی از شما رسد، هنگام وصیت: دو دادگر از میان خودتان، یا دو تن دیگر، بیرون از شما، اگر در زمین گام می‌زنید و پیشامد ناگوار مرگ به شما رسد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَٰدَةُ بَيۡنِكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ حِينَ ٱلۡوَصِيَّةِ ٱثۡنَانِ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ أَوۡ ءَاخَرَانِ مِنۡ غَيۡرِكُمۡ إِنۡ أَنتُمۡ ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةُ ٱلۡمَوۡتِ

آن دو را پس از تماس معلق نگه خواهید داشت، و آن دو به خدا سوگند خواهند خورد، اگر تردید دارید: «ما بدان هیچ نخواهیم خرید، به هیچ بهایی، هرچند دربارهٔ نزدیکی باشد،

تَحۡبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعۡدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقۡسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ لَا نَشۡتَرِي بِهِۦ ثَمَنٗا وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰ

و گواهی خدا را پنهان نخواهیم کرد؛ آنگاه بی‌گمان از شمار تعدی‌کاران می‌بودیم.»[106]

وَلَا نَكۡتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذٗا لَّمِنَ ٱلۡأٓثِمِينَ [106]

اما اگر بر این دست یافته شود که آن دو مرتکب تعدی شده‌اند، دو تن دیگر جای آن دو را خواهند گرفت، از میان کسانی که حقشان پایمال شده، دو نزدیک‌تر، و هر دو سوگند خواهند خورد

فَإِنۡ عُثِرَ عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا ٱسۡتَحَقَّآ إِثۡمٗا فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَحَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَوۡلَيَٰنِ فَيُقۡسِمَانِ

به خدا: «گواهی ما همانا از گواهی آن دو برحق‌تر است، و ما از حدود نگذشته‌ایم؛

بِٱللَّهِ لَشَهَٰدَتُنَآ أَحَقُّ مِن شَهَٰدَتِهِمَا وَمَا ٱعۡتَدَيۡنَآ

آنگاه بی‌گمان از شمار ستمگران می‌بودیم.»[107]

إِنَّآ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [107]

این به گواهی در شکل درست آن نزدیک‌تر است، یا به ترس آنان از اینکه سوگندهای دیگر پس از سوگندهایشان رد شود.

ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِٱلشَّهَٰدَةِ عَلَىٰ وَجۡهِهَآ أَوۡ يَخَافُوٓاْ أَن تُرَدَّ أَيۡمَٰنُۢ بَعۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و بشنوید.

وَٱسۡمَعُواْ

و خدا قوم تجاوزگران را راه نمی‌نماید.[108]

وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ [108]

روزی که خدا فرستادگان را گرد آورد و بگوید: «چه پاسخی دریافت کردید؟»

يَوۡمَ يَجۡمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبۡتُمۡ

خواهند گفت: «ما را از آن هیچ دانشی نیست؛ همانا تویی که آنچه را فراتر از حواس است کاملاً می‌دانی.»[109]

قَالُواْ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ [109]

آنگاه که خدا بگوید: «ای عیسی پسر مریم! دهش من بر خودت و بر مادرت را به یاد آور، آنگاه که تو را با جریان والاپایه نیرو دادم، در گهواره و در میانسالی با مردم سخن می‌گفتی،

إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱذۡكُرۡ نِعۡمَتِي عَلَيۡكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذۡ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ وَكَهۡلٗا

و آنگاه که ضابطه، فرزانگی، تورات و انجیل را به تو آموختم؛

وَإِذۡ عَلَّمۡتُكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ

و آنگاه که از گل صورتی چون پرنده می‌آفریدی، به اجازهٔ من، سپس در آن می‌دمیدی، و پرنده می‌شد، به اجازهٔ من؛

وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ بِإِذْنِى فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِى

و نابینای مادرزاد و جذامی را بهبود می‌بخشیدی، به اجازهٔ من؛

وَتُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ بِإِذْنِى

و آنگاه که مردگان را بیرون می‌آوردی، به اجازهٔ من؛

وَإِذْ تُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِى

و آنگاه که پسران اسرائیل را از تو بازداشتم، آنگاه که با دلایل روشن نزد آنان آمدی، و کسانی از آنان که انکار می‌کردند گفتند: «این مگر چشم‌بندی آشکار نیست.»»[110]

وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ [110]

و آنگاه که به شاگردان پرده برداشتم: «به من و به فرستادهٔ من باور آورید»؛

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى ٱلْحَوَارِيِّـۧنَ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِى وَبِرَسُولِى

گفتند: «باور داریم، و گواه باش که ما نزد خدا بی‌خدشه‌ایم.»[111]

قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا وَٱشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ [111]

آنگاه که شاگردان گفتند: «ای عیسی پسر مریم! آیا می‌توانی از سرپرست خود بخواهی که میزی از آسمان بر ما فرود آورد؟»(137)

إِذْ قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (137)

گفت: «نسبت به خدا محتاط باشید، اگر باورمندید.»[112]

قَالَ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [112]

گفتند: «می‌خواهیم از آن بخوریم، تا هسته‌هایمان آرامش یابد، بدانیم که تو به ما راست گفته‌ای، و بر آن گواه باشیم.»[113]

قَالُواْ نُرِيدُ أَن نَّأۡكُلَ مِنۡهَا وَتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعۡلَمَ أَن قَدۡ صَدَقۡتَنَا وَنَكُونَ عَلَيۡهَا مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ [113]

عیسی پسر مریم گفت: «ای خدا، ای سرپرست ما! میزی از آسمان بر ما فرود آور، که برای ما جشنی باشد، برای نخستین ما و برای واپسین ما، و نشانه‌ای از جانب تو؛

قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلۡ عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدٗا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةٗ مِّنكَ

و ما را روزی ده؛

وَٱرۡزُقۡنَا

تو بهترین روزی‌دهندگانی.»[114]

وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ [114]

خدا گفت: «من آن را بر شما فرود می‌آورم؛ اما هر که از شما پس از آن انکار کند، او را همانا به کیفری کیفر خواهم داد که هیچ‌یک از دیگر هستی‌ها را بدان کیفر نخواهم داد.»[115] **(138)**

قَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيۡكُمۡ فَمَن يَكۡفُرۡ بَعۡدُ مِنكُمۡ فَإِنِّيٓ أُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ [115] **(138)**

و آنگاه که خدا بگوید: «ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی: مرا و مادرم را غیر از خدا دو ایزد بگیرید؟»

وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِ

خواهد گفت: «شکوه بر تو باد! مرا نسزید که آنچه را حق من نیست بگویم.

قَالَ سُبۡحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّ

اگر آن را گفته بودم، تو آن را می‌دانستی.

إِن كُنتُ قُلۡتُهُۥ فَقَدۡ عَلِمۡتَهُۥ

تو آنچه در خویشتن من است می‌دانی، و من آنچه را در خویشتن تو است نمی‌دانم،

تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَآ أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ

زیرا تویی که آنچه را فراتر از حواس است کاملاً می‌دانی.[116]

إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ [116]

من به آنان جز آنچه مرا دستور دادی نگفتم: از خدا، سرپرست من و سرپرست شما، فرمان ببرید؛

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ

و تا در میان آنان بودم، بر آنان گواه بودم؛

وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ

سپس چون مرا به‌تمامی گرفتی، تو بودی که بر آنان ناظر بودی.

فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ

و تو بر هر چیز گواهی.[117]

وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ [117]

اگر آنان را کیفر دهی، آنان فرمان‌بردارانِ تواند؛

إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ

و اگر آنان را ببخشایی، همانا تویی، نیرومند و فرزانه.»[118]

وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [118]

خدا خواهد گفت: «این روزی است که راست‌گویی به راست‌گویان سود می‌رساند.

قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ

آنان باغ‌هایی دارند که رودها از زیر آن‌ها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، همیشه.»

لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا

خدا از آنان خرسند است، و آنان از او خرسندند.
رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ

این است پیروزی سترگ.[119]
ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ [119]

پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها است از آنِ خدا است.
لِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا فِيهِنَّ

و او بر هر چیز تواناست.[120]
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ [120]

# النساء • AN-NISA

سوره 4 · 176 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

ای انسان‌ها! نسبت به سرپرست خود محتاط باشید، که شما را از یک خویشتن آفرید، و از آن همسرش را آفرید، و از آن دو مردان و زنان بسیار پراکند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً

و نسبت به خدا محتاط باشید، که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید، و نسبت به پیوندهای زهدان،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِى تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلْأَرْحَامَ

زیرا خدا بر شما ناظر است.[1]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا [1]

و به یتیمان دارایی‌هایشان را بدهید،

وَءَاتُواْ ٱلْيَتَٰمَىٰٓ أَمْوَٰلَهُمْ

و ناپاک را جایگزین نیکو نکنید،

وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلْخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِ

و دارایی‌هایشان را همراه با دارایی‌های خود نخورید،

وَلَا تَأْكُلُوٓاْ أَمْوَٰلَهُمْ إِلَىٰٓ أَمْوَٰلِكُمْ

زیرا این خطایی بزرگ است.[2]

إِنَّهُۥ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا [2]

و اگر می‌ترسید که نسبت به یتیمان برابری نورزید، پس با زنانی که بپسندند همسر شما شوند ازدواج کنید، دو، سه یا چهار؛

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا۟ فِى ٱلْيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُوا۟ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ

و اگر می‌ترسید که دادگری نکنید، پس یک زن، یا کسانی که شما با سوگند به آنان بسته شده‌اید.

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا۟ فَوَٰحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ

این نزدیک‌تر است تا زیر بار خم نشوید.[3]

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُوا۟ [3]

و مهریهٔ زنان را به آنان بدهید، به‌عنوان بخششی از روی حق.

وَءَاتُوا۟ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحْلَةً

سپس اگر خودشان به رضایت چیزی از آن را به شما واگذارند، آن را بخورید

فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَىْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ

گوارا و سودمند.[4]

هَنِيٓـًٔا مَّرِيٓـًٔا [4]

و دارایی‌هایتان را، که خدا آن را برای شما مایهٔ پابرجایی قرار داده است، به سبک‌مغزان ندهید؛

وَلَا تُؤْتُوا۟ ٱلسُّفَهَآءَ أَمْوَٰلَكُمُ ٱلَّتِى جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ قِيَٰمًا

بلکه آنان را از آن روزی دهید، پوشاک‌شان دهید، و به آنان سخنی شناخته‌شده بگویید.[5]

وَٱرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَٱكْسُوهُمْ وَقُولُوا۟ لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا [5]

و یتیمان را بیازمایید تا به سن زناشویی برسند؛ پس اگر در آنان درستی داوری دیدید، دارایی‌هایشان را به آنان واگذارید، و پیش از آنکه بزرگ شوند، آن را با اسراف و پیش‌دستی نخورید.

وَٱبۡتَلُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنۡ ءَانَسۡتُم مِّنۡهُمۡ رُشۡدٗا فَٱدۡفَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَأۡكُلُوهَآ إِسۡرَافٗا وَبِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْۚ

و هر که توانگر است، خودداری کند؛

وَمَن كَانَ غَنِيّٗا فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡ

و هر که بینوا است، به‌اندازهٔ شناخته‌شده از آن بخورد.

وَمَن كَانَ فَقِيرٗا فَلۡيَأۡكُلۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ

و چون دارایی‌هایشان را به آنان واگذارید، بر آنان گواهانی بگیرید.

فَإِذَا دَفَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡ فَأَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِمۡ

و خدا به‌عنوان حسابگر بس است.[6]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا [6]

برای مردان سهمی است از آنچه پدر و مادر و نزدیکان بر جا می‌گذارند، و برای زنان سهمی است از آنچه پدر و مادر و نزدیکان بر جا می‌گذارند، کم باشد یا بسیار —

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنۡهُ أَوۡ كَثُرَۚ

سهمی تعیین‌شده.[7]

نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا [7]

و چون صاحبان پیوند نزدیک، یتیمان و تنگ‌دستان در تقسیم حاضر باشند، از آن به آنان روزی دهید،

وَإِذَا حَضَرَ ٱلۡقِسۡمَةَ أُوْلُواْ ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينُ فَٱرۡزُقُوهُم مِّنۡهُ

و به آنان سخنی شناخته‌شده بگویید.[8]

وَقُولُواْ لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا [8]

و بیم داشته باشند کسانی که اگر پشت سر خود فرزندانی ناتوان بر جا می‌گذاشتند، برای آنان می‌ترسیدند:

وَلْيَخْشَ ٱلَّذِينَ لَوْ تَرَكُواْ مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَٰفًا خَافُواْ عَلَيْهِمْ

پس نسبت به خدا محتاط باشند و سخنی درست بگویند.[9]

فَلْيَتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلْيَقُولُواْ قَوْلًا سَدِيدًا [9]

کسانی که دارایی‌های یتیمان را به ستم می‌خورند، در شکم‌هایشان جز آتش نمی‌خورند،

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ نَارًا

و در اخگرِ افروخته خواهند سوخت.[10]

وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا [10]

خدا شما را دربارهٔ فرزندانتان سفارش می‌کند:

يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِىٓ أَوْلَٰدِكُمْ

برای نر، هم‌ارزِ سهم دو ماده.

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ

اما اگر بیش از دو زن باشند، دو سوم آنچه بر جا مانده است از آنِ آنان است؛

فَإِن كُنَّ نِسَآءً فَوْقَ ٱثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ

و اگر یگانه باشد، نیمی از آنِ او است.

وَإِن كَانَتْ وَٰحِدَةً فَلَهَا ٱلنِّصْفُ

و برای پدر و مادرش، برای هریک از آن دو، یک‌ششم از آنچه بر جا می‌گذارد، اگر فرزندی داشته باشد؛

وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُۥ وَلَدٌ

اما اگر فرزندی نداشته باشد و پدر و مادرش از او ارث ببرند، برای مادرش یک‌سوم است.

فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٌ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُ

اگر برادران و خواهرانی داشته باشد، برای مادرش یک‌ششم است،

فَإِن كَانَ لَهُۥٓ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُ

پس از وصیتی که کرده باشد، یا بدهی‌ای.

مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِى بِهَآ أَوْ دَيْنٍ

پدران و پسران شما — شما نمی‌دانید کدام‌یک از آنان از نظر سود به شما نزدیک‌ترند:

ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا

این الزامی است از جانب خدا،

فَرِيضَةً مِّنَ ٱللَّهِ

زیرا خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[11]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا [11]

و برای شما نیمی است از آنچه همسرانتان بر جا می‌گذارند، اگر فرزندی نداشته باشند؛

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَٰجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ

اما اگر فرزندی داشته باشند، برای شما یک‌چهارم است از آنچه بر جا می‌گذارند، پس از وصیتی که کرده باشند، یا بدهی‌ای.

فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ

و برای آنان یک‌چهارم است از آنچه بر جا می‌گذارید، اگر فرزندی نداشته باشید؛

وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ

اما اگر فرزندی داشته باشید، برای آنان یک‌هشتم است از آنچه بر جا می‌گذارید، پس از وصیتی که کرده باشید، یا بدهی‌ای.

فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ

و اگر مردی که ارثش بی‌حضور هر بالادست و پایین‌دستی منتقل می‌شود، یا زنی در همین وضع، برادری یا خواهری داشته باشد، برای هریک از آن دو یک‌ششم است؛

وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمْرَأَةٌ وَلَهُۥٓ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُ

اما اگر از این بیشتر باشند، در یک‌سوم شریک‌اند، پس از وصیتی که شده باشد، یا بدهی‌ای، بی‌آنکه آسیبی باشد.

فَإِن كَانُوٓاْ أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى ٱلثُّلُثِ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَآرٍّ

این سفارشی است از جانب خدا.

وَصِيَّةً مِّنَ ٱللَّهِ

خدا همه‌چیزدان و بردبار است.[12]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ [12]

اینها حدود خدا است.

تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ

و هر که از خدا و فرستادهٔ او گردن نهد، او را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهد آورد، و جاودانه در آن خواهد ماند.

وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

و این است پیروزی سترگ.[13]

وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ [13]

و هر که از خدا و فرستادهٔ او سرپیچی کند و از حدود او بگذرد، او را به آتشی در خواهد آورد که جاودانه در آن خواهد ماند،

وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدْخِلْهُ نَارًا خَٰلِدًا فِيهَا

و کیفری خوارکننده خواهد داشت.[14]

وَلَهُۥ عَذَابٌ مُّهِينٌ [14]

و آن زنان شما که زشتکاری می‌کنند، بر ضد آنان گواهی چهار تن از خودتان را بخواهید؛

وَٱلَّٰتِى يَأْتِينَ ٱلْفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمْ فَٱسْتَشْهِدُواْ عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ

و اگر گواهی دادند، پس آنان را در خانه‌ها نگه دارید، تا آنکه مرگ آنان را به‌تمامی بگیرد، یا خدا برای آنان راهی بگشاید.[15]

فَإِن شَهِدُواْ فَأَمْسِكُوهُنَّ فِى ٱلْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا [15]

و آن دو تن از شما که آن را مرتکب شوند، هر دو را بیازارید؛

وَٱلَّذَانِ يَأْتِيَٰنِهَا مِنكُمْ فَـَٔاذُوهُمَا

اما اگر بازگشتند و خود را سامان دادند، از آنان روی بگردانید،

فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُواْ عَنْهُمَآ

زیرا خدا بسیار بازگردنده و مهربان است.[16]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا [16]

بازگشتی که خدا می‌پذیرد، تنها از آنان است که از نادانی بدی می‌کنند، سپس بی‌درنگ بازمی‌گردند:

إِنَّمَا ٱلتَّوْبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ

اینان‌اند که خدا با بخشایش به سوی‌شان بازمی‌گردد.

فَأُوْلَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ

خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[17]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [17]

و بازگشت برای کسانی که بدی‌ها می‌کنند پذیرفته نیست، تا آنکه چون مرگ به یکی از آنان رسد، بگوید: «من اکنون همانا بازمی‌گردم» — و نه برای کسانی که در انکار می‌میرند:

وَلَيْسَتِ ٱلتَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ قَالَ إِنِّى تُبْتُ ٱلْـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ

اینان‌اند که برای‌شان کیفری دردناک آماده کرده‌ایم.[18]

أُو۟لَٰٓئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [18]

ای کسانی که باور آورده‌اید! بر شما روا نیست که زنان را به زور به ارث ببرید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا۟ ٱلنِّسَآءَ كَرْهًا

و بر آنان سخت مگیرید تا بخشی از آنچه به آنان داده‌اید ببرید، مگر آنکه زشتکاری آشکاری کنند.

وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا۟ بِبَعْضِ مَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ

و با آنان به شیوهٔ شناخته‌شده زندگی کنید.

وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ

اگر آنان را ناخوش دارید، شاید از چیزی ناخوش داشته باشید که خدا در آن نیکی بسیار نهاده است.[19]

فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَيَجْعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا [19]

و اگر بخواهید همسری را به‌جای همسری دیگر بگیرید، و به یکی از آنان قنطاری داده باشید، چیزی از آن پس نگیرید.

وَإِنْ أَرَدتُّمُ ٱسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ إِحْدَىٰهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا۟ مِنْهُ شَيْـًٔا

آیا آن را به بهتان و تعدی آشکار پس می‌گرفتید؟[20]

أَتَأْخُذُونَهُۥ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا [20]

و چگونه آن را پس می‌گرفتید، حال آنکه برخی از شما با برخی دیگر به صمیمیت درآمده‌اند، و آنان از شما پیمانی استوار و محکم گرفته‌اند؟[21]

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُۥ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا [21]

و با زنانی که نیاکان شما با آنان ازدواج کردند ازدواج نکنید، مگر آنچه گذشته است،

وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ

زیرا آن زشتکاری و پلیدی بود،

إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَمَقْتًا

و چه بد راهی![22]

وَسَآءَ سَبِيلًا [22]

بر شما ممنوع شده‌اند: مادرانتان، دخترانتان، خواهرانتان، عمه‌هایتان، خاله‌هایتان، دختران برادرتان، دختران خواهرتان،

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَٰتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَٰتُكُمْ وَعَمَّٰتُكُمْ وَخَٰلَٰتُكُمْ وَبَنَاتُ ٱلْأَخِ وَبَنَاتُ ٱلْأُخْتِ

مادرانتان که پرستاری شما را بر عهده گرفتند، و نیز خواهرانتان از پرستاری مشترک،

وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِىٓ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ

مادران همسرانتان، و دخترانی که در خانهٔ شما پرورده شده‌اند، از همسرانتان که با آنان زناشویی را کامل کرده‌اید —

وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِى فِى حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِى دَخَلْتُم بِهِنَّ

اما اگر زناشویی را با آنان کامل نکرده‌اید، نکوهشی بر شما نیست —

فَإِن لَّمْ تَكُونُواْ دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

همسران بحق پسرانتان که از کمر شما برآمده‌اند،
وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ أَصۡلَٰبِكُمۡ

و اینکه دو خواهر را با هم جمع کنید، مگر آنچه گذشته است،
وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[23]
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا [23]

و زنان محفوظ‌شده با پیوند زناشویی، مگر آنان که شما با سوگند به آنان بسته شده‌اید —
وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ

این ضابطهٔ خدا است که شما را پایبند می‌کند.
كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ

و آنچه جز اینها است برای شما روا شده است، تا با دارایی‌هایتان بجویید، در حالی که به پیوند زناشویی درمی‌آیید، نه بی‌بندوبار.
وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذَٰلِكُمۡ أَن تَبۡتَغُواْ بِأَمۡوَٰلِكُم مُّحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ

و برای آنچه از آنان بهره برده‌اید، پاداش‌شان را بدهید، به‌عنوان تعهدی تعیین‌شده.
فَمَا ٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهِۦ مِنۡهُنَّ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةٗ

و بر شما نکوهشی نیست در آنچه پس از تعیین آن تعهد با یکدیگر بپسندید،
وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا تَرَٰضَيۡتُم بِهِۦ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡفَرِيضَةِ

زیرا خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[24]
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا [24]

و هر که از شما توانایی ازدواج با زنان باورمند محفوظ را ندارد، پس با یکی از دختران جوان باورمندتان که با سوگند به شما بسته شده‌اند.

وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ

خدا سوگندهای شما را بهتر می‌شناسد؛ (139)

وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَٰنِكُم (139)

شما از یکدیگرید.

بَعْضُكُم مِّنۢ بَعْضٍ

پس با اجازۀ خانوادۀ آنان با آنان ازدواج کنید،

فَٱنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ

و پاداش‌شان را به شیوۀ شناخته‌شده به آنان بدهید، در حالی که به پیوند زناشویی درمی‌آیند، نه بی‌بندوبار و نه دارندۀ دوستان پنهانی. (140)

وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ مُحْصَنَٰتٍ غَيْرَ مُسَٰفِحَٰتٍ وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخْدَانٍ (140)

و چون محفوظ شدند، اگر زشتکاری کنند، نیمی از کیفر زنان محفوظ‌شده با پیوند زناشویی بر آنان است.

فَإِذَآ أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَٰحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى ٱلْمُحْصَنَٰتِ مِنَ ٱلْعَذَابِ

این برای کسی از شماست که از سختی بیم دارد؛

ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِىَ ٱلْعَنَتَ مِنكُمْ

اما شکیبایی کردن برای شما بهتر است.

وَأَن تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است. [25]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [25]

خدا می‌خواهد شما را روشن کند، به هنجارهای کسانی که پیش از شما بودند راهتان بنماید، و با بخشایش به سوی شما بازگردد.

يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ

و خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[26]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ [26]

خدا می‌خواهد با بخشایش به سوی شما بازگردد،

وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ

در حالی که کسانی که از هوس‌های خود پیروی می‌کنند می‌خواهند که شما به میلی سترگ بگرایید.[27]

وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيْلًا عَظِيمًا [27]

خدا می‌خواهد شما را سبک کند،

يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ

زیرا انسان ناتوان آفریده شده است.[28]

وَخُلِقَ ٱلْإِنسَٰنُ ضَعِيفًا [28]

ای باورآوردگان! دارایی‌های خود را میان خود به باطل نخورید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأْكُلُوٓاْ أَمْوَٰلَكُم بَيْنَكُم بِٱلْبَٰطِلِ

مگر آنکه دادوستدی باشد برآمده از رضایت دوسویهٔ شما.

إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ

و خودتان را نکشید،

وَلَا تَقْتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمْ

زیرا خدا نسبت به شما مهربان است.[29]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا [29]

و هر که این را از روی دشمنی و ستم کند، او را در آتشی خواهیم سوزاند.

وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَٰنًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا

و این برای خدا کاری آسان است.[30]

وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا [30]

اگر از بزرگ‌ترین چیزهایی که بر شما ممنوع شده است دوری کنید، بدی‌های شما را خواهیم پوشاند، و شما را به درآمدنی ارجمند در خواهیم آورد.[31]

إِن تَجْتَنِبُواْ كَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا [31]

و آنچه را خدا بر پایهٔ آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است آرزو نکنید.

وَلَا تَتَمَنَّوْاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

برای مردان سهمی است از آنچه به دست آورده‌اند،

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا ٱكْتَسَبُواْ

و برای زنان سهمی است از آنچه به دست آورده‌اند.

وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا ٱكْتَسَبْنَ

و از لطف خدا بخواهید،

وَسْـَٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضْلِهِۦٓ

زیرا خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.[32]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا [32]

و برای هر کس، وارثانی تعیین کرده‌ایم از آنچه بر جا می‌گذارند

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَٰلِىَ مِمَّا تَرَكَ

پدر و مادر و نزدیکان.
ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ

و کسانی که سوگندهای شما شما را به آنان بسته است، سهم‌شان را به آنان بدهید،
وَٱلَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَٰنُكُمْ فَـَٔاتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ

زیرا خدا بر هر چیز گواه است.[33]
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا [33]

مردان به‌جای زنان بار را بر دوش دارند، به سبب آنچه خدا برخی را بر برخی برتری داده است، و به سبب آنچه از دارایی‌های خود خرج می‌کنند.
ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَآ أَنفَقُوا۟ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ

زنان شایسته وفادارند، نگه‌دارندگان آنچه فراتر از حواس است، به سبب آنچه خدا نگه داشته است.
فَٱلصَّٰلِحَٰتُ قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُ

و آنان که از کناره‌گیری یک‌جانبه‌شان می‌ترسید، پندشان دهید، در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید، سپس آنان را چند برابر کنید؛
وَٱلَّٰتِى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَٱهْجُرُوهُنَّ فِى ٱلْمَضَاجِعِ وَٱضْرِبُوهُنَّ

سپس اگر از شما فرمان بردند، دیگر بر ضد آنان راهی مجویید،
فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا۟ عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا

زیرا خدا بسیار بالا و بزرگ است.[34]
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا [34]

و اگر از گسست میان آن دو می‌ترسید، پس داوری از خانوادهٔ آن مرد و داوری از خانوادهٔ آن زن برانگیزید؛ اگر هر دو آشتی بخواهند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد؛
وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَٱبْعَثُوا۟ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِۦ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَآ إِن يُرِيدَآ إِصْلَٰحًا يُوَفِّقِ ٱللَّهُ بَيْنَهُمَآ

زیرا خدا همه‌چیزدان و باخبر است.[35]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا [35]

و از خدا فرمان ببرید،

وَٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ

و چیزی را انباز او نگیرید،

وَلَا تُشْرِكُواْ بِهِۦ شَيْـًٔا

و نیکوکاری با پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان، همسایهٔ نزدیک، همسایهٔ بیگانه، همراه کنار شما، مسافر در راه‌مانده، و کسانی که شما با سوگند به آنان بسته شده‌اید؛

وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا وَبِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱلْجَارِ ذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْجَارِ ٱلْجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلْجَنۢبِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ

زیرا خدا کسی را که خودبزرگ‌بین و لافزن است دوست ندارد.[36]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا [36]

کسانی که خسیس‌اند، مردم را به خساست دستور می‌دهند، و آنچه را خدا از لطف خود به آنان داده است پنهان می‌کنند —

ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ

و برای انکارکنندگان کیفری خوارکننده آماده کرده‌ایم.[37]

وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا [37]

و کسانی که دارایی‌های خود را از روی خودنمایی در برابر مردم خرج می‌کنند، و نه به خدا باور دارند و نه به روز واپسین —

وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ

هر که منحرف‌کننده همراهش باشد، چه بد همراهی![38]

وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيْطَٰنُ لَهُۥ قَرِينًا فَسَآءَ قَرِينًا [38]

و اگر به خدا و روز واپسین باور می‌آوردند و از آنچه خدا روزی‌شان داده است خرج می‌کردند، چه زیانی برای‌شان می‌داشت؟

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ

خدا دربارهٔ آنان همه‌چیزدان است.[39]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا [39]

خدا هیچ ستمی نمی‌کند، حتی به سنگینیِ یک ذره.

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

و اگر کار نیک باشد، آن را دو چندان می‌کند و از جانب خود پاداشی سترگ می‌دهد.[40]

وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَٰعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا [40]

پس چگونه است آنگاه که از هر جامعه گواهی بیاوریم و تو را بر اینان گواه بیاوریم؟[41]

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍۭ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدًا [41]

آن روز کسانی که انکار کردند و از فرستاده سرپیچی کردند آرزو می‌کنند که زمین بر آنان هموار شود، و نخواهند توانست هیچ گفتاری را از خدا پنهان کنند.[42]

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَعَصَوُاْ ٱلرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ ٱللَّهَ حَدِيثًا [42]

ای باورآوردگان! در حال مستی به تماس نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید، و نه آلوده — مگر به گذر در راهی — تا آنکه خود را بشویید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقْرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُكَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِى سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُواْ

و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما نیاز طبیعی خود را برآورده کرده است، یا با زنی در خلوت درآمیخته‌اید، و آب نمی‌یابید، پس برون‌زدی نیک را قصد کنید، و از آن بر چهره‌ها و دست‌هایتان بکشید؛

وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَآءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ ٱلْغَآئِطِ أَوْ لَٰمَسْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُواْ مَآءً فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا طَيِّبًا فَٱمْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ

زیرا خدا بسیار چشم‌پوش و بسیار بخشاینده است.[43]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا [43]

آیا ندیده‌ای کسانی را که بخشی از نوشتار به آنان داده شده است، گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند که شما از راه گمراه شوید؟[44]

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبًا مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ يَشْتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ [44]

خدا دشمنان شما را بهتر می‌شناسد.

وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ

و خدا به‌عنوان متحد بس است، و خدا به‌عنوان یاری بس است.[45]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ نَصِيرًا [45]

از میان بازگرایان کسانی هستند که سخنان را دور از بافت‌شان دگرگون می‌کنند و می‌گویند: «شنیدیم و سرپیچی کردیم»، و: «بشنو، بی‌آنکه به تو شنیدن داده شود»، و: «ما را ناچیز بشمار»، در حالی که زبان‌های خود را می‌پیچانند و به قانون طعنه می‌زنند.

مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَٱسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَٰعِنَا لَيًّۢا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى ٱلدِّينِ

و اگر گفته بودند: «شنیدیم و گردن نهادیم»، و: «بشنو»، و: «به ما بنگر»، برای آنان بهتر می‌بود، و راست‌تر؛

وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُواْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَٱسْمَعْ وَٱنظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ

اما خدا آنان را برای انکارشان نفرین کرد، و جز اندکی باور نمی‌آورند.[46]

وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا [46]

ای کسانی که نوشتار به شما داده شده است! به آنچه فرود آوردیم باور آورید، که آنچه را با شما است تأیید می‌کند، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم و به پشت برگردانیم، یا آنان را نفرین کنیم چنان‌که همراهان آسایش را نفرین کردیم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ ءَامِنُواْ بِمَا نَزَّلۡنَا مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبۡلِ أَن نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰٓ أَدۡبَارِهَآ أَوۡ نَلۡعَنَهُمۡ كَمَا لَعَنَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلسَّبۡتِ

و دستور خدا همواره انجام‌شده است.[47]

وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولٗا [47]

خدا همانا نمی‌بخشاید که برای او انباز گرفته شود،

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ

اما آنچه را که پایین‌تر از آن است برای هر که پسند او افتد می‌بخشاید.

وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ

و هر که برای خدا انباز گیرد، تعدی سترگی برمی‌سازد.[48]

وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا [48]

آیا ندیده‌ای کسانی را که خود را پاک می‌خوانند؟

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم

بلکه خدا هر که را پسند او افتد پاک می‌کند،

بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَآءُ

و بر آنان ستمی نخواهد رفت، حتی به اندازهٔ یک نخ.[49]

وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلًا [49]

بنگر که چگونه بر خدا دروغ برمی‌سازند: همین به‌عنوان تعدی آشکار بس است.[50]

ٱنظُرۡ كَيۡفَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمٗا مُّبِينًا [50]

آیا ندیده‌ای کسانی را که بخشی از نوشتار به آنان داده شده است، که به بت و حدشکن باور دارند، و دربارهٔ انکارکنندگان می‌گویند: «اینان در مورد راه، راهنمایی‌شده‌تر از کسانی‌اند که باور آوردند»؟[51]

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبًا مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ يُؤْمِنُونَ بِٱلْجِبْتِ وَٱلطَّٰغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ أَهْدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا [51]

اینان‌اند که خدا نفرین‌شان کرده است؛

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ

و هر که را خدا نفرین کند، برای او هیچ یاری نخواهی یافت.[52]

وَمَن يَلْعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا [52]

یا آنان بخشی از پادشاهی دارند؟ در آن صورت حتی شکاف هستهٔ خرمایی هم به مردم نمی‌دادند.[53]

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ ٱلْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا [53]

یا بر مردم رشک می‌برند برای آنچه خدا از لطف خود به آنان داده است؟

أَمْ يَحْسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ

ما که به خاندان ابراهیم نوشتار و فرزانگی دادیم، و به آنان پادشاهی سترگی دادیم.[54]

فَقَدْ ءَاتَيْنَآ ءَالَ إِبْرَٰهِيمَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَءَاتَيْنَٰهُم مُّلْكًا عَظِيمًا [54]

از میان آنان کسانی هستند که بدان باور آوردند، و کسانی هستند که از آن رمیدند.

فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ

و جهنم به‌عنوان اخگر بس است.[55]

وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا [55]

کسانی که نشانه‌های ما را انکار کردند، همانا آنان را در آتشی خواهیم سوزاند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا

هر بار که پوست‌هایشان سوخته شود، پوست‌هایی دیگر را جایگزین آن‌ها برای‌شان خواهیم کرد، تا کیفر را بچشند،

كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ

زیرا خدا نیرومند و فرزانه است.[56]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا [56]

و کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهیم آورد، جاودانه در آن می‌مانند، همیشه.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا

در آنجا همسرانی پاک‌شده خواهند داشت،

لَّهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ

و آنان را به سایه‌ای سایه‌گستر در خواهیم آورد.[57]

وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا [57]

خدا به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان حق‌شان بازگردانید، و چون میان مردم داوری می‌کنید، با دادگری داوری کنید.

إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا۟ ٱلْأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحْكُمُوا۟ بِٱلْعَدْلِ

چه نیک است آنچه خدا شما را بدان پند می‌دهد!

إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓ

زیرا خدا شنوا و بینا است.[58]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعًۢا بَصِيرًا [58]

ای باورآوردگان! از خدا گردن نهید، از فرستاده گردن نهید و از کسانی از میان خودتان که فرمانروایی در دست دارند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَأُو۟لِى ٱلْأَمْرِ مِنكُمْ

و اگر در چیزی به ستیزه درآمدید، آن را به خدا و فرستاده بازگردانید، اگر به خدا و روز واپسین باور دارید.

فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ

این بهتر است، و از نظر تفسیر زیباتر.[59]

ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا [59]

آیا ندیده‌ای کسانی را که ادعا می‌کنند به آنچه بر تو فرود آورده شد و به آنچه پیش از تو فرود آورده شد باور آورده‌اند، و می‌خواهند دعوای خود را نزد حدشکن ببرند، حال آنکه به آنان دستور داده شده بود که او را انکار کنند؟

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦ

و منحرف‌کننده می‌خواهد آنان را به گمراهی‌ای دور گمراه کند.[60]

وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا [60]

و چون به آنان گفته می‌شود: «بیایید به آنچه خدا فرود آورد، و به فرستاده»، دورویان را می‌بینی که با قاطعیت از تو می‌رمند.[61]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيۡتَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودٗا [61]

پس چگونه است آنگاه که به سبب آنچه دستانشان پیش بردند پیشامدی ناگوار به آنان رسد، سپس نزد تو می‌آیند و به خدا سوگند می‌خورند: «ما جز نیکی و سازش نمی‌خواستیم»؟[62]

فَكَيۡفَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّآ إِحۡسَٰنٗا وَتَوۡفِيقًا [62]

اینان‌اند که خدا آنچه را در هسته‌هایشان است می‌داند؛ پس از آنان روی بگردان، پندشان ده، و دربارهٔ خودشان به آنان سخنی اثرگذار بگو.[63]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَعِظۡهُمۡ وَقُل لَّهُمۡ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَوۡلَۢا بَلِيغٗا [63]

و ما هیچ فرستاده‌ای نفرستادیم مگر آنکه به اجازهٔ خدا از او گردن نهاده شود.

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ

و اگر آنان پس از آنکه به خود ستم کرده بودند، نزد تو می‌آمدند تا از خدا بخشایش بخواهند، و فرستاده نیز برای آنان بخشایش می‌خواست، حتماً خدا را بسیار بازگردنده و مهربان می‌یافتند.[64]

وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا [64]

نه چنین، به سرپرست تو سوگند! باور نخواهند آورد تا آنکه تو را در اختلاف‌های میان خود داور بگیرند، سپس در خود هیچ دشواری از آنچه تو داوری کرده‌ای نیابند، و با بی‌خدشگی کامل آن را بپذیرند.[65]

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا [65]

و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم: «یکدیگر را بکشید»، یا: «از خانه‌های خود بیرون روید»، آن را انجام نمی‌دادند، مگر اندکی از آنان.

وَلَوۡ أَنَّا كَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَنِ ٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ أَوِ ٱخۡرُجُواْ مِن دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٞ مِّنۡهُمۡ

و اگر آنچه را بدان پند داده می‌شدند انجام داده بودند، برای آنان بهتر می‌بود و آنان را استوارتر می‌کرد؛[66]

وَلَوۡ أَنَّهُمۡ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَشَدَّ تَثۡبِيتٗا [66]

و آنگاه حتماً از جانب خود به آنان پاداشی سترگ می‌دادیم،[67]

وَإِذٗا لَّأٓتَيۡنَٰهُم مِّن لَّدُنَّآ أَجۡرًا عَظِيمٗا [67]

و حتماً آنان را به جادهٔ راست راه می‌نمودیم.[68]

وَلَهَدَيۡنَٰهُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا [68]

و هر که از خدا و فرستاده گردن نهد، اینان با کسانی خواهند بود که خدا از دهش خود سرشارشان کرده است، از میان اطلاع‌دهندگان، راست‌گویان، گواهان و شایستگان.

وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَ

و چه نیکو همنشینی است آنان![69]

وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقًا [69]

این لطفی است از جانب خدا،

ذَٰلِكَ ٱلْفَضْلُ مِنَ ٱللَّهِ

و خدا به‌عنوان همه‌چیزدان بس است.[70]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمًا [70]

ای باورآوردگان! احتیاط خود را بگیرید، و دسته‌دسته بسیج شوید، یا همگی با هم بسیج شوید.[71]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذْرَكُمْ فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُواْ جَمِيعًا [71]

و بی‌گمان در میان شما کسی است که عمداً درنگ می‌کند؛

وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ

و اگر پیشامدی ناگوار به شما رسد، می‌گوید: «خدا بر من دهش کرد، چون با آنان نبودم، به‌عنوان گواه.»[72]

فَإِنْ أَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَّعَهُمْ شَهِيدًا [72]

اما اگر لطفی از خدا به شما رسد، بی‌گمان خواهد گفت، چنان‌که گویی میان شما و او هیچ مهری نبوده است: «ای کاش با آنان بودم، آنگاه پیروزی سترگی به دست می‌آوردم!»[73]

وَلَئِنْ أَصَٰبَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ يَٰلَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا [73]

پس باید در راه خدا بجنگند کسانی که زندگی نزدیک را در برابر زندگی واپسین می‌فروشند.

فَلْيُقَٰتِلْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يَشْرُونَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا بِٱلْءَاخِرَةِ

و هر که در راه خدا بجنگد، سپس کشته شود یا پیروز گردد، به او پاداشی سترگ خواهیم داد.[74]

وَمَن يُقَٰتِلْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا [74]

و شما را چه شده است که در راه خدا نمی‌جنگید، و برای مردان، زنان و کودکانی که به ناتوانی کشانده شده‌اند، که می‌گویند: «ای سرپرست ما، ما را از این شهر که مردمش ستمگرند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما متحدی بده، و از جانب خود برای ما یاری‌رسانی بده»؟[75]

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهْلُهَا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا [75]

کسانی که باور آوردند در راه خدا می‌جنگند،

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ

و کسانی که انکار می‌کنند در راه حدشکن می‌جنگند.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ

پس با متحدان منحرف‌کننده بجنگید،

فَقَٰتِلُوٓا۟ أَوْلِيَآءَ ٱلشَّيْطَٰنِ

زیرا نیرنگ منحرف‌کننده ناتوان است.[76]

إِنَّ كَيْدَ ٱلشَّيْطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا [76]

آیا ندیده‌ای کسانی را که به آنان گفته شد: «دست‌های خود را باز دارید، تماس را پابرجا نگه دارید و گشاده‌دستی ناب را بدهید»؟

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓا۟ أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ

سپس چون جنگ بر آنان مقرر شد، ناگاه بخشی از آنان از مردم بیم دارند چنان‌که از خدا بیم دارند، یا با ترسی شدیدتر،

فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً

و می‌گویند: «ای سرپرست ما، چرا جنگ را بر ما مقرر کردی؟ کاش ما را تا سررسیدی نزدیک به تأخیر می‌انداختی!»

وَقَالُواْ رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا ٱلْقِتَالَ لَوْلَآ أَخَّرْتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ

بگو: «بهرهٔ زندگی نزدیک اندک است،

قُلْ مَتَٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ

و زندگی واپسین برای کسی که محتاط است بهتر است،

وَٱلْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ

و بر شما ستمی نخواهد رفت، حتی به اندازهٔ یک نخ.»[77]

وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا [77]

هر کجا باشید، مرگ شما را درخواهد یافت، هرچند در برج‌هایی تسخیرناپذیر باشید.

أَيْنَمَا تَكُونُواْ يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِى بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ

و اگر نیکی‌ای به آنان رسد، می‌گویند: «این از جانب خدا است»؛

وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ

و اگر بدی‌ای به آنان رسد، می‌گویند: «این از جانب تو است.»

وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِكَ

بگو: «همه از جانب خدا است.»

قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ

پس این مردم را چه شده است که تقریباً هیچ گفتاری را درنمی‌یابند؟[78]

فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا [78]

آنچه از نیکی به تو می‌رسد از جانب خدا است،

مَّآ أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ ٱللَّهِ

و آنچه از بدی به تو می‌رسد از جانب خود تو است.

وَمَآ أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكَ

و ما تو را برای مردم به‌عنوان فرستاده فرستادیم.

وَأَرْسَلْنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا

و خدا به‌عنوان گواه بس است.[79]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا [79]

هر که از فرستاده گردن نهد، از خدا گردن نهاده است،

مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ ٱللَّهَ

و هر که پشت کند — ما تو را نگهبان بر آنان نفرستادیم.[80]

وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا [80]

و می‌گویند: «گردن‌نهادن»،

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ

اما چون از نزد تو بیرون می‌روند، گروهی از آنان شبانه چیزی جز آنچه می‌گویند می‌چینند.

فَإِذَا بَرَزُوا۟ مِنْ عِندِكَ بَيَّتَ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ ٱلَّذِى تَقُولُ

خدا آنچه را شبانه می‌چینند ثبت می‌کند.

وَٱللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ

پس از آنان روی بگردان، و به خدا وکالت بده.

فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ

و خدا به‌عنوان وکیل بس است.[81]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا [81]

پس آیا در خوانش تأمل نمی‌کنند؟

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ

و اگر از جانب غیر خدا می‌بود، در آن اختلاف بسیار می‌یافتند.[82]

وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا [82]

و چون گزارشی آرامش‌بخش یا هراس‌انگیز به آنان برسد، آن را پخش می‌کنند؛

وَإِذَا جَآءَهُمۡ أَمۡرٞ مِّنَ ٱلۡأَمۡنِ أَوِ ٱلۡخَوۡفِ أَذَاعُواْ بِهِۦ

اما اگر آن را به فرستاده و به کسانی از میان خودشان که فرمانروایی در دست دارند بازگردانده بودند، کسانی از آنان که می‌کوشند مایه‌اش را بیرون بکشند از آن آگاه می‌شدند.

وَلَوۡ رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ وَإِلَىٰٓ أُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنۡهُمۡ لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسۡتَنۢبِطُونَهُۥ مِنۡهُمۡ

و اگر لطف خدا بر شما و مهر او نبود، حتماً از منحرف‌کننده پیروی می‌کردید، مگر اندکی از شما.[83]

وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَٱتَّبَعۡتُمُ ٱلشَّيۡطَٰنَ إِلَّا قَلِيلٗا [83]

پس در راه خدا بجنگ:

فَقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ

تو جز به خویش گماشته نشده‌ای.

لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفۡسَكَ

و باورمندان را ترغیب کن.
وَحَرِّضِ ٱلْمُؤْمِنِينَ

شاید خدا سختی انکارکنندگان را باز دارد.
عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

خدا در سختگیری هولناک‌تر است، و در عبرتِ بازدارنده هولناک‌تر.[84]
وَٱللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا [84]

هر که میانجی‌گری نیکو کند، از آن بهره‌ای خواهد داشت؛
مَّن يَشْفَعْ شَفَٰعَةً حَسَنَةً يَكُن لَّهُۥ نَصِيبٌ مِّنْهَا

و هر که میانجی‌گری بد کند، سهم آن را بر دوش خواهد کشید.
وَمَن يَشْفَعْ شَفَٰعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُۥ كِفْلٌ مِّنْهَا

خدا بر هر چیز مباشر است.[85]
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ مُّقِيتًا [85]

و چون به شما درودی گفته شود، با درودی نیکوتر درود گویید، یا آن را بازگردانید،
وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّواْ بِأَحْسَنَ مِنْهَآ أَوْ رُدُّوهَآ

زیرا خدا بر هر چیز حسابگر است.[86]
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ حَسِيبًا [86]

خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او.
ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

بی‌گمان شما را در روز حضور، که هیچ تردیدی در آن نیست، گرد خواهد آورد.
لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ

و چه کسی در گفتار از خدا راست‌گوتر است؟[87]

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثًا [87]

شما را چه شده است که دربارهٔ دورویان دو دسته شده‌اید، حال آنکه خدا آنان را به سبب آنچه به دست آوردند واژگون کرده است؟

فَمَا لَكُمْ فِى ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ وَٱللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوٓاْ

آیا می‌خواهید کسی را که خدا گمراه کرده است راه بنمایید؟

أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُواْ مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ

و هر که را خدا گمراه کند، برای او هیچ راهی نخواهی یافت.[88]

وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا [88]

آنان می‌خواهند که شما انکار کنید چنان‌که انکار کردند، تا برابر باشید؛

وَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءً

پس از میان آنان متحد نگیرید، تا آنکه در راه خدا کوچ کنند.

فَلَا تَتَّخِذُواْ مِنْهُمْ أَوْلِيَآءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ

اگر پشت کردند، پس آنان را بگیرید و هر جا یافتید بکشید، و از میان آنان نه متحدی بگیرید و نه یاری‌رسانی — مگر کسانی که به قومی پیوسته‌اند که میان شما و آنان پیمانی استوار است، یا نزد شما می‌آیند[89]

فَإِن تَوَلَّوْاْ فَخُذُوهُمْ وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُواْ مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا [89] إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍۭ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوْ جَآءُوكُمْ

در حالی که سینه‌شان از جنگیدن با شما، یا جنگیدن با قوم خود، تنگ شده است.

حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَٰتِلُوكُمْ أَوْ يُقَٰتِلُواْ قَوْمَهُمْ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، به آنان چیرگی بر شما می‌داد و با شما می‌جنگیدند.

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَٰتَلُوكُمْ

اگر از شما کناره بگیرند، با شما نجنگند، و به شما صلح پیشنهاد کنند، آنگاه خدا برای شما بر ضد آنان هیچ راهی نمی‌نهد.[90]

فَإِنِ ٱعۡتَزَلُوكُمۡ فَلَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سَبِيلٗا [90]

دیگرانی را خواهید یافت که می‌خواهند با شما در امنیت باشند و با قوم خود در امنیت؛ هر بار که به آزمون بازگردانده شوند، در آن فرو می‌افتند.

سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأۡمَنُوكُمۡ وَيَأۡمَنُواْ قَوۡمَهُمۡ كُلَّ مَا رُدُّوٓاْ إِلَى ٱلۡفِتۡنَةِ أُرۡكِسُواْ فِيهَا

اگر از شما کناره نگیرند، به شما صلح پیشنهاد نکنند، و دست‌های خود را باز ندارند، آنگاه آنان را بگیرید و هر جا بر آنان دست یافتید بکشید.

فَإِن لَّمۡ يَعۡتَزِلُوكُمۡ وَيُلۡقُوٓاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ وَيَكُفُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ

و اینان‌اند که بر ضد آنان برای شما اقتداری آشکار قرار دادیم.[91]

وَأُوْلَٰٓئِكُمۡ جَعَلۡنَا لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا [91]

و برای باورمندی روا نیست که باورمندی را بکشد،

وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا

مگر از روی خطا.

إِلَّا خَطَـٔٗا

و هر که باورمندی را از روی خطا بکشد، باید استقلال در گرو مانده‌ای باورمند را بازگرداند، و خسارتی به خانوادهٔ او بپردازد، مگر آنکه آنان از روی دستگیری از آن بگذرند.

وَمَن قَتَلَ مُؤۡمِنًا خَطَـٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُواْ

و اگر کشته‌شده از قومی دشمن شما بود، در حالی که باورمند بود، آنگاه بازگرداندن استقلال در گرو مانده‌ای باورمند.

فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ

و اگر از قومی بود که میان شما و آنان پیمانی استوار است، آنگاه خسارتی که به خانوادهٔ او پرداخت شود، و بازگرداندن استقلال در گرو مانده‌ای باورمند.

وَإِن كَانَ مِن قَوۡمٖ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ

و هر که توانایی آن را نیابد، آنگاه پرهیز دو ماه پیاپی، به‌عنوان بازگشتی از جانب خدا.

فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِ

خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[92]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا [92]

و هر که باورمندی را عمداً بکشد، بازپرداخت او جهنم است، جاودانه در آن می‌ماند؛ خدا بر او خشم گرفته است، او را نفرین کرده، و برای او کیفری سترگ آماده کرده است.[93]

وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا [93]

ای باورآوردگان! چون در راه خدا گام می‌زنید، به روشنی بازشناسید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ

و به کسی که به شما صلح پیشنهاد می‌کند نگویید: «تو باورمند نیستی»، در حالی که کالاهای ناپایدار زندگی نزدیک را می‌جویید؛ حال آنکه نزد خدا غنیمت‌های فراوان است.(141)

وَلَا تَقُولُواْ لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا تَبۡتَغُونَ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٞ (141)

پیش‌تر شما چنین بودید، و خدا بر شما دهش کرد.

كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ

پس به روشنی بازشناسید،

فَتَبَيَّنُوٓاْ

زیرا خدا از آنچه می‌کنید باخبر است.[94]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرًا [94]

باورمندانی که می‌نشینند، مگر معلولان، با آنان که در راه خدا با دارایی و خویشتن‌شان تلاش می‌کنند برابر نیستند.

لَّا يَسۡتَوِي ٱلۡقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ غَيۡرُ أُوْلِي ٱلضَّرَرِ وَٱلۡمُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ

خدا کسانی را که با دارایی و خویشتن‌شان تلاش می‌کنند به درجه‌ای بر نشستگان برتری داده است.

فَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ عَلَى ٱلۡقَٰعِدِينَ دَرَجَةٗ

و به همه، خدا زیباترین را وعده داده است؛

وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰ

و خدا تلاشگران را بر نشستگان با پاداشی سترگ برتری داده است — درجاتی از جانب او، بخشایشی و مهری؛[95]

وَفَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ عَلَى ٱلۡقَٰعِدِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا [95] دَرَجَٰتٖ مِّنۡهُ وَمَغۡفِرَةٗ وَرَحۡمَةٗ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[96]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا [96]

همانا کسانی که کارگزاران آنان را به‌تمامی می‌گیرند در حالی که به خود ستمگرند — می‌گویند: «در چه وضعی بودید؟»

إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡ

می‌گویند: «ما در زمین به ناتوانی کشانده شدیم.»

قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ

می‌گویند: «آیا زمین خدا فراخ نبود که در آن کوچ کنید؟»

قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَا

اینان‌اند که پناهگاه‌شان جهنم خواهد بود؛ و چه بد مقصدی! — مگر مردان، زنان و کودکانی که به ناتوانی کشانده شده‌اند، که نه می‌توانند چاره‌ای بیابند و نه برای راهی راهنمایی پذیرند.[97-98]

فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا [97] إِلَّا ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةٗ وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلٗا [98]

اینان، شاید خدا از آنان چشم بپوشد.

فَأُوْلَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعۡفُوَ عَنۡهُمۡ

خدا بسیار چشم‌پوش و بسیار بخشاینده است.[99]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوّٗا غَفُورٗا [99]

و هر که در راه خدا کوچ کند، در زمین پناهگاهی فراخ و گشایش خواهد یافت.

وَمَن يُهَاجِرۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُرَٰغَمٗا كَثِيرٗا وَسَعَةٗۚ

و هر که از خانهٔ خود بیرون آید، به سوی خدا و فرستادهٔ او کوچ‌کنان، سپس مرگ او را دریابد، پاداشش از این پس بر عهدهٔ خدا است.

وَمَن يَخۡرُجۡ مِنۢ بَيۡتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدۡرِكۡهُ ٱلۡمَوۡتُ فَقَدۡ وَقَعَ أَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۗ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[100]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا [100]

و چون در زمین گام می‌زنید، نکوهشی بر شما نیست که تماس را کوتاه کنید، اگر می‌ترسید که انکارکنندگان شما را به آزمون بکشند؛

وَإِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَقۡصُرُواْ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنۡ خِفۡتُمۡ أَن يَفۡتِنَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ

زیرا انکارکنندگان برای شما دشمنی آشکارند.[101]

إِنَّ ٱلۡكَٰفِرِينَ كَانُواْ لَكُمۡ عَدُوّٗا مُّبِينٗا [101]

و چون در میان آنان هستی و برای آنان تماس را رهبری می‌کنی، گروهی از آنان با تو بایستند و سلاح خود را بگیرند.

وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوٓاْ أَسْلِحَتَهُمْ

سپس چون پیشانی بر خاک نهادند، پشت سر شما بروند،

فَإِذَا سَجَدُواْ فَلْيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمْ

و گروهی دیگر که هنوز تماس را نبسته‌اند بیایند و با تو آن را ببندند، در حالی که احتیاط و سلاح خود را گرفته‌اند.

وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّواْ فَلْيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُواْ حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ

انکارکنندگان می‌خواهند که شما از سلاح‌ها و بار و بنهٔ خود غافل شوید، تا یک‌باره بر شما بتازند.

وَدَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَٰحِدَةً

و نکوهشی بر شما نیست، اگر باران شما را آزار دهد یا بیمار باشید، که سلاح‌های خود را بر زمین نهید؛

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَن تَضَعُوٓاْ أَسْلِحَتَكُمْ

اما احتیاط خود را بگیرید،

وَخُذُواْ حِذْرَكُمْ

زیرا خدا برای انکارکنندگان کیفری خوارکننده آماده کرده است.[102]

إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا [102]

و چون تماس را به پایان رساندید، خدا را به یاد آورید، ایستاده، نشسته، یا خوابیده به پهلو.

فَإِذَا قَضَيْتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ

سپس چون آرامش یافتید، تماس را پابرجا نگه دارید،

فَإِذَا ٱطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ

زیرا تماس برای باورمندان مقرری است با زمان‌های معین.[103]

إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا [103]

و در جست‌وجوی این قوم سستی نکنید.

وَلَا تَهِنُواْ فِى ٱبْتِغَآءِ ٱلْقَوْمِ

اگر رنج می‌برید، آنان نیز همانا چنان‌که شما رنج می‌برید رنج می‌برند؛ اما شما از خدا چیزی امید دارید که آنان امید ندارند.

إِن تَكُونُواْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ

خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[104]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [104]

ما نوشتار را به حقیقت بر تو فرود آوردیم، تا میان مردم بدانچه خدا به تو نشان داده است داوری کنی.

إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِمَآ أَرَىٰكَ ٱللَّهُ

و برای خیانت‌کاران ستیزه‌جو مباش.[105]

وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا [105]

و از خدا بخشایش بخواه،

وَٱسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[106]

إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا [106]

و به سود کسانی که به خود خیانت می‌کنند مجادله مکن،

وَلَا تُجَٰدِلْ عَنِ ٱلَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ

زیرا خدا کسی را که بسیار خیانت‌کار و تعدی‌کار است دوست ندارد.[107]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا [107]

از مردم پنهان می‌شوند و از خدا پنهان نمی‌شوند، حال آنکه او با آنان است آنگاه که شبانه سخنانی می‌چینند که او نمی‌پسندد.

يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ ٱلْقَوْلِ

خدا بر آنچه می‌کنند احاطهٔ کامل دارد.[108]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا [108]

شمایید که در زندگی نزدیک به سود آنان مجادله کردید؛ اما چه کسی در روز حضور به سود آنان با خدا مجادله خواهد کرد؟ یا چه کسی برای آنان وکیل خواهد بود؟[109]

هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا [109]

و هر که بدی‌ای کند، یا به خویشتن خود ستم کند، سپس از خدا بخشایش بخواهد، خدا را بسیار بخشاینده و مهربان خواهد یافت.[110]

وَمَن يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُۥ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا [110]

و هر که تعدی‌ای به دست آورد، آن را جز بر ضد خویشتن خود به دست نمی‌آورد.

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ

خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[111]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [111]

و هر که لغزش یا تعدی‌ای به دست آورد، سپس کسی را که از آن بری است بدان متهم کند، بهتان و تعدی آشکاری بر دوش می‌کشد.[112]

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيٓـَٔةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِۦ بَرِيٓـًٔا فَقَدِ ٱحْتَمَلَ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا [112]

و اگر لطف خدا بر تو و مهر او نبود، گروهی از آنان قصد گمراه کردن تو را می‌داشتند؛

وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُۥ لَهَمَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ

اما جز خودشان را گمراه نمی‌کنند، و هیچ آسیبی به تو نمی‌توانند برسانند.

وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَىْءٍ

و خدا نوشتار و فرزانگی را بر تو فرود آورد، و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت.

وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ

لطف خدا بر تو سترگ است.[113]

وَكَانَ فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا [113]

در بیشتر نجواهایشان نیکی‌ای نیست، مگر برای کسی که به دستگیری، یا آنچه شناخته‌شده است، یا آشتی میان مردم دستور دهد.

لَّا خَيْرَ فِى كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَىٰهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَٰحٍۭ بَيْنَ ٱلنَّاسِ

و هر که این را در جست‌وجوی خشنودی خدا کند، پاداشی سترگ به او خواهیم داد.[114]

وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا [114]

و هر که پس از آنکه راهنمایی بر او روشن شد، در گسست بر ضد فرستاده بایستد و راهی جز راه باورمندان در پیش گیرد، او را به آنچه بدان روی کرده وامی‌گذاریم و در جهنم می‌سوزانیمش.

وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ ٱلْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ ٱلْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِۦ جَهَنَّمَ

و چه بد مقصدی![115]

وَسَآءَتْ مَصِيرًا [115]

خدا همانا نمی‌بخشاید که برای او انباز گرفته شود،

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِۦ

اما آنچه را که پایین‌تر از آن است برای هر که پسند او افتد می‌بخشاید.

وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ

و هر که برای خدا انباز گیرد، به گمراهی‌ای دور گمراه شده است.[116]

وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا [116]

غیر از او جز ماده‌ها را نمی‌خوانند، و جز منحرف‌کنندهٔ سرکش را نمی‌خوانند که خدا نفرینش کرده است،[117]

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَٰنًا مَّرِيدًا [117] لَّعَنَهُ ٱللَّهُ

که گفت: «من بی‌گمان از میان فرمان‌برداران تو سهمی تعیین‌شده خواهم گرفت؛ بی‌گمان آنان را گمراه خواهم کرد، بی‌گمان به آنان امیدهای پوچ خواهم داد، بی‌گمان به آنان دستور خواهم داد گوش چارپایان را بشکافند، و بی‌گمان به آنان دستور خواهم داد آفرینش خدا را دگرگون کنند.»[118]

وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا [118] وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَءَامُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ ءَاذَانَ ٱلْأَنْعَٰمِ وَلَءَامُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ ٱللَّهِ

و هر که منحرف‌کننده را غیر از خدا متحد بگیرد، زیانی آشکار دیده است.[119]

وَمَن يَتَّخِذِ ٱلشَّيْطَٰنَ وَلِيًّا مِّن دُونِ ٱللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا [119]

به آنان وعده می‌دهد و امیدهای پوچ می‌بخشد،

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ

و منحرف‌کننده جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد.[120]

وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا [120]

اینان‌اند که پناهگاه‌شان جهنم خواهد بود،

أُو۟لَٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ

و در آن هیچ گریزگاهی نخواهند یافت.[121]

وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا [121]

و کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهیم آورد، جاودانه در آن می‌مانند، همیشه.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗا

وعدهٔ خدا، به حقیقت.

وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗا

و چه کسی در سخن از خدا راست‌گوتر است؟[122]

وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلٗا [122]

این نه به آرزوهای شما بستگی دارد و نه به آرزوهای دارندگان نوشتار.

لَّيۡسَ بِأَمَانِيِّكُمۡ وَلَآ أَمَانِيِّ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ

هر که بدی‌ای کند، بدان بازپرداخت خواهد شد، و غیر از خدا نه متحدی خواهد یافت و نه یاری.[123]

مَن يَعۡمَلۡ سُوٓءٗا يُجۡزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدۡ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا [123]

و هر که کردارهای شایسته به‌جا آورد، مرد یا زن، در حالی که باورمند است، اینان به باغ درآورده خواهند شد و بر آنان ستمی نخواهد رفت، حتی به اندازهٔ شکاف هستهٔ خرمایی. **(142)** [124]

وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ نَقِيرٗا [124] **(142)**

و چه کسی قانونی نیکوتر دارد از کسی که سوی خود را در برابر خدا بی‌خدشه کرده، در حالی که نیکی می‌کند، و آموزهٔ ابراهیم را پیروی کرده که یکسره به سوی خدا روی کرده بود؟

وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗا

و خدا ابراهیم را دوست نزدیک گرفت.[125]

وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا [125]

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ

خدا بر همه چیز احاطهٔ کامل دارد.[126]

وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطًا [126]

و دربارهٔ زنان از تو نظر می‌خواهند.

وَيَسۡتَفۡتُونَكَ فِي ٱلنِّسَآءِ

بگو: «خدا دربارهٔ آنان به شما نظر می‌دهد، و نیز آنچه در نوشتار بر شما برخوانده می‌شود دربارهٔ دختران یتیمی که آنچه را برای‌شان مقرر شده است به آنان نمی‌دهید و می‌خواهید با آنان ازدواج کنید، و دربارهٔ کودکانی که به ناتوانی کشانده شده‌اند، و دربارهٔ اینکه با یتیمان با انصاف کامل رفتار کنید.

قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِيهِنَّ وَمَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ فِي يَتَٰمَى ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا تُؤۡتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرۡغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلۡوِلۡدَٰنِ وَأَن تَقُومُواْ لِلۡيَتَٰمَىٰ بِٱلۡقِسۡطِ

و هر نیکی‌ای که بکنید، خدا همانا بر آن همه‌چیزدان است.»[127]

وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِهِۦ عَلِيمًا [127]

و اگر زنی از شوهر خود کناره‌گیری یک‌جانبه یا روی‌گردانی می‌ترسد، نکوهشی بر آن دو نیست که با توافقی آشتی کنند؛

وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضٗا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحٗا

و آشتی بهتر است.

وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞ

و آز همواره بر خویشتن‌ها حاضر است؛
وَأُحْضِرَتِ ٱلْأَنفُسُ ٱلشُّحَّ

اما اگر نیکی کنید و محتاط باشید، خدا همانا از آنچه می‌کنید باخبر است.[128]
وَإِن تُحْسِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا [128]

و شما هرگز نخواهید توانست میان زنان دادگر باشید، هرچند بدان اصرار ورزید؛
وَلَن تَسْتَطِيعُوٓاْ أَن تَعْدِلُواْ بَيْنَ ٱلنِّسَآءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ

پس یکسره مگرایید، چنان‌که دیگری را آویخته رها کنید.
فَلَا تَمِيلُواْ كُلَّ ٱلْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَٱلْمُعَلَّقَةِ

و اگر آشتی کنید و محتاط باشید، خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[129]
وَإِن تُصْلِحُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا [129]

و اگر از هم جدا شوند، خدا هریک از آنان را از گستردگی خود توانگر خواهد کرد.
وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ ٱللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِۦ

خدا فراخ و فرزانه است.[130]
وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمًا [130]

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است.
وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و ما همانا به کسانی که پیش از شما نوشتار به آنان داده شده بود، و به خود شما، سفارش کردیم که نسبت به خدا محتاط باشید.
وَلَقَدْ وَصَّيْنَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و اگر انکار کنید، همانا آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است.
وَإِن تَكْفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

خدا توانگر و ستوده است.[131]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا [131]

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و خدا به‌عنوان وکیل بس است.[132]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا [132]

اگر او را پسند افتد، شما را می‌برد، ای انسان‌ها، و دیگران را می‌آورد.

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأْتِ بِـَٔاخَرِينَ

خدا بر آن توانا است.[133]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا [133]

هر که عوض زندگی نزدیک را بخواهد — نزد خدا عوض زندگی نزدیک و زندگی واپسین است.

مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنْيَا فَعِندَ ٱللَّهِ ثَوَابُ ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ

خدا شنوا و بینا است.[134]

وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًۢا بَصِيرًا [134]

ای باور آوردگان! از پابرجا نگه‌دارندگان استوار برابری باشید، گواهانی برای خدا، هرچند بر ضد خودتان، یا پدر و مادر، یا نزدیکانتان.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُونُوا۟ قَوَّٰمِينَ بِٱلْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ أَوِ ٱلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ

چه توانگر باشد چه بینوا، خدا به هر دو نزدیک‌تر است؛ پس از هیجان پیروی مکنید تا دادگر نباشید.

إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَٱللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا۟ ٱلْهَوَىٰٓ أَن تَعْدِلُوا۟

و اگر سوگیرانه رفتار کنید یا روی بگردانید، خدا همانا از آنچه می‌کنید باخبر است.[135]

وَإِن تَلْوُۥٓاْ أَوْ تُعْرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا [135]

ای باورآوردگان! به خدا، به فرستادهٔ او، به نوشتاری که بر فرستادهٔ او فرود آورد، و به نوشتاری که پیش‌تر فرود آورد، باور آورید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلَّذِى نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِن قَبْلُ

و هر که خدا، کارگزاران او، نوشتارهای او، فرستادگان او و روز واپسین را انکار کند، به گمراهی‌ای دور گمراه شده است.[136]

وَمَن يَكْفُرْ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا [136]

همانا کسانی که باور آوردند، سپس انکار کردند، سپس باور آوردند، سپس انکار کردند، سپس در انکار افزودند — خدا را نشاید که آنان را ببخشاید و نه به آنان راهی بنماید.[137]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ٱزْدَادُواْ كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا [137]

به دورویان مژده بده که کیفری دردناک خواهند داشت — آنان که انکارکنندگان را غیر از باورمندان متحد می‌گیرند.[138]

بَشِّرِ ٱلْمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [138] ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ

آیا نزد آنان نیرومندی می‌جویند؟ نیرومندی همانا یکسره از آنِ خدا است.[139]

أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ ٱلْعِزَّةَ فَإِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا [139]

و او پیش‌تر در نوشتار بر شما فرود آورده است: چون می‌شنوید که نشانه‌های خدا انکار و به مسخره گرفته می‌شود، با آنان ننشینید، تا آنکه در گفتاری دیگر فرو روند؛

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلْكِتَٰبِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ

زیرا در آن صورت مانند آنان می‌بودید.

إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ

خدا دورویان و انکارکنندگان را همانا همگی در جهنم گرد خواهد آورد — کسانی که نسبت به شما چشم‌به‌راه‌اند: اگر گشایشی از خدا به شما برسد، می‌گویند: «آیا با شما نبودیم؟» و اگر سهمی به انکارکنندگان برسد، می‌گویند: «آیا شما را به چنگ نیاوردیم و شما را از باورمندان دور نداشتیم؟»[140]

إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْكَٰفِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا [140] ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓا۟ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَٰفِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوٓا۟ أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُم مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ

خدا در روز حضور میان شما داوری خواهد کرد؛

فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

و خدا هرگز برای انکارکنندگان بر باورمندان راهی نخواهد نهاد.[141]

وَلَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا [141]

دورویان می‌کوشند خدا را بفریبند، و اوست که آنان را می‌فریبد.

إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمْ

و چون برای تماس برمی‌خیزند، با تنبلی برمی‌خیزند، در برابر مردم خودنمایی می‌کنند، و خدا را جز اندک به یاد نمی‌آورند، میان این دو سرگردان، نه به این سو و نه به آن سو.[142]

وَإِذَا قَامُوٓا۟ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُوا۟ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا [142] مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَٰلِكَ لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ

و هر که را خدا گمراه کند، برای او هیچ راهی نخواهی یافت.[143]

وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا [143]

ای باورآوردگان! انکارکنندگان را غیر از باورمندان متحد مگیرید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ

آیا می‌خواهید برای خدا بر ضد خودتان اقتداری آشکار قرار دهید؟[144]

أَتُرِيدُونَ أَن تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا [144]

دورویان همانا در پایین‌ترین طبقهٔ آتش‌اند، و هرگز برای آنان یاری نخواهی یافت —[145]

إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِي ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمۡ نَصِيرًا [145]

مگر کسانی که بازگردند، خود را سامان دهند، به خدا چنگ زنند، و قانون خود را یکسره برای خدا کنند: اینان با باورمندان‌اند،

إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَٱعۡتَصَمُواْ بِٱللَّهِ وَأَخۡلَصُواْ دِينَهُمۡ لِلَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ

و خدا به‌زودی به باورمندان پاداشی سترگ خواهد داد.[146]

وَسَوۡفَ يُؤۡتِ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا [146]

خدا با کیفر شما چه می‌کرد، اگر سپاس‌گزار و باورمند باشید؟

مَّا يَفۡعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمۡ إِن شَكَرۡتُمۡ وَءَامَنتُمۡۚ

خدا سپاس‌گزار و همه‌چیزدان است.[147]

وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمٗا [147]

خدا دوست ندارد که بدی آشکارا گفته شود، مگر از جانب کسی که ستم دیده است.

لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلۡجَهۡرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ إِلَّا مَن ظُلِمَۚ

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[148]

وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا [148]

چه نیکی را آشکار کنید، چه آن را پنهان دارید، چه از بدی‌ای چشم بپوشید، خدا همانا بسیار چشم‌پوش و توانا است.[149]

إِن تُبْدُواْ خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُواْ عَن سُوٓءٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا [149]

کسانی که خدا و فرستادگان او را انکار می‌کنند و می‌خواهند میان خدا و فرستادگانش جدایی افکنند، و می‌گویند: «به بخشی باور داریم و بخشی را انکار می‌کنیم»، و می‌خواهند میان این دو راهی بگشایند — اینان انکارکنندگان حقیقی‌اند.[150]

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُواْ بَيْنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُواْ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا [150] أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَٰفِرُونَ حَقًّا

و برای انکارکنندگان کیفری خوارکننده آماده کرده‌ایم.[151]

وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا [151]

و کسانی که به خدا و فرستادگان او باور آوردند و میان هیچ‌یک از آنان فرقی نگذاشتند، به‌زودی پاداش‌هایشان را به آنان خواهد داد.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَمْ يُفَرِّقُواْ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُوْلَٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[152]

وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا [152]

دارندگان نوشتار از تو می‌خواهند که نوشتاری از آسمان بر آنان فرود آوری.

يَسْـَٔلُكَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَٰبًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ

آنان پیش‌تر از موسی بزرگ‌تر از این خواستند، گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان بده»؛ پس صاعقه آنان را به سبب ستم‌شان گرفت.

فَقَدْ سَأَلُواْ مُوسَىٰٓ أَكْبَرَ مِن ذَٰلِكَ فَقَالُوٓاْ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ

سپس پس از آنکه دلایل روشن به آنان رسید، گوساله را گرفتند؛ اما ما از آن چشم پوشیدیم،

ثُمَّ ٱتَّخَذُواْ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَٰلِكَ

و به موسی اقتداری آشکار دادیم.[153]

وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا [153]

و کوه را بالای سرشان برافراشتیم، به سبب پیمان استوارشان،

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمْ

و به آنان گفتیم: «از در درآیید، پیشانی بر خاک نهاده»،

وَقُلْنَا لَهُمُ ٱدْخُلُواْ ٱلْبَابَ سُجَّدًا

و به آنان گفتیم: «دربارهٔ آسایش از حدود نگذرید»،

وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُواْ فِى ٱلسَّبْتِ

و از آنان پیمانی استوار و محکم گرفتیم.[154]

وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا [154]

به سبب شکستن پیمان استوارشان، انکار نشانه‌های خدا، کشتن اطلاع‌دهندگان بی‌حق، و گفتن: «هسته‌های ما در پوشش است» — نه، این خدا است که بر هسته‌هایشان به سبب انکارشان مهر نهاده است، چندان که جز اندک باور نمی‌آورند — و به سبب انکارشان، و نسبت دادن بهتانی سترگ به مریم، و به سبب گفتنشان: «ما همانا مسیح، عیسی پسر مریم، فرستادهٔ خدا را کشتیم»،[155-156]

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ بَلْ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا [155] وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَٰنًا عَظِيمًا [156] وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا ٱلْمَسِيحَ عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ

حال آنکه او را نکشتند و بر تیر استوار نکردند، بلکه به آنان شبیه‌نمایی شد.

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ

و کسانی که دربارهٔ او اختلاف دارند بی‌گمان در این باره در سرگردانی‌اند.

وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُواْ فِيهِ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ

آنان از آن هیچ دانشی ندارند،

مَا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ

مگر پیروی از گمان.

إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّ

و حتماً او را نکشتند.[157]

وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينَۢا [157]

بلکه خدا او را به سوی خود برافراشت.

بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيْهِ

خدا نیرومند و فرزانه است.[158]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا [158]

و هیچ‌کس از دارندگان نوشتار نیست مگر آنکه بی‌گمان پیش از مرگ خود به او باور آورد؛ و در روز حضور بر آنان گواه خواهد بود.[159]

وَإِن مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِۦ قَبْلَ مَوْتِهِۦ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا [159]

به سبب ستم بازگرایان، چیزهای نیکی را که برای‌شان روا شده بود بر آنان ممنوع کردیم، و به سبب بسیار بازداشتن از راه خدا، و به سبب بهره‌خواری کردن، حال آنکه از آن بازداشته شده بودند، و خوردن دارایی‌های مردم به باطل.[160]

فَبِظُلْمٍ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرًا [160]
وَأَخْذِهِمُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَقَدْ نُهُوا۟ عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَٰطِلِ

و برای انکارکنندگان از میان آنان کیفری دردناک آماده کرده‌ایم.[161]

وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا [161]

اما ریشه‌دوانیدگان در دانش از میان آنان، و باورمندان، به آنچه بر تو فرود آورده شد و آنچه پیش از تو فرود آورده شد باور دارند، و نیز پابرجا نگه‌دارندگان تماس،

لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلْعِلْمِ مِنْهُمْ وَٱلْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ

و دهندگان گشاده‌دستی ناب، و باورآورندگان به خدا و روز واپسین — اینان‌اند که به‌زودی پاداشی سترگ به آنان خواهیم داد.[162]

وَٱلْمُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ أُوْلَٰٓئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا [162]

ما همانا به تو پرده برداشتیم، چنان‌که به نوح و اطلاع‌دهندگان پس از او پرده برداشتیم،

إِنَّآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ كَمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰ نُوحٍ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعْدِهِۦ

و به ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، تبارها، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان پرده برداشتیم؛

وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيْمَٰنَ

و به داوود یک فرم دادیم.[163]

وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا [163]

و فرستادگانی که پیش‌تر داستان‌شان را برایت روایت کردیم، و فرستادگانی که داستان‌شان را برایت روایت نکردیم؛

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَٰهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ

و خدا با موسی سخنی گفت.[164]

وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا [164]

فرستادگانی مژده‌دهنده و هشداردهنده، تا مردم پس از فرستادگان دیگر هیچ استدلالی بر خدا نداشته باشند.

رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةٌۢ بَعْدَ ٱلرُّسُلِ

خدا نیرومند و فرزانه است.[165]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا [165]

اما خدا بر آنچه به سوی تو فرود آورده است گواهی می‌دهد؛

لَّٰكِنِ ٱللَّهُ يَشْهَدُ بِمَآ أَنزَلَ إِلَيْكَ

آن را با دانش خود فرود آورده است، و کارگزاران نیز گواهی می‌دهند.

أَنزَلَهُۥ بِعِلْمِهِۦ ۖ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَشْهَدُونَ

و خدا به‌عنوان گواه بس است.[166]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا [166]

کسانی که انکار کردند و از راه خدا بازداشتند همانا به گمراهی‌ای دور گمراه شده‌اند.[167]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ قَدْ ضَلُّوا۟ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا [167]

همانا کسانی که انکار کردند و ستم کردند — خدا را نشاید که آنان را ببخشاید و نه به آنان مسیری بنماید، مگر مسیر جهنم، که جاودانه در آن می‌مانند، همیشه.[168]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَظَلَمُوا۟ لَمْ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا [168] إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا

و این برای خدا کاری آسان است.[169]

وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا [169]

ای انسان‌ها! فرستاده با حقیقت از جانب سرپرست شما به سوی شما آمده است؛ پس باور آورید، برای شما بهتر است.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَـَٔامِنُوا۟ خَيْرًا لَّكُمْ

و اگر انکار کنید، همانا آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ خدا است.

وَإِن تَكْفُرُوا۟ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

خدا همه‌چیزدان و فرزانه است.[170]

وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [170]

ای دارندگان نوشتار! در قانون خود زیاده‌روی مکنید، و دربارهٔ خدا جز حقیقت مگویید.

يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُوا۟ فِى دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ

مسیح، عیسی پسر مریم، جز فرستادهٔ خدا و کلمهٔ او نیست،

إِنَّمَا ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥٓ

که آن را به مریم خطاب کرد، و جریانی از جانب او.

أَلْقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ

پس به خدا و فرستادگانش باور آورید،

فَـَٔامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ

و نگویید: «سه».

وَلَا تَقُولُوا۟ ثَلَٰثَةٌ

دست بکشید: برای شما بهتر است.

ٱنتَهُوا۟ خَيْرًا لَّكُمْ

خدا جز ایزدی یگانه نیست.

إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

شکوه بر او باد! او از داشتن فرزند برتر است.

سُبْحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٌ

آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ او است.

لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و خدا به‌عنوان وکیل بس است.[171]

وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا [171]

مسیح هرگز از فرمان‌بردار خدا بودن ننگ نخواهد داشت، و نه کارگزاران نزدیک‌شده.

لَّن يَسْتَنكِفَ ٱلْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ ٱلْمُقَرَّبُونَ

و هر که از فرمان بردن او ننگ دارد و خودبزرگ‌بینی کند، به‌زودی همه را نزد خود گرد خواهد آورد.[172]

وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا [172]

اما کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند، پاداش‌هایشان را به‌تمامی به آنان خواهد داد، و از لطف خود بیشتر به آنان خواهد داد؛

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِۦ

و اما کسانی که ننگ داشتند و خودبزرگ‌بینی کردند، آنان را به کیفری دردناک کیفر خواهد داد، و غیر از خدا نه متحدی خواهند یافت و نه یاری.[173]

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسْتَنكَفُواْ وَٱسْتَكْبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا [173]

ای انسان‌ها! برهانی از سرپرست شما به سوی شما آمده است، و ما نوری آشکار به سوی شما فرود آوردیم.[174]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَكُم بُرْهَٰنٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا [174]

اما کسانی که به خدا باور آوردند و بدو چنگ زدند، به‌زودی آنان را در مهری از جانب خود و لطفی در خواهد آورد، و آنان را از جادهٔ راست به سوی خود راه خواهد نمود.[175]

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعْتَصَمُواْ بِهِۦ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِى رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا [175]

از تو نظر می‌خواهند.

يَسْتَفْتُونَكَ

بگو: «خدا دربارهٔ کسی که ارثش بی‌حضور هر بالادست و پایین‌دستی منتقل می‌شود به شما نظر می‌دهد.

قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِي ٱلۡكَلَٰلَةِ

اگر مردی بی‌فرزند بمیرد، اما خواهری داشته باشد، نیمی از آنچه بر جا می‌گذارد از آنِ او است؛

إِنِ ٱمۡرُؤٌاْ هَلَكَ لَيۡسَ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَهُۥٓ أُخۡتٞ فَلَهَا نِصۡفُ مَا تَرَكَ

و او از وی ارث می‌برد، اگر فرزندی نداشته باشد.

وَهُوَ يَرِثُهَآ إِن لَّمۡ يَكُن لَّهَا وَلَدٞ

اما اگر دو تن باشند، آنگاه دو سوم از آنچه بر جا می‌گذارد از آنِ آنان است؛

فَإِن كَانَتَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ

و اگر چند تن باشند، برادران و خواهران، آنگاه برای نر، هم‌ارزِ سهم دو ماده.

وَإِن كَانُوٓاْ إِخۡوَةٗ رِّجَالٗا وَنِسَآءٗ فَلِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ

خدا این را برای شما روشن می‌کند، تا گمراه نشوید؛

يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ أَن تَضِلُّواْ

و خدا بر هر چیز همه‌چیزدان است.»[176]

وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ[176]

# ال عمران • AL-IMRAN

سوره 3 · 200 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓ (الف لام میم).[1]

الٓمٓ [1]

خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او،

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

زنده، آن که به خودِ خود پابرجا است. او نوشتار را به حقیقت بر تو فرود آورد، تأییدکنندهٔ آنچه پیش از آن است،[2]

ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ [2] نَزَّلَ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

و پیش‌تر تورات و انجیل را فرود آورد، راهنمایی برای انسان‌ها، و بازشناسی را فرود آورد.[3]

وَأَنزَلَ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ [3] مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلْفُرْقَانَ

همانا کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کرده‌اند کیفری سخت خواهند داشت.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

خدا نیرومند است، دارندهٔ انتقام.[4]

وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ [4]

همانا هیچ‌چیز از خدا پنهان نیست، نه بر زمین و نه در آسمان.[5]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَىْءٌ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ [5]

اوست که شما را در زهدان‌ها چنان‌که او را پسند افتد شکل می‌دهد.

هُوَ ٱلَّذِى يُصَوِّرُكُمْ فِى ٱلْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ

هیچ ایزدی نیست مگر او،

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

نیرومند، فرزانه.[6]

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [6]

اوست که نوشتار را بر تو فرود آورد؛

هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ مِنْهُ

در آن نشانه‌های یک‌معنایی هست، که بنیاد نوشتارند، و دیگرانی که در معرض شباهت‌اند.

ءَايَٰتٌ مُّحْكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلْكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٌ

اما کسانی که هسته‌هایشان انحرافی دارد، از آنچه در نوشتار در معرض شباهت است پیروی می‌کنند، در جست‌وجوی آزمون و در جست‌وجوی تعبیر آن؛

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنْهُ ٱبْتِغَآءَ ٱلْفِتْنَةِ وَٱبْتِغَآءَ تَأْوِيلِهِۦ

حال آنکه هیچ‌کس تعبیر آن را نمی‌داند، مگر خدا.

وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُ

و کسانی که در دانش ریشه دوانده‌اند می‌گویند: «به آن باور داریم؛ همه از سوی سرپرست ما است»؛

وَٱلرَّٰسِخُونَ فِى ٱلْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا

و فقط دارندگان هوش به یاد می‌آورند.[7]

وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ [7]

«سرپرست ما، هسته‌های ما را پس از آنکه ما را راه نمودی منحرف مساز، و از سوی خود به ما مهری عطا کن؛

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً

زیرا این تویی، عطاکننده.[8]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ [8]

سرپرست ما، تو آن‌ای که انسان‌ها را برای روزی که هیچ تردیدی در آن نیست فراهم می‌آوری،

رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ

زیرا خدا در وعدهٔ خود کوتاهی نمی‌کند.»[9]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ [9]

همانا کسانی که انکار می‌کنند، نه دارایی‌هایشان و نه فرزندانشان در برابر خدا هیچ سودی به آنان نخواهد رساند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا

و اینان‌اند سوخت آتش، به شیوهٔ رفتار دودمان فرعون،[10]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمْ وَقُودُ ٱلنَّارِ [10] كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ

و کسانی که پیش از آنان بودند، که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند؛ آنگاه خدا آنان را برای تقصیرهایشان گرفت.

وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

خدا در تنبیه سخت است.[11]

وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [11]

به کسانی که انکار می‌کنند بگو: «شکست داده خواهید شد، و به سوی جهنم گرد آورده خواهید شد.»

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

و چه زشت بستری![12]

وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ [12]

در این دو دسته که رو در رو شدند برای شما نشانه‌ای بود:

قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِى فِئَتَيْنِ ٱلْتَقَتَا

یکی در راه خدا می‌جنگید، و دیگری انکار می‌کرد؛ آنان را با چشم برهنه دو برابر آنچه بودند می‌دیدید. (143)

فِئَةٌ تُقَٰتِلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْىَ ٱلْعَيْنِ (143)

خدا هر که را او را پسند افتد با یاری خود توان می‌بخشد.

وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِۦ مَن يَشَآءُ

در آن بی‌گمان درسی برای دارندگان بینایی‌ها است.[13]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُوْلِى ٱلْأَبْصَٰرِ [13]

دوستیِ خواهش‌ها برای انسان‌ها آراسته شده است: زنان، پسران، قنطارهای انباشته از زر و سیم، اسبان نشان‌دار، دام و شخم‌زار.

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلْبَنِينَ وَٱلْقَنَٰطِيرِ ٱلْمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلْفِضَّةِ وَٱلْخَيْلِ ٱلْمُسَوَّمَةِ وَٱلْأَنْعَٰمِ وَٱلْحَرْثِ

اینها کامیابی زندگی نزدیک است؛

ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

حال آنکه نزد خدا است جایگاه زیبای بازگشت.[14]

وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسْنُ ٱلْمَـَٔابِ [14]

بگو: «آیا شما را از چیزی بهتر از آن اطلاع خواهم داد؟

قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَٰلِكُمْ

برای محتاطان، نزد سرپرست‌شان، باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند، همسرانی پاک‌شده، و خشنودیِ خدا.»

لِلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ

خدا بر فرمان‌برداران خود بینا است،[15]

وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ [15]

آنان که می‌گویند: «سرپرست ما، ما همانا باور آوردیم؛ پس تقصیرهای ما را ببخشای، و ما را از کیفر آتش محتاط ساز»،[16]

ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ [16]

شکیبایان، راست‌گویان، وقف‌شدگان، هزینه‌کنندگان، و آنان که در واپسین ساعت‌های شب بخشایش می‌خواهند.[17]

ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْمُنفِقِينَ وَٱلْمُسْتَغْفِرِينَ بِٱلْأَسْحَارِ [17]

خدا گواهی می‌دهد، و نیز کارگزاران و دارندگان دانش، که هیچ ایزدی نیست مگر او، پابرجا نگه‌دارندهٔ برابری.

شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَأُو۟لُوا۟ ٱلْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِٱلْقِسْطِ

هیچ ایزدی نیست مگر او،

لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

نیرومند، فرزانه.[18]

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [18]

قانون نزد خدا همانا بی‌خدشه بودن نزد او است.

إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلْإِسْلَٰمُ

و کسانی که نوشتار به آنان داده شد فقط پس از آنکه دانش برایشان آمد اختلاف کردند،

وَمَا ٱخْتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ

از روی زورگویی میان خودشان.
بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ

و هر که نشانه‌های خدا را انکار کند — خدا همانا در حساب شتابنده است.[19]
وَمَن يَكْفُرْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [19]

اگر با تو ستیزه کنند، آنگاه بگو: «من سوی خود را نزد خدا بی‌خدشه می‌کنم، و کسانی که از من پیروی کرده‌اند.»
فَإِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِىَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِ

و به کسانی که نوشتار به آنان داده شده است، و به کسانی که پیش‌تر نوشته‌ای نداشتند، بگو: «آیا نزد خدا بی‌خدشه شده‌اید؟»
وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْأُمِّيِّـۧنَ ءَأَسْلَمْتُمْ

اگر چنین شوند، آنگاه راهنمایی می‌پذیرند؛
فَإِنْ أَسْلَمُواْ فَقَدِ ٱهْتَدَواْ

و اگر پشت کنند، فقط رساندن بر عهدهٔ تو است.
وَّإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَٰغُ

خدا بر فرمان‌برداران خود بینا است.[20]
وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ [20]

همانا کسانی که نشانه‌های خدا را انکار می‌کنند، اطلاع‌دهندگان را بدون حق می‌کشند، و کسانی را که از میان انسان‌ها برابری را دستور می‌دهند می‌کشند — به آنان کیفری دردناک را مژده بده.[21]
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِٱلْقِسْطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ [21]

اینان‌اند که کردارهایشان فروریخته است، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین،

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ

و هیچ یاری‌ای نخواهند داشت.[22]

وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ [22]

آیا ندیده‌ای کسانی را که قسمتی از نوشتار به آنان داده شد، به سوی نوشتار خدا فراخوانده شدند تا میان آنان داوری کند، سپس گروهی از آنان پشت می‌کند، در حالی که طفره می‌رود؟[23]

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ نَصِيبًا مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ [23]

این از آن است که گفتند: «آتش فقط برای روزهایی شمرده‌شده ما را لمس خواهد کرد»؛ و آنچه می‌ساختند آنان را در قانونشان فریب داد.[24]

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ وَغَرَّهُمْ فِى دِينِهِم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ [24]

پس چگونه خواهد بود، آنگاه که آنان را برای روزی که هیچ تردیدی در آن نیست فراهم آوریم، و هر خویشتنی آنچه را به دست آورده است به‌تمامی دریافت کرده باشد، بی‌آنکه ستم ببیند؟[25]

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَٰهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [25]

بگو: «ای خدا، شهریار پادشاهی! پادشاهی را به هر که تو را پسند افتد می‌دهی، و پادشاهی را از هر که تو را پسند افتد می‌ربایی؛ هر که تو را پسند افتد نیرومند می‌کنی، و هر که تو را پسند افتد زبون می‌کنی؛ نیکی در دست تو است؛

قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلْمُلْكِ تُؤْتِى ٱلْمُلْكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلْمُلْكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُ بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ

زیرا تو بر هر چیز توانایی.[26]

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [26]

شب را در روز وارد می‌کنی، و روز را در شب وارد می‌کنی؛ زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده بیرون می‌آوری؛ و هر که تو را پسند افتد روزی می‌دهی، بی‌شمار.»[27]

تُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ وَتُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ [27]

باورمندان انکارکنندگان را، غیر از باورمندان، متحد نگیرند؛

لَّا يَتَّخِذِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ

و هر که چنین کند دیگر هیچ ربطی با خدا ندارد — مگر آنکه از آنان از روی پیشگیری محتاط باشید.

وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ ٱللَّهِ فِى شَىْءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُوا۟ مِنْهُمْ تُقَىٰةً

و خدا شما را در برابر خودِ خود هشیار می‌سازد،

وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفْسَهُۥ

و مقصد به سوی خدا است.[28]

وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ [28]

بگو: «چه آنچه را در سینه‌های شما است پنهان کنید، چه آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند.

قُلْ إِن تُخْفُوا۟ مَا فِى صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ

و او آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را بر زمین است می‌داند.

وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و خدا بر هر چیز توانا است.»[29]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [29]

روزی که هر خویشتنی آنچه را از نیکی کرده است حاضر خواهد یافت،

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا

و آنچه را از بدی کرده است، می‌خواهد که میان آن و او فاصله‌ای دور باشد.

وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوٓءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُۥٓ أَمَدًۢا بَعِيدًا

و خدا شما را در برابر خودِ خود هشیار می‌سازد.

وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفْسَهُۥ

خدا نسبت به فرمان‌برداران خود سرشار از نیکی است.[30]

وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ [30]

بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید: خدا شما را دوست خواهد داشت و تقصیرهای شما را خواهد بخشود.

قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.»[31]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [31]

بگو: «خدا و فرستاده را گردن نهید»؛

قُلْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ

و اگر پشت کنند، خدا همانا انکارکنندگان را دوست نمی‌دارد.[32]

فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْكَٰفِرِينَ [32]

خدا آدم، نوح، دودمان ابراهیم و دودمان عمران را بر همهٔ هستی‌ها برگزید، نسلی از یکدیگر.[33]

إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحًا وَءَالَ إِبْرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمْرَٰنَ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ [33] ذُرِّيَّةًۢ بَعْضُهَا مِنۢ بَعْضٍ

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[34]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [34]

چون زن عمران گفت: «سرپرست من، آنچه را در شکم من است برایت نذر می‌کنم، آزاده‌شده از هر چیز؛ پس آن را از من بپذیر؛

إِذْ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّىٓ

زیرا این تویی، شنوا، همه‌چیزدان.»[35]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [35]

سپس چون او را زایید، گفت: «سرپرست من، من او را همانا دختری زاییدم» — با این همه خدا آنچه را زاییده بود بهتر می‌دانست —

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ

«و نر مانند ماده نیست؛

وَلَيْسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلْأُنثَىٰ

من ویژگی او را مریم قرار دادم،

وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ

و او و نسلش را در پناه تو می‌گذارم، در برابر منحرف‌کنندهٔ رانده‌شده.»[36]

وَإِنِّىٓ أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ [36]

سرپرستش او را با پذیرشی زیبا پذیرفت، و او را با رشدی زیبا رویاند،

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا

و نگهداری او را به زکریا سپرد.

وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا

هرگاه زکریا در نیایشگاه نزد او درمی‌آمد، نزد او روزی‌ای می‌یافت.

كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا ٱلْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا

گفت: «ای مریم! این از کجا برای تو آمده است؟»

قَالَ يَٰمَرۡيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا

گفت: «این از سوی خدا است.

قَالَتۡ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ

خدا هر که را او را پسند افتد روزی می‌دهد، بی‌شمار.»[37]

إِنَّ ٱللَّهَ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ [37]

همان‌جا، زکریا سرپرست خود را خواند.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥ

گفت: «سرپرست من، از سوی خود به من نسلی نیک عطا کن؛ زیرا تو آن که درخواست را می‌شنوی.»[38]

قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ [38]

کارگزاران او را ندا دادند، در حالی که در نیایشگاه تماس را برقرار می‌کرد: «خدا تو را به یحیی مژده می‌دهد، تأییدکنندهٔ کلمه‌ای از سوی خدا، سالار، مردی با بازداری کامل، و اطلاع‌دهنده‌ای، از شمار کسانی که شایسته‌اند.»[39]

فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [39]

گفت: «سرپرست من، چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که پیری مرا دریافته است، و همسرم نازا است؟»

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَقَدۡ بَلَغَنِيَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِي عَاقِرٞ

گفت: «چنین است:

قَالَ كَذَٰلِكَ

خدا آنچه را او را پسند افتد می‌کند.»[40]

ٱللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ [40]

گفت: «سرپرست من، برای من نشانه‌ای قرار ده.»

قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةً

گفت: «نشانهٔ تو آن خواهد بود که با انسان‌ها فقط با اشاره سخن خواهی گفت، سه روز.

قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا

و سرپرست خود را بسیار به یاد آور، و شامگاه و بامداد شکوه او را بسرای.»[41]

وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِبْكَٰرِ [41]

و چون کارگزاران گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزید، پاک کرد، و تو را بر زنان همهٔ هستی‌ها برگزید.[42]

وَإِذْ قَالَتِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصْطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلْعَٰلَمِينَ [42]

ای مریم! نزد سرپرست خود وقف‌شده باش، پیشانی بر خاک بنه، و با زانوزنندگان زانو بزن.»[43]

يَٰمَرْيَمُ ٱقْنُتِى لِرَبِّكِ وَٱسْجُدِى وَٱرْكَعِى مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ [43]

این از اطلاعات دربارهٔ آنچه فراتر از حواس است می‌باشد، که ما بر تو پرده برمی‌داریم.

ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ

تو نزد آنان نبودی آنگاه که نی‌های خود را می‌افکندند: کدام‌یک از آنان نگهداری مریم را بر عهده می‌گرفت،

وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَٰمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ

و نزد آنان نبودی آنگاه که جدال می‌کردند. چون کارگزاران گفتند: «ای مریم! خدا تو را به کلمه‌ای از سوی خود مژده می‌دهد،[44]

وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ [44] إِذْ قَالَتِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ

که ویژگی او مسیح، عیسی پسر مریم خواهد بود، دارای آبروی بلند در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین، و از شمار نزدیک‌شدگان.[45]

ٱسْمُهُ ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْآخِرَةِ وَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ [45]

و در گهواره و در میان‌سالی با انسان‌ها سخن خواهد گفت،

وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا

و از شمار کسانی خواهد بود که شایسته‌اند.»[46]

وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [46]

گفت: «سرپرست من، چگونه فرزندی خواهم داشت، در حالی که هیچ آدمی مرا لمس نکرده است؟»

قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ

گفت: «چنین است:

قَالَ كَذَٰلِكِ

خدا آنچه را او را پسند افتد می‌آفریند.

ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ

چون چیزی را مقرر می‌کند، فقط به آن می‌گوید: «باش»،

إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن

و آن هست.»[47]

فَيَكُونُ [47]

«و ضابطه، فرزانگی، تورات و انجیل را به او خواهد آموخت، و فرستاده‌ای به فرزندان اسرائیل: برای شما نشانه‌ای از سرپرست‌تان می‌آورم:[48]

وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ [48] وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُم بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ

از گل، برای شما شکل پرنده‌ای می‌آفرینم، سپس در آن می‌دمم، و آن پرنده‌ای می‌شود، با اجازهٔ خدا.

أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ

و نابینای مادرزاد و جذامی را بهبود می‌بخشم، و مردگان را دوباره زنده می‌کنم، با اجازهٔ خدا.

وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ

و شما را از آنچه می‌خورید و از آنچه در خانه‌هایتان می‌اندوزید اطلاع می‌دهم.

وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمۡ

در آن بی‌گمان نشانه‌ای برای شما است، اگر باورمند باشید.[49]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ [49]

و تأییدکنندهٔ آنچه از تورات پیش از من است، و برای آنکه پاره‌ای از آنچه بر شما ممنوع شده بود را برایتان روا کنم.

وَمُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعۡضَ ٱلَّذِي حُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ

و برای شما نشانه‌ای از سرپرست‌تان می‌آورم؛

وَجِئۡتُكُم بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ

پس در برابر خدا محتاط باشید و برای من گردن‌نهنده باشید،[50]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ [50]

زیرا خدا سرپرست من و سرپرست شما است؛ پس او را فرمان ببرید.

إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُ

این جاده‌ای راست است.»[51]

هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ [51]

چون عیسی از آنان انکار را دریافت، گفت: «یاری‌رسانان من به سوی خدا کیستند؟»

فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ ٱلْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِىٓ إِلَى ٱللَّهِ

شاگردان گفتند: «ما یاری‌رسانان خداییم.

قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ

به خدا باور می‌آوریم، و گواه باش که ما نزد او بی‌خدشه‌ایم.[52]

ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ [52]

سرپرست ما، به آنچه تو فرود آوردی باور آوردیم، و از فرستاده پیروی کردیم؛ پس ما را در شمار گواهان بنویس.»[53]

رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلْتَ وَٱتَّبَعْنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ [53]

و توطئه کردند، و خدا توطئه کرد،

وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُ

و خدا بهترین توطئه‌کنندگان است.[54]

وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ [54]

چون خدا گفت: «ای عیسی! همانا من تو را به‌تمامی نگه خواهم داشت، به سوی خود بالا خواهم برد، و از کسانی که انکار کرده‌اند پاک خواهم کرد،

إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّى مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند بالاتر از کسانی که انکار کرده‌اند خواهم نهاد، تا روز حضور.

وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوْقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ

سپس بازگشت شما به سوی من خواهد بود، و من میان شما دربارهٔ آنچه در آن اختلاف داشتید داوری خواهم کرد.[55]

ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ [55]

اما کسانی که انکار کرده‌اند، آنان را به کیفری سخت کیفر خواهم داد، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین،

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْأَخِرَةِ

و هیچ یاری‌ای نخواهند داشت.[56]

وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ [56]

و اما کسانی که باور آورده‌اند و کردارهای شایسته به‌جا آورده‌اند، پاداش‌های آنان را به‌تمامی خواهد داد.

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ

خدا ستمگران را دوست نمی‌دارد.»[57]

وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ [57]

اینها است آنچه ما از نشانه‌ها و از یادآوری سرشار از فرزانگی بر تو برمی‌خوانیم.[58]

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ ٱلْأَيَٰتِ وَٱلذِّكْرِ ٱلْحَكِيمِ [58]

مثال عیسی، نزد خدا، همانا همانند مثال آدم است:

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ

او را از خاک آفرید، سپس به او گفت: «باش»،

خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن

و او شد.[59]

فَيَكُونُ [59]

حقیقت از سوی سرپرست تو است؛

ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ

پس از شمار کسانی که به بگومگو درمی‌آیند مباش.[60]

فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْمُمْتَرِينَ [60]

به هر که پس از آنکه دانش برای تو آمد دربارهٔ این با تو ستیزه کند، بگو: «بیایید، پسران ما و پسران شما، زنان ما و زنان شما، خودمان و خودتان را فراخوانیم، سپس با اصرار بخواهیم، و نفرین خدا را بر دروغ‌گویان فرا بخوانیم.»[61]

فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا۟ نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ [61]

این بی‌گمان روایت درست است،

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْقَصَصُ ٱلْحَقُّ

و ایزدی نیست مگر خدا.

وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ

و خدا بی‌گمان نیرومند و فرزانه است.[62]

وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [62]

اگر پشت کنند، خدا همانا همه‌چیزدانِ فسادگران است.[63]

فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُفْسِدِينَ [63]

بگو: «ای دارندگان نوشتار! به سخنی برابر میان ما و شما بیایید: که فقط خدا را فرمان ببریم، که چیزی را با او انباز نگیریم، و اینکه هیچ‌یک از ما دیگران را، غیر از خدا، سرور نگیرد.»

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ

اگر پشت کنند، آنگاه بگویید: «گواه باشید که ما نزد خدا بی‌خدشه‌ایم.»[64]

فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ ٱشْهَدُوا۟ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ [64]

ای دارندگان نوشتار! چرا دربارهٔ ابراهیم ستیزه می‌کنید،

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ

در حالی که تورات و انجیل فقط پس از او فرود آورده شد؟

وَمَآ أُنزِلَتِ ٱلتَّوۡرَىٰةُ وَٱلۡإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِهِۦٓ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[65]

أَفَلَا تَعۡقِلُونَ [65]

شما اینک دربارهٔ آنچه اندکی از آن دانش دارید ستیزه می‌کنید؛ اما چرا دربارهٔ آنچه هیچ دانشی از آن ندارید ستیزه می‌کنید؟

هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجۡتُمۡ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ

خدا می‌داند،

وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ

و شما نمی‌دانید.[66]

وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ [66]

ابراهیم نه بازگرا بود و نه یاری‌رسان، اما یکسره رو به خدا بود، نزد او بی‌خدشه،

مَا كَانَ إِبۡرَٰهِيمُ يَهُودِيّٗا وَلَا نَصۡرَانِيّٗا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفٗا مُّسۡلِمٗا

و او از شمار انبازگیرندگان نبود.[67]

وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ [67]

نزدیک‌ترین انسان‌ها به ابراهیم بی‌گمان کسانی‌اند که از او پیروی کردند، و نیز این اطلاع‌دهنده و کسانی که باور آورده‌اند.

إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

خدا متحد باورمندان است.[68]

وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلْمُؤْمِنِينَ [68]

گروهی از دارندگان نوشتار می‌خواستند شما را گمراه کنند؛

وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ

اما فقط خودشان را گمراه می‌کنند، بی‌آنکه حس کنند.[69]

وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ [69]

ای دارندگان نوشتار! چرا نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید، در حالی که خود بر آن‌ها گواهید؟[70]

يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ [70]

ای دارندگان نوشتار! چرا حقیقت را در جامهٔ ناراستی می‌پوشانید، و حقیقت را کتمان می‌کنید، در حالی که می‌دانید؟[71]

يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَلْبِسُونَ ٱلْحَقَّ بِٱلْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ [71]

و گروهی از دارندگان نوشتار گفت: «به آنچه بر کسانی که باور آورده‌اند فرود آورده شده است، در آغاز روز باور آورید، و در پایان آن انکارش کنید، شاید بازگردند.»[72]

وَقَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ ءَامِنُواْ بِٱلَّذِىٓ أُنزِلَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَجْهَ ٱلنَّهَارِ وَٱكْفُرُوٓاْ ءَاخِرَهُۥ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ [72]

«و فقط به کسی که از قانون شما پیروی می‌کند اعتماد کنید.»

وَلَا تُؤْمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ

بگو: «راهنمایی همانا راهنمایی خدا است» — مبادا به کسی همانند آنچه به شما داده شده است داده شود، یا نزد سرپرستتان با شما ستیزه کنند.

قُلْ إِنَّ ٱلْهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤْتَىٰٓ أَحَدٌ مِّثْلَ مَآ أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَآجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ

بگو: «لطف در دست خدا است،

قُلْ إِنَّ ٱلْفَضْلَ بِيَدِ ٱللَّهِ

آن را به هر که او را پسند افتد می‌دهد.

يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ

خدا گسترده و همه‌چیزدان است.»[73]

وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ [73]

مهر خود را به هر که او را پسند افتد اختصاص می‌دهد.

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ

و خدا دارندهٔ لطفِ سترگ است.[74]

وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ [74]

و از میان دارندگان نوشتار کسانی هستند که اگر قنطاری به آنان بسپاری، آن را به تو پس می‌دهند؛

وَمِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ

و کسانی هستند که اگر دیناری به آنان بسپاری، آن را فقط تا زمانی به تو پس می‌دهند که پای مطالبهٔ آن از ایشان بایستی.

وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا

این از آن است که می‌گویند: «ما نسبت به کسانی که پیش‌تر نوشته‌ای نداشتند هیچ تعهدی نداریم»،

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَيْسَ عَلَيْنَا فِى ٱلْأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٌ

و بر خدا دروغ می‌گویند، در حالی که می‌دانند.[75]

وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [75]

چرا: هر که به پیمان خود وفادار باشد و محتاط باشد — خدا همانا محتاطان را دوست می‌دارد.[76]

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ [76]

همانا کسانی که به پیمان خدا و سوگندهای خود بهایی ناچیز می‌خرند — اینان‌اند که در زندگی واپسین هیچ سهمی نخواهند داشت؛ خدا با آنان سخن نخواهد گفت، در روز حضور به آنان نخواهد نگریست، و آنان را پاک نخواهد کرد.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَأَيْمَٰنِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[77]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [77]

و از میان آنان بی‌گمان گروهی است که زبان‌های خود را با نوشتار می‌پیچاند، تا آن را گزیده‌ای از نوشتار بپندارید، در حالی که از آن نیست،

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُۥنَ أَلْسِنَتَهُم بِٱلْكِتَٰبِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ

و می‌گویند: «این از سوی خدا است»،

وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ

در حالی که از سوی خدا نیست،

وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ

و بر خدا دروغ می‌گویند، در حالی که می‌دانند.[78]

وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [78]

هیچ آدمی را که خدا به او نوشتار، داوری و اطلاع‌دهی داده است نشاید که سپس به انسان‌ها بگوید: «برای من فرمان‌بردار باشید، غیر از خدا»؛ اما بلکه: «سروران معنوی باشید، به‌سبب آنچه از نوشتار می‌آموزید و آنچه مطالعه می‌کنید.»[79]

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا۟ عِبَادًا لِّى مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُوا۟ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ ٱلْكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ [79]

و او به شما دستور نمی‌داد که کارگزاران و اطلاع‌دهندگان را سرور بگیرید.

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا۟ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرْبَابًا

آیا به شما انکار را دستور می‌داد، پس از آنکه نزد خدا بی‌خدشه شده‌اید؟[80]

أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ [80]

و چون خدا پیمان استوار اطلاع‌دهندگان را گرفت: «آنچه از نوشتار و فرزانگی به شما داده‌ام، سپس فرستاده‌ای نزد شما بیاید، تأییدکنندهٔ آنچه با شما است، بی‌گمان باید به او باور آورید، و بی‌گمان باید او را یاری رسانید.»

وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥ

گفت: «آیا رضایت دادید و یوغ مرا بر این شرط بر خود گرفتید؟»

قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِي

گفتند: «رضایت دادیم.»

قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَا

گفت: «پس بر آن گواه باشید، و من با شما از شمار گواهانم.»[81]

قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ [81]

هر که پس از این پشت کند — اینان‌اند تجاوزگران.[82]

فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ [82]

آیا پس قانونی غیر از قانون خدا می‌جویند، در حالی که هر که در آسمان‌ها و بر زمین است، با رضایت یا به اجبار، نزد او بی‌خدشه می‌شود،

أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا

و اینکه به سوی او بازگردانده خواهند شد؟[83]

وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ [83]

بگو: «به خدا باور می‌آوریم، و به آنچه بر ما فرود آورده شده است، و به آنچه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و تبارها فرود آورده شده است، و به آنچه به موسی، عیسی و اطلاع‌دهندگان از سوی سرپرست‌شان داده شده است؛ میان آنان هیچ تمایزی نمی‌نهیم، و نزد او بی‌خدشه‌ایم.»[84]

قُلْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ [84]

و هر که قانونی غیر از بی‌خدشه بودن نزد خدا بجوید، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد،

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ ٱلْإِسْلَٰمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ

و در زندگی واپسین از شمار زیان‌کاران خواهد بود.[85]

وَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [85]

چگونه خدا قومی را راه می‌نمود که پس از باور آوردن انکار کردند، و پس از آنکه گواهی دادند که فرستاده درست است، در حالی که دلایل روشن برایشان آمده بود؟

كَيْفَ يَهْدِى ٱللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا۟ بَعْدَ إِيمَٰنِهِمْ وَشَهِدُوٓا۟ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقٌّ وَجَآءَهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ

و خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[86]

وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ [86]

اینان‌اند که بازپرداخت‌شان آن است که نفرین خدا، کارگزاران، و انسان‌ها، همگی، بر آنان خواهد بود، که در آن جاودانه خواهند ماند؛ کیفر بر آنان سبک‌تر کرده نخواهد شد، و به آنان مهلت داده نخواهد شد — مگر کسانی که پس از این بازمی‌گردند و اصلاح می‌کنند: خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[87-89]

أُو۟لَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ ٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ [87] خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ [88] إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [89]

همانا کسانی که پس از باور آوردن انکار می‌کنند، سپس در انکار می‌افزایند، پشیمانی‌شان هرگز پذیرفته نخواهد شد،

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ

و اینان‌اند گمراه‌شدگان.[90]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ [90]

همانا کسانی که انکار می‌کنند و در حال انکار می‌میرند، از هیچ‌یک از آنان زمین سراسر پر از زر هرگز پذیرفته نخواهد شد، هرچند آن را به‌عنوان فدیه عرضه کرده باشد.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓ

اینان‌اند که کیفری دردناک خواهند داشت،

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ

و هیچ یاری‌ای نخواهند داشت.[91]

وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ [91]

فضیلت فقط اگر از آنچه دوست می‌دارید هزینه کنید به شما خواهد رسید.

لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ

و هر چه هزینه کنید، خدا بر آن همانا همه‌چیزدان است.[92]

وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ [92]

هر خوراکی برای فرزندان اسرائیل روا بود، مگر آنچه اسرائیل بر خود ممنوع کرده بود، پیش از آنکه تورات فرود آورده شود.

كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلّٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوۡرَىٰةُ

بگو: «پس تورات را بیاورید، و آن را برخوانید، اگر راست‌گویید.»[93]

قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [93]

پس هر که پس از این بر خدا دروغ بسازد — اینان‌اند ستمگران.[94]
فَمَنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [94]

بگو: «خدا درست گفته است.
قُلْ صَدَقَ ٱللَّهُ

پس از آموزهٔ ابراهیم پیروی کنید، یکسره رو به خدا،
فَٱتَّبِعُوا۟ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا

و او از شمار انبازگیرندگان نبود.»[95]
وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [95]

نخستین خانه‌ای که برای انسان‌ها نهاده شد بی‌گمان خانهٔ جایگاه ازدحام است، خجسته و راهنمایی برای همهٔ هستی‌ها؛ در آن نشانه‌های روشن است.[96]
إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَٰلَمِينَ [96] فِيهِ ءَايَٰتٌۢ بَيِّنَٰتٌ

ایستگاه ابراهیم،
مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ

و هر که در آن درآید در امنیت است.
وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنًا

و حج خانه بر انسان‌ها وظیفه‌ای نزد خدا است، برای هر که توان پیمودن راه آن را دارد؛
وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

و هر که انکار کند — خدا همانا توانگر است، بی‌آنکه به هیچ‌یک از هستی‌ها وابسته باشد.[97]
وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ [97]

بگو: «ای دارندگان نوشتار! چرا نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید، در حالی که خدا بر آنچه می‌کنید گواه است؟»[98]

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ [98]

بگو: «ای دارندگان نوشتار! چرا راه خدا را بر کسی که باور آورده است بازمی‌دارید، می‌کوشید آن را کج سازید، در حالی که خود بر آن گواهید؟»

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَآءُ

و خدا از آنچه می‌کنید بی‌اعتنا نیست.[99]

وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ [99]

ای کسانی که باور آورده‌اید! اگر گروهی از کسانی که نوشتار به آنان داده شده است را گردن نهید، پس از باورتان شما را به انکاری بازخواهند گرداند.[100]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقًا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ كَٰفِرِينَ [100]

و چگونه انکار می‌کردید، در حالی که نشانه‌های خدا بر شما برخوانده می‌شود، و فرستادهٔ او در میان شما است؟

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُۥ

و هر که به خدا چنگ زند، از پیش به جاده‌ای راست راه نموده شده است.[101]

وَمَن يَعْتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدْ هُدِىَ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [101]

ای کسانی که باور آورده‌اید! در برابر خدا محتاط باشید چنان‌که شایستهٔ احتیاط در برابر او است،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ

و نمیرید مگر آنکه نزد او بی‌خدشه باشید.[102]

وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ [102]

و همگی، به‌استواری، به ریسمان خدا چنگ زنید،

وَٱعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ ٱللَّهِ جَمِيعًا

و چنددسته نشوید.

وَلَا تَفَرَّقُواْ

و دهش خدا را بر خود به یاد آورید، آنگاه که دشمن بودید، و او هسته‌های شما را آشتی داد، چنان‌که به دهش او برادر شدید؛

وَٱذْكُرُواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِۦٓ إِخْوَٰنًا

و بر لبهٔ گودالی از آتش بودید، و او شما را از آن رهانید.

وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا

چنین است که خدا نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد، شاید راهنمایی بپذیرید.[103]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [103]

و باید از میان شما جامعه‌ای برآید که به سوی نیکی فرا می‌خواند، آنچه شناخته‌شده است را دستور می‌دهد، و آنچه مردود است را منع می‌کند.

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى ٱلْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ

و اینان‌اند رستگاران.[104]

وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [104]

و مانند کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد چنددسته شدند و اختلاف کردند.

وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخْتَلَفُواْ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ

و اینان‌اند که کیفری سترگ خواهند داشت، روزی که چهره‌هایی روشن می‌شود و چهره‌هایی تیره می‌شود.[105]

وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ [105] يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ

اما کسانی که چهره‌هایشان تیره شده باشد: «آیا پس از باورتان انکار کردید؟ پس کیفر را بچشید، برای آنکه انکار کرده‌اید.»[106]

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ [106]

و اما کسانی که چهره‌هایشان روشن شده باشد، در مهر خدا خواهند بود،

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِى رَحْمَةِ ٱللَّهِ

که در آن جاودانه خواهند ماند.[107]

هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [107]

اینها نشانه‌های خدا است، که ما به حقیقت بر تو برمی‌خوانیم.

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ

و خدا هیچ ستمی را برای همهٔ هستی‌ها نمی‌خواهد.[108]

وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَٰلَمِينَ [108]

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است،

وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و کارها همگی به سوی خدا بازمی‌گردند.[109]

وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ [109]

شما بهترین جامعه‌ای هستید که برای انسان‌ها بیرون آورده شده است: آنچه شناخته‌شده است را دستور می‌دهید، آنچه مردود است را منع می‌کنید، و به خدا باور دارید.

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ

و اگر دارندگان نوشتار باور آورده بودند، آن برایشان بهتر می‌بود.

وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم

از میان آنان باورمندانی هستند،
مِّنْهُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ

اما بیشتر آنان تجاوزگرانند.[110]
وَأَكْثَرُهُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ [110]

هرگز نخواهند توانست به شما آسیب برسانند،
لَن يَضُرُّوكُمْ

مگر با آزاری.
إِلَّآ أَذًى

و اگر با شما بجنگند، به شما پشت خواهند کرد؛
وَإِن يُقَٰتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ ٱلْأَدْبَارَ

سپس یاری نخواهند شد.[111]
ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ [111]

خواری بر آنان چسبانده شده است، هر جا که غافلگیر شوند،
ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوٓا

مگر آنچه با ریسمانی از خدا و ریسمانی از انسان‌ها باشد؛ آنان خشم خدا را بر خود فرا می‌خوانند،
إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ

و تنگ‌دستی بر آنان چسبانده شده است.
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْمَسْكَنَةُ

این از آن بود که نشانه‌های خدا را انکار می‌کردند، و اطلاع‌دهندگان را بدون حق می‌کشتند.
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ

این برای آن بود که نافرمانی کردند و از حدود فراتر رفتند.[112]

ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعْتَدُونَ [112]

همگی یکسان نیستند:

لَيْسُواْ سَوَآءً

از میان دارندگان نوشتار جامعه‌ای راست است، که نشانه‌های خدا را در ساعت‌های شب برمی‌خواند، در حالی که پیشانی بر خاک می‌نهد.[113]

مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ [113]

به خدا و روز واپسین باور دارند، آنچه شناخته‌شده است را دستور می‌دهند، آنچه مردود است را منع می‌کنند، و به سوی بهترین می‌شتابند.

يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ

و اینان از شمار کسانی‌اند که شایسته‌اند.[114]

وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [114]

و هر نیکی‌ای که بکنند، هرگز برایشان انکار نخواهد شد.

وَمَا يَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ

خدا همه‌چیزدانِ محتاطان است.[115]

وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُتَّقِينَ [115]

همانا کسانی که انکار می‌کنند، نه دارایی‌هایشان و نه فرزندانشان در برابر خدا هیچ سودی به آنان نخواهد رساند،

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغْنِىَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا

و اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[116]

وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [116]

مثالِ آنچه در این زندگی نزدیک هزینه می‌کنند مثالِ بادی یخ‌زده است، که به شخم‌زار قومی که بر خود ستم کرده است می‌رسد، و آن را نابود می‌سازد.

مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُ

و خدا بر آنان ستم نکرده است،

وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ

اما بر خودشان ستم می‌کنند.[117]

وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ [117]

ای کسانی که باور آورده‌اید! محرم رازی غیر از خودیان خود نگیرید: از ایجاد آشفتگی برای شما دست نمی‌کشند، و می‌خواهند که شما در فشار قرار گیرید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ

کینه در دهان‌هایشان آشکار شده است، و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد بسیار سنگین‌تر است.

قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُ

ما نشانه‌ها را برای شما روشن ساخته‌ایم، اگر خرد بورزید.[118]

قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ [118]

شما اینک، که آنان را دوست می‌دارید، در حالی که آنان شما را دوست نمی‌دارند، و شما به نوشتار یکسره باور دارید.

هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ

و چون با شما روبه‌رو می‌شوند، می‌گویند: «باور آوردیم»؛

وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا

اما چون تنها می‌مانند، از غیظ بر شما سر انگشتان را می‌گزند.

وَإِذَا خَلَوْاْ عَضُّواْ عَلَيْكُمُ ٱلْأَنَامِلَ مِنَ ٱلْغَيْظِ

بگو: «از غیظ خود بمیرید.»

قُلْ مُوتُواْ بِغَيْظِكُمْ

خدا همانا بر محتوای سینه‌ها همه‌چیزدان است.[119]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [119]

اگر نیکی‌ای شما را لمس کند، برایشان ناخوشایند است،

إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ

و اگر بدی‌ای به شما رسد، از آن شاد می‌شوند.

وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُواْ بِهَا

اما اگر شکیبایی کنید و محتاط باشید، نیرنگ‌شان هرگز هیچ آسیبی به شما نخواهد رساند،

وَإِن تَصْبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا

زیرا خدا آنچه را می‌کنند کاملاً در بر می‌گیرد.[120]

إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ [120]

و چون بامدادان نزدیکان خود را ترک کردی، تا باورمندان را در جایگاه‌های جنگ بنشانی.

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ ٱلْمُؤْمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلْقِتَالِ

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[121]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [121]

آنگاه که دو گروه از شما نزدیک بود سست شوند، در حالی که خدا متحد هر دوی آنان بود —

إِذْ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَا

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.[122]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ [122]

خدا همانا شما را در بدر یاری رساند، در حالی که خوار گشته بودید.

وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞ

پس در برابر خدا محتاط باشید، شاید سپاس‌گزار باشید.[123]

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ [123]

آنگاه که به باورمندان می‌گفتی: «آیا بس نیست که سرپرست شما شما را با سه هزار کارگزار فرود آورده‌شده نیرو دهد؟»[124]

إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ أَلَن يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ [124]

چرا: اگر شکیبایی کنید و محتاط باشید، و آنان همین دم نزد شما بیایند، سرپرست شما شما را با پنج هزار کارگزار نشان‌دار، به‌گونه‌ای متمایز، نیرو خواهد داد. **(144)**[125]

بَلَىٰٓ إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ [125] **(144)**

و خدا آن را فقط مژده‌ای برای شما ساخت، و تا هسته‌های شما در آن اطمینان یابند.

وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦ

حال آنکه یاری فقط از نزد خدا، نیرومند و فرزانه، می‌آید، تا او بخشی از انکارکنندگان را قطع کند، یا آنان را بر خاک افکند، و آنان ناامید بازگردند. تو در این کار هیچ اختیاری نداری: یا او با گذشت به سوی آنان بازمی‌گردد، یا آنان را کیفر می‌دهد، زیرا ستمگرند.[126-128]

وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ [126] لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ فَيَنقَلِبُواْ خَآئِبِينَ [127] لَيۡسَ لَكَ مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡ أَوۡ يُعَذِّبَهُمۡ فَإِنَّهُمۡ ظَٰلِمُونَ [128]

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ

هر که را او را پسند افتد می‌بخشاید، و هر که را او را پسند افتد کیفر می‌دهد.

يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[129]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [129]

ای کسانی که باور آورده‌اید! بهره‌خواری را، دو برابرِ دو برابر، نخورید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأْكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ أَضْعَٰفًا مُّضَٰعَفَةً

و در برابر خدا محتاط باشید، شاید رستگار شوید.[130]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [130]

و از آتش محتاط باشید، که برای انکارکنندگان آماده شده است.[131]

وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِىٓ أُعِدَّتْ لِلْكَٰفِرِينَ [131]

و خدا و فرستاده را گردن نهید، شاید با شما مهر ورزیده شود.[132]

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [132]

و به سوی بخشایشی از سرپرست خود بشتابید، و باغی که پهنایش پهنای آسمان‌ها و زمین است، آماده برای محتاطان، که در فراخی و آسیب هزینه می‌کنند، غیظ خود را فرو می‌برند، و از مردم چشم می‌پوشند.[133]

وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا ٱلسَّمَٰوٰتُ وَٱلْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ [133] ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِى ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلْكَٰظِمِينَ ٱلْغَيْظَ وَٱلْعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِ

خدا کسانی را که نیکی می‌کنند دوست می‌دارد.[134]

وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ [134]

و کسانی که چون زشتکاری‌ای می‌کنند یا بر خود ستم می‌کنند، خدا را به یاد می‌آورند و برای تقصیرهای خود بخشایش می‌خواهند —

وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسْتَغْفَرُواْ لِذُنُوبِهِمْ

و کیست که تقصیرها را ببخشاید، مگر خدا؟ —

وَمَن يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ

و در آنچه کرده‌اند پافشاری نمی‌کنند، در حالی که می‌دانند.[135]

وَلَمْ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [135]

اینان‌اند که بازپرداخت‌شان بخشایشی از سوی سرپرست‌شان است، و باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است، که در آن جاودانه خواهند ماند.

أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا

و چه ممتاز است پاداش کسانی که کار می‌کنند![136]

وَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ [136]

هنجارهایی پیش از شما گذشته است؛

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ

پس زمین را بگردید و بنگرید که فرجام دروغ‌انگارندگان چگونه بود.[137]

فَسِيرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ [137]

این بیانی روشن برای انسان‌ها است، راهنمایی و پندی برای محتاطان.[138]

هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ [138]

و سست مشوید، و اندوهگین مشوید: شما بالاترین‌هایید، اگر باورمندید.[139]

وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحْزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [139]

اگر زخمی شما را لمس کند، زخمی همانند آن پیش‌تر آن قوم را لمس کرده است.

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ ٱلْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُۥ

این‌گونه است روزها: ما آن‌ها را میان انسان‌ها از این به آن می‌گردانیم،

وَتِلْكَ ٱلْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ ٱلنَّاسِ

تا خدا کسانی را که باور آورده‌اند بازشناسد، و از میان شما گواهانی برگیرد —

وَلِيَعْلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَآءَ

خدا ستمگران را دوست نمی‌دارد —[140]

وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ [140]

و تا خدا کسانی را که باور آورده‌اند پاک کند، و انکارکنندگان را به نیستی بکشاند.[141]

وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمْحَقَ ٱلْكَٰفِرِينَ [141]

یا گمان بردید که به باغ درمی‌آیید بی‌آنکه خدا هنوز کسانی از شما را که مبارزه کرده‌اند بازشناسد، و شکیبایان را بازشناسد؟[142]

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُواْ ٱلْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمْ وَيَعْلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ [142]

همانا مرگ را پیش از روبه‌رو شدن با آن آرزو می‌کردید؛ پس آن را دیدید، و می‌نگریستید.[143]

وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ [143]

محمد فقط فرستاده‌ای است؛ فرستادگانی پیش از او گذشته‌اند.

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ

پس اگر بمیرد، یا کشته شود، آیا بر پاشنه‌های خود واپس می‌چرخید؟

أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ

و هر که بر پاشنه‌های خود واپس چرخد هیچ آسیبی به خدا نمی‌رساند،

وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيْـًٔا

و خدا سپاس‌گزاران را بازپرداخت خواهد کرد.[144]

وَسَيَجْزِى ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ [144]

و هیچ خویشتنی را نشاید که بمیرد، مگر با اجازهٔ خدا،

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

بر پایهٔ دفتری با پایان مقرر.
كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗا

و هر که عوض زندگی نزدیک را بخواهد، آن را به او می‌دهیم؛
وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا

و هر که عوض زندگی واپسین را بخواهد، آن را به او می‌دهیم.
وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلۡأٓخِرَةِ نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا

و ما سپاس‌گزاران را بازپرداخت خواهیم کرد.[145]
وَسَنَجۡزِي ٱلشَّٰكِرِينَ [145]

چه بسیار اطلاع‌دهندگانی که کشته شدند، در حالی که در کنارشان بسیاری وابستگان به سرپرست بودند![145]
وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ[145]

برای آنچه در راه خدا به آنان رسید سست نشدند، ناتوان نشدند، و تسلیم نشدند.
فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْ

خدا شکیبایان را دوست می‌دارد.[146]
وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ [146]

و سخن آنان فقط این بود که گفتند: «سرپرست ما، تقصیرها و زیاده‌روی‌های ما را در رفتارمان ببخشای، گام‌های ما را استوار ساز، و ما را در برابر قومی که انکار می‌کند یاری ده.»[147]
وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ [147]

آنگاه خدا به آنان عوض زندگی نزدیک را داد، و عوض زیبای زندگی واپسین را.
فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِ

خدا کسانی را که نیکی می‌کنند دوست می‌دارد.[148]

وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ [148]

ای کسانی که باور آورده‌اید! اگر به انکارکنندگان گردن نهید، شما را بر پاشنه‌هایتان بازمی‌گردانند، و زیان‌کار بازخواهید گشت.[149]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ [149]

برعکس، خدا متحد شما است،

بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ

و او بهترین یاری‌رسانان است.[150]

وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّٰصِرِينَ [150]

در هسته‌های انکارکنندگان هراس خواهیم افکند، برای آنکه با خدا چیزی را انباز گرفتند که او هیچ اقتداری بر آن فرود نیاورده است.

سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَٰنًا

و پناهگاه آنان آتش خواهد بود،

وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ

و چه زشت است اقامتگاه ستمگران![151]

وَبِئْسَ مَثْوَى ٱلظَّٰلِمِينَ [151]

خدا همانا وعدهٔ خود را به شما وفا کرد، آنگاه که با اجازهٔ او آنان را درو می‌کردید،

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥٓ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِۦ

تا آنگاه که سست شدید، دربارهٔ کار به مجادله افتادید، و نافرمانی کردید، پس از آنکه او آنچه را دوست می‌داشتید به شما نمایاند.

حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَٰزَعْتُمْ فِى ٱلْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَ

از میان شما کسانی بودند که زندگی نزدیک را می‌خواستند، و از میان شما کسانی بودند که زندگی واپسین را می‌خواستند؛

مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَ

سپس شما را از آنان دور کرد، تا شما را بیازماید.

ثُمَّ صَرَفَكُمۡ عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡ

او همانا از شما چشم‌پوشی کرده است.

وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡ

خدا دارندهٔ لطفی نسبت به باورمندان است.[152]

وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ [152]

آنگاه که بالا می‌رفتید، بی‌آنکه رو به سوی کسی کنید، در حالی که فرستاده شما را از پشت صف‌هایتان فرا می‌خواند؛ آنگاه او به شما عوض دلهره‌ای پس از دلهره داد، تا نه از آنچه از شما رفته بود اندوهگین شوید و نه از آنچه به شما رسیده بود.

إِذۡ تُصۡعِدُونَ وَلَا تَلۡوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٖ وَٱلرَّسُولُ يَدۡعُوكُمۡ فِيٓ أُخۡرَىٰكُمۡ فَأَثَٰبَكُمۡ غَمَّۢا بِغَمّٖ لِّكَيۡلَا تَحۡزَنُواْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا مَآ أَصَابَكُمۡ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[153]

وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ [153]

سپس پس از دلهره، امنیتی بر شما فرود آورد، خواب‌آلودگی‌ای که گروهی از شما را فرا می‌گرفت،

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنۢ بَعۡدِ ٱلۡغَمِّ أَمَنَةٗ نُّعَاسٗا يَغۡشَىٰ طَآئِفَةٗ مِّنكُمۡ

در حالی که گروهی، مشغولِ خویشتن خود، دربارهٔ خدا، برخلاف حقیقت، گمانی از دوران نادانی می‌پروراند،

وَطَآئِفَةٞ قَدۡ أَهَمَّتۡهُمۡ أَنفُسُهُمۡ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ

می‌گفتند: «آیا ما در این کار کمترین اختیاری داریم؟»
يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ مِن شَيْءٍ

بگو: «کار، یکسره، همانا از آنِ خدا است.»
قُلْ إِنَّ ٱلْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ

در خود پنهان می‌دارند آنچه را به تو آشکار نمی‌کنند،
يُخْفُونَ فِىٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ

می‌گفتند: «اگر در این کار اختیاری می‌داشتیم، در اینجا کشته نمی‌شدیم.»
يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا

بگو: «اگر در خانه‌هایتان می‌بودید، کسانی که قتل بر آنان مقرر شده بود حتماً به سوی جایگاه‌هایی می‌رفتند که باید در آن می‌آرمیدند» — و تا خدا آنچه را در سینه‌های شما است بیازماید، و آنچه را در هسته‌های شما است پاک کند.
قُل لَّوْ كُنتُمْ فِى بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِىَ ٱللَّهُ مَا فِى صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِى قُلُوبِكُمْ

و خدا بر محتوای سینه‌ها همه‌چیزدان است.[154]
وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ [154]

کسانی از شما که روز رویارویی دو جمع پشت کردند، فقط منحرف‌کننده بود که آنان را به‌سبب بخشی از آنچه به دست آورده بودند لغزاند.
إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا۟

خدا همانا از آنان چشم‌پوشی کرده است،
وَلَقَدْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهُمْ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و بردبار است.[155]
إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ [155]

ای کسانی که باور آورده‌اید! مانند کسانی مباشید که انکار کرده‌اند، و دربارهٔ برادران خود، چون زمین را می‌پیمایند یا به سفر جنگی می‌روند، می‌گویند: «اگر نزد ما مانده بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند» — تا خدا آن را حسرتی در هسته‌هایشان سازد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ إِذَا ضَرَبُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ كَانُواْ غُزّٗى لَّوۡ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ لِيَجۡعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسۡرَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡ

خدا زنده می‌کند و می‌میراند.

وَٱللَّهُ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[156]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ [156]

و اگر در راه خدا کشته شوید، یا بمیرید، بخشایشی از خدا و مهری همانا بهتر است از آنچه می‌انبارند.[157]

وَلَئِن قُتِلۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوۡ مُتُّمۡ لَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحۡمَةٌ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ [157]

و چه بمیرید، چه کشته شوید، به سوی خدا گرد آورده خواهید شد.[158]

وَلَئِن مُّتُّمۡ أَوۡ قُتِلۡتُمۡ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحۡشَرُونَ [158]

این به مهری از خدا است که با آنان نرم‌خو بودی؛

فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡ

و اگر درشت‌خو و سخت‌هسته می‌بودی، حتماً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَ

پس از آنان چشم بپوش، برای آنان بخشایش بخواه، و با آنان دربارهٔ کار رایزنی کن؛

فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ

و چون تصمیم خود را گرفتی، به خدا وکالت بده،

فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ

زیرا خدا کسانی را که وکالت می‌دهند دوست می‌دارد.[159]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ [159]

اگر خدا شما را یاری رساند، هیچ‌کس نمی‌تواند شما را شکست دهد؛

إِن يَنصُرْكُمُ ٱللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ

و اگر او شما را رها کند، پس کیست که پس از او بتواند شما را یاری رساند؟

وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا ٱلَّذِى يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعْدِهِۦ

و باورمندان باید به خدا وکالت دهند.[160]

وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ [160]

اطلاع‌دهنده‌ای را نشاید که سوءاستفاده کند؛

وَمَا كَانَ لِنَبِىٍّ أَن يَغُلَّ

و هر که سوءاستفاده کند، در روز حضور با آنچه از راه سوءاستفاده ربوده است خواهد آمد،

وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

سپس هر خویشتنی آنچه را به دست آورده است به‌تمامی دریافت خواهد کرد، بی‌آنکه ستم ببیند.[161]

ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [161]

آیا آن که خشنودی خدا را پی می‌گیرد همانند آن است که قهر خدا را بر خود فرا می‌خواند، و پناهگاهش جهنم خواهد بود؟

أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ

و چه زشت مقصدی![162]

وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [162]

آنان نزد خدا درجه‌هایی دارند.

هُمْ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِ

خدا بر آنچه می‌کنند بینا است.[163]

وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعْمَلُونَ [163]

خدا همانا بر باورمندان عنایت کرد، آنگاه که در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، که نشانه‌های او را بر آنان برمی‌خواند، آنان را پاک می‌کند، و نوشتار و فرزانگی را به آنان می‌آموزد، در حالی که پیش‌تر بی‌گمان در گمراهی‌ای آشکار بودند.[164]

لَقَدْ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ [164]

پس چگونه است، چون ناکامی‌ای به شما رسد، در حالی که دو برابرش را خودتان رسانده بودید، می‌گویید: «این از کجاست؟»

أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَٰذَا

بگو: «این از خودتان است.»

قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ

خدا همانا بر هر چیز توانا است.[165]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [165]

و آنچه در روز رویارویی دو جمع به شما رسید، با اجازهٔ خدا بود، و تا او باورمندان را بازشناسد، و کسانی را که دورویی ورزیدند بازشناسد،[166]

وَمَآ أَصَٰبَكُمْ يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيَعْلَمَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [166] وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْ

و به آنان گفته شد: «بیایید در راه خدا بجنگید، یا پس بزنید»؛

وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ قَٰتِلُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوِ ٱدْفَعُواْ

گفتند: «اگر جنگیدن را می‌دانستیم، حتماً از شما پیروی می‌کردیم.»

قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ

آن روز آنان به انکار نزدیک‌تر بودند تا به باور،

هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡإِيمَٰنِۚ

با دهان‌هایشان آنچه را در هسته‌هایشان نبود می‌گفتند.

يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ

خدا به آنچه کتمان می‌کنند بهتر می‌داند.[167]

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ [167]

کسانی که نشسته ماندند و دربارهٔ برادران خود گفتند: «اگر ما را گردن نهاده بودند، کشته نمی‌شدند.»

ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ

بگو: «پس مرگ را از خودتان دور کنید، اگر راست‌گویید.»[168]

قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [168]

و مپندار که کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند.

وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ

نه، آنان نزد سرپرست‌شان زنده‌اند، روزی داده‌شده، شادمان از آنچه خدا از لطف خود به آنان داده است، و سرمست برای کسانی که پشت سرشان ماندند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند: هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[169-170]

بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ [169] فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ [170]

از دهشی از خدا و لطفی سرمست‌اند، و از اینکه خدا نمی‌گذارد پاداش باورمندان پراکنده شود، کسانی که پس از آنکه زخم به آنان رسید به خدا و فرستاده پاسخ دادند.[171]

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ [171] ٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعْدِ مَآ أَصَابَهُمُ ٱلْقَرْحُ

برای کسانی از آنان که نیکی کردند و محتاط شدند، پاداشی سترگ است.[172]

لِلَّذِينَ أَحْسَنُواْ مِنْهُمْ وَٱتَّقَوْاْ أَجْرٌ عَظِيمٌ [172]

کسانی که مردم به آنان می‌گفتند: «مردم همانا بر ضد شما فراهم آمده‌اند، پس از آنان بیم داشته باشید» — این باورشان را افزود.

ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدْ جَمَعُواْ لَكُمْ فَٱخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَٰنًا

و گفتند: «خدا ما را بس است؛ چه نیکو وکیلی!»[173]

وَقَالُواْ حَسْبُنَا ٱللَّهُ وَنِعْمَ ٱلْوَكِيلُ [173]

آنگاه با دهشی از خدا و لطفی بازگشتند، بی‌آنکه هیچ بدی‌ای آنان را لمس کرده باشد، و از خشنودی خدا پیروی کردند.

فَٱنقَلَبُواْ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوٓءٌ وَٱتَّبَعُواْ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ

خدا دارندهٔ لطفی سترگ است.[174]

وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ [174]

فقط همین منحرف‌کننده است که شما را از متحدان خود می‌ترساند؛ پس از آنان نترسید،

إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمْ

اما از من بترسید، اگر باورمندید.[175]

وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [175]

و آنان که در انکار می‌شتابند تو را اندوهگین نسازند،

وَلَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْكُفْرِ

زیرا هرگز به خدا آسیبی نخواهند رساند.

إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيْـًٔا

خدا می‌خواهد در زندگی واپسین هیچ بهره‌ای برایشان قرار ندهد،

يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ

و کیفری سترگ خواهند داشت.[176]

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ [176]

همانا کسانی که انکار را به بهای باور خریده‌اند هرگز به خدا آسیبی نخواهند رساند، و کیفری دردناک خواهند داشت.[177]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُاْ ٱلْكُفْرَ بِٱلْإِيمَـٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيْـًٔا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [177]

و کسانی که انکار می‌کنند هرگز مپندارند که مهلتی که به آنان می‌دهیم برای خودشان نیکی است:

وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ

ما آن را فقط به آنان می‌دهیم تا در تخطی بیفزایند،

إِنَّمَا نُمْلِى لَهُمْ لِيَزْدَادُوٓاْ إِثْمًا

و کیفری خوارکننده خواهند داشت.[178]

وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ [178]

خدا را نشاید که باورمندان را در حالی که اکنون هستید رها کند، بی‌آنکه پست را از نیک بازشناسد،

مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلْخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ

و خدا را نشاید که شما را به نفوذ در آنچه فراتر از حواس است وادارد،

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى ٱلْغَيْبِ

اما خدا از میان فرستادگان خود هر که را او را پسند افتد برمی‌گزیند.

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُ

پس به خدا و فرستادگانش باور آورید؛

فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ

و اگر باور آورید و محتاط باشید، پاداشی سترگ خواهید داشت.[179]

وَإِن تُؤْمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ [179]

و کسانی که از آنچه خدا از لطف خود به آنان داده است خست می‌ورزند هرگز مپندارند که این برایشان نیکی است؛

وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ هُوَ خَيْرًا لَّهُم

برعکس، برایشان بدی است.

بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ

در حلقهٔ آنچه از آن خست ورزیدند گرفته خواهند شد، در روز حضور.

سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

و میراث آسمان‌ها و زمین به خدا می‌رسد.

وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[180]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ [180]

خدا حتماً سخن کسانی را که گفتند: «خدا بینوا است و ما توانگریم» شنیده است.

لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَآءُ

ما آنچه را گفتند، و کشتن اطلاع‌دهندگان را بدون حق، خواهیم نوشت، و خواهیم گفت: «کیفر آتش‌سوزی را بچشید.[181]

سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ [181]

این برای آنچه دستانتان پیش بردند است؛ و خدا به هیچ‌وجه بر فرمان‌برداران ناگزیر ستم نمی‌کند.»[182]

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ [182]

کسانی که گفتند: «خدا ما را به پیمانی پای‌بند کرده است که به هیچ فرستاده‌ای اعتماد نکنیم، تا آنگاه که برای ما هدیه‌ای بیاورد که آتش آن را می‌سوزاند»،

ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَآ أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ ٱلنَّارُ

بگو: «فرستادگانی پیش از من با دلایل روشن و با آنچه گفتید به سوی شما آمدند؛ پس چرا آنان را کشتید، اگر راست‌گو هستید؟»[183]

قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِى بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [183]

اگر تو را دروغ بینگارند، پیش از تو فرستادگانی دروغ انگاشته شدند که با دلایل روشن، فرم‌ها و نوشتار روشنگر آمده بودند.[184]

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَآءُو بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ [184]

هر خویشتن مرگ را خواهد چشید،

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ

و پاداش‌های شما تنها در روز حضور به‌تمامی به شما داده خواهد شد.

وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

پس هر که از آتش دور داشته شود و به باغ درآورده شود، به‌راستی کامیاب شده است.

فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ

و زندگی نزدیک جز بهره‌ای فریبنده نیست.[185]

وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ [185]

بی‌گمان در دارایی‌هایتان و در خویشتن‌تان آزموده خواهید شد، و بی‌گمان از کسانی که پیش از شما نوشتار به آنان داده شده و از کسانی که انباز گرفتند، آزارهای بسیار خواهید شنید.

لَتُبْلَوُنَّ فِىٓ أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا۟ أَذًى كَثِيرًا

اما اگر شکیبایی کنید و محتاط باشید، این همانا از کارهایی است که عزم می‌خواهند.[186]

وَإِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ [186]

و آنگاه که خدا از کسانی که نوشتار به آنان داده شد پیمان استوار گرفت: «بی‌گمان آن را برای مردم روشن خواهید کرد و پنهانش نخواهید داشت»؛ اما آنان آن را پشت سر خود افکندند و بدان بهایی ناچیز خریدند.

وَإِذْ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا

چه زشت است آنچه می‌خرند![187]

فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ [187]

هرگز مپندار که کسانی که به آنچه کرده‌اند شادمانند و دوست دارند برای آنچه نکرده‌اند ستوده شوند — هرگز مپندار که آنان از کیفر خواهند رست.

لَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَوا۟ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا۟ بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا۟ فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ ٱلْعَذَابِ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[188]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [188]

و پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است.

وَلِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

و خدا بر هر چیز توانا است.[189]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [189]

بی‌گمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی‌درپی آمدن شب و روز، نشانه‌هایی است برای صاحبان خرد، کسانی که خدا را به یاد می‌آورند، ایستاده، نشسته، یا خوابیده به پهلو، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند:[190]

إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ [190] ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

«ای سرپرست ما، تو این را بیهوده نیافریده‌ای. شکوه بر تو باد!

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا سُبْحَٰنَكَ

پس ما را از کیفر آتش در امان دار.[191]

فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ [191]

ای سرپرست ما، هر که را تو به آتش درآوری، همانا او را رسوا کرده‌ای،

رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُۥ

و برای ستمگران هیچ یاری نیست.[192]

وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ [192]

ای سرپرست ما، ما ندای دعوتگری را شنیدیم که به باور فرا می‌خواند: به سرپرست خود باور آورید — و ما باور آوردیم.

رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَٰنِ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ فَـَٔامَنَّا

ای سرپرست ما، پس تقصیرهای ما را ببخشای، بدی‌های ما را بپوشان، و ما را با نیکوکاران به‌تمامی نزد خود بگیر.[193]

رَبَّنَا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلْأَبْرَارِ [193]

ای سرپرست ما، و آنچه را که به‌واسطهٔ فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را در روز حضور رسوا مکن،

رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ

زیرا تو از وعدهٔ خود تخلف نمی‌کنی.»[194]

إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ [194]

پس سرپرست‌شان به آنان پاسخ داد: «من کردار هیچ‌یک از شما را که کار می‌کند، مرد یا زن، تباه نمی‌گذارم —

فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ

شما از یکدیگرید.

بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖ

کسانی که کوچ کردند، از خانه‌های خود رانده شدند، در راه من آزار دیدند، جنگیدند و کشته شدند، بی‌گمان بدی‌هایشان را خواهم پوشاند، و بی‌گمان آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهم آورد» — عوضی از جانب خدا.

فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ

و عوض نیکو نزد خدا است.[195]

وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ [195]

رفت‌وآمد کسانی که انکار کردند در سرزمین‌ها تو را نفریبد.[196]

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ [196]

این بهره‌ای اندک است،

مَتَٰعٞ قَلِيلٞ

سپس پناهگاه‌شان جهنم خواهد بود،
ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ

و چه زشت بستری![197]
وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ [197]

اما کسانی که نسبت به سرپرست خود محتاط بودند، باغ‌هایی خواهند داشت که رودها از زیر آن‌ها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، به‌عنوان پذیرایی از جانب خدا.
لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ

و آنچه نزد خدا است برای نیکوکاران بهتر است.[198]
وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ [198]

و از میان دارندگان نوشتار، بی‌گمان کسانی هستند که به خدا باور دارند، و به آنچه بر شما فرود آورده شد و به آنچه بر آنان فرود آورده شد، فروتن در برابر خدا،
وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ

و به‌وسیلهٔ نشانه‌های خدا بهایی ناچیز نمی‌خرند.
لَا يَشۡتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًا

اینان‌اند که پاداش‌شان نزد سرپرست‌شان است،
أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ

زیرا خدا در حسابرسی شتابنده است.[199]
إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ [199]

ای کسانی که باور آورده‌اید! شکیبایی کنید، در شکیبایی پیشی بگیرید، با استواری آماده باشید، و نسبت به خدا محتاط باشید، شاید کامیاب شوید.[200]
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ [200]

# البقرة • AL-BAQARA

سوره 2 · 286 بند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

*به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.*

الٓمٓ (الف لام میم).[1]

الٓمٓ [1]

این است نوشتار: هیچ تردیدی ممکن نیست،

ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ

در آن، راهنمایی برای محتاطان، آنان که هرچند از حواس‌شان بیرون باشد باور می‌آورند، تماس را پابرجا نگه می‌دارند، و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم هزینه می‌کنند،[2–3]

فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ [2] ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ [3]

و کسانی که به آنچه بر تو فرود آورده‌شده است و به آنچه پیش از تو فرود آورده‌شده است باور می‌آورند، و به زندگی واپسین یقین دارند — اینان بر راهنمایی‌ای از سوی سرپرست‌شان‌اند،[4]

وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ [4] أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ

و اینان‌اند رستگاران.[5]

وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ [5]

کسانی که انکار می‌کنند، همانا برایشان یکسان است که آنان را هشدار دهی یا هشدار ندهی: باور نمی‌آورند.[6]

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ [6]

خدا بر هسته‌هایشان و بر شنوایی‌شان مهر زده است،

خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡ

و بر بینایی‌هایشان، آنچه آنان را می‌پوشاند؛

وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞ

و کیفری سترگ خواهند داشت.[7]

وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ [7]

و از میان انسان‌ها کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا و به روز واپسین باور می‌آوریم»، در حالی که باورمند نیستند.[8]

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ [8]

می‌کوشند خدا و کسانی را که باور آورده‌اند فریب دهند،

يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ

اما فقط خودشان را فریب می‌دهند، بی‌آنکه حس کنند.[9]

وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ [9]

در هسته‌هایشان بیماری‌ای هست،

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ

و خدا آنان را در بیماری افزونی داده است؛

فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗا

و کیفری دردناک خواهند داشت، برای آنکه دروغ گفته‌اند.[10]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ [10]

و چون به آنان گفته می‌شود: «بر زمین فساد پراکنده نکنید»، می‌گویند: «ما فقط اصلاح می‌کنیم.»[11]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ [11]

آیا چنین نیست: همانا خودِ آنان‌اند فسادگران؛ اما حس نمی‌کنند.[12]

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ [12]

و چون به آنان گفته می‌شود: «باور آورید چنان‌که مردم باور آوردند»، می‌گویند: «آیا باور بیاوریم چنان‌که بی‌خردان باور آوردند؟»

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ

آیا چنین نیست: همانا خودِ آنان‌اند بی‌خردان؛ اما نمی‌دانند.[13]

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ [13]

و چون با کسانی که باور آورده‌اند روبه‌رو می‌شوند، می‌گویند: «باور آوردیم»؛

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا

و چون با منحرف‌کنندگان خود تنها می‌مانند، می‌گویند: «همانا ما با شماییم، ما فقط به مسخره می‌گیریم.»[14]

وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ [14]

خدا آنان را به مسخره می‌گیرد، و می‌گذارد حدشکنی‌شان را طولانی کنند، که در آن کورمال می‌روند.[15]

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ [15]

اینان‌اند کسانی که گمراهی را به بهای راهنمایی خریدند؛ پس بازرگانی‌شان سودآور نبود، و راهنمایی نمی‌پذیرفتند.[16]

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمْ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ [16]

مثالِ آنان مثالِ کسی است که آتشی می‌افروزد؛ چون آنچه پیرامون او است روشن کرد،

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى ٱسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّآ أَضَآءَتْ مَا حَوْلَهُۥ

خدا نورشان را می‌برد و آنان را در تاریکی‌هایی وامی‌گذارد که دیگر روشن نمی‌بینند.[17]

ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِى ظُلُمَٰتٍ لَّا يُبْصِرُونَ [17]

کر، لال، کور، پس بازنمی‌گردند.[18]

صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ [18]

یا همچون بارانی سیل‌آسا از آسمان، که در آن تاریکی‌ها، رعد و برق‌ها هست:

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ

انگشتانشان را به‌سبب صاعقه در گوش‌هایشان می‌گذارند، هشیار در برابر مرگ.

يَجْعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ

خدا انکارکنندگان را کاملاً در بر می‌گیرد.[19]

وَٱللَّهُ مُحِيطٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ [19]

برق نزدیک است که بینایی‌هایشان را برباید.

يَكَادُ ٱلْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَٰرَهُمْ

هرگاه آنان را روشن می‌کند، راه می‌روند؛

كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوْاْ فِيهِ

و همین‌که بر آنان تاریک می‌شود، بی‌حرکت می‌ایستند.

وَإِذَآ أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُواْ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، حتماً شنوایی و بینایی‌هایشان را می‌برد،

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَٰرِهِمْ

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.[20]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [20]

ای انسان‌ها! سرپرست خود را فرمان ببرید، آن که شما را و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفرید، شاید محتاط باشید،[21]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [21]

او که برای شما زمین را بستر ساخت، و آسمان را ساختمانی، و از آسمان آبی فرود آورد، که با آن میوه‌ها را به‌عنوان روزی برای شما بیرون آورد.

ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءً وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ

پس برای خدا رقیبانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید.[22]

فَلَا تَجْعَلُوا۟ لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ [22]

و اگر در آنچه بر فرمان‌بردار ما فرود آورده‌ایم در تردید هستید، پس سوره‌ای همانند آن بیاورید،

وَإِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِۦ

و گواهان خود را فراخوانید، غیر از خدا، اگر راست‌گویید.[23]

وَٱدْعُوا۟ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ [23]

اگر چنین نکنید — و هرگز نخواهید کرد — پس از آتشی محتاط باشید که سوختش انسان‌ها و سنگ‌ها است،

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ وَلَن تَفْعَلُوا۟ فَٱتَّقُوا۟ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ

آماده‌شده برای انکارکنندگان.[24]

أُعِدَّتْ لِلْكَٰفِرِينَ [24]

و کسانی را که باور آورده‌اند و کردارهای شایسته به‌جا آورده‌اند مژده بده که باغ‌هایی خواهند داشت که رودها از زیر آن‌ها جاری است.

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ

هرگاه در آنجا از میوه‌ای به‌عنوان روزی روزی داده می‌شوند، می‌گویند: «این است آنچه پیش‌تر از آن روزی داده‌شده‌ایم»؛

كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِى رُزِقْنَا مِن قَبْلُ

و آن را شبیه برایشان می‌آورند.

وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهًا

و در آنجا همسرانی پاک‌شده خواهند داشت،

وَلَهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ

و در آنجا جاودانه می‌مانند.[25]

وَهُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [25]

همانا خدا از افزودن مثالی آزرم نمی‌کند، حتی مثال پشه‌ای یا بیش از آن.

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسْتَحْىِۦٓ أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا

اما کسانی که باور آورده‌اند، می‌دانند که آن حقیقتی است از سوی سرپرست‌شان؛

فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ

و اما کسانی که انکار می‌کنند، می‌گویند: «خدا از این مثال چه خواسته است؟»

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا

به‌واسطهٔ آن بسیاری را گمراه می‌کند، و به‌واسطهٔ آن بسیاری را راه می‌نماید؛

يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرًا وَيَهْدِى بِهِۦ كَثِيرًا

و به‌واسطهٔ آن فقط تجاوزگران را گمراه می‌کند، آنان که پیمان خدا را پس از پیمان استواری که آن را می‌بندد می‌شکنند، آنچه را خدا دستور داده است که پیوند داده شود قطع می‌کنند، و بر زمین فساد می‌پراکنند.[26]

وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلْفَٰسِقِينَ [26] ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ

اینان‌اند زیان‌کاران.[27]

أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [27]

چگونه می‌توانید خدا را انکار کنید، در حالی که مرده بودید و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را خواهد میراند،

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِٱللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَٰتًا فَأَحْيَٰكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ

سپس دوباره شما را زنده خواهد کرد، سپس به سوی او بازگردانده خواهید شد؟[28]

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ [28]

اوست که برای شما هر آنچه را بر زمین است آفرید،

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ لَكُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا

سپس به سوی آسمان رو کرد، و آن‌ها را به هفت آسمان شکل داد؛

ثُمَّ ٱسْتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَسَوَّىٰهُنَّ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ

و او همه‌چیزدانِ هر چیز است.[29]

وَهُوَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [29]

و چون سرپرست تو به کارگزاران گفت: «من بر زمین جانشینی خواهم نهاد.»

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّى جَاعِلٌ فِى ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةً

گفتند: «آیا در آن کسی را خواهی نهاد که در آن فساد پراکنده خواهد کرد و خون خواهد ریخت، در حالی که ما با ستودنِ تو شکوه تو را می‌سراییم و والاپایگی تو را اعلام می‌کنیم؟»

قَالُوٓاْ أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ

گفت: «همانا من آنچه را شما نمی‌دانید می‌دانم.»[30]

قَالَ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ [30]

و به آدم همهٔ ویژگی‌ها را آموخت، سپس آن‌ها را به کارگزاران عرضه کرد و گفت: «مرا از ویژگی‌های اینان اطلاع دهید، اگر راست‌گو هستید.»[31]

وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي بِأَسۡمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [31]

گفتند: «شکوه بر تو باد! ما فقط دانشی داریم که تو به ما آموختی؛ همانا این تویی، همه‌چیزدان، فرزانه.»[32]

قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ [32]

گفت: «ای آدم! آنان را از ویژگی‌هایشان اطلاع بده.»

قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئۡهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡ

و چون او آنان را از ویژگی‌هایشان اطلاع داد، گفت: «آیا به شما نگفتم که من آنچه را فراتر از حواس است در آسمان‌ها و بر زمین می‌دانم، و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را کتمان می‌کردید می‌دانم؟»[33]

فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَأَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ [33]

و چون به کارگزاران گفتیم: «در برابر آدم پیشانی بر خاک نهید»، پیشانی بر خاک نهادند،

وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ

مگر ابلیس: او سر باز زد، خودبزرگ‌بینی کرد، و از شمار انکارکنندگان بود.[34]

إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ وَٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ [34]

و گفتیم: «ای آدم! تو و همسرت در باغ ساکن شو، و از آن بخورید، به آسودگی، هر جا که پسندتان افتد،

وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا

اما به این درخت نزدیک نشوید، وگرنه از شمار ستمگران می‌شدید.»[35]

وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [35]

اما منحرف‌کننده آن دو را از آنجا لغزاند، و از حالی که در آن بودند بیرون‌شان آورد؛

فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ

و گفتیم: «فرود آیید،

وَقُلْنَا ٱهْبِطُوا۟

دشمنان یکدیگر،

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

و بر زمین، لنگرگاهی و کامیابی‌ای تا زمانی خواهید داشت.»[36]

وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ [36]

سپس آدم از سرپرست خود کلمه‌هایی دریافت کرد، و او با گذشت به سوی او بازگشت،

فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ

زیرا او است آن که پیوسته بازمی‌گردد، مهربان.[37]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ [37]

گفتیم: «همگی از آن فرود آیید؛

قُلْنَا ٱهْبِطُوا۟ مِنْهَا جَمِيعًا

سپس اگر راهنمایی‌ای از سوی من برایتان بیاید، هر که از راهنمایی من پیروی کند، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[38]

فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [38]

و کسانی که انکار می‌کنند و نشانه‌های ما را دروغ می‌انگارند — اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.»[39]

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [39]

ای فرزندان اسرائیل! دهش مرا که شما را از آن سرشار کردم به یاد آورید، و به پیمان من وفادار باشید، به پیمان شما وفادار خواهم بود؛ و این منم که باید گرامی‌ام بدارید.[40]

يَٰبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُواْ نِعْمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُواْ بِعَهْدِيٓ أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّٰيَ فَٱرْهَبُونِ [40]

و به آنچه فرود آوردم باور آورید، که آنچه را با شما است تأیید می‌کند، و نخستین انکارکنندگان آن نباشید؛

وَءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوٓاْ أَوَّلَ كَافِرٍۭ بِهِۦ

و به‌واسطهٔ نشانه‌های من بهایی ناچیز نخرید؛ و این در برابر من است که باید محتاط باشید.[41]

وَلَا تَشْتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّٰيَ فَٱتَّقُونِ [41]

و حقیقت را در جامهٔ ناراستی نپوشانید، و حقیقت را کتمان نکنید، در حالی که می‌دانید.[42]

وَلَا تَلْبِسُواْ ٱلْحَقَّ بِٱلْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُواْ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ [42]

و تماس را پابرجا نگه دارید، و گشاده‌دستی ناب را بدهید،

وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ

و با زانوزنندگان زانو بزنید.[43]

وَٱرْكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ [43]

آیا مردم را به فضیلت دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید، در حالی که نوشتار را برمی‌خوانید؟

أَتَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبِرِّ وَتَنسَوۡنَ أَنفُسَكُمۡ وَأَنتُمۡ تَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[44]

أَفَلَا تَعۡقِلُونَ [44]

و از شکیبایی و تماس یاری بجویید:

وَٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِ

این بی‌گمان گران است، مگر برای فروتنان، آنان که گمان می‌برند که با سرپرست خود روبه‌رو خواهند شد، و اینکه به سوی او بازمی‌گردند.[45-46]

وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلۡخَٰشِعِينَ [45] ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَأَنَّهُمۡ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ [46]

ای فرزندان اسرائیل! دهش مرا که شما را از آن سرشار کردم به یاد آورید، و اینکه شما را بر همهٔ هستی‌ها برتری دادم.[47]

يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ [47]

و از روزی محتاط باشید که در آن هیچ خویشتنی در هیچ چیز جای خویشتنی دیگر را نخواهد گرفت، هیچ میانجی‌گری‌ای از او پذیرفته نخواهد شد، هیچ جبرانی از او گرفته نخواهد شد، و آنان یاری نخواهند شد.[48]

وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا يُؤۡخَذُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ [48]

و چون شما را از دودمان فرعون رهانیدیم، که کیفر بد بر شما روا می‌داشتند، پسرانتان را سر می‌بریدند و به آزرم زنان‌تان آسیب می‌رساندند —

وَإِذۡ نَجَّيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡ

و در آن، از سوی سرپرست شما، آنچه به‌گونه‌ای سترگ می‌آزماید بود.[49]

وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ [49]

و چون دریا را برای شما شکافتیم، و شما را رهانیدیم، و دودمان فرعون را غرق کردیم، در حالی که می‌نگریستید.[50]

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ ٱلْبَحْرَ فَأَنجَيْنَٰكُمْ وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ [50]

و چون برای موسی چهل شب وعده‌گاه مقرر کردیم؛ سپس شما پس از او گوساله را برگرفتید، و ستمگر بودید.[51]

وَإِذْ وَٰعَدْنَا مُوسَىٰٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ [51]

سپس پس از آن از شما چشم‌پوشی کردیم، شاید سپاس‌گزار باشید.[52]

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [52]

و چون به موسی نوشتار را دادیم

وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ

و بازشناسی را، شاید راهنمایی بپذیرید.[53]

وَٱلْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [53]

و چون موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما همانا با برگرفتن گوساله بر خود ستم کردید؛ پس به سوی آن که شما را هستی داد بازگردید، و یکدیگر را بکشید،

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلْعِجْلَ فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَٱقْتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمْ

این برای شما نزد آن که شما را هستی داد بهتر است.»

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ

آنگاه با گذشت به سوی شما بازگشت،

فَتَابَ عَلَيْكُمْ

زیرا او است آن که پیوسته بازمی‌گردد، مهربان.[54]

إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ [54]

و چون گفتید: «ای موسی! به تو اعتماد نخواهیم کرد تا آنگاه که خدا را آشکارا نبینیم»؛ آنگاه صاعقه شما را فروگرفت، در حالی که می‌نگریستید.[55]

وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ [55]

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم، شاید سپاس‌گزار باشید.[56]

ثُمَّ بَعَثْنَٰكُم مِّنۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [56]

و سایهٔ ابر را بر شما گستردیم، و ترنجبین و بلدرچین را بر شما فرود آوردیم:

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ

«از چیزهای نیکویی که روزی‌تان داده‌ایم بخورید» —

كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ

آنان بر ما ستم نکردند، اما بر خودشان ستم می‌کردند.[57]

وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ [57]

و چون گفتیم: «به این شهر درآیید، از آن هر جا که پسندتان افتد به آسودگی بخورید، پیشانی بر خاک نهاده از در درآیید، و بگویید: بار ما را بردار — لغزش‌های شما را خواهیم بخشود،

وَإِذْ قُلْنَا ٱدْخُلُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ فَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰيَٰكُمْ

و به کسانی که نیکی می‌کنند بیشتر خواهیم داد.»[58]

وَسَنَزِيدُ ٱلْمُحْسِنِينَ [58]

اما ستمگران سخنی غیر از آنچه به آنان گفته شده بود جایگزین کردند؛ پس بر ستمگران آلودگی‌ای از آسمان فرود آوردیم، برای آنکه تجاوز کرده بودند.[59]

فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ [59]

و چون موسی برای سیراب کردن قوم خود آب خواست؛ گفتیم: «با عصای خود بر صخره بزن»؛

وَإِذِ ٱسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ فَقُلْنَا ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ

و ناگاه دوازده چشمه از آن جوشید:

فَٱنفَجَرَتْ مِنْهُ ٱثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا

هر گروهی از انسان‌ها جای نوشیدن خود را شناخت.

قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ

از روزی خدا بخورید و بنوشید،

كُلُواْ وَٱشْرَبُواْ مِن رِّزْقِ ٱللَّهِ

و بر زمین، فسادگرانه، آشوب نپراکنید.[60]

وَلَا تَعْثَوْاْ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ [60]

و چون گفتید: «ای موسی! هرگز نخواهیم توانست با یک خوراک شکیبایی کنیم؛ پس سرپرست خود را برای ما بخوان تا برایمان از آنچه زمین می‌رویاند بیرون آورد، از سبزی‌هایش، خیارهایش، سیرش، عدس‌هایش و پیازهایش.»

وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَٰحِدٍ فَٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلْأَرْضُ مِنۢ بَقْلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا

گفت: «آیا می‌خواهید آنچه را فوری است در برابر آنچه بهتر است بگیرید؟

قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ ٱلَّذِى هُوَ أَدْنَىٰ بِٱلَّذِى هُوَ خَيْرٌ

پس به مصر فرود آیید، زیرا آنچه خواستید در آنجا خواهید یافت.»

ٱهْبِطُواْ مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ

و خواری و تنگ‌دستی بر آنان چسبانده شد، و خشم خدا را بر خود فرا خواندند.

وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلْمَسْكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ

این از آن بود که نشانه‌های خدا را انکار می‌کردند، و اطلاع‌دهندگان را بدون حق می‌کشتند.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ

این برای آن بود که نافرمانی کردند و از حدود فراتر رفتند.[61]

ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ [61]

همانا کسانی که باور آورده‌اند، بازگرایان، یاری‌رسانان و آرزومندان — هر که به خدا و روز واپسین باور آورد و کرداری شایسته به‌جا آورد، پاداش‌شان از آنِ آنان است، نزد سرپرست‌شان، هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. **(146)** [62]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [62] **(146)**

و چون پیمان استوار شما را گرفتیم، و کوه را بالای سر شما برافراشتیم:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ

«آنچه را به شما داده‌ایم با نیرو بگیرید، و آنچه را در آن است به یاد آورید، شاید محتاط باشید.»[63]

خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱذْكُرُوا۟ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [63]

سپس پس از آن پشت کردید؛

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ

و اگر لطف خدا بر شما و مهر او نبود، از زیان‌کاران می‌بودید.[64]

فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ [64]

همانا کسانی از شما را شناخته‌اید که در مورد آسایش از حدود فراتر رفتند؛ آنگاه به آنان گفتیم: «میمون‌هایی دورافکنده باشید.»[65]

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْا۟ مِنكُمْ فِى ٱلسَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا۟ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ [65]

آن را مثالی بازدارنده برای آنچه پیش از آن بود و آنچه پس از آن می‌آمد ساختیم، و پندی برای محتاطان.[66]

فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ [66]

و چون موسی به قوم خود گفت: «خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی را سر ببرید.»

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا۟ بَقَرَةً

گفتند: «آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟»

قَالُوٓا۟ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا

گفت: «من خود را در پناه خدا می‌گذارم که از شمار نادانان نباشم.»[67]

قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ [67]

گفتند: «سرپرست خود را برای ما بخوان تا برایمان مشخص کند که آن چیست.»

قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ

گفت: «او می‌گوید که آن گاوی است نه پیر و نه بکر،

قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ

میانه‌سال، میان این دو؛

عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَ

پس آنچه را به شما دستور داده می‌شود انجام دهید.»[68]

فَٱفْعَلُوا۟ مَا تُؤْمَرُونَ [68]

گفتند: «سرپرست خود را برای ما بخوان تا رنگ آن را برایمان مشخص کند.»

قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا

گفت: «او می‌گوید که آن گاوی زرد است، با رنگی درخشان،

قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا

که نگاه‌ها را شیفته می‌کند.»[69]

تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ [69]

گفتند: «سرپرست خود را برای ما بخوان تا مشخص کند که آن چیست: گاوان در چشم ما همه شبیه یکدیگرند، و ما بی‌گمان، اگر خدا را پسند افتد، از کسانی خواهیم بود که راهنمایی می‌پذیرند.»[70]

قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ ٱلۡبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيۡنَا وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهۡتَدُونَ [70]

گفت: «او می‌گوید که آن گاوی است که برای زیر و رو کردن زمین رام نشده است و نه برای آب دادن شخم‌زار،

قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا ذَلُولٞ تُثِيرُ ٱلۡأَرۡضَ وَلَا تَسۡقِي ٱلۡحَرۡثَ

بی‌گزند، بی‌هیچ لکه‌ای.»

مُسَلَّمَةٞ لَّا شِيَةَ فِيهَا

گفتند: «اکنون حقیقت را آوردی.»

قَالُواْ ٱلۡـَٰٔنَ جِئۡتَ بِٱلۡحَقِّ

آنگاه آن را سر بریدند، پس از آنکه به‌راستی نزدیک بود آن را نکنند.[71]

فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُواْ يَفۡعَلُونَ [71]

و چون خویشتنی را کشتید، و درباره‌اش تقصیر را به گردن یکدیگر انداختید —

وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ نَفۡسٗا فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَا

حال آنکه خدا در آستانهٔ بیرون آوردنِ آنچه کتمان می‌کردید بود.[72]

وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ [72]

آنگاه گفتیم: «او را با پاره‌ای از آن بزنید»؛

فَقُلۡنَا ٱضۡرِبُوهُ بِبَعۡضِهَا

چنین است که خدا مردگان را دوباره زنده می‌کند، و نشانه‌های خود را به شما نشان می‌دهد، شاید خرد بورزید.[73]

كَذَٰلِكَ يُحۡيِ ٱللَّهُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ [73]

سپس هسته‌هایتان پس از آن سخت شد، چندان که همچون سنگ است، یا سخت‌تر از آن.

ثُمَّ قَسَتۡ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَٱلۡحِجَارَةِ أَوۡ أَشَدُّ قَسۡوَةٗ

و در میان سنگ‌ها بی‌گمان هست آنچه رودها از آن می‌جوشد؛

وَإِنَّ مِنَ ٱلۡحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنۡهُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ

و در میان آنان بی‌گمان هست آنچه می‌شکافد و از آن آب بیرون می‌آید؛

وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخۡرُجُ مِنۡهُ ٱلۡمَآءُ

و در میان آنان بی‌گمان هست آنچه فرود می‌آید، با بیم داشتن از خدا.

وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَهۡبِطُ مِنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِ

و خدا از آنچه می‌کنید بی‌اعتنا نیست.[74]

وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ [74]

آیا پس طمع دارید که به شما اعتماد کنند، در حالی که گروهی از آنان سخن خدا را می‌شنیدند، سپس آن را سوگیرانه دگرگون می‌کردند، پس از آنکه خرد خود را در آن به‌کار بسته بودند، در حالی که می‌دانستند؟[75]

أَفَتَطۡمَعُونَ أَن يُؤۡمِنُواْ لَكُمۡ وَقَدۡ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ يَسۡمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعۡدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ [75]

و چون با کسانی که باور آورده‌اند روبه‌رو می‌شوند، می‌گویند: «باور آوردیم»؛

وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا

و چون در میان خود تنها می‌مانند، می‌گویند: «آیا آنچه را خدا برای شما گشوده است با آنان در میان خواهید گذاشت تا نزد سرپرستتان با شما ستیزه کنند؟»

وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوٓاْ أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمْ

آیا پس خرد نمی‌ورزید؟[76]

أَفَلَا تَعْقِلُونَ [76]

آیا پس نمی‌دانند که خدا آنچه را نهان می‌دارند و آنچه را فاش می‌کنند می‌داند؟[77]

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ [77]

و در میان آنان کسانی هستند که پیش‌تر نوشته‌ای نداشتند، که نوشتار را فقط با آرزوهای بیهوده می‌شناسند،

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِىَّ

و فقط گمان می‌برند.[78]

وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ [78]

پس وای بر کسانی که نوشتار را با دستان خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از خدا است»، تا به آن بهایی ناچیز بخرند!

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ ٱلْكِتَٰبَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا

وای بر آنان برای آنچه دستانشان نوشت،

فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ

و وای بر آنان برای آنچه به دست می‌آورند![79]

وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ [79]

و گفتند: «آتش فقط برای روزهایی شمرده‌شده ما را لمس خواهد کرد.»

وَقَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَةً

بگو: «آیا نزد خدا پیمانی گرفته‌اید — خدا هرگز در پیمان خود کوتاهی نمی‌کند —،

قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ ٱللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ ٱللَّهُ عَهْدَهُۥٓ

یا بر خدا چیزی می‌گویید که نمی‌دانید؟»[80]

أَمْ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [80]

چرا: هر که بدی‌ای به دست آورد و لغزشش او را در بر بگیرد — اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[81]

بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَٰطَتْ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [81]

و کسانی که باور آورده‌اند و کردارهای شایسته به‌جا آورده‌اند — اینان‌اند همراهان باغ، در آن جاودانه می‌مانند.[82]

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [82]

و چون پیمان استوار فرزندان اسرائیل را گرفتیم: «فقط خدا را فرمان خواهید برد،

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ

و نیکوکاری با دو والد، نزدیکان، یتیمان و تنگ‌دستان؛

وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ

و به انسان‌ها آنچه را زیبا است بگویید؛

وَقُولُوا۟ لِلنَّاسِ حُسْنًا

و تماس را پابرجا نگه دارید، و گشاده‌دستی ناب را بدهید»؛

وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ

سپس پشت کردید، مگر اندکی از شما، در حالی که طفره می‌رفتید.[83]

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ وَأَنتُم مُّعْرِضُونَ [83]

و چون پیمان استوار شما را گرفتیم: «خون خود را نخواهید ریخت، و یکدیگر را از سراهایتان بیرون نخواهید کرد»؛ سپس آن را شناختید، و بر آن گواهید.[84]

وَاذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ [84]

سپس با این همه، اینک شما یکدیگر را می‌کشید، و گروهی از خودتان را از سراهایشان بیرون می‌کنید، در حالی که یکدیگر را علیه آنان در تخطی و دشمنی پشتیبانی می‌کنید؛

ثُمَّ أَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمْ تَظَٰهَرُونَ عَلَيْهِم بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ

و اگر اسیر به شما برسند، آنان را مبادله می‌کنید، با آنکه بیرون کردن‌شان بر شما ممنوع شده بود.

وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ

آیا پس به بخشی از نوشتار باور می‌آورید، و بخشی دیگر را انکار می‌کنید؟

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ ٱلْكِتَٰبِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ

پس بازپرداخت آن از شما که چنین می‌کند چیست، مگر رسوایی در زندگی نزدیک؟

فَمَا جَزَآءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

و در روز حضور، به سوی سخت‌ترین کیفر بازگردانده خواهند شد.

وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلْعَذَابِ

و خدا از آنچه می‌کنند بی‌اعتنا نیست. **(147)** [85]

وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ [85] **(147)**

اینان‌اند کسانی که زندگی نزدیک را به بهای زندگی واپسین خریدند؛ پس کیفر برایشان سبک‌تر ساخته نخواهد شد، و یاری داده نخواهند شد.[86]

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا بِٱلْءَاخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ [86]

همانا ما به موسی نوشتار را دادیم، و پس از او فرستادگان را به دنبال هم آوردیم.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ بِٱلرُّسُلِ

و به عیسی، پسر مریم، دلایل روشن دادیم، و او را با جریان والا توان بخشیدیم.

وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ

هرگاه فرستاده‌ای با آنچه خویشتن‌های خودتان به آن تمایل نداشتند نزد شما آمد، آیا خودبزرگ‌بینی نکردید؟

أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسْتَكْبَرْتُمْ

گروهی از آنان را دروغ انگاشتید، و گروهی دیگر را می‌کشید.[87]

فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ [87]

و گفتند: «هسته‌های ما پیچیده شده‌اند»؛

وَقَالُواْ قُلُوبُنَا غُلْفُۢ

نه، خدا آنان را به‌سبب انکارشان نفرین کرده است، و فقط اندکی باور می‌آورند.[88]

بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ [88]

و چون نوشتاری از سوی خدا برایشان آمد، که آنچه را با ایشان است تأیید می‌کرد — در حالی که پیش‌تر گشایش را بر ضد کسانی که انکار می‌کردند می‌طلبیدند —،

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُواْ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

پس چون آنچه را می‌شناختند به سویشان آمد، آن را انکار کردند.

فَلَمَّا جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦ

پس نفرین خدا بر انکارکنندگان است.[89]

فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ [89]

چه زشت است آنچه خویشتن خود را با آن خریدند: انکار آنچه خدا فرود آورده است، از روی زورگویی، از آن‌رو که خدا از لطف خود بر هر که او را پسند افتد از فرمان‌برداران خود فرود می‌آورد!

بِئْسَمَا ٱشْتَرَوْاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ

پس خشمی بر خشم بر خود فرا خواندند.

فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ

و برای انکارکنندگان، کیفری خوارکننده.[90]

وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ [90]

و چون به آنان گفته می‌شود: «به آنچه خدا فرود آورده است باور آورید»، می‌گویند: «به آنچه بر ما فرود آورده‌شده است باور می‌آوریم»؛ و آنچه را فراتر از آن است انکار می‌کنند،

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ نُؤْمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ

و آن حقیقت است، که آنچه را با ایشان است تأیید می‌کند.

وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ

بگو: «پس چرا اطلاع‌دهندگان خدا را پیش‌تر کشتید، اگر باورمند بودید؟»[91]

قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [91]

همانا موسی با دلایل روشن نزد شما آمد؛ سپس شما پس از او گوساله را برگرفتید، و ستمگر بودید.[92]

وَلَقَدْ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ [92]

و چون پیمان استوار شما را گرفتیم، و کوه را بالای سر شما برافراشتیم:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ

«آنچه را به شما داده‌ایم با نیرو بگیرید، و گوش فرا دهید.»
خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْ

گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم»؛
قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا

و به‌سبب انکارشان، گوساله به هسته‌هایشان نوشانده شد.
وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡ

بگو: «چه زشت است آنچه باور شما به شما دستور می‌دهد، اگر باورمندید!»[93]
قُلۡ بِئۡسَمَا يَأۡمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ [93]

بگو: «اگر جایگاه واپسین نزد خدا ویژهٔ شما است، با کنار گذاشتن انسان‌ها، پس مرگ را آرزو کنید، اگر راست‌گویید.»[94]
قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [94]

اما هرگز آن را آرزو نخواهند کرد، به‌سبب آنچه دستانشان پیش بردند.
وَلَن يَتَمَنَّوۡهُ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ

و خدا همه‌چیزدانِ ستمگران است.[95]
وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ [95]

و بی‌گمان آنان را خواهی یافت، از میان همهٔ انسان‌ها، کسانی که بیش از همه به زندگی دل‌بسته‌اند،
وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ

حتی بیش از کسانی که انباز گرفته‌اند؛ یکی از آنان می‌خواهد هزار سال زندگی کند،
وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ يَوَدُّ أَحَدُهُمۡ لَوۡ يُعَمَّرُ أَلۡفَ سَنَةٖ

اما این او را به هیچ‌وجه از کیفر دور نمی‌کرد، حتی اگر چنین دراز زندگی می‌کرد.

وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِۦ مِنَ ٱلْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ

خدا بر آنچه می‌کنند بینا است.[96]

وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ [96]

بگو: «هر که دشمن جبرئیل باشد بداند که او است که آن را بر هستهٔ تو فرود آورده است، با اجازهٔ خدا، تأییدکنندهٔ آنچه پیش از آن است، و همچون راهنمایی و مژده برای باورمندان.»[97]

قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ [97]

هر که دشمن خدا، کارگزاران او، فرستادگان او، جبرئیل و میکائیل باشد بداند که خدا همانا دشمن انکارکنندگان است.[98]

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَٰفِرِينَ [98]

همانا ما نشانه‌های روشن را به سوی تو فرود آوردیم،

وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ

و فقط تجاوزگران آن‌ها را انکار می‌کنند.[99]

وَمَا يَكْفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلْفَٰسِقُونَ [99]

آیا هرگاه پیمانی می‌بندند، گروهی از آنان آن را دور می‌افکند؟

أَوَكُلَّمَا عَٰهَدُوا۟ عَهْدًا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٌ مِّنْهُم

بیشترشان، بلکه، باور نمی‌آورند.[100]

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ [100]

و چون فرستاده‌ای از سوی خدا برایشان آمد، که آنچه را با ایشان است تأیید می‌کرد، گروهی از کسانی که نوشتار به آنان داده شده بود، نوشتار خدا را پشت سر خود دور افکند، چنان‌که گویی نمی‌دانستند.[101]

وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلْكِتَٰبَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [101]

و از آنچه منحرف‌کنندگان دربارهٔ پادشاهی سلیمان برمی‌خواندند پیروی کردند.

وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتْلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَٰنَ

حال آنکه سلیمان هرگز انکار نکرد،

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَٰنُ

اما منحرف‌کنندگان بودند که انکار کردند، چشم‌بندی را به انسان‌ها می‌آموختند، و نیز آنچه بر دو پادشاه در بابل فرود آورده شد، هاروت و ماروت؛ **(148)**

وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحْرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَ **(148)**

و آن دو به هیچ‌کس نمی‌آموختند بی‌آنکه نخست بگویند: «ما فقط یک آزمونیم، پس انکار مکن.»

وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ

آنگاه از آن دو چیزی می‌آموختند که با آن مرد را از همسرش جدا می‌کنند؛

فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَزَوْجِهِۦ

اما با آن به هیچ‌کس آسیب نمی‌رسانند، مگر با اجازهٔ خدا.

وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و چیزی می‌آموزند که به آنان آسیب می‌رساند و برایشان سودی ندارد.

وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ

همانا می‌دانستند که هر که آن را بخرد، در زندگی واپسین هیچ سهمی نخواهد داشت.

وَلَقَدْ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشْتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ

و چه زشت است آنچه خویشتن خود را در برابر آن فروختند، اگر دانسته بودند![102]

وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ [102]

و اگر باور آورده بودند و محتاط شده بودند، همانا عوضی از سوی خدا بهتر می‌بود، اگر دانسته بودند.[103]

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوْاْ لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ [103]

ای کسانی که باور آورده‌اید! نگویید «ما را خوار مشمار»، اما بگویید «ما را بنگر»، و گوش فرا دهید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا وَقُولُواْ ٱنظُرْنَا وَٱسْمَعُواْ

و برای انکارکنندگان، کیفری دردناک.[104]

وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ [104]

انکارکنندگان از میان دارندگان نوشتار، و انبازگیرندگان، نمی‌خواهند که هیچ نیکی‌ای از سوی سرپرست شما بر شما فرود آید؛

مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَلَا ٱلْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ

اما خدا مهر خود را به هر که او را پسند افتد اختصاص می‌دهد.

وَٱللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ

و خدا دارندهٔ لطفِ سترگ است.[105]

وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ [105]

هر نشانه‌ای که ما رونویسی می‌کنیم، یا فراموش می‌گردانیم، بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم.

مَا نَنسَخْ مِنْ ءَايَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ أَوْ مِثْلِهَآ

آیا نمی‌دانی که خدا بر هر چیز توانا است؟[106]

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [106]

آیا نمی‌دانی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آنِ خدا است، و اینکه شما، غیر از خدا، نه متحدی دارید و نه یاری‌ای؟[107]

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ [107]

یا می‌خواهید از فرستادهٔ خود بپرسید، چنان‌که موسی پیش‌تر پرسیده شد؟

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْـَٔلُوا۟ رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ

و هر که انکار را جایگزین باور کند، از راه راست گمراه شده است.[108]

وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلْكُفْرَ بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ [108]

بسیاری از دارندگان نوشتار می‌خواهند شما را، پس از باورتان، به انکاری بازگردانند،

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعْدِ إِيمَٰنِكُمْ كُفَّارًا

از رشک، از سوی خودشان، پس از آنکه حقیقت برایشان روشن شد.

حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْحَقُّ

پس چشم‌پوشی کنید و از آن درگذرید، تا آنکه خدا دستور خود را بیاورد،

فَٱعْفُوا۟ وَٱصْفَحُوا۟ حَتَّىٰ يَأْتِىَ ٱللَّهُ بِأَمْرِهِۦٓ

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.[109]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [109]

و تماس را پابرجا نگه دارید، و گشاده‌دستی ناب را بدهید.

وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ

و هر نیکی‌ای که برای خودتان پیش می‌برید، آن را نزد خدا خواهید یافت،

وَمَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ

زیرا خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[110]

إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ [110]

و گفتند: «هیچ‌کس به باغ درنخواهد آمد، مگر آنکه از بازگرایان یا یاری‌رسانان باشد.»

وَقَالُواْ لَن يَدۡخُلَ ٱلۡجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ

اینها آرزوهای بیهودهٔ ایشان است.

تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡ

بگو: «برهان خود را بیاورید، اگر راست‌گویید.»[111]

قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ [111]

چرا: هر که سوی خود را نزد خدا بی‌خدشه گرداند، در حالی که نیکی می‌کند، پاداشش نزد سرپرستش است؛ هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[112]

بَلَىٰ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ [112]

و بازگرایان گفتند: «یاری‌رسانان بر هیچ چیز تکیه ندارند»؛ و یاری‌رسانان گفتند: «بازگرایان بر هیچ چیز تکیه ندارند»؛ در حالی که نوشتار را برمی‌خوانند.

وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ ٱلۡكِتَٰبَ

چنین گفتند کسانی که نمی‌دانند، سخنی همانند سخن ایشان می‌گویند.

كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ مِثۡلَ قَوۡلِهِمۡ

خدا میان آنان، در روز حضور، دربارهٔ آنچه در آن اختلاف داشتند داوری خواهد کرد.[113]

فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ [113]

و پس کیست ستمگرتر از آن‌که مانع می‌شود که در جای‌های پیشانی بر خاک نهادن خدا، نام او به یاد آورده شود، و در ویرانی آن‌ها می‌کوشد؟

وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ

اینان را نشاید که در آن درآیند مگر ترسان.
أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَ

در زندگی نزدیک، رسوایی‌ای دارند،
لَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ

و در زندگی واپسین، کیفری سترگ خواهند داشت.[114]
وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ [114]

و خاور و باختر از آنِ خدا است:
وَلِلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ

هر جا که روی کنید، آنجا سوی خدا است،
فَأَيْنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجْهُ ٱللَّهِ

زیرا خدا گسترده و همه‌چیزدان است.[115]
إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ [115]

و گفتند: «خدا فرزندی برای خود برگرفته است.»
وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا

شکوه بر او باد!
سُبْحَٰنَهُۥ

بلکه آنچه در آسمان‌ها و بر زمین است از آنِ او است؛
بَل لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

همگی به او وقف شده‌اند.[116]
كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ [116]

آفریننده‌ای بی‌هیچ پیشینه از آسمان‌ها و زمین.
بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

چون چیزی را مقرر می‌کند، فقط به آن می‌گوید: «باش»،
وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن

و آن هست.[117]
فَيَكُونُ [117]

و کسانی که نمی‌دانند گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید، یا چرا نشانه‌ای برای ما نمی‌آید!»
وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوْ تَأْتِينَآ ءَايَةٌ

چنین گفتند کسانی که پیش از آنان بودند، سخنی همانند سخن آنان؛
كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ

هسته‌هایشان به یکدیگر شبیه‌اند.
تَشَٰبَهَتْ قُلُوبُهُمْ

ما نشانه‌ها را برای قومی که یقین دارد روشن کرده‌ایم.[118]
قَدْ بَيَّنَّا ٱلْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ [118]

ما تو را، به حقیقت، مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم،
إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا

و دربارهٔ همراهان کوره پرسیده نخواهی شد.[119]
وَلَا تُسْـَٔلُ عَنْ أَصْحَٰبِ ٱلْجَحِيمِ [119]

و نه بازگرایان و نه یاری‌رسانان هرگز از تو خشنود نخواهند شد، تا آنگاه که از آموزهٔ آنان پیروی نکنی.
وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ ٱلْيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ

بگو: «راهنمایی خدا، آن است راهنمایی.»

قُلْ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَىٰ

و اگر از هیجان‌های آنان پیروی می‌کردی، پس از آنچه از دانش به تو رسیده است، در برابر خدا نه متحدی می‌داشتی و نه یاری‌ای.[120]

وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم بَعْدَ ٱلَّذِى جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ [120]

کسانی که به آنان نوشتار دادیم، و آن را چنان‌که باید برخوانده شود برمی‌خوانند، اینان‌اند که به آن باور می‌آورند.

ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَتْلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ

و هر که آن را انکار کند — اینان‌اند زیان‌کاران.[121]

وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ [121]

ای فرزندان اسرائیل! دهش مرا که شما را از آن سرشار کردم به یاد آورید، و اینکه شما را بر همهٔ هستی‌ها برتری دادم.[122]

يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ [122]

و از روزی محتاط باشید که در آن هیچ خویشتنی در هیچ چیز جای خویشتنی دیگر را نخواهد گرفت، هیچ جبرانی از او پذیرفته نخواهد شد، هیچ میانجی‌گری‌ای او را سود نخواهد رساند، و آنان یاری نخواهند شد.[123]

وَٱتَّقُوا۟ يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ [123]

و چون سرپرست ابراهیم او را با کلمه‌هایی آزمود، که او کامل کرد.

وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٍ فَأَتَمَّهُنَّ

گفت: «همانا من تو را راهنما برای انسان‌ها خواهم ساخت.»

قَالَ إِنِّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا

گفت: «و از نسل من؟»

قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي

گفت: «پیمان من به ستمگران نمی‌رسد.»[124]

قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي ٱلظَّٰلِمِينَ [124]

و چون خانه را برای انسان‌ها جایی برای بازگشت و امنیت ساختیم؛ و آنان از ایستگاه ابراهیم جایی برای تماس برگرفتند. **(149)**

وَإِذْ جَعَلْنَا ٱلْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَٱتَّخَذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى **(149)**

و ما ابراهیم و اسماعیل را به پیمانی پای‌بند کردیم: «خانهٔ مرا برای رفت‌وآمدکنندگان، اقامت‌کنندگان، و خم‌شوندگان در خدمت و پیشانی‌برخاک‌نهندگان در وفاداری پاک کنید.»[125]

وَعَهِدْنَآ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ [125]

و چون ابراهیم گفت: «ای سرپرست من، این را سرزمینی امن قرار ده، و مردم آن را با میوه‌ها روزی ده، کسانی از آنان که به خدا و روز واپسین باور می‌آورند.»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَٱرْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ

گفت: «و هر که انکار کند، کامیابی‌ای کوتاه به او می‌دهم، سپس او را به کیفر آتش ناچار می‌کنم.»

قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِ

و چه زشت مقصدی![126]

وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ [126]

و چون ابراهیم شالوده‌های خانه را با اسماعیل بالا می‌برد:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَٰهِـۧمُ ٱلْقَوَاعِدَ مِنَ ٱلْبَيْتِ وَإِسْمَٰعِيلُ

«سرپرست ما، این را از ما بپذیر؛ همانا این تویی، شنوا، همه‌چیزدان.[127]

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [127]

سرپرست ما، ما دو تن را نزد خود بی‌خدشه قرار ده، و از نسل ما، جامعه‌ای نزد خود بی‌خدشه.

رَبَّنَا وَٱجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ

و روش‌های نیکوکارانهٔ ما را به ما بنمای.

وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا

و با گذشت به سوی ما بازگرد،

وَتُبْ عَلَيْنَآ

زیرا این تویی، آن که پیوسته بازمی‌گردد، مهربان.[128]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ [128]

سرپرست ما، و در میان آنان فرستاده‌ای برانگیز، از خودشان، که نشانه‌های تو را برایشان برخواند، نوشتار و فرزانگی را به آنان بیاموزد، و آنان را پاک کند؛

رَبَّنَا وَٱبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ

زیرا این تویی، نیرومند، فرزانه.»[129]

إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ [129]

و پس کیست که از آموزهٔ ابراهیم روی برتابد، مگر آن که خویشتن خود را بی‌خرد می‌سازد؟

وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُۥ

ما او را همانا در زندگی نزدیک برگزیدیم،

وَلَقَدِ ٱصْطَفَيْنَٰهُ فِى ٱلدُّنْيَا

و در زندگی واپسین بی‌گمان از شمار کسانی که شایسته‌اند خواهد بود.[130]

وَإِنَّهُۥ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ [130]

چون سرپرستش به او گفت: «نزد من بی‌خدشه باش»؛

إِذْ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسْلِمْ

گفت: «من نزد سرپرست همهٔ هستی‌ها بی‌خدشه‌ام.»[131]

قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [131]

و ابراهیم آن را به پسرانش سفارش کرد،

وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبْرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ

و یعقوب نیز: «ای پسران من! خدا این قانون را برای شما برگزید؛ پس نمیرید مگر آنکه نزد او بی‌خدشه باشید.»[132]

وَيَعْقُوبُ يَٰبَنِىَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ [132]

یا شما گواه بودید، هنگامی که مرگ به یعقوب رسید، هنگامی که به پسرانش گفت: «پس از من چه کسی را فرمان خواهید برد؟»

أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ ٱلْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنۢ بَعْدِى

گفتند: «ایزد تو را فرمان خواهیم برد، ایزد نیاکان تو، ابراهیم، اسماعیل و اسحاق، ایزدی یگانه، و ما نزد او بی‌خدشه‌ایم.»[133]

قَالُوا۟ نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ [133]

این جامعه‌ای است که پیش‌تر گذشته است:

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ

از آنِ او است آنچه به دست آورد،

لَهَا مَا كَسَبَتْ

و از آنِ شما آنچه به دست آوردید؛

وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ

و دربارهٔ آنچه می‌کردند پرسیده نخواهید شد.[134]

وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [134]

و گفتند: «بازگرایان یا یاری‌رسانان باشید، راهنمایی خواهید پذیرفت.»

وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ تَهْتَدُواْ

بگو: «نه، بلکه آموزهٔ ابراهیم، یکسره رو به خدا»،

قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِـۧمَ حَنِيفًا

و او از شمار انبازگیرندگان نبود.[135]

وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ [135]

بگویید: «به خدا باور می‌آوریم، و به آنچه بر ما فرود آورده شده است، و به آنچه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و تبارها فرود آورده شده است، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده است، و به آنچه از سوی سرپرست‌شان به اطلاع‌دهندگان داده شده است؛ میان آنان هیچ تمایزی نمی‌نهیم، و نزد او بی‌خدشه‌ایم.»[136]

قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ [136]

اگر به آنچه شما بدان باور آوردید باور آورند، آنگاه راهنمایی می‌پذیرند؛

فَإِنْ ءَامَنُواْ بِمِثْلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهْتَدَواْ

و اگر پشت کنند، آنگاه فقط در گسست‌اند؛

وَّإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا هُمْ فِى شِقَاقٍ

خدا به‌زودی در برابر آنان برای تو بسنده خواهد بود:

فَسَيَكْفِيكَهُمُ ٱللَّهُ

و او شنوا و همه‌چیزدان است.[137]
وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ [137]

رنگ‌آمیزی خدا —
صِبْغَةَ ٱللَّهِ

و کیست که بهتر از خدا رنگ می‌آمیزد؟ —
وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبْغَةً

و او را فرمان می‌بریم.[138]
وَنَحْنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ [138]

بگو: «آیا با ما دربارهٔ خدا ستیزه می‌کنید، در حالی که او سرپرست ما و سرپرست شما است؟
کردارهای ما از آنِ ما و کردارهای شما از آنِ شما؛
قُلْ أَتُحَآجُّونَنَا فِى ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ

و ما خود را به‌طور انحصاری به او وقف می‌کنیم.»[139]
وَنَحْنُ لَهُۥ مُخْلِصُونَ [139]

یا می‌گویید: «ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و تبارها بازگرایان یا یاری‌رسانان بودند»؟
أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطَ كَانُوا۟ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ

بگو: «آیا شما بهتر می‌دانید یا خدا؟»
قُلْ ءَأَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ ٱللَّهُ

و پس کیست ستمگرتر از آن که گواهی‌ای را که نزد او از سوی خدا است کتمان می‌کند؟
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ

و خدا از آنچه می‌کنید بی‌اعتنا نیست.[140]
وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ [140]

این جامعه‌ای است که پیش‌تر گذشته است:

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ

از آنِ او است آنچه به دست آورد،

لَهَا مَا كَسَبَتْ

و از آنِ شما آنچه به دست آوردید؛

وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ

و دربارهٔ آنچه می‌کردند پرسیده نخواهید شد.[141]

وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ [141]

بی‌خردان از میان انسان‌ها خواهند گفت: «چه چیز آنان را از نقطهٔ تجمع‌شان که بر آن ایستاده بودند برگرداند؟»

سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ ٱلَّتِى كَانُواْ عَلَيْهَا

بگو: «خاور و باختر از آنِ خدا است؛

قُل لِّلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ

او هر که را پسند او افتد به جادهٔ راست راه می‌نماید.»[142]

يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [142]

و بدین‌سان شما را جامعه‌ای نمونه ساختیم،

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَٰكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

تا شما بر انسان‌ها گواه باشید، و فرستاده بر شما گواه باشد.

لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

و نقطهٔ تجمعی را که بر آن ایستاده بودی ننهاده بودیم مگر برای آنکه بازشناسیم کسی را که از فرستاده پیروی می‌کند از کسی که بر پاشنه‌هایش واپس می‌چرخد.

وَمَا جَعَلْنَا ٱلْقِبْلَةَ ٱلَّتِى كُنتَ عَلَيْهَآ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ

این بی‌گمان گران بود، مگر برای کسانی که خدا آنان را راه نموده است.

وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ

و خدا را شایسته نیست که بگذارد باور شما پراکنده شود.

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمْ

خدا بی‌گمان نسبت به انسان‌ها سرشار از نیکی و مهربان است.[143]

إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ [143]

همانا گردش چهرهٔ تو را در آسمان به هر سو خواهیم دید؛ پس بی‌گمان نقطهٔ تجمعی را که تو را خشنود کند راستای تو قرار خواهیم داد.

قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِى ٱلسَّمَآءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَىٰهَا

پس راستای خود را به سوی جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض بگیر،

فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ

و هر جا که باشید، راستای خود را به سوی آن بگیرید.

وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ

و کسانی که نوشتار به آنان داده شده است بی‌گمان می‌دانند که آن حقیقتی است از سوی سرپرست‌شان.

وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ

و خدا از آنچه می‌کنند بی‌اعتنا نیست.[144]

وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ [144]

و حتی اگر برای کسانی که نوشتار به آنان داده شده است هر نشانه‌ای می‌آوردی، از نقطهٔ تجمع تو پیروی نمی‌کردند.

وَلَئِنْ أَتَيْتَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ بِكُلِّ ءَايَةٍ مَّا تَبِعُوا۟ قِبْلَتَكَ

و تو از نقطهٔ تجمع آنان پیروی نخواهی کرد؛

وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ

و آنان نیز از نقطهٔ تجمع یکدیگر پیروی نمی‌کنند.

وَمَا بَعْضُهُم بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ

و اگر از هیجان‌های آنان پیروی می‌کردی، پس از آنچه از دانش به تو رسیده است، آنگاه بی‌گمان از شمار ستمگران می‌بودی.[145]

وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ [145]

کسانی که به آنان نوشتار دادیم او را می‌شناسند چنان‌که پسران خود را می‌شناسند،

ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمْ

و گروهی از آنان بی‌گمان حقیقت را کتمان می‌کنند، در حالی که می‌داند.[146]

وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ ٱلْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [146]

حقیقت از سوی سرپرست تو است؛

ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ

پس هرگز از شمار کسانی که به بگومگو درمی‌آیند مباش.[147]

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ [147]

و هر کس را سویی است که راستا به سوی آن به او داده شده است؛ پس در بهترین‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید.(150)

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَٱسْتَبِقُوا۟ ٱلْخَيْرَٰتِ (150)

هر جا که باشید، خدا همهٔ شما را باز خواهد آورد،

أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا

زیرا خدا بر هر چیز توانا است.[148]

إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [148]

و از هر جا که بیرون می‌روی، راستای خود را به سوی جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض بگیر:

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ

این بی‌گمان حقیقتی است از سوی سرپرست تو.

وَإِنَّهُۥ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ

و خدا از آنچه می‌کنید بی‌اعتنا نیست.[149]

وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ [149]

و از هر جا که بیرون می‌روی، راستای خود را به سوی جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض بگیر،

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ

و هر جا که باشید، راستای خود را به سوی آن بگیرید، تا مردم هیچ استدلالی علیه شما نداشته باشند — مگر آنان که از میان ایشان ستمگرند؛ پس از آنان بیم نداشته باشید، اما از من بیم داشته باشید —

وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَٱخْشَوْنِى

و تا دهش خود را بر شما کامل کنم، و شاید راهنمایی بپذیرید،[150]

وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِى عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [150]

چنان‌که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان فرستادیم، که نشانه‌های ما را بر شما برمی‌خواند، شما را پاک می‌کند، نوشتار و فرزانگی را به شما می‌آموزد، و آنچه را نمی‌دانستید به شما می‌آموزد. پس مرا به یاد آورید، من شما را به یاد خواهم آورد؛ برای من سپاس‌گزار باشید، و مرا انکار نکنید.[151-152]

كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ 151 فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ 152

ای کسانی که باور آورده‌اید! از شکیبایی و تماس یاری بجویید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِ

زیرا خدا با شکیبایان است.[153]

إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ 153

و دربارهٔ کسانی که بر راه خدا کشته می‌شوند نگویید که مرده‌اند.

وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢ

نه، آنان زنده‌اند، اما حس نمی‌کنید.[154]

بَلۡ أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ 154

و بی‌گمان شما را با اندکی ترس و گرسنگی آزمایش خواهیم کرد، و با کاستی در دارایی‌ها، خویشتن‌ها و میوه‌ها؛

وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ

و شکیبایان را مژده بده، آنان که چون ناکامی‌ای به آنان رسد می‌گویند: «ما همانا از آنِ خدا هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم.»[155-156]

وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ 155 ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ 156

اینان‌اند کسانی که بر آنان تماس‌هایی از سوی سرپرست‌شان است، و مهری،

أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞ

و اینان‌اند که راهنمایی می‌پذیرند.[157]
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ [157]

صفا و مروه همانا از شاخص‌های محسوس خدا هستند.
إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ

هر که حج خانه را به‌جا آورد یا عمره کند، بر او هیچ ایرادی نیست که از آن دو دیدن کند.
فَمَنْ حَجَّ ٱلْبَيْتَ أَوِ ٱعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا

و هر که با رضایت خود نیکی کند — خدا همانا سپاس‌گزار و همه‌چیزدان است.[158]
وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ [158]

همانا کسانی که آنچه را ما از دلایل روشن و راهنمایی فرود آوردیم کتمان می‌کنند، پس از آنکه آن را در نوشتار برای انسان‌ها روشن کرده‌ایم — اینان‌اند که خدا آنان را نفرین می‌کند، و نفرین‌کنندگان نفرینشان می‌کنند،[159]
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلْهُدَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِى ٱلْكِتَٰبِ أُوْلَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ [159]

مگر کسانی که بازمی‌گردند، اصلاح می‌کنند و روشن می‌سازند: اینان‌اند که با گذشت به سوی ایشان بازمی‌گردم؛ من آن‌که پیوسته بازمی‌گردد، مهربان‌ام.[160]
إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ وَأَصْلَحُوا۟ وَبَيَّنُوا۟ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ [160]

همانا کسانی که انکار می‌کنند و در حال انکار می‌میرند — اینان‌اند که نفرین خدا، کارگزاران و انسان‌ها، همگی، بر آنان است، که در آن جاودانه خواهند ماند؛[161]
إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَمَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ ٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ [161] خَٰلِدِينَ فِيهَا

کیفر بر آنان سبک‌تر کرده نخواهد شد، و به آنان مهلت داده نخواهد شد.[162]
لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ [162]

و ایزد شما ایزدی یگانه است؛

وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ

هیچ ایزدی نیست مگر او،

لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

بی‌اندازه مهربان، مهربان.[163]

ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ [163]

بی‌گمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین، در پی‌درپی آمدن شب و روز، در کشتی‌ای که با آنچه به انسان‌ها سود می‌رساند بر دریا روان است، در آبی که خدا از آسمان فرود می‌آورد و با آن زمین را پس از مرگش دوباره زنده می‌کند، و در آن هر جنبنده‌ای را پراکنده می‌سازد، در گوناگونی بادها، و در ابر رام‌شده میان آسمان و زمین — نشانه‌هایی است برای قومی که خرد می‌ورزد.[164]

إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِى تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٍ فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلْمُسَخَّرِ بَيْنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ [164]

و از میان انسان‌ها کسانی هستند که غیر از خدا رقیبانی برمی‌گیرند، که آنان را دوست می‌دارند چنان‌که خدا را دوست می‌دارند؛

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ

اما کسانی که باور آورده‌اند در دوستی خدا از آنان شدیدترند.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ

و اگر ستمگران می‌دیدند، آنگاه که کیفر را خواهند دید، که نیرو یکسره از آنِ خدا است، و خدا در کیفر سخت است —[165]

وَلَوْ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِذْ يَرَوْنَ ٱلْعَذَابَ أَنَّ ٱلْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعَذَابِ [165]

آنگاه که پیروی‌شدگان خود را از پیروان خود بری اعلام خواهند کرد، و کیفر را خواهند دید، و رشته‌های میان آنان گسسته خواهد شد.[166]

إِذْ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ ٱلْأَسْبَابُ [166]

و پیروان خواهند گفت: «کاش ما را تلافی‌ای بود، آنگاه خود را از آنان بری اعلام می‌کردیم چنان‌که آنان خود را از ما بری اعلام کردند.»

وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُواْ مِنَّا

چنین است که خدا کردارهای آنان را به ایشان می‌نمایاند، همچون حسرت‌هایی برایشان،

كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ حَسَرَٰتٍ عَلَيْهِمْ

و هرگز از آتش بیرون نخواهند آمد.[167]

وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ [167]

ای انسان‌ها! از آنچه بر زمین است بخورید، از آنچه روا و نیکو است،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِى ٱلْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا

و از گام‌های منحرف‌کننده پیروی نکنید،

وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ

زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.[168]

إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ [168]

او شما را فقط به بدی و زشتکاری دستور می‌دهد، و به اینکه بر خدا چیزی بگویید که نمی‌دانید.[169]

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلْفَحْشَآءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [169]

و چون به آنان گفته می‌شود: «از آنچه خدا فرود آورده است پیروی کنید»، می‌گویند: «نه، ما از آنچه نیاکان خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم.»

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلْ نَتَّبِعُ مَآ أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ

چه! حتی اگر نیاکانشان هیچ خرد نمی‌ورزیدند و راهنمایی نمی‌پذیرفتند؟[170]

أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ [170]

و مثال انکارکنندگان مثال کسی است که به آنچه فقط فراخوان و هیاهو می‌شنود فریاد می‌زند.

وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَآءً وَنِدَآءً

کر، لال، کور، پس خرد نمی‌ورزند.[171]

صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ [171]

ای کسانی که باور آورده‌اید! از چیزهای نیکویی که روزی‌تان داده‌ایم بخورید، و برای خدا سپاس‌گزار باشید، اگر او را فرمان می‌برید.[172]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ وَٱشْكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ [172]

او بر شما فقط جانور مرده، خون، گوشت خوک، و آنچه برای غیر از خدا وقف شده است را ممنوع کرده است.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ ٱللَّهِ

اما هر که ناچار شود، بی‌آنکه سرکش باشد و از حدود فراتر رود، هیچ تخطی‌ای بر او نیست،

فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[173]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [173]

همانا کسانی که آنچه را خدا از نوشتار فرود آورده است کتمان می‌کنند، و به آن بهایی ناچیز می‌خرند — اینان‌اند که در شکم‌های خود فقط آتش فرو می‌برند؛ خدا در روز حضور با آنان سخن نخواهد گفت، و آنان را پاک نخواهد کرد،

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِى بُطُونِهِمْ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ

و کیفری دردناک خواهند داشت.[174]

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ [174]

اینان‌اند که گمراهی را به بهای راهنمایی خریدند، و کیفر را به بهای بخشایش. پس چه چیز آنان را در برابر آتش چنین پایدار ساخته است![175]

أُوْلَٰئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ وَٱلْعَذَابَ بِٱلْمَغْفِرَةِ فَمَآ أَصْبَرَهُمْ عَلَى ٱلنَّارِ [175]

این از آن است که خدا نوشتار را به حقیقت فرود آورد،

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ

و کسانی که دربارهٔ نوشتار اختلاف می‌کنند بی‌گمان در گسستی دورند.[176]

وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُواْ فِى ٱلْكِتَٰبِ لَفِى شِقَاقٍ بَعِيدٍ [176]

فضیلت در آن نیست که چهره‌های خود را به سوی خاور یا باختر بگردانید،

لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ

اما فضیلت، آن است که به خدا، روز واپسین، کارگزاران، نوشتار و اطلاع‌دهندگان باور آورد، و از دارایی خود، با وجود دوستی‌اش به آن، به نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان، مسافر در راه‌مانده و خواهندگان و برای بازخرید در گرو ماندگان بدهد، و تماس را پابرجا نگه دارد و گشاده‌دستی ناب را بدهد،

وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلْكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّۦنَ وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ

کسانی که چون پیمان بسته‌اند به پیمان خود وفادارند،

وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُواْ

و شکیبایان در سختی، آسیب، و هنگام خشونت:

وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلْبَأْسِ

اینان‌اند که راست‌گو بوده‌اند،
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ

و اینان‌اند که محتاط‌اند.[177]
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ [177]

ای کسانی که باور آورده‌اید! پی‌جویی دربارهٔ کشته‌شدگان بر شما مقرر شده است:
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِصَاصُ فِي ٱلْقَتْلَى

آزاده با آزاده، فرمان‌بردار با فرمان‌بردار، و زن با زن.
ٱلْحُرُّ بِٱلْحُرِّ وَٱلْعَبْدُ بِٱلْعَبْدِ وَٱلْأُنثَىٰ بِٱلْأُنثَىٰ

اما برای کسی که برادرش به نفع او از چیزی چشم‌پوشی می‌کند: پیگیری به شیوهٔ شناخته‌شده، و تسویه‌ای با خوش‌رویی.
فَمَنْ عُفِيَ لَهُۥ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَٱتِّبَاعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَٰنٍ

این سبک‌سازی‌ای است از سوی سرپرست شما، و مهری.
ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ

و هر که پس از آن حمله کند کیفری دردناک خواهد داشت.[178]
فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ [178]

و شما را در پی‌جویی زندگی‌ای است، ای دارندگان هوش، شاید محتاط باشید.[179]
وَلَكُمْ فِي ٱلْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَٰٓأُوْلِي ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [179]

بر شما مقرر شده است، چون مرگ به یکی از شما رسید، اگر مالی بر جای می‌گذارد،
كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا

وصیت به سود دو والد و نزدیکان، به شیوهٔ شناخته‌شده:
ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ بِٱلْمَعْرُوفِ

وظیفه‌ای برای محتاطان.[180]

حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ [180]

و هر که آن را پس از شنیدنش تغییر دهد، تخطی فقط بر عهدهٔ کسانی است که آن را تغییر می‌دهند،

فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعْدَمَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ

زیرا خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[181]

إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [181]

اما هر که از وصیت‌کننده جانب‌داری یا تخطی‌ای بترسد، و میان آنان آشتی دهد، هیچ تخطی‌ای بر او نیست؛

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[182]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [182]

ای کسانی که باور آورده‌اید! پرهیز بر شما مقرر شده است، چنان‌که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شد، شاید محتاط باشید، در روزهایی شمرده‌شده.[183]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [183] أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ

و هر که از شما بیمار یا در سفر باشد، آنگاه شمار روزهایی دیگر؛

فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

و برای کسانی که توان آن را دارند، جبرانی، خوراک یک تنگ‌دست.

وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ

و هر که با رضایت خود نیکی کند، آن برای او بهتر است؛

فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ

و اینکه خودداری کنید برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.[184]

وَأَن تَصُومُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ [184]

ماه طراوت، آنکه در آن این خوانش فرود آورده شد، راهنمایی برای انسان‌ها، و دلایل روشن از راهنمایی و بازشناسی.

شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِ

هر که از شما این ماه را گواهی دهد، از آن خودداری کند؛

فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُ

و هر که بیمار یا در سفر باشد، آنگاه شمار روزهایی دیگر.

وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَ

خدا برای شما آسانی را می‌خواهد، برای شما دشواری را نمی‌خواهد،

يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ

و اینکه شمار روزها را تمام کنید، و بزرگی خدا را به‌خاطر اینکه شما را راه نموده است اعلام کنید، شاید سپاس‌گزار باشید.[185]

وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ [185]

و چون فرمان‌برداران من دربارهٔ من از تو می‌پرسند، من نزدیکم:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٞ

به فراخوان کسی که مرا فرا می‌خواند پاسخ می‌دهم، آنگاه که مرا فرا می‌خواند.

أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

پس به فراخوان من پاسخ دهند، و به من باور آورند، شاید به راست‌روی دست یابند.[186]

فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ [186]

شب پرهیز، نزدیکی با زنان‌تان برای شما روا شده است:

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمْ

آنان لباسی برای شمایند و شما لباسی برای آنانید.

هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ

خدا می‌دانست که به خودتان خیانت می‌کردید؛ آنگاه با گذشت به سوی شما بازگشت، و از شما چشم‌پوشی کرد.

عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ

اکنون پس به آنان بپیوندید،

فَٱلْـَٰٔنَ بَٰشِرُوهُنَّ

و آنچه را خدا برای شما مقرر کرده است بجویید.

وَٱبْتَغُوا۟ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْ

و بخورید و بنوشید تا آنگاه که نخ سپید از نخ سیاه سپیده‌دم برای شما تمایز یابد،

وَكُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ مِنَ ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ مِنَ ٱلْفَجْرِ

سپس پرهیز را تا شب کامل کنید.

ثُمَّ أَتِمُّوا۟ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِ

و با آنان نپیوندید، در حالی که در جای‌های پیشانی بر خاک نهادن اقامت دارید.

وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَٰكِفُونَ فِى ٱلْمَسَٰجِدِ

اینها حدود خدا است،

تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ

پس به آن‌ها نزدیک نشوید.

فَلَا تَقْرَبُوهَا

چنین است که خدا نشانه‌های خود را برای انسان‌ها روشن می‌سازد، شاید محتاط باشند.[187]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ [187]

و دارایی‌های خود را در میان خود به ناراستی نخورید، و آن‌ها را به داوران عرضه نکنید تا با تخطی بخشی از دارایی‌های مردم را بخورید، در حالی که می‌دانید.[188]

وَلَا تَأْكُلُوٓاْ أَمْوَٰلَكُم بَيْنَكُم بِٱلْبَٰطِلِ وَتُدْلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلْحُكَّامِ لِتَأْكُلُواْ فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ [188]

از تو دربارهٔ اعلام‌های عمومی می‌پرسند.

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ

بگو: «آن‌ها وعده‌گاه‌های مقرر برای انسان‌ها و برای حج‌اند.

قُلْ هِىَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلْحَجِّ

و فضیلت در آن نیست که از پشت به خانه‌ها بیایید،

وَلَيْسَ ٱلْبِرُّ بِأَن تَأْتُواْ ٱلْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا

اما فضیلت، آن است که محتاط باشد.

وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنِ ٱتَّقَىٰ

پس از درهای خانه‌ها به خانه‌ها بیایید،

وَأْتُواْ ٱلْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَٰبِهَا

و در برابر خدا محتاط باشید، شاید رستگار شوید.»[189]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ [189]

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، اما حمله نکنید،

وَقَٰتِلُواْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓاْ

زیرا خدا حمله‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.[190]

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ [190]

و آنان را هر جا که غافلگیرشان کردید بکشید، و از آنجا که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید:

وَٱقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ

آزمون سخت‌تر از قتل است.

وَٱلْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلْقَتْلِ

و نزد جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض با آنان نجنگید، پیش از آنکه در آنجا با شما بجنگند؛

وَلَا تُقَٰتِلُوهُمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمْ فِيهِ

اما اگر با شما جنگیدند، آنگاه آنان را بکشید:

فَإِن قَٰتَلُوكُمْ فَٱقْتُلُوهُمْ

چنین است بازپرداخت انکارکنندگان.[191]

كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ [191]

اما اگر دست کشیدند، خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[192]

فَإِنِ ٱنتَهَوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [192]

و با آنان بجنگید تا دیگر آزمونی نباشد، و قانون برای خدا باشد؛

وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِ

و اگر دست کشیدند، آنگاه هیچ دشمنی نیست، مگر بر ستمگران.[193]

فَإِنِ ٱنتَهَوْا۟ فَلَا عُدْوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ [193]

ماه مصون از تعرّض در برابر ماه مصون از تعرّض، و برای چیزهای مصون از تعرّض، پی‌جویی.

ٱلشَّهْرُ ٱلْحَرَامُ بِٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ وَٱلْحُرُمَٰتُ قِصَاصٌ

هر که به شما حمله کرد، به اندازهٔ حملهٔ او به شما به او حمله کنید،

فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَٱعْتَدُواْ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ

و در برابر خدا محتاط باشید، و بدانید که خدا با محتاطان است.[194]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ [194]

و در راه خدا هزینه کنید، اما آنچه را در دست دارید به نابودی نیفکنید؛ و نیکی کنید،

وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلْقُواْ بِأَيْدِيكُمْ إِلَى ٱلتَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوٓاْ

زیرا خدا کسانی را که نیکی می‌کنند دوست می‌دارد.[195]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ [195]

و حج و عمره را برای خدا کامل کنید.

وَأَتِمُّواْ ٱلْحَجَّ وَٱلْعُمْرَةَ لِلَّهِ

و اگر بازداشته شدید، آنگاه آنچه به آسانی یافت می‌شود به‌عنوان هدیه.

فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا ٱسْتَيْسَرَ مِنَ ٱلْهَدْيِ

و سرهای خود را متراشید تا هدیه به محل رهایی‌اش برسد؛

وَلَا تَحْلِقُواْ رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ ٱلْهَدْيُ مَحِلَّهُۥ

و هر که از شما بیمار است، یا از آزاری در سر رنج می‌برد، آنگاه جبرانی با پرهیز، دستگیری یا روش نیکوکارانه.

فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِۦٓ أَذًى مِّن رَّأْسِهِۦ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ

و چون در امنیت شدید، هر که از عمره تا حج بهره ببرد، آنگاه آنچه به آسانی یافت می‌شود به‌عنوان هدیه.

فَإِذَآ أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلْعُمْرَةِ إِلَى ٱلْحَجِّ فَمَا ٱسْتَيْسَرَ مِنَ ٱلْهَدْيِ

و هر که توان آن را نیابد، آنگاه پرهیزی به مدت سه روز در حج، و هفت روز چون بازگشته باشید: این ده روز تمام است.

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ فِى ٱلْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ

این برای کسی است که خانواده‌اش در جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض حاضر نیست.

ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُۥ حَاضِرِى ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ

و در برابر خدا محتاط باشید، و بدانید که خدا در تنبیه سخت است.[196]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [196]

حج در ماه‌هایی شناخته‌شده برگزار می‌شود.

ٱلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَٰتٌ

هر که در آن‌ها خود را برای حج متعهد کند، آنگاه هیچ پلیدگویی، هیچ تجاوز، و هیچ مناظره‌ای در حج نیست.

فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِى ٱلْحَجِّ

و هر نیکی‌ای که بکنید، خدا آن را می‌داند.

وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ

و توشه برگیرید؛

وَتَزَوَّدُواْ

زیرا بهترین توشه احتیاط است.

فَإِنَّ خَيْرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقْوَىٰ

و در برابر من محتاط باشید، ای دارندگان هوش.[197]

وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِى ٱلْأَلْبَٰبِ [197]

بر شما ایرادی نیست که لطفی از سرپرست خود بجویید.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُواْ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ

و چون از عرفات سرازیر شدید، خدا را نزد شاخص محسوس مصون از تعرّض به یاد آورید،

فَإِذَآ أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَٰتٍ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرَامِ

و او را به یاد آورید، چنان‌که شما را راه نمود، در حالی که پیش‌تر بی‌گمان از شمار گمراه‌شدگان بودید.[198]

وَٱذْكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ [198]

سپس از آنجا که مردم سرازیر می‌شوند سرازیر شوید،

ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ

و از خدا بخشایش بخواهید،

وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَ

زیرا خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[199]

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [199]

و چون روش‌های نیکوکارانهٔ خود را به پایان بردید، خدا را به یاد آورید چنان‌که نیاکان خود را به یاد می‌آورید، یا با یادآوری‌ای شدیدتر.

فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَٰسِكَكُمْ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَآءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا

و از میان انسان‌ها کسی هست که می‌گوید: «سرپرست ما، در زندگی نزدیک به ما بده» — و در زندگی واپسین هیچ سهمی نخواهد داشت.[200]

فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِى ٱلدُّنْيَا وَمَا لَهُۥ فِى ٱلْأَخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ [200]

و از میان آنان کسی هست که می‌گوید: «سرپرست ما، در زندگی نزدیک به ما بهره‌ای زیبا بده، و در زندگی واپسین بهره‌ای زیبا، و ما را از کیفر آتش محتاط ساز.»[201]

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى ٱلْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ [201]

اینان‌اند که قسمتی از آنچه به دست آورده‌اند دارند.

أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُواْ

خدا در حساب شتابنده است.[202]

وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ [202]

و در روزهایی شمرده‌شده خدا را به یاد آورید.

وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ فِىٓ أَيَّامٍ مَّعْدُودَٰتٍ

و هر که در دو روز شتاب کند، هیچ تخطی‌ای بر او نیست؛

فَمَن تَعَجَّلَ فِى يَوْمَيْنِ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ

و هر که دیر کند، هیچ تخطی‌ای بر او نیست، برای کسی که محتاط است.

وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ ٱتَّقَىٰ

و در برابر خدا محتاط باشید، و بدانید که شما به سوی او گرد آورده خواهید شد.[203]

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ [203]

و از میان انسان‌ها کسی هست که سخنش دربارهٔ زندگی نزدیک تو را خیره می‌کند، و خدا را بر آنچه در هسته‌اش است گواه می‌گیرد، در حالی که او سرسخت‌ترین ستیزه‌جویان است.[204]

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُۥ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَيُشْهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِى قَلْبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلْخِصَامِ [204]

و چون پشت می‌کند، می‌کوشد در زمین فساد پراکنده کند، و شخم‌زار و زادگان را نابود سازد.

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ ٱلْحَرْثَ وَٱلنَّسْلَ

خدا فساد را دوست نمی‌دارد.[205]

وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْفَسَادَ [205]

و چون به او گفته می‌شود: «در برابر خدا محتاط باش»، قدرت او را در تخطی فرا می‌گیرد؛ پس جهنم او را بسنده است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتْهُ ٱلْعِزَّةُ بِٱلْإِثْمِ فَحَسْبُهُۥ جَهَنَّمُ

و چه زشت بستری![206]

وَلَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ [206]

و از میان انسان‌ها کسی هست که خویشتن خود را می‌فروشد، در جست‌وجوی خشنودی خدا.

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ

خدا نسبت به فرمان‌برداران خود سرشار از نیکی است.[207]

وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ [207]

ای کسانی که باور آورده‌اید! در آرامش درآیید، به‌تمامی،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدْخُلُواْ فِى ٱلسِّلْمِ كَآفَّةً

و از گام‌های منحرف‌کننده پیروی نکنید،

وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ

زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.[208]

إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ [208]

و اگر پس از آنکه دلایل روشن به شما رسید سست شدید، آنگاه بدانید که خدا نیرومند و فرزانه است.[209]

فَإِن زَلَلْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْكُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ فَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [209]

آیا فقط منتظرند که خدا در سایه‌بان‌هایی از ابرها نزد آنان بیاید،

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ مِّنَ ٱلْغَمَامِ

همراه کارگزاران، و کار فیصله داده شود؟

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ

و کارها همگی به سوی خدا بازمی‌گردند.[210]

وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ [210]

از فرزندان اسرائیل بپرس که چه اندازه نشانه‌های روشن به آنان دادیم.

سَلْ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ كَمْ ءَاتَيْنَٰهُم مِّنْ ءَايَةٍۭ بَيِّنَةٍ

و هر که دهش خدا را، پس از آنکه برای او آمد، تغییر دهد — خدا همانا در تنبیه سخت است.[211]

وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ [211]

زندگی نزدیک برای انکارکنندگان آراسته شده است، و آنان کسانی را که باور آورده‌اند ریشخند می‌کنند؛

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟

اما محتاطان در روز حضور بالاتر از ایشان خواهند بود.

وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ فَوْقَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ

و خدا هر که را او را پسند افتد روزی می‌دهد، بی‌شمار.[212]

وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ [212]

انسان‌ها جامعه‌ای یگانه بودند؛ آنگاه خدا اطلاع‌دهندگان، مژده‌دهندگان و هشداردهندگان را برانگیخت، و با آنان نوشتار را به حقیقت فرود آورد، تا میان انسان‌ها دربارهٔ آنچه در آن اختلاف داشتند داوری کند.

كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ

و فقط کسانی که به آنان داده شد در آن اختلاف کردند،

وَمَا ٱخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ

پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، از روی زورگویی میان خودشان.

مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ

آنگاه خدا کسانی را که باور آورده‌اند به حقیقتی که در آن اختلاف داشتند راه نمود، با اجازهٔ خود.

فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لِمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلْحَقِّ بِإِذْنِهِۦ

و خدا هر که را او را پسند افتد به جادهٔ راست راه می‌نماید.[213]

وَٱللَّهُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ [213]

یا گمان بردید که به باغ درمی‌آیید، در حالی که هنوز همانند آنچه کسانی که پیش از شما گذشتند دیدند برایتان نیامده است؟ سختی و آسیب بر آنان رسید، و چنان لرزانده شدند که فرستاده و کسانی که با او باور آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی؟»

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ ٱلْبَأْسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوا۟ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصْرُ ٱللَّهِ

آیا چنین نیست: یاری خدا همانا نزدیک است![214]

أَلَآ إِنَّ نَصْرَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ [214]

از تو می‌پرسند: چه باید هزینه کنند؟

يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ

بگو: «آنچه از نیکی هزینه می‌کنید برای دو والد، نزدیکان، یتیمان، تنگ‌دستان و مسافر در راه‌مانده است.

قُلْ مَآ أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ

و هر نیکی‌ای که بکنید، خدا همانا بر آن همه‌چیزدان است.»[215]

وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ [215]

جنگ بر شما مقرر شده است، در حالی که برایتان مایهٔ نفرت است.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ

و شاید از چیزی نفرت داشته باشید، در حالی که آن برای شما نیکی است؛

وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُواْ شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

و شاید چیزی را دوست بدارید، در حالی که آن برای شما بدی است.

وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

خدا می‌داند،

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ

و شما نمی‌دانید.[216]

وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [216]

از تو دربارهٔ ماه مصون از تعرّض می‌پرسند، دربارهٔ جنگی که در آن روی دهد.

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ

بگو: «جنگیدن در آن سنگین است؛

قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ

اما بازداشتن از راه خدا، انکار او، بازداشتن از دسترسی به جای پیشانی بر خاک نهادن مصون از تعرّض، و بیرون کردن مردم آن از آن، نزد خدا سنگین‌تر است؛

وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ

و آزمون از قتل سنگین‌تر است.

وَٱلْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ

و آنان از جنگیدن با شما دست نخواهند کشید تا شما را از قانون‌تان بازگردانند، اگر بتوانند.

وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَٰعُوا۟

و هر که از شما از قانون خود دست بکشد و در حال انکار بمیرد — اینان‌اند که کردارهایشان فروریخته است، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین،

وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ

و اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.»[217]

وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ [217]

همانا کسانی که باور آورده‌اند، کسانی که مهاجرت کرده و در راه خدا مبارزه کرده‌اند — اینان‌اند که به مهر خدا امید دارند.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ ٱللَّهِ

و خدا بسیار بخشاینده و مهربان است.[218]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ [218]

از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند.

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ

بگو: «در آن دو تخطی‌ای بزرگ هست، و سودهایی برای انسان‌ها؛

قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ

اما تخطی آن دو از سودشان بزرگ‌تر است.»

وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا

و از تو می‌پرسند: چه باید هزینه کنند؟ بگو: «مازاد.»

وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ

چنین است که خدا نشانه‌ها را برای شما روشن می‌سازد، شاید دربارهٔ زندگی نزدیک و زندگی واپسین بیندیشید.[219]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ [219] فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ

و از تو دربارهٔ یتیمان می‌پرسند. بگو: «اصلاح وضع آنان نیکی است؛

وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْيَتَٰمَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ

و اگر کارهای خود را با کارهای آنان درآمیزید، آنان برادران شمایند.

وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ

خدا فسادگر را از آن که اصلاح می‌کند بازمی‌شناسد.

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ ٱلْمُفْسِدَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، شما را در فشار می‌نهاد،

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ

زیرا خدا نیرومند و فرزانه است.»[220]

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [220]

و با زنانی که انباز می‌گیرند ازدواج نکنید، تا آنکه باور آورند؛

وَلَا تَنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ

و یک زن فرمان‌بردار باورمند همانا بهتر است از زنی که انباز می‌گیرد، حتی اگر او شما را خیره کند.

وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ

و به انبازگیرندگان به همسری ندهید، تا آنکه باور آورند؛

وَلَا تُنكِحُواْ ٱلْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُواْ

و یک مرد فرمان‌بردار باورمند همانا بهتر است از مردی که انباز می‌گیرد، حتی اگر او شما را خیره کند.

وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ

اینان‌اند که به سوی آتش فرا می‌خوانند،

أُوْلَٰٓئِكَ يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ

در حالی که خدا به سوی باغ و بخشایش فرا می‌خواند، با اجازهٔ خود،

وَٱللَّهُ يَدْعُوٓاْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ وَٱلْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِۦ

و نشانه‌های خود را برای انسان‌ها روشن می‌سازد، شاید به یاد آورند.[221]

وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [221]

و از تو دربارهٔ قاعدگی می‌پرسند. بگو: «آن آزاری است؛

وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى

پس در قاعدگی از زنان کناره بگیرید،

فَٱعْتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِى ٱلْمَحِيضِ

و تا آنگاه که دیگر دچار ناراحتی نباشند به آنان نزدیک نشوید.

وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ

و چون دیگر نبودند، از آنجا که خدا به شما دستور داده است به آنان بپیوندید،

فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُ

زیرا خدا بازگردندگان را دوست می‌دارد، و کسانی را که خود را پاک نگه می‌دارند دوست می‌دارد.»[222]

إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلْمُتَطَهِّرِينَ [222]

زنان شما برای شما شخم‌زارند؛ پس به شخم‌زار خود بپیوندید چنان‌که پسندتان افتد،

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُواْ حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ

و برای خودتان پیش ببرید؛

وَقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُمْ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و بدانید که با او روبه‌رو خواهید شد.

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُ

و باورمندان را مژده بده.[223]

وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ [223]

و خدا را در سوگندهایتان بهانه‌ای نسازید که به دلخواه به کار می‌برید،

وَلَا تَجْعَلُواْ ٱللَّهَ عُرْضَةً لِّأَيْمَٰنِكُمْ

تا گواهی دهید که فضیلت‌مندید، که محتاطید، و اینکه میان مردم آشتی می‌دهید.

أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصْلِحُواْ بَيْنَ ٱلنَّاسِ

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[224]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [224]

خدا شما را برای بیهودگی در سوگندهایتان نخواهد گرفت،

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ

اما شما را برای آنچه هسته‌هایتان به دست آورده‌اند خواهد گرفت.

وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡ

خدا بسیار بخشاینده و بردبار است.[225]

وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ [225]

برای کسانی که سوگند می‌خورند که از زنان خود کناره بگیرند، چهار ماه انتظار؛

لِّلَّذِينَ يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ تَرَبُّصُ أَرۡبَعَةِ أَشۡهُرٖ

و اگر بازآیند، خدا همانا بسیار بخشاینده و مهربان است.[226]

فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ [226]

و اگر بر طلاق مصمم شوند، خدا همانا شنوا و همه‌چیزدان است.[227]

وَإِنۡ عَزَمُواْ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ [227]

و زنانِ طلاق‌داده‌شده سه دوره در انتظار می‌مانند؛

وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖ

و بر آنان روا نیست که آنچه را خدا در زهدان‌هایشان آفریده است کتمان کنند، اگر به خدا و روز واپسین باور می‌آورند.

وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ

و شوهرانشان در این مدت برای بازگرداندن آنان حق بیشتری دارند، اگر آشتی بخواهند.

وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنۡ أَرَادُوٓاْ إِصۡلَٰحٗا

و برای آنان حقوقی برابر با تعهداتشان است، به شیوهٔ شناخته‌شده؛

وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ

و مردان بر آنان درجه‌ای دارند.

وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ

خدا نیرومند و فرزانه است.[228]

وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [228]

طلاق دو بار است.

ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِ

سپس یا بازگرفتن به شیوهٔ شناخته‌شده، یا رهاسازی با خوش‌رویی.

فَإِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌۢ بِإِحْسَٰنٍ

و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید چیزی را بازپس گیرید، مگر آنکه هر دو بترسند که حدود خدا را پابرجا نگه ندارند.

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُواْ مِمَّآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ شَيْـًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ

و اگر بترسید که آن دو حدود خدا را پابرجا نگه ندارند، هیچ ایرادی بر آن دو نیست در آنچه زن با آن خود را بازمی‌خرد.

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا ٱفْتَدَتْ بِهِۦ

اینها حدود خدا است،

تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ

پس از آن‌ها فراتر نروید.

فَلَا تَعْتَدُوهَا

و هر که از حدود خدا فراتر رود — اینان‌اند ستمگران.[229]

وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [229]

اگر او را طلاق دهد، از این پس بر او روا نخواهد بود، تا آنکه با همسری دیگر غیر از او ازدواج کند.

فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا غَيۡرَهُۥ

و اگر این یکی او را طلاق دهد، هیچ ایرادی بر آن دو نیست که دوباره پیوند یابند، اگر گمان برند که حدود خدا را پابرجا نگه خواهند داشت.

فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ

و اینها حدود خدا است، که آن را برای قومی که می‌داند روشن می‌سازد.[230]

وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ [230]

و چون زنان را طلاق دهید، و آنان به پایان خود برسند، آنان را به شیوهٔ شناخته‌شده نگه دارید، یا به شیوهٔ شناخته‌شده رهایشان کنید؛

وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖ

و آنان را برای آسیب رساندن، برای حمله، نگه ندارید.

وَلَا تُمۡسِكُوهُنَّ ضِرَارٗا لِّتَعۡتَدُواْ

و هر که چنین کند بر خود ستم کرده است.

وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥ

و نشانه‌های خدا را به ریشخند نگیرید.

وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا

و دهش خدا را بر خود به یاد آورید، و نیز آنچه از نوشتار و فرزانگی بر شما فرود آورده است، که با آن شما را پند می‌دهد.

وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ يَعِظُكُم بِهِۦ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و بدانید که خدا همه‌چیزدانِ هر چیز است.[231]

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [231]

و چون زنان را طلاق دهید، و آنان به پایان خود برسند، مانع نشوید که با همسران خود ازدواج کنند، هرگاه میان آنان خشنودی متقابل به شیوهٔ شناخته‌شده باشد.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوْاْ بَيْنَهُم بِٱلْمَعْرُوفِ

این است آنچه هر که از شما به خدا و روز واپسین باور آورد بدان پند داده می‌شود.

ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ

آن برای شما پاک‌تر است، و شفاف‌تر.

ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ

خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.[232]

وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ [232]

و مادران فرزندان خود را دو سال تمام پرستاری همه‌جانبه می‌کنند،

وَٱلْوَٰلِدَٰتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ

برای کسی که بخواهد این پرستاری را کامل کند.

لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَ

و بر کسی که کودک برای او زاده شده است، روزی‌دادن به آنان و پوشاک آنان به شیوهٔ شناخته‌شده بر عهده است.

وَعَلَى ٱلْمَوْلُودِ لَهُۥ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ

هیچ خویشتنی فراتر از توانش بار نهاده نمی‌شود.

لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا

نباید هیچ مادری به‌سبب فرزندش آسیب ببیند، و نه آن که فرزند برایش زاده شده است به‌سبب فرزندش.

لَا تُضَآرَّ وَٰلِدَةٌۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦ

و بر وارث نیز همان بر عهده است.

وَعَلَى ٱلْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ

و اگر آنان بخواهند از شیر بازگیرند، با خشنودی متقابل میان خودشان و پس از رایزنی، هیچ ایرادی بر آن دو نیست.

فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا

و اگر بخواهید فرزندان خود را به پرستاری بسپارید، هیچ ایرادی بر شما نیست، هرگاه آنچه را باید بدهید به شیوهٔ شناخته‌شده تحویل دهید.

وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوٓاْ أَوْلَٰدَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُم مَّآ ءَاتَيْتُم بِٱلْمَعْرُوفِ

و در برابر خدا محتاط باشید،

وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و بدانید که خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[233]

وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [233]

و کسانی از شما که در حال برجای گذاشتن همسرانی وفادارانه نگه داشته می‌شوند، آن زنان چهار ماه و ده در انتظار می‌مانند؛

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَٰجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا

و چون به پایان خود رسیدند، هیچ ایرادی بر شما نیست در آنچه آنان دربارهٔ خود به شیوهٔ شناخته‌شده می‌کنند.

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[234]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ [234]

و هیچ ایرادی بر شما نیست در آنچه به‌عنوان خواستگاری به زنان اشاره می‌کنید، یا در خود جای می‌دهید.

وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا عَرَّضۡتُم بِهِۦ مِنۡ خِطۡبَةِ ٱلنِّسَآءِ أَوۡ أَكۡنَنتُمۡ فِيٓ أَنفُسِكُمۡ

خدا می‌داند که به آنان خواهید اندیشید؛ اما در نهان به آنان وعده‌ای مدهید،

عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ سَتَذۡكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا

مگر اینکه سخنی شناخته‌شده بگویید.

إِلَّآ أَن تَقُولُواْ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا

و عقد ازدواج را نبندید تا آنگاه که سند به پایان خود برسد.

وَلَا تَعۡزِمُواْ عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡكِتَٰبُ أَجَلَهُۥ

و بدانید که خدا آنچه را در خویشتن‌های شما است می‌داند؛ پس در برابر او هشیار باشید.

وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُ

و بدانید که خدا بسیار بخشاینده و بردبار است.[235]

وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ [235]

هیچ ایرادی بر شما نیست، اگر زنان را طلاق دهید تا زمانی که لمسشان نکرده‌اید، یا برایشان تعهدی مقرر نکرده‌اید.

لَّا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ مَا لَمۡ تَمَسُّوهُنَّ أَوۡ تَفۡرِضُواْ لَهُنَّ فَرِيضَةٗ

و به آنان کامیابی‌ای بدهید — فراخ‌دست به اندازهٔ خود، و کم‌بضاعت به اندازهٔ خود — کامیابی‌ای به شیوهٔ شناخته‌شده:

وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى ٱلۡمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِ

وظیفه‌ای برای کسانی که نیکی می‌کنند.[236]

حَقًّا عَلَى ٱلْمُحْسِنِينَ [236]

و اگر آنان را پیش از آنکه لمسشان کنید طلاق دهید، در حالی که برایشان تعهدی مقرر کرده‌اید، نیمی از آنچه مقرر کرده‌اید، مگر آنکه آنان چشم بپوشند، یا کسی که عقد ازدواج در دست او است چشم بپوشد.

وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّآ أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَاْ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ عُقْدَةُ ٱلنِّكَاحِ

و چشم‌پوشی کردن، آن به احتیاط نزدیک‌تر است.

وَأَن تَعْفُوٓاْ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ

و لطف را میان خود فراموش نکنید،

وَلَا تَنسَوُاْ ٱلْفَضْلَ بَيْنَكُمْ

زیرا خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[237]

إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [237]

تماس‌ها را پاس بدارید، و نیز کامل‌ترین تماس را، و در برابر خدا ایستاده باشید، وقف‌شده.[238]

حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلْوُسْطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ [238]

و اگر بترسید، آنگاه پیاده یا سوار؛

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا

و چون در امنیت بودید، خدا را به یاد آورید چنان‌که آنچه را نمی‌دانستید به شما آموخت.[239]

فَإِذَآ أَمِنتُمْ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُواْ تَعْلَمُونَ [239]

و کسانی از شما که وفادارانه نگه داشته می‌شوند در حال برجای گذاشتن همسرانی — سفارشی به سود همسرانشان: کامیابی تا دورهٔ سالانه، بدون بیرون کردن؛

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَٰجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ

اما اگر بیرون روند، هیچ ایرادی بر شما نیست در آنچه آنان دربارهٔ خود، در آنچه شناخته‌شده است، می‌کنند.

فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِى مَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ

خدا نیرومند و فرزانه است.[240]

وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [240]

و برای زنانِ طلاق‌داده‌شده کامیابی‌ای به شیوهٔ شناخته‌شده:

وَلِلْمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ

وظیفه‌ای برای محتاطان.[241]

حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ [241]

چنین است که خدا نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌سازد، شاید خرد بورزید.[242]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [242]

آیا ندیده‌ای کسانی را که از سراهایشان بیرون آمدند، به هزاران، در حالی که در برابر مرگ هشیار بودند؟ آنگاه خدا به آنان گفت: «بمیرید»؛ سپس دوباره زنده‌شان کرد.

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُوا۟ ثُمَّ أَحْيَٰهُمْ

خدا بی‌گمان دارندهٔ لطفی نسبت به انسان‌ها است،

إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ

اما بیشتر انسان‌ها سپاس‌گزار نیستند.[243]

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ [243]

و در راه خدا بجنگید، و بدانید که خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[244]

وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ [244]

پس کیست که به خدا وامی زیبا بدهد، که او آن را بارها دو برابر خواهد کرد؟

مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا كَثِيرَةٗ

خدا تنگ می‌کند و گسترده می‌سازد،

وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ

و شما به سوی او بازگردانده خواهید شد.[245]

وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ [245]

آیا ندیده‌ای دربار را، از میان فرزندان اسرائیل، پس از موسی، آنگاه که به اطلاع‌دهنده‌ای از خودشان گفتند: «برای ما پادشاهی برانگیز، تا در راه خدا بجنگیم»؟

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰٓ إِذۡ قَالُواْ لِنَبِيّٖ لَّهُمُ ٱبۡعَثۡ لَنَا مَلِكٗا نُّقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ

گفت: «آیا ممکن است که اگر جنگ بر شما مقرر می‌شد، نجنگید؟»

قَالَ هَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ أَلَّا تُقَٰتِلُواْ

گفتند: «و ما را چه می‌شد که در راه خدا نجنگیم، در حالی که از سراها و پسرانمان بیرون کرده شده‌ایم؟»

قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَا

اما چون جنگ بر آنان مقرر شد، پشت کردند، مگر اندکی از ایشان.

فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡ

و خدا همه‌چیزدانِ ستمگران است.[246]

وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ [246]

و اطلاع‌دهنده‌شان به آنان گفت: «خدا همانا طالوت را برای شما به پادشاهی برانگیخته است.»

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا

گفتند: «چگونه او بر ما پادشاهی می‌داشت، در حالی که ما به آن از او حق بیشتری داریم، و به او فراخی در دارایی داده نشده است؟»

قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِٱلْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ ٱلْمَالِ

گفت: «خدا همانا او را بر شما برگزیده است، و او را در گستردگی دانش و پیکر افزوده است.»

قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُۥ بَسْطَةً فِى ٱلْعِلْمِ وَٱلْجِسْمِ

خدا پادشاهی خود را به هر که او را پسند افتد می‌دهد.

وَٱللَّهُ يُؤْتِى مُلْكَهُۥ مَن يَشَآءُ

خدا گسترده و همه‌چیزدان است.[247]

وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ [247]

و اطلاع‌دهنده‌شان به آنان گفت: «نشانهٔ پادشاهی او آن خواهد بود که صندوق نزد شما بیاید، که در آن تسکینی از سرپرست شما است، و بازماندهٔ آنچه دودمان موسی و دودمان هارون بر جای گذاشتند، که کارگزاران آن را حمل می‌کنند.»

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ءَايَةَ مُلْكِهِۦٓ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحْمِلُهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ

در آن بی‌گمان نشانه‌ای برای شما است، اگر باورمند باشید.[248]

إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [248]

چون طالوت با سپاهیان رفت، گفت: «خدا شما را با رودی خواهد آزمود: هر که از آن بنوشد از من نیست، و هر که از آن تغذیه نکند همانا از من است — مگر کسی که با دستش جرعه‌ای از آن برگیرد.»

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلْجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُۥ مِنِّيٓ إِلَّا مَنِ ٱغْتَرَفَ غُرْفَةًۢ بِيَدِهِۦ

از آن نوشیدند، مگر اندکی از ایشان.

فَشَرِبُواْ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ

سپس چون او و کسانی که با او باور آورده بودند از آن گذشتند، گفتند: «ما امروز هیچ نیرویی علیه جالوت و سپاهیانش نداریم.»

فَلَمَّا جَاوَزَهُۥ هُوَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا ٱلْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ

کسانی که گمان می‌بردند که با خدا روبه‌رو خواهند شد گفتند: «چه بسیار دسته‌های اندک که بر دسته‌های بزرگ پیروز شدند، با اجازهٔ خدا!»

قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةًۢ بِإِذْنِ ٱللَّهِ

خدا با شکیبایان است.[249]

وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ [249]

و چون در برابر جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند: «سرپرست ما، شکیبایی را بر ما سرازیر کن، گام‌های ما را استوار ساز، و ما را در برابر قومی که انکار می‌کند یاری ده»؛ آنگاه آنان را درهم شکستند، با اجازهٔ خدا،[250]

وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ [250] فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و داوود جالوت را کشت؛ خدا به او پادشاهی و فرزانگی داد، و آنچه را او را پسند افتاد به او آموخت.

وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلْمُلْكَ وَٱلْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُ

و اگر خدا انسان‌ها را به‌وسیلهٔ یکدیگر پس نمی‌زد، همانا زمین به فساد سپرده می‌شد؛

وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ ٱلْأَرْضُ

اما خدا دارندهٔ لطفی نسبت به همهٔ هستی‌ها است.[251]

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ [251]

اینها نشانه‌های خدا است، که ما به حقیقت بر تو برمی‌خوانیم،

تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ

و تو بی‌گمان از شمار گسیل‌شدگانی.[252]

وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ [252]

اینان فرستادگان‌اند:

تِلْكَ ٱلرُّسُلُ

ما برخی را بر برخی برتری دادیم.

فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ

از میان آنان کسی هست که خدا با او سخن گفته است،

مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُ

و برخی دیگر را در درجه‌ها بالا برده است.

وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ

و به عیسی، پسر مریم، دلایل روشن دادیم، و او را با جریان والا توان بخشیدیم.

وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، کسانی که پس از آنان آمدند یکدیگر را نمی‌کشتند، پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد؛

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ بَعْدِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ

اما اختلاف کردند:

وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُواْ

از میان آنان کسی هست که باور آورد، و کسی هست که انکار کرد.

فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ

و اگر خدا را پسند افتاده بود، یکدیگر را نمی‌کشتند؛

وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُواْ

اما خدا آنچه را می‌خواهد می‌کند.[253]

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ [253]

ای کسانی که باور آورده‌اید! از آنچه روزی‌تان داده‌ایم هزینه کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه فروشی خواهد بود، نه دوستی‌ای، و نه میانجی‌گری‌ای.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ

و انکارکنندگان — اینان‌اند ستمگران.[254]

وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ [254]

خدا، هیچ ایزدی نیست مگر او،

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

زنده، آن که به خودِ خود پابرجا است.

ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ

نه چرت او را می‌گیرد و نه خواب.

لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ او است.

لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

پس کیست که نزد او میانجی‌گری کند، مگر با اجازهٔ او؟

مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ

او می‌داند آنچه پیش روی آنان است و آنچه پشت سر آنان است،

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

و آنان از دانش او هیچ‌چیز را در بر نمی‌گیرند، مگر به اندازه‌ای که او را پسند افتد.

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ

و نشیمن او بر آسمان‌ها و زمین گسترده است،

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ

و پاس‌داری از آن دو به هیچ‌وجه بر او سنگین نمی‌آید.

وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا

او است بسیار بلند، سترگ.[255]

وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ [255]

در قانون هیچ اجباری نیست:

لَآ إِكْرَاهَ فِى ٱلدِّينِ

راست‌روی از سرگشتگی بازشناخته شد.

قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَىِّ

هر که حدشکن را انکار کند و به خدا باور آورد، به استوارترین دستگیره چنگ زده است، که هرگز نمی‌شکند.

فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا

خدا شنوا و همه‌چیزدان است.[256]

وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [256]

خدا متحد کسانی است که باور آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌آورد.

ٱللَّهُ وَلِیُّ ٱلَّذِینَ ءَامَنُواْ یُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ

و کسانی که انکار می‌کنند، حامیان‌شان حدشکن است، که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌آورد.

وَٱلَّذِینَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِیَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ یُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ

اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[257]

أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمۡ فِیهَا خَٰلِدُونَ [257]

آیا ندیده‌ای آن را که با ابراهیم دربارهٔ سرپرستش ستیزه کرد، از آن‌رو که خدا به او پادشاهی داده بود؟ چون ابراهیم گفت: «سرپرست من آن است که زنده می‌کند و می‌میراند»،

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِی حَآجَّ إِبۡرَٰهِۦمَ فِی رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِۦمُ رَبِّیَ ٱلَّذِی یُحۡیِۦ وَیُمِیتُ

گفت: «من، من زنده می‌کنم و می‌میرانم.»

قَالَ أَنَا۠ أُحۡیِۦ وَأُمِیتُ

ابراهیم گفت: «خدا همانا خورشید را از خاور می‌آورد؛ پس تو آن را از باختر بیاور»؛ آنگاه آن که انکار می‌کرد، سخنانش ناپیوسته ماند.

قَالَ إِبۡرَٰهِۦمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ یَأۡتِی بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِی كَفَرَ

و خدا قوم ستمگر را راه نمی‌نماید.[258]

وَٱللَّهُ لَا یَهۡدِی ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِینَ [258]

یا همچون آن که از کنار شهری گذشت که با وجود ساختمان‌هایش تهی بود.

أَوۡ كَٱلَّذِی مَرَّ عَلَىٰ قَرۡیَةٖ وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا

گفت: «چگونه خدا پس از مرگش دوباره زنده‌اش خواهد کرد؟» آنگاه خدا او را صد سال میراند، سپس او را برانگیخت.

قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُۥ

گفت: «چه مدت ماندی؟»

قَالَ كَمْ لَبِثْتَ

گفت: «یک روز ماندم، یا پاره‌ای از یک روز.»

قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

گفت: «نه، صد سال ماندی.

قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِاْئَةَ عَامٍ

پس خوراک و نوشیدنی‌ات را بنگر: منتظر نمانده‌اند؛

فَٱنظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ

و الاغ‌ات را بنگر —

وَٱنظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ

و تا تو را نشانه‌ای برای انسان‌ها بسازیم.

وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِّلنَّاسِ

و استخوان‌ها را بنگر، که چگونه آن‌ها را گسترش می‌دهیم، سپس در جامهٔ گوشت می‌پوشانیم.» (151)

وَٱنظُرْ إِلَى ٱلْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا (151)

چون برای او روشن شد، گفت: «می‌دانم که خدا بر هر چیز توانا است.» [259]

فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [259]

و چون ابراهیم گفت: «سرپرست من، به من نشان ده چگونه مردگان را دوباره زنده می‌کنی.»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِى كَيْفَ تُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ

گفت: «آیا پس باور نمی‌آوری؟»

قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن

گفت: «چرا، اما برای آن است که هستهٔ من اطمینان یابد.»

قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِى

گفت: «پس چهار پرنده برگیر، آن‌ها را نزد خود اهلی کن، سپس بر هر کوه پاره‌ای از آن‌ها بنه، سپس آن‌ها را فرا بخوان: شتابان نزد تو خواهند آمد.

قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ ٱلطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ ٱجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ٱدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا

و بدان که خدا نیرومند و فرزانه است.»[260]

وَٱعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [260]

مثالِ کسانی که دارایی‌های خود را در راه خدا هزینه می‌کنند، مثالِ دانه‌ای است که هفت خوشه می‌رویاند،

مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ

که هر خوشه صد دانه دارد.

فِى كُلِّ سُنۢبُلَةٍ مِّا۟ئَةُ حَبَّةٍ

خدا برای هر که او را پسند افتد دو برابر می‌کند.

وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُ

خدا گسترده و همه‌چیزدان است.[261]

وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ [261]

کسانی که دارایی‌های خود را در راه خدا هزینه می‌کنند، سپس آنچه را هزینه کرده‌اند به رخ نمی‌کشند و آسیب نمی‌رسانند، پاداش‌شان نزد سرپرست‌شان است؛ هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[262]

ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ [262]

سخنی شناخته‌شده و یک بخشایش بهتر است از دستگیری‌ای که آزاری از پی آن بیاید.

قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗى

خدا توانگر و بردبار است.[263]

وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ [263]

ای کسانی که باور آورده‌اید! دستگیری‌های خود را با به رخ کشیدن و آسیب رساندن بی‌اثر نکنید، همچون کسی که دارایی خود را از روی خودنمایی در برابر مردم هزینه می‌کند، و نه به خدا باور دارد و نه به روز واپسین.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبۡطِلُواْ صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ

مثال او مثال صخره‌ای صاف است که خاکی بر آن نشسته: بارانی سیل‌آسا به آن می‌رسد، و آن را عریان می‌گذارد.

فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفۡوَانٍ عَلَيۡهِ تُرَابٞ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٞ فَتَرَكَهُۥ صَلۡدٗا

از آنچه به دست آورده‌اند هیچ‌چیز در اختیار ندارند.

لَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّمَّا كَسَبُواْ

و خدا قومی را که انکار می‌کند راه نمی‌نماید.[264]

وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ [264]

و مثالِ کسانی که دارایی‌های خود را هزینه می‌کنند، در جست‌وجوی خشنودی خدا و استوار ساختن خویشتن‌های خودشان، مثالِ باغی بر بلندی است: بارانی سیل‌آسا به آن می‌رسد، و خوراکش را دو برابر می‌دهد؛ و اگر هیچ بارانی سیل‌آسا به آن نرسد، آنگاه نم‌باران.

وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ كَمَثَلِ جَنَّةِۭ بِرَبۡوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٞ فَـَٔاتَتۡ أُكُلَهَا ضِعۡفَيۡنِ فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞ

و خدا بر آنچه می‌کنید بینا است.[265]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ [265]

آیا یکی از شما می‌خواهد باغی از نخل و تاک داشته باشد، که رودها از زیر آن جاری است، و در آن هر گونه میوه‌ای داشته باشد، سپس پیری به او برسد، در حالی که نسلی ناتوان دارد، و گردبادی از آتش به باغ برسد و بسوزد؟

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمۡ أَن تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَابٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلۡكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٞ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعۡصَارٞ فِيهِ نَارٞ فَٱحۡتَرَقَتۡ

چنین است که خدا نشانه‌ها را برای شما روشن می‌سازد، شاید بیندیشید.[266]

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ [266]

ای کسانی که باور آورده‌اید! از چیزهای نیکویی که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین بیرون آورده‌ایم هزینه کنید،

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ

و به‌سوی پست آن برای هزینه کردنش قصد نکنید، در حالی که خود شما آن را فقط با چشم بستن بر آن می‌گرفتید.

وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِ

و بدانید که خدا توانگر و ستوده است.[267]

وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ [267]

منحرف‌کننده به شما بینوایی وعده می‌دهد، و به شما زشتکاری دستور می‌دهد،

ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِ

در حالی که خدا از سوی خود به شما بخشایش و لطفی وعده می‌دهد.

وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗا

خدا گسترده و همه‌چیزدان است.[268]

وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ [268]

فرزانگی را به هر که او را پسند افتد می‌دهد،

يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُ

و هر که فرزانگی دریافت کند نیکی‌ای فراوان دریافت کرده است.

وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗا

و فقط دارندگان هوش به یاد می‌آورند.[269]

وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ [269]

و هر هزینه‌ای که هزینه کنید، یا هر نذری که بکنید، خدا آن را همانا می‌داند.

وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُهُۥ

و ستمگران هیچ یاری‌ای ندارند.[270]

وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ [270]

اگر دستگیری‌ها را آشکار کنید، آن ممتاز است؛

إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَ

و اگر آن‌ها را پنهان کنید و به بینوایان بدهید، آن برای شما بهتر است، و ما بخشی از کارهای بد شما را خواهیم پوشاند. (152)

وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَنُكَفِّرۡ عَنكُم مِّن سَيِّـَٔاتِكُمۡ (152)

و خدا بر آنچه می‌کنید باخبر است.[271]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ [271]

راه نمودن آنان بر عهدهٔ تو نیست،

لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ

اما خدا هر که را پسند او افتد راه می‌نماید.

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ

و هر نیکی‌ای که هزینه کنید، برای خودتان است.

وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلِأَنفُسِكُمۡ

و شما هزینه نمی‌کنید مگر در جست‌وجوی سوی خدا.

وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِ

و هر نیکی‌ای که هزینه کنید، به‌تمامی به شما بازگردانده خواهد شد، و بر شما ستم نخواهد رفت.[272]

وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ [272]

این از آنِ بینوایانی است که در راه خدا بازداشته شده‌اند، که نمی‌توانند زمین را بپیمایند: نادان آنان را توانگر می‌پندارد، به‌سبب ملاحظه‌کاری‌شان؛

لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ

آنان را از سیمای‌شان می‌شناسی: از مردم با اصرار نمی‌خواهند.

تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗا

و هر نیکی‌ای که هزینه کنید، خدا بر آن همانا همه‌چیزدان است.[273]

وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ [273]

کسانی که دارایی‌های خود را شب و روز، پنهانی و آشکارا هزینه می‌کنند، پاداش‌شان نزد سرپرست‌شان است؛ هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[274]

ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ [274]

کسانی که بهره‌خواری می‌خورند، برنمی‌خیزند مگر چنان‌که برمی‌خیزد کسی که منحرف‌کننده او را با لمس خود تلوتلو می‌خوراند.

ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّ

این از آن است که گفتند: «فروش فقط همانند بهره‌خواری است»؛

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْ

حال آنکه خدا فروش را روا کرد، و بهره‌خواری را ممنوع.

وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْ

هر که، پندی از سرپرستش به او رسیده، دست بکشد، آنچه گذشته است از آنِ او است،

فَمَن جَآءَهُۥ مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ

و کارش بر عهدهٔ خدا است؛

وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ

اما هر که دوباره آن را انجام دهد — اینان‌اند همراهان آتش، در آن جاودانه می‌مانند.[275]

وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ [275]

خدا بهره‌خواری را به نیستی می‌کشاند، و دستگیری‌ها را فربه می‌کند.

يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِ

خدا هیچ انکارگر بزرگِ متخطی را دوست نمی‌دارد.[276]

وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ [276]

همانا کسانی که باور آورده‌اند، کردارهای شایسته به‌جا آورده‌اند، تماس را پابرجا نگه داشته‌اند، و گشاده‌دستی ناب را داده‌اند، پاداش‌شان نزد سرپرست‌شان است؛ هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.[277]

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ [277]

ای کسانی که باور آورده‌اید! در برابر خدا محتاط باشید، و آنچه از بهره‌خواری مانده است رها کنید، اگر باورمندید.[278]

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ [278]

اگر چنین نکنید، آنگاه خود را از نبردی از سوی خدا و فرستاده‌اش هشدارداده‌شده بدانید؛

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ

و اگر بازگردید، سرمایهٔ دارایی‌های شما از آنِ شما است، بی‌آنکه ستم کنید و بی‌آنکه بر شما ستم شود.[279]

وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ [279]

و اگر کسی در دشواری باشد، آنگاه مهلتی تا آسانی؛

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ

و اینکه آن را دستگیری کنید برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.[280]

وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ [280]

و از روزی محتاط باشید که در آن به سوی خدا بازگردانده خواهید شد،

وَٱتَّقُواْ يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِ

که در آن هر خویشتنی آنچه را به دست آورده است به‌تمامی دریافت خواهد کرد، بی‌آنکه ستم ببیند.[281]

ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ [281]

ای کسانی که باور آورده‌اید! چون میان خود برای پایانی نام‌برده قرضی بر عهده گرفتید، آن را بنویسید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُ

و نویسنده‌ای آن را میان شما با دادگری بنویسد،

وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِۢبُۢ بِٱلۡعَدۡلِ

و هیچ نویسنده‌ای از نوشتن سر باز نزند،

وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ

چنان‌که خدا به او آموخته است؛ پس بنویسد،

كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ فَلۡيَكۡتُبۡ

و آن که بدهی بر عهدهٔ او است دیکته کند، و در برابر خدا، سرپرستش، محتاط باشد، و از آن چیزی نکاهد.

وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗا

و اگر آن که بدهی بر عهدهٔ او است بی‌خرد، یا ناتوان باشد، یا خود نتواند دیکته کند، آنگاه مسئول قانونی‌اش با دادگری دیکته کند.

فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِ

و دو گواه از مردان‌تان را به گواهی بر آن وادارید؛

وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡ

و اگر دو مرد نبودند، آنگاه یک مرد و دو زن، از کسانی که گواهی‌شان را می‌پسندید، تا اگر یکی از آن دو گمراه شود، دیگری او را به یاد آورد.

فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰ

و گواهان سر باز نزنند، چون فراخوانده شوند.
وَلَا يَأْبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْ

و از نوشتن آن، کوچک یا بزرگ، تا پایانش، خسته نشوید.
وَلَا تَسْـَٔمُوٓاْ أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦ

آن نزد خدا دادگرانه‌تر، برای گواهی راست‌تر، و به بی‌تردیدی نزدیک‌تر است — مگر آنکه بازرگانی‌ای فوری باشد که میان خود می‌گردانید: آنگاه هیچ ایرادی بر شما نیست که آن را ننویسید.
ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدْنَىٰٓ أَلَّا تَرْتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا

و چون میان خود فروشی می‌کنید، گواهان بگیرید.
وَأَشْهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعْتُمْ

و هیچ آسیبی نه به نویسنده وارد شود و نه به گواه.
وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ

و اگر چنین کنید، آن همانا تجاوزی از سوی شما است.
وَإِن تَفْعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقٌۢ بِكُمْ

و در برابر خدا محتاط باشید،
وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ

و خدا به شما می‌آموزد.
وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُ

و خدا همه‌چیزدانِ هر چیز است.[282]
وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ [282]

و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید، آنگاه گروی گرفته‌شده.

وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا۟ كَاتِبًا فَرِهَٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ

و اگر یکی از شما به دیگری اعتماد کند، آن که به او اعتماد شده است امانت خود را بازگرداند،

فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ ٱلَّذِى ٱؤْتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ

و در برابر خدا، سرپرستش، محتاط باشد.

وَلْيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ

و گواهی را کتمان نکنید.

وَلَا تَكْتُمُوا۟ ٱلشَّهَٰدَةَ

و هر که آن را کتمان کند همانا هسته‌ای متخطی دارد.

وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٌ قَلْبُهُۥ

خدا بر آنچه می‌کنید همه‌چیزدان است.[283]

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ [283]

آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر زمین است از آنِ خدا است.

لِّلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ

و چه آنچه را در شما است آشکار کنید، چه پنهانش کنید، خدا با شما آن را به حساب خواهد آورد؛ آنگاه هر که را او را پسند افتد می‌بخشاید، و هر که را او را پسند افتد کیفر می‌دهد.

وَإِن تُبْدُوا۟ مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ ٱللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ

و خدا بر هر چیز توانا است.[284]

وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ [284]

فرستاده به آنچه از سوی سرپرستش بر او فرود آورده شد باور آورد، و باورمندان نیز.

ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلْمُؤْمِنُونَ

همه به خدا، کارگزاران او، نوشتارهایش، و فرستادگانش باور آوردند،

كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ

بی‌آنکه میان فرستادگان او هیچ تمایزی بنهند، هر که باشند؛[153]

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِۦ [153]

و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم.

وَقَالُواْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا

بخشایش تو، ای سرپرست ما؛ مقصد به سوی تو است.»[285]

غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ [285]

خدا بر هیچ خویشتنی بار نمی‌نهد مگر توانش را.

لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

آنچه به دست آورده از آنِ او است،

لَهَا مَا كَسَبَتْ

و آنچه مرتکب شده به زیان او.

وَعَلَيْهَا مَا ٱكْتَسَبَتْ

«سرپرست ما، اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم ما را مگیر.

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ إِن نَّسِينَآ أَوْ أَخْطَأْنَا

سرپرست ما، و بر ما یوغی بار مکن چنان‌که بر کسانی که پیش از ما بودند بار کردی.

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِنَا

سرپرست ما، و آنچه را نیروی حمل آن را نداریم بر ما بار مکن.

رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ

و از ما چشم‌پوشی کن،
وَٱعْفُ عَنَّا

و ما را ببخشای،
وَٱغْفِرْ لَنَا

و بر ما مهر ورز.
وَٱرْحَمْنَآ

تو متحد مایی؛ پس ما را در برابر قومی که انکار می‌کند یاری ده.»[286]
أَنتَ مَوْلَىٰنَا فَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ [286]



# «ما را به جادهٔ راست راه بنمای»

سوره 1

پس از قانونِ شهر، درگاه می‌آید، و سخن دهان عوض می‌کند: آن‌که می‌خواند خود به نوبت سخن می‌گوید، به صیغهٔ جمع، بی‌آنکه متن بگوید چه کسی سخن می‌گوید. او به نام خدا آغاز می‌کند و او را می‌ستاید، «سرپرستِ همهٔ هستی‌ها» (1:2)، «شهریار روز سررسید» (1:4). سپس رودررو با او سخن می‌گوید: «تو را فرمان می‌بریم و نزد تو یاری می‌جوییم» (1:5). تنها یک درخواست دارد، جادهٔ کسانی که خدا آنان را از دهش خود سرشار کرده است، «نه آنان که خشم را بر خود فرا می‌خوانند و نه گمراه‌شدگان» (1:7). نوشتار درست پیش از این پاسخش را داده است: راهنمایی برای محتاطان؛ درگاه به هر کس وامی‌گذارد که آن را بخواهد، یا نخواهد.

«ما را به جادهٔ راست راه بنمای»



**آنچه بر مردم می‌گذرد**

این‌جا هیچ‌کس نام برده نمی‌شود: نه یتیم، نه پناهنده، نه قوم. کسانی که سخن می‌گویند «ما» می‌گویند، با هم فرمان می‌برند و با هم یاری می‌جویند، و برای همه یک جاده می‌خواهند. پس از آن همه صحنه از مردمانِ رانده، کشته یا غارت‌شده، واپسین سخن درخواستِ راه‌یافتن است، و سر باز زدن از اینکه از «آنان که خشم را بر خود فرا می‌خوانند» (1:7) باشند. جاده‌ای که خواسته می‌شود همان است که خدا چون به آرامش فرا می‌خواند به آن رهنمون می‌شود: «خدا به جایگاه آرامش دعوت می‌کند، و هر که را پسند او افتد به جاده‌ای راست راه می‌نماید» (10:25).

# AL-FATIHA

## ٱلْفَاتِحَة

به نام خدا، بی‌اندازه مهربان، مهربان.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ستایش از آنِ خدا است، سرپرستِ همهٔ هستی‌ها،[1]

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ [1]

بی‌اندازه مهربان، مهربان،[2]

ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ [2]

شهریار روز سررسید. (154)[3]

مَٰلِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ (154) [3]

تو را فرمان می‌بریم و نزد تو یاری می‌جوییم.[4]

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ [4]

ما را به جادهٔ راست راه بنمای،[5]

ٱهْدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ [5]

جادهٔ کسانی که تو آنان را از دهش خود سرشار کرده‌ای،[6]

صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ [6]

نه آنان که خشم را بر خود فرا می‌خوانند و نه گمراه‌شدگان.[7]

غَيْرِ ٱلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ [7]

# پیوست — قرائت‌های پیروی‌شده

*برای هر ارجاعِ متن عربی: صورتِ خوانده‌شده، صورتِ حفص، و دلیل گزینش، برگرفته از خودِ متن.*

**(1)** 91:15 **فَلَا** · حفص وَلَا

ترجمه از قرائت ، که در اینجا در خودِ اسکلت حروف تفاوت(«پس») کند، فَلَاپیروی می Warsh Hafs .دارد وَلَا می‌خواند («و»).

با فَ، جمله از روایت نتیجه می‌گیرد: خدا ثمود را به‌خاطر ستمشان درهم کوبید، و از همین روست که از فرجام آن نمی‌ترسد. آن که به دادگری کیفر می‌دهد از آنچه از آن برمی‌آید نمی‌ترسد.

**(2)** 16–90:13 **فَكَّ رَقَبَةً أَوْ أَطْعَمَ** · حفص فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَٰمٌ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، فَكَّ ... أَطْعَمَ، دو فعل؛پیروی می al-Kisāʾī و Abū ʿAmr، Ibn Kathīr Warsh و Hafs فَكُّ ... إِطْعَٰمٌ می‌خوانند، دو اسم، «بازخرید کردن... خوراک دادن».

این بخش در همهٔ قرائت‌ها میان دو فعلِ ماضی قاب گرفته شده است: «فراتر نتاخت» (90:11) و «سپس، آن است که از کسانی بوده باشد که باور آوردند» (90:17). همین اسکلتِ اطعم در 106:4 به ماضی خوانده می‌شود، « که آنان را از گرسنگی خوراک داده است».

**(3)** 17–89:21 **تَحُضُّونَ** · حفص تَحَٰٓضُّونَ

ترجمه از قرائت Hafs .(«کنیدترغیب نمی») کند، تَحُضُّونَپیروی می Warsh تَحَٰٓضُّونَ می‌خواند («یکدیگر را ترغیب نمی کنید»).

قرائت 107:3 و 69:34 همان عبارتِ Warsh را به دست می‌دهد، «به خوراک دادن به تنگ‌دست ترغیب نمی کند»: سرزنش بر نبودِ فراخوان به نیکی است، فراخوانی رو به همگان.

**(4)** 26–89:25 **لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٌ وَلَا يُوثِقُ** · حفص لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٌ وَلَا يُوثِقُ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، لَّا يُعَذِّبُ ... وَلَا يُوثِقُ، به صورت مجهول؛پیروی می al-Kisāʾī و Yaʿqūb Warsh و Hafs معلوم می‌خوانند، «هیچ کس چنان که او کیفر می‌دهد کیفر نخواهد داد».

ضمیر به انسانِ 24-89:23 بازمی گردد: آنچه یگانه است، سرنوشتِ کسی است که کیفر داده می‌شود، چنان که در 5:115؛ 69:32 بند را از سوی به زنجیر کشیده‌شده وصف می کند، و این بخش این سرنوشت را در برابر سرنوشتِ خویشتنِ پسندیده می‌نهد (89:30).

**(5)** 5-88:2 تُصْلَىٰ · حفص تَصْلَىٰ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، تُصْلَىٰ، به صورت مجهول؛پیروی می Shuʿba و Abū ʿAmr تَصْلَىٰ می‌خوانند، «خواهند سوخت».

فعلِ بعد، با همان فاعل، مجهول است، «نوشانده‌شده» (88:5)؛ و در 84:12 همین فعل به صورت مجهول خوانده می‌شود، «در اخگری سوزانده خواهد شد». آنان کوشیده‌اند، کوشا، خسته؛ سپس می‌پذیرند.

**(6)** 11-88:8 تُسْمَعُ · حفص تَسْمَعُ

ترجمه از قرائت Hafs .(«شنیده نخواهد شد» :مجهول) کند، تُسْمَعُپیروی می Warsh تَسْمَعُ می‌خواند (معلوم: «نخواهی شنید» یا «نخواهند شنید»).

با صورت مجهول، جمله نمی‌گوید چه کسی می‌شنود: خود باغ از بیهودگی تهی است، برای هر که در آن باشد. این معنا به 19:62 می‌پیوندد، «در آن‌جا هیچ بیهودگی نخواهند شنید».

**(7)** 12-84:10 وَيُصَلَّىٰ · حفص وَيَصْلَىٰ

ترجمه از قرائت al-Bazzī و Qunbul. Hafs ، همچون(«سوزانده خواهد شد» :مجهول) کند، وَيُصَلَّىٰپیروی می Warsh وَيَصْلَىٰ می‌خواند (معلوم: «خواهد سوخت»).

بافت سخن صورت مجهول را می‌طلبد. آن که دفترش را به دست راست دریافت می‌کند کنشی را می‌پذیرد، «حسابی آسان با او گرفته خواهد شد» (يُحَاسَبُ)، سپس کنشی را به‌جا می‌آورد، «به سوی نزدیکان خود برخواهد گشت». آن که آن را پشت سرش دریافت می‌کند عکس آن را می‌کند: کنشی را به‌جا می‌آورد، «تباهی خود را خواهد خواند»، سپس کنشی را می‌پذیرد، «سوزانده خواهد شد». همین فعل، در صورتی که سوزاندن را می‌رساند، در 4:30 بازمی‌گردد: «او را در آتشی خواهیم سوزاند».

**(8)** 78:1 عَمَّ · حفص عَمَّ

این قرائت ویژهٔ این ترجمه است. همهٔ قرائت‌های نقل‌شده (Warsh، Hafs و دیگران) عَمَّ می‌خوانند، «دربارهٔ چه؟»، عَنْ در پیِ مَا، چنان که فِیمَ (79:43) و مِمَّ (86:5). اما اسکلت حروف هر دو را روا می‌دارد.

ترجمه در اینجا دو حرفِ جدا می‌خواند، ع و م، همچون الٓمٓ یا حمٓ، و نه یک پرسش. این دو سورهٔ 78 را می‌گشایند، نخستین سورهٔ بخشِ واپسین، چنان که نشانه‌ای آغازین بخشی را می‌گشاید. پس آنچه در پی می‌آید پرسشی نیست که خدا مطرح کند، بلکه پرسشی است که انسان‌ها از خود می‌کنند: «آنان از یکدیگر دربارهٔ اطلاعِ سترگ می‌پرسند، همان که دربارهٔ آن اختلاف دارند» (78:2-3). این خوانشِ طلبه‌هاست، که عم را همچون یک گشایش برمی‌خوانند.

**(9)** 77:32-33 جِمَلَتٌ · حفص جِمَلَتٌ

Hafs خواند،جِمَلَتٌ می Warsh جِمَلَتٌ: دو صورت از جمع جَمَل، «شتر».

هر دو قرائت یک تصویر را به دست می‌دهند: جرقه‌هایی بزرگ چون کاخ‌ها، چون شترانی زرد. ترجمه تغییر نمی‌کند. در همهٔ قرائت‌ها، نخستین حرف کسره دارد: جِمَالَة، جِمَالَات، جمع‌های جَمَل، شتر (7:40). اسمِ جَمَال، «زیبایی» (16:6)، واژه‌ای دیگر است، و هیچ قرائتی در اینجا جَمَالَات نمی‌خواند. تصویر بر دو ویژگی استوار است: اندازه، «بزرگ چون کاخ‌ها» (77:32)، سپس رنگ، «شتران زردند» (77:33).

**(10)** 75:20-21 يُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ · حفص تُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، يُحِبُّونَ ... وَيَذَرُونَ؛پیروی می Abū ʿAmr و Ibn Kathīr تُحِبُّونَ ... وَتَذَرُونَ می‌خوانند، «دوست دارید...».

موضوع سراسر سوره انسان است، به سوم شخص، با همان «بلکه» در 75:5 و 75:14؛ همین جمله در 76:27 به سوم شخص بازمی‌گردد.

**(11)** 75:37-39 تُمْنَىٰ · حفص يُمْنَىٰ

ترجمه در اینجا از قرائت Abū، Ibn Kathīr، Qālūn کند، تُمْنَىٰ، مطابق با قطره، کهپیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Amr ʿ يُمْنَىٰ می‌خواند، مطابق با منی.

«ریخته می‌شد» با قطره مطابقت دارد، چنان که در 53:46، «از قطره‌ای آفریده است آنگاه که ریخته می‌شود»، در همهٔ قرائت‌ها.

**(12)** 74:5 وَٱلرِّجْزَ · حفص وَٱلرُّجْزَ

ترجمه در اینجا از قرائت شده در آن‌های ثبت‌کند، وَٱلرِّجْزَ، که همهٔ قرائت‌پیروی می Warsh Hafs اند؛شریک وَٱلرُّجْزَ می‌خواند. معنا تغییر نمی کند.

این واژه در همه جای دیگر رِجْز است، «آلودگی» (8:11، 7:134، 2:59).

**(13)** 74:32–37 إِذَا دَبَرَ · حفص إِذْ أَدْبَرَ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، إِذَا دَبَرَ؛پیروی می Shuʿba و Abū ʿAmr، Ibn Kathīr إِذْ أَدْبَرَ می‌خوانند، «آنگاه که پشت کرد».

سوگندهای «سوگند به شب چون...» همواره با إِذَا ساخته می‌شوند (81:17، 89:4، 92:1، 93:2)، و سوگند بعدیِ همین جمله نیز چنین است: «چون بدرخشد». «فرو کاهد» دبر را برمی گرداند، چنان که «فروکاستن» و «در پایان» (50:40، 52:49)؛ «عقب نشستن» برای عَسْعَسَ می‌ماند: «چون عقب می‌نشیند» (81:17).

**(14)** 73:20 وَنِصْفَهُۥ ... وَثُلُثَهُۥ · حفص وَنِصْفَهُۥ ... وَثُلُثُهُۥ

ترجمه از قرائت اندکی کمتر ... از نیمهٔ آن و») وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ :کند، به حالت جرّپیروی می Warsh Hafs .(«سومِ آن‌یک به حالت نصب می‌خواند: وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ («نیمهٔ آن و یک‌سومِ آن را برمی‌خیزی»).

با قرائتِ پیروی‌شده، «اندکی کمتر» بر هر سه اندازه می‌نشیند: کمتر از دو سومِ شب، کمتر از نیمهٔ آن، کمتر از یک‌سومِ آن. بدین‌سان متن می‌پذیرد که هرگز به اندازهٔ دقیق نمی‌رسیم، و دنباله آن را می گوید: «او می‌داند که هرگز نخواهید توانست آن را برشمارید». سوره در آغاز اندازه را تعیین کرده بود: «نیمهٔ آن، یا اندکی کمتر، یا اندکی بیشتر».

**(15)** 72:3 وَأَنَّهُۥ · حفص وَأَنَّهُۥ

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn، Qālūn ، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا، وَأَنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(16)** 72:4 وَإِنَّهُۥ · حفص وَأَنَّهُۥ

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَإِنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(17)** 72:5 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَإِنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(18)** 72:6 وَإِنَّهُۥ · حفص وَأَنَّهُۥ

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَإِنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(19)** 72:7 وَإِنَّهُمْ · حفص وَأَنَّهُمْ

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَإِنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(20)** 72:8 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا، وَأَنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(21)** 72:9 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا، وَأَنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(22)** 72:10 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا، وَأَنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(23)** 72:11 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Qālūn، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا، وَأَنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr، Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(24)** 72:12 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn ،Qālūn ، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr ،Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(25)** 72:13 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn ،Qālūn ، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr ،Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(26)** 72:14 وَإِنَّا · حفص وَأَنَّا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn ،Qālūn ، که«گفتند» کند، وَأَنَّهُۥ، وَإِنَّا، وَإِنَّهُمْ، در پی‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Abū ʿAmr ،Kathīr وَأَنَّهُۥ، وَأَنَّا می‌خواند، پیوسته به «برای من پرده برداشته شد».

از 72:1 تا 72:15، نهانیان‌اند که سخن می‌گویند: «و گفتند: ما خوانشی شگفت شنیدیم» (72:1). هر جمله سخن آنان را با «ما» از سر می‌گیرد، و ترجمه آن را به صورت سخن مستقیم برمی‌گرداند. در 72:16، 72:18 و 72:19، خدا سخن می‌گوید، و جمله با «و اینکه» آغاز می‌شود.

**(27)** 72:17 نَسْلُكْهُ · حفص يَسْلُكْهُ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز در آن Abū ʿAmr و Ibn Kathīr ،Qālūn کند، نَسْلُكْهُ، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛شریک يَسْلُكْهُ می‌خواند، «او را درمی‌آورد».

«ما»ی 72:16 ادامه می‌یابد؛ همین فعل در 15:12 و 26:200 «ما» را فاعل دارد.

**(28)** 10-69:9 قِبَلَهُۥ · حفص قَبْلَهُۥ

ترجمه در اینجا از قرائت اند؛نیز در آن شریک Yaʿqūb و al-Kisāʾī کند، قِبَلَهُۥ، که‌پیروی می Abū ʿAmr و Hafs قَبْلَهُۥ می‌خوانند، «کسانی که پیش از او بودند».

فرعون، هامان و لشکرهایشان با هم خطاکارند (28:8)، و فرعون «او و لشکرهایش» (28:40، 51:40) فروگرفته می‌شود. سوره قوم‌های پیش از او را جداگانه بررسی می کند (ثمود، عاد، 8-69:4).

**(29)** 64:9 نُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَنُدْخِلْهُ · حفص يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدْخِلْهُ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز در آن Ibn ʿAmir و Qālūn کند، نُكَفِّرْ ... وَنُدْخِلْهُ، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛شریک يُكَفِّرْ ... وَيُدْخِلْهُ می‌خواند، «خواهد پوشاند... او را وارد خواهد کرد».

64:8 خدا را نام می‌برد سپس با «ما» سخن می گوید؛ 64:10، سرنوشتِ مقابل، و 64:12 با «ما» هستند. همین ساختار در 2:271، «خواهیم پوشاند».

**(30)** 23-57:22 أَتَىٰكُمْ · حفص ءَاتَىٰكُمْ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs ؛«رسدبه شما می» کند، أَتَىٰكُمْ،پیروی می Abū ʿAmr ءَاتَىٰكُمْ می‌خوانند، «به شما می‌دهد».

خودِ آن چیز فاعلِ هر دو فعل است: «آنچه از شما فوت شده است»، «آنچه به شما می‌رسد». همزادِ آن، 3:153، همین ساختار را دارد، «آنچه از شما رفته بود»، «آنچه به شما رسیده بود»، و 57:22 هم‌اکنون از آنچه رخ می‌دهد سخن گفته است.

**(31)** 21-56:17 يُنزَفُونَ · حفص يُنزِفُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت و Ibn Kathīr ،Qālūn کند، يُنزَفُونَ، به صورت مجهول، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Abū ʿAmr در اینجا يُنزِفُونَ می‌خواند.

صورت مجهول به «دچار سردرد»، لَا يُصَدَّعُونَ، پاسخ می‌دهد، که آن نیز مجهول است؛ همزادِ آن، 37:47، همان جام را وصف می کند، و Hafs خود در آنجا مجهول می‌خواند.

**(32)** 55:22 يُخْرَجُ · حفص يَخْرُجُ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز Abū ʿAmr و Qālūn کند، يُخْرَجُ، به صورت مجهول، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛در آن شریک يَخْرُجُ می‌خواند، «بیرون می‌آیند».

مرواريد و مرجان از دو دریا بیرون کشیده می‌شوند: خود به خود بیرون نمی‌آیند؛ صورت مجهول می گوید که آن‌ها را از آن دو بیرون می کشند.

**(33)** 55:31 سَيَفْرُغُ · حفص سَنَفْرُغُ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، سَيَفْرُغُ،پیروی می al-Kisāʾī و Ḥamza سَنَفْرُغُ می‌خوانند، «به شما خواهیم پرداخت».

در سراسر سوره، خدا به سوم شخص است؛ و جملهٔ پیشین هم‌اکنون گفته است: «هر روز او به کاری مشغول است» (55:29). پرداختن، آزاد شدن از کاری برای کاری دیگر است.

**(34)** 50:40 وَإِدْبَٰرَ · حفص وَأَدْبَٰرَ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز در آن Ibn Kathīr و Qālūn کند، وَإِدْبَٰرَ، یک مصدر، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛شریک وَأَدْبَٰرَ می‌خواند، «پس از».

همزادِ آن، 52:49، «و نیز هنگام فروکاستن ستارگان»، در همهٔ قرائت‌ها، نیز، إِدْبَار دارد؛ و رشتهٔ Hafs 50:39 از مصدرها ساخته شده است، برآمدن و فرو شدن.

**(35)** 48:10 فَسَنُؤْتِيهِ · حفص فَسَيُؤْتِيهِ

ترجمه در اینجا از قرائت اند؛نیز در آن شریک Ibn Kathīr و Qālūn کند، فَسَنُؤْتِيهِ، که‌پیروی می Warsh Hafs فَسَيُؤْتِيهِ می‌خواند، «به او خواهد داد».

همین ساختار در 4:74 و 4:114 بازمی‌گردد: «هر که...»، خدا در شرط نام برده می‌شود، سپس «به او پاداشی سترگ خواهیم داد». همین بخش در 48:13 از این الگو پیروی می‌کند: خدا نام برده می‌شود، سپس «آماده کرده‌ایم».

**(36)** 47:4 قَٰتَلُواْ · حفص قُتِلُواْ

ترجمه از قرائت نیز Shuʿba و Qunbul، al-Bazzī، Qālūn ، که(«جنگیدند») کند، قَٰتَلُواْپیروی می Warsh Hafs .خوانندچنین می قُتِلُواْ می‌خواند («کشته شدند»).

این بخش از نبردی در جریان سخن می‌گوید: رویارویی با دشمن، گرفتن اسیر، «تا آنگاه که جنگ بارهایش را بر زمین نهد» (47:4). خدا می‌توانست خود به تنهایی عمل کند، اما «شما را به وسیلهٔ یکدیگر» می‌آزماید. پس قرائتِ پیروی‌شده به کسانی که جنگیدند، و نه تنها به کسانی که کشته شدند، وعده می‌دهد که کردارهایشان هرگز گمراه نخواهد شد.

**(37)** 47:25 وَأُمْلِيَ · حفص وَأَمْلَىٰ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، وَأُمْلِيَ لَهُمْ، به صورت مجهول؛پیروی می Abū ʿAmr وَأَمْلَىٰ لَهُمْ می‌خوانند، به صورت معلوم، که فاعلش نام برده نمی‌شود.

«املا کردن» در متن از ریشه‌ای دیگر گفته می‌شود، ملل، که با عَلَیٰ ساخته می‌شود: «بامدادان و هنگام بازگشت به خانه بر او املا می‌شود» (25:5)، «آنگاه مسئول قانونی‌اش با دادگری دیکته کند» (2:282). أَمْلَیٰ در پیِ ل همه‌جا یعنی «مهلت دادن»، و خدا همواره کنشگر آن است: «و به آنان زمان می‌دهم» (7:183)، و همچنین 3:178، 13:32، 22:44، 22:48، 68:45. مهلت با گرفتن دنبال می‌شود: «پس چگونه خواهد بود آنگاه که کارگزاران آنان را به‌درستی نگه خواهند داشت» (47:27).

**(38)** 46:12 لِّتُنذِرَ · حفص لِّيُنذِرَ

ترجمه از قرائت نیز چنین al-Bazzī و Qālūn ، که(«تا تو هشدار دهی») کند، لِّتُنذِرَپیروی می Warsh Hafs .خوانندمی لِّيُنذِرَ می‌خواند («تا هشدار دهد»، با نوشتار به‌عنوان فاعل).

با قرائتِ پیروی‌شده، هشدار دادن به عهدهٔ کسی است که متن او را خطاب می‌کند و نوشتار را دریافت می‌کند. این همان نقشی است که چند بند بالاتر به خود می‌دهد: «و من جز هشداردهنده‌ای صریح نیستم» (46:9). اما نوشتار «مژده‌ای برای نیکی کنندگان» است.

**(39)** 46:25 لَا تَرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمْ · حفص لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمْ

ترجمه در اینجا از قرائت Abū و Ibn Kathīr، Qālūn کند، لَا تَرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمْ، کهپیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Amr ʿ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمْ می‌خواند، «جز سکونتگاه‌هایشان چیزی دیده نمی‌شد»، به صورت مجهول.

روایت با خطاب به «تو» آغاز می‌شود: «و برادر عاد را به یاد آور» (46:21). روایتِ همزادِ عاد همان صحنه را به کسی که با او سخن می‌گوید نشان می‌دهد: «چنان‌که آن قوم را می‌دیدی که بر زمین افتاده‌اند»... «آیا از آنان کوچک‌ترین بازمانده‌ای می‌بینی؟» (69:7-8).

**(40)** 45:11 أَلِيمٌ · حفص أَلِيمٌ

ترجمه از قرائت أَلِيمٍ پیروی می‌کند (Warsh، Qalun، Shu'bah، Abu 'Amr): صفت رِجْز را وصف می‌کند، خود آلودگی دردناک است. Hafs أَلِيمٌ می‌خواند، که کیفر را وصف می‌کند: «کیفری دردناک از آلودگی».

واژهٔ رِجْز، از ریشهٔ ر ج ز، آلودگی‌ای است که در بازگشتِ یک کنش فرود می‌آید. صفتِ پایان جمله تعیین می‌کند که چه چیزی دردناک است.

**(41)** 43:10 مِهَادًا · حفص مَهْدًا

ترجمه از قرائت نیز as-Sūsí و ad-Dūrí، Qunbul، al-Bazzí، Qālūn کند، مِهَادًا، که‌پیروی می Warsh Hafs .خوانندچنین می مَهْدًا می‌خواند.

واژهٔ مِهَاد همان واژهٔ 78:6 است: «آیا زمین را گسترهٔ آماده‌شده نساخته‌ایم». ریشهٔ م ه د فضایی را می‌گوید که برای آنچه در آن جای خواهد گرفت آماده شده است (برگهٔ مهد): زمین برای سکونت انسان آراسته شده است، و جمله بی‌درنگ آن را نشان می‌دهد، «و در آن برای شما راه‌هایی نهاد».

**(42)** 43:38 جَآءَانَا · حفص جَآءَنَا

ترجمه در اینجا از قرائت نیز Shuʿba و Ibn Kathír، Qālūn کند، جَآءَانَا، به مثنی، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛در آن شریک جَآءَنَا می‌خواند، «هنگامی که نزد ما می‌آید».

همراه آن است که «برایش همراه می‌شود» (43:36)، و بند بعد هر دو را خطاب می‌کند: «در کیفر انباز باشید» (43:39). «میان من و تو» همراهِ حاضر را خطاب می‌کند؛ در 50:21-27، خویشتن همراه‌دار می‌آید، و همراهش سخن می‌گوید.

**(43)** 43:53 أَسْوِرَةٌ · حفص أَسْوِرَةٌ

ترجمه از قرائت as- و ad-Dūrí، Qunbul، al-Bazzí، Shuʿba، Qālūn کند، أَسْوِرَةٌ، که‌پیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می Sūsí أَسْوِرَةٌ می‌خواند.

هر دو صورت جمع سِوَار هستند، دست‌بند، حلقه‌ای که مچ را دربرمی‌گیرد (برگهٔ سور). قرائتِ پیروی‌شده به صورتِ دیگر بخش‌هایی می‌پیوندد که از دست‌بندهای زر سخن می‌گویند: «با دست‌بندهایی از زر آراسته خواهند شد» (18:31، 22:23، 35:33).

**(44)** 43:57 يَصُدُّونَ · حفص يَصِدُّونَ

ترجمه از قرائت Hafs .(«رمندمی») کند، يَصُدُّونَپیروی می Warsh يَصِدُّونَ می‌خواند («فریاد برمی‌آورند»).

این فعل، که با مِنْهُ، «از آن»، ساخته شده، در اینجا واپس‌کشیدنی را می‌گوید: در برابر مثال پسر مریم، قوم می‌رمد، چنان که دیگران در برابر نوشتار (4:55). بندِ بعد نشان می‌دهد این واپس‌کشیدن چه چیزی را پنهان می‌کند: «ایزدان ما بهترند، یا او؟» (43:58)، سپس «این مثال را برای تو جز از سر ستیز چند برابر نکردند».

**(45)** 42:25 يَفْعَلُونَ · حفص تَفْعَلُونَ

ترجمه از قرائت های دیگری که، همچون همهٔ قرائت(«کنندآنچه می») کند، يَفْعَلُونَپیروی می Warsh Hafs تنها .(Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī، as-Sūsī، Shu'ba) اندر اینجا ثبت شده تَفْعَلُونَ می‌خواند («آنچه می کنید»).

جمله از «فرمان‌برداران او» به سوم شخص سخن می گوید: خدا پشیمانی آنان را می‌پذیرد و از کارهای بد چشم‌پوشی می کند. قرائتِ پیروی‌شده تا پایان با آنان می‌ماند: او آنچه می کنند می‌داند. بندِ بعد به همین شیوه ادامه می‌دهد: «و اَو به کسانی که باور آوردند و کردارهای شایسته به‌جا آوردند پاسخ می‌دهد» (42:26).

**(46)** 41:19 نَحْشُرُ ... أَعْدَآءَ · حفص يُحْشَرُ ... أَعْدَآءُ

ترجمه از قرائت .خواندنیز چنین می Qālūn ، که(«گرد خواهیم آورد») کند، نَحْشُرُپیروی می Warsh Hafs به صورت مجهول يُحْشَرُ می‌خواند («گرد آورده خواهند شد»).

روایتی که پیش از آن می‌آید با صدای «ما» سخن می گوید: «و اما ثمود، آنان را راه نمودیم»، سپس «و ما کسانی را که باور می‌آوردند و محتاط بودند نجات دادیم» (41:18). قرائتِ پیروی‌شده با همان صدا ادامه می‌دهد: آنکه گروهی را نجات داد، گروهی دیگر را گرد می‌آورد. دنباله این گردآوری را وصف می کند: چون به آتش رسیدند، شنوایی‌شان، بینایی‌هایشان و پوست‌هایشان علیه آنان گواهی می‌دهند (41:20).

**(47)** 40:26 وَأَنْ · حفص أَوْ أَن

ترجمه از قرائت as- و Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī ، که(«و اینکه») کند، وَأَنْپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می Sūsī أَوْ أَن می‌خواند («یا اینکه»).

فرعون می گوید از موسی از دو چیز می‌ترسد: اینکه قانون قوم را دگرگون کند، و اینکه تباهی را در زمین آشکار سازد. با «و»، دو ترس بر هم افزوده می‌شوند. با «یا»، یکی از آن دو می‌بود. این استدلالی است که با آن درخواستش را توجیه می کند: «بگذارید موسی را بکشم».

**(48)** 40:40 يُدْخَلُونَ · حفص يَدْخُلُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، يُدْخَلُونَ، به صورت مجهول؛پیروی می Shuʿba و Ibn Kathīr، Abū ʿAmr و Warsh و Hafs يَدْخُلُونَ می‌خوانند، «درخواهند آمد».

وعده، به صورت مجهول، به تهدیدی که پیش از آن آمده پاسخ می‌دهد: «هر که بدی‌ای کند، بدان بازپرداخت خواهد شد» (4:123). فعلی که در پی می‌آید نیز مجهول است: «و بر آنان ستمی نخواهد رفت». باغ بخشیده می‌شود، نه گشوده: همین وعده، با خدا به‌عنوان فاعل، می‌گوید «آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهیم آورد» (4:122). همین عبارت در 19:60 و 40:40 بازمی‌گردد، و به همین شیوه خوانده می‌شود.

**(49)** 40:46 ٱدْخُلُوٓاْ · حفص أَدْخِلُوٓاْ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، ٱدْخُلُوٓاْ، امری روپیروی می Shuʿba و Ibn ʿAmir، Abū ʿAmr، Ibn Kathīr و Warsh و Hafs به خاندان، أَدْخِلُوٓاْ می‌خوانند، «وارد کنید».

فرمانِ وارد شدن به خودِ محکومان گفته می‌شود، در همین سوره (40:76) و در جاهای دیگر (39:72، 16:29، 7:38، 66:10)، و خاندان بی‌درنگ در آتش سخن می‌گوید (40:47).

**(50)** 40:58 يَتَذَكَّرُونَ · حفص تَتَذَكَّرُونَ

ترجمه از قرائت Qunbul، al-Bazzī، Qālūn، که(«آورندبه یاد می») کند، يَتَذَكَّرُونَپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و ad-Dūrī تَتَذَكَّرُونَ می‌خواند («به یاد می‌آورید»).

بند نابینا را در برابر بینا می‌نهد، و کسانی را که کردارهای شایسته به‌جا آورده‌اند در برابر «آنکه بد می‌کند». داوری‌ای که در پی می‌آید دربارهٔ انسان‌هایی است که سراسر این بخش از آنان سخن می‌گوید، به سوم شخص: «اما بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند» (40:57)، «اما بیشتر انسان‌ها باور نمی‌آورند» (40:59). قرائتِ پیروی‌شده همین فاصله را نگه می‌دارد: آنان‌اند که بسیار اندک به یاد می‌آورند.

**(51)** 39:9 أَمَّنْ · حفص أَمَّنْ

ترجمه از قرائت Hafs .(«...آنکه وقف شده است») کند، أَمَنْپیروی می Warsh أَمَّنْ می‌خواند («یا آنکه وقف شده است...»).

معنا همان سنجش باقی می‌ماند: آنکه در ساعات شب بیدار است، پیشانی بر خاک نهاده و ایستاده، در برابر آن‌کس نهاده می‌شود که سرپرستش را فراموش می‌کند، و پرسش بی‌درنگ در پی می‌آید: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟». قرائتِ پیروی‌شده این چهره را بی‌حرف تخییر ترسیم می‌کند.

**(52)** 38:53 يُوعَدُونَ · حفص تُوعَدُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت آنچه به آنان وعده داده») کند، يُوعَدُونَپیروی می Abū ʿAmr و Ibn Kathīr و Warsh و Hafs ؛(«شودمی تُوعدُونَ می‌خوانند («آنچه به شما وعده داده می‌شود»).

سراسر این بخش از مردمِ باغ به سوم شخص سخن می‌گوید (38:49-52)، و همتای آن، که بر همان عبارت ساخته شده، دربارهٔ مردمِ آتش می‌گوید «آن را بچشند» (38:58). هیچ چیز در اینجا از خطابی خبر نمی‌دهد. در 50:32، همان عبارت خطاب است، زیرا 50:34 آن را می‌گوید: «به آرامش در آن وارد شوید».

**(53)** 38:57-58 وَأُخَرُ · حفص وَءَاخَرُ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، وَأُخَرُ، یک جمع؛پیروی می Abū ʿAmr وَءَاخَرُ می‌خوانند، «و دیگری».

جمع با «جفت‌جفت»، أَزْوَٰجٌ، مطابقت دارد، چنان‌که در 3:7، که در آن وَأُخَرُ پیش از یک جمع می‌آید.

**(54)** 37:6 بِزِينَةِ · حفص بِزِينَةٍ

ترجمه در اینجا از قرائت و Ibn Kathīr ،Qālūn کند، بِزِينَةِ ٱلْكَوَاكِبِ، یک اضافه، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Abū ʿAmr بِزِينَةٍ ٱلْكَوَاكِبِ می‌خواند، «به آرایشی: ستارگان». معنا تغییر نمی کند.

ستارگان خود آرایش‌اند، چنان که چراغ‌های 41:12 و 67:5؛ اضافه این را در یک واژه می گوید.

**(55)** 37:126 ٱللَّهَ رَبُّكُمْ وَرَبَّ · حفص ٱللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn ،Qālūn ای نو، که کند، ٱللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ، به رفع، جمله‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Shuʿba و Ibn ʿAmir ،Abū ʿAmr ،Kathīr ٱللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ می‌خواند، به نصب، در پیِ «زیباترین آفرینندگان».

الیاس اثبات می کند: همین عبارت، واژه به واژه، در 44:8 در همهٔ قرائت‌ها به رفع است، و 26:26 و 42:15 همین ساختار را دارند. «پس او را دروغ انگاشتند» (37:127) به یک اثبات پاسخ می‌دهد.

**(56)** 42–36:41 ذُرِّيَّتِهِمْ · حفص ذُرِّيَّتِهِمْ

ترجمه از قرائت نیز چنین Qālūn ، که(، به جمع«هایشان‌نسل») کند، ذُرِّيَّتِهِمْ‌پیروی می Warsh Hafs .خواندمی ذُرِّيَّتِهِمْ می‌خواند («نسلشان»)، به مفرد.

این نشانه انسان‌های همهٔ نسل‌ها را خطاب می‌کند: آنچه در «ناو بارگیری‌شده» برده شد، نسل‌هایی است که آنان از آن‌ها برآمده‌اند. جمع این نسل‌های بسیار را نشان می‌دهد که از یک ناو بیرون آمده‌اند. بند می‌افزاید که خدا برای آنان «از مانند آن آنچه سوارش می‌شوند» آفرید.

**(57)** 70–36:69 لِّتُنذِرَ · حفص لِّيُنذِرَ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز در آن شریک Qālūn کند، لِّتُنذِرَ، به دوم شخص، که‌پیروی می Warsh Hafs است؛ لِّيُنذِرَ می‌خواند، «تا هشدار دهد»، با خوانش به‌عنوان فاعل.

همان ساختارِ 46:12. سوره با همین مأموریت آغاز می‌شود، «تا قومی را هشدار دهی» (36:6)، «تو فقط کسی را هشدار می‌دهی» (36:11)؛ 6:92، 42:7، 7:2 و 32:3 نوشتار را وصف می‌کنند، سپس می‌گویند «تا هشدار دهی».

**(58)** 35:40 بِيِّنَٰتٍ · حفص بَيِّنَٰتٍ

ترجمه از قرائت .Shuʿba و Qālūn ، همچون(«های روشن‌دلیل») بِيِّنَٰتٍ :کند، به جمع‌پیروی می Warsh as-Sūsī و ad-Dūrī، Qunbul، al-Bazzī، Hafs به مفرد می‌خوانند: بَيِّنَةٍ («دلیلی روشن»).

پرسش رو به کسانی است که انبازهایی را می‌خوانند: آیا نوشته‌ای دریافت کرده‌اند که موضعشان را پایه بگذارد؟ جمع دلیل‌هایی را نشان می‌دهد که باید بتوانند پیش بیاورند؛ اما هیچ‌یک را ندارند. همین درخواست در 46:4 بازمی‌گردد: «نوشتاری پیش از این برای من بیاورید، یا اثری از دانش، اگر راست گویید».

**(59)** 34:5 أَلِيمٌ · حفص أَلِيمٌ

ترجمه از قرائت أَلِيمٍ پیروی می‌کند (Warsh، Qalun، Shu'bah، Abu 'Amr): صفت رِجْز را وصف می‌کند، خود آلودگی دردناک است. Hafs أَلِيمٌ می‌خواند، که کیفر را وصف می‌کند: «کیفری دردناک از آلودگی».

واژهٔ رِجْز، از ریشهٔ ر ج ز، آلودگی‌ای است که در بازگشتِ یک کنش فرود می‌آید. صفتِ پایان جمله تعیین می‌کند که چه چیزی دردناک است.

**(60)** 34:9 كِسْفًا · حفص كِسَفًا

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs اند،نیز در آن شریک Qālūn، Ibn Kathīr، Abū ʿAmr کند، كِسْفًا، به مفرد، که‌پیروی می Shuʿba كِسَفًا می‌خواند، «پاره‌ها».

همان عبارتِ 26:187، که در آن چالشِ قومِ بیشه «پاره‌ای از آسمان» می‌طلبد؛ همین تصویر در 52:44 در همهٔ قرائت‌ها مفرد است.

**(61)** 34:40 نَحْشُرُهُمْ ... نَقُولُ · حفص يَحْشُرُهُمْ ... يَقُولُ

ترجمه از قرائت («آنان را گردآوری خواهیم کرد») نَحْشُرُهُمْ :کند، به اول شخص جمع‌پیروی می Warsh (Qālūn، al-Hafs اندهای دیگری که در اینجا ثبت شده، همچون همهٔ قرائت(«خواهیم گفت») و نَقُولُ تنها .(Shuʿba، as-Sūsī، ad-Dūrī، Qunbul، Bazzī به سوم شخص می‌خواند: يَحْشُرُهُمْ و يَقُولُ («آنان را گردآوری خواهد کرد»، «خواهد گفت»).

«ما» صدایی است که خدا با آن از خود سخن می گوید. پرسش از کارگزاران می‌شود: «آیا اینان از شما فرمان می‌بردند؟»؛ پاسخشان بی‌درنگ می‌آید: «شکوه بر تو باد! تو متحد مایی، نه آنان» (34:41). همین صحنه، در 25:17، به سوم شخص روایت می‌شود: «آنان را گردآوری خواهد کرد».

**(62)** 33:2 يَعْمَلُونَ · حفص تَعْمَلُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، يَعْمَلُونَ؛پیروی می Abū ʿAmr تَعْمَلُونَ می‌خوانند، «آنچه می کنید».

در 33:1-3، تنها اطلاع‌دهنده خطاب می‌شود؛ جمع‌های این بخش انکارکنندگان و دورویان‌اند، که او نباید از رأیشان پیروی کند. 33:48 نیز چنین می گوید: «به گزندهای آنان اعتنا مکن».

**(63)** 33:30 نُضَعِّفْ ... لَهَا ... ٱلْعَذَابَ · حفص ٱلْعَذَابُ ... يُضَعَفْ ... لَهَا

ترجمه در اینجا ازِ قرائت Warsh و Hafs ؛«ما» کند، نُضَعِّفْ، باپیروی می Ibn ʿĀmir و Ibn Kathīr صورت مجهولِ يُضعَفْ را می‌خوانند، «کیفر او دوچندان می‌شد».

دو بند به یکدیگر پاسخ می‌دهند: زشتکاری در اینجا، ارادت در 33:31، که در آن «پاداش او را دوبار به او خواهیم داد». همان «ما» کیفر و پاداش را بر دوش دارد.

### (64) 33:36 تَكُونَ · حفص يَكُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت ad- Qunbul، al-Bazzī، Qālūn کند، تَكُونَ، به مؤنث، که‌پیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و Dūrī يَكُونَ می‌خواند، به مذکر.

فاعل فعل ٱلْخِيَرَةُ است، «گزینش»، اسمی مؤنث: مؤنث با آن مطابقت دارد. معنا تغییر نمی کند: چون خدا و فرستادهٔ او دربارهٔ کاری فیصله دادند، گزینش در آن کار دیگر از آنِ باورمند مرد و باورمند زن نیست.

### (65) 33:68 كَثِيرًا · حفص كَبِيرًا

ترجمه از قرائت as- و ad-Dūrī، Qunbul، al-Bazzī، Qālūn ، که(«بسیار») کند، كَثِيرًاپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می Sūsī كَبِيرًا می‌خواند («بزرگ»).

این دعا از کسانی است که از سرانشان پیروی کردند: «ما همانا برای سروران و بزرگان خود گردن نهادیم، و آنان ما را از راه گمراه کردند» (33:67). برای آنان «کیفر دوچندان» می‌خواهند؛ قرائتِ پیروی‌شده همین اندیشه را ادامه می‌دهد: نفرینی پیاپی و فراوان، به جای یک نفرینِ بزرگ.

### (66) 32:7 خَلْقَهُۥ · حفص خَلَقَهُۥ

ترجمه در اینجا از قرائت و Hafs کند، خَلْقَهُۥ، یک اسم؛پیروی می Ibn ʿAmir و Abū ʿAmr، Ibn Kaṯīr Warsh خَلَقَهُۥ می‌خوانند، «هر آنچه آفرید».

همین ساختار در 20:50 به صورت اسم خوانده می‌شود، «به هر چیز آفرینش ویژهٔ خود را بخشید»، و اسم بی‌درنگ بازمی گردد: «آفرینش انسان».

### (67) 32:24 لِمَا · حفص لَمَّا

ترجمه در اینجا از قرائت خاطربه» کند، لِمَا،پیروی می Ruways (Yaʿqūb) و al-Kisāʾī، Ḥamza Warsh و Hafs ؛«شان‌شکیبایی لَمَّا می‌خوانند، «هنگامی که شکیبایی کردند».

شکیبایی نقشِ راهنما را بنیاد می‌نهد؛ 7:137 همین را دربارهٔ همان قوم می گوید: «به‌خاطر آنکه شکیبایی کردند».

**(68)** 31:6 وَيَتَّخِذُهَا · حفص وَيَتَّخَذَهَا

ترجمه در اینجا از قرائت Ibn Kathīr، Qālūn کند، وَيَتَّخِذُهَا، به صورت اخباری، که‌پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Abū ʿAmr، Ibn ʿAmir و Shuʿba وَيَتَّخِذَهَا می‌خواند، «و تا آن را به مسخره گیرد».

مسخره کردن یک واقعیت است، نه غایتی دوم: بخشِ همزادِ 45:8-9 همان فعل، همان پایان‌بندی، «کیفری خوارکننده»، و همان «گویی آن‌ها را نشنیده است» را دارد.

**(69)** 31:30 تَدْعُونَ · حفص يَدْعُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Hafs .(«خوانیدمی») کند، تَدْعُونَپیروی می Warsh يَدْعُونَ می‌خواند («آنچه می‌خوانند»).

جمله از آنچه پیش از آن آمده نتیجه می‌گیرد: خدا حقیقت است، و آنچه غیر از او خوانده می‌شود جز باطل نیست. قرائتِ پیروی‌شده مستقیم خوانندگان را خطاب می‌کند: «آنچه غیر از او می‌خوانید». همین جمله، با همین برگردان، در 22:62 و در 31:30 بازمی‌گردد.

**(70)** 30:2-4 غَلَبَتِ ... سَيُغْلَبُونَ · حفص غُلِبَتِ ... سَيَغْلِبُونَ

این قرائتِ ویژهٔ این ترجمه است. همهٔ قرائت‌های نقل‌شده (Warsh، Hafs و دیگران) عکس آن را دارند: غُلِبَتِ («شکست خوردند») و سَيَغْلِبُونَ («پیروز خواهند شد»). اما اسکلت حروف هر دو را روا می‌دارد.

متن نوشته‌شده، بی‌حرکات، در اینجا دو فعل از یک ریشه دارد، غ ل ب، «چیره شدن». حرکات‌اند که تعیین می‌کنند چه کسی می‌برد و چه کسی می‌بازد. ترجمه فعل نخست را معلوم و فعل دوم را مجهول می‌خواند: رومیان پیروز شده‌اند، سپس، پس از این پیروزی، «چند سال دیگر» شکست داده خواهند شد. متن این قرائت را از دو راه پشتیبانی می‌کند. اسمی که در پی می‌آید پیروزی آنان را می‌گوید: «اما پس از پیروزی‌شان، چند سال دیگر شکست داده خواهند شد» (30:2-4). و شادمانی باورمندان به بعد واگذاشته می‌شود: «و در آن روز، باورمندان از یاری خدا شادمان خواهند شد» (30:4-5). اگر تنها در آن روز شادمان می‌شوند، پس امروز شکست از آنِ ایشان است: پیروزی رومیان بر ضد آنان به دست آمده است. این قرائت به بخشی دیگر می‌پیوندد. در سورهٔ 9 به سرشناسانی که واپس ماندند گفته می‌شود: «هرگز با من بیرون نخواهید آمد، و با من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید» (9:83). سورهٔ 48 آنان را با همان نام بازمی‌یابد، اَلْمُخَلَّفُونَ: می‌خواهند پیروی کنند، و پاسخ به همان سخن بازمی‌گردد، «هرگز از ما پیروی نخواهید کرد»؛ «خدا پیش‌تر چنین گفته است» (48:15). سپس خبری می‌آید: «به سوی قومی با سخت‌گیری شدید فراخوانده خواهید شد؛ با آنان پیکار خواهید کرد، یا آنکه آنان بی‌خدشه نزد خدا خواهند شد» (48:16). این قوم نام برده نمی‌شود. رومیانِ 30:2-4 نشانه‌های آن را دارند: تازه پیروز شده‌اند، «در نزدیک‌ترین زمین»، و باورمندان فراخوانده می‌شوند تا با «آن انکارگرانی که در مجاورت شمایند» (9:123) بجنگند؛ شکست آنان «چند سال دیگر» اعلام شده است، و در آن روز باورمندان از یاری خدا شادمان خواهند شد. متن این نزدیک‌سازی را روا می‌دارد؛ اما آن را ننوشته است.

**(71)** 30:11 يُرْجَعُونَ · حفص تُرْجَعُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، يُرْجَعُونَ؛پیروی می Shuʿba و Abū ʿAmr تُرْجَعُونَ می‌خوانند، «بازگردانده خواهید شد».

چارچوب از 30:8 تا 30:14 به سوم شخص است، و بند به کنارگذاشته‌شدگان می‌پیوندد، در روزی که آن لحظه برخیزد (30:12-13).

**(72)** 30:40 تُشْرِكُونَ · حفص يُشْرِكُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، تُشْرِكُونَ، به دوم شخص،پیروی می al-Kisāʾī و Ḥamza يُشْرِكُونَ می‌خوانند.

سراسر بند «شما» را خطاب می‌کند: «آن است که شما را آفرید...»، «سپس شما را می‌میراند»، «در میان انبازان شما». عبارتِ ستایش همین شخص را نگه می‌دارد، چنان که در 16:1 و 16:3.

**(73)** 30:50 أَثَرِ · حفص ءَاثَٰرِ

ترجمه از قرائت های دیگری که در، همچون همهٔ قرائت(، به مفرد«اثر») کند، أَثَرِپیروی می Warsh Hafs تنها .(Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī، as-Sūsī، Shuʿba) اندایجا ثبت شده ءَاثَٰرِ می‌خواند («آثار»).

بندهای پیشین یک کار یگانه را وصف می‌کنند: بادها ابرها را برمی‌خیزانند، خدا آن‌ها را می‌گستراند، «آنگاه می‌بینی که رگبار از درون آن‌ها بیرون می‌آید» (30:48). قرائتِ پیروی‌شده این باران را اثری یگانه از مهر می‌بیند: زمینی مرده که دوباره زنده می‌شود. نتیجه از این اثر به مردگان می‌رسد: «این است آنکه مردگان را بی گمان زنده خواهد کرد».

**(74)** 30:57 تَنفَعُ · حفص يَنفَعُ

ترجمه در اینجا از قرائت Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad- کند، تَنفَعُ، به مؤنث، کهپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و Dūrī يَنفَعُ می‌خواند، به مذکر.

فاعل فعل مَعْذِرَتُهُمْ است، عذری که پیش می‌آورند، اسمی مؤنث: مؤنث با آن مطابقت دارد. مذکر نیز در عربی درست است هنگامی که فاعل پس از فعل بیاید، و معنا یکی است: در آن روز، عذرخواهی ستمگران دیگر به آنان سودی نمی‌رساند.

**(75)** 29:55 وَنَقُولُ · حفص وَيَقُولُ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، وَنَقُولُ،پیروی می Ibn ʿĀmir و Ibn Kathīr، Abū ʿAmr وَيَقُولُ می‌خوانند، «و خواهد گفت».

عبارت‌های همزاد «بچشید» را با «خواهیم گفت» (3:181، 34:42) می‌آورند، و این بخش پیش و پس از آن با «ما» سخن می گوید (29:51، 29:56-58).

**(76)** 29:66 وَلْيَتَمَتَّعُواْ · حفص وَلِيَتَمَتَّعُواْ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، وَلْيَتَمَتَّعُواْ، یک فرمان؛پیروی می al-Kisāʾī و Ḥamza، Ibn Kathīr، Qālūn و Hafs وَلِيَتَمَتَّعُواْ می‌خوانند، «و تا برخوردار شوند».

دو عبارتِ همزاد، 16:55 و 30:34، «تا آنچه را به آنان دادیم انکار کنند» را به فرمانی تهدیدآمیز می‌پیوندند: «پس برخوردار شوید: به‌زودی خواهید دانست». در اینجا، همین تهدید به سوم شخص گفته می‌شود.

**(77)** 28:23 يَصْدُرَ · حفص يُصْدِرَ

ترجمه در اینجا از قرائت و Hafs ؛« که شبانان بازروند» کند، يَصْدُرَ،پیروی می Ibn ʿAmir و Abū ʿAmr Warsh يُصْدِرَ می‌خوانند، « که شبانان چارپایانشان را بازگردانند».

در سراسر این بخش، فعل‌های آب دادن بی‌مفعول ساخته می‌شوند (28:23-25)؛ تنها فعلِ دیگرِ این ریشه، در 99:6، نیز به صورت ساده است: «مردم در گروه‌هایی پراکنده بازخواهند گشت».

**(78)** 25-27:24 يُخْفُونَ ... يُعْلِنُونَ · حفص تُخْفُونَ ... تُعْلِنُونَ

ترجمه از قرائت آنچه» ،«کنندآنچه پنهان می») يُخْفُونَ و يُعْلِنُونَ :کند، به سوم شخص‌پیروی می Warsh (Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، اندهای دیگری که در اینجا ثبت شده، همچون همهٔ قرائت(«کنندفاش می Hafs تنها .(Shuʿba، as-Sūsī، ad-Dūrī به دوم شخص می‌خواند: تُخْفُونَ و تُعْلِنُونَ («آنچه پنهان می کنید»، «آنچه فاش می کنید»).

سراسر بند گزارشی دربارهٔ یک قوم است: «و او و قومش را یافتم که غیر از خدا برای خورشید پیشانی بر خاک می‌نهند». قرائتِ پیروی‌شده تا پایان در همین گزارش می‌ماند: این قوم برای آن کس که آنچه را خودش پنهان می کند می‌داند پیشانی بر خاک نمی‌نهد. پیوند در خود بند است: خدا «نهفته در آسمان‌ها و زمین را بیرون می‌آورد»، و آنچه را این قوم پنهان نگه می‌دارد نیز می‌داند.

**(79)** 27:59 تُشْرِكُونَ · حفص يُشْرِكُونَ

ترجمه از قرائت و al-Bazzī، Qālūn ، که(«گیریدآنچه انباز می») کند، تُشْرِكُونَپیروی می Warsh as-Sūsī، ad-Dūrī ، همچون(«گیرندآنچه انباز می») خواندیُشْرِكُونَ می Hafs .خوانندنیز چنین می Qunbul و Shuʿba.

جمله آنچه را متن برای گفتن می‌سپارد و با «بگو» آغاز می‌شود به پایان می‌برد: «ستایش از آنِ خدا است، و آرامش بر فرمان‌برداران او که برگزید». پس پرسش رویاروی شنوندگان نهاده می‌شود. بندهای بعدی همین خطاب را نگه می‌دارند: آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید «از آسمان برای شما آبی فرود آورد» (27:60).

**(80)** 27:63 نُشُرًا · حفص بُشْرًا

ترجمه از قرائت Warsh می پیروی «نُشُرًا» ، همچون(«گسترده») کند، Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī و as-Sūsī. Hafs بُشْرًا می‌خواند («مژده‌دهندگان»).

واژهٔ نُشُرًا از ریشهٔ ن ش ر است، گستردن، پراکندن (17:13 «گسترده»): بادها می گسترند و آب را همه‌جا می‌پراکنند، در پیشاپیش مهر او. در 7:57 دنبالهٔ بند این را نشان می‌دهد: بار گرفته از ابرهای سنگین، به سوی سرزمینی مرده رانده می‌شوند، سپس: «بدین‌سان مردگان را بیرون خواهیم آورد». صحنهٔ 30:46، با مُبَشِّرت، «مژده‌دهندگان» را نگه می‌دارد.

**(81)** 187–26:185 كِسْفًا · حفص كِسَفًا

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh می پیروی کند، Qālūn، Ibn Kathīr، Abū ʿAmr و Shuʿba، به مفرد، كِسْفًا، نیز در آن شریک اند؛ كِسَفًا می‌خواند، «پاره‌ها».

این چالش یک ضربهٔ یگانه از آسمان می‌طلبد: پاسخ پوششی یگانه است: «کیفر روز سایبان» (26:189). همین تصویر در 52:44 در همهٔ قرائت‌ها مفرد است.

**(82)** 25:19 يَسْتَطِيعُونَ · حفص تَسْتَطِيعُونَ

ترجمه از قرائت های دیگری که در، همچون همهٔ قرائت(«توانندنمی») کند، يَسْتَطِيعُونَ پیروی می Warsh Hafs تنها .(Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī، as-Sūsī، Shuʿba) اندایجا ثبت شده تَسْتَطِيعُونَ می‌خواند («نمی‌توانید»).

صحنه، صحنهٔ روز گردهمایی است: کسانی که غیر از خدا از آنان فرمان برده می‌شد پاسخ می‌دهند: «شکوه بر تو باد!» و از کسانی که خدمتشان می کردند بیزاری می‌جویند (25:18). جمله پیامد آن را برای خدمتگزارانشان بیرون می کشد: این موجودات آنان را دروغ انگاشته‌اند، و آنان بی‌توان‌اند. قرائت پیروی‌شده همان فاعلِ «پس آنان شما را در آنچه می گویید دروغ انگاشته‌اند» را نگه می‌دارد: کسانی که دروغ می‌انگارند همان کسانی‌اند که هیچ کاری نمی‌توانند.

**(83)** 25:48 نُشُرًا · حفص بُشْرًا

ترجمه از قرائت Warsh می پیروی «نُشُرًا» ، همچون(«گسترده») کند، Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī و as-Sūsī. Hafs بُشْرًا می‌خواند («مژده‌دهندگان»).

واژهٔ نُشُرًا از ریشهٔ ن ش ر است، گستردن، پراکندن (17:13 «گسترده»): بادها می گسترند و آب را همه‌جا می‌پراکنند، در پیشاپیش مهر او. در 7:57 دنبالهٔ بند این را نشان می‌دهد: بار گرفته از ابرهای سنگین، به سوی سرزمینی مرده رانده می‌شوند، سپس: «بدین‌سان مردگان را بیرون خواهیم آورد». صحنهٔ 30:46، با مُبَشِّرت، «مژده‌دهندگان» را نگه می‌دارد.

**(84)** 23:67 تُهْجِرُونَ · حفص تَهْجُرُونَ

ترجمه از قرائت Hafs .(«گفتیدآمیز می‌سخنانی اهانت») کند، تُهْجِرُونَپیروی می Warsh تَهْجُرُونَ می‌خواند («نشانه‌ها را وامی‌نهادید»).

جملهٔ پیشین رفتار آنان را با نشانه‌ها وصف می‌کند: «بر پاشنه‌های خود به عقب برمی‌گشتید، دربارهٔ آن‌ها خودبزرگ‌بینی می‌کردید». با قرائتِ پیروی‌شده، سرزنش تا سخن پیش می‌رود: شبانه، میان خود، به این نشانه‌ها اهانت می‌کردند. این فعل از ریشهٔ ه ج ر است؛ در این صورت، سخنی را می‌گوید که از اندازه درمی‌گذرد.

**(85)** 22:40 دِفَعٌ · حفص دَفْعُ

ترجمه از قرائت Hafs .خواندنیز چنین می Qālūn کند، دِفَعٌ، کهپیروی می Warsh دَفْعُ می‌خواند.

واژهٔ دِفَاع مصدرِ دَافَعَ است، صورتی که دو بند بالاتر خوانده می‌شود: «زیرا خدا از کسانی که باور آوردند دور می‌راند» (22:38). این دو بند به یکدیگر پاسخ می‌دهند: خدا از باورمندان دفاع می‌کند، و با دفع کردن انسان‌ها به‌وسیلهٔ یکدیگر است که جاهایی را که نام او در آن‌ها یادآوری می‌شود پاس می‌دارد. همین اختلاف در 2:251 نیز خوانده می‌شود: «و اگر خدا انسان‌ها را به‌وسیلهٔ یکدیگر پس نمی‌زد».

**(86)** 22:45 أَهْلَكْتُهَا · حفص أَهْلَكْنَاهَا

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، أَهْلَكْتُهَا، به اول شخص مفرد؛پیروی می Abū ʿAmr أَهْلَكْنَاهَا می‌خوانند، «نابودشان کردیم».

از 22:44 تا 22:48، خدا به مفرد سخن می‌گوید: «پس به انکارکنندگان مهلت دادم، سپس آنان را گرفتم» (22:44). بندِ همزادِ 22:48 همان آغاز و همان جملهٔ معترضه را دارد، و فعل‌هایش در همهٔ قرائت‌ها مفردند.

**(87)** 22:47 يَعُدُّونَ · حفص تَعُدُّونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، يَعُدُّونَ، به سوم شخص؛پیروی می Ibn Kathīr تَعُدُّونَ می‌خوانند.

کسانی که می‌شمارند همان کسانی‌اند که «از تو می‌خواهند که کیفر را شتاب دهی»: در این بخش هیچ «شما»یی خطاب نمی‌شود. در 32:5، همین عبارت «آنچه شما می‌شمارید» می‌ماند، زیرا 32:4 هم‌اکنون «شما» را خطاب کرده است.

**(88)** 22:62 تَدْعُونَ · حفص يَدْعُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت Hafs «(«خوانیدمی») کند، تَدْعُونَپیروی می Warsh يَدْعُونَ می‌خواند («آنچه می‌خوانند»).

جمله از آنچه پیش از آن آمده نتیجه می‌گیرد: خدا حقیقت است، و آنچه غیر از او خوانده می‌شود جز باطل نیست. قرائتِ پیروی‌شده مستقیم خوانندگان را خطاب می‌کند: «آنچه غیر از او می‌خوانید». همین جمله، با همین برگردان، در 22:62 و در 31:30 بازمی‌گردد.

**(89)** 21:4 قُلَ · حفص قَالَ

ترجمه از قرائت اند، جزهای دیگر نیز در آن شریک، که قرائت(«بگو») کند، قُلپیروی می Warsh al-Kisa'i و Hamza ،Hafs، که قَالَ می‌خوانند («گفت»).

سوره سخنی برای گفتن می‌سپارد: فرمانِ «بگو» پاسخ به کسانی را می‌گشاید که پنهانی رازگویی می‌کنند (21:3)، و در پایان، در 21:112، پس از دو «بگو» (21:108-109) بازمی‌گردد.

**(90)** 21:80 لِيُحْصِنَكُم · حفص لِتُحْصِنَكُم

ترجمه از قرائت .کند، لِيُحْصِنَكُم، به مذکر، که مرجعش جامهٔ زره است، لَبُوس‌پیروی می Warsh Hafs لِتُحْصِنَكُم می‌خواند، به مؤنث، که می‌تواند هم به ساختن، صَنْعَة، و هم به جامه بازگردد.

با قرائتِ پیروی‌شده، خودِ زره است که محافظت می‌کند، بی‌هیچ تردیدی دربارهٔ مرجع؛ در ترجمه به فارسی نیز، فعل به همان زره بازمی‌گردد.

**(91)** 21:112 قُلَ · حفص قَالَ

ترجمه از قرائت اند، جزهای دیگر نیز در آن شریک، که قرائت(«بگو») کند، قُلپیروی می Warsh al-Kisa'i و Hamza ،Hafs، که قَالَ می‌خوانند («گفت»).

سوره سخنی برای گفتن می‌سپارد: فرمانِ «بگو» پاسخ به کسانی را می‌گشاید که پنهانی رازگویی می‌کنند (21:3)، و در پایان، در 21:112، پس از دو «بگو» (21:108-109) بازمی‌گردد.

**(92)** 20:97 تُخْلَفَهُۥ · حفص تُخْلَفُهُۥ

ترجمه در اینجا از قرائت و Hafs کند، تُخْلَفُهُۥ، به صورت معلوم؛پیروی می Abū ʿAmr و Ibn Kathīr Warsh تُخْلَفَهُۥ می‌خوانند، به صورت مجهول، «وعده‌گاهی که با تو در آن خلف نخواهد شد».

کسی که به وعده‌گاهی خلف می‌کند کسی است که آن را پشت سر می‌نهد: همین فعل هم‌اکنون برای قوم به کار رفته است، «که به وعده‌گاه من خلف کردید» (20:86)، و برای پاسخ آنان (20:87). در همه جای دیگر، فاعلِ أَخْلَفَ کسی است که خلف می‌کند.

**(93)** 19:19 لِيَهَبَ · حفص لِأَهَبَ

ترجمه از قرائت Hafs .(«تا او به تو عطا کند») کند، لِيَهَبَپیروی می Warsh لِأَهَبَ می‌خواند («تا من به تو عطا کنم»)، که در آن فرستاده از جانب خود سخن می‌گوید.

گوینده خود را «فرستادهٔ سرپرست تو» معرفی می‌کند: او می‌رساند، عطا نمی‌کند. قرائتِ پیروی‌شده عطا را به فرستنده وامی‌گذارد. دنبالهٔ آن نیز در همین سو است: «سرپرست تو گفت: این بر من آسان است» (19:21).

**(94)** 19:51 مُخْلِصًا · حفص مُخْلَصًا

ترجمه از قرائت Hafs .، به صورت معلوم(«نهد که خود را تنها وامی») کند، مُخْلِصًاپیروی می Warsh مُخْلَصًا می‌خواند («ویژه گردانده‌شده»، برگزیدهٔ خدا).

با قرائتِ پیروی‌شده، بند آنچه را موسی می‌کرد وصف می‌کند: او خود را تنها به خدا وامی‌نهاد. این کنشی از سوی خود اوست، که بر نقشش پیشی دارد: «و فرستاده‌ای بود، اطلاع‌دهنده». بدین‌سان چهرهٔ موسی با رفتارش آغاز می‌شود، پیش از مأموریتش.

**(95)** 19:59–61 يُدْخَلُونَ · حفص يَدْخُلُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، يُدْخَلُونَ، به صورت مجهول؛پیروی می Shuʿba و Ibn Kathīr، Abū ʿAmr Warsh و Hafs يَدْخُلُونَ می‌خوانند، «درخواهند آمد».

وعده، به صورت مجهول، به تهدیدی که پیش از آن آمده پاسخ می‌دهد: «هر که بدی‌ای کند، بدان بازپرداخت خواهد شد» (4:123). فعلی که در پی می‌آید نیز مجهول است: «و بر آنان ستمی نخواهد رفت». باغ بخشیده می‌شود، نه گشوده: همین وعده، با خدا به‌عنوان فاعل، می‌گوید «آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهیم آورد» (4:122). همین عبارت در 19:60 و 40:40 بازمی‌گردد، و به همین شیوه خوانده می‌شود.

**(96)** 18:33–34 ثُمُرٌ · حفص ثَمَرٌ

ترجمه از قرائت Hafs ، آنجا که(«هادارایی») کند، ثُمُرٌپیروی می Warsh ثَمَرٌ می‌خواند («میوه‌ها»).

روایت از مردی سخن می‌گوید که به او «دو باغ از تاک» (18:32) داده شده بود. با قرائتِ پیروی‌شده، آنچه دارد از میوه فراتر می‌رود: دارایی‌هایی است که باغ‌هایش بارورشان کرده‌اند. «دارایی‌های بارور» هر دو معنا را نگه می‌دارد. همین دارایی است که به تمامی در پایان روایت در میان گرفته می‌شود (18:42)، و نه تنها محصول.

**(97)** 18:42 بِثُمُرِهِۦ · حفص بِثَمَرِهِۦ

ترجمه از قرائت Hafs ، آنجا که(«هادارایی») کند، ثُمُرِپیروی می Warsh ثَمَرٌ می‌خواند («میوه‌ها»).

روایت از مردی سخن می‌گوید که به او «دو باغ از تاک» (18:32) داده شده بود. با قرائتِ پیروی‌شده، آنچه دارد از میوه فراتر می‌رود: دارایی‌هایی است که باغ‌هایش بارورشان کرده‌اند. «دارایی‌های بارور» هر دو معنا را نگه می‌دارد. همین دارایی است که به تمامی در پایان روایت در میان گرفته می‌شود (18:42)، و نه تنها محصول.

**(98)** 18:98 دَكَّا · حفص دَكَّآءَ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز در آن Abū ʿAmr و Ibn Kaṯīr ،Qālūn کند، که‌پیروی می Warsh Hafs .دَكَّا :اندشریک دَكَّآءَ می‌خواند، «سطحی هموارشده».

این همان عبارتِ 7:143 است، جَعَلَهُۥ دَكَّا، که مصدری، :خواندخود آن را در آنجا چنین می Hafs بارویی که تازه برافراشته شده جز مهلتی نیست؛ در سررسید، .فشرد، نه حالتی‌کوبیدنی که می (89:21 ،69:14) شودهمچون زمینِ روز واپسین هموار می.

**(99)** 69–17:68 تَّخْسِفَ ... نُرْسِلَ ... نُّعِيدَكُمْ ... فَنُرْسِلَ ... فَنُغْرِقَكُم · حفص يَخْسِفَ ... يُرْسِلَ ... يُعِيدَكُمْ ... فَيُرْسِلَ ... فَيُغْرِقَكُم

ترجمه در اینجا از قرائت کند، تَّخْسِفَ، نُرْسِلَ، نُّعِيدَكُمْ، فَنُرْسِلَ،پیروی می Abū ʿAmr و Ibn Kaṯīr Warsh و Hafs فَنُغْرِقَكُم، به اول شخص جمع؛ به سوم شخص می‌خوانند.

جمله با «کسی را بیابید که برای شما از ما بازخواست کند» پایان می‌یابد. این عبارت تنها در 17:75 و 17:86 بازمی گردد، و هر بار پس از فعلی با «ما». همین ضربه‌ها در 29:40 و 34:9 با «ما» گفته می‌شوند.

**(100)** 16:1 تُشْرِكُونَ · حفص يُشْرِكُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت ؛16:3 و 16:1 کند، تُشْرِكُونَ، به دوم شخص، درپیروی می al-Kisāʾī و Ḥamza Warsh و Hafs يُشْرِكُونَ می‌خوانند.

سوره با سخن گفتن با «شما» آغاز می‌شود: «پس در پی شتاباندن آن مباشید» (16:1)؛ عبارتِ ستایشی که در پی می‌آید همین شخص را نگه می‌دارد، در 16:1 و در 16:3. در جاهای دیگر، همین عبارت در «آنان» می‌ماند.

### (101) 16:3 تُشْرِكُونَ · حفص يُشْرِكُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت ۱۶:۳ و ۱۶:۱ کند، تُشْرِكُونَ، به دوم شخص، درپیروی می al-Kisāʾī و Ḥamza Warsh و Hafs يُشْرِكُونَ می‌خوانند.

سوره با سخن گفتن با «شما» آغاز می‌شود: «پس در پی شتاباندن آن مباشید» (۱۶:۱)؛ عبارتِ ستایشی که در پی می‌آید همین شخص را نگه می‌دارد، در ۱۶:۱ و در ۱۶:۳. در جاهای دیگر، همین عبارت در «آنان» می‌ماند.

### (102) 16:20 تَدْعُونَ · حفص يَدْعُونَ

ترجمه از قرائت ad-Dūrī، Qunbul، al-Bazzī، Qālūn ، که(«خوانیدمی») کند، تَدْعُونَپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و يَدْعُونَ می‌خواند («کسانی که می‌خوانند»).

این بخش شنوندگانش را به دوم شخص خطاب می‌کند؛ درست پیش از آن: «خدا می‌داند آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را افشا می‌کنید» (۱۶:۱۹). قرائتِ پیروی‌شده همین خطاب مستقیم را نگه می‌دارد: ایزدانِ همان شنوندگان‌اند که «چیزی نمی‌آفرینند». همین استدلال در ۲۵:۳ بازمی‌گردد، دربارهٔ ایزدانی « که هیچ نمی‌آفرینند و خود آفریده‌اند».

### (103) 16:79 تَرَوْا · حفص يَرَوْا

ترجمه در اینجا از قرائت و Hafs کند، تَرَوْا، به دوم شخص،پیروی می Yaʿqūb و Ḥamza، Ibn ʿAmir Warsh يَرَوْا می‌خوانند.

این بخش پیش و پس از آن «شما» را خطاب می‌کند (۱۶:۷۸، ۱۶:۸۰)، و ۱۶:۷۸ هم‌اکنون «بینایی‌ها» را داده است: پرسش می‌خواهد که از آن‌ها بهره گرفته شود. در ۶۷:۱۹، همین پرسش در «آنان» می‌ماند، زیرا بافتش از آنان سخن می‌گوید.

### (104) 13:39 وَيُثْبِتُ · حفص وَيُثْبِتُ

ترجمه از قرائت نیز در آن Qālūn ، که(، باب دوم«سازدو استوار می») کند، وَيُثَبِّتُپیروی می Warsh ،Qunbul ،al-Bazzī ، همچون(، باب چهارم«کندو ثبت می») خواندوَيُثْبِتُ می Hafs .شریک است ad-Dūrī، as-Sūsī و Shuʿba.

از ث ب ت، يُثَبِّتُ استوار ساختنِ چیزی را می‌گوید که ممکن است بلغزد: این فعل «گام‌های ما را استوار سان» (۲:۲۵۰) و «خدا کسانی را که باور می‌آورند با سخن استوار، در زندگی نزدیک و در زندگی واپسین، استوار می‌سازد» (۱۴:۲۷) است. در برابر محو کردن، خدا آنچه را پسندش افتد که نگه دارد استوار می‌سازد: این دو کنش با هم می‌آیند، محو کردن و استوار ساختن.

**(105)** 12:10 غَيَٰبَٰتِ · حفص غَيَٰبَٰتِ

ترجمه از قرائت Hafs کند، غَيَٰبَٰتِ، به جمع، ژرفاهای چاه؛پیروی می Warsh غَيَٰبَٰتِ می‌خواند، به مفرد. معنا تغییر نمی کند.

غَيَٰبَة از غ ي ب است، از دیدگان غایب بودن (برگهٔ غیب)، و ٱلْجُبّ از ج ب ب، چاهی که در زمین کنده شده است (برگهٔ جبب): ته پنهانِ چاه، جایی که آنچه افکنده می‌شود از دیده ناپدید می گردد. طرح یکی از برادران (12:10) کارِ همهٔ آنان می‌شود (12:15).

**(106)** 12:12 يَرْتَعْ · حفص يَرْتَعْ

ترجمه از قرائت Hafs. Al-Bazzī ،Qunbul کند، يَرْتَعِ وَيَلْعَبْ، به سوم شخص، همچون‌پیروی می Warsh as-Sūsī و ad-Dūrī به اول شخص جمع می‌خوانند، تا ما سرگرم شویم و بازی کنیم؛ تنها شخص تغییر می کند، نه اصل.

برادران از پدرشان می‌خواهند یوسف را با آنان بفرستد: قرائتِ پیروی‌شده سرگرمی و بازی را به حساب یوسف به تنهایی می گذارد، و پاسداری را به حساب خودشان: «ما بی‌گمان پاسداران او خواهیم بود».

**(107)** 12:15 غَيَٰبَٰتِ · حفص غَيَٰبَٰتِ

ترجمه از قرائت Hafs کند، غَيَٰبَٰتِ، به جمع، ژرفاهای چاه؛پیروی می Warsh غَيَٰبَٰتِ می‌خواند، به مفرد. معنا تغییر نمی کند.

غَيَٰبَة از غ ي ب است، از دیدگان غایب بودن (برگهٔ غیب)، و ٱلْجُبّ از ج ب ب، چاهی که در زمین کنده شده است (برگهٔ جبب): ته پنهانِ چاه، جایی که آنچه افکنده می‌شود از دیده ناپدید می گردد. طرح یکی از برادران (12:10) کارِ همهٔ آنان می‌شود (12:15).

**(108)** 12:19 يَٰبُشْرَىٰ · حفص يَٰبُشْرَىٰ

ترجمه از قرائت Hafs کند، يَٰبُشْرَيَ، ای مژدهٔ من؛پیروی می Warsh يَٰبُشْرَىٰ می‌خواند، ای مژده. برگردان برای هر دو درست است؛ معنا تغییر نمی کند.

آب‌کشِ کاروانیان دلوش را بالا می کشد و یوسف را در آن می‌یابد: «این پسری است!» بُشْرَى، از ب ش ر، مژده دادن (برگهٔ بشر)، خبری را می گوید که شادی را آشکار می کند.

**(109)** 12:50 اِلّتی · حفص الّتی

ترجمه از قرائت Hafs کند؛شده تلفظ می‌ای سبک کند، که این موصول را با همزه‌پیروی می Warsh اَلّتی می‌خواند. معنا تغییر نمی کند.

یوسف نمی‌پذیرد که پیش از روشن شدنِ کارِ زنان از زندان بیرون آید: فرستاده را با این پرسش نزد پادشاه بازمی‌فرستد.

**(110)** 12:62 لِفِتْيَتِهِ · حفص لِفِتْيَٰنِهِ

ترجمه از قرائت و as-Sūsī، Qunbul، ad-Dūrī، al-Bazzī، Qālūn کند، لِفِتْيَتِهِ، که‌پیروی می Warsh Hafs خوانند؛نیز چنین می Shu'ba لِفِتْيَٰنِهِ می‌خواند. این دو، دو جمع یک واژه‌اند، مرد جوان، و برگردان هر دو را دربرمی گیرد.

یوسف دستور می‌دهد کالای برادران را در انبانه‌هایشان بگذارند، تا آن را بشناسند و بازگردند.

**(111)** 12:81 سُرِّقَ · حفص سَرَقَ

ترجمه در اینجا از خوانشی از اسکلت پیروی می کند، سُرِّقَ، «دزد اعلام شد»، که هیچ‌یک از قرائت‌های پذیرفته‌شده آن را ندارد؛ Warsh و Hafs سَرَقَ می‌خوانند، «دزدید».

دزدی یک ترفند است: یوسف است که جام را می گذارد و جارچی است که آنان را دزد اعلام می کند (12:70)؛ «نیرنگ چیدیم» (12:76). برادران جز اتهام و جامِ یافته‌شده چیزی ندیدند، و خود آن را می گویند: «ما جز آنچه می‌دانیم گواهی نمی‌دهیم».

**(112)** 12:110 كُذِّبُواْ · حفص كُذِبُواْ

ترجمه از قرائت Hafs .(«دروغ انگاشته شده بودند») کند، كُذِّبُواْپیروی می Warsh كُذِبُواْ می‌خواند («به آنان دروغ گفته شده بود»).

بند فرستادگان را در پایان آزمون وصف می کند، آن گاه که «نومید شدند». با قرائتِ پیروی‌شده، آنچه درمی‌یابند رد شدنشان از سوی قوم‌هایشان است: آنان را دروغ انگاشته‌اند. در همین هنگام است که یاری می‌رسد، و جملهٔ بعد روی دیگر را می گوید: «سخت گیری ما از قوم کنارگذاشته‌شده لغو نمی‌شود».

**(113)** 11:16 وَبَطَلَ · حفص وَبَٰطِلٌ

ترجمه در اینجا از خوانشی از اسکلت پیروی می‌کند، وَبَطَلَ، یک فعل، که هیچ‌یک از قرائت‌های پذیرفته‌شده آن را ندارد؛ Warsh و Hafs وبَٰطِلٌ می‌خوانند، یک اسم.

دو بخش به یکدیگر پاسخ می‌دهند: «آنچه را در آن ساخته‌اند فروریخته خواهد بود»، سپس آنچه می‌کردند پوچ می‌شود. همین عبارت در 7:118 به صورت فعل خوانده می‌شود، آنجا که از پِی فعلی می‌آید، و در 7:139 به صورت اسم، آنجا که از پِی اسمی می‌آید.

**(114)** 11:28 فَعَمِيَتْ · حفص فَعُمِّيَتْ

ترجمه از قرائت Hafs .(«تیره شد») کند، فَعَمِيَتْپیروی می Warsh فَعُمِّيَتْ می‌خواند («تیره گردانده شد»).

نوح از دلیل روشنی که دریافت کرده و از مهری که خدا به او ارزانی داشته است سخن می‌گوید. با قرائتِ پیروی‌شده، همین مهر است که بر قوم تیره می‌شود، بی‌آنکه کسی آن را بپوشاند: آنان‌اند که دیگر آن را نمی‌بینند. از همین رو پرسشی که در پی می‌آید: «آیا آنگاه، در حالی که آن را ناخوش دارید، آن را بر شما تحمیل می‌کردیم؟»

**(115)** 11:81 فَأَسْرِ · حفص فَأَسْرِ

ترجمه از قرائت Hafs کند، فَأَسْرِپیروی می Warsh فَأَسْرِ می‌خواند، در باب چهارمِ همین فعل. هر دو رهسپار شدنِ شبانه را می‌گویند؛ معنا تغییر نمی‌کند.

این فعل رهسپار شدنِ شبانه را می‌گوید، که در پناه تاریکی انجام می‌شود، از س ر ي (برگهٔ سری): «در پاره‌ای از شب». همین فرمان برای لوط در 15:65 بازمی‌گردد، و برای موسی در 20:77، 26:52 و 44:23.

**(116)** 11:108 سَعِدُواْ · حفص سُعِدُواْ

ترجمه از Hafs .«بخت باشند کسانی که نیک» :کند، سَعِدُواْ، به صورت معلوم‌پیروی می Warsh سُعِدُواْ می‌خواند، به صورت مجهول: «کسانی که نیک‌بخت گردانده شده باشند».

دو گروه با دو فعلِ هم‌وزن وصف می‌شوند: «کسانی که تیره‌بخت باشند» (11:106)، «کسانی که نیک‌بخت باشند».

**(117)** 10:2 لَسِحْرٌ · حفص لَسَٰحِرٌ

ترجمه از قرائت نیز چنین Warsh و Hafs می‌خوانند لَسِحْرٌ، که («بندی‌چشم») کند، as-Sūsī ،ad-Dūrī ،Qālūn پیروی می «بندی‌چشم» می‌خواند («چشم‌بند»).

آنچه انکارکنندگان در اینجا داوری می‌کنند، چیزی است که به «مردی از میان آنان» (10:2) پرده برداشته شد. با قرائتِ پیروی‌شده، آنان به پیام می‌تازند نه به شخص: در نظرشان، این چشم‌بندی است. همین داوری در 28:48 بازمی‌گردد: «دو چشم‌بندی که یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند!»

**(118)** 10:27 قِطْعًا · حفص قِطَعًا

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، قِطْعًا، به مفرد؛پیروی می al-Kisāʾī و Ibn Kathīr قِطَعًا می‌خوانند، «پاره‌ها».

شب در جاهای دیگر به مفرد بریده می‌شود، قِطْعٍ مِّنَ ٱلَّيْلِ، «در پاره‌ای از شب» (11:81، 15:65)؛ صفتِ مذکرِ مفردِ «تاریک» آنگاه با اسم خود مطابقت دارد. در اینجا، پارهٔ شب چهره‌ها را می‌پوشاند: پرده‌ای یکپارچه است.

**(119)** 10:30 نَتْلُواْ · حفص تَتْلُواْ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، نَتْلُواْ؛پیروی می al-Kisāʾī و Ḥamza تَتْلُواْ می‌خوانند، «خواهد آزمود».

کردارها نوشته و در دفتری نگه داشته می‌شوند (10:21، 10:61)؛ در آن روز، هر کس آن را می‌خواند: «دفتر خود را بخوان» (17:14). در 10:61، همین اسکلت را همگان نَتْلُواْ می‌خوانند: «هیچ خوانشی را که از آن برخاسته باشد برنمی‌خوانی».

### (120) 9:37 يُضِلُّ · حفص يُضَلُّ

برای يُضِلُّ، ترجمه از تلفظ Rawḥ: Ruways و Yaʿqūb al-Ḥaḍramī می کند، به روایت‌پیروی می يُضَلُّ Hafs .کنند که گمراه می‌اند، آنان‌انکارکنندگان فاعل – «کنندانکارکنندگان با آن گمراه می» انکارکنندگان با آن به») يَضِلُّ Warsh ، و(«شوندانکارکنندگان با آن گمراه کرده می») کندتلفظ می Warsh خواند، اَلنَّسِيٓءُ؛می Hafs همچون Yaʿqūb برای واژهٔ نخست، .(«روند گمراهی می اَلنَّسِيُّ می‌خواند، که همان صورتِ «فراموش‌شده» است.

اَلنَّسِيٓءُ از ریشهٔ ن س ء است، به تعویق انداختن، بیرون از شمار نهادن. صورتش آن را چیزی می‌سازد و نه ترفندی: آنچه به تعویق افتاده، زمانی که بیرون از شمار نهاده شده است. این شمار درست پیش از آن داده شده است: «شمار ماه‌ها نزد خدا همانا دوازده ماه است»، و «چهار تای آن‌ها مصون از تعرّض‌اند» (9:36). بند می گوید با این زمان چه می کنند: «آن را یک سال تقویمی روا می کنند و یک سال تقویمی مصون از تعرّض می‌سازند». همین چیز هر سال بازمی گردد، و هر سال دربارهٔ حکمش تصمیم می گیرند، «تا شمار آنچه را خدا مصون از تعرّض ساخته است پایمال کنند». همهٔ این فعل‌ها یک فاعل دارند، انکارکنندگان؛ تلفظ Yaʿqūb آن را از نخستین فعل نگه می‌دارد: آنان‌اند که دیگران را با این تعویق گمراه می کنند.

### (121) 9:66 يُعْفَ · حفص نَّعْفُ

ترجمه از قرائت و تُعَذَّبْ («پوشی شوداگر چشم») يُعْفَ :کند، به صورت مجهول‌پیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و ad-Dūrī، Qunbul، al-Bazzī، Qālūn ؛(«کیفر داده خواهد شد») به صورت معلوم می‌خواند، با خدا به‌عنوان فاعل: نَعْفُ («اگر چشم‌پوشی کنیم») و نُعَذِّبْ («کیفر خواهیم داد»).

بند به کسانی پاسخ می‌دهد که خدا، نشانه‌های او و فرستادهٔ او را به مسخره می گرفتند، سپس ادعا می کردند: «ما تنها غوطه می‌خوردیم و بازی می کردیم» (9:65). پاسخ روشن است: «پس از باورتان انکار کردید». صورت مجهول آنچه را بر سر دو گروه می‌آید در پیش‌زمینه می‌نهد، نه آن‌کس را که کنش از اوست: از یکی چشم‌پوشی می‌شود، دیگری کیفر داده می‌شود، و دلیل بی‌درنگ داده می‌شود، «به‌خاطر آنکه کنارگذاشته‌شدگان بودند».

### (122) 9:103 صَلَوٰتَكَ · حفص صَلَوٰتَكَ

ترجمه از Hafs کند، صَلَوٰتَكَ، به جمع؛پیروی می Warsh صَلَوٰتَكَ می‌خواند، به مفرد، «تماس تو». معنا تغییر نمی کند: تماسِ کسی که متن با او سخن می گوید است که آرامش می‌بخشد.

جمع «تماس‌های تو» به 9:99 پاسخ می‌دهد، «تماس‌های فرستاده». تماسِ کسی که متن با او سخن می گوید کنشی یگانه نیست، بلکه پیوندی است که نو می‌شود.

**(123)** 9:109 أُسِّسَ ... بُنْيَٰنِهِۦ ... أُسِّسَ ... بُنْيَٰنِهِۦ · حفص أَسَّسَ ... بُنْيَٰنَهُۥ

ترجمه از قرائت ، به«که ساختمانش بنیاد نهاده شده است») کند، أُسِّسَ بُنْيَٰنِهِۦ پیروی می Warsh که ساختمانش را») خواندأَسَّسَ بُنْيَٰنَهُۥ می Hafs .نیز در آن شریک است Qālūn ، که(صورت مجهول Shuʿba و as-Sūsī، ad-Dūrī، Qunbul، al-Bazzī ، همچون(«بنیاد نهاد.

معنا در هر دو قرائت یکی است: دو ساختمان با آنچه بر آن استوارند سنجیده می‌شوند، احتیاط نسبت به خدا و رضایت او، یا لبهٔ پرتگاهی در آستانهٔ فروریختن. صورت مجهول ساختمان و بنیادش را در پیش‌زمینه می‌نهد، و پرسش دربارهٔ صاحب آن است: «کسی که ساختمانش بر احتیاط نسبت به خدا و بر رضایت او بنیاد نهاده شده است».

**(124)** 8:35 مَكًّا · حفص مُكَآءً

ترجمه در اینجا از خوانشی از اسکلت پیروی می‌کند که هیچ قرائتِ نقل‌شده‌ای آن را ندارد: مکا، که بی‌همزه نوشته شده، مَكًّا خوانده می‌شود، از ریشهٔ م ك ك، ریشهٔ مَكَّة (48:24). قرائت‌های نقل‌شده مُكَآءً می‌خوانند.

تَصْدِيَة به ص د د، بستن، نزدیک دانسته می‌شود: همان کاری است که همین کسان در بندِ بعد با دارایی‌هایشان می‌کنند، «تا راه خدا را ببندند» (8:36)، و همان کاری که اینک، درست پیش از آن، با جای پیشانی بر خاک نهادنِ مصون از تعرّض می‌کنند (8:34). مُكَآء هیاهو را می‌گوید. متنِ حرکت‌گذاری‌شده مُكَآءً می‌خواند؛ اما دست‌نوشته‌های کهن مکا می‌نویسند، بی‌همزه و بی‌حرکات، و این اسکلت مَكًّا نیز خوانده می‌شود، از ریشهٔ م ك ك، ریشهٔ مَكَّة در 48:24. ترجمه از این خوانشِ اسکلت پیروی می‌کند، بیرون از قرائت‌های نقل‌شده، و هر دو واژه، مکا و مَكَّة، را به یک معنا برمی‌گرداند: «هیاهو» و «غوغا». پس تماس آنان نزد خانه جز آشوبی همراه با انسداد نبود.

**(125)** 8:50 نَتَوَفَّى · حفص يَتَوَفَّى

ترجمه در اینجا از قرائت کند، نَتَوَفَّى، به مؤنث، که کارگزاران را فاعل فعل‌پیروی می Ibn ʿAmir Warsh و Hafs سازد؛می يَتَوَفَّى می‌خوانند.

همین عبارت در 47:27 با کارگزاران به‌عنوان فاعل بازمی‌گردد: «آنگاه که کارگزاران آنان را به‌درستی نگه خواهند داشت، در حالی که آنان را در گرفتن‌شان چند برابر می‌کنند». فعل در اینجا همان فاعل را دارد، که درست پس از آن نام برده می‌شود.

**(126)** 8:59 تَحْسَبَنَّ · حفص يَحْسَبَنَّ

ترجمه در اینجا از قرائت این بخش :کند، تَحْسِبَنَّ، به دوم شخص‌و دیگر قاریان پیروی می Warsh خواند؛ درتَحْسَبَنَّ می 24:57 در همین جمله در Hafs ، و خود(8:57-58) کندخواننده را خطاب می Hafs ،8:59 يَحْسَبَنَّ می‌خواند.

پس از دستور دربارهٔ پیمانِ شکسته، متن پنداری را کنار می‌زند: اینکه با خیانت پیشی گرفته باشند. انکارکنندگان خدا را ناتوان نمی‌سازند.

**(127)** 7:20 مَلِكَيْنِ · حفص مَلَكَيْنِ

ترجمه در اینجا از خوانشی از اسکلت پیروی می‌کند، مَلِكَيْنِ، «دو پادشاه»، که هیچ‌یک از قرائت‌های پذیرفته‌شده آن را ندارد؛ همین اسکلت در 2:102 چنین خوانده می‌شود. Warsh و Hafs مَلَكَيْنِ می‌خوانند، «دو کارگزار».

روایتِ همزادِ همین وسوسه، در برابر همان درخت، دو طعمه را می‌آورد: «درخت جاودانگی و پادشاهی‌ای را که فرسوده نمی‌شود» (20:120). دو بخشِ 7:20 جزء به جزء به آن پاسخ می‌دهند: «دو پادشاه»، سپس «جاودانه‌ماندگان». کارگزاران در برابر آدم پیشانی بر خاک نهادند (7:11): کارگزار شدن برای او طعمه‌ای نمی‌بود.

**(128)** 7:57 نُشُرًا · حفص بُشْرًا

ترجمه از قرائت Qālūn، al-Bazzī، Qunbul، ad-Dūrī ، همچون(«گسترده») کند، نُشُرًاپیروی می Warsh و بُشْرًا می‌خواند («مژده‌دهندگان»). as-Sūsī. Hafs

واژهٔ نُشُرًا از ریشهٔ ن ش ر است، گستردن، پراکندن (17:13 «گسترده»): بادها می‌گسترند و آب را همه‌جا می‌پراکنند، در پیشاپیش مهر او. در 7:57 دنبالهٔ بند این را نشان می‌دهد: بار گرفته از ابرهای سنگین، به سوی سرزمینی مرده رانده می‌شوند، سپس: «بدین‌سان مردگان را بیرون خواهیم آورد». صحنهٔ 30:46، با مُبَشِّرت، «مژده‌دهندگان» را نگه می‌دارد.

**(129)** 7:127 وَإِلَٰهَتَكَ · حفص وَءَالِهَتَكَ

ترجمه در اینجا از خوانشی از اسکلت پیروی می‌کند: وَإِلَٰهَتَكَ، ایزدیِ او، آنچه به او همچون کسی که خدمتش می‌کنند تعلق دارد؛ ،«برداری‌فرمان» واژهٔ .«و ایزدانت» خوانند،وَءَالِهَتَكَ می Warsh و Hafs گرداند، در اینجا به کار رفته است زیرا این ایزدی همان‌که در جاهای دیگر ریشهٔ ع ب د را برمی (26:22) «ای‌به زیر سلطه کشیده» روی دیگرِ :طلبدبرداری می‌است که فرمان.

دربار از خدمتی سخن می‌گوید که قوم موسی به فرعون می‌کند. در جای دیگر آن را می‌گوید: «در حالی که قوم آنان ما را فرمان می‌برد» (23:47)؛ و موسی آن را بر او خرده می‌گیرد: «پسران اسرائیل را به زیر سلطه کشیده‌ای» (26:22). فرعون برای خود ایزدی جز خودش نمی‌شناسد (28:38): ایزدانی ندارد که رها شوند، بلکه به زیر سلطه کشیدگانی دارد که او را ترک می‌کنند. پاسخش این را تأیید می‌کند: «ما همانا بر آنان بالاتریم، در جایگاه قدرت» (7:127).

**(130)** 7:172–173 يَقُولُواْ · حفص تَقُولُواْ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، يَقُولُواْ، به سوم شخص؛پیروی می Abū ʿAmr تَقُولُواْ می‌خوانند، «تا نگویید».

روایت خواننده را خطاب می‌کند و از فرزندان به سوم شخص سخن می‌گوید، از «سرپرست تو» (7:172) تا «و شاید بازگردند» (7:174)؛ آنان‌اند که پاسخ دادند: «چرا، گواهی می‌دهیم!»

**(131)** 6:27 نُكَذِّبُ · حفص نُكَذَّبَ

ترجمه در اینجا از قرائت و دیگر» :کند، وَلَا نُكَذِّبُ ... وَنَكُونُ، به صورت اخباری‌پیروی می Warsh ای که به، وعده«های سرپرست خود را دروغ نخواهیم انگاشت، و از باورمندان خواهیم بودنشانه ؛ آرزو(6:28) «گویند گمان دروغ‌و آنان بی» :شماردآن را دروغ می 28 پاسخ بندِ .آرزو افزوده شده است Hafs .گویددروغ نمی به صورت نصبی می‌خواند، در درونِ خودِ آرزو.

در برابر آتش، آرزوی بازگردانده شدن با یک دریافت دنبال می‌شود: اگر بازگردانده می‌شدند، آنچه را از آن منع شده بودند تکرار می‌کردند. متن نمی‌گوید که بازگشت از سرِ ناتوانی رد می‌شود؛ می‌گوید که آرزو چیزی را دگرگون نمی‌کرد، زیرا «آنچه پیش‌تر پنهان می‌داشتند برای آنان آشکار شد».

**(132)** 6:57 يَقْضِ · حفص يَقُصُّ

ترجمه در اینجا از قرائت Hafs و ؛«کندحقیقت را مقرر می» کند، يَقْضِ ٱلْحَقَّ،پیروی می Abū ʿAmr Warsh يَقُصُّ ٱلْحَقَّ می‌خوانند، «حقیقت را بازمی گوید».

جمله در میان داوری قاب گرفته شده است: «داوری جز از آنِ خدا نیست»، سپس «و او بهترین جداکنندگان است» (6:57). بندِ بعد از کاری فیصله‌یافته سخن می گوید (6:58)، و همین در 40:20 گفته می‌شود: «خدا به حقیقت فصل می کند».

**(133)** 6:63 أَنجَيْتَنَا · حفص أَنجَىٰنَا

ترجمه در اینجا از قرائت ،al-Bazzī ،Qālūn ، که(«اگر ما را برهانی») کند، أَنجَيْتَنَاپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و ad-Dūrī ،Qunbul أَنجَىٰنَا می‌خواند («اگر ما را برهاند»).

جمله دعای کسانی را بازمی‌گوید که در تاریکی‌های خشکی و دریا گرفتار شده‌اند. با قرائتِ پیروی‌شده، آنان رویاروی خدا را خطاب می کنند، به دوم شخص: این فریاد کسی است که او را «با زاری و پنهانی» می‌خواند. پاسخ بی‌درنگ می‌آید: «خدا شما را از آن و از هر تنگا می‌رهاند» (6:64) – و با این حال، چون رهانیده شدند، برای او انباز می گیرند.

**(134)** 6:91 يَجْعَلُونَهُۥ ... يُبْدُونَهَا ... وَيُخْفُونَ · حفص تَجْعَلُونَهُۥ ... تُبْدُونَهَا ... وَتُخْفُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، يَجْعَلُونَهُۥ ... يُبْدُونَهَا وَيُخْفُونَ، به سوم‌پیروی می Abū ʿAmr و Ibn Kathīr Warsh و Hafs ؛«نهند که آن را بر طومارها می» :شخص به دوم شخص می‌خوانند، « که آن را می‌نهید».

کسانی که می گویند «خدا بر هیچ آدمی چیزی فرود نیاورده است» همان کسانی نیستند که نوشتارِ موسی را در دست دارند: متن از این دسته به سوم شخص سخن می گوید، چنان که در جاهای دیگر سوره.

**(135)** 6:109 إِنَّهَا · حفص أَنَّهَآ

ترجمه در اینجا از قرائت Hafs و گشاید؛کند، إِنَّهَا، که اثباتی را می‌پیروی می Abū ʿAmr و Ibn Kathīr Warsh أَنَّهَا می‌خوانند، که پرسش را کامل می کند.

پرسش با «و چه چیز شما را به احساس آن می‌رساند؟» بسته می‌شود، سپس متن اثبات می کند. در جای دیگر همین را بی‌پرسش می گوید: «و حتی اگر هر نشانه‌ای را می‌دیدند، بدان باور نمی‌آوردند» (6:25).

**(136)** 5:47 وَلِيَحْكُمَ · حفص وَلْيَحْكُمْ

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs کند، وَلِيَحْكُمَ، با لامِ غایت؛پیروی می Ḥamza وَلْيَحْكُمْ می‌خوانند، به امر: «و دارندگان انجیل باید داوری کنند».

جمله غایتِ عطای انجیل را می‌گوید، که بندِ پیشین محتوایش را برمی‌شمارد (5:46)؛ نوشتاری داده می‌شود تا با آن داوری شود، چنان‌که در 2:213 و 4:105. وجوبِ داوری را جملهٔ بعد همچنان می‌گوید: «و کسانی که بدانچه خدا فرود آورده است داوری نمی‌کنند» (5:47).

**(137)** 5:112 تَسْتَطِيعُ ... رَبَّكَ · حفص يَسْتَطِيعُ ... رَبُّكَ

ترجمه در اینجا از قرائت پرسش دربارهٔ توانِ عیسی است؛ :کند، هَلْ تَسْتَطِيعُ رَبَّكَ‌پیروی می al-Kisāʾī Warsh و Hafs .(6:37) «تواناست» نیست، او (اسْتَطَاعَ) «توانستن» جا فاعلِ فعلِ‌خدا هیچ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ می‌خوانند، «آیا سرپرست تو می‌تواند...؟».

میزی که سوره نام خود را از آن دارد، از سوی شاگردان درخواست می‌شود، که می‌گویند پیش‌تر باور آورده‌اند. عیسی نخست به آنان پاسخ می‌دهد: «نسبت به خدا محتاط باشید». آنان آنچه را می‌خواهند روشن می‌کنند: خوردن، آرامش یافتن، دانستن، گواه بودن. عیسی درخواست را به صورت دعا از سر می‌گیرد، و خدا آن را با تعهدی می‌پذیرد: هر که پس از آن انکار کند کیفری بی‌همتا خواهد دید. نشانهٔ بخشیده‌شده کسی را که آن را خواسته است متعهد می‌سازد.

**(138)** 5:115 مُنَزِّلُهَا · حفص مُنْزِلُهَا

ترجمه در اینجا از قرائت پرسش دربارهٔ توانِ عیسی است؛ :کند، هَلْ تَسْتَطِيعُ رَبَّكَ‌پیروی می al-Kisāʾī Warsh و Hafs .(6:37) «تواناست» نیست، او (اسْتَطَاعَ) «توانستن» جا فاعلِ فعلِ‌خدا هیچ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ می‌خوانند، «آیا سرپرست تو می‌تواند...؟».

میزی که سوره نام خود را از آن دارد، از سوی شاگردان درخواست می‌شود، که می‌گویند پیش‌تر باور آورده‌اند. عیسی نخست به آنان پاسخ می‌دهد: «نسبت به خدا محتاط باشید». آنان آنچه را می‌خواهند روشن می‌کنند: خوردن، آرامش یافتن، دانستن، گواه بودن. عیسی درخواست را به صورت دعا از سر می‌گیرد، و خدا آن را با تعهدی می‌پذیرد: هر که پس از آن انکار کند کیفری بی‌همتا خواهد دید. نشانهٔ بخشیده‌شده کسی را که آن را خواسته است متعهد می‌سازد.

**(139)** 4:25 بِأَيْمَٰنِكُم · حفص بِإِيمَٰنِكُم

همهٔ قرائت‌های نقل‌شده بِإِيمَانِكُم را حرکت‌گذاری می‌کنند، «باورتان». ترجمه اسکلتِ بِأَيْمَانِكُم را می‌خواند، چنان که نخستین کاربردِ آن در همین بند.

اسکلتِ ایمنکم دو بار در این بند بازمی‌گردد. بار نخست، «سوگندها» خوانده می‌شود: «با یکی از دخترانِ جوان باورمندتان که با سوگند به شما بسته شده‌اند». بار دوم نیز: این بخش ازدواجی را سامان می‌دهد که با سوگند بسته می‌شود، به سببِ نبودِ توان برای پیمانی دیگر، و خدا تعهدهای بسته‌شده را می‌شناسد؛ جملهٔ بعد برابری دو طرف را می‌نهد، «شما از یکدیگرید».

**(140)** 4:25 مُحْصَنَٰتٌ · حفص مُحْصَنَٰتٍ

برای مُحْصَنَٰتٌ غَيْرَ مُسَٰفِحَٰتٍ، ترجمه از قرائت کند، مُحْصِنَٰتٍ، به صورت معلوم؛پیروی می al-Kisāʾī و Warsh و Hafs مُحْصَنَٰتٍ می‌خوانند، «محفوظ‌شدگان».

همین عبارت برای مردان به صورت معلوم خوانده می‌شود، «در حالی که به پیوند زناشویی درمی‌آیید» (4:24)؛ «بی‌بندوبار» و «دارندهٔ دوستان پنهانی» نیز کنش‌هایی از آنِ خودِ زن‌اند.

**(141)** 4:94 ٱلسَّلَمَ · حفص ٱلسَّلَٰمَ

ترجمه در اینجا از قرائت که درشود، چنان‌ی که پیشنهاد می«صلح» کند، ٱلسَّلَمَ؛پیروی می Warsh و Hafs ؛16:87 و 16:28 ،4:91 ،4:90 همین عبارت در ٱلسَّلَٰمَ می‌خواند، سلامِ آشتی.

فرمانِ «به روشنی بازشناسید» دو بار در همین بند گفته می‌شود. متن انگیزهٔ خطا را نام می‌برد: جست‌وجوی کالاهای ناپایدار. و گذشتهٔ خودِ باورمندان را نیز به یادشان می‌آورد: «پیش‌تر شما چنین بودید». داوری دربارهٔ باورِ دیگری برای سود بردن از آن روا نیست.

**(142)** 4:124 يَدْخُلُونَ · حفص يُدْخَلُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت کند، يُدْخَلُونَ، به صورت مجهول؛پیروی می Ibn Kathīr، Abū ʿAmr و Shuʿba و Warsh و Hafs يَدْخُلُونَ می‌خوانند، «درخواهند آمد».

وعده، به صورت مجهول، به تهدیدی که پیش از آن آمده پاسخ می‌دهد: «هر که بدی‌ای کند، بدان بازپرداخت خواهد شد» (4:123). فعلی که در پی می‌آید نیز مجهول است: «و بر آنان ستمی نخواهد رفت». باغ بخشیده می‌شود، نه گشوده: همین وعده، با خدا به‌عنوان فاعل، می‌گوید «آنان را به باغ‌هایی که رودها از زیر آن‌ها جاری است در خواهیم آورد» (4:122). همین عبارت در 19:60 و 40:40 بازمی‌گردد، و به همین شیوه خوانده می‌شود.

**(143)** 3:13 تَرَوْنَهُم · حفص يَرَوْنَهُم

ترجمه در اینجا از قرائت ؛ این بخش«دیدیدآنان را می» :کند، تَرَوْنَهُم، به دوم شخص‌پیروی می Warsh Hafs .، و نگاه، نگاهِ شنوندگان است(3:12-13) کندرا خطاب می «شما» از آغاز تا پایان يَرَوْنَهُم می‌خواند، به سوم شخص.

این بخش از آغاز تا پایان «شما» را خطاب می کند (3:12-13): نگاه، نگاهِ شنوندگانی است که نشانه به آنان داده می‌شود.

**(144)** 3:125 مُسَوَّمِينَ · حفص مُسَوِّمِينَ

ترجمه از قرائت Hafs .، به صورت مجهول(«دارنشان») کند، مُسَوَّمِينَ‌پیروی می Warsh مُسَوِّمِينَ می‌خواند («نشان گذار»)، به صورت معلوم.

این واژه از ریشهٔ س و م است، ریشهٔ نشانی که متمایز می کند. با قرائتِ پیروی‌شده، کارگزاران‌اند که نشان را بر خود دارند: بازشناخته می‌شوند، و با پیکارگران درنمی‌آمیزند. بندِ پیشین از «سه هزار کارگزار فرود آورده‌شده» (3:124) سخن می گفت؛ این بند پنج هزار را اعلام می کند، که با نشانشان متمایزند.

**(145)** 3:146 قُتِلَ · حفص قَتَلَ

ترجمه در اینجا از قرائت ،Qalun ، که«کشته شدند» :کند، قُتِلَ، به صورت مجهول‌پیروی می Warsh سان بند به پرسشِ‌بدین .«جنگیدند» خواند،قَتَلَ می Hafs .نیز آن را دارند Abu ʿAmr و Ibn Kathir 3:144 پاسخ می‌دهد، که با همین فعل مطرح شده است.

پس از پرسش دربارهٔ فرستاده‌ای که کشته شود، «پس اگر بمیرد، یا کشته شود، آیا بر پاشنه‌های خود واپس می‌چرخید؟» (3:144)، متن پیشینه را می‌آورد: اطلاع‌دهندگانی کشته شدند، و کسانی که در کنارشان بودند نه سست شدند، نه ناتوان، نه تسلیم. تنها سخنشان درخواستِ بخشایش است، و «زیاده‌روی‌ها»ی خودشان را نام می‌برد، پیش از آنکه استواریِ گام‌ها را بخواهد. واژهٔ رِبِّيُّونَ آنان را به سرپرست پیوند می‌دهد، چنان که «سروران معنوی» در 3:79.

**(146)** 2:62 وَٱلصَّٰبِينَ · حفص وَٱلصَّٰبِـِٔينَ

ترجمه در اینجا از قرائت Hafs .همزه کند، ٱلصَّٰبِينَ، بی‌پیروی می Warsh ٱلصَّٰبِـِٔينَ می‌خواند، با همزه.

بی‌همزه، واژه به ص ب و بازمی گردد، میل کردن به سوی، آرزو داشتن، چنان که در «به سوی آنان میل خواهم کرد» (12:33، أَصْبُ). آرزومندان کسانی‌اند که بی‌آنکه نوشتاری دریافت کرده باشند به سوی آفریننده می گرایند. بند آنان را در کنار باورمندان، بازگرایان و یاری‌رسانان نام می‌برد، و آنان را با همان معیار داوری می کند: باور آوردن به خدا و روز واپسین، و به‌جا آوردن کردار شایسته.

**(147)** 2:85 يَعْمَلُونَ · حفص تَعْمَلُونَ

ترجمه در اینجا از قرائت نیز آن Ibn Kathir و Shuʿba کند، يَعْمَلُونَ، به سوم شخص، که‌پیروی می Warsh Hafs .را دارند تَعْمَلُونَ می‌خواند، «از آنچه می کنید».

جمله از شخصِ بافت خود پیروی می کند: درست پیش از آن، «و در روز حضور، به سوی سخت‌ترین کیفر بازگردانده خواهند شد» (2:85)؛ درست پس از آن، «اینان‌اند کسانی که زندگی نزدیک را به بهای زندگی واپسین خریدند» (2:86). همین عبارت در جاهای دیگر نیز از بافت خود پیروی می کند: «از آنچه می کنند» در 2:144، «از آنچه می کنید» در 2:149.

**(148)** 2:102 ٱلْمَلَكَيْنِ · حفص ٱلْمَلَكَيْنِ

ترجمه در اینجا Warsh و Hafs خواند، دو پادشاه، بر همان اسکلت حروفِ ٱلْمَلَكَيْنِ، که‌می al-malikayn al-malakayn آن را، دو کارگزار، حرکت گذاری می کنند.

در متن، کارگزاران آنچه را فرود می‌آید می‌رسانند؛ آن را دریافت نمی کنند. اما آنچه در اینجا وصف شده بر آن دو، در بابل، فرود آمده است. قرائتِ سازد، هاروت‌آن دو را دو پادشاه می al-malikayn و به هر» :بیند، که خدا به آنان دانشی دادو ماروت؛ یک خوانش در آنان داوود و سلیمان را می (21:79) «یک از آن دو داوری و دانش دادیم. این دانش برای کسی که از آن بد بهره گیرد آزمونی می‌شود.

**(149)** 2:125 وَٱتَّخَذُواْ · حفص وَٱتَّخِذُواْ

ترجمه در اینجا از قرائت :نیز آن را دارد Ibn ʿAmir کند، وَٱتَّخَذُواْ، به ماضی، که‌پیروی می Warsh Hafs .شده و نه فرمانی‌رویدادی گزارش وَٱتَّخِذُواْ می‌خواند، به امر: «و برگیرید».

خانه برای انسان‌ها «جایی برای بازگشت و امنیت» (2:125) ساخته شده است، و ایستگاه ابراهیم جایی برای تماس شده است: متن رویدادی را گزارش می‌کند. این ایستگاه را دوباره در میان نشانه‌های خانه نام می‌برد: «ایستگاه ابراهیم» (3:97). آن را وصف نمی‌کند؛ آن را به کسی پیوند می‌دهد که شالوده‌های خانه را بالا برد (2:127).

**(150)** 2:148 مُوَلَّاهَا · حفص مُوَلِّيهَا

ترجمه در اینجا از قرائت Warsh و Hafs .کند، هُوَ مُوَلَّاهَا، به اسم مفعول‌پیروی می Ibn ʿAmir هُوَ مُوَلِّيهَا می‌خوانند، «که به سوی آن روی می‌آورد».

ترجمه در اینجا اسم مفعول را می‌خواند: هر کس را سویی است «که راستا به سوی آن به او داده شده است». این فعلِ 2:144 است، «پس بی‌گمان نقطهٔ تجمعی را که تو را خشنود کند راستای تو قرار خواهیم داد»، که خدا فاعل آن است: در سراسر این بخش، اوست که نقطهٔ تجمع را می‌نهد. متن نمی‌خواهد این گوناگونی را از میان بردارد، بلکه کاربردی به آن می‌دهد: «پس در بهترین‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید». فعلِ ٱسْتَبِقُواْ، باب هشتمِ س ب ق، مسابقه‌ای را می‌گوید که در آن هر کس می‌کوشد از دیگری پیشی گیرد. جملهٔ بعد آنچه را سوها پراکنده می‌کنند گرد می‌آورد: «هر جا که باشید، خدا همهٔ شما را باز خواهد آورد» (2:148). همین رشته در 5:48 بازمی‌گردد: «برای هر یک از شما قانونی و راهی قرار دادیم»، سپس «پس در بهترین بر یکدیگر پیشی گیرید» و بازگشتِ همگان به سوی خدا.

**(151)** 2:259 نُنشِرُهَا · حفص نُنشِزُهَا

ترجمه از قرائت ،al-Bazzī ،Qālūn ، که(«دهیم‌ها را گسترش می‌آن») کند، نُنشِرُهَاپیروی می Warsh Hafs .خوانندنیز چنین می as-Sūsī و ad-Dūrī ،Qunbul نُنشِزُهَا می‌خواند («آن‌ها را برمی‌افرازیم»، ریشهٔ ن ش ز).

واژهٔ نُنشِرُهَا از ریشهٔ ن ش ر است، ریشهٔ همان گسترشی که متن به مردگان وعده می‌دهد: «گسترش چنین خواهد بود» (35:9). روایت در اینجا این گسترش را در اندازه‌ای کوچک نشان می‌دهد: استخوان‌هایی که خدا آن‌ها را می‌گستراند، سپس در جامهٔ گوشت می‌پوشاند. بندِ بعد همین پرسش را با واژه‌هایی روشن می‌نهد: «سرپرست من، به من نشان ده چگونه مردگان را دوباره زنده می‌کنی» (2:260).

**(152)** 2:271 وَنُكَفِّرْ · حفص وَيُكَفِّرُ

ترجمه در اینجا از قرائت و ما بخشی از کارهای بد شما» :کند، وَنُكَفِّرْ، به اول شخص‌پیروی می Warsh .پوشاند؛ در جاهای دیگر نیز، خداست که کارهای بد را می4:31 که در، چنان«را خواهیم پوشاند Warsh .خواندویُكَفِّرُ می Hafs همچنین يُحْسِبْهُمُ را با کسره می‌خواند، بی‌اثر بر معنا.

در همه جای دیگر، خداست که کارهای بد را می‌پوشاند؛ ساختار همان ساختارِ 4:31 است: شرطی، سپس «خواهیم پوشاند».

**(153)** 2:285 يُفَرِّقُ · حفص نُفَرِّقُ

ترجمه در اینجا از قرائت لَا نُفَرِّقُ Warsh و Hafs .کند، لَا يُفَرِّقُ، به سوم شخص‌پیروی می Yaʿqūb 3:84 و 2:136 که در اقرارِ، به اول شخص، چنان«نه‌هیچ تمایزی نمی» خوانند،می، که با «بگویید» و «بگو» آغاز می‌شود.

فاعل «همه» است، با فعلی مفرد: «همه به خدا، کارگزاران او، نوشتارهایش، و فرستادگانش باور آوردند» (2:285). قرائتِ پیروی‌شده همین فاعل را نگه می‌دارد: هر یک باور آورد بی‌آنکه میان فرستادگان تمایزی بنهد. روایتِ همزاد همین را به سوم شخص می‌گوید: «و میان هیچ‌یک از آنان فرقی نگذاشتند» (4:152). سخن باورمندان تنها پس از آن آغاز می‌شود: «و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم» .(2:285)

**(154)** 1:3 مَلِكِ · حفص مَٰلِكِ

ترجمه در اینجا از قرائت ،ʿAmr Abū ،Ibn Kathīr ،Qālūn ، که«پادشاه» کند، مَلِكِ،پیروی می Warsh Hafs اند؛نیز در آن شریک Ḥamza و Ibn ʿĀmir مَٰلِكِ می‌خواند، «مالک».

«شهریار» پادشاهی را برمی‌گرداند که بر آن روز فرمان می‌راند، چنان‌که «فرمانروای انسان‌ها» (114:2) و «فرمانروا، والاپایه» (59:23)، که در آن‌ها صورت در همهٔ قرائت‌ها مَلِكِ است.

# چگونه ترجمه می‌کنیم

این ترجمه برداشتِ AbuIlyass است. جز برای متن قرآن مرجعیتی نمی‌شناسد: هر واژه در آن با ریشه‌اش، با دیگر کاربردهایش در قرآن و با جمله‌ای که آن را دربر دارد فهمیده می‌شود.

**تنها متن.** هرگاه دو معنا ممکن باشد، بخشی دیگر از قرآن داوری می‌کند.

**یک ریشه، یک واژه.** هر ریشهٔ عربی از آغاز تا پایان کتاب همان واژهٔ فارسی را نگه می‌دارد، تا خواننده آن را در زیر واژه بازیابد. فرهنگ ریشه‌ها هر گزینش را توضیح می‌دهد.

**بی‌هیچ افزوده.** ترجمه آنچه را متن نمی‌گوید بر زبان آن نمی‌نهد: نه قلاب، نه شرح.

**تصمیمی انسانی.** دو هوش مصنوعی پیشنهاد می‌دهند و با یکدیگر مخالفت می‌کنند؛ AbuIlyass بررسی می‌کند، داوری می‌کند و سخن آخر از آنِ اوست.

متن چندین بار از آغاز تا پایان، به عربی و در ترجمه، بازخوانی شده است. ترجمه مهرشده است: دیگر جز با دلیلی برگرفته از متن تغییر نمی‌کند.

فرهنگ ریشه‌ها، یادداشت‌های مطالعه و روش کامل در al-quran.fr آمده‌اند.

*«پس آیا در خوانش تأمل نمی‌کنند؟» «و اگر از جانب غیر خدا می‌بود، در آن اختلاف بسیار می‌یافتند.» (4:82)*

# فهرست سوره‌ها


| | | |
|---|---|---|
| 114 | An-Nas الناس | 10 |
| 113 | Al-Falaq الفلق | 11 |
| 112 | Al-Ikhlas الاخلاص | 12 |
| 111 | Al-Masad المسد | 13 |
| 110 | An-Nasr النصر | 14 |
| 109 | Al-Kafirun الكافرون | 15 |
| 108 | Al-Kawthar الكوثر | 16 |
| 107 | Al-Ma'un الماعون | 17 |
| 106 | Quraysh قريش | 18 |
| 105 | Al-Fil الفيل | 19 |
| 104 | Al-Humaza الهمزة | 20 |
| 103 | Al-Asr العصر | 21 |
| 102 | At-Takathur التكاثر | 22 |
| 101 | Al-Qari'a القارعة | 23 |
| 100 | Al-Adiyat العاديات | 24 |
| 99 | Az-Zalzala الزلزلة | 25 |
| 98 | Al-Bayyina البينة | 26 |
| 97 | Al-Qadr القدر | 28 |
| 96 | Al-Alaq العلق | 29 |
| 95 | At-Tin التين | 31 |
| 94 | Ash-Sharh الانشراح | 32 |
| 93 | Ad-Duha الضحى | 33 |
| 92 | Al-Layl الليل | 35 |
| 91 | Ash-Shams الشمس | 37 |
| 90 | Al-Balad البلد | 38 |
| 89 | Al-Fajr الفجر | 40 |
| 88 | Al-Ghashiya الغاشية | 42 |
| 87 | Al-A'la الاعلى | 44 |
| 86 | At-Tariq الطارق | 46 |
| 85 | Al-Buruj البروج | 48 |
| 84 | Al-Inshiqaq الانشقاق | 50 |
| 83 | Al-Mutaffifin المطففين | 52 |
| 82 | Al-Infitar الانفطار | 55 |
| 81 | At-Takwir التكوير | 57 |
| 80 | Abasa عبس | 59 |
| 79 | An-Nazi'at النازعات | 62 |
| 78 | An-Naba النبا | 65 |
| 77 | Al-Mursalat المرسلات | 70 |
| 76 | Al-Insan الانسان | 74 |
| 75 | Al-Qiyama القيامة | 78 |
| 74 | Al-Muddaththir المدثر | 81 |
| 73 | Al-Muzzammil المزمل | 86 |
| 72 | Al-Jinn الجن | 90 |
| 71 | Nuh نوح | 94 |
| 70 | Al-Ma'arij المعارج | 98 |
| 69 | Al-Haqqa الحاقة | 102 |
| 68 | Al-Qalam القلم | 107 |
| 67 | Al-Mulk الملك | 114 |
| 66 | At-Tahrim التحريم | 120 |
| 65 | At-Talaq الطلاق | 124 |
| 64 | At-Taghabun التغابن | 129 |
| 63 | Al-Munafiqun المنافقون | 134 |
| 62 | Al-Jumu'a الجمعة | 138 |
| 61 | As-Saff الصف | 141 |
| 60 | Al-Mumtahana الممتحنة | 144 |
| 59 | Al-Hashr الحشر | 150 |
| 58 | Al-Mujadala المجادلة | 158 |
| 57 | Al-Hadid الحديد | 166 |
| 56 | Al-Waqi'a الواقعة | 175 |
| 55 | Ar-Rahman الرحمن | 181 |

54 Al-Qamar القمر 189
53 An-Najm النجم 196
52 At-Tur الطور 202
51 Adh-Dhariyat الذاريات 208
50 Qaf ق 215
49 Al-Hujurat الحجرات 223
48 Al-Fath الفتح 229
47 Muhammad محمد 238
46 Al-Ahqaf الاحقاف 246
45 Al-Jathiya الجاثية 255
44 Ad-Dukhan الدخان 263
43 Az-Zukhruf الزخرف 270
42 Ash-Shura الشورى 284
41 Fussilat فصلت 298
40 Ghafir غافر 310
39 Az-Zumar الزمر 328
38 Sad ص 348
37 As-Saffat الصافات 363
36 Ya-Sin يس 379
35 Fatir فاطر 392
34 Saba سبأ 405
33 Al-Ahzab الاحزاب 418
32 As-Sajda السجدة 436
31 Luqman لقمان 442
30 Ar-Rum الروم 452
29 Al-Ankabut العنكبوت 464
28 Al-Qasas القصص 482

27 An-Naml النمل 503
26 Ash-Shu'ara الشعراء 520
25 Al-Furqan الفرقان 544
24 An-Nur النور 557
23 Al-Mu'minun المؤمنون 576
22 Al-Hajj الحج 593
21 Al-Anbiya الانبياء 612
20 Ta-Ha طه 632
19 Maryam مريم 652
18 Al-Kahf الكهف 669
17 Al-Isra الاسراء 691
16 An-Nahl النحل 714
15 Al-Hijr الحجر 742
14 Ibrahim ابراهيم 753
13 Ar-Ra'd الرعد 765
12 Yusuf يوسف 779
11 Hud هود 805
10 Yunus يونس 835
9 At-Tawba التوبة 865
8 Al-Anfal الانفال 902
7 Al-A'raf الاعراف 921
6 Al-An'am الانعام 973
5 Al-Ma'ida المائدة 1021
4 An-Nisa النساء 1061
3 Al-Imran ال عمران 1114
2 Al-Baqara البقرة 1166
1 Al-Fatiha الفاتحة 1261

کتابخانهٔ AL-QURAN.FR

# مجموعه

1. **خوانش )قرآن)** — *متن عربی و ترجمهٔ فارسی*
2. **فرهنگ ریشه‌ها، جلد 1** — *معنای هر ریشه، از ا تا ض*
3. **فرهنگ ریشه‌ها، جلد 2** — *از ط تا ي، و واژه‌های دستوری*
4. **حروف مقطعه** — *آنچه هر حرف می‌گوید، به‌تنهایی و همراه دیگر حروف*
5. **قرآن در آینه** — *روایت از سورهٔ 114 تا سورهٔ 1، صحنه به صحنه*
6. **کتابی که خود را روایت می‌کند** — *چگونه آمد، چگونه خوانده می‌شود، چه می‌خواهد*
7. **خوانش، از 114 تا 1** — *متن عربی و ترجمه، در دوازده بخش و یک درگاه*

---

همهٔ متن‌ها آزادند و در al-quran.fr در دسترس‌اند.